



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



اربعین
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

صحیفہ رضویہ



مجموعہ از زندگی انعام دار و عالم و زیارت الہی کہ از حضرت امام رضا (ع)
روایت شد و یاد و یاد آن حضرت از بقیۃ الامان چو نقل گردید و است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صحیفه رضویه / الصحیفه الرضویه (علیه السلام)

نویسنده:

مرتضی مجتهدی سیستانی

ناشر چاپی:

الماس

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
صحیفه رضویه	۲۲
مشخصات کتاب	۲۲
اشاره	۲۳
فهرست مطالب	۲۷
هشت سوره از قرآن	۶۴
اشاره	۶۴
۱. سوره «یس»	۶۴
۲. سوره «الرحمن»	۷۴
۳. سوره «إنسان»	۸۰
۴. سوره «قدر»	۸۵
۵. سوره «زلزلت»	۸۵
۶. سوره «عادیات»	۸۸
۷. سوره «نصر»	۹۰
۸. سوره «کافرون»	۹۰
مقدمه	۹۱
سخنانی پیرامون حرم حضرت امام رضا علیه السلام پیگیری اعداد و ارقام	۹۱
اشاره	۹۱
از «صفر» تا «یک دلی»	۹۱
«دو زیارت» و «دو حرم»!	۹۲
موالید «سه گانه»	۹۳
«چهار گوشه ضریح»	۹۴
«پنج گنج انسان»	۹۵
برتر از «شش طاق پادشاهی»	۹۶

۹۷	«قبله هفتم»
۹۸	«امام هشتم»
۹۹	«تُه فلک»
۹۹	«بازده اختر فروزان»
۹۹	«امام دوازدهم»
۱۰۰	«سیزده بار» هدایت و رحمت
۱۰۰	«چهارده معصوم علیهم السلام»
۱۰۱	الفبایی درباره حرم و آداب زیارت
۱۰۶	چند نکته دیگر
۱۰۸	گفتار حضرت امام رضاعلیه السلام
۱۰۹	بمب گذاری در حرم حضرت امام رضاعلیه السلام
۱۱۱	آیا بمب گذار حرم را می شناسید؟!
۱۱۶	راهنمایی حضرت امام رضاعلیه السلام درباره شناخت افراد
۱۱۸	دوستان منافق
۱۱۹	عظمت حرم حضرت امام رضاعلیه السلام در کلام آن بزرگوار
۱۲۱	توسّل به اهل بیت علیهم السلام
۱۲۲	فضیلت نماز در حرم ائمه علیهم السلام
۱۲۲	فضیلت زمین نجف، کربلا و طوس
۱۲۴	دعا در حرم حضرت امام رضاعلیه السلام
۱۲۵	«هشت» روایت از معصومین علیهم السلام درباره ثواب زیارت امام هشتم علیه السلام
۱۲۹	«هشت» روایت از امام هشتم علیه السلام درباره ثواب زیارت آن حضرت
۱۳۵	چه کسانی زیارتشان پذیرفته می شود؟
۱۳۹	گوشه ای از اخلاق و رفتار حضرت امام رضاعلیه السلام
۱۴۰	هدیه حضرت امام رضاعلیه السلام
۱۴۱	درس حضرت امام رضاعلیه السلام به نیازمندان و هشدار آن حضرت به ثروتمندان
۱۴۲	سلام و پیام حضرت امام رضاعلیه السلام به دوستان خویش

۱۴۳	خداام حضرت امام رضاعليه السلام
۱۴۴	کودک بالیمان در خدمت حضرت امام رضاعليه السلام
۱۴۶	درسی از این روایت
۱۴۷	یک بحث مهم اخلاقی
۱۴۸	مرگ شخصی بهتر است یا حیات همگانی؟! -
۱۵۰	اشعار دعبل در خدمت امام رضاعليه السلام
۱۵۱	گریستن حضرت امام رضاعليه السلام برای امام زمان ارواحنا فداه
۱۵۶	حضرت امام رضاعليه السلام و گریه اهل آسمان و زمین برای امام زمان ارواحنا فداه
۱۵۷	دعای حضرت امام رضاعليه السلام برای امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه
۱۵۸	فرمان حضرت امام رضاعليه السلام به دعا نمودن برای امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه
۱۶۲	دو نقطه مشترک در امام رضاعليه السلام و امام زمان ارواحنا فداه
۱۶۲	اشاره
۱۶۲	۱ - بحث، اقامه برهان و دلیل
۱۶۲	اشاره
۱۶۸	نمونه دیگری از بحث های حضرت امام رضاعليه السلام با دانشمندان بزرگ آن زمان
۱۷۸	۲ - امام زمان ارواحنا فداه و اقامه برهان و دلیل
۱۷۸	اشاره
۱۷۹	۲ - رأفت و مهربانی
۱۷۹	۱ - رأفت و مهربانی حضرت امام رضاعليه السلام
۱۷۹	اشاره
۱۸۰	جنازه یک شیعه و حضرت امام رضاعليه السلام
۱۸۱	جوان گنهکارولی از دوستان حضرت امام رضاعليه السلام
۱۸۳	۲ - مهربانی و رأفت امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه
۱۸۳	اشاره
۱۸۴	یک جریان بسیار مهم یا مهربانی حضرت امام رضاعليه السلام و امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه به دو جوان مسیحی
۱۹۳	بخش اول

هشت نماز زیارت	۱۹۳
نماز اول	۱۹۳
نماز دوم	۱۹۴
نماز سوم	۱۹۴
نماز چهارم	۱۹۴
نماز پنجم	۱۹۵
نماز زیارت در سفر نیابتی	۱۹۶
نماز زیارت به نیابت از شخص خاص	۱۹۷
نماز زیارت در سفر نیابتی	۱۹۷
بخش دوم	۱۹۹
هشت نماز حاجت	۱۹۹
نماز حاجت در حرم حضرت امام رضاعلیه السلام	۱۹۹
نماز حاجت یا نماز رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم	۲۰۰
نماز حاجت، از حضرت امام رضاعلیه السلام	۲۰۱
نماز دیگر برای حاجت از حضرت امام رضاعلیه السلام	۲۰۲
نیز نماز دیگر برای حاجت از حضرت امام رضاعلیه السلام	۲۰۳
نماز حاجت در روز جمعه از حضرت امام رضاعلیه السلام	۲۰۴
نماز حاجت (مخصوص ازدواج)	۲۰۶
بخش سوم	۲۰۹
هشت نماز از حضرت امام رضاعلیه السلام	۲۰۹
نماز حضرت امام رضاعلیه السلام به روایت دیگر	۲۰۹
نیز نماز حضرت امام رضاعلیه السلام به روایت دیگر	۲۱۰
نماز استخاره	۲۱۱
نماز استخاره به گونه دیگر	۲۱۱
نماز هنگام سفر	۲۱۲
نماز هنگام سفر	۲۱۳

۲۱۴	نماز جناب جعفر طیار
۲۱۴	اشاره
۲۱۶	ثواب نماز جناب جعفر طیار در حرم حضرت امام رضا علیه السلام
۲۱۹	بخش چهارم
۲۱۹	هشت روایت از حضرت امام رضا علیه السلام درباره نماز در روزهای معتین
۲۱۹	نماز شب و صبح و روز جمعه
۲۱۹	نافله های روز جمعه
۲۲۰	نماز شب نیمه شعبان
۲۲۰	نماز جمعه، عید فطر و قربان
۲۲۱	نماز شب نیمه شعبان
۲۲۲	نماز در روز ششم ماه مبارک رمضان
۲۲۲	نمازهای رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم ...
۲۲۴	نماز و دعای روز اول محرم
۲۲۴	نماز و دعای روز اول محرم
۲۲۶	عَلَّت تشریع نمازهای واجب
۲۲۷	عَلَّت تشریع نمازهای واجب
۲۲۸	عَلَّت تشریع تعداد رکعت های نمازهای واجب
۲۲۹	عَلَّت تشریع تعداد تکبیر در اول نمازهای واجب
۲۳۰	عَلَّت تشریع تعداد تکبیر در ...
۲۳۱	عَلَّت تشریع تعداد تکبیر در نماز میت
۲۳۲	عَلَّت تشریع نمازهای واجب و نافله
۲۳۳	بخش پنجم
۲۳۳	هشت دعا در قنوت نمازها
۲۳۳	دعا در قنوت نمازها
۲۳۴	دعای دیگر در قنوت نمازها
۲۳۴	دعای قنوت حضرت امام رضا علیه السلام در نماز جمعه

۲۳۵ دعای قنوت در نماز عید فطر و قربان
۲۳۶ دعا در قنوت نماز وتر
۲۳۷ دعا در قنوت نماز وتر
۲۳۸ دعای قنوت امام رضا علیه السلام ...
۲۴۰ دعای قنوت در نماز کسوف
۲۴۱ بخش ششم
۲۴۱ هشت دعا و ذکر از ادعیه و اذکار بعد از نمازهای واجب
۲۴۱ دعای بعد از نماز صبح
۲۴۳ دعا بعد از هر نماز واجب برای درخواست روزی
۲۴۴ ذکر «یا رَحمن یا رَحیم» بعد از هر نماز
۲۴۴ ذکر بعد از نماز صبح
۲۴۵ ذکر بعد از نماز صبح و مغرب
۲۴۶ ذکر بعد از نماز عصر
۲۴۶ ذکر دیگر بعد از نماز عصر
۲۴۷ بخش هفتم
۲۴۷ هشت دعا
۲۴۷ دعا بعد از نماز جناب جعفر طیار
۲۴۸ دعای فرج بعد از نماز حاجت
۲۶۲ دعای حضرت امام رضا علیه السلام پس از هشت رکعت نماز شب
۲۶۳ دعا پس از نماز در مقام جبرئیل علیه السلام
۲۶۴ دعا پس از نماز زیارت به نیابت از دیگران
۲۶۴ دعا پس از نماز زیارت به نیابت از شخص خاص
۲۶۵ دعا پس از نماز زیارت در سفر نیابتی
۲۶۷ بخش هشتم
۲۶۷ هشت دعا در سجده
۲۶۷ دعای طلب خیر در سجده

۲۶۸	دعا در سجده پس از نماز ظهر
۲۶۹	ذکر سجده شکر
۲۶۹	ذکر دیگر سجده شکر
۲۷۰	دعای حضرت امام رضاعلیه السلام در سجده
۲۷۱	دعا در سجده نماز
۲۷۲	دعا در سجده سهو
۲۷۲	دعای سجده هنگام مشکلات
۲۷۳	بخش نهم
۲۷۳	هشت دعای دعاهاى هر روز
۲۷۳	دعای مهتی برای اداء حقوق خداوند
۲۷۴	دعای ایام غیبت که حضرت امام رضا علیه السلام
۲۷۴	دعای ایام غیبت ...
۲۸۰	دعای ایام غیبت، به روایتی دیگر
۲۸۰	دعای ایام غیبت به روایتی دیگر
۲۸۸	دعا برای محشورشدن با حضرت امام رضاعلیه السلام
۲۸۸	دعای محشور شدن با اهل بیت علیهم السلام
۲۸۹	دعای توبه، هنگام شنیدن اذان صبح و مغرب
۲۸۹	دعای هر روز بعد از اقامه و قبل از نماز
۲۹۰	دعای ساعت هشتم هر روز
۲۹۱	دعای دیگر در ساعت هشتم هر روز
۲۹۳	بخش دهم
۲۹۳	هشت عمل عبادی در رابطه با ایام هفته
۲۹۳	نماز هدیه به حضرت امام رضاعلیه السلام در روز یکشنبه
۲۹۵	زیارت حضرت امام رضا علیه السلام و ...
۲۹۶	زیارت دیگر حضرت امام رضا علیه السلام در روز چهارشنبه
۲۹۸	طلب حاجت در روز پنجشنبه

۲۹۸	دعای امام رضا علیه السلام در روز جمعه
۲۹۹	دعای حضرت امام رضا علیه السلام در روز جمعه
۳۰۰	صد مرتبه صلوات در روز جمعه
۳۰۱	صلوات در عصر جمعه
۳۰۱	اشاره
۳۰۱	جواز شعر خواندن در شب جمعه و ماه مبارک رمضان
۳۰۳	بخش یازدهم
۳۰۳	هشت ماه و اعمال عبادی آن ها
۳۰۳	اشاره
۳۰۳	ماه مبارک رمضان
۳۰۳	حضرت امام رضا علیه السلام و نقل خطبه رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم
۳۰۶	فضیلت ماه مبارک رمضان در گفتار حضرت امام رضا علیه السلام
۳۰۷	دعای مهمّ در سحرهای ماه مبارک رمضان
۳۱۱	نکته ای درباره جریان ولایتعهدی
۳۱۴	دعای حضرت امام رضا علیه السلام هنگام ولایتعهدی
۳۱۶	پانزدهم ماه مبارک رمضان
۳۱۸	فضیلت شب های قدر
۳۱۹	ماه شوال
۳۱۹	اعمال روز عید فطر
۳۲۰	رفتن حضرت امام رضا علیه السلام برای خواندن نماز عید فطر
۳۲۴	ماه ذی القعدة
۳۲۴	ولادت حضرت امام رضا علیه السلام
۳۲۷	روز ششم و بیست و سوم ذی القعدة
۳۲۸	زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در روز بیست و سوم ذی القعدة
۳۲۹	زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در روز بیست و پنجم ذی القعدة (دحو الأرض)
۳۳۱	ماه ذی الحجه

دعای روز عرفه	۳۳۱
نماز عید قربان	۳۳۱
فضیلت روز عید غدیر	۳۳۳
کلام حضرت امام رضا علیه السلام درباره خطبه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر	۳۳۵
گفتار حضرت امام رضا علیه السلام درباره ایام عاشورا	۳۴۹
روز عاشورا	۳۵۱
لعن بر یزید و پیروان او لعنه الله علیهم	۳۵۱
دعای حضرت فاطمه علیها السلام در روز قیامت	۳۵۲
اماه صفر	۳۵۴
زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در روز شهادت آن حضرت	۳۵۴
کیفیت شهادت و دفن حضرت امام رضا علیه السلام	۳۵۴
روایت دیگر درباره شهادت حضرت امام رضا علیه السلام	۳۶۰
ماه رجب	۳۶۹
ثواب روزه در ماه رجب	۳۶۹
ثواب زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در ماه رجب	۳۷۱
زیارت رجبیه	۳۷۱
ماه شعبان	۳۷۴
ثواب روزه و استغفار در ماه شعبان	۳۷۴
ثواب روزه و صدقه در ماه شعبان	۳۷۵
دعا در هر روز ماه شعبان	۳۷۵
نماز و... در شب نیمه شعبان	۳۷۶
زیارت امام حسین علیه السلام در روز نیمه ماه رجب و نیمه ماه شعبان	۳۷۶
دعا در روزهای آخر ماه شعبان	۳۷۷
بخش دوازدهم	۳۷۸
هشت دعا برای حفظ شدن از گرفتاری ها	۳۷۸
دعای توجّه به خداوند در بازار برای حفظ نفس	۳۷۸

دعا برای حفظ شدن از انواع بلا	۳۷۹
دعا برای حفظشدن از گرفتاری در سفر	۳۷۹
دعا برای حفظشدن در سفر	۳۸۰
دعا برای حفظشدن از گرفتاری هنگام خروج از منزل	۳۸۲
دعای دیگر هنگام خارج شدن از منزل	۳۸۲
دعا برای حفظ شدن در شب	۳۸۳
تسبیح حضرت زهراعلیها السلام و «آیه الکرسی» برای حفظ شدن از گرفتاری ها	۳۸۴
بخش سیزدهم	۳۸۶
هشت دعا برای نجات از گرفتاری ها	۳۸۶
دعا برای برطرف شدن گرفتاری های مهم	۳۸۶
دعای دیگر هنگام گرفتاری های سخت	۳۹۱
دعا برای برطرف شدن هر درد و مرض	۳۹۲
دعای دیگر برای برطرف شدن هر درد و مرض	۳۹۲
دعا برای رهایی از چشم خوردگی	۳۹۳
دعا برای برطرف شدن سحر	۳۹۳
دعا برای برطرف شدن تب	۳۹۴
ادعا برای پیدا شدن گمشده	۳۹۵
بخش چهاردهم	۳۹۶
هشت دعا برای نجات از شرّ ظالم	۳۹۶
نفرین دشمنان	۳۹۶
دعا برای غلبه بر دشمن و ناراحتی های دیگر	۳۹۶
دعای حجاب و حفظشدن از شرّ دشمنان	۳۹۷
دعا برای وارد شدن بر کسی که انسان از شرّ او می ترسد	۳۹۸
دعا برای برطرف شدن شرّ ظالم	۳۹۹
دعای دیگر برای نجات از شرّ ظالم	۴۰۱
دعا برای سرکوب شدن دشمن و برطرف شدن ناراحتی های دیگر	۴۰۲

۴۰۳	دعا برای غلبه بر ظالم
۴۰۴	بخش پانزدهم
۴۰۴	هشت حرز از حضرت امام رضا علیه السلام
۴۰۷	حرز دیگری نیز به نام رقعہ الجیب
۴۰۹	حرز دیگری از حضرت امام رضا علیه السلام
۴۱۰	حرز دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام برای برطرف شدن بیماری
۴۱۱	حرز دیگری از حضرت امام رضا علیه السلام
۴۲۲	حرز حضرت امام رضا علیه السلام و...
۴۲۴	حرز دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام
۴۲۷	حرز برای حفظ از شر دشمنان اهل بیت علیهم السلام
۴۳۰	بخش شانزدهم
۴۳۰	هشت دستور برای برطرف شدن هشت بیماری
۴۳۰	دعا برای درد چشم
۴۳۰	دعا برای برطرف شدن صرع
۴۳۱	دعا برای برطرف شدن سردرد
۴۳۱	دعا برای برطرف شدن سل
۴۳۲	دستور برای فرزنددار شدن و برطرف شدن مریضی
۴۳۲	دعا برای رفع زگیل
۴۳۳	دستور برای بواسیر
۴۳۴	بخش هفدهم
۴۳۴	هشت دستور برای وسعت رزق و رفع فقر
۴۳۴	دعا برای طلب رزق
۴۳۵	دعا هنگام رسیدن نعمت و کم شدن رزق و وارد شدن حزن و اندوه
۴۳۵	دعا برای طلب روزی
۴۳۶	گفتن اذان برای رفع فقر
۴۳۶	دستور برای برکت مال

۴۳۷	دعای دیگر در هر روز برای برطرف شدن فقر
۴۳۸	دعا برای حفظ چیزی که خریداری شده
۴۳۸	دعا برای حفظشدن مال از تلف شدن و...
۴۴۰	بخش هیجدهم
۴۴۰	هشت دعای مهم
۴۴۰	دعای توحید
۴۴۲	دعای مهمتی در عظمت خداوند
۴۴۳	دعای مهمتی دیگری از حضرت امام رضاعلیه السلام
۴۴۵	دعای حمد و شکرگزاری
۴۴۶	دعای مهمتی برای عافیت و عاقبت بخیر شدن
۴۴۷	ادعای تنزیه خداوند
۴۴۷	صلوات مهمتی حضرت امام رضا علیه السلام
۴۴۸	دعای مهمتی حضرت امام رضاعلیه السلام در لعن
۴۵۲	بخش نوزدهم
۴۵۲	هشت دعای بسیار مهمتی که حضرت امام رضاعلیه السلام نقل کرده اند
۴۵۲	دعای مهمتی که حضرت امام رضاعلیه السلام
۴۶۴	دعای مهمتی در ستایش خداوند
۴۶۵	دعای صبح
۴۷۱	دعای دیگر بعد از دعای صبح
۴۷۲	استغفار بسیار مهمتی
۴۸۰	نود و نه اسم خداوند
۴۸۲	دعای مهمتی برای طلب خیر
۴۸۳	دعای مهمتی برای رفع ترس و غم ...
۴۸۶	بخش بیستم
۴۸۶	هشت دعای متفرقه
۴۸۶	دعا هنگام رؤیت هلال

۴۸۷	دعا در روز دهم و یازدهم هر ماه
۴۸۸	دعای عافیت
۴۸۸	دعا هنگام خوردن غذا یا شیر
۴۸۹	دعا هنگام شادمانی
۴۸۹	دعا هنگام ناراحتی
۴۹۰	دعای حضرت امام رضا علیه السلام پس از ولایتعهدی
۴۹۰	زیارت قبر مؤمن
۴۹۲	بخش بیست و یکم
۴۹۲	آثار و خواص هشت سوره از سوره های قرآن
۴۹۲	اثر سوره «حمد» برای رفع سردرد
۴۹۲	اشاره
۴۹۳	تفسیر آیه شریفه «الحمد لله رب العالمین»
۴۹۷	فضیلت سوره «انعام»
۴۹۸	ثواب خواندن سوره «یس»
۴۹۸	ثواب خواندن سوره «زمر»
۴۹۹	ثواب سوره «قدر»
۴۹۹	اشاره
۴۹۹	اثر سوره «قدر»
۵۰۰	ثواب خواندن سوره «إذا زلزلت»
۵۰۰	اشاره
۵۰۰	ثواب خواندن سوره «نصر»
۵۰۱	فضیلت سوره «قل هو الله أحد»
۵۰۱	اشاره
۵۰۱	ثواب خواندن سوره «توحید» در قبرستان
۵۰۲	بخش بیست و دوم
۵۰۲	هشت دستور درباره بعضی از آیات و سوره ها

٥٠٢ ثواب «آیه الکرسی»
٥٠٣ خواندن آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يُفْسِكُ...» برای حفظ خانه از خرابی
٥٠٣ سه آیه برای پنهان شدن از چشم افراد بی ایمان
٥٠٥ ثواب خواندن پنجاه آیه بعد از نماز صبح
٥٠٦ خواندن صد آیه برای رفع ترس
٥٠٦ اثر سه سوره، هنگام پوشیدن لباس نو
٥٠٧ خواندن چهار سوره برای رفع چشم خوردگی
٥٠٧ پنج سوره برای رفع سردرد و دردهای دیگر
٥٠٨ بخش بیست و سوم
٥٠٨ هشت ثواب برای بعضی از اذکار
٥٠٨ ثواب «صلوات»
٥٠٩ ثواب دیگر برای «صلوات»
٥٠٩ ثواب «لا إله إلا الله»
٥١١ ثواب دیگر برای «لا إله إلا الله»
٥١١ ثواب گفتن «تسبیحات اربعه» با تسبیح تربت امام حسین علیه السلام
٥١٢ ثواب پنج ذکر و...
٥١٣ اثر گفتن «یا عَلِيُّ یا عَظِيم»
٥١٣ اثر «یا مُمِیت» برای نجات از نفس اماره
٥١٤ بخش بیست و چهارم
٥١٤ هشت ذکر مهم دیگر از حضرت امام رضاعلیه السلام
٥١٤ «یا حَیُّ یا قَیُّوْم»
٥١٥ «یا مَلِک»
٥١٥ «یا خَفِیْظ»
٥١٥ «یا باسِط»
٥١٦ «یا فَتَّاح»
٥١٧ «یا قُدُّوس»

۵۱۷	«یا سلام»
۵۱۸	بخش بیست و پنجم
۵۱۸	هشت روایت از حضرت امام رضا علیه السلام درباره نقش نگین انگشتر و دعای آن
۵۱۸	نقش نگین انگشتر پیامبران و ائمه علیهم السلام
۵۲۱	نقش نگین انگشتر حضرت امام رضا علیه السلام
۵۲۲	نقش نگین انگشتر حضرت امام رضا علیه السلام به روایت دیگر
۵۲۲	نقش نگین انگشتر حضرت امام رضا علیه السلام نیز به روایت دیگر
۵۲۳	همراه داشتن انگشتر عقیق زرد و فیروزه در راه زیارت حضرت امام رضا علیه السلام
۵۲۴	نقش نگین انگشتر فیروزه برای فرزندان شدن
۵۲۴	انگشتر عقیق و دعا برای حفظ شدن از شرهای آسمانی و زمینی
۵۲۵	دعا هنگام دست نمودن انگشتر
۵۲۶	بخش بیست و ششم
۵۲۶	هشت زیارت از زیارت های حضرت امام رضا علیه السلام
۵۲۷	آداب زیارت
۵۳۶	آغاز آداب زیارت
۵۳۷	دعای اذن ورود به حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام
۵۳۷	اشاره
۵۳۹	زیارت اول حضرت امام رضا علیه السلام
۵۵۰	زیارت دوم حضرت امام رضا علیه السلام
۵۵۳	زیارت سوم حضرت امام رضا علیه السلام
۵۵۵	زیارت جوادیه
۵۶۹	زیارت پنجم حضرت امام رضا علیه السلام
۵۷۰	زیارت ششم حضرت امام رضا علیه السلام
۵۷۸	زیارت هفتم حضرت امام رضا علیه السلام (زیارت هفت حدیث)
۵۸۴	زیارت هشتم حضرت امام رضا علیه السلام
۵۸۴	اشاره

.....	زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه در حرم شریف حضرت امام رضا علیه السلام	۵۹۶
.....	بخش بیست و هفتم	۵۹۸
.....	هشت دعا از دعاهای بعد از زیارت	۵۹۸
.....	دعای اول (عالیه المضامین)	۵۹۸
.....	دعای دوم	۶۰۶
.....	دعای سوم	۶۰۸
.....	دعای چهارم	۶۰۹
.....	دعای پنجم	۶۱۲
.....	دعای ششم	۶۱۴
.....	دعای هفتم	۶۱۵
.....	دعای هشتم دعا بعد از زیارت به نیابت از دیگری	۶۵۳
.....	بخش بیست و هشتم	۶۵۸
.....	هشت زیارت از زیارت های جامعه	۶۵۸
.....	زیارت «امین الله»	۶۵۸
.....	زیارت جامعه کبیره	۶۶۲
.....	زیارت جامعه سوم	۶۷۵
.....	زیارت جامعه چهارم	۷۰۰
.....	زیارت جامعه پنجم	۷۲۰
.....	زیارت جامعه ششم	۷۳۵
.....	زیارت جامعه هفتم	۷۳۷
.....	زیارت جامعه هشتم	۷۴۰
.....	بخش بیست و نهم	۷۴۴
.....	هشت زیارت از زیارت های وداع	۷۴۴
.....	زیارت وداع پس از زیارت «امین الله»	۷۴۵
.....	زیارت دوم وداع	۷۴۶
.....	زیارت سوم وداع	۷۴۸

۷۵۴ زیارت چهارم وداع
۷۶۰ زیارت پنجم وداع
۷۶۱ زیارت ششم وداع
۷۶۳ زیارت هفتم وداع
۷۶۴ زیارت هشتم وداع
۷۶۶ بخش سی ام
۷۶۶ هشت زیارت از زیارت های اهل بیت علیهم السلام
۷۶۶ زیارت رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم در حرم آن حضرت
۷۶۹ زیارت سوّم رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم در حرم آن حضرت
۷۷۰ زیارت رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم پس از نماز واجب
۷۷۱ زیارت ائمه علیهم السلام
۷۷۷ زیارت هنگام وداع با هر کدام از ائمه علیهم السلام
۷۸۰ زیارت حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و سایر ائمه علیهم السلام
۷۸۳ زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
۷۸۳ اشاره
۷۸۶ نگاهی کوتاه به عظمت مقام حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
۷۸۸ یک نکته مهمّ درباره شفاعت نمودن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
۷۹۲ منابع و مصادر کتاب
۸۰۵ درباره مرکز

سرشناسه : علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۱۵۳ق - ۲۰۳ق.

عنوان قراردادی : الصحیفه الرضویه. فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور : صحیفه رضویه : مجموعه ارزنده ای از نمازها، دعاها و زیارت هایی که از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده ... / تالیف مرتضی مجتهدی سیستانی؛ ترجمه محمد ظریف.

مشخصات نشر : قم: الماس، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۷۴۴ ص.

شابک : ۶۰۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۷۷۵۳-۳۹-۵

یادداشت : فارسی - عربی.

یادداشت : کتابنامه: ص. ۷۳۷ - ۷۴۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۱۵۳ق - ۲۰۳ق. -- کتاب های دعا، و غیره

موضوع : قرآن. برگزیده ها -- ترجمه ها

موضوع : دعاها

موضوع : زیارتنامه ها

موضوع : نمازهای مستحب

شناسه افزوده : مجتهدی، سیدمرتضی، ۱۳۳۳ -، گردآورنده

شناسه افزوده : ظریف، محمد، ۱۳۳۵ -، مترجم

رده بندی کنگره : BP۲۶۷/۲ع۸۵ص ۳۰۴۱ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۷۲۷۴۷۵

ص: ۱

اشاره

صحیفه رضویه : مجموعه ارزنده ای از نمازها، دعاها و زیارت هایی که از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده ...

تالیف مرتضی مجتهدی سیستانی؛ ترجمه محمد ظریف.

ص: ۲

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

قسمتی از زیارت حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه:

يَا أَنْوَارَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ الَّتِي لَا تُطْفَأُ يَا عُيُونََ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ أَنَا مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ مُتَرَقِّبٌ لِدَوْلَتِكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ إِلَيْكُمْ لَا إِلَى عَدُوِّكُمْ آمَنْتُ بِكُمْ وَبِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ عَدُوِّكُمْ

ای نورهای جاویدان الهی ای دیدگان خداوند در میان آفریدگان من در انتظار امر شما و فرا رسیدن حکومت شما هستم من با شما هستم نه با غیر شما من به شما ایمان دارم و از دشمنانتان بیزارم [\(۱\)](#)

ص: ۴

فهرست مطالب

هشت سوره از قرآن

سوره «یس» ... ۲۵

سوره «الرَّحْمَن» ... ۳۲

سوره «إِنْسَان» ... ۳۵

سوره «قدر» ... ۳۸

سوره «زُلْزَلَتْ» ... ۳۸

سوره «عَادِيَات» ... ۳۹

سوره «نَصْر» ... ۴۰

سوره «كَافُرُونَ» ... ۴۰

مقدمه

سخنانی پیرامون حرم حضرت امام رضا علیه السلام با پیگیری اعداد و ارقام ... ۴۱

از «صفر» تا «یک دلی» ... ۴۱

ص: ۵

«دو زیارت» و «دو حرم»! ... ۴۲

موالید «سه گانه» ... ۴۳

«چهار گوشه ضریح» ... ۴۴

«پنج گنج انسان» ... ۴۵

برتر از «شش طاق پادشاهی» ... ۴۶

«قبله هفتم» ... ۴۷

«امام هشتم» ... ۴۸

«نه فلک» ... ۴۹

«معصوم دهم» ... ۴۹

«یازده اختر فروزان» ... ۴۹

«امام دوازدهم» ... ۴۹

«سیزده بار» هدایت و رحمت ... ۵۰

«چهارده معصوم علیهم السلام» ... ۵۰

الفبایی درباره حرم و آداب زیارت ... ۵۱

چند نکته دیگر ... ۵۶

گفتار حضرت امام رضا علیه السلام درباره کارشکنی های دشمنان اهل بیت علیهم السلام ... ۵۸

بمب گذاری در حرم حضرت امام رضا علیه السلام ... ۵۹

آیا بمب گذار حرم را می شناسید؟! ... ۶۱

راهنمایی حضرت امام رضا علیه السلام درباره شناخت افراد ... ۶۶

دوستان منافق ... ۶۸

عظمت حرم حضرت امام رضا علیه السلام در کلام آن بزرگوار ... ۶۹

توسّل به اهل بیت علیهم السلام ... ۷۱

فضیلت نماز در حرم ائمه علیهم السلام ... ۷۲

فضیلت زمین نجف، کربلا و طوس ... ۷۲

دعا در حرم حضرت امام رضا علیه السلام ... ۷۴

«هشت» روایت از معصومین علیهم السلام درباره ثواب زیارت امام هشتم علیه السلام ... ۷۵

ص: ۶

«هشت» روایت از امام هشتم علیه السلام درباره ثواب زیارت آن حضرت ... ۷۹

چه کسانی زیارتشان پذیرفته می شود؟ ... ۸۵

گوشه ای از اخلاق و رفتار حضرت امام رضا علیه السلام ... ۸۹

هدیه حضرت امام رضا علیه السلام ... ۹۰

درس حضرت امام رضا علیه السلام به نیازمندان و هشدار آن حضرت به ثروتمندان ... ۹۱

سلام و پیام حضرت امام رضا علیه السلام به دوستان خویش ... ۹۲

خدام حضرت امام رضا علیه السلام ... ۹۳

کودک باایمان در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام ... ۹۴

درسی از این روایت ... ۹۶

یک بحث مهم اخلاقی ... ۹۷

مرگ شخصی بهتر است یا حیات همگانی؟! ... ۹۸

اشعار دعبل در خدمت امام رضا علیه السلام ... ۱۰۰

گریستن حضرت امام رضا علیه السلام برای امام زمان ارواحنا فداه ... ۱۰۱

حضرت امام رضا علیه السلام و گریه اهل آسمان و زمین برای امام زمان ارواحنا فداه ... ۱۰۴

دعای حضرت امام رضا علیه السلام برای امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه ... ۱۰۵

فرمان حضرت امام رضا علیه السلام به دعا نمودن برای امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه ... ۱۰۶

دو نقطه مشترک در امام رضا علیه السلام و امام زمان ارواحنا فداه ... ۱۱۰

۱ - بحث، اقامه برهان و دلیل ... ۱۱۰

۱ - حضرت امام رضا علیه السلام و اقامه برهان و دلیل ... ۱۱۰

نمونه دیگری از بحث های حضرت امام رضا علیه السلام با دانشمندان بزرگ آن زمان ... ۱۱۶

۲ - امام زمان ارواحنا فداه و اقامه برهان و دلیل ... ۱۲۶

۲ - رأفت و مهربانی ... ۱۲۷

۱ - رأفت و مهربانی حضرت امام رضا علیه السلام ... ۱۲۷

جنازه یک شیعه و حضرت امام رضا علیه السلام ... ۱۲۸

جوان گنهکار ولی از دوستان حضرت امام رضا علیه السلام ... ۱۲۹

۲ - مهربانی و رأفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه ... ۱۳۱

ص: ۷

یک جریان بسیار مهم، یا مهربانی امام رضا علیه السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه

به دو جوان مسیحی ... ۱۳۲

بخش اول

هشت نماز زیارت

۱ - نماز اول ... ۱۴۱

۲ - نماز دوم ... ۱۴۲

۳ - نماز سوم ... ۱۴۲

۴ - نماز چهارم ... ۱۴۲

۵ - نماز پنجم ... ۱۴۳

۶ - نماز زیارت به نیابت از عده ای از افراد ... ۱۴۴

۷ - نماز زیارت به نیابت از شخص خاص ... ۱۴۵

۸ - نماز زیارت در سفر نیابتی ... ۱۴۵

بخش دوم

هشت نماز حاجت

۱ - نماز حاجت در حرم حضرت امام رضا علیه السلام ... ۱۴۷

۲ - نماز حاجت یا نماز رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است ... ۱۴۸

۳ - نماز حاجت، از حضرت امام رضا علیه السلام ... ۱۴۹

۴ - نماز دیگر برای حاجت از حضرت امام رضا علیه السلام ... ۱۵۰

۵ - نیز نماز دیگر برای حاجت از حضرت امام رضا علیه السلام ... ۱۵۱

۶ - نماز حاجت در روز جمعه از حضرت امام رضا علیه السلام ... ۱۵۲

۷ - نماز حاجت در روز جمعه به گونه دیگر ... ۱۵۴

۸ - نماز حاجت (مخصوص ازدواج) که از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است ... ۱۵۵

ص: ۸

بخش سوّم

هشت نماز از حضرت امام رضا علیه السلام

۱ - نماز حضرت امام رضا علیه السلام ... ۱۵۷

۲ - نماز حضرت امام رضا علیه السلام به روایت دیگر ... ۱۵۷

۳ - نیز نماز حضرت امام رضا علیه السلام به روایت دیگر ... ۱۵۸

۴ - نماز استخاره ... ۱۵۹

۵ - نماز استخاره به گونه دیگر ... ۱۵۹

۶ - نماز استسقاء یا طلب باران ... ۱۶۰

۷ - نماز هنگام سفر ... ۱۶۱

۸ - نماز جناب جعفر طیار ... ۱۶۲

ثواب نماز جناب جعفر طیار در حرم حضرت امام رضا علیه السلام ... ۱۶۴

بخش چهارم

هشت روایت از حضرت امام رضا علیه السلام

درباره نماز در روزهای معین

۱ - نماز شب و صبح و روز جمعه ... ۱۶۷

۲ - نافله های روز جمعه ... ۱۶۷

۳ - نماز نافله و فريضة ظهر جمعه ... ۱۶۸

۴ - نماز جمعه، عيد فطر و قربان ... ۱۶۸

۵ - نماز شب نیمه شعبان ... ۱۶۹

۶ - نماز در روز ششم ماه مبارک رمضان ... ۱۷۰

۷ - نمازهای رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم در ماه مبارک رمضان ... ۱۷۰

۸ - نماز و دعای روز اوّل محرم ... ۱۷۲

عَلّت تشریع نمازهای واجب ... ۱۷۵

عَلّت تشریع تعداد رکعت های نمازهای واجب ... ۱۷۶

ص: ۹

عَلَّت تشریع تعداد تکبیر در اوّل نمازهای واجب ... ۱۷۷

عَلَّت تشریع حمد و سوره و تسبیحات اربعه در نمازهای واجب ... ۱۷۸

عَلَّت تشریع ذکر رکوع و سجود ... ۱۷۸

عَلَّت تشریع تعداد رکوع و سجود ... ۱۷۸

عَلَّت تشریع تعداد تکبیر در نماز میّت ... ۱۷۹

عَلَّت تشریع نمازهای واجب و نافله ... ۱۸۰

بخش پنجم

هشت دعا در قنوت نمازها

۱ - دعا در قنوت نمازها ... ۱۸۱

۲ - دعای دیگر در قنوت نمازها ... ۱۸۲

۳ - دعای قنوت حضرت امام رضا علیه السلام در نماز جمعه ... ۱۸۲

۴ - دعای قنوت در نماز عید فطر و قربان ... ۱۸۳

۵ - استغفار در قنوت نماز وتر ... ۱۸۴

۶ - دعا در قنوت نماز وتر ... ۱۸۵

۷ - دعای قنوت حضرت امام رضا علیه السلام برای رفع گرفتاری و نجات از شرّ ستمگران ... ۱۸۶

۸ - دعای قنوت در نماز کسوف ... ۱۸۸

بخش ششم

هشت دعا و ذکر از ادعیه و اذکار

بعد از نمازهای واجب

۱ - دعای بعد از نماز صبح ... ۱۸۹

۲ - دعا بعد از هر نماز واجب برای درخواست روزی ... ۱۹۱

۳ - ذکر «یا رَحْمَن یا رَحِیم» بعد از هر نماز ... ۱۹۲

ص: ۱۰

۴ - ذکر بعد از نماز صبح ... ۱۹۲

۵ - ذکر دیگر بعد از نماز صبح ... ۱۹۳

۶ - ذکر بعد از نماز صبح و نماز مغرب ... ۱۹۳

۷ - ذکر بعد از نماز عصر ... ۱۹۴

۸ - ذکر دیگر بعد از نماز عصر ... ۱۹۴

بخش هفتم

هشت دعا از ادعیه بعد از نمازهای مستحب

۱ - دعا بعد از نماز جناب جعفر طیار ... ۱۹۵

۲ - دعای فرج، بعد از نماز حاجت ... ۱۹۶

۳ - دعای حضرت امام رضا علیه السلام پس از هشت رکعت نماز شب ... ۲۱۰

۴ - دعا پس از نماز در مقام جبرئیل علیه السلام ... ۲۱۱

۵ - دعا پس از نماز زیارت به نیابت از دیگران ... ۲۱۲

۶ - دعا پس از نماز زیارت به نیابت از شخص خاص ... ۲۱۲

۷ - دعا پس از نماز زیارت در سفر نیابتی ... ۲۱۳

۸ - دعا پس از نماز زیارت حضرت امام رضا علیه السلام از راه دور در بیست و پنجم ذیقعدة ... ۲۱۴

بخش هشتم

هشت دعا در سجده

۱ - دعای طلب خیر در سجده ... ۲۱۵

۲ - دعا در سجده پس از نماز ظهر ... ۲۱۶

۳ - ذکر سجده شکر ... ۲۱۷

۴ - ذکر دیگر سجده شکر ... ۲۱۷

۵ - دعای حضرت امام رضا علیه السلام در سجده ... ۲۱۸

۶ - دعا در سجده نماز ... ۲۱۹

۷ - دعا در سجده سهو ... ۲۲۰

ص: ۱۱

۸ - دعای سجده هنگام مشکلات ... ۲۲۰

بخش نهم

هشت دعا از دعا‌های هر روز

۱ - دعای مهمی برای اداء حقوق خداوند ... ۲۲۱

۲ - دعای ایّام غیبت که حضرت امام رضا علیه السلام به خواندن آن دستور داده اند ... ۲۲۲

دعای ایّام غیبت، به روایتی دیگر ... ۲۲۸

۳ - دعا برای محشور شدن با حضرت امام رضا علیه السلام ... ۲۳۶

۴ - دعای محشور شدن با اهل بیت علیهم السلام ... ۲۳۶

۵ - دعای توبه، هنگام شنیدن اذان صبح و مغرب ... ۲۳۷

۶ - دعای هر روز بعد از اقامه و قبل از نماز ... ۲۳۷

۷ - دعای ساعت هشتم هر روز ... ۲۳۸

۸ - دعای دیگر در ساعت هشتم هر روز ... ۲۳۹

بخش دهم

هشت عمل عبادی در رابطه با ایّام هفته

۱ - نماز هدیه به حضرت امام رضا علیه السلام در روز یکشنبه ... ۲۴۱

۲ - زیارت حضرت امام رضا علیه السلام و ... در روز چهارشنبه ... ۲۴۳

۳ - زیارت دیگر حضرت امام رضا علیه السلام در روز چهارشنبه ... ۲۴۴

۴ - طلب حاجت در روز پنجشنبه ... ۲۴۶

۵ - دعا پس از غسل روز جمعه ... ۲۴۶

۶ - دعای حضرت امام رضا علیه السلام در روز جمعه ... ۲۴۷

۷ - صد مرتبه صلوات در روز جمعه ... ۲۴۸

۸ - صلوات در عصر جمعه ... ۲۴۹

جواز شعر خواندن در شب جمعه و ماه مبارک رمضان ... ۲۴۹

ص: ۱۲

بخش یازدهم

هشت ماه و اعمال عبادی آن ها

۱ - ماه مبارک رمضان

حضرت امام رضا علیه السلام و نقل خطبه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم درباره ماه مبارک رمضان ... ۲۵۱

فضیلت ماه مبارک رمضان در گفتار حضرت امام رضا علیه السلام ... ۲۵۴

دعای مهم در سحرهای ماه مبارک رمضان ... ۲۵۵

نکته ای درباره جریان ولایتعهدی حضرت امام رضا علیه السلام ... ۲۵۹

دعای حضرت امام رضا علیه السلام هنگام ولایتعهدی ... ۲۶۲

پانزدهم ماه مبارک رمضان ... ۲۶۴

فضیلت شب های قدر ... ۲۶۶

۲ - ماه شوال

اعمال روز عید فطر ... ۲۶۷

رفتن حضرت امام رضا علیه السلام برای خواندن نماز عید فطر ... ۲۶۸

۳ - ماه ذی القعدة

ولادت حضرت امام رضا علیه السلام ... ۲۷۲

روز ششم و بیست و سوم ذی القعدة ... ۲۷۴

زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در روز بیست و سوم ذی القعدة ... ۲۷۵

فضیلت روز بیست و پنجم ذی القعدة ... ۲۷۵

زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در روز بیست و پنجم ذی القعدة (دحو الأرض) ... ۲۷۶

۴ - ماه ذی الحجة

دعای روز عرفه ... ۲۷۸

نماز عید قربان ... ۲۷۹

فضیلت روز عید غدیر ... ۲۸۰

کلام حضرت امام رضا علیه السلام درباره خطبه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر ... ۲۸۲

ص: ۱۳

۵ - ماه محرم الحرام

گفتار حضرت امام رضا علیه السلام درباره ایام عاشورا ... ۲۹۶

روز عاشورا ... ۲۹۸

لعن بر یزید و پیروان او لعنه الله علیهم ... ۲۹۸

دعای حضرت فاطمه علیها السلام در روز قیامت ... ۲۹۹

۶ - ماه صفر

زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در روز شهادت آن حضرت ... ۳۰۱

کیفیت شهادت و دفن حضرت امام رضا علیه السلام ... ۳۰۱

روایت دیگر درباره شهادت حضرت امام رضا علیه السلام ... ۳۰۷

۷ - ماه رجب

ثواب روزه در ماه رجب ... ۳۱۶

ثواب زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در ماه رجب ... ۳۱۸

زیارت رجیّه ... ۳۱۹

۸ - ماه شعبان

ثواب روزه و استغفار در ماه شعبان ... ۳۲۱

ثواب روزه و صدقه در ماه شعبان ... ۳۲۲

دعا در هر روز ماه شعبان ... ۳۲۲

نماز و... در شب نیمه شعبان ... ۳۲۳

زیارت امام حسین علیه السلام در روز نیمه ماه رجب و نیمه ماه شعبان ... ۳۲۳

دعا در روزهای آخر ماه شعبان ... ۳۲۴

هشت دعا برای حفظشدن از گرفتاری ها

۱ - دعای توجّه به خداوند در بازار برای حفظ نفّس ... ۳۲۵

۲ - دعا برای حفظ شدن از انواع بلا ... ۳۲۶

۳ - دعا برای حفظشدن از گرفتاری در سفر ... ۳۲۶

ص: ۱۴

۴ - دعا برای حفظشدن در سفر در ساعت مخصوص به حضرت امام رضا علیه السلام ... ۳۲۷

۵ - دعا برای حفظشدن از گرفتاری هنگام خروج از منزل ... ۳۲۹

۶ - دعای دیگر هنگام خارج شدن از منزل ... ۳۲۹

۷ - دعا برای حفظشدن در شب ... ۳۳۰

۸ - تسبیح حضرت زهرا علیها السلام و «آیه الکرسی» برای حفظشدن از گرفتاری ها ... ۳۳۱

بخش سیزدهم

هشت دعا برای نجات از گرفتاری ها

۱ - دعا برای برطرف شدن گرفتاری های مهم ... ۳۳۳

۲ - دعای دیگر هنگام گرفتاری های سخت ... ۳۳۸

۳ - دعا برای برطرف شدن هر درد و مرض ... ۳۳۹

۴ - دعای دیگر برای برطرف شدن هر درد و مرض ... ۳۳۹

۵ - دعا برای رهایی از چشم خوردگی ... ۳۴۰

۶ - دعا برای برطرف شدن سحر ... ۳۴۰

۷ - دعا برای برطرف شدن تب ... ۳۴۱

۸ - دعا برای پیدا شدن گمشده ... ۳۴۲

بخش چهاردهم

هشت دعا برای نجات از شرّ ظالم

۱ - نفرین دشمنان ... ۳۴۳

۲ - دعا برای غلبه بر دشمن و ناراحتی های دیگر ... ۳۴۳

۳ - دعای حجاب و حفظشدن از شرّ دشمنان ... ۳۴۴

۴ - دعا برای وارد شدن بر کسی که انسان از شرّ او می ترسد ... ۳۴۵

۵ - دعا برای برطرف شدن شرّ ظالم ... ۳۴۶

۶ - دعای دیگر برای نجات از شرّ ظالم ... ۳۴۸

ص: ۱۵

۷ - دعا برای سرکوب شدن دشمن و برطرف شدن ناراحتی های دیگر ... ۳۴۹

۸ - دعا برای غلبه بر ظالم ... ۳۵۰

بخش پانزدهم

هشت حرز از حضرت امام رضا علیه السلام

۱ - حرز حضرت امام رضا علیه السلام یا رقعہ الجیب ... ۳۵۱

۲ - حرز دیگری نیز به نام رقعہ الجیب ... ۳۵۴

۳ - حرز دیگری از حضرت امام رضا علیه السلام ... ۳۵۶

۴ - حرز دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام برای برطرف شدن بیماری ... ۳۵۷

۵ - حرز دیگری از حضرت امام رضا علیه السلام ... ۳۵۸

۶ - حرز حضرت امام رضا علیه السلام و ... ۳۶۹

۷ - حرز دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام ... ۳۷۱

۸ - حرز برای حفظ از شر دشمنان اهل بیت علیهم السلام ... ۳۷۴

بخش شانزدهم

هشت دستور برای برطرف شدن هشت بیماری

۱ - دعا برای درد چشم ... ۳۷۷

۲ - دعا برای برطرف شدن صرع ... ۳۷۷

۳ - دعا برای برطرف شدن سردرد ... ۳۷۸

۴ - دعا برای برطرف شدن سلّ ... ۳۷۸

۵ - دستور برای فرزندان شدن و برطرف شدن مریضی ... ۳۷۹

۶ - دعا برای رفع زگیل ... ۳۷۹

۷ - دستور برای بواسیر ... ۳۸۰

۸ - دعا برای رفع غده خنازیر ... ۳۸۰

ص: ۱۶

بخش هفدهم

هشت دستور برای وسعت رزق و رفع فقر

- ۱ - دعا برای طلب رزق ... ۳۸۱
- ۲ - دعا هنگام رسیدن نعمت و کم شدن رزق و وارد شدن حزن و اندوه ... ۳۸۲
- ۳ - دعا برای طلب روزی ... ۳۸۲
- ۴ - گفتن اذان برای رفع فقر ... ۳۸۳
- ۵ - دستور برای برکت مال ... ۳۸۳
- ۶ - دعای دیگر در هر روز برای برطرف شدن فقر ... ۳۸۴
- ۷ - دعا برای حفظ چیزی که خریداری شده ... ۳۸۵
- ۸ - دعا برای حفظشدن مال از تلف شدن و... ... ۳۸۵

بخش هیجدهم

هشت دعای مهم که حضرت امام رضا علیه السلام خوانده اند

- ۱ - دعای توحید ... ۳۸۷
- ۲ - دعای مهمی در عظمت خداوند ... ۳۸۹
- ۳ - دعای مهم دیگری از حضرت امام رضا علیه السلام ... ۳۹۰
- ۴ - دعای حمد و شکرگزاری ... ۳۹۲
- ۵ - دعای مهمی برای عافیت و عاقبت بخیر شدن ... ۳۹۳
- ۶ - دعای تنزیه خداوند ... ۳۹۴
- ۷ - صلوات مهم حضرت امام رضا علیه السلام ... ۳۹۴
- ۸ - دعای مهم حضرت امام رضا علیه السلام در لعن ... ۳۹۵

بخش نوزدهم

هشت دعای بسیار مهم

که حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده اند

۱ - دعای مهمی که حضرت امام رضا علیه السلام و سایر اهل بیت علیهم السلام آن را می خواندند ... ۳۹۹

ص: ۱۷

۲ - دعای مهمی در ستایش خداوند ... ۴۱۱

۳ - دعای صباح ... ۴۱۲

۴ - دعای دیگر بعد از دعای صباح ... ۴۱۸

۵ - استغفار بسیار مهم ... ۴۱۹

۶ - نود و نه اسم خداوند ... ۴۲۷

۷ - دعای مهم برای طلب خیر ... ۴۲۹

۸ - دعای مهم برای رفع ترس و غم ۴۳۰

بخش بیستم

هشت دعای متفرقه

۱ - دعا هنگام رؤیت هلال ... ۴۳۳

۲ - دعا در روز دهم و یازدهم هر ماه ... ۴۳۴

۳ - دعای عافیت ... ۴۳۵

۴ - دعا هنگام خوردن غذا یا شیر ... ۴۳۵

۵ - دعا هنگام شادمانی ... ۴۳۶

۶ - دعا هنگام ناراحتی ... ۴۳۶

۷ - دعای حضرت امام رضا علیه السلام پس از ولایتعهدی ... ۴۳۷

۸ - زیارت قبر مؤمن ... ۴۳۷

بخش بیست و یکم

آثار و خواص هشت سوره از سوره های قرآن

۱ - اثر سوره «حمد» برای رفع سردرد ... ۴۳۹

تفسیر آیہ شریفہ «الحمد لله رب العالمین» ... ۴۴۰

۲ - فضیلت سورہ «انعام» ... ۴۴۴

۳ - ثواب خواندن سورہ «یس» ... ۴۴۵

۴ - ثواب خواندن سورہ «زُمر» ... ۴۴۵

ص: ۱۸

۵ - ثواب سوره «قدر» ... ۴۴۶

اثر سوره «قدر» برای رفع وحشت در روز قیامت ... ۴۴۶

۶ - ثواب خواندن سوره «إِذَا زُلْزِلَتْ» ... ۴۴۷

ثواب دیگر برای سوره «إِذَا زُلْزِلَتْ» ... ۴۴۷

۷ - ثواب خواندن سوره «نصر» ... ۴۴۷

۸ - فضیلت سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ... ۴۴۸

ثواب خواندن سوره «توحید» در قبرستان ... ۴۴۸

بخش بیست و دوم

هشت دستور درباره بعضی از آیات و سوره ها

۱ - ثواب «آیه الکرسی» ... ۴۴۹

۲ - خواندن آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يُمِصُّكُ...» برای حفظ خانه از خرابی ... ۴۵۰

۳ - سه آیه برای پنهان شدن از چشم افراد بی ایمان ... ۴۵۰

۴ - ثواب خواندن پنجاه آیه بعد از نماز صبح ... ۴۵۲

۵ - خواندن صد آیه برای رفع ترس ... ۴۵۳

۶ - اثر سه سوره، هنگام پوشیدن لباس نو ... ۴۵۳

۷ - خواندن چهار سوره برای رفع چشم خوردگی ... ۴۵۴

۸ - پنج سوره برای رفع سردرد و دردهای دیگر ... ۴۵۴

بخش بیست و سوم

هشت ثواب برای بعضی از اذکار

۱ - ثواب «صلوات» ... ۴۵۵

۲ - ثواب دیگر برای «صلوات» ... ۴۵۶

۳ - ثواب «لا إله إلا الله» ... ۴۵۶

۴ - ثواب دیگر برای «لا إله إلا الله» ... ۴۵۸

ص: ۱۹

۵ - ثواب گفتن «تسبیحات اربعه» با تسبیح تربت امام حسین علیه السلام ... ۴۵۸

۶ - ثواب پنج ذکر و ... ۴۵۹

۷ - اثر گفتن «یا عَلِیُّ یا عَظِیمُ» ... ۴۶۰

۸ - اثر «یا مُمِیت» برای نجات از نفس اماره ... ۴۶۰

بخش بیست و چهارم

هشت ذکر مهم دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام

۱ - «یا حَیُّ یا قَیُّوم» ... ۴۶۱

۲ - «یا مَلِکُ» ... ۴۶۲

۳ - «یا حَفِیْظُ» ... ۴۶۲

۴ - «یا باسِطُ» ... ۴۶۲

۵ - «یا فَتَّاحُ» ... ۴۶۳

۶ - «یا وَدُّودُ» ... ۴۶۳

۷ - «یا قُدُّوسُ» ... ۴۶۴

۸ - «یا سَلامُ» ... ۴۶۴

بخش بیست و پنجم

هشت روایت از حضرت امام رضا علیه السلام

درباره نقش نگین انگشتر و دعای آن

۱ - نقش نگین انگشتر پیامبران و ائمه علیهم السلام ... ۴۶۵

۲ - نقش نگین انگشتر حضرت امام رضا علیه السلام ... ۴۶۸

۳ - نقش نگین انگشتر حضرت امام رضا علیه السلام به روایت دیگر ... ۴۶۹

۴ - نقش نگین انگشتر حضرت امام رضا علیه السلام نیز به روایت دیگر ... ۴۶۹

۵ - همراه داشتن انگشتر عقیق زرد و فیروزه در راه زیارت حضرت امام رضا علیه السلام ... ۴۷۰

ص: ۲۰

۶ - نقش نگین انگشتر فیروزه برای فرزندان شدن ... ۴۷۱

۷ - انگشتر عقیق و دعا برای حفظ شدن از شرّهای آسمانی و زمینی ... ۴۷۱

۸ - دعا هنگام دست نمودن انگشتر ... ۴۷۲

بخش بیست و ششم

هشت زیارت از زیارت های حضرت امام رضا علیه السلام

آداب زیارت ... ۴۷۴

آغاز آداب زیارت ... ۴۸۲

دعای اذن ورود به حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام ... ۴۸۳

۱ - زیارتِ اوّل حضرت امام رضا علیه السلام ... ۴۸۵

۲ - زیارتِ دوّم حضرت امام رضا علیه السلام ... ۴۹۶

۳ - زیارتِ سوّم حضرت امام رضا علیه السلام ... ۴۹۹

۴ - زیارتِ جوادیه یا زیارت چهارم امام رضا علیه السلام ... ۵۰۱

۵ - زیارت پنجم حضرت امام رضا علیه السلام ... ۵۱۴

۶ - زیارت ششم حضرت امام رضا علیه السلام ... ۵۱۵

۷ - زیارت هفتم حضرت امام رضا علیه السلام (زیارت هفت حدیث) ... ۵۲۳

۸ - زیارت هشتم حضرت امام رضا علیه السلام ... ۵۲۹

زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه در حرم شریف حضرت امام رضا علیه السلام ... ۵۴۱

بخش بیست و هفتم

هشت دعا از دعا های بعد از زیارت

۱ - دعای اوّل (عالیه المضامین) ... ۵۴۳

۲ - دعای دوّم ... ۵۵۱

۳ - دعای سوّم ... ۵۵۳

ص: ۲۱

۴ - دعای چهارم ... ۵۵۴

۵ - دعای پنجم ... ۵۵۷

۶ - دعای ششم ... ۵۵۹

۷ - دعای هفتم ... ۵۶۰

۸ - دعای هشتم، دعا بعد از زیارت به نیابت از دیگری ... ۵۹۸

بخش بیست و هشتم

هشت زیارت از زیارت های جامعه

۱ - زیارت «امین الله» ... ۶۰۳

۲ - زیارت جامعه کبیره ... ۶۰۷

۳ - زیارت جامعه سوّم ... ۶۲۰

۴ - زیارت جامعه چهارم ... ۶۴۵

۵ - زیارت جامعه پنجم ... ۶۶۵

۶ - زیارت جامعه ششم ... ۶۸۰

۷ - زیارت جامعه هفتم ... ۶۸۲

۸ - زیارت جامعه هشتم ... ۶۸۵

بخش بیست و نهم

هشت زیارت از زیارت های وداع

۱ - زیارت وداع پس از زیارت «امین الله» ... ۶۹۰

۲ - زیارت دوّم وداع ... ۶۹۱

۳ - زیارت سوّم وداع ... ۶۹۳

۴ - زیارت چهارم وداع ... ۶۹۹

۵ - زیارت پنجم وداع ... ۷۰۵

ص: ۲۲

۶ - زیارت ششم وداع ... ۷۰۶

۷ - زیارت هفتم وداع ... ۷۰۸

۸ - زیارت هشتم وداع ... ۷۰۹

بخش سی ام

هشت زیارت از زیارت های اهل بیت علیهم السلام

که از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است

۱ - زیارت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در حرم آن حضرت ... ۷۱۱

۲ - زیارت دیگر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در حرم آن حضرت ... ۷۱۳

۳ - زیارت سؤم رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در حرم آن حضرت ... ۷۱۴

۴ - زیارت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم پس از نماز واجب ... ۷۱۵

۵ - زیارت ائمه علیهم السلام ... ۷۱۶

۶ - زیارت هنگام وداع با هر کدام از ائمه علیهم السلام ... ۷۲۲

۷ - زیارت حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و سایر ائمه علیهم السلام ... ۷۲۵

۸ - زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ... ۷۲۸

نگاهی کوتاه به عظمت مقام حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ... ۷۳۱

یک نکته مهم درباره شفاعت نمودن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ... ۷۳۳

منابع و مصادر کتاب ... ۷۳۷

ص: ۲۳

هشت سوره از قرآن (۱)

۱. سوره «یس»

«یس (۱)»

«وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ (۲)»

«إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۳)»

«عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۴)»

«تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ (۵)»

«لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ (۶)»

«لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۷)»

«إِنَّا جَعَلْنَا فِيْ أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُّقْمَحُونَ (۸)»

«وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ

ص: ۲۵

۱- هشت سوره ای که انتخاب نمودیم به این مناسبت است که دستور خواندن انها در روایاتی که در این کتاب نقل گردیده وارد شده است

سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ (٩)»

«وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (١٠)»

«إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرِهِ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ (١١)»

«إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ (١٢)»

«وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ (١٣)»

«إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ (١٤)»

«قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ (١٥)»

«قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ (١٦)»

«وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (١٧)»

«قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (١٨)»

«قَالُوا طَائِرُكُم مَّعَكُمْ أَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ (١٩)»

«وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ

اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ (٢٠)»

«اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ (٢١)»

«وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدَ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (٢٢)»

«أَتَأْخُذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرْذِنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ (٢٣)»

«إِنِّي إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ مُبِينٍ (٢٤)»

«إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ (٢٥)»

«قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ (٢٦)»

«بِمَا عَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ (٢٧)»

«وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ (٢٨)»

«إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ (٢٩)»

«يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (٣٠)»

«أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ (٣١)»

«وَإِنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٍ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ (٣٢)»

«وَأَيُّ لَهِمُّ الْأَرْضِ الْمَيْتَةِ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ (٣٣)»

«وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ

نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ (٣٤)»

«لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (٣٥)»

«سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ (٣٦)»

«وَأَيُّهُ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ (٣٧)»

«وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (٣٨)»

«وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ (٣٩)»

«لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (٤٠)»

«وَأَيُّهُ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ (٤١)»

«وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ (٤٢)»

«وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ (٤٣)»

«إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ (٤٤)»

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (٤٥)»

«وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (٤٦)»

«وَإِذَا قِيلَ

لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (٤٧)»

«وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (٤٨)»

«مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ (٤٩)»

«فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَى أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ (٥٠)»

«وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ (٥١)»

«قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ (٥٢)»

«إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ (٥٣)»

«فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (٥٤)»

«إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَكَاهُونَ (٥٥)»

«هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِئُونَ (٥٦)»

«لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدْعُونَ (٥٧)»

«سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ (٥٨)»

«وَامْتَأَزُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ (٥٩)»

«الْأَلَمُ

أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (٦٠)»

«وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (٦١)»

«وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ (٦٢)»

«هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (٦٣)»

«أَصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (٦٤)»

«الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (٦٥)»

«وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ (٦٦)»

«وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ (٦٧)»

«وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ (٦٨)»

«وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ (٦٩)»

«لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (٧٠)»

«أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ (٧١)»

«وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ (٧٢)»

«وَلَهُمْ

فِيهَا مَنَافِعٌ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (۷۳)»

«وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ (۷۴)»

«لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُخَضَّرُونَ (۷۵)»

«فَلَا يَخْزُنَكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسْرُونَ وَمَا يُغْلِبُونَ (۷۶)»

«أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ (۷۷)»

«وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ (۷۸)»

«قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ (۷۹)»

«الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ (۸۰)»

«أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (۸۱)»

«إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۸۲)»

«فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۸۳)»

ترجمه: (۱)

ص: ۳۱

۱- «ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان پرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید؛ و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. و از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید؛ و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می خواهید، نام او را می برید! (و نیز) (از قطع رابطه با) خویشاوندان خود، پرهیز کنید! زیرا خداوند، مراقب شماست. (۱)» «و اموال یتیمان را (هنگامی که به حد رشد رسیدند) به آنها بدهید! و اموال بد (خود) را، با اموال خوب (آنها) عوض نکنید! و اموال آنان را همراه اموال خودتان (با مخلوط کردن یا تبدیل نمودن) نخورید، زیرا این گناه بزرگی است! (۲)» «و اگر می ترسید که (بهنگام ازدواج با دختران یتیم)، عدالت را رعایت نکنید، (از ازدواج با آنان، چشم پوشی کنید و) با زنان پاک (دیگر) ازدواج نمائید، دو یا سه یا چهار همسر و اگر می ترسید عدالت را (درباره همسران متعدد) رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید، و یا از زنانی که مالک آنهاست استفاده کنید، این کار، از ظلم و ستم بهتر جلوگیری می کند. (۳)» «و مهر زنان را (بطور کامل) بعنوان یک بدهی (یا عطیه)، به آنان پردازید! (ولی) اگر آنها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف کنید! (۴)» «اموال خود را، که خداوند وسیله قوام

زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید و از آن، به آنها روزی دهید! و لباس بر آنان بپوشانید و با آنها سخن شایسته بگویید! (۵)» «و یتیمان را چون به حد بلوغ برسند، بیازمایید! اگر در آنها رشد (کافی) یافتید، اموالشان را به آنها بدهید! و پیش از آنکه بزرگ شوند، اموالشان را از روی اسراف نخورید! هر کس که بی نیاز است، (از برداشت حق الزحمه) خودداری کند؛ و آن کس که نیازمند است، به طور شایسته (و مطابق زحمتی که می کشد)، از آن بخورد. و هنگامی که اموالشان را به آنها باز می گردانید، شاهد بگیرید! اگر چه خداوند برای محاسبه کافی است. (۶)» «برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود بر جای می گذارند، سهمی است؛ و برای زنان نیز، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می گذارند، سهمی؛ خواه آن مال، کم باشد یا زیاد؛ این سهمی است تعیین شده و پرداختنی. (۷)» «و اگر بهنگام تقسیم (ارث)، خویشاوندان (و طبقه ای که ارث نمی برند) و یتیمان و مستمندان، حضور داشته باشند، چیزی از آن اموال را به آنها بدهید! و با آنان به طور شایسته سخن بگویید! (۸)» «کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود بیادگار بگذارند از آینده آنان می ترسند، باید (از ستم درباره یتیمان مردم) بترسند! از (مخالفت) خدا بپرهیزند، و سخنی استوار بگویند. (۹)» «کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می خورند، (در حقیقت)، تنها آتش می خورند؛ و بزودی در شعله های آتش (دوزخ) می سوزند. (۱۰)» «خداوند در باره فرزندانان به شما سفارش می کند که سهم (میراث) پسر، به اندازه سهم دو دختر باشد؛ و اگر فرزندان شما (دو دختر و) بیش از دو دختر باشند، دو سوم میراث از آن آنهاست؛ و اگر یکی باشد، نیمی (از میراث)، از آن اوست. و برای هر یک از پدر و مادر او، یک ششم میراث است، اگر (میت) فرزندی داشته باشد؛ و اگر فرزندی نداشته باشد، و (تنها) پدر و مادر از او ارث برند، برای مادر او یک سوم است (و بقیه از آن پدر است)؛ و اگر او برادرانی داشته باشد، مادرش یک ششم می برد (و پنج ششم باقیمانده، برای پدر است). (همه اینها)، بعد از انجام وصیتی است که او کرده، و بعد از ادای دین است - شما نمی دانید پدران و مادران و فرزندانان، کدامیک برای شما سودمندترند!- این فریضه الهی است؛ و خداوند، دانا و حکیم است. (۱۱)» «و برای شما، نصف میراث زنانان است، اگر آنها فرزندی نداشته باشند؛ و اگر فرزندی داشته باشند، یک چهارم از آن شماست؛ پس از انجام وصیتی که کرده اند، و ادای دین (آنها). و برای زنان شما، یک چهارم میراث شماست، اگر فرزندی نداشته باشید؛ و اگر برای شما فرزندی باشد، یک هشتم از آن آنهاست؛ بعد از انجام وصیتی که کرده اید، و ادای دین. و اگر مردی بوده باشد که کلاله [= خواهر یا برادر] از او ارث می برد، یا زنی که برادر یا خواهری دارد، سهم هر کدام، یک ششم است (اگر برادران و خواهران مادری باشند)؛ و اگر بیش از یک نفر باشند، آنها در یک سوم شریکند؛ پس از انجام وصیتی که شده، و ادای دین؛ بشرط آنکه (از طریق وصیت و اقرار به دین)، به آنها ضرر نزنند. این سفارش خداست؛ و خدا دانا و بردبار است. (۱۲)» «اینها مرزهای الهی است؛ و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، (و قوانین او را محترم بشمرد)، خداوند وی را در باغهایی از بهشت وارد می کند که همواره، آب از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن می ماند؛ و این، پیروزی بزرگی است! (۱۳)» «و آن کس که نافرمانی خدا و پیامبرش را کند و از مرزهای او تجاوز نماید، او را در آتشی وارد می کند که جاودانه در آن خواهد ماند؛ و برای او مجازات خوارکننده ای است. (۱۴)» «و کسانی از زنان شما که مرتکب زنا شوند، چهار نفر از مسلمانان را بعنوان شاهد بر آنها بطلبید! اگر گواهی دادند، آنان [= زنان] را در خانه ها (ی خود) نگاه دارید تا مرگشان فرارسد؛ یا اینکه خداوند، راهی برای آنها قرار دهد. (۱۵)» «و از میان شما، آن مردان و زنانی که (همسر ندارند، و) مرتکب آن کار (زشت) می شوند، آنها را آزار دهید (و حد بر آنان جاری نمایید)! و اگر توبه کنند، و (خود را) اصلاح نمایند، (و به جبران گذشته پردازند)، از آنها درگذرید! زیرا خداوند، توبه پذیر و مهربان است. (۱۶)» «پذیرش توبه از سوی خدا، تنها برای کسانی است که کار بدی را از روی جهالت انجام می دهند، سپس زود توبه می کنند.

خداوند، توبه چنین اشخاصی را می پذیرد؛ و خدا دانا و حکیم است. (۱۷)» «برای کسانی که کارهای بد را انجام می دهند، و هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا می رسد می گوید: «الان توبه کردم!» توبه نیست؛ و نه برای کسانی که در حال کفر از دنیا می روند؛ اینها کسانی هستند که عذاب دردناکی برایشان فراهم کرده ایم. (۱۸)» «ای کسانی که ایمان آورده اید! برای شما حلال نیست که از زنان، از روی اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آنها)، ارث ببرید! و آنان را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه را به آنها داده اید (از مهر)، تملک کنید! مگر اینکه آنها عمل زشت آشکاری انجام دهند. و با آنان، بطور شایسته رفتار کنید! و اگر از آنها، (بجهتی) کراهت داشتید، (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید!) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می دهد! (۱۹)» «و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید، و مال فراوانی (بعنوان مهر) به او پرداخته اید، چیزی از آن را پس نگیرید! آیا برای بازپس گرفتن مهر آنان، به تهمت و گناه آشکار متوسل می شوید؟! (۲۰)» «و چگونه آن را باز پس می گیرید، در حالی که شما با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته اید؟ و (از این گذشته)، آنها (هنگام ازدواج)، از شما پیمان محکمی گرفته اند! (۲۱)» «با زنانی که پدران شما با آنها ازدواج کرده اند، هرگز ازدواج نکنید! مگر آنچه در گذشته (پیش از نزول این حکم) انجام شده است؛ زیرا این کار، عملی زشت و تنفرآور و راه نادرستی است. (۲۲)» «حرام شده است بر شما، مادرانتان، و دختران، و خواهران، و عمه ها، و خاله ها، و دختران برادر، و دختران خواهر شما، و مادرانی که شما را شیر داده اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران همسرانتان، و دختران همسران که در دامان شما پرورش یافته اند از همسرانی که با آنها آمیزش جنسی داشته اید -و چنانچه با آنها آمیزش جنسی نداشته اید، (دختران آنها) برای شما مانعی ندارد- و (همچنین) همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند -نه پسرخوانده ها- و (نیز حرام است بر شما) جمع میان دو خواهر کنید؛ مگر آنچه در گذشته واقع شده؛ چرا که خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۲۳)» «و زنان شوهردار (بر شما حرام است؛) مگر آنها را که (از راه اسارت) مالک شده اید؛ (زیرا اسارت آنها در حکم طلاق است؛) اینها احکامی است که خداوند بر شما مقرر داشته است. اما زنان دیگر غیر از اینها (که گفته شد)، برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید؛ در حالی که پاکدامن باشید و از زنا، خودداری نمایید. و زنانی را که متعه [= ازدواج موقت] می کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید. و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهر، با یکدیگر توافق کرده اید. (بعداً می توانید با توافق، آن را کم یا زیاد کنید). خداوند، دانا و حکیم است. (۲۴)» «و آنها که توانایی ازدواج با زنان (آزاد) پاکدامن باایمان را ندارند، می توانند با زنان پاکدامن از بردگان باایمانی که در اختیار دارید ازدواج کنند -خدا به ایمان شما آگاه تر است؛ و همگی اعضای یک پیکرید- آنها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید، و مهرشان را به خودشان بدهید؛ به شرط آنکه پاکدامن باشند، نه بطور آشکار مرتکب زنا شوند، و نه دوست پنهانی بگیرند. و در صورتی که «محصنه» باشند و مرتکب عمل منافی عفت شوند، نصف مجازات زنان آزاد را خواهند داشت. این (اجازه ازدواج با کنیزان) برای کسانی از شماست که بترسند (از نظر غریزه جنسی) به زحمت بیفتند؛ و (با این حال نیز) خودداری (از ازدواج با آنان) برای شما بهتر است. و خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۲۵)» «خداوند می خواهد (با این دستورها، راه های خوشبختی و سعادت را) برای شما آشکار سازد، و به سنتهای (صحیح) پیشینیان رهبری کند. و خداوند دانا و حکیم است. (۲۶)» «خدا می خواهد شما را ببخشد (و از آلودگی پاک نماید)، اما آنها که پیرو شهواتند، می خواهند شما بکلی منحرف شوید. (۲۷)» «خدا می خواهد (با احکام مربوط به ازدواج با کنیزان و مانند آن)، کار را بر شما سبک کند؛ و انسان، ضعیف آفریده شده؛ (و در برابر طوفان غرایز، مقاومت او کم است) (۲۸)» «ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید مگر اینکه تجارتی با رضایت شما انجام گیرد. و خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان

است. (۲۹) «و هر کس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، بزودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت؛ و این کار برای خدا آسان است. (۳۰) «اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می شوید پرهیز کنید، گناهان کوچک شما را می پوشانیم؛ و شما را در جایگاه خوبی وارد می سازیم. (۳۱) «برتریهایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید! (این تفاوت‌های طبیعی و حقوقی، برای حفظ نظام زندگی شما، و بر طبق عدالت است. ولی با این حال،) مردان نصیبی از آنچه به دست می آورند دارند، و زنان نیز نصیبی؛ (و نباید حقوق هیچ یک پایمال گردد). و از فضل (و رحمت و برکت) خدا، برای رفع تنگناها طلب کنید! و خداوند به هر چیز داناست. (۳۲) «برای هر کسی، وارثانی قرار دادیم، که از میراث پدر و مادر و نزدیکان ارث ببرند؛ و (نیز) کسانی که با آنها پیمان بسته اید، نصیبشان را بپردازید! خداوند بر هر چیز، شاهد و ناظر است. (۳۳) «مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتریهایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر انفاقهایی که از اموالشان (در مورد زنان) می کنند. و زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند، و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می کنند. و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد،) در بستر از آنها دوری نمایید! و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود،) آنها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجوید! (بدانید) خداوند، بلندمرتبه و بزرگ است. (و قدرت او، بالاترین قدرتهاست. (۳۴) «و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو (همسر) بیم داشته باشید، یک داور از خانواده شوهر، و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید (تا به کار آنان رسیدگی کنند). اگر این دو داور، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آنها کمک می کند؛ زیرا خداوند، دانا و آگاه است (و از نیات همه، با خبر است). (۳۵) «و خدا را بپرستید! و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر، نیکی کنید؛ همچنین به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان، و همسایه نزدیک، و همسایه دور، و دوست و همنشین، و واماندگان در سفر، و بردگانی که مالک آنها هستید؛ زیرا خداوند، کسی را که متکبر و فخر فروش است، (و از ادای حقوق دیگران سرباز می زند،) دوست نمی دارد. (۳۶) «آنها کسانی هستند که بخل می ورزند، و مردم را به بخل دعوت می کنند، و آنچه را که خداوند از فضل (و رحمت) خود به آنها داده، کتمان می نمایند. (این عمل، در حقیقت از کفرشان سرچشمه گرفته؛) و ما برای کافران، عذاب خوارکننده ای آماده کرده ایم. (۳۷) «و آنها کسانی هستند که اموال خود را برای نشان دادن به مردم انفاق می کنند، و ایمان به خدا و روز بازپسین ندارند؛ (چرا که شیطان، رفیق و همنشین آنهاست؛) و کسی که شیطان قرین او باشد، بد همنشین و قرینی است. (۳۸)»

٢ سورة «الرَّحْمَنُ»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«الرَّحْمَنُ (١)»

«عَلَّمَ الْقُرْآنَ (٢)»

«خَلَقَ الْإِنْسَانَ (٣)»

«عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (٤)»

«الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ يُحْسِبَانِ (٥)»

«وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (٦)»

«وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (٧)»

«أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ (٨)»

«وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (٩)»

«وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (١٠)»

«فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (١١)»

«وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ (١٢)»

«فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (١٣)»

«خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ (١٤)»

«وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَارٍ (١٥)»

«فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (١٦)»

«رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (١٧)»

«فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (١٨)»

«مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (١٩)»

«بَيْنَهُمَا

ص: ٣٢

بَرْزَخٍ لَا يَبْغِيَانِ (٢٠)»

«فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٢١)»

«يَخْرِجُ مِنْهُمَا الطُّورَ وَالْمَرْجَانَ (٢٢)»

«فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٢٣)»

«وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (٢٤)»

«فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٢٥)»

«كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (٢٦)»

«وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (٢٧)»

«فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٢٨)»

«يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (٢٩)»

«فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٣٠)»

«سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ (٣١)»

«فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٣٢)»

«يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ (٣٣)»

«فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٣٤)»

«يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوْاظُ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ (٣٥)»

«فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٣٦)»

«فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ (٣٧)»

«فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٣٨)»

«فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا

جَانُّ (٣٩)»

«فَبَايَ آلَاءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٤٠)»

«يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالْأَقْدَامِ (٤١)»

«فَبَايَ آلَاءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٤٢)»

«هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ (٤٣)»

«يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آتٍ (٤٤)»

«فَبَايَ آلَاءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٤٥)»

«وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ (٤٦)»

«فَبَايَ آلَاءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٤٧)»

«ذَوَاتَا أَفْنَانٍ (٤٨)»

«فَبَايَ آلَاءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٤٩)»

«فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ (٥٠)»

«فَبَايَ آلَاءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥١)»

«فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ (٥٢)»

«فَبَايَ آلَاءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥٣)»

«مُتَكَيِّفِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ (٥٤)»

«فَبَايَ آلَاءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥٥)»

«فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ (٥٦)»

«فَبَايَ آلَاءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥٧)»

«كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ (٥٨)»

«فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥٩)»

«هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ (٦٠)»

«فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٦١)»

«وَمِنْ

ص: ٣٤

دُونِهِمَا جَنَّتَانِ (٦٢)»

«فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٦٣)»

«مُدْهَامَّتَانِ (٦٤)»

«فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٦٥)»

«فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ (٦٦)»

«فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٦٧)»

«فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَانٌ (٦٨)»

«فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٦٩)»

«فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ (٧٠)»

«فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٧١)»

«حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ (٧٢)»

«فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٧٣)»

«لَمْ يَطْمِئْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ (٧٤)»

«فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٧٥)»

«مُتَكَبِّرِينَ عَلَى رُفُوفٍ خُضِرَ وَعَبَقَرِيُّ حِسَانٍ (٧٦)»

«فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٧٧)»

«تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (٧٨)»

ترجمه: (١)

۳سوره «إنسان»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱- به نام خداوند بخشنده مهربان «خداوند رحمان، (۱)» «قرآن را تعلیم فرمود، (۲)» «انسان را آفرید، (۳)» «و به او «بیان» را آموخت. (۴)» «خورشید و ماه با حساب منظمی می گردند، (۵)» «و گیاه و درخت برای او سجده می کنند! (۶)» «و آسمان را برافراشت، و میزان و قانون (در آن) گذاشت، (۷)» «تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید)، (۸)» «و وزن را بر اساس عدل برپا دارید و میزان را کم نگذارید! (۹)» «زمین را برای خلاق آفرید، (۱۰)» «که در آن میوه ها و نخلهای پرشکوفه است، (۱۱)» «و دانه هایی که همراه با ساقه و برگ است که بصورت کاه درمی آید، و گیاهان خوشبو! (۱۲)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می کنید (شما ای گروه جنّ و انس)؟! (۱۳)» «انسان را از گل خشکیده ای همچون سفال آفرید، (۱۴)» «و جنّ را از شعله های مختلط و متحرک آتش خلق کرد! (۱۵)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۱۶)» «و پروردگار دو مشرق و پروردگار دو مغرب است! (۱۷)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۱۸)» «دو دریای مختلف (شور و شیرین، گرم و سرد) را در کنار هم قرار داد، در حالی که با هم تماس دارند؛ (۱۹)» «در میان آن دو برزخی است که یکی بر دیگری غلبه نمی کند (و به هم نمی آمیزند)! (۲۰)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۲۱)» «از آن دو، لؤلؤ و مرجان خارج می شود. (۲۲)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۲۳)» «و برای اوست کشتیهای ساخته شده که در دریا به حرکت درمی آیند و همچون کوهی هستند! (۲۴)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۲۵)» «همه کسانی که روی آن [= زمین] هستند فانی می شوند، (۲۶)» «و تنها ذات ذوالجلال و گرامی پروردگارت باقی می ماند! (۲۷)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۲۸)» «تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند از او تقاضا می کنند، و او هر روز در شأن و کاری است! (۲۹)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۳۰)» «بزودی به حساب شما می پردازیم ای دو گروه انس و جنّ! (۳۱)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۳۲)» «ای گروه جنّ و انس! اگر می توانید از مرزهای آسمانها و زمین بگذرید، پس بگذرید، ولی هرگز نمی توانید، مگر با نیرویی (فوق العاده)! (۳۳)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۳۴)» «شعله هایی از آتش بی دود، و دودهایی متراکم بر شما فرستاده می شود؛ و نمی توانید از کسی یاری بطلبید! (۳۵)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۳۶)» «در آن هنگام که آسمان شکافته شود و همچون روغن مذاب گلگون گردد (حوادث هولناکی رخ می دهد که تاب تحمل آن را نخواهید داشت)! (۳۷)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۳۸)» «در آن روز هیچ کس از انس و جنّ از گناهش سؤال نمی شود (و همه چیز روشن است)! (۳۹)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۴۰)» «مجرمان از چهره هایشان شناخته می شوند؛ و آنگاه آنها را از موهای پیش سر، و پاهایشان می گیرند (و به دوزخ می افکنند)! (۴۱)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۴۲)» «این همان دوزخی است که مجرمان آن را انکار می کردند! (۴۳)» «امروز در میان آن و آب سوزان در رفت و آمدند! (۴۴)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۴۵)» «و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد، دو باغ بهشتی است! (۴۶)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۴۷)» «(آن دو باغ بهشتی) دارای انواع نعمتها و درختان پرتراوت است! (۴۸)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار

می کنید؟! (۴۹) «در آنها دو چشمه همیشه جاری است! (۵۰)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۵۱)»
«در آن دو، از هر میوه ای دو نوع وجود دارد (هر یک از دیگری بهتر)! (۵۲)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۵۳)» «این در حالی است که آنها بر فرشهایی تکیه کرده اند با آسترهایی از دیا و ابریشم، و میوه های رسیده آن دو باغ بهشتی در دسترس است! (۵۴)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۵۵)» «در آن باغهای بهشتی زنانی هستند که جز به همسران خود عشق نمی ورزند؛ و هیچ انس و جنّ پیش از اینها با آنان تماس نگرفته است. (۵۶)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۵۷)» «آنها همچون یاقوت و مرجانند! (۵۸)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۵۹)» «آیا جزای نیکی جز نیکی است؟! (۶۰)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۶۱)» «و پایین تر از آنها، دو باغ بهشتی دیگر است. (۶۲)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۶۳)» «هر دو خرم و سرسبزند! (۶۴)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۶۵)» «در آنها دو چشمه جوشنده است! (۶۶)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۶۷)» «در آنها میوه های فراوان و درخت خرما و انار است! (۶۸)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۶۹)» «و در آن باغهای بهشتی زنانی نیکو خلق و زیبایند! (۷۰)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۷۱)» «حوریانی که در خیمه های بهشتی مستورند! (۷۲)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۷۳)» «هیچ انس و جنّ پیش از ایشان با آنها تماس نگرفته (و دوشیزه اند)! (۷۴)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۷۵)» «این در حالی است که بهشتیان بر تختهایی تکیه زده اند که با بهترین و زیباترین پارچه های سبزرنگ پوشانده شده است. (۷۶)» «پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۷۷)» «پربرکت و زوال ناپذیر است نام پروردگار صاحب جلال و بزرگواری تو! (۷۸)»

«إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (٢)»

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (٣)»

«إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا (٤)»

«إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (٥)»

«عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا (٦)»

«يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا (٧)»

«وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا (٨)»

«إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا (٩)»

«إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا (١٠)»

«فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا (١١)»

«وَجَزَّاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَخَرِيرًا (١٢)»

«مُتَكِينِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا (١٣)»

«وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ أَرْسُلُهَا تَذِيلًا (١٤)»

«وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآتِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ

قَوَارِيرَا (١٥)»

«قَوَارِيرَ مِنْ فِضِّهِ قَدَّرُوها تَقْدِيرًا (١٦)»

«وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا (١٧)»

«عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا (١٨)»

«وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنثورًا (١٩)»

«وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلَكًا كَبِيرًا (٢٠)»

«عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا (٢١)»

«إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا (٢٢)»

«إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا (٢٣)»

«فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا (٢٤)»

«وَاذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (٢٥)»

«وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا (٢٦)»

«إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا (٢٧)»

«نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَالَهُمْ تَبْدِيلًا (٢٨)»

«إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا (٢٩)»

«وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا

أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۳۰)»

«يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۳۱)»

ترجمه: (۱)

۴سوره «قدر»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱)»

«وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲)»

«لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳)»

«تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرِ (۴)»

«سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ (۵)»

ترجمه (۲)

۵سوره «زلزلت»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (۱)»

«وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (۲)»

ص: ۳۸

۱- به نام خداوند بخشنده مهربان «الم (۱)» «معبودی جز خداوند یگانه زنده و پایدار و نگهدارنده، نیست. (۲)» «همان کسی که) کتاب را بحق بر تو نازل کرد، که با نشانه های کتب پیشین، منطبق است؛ و «تورات» و «انجیل» را. (۳)» «پیش از آن، برای هدایت مردم فرستاد؛ و (نیز) کتابی که حق را از باطل مشخص می سازد، نازل کرد؛ کسانی که به آیات خدا کافر شدند، کیفر شدیدی دارند؛ و خداوند (برای کیفر بدکاران و کافران لجوج)، توانا و صاحب انتقام است. (۴)» «هیچ چیز، در آسمان و زمین، بر خدا مخفی نمی ماند. (بنابر این، تدبیر آنها بر او مشکل نیست.) (۵)» «او کسی است که شما را در رحم (مادران)، آنچنان که می خواهد تصویر می کند. معبودی جز خداوند توانا و حکیم، نیست. (۶)» «او کسی است که این کتاب (آسمانی)

را بر تو نازل کرد، که قسمتی از آن، آیات «محکم» [= صریح و روشن] است؛ که اساس این کتاب می باشد؛ (و هر گونه پیچیدگی در آیات دیگر، با مراجعه به اینها، برطرف می گردد.) و قسمتی از آن، «متشابه» است [= آیاتی که به خاطر بالا بودن سطح مطلب و جهات دیگر، در نگاه اول، احتمالات مختلفی در آن می رود؛ ولی با توجه به آیات محکم، تفسیر آنها آشکار می گردد.] اما آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهاتند، تا فتنه انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند)؛ و تفسیر (نادرستی) برای آن می طلبند؛ در حالی که تفسیر آنها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی دانند. (آنها که به دنبال فهم و درک اسرار همه آیات قرآن در پرتو علم و دانش الهی) می گویند: «ما به همه آن ایمان آوردیم؛ همه از طرف پروردگار ماست.» و جز صاحبان عقل، متذکر نمی شوند (و این حقیقت را درک نمی کنند). (۷) «(راسخان در علم، می گویند: «پروردگارا! دلهایمان را، بعد از آنکه ما را هدایت کردی، (از راه حق) منحرف مگردان! و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش، زیرا تو بخشنده ای! (۸)» «پروردگارا! تو مردم را، برای روزی که تردیدی در آن نیست، جمع خواهی کرد؛ زیرا خداوند، از وعده خود، تخلف نمی کند. (ما به تو و رحمت بی پایانت، و به وعده رستاخیز و قیامت ایمان داریم.))» (۹) «(ثروتها و فرزندان کسانی که کافر شدند، نمی تواند آنان را از (عذاب) خداوند باز دارد؛ (و از کیفر، رهایی بخشد.) و آنان خود، آتشگیره دوزخند. (۱۰)» «(عادت آنان در انکار و تحریف حقایق، همچون عادت آل فرعون و کسانی است که پیش از آنها بودند؛ آیات ما را تکذیب کردند، و خداوند آنها را به (کیفر) گناهانشان گرفت؛ و خداوند، شدید العقاب است. (۱۱)» «به آنها که کافر شدند بگو: «(از پیروزی موقت خود در جنگ اُمَید، شاد نباشید!) بزودی مغلوب خواهید شد؛ (و سپس در رستاخیز) به سوی جهنم، محشور خواهید شد. و چه بد جایگاهی است! (۱۲)» «در دو گروهی که (در میدان جنگ بدر)، با هم رو به رو شدند، نشانه (و درس عبرتی) برای شما بود: یک گروه، در راه خدا نبرد می کرد؛ و جمع دیگری که کافر بود، (در راه شیطان و بت)، در حالی که آنها (گروه مؤمنان) را با چشم خود، دو برابر آنچه بودند، می دیدند. (و این خود عاملی برای وحشت و شکست آنها شد.) و خداوند، هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، با یاری خود، تأیید می کند. در این، عبرتی است برای بینایان! (۱۳)» «محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسبهای ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است؛ (تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند؛ ولی) اینها (در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند)، سرمایه زندگی پست (مادی) است؛ و سرانجام نیک (و زندگی والا و جاویدان)، نزد خداست. (۱۴)» «بگو: «آیا شما را از چیزی آگاه کنم که از این (سرمایه های مادی، بهتر است؟) برای کسانی که پرهیزگاری پیشه کرده اند، (و از این سرمایه ها، در راه مشروع و حق و عدالت، استفاده می کنند)، در نزد پروردگارشان (در جهان دیگر)، باغهایی است که نهرها از پای درختانش می گذرد؛ همیشه در آن خواهند بود؛ و همسرانی پاکیزه، و خوشنودی خداوند (نصیب آنهاست). و خدا به (امور) بندگان، بیناست. (۱۵)» «همان کسانی که می گویند: «پروردگارا! ما ایمان آورده ایم؛ پس گناهان ما را بیامرز، و ما را از عذاب آتش، نگاهدار!» (۱۶)» «آنها که (در برابر مشکلات، و در مسیر اطاعت و ترک گناه)، استقامت می ورزند، راستگو هستند، (در برابر خدا) خضوع، و (در راه او) انفاق می کنند، و در سحرگاهان، استغفار می نمایند. (۱۷)» «خداوند، (با ایجاد نظام واحد جهان هستی)، گواهی می دهد که معبودی جز او نیست؛ و فرشتگان و صاحبان دانش، (هر کدام به گونه ای بر این مطلب)، گواهی می دهند؛ در حالی که (خداوند در تمام عالم) قیام به عدالت دارد؛ معبودی جز او نیست، که هم توانا و هم حکیم است. (۱۸)» «دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است. و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی (در آن) ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به خاطر ظلم و ستم در میان خود؛ و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، (خدا به حساب او می رسد؛ زیرا) خداوند، سریع الحساب است. (۱۹)» «اگر با تو، به گفتگو و ستیز برخیزند،

(با آنها مجادله نکن!) و) بگو: «من و پیروانم، در برابر خداوند (و فرمان او)، تسلیم شده ایم.» و به آنها که اهل کتاب هستند [= یهود و نصاری] و بی سوادان [= مشرکان] بگو: «آیا شما هم تسلیم شده اید؟» اگر (در برابر فرمان و منطق حق، تسلیم شوند، هدایت می یابند؛ و اگر سرپیچی کنند، نگران مباش! زیرا) بر تو، تنها ابلاغ (رسالت) است؛ و خدا نسبت به (اعمال و عقاید) بندگان، بیناست. (۲۰) «کسانی که نسبت به آیات خدا کفر می ورزند و پیامبران را بناحق می کشند، و (نیز) مردمی را که امر به عدالت می کنند به قتل می رسانند، و به کیفر دردناک (الهی) بشارت ده! (۲۱)» «آنها کسانی هستند که اعمال (نیکشان، به خاطر این گناهان بزرگ)، در دنیا و آخرت تباه شده، و یاور و مددکار (و شفاعت کننده ای) ندارند. (۲۲)» «آیا ندیدی کسانی را که بهره ای از کتاب (آسمانی) داشتند، به سوی کتاب الهی دعوت شدند تا در میان آنها داوری کند، سپس گروهی از آنان، (با علم و آگاهی)، روی می گردانند، در حالی که (از قبول حق) اعراض دارند؟ (۲۳)» «این عمل آنها، به خاطر آن است که می گفتند: «آتش (دوزخ)، جز چند روزی به ما نمی رسد. (و کیفر ما، به خاطر امتیازی که بر اقوام دیگر داریم، بسیار محدود است.)» این افترا (و دروغی که به خدا بسته بودند)، آنها را در دینشان مغرور ساخت (و گرفتار انواع گناهان شدند). (۲۴)» «پس چه گونه خواهند بود هنگامی که آنها را برای روزی که شکی در آن نیست [= روز رستاخیز] جمع کنیم، و به هر کس، آنچه (از اعمال برای خود) فراهم کرده، بطور کامل داده شود؟ و به آنها ستم نخواهد شد (زیرا محصول اعمال خود را می چینند). (۲۵)» «بگو: «بارالها! مالک حکومتها تویی؛ به هر کس بخواهی، حکومت می بخشی؛ و از هر کس بخواهی، حکومت را می گیری؛ هر کس را بخواهی، عزت می دهی؛ و هر که را بخواهی خوار می کنی. تمام خوبیها به دست توست؛ تو بر هر چیزی قادری. (۲۶)» «شب را در روز داخل می کنی، و روز را در شب؛ و زنده را از مرده بیرون می آوری، و مرده را زنده؛ و به هر کس بخواهی، بدون حساب، روزی می بخشی.» (۲۷)» «افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند؛ و هر کس چنین کند، هیچ رابطه ای با خدا ندارد (و پیوند او بکلی از خدا گسسته می شود)؛ مگر اینکه از آنها پرهیزید (و به خاطر هدفهای مهمتری تقیه کنید). خداوند شما را از (نافرمانی) خود، برحذر می دارد؛ و بازگشت (شما) به سوی خداست. (۲۸)» «بگو: «اگر آنچه را در سینه های شماست، پنهان دارید یا آشکار کنید، خداوند آن را می داند؛ و (نیز) از آنچه در آسمانها و زمین است، آگاه می باشد؛ و خداوند بر هر چیزی تواناست. (۲۹)» «روزی که هر کس، آنچه را از کار نیک انجام داده، حاضر می بیند؛ و آرزو می کند میان او، و آنچه از اعمال بد انجام داده، فاصله زمانی زیادی باشد. خداوند شما را از (نافرمانی) خودش، برحذر می دارد؛ و (در عین حال)، خدا نسبت به همه بندگان، مهربان است.» (۳۰)» «بگو: «اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید! تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد؛ و گناهانتان را ببخشد؛ و خدا آمرزنده مهربان است.» (۳۱)»

۲- به نام خداوند بخشنده مهربان «ما آن [= قرآن] را در شب قدر نازل کردیم! (۱)» «و تو چه می دانی شب قدر چیست؟! (۲)» «شب قدر بهتر از هزار ماه است! (۳)» «فرشتگان و «روح» در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر کاری نازل می شوند. (۴)» «شبی است سرشار از سلامت (و برکت و رحمت) تا طلوع سپیده! (۵)»

«وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا (٣)»

«يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (٤)»

«بَأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا (٥)»

«يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ (٦)»

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (٧)»

«وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (٨)»

ترجمه (١)

«سوره عاديات»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا (١)»

«فَالْمُورِيَّاتِ قَدْحًا (٢)»

«فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا (٣)»

«فَأَثَرُنَ بِهِ نَقْعًا (٤)»

«فَوْسَطُنَ بِهِ جَمْعًا (٥)»

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ (٦)»

«وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكَ لَشَهِيدٌ (٧)»

«وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (٨)»

«أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ (٩)»

«وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ (١٠)»

«إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ (١١)»

۱- به نام خداوند بخشنده مهربان «هنگامی که زمین شدیداً به لرزه درآید، (۱)» «و زمین بارهای سنگینش را خارج سازد! (۲)» «و انسان می گوید: «زمین را چه می شود (که این گونه می لرزد)؟! (۳)» «در آن روز زمین تمام خبرهایش را بازگو می کند؛ (۴)» «چرا که پروردگارت به او وحی کرده است! (۵)» «در آن روز مردم بصورت گروه های پراکنده (از قبرها) خارج می شوند تا اعمالشان به آنها نشان داده شود! (۶)» «پس هر کس هموزن ذره ای کار خیر انجام دهد آن را می بیند! (۷)» «و هر کس هموزن ذره ای کار بد کرده آن را می بیند! (۸)»

۲- به نام خداوند بخشنده مهربان «سوگند به اسبان دونده (مجاهدان) در حالی که نفس زنان به پیش می رفتند، (۱)» «و سوگند به افروزندگان جرقه آتش (در برخورد سمهایشان با سنگهای بیابان)، (۲)» «و سوگند به هجوم آوران سپیده دم (۳)» «که گرد و غبار به هر سو پراکندند، (۴)» «و (ناگهان) در میان دشمن ظاهر شدند، (۵)» «که انسان در برابر نعمتهای پروردگارش بسیار ناسپاس و بخیل است؛ (۶)» «و او خود (نیز) بر این معنی گواه است! (۷)» «و او علاقه شدید به مال دارد! (۸)» «آیا نمی داند در آن روز که تمام کسانی که در قبرها هستند برانگیخته می شوند، (۹)» «و آنچه در درون سینه هاست آشکار می گردد، (۱۰)» «در آن روز پروردگارش از آنها کاملاً باخبر است! (۱۱)»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (۱)»

«وَرَأَيْتِ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (۲)»

«فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (۳)»

ترجمه: (۱)

۸سوره «کافرون»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (۱)»

«لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (۲)»

«وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۳)»

«وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ (۴)»

«وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۵)»

«لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (۶)»

ترجمه: (۲)

ص: ۴۰

۱- به نام خداوند بخشنده مهربان «هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرارسد، (۱)» «و بینی مردم گروه گروه وارد دین خدا می شوند، (۲)» «پروردگارت را تسبیح و حمد کن و از او آمرزش بخواه که او بسیار توبه پذیر است! (۳)»

۲- به نام خداوند بخشنده مهربان «بگو: ای کافران! (۱)» «آنچه را شما می پرستید من نمی پرستم! (۲)» «و نه شما آنچه را من می پرستم می پرستید، (۳)» «و نه من هرگز آنچه را شما پرستش کرده اید می پرستم، (۴)» «و نه شما آنچه را که من می پرستم پرستش می کنید؛ (۵)» «(حال که چنین است) آیین شما برای خودتان، و آیین من برای خودم! (۶)»

سخنانی پیرامون حرم حضرت امام رضا علیه السلام پیگیری اعداد و ارقام

اشاره

سخنانی پیرامون حرم حضرت امام رضا علیه السلام پیگیری اعداد و ارقام (۱)

از «صفر» تا «یک دلی»

هر روز مردم، گروه گروه به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام شرفیاب می شوند و از درگاه با عظمت آن بزرگوار، بهره های فراوان می گیرند.

برخی از آنان خود را از قبل آماده زیارت نموده و با قلبی آماده قدم به بارگاه نورانی آن حضرت می گذارند و برخی دیگر که به این مرحله نرسیده اند، تحت تأثیر عظمت و جاذبه آن مکان مقدس قرار گرفته و با عنایت و توجه حضرت امام رضا علیه السلام از همانجا راه را آغاز کرده و از «صفر» شروع کرده و راه را ادامه می دهند تا به «یک دلی» برسند.

انسان می تواند با «یک دله» کردن دل، به مراحل بزرگ معنوی برسد و با خارج نمودن اغیار از حریم دل، دل را حرم خداوند قرار داده و محبت غیر او را در آن ریشه کن سازد؛ تا به مقام «رضا» که بهترین مقام اهل دل است راه یابد.

ص: ۴۱

۱-۲. در اینجا مطالبی را تحت عنوان ارقام از یک تا چهارده به تعداد چهارده معصوم علیهم السلام می آوریم.

در این صورت، از درد و درمان و وصل و هجران، آنچه را که خدا به آن راضی است می پسندد، نه این که فقط تسلیم باشد؛ بلکه علاوه بر مقام تسلیم در برابر خواسته خداوند، آنچه را که او بخواهد به آن راضی است.

«یکی» درد و «یکی» درمان پسندد

«یکی» وصل و «یکی» هجران پسندد

من از درمان و درد و وصل و هجران

پسندم آنچه را جانان پسندد

«دو زیارت» و «دو حرم»!

کسانی که به این مقام رسیده اند تولّدی «دوباره» یافته اند؛ زیرا «دو دیده» قلب و «دو گوش» باطنی خود را گشوده اند و از حیاتی تازه برخوردارند و به این گونه، سعادت خود را در «دو جهان» تأمین نموده اند.

هاله آنان شفاف و نورانی و سراسر وجودشان را نور فرا می گیرد. اینان نور و روشنایی خود را از این خاندان کسب کرده اند، نه تنها اینان بلکه هر چه نورافشانی می کند، فروغی از پرتو انوار درخشان آل الله گرفته است، حتّی نورافشانی «دوچشمه»^(۱) از نور وجود ایشان سرچشمه می گیرد و «دو برادران»^(۲) که بر فراز آسمان می درخشند، درخشندگی خود را از نور این دودمان گرفته اند.

این خاندان، اصل نور و روشنایی می باشند، و آن گاه که دوران حکومت اهل بیت علیهم السلام فرا رسد، ظلمت و تاریکی از جهان رخت بسته و شب و روز با انوار درخشان حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه روشن می شود.

این خاندان، نه تنها اصل نور و روشنایی می باشند؛ بلکه اصل هر خیر و خوبی هستند و همگان هر چه در باب فضایل و معارف این خاندان بگویند یا بنویسند، «دویتی»^(۳) از بحر معارف این بزرگواران را نسروده اند.

از بیان اصل نور و روشنایی «دو دنیا» و از بحر معارف این خاندان بگذریم و به شرح «دو زیارت» و «دو حرم» پردازیم:

ص: ۴۲

۱-۳. دو چشمه: خورشید و ماه.

۲-۴. دو برادران: دو ستاره درخشان در قطب شمال که آن ها را به عربی «فرقدان» گویند.

۳-۵. دویتی: شعری مرکب از چهار مصرع، که مطلب کاملی را بیان کند.

انسان ممکن است بر اثر پاکدلی، وجود عرشی حضرت امام رضا علیه السلام را در حرم مطهر آن بزرگوار زیارت نموده و ببیند. و نیز ممکن است بر اثر پاکسازی قلب از آلودگی و خارج نمودن اغیار از حریم قلب که حرم خداوند است، به خاطر تجلی حضرت امام رضا علیه السلام بر قلب انسان، حتی در غیر حرم آن حضرت را زیارت نماید. این گونه حالات، معمولاً مکاشفه (۱) است و گاهی ممکن است مشاهده باشد.

باید توجه داشته باشیم که گفتگوی این مطالب آسان است ولی آنان که دارای این گونه حالات هستند وجودشان همچون کبریت احمر و اکسیر اعظم است.

البته همان گونه که گفتیم همه کسانی که به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام شرفیاب می شوند، هر کدام از لطف و عنایت آن حضرت توشه می گیرند.

موالید «سه گانه»

موالید «سه گانه» (۲)

نه تنها انسان و دیگر موجودات هوشمند جهان آفرینش - که بر فراز آسمان هیا در اعماق زمین جای دارند - با ولایت و سرپرستی خاندان وحی علیهم السلام آشنايند؛ بلکه جمادات و «موالید سه گانه» بر این حقیقت اعتراف دارند.

خاندان وحی علیهم السلام با بیان این نکته که ولایت آنان بر همه مخلوقات جهان آفرینش عرضه شده، شعور جمادی، گیاهی و حیوانی جمادات، گیاهان و حیوانات را نیز بیان نموده اند؛ هر چند دانشمندان دوران غیبت، تازه به شعور آب و سایر اشیاء پی برده و در تلاش و جستجو برای تکمیل آن هستند.

اکنون مردم از زیارت برخی از «موالید سه گانه» در حرم حضرت امام رضا علیه السلام خبر دارند، هر چند ممکن است به آن توجه نداشته باشند - و ما به خاطر این که تذکر آن ها سبب طولانی شدن مطلب می شود از بیان آن خودداری می کنیم - اما برای این که هنگام زیارت از توجه بیشتری برخوردار باشیم این نکته را بیان می کنیم:

چه بسا انسان با لباسی که از حلال تهیه شده به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

ص: ۴۳

۱- ۶. برای توضیح بیشتر رجوع کنید به: «اسرار موقیّت ج ۲ ص ۲۵۵» از مؤلف این کتاب.

۲- ۷. موالید سه گانه: گیاه، حیوان و انسان.

شرفیاب می شود، و توجّه لباس او به حضرت امام رضا علیه السلام - به وسیله شعور جمادی که از آن برخوردار است - بیشتر از خود انسان که فکرش پراکنده است، می باشد.

آیا پسندیده است که توجّه لباس ما با شعور جمادی خود بیشتر از توجّه ما با روح و شعور انسانی ما باشد؟!

درست است که حالت کامل حضور، کار مردان خدا و اولیاء الهی است و از کسانی برمی آید که دنیا را «سه طلاقه» کرده اند؛ اما ما نیز اگر قبل از شرفیابی به حرم حضرت امام رضا علیه السلام مقداری درباره عظمت و بزرگواری آن حضرت بیندیشیم و توجّه کنیم که می خواهیم به چه بارگاهی قدم بگذاریم، بی شک در چگونگی زیارت ما اثرمی گذارد.

«چهار گوشه ضریح»

در نظر گرفتن عظمت و بزرگواری حضرت امام رضا علیه السلام و توجّه به مقام ولایت و معرفت آن بزرگوار به نورانیت، در کیفیت و چگونگی زیارت زائر، اثربسزایی دارد و در نتیجه لطف و عنایت حضرت امام رضا علیه السلام به چنین زائری بی حساب خواهد بود. در این گونه مواقع، «چهار عمل اصلی(۱)» به کار نمی آید و لطف و کرم آن بزرگوار بی حدّ و بی حساب است.

در این موارد سوز و توجّه زائر، زمینه ساز عنایت حضرت امام رضا علیه السلام می شود و علم و آگاهی از «نسب اربعه(۲)» در آن تأثیری ندارد؛ همان گونه که شناخت «علل چهارگانه(۳)» و سایر گفته های ارسطو و دیگران در آن نقشی ندارد و زر و زیور خسروپرویز، و زور و بازوی رستم زال نیز، زاد و توشه این راه نبوده و زمینه ساز عنایت بی زوال حضرت امام رضا علیه السلام به زائران نمی باشد.

در برخی از موارد، پناهندگان به امام رضا علیه السلام نه قلب نورانی دارند نه علم و آگاهی،

ص: ۴۴

۱- ۸. چهار عمل اصلی: جمع و تفریق و ضرب و تقسیم.

۲- ۹. نسب اربعه: ۱- تساوی، ۲- عموم و خصوص مطلق، ۳- عموم و خصوص من وجه، ۴- تباین.

۳- ۱۰. علل چهارگانه: ارسطو تقسیم بندی علل را به این صورت بیان کرد: ۱- علت فاعلی، ۲- علت غایی، ۳- علت مادی،

۴- علت صوری.

نه دارای زر و زیورند و نه؛ ولی امام رئوف حضرت علی بن موسی الرضاعلیه السلام بر اساس ولایت مطلقه خود که مقتید به قیدی نیست، به خاطر حکمتی که خود می دانند، از آنان دستگیری می نمایند و آنچنان زائران خود را تحت تأثیر قرار می دهند که گویی «چهار گوشه ضریح» را همچون «چهار گوشه بیت المعمور» در عرش می بینند و آنچنان با حضرت امام رضاعلیه السلام به گفتگو می نشینند که گویی کاملاً آن حضرت را می بینند.

همه زائران باید کاری کنند که این گونه مورد توجه و عنایت کامل حضرت امام رضاعلیه السلام قرار گیرند.

«پنج گنج انسان»

وجود انسان، سرشار از گنج های گران بها است. رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرموده اند:

الناس معادن، كمعادن الذهب والفضة. (۱)

مردم، معدن هایی هستند همچون معدن های طلا و نقره.

ما باید وقت و فرصت را تلف نکنیم و با استمداد از خداوند و توسل به «پنج تن» و سایر معصومین علیهم السلام از نعمت های بزرگی که خداوند در وجود ما نهفته آگاه شویم.

ما باید «پنج روزه دنیا» را غنیمت شمرده و مواظب «حواص پنجگانه ظاهری» خود - که آن را «پنج گنج» نامیده اند - باشیم و آن ها را در راه رضایت خداوند به کار ببریم تا از وجود گنج هایی که در باطن ما هست، آگاه شده و بتوانیم آن ها را استخراج کنیم.

درست است که باطن همه انسان ها همانند هم نیست و همان گونه که در ظاهر باهم تفاوت دارند از نظر حواص باطنی نیز باهم فرق می کنند و بنا بر مثل، «پنج انگشت» برادر هستند امّا برابر نیستند؛ ولی به هر حال هر انسانی از گنج های نهانی، حواص باطنی و نیروهای نهفته برخوردار است که باید آن ها را شناسایی کرده و بکار گیرد.

انسان باید با استخراج این گنج ها و بیدار ساختن این نیروها از دکان داری سخت پرهیز نموده و هدف خود را از به دست آوردن آن ها، کمک به دین خدا و

ص: ۴۵

خدمت به حضرت بقیه الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه قرار دهد.

زیارت حضرت امام رضا علیه السلام بهترین فرصت و موقعیت برای زائرین محترم است که از آن حضرت بخواهند قدرت های باطنی آنان را بیدار نموده و آن ها را با تمام وجود و با همه توانایی های ظاهری و باطنی در راه انتظار و خدمت به امام عصر ارواحنا فداه موفق نمایند.

برتر از «شش طاق پادشاهی»

برتر از «شش طاق پادشاهی»^(۱)

زائرینی که فوج فوج به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام شرفیاب می شوند تنها کسانی که بر عالم خاک راه می روند نیستند، بلکه آفریده های گوناگون خداوند از «شش جهت» با آداب گوناگون راهی بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می شوند. خوشا به حال آن افرادی که با ایمان کامل و کنترل فکر، «شش دانگ» حواس خود را جمع کرده و به زیارت می پردازند.

گروهی از زائرین از نزدیک شدن به ضریح مطهر حضرت امام رضا علیه السلام شرم دارند و خود را لایق آن مکان با عظمت نمی دانند، به کنجی نشسته و به زیارت و نماز و راز و نیاز می پردازند، آنان هر نقطه و هر گوشه حرم را بسی برتر از «شش طاق پادشاهی» می دانند.

و گروهی دیگر از زائران، اگر دستشان به ضریح نورانی آن حضرت نرسد، خود را شرمند و شرمسار دانسته گویی که زیارت شان پذیرفته و قبول نشده است.

چه بسیارند زائرینی که با شفا گرفتن مریضان خود و یا روا شدن حاجات خویش، شاهد مهربانی و رأفت حضرت امام رضا علیه السلام می شوند و به شکرانه آن به صلوات و درود می پردازند و به این وسیله، چهره های گرفته و دل های شکسته خود را شکفته و شاد می نمایند و به هر شهر و دیاری که می روند با بیان معجزه امام غریب علیه السلام شمیم خوش شفایابی را پخش می کنند و به این شیوه همه را شیفته و شیدای زیارت آن حضرت می نمایند.

ص: ۴۶

۱- ۱۲. شش طاق پادشاهی: نوعی از خیمه پادشاهان که دارای شش گوشه بوده است.

پرتو نگاه مهرآمیز حضرت امام رضا علیه السلام شامل هر دو گروه می شود و قلب آنانی را که با صفا و اخلاص به زیارت آمده اند فروغ و روشنایی می بخشد.

«قبله هفتم»

آری؛ از آنجا که همه روزه هزاران نفر از «هفت اقلیم» جهان به زیارت «قبله هفتم» شرفیاب می شوند، از آداب و رسوم و فرهنگ های گوناگونی برخوردارند، و حضرت امام رضا علیه السلام به همه کسانی که به زیارت حضرتش شرفیاب می شوند به دیده رأفت، مهربانی و بزرگواری می نگرند؛ چه آنان که همسایه و در جوار آن بزرگوار هستند و چه آنان که از سرزمین های دور با مشکلات فراوان راه را طی نموده و از «هفت خوان» رستم گذر نموده و به زیارت آن بزرگوار می شتابند.

بدیهی است همه کسان، یکسان نیستند و آنان که برای شرفیاب شدن به حرم حضرت امام رضا علیه السلام، رنج ها و زحمت های فراوان را تحمّل نموده اند با کسانی که به راحتی به بارگاه حضرت امام رضا علیه السلام رسیده اند تفاوت دارند. هرچند همه کسانی که آن حضرت زیارت شان را بپذیرند، «هفت درب جهنم» به رویشان بسته شده و **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** از «هفت چشمه بهشت» (۱) سیراب می شوند.

ولی با اینهمه، همه همانند هم نیستند و آنان که از همگان دل بریده و همچون «هفت تنان» (۲) از ناپاکان برائت جسته و از دشمنان دوری گزیده اند و تنها به سوی خدا و اهل بیت علیهم السلام روی آورده و والہ او گشته اند، به مراتب برتر از دیگرانند و کسی همتا و همانند آنان نیست.

در نزد این گونه کسان - که دلی خالی از اغیار دارند - «عجایب هفتگانه جهان» (۳) بسی کوچکتر از آنست که آنان را به شگفت آورده و به سوی خود جذب نمایند.

ص: ۴۷

۱- ۱۳. هفت چشمه بهشت طبق نقلی عبارتند از: کوثر، کافور، میم، سلسبیل، تسنیم، معین و زنجبیل.

۲- ۱۴. اصحاب کهف را «هفت تنان» گویند که به نقلی عبارتند از: یملیخا، مگشلینیا، مشلیتیا، مرنوش، دبرنوش، شادنوش و مرطونش.

۳- ۱۵. عجایب هفتگانه جهان عبارتند از: دو مقبره (اهرام مصر و آرامگاه موزله)، دو مجسمه، یک معبد، یک فانوس دریایی و باغ های معلق بابل.

این گونه کسان، مجذوب رایحه های عطر آگین معنوی بارگاه حضرت امام رضا علیه السلام می شوند و تالائو انوار پرفروغ، تابناک و شادی بخشی که در فضای حرم می درخشد، آن ها را به خود جذب می کند.

اینان نه به «عجایب هفتگانه جهان» در زمین، بلکه به «خاتون هفت قلعه»^(۱) آسمان نیز نمی نگرند.

اینان گنج های طالقان و دیگر یاوران امام عصر عجل الله تعالی فرجه می باشند که با قلب های محکم و استوار و آهنین خود، دمار از دشمنان نگون بخت امام عصر ارواحنا فداه درمی آورند.

اینان بزرگترین قدرت های جهان را بازیچه ای بیش نمی دانند.

یاد قلب های آهنین و استوار گنج های طالقان و دیگر یاوران امام زمان عجل الله تعالی فرجه، یاد محکم بودن طالیقون یا «هفت جوش»^(۲) را از خاطر ما می زداید.

«امام هشتم»

فکر سالم، قوی و متمرکز در چگونگی زیارت، اثر فراوانی دارد؛ همان گونه که جمع نبودن حواس و تشتت فکری مانع توجه کامل می شود.

نه تنها گناه بلکه بعضی از کسالت های جسمی - مانند کم کاری کلیه و... - و نیز غلبه یکی از «هشت طبع»^(۳) اثر زیادی در تشتت فکر دارد.

در صورتی که انسان بتواند به زیارت کامل پردازد و زائر واقعی «امام هشتم» علیه السلام باشد، «هشت باب بهشت» به روی او گشوده خواهد شد و می تواند در «هشت بستان بهشت»^(۴) بیارامد.

ص: ۴۸

۱- ۱۶. خاتون هفت قلعه: ستاره زهره.

۲- ۱۷. طالیقون یا هفت جوش: فلز محکمی است که از ترکیب هفت فلز ساخته می شود، آن ها عبارتند از: طلا، نقره، مس، قلع، سرب، آهن و روی.

۳- ۱۸. هشت طبع عبارتند از: حار، بارد، یابس، رطب، حار رطب، حار یابس، بارد رطب و بارد یابس.

۴- ۱۹. هشت بستان بهشت، کنایه از هشت رتبه بهشت است که عبارتند از: خلد، دار السلام، دار القرار، جنّیت عدن، جنّهم المأوی، جنّ النعیم، علّیین و فردوس.

برای این گونه افراد حتّی «هشت گنج»^(۱)، کوچکترین اهمّیت و ارزشی ندارد.

«نُه فلک»

همان گونه که گفتیم افلاکیان نیز از ماورای «نُه فلک» پر می گشایند و «نُه سپهر نیلی» و «نُه طارم کبود»^(۲) را پشت سر می گذارند و به سوی سرزمین طوس روی می آورند.

«معصوم دهم»

آنان «معصوم دهم» حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام را زیارت نموده و همچون خلائقِ دیگر بوسه بر خاکِ عنبرین بارگاه «دهمین مقام عصمت» می زنند.

«یازده اختر فروزان»

کسی که با اعتقاد به مقام امامت حضرت امام رضا علیه السلام، آن بزرگوار را زیارت نماید، به یازده اخترِ دیگر امامت نیز اعتقاد دارد؛ زیرا برخی از فرقه هایی که در روزگاران قدیم در شیعه پیدا شده و امامان بعد از حضرت امام رضا علیه السلام را قبول نداشتند همه نابود شده و از میان رفته اند.

«امام دوازدهم»

الآن همه کسانی که حضرت امام رضا علیه السلام را به عنوان امام زیارت می کنند، شیعیان «دوازده امامی» هستند و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان دیگر تا حضرت بقیّه الله الأعظم ارواحنا فداه را به عنوان «دوازده امام» معتقدند و در هر زمان که توفیق شامل حالشان شود به زیارت این بزرگواران می روند.

اگرچه در برخی از ماه ها مانند ماه رجب، ذی القعدة و ماه صفر سیلِ جمعیت برای

ص: ۴۹

۱ - ۲۰. هشت گنج، نام گنج های هشتگانه خسروپرویز است که عبارت بودند از: گنج فردوس، گنج بادآورد، دیبه خسروی، گنج افراسیاب، گنج سوخته، گنج خضراء، گنج شاه آور و گنج بارد.

۲ - ۲۱. در قدیم هفت ستاره معروف: زهره، مشتری، مریخ و... را دارای هفت فلک می دانستند و قائل به دو فلک دیگر (فلکِ اطلس و فلکِ الأفلاک) نیز بودند، مجموع آن ها را نُه فلک، نُه سپهر نیلی و نُه طارم کبود می نامیدند.

زیارت حضرت امام رضا علیه السلام بسیار بیشتر از ماه های دیگر روانه مشهد مقدس می شود، ولی با اینهمه در تمامی دوران سال و در همه «دوازده ماه» هجوم جمعیت برای زیارت امام رضا علیه السلام که قبله دل ها و کعبه آمال و آرزوها است همچنان ادامه دارد.

«سیزده بار» هدایت و رحمت

زائرین محترم باید به این نکته توجه داشته باشند که در زیارت حضرت امام رضا علیه السلام اخلاص داشته باشند و قصد زیارت آن بزرگوار را با سیاحت و «سیزده بدر» توأم نکنند. اگرچه گاهی سیاحت بر اساس شرع لازم است ولی مسافرت به قصد «سیزده بدر» از خرافاتی است که هوسرانی ها و دست های بیگانه آن را پشتیبانی و تقویت می کند.

از نظر دین اسلام، عدد «سیزده» نحس نیست تا انسان بخواهد به وسیله مسافرت آن را از خانه و کاشانه خود خارج سازد.

خداوند در قرآن، کلمه نحس را یک بار آورده است؛ ولی هدایت و رحمت (هدی و رحمه) را «سیزده بار» تکرار فرموده است.

نحس بودن در صورتی است که زائر، زیارت را با تفریحات غیر سالم همراه نماید. این گونه زیارت از نظر شرع، نحس و پلید است. ولی آنان که سفر به کنار دریا را کنار نهاده و با کوله بار امید به سوی بارگاه حضرت امام رضا علیه السلام روانه می شوند، شاهد امواج خروشان دریای بیکران مهر و عنایت حضرت امام رضا علیه السلام خواهند بود.

«چهارده معصوم علیهم السلام»

بنابراین باید توجه داشته باشیم سیاحت هایی را که خلاف شرع است رها ساخته و با زیارت های غیر خالصانه، خدا و «چهارده معصوم» علیهم السلام را از خود ناراضی نسازیم.

باید این نکته مهم را از یاد نبریم که برخی از زمان ها و مکان ها از خصوصیت ها و ویژگی های مهمی برخوردارند که با در نظر داشتن آن ها انسان می تواند مشکلات

بزرگی را برطرف نماید. اهمیتی که شب قدر و برخی از شب های دیگر و نیز برخی روزها و ماه ها دارا هستند، روشن و آشکار است.

می گویند در «شب چهاردهم» هر ماه، ساعتی وجود دارد که دعا در آن هنگام مستجاب است. با از دست دادن این زمان ها، فرصت های بزرگی را از دست می دهیم.

همچنین مکان هایی چون بارگاه نورانی حضرت امام رضا علیه السلام دارای آثار و عظمت های مهمی است که ما با توجه نداشتن به آن و یا با نیت های غیر خالص در زیارت، این فرصت های مهم را از دست می دهیم و به آنچه خدا و «چهارده معصوم» علیه السلام می خواهند عمل نمی کنیم.

الفبایی درباره حرم و آداب زیارت

الفبایی درباره حرم و آداب زیارت (۱)

آستان قدس رضوی، آرامش بخش آفریدگان آفریدگار، و پناهگاه آشنا و بیگانه است. مردم در همه آفاق، شوق زیارت این بارگاه را دارند؛ و آرزو دارند از آب حیات سقاخانه حرم، جرعه ای بنوشند.

اذن ورود به حرم مطهر امام رضا علیه السلام، اشک شادی را در دیدگان شیفتگان ارض اقدس جاری می سازد و انس با آن حضرت را در انسان افزایش می دهد.

در این بارگاه، باران رحمت بر همه کسانی که از بر و بحر آمده اند می بارد و بزرگ و کوچک را در بوستان ولایت و باغ ملکوتی خویش پذیرایی می کند.

این سرزمین، پناهگاه همگان است؛ پارسایان پاکدل و نیز پر و بال سوختگان پریشان حال را پذیرا می شوند و راه پیشرفت و پرواز را به همه می آموزند.

گنبد زیبا و تابناک حرم، انسان را به تماشا و امی دارد و توجه او را به خود جلب می کند؛ گویی به او می آموزد که قبل از تشرّف به حرم، قدری تأمل نموده و درس توبه بیاموزد تا بتواند در حضور حضرت امام رضا علیه السلام از تبلیس ابلیس در امان

ص: ۵۱

۱- ۲۲. در این قسمت هر یک از حروف الفباء به ترتیب، به وسیله کلمه ای که در اوّل آن قرار گرفته اند، هشت بار - به نام امام هشتم علیه السلام - تکرار شده اند.

مانده و راه تقوا را برای همیشه پیشه سازد.

باید به رأفت و مهربانی حضرت ثامن الحجج علیهم السلام اطمینان داشته باشیم و با ثبات قدم در این عقیده به شناگویی آن حضرت پرداخته تا بر ثواب و ثمره زیارت خودبیزاییم و با زیارتی که همراه با معرفت و شناخت است نام ما در زمره بهترین زائران امام هشتم علیه السلام از ثری تا ثریا، ثبت شود.

در جوار حضرت امام رضا علیه السلام باید از جاذبه ولایت آن بزرگوار بهره مند شویم و روح و جان خود را با جلوه های رحمانی جلا داده و جرعه نوش جام ولایت و جان نثار آن حضرت باشیم.

باید از چشمه سار شفا بخش حرم که برتر از چشمه خورشید است بهره مند گشته و چنان در چمن زار ولایت جای گیریم که چشم از جهان پوشیده و با چابکی برای چاره جویی و فرار از ظلمت به نور ولایت چهارده معصوم علیهم السلام پناهنده شویم.

در حرم امام هشتم علیه السلام به حمد و ستایش خداوند پرداخته و ظهور حجت الهی امام عصر ارواحنا فداه را خواستار شویم و برای فرارسیدن «دولت کریمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف»^(۱) و حکومت آن بزرگوار، دست به نیایش بلنده نموده تا با ظهور و حضور آن حضرت، حجاب غیبت از میان برداشته شود و مردم از حیرت نجات یابند.

مشهد مقدس نقطه آمال خلائق است، خادمان حرم دست به سینه ایستاده اند و خوشحالی در سیمای زائران امام هشتم علیه السلام موج می زند، سیل خروشان خلق با حاجت ها و خواسته های گوناگون به سوی حرم سلطان خراسان روی می آورند. ای کاش؛ همه خواستار ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه می بودند.

پنجره فولاد، درمانگاه درماندگان بی پناه است. مردم با دخیل شدن به آن، به دعا و توسل می پردازند و هر لحظه منتظر خروش دریای رحمت حضرت امام رضا علیه السلام

ص: ۵۲

۱- ۲۳. نام کتابی است از مؤلف، پیرامون شکوفایی عقل و اندیشه، پیشرفت دانش و بینش، توسعه اقتصادی و... در حکومت آینده جهان با نکته های تازه، مهم و حیاتی.

هستند تا با نگاه و دلجویی آن حضرت، دل شکسته آنان شاد شده و با حاجت روا شده از دولت سرای آن بزرگوار بازگردند.

زائران با اخلاص با ذوق تمام به زیارت می پردازند و سعی می کنند ذهاب و رفت و آمد مردم، فکر و ذهن آنان را مشوّش نکند و با توسّل به حضرت امام رضا علیه السلام دل از ذهاب و فضّه شسته، به ذکر ذات پاک الهی مشغول شده و یاد خداوند ذوالجلال را ذخیره آخرت خویش قرار می دهند.

رأفت و مهربانی حضرت امام رضا علیه السلام با زائرین، روان انسان را شاد می سازد و جلوه های رحمانی در آن روضه رضوان، آموزنده طریق خلوص و روزنه ای برای خودسازی - نه خودستایی - است.

در زیارت حضرت امام رضا علیه السلام زر و زیور زائران نفعی ندارد؛ همان گونه که زهد زاهدان ریاکار بی ارزش است. در حرم امام هشتم علیه السلام زنده دلانی که در زورق ولایت نشسته و با قطرات اشکی که با اخلاص می ریزند، امواج عظیم رأفت آن حضرت را به خروش می آورند و کاملاً مورد توجّه قرار می گیرند.

در حرم امام هشتم علیه السلام ژنرال های لشکر و ژنده پوشان کشور با یک دید نگاه می شوند. حضرت امام رضا علیه السلام از ژرفای افکار همه آگاهند و به آنان که ژست و قیافه خود را آراسته و نیز به ژولیدگان زبان بسته با ژرف بینی نگریسته و از اعماق قلب همه خبر دارند، و در این میان آنان که قلبی بس روشن تر از ژنراتورهای قوی دارند مورد عنایت و توجّه خاصّ واقع می شوند هر چند ژنده پوش باشند.

برخی از زوّار بهترین سوغات سفر خود را آبی که از سقّاخانه برداشته اند می دانند، گویا که کوثر و سلسبیل، سرچشمه آنند و یا... آنان با نوشیدن جرعه ای از جام آن، بر حضرت سیدالشهداء علیه السلام سلام و درود می فرستند و خدا را بر این نعمت سپاس می گویند.

درب این بارگاه همیشه به روی همه گشوده است و مردم با گرفتن شفا و سایر

حاجت های خود، شاهد رأفت و مهربانی امام رئوف می شوند و به شکرانه آن، به درود و صلوات می پردازند. و در هر شهر و دیار با هیجان و شادی، جریان شفایابی راحکایت می کنند و به این شیوه همه را شیفته این بارگاه می نمایند.

صاحبدلانی که از صحن ها گذشته و صادقانه به حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام مشرف می شوند، می دانند که در طول صدها سال هر جایگاه این بارگاه، قدمگاه حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه است و با صدق و صفا، صورت بر این خاک پاک نهاده و بوسه بر آن می زنند.

هر روز در کنار ضریح ضامن آهو و در هر ضلع و گوشه حرم، هزاران نفر مهمان و ضیف امام رضا علیه السلام هستند. نور و ضیاء معنوی آن بارگاه، ضمیر و باطن آنان را پاک و بهشت را برای شان ضمانت می کند و نام شان در طومار بهشتیان ثبت و ضبط می گردد.

طایران قدسی که بر ایوان طلا می نشینند، می دانند که طاق کسری در برابر آن، مخروبه ای بیش نیست. کوه طور با آنهمه جلالت، شکوه و طمطراق شهر طوس را ندارد. کبک و تیهو بلکه هر پرنده و طیفور، آرزوی طوف سقاخانه اش را می کند.

برخی از ظاهرپرستان نیز می دانند: ظفرمندی ظفرمندان معنوی و صاحبان ظرفیت، در ظلّ عنایت صاحب این بقعه و بارگاه به مرحله ظهور رسیده است و با نگاه آن حضرت، ظرف دل را از ظلمت و تاریکی رها ساخته اند.

صحن عتیق با سقاخانه زیبایی که دارد یاد علمدار کربلا حضرت ابوالفضل علیه السلام و شدت عاطفه آن حضرت را در خاطره ها زنده می سازد، چگونه سقای دشت کربلا با شدت عطش از خوردن آب در روز عاشورا امتناع ورزیده و تا جان دریدن داشتند علم را در دست داشته و با عمال ابن زیاد لعنه الله جنگیدند.

همه از غریب نوازی امام غریب علیه السلام آگاهند و می دانند که آن حضرت غمگسار غریبان هستند، غبار غم را از قلب آنان می زدایند؛ به گونه ای که فریاد و غریو شادی از قلب غمزدگان برمی خیزد.

فَرَج و ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداء و فتح و ظفر را در این بارگاه از خداوند بخواهید، و فرجام نیک را در این مکان بدست آورید تا به دریای فضایل و فیوضات راه بیابید و با توسّل به امام رئوف علیه السلام برای نجات از فریب فتنه های فراوان آخرالزمان و دوران تیره غیبت دعا کنید.

شهر مقدّس مشهد به قداست معروف است، زائرین و مجاورین آن دیار مقدّس باید قدر و احترام آن را نگه دارند و تلاش کنند که ریشه فساد و گناه در آن شهر قطع گردد. مبدا زنان و مردان از قانون شرع تجاوز کرده و با قیافه های غیرمشروع قد و قامت خود را در منظر دید دیگران قرار دهند.

کفشداران پاک دل این بارگاه - که اظهار ملال نمی کنند - کلیدداران گنجینه های قرب هستند. آنان به کاروان جویندگان کمال خوشآمد می گویند و کامیابان کوکب صبح رارج نهاده و در راه خدمتگزاری به زوّار از هر کوششی دریغ نمی ورزند.

گلدسته های حرم، گمشدگان راه را هدایت می کنند و با قد کشیده و استوار خود، گرفتاران گوشه نشین و کهنسالان قدخمیده را درس امید و ثبات قدم آموخته و به همه می آموزند که گشوده شدن گره های کور در این آستان، در گرو ایمان و یقین است، از یأس و سرافکنندگی گریزان و همچون ما سربلند باشید.

لطف و کرم حضرت امام رضا علیه السلام زبانزد خاصّ و عامّ است، همه می توانند از این بارگاه، لاله لاهوتی، لؤلؤ لالا یا لعل گهربار بگیرند. کلید دنیا و آخرت در دستان حضرت امام رضا علیه السلام است، هر لحظه امیدوار باشید و یأس و ناامیدی را - که لشکر نفس و شیطان است - شکست دهید.

زیارت حضرت امام رضا علیه السلام مشکل گشای همه و مایه امید مردم هر مرز و بوم است. آنان که با ایمان و یقین به این بارگاه مشرّف می شوند، به امید و آرزوی خود رسیده و مدال افتخار لطف و عنایت حضرت امام رضا علیه السلام را بر سینه می زنند.

در این زمان نقّاره خانه حضرت امام رضا علیه السلام، هنگام طلوع و غروب خورشید را به

اطلاع مردم می رساند؛ ولی روزی فرا می رسد که ناگهان ناکامی ها، ناگواری ها و... به پایان می رسد و از آن مکان مرتفع ندای «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ»، بلند می شود. آن روز، نوبت نیک فرجامان جهان است.

با توجه، وارد حرم مطهر شوید؛ تا می توانید از هنگام ورود تا وقت خروج، حالت حضور در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام را رعایت کنید، از وهم، خیال و وسوسه بپرهیزید. از آن بزرگوار بخواهید شما را برای خدمتگزاری به مقام والای ولایت اهل بیت علیهم السلام موفق نمایند.

همای رحمت حضرت امام رضا علیه السلام بر سر همگان سایه می افکند و همه زوّار از الطاف بیکران و همایونی آن امام همام بهره مند می گردند؛ به این جهت در هنگام زیارت، حواس خود را جمع نموده و هشیار باشید و همواره متوجه آن حضرت بوده و مواظب باشید فکر شما به این سو و آن سو جلب نشود.

همیشه به یاد داشته باشید: پیامبران الهی و اولیاء خدا با پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام، به کمک دین خدای یکتا و یگانه پرداخته اند. از امام هشتم علیه السلام طلب یاری کنید و با یقین از آن حضرت بخواهید شما را از یاران و یاوران امام عصر ارواحنا فداه قرار دهند تا در صف یاری کنندگان دین خدا باشید.

چند نکته دیگر

از حکمت زیارت بگذریم که این، از آن مردان خدا است. «عنقا را بلند است آشیانه» و «سیمرغ دیگر است و سی مرغ دیگر»، و سخن گفتن از آن برای برخی ملال آور است.

گاهی انسان بر اثر بی توجهی و یا کم توجهی و مخلوط شدن نیت ها و انجام برخی از کارهای ناپسند، ثواب اعمالی را که خداوند کریم در قرآن مجید بارها آن را بلفظهای گوناگون آورده است از دست می دهد و از حکمت مهم آن - که به دست آوردن ارتباط با خدا و اهل بیت علیهم السلام است - بی بهره می ماند.

آنان که حیا و حجاب را رعایت نمی کنند، آنان که مواظب دیدگان خود نیستند، آنان که از موسیقی های... دست بر نمی دارند و... باید بدانند: آنان که «سی لحن باربد»^(۱) را گوش می کردند سرانجام سر به تیره خاک بردند، اینان هم که موسیقی را با «همراه» خود تا کنار ضریح حضرت امام رضا علیه السلام همراه خود می برند و...، نیز سرانجام خواهند مرد و نه از خسرو اثری خواهد ماند و نه از پرویز! و در زیر لحد باید از سی لحن باربد و یا ... پاسخ دهند.

آیا سزاوار است انسان از گوشه و کنار ایران یا جهان، راه های طولانی را برای زیارت حضرت امام رضا علیه السلام بپیماید ولی به خاطر انجام این گونه کارها، جلافت و عظمت و زیبایی بارگاه نورانی آن حضرت را درک نکند و دلش در بند دیگران و اموردیگر باشد؟!

متأسفانه وهابیت برای از بین بردن ارزش و اهمیت زیارت اهل بیت علیهم السلام تلاش می کند و می خواهد عظمت و ارزش زیارت را از نظر زائرین نابود کرده و یا حداقل کم رنگ نماید. یکی از مؤثرترین راه های آن ها برای رسیدن به این هدف، ترویج از زیارت هایی است که همراه با انجام کارهای ناپسند می باشد.

آن ها از یک سو مردم را به مسافرت های غیر سالم تشویق می کنند و از سوی دیگری خواهند عظمت مقام اهل بیت علیهم السلام را در نظر مردم کم رنگ نمایند. آن ها در پنهان سازی مقام اهل بیت علیهم السلام وارث و بازمانده بنی امیه و بنی العباس و نشخوار کننده خوراک شیطانی معاویه و عمرو عاص هستند.

هرچه آنان بکوشند که نام و یاد خاندان وحی علیهم السلام را از قلب و زبان مردم بزدايندولی خداوند خود فضیلت و جلال این خاندان را برای مردم آشکار می سازد. بهتر است در ارتباط با این گفتار، کلامی از حضرت امام رضا علیه السلام بیاوریم:

ص: ۵۷

۱- ۲۴. سی لحن باربد: چند سرود است که باربد - موسیقی دان معروف دوره ساسانی - برای خسرو پرویز می نواخت و آن ها را می خواند.

درباره کارشکنی های دشمنان اهل بیت علیهم السلام

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

الحمد لله الذي حفظ منا ما ضيع الناس، ورفع منا ما وضعوه حتى لقد لُعِنَّا على منابر الكفر ثمانين عاماً، وكتمت فضائلنا، وبذلت الأموال في الكذب علينا، والله تعالى يابى لنا إلا أن يعلى ذكرنا، ويبين فضلنا، والله ما هذا بنا، وإنما هو برسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وقرابتنا منه حتى صار أمرنا ومانروى عنه أنه سيكون بعدنا من أعظم آياته ودلالات نبوته.

سپاس خداوندی را که نسبت به ما حفظ کرد آنچه را که مردم ضایع و تباه ساختند و نسبت به ما بالا برد آنچه را آن ها پست نمودند تا آنجا که بر منابر کفر هشتاد سال ما را لعن نمودند و فضائل ما را کتمان کردند و مال ها برای دروغ بستن بر ما مبدول داشتند، خداوند تبارک و تعالی نپسندید برای ما و نخواست جز اینکه شأن ما والا و فضل ما ظاهر گردد، و به خدا قسم این نه بخاطر ما بلکه بخاطر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و قرابت و خویشاوندی ما با وی بود، تا آنکه امر ما و آنچه از او روایت می کنیم پس از ما از بزرگترین آیات و نشانه های نبوت او خواهد شد. (۱)

کارگزاران و هیأت باید بدانند کارشکنی های معاویه و... و نقشه های شوم آن ها برای پنهان ساختن فضایل اهل بیت علیهم السلام از جهاتی ده ها برابر کارشکنی های و هیأت در این زمان بوده است؛ ولی سرانجام آن ها سر به تیره خاک برده و آرزوهای خود را به گور بردند و هر روز نام خاندان وحی علیهم السلام درخشان تر شد.

سرانجام کارگزاران و هیأت نیز این گونه است.

ص: ۵۸

اکنون که از دستان آلوده وهابیت - که پدیده پلید یهود عنودند - سخن به میان آمد، سزاوار است به مناسبت بمب گذاری در حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام در ظهر روز عاشورای سال ۱۴۱۵ هـ ق برابر با ۳۰ خرداد ۱۳۷۳ هـ ش مطالبی را بیان کنیم؛ تا همه بدانیم این گونه اعمال ناشایسته، با نقشه های پیش ساخته دشمنان اسلام انجام می گیرد.

دستان به خون آلوده وهابیت با فعالیت فراوان در جهان، به مقابله با تشیع پرداخته و با خیال خام خود برای شکست و نابودی شیعیان، دستور اربابان یهودی خود را اجرا می کنند، غافل از آن که نقشه های آنان نقش بر آب خواهد شد و سرانجام نتیجه رفتارشان را سراب خواهند دید.

آنان به خوبی می دانند از صدر اسلام، یهودیانی که به شدت به مقابله با اسلام پرداختند و افرادی چون ابوسفیان و ابوجهل و... را برای نابودی اسلام با خود همگام ساختند، با شکست روبرو شدند؛ نه تنها آنان بلکه کسانی که لباس اسلام پوشیدند و در پوشش نفاق ضربه به ریشه اسلام زدند اگرچه در میان امت اختلاف افکندند و بسیاری را گمراه ساختند، ولی سرانجام شمار شیعیان همواره روزافزون شد و - با همه نقشه های شوم دشمنان - همچنان رو به افزایش است تا روزگاری که شیعیان بر سراسر جهان حکومت کنند و دمار از روزگار دشمنان گمراه برآورند و آنان را به دیار عدم رهسپار سازند.

توجه داشته باشیم که تعداد مسلمانان جهان را در هنگام شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم هفت میلیون نفر برآورد کرده اند که در جریان سقیفه افرادی که بر پیروی و ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام باقی ماندند از تعداد انگشتان دست هم کمتر بود، ولی با همه تلاش ها و کوشش ها و نقشه های فراوان برای نابودی شیعیان، اکنون نزدیک به

یک سوّم مسلمانان را شیعیان جهان تشکیل می دهند و سرانجام دین تشیع سراسر جهان را فرامی گیرد.

گروهی مأموریت یافته، چگونه می توانند دینی را که خداوند خود پشتیبان آنست از میان بردارند؟ مگر نه این است که خدا وعده داده است دین خود را بر تمامی ادیان جهان پیروز گرداند؟

چرا افراد ناآگاه را - که شستشوی مغزی شده و از اندیشه های سالم دور گشته اند - برای ویران ساختن مکان های مقدّس و یا به شهادت رساندن شیعیان اجیر می کنند؟!

آیا مزدوران خودفروخته نمی دانند که هرچند با انفجار بمب، در و دیوار حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام آسیب دید، ولی علاقه و محبّت دوستان خاندان وحی علیهم السلام همچنان بیشتر شد و کانون شور و شوق آتشین آنان شعله ورتر گشت؟! به گونه ای که حاضرند هرچند با جنگ و دندان، این فریب خوردگان بدفرجام را پاره پاره نموده تاثری از آنان در صحنه گیتی باقی نماند. و نه تنها این مزدوران گمراه بلکه آنان را که به گمراه ساختن این ابلهان کوته فکر می پردازند، نابود سازند.

این حقیقتی است که حتّی بسیاری از دستان ناشناخته بلکه اربابان آنان نیز قبول دارند.

آنان به خوبی می دانند همان گونه که ابوسفیان ها و ابوجهل ها و معاویه ها و عمروعاص ها نتوانستند دین خدا را سرنگون سازند، این عنکبوتان جدید نیز نمی توانند با تنیدن تار سست و بی بنیاد خود، بنیان محکم و استوار تشیع را ویران کنند.

آری؛ این نکته ای است که آنان آن را به خوبی می دانند.

نکته ای دیگر نیز هست که باید همه شیعیان، پیروان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام به آن توجه داشته باشیم:

هرچند ما با شور و شوق، درِ دیوار و زمین حرم را می بوسیم؛ هرچند ما با تمام وجود از کسانی که به در و دیوار حرم آسیب رساندند متنفر و بیزاریم، اگر پاسداری از حرم حضرت امام رضا علیه السلام به عهده ما نیست و ما توان آن را نداریم، ولی حراست و پاسداری از حرم خدا - که حرم اهل بیت علیهم السلام نیز هست - وظیفه ما است.

هر انسانی که به خداوند ایمان آورده و به مقام ولایت معصومین علیهم السلام ارج می نهد باید در حفظ این حرم بکوشد و با پاسداری و حراست از حرم، آن را از هر گونه آسیب و گزند حفظ نماید.

خداوند بزرگ پاسداری از این حرم را به عهده همه گذارده است و از تمامی آن ها خواسته است که تا حدّ قدرت و توان خود در حفظ این حرم بکوشند.

در سخنان خاندان وحی علیهم السلام در این باره بسیار تأکید شده و همواره درباره عظمت، اهمیت و بزرگداشت این حرم هشدار داده اند و بر آنان که اهمیتی به آن نمی دهند سخت برآشفته اند و شیفتگان خدمت گذاری به آن حرم را بسیار نواخته اند.

آیا می دانید آن حرم، کدام حرم است که هر فرد باایمان باید در آن، راه داشته باشد؟

آیا می دانید آن حرم، کدام حرم است که همه باید در پاسداری آن بکوشند و آن را از آسیب و بمب گذاری حفظ و حراست نمایند؟

آیا می دانید آن حرم، کدام حرم است که هر انسانی باید با پاسداری از آن، بیگانگان را در آن راه ندهد؟ اگر نشانی از آن حرم به خاطر نمی آورید از مکتب اهل بیت علیهم السلام جويا شوید تا شما را با آن حرم آشنا کنند.

علامه مجلسی در «بحار الأنوار» از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمودند:

القلب حرم الله فلا تُشْكِنُ في حرم الله غير الله. (۱)

قلب، حرم خداوند است؛ پس در حرم خدا، غیر خدا را جای نده.

و نیز در روایت بسیار مهمّ دیگری از رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم نقل کرده است که آن حضرت فرمودند:

ناجی داود ربّه فقال: إلهی لكلّ ملک خزانه، فأین خزانتک؟

قال جلّ جلاله: لی خزانه أعظم من العرش، وأوسع من الكرسي، وأطيب من الجنّه، وأزین من الملكوت:

أرضها المعرفه، وسماؤها الإیمان، وشمسها الشوق، وقمرها المحبّه، ونجومها الخواطر، وسحابها العقل، ومطرها الرحمه، وأثمارها الطاعه، وثمرها الحکمه.

ولها أربعة ابواب: العلم والحلم والصبر والرضا؛ ألا وهي «القلب». (۲)

داود با خدای خود مناجات کرد و گفت: خدای من؛ هر پادشاهی خزانه ای دارد خزانه تو کجاست؟

خداوند جلّ جلاله فرمود: برای من خزانه ای است که از عرش، با عظمت تر و از کرسی، وسیع تر و از بهشت، پاکیزه تر و از ملکوت، بازینت تر است:

زمینِ آن، معرفت و آسمان آن، ایمان و خورشید آن، شوق و ماه آن، محبّت و ستارگان آن، خطورها و ابر آن، عقل و باران آن، رحمت و میوه های آن، طاعت و نتیجه آن، حکمت است.

و برای آن، چهار درب است: علم، حلم، صبر و رضا؛ آگاه باش که آن، قلب است.

همان طور که دیدیم از قلب، به حرم خداوند و با عظمت تر از عرش الهی و... تعبیر شده است. اگر از این حرم به خوبی پاسداری نموده و در احترام و اهمیّت آن کوشش نماییم، در حرم حضرت امام رضا علیه السلام پذیرفته شده و در آن بارگاه با عظمت، پذیرایی معنوی می شویم.

ص: ۶۲

۱- ۲۶. بحار الأنوار: ۲۵/۷۰.

۲- ۲۷. بحار الأنوار: ۵۹/۷۰.

پس توجّه داشته باشیم که چگونه قلب ما باید با حضرت امام رضا علیه السلام در ارتباط باشد.

ما باید قلب خود را پاک کنیم، بیگانگان را در آن جای ندهیم، از هر مالی استفاده نکنیم، به هر صدایی گوش ندهیم، به هر منظره ای ننگریم و حرمت حرم یا قلب خود را حفظ کنیم تا چشم باطنی ما بینا و گوش باطنی ما شنوا گردد. کسی که این گونه باشدمی تواند از پذیرایی های معنوی در حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام برخوردار گردد.

بنابراین ما باید از این حرم پاسداری نموده و به آن ارج نهیم. اگر ما از نفس و هواهای نفسانی خود پیروی کنیم، در راه انهدام و نابودی این حرم گام برداشته ایم. اگر کردار، گفتار و افکار ما بر اساس فرموده های اهل بیت علیهم السلام نباشد و به گناه و خطاکاری پردازیم؛ اگر دست از آنچه مورد تحریم شرع قرار گرفته برداریم، اعمال ناپسند ما همچون بمبی است که در حرم خدا یا قلب خود منفجر می کنیم.

همچنان که انفجار بمب در حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام ما را سخت افسرده ساخت، باید توجّه داشته باشیم که گناهان ما نیز همانند بمب هایی است که با آن به تخریب قلب خود - که باید حرم الهی باشد - می پردازیم.

ما همان گونه که از عامل بمب گذاری در حرم حضرت امام رضا علیه السلام متنفر و او را یک فرد خودفروخته و خائن می دانیم، باید بدانیم که نفس ما - که ما را وادار به تخریب قلبمان می سازد - بزرگترین دشمن ما می باشد؛ همان طور که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرموده اند:

أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ. (۱)

دشمن ترین دشمن تو، نفس تو است که همراه توست.

به این نکته مهمّ باید توجّه کنیم که ممکن است چنان انسان را غفلت فراگیرد که خدا را فراموش نموده و در اثر آن، خود را نیز فراموش نماید.

خداوند می فرماید:

ص: ۶۳

نباشید مانند کسانی که خدا را فراموش کردند، پس خداوند هم خود آنان را از یادشان برد.

اگر انسان این گونه باشد ممکن است جرم و جنایات دیگران را به خوبی درک کند و با آب و تاب آن را برای دیگران آشکار سازد، اما از جرم و جنایت خود نه تنها دم نمی زند بلکه اصلاً متوجه آن نشده و خود را مجرم نمی داند تا درصدد علاج آن برآید. این گونه افراد در جهل مرکب گرفتارند و نمی دانند که نمی دانند.

اگر انسان این گونه باشد ممکن است از بمب گذاری در حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام و جاهای دیگر آزرده شود، ولی چون خود را فراموش کرده است از بمب گذاری و تخریبی که همواره بر قلب خود وارد می سازد کاملاً بی توجه و از آن اطلاعی نداشته باشد. قلبی که باید حرم خدا و جایگاه جانشینان او باشد، منزل دیوان و شیاطین گشته است. به این جهت هر چه بیشتر بر قلب خود آسیب وارد کند از آن بی خبرتر و دورتر می شود.

چون مکتب اهل بیت علیهم السلام به شیعیان دستور می دهد که شیعه باید دشمن شناس باشد، ما نه تنها باید دشمنان خارجی را بشناسیم بلکه نفس اماره خود را نیز که دشمن ترین دشمنان ما هست، بشناسیم و بدانیم آنچه بیش از همه بر ما ضربه می زند دشمن خارجی نیست، بلکه آن، نفس انسان است که گاهی دشمن خارجی را نیز در قلب او جای می دهد.

در این صورت، انسان مهم ترین تخریب و بمب گذاری را در قلب خود و در وجود خویش انجام می دهد ولی - همان طور که خداوند فرموده است - آن را فراموش کرده و توجهی به آن ندارد.

پس ما نه تنها باید از دشمن خارجی و وسوسه ها و تبلیس ابلیس و نقشه ها و تدلیس انگلیس و حيله ها و مکاری های آمریکا باخبر باشیم، بلکه از دشمن داخلی و نفس اماره خویش نیز بر حذر باشیم.

ص: ۶۴

حال که دانستیم ما با گناه و کارهای خلاف، بمب گذار حرم و قلب خود هستیم، این را نیز بدانیم که اگر مردم از اوّل تا به حال، اهل بیت علیهم السلام را تنها نمی گذاردند و به گرد آنان جمع می شدند، نوبت به بمب گذاری مکان های مقدّس نمی رسید که بیگانگان دست به این جنایت های بزرگ بزنند.

همان طور که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره امام عصر عجل الله تعالی فرجه فرمودند:

صاحب هذا الأمر الشريد الطريد الفريد الوحيد. (۱)

صاحب این امر (اظهار ولایت و قدرت در سراسر عالم هستی) رانده شده، دور شده، تنها و تک می باشد.

اگر جامعه ما در این گناه بزرگ - که طرد امام زمان عجل الله تعالی فرجه است - شرکت نداشت، چگونه خیانتکاران می توانستند دست به این جنایت زده و به حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام آسیب وارد نمایند؟ پس ما هر چند از کردار و اعمال آن هابی زاریم ولی به جای این که ما فدایی امام زمان عجل الله تعالی فرجه و سایر اهل بیت علیهم السلام باشیم، با کناره گیری و غفلت از آنان سدّ راه دشمنانمان نشدیم، و راه را برای وارد شدن آنان باز گذاردیم!

در نتیجه دشمنان دین، به ایجاد و تقویت فرقه های وهابی، بهائی و... پرداختند و با کمک دستان ناشناخته، برای رسیدن به اهداف پلید خود گام برداشتند.

حاکم های یهود با خیال خام خود برای نابودی دین الهی کوشش می کنند ولی غافل از اینکه خدایی که میلیاردها میلیارد ستارگان فروزان را آفریده، خود وعده داده است که سرانجام، خورشید عالم آفرینش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را به یاری دین می فرستد و با نابودی تاروپود دشمنان، تارهای تنیده شان از هم گسسته و نابود می شوند.

آنان اگر به پندار خود به برخی از هدف های شوم خود دست یابند ولی سرانجام کوس رسوایی آن ها در سراسر گیتی نواخته خواهد شد.

دستان ناشناخته و خودفروخته فقط سیاهی زاغ و زغن را دیده اند و به همان بسنده

ص: ۶۵

کرده اند و چون گوش شنوا ندارند از هزاران آوای هزاران (۱) یکی را هم نشنیده اند.

ای کاش؛ آنان می دانستند که مدّت شان کوتاه و مهلت شان رو به پایان است. ای کاش؛ آنان می توانستند بفهمند: پایان شب سیه، سفید است و سرانجام سیاهی شب به پایان می رسد و انوار پرفروغ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه سراسر جهان را روشن می سازد...

راهنمایی حضرت امام رضاعلیه السلام درباره شناخت افراد

متأسفانه این گونه افراد ممکن است در ظاهر به صورت دوست و... در میان مردم جا باز کنند و در باطن نقشه های دشمن را پیاده کنند. به این جهت، حضرت امام رضاعلیه السلام به همگان سخت هشدار داده اند که همه باید افراد را درست بشناسند و گول ظاهر فریبنده افراد را نخورند. به این دو روایت توجّه کنید:

۱ - حضرت امام رضاعلیه السلام از امام سجّادعلیه السلام روایت کرده اند که فرمود:

اگر شخصی را دیدید که باوقار و خوشرفتار است، در گفتارش به عبادت و پارسائی تظاهر می کند و در حرکاتش فروتنی می نماید تأنّی کنید، مبادا شما را بفریبید، چه بسا کسی که در برابر دنیا و ارتکاب محرمات ناتوان است به خاطر ضعف یت و پستی و ترسش، پس دین را دامی برای دنیا قرار می دهد و همواره مردم را با ظاهر آراسته می فریبید، اگر قدرت بر حرامی پیدا کند به آن هجوم می آورد.

و اگر دیدید که او از حرام خودداری می کند باز هم تأنّی کنید، مبادا شما را بفریبید؛ چرا که خواسته ها و تمایلات خلق متفاوت است؛ چه بسا کسی که از مال حرام هر چند زیاد باشد دوری می کند ولی خود را به کارهای زشت دیگروامی دارد، اگر زشت را هم بیاید به حرام سراغ او می رود.

ص: ۶۶

و اگر دریافتید که از آن هم دوری می کند باز تأثی کنید، مبادا شما را بفریبد تا بنگرید، چه بسیار کسانی هستند که می توانند همه آن بدی ها را ترک کنند اما به عقل متین و استوار رجوع نمی کنند، لذا آنچه را به خاطر جهل و نادانی اش تباه می سازد بیشتر است از آنچه با عقلش آن را اصلاح می کند.

حال اگر عقلش را متین یافتید باز تأثی کنید مبادا شما را بفریبد تا بنگرید: آیابه همراهی هواهایش برخلاف عقلش عمل می کند، یا به همراهی عقلش برخلاف هواهایش عمل می کند و اینکه علاقه اش به ریاست های باطل چگونه است؟ و آیا نسبت به آن بی اعتنا هست یا نه؟ چرا که در میان مردم کسانی هستند که خسر الدنیا والآخرتند؛ یعنی دنیا و آخرت هر دو را بر باد می دهند، دنیا را بخاطر دنیا رها می کنند و می پندارند که لذت ریاست باطل بیش از لذت اموال و نعمت های مباح و حلال است، لذا همه آن ها را رها می کنند به خاطر رسیدن به ریاست باطل.

«وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ» (۱)

«و زمانی که به آن ها گفته شود: از خدا بترسید غرور و لجاجت آن ها را به گناه کشاند، برای آن ها آتش دوزخ کافی است و بد جایگاهی است».

پس او همچون شتری که جلو خود را نبیند - یعنی بدون بصیرت - گام برمی دارد و او را اولین باطل به سوی دورترین هدف های زیانکاری می کشاند و بعد از آنکه طلب کرد آنچه را که قدرت بر آن ندارد پروردگارش او را در طغیان کشاند، پس او آنچه را خدا حرام ساخته حلال دارد و آنچه را خداوند حلال ساخته حرام دارد و باکی ندارد به آنچه از دینش از دست رود در صورتی که ریاستش که به خاطر آن، شقی و بدبخت گردیده سالم بماند.

آن ها همان کسانی هستند که خدا بر ایشان غضب کرده و مورد لعن خویش قرار

ص: ۶۷

داده و بر ایشان عذاب خوارکننده ای آماده ساخته است.

ولی مرد، مرد کامل و مرد خوب کسی است که هوا و خواسته هایش را تابع امر خدا گردانیده و توانش را در راه خدا بذل نماید، خواری به همراه حق را نزدیکتر به عزّت جاوید و همیشگی ببیند از عزّت در باطل، و بداند ضرر و زیان کم دنیا وسختی اندکی را که تحمّل می کند او را به نعمت پایدار در سرای جاودان و فناپذیر می رساند، ولی سرور و شادمانی فراوان دنیا که بر اثر پیروی هواهای نفسانی بدست آورده او را به عذاب پیوسته ای که هرگز زایل نمی گردد می کشاند.

این است مرد واقعی و مرد خوب، به او بیوندید و به روش او اقتدا کنید و به وسیله او به سوی پروردگارتان توسّل جوید؛ زیرا که دعای او رد نمی گردد و نسبت به خواسته اش ناکام و ناامید نمی شود. (۱)

دوستان منافق

۲ - حسن بن علی خزّاز گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود:

در میان کسانی که مودّت و دوستی ما اهل بیت را به خود می بندند کسانی هستند که فتنه انگیزی آنان برای شیعیان ما از دجال بیشتر است.

عرض کردم: با چه وسیله و از چه راهی؟

فرمود: با ارادت نشان دادن و دوستی کردن با دشمنان ما و دشمنی کردن با دوستان ما؛ زیرا هرگاه چنین شود حقّ و باطل آمیخته می گردد و امر مشتبه می شود، در نتیجه مؤمن از منافق شناخته نمی شود. (۲)

ص: ۶۸

۱- ۳۳. جامع أحادیث الشیعه: ۳۱۱/۷.

۲- ۳۴. وسائل الشیعه: ۴۴۱/۱۱.

قبل از آنکه به بیان ثواب زیارت امام هشتم علیه السلام بپردازیم، اندکی درباره عظمت حرم حضرت امام رضا علیه السلام و بارگاه نورانی آن حضرت، توضیح می دهیم؛ تا هنگام زیارت توجه داشته باشیم که به چه جایگاهی گام نهاده ایم، تا در آستان مقدس حضرت امام رضا علیه السلام هر چه بهتر و بیشتر خود را در برابر و در حضور آن بزرگوار ببینیم:

در این بارگاه، همیشه اولیاء خدا از ملائکه و... حضور دارند. حضرت امام رضا علیه السلام در ضمن حدیثی فرموده اند:

هذه البقعة روضه من رياض الجنّة، ومختلف الملائكة، لا يزال فوج ينزل من السماء وفوج يصعد إلى أن ينفخ في الصور. (۱)

این بقعه و بارگاه، باغی از باغ های بهشت و محلّ رفت و آمد فرشتگان است؛ همواره گروهی فرود می آیند و گروهی بالا می روند تا هنگامی که صور دمیده شود.

همه فرشتگان در برابر آن حضرت می ایستند و تا آن بزرگوار اجازه نشستن به آن ها ندهند به زمین نخواهند نشست.

در این باره، روایت جالبی از حضرت امام جواد علیه السلام وارد شده که با این کلام ارتباط دارد: از آن حضرت روایت شده است که فرمود:

یکی از اصحاب حضرت امام رضا علیه السلام مریض شد، آن حضرت به عیادت او رفت و فرمود: چگونه تو را می یابیم (در چه حالی هستی)؟

عرض کرد: بعد از شما مرگ را ملاقات کردم (مقصودش شدت بیماری و سختی و درد و ناراحتی بوده است).

امام علیه السلام فرمود: مرگ را چگونه دیدار کردی؟

ص: ۶۹

عرض کرد: بسیار سخت و دردناک.

فرمود: مرگ را دیدار نکرده ای بلکه چیزی که تو را آگاه کند و بعضی از احوال مرگ را به تو نشان دهد دیدار کرده ای، مردم نسبت به مرگ دو نوعند: گروهی بامردن راحت می شوند، و گروهی با مردن آن ها دیگران راحت می شوند؛ پس ایمان به پروردگار و ولایت ما اهل بیت را تازه کن تا از نوع اوّل باشی و راحت شوی.

آن شخص به دستور امام علیه السلام عمل کرد، سپس عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! این ها فرشتگان پروردگارند که با درود و احترام و هدایا آمده اند، بر شما سلام می کنند و در پیش روی شما ایستاده اند، به آن ها اجازه دهید که بنشینند.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: ای فرشتگان پروردگار من؛ بنشینید.

سپس به آن مریض فرمود: از این فرشتگان پرس: آیا به آن ها دستور داده شده که در حضور من بایستند؟

مریض گفت: از آن ها پرسش نمودم، جواب دادند که اگر همه فرشتگانی که خدا آفریده است در پیشگاه شما حاضر شوند همگی خواهند ایستاد و هرگز نمی نشینند تا به آن ها اجازه دهی، و خداوند به آن ها این گونه دستور داده است. (۱)

حرم حضرت امام رضا علیه السلام - همان گونه که آن حضرت فرموده اند - همواره، جایگاه رفت و آمد ملائکه است.

بدیهی است که دربار همه ائمه اطهار علیهم السلام از این عظمت برخوردار می باشند و فرشتگان همه مأمور به خضوع و تواضع نسبت به تمامی معصومین علیهم السلام می باشند. نه تنها فرشتگان، بلکه پیامبران اولوا العزم الهی نیز از مقام و منزلت آن بزرگواران آگاه بوده و در گرفتاری های بسیار سخت خداوند را به حقّ این بزرگواران خوانده و نجات یافته اند.

ص: ۷۰

شیخ صدوق به سند خود از حضرت علی بن موسی الرضاعلیه السلام روایت کرده است که فرمود:

چون حضرت نوح در معرض غرق شدن قرار گرفت، خدا را به حقّ ما خواند و خدا او را از غرق شدن رهانید، و چون حضرت ابراهیم در آتش رها شد خدا را به حقّ ما خواند و خدا برای او آتش را سرد و سلامت - یعنی بدون ضرر و آسیب - قرار داد، و چون حضرت موسی عصا را به دریا زد خدا را به حقّ ما خواند و خدا آن را خشک قرار داد، و چون حضرت عیسی در خطر کشته شدن به دست یهودیان قرار گرفت خدا را به حقّ ما خواند و از کشته شدن نجات یافت و خدا او را بسوی خود بالا برد. (۱)

همان گونه که پیامبران الهی در سختی ها خدا را به نام اهل بیت علیهم السلام می خواندند، مانیز وظیفه داریم در مشکلات و گرفتاری های خود که مهمّترین و سخت ترین آن ها غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه می باشد، به آن بزرگواران متوسّل شویم و خداوند رابه نام آنان بخوانیم.

در روایت دیگر حضرت امام رضاعلیه السلام فرموده اند:

هرگاه دچار گرفتاری و مشکل سختی شدید، در پیشگاه الهی به واسطه ما یاری بجوئید، خداوند تبارک و تعالی فرموده است:

«وَلِلّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا» (۲).

برای خدا نام هائی نیکو است، او را با آن ها بخوانید.

و امام صادق علیه السلام فرموده اند:

به خدا قسم؛ ما آن نام های نیکوی پروردگار هستیم که خداوند جز با معرفت ما از کسی چیزی نمی پذیرد. (۳)

ص: ۷۱

۱- ۳۷. جامع أحادیث الشیعه: ۳۰۲/۱۹، وسائل الشیعه: ۱۱۴۳/۴. (احادیث در این مورد بسیار فراوان است و دعاهائی که از آن بزرگواران صادر گشته بر آن دلالت دارد، زیرا در آن ها توسّل به ایشان زیاد وارد شده است).

۲- ۳۸. سوره اعراف، آیه ۱۸۰.

۳- ۳۹. جامع أحادیث الشیعه: ۲۹۷/۱۹.

توسّیل به این بزرگواران در همه جا پسندیده است و بدیهی است که اگر در حرم آن بزرگواران به آنان متوسّیل شویم، اثر بسیار زیادتری خواهد داشت؛ همان گونه که نمازخواندن در حرم های معصومین علیهم السلام از آثار و ثواب های بسیار بیشتری برخوردار است.

فضیلت نماز در حرم ائمه علیهم السلام

مرحوم محدّث قمی نوشته است: عالم جلیل و فقیه بی بدیل، شیخ خضر شلال رحمه الله در مزار خود فرموده:

از دلیل های عقلی و نقلی استفاده می شود که نماز در حرم حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم و حرم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و همچنین حرم های سایر ائمه علیهم السلام افضل است از نماز در مسجد الحرام که فضیلت نماز در آن برابر هزار نماز در جای دیگر است، با آنکه نماز در مسجد پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم برابر ده هزار نماز است که در جای دیگر خوانده شود. (۱)

بدیهی است که مجاورین محترم و زائرین گرامی وظیفه دارند حقّ دیگران را نیز رعایت نمایند.

آنچه تاکنون گفتیم راجع به حرم حضرت امام رضا علیه السلام و سایر معصومین علیهم السلام بود. باید به این نکته توجّه داشته باشیم که برخی از شهرها دارای ویژگی هایی می باشند.

به این دو روایت توجّه کنید:

فضیلت زمین نجف، کربلا و طوس

۱ - امام صادق علیه السلام فرموده است:

أربعة بقاع ضجّت إلى الله أيام الطوفان: البيت المعمور فرفعه الله والغری وکربلاء وطوس. (۲)

ص: ۷۲

۱ - ۴۰. هدیه الزائرین و بهجه الناظرین: ۱۹۰.

۲ - ۴۱. بحار الأنوار: ۳۹/۱۰۲ ح ۳۸.

در ایام طوفان - که در دوران حضرت نوح علیه السلام واقع شد - چهار بقعه و سرزمین به درگاه خداوند ضجّه زدند و فریاد برآوردند: بیت المعمور که خدا آن را بالا برد، نجف، کربلا و طوس.

این روایت، صراحت دارد که سرزمین طوس مانند نجف و کربلا دارای ویژگی می باشد.

صاحب کتاب «وافی» فرموده است: ضجّه این سرزمین ها به سوی خداوند این بوده که بر اثر طوفان کسی وجود نخواهد داشت تا روی این زمین ها خداوند راعبادت کند. به خاطر این جهت، خداوند آن ها را محلّ دفن اولیاء خود قرار داد.

اولین محلّی که در این زمین مقدّس بنا شد «سناباد» بود که اسکندر ذوالقرنین -صاحب سدّ - آن را ساخت و تا زمان بناء شهر طوس دائر بود. (۱)

۲ - در روایت دیگری درباره فضیلت سرزمین طوس چنین وارد شده است: داود بن قاسم جعفری گوید: از حضرت محمد بن علی الجواد علیهما السلام شنیدم که فرمود:

إِنَّ بَيْنَ جَبَلِي طُوسَ قَبْضِهِ قَبْضَتِ مِنَ الْجَنَّةِ، مَنْ دَخَلَهَا كَانَ آمَنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ النَّارِ. (۲)

میان دو کوه طوس، قطعه ای است که از بهشت گرفته شده است؛ کسی که به آنجا وارد شود در روز قیامت از آتش دوزخ ایمن است.

از این دو روایت استفاده می شود: علاوه بر عظمت و اهمّیت حرم حضرت امام رضا علیه السلام، شهر طوس نیز دارای عظمت و احترام است و زائرین و مجاورین محترم باید به این نکته توجّه داشته باشند و احترام این سرزمین را رعایت کنند.

پس از بیان مطالب گذشته، جریان جالبی درباره دعا و توسّل در حرم حضرت امام رضا علیه السلام نقل می کنیم و سپس به نتیجه گیری از آن می پردازیم:

ص: ۷۳

۱- ۴۲. عجائب زیاره الإمام الرضا علیه السلام: ۲۵.

۲- ۴۳. وسائل الشیعه: ۴۳۶/۱۰.

ابوالعباس احمد بن محمد حاکم گوید: از عامر بن عبدالله - که حاکم «مرورود» و از راویان حدیث بود - شنیدم که می گفت:

به مشهد حضرت امام رضا علیه السلام در طوس رفتم، مردی ترک زبان را دیدم که وارد بارگاه حضرت امام رضا علیه السلام شد و در قسمت بالای سر امام ایستاد و شروع کرد به گریستن و به ترکی دعا می کرد و می گفت: پروردگارا! اگر پسر من زنده است بین من و او جمع نما و اگر مرده است مرا از خبر او آگاه فرما.

من با لغت ترکی آشنا بودم و فهمیدم چه می گوید و چه حاجتی دارد، به او گفتم: ای مرد؛ تو را چه شده است؟

گفت: پسری داشتم که در جنگ اسحاق آباد همراه من بود، او را گم کرده ام و خبری از او ندارم و مادری دارد که همواره بر او گریه می کند، من اینجا برای این مطلب دعا می کنم؛ زیرا شنیده ام دعا در این حرم مستجاب است.

گفت: دلم به حالش سوخت، دستش را گرفتم و او را بیرون آوردم تا در آن روز از او پذیرایی کنم، چون از مسجد گوهرشاد خارج شدیم جوان بلندقامتی که تازه مو برگونه اش روئیده بود و لباس وصله داری بر تن داشت به ما برخورد کرد، تا چشم آن مرد به او افتاد به سوییخ دوید، با او معانقه کرد و گریست و هر کدام دیگری را شناخت، و او پسرش بود که کنار مرقد پاک حضرت امام رضا علیه السلام از خداوند می خواست که او را و یا خبرش را به وی برساند.

گفت: از او پرسیدم: چگونه به اینجا آمدی؟

گفت: بعد از جنگ اسحاق آباد به طبرستان رفتم، مردی از اهل دیلم مرا به خانه اش برد و پرورش داد و اکنون که به این سن رسیده ام به دنبال پدر و مادرم که خبرشان بر من پوشیده بود به راه افتادم و همراه گروهی که به این سو می آمدند رهسپار شدم تا به اینجا رسیدم.

آن مرد ترک زبان گفت: از آنچه در این حرم برای من آشکار شد یقین من به این

مکان کامل شد و محکم گردید و سوگند یاد نمودم که از این صحن و سرا و از این بارگاه تا وقتی که زنده ام جدا نشوم. و حمد و ستایش مخصوص خداوند است در آغاز و انتها و آشکار و نهان، و درود و سلام بر محمد مصطفی، آن پیامبر برگزیده و خاندان پاک او باد. (۱)

ای کاش؛ می دانستیم که نه تنها آن جوان و افرادی چون او، بلکه ما همه گم شده ایم؛ زیرا از امام خود دور شده و آن حضرت را نمی یابیم و در حرم حضرت امام رضاعلیه السلام و سایر ائمه اطهارعلیهم السلام برای یافتن منجی عالم بشریت امام زمان عجل الله تعالی فرجه دست به دعا و توسل بلند می کردیم.

«هشت» روایت از معصومین علیهم السلام درباره ثواب زیارت امام هشتم علیه السلام

تاکنون نکته هایی را درباره حرم و بارگاه حضرت امام رضاعلیه السلام بیان نمودیم و اینک هشت روایت از روایاتی را که درباره ثواب زیارت امام هشتم حضرت علی بن موسی الرضاعلیه السلام می باشد، نقل می کنیم:

روایت اول:

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده است که فرمود:

سیدفن بضعه منی بأرض خراسان لایزورها مؤمن إلّا أوجب الله عزوجل له الجنّة، وحرّم جسده علی النار. (۲)

به زودی پاره ای از تن من در سرزمین خراسان دفن خواهد شد، هیچ مؤمنی او را زیارت نمی کند مگر اینکه خداوند بهشت را برایش واجب گرداند و جسد او را بر آتش حرام فرماید.

ص: ۷۵

۱- ۴۴. عیون اخبار الرضاعلیه السلام: ۲/۲۹۲.

۲- ۴۵. عیون اخبار الرضاعلیه السلام: ۲/۲۵۸، وسائل الشیعه: ۱۰/۴۳۶.

روایت دوم:

نعمان بن سعد گوید: امیر مؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

سَيَقْتُلُ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي بِأَرْضِ خِرَاسَانَ بِالْإِسْمِ ظُلْمًا، إِسْمُهُ إِسْمَى وَإِسْمُ أَبِيهِ إِسْمُ ابْنِ عِمْرَانَ مُوسَى.

أَلَا فَمَنْ زَارَهُ فِي غَرْبَتِهِ غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى ذُنُوبَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا تَأَخَّرَ، وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ عَدَدِ النُّجُومِ، وَقَطَرِ الْأَمْطَارِ، وَوَرَقِ الْأَشْجَارِ. (۱)

به زودی یکی از فرزندانم را در سرزمین خراسان از روی ظلم و ستم با اسم به شهادت می رسانند، نام او نام من و نام پدرش نام پسر عمران (موسی) است.

آگاه باشید؛ هر کس او را در شهر غربت زیارت کند خداوند گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد؛ گرچه به تعداد ستارگان و قطره باران ها و برگ درختان باشد.

روایت سوم:

قیصه بن جابر گوید: از بازمانده اوصیاء و وارث علم پیامبران، ابوجعفر محمد بن علی، امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

سُرُورُ عِبَادَتِ كُنُودِ الْكَانِ، از پدرش سرور شهیدان، و او از پدرش سرور اوصیاء امیرمؤمنان علیهم السلام، و آن حضرت از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده است که فرمود:

سَتَدْفِنُ بَعْضَهُ مَنْ بِي بَأَرْضِ خِرَاسَانَ، مَا زَارَهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفْسُ اللَّهِ كَرَبَتْهُ، وَلَا مَذْنِبٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ. (۲)

به زودی پاره ای از تن من در سرزمین خراسان دفن شود، هیچ اندوهناکی او را زیارت نکند مگر آنکه اندوهش برطرف شود، و هیچ گناه کاری او را زیارت نکند مگر آن که گناهش آمرزیده شود.

روایت چهارم:

حمزه بن حمران گوید: امام صادق علیه السلام فرموده است:

ص: ۷۶

۱- ۴۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲/۲۶۲، وسائل الشیعه: ۱۰/۴۳۵.

۲- ۴۷. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲/۲۶۱، وسائل الشیعه: ۱۰/۴۳۵ و ۴۳۷.

يقتل حفصتي بأرض خراسان في مدينه يقال لها «طوس»، من زاره إليها عارفاً بحقه أخذته بيدي يوم القيامة فأدخلته الجنة وإن كان من أهل الكبائر.

نوه ام را در خراسان در شهری بنام «طوس» به شهادت می رسانند، هر کس او را زیارت کند در حالی که معرفت به حق آن حضرت داشته باشد روز قیامت دست او را گرفته وارد بهشت می کنم؛ گرچه از اهل گناهان کبیره باشد.

عرض کردم: شناخت حق آن حضرت، چگونه تحقق پیدا می کند؟ فرمود:

يعلم أنه إمام مفترض الطاعة شهيد، من زاره عارفاً بحقه أعطاه الله تعالى له أجر سبعين ألف شهيد ممن استشهد بين يدي رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم على حقيقه. (۱)

بدانند که او امامی است واجب الإطاعة (یعنی اطاعت او بر همگان واجب است)، و (او) شهید و شاهد اعمال مردم (است، هر کس او را با این معرفت زیارت کند خداوند به او پاداش هفتاد هزار شهید از شهیدانی که در رکاب رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به شهادت رسیده اند مرحمت فرماید.

روایت پنجم:

سليمان بن حفص مروزي گوید: از حضرت موسى بن جعفر عليه السلام شنیدم که فرمود:

إنّ إبنی علیّ مقتول بالسم ظلماً ومدفون إلى جنب هارون بطوس، من زاره كمن زار رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم. (۲)

فرزندم علی به وسیله سم از روی ظلم و ستم کشته شود و در طوس کنار هارون دفن گردد، هر کس او را زیارت کند مانند کسی است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را زیارت کرده باشد.

روایت ششم:

سليمان بن حفص مروزي گفت: از حضرت موسى بن جعفر عليهما السلام شنیدم که فرمود:

ص: ۷۷

۱- ۴۸. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲/۲۶۳، وسائل الشیعه: ۴۳۵/۱۰، بحار الأنوار: ۳۵/۱۰۲ ح ۱۷ و ۱۹.

۲- ۴۹. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲/۲۶۴، وسائل الشیعه: ۴۳۸/۱۰.

من زار قبر ولدی علیّ کان له عند الله تعالى سبعون حجّه مبروره.

هر کس قبر فرزندم علی را زیارت کند، برای او نزد خداوند تبارک و تعالی ثواب هفتاد حجّ نیکو باشد.

عرض کردم: هفتاد حجّ؟

فرمود: آری؛ و هفتاد هزار حجّ، سپس فرمود:

ربّ حجّه لا تقبل، ومن زاره أو بات عنده ليله کان کمن زار الله تعالى فی عرشه.

چه بسیار حجّی که پذیرفته نگردد، و هر کس او را زیارت کند یا شبی نزد او بماند مانند کسی است که خداوند تعالی را در عرشش زیارت کند.

عرض کردم: مانند کسی که خدا را در عرش زیارت کند؟!

فرمود: آری؛ وقتی روز قیامت شود چهار نفر از پیشینیان و چهار نفر از پسینیان بر عرش خداوند باشند؛ از پیشینیان نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام و از پسینیان محمد، علی، حسن و حسین علیهم السلام باشند، سپس ریسمان سنجش اعمال کشیده شود، پس زوّار قبور امامان با ما بنشینند.

آگاه باشید که بالاترین آنان از جهت رتبه و درجه، و بهترین آنان از جهت عطا و بخشش، زائرین قبر فرزندم علی می باشند. (۱)

روایت هفتم:

حضرت عبدالعظیم حسنی گوید: امام جواد علیه السلام فرمود:

ضمنت لمن زار أبی بطوس عارفاً بحقه الجنّه علی الله تعالى. (۲)

من بهشت را برای کسی که پدرم را در طوس زیارت کند و به حقّ آن حضرت معرفت داشته باشد ضمانت می کنم.

ص: ۷۸

۱- ۵۰. عیون اخبار الرضاعلیه السلام: ۲/۲۶۳، بحار الأنوار: ۳۵/۱۰۲.

۲- ۵۱. عیون اخبار الرضاعلیه السلام: ۲/۲۵۹، وسائل الشیعه: ۴۳۵/۱۰ و ۴۳۷، بحار الأنوار: ۳۷/۱۰۲.

حضرت عبدالعظیم حسنی روایت کرده و گفته است که از امام هادی علیه السلام شنیدم فرمود:

أهل قم وأهل آبه مغفور لهم، لزيارتهم لجدي علي بن موسى الرضاعليه السلام بطوس. ألا ومن زاره فأصابه في طريقه قطره من السماء حرّم الله جسده على النار. (۱)

اهل قم و اهل آبه گناهان شان آمرزیده شده است؛ چون جدّم علی بن موسی الرضاعلیه السلام را در طوس زیارت می کنند. بدانید که هر کس او را زیارت کند و در مسیر راه قطره ای باران به او برسد، خداوند جسدش را بر آتش حرام گرداند.

«هشت» روایت از امام هشتم علیه السلام درباره ثواب زیارت آن حضرت

روایت اوّل:

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از حضرت امام رضاعلیه السلام روایت کرده است که فرمود:

من زارني على بُعد داري، أتيت يوم القيامة في ثلاث مواطن حتى أُخلصه من أهوالها: إذا تطايرت الكتب يميناً وشمالاً، وعند الصراط، وعند الميزان. (۲)

هر کس مرا با دور بودن مزارم زیارت کند، روز قیامت در سه جایگاه به دیدار اومی روم و از سختی ها و وحشت ها او را می رهانم: (یکی) هنگامی که پرونده ها را به دست راست یا چپ آنان می دهند، (دوّم) هنگامی که می خواهند از صراط عبور کنند، (سوّم) در کنار میزان و هنگام سنجش اعمال.

ص: ۷۹

۱- ۵۲. عیون اخبار الرضاعلیه السلام: ۲/۲۶۴، وسائل الشیعه: ۱۰/۴۳۸، بحار الأنوار: ۳۸/۱۰۲.

۲- ۵۳. عیون اخبار الرضاعلیه السلام: ۲/۲۵۸، وسائل الشیعه: ۱۰/۴۳۳.

روایت دوم:

شخصی از اهل خراسان به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا؛ در خواب، رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را زیارت کردم؛ گویا به من فرمود:

چه حالی خواهید داشت هنگامی که پاره تن من در سرزمین شما دفن شود، امانت من به شما سپرده شود، و ستاره من در زمین شما پنهان گردد؟

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

أنا المدفون فی أرضکم، وأنا بضعه نبیکم، فأنا الوديعه والنجم.

ألا ومن زارنی وهو یعرف ما أوجب الله تبارک وتعالی من حقّی وطاعتی فأنا وآبائی شفعاؤه يوم القيامة، ومن کنا شفعاؤه نجی ولو کان علیه مثل وزر الثقلین الجنّ والإنس.

منم آن دفن شونده در سرزمین شما، و پاره تن پیامبرتان، و منم آن امانت و آن ستاره.

آگاه باشید که هر کس مرا زیارت کند در حالی که حقّی را که خدا برای من واجب نموده بشناسد و به طاعت من ملتزم باشد، من و پدرانم شفیعان او در روز قیامت خواهیم بود، و هر کس ما شفیع او باشیم اهل نجات و رستگاری خواهد بود؛ گرچه گناهای مانند گناهان جنّ و انس بر عهده او باشد.

سپس فرمود: پدرم از جدّم و او از پدرانش روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: کسی که مرا در خواب زیارت کند در واقع مرا زیارت کرده است؛ زیرا هرگز شیطان به صورت من یا یکی از اوصیاء و جانشینان من و یا به صورت یکی از شیعیان ایشان هرگز ظاهر نمی گردد، و بدون تردید رؤیای صادق جزئی از هفتاد جزء از نبوّت است. (۱)

روایت سوم:

علی بن حسن بن فضال از پدرش روایت کرده است که گفت: از حضرت علی بن

ص: ۸۰

موسی الرضاعلیه السلام شنیدم که فرمود:

أنا مقتول ومسموم ومدفون بأرض غربه، أعلم ذلك بعهد عهده إلیّ أبی، عن أبیه، عن آبائه، عن علی بن أبی طالب علیهم السلام، عن رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم.

ألا فمن زارنی فی غربتی كنت أنا وآبائی شفعاء یوم القیامه، ومن کناشفعآئه نجی ولو کان علیه مثل وزر الثقلین. (۱)

من کشته و مسموم می شوم و در سرزمین غربت دفن می گردم و آن را می دانم به عهدی که پدرم از پدرش، از پدران، از علی بن ابی طالب علیهم السلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به من سپرده است.

آگاه باشید و بدانید که هر کس مرا در غربتم زیارت کند من و پدرانم شفیع او در روز قیامت خواهیم بود، و هر کس ما شفیع او باشیم نجات یابد؛ گرچه مانند گناه جنّ و انس بر او باشد.

روایت چهارم:

اباصلت هروی گفت: نزد حضرت امام رضاعلیه السلام بودم گروهی از اهل قم شرفیاب شدند و سلام کردند و امام علیه السلام به آن ها پاسخ داد و نزدیک خود نشانید و به آن ها فرمود:

مرحباً بکم وأهلاً فأنتم شیعتنا حقّاً، وسیأتی علیکم یوم تزورونی فیه تربتی بطوس.

ألا فمن زارنی وهو علی غسل خرج من ذنوبه کیوم ولدته أمّه. (۲)

مرحبا، خوش آمدید، شما به راستی از شیعیان ما هستید و روزی می رسد که شما در آن روز قبر مرا در طوس زیارت می کنید.

بدانید هر کس در حالی که غسل کرده باشد مرا زیارت کند، از گناهانش خارج شود مانند روزی که مادرش او را به دنیا آورده است.

ص: ۸۱

۱- ۵۵. عیون اخبار الرضاعلیه السلام: ۲/۲۶۶، بحار الأنوار: ۳۴/۱۰۲.

۲- ۵۶. عیون اخبار الرضاعلیه السلام: ۲/۲۶۴، وسائل الشیعه: ۴۴۶/۱۰.

روایت پنجم:

بنظری روایت کرده است: حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در نامه مبارکش که آن را قرائت کردم مرقوم فرموده بودند:

أبلغ شيعتي أنّ زيارتي تعدل عند الله ألف حجّه.

به شیعیانم ابلاغ کن که زیارت من نزد خدا پاداشی معادل هزار حجّ دارد.

بنظری گوید: به حضرت جواد الأئمه علیه السلام عرض کردم: ثواب هزار حجّ دارد؟ فرمود:

بلکه بخدا قسم ثواب هزار هزار (یعنی یک میلیون) حجّ دارد برای کسی که بامعرفت به حقّ آن حضرت، او را زیارت کند. (۱)

روایت ششم:

عبدالسلام بن صالح گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود:

إنّی سأقتل بالسّمّ مظلوماً وأقبر إلى جنب هارون الرشید ويجعل الله عزّوجلّ تربتی مختلف شيعتی وأهل محبّتی، فمن زارنی فی غربتی وجبت له زیارتی يوم القيامة.

واللهی أكرم محمّداً بالنّبوه واصطفاه على جميع الخلیقه لا یصلّی أحد منکم عند قبری إلاّ استحقّ المغفره من الله عزّ وجلّ يوم یلقاه.

واللهی أکرما بعد محمّد صلی الله علیه وآله وسلم بالإمامه، وخصّینا بالوصیّه، إنّ زوّار قبری أكرم الوفود على الله عزّوجلّ يوم القيامة، وما من مؤمن یزورنی فتصیب وجهه قطره من الماء إلاّ حرّم الله جسده على النار. (۲)

همانا من به زودی با زهر جفا مظلومانه کشته می شوم و در کنار قبر هارون دفن می شوم و خداوند مرقد مرا محلّ رفت و آمد شیعیان و دوستانم قرار می دهد، هر

ص: ۸۲

۱- ۵۷. وسائل الشیعه: ۴۴۴/۱۰، بحار الأنوار: ۳۳/۱۰۲.

۲- ۵۸. وسائل الشیعه: ۴۳۹/۱۰، بحار الأنوار: ۳۶/۱۰۲.

کس مرا در غربت زیارت کند بر من واجب می شود که او را در قیامت زیارت کنم.

سوگند به آنکه محمد صلی الله علیه و آله وسلم را به نبوت گرامی داشته و او را بر همه آفریدگان برگزیده هیچ یک از شما کنار قبر من نماز نمی گزارد مگر آنکه سزاوار آمرزش پروردگار می شود روزی که او را ملاقات کند.

و سوگند به آنکه بعد از حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم ما را به امامت گرامی داشته و به وصایت مخصوص گردانیده که زائرین قبر من گرامی ترین کسانی هستند که روز قیامت بر خداوند تبارک و تعالی وارد می شوند، و هیچ مؤمنی نیست که مرا زیارت کند در حالی که قطره آبی بر چهره او اصابت کرده باشد مگر آنکه خداوند جسم او را بر آتش دوزخ حرام گرداند.

روایت هفتم:

عبد السلام بن صالح هروی از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت داخل جایگاهی شد در سرای حمید بن قحطبه که قبر هارون بود، سپس فرمود:

هذه تربتی وفيها أذن، وسيجعل الله هذا المكان مختلف شيعتي وأهل محبتي، والله لا يزورني منهم زائر، ولا يسلم علي منهم مسلم إلا وجب له غفران الله ورحمته بشفاعتنا أهل البيت.

اینجا محل قبر من است و در اینجا دفن می شوم، و خداوند به زودی این مکان را محل رفت و آمد شیعیان و دوستانم قرار می دهد، و به خدا سوگند؛ زائری از آنان مرا زیارت نکند و سلام کننده ای از آنان بر من سلام نکند مگر آن که برای او آمرزش خداوند و رحمت او به شفاعت ما اهل بیت واجب گردد.

سپس رو به قبله ایستاد و چند رکعت نماز بجای آورد و دعاهائی خواند و چون فارغ گشت، سجده ای طولانی نمود که شمر دم پانصد تسبیح در آن گفت و سپس باز گشت. (۱)

ص: ۸۳

یاسر خادم گوید: حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمودند:

لا تشدّ الرحال إلى شیء من القبور إلّا إلى قبورنا. ألا- وإنّی مقتول بالسّم ظلماً ومدفون فی موضع غربه، فمن شدّ رحله إلى زیارتی استجیب دعاؤه وغفر له ذنوبه. (۱)

بار سفر مبندید به سوی قبری از قبرها مگر قبور ما. بدانید که من مظلومانه با زهر جفا کشته می شوم و در محلّ غربت مدفون می گردم، هر کس برای زیارت من بار سفر بندد دعایش مستجاب و گناهانش آمرزیده شود.

در روایاتی که درباره ثواب زیارت حضرت امام رضا علیه السلام - و یا سایر اهل بیت علیهم السلام - نقل شده، از نظر مقدار و کیفیت ثواب تفاوت هایی دیده می شود. برای حل شدن اختلافی که از این نظر در روایات وجود دارد به این نکته توجه نماید:

همان گونه که گفتیم مردم از سراسر عالم به زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می شتابند که از نظر فرهنگ و آداب ظاهری و نیز جهات روحی و معنوی تفاوت های فراوانی با یکدیگر دارند و این در چگونگی زیارت افراد تأثیر بسیاری دارد.

بدیهی است همان گونه که در کیفیت زیارت زوّار تفاوت های زیادی وجود دارد، در ثواب آن ها نیز باید تفاوت های فراوان وجود داشته باشد. بدیهی است هر کس از نظر اخلاق، رفتار و عقیده، به حضرت امام رضا علیه السلام نزدیکتر باشد، از ثواب بیشتری برخوردار است.

بنابراین، اختلاف در روایاتی که بیان کننده مقدار ثواب زائرین وجود دارد، به خاطر تفاوتی است که زائرین گرامی در مراحل روحی و چگونگی زیارتی که انجام می دهند، دارند.

آیا فقط اولیاء خدا زیارتشان پذیرفته می شود یا برای گناهکاران نیز راه هایی برای پذیرفته شدن و قبولی زیارت آنان وجود دارد؟ اگر راه یا راه هایی وجود دارد آن ها کدامند؟

برای یافتن پاسخ این سؤال، به این نکته توجه کنید:

آنان که دارای قلبی پاک هستند و از حرم باطنی خود (یعنی قلب) پاسداری نموده و با انجام گناهان به بمب گذاری در آن پرداخته اند، در حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام به ضیافت معنوی راه یافته و از توجّهات امام هشتم علیه السلام برخوردار می شوند و با زیارت قبول شده بازمی گردند.

ما از آنان التماس دعا داریم و از این افراد می خواهیم در بهترین حالات روحی و معنوی به این نکته توجه داشته باشند که در عصر غیبت هیچ مسأله ای به عظمت و اهمّیت فرارسیدن و تعجیل ظهور حضرت بقیّه الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه نیست، بنابراین آن رامهمّترین حاجت خود و در سرلوحه همه آن ها قرار دهند.

نکته مهمّ این است: افرادی که احترام و حرمت قلب را نگاه نداشته و با انجام گناه به آن آسیب وارد ساخته اند، چگونه به حرم حضرت امام رضا علیه السلام وارد شوند و با همه کم و کاستی ها از عنایات و مهربانی های آن امام رئوف برخوردار شوند؟

چگونه ما می توانیم با قلبی که به آن آسیب زده ایم و چشم و گوش آن را کور و کرساخته ایم، از زیارت حضرت امام رضا علیه السلام بهره مند شده و مورد توجّه و عنایت آن حضرت قرار گیریم؟

چگونه می توانیم آثار گناهان را برطرف ساخته و از آن بزرگوار شفای روحی بگیریم؟!

با چه حال و هوایی به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام برویم که با تمام گناهان و آلودگی هایمان، نه تنها آن حضرت از ما روی نگردانند؛ بلکه زیارت ما را قبول کرده و

به ما توجّه نمایند و ما را مورد لطف و عنایت خود قرار دهند؟

این پرسش بسیار مهمّی است که آگاه بودن از جواب آن، نتیجه فراوانی دربردارد. ما قبل از این که پاسخ این سؤال را بیان کنیم توجّه شما را به این جریان جلب می کنیم:

«نقل است که روزی فقیری با جامه شوخگین (۱) به نزد پادشاهی درآمد، پادشاه از آمدن او روی درهم کشید.

یکی از نزدیکان پادشاه گفت: ای بی ادب؛ این مقدار ندانسته ای که با جامه شوخگین پیش پادشاهان آمدن عیب است؟!

او در پاسخ گفت: با جامه شوخگین پیش پادشاهان آمدن عیب نیست، امّا با جامه شوخگین از پیش پادشاهان بیرون رفتن عیب است.

پادشاه را این سخن خوش آمد و او را به خلعت فراوان و گرانبها مخصوص گردانید.» (۲)

در این داستان، آلودگی آن شخص نه تنها مانع لطف و کرم پادشاه نشد بلکه به خاطر اعتقادی که به جود و بخشش سلطان داشت سبب شد که از خلعت های گرانبها و ویژه پادشاه بهره مند شود و با همه آلودگی، پادشاه را از خود شاد و مسرور کند.

نتیجه ای که از این داستان می گیریم این است: همان گونه که گاهی آلودگی های ظاهری نه تنها مانع لطف و کرم پادشاهان مجازی نمی شود، آلودگی های ظاهری و باطنی نیز گاهی نه تنها مانع جود و بخشش سلاطین واقعی - که اهل بیت علیهم السلام می باشند- نمی شود؛ بلکه گاهی سبب افزایش و زیادتیر شدن لطف آنان نیز می شود و این در صورتی است که انسان از راهی وارد شود که بیشتر سبب جلب محبّت و عنایت اهل بیت علیهم السلام بشود.

برای رسیدن به این هدف، راه بلکه راه هایی مانند واسطه قرار دادن بعضی از اهل بیت علیهم السلام - مانند حضرت امام جواد علیه السلام - وجود دارد که وسیله عنایت بیشتر

ص: ۸۶

۱- ۶۱. شوخگین: چرکین.

۲- ۶۲. رک: کشکول امامت: ۳/۳۵۶.

حضرت امام رضا علیه السلام می گردد.

در اینجا ما راهی را نشان می دهیم که از جهتی مناسب تر با وضع عموم مردم است. قبل از بیان آن، برای روشن شدن مطلب، مثالی می آوریم:

بعضی از افراد، کارشان باربری و حمل و نقل است، آنان بار مردم را بر دوش کشیده و به مقصد می رسانند. این گونه افراد گاهی آنچنان بارهای سنگین را بر دوش می کشند که از گذاردن آن به زمین عاجز می مانند و باید به کمک دیگران آن را از دوش خود به زمین بگذارند در حالی که بارهای سبک را به راحتی از دوش خود برمی دارند. بار گناهان نیز همین گونه است؛ انسان گاهی به راحتی می تواند توبه کند و خود را از بار گناه نجات دهد، ولی گاهی آنچنان بار گناهان سنگین و کمرشکن است که انسان نمی تواند بدون کمک، خود را نجات دهد.

متأسفانه شاید معمولاً بار گناهان انسان از نوع دوم باشد که برای نجات و رهایی یافتن از آن باید از راه آن وارد شود.

انسانی که سال ها نفس خود را آزاد گذارده و مهار نکرده است و دمام بر گناهان خود افزوده است؛ انسانی که به عصر غیبت معتاد شده و همیشه در ظلمت بسر برده است؛ انسانی که معتاد به غفلت و دور بودن از امام زمانش شده و خدمتی برای آن حضرت انجام نداده است؛ چگونه می تواند بدون کمک و یاری، یک باره بار اعتیاد به گناه و غفلت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه را کنار بگذارد؟!

چگونه می تواند با تضمین، پس از یک عمر معتاد بودن به گناه و غفلت، خود را از آن نجات دهد؟!

برای پاسخ به این سؤال، توجه شما را به جریان مردی که نقل کردیم با جامه آلوده به دربار پادشاه رفت و با همه آلودگی، خلعت گرانبهائی گرفت، جلب می کنیم.

اگر ما با پشت خمیده از بار گناه به حرم حضرت امام رضا علیه السلام شرفیاب شویم، اگرچه ناپسند است ولی از این جهت که کار حضرت امام رضا علیه السلام بخشنده و پاکسازی است مهم نیست، مهم این است که با بار گناه به حرم وارد شویم و

با بار گناه برگردیم.

باید به امام رئوف حضرت علی بن موسی الرضاعلیه السلام عرض کنیم:

بار گناه ما آنچنان سنگین و دشوار است که به تنهایی نمی توانیم آن را از دوش خود برداریم، نیاز به کمک شما داریم، باید با یاری شما از زیر بار سنگین گناهان خارج شویم.

یقین داشته باشید اگر انسان با تمامی وجود و از اعماق قلب خود - نه با لقلقه زبان بلکه با صداقت - از حضرت امام رضاعلیه السلام کمک بخواهد و خود را عاجز از ترک گناه بداند، آن حضرت به یاری او می شتابند، بار گناه را از دوش او دور می کنند، دست او را می گیرند و با دیدگانی پر از مهر و محبت به او می نگرند و با نگاه معجزه گر خود او را پاک می سازند و در او تحوّل ایجاد می کنند.

هرچند حضرت امام رضاعلیه السلام نیازی به زمینه سازی ما ندارند، ولی ما باید برای نجات خود زمینه سازی کنیم.

زمینه سازی آن، این است که مانند کسانی که خدا را فراموش کرده و خود را از یادبرده و در نتیجه توجّهی به گناهان خویش ندارند وارد حرم نشویم، بلکه درک کنیم که ما به گناه و نافرمانی و به عصر غیبت و غفلت از امام عصر عجل الله تعالی فرجه خو گرفته و معتاد شده ایم و برای نجات از این اعتیاد، نیاز به کمک حضرت امام رضاعلیه السلام داریم.

در حرم مطهر به این جرم معتقد باشیم و با صداقت تمام از آن حضرت بخواهیم ما را از هیولای غفلت نجات دهند.

در این صورت نگاه محبت آمیز حضرت امام رضاعلیه السلام قلب تیره ما را شفا می بخشد و در نتیجه به گروه دلیرمردان و شیرزنانی که در میدان جهاد با نفس دلیرانه جنگیده و پیروز گشته اند، می پیوندیم.

در کتاب «عیون اخبار الرضا علیه السلام» آمده است: ابراهیم بن عباس - در توصیف ویژگی های والای اخلاقی حضرت امام رضا علیه السلام - گوید: هرگز ندیدم که حضرت امام رضا علیه السلام با سخنش کسی را ناراحت نموده و برنجاند.

هرگز ندیدم که سخن کسی را قطع نماید، بلکه صبر می کرد تا صحبت خود را تمام می کرد.

هرگز ندیدم نیازمندی را رد کند؛ بلکه به اندازه ای که توان داشت او را یاری می کرد.

هرگز پاهای خود را در برابر همنشین خود دراز نمی کرد و هرگز در برابر همنشین خود، تکیه نمی داد.

هرگز ندیدم کسی از غلامان و کنیزان خود را دشنام دهد.

هرگز ندیدم آب دهان بیندازد.

هرگز ندیدم در موقع خنده، قهقهه نماید؛ بلکه خنده آن حضرت، تبسم و لبخند بود.

وقتی محفل خلوت می شد و سفره غذا را می گسترדند، همه غلامان خود - حتی دربانان و چارواداران خود - را بر سر سفره خویش می خواند.

حضرت امام رضا علیه السلام شب ها کم می خوابید و بسیار بیداری می کشید، بیشتر شب ها از اوّل شب تا بامداد، شب زنده داری می کرد.

آن حضرت، زیاد روزه می گرفت و هیچ وقت روزه سه روز از هر ماه را ترک نمی کرد و می فرمود:

ذلک صوم الدهر.

روزه این سه روز، مانند روزه تمام عمر است.

آن حضرت، زیاد کارهای خیر انجام می داد، پنهانی صدقه می داد، و بیشتر این کارهای خیر را در شب های تاریک انجام می داد. بنابراین، اگر کسی گمان می کند که

در مقام و فضیلت و شخصیت همانند او را دیده، از او باور نکنید. (۱)

هدیه حضرت امام رضا علیه السلام

یسع بن حمزه گوید: در مجلس حضرت امام رضا علیه السلام شرفیاب بودم و با آن حضرت گفتگو می کردم، مردم فراوانی گرد ایشان جمع شده بودند و از حلال و حرام می پرسیدند، در این هنگام مردی بلند قد و گندمگون وارد شد و عرض کرد:

سلام بر شما ای فرزند رسول خدا؛ مردی از دوستان شما و دوستان پدر و اجداد پاک شما هستم، از حج بازگشته و زاد و توشه و خرجی خود را گم کرده ام و چیزی که مرا یک مرحله پیش ببرد به همراه ندارم، اگر عنایتی کنید و من به شهر خودم برسم، خدا به من نعمت داده است و من هنگامی که به آنجا رسیدم آن مبلغ را از طرف شما صدقه خواهم داد و من سزاوار صدقه نیستم و محتاج و فقیر نمی باشم.

امام علیه السلام به او فرمود: بنشین خداوند تو را رحمت کند، و رو کرد به مردم و به گفتگوی با آن ها پرداخت تا آن که کم کم متفرق شدند و تنها او، سلیمان جعفری، خیثمه و من ماندم، در این هنگام امام علیه السلام فرمود: به من اجازه می دهید که به اندرون وارد شوم؟ و آن گاه برخاست و وارد حجره شد و پس از مدتی خارج شد و پشت در قرار گرفت و دست خود را از بالای در بیرون آورده و فرمود:

آن مرد خراسانی کجاست؟

عرض کرد: بلی، من اینجا هستم.

فرمود: این دویست دینار را بگیر و در راه خوراک و پوشاک و خرجی خود بکار ببر و به آن تبرک جو و از طرف من لازم نیست صدقه بدهی، و پس از آنکه گرفتی از اینجا بیرون برو تا مرا نبینی و من تو را نبینم.

سپس امام علیه السلام خارج شد، سلیمان عرض کرد: فدای شما شوم؛ عنایت فراوانی کردی و محبت بسیاری نمودی، چرا چهره ات را از او پوشاندی؟ فرمود:

ص: ۹۰

ترس آن داشتم که ذلّت سؤال و درخواست را به خاطر برآوردن حاجتش درچهره او بینم، آیا این حدیث گرانقدر رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم را نشنیده ای که فرمود:

المستتر بالحسنه تعدل سبعین حجّه، والمذيع السيئه مخذول والمستتر بها مغفور له.

آنکه کار نیکوی خود را پنهان می کند ارزشی معادل هفتاد حج پیدا می کند و آنکه کارزشت خود را آشکار می کند خوار و مخذول و آنکه آن را بپوشاند آمرزیده شود.

آیا قول پیشینیان را نشنیده ای:

متی آتہ یوماً لأطلب حاجه

رجعت إلى أهلي ووجهی بمائه(۱)

هرگاه روزی برای درخواست حاجتی نزد او رفتم، بسوی اهل و عیالم باز گشتم درحالی که آبرویم محفوظ ماند.

درس حضرت امام رضا علیه السلام به نیازمندان و هشدار آن حضرت به ثروتمندان

بنظری گوید: روزی خواسته ای را برای حضرت امام رضا علیه السلام مطرح کردم، امام علیه السلام فرمود:

صبر کن، امیدوارم ان شاء الله خدا برایت انجام دهد، سپس فرمود: به خدا سوگند؛ آنچه خدا برای مؤمن از این دنیا ذخیره کرده، برای او بهتر است از آنچه برایش شتاب کرده و در این دنیا به او رسانیده.

سپس دنیا را حقیر و کوچک جلوه داد و فرمود: دنیا چه چیزی است و چه ارزشی دارد؟

سپس فرمود: همانا دارنده نعمت در موقعیت سختی قرار دارد، بر او واجب است حقوق الهی را که در اموال او است پردازد. به خدا سوگند؛ بر من نعمت هائی از طرف پروردگار می باشد و من همواره به خاطر آن ها بیمناکم - و دست خود را

ص: ۹۱

حرکت داد - تا آنکه حقوقی که برای خدا در آن ها بر من واجب شده خارج کنم.

عرض کردم: فدای شما شوم؛ شما با این موقعیت و جایگاه ویژه، از این مطلب نگران هستید؟!

فرمود: بلی؛ پروردگارم را ستایش و سپاس می گویم بر نعمت هائی که بر من منت گذاشته است. (۱)

سلام و پیام حضرت امام رضا علیه السلام به دوستان خویش

شیخ مفید رحمه الله در کتاب «الإختصاص» از جناب عبدالعظیم حسنی، و او از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

ای عبدالعظیم؛ دوستانم را از طرف من سلام برسان و به آنان بگو:

راهی برای تسلط شیطان بر خودشان نگشایند، و به آنان دستور ده به راستگویی در سخن گفتن و اداء امانت، و دستور ده به ساکت بودن و رها کردن جدال در آنچه سودی ندارد، و روی آوردن آنان به سوی همدیگر، و دیدار کردن یکدیگر؛ زیرا که این باعث نزدیک شدن به من می گردد، و خود را مشغول نسازند به کناره گیری از یکدیگر و پراکنده شدن، که من سوگند یاد کرده ام هر کس چنین کند و ارادتمندی از ارادتمندان مرا به خشم آورد او را نفرین کنم تا خداوندی را در دنیا به سخت ترین عذاب گرفتار کند و در آخرت از زیانکاران باشد.

و آنان را آگاه کن که خدا نیکوکاران ایشان را می آمرزد و از گنهکاران می گذرد (مگر کسی که به من شرک ورزد یا دوستی از دوستان مرا اذیت و آزار نماید) یاد ر خاطر خود نسبت به او فکر بدی داشته باشد، خداوند چنین کسی را نمی آمرزد تا از آن فکر باز گردد، پس اگر باز گشت و توبه کرد راه را یافته است و گرنه روح ایمان را از قلب او می گیرد و از تحت سرپرستی من خارج می شود و برایش بهره ای از ولایت ما نیست و از چنین چیزی به خدا پناه می بریم. (۲)

ص: ۹۲

۱- ۶۵. بحار الأنوار: ۱۰۵/۴۹.

۲- ۶۶. مستدرک الوسائل: ۱۰۲/۹ و ۱۴۰.

امام رئوف حضرت امام رضاعلیه السلام در آخرین لحظات عمر - که در آتش زهرمی سوختند - تمام خدمتگزاران خود را فراخواندند و در کنار سفره با آنان نشستند تا همگی طعام بخورند.

آن حضرت در حیات خود با خدمتگزارانشان مهربانی ویژه ای داشتند و الآن نیز به کسانی که به عنوان خدمتگزاری پذیرفته اند، توجّه بیشتری دارند.

خَدّام حضرت علی بن موسی الرضاعلیهما السلام از نظر آشنایی با اخلاق و رفتار آن حضرت، وظیفه حسّاس تری دارند.

این وظیفه خَدّام امام رئوف، حضرت امام رضاعلیه السلام است که با آگاهی از این نکته، رأفت و مهربانی آن حضرت را با پذیرایی شایسته و خدمتگزاری به زوّار آن حضرت ادامه دهند.

گرفتار تنیدی و خشونت - که از اخلاق حضرت امام رضاعلیه السلام نبوده است - نشوند و با مهربانی و آرامش، زوّار را پذیرایی و راهنمایی نمایند.

آنان باید نسبت به مقام حضرت امام رضاعلیه السلام معرفت و آشنایی پیدا کنند و بدانند در چه بارگاه با عظمتی گام نهاده اند.

آنان باید توجّه داشته باشند که هر مکانی از حرم در طول صدها سال، قدمگاه حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه است.

خَدّام حضرت امام رضاعلیه السلام باید بدانند در میان زوّار آن حضرت، امام زمان ارواحنا فداه، و اولیاء الهی که مورد توجّه خاصّ خداوند می باشند حضور دارند. مبدا باتندی نمودن به زوّار به یکی از اولیاء خدا توهین کنند.

علاوه بر این، حضرت امام رضاعلیه السلام به همه زوّار خود با رأفت و مهربانی می نگرند، حتّی گناهکاران را می پذیرند و شرمساری و توبه آنان را قبول می نمایند؛ پس خَدّام حرم باید به همه زوّار با دیده احترام بنگرند.

خدّام حضرت امام رضا علیه السلام باید توجّه داشته باشند که مردم از تمام نقاط جهان با آداب و فرهنگ های گوناگون به زیارت آن حضرت می شتابند، بدیهی است در میان آنان کسانی هستند که نیاز به راهنمایی دارند و تندی و خشونت با آنان اثر منفی دارد.

نباید با زوّار آن حضرت به گونه ای رفتار کنند که از آمدن به زیارت با خاطره ای دلگیرکننده به وطن بازگردند؛ زیرا آنان به خدّام حضرت امام رضا علیه السلام با دیده احترام می نگرند و در نتیجه توقّع بیشتری از آنان دارند.

بنابراین خدّام حضرت امام رضا علیه السلام باید از صبر و بردباری، حوصله و خویشتن داری برخوردار باشند و بدانند زوّار آن حضرت، میهمانان آن بزرگوارند و با آنان آنگونه که حضرت امام رضا علیه السلام می پسندند رفتار نمایند.

خدّام و زوّار حضرت امام رضا علیه السلام نه تنها در حرم باید مواظب افکار و رفتار خود باشند، بلکه باید قبل از تشرّف به خدمت آن حضرت، اگر اشتباهی انجام داده اند آن را با اعمال پسندیده جبران کنند.

خدّام حضرت امام رضا علیه السلام نیز توجّه داشته باشند که آن حضرت کسانی را که به مقام خدمتگزاری قبول کرده اند یاوران خود می دانند، و همان گونه که از آنان انتظار بیشتری دارند، با نگاهی پرفروغ تر به آنان می نگرند؛ زائران گرامی نیز باید به این نکته توجّه داشته باشند و به آنان احترام بگذارند.

کودک باایمان در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام

چون حضرت امام رضا علیه السلام مظهر مهربانی و خُلق حسن می باشند یک بحث مهمّ اخلاقی را عنوان می کنیم. قبل از آنکه به این بحث پردازیم، روایت بسیار جالبی را از حضرت امام رضا علیه السلام عنوان می کنیم و سپس به نتیجه گیری از آن می پردازیم:

در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است:

در مقابل حضرت امام رضا علیه السلام اسب چموشی بود و گروهی در آنجا بودند که اسب های چموش را رام می کردند، ولی هیچ یک از آن ها جرأت نمی کرد بر آن اسب سوار شود، و اگر سوار می شد جرأت نمی کرد آن را راه ببرد، از ترس اینکه

مبادا اسب دست هایش را بلند کرده و او را به زمین پرتاب کند و با سم خود او را لگدمال نماید.

در این میان، کودک هفت ساله ای پیدا شد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا؛ آیا اجازه می دهی بر آن اسب سوار شوم و او را راه ببرم و رام کنم؟

فرمود: تو این کار را می کنی؟ عرض کرد: بلی.

فرمود: چگونه این کار را انجام می دهی؟ عرض کرد:

لَأُنِّي قَدْ اسْتَوْتَقْتُ مِنْهُ قَبْلَ أَنْ أُرْكَبَهُ بِأَنْ صَلَّيْتُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ مَاءَهُ مَرْهً، وَجَدَدْتُ عَلَى نَفْسِي الْوَلَايَةَ لَكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ.

قبل از این که سوار او شوم از او خاطر جمع شده و اطمینان حاصل می کنم، به این وسیله که بر محمد و آل طاهرين او صد مرتبه صلوات می فرستم و بر خودم ولایت شما اهل بیت را تجدید می کنم و تازه می گردانم.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: سوار شو.

او سوار شد، سپس فرمود: او را راه بینداز.

پس اسب را راه انداخت و پیوسته او را راه برد و دوانید تا اینکه او را خسته و ناتوان کرد به طوری که ناله اسب بلند شد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا؛ امروز این اسب سوار مرا خسته و دردمند نمود، یا مرا معاف بدار و یا تحمّل و طاقت مرا افزون کن.

پسربچه گفت: آنچه برای تو بهتر است - که سواری دادن به مؤمن باشد - آن را درخواست کن.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: راست گفت، بعد برای اسب دعا نمود که: خدایا؛ به او تحمّل بیشتر و توان افزونتر مرحمت فرما.

اسب آرام گرفت و به راه خود ادامه داد. سپس وقتی که پسربچه از اسب پیاده شد، حضرت امام رضا علیه السلام به او فرمود: از این چهارپایان که در خانه اند، یا از غلامان و کنیزان و یا اموالی که در خزانه است هر چه را می خواهی درخواست کن، همانا تو مؤمن هستی و خداوند تو را در دنیا به ایمانت مشهور ساخت.

پسربچه گفت: ای فرزند رسول خدا؛ آیا اجازه می دهی درخواست خود را

فرمود: ای مؤمن؛ پیشنهاد کن و آنچه می خواهی مطرح نما؛ همانا خداوند تبارک و تعالی تو را به اندیشه درست توفیق دهد.

عرض کرد: سل لی ربک التقیه الحسنه، والمعرفه بحقوق الإخوان، والعمل بما أعرف من ذلك.

برای من از خداوند تقیه ای نیکو و شناخت حقوق برادران و عمل کردن به آنچه شناخته ام تقاضا نما.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

قد أعطاك الله ذلك، لقد سألت أفضل شعار الصالحين و دثارهم.

خداوند آن را به تو عطا فرمود، و هر آینه بهترین نشانه و زیور بندگان صالح و آنچه آبروی آن ها را حفظ می کند درخواست کردی. (۱)

درسی از این روایت

یک کودک چگونه توانست بر اثر استوار ساختن ولایت در قلب و جان خود براسب چموشی که همه از رام ساختن او عاجز بودند، غالب شود؟! همان گونه که او این قدرت را با معرفت به مقام ولایت پیدا کرد، ما نیز می توانیم با درک مقام عظیم ولایت و پذیرش و جای دادن آن در اعماق وجودمان، اسب سرکش نفس را مهار سازیم.

از نشانه های شناخت مقام والای ولایت خاندان وحی علیهم السلام و معرفت به آن، دگرگونی و تحوّل است که در انسان پدید می آید و به این جهت می تواند کارهایی را انجام دهد که دیگران قدرت و توانایی انجام آن را ندارند.

معرفت به مقام اهل بیت علیهم السلام، در مرحله اول افکار و اندیشه های انسان را تغییر می دهد، به گونه ای که افکار انسان نسبت به امور مادی و معنوی با دیگران تفاوت محسوسی پیدا می کند.

ص: ۹۶

۱- ۶۷. قطره ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام: ۶۱۵/۱ به نقل از تفسیر امام عسکری علیه السلام: ۳۲۳ ح ۱۷۰، بحار الأنوار: ۴۱۶/۷۵ ضمن ح ۶۸ و مدینه المعاجز: ۱۰۰/۷ ح ۱۰۲.

با استمرار این حالت و عمل کردن بر طبق افکار و اندیشه های رحمانی که بر او وارد می شود در مسیر تکامل قرار می گیرد، به گونه ای که نه تنها در فکر و اندیشه؛ بلکه در اراده و خواست او نیز تحوّل ایجاد می گردد و او می تواند در صورت رضایت خداوند و اهل بیت علیهم السلام کاری را که دیگران نمی توانند انجام دهند، عملی سازد.

این تحوّل در برخی از افراد نیاز به مدّت زیاد و طولانی دارد و گاهی در بعضی از افراد، در زمانی کوتاه صورت می گیرد.

روایتی که نقل کردیم، بشارتی است برای جامعه شیعه که حتّی کودکان در صورت درک مقام ولایت و جای دادن آن در اعماق وجودشان، می توانند از آن استفاده خارق العاده داشته باشند.

از این روایت چنین نتیجه می گیریم: ایمانِ انسان و اعتقاد و یقین او به عظمت مقام ولایت می تواند حتّی در زمان کودکی او را ممتاز و برتر از دیگران قرار دهد؛ همان گونه که آن کودک توانست کاری را انجام دهد که دیگران قدرت آن را نداشتند و حضرت امام رضا علیه السلام او را به خاطر معرفت و ایمانش به عنوان «مؤمن» و کسی که مراحلِ ایمان را پیموده است، ستودند.

یک بحث مهم اخلاقی

اکنون یک بحث بسیار مهم اخلاقی را بیان می کنیم:

بسیاری از دانشمندان و علمای «علم اخلاق» برای تهذیب و پاکسازی نفس، راهکارهایی را ارائه داده اند که راه صد ساله است؛ به گونه ای که هنوز انسان راه را به پایان نرسانده که: «بانکی برآمد خواجه مرد»، یا چند صفت رذیله را از خود دور ساخته ولی بر اثر طولانی شدن مدّت به چند صفت مذموم دیگر مبتلا می گردد.

به این جهت، گاهی راه هایی که علمای بزرگی همچون مرحوم نراقی در «معراج السعاده» نشان داده اند مورد انتقاد علمای دیگر قرار گرفته است.

راه هایی که برای ریشه کن ساختن رذایل اخلاقی در برخی از کتاب ها ذکر شده همانند تعمیر خانه مخروبه ای است که هر روز باید گوشه ای از آن را تعمیر نمایند.

بدیهی است که این کار، چاره اساسی نیست.

انسان نیز همین گونه است تا وقتی که گرفتار نفس اماره باشد بر فرض که یکی از صفات رذیله آن برطرف شود، انسان را به صفت دیگری مبتلا می سازد. پس باید راهی را بیابیم که اساسی و کارساز باشد و در نفس تحوّل ایجاد نماید.

مرگ شخصی بهتر است یا حیات همگانی؟!

به این جهت، علمای بزرگ دیگری مانند مرحوم آیةالله میرزا مهدی اصفهانی پیمودن این گونه راه ها را نمی پسندیده اند و معتقد بوده اند باید راهی را برگزید که اساسی باشد و انسان را به هدف برساند...

ایشان برای یافتن راهی که در نفس انسان تحوّل کلی ایجاد شود - تا هر روز به گونه ای دچار لغزش های روحی و اخلاقی نشود - فکر مرگ را برگزیده اند و چنین گفته اند که: اگر انسان هر روز درباره مرگ بیندیشد به گونه ای که نفس او باور کند که دیر یا زود از دنیا خواهد رفت، هواها و هوس های نفسانی او از بین رفته و نفس اماره او به نفس لّوامه و کم کم به مراحل بالا تبدیل می گردد.

بنابراین انسان به وسیله ادامه فکر مرگ، نفس خود را کشته و از هواها و هوس های آن نجات می یابد.

بدیهی است این راه بهتر از راه های دیگری می باشد که در برخی از کتاب های «علم اخلاق» نوشته شده است؛ ولی آیا می توان راهی برتر از آن یافت که نتیجه ودست آورد آن، هم برای فرد و هم برای اجتماع بهتر و کاملتر باشد؟!

نویسنده این سطور بر این باور است که ما برای ریشه کن ساختن هوس ها و یافتن راه نجات، به جای این که در فکر مردن و مرگ شخصی باشیم بهتر است درباره زنده شدن و حیات اجتماعی بیندیشیم.

اگر انسان بداند در عصر غیبت، قدرت ها و توانایی های فکری و روحی او مرده است و با فرارسیدن روزگار پرشکوه ظهور به زندگی ارزنده دست می یابد، به حیات کنونی بسنده نمی کند و زندگی عصر غیبت را مردگی می داند و به این جهت در اندیشه حیات

و زندگی نه تنها برای خود بلکه برای همه انسان ها در سراسر گیتی خواهد بود.

او درک می کند که اندیشه حیات نیز، حیاتبخش و زندگی ساز است.

صحیح است که انسان می تواند با فکر مرگ، رذایل اخلاقی خود را نابود سازد، ولی با درک حیات واقعی و آگاهی کامل از معنای زنده بودن، می تواند قدرت های روحی و توانایی های روانی خود را زنده سازد؛ به گونه ای که پایگاه های رذایل اخلاقی در او ویران و ریشه کن شده و جایگاهی برای آن ها باقی نماند.

آری؛ انسان می تواند به جای این که در فکر خوابیدن در قبر و فاسد شدن اعضاء و جوارح و پوسیده شدن کفن خویش باشد، در فکر زنده شدن انسان ها با کفن های سالم و شمشیرهای آویخته باشد.

انسان می تواند به جای اندیشیدن درباره مرگ خود، به حیات همگان و زنده شدن اجتماع بیندیشد.

انسان می تواند به جای این که قبری کوچک و تاریک را در نظر مجسم سازد، درباره جهانی بزرگ و نورانی از تابش انوار تابناک و پرفروغ عصر ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه بیندیشد.

انسان می تواند به جای این که لحظه شمار فرارسیدن مرگ باشد، صبح و شام در انتظار فرارسیدن روزگار پرشکوه دولت کریمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه باشد.

انسان می تواند به جای این که خود را آماده مرگ نماید، خود را آماده شهادت در رکاب حضرت بقیه الله الأعظم ارواحنا فداه نماید.

آری؛ انسان می تواند با آماده ساختن خود برای ظهور و به دست آوردن انتظار راستین، همه خوبی ها و ارزش ها را داشته باشد؛ زیرا «چون که صد آید، نود هم پیش ما است».

با به دست آوردن انتظار راستین - که به بیان رسول گرامی خداصلی الله علیه و آله وسلم برترین جهاد و کوشش امت است - انسان می تواند از رذایل اخلاقی دور شده و با به دست آوردن قدرت ها و نیروهای فوق العاده، به حیات و زنده بودن راه یابد. بدیهی است که «نابرده رنج، گنج میسر نمی شود».

ما باید در حرم حضرت امام رضا علیه السلام برای بدست آوردن انتظار راستین و برای زنده شدن دل های مرده، دعا کنیم و با توسل به آن حضرت و سوگند دادن خداوند به حق آن بزرگوار، ظهور حیاتبخش جهان و منجی عالم بشریت را بخواهیم.

ما باید به شور و شوق و علاقه خود به امام زمان عجل الله تعالی فرجه و ظهور آن بزرگوار هر چه بیشتر بیفزاییم. در این صورت از حضرت امام رضا علیه السلام پیروی نموده ایم.

برای روشن شدن این مطلب، شعر دعبل را آورده، سپس به نکاتی در این باره می پردازیم:

اشعار دعبل در خدمت امام رضا علیه السلام

دعبل در «تائیه» بیشتر از غصب حق خاندان پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم سخن گفته است. از جمله در این دو بیت که حضرت امام رضا علیه السلام را سخت اندوهگین و محزون گردانید واشک ایشان را جاری کرد:

بیت اول:

أَرَى فَيْئَهُمْ فِي غَيْرِهِمْ مُتَقَسِّمًا

وَأَيَّدِيَهُمْ مِنْ فَيْئِهِمْ صَفَرَاتٍ

من، حق خاندان عصمت عليهم السلام را تقسیم شده نزد دیگران می بینم و دست هایشان از حق و اموالشان خالی است.

هنگامی که حضرت امام رضا علیه السلام این بیت را شنیدند، گریه کردند و فرمودند:

صَدَقْتَ يَا خُزَاعِي.

ای دعبل؛ راست گفتی.

بیت دوم:

إِذَا وَتَرُوا مَدُّوا إِلَى وَتَرِيهِمْ

أَكْفًا عَنِ الْأَوْتَارِ مُنْقِضَاتٍ

هنگامی که از سوی کینه توزان به عترت ستم می شود، آنان دست های بسته را برای دریافت حق خود، دراز می کنند (دست هایشان به حقشان نمی رسد).

بعد از این که حضرت امام رضا علیه السلام این بیت را شنیدند، دو دست شریف خود را بر گردانند، و با اندوه فرمودند:

به خدا قسم؛ که دست های ما بسته است. (۱)

گریستن حضرت امام رضا علیه السلام برای امام زمان ارواحنا فداه

دعبل اشعار خود را درباره غصب خلافت ادامه داده و سپس به بیان ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه می پردازد.

هروی گوید: از دعبل خزاعی شنیدم که فرمود: برای حضرت امام رضا علیه السلام قصیده ام را خواندم ... و چون به این شعر رسیدم:

خروج إمام لا محاله خارج

يقوم على اسم الله والبركات

يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَباطِل

ويجزى على النعماء والنقمات

خروج امامی که حتماً و بدون تردید خروج خواهد کرد، و با نام مبارک خدا و برکات الهی قیام می کند.

هر حق و باطلی را در میان ما جدا می کند، و مردمان را به پاداش عملشان (یا) نعمت می دهد و (یا) کیفر می کند.

حضرت امام رضا علیه السلام به شدت گریست (۲)، سپس سر مبارک را بلند کرد و فرمود:

ص: ۱۰۱

۱- ۶۸. دعبل شاعر امام رضا علیه السلام: ۲۴۵.

۲- ۶۹. دعبل گوید: زمانی که از خلیفه فرار کرده بودم، شبی در نیشابور تنها بیتوته کردم و تصمیم گرفتم در آن شب قصیده ای برای عبدالله بن طاهر بگویم. همین که در فکر آن بودم - در حالی که در را بر روی خود بسته بودم - شنیدم صدائی بلند شد: «السلام عليك، یرحمک الله»، بدنم به لرزه درآمد و حالت عظیمی بر من دست داد، صاحب آن صدا به من گفت: نترس خداوند تو را عافیت دهد، من مردی از برادران تو از جنّ از ساکنین یمن هستم، بر ما شخصی از اهل عراق وارد شد و قصیده تو را - «مدارس آیات» - برای ما خواند، من دوست داشتم که قصیده تو را از خودت بشنوم. دعبل گوید: من قصیده را برای او خواندم و او چنان گریست که بر زمین افتاد. سپس گفت: خدا تو را رحمت کند، آیا حدیثی برایت بگویم که بر نیت تو بیفزاید و در تمسک به مذهب تو را کمک نماید؟ گفتم: بلی، حدیث کن. گفت: مدّتی نام جعفر بن محمد علیهما السلام را می شنیدم، در مدینه به خدمتش رفتم شنیدم که فرمود: حدیث کرد مرا پدرم از پدرش از جدّش این که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «علی و شیعتہ هم الفائزون»؛ «علی و شیعه او فیروز و رستگارانند». پس با من وداع کرد و خواست برود. گفتم: خدا تو را رحمت کند نام خود را به من بگو. گفت: منم ظیّیان عامر. نظیر این داستان از دعبل در «دار السلام عراقی»

نقل شده است. (کشکول امامت: ۹۵/۱) جریان بسیار جالب دیگری برای دعبل درباره قصیده تائیه واقع شده است که آن را نیز نقل می کنیم: شیخ طریحی در کتاب «منتخب» از ثقات، از ابی محمّد کوفی نقل کرده که دعبل خزاعی گفت: چون از شهر مرو از خدمت حضرت امام رضا علیه السلام برگشتم، وارد شهر ری شدم. در شبی از شب ها در منزل خود تنها نشسته بودم و قصیده تائیه خود را اصلاح می کردم تا آنکه بعض شب گذشت، ناگاه آواز دقّ الباب بلند شد. پرسیدم: کوبنده در کیست؟ گفت: شخصی از برادران تو. پس به نزدیک در دویدم و گشودم، شخصی داخل گردید که از مشاهده او بدنم لرزید و نفسم مقطوع گردید. پس در گوشه ای نشست و به سوی من نگریست و گفت: نترس، من برادر تو از طائفه جنّ هستم و در روز ولادت تو متولّد شده ام و با تو بزرگ گردیده ام و آمده ام برای تو حدیثی نقل کنم که باعث خوشحالی تو گردد و اعتقاد تو را قوی گرداند و بصیرت تو را زیاد نماید. چون این را شنیدم دلم ساکن گردید و نفسم برگشت. پس گفت: ای دعبل؛ بدان که بغض و عداوت من به علی بن ابی طالب علیه السلام از سایر آفریدگان خدا شدیدتر بود تا آنکه با جماعتی از طایفه جنّ - که سرکش و بدکار بودند - بیرون رفتیم، پس عبور ما بر جمعی افتاد که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می رفتند، تاریکی شب ایشان را فرو گرفته بود و ما اراده نمودیم که ایشان را اذیت کنیم. چون نگاه کردیم ملائکه را دیدیم که در طرف آسمان ایستاده و ما را از اذیت کردن آنها منع می نمایند و دیدیم ملائکه دیگر را که بر زمین ایستاده اند و ایشان را از هوام زمین منع می نمایند. چون این کرامت را مشاهده کردم گویا خواب بودم و بیدار شدم، و غافل بودم هشیار گردیدم، و دانستم که این کرامات نیست مگر از برکات آن کسی که به زیارت قبر اومی روند و قصد او را کرده اند، پس از اعمال بد خود و آن اراده قبیحه پشیمان شدم و توبه نمودم و با ایشان به زیارت قبر امام حسین علیه السلام مشرف شدم و با آن ها در همان سال به حج رفتم و قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم را زیارت نمودم. در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم مردی را دیدم که جماعتی بر اطراف او بودند و چون از نام او پرسیدم، گفتند: این پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم جعفر بن محمد الصادق علیه السلام است. چون این سخن شنیدم به نزد آن حضرت و خدمت آن سرور رسیدم و بر او سلام کردم و جواب شنیدم. حضرت فرمود: «مرحباً بک یا أخا أهل العراق»؛ آیا بخاطر داری آن شب خود را در بطن کربلا و آن کرامت را که از خدادار خصوص اولیاء او مشاهده کردی؟ به درستی که خدا توبه تو را قبول نمود و گناه و خطای تو را آمرزید. عرض کردم: حمد خداوند را که به معرفت شما بر من منت گذاشت و دل مرا به نور هدایت شما نورانی گردانید و مرا از متمسکین به ریسمان ولایت شما قرار داد، یابن رسول الله؛ از برای من حدیثی ذکر کن که آن را هنگام بازگشت، هدیه و تحفه قوم خود نمایم. آن حضرت فرمود: روایت فرمود پدرم از پدر خود علی بن الحسین علیهما السلام، از پدرش علی بن ابی طالب علیه السلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که فرمود: «یا علی؛ الجنّه محرّمه علی الأنبياء حتّی أدخلها، وعلی الأوصیاء حتّی تدخلها، وعلی الأئمّه حتّی تدخل أمتی، وعلی أمتی حتّی تقرّوا بولایتک و تدینوا یامامتک، یا علی؛ واللّٰهی بعثنی بالحقّ نبیّاً؛ لا یدخل الجنّه إلّا من أخذ منک بنسب أو سبب. یا علی؛ بهشت بر پیغمبران حرام است تا آنکه من داخل شوم، و بر اوصیاء پیغمبران حرام است تا آنکه تو داخل شوی، و بر ائمت ها حرام است تا آنکه ائمت تو داخل شوند، و بر ائمت تو حرام است تا آنکه اقرار به ولایت تو نمایند و اعتقاد به امامت تو داشته باشند. یا علی؛ قسم به آن کسی که مرا به حقیقت به پیامبری برگزیده؛ داخل بهشت نمی شود مگر کسی که نسب یا سبب از تو اخذ نماید. دعبل گوید: بعد از آن گفت: ای دعبل؛ این را بگیر که دیگر مثل آن را از مثل من نخواهی شنید. این بگفت و در زمین فرو رفت و دیگر او را ندیدم. (کشکول امامت: ۹۶/۱)

ای خزاعی؛ این دو بیت را روح القدس بر زبان تو جاری ساخت، آیا می دانی آن

ص: ۱۰۲

امام قیام کننده کیست؟ و چه زمانی قیام خواهد کرد؟

عرض کردم: نه مولای من؛ تنها شنیده ام که امامی از شما خروج می کند و او زمین را از هر گونه فساد و آلودگی پاک می کند و پر از عدل و داد می گرداند همان گونه که پراز ستم شده باشد. فرمود:

ای دعبل؛ پیشوای بعد از من فرزندانم محمّد است، بعد از او فرزندش علی، و پس از علی فرزندش حسن، و پس از حسن فرزندش حجت خدا آن قیام کننده است؛ او که در دوران غیبتش باید انتظارش را کشید و در دوران ظهورش باید اطاعتش کرد، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن را طولانی گرداند تا آن حضرت خروج کند و جهان را پر از عدل و داد نماید؛ همان طور که پراز ستم شده باشد.

و اما چه زمانی خواهد بود؟ خبر دادن از وقت است، و پدرم از پدرش، از پدرانش، از حضرت علی علیه السلام خبر داده اند که فرمود:

شخصی از رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم سؤال کرد که آن امام قیام کننده از فرزندان شما، چه زمانی خروج خواهد کرد؟

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود: مثل خروج او مثل قیامت است، کسی جز او از وقت آن خبر ندارد و برایش روشن و آشکار نیست، او جز ناگهانی نمی آید و خروج نمی کند (۱). (۲).

ص: ۱۰۳

۱- ۷۱. برادر دعبل از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمود: آن حضرت پیراهنی از خز (پشم نرم و نازک) به عنوان خلعت به دعبل بخشید و به او فرمود: «احتفظ بهذا القميص فقد صليت فيه ألف ليلة كل ليلة ألف ركعة، و ختمت فيه القرآن ألف ختمه»؛ «این پیراهن را نگهداری کن که من هزار شب، هر شب هزار رکعت در آن نماز خوانده ام و در آن هزار ختم قرآن نموده ام». نجاشی به سند خود این حدیث را از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است با این تفاوت که گفت: حضرت امام رضا علیه السلام پیراهنی سبزرنگ از جنس خز خلعت داد و انگشتی با نگین عقیق بخشید. (وسائل الشیعه: ۷۳/۳) لباسی را که حضرت امام رضا علیه السلام به دعبل هدیه کرده بودند، مردم قم به زور گرفتند و به او سی هزار درهم با یک آستین از آن لباس دادند. (دعبل شاعر امام رضا علیه السلام: ۵۸) علامه مجلسی رحمه الله در کتاب «شرح تائیه دعبل خزاعی» چنین می گوید: دعبل کنیزی داشت که او را بسیار دوست می داشت، و رمد عظیمی در هر دو چشم او به هم رسید، چون أطبّا و کَحّالان، چشم های او را ملاحظه کردند گفتند که چشم راستش از بین رفته است، آن را نمی توانیم علاج کنیم، ولی چشم چپش را معالجه می کنیم و امید هست که خوب شود. دعبل از این واقعه بسیار غمگین شد و جزع بسیار کرد تا به خاطرش رسید که بقیه لباس مبارک حضرت امام رضا علیه السلام با او هست، پناه به آن قطعه لباس برد، و آن را بر دیده های جاریه مالید، و قدری از آن جامه شریف را در اوّل شب به عنوان عصابه بر دیده های او بست. چون صبح شد به برکت جامه آن حضرت، دیده های جاریه خوب شد و بیناتر از اوّل گردید. (دعبل شاعر امام رضا علیه السلام: ۵۳)

٢- ٧٠. بحار الأنوار: ١٥٤/٥١ و ٢٣٧/٤٩، عيون اخبار الرضا عليه السلام: ٢٦٩/٢، بهجة النظر: ١٢١.

حسن بن محبوب گوید: حضرت امام رضا علیه السلام به من فرمود:

ناگزیر فتنه کور و کر و بهم پیچیده سختی روی خواهد داد که در آن هر زیرک رازدار و هر بزرگ اصیل - یعنی حتی آن ها که از خواص هستند - سقوط خواهند کرد، و آن، هنگامی است که شیعیان، سوّمین پسر را از دست بدهند.

بر آن حضرت (۱) همه اهل آسمان و زمین، و همه تشنگان دیدارش و شیفتگان جمالش و همه ستمدیدگان و دلسوختگان گریه کنند.

سپس فرمود: پدر و مادرم فدای آنکه همانم جدّم و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است.

بر او لباس های قدسی و جامه های ربّانی است که از گریبان آنها انوار فضل و هدایت خداوند تبارک و تعالی فروزان است، چه بسیار زنان و مردان که تشنه دیدار اویند، و چه بسیار مؤمنی که افسوس می خورد و حیران و سرگردان و غمگین است برای از دست دادن آب گوارا، گویا آنان را می بینم که مأیوس گشته اند، ندایی برخیزد که آن هایی که دورند آن را مانند کسانی که نزدیکند بشنوند، بر مؤمنان رحمت و بر کافران عذاب می باشد. (۲)

ص: ۱۰۴

۱- ۷۲. شاید مقصود، امام عسکری علیه السلام باشد ولی به قرینه جمله های بعد اشاره به امام زمان علیه السلام است.

۲- ۷۳. بحار الأنوار: ۱۵۲/۵۱.

مرحوم محدث قمی می نویسد: آقا سید حسن موسوی کاظمی ادام الله بقائه در تکمله «أمل الآمل» مطلبی را نقل نموده که خلاصه آن این است:

یکی از علماء امامیه کتابی درباره شهادت حضرت امام رضا علیه السلام نوشته است به نام «تأجیج نیران الأحزان فی وفاه سلطان خراسان» و از متفردات آن کتاب این است که فرموده:

روایت شده که دعبل خزاعی وقتی که قصیده تائیه خود را برای حضرت امام رضا علیه السلام خواند، چون به این شعر رسید:

خروج امام لا محاله خارج

يقوم على اسم الله بالبركات

حضرت امام رضا علیه السلام برخاست و روی پاهای مبارک خود ایستاد و سر نازنین خود را به سوی زمین خم کرد، پس از آن که کف دست راست خود را بر سر گذاشته بود گفت:

اللهم عجل فرجه ومخرجه، وانصرنا به نصراً عزيزاً. (۱)

خداوندا! در ظهور و زمان خروج او تعجیل فرما و به وسیله او به ما کمک فرما کمکی کم نظیر.

جالب توجه است که در این جریان با اینکه دعبل شاعر بزرگ شیعه، نه از نام مخصوص امام زمان عجل الله تعالی فرجه یاد کرده و نه هیچ یک از اسامی دیگر آن حضرت را به زبان جاری ساخته و تنها قیام آن بزرگوار و روزهای شکوهمند و پربرکت ظهور را یاد آور شده، ولی حضرت امام رضا علیه السلام به خاطر یاد آن بزرگوار و یاد دولت کریمه ایشان - نه به خاطر شنیدن نام مخصوص آن حضرت - به پا خواسته و سرنازنین را به سوی زمین خم کرده و در حالی که دست راست خود را بر روی سر

ص: ۱۰۵

گذارده بودند برای تعجیل فرج و ظهور آن حضرت دعا نمودند.

و این، دلیل بر شدت علاقه، توجه و عنایت حضرت امام رضا علیه السلام به امام عصر عجل الله تعالی فرجه و همچنین فرا رسیدن دولت کریمه آن حضرت می باشد.

از آنجا که رفتار ائمه علیهم السلام باید برای همه سرمشق باشد به طوری که در کردار خود پیرو آن بزرگواران باشند، همان گونه که حضرت امام رضا علیه السلام با یاد امام عصر ارواحنا فداه شور و اشتیاق خود را ظاهر ساختند، ما نیز باید با شنیدن نام آن حضرت و یاد دولت کریمه آن بزرگوار با اظهار شوق و علاقه خود نسبت به آن بزرگوار، ارادت خود را به آن وجود مقدس محکم و استوار نماییم.

فرمان حضرت امام رضا علیه السلام به دعا نمودن برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه

حضرت امام رضا علیه السلام تجلیل های ویژه ای را نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه انجام می دادند و همان گونه که از شعر دعبل و احترام خاص آن حضرت استفاده می شود، امام رضا علیه السلام می خواسته اند با رفتار ویژه خود همه دوستان و شیعیان را به انجام این گونه احترام، به خاطر یاد امام عصر ارواحنا فداه راهنمایی کنند.

و نیز حضرت امام رضا علیه السلام به کسانی که به حضورشان شرفیاب می شدند پیوسته دستور می دادند دعای غیبت (۱) را بخوانند.

از جمله «وکان يأمر بالدعاء...» تأکید و اصرار حضرت امام رضا علیه السلام به خواندن این دعا استفاده می شود.

اگر چشم و گوش باطنی ما باز می بود، شاید به ما نیز خواندن این دعا را سفارش می فرمودند.

به زائرین محترم حضرت امام رضا علیه السلام توصیه می شود در بارگاه ملکوتی آن حضرت، از خواندن زیارت های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و دعانمودن برای تعجیل ظهور آن بزرگوار غفلت و کوتاهی نکنند؛ زیرا یکی از مکان هایی که در آن ها دعا

ص: ۱۰۶

برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه سفارش و تأکید شده، حرم نورانی حضرت امام رضا علیه السلام است.

ما باید مواظب باشیم وقتی که وارد حرم و بارگاه آن حضرت می شویم درباره خواسته ها و حاجت های خود دقت کنیم و با در نظر داشتن عظمت ولایت و قدرت آن بزرگوار، از درخواست حاجت های بزرگ دریغ نورزیم و توجه داشته باشیم که حاجتی مهمتر و بزرگتر از فرارسیدن فرج و ظهور منتقم آل محمد علیهم السلام و دوران پر شکوه حکومت آن بزرگوار نیست.

ولی متأسفانه هدف برخی از زائرین، فقط درخواست حاجت های مادی از حضرت امام رضا علیه السلام است و این کار یقیناً اشتباه است. مخصوصاً اگر انسان حاجت خود را رسیدن به ثروت های کلان و مال بی شمار قرار دهد که در بسیاری از موارد سبب طغیان صاحبان آن شده به گونه ای که هیچ گونه توجهی به مسئولیت خود در برابر ثروت های انباشته خویش ندارند.

واضح است کسانی که دارای چنین ثروت هایی نیستند در برابر آن، مسئولیتی ندارند.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

هر کس از خداوند به روزی کم راضی شود، خدا از او به عمل کم راضی می شود.

و روایت شده از ابن ابی شعبه حلبی و نوفلی که بر حضرت امام رضا علیه السلام وارد شدیم و به آن حضرت گفتیم که ما در وسعت رزق و فراوانی در زندگی بودیم ولی حال ما تغییر کرد و فقیر شدیم، دعا کنید که خدا آن را به ما برگرداند.

حضرت فرمود:

می خواهید چگونه بشوید؟ آیا می خواهید شاه باشید؟! آیا خوشحال می شوید که مانند طاهر و هرثمه (که از سرکردگان مأمون بودند) باشید ولی برخلاف این عقیده و آئینی که اکنون بر آن هستید می بودید؟!!

گفتم: نه والله! مرا شاد نمی کند که دنیا و آنچه در آن است از طلا و نقره از من باشد

ص: ۱۰۷

و من برخلاف این عقیده باشم که معتقد هستم.

حضرت فرمود:

حق تعالی می فرماید:

«إِعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورِ» (۱).

ای آل داود؛ شکر (نعمت ها) را بجای آورید و عده کمی از بندگان من شکر گزارند.

آن گاه فرمود: گمان خود را به خدا نیکو کن؛ همانا هر کس گمان او به خدا نیکو شد، خدا نزد گمان او است و کسی که به روزی کم راضی شد، خداوند از او عمل کم را می پذیرد، و کسی که به مال حلال اندک راضی شد، مؤونه او سبک می شود، و خانواده او بانشاط می باشند، و خداوند او را به درد دنیا و دواء آن بینامی کند، و او را از دنیا به سوی بهشت به سلامت بیرون می برد. (۲)

بنابراین به شکر و سپاس خداوند بزرگ پردازید و هم و غم خود را فقط نیازهای مادی قرار ندهید؛ بلکه به حاجت های معنوی پردازید و توجه داشته باشید که بزرگترین حاجت معنوی - که نیازهای مادی را نیز برطرف می سازد - فرارسیدن ظهور پرشکوه امام زمان عجل الله تعالی فرجه می باشد.

یکی از نکته های بسیار ارزشمند و اساسی این است که ما باید فرج و گشایش را - نه برای خودمان - بلکه برای اهل بیت علیهم السلام بخواهیم که نتیجه آن، گشایش و راحتی خودمان نیز می باشد. به این دلیل که هر کسی باید محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین نزد او مقدم بر خود و نزدیکانش باشند.

به این مقدمه توجه کنید: ما می دانیم ظلم ها و ستم های فراوانی که بر اهل بیت علیهم السلام وارد شده تا ظهور حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه ادامه دارد و شدت ها و سختی های وارده بر خاندان وحی علیهم السلام هنوز وجود دارد. به این جهت در دعاهای گوئیم: «اللهم عجل فرجه» و تعبیرات بسیار دیگری از این نمونه که فرج و

ص: ۱۰۸

۱- ۷۶. سوره سبأ، آیه ۱۳.

۲- ۷۷. منتهی الآمال: ۹۲۸.

گشایش آن ها را از خداوند می خواهیم و تحقّق فرج در صورتی است که ظلم و سختی وجود داشته باشد. پس چون ظلم و ستم و سختی و شدّت هنوز بر اهل بیت علیهم السلام ادامه دارد، فرج و ظهور آن بزرگواران را از خداوند می خواهیم.

بنابراین اگر جامعه ما در سختی و شدّت به سر می برد و گرفتاری ها ما را احاطه کرده است، از آنجا که ستم ها و سختی ها بر پیامبر و آل پیامبر صلوات الله علیهم هنوز ادامه دارد، ما باید برطرف شدن گرفتاری و ظلم و ستم از آنان را مقدم بر رفع گرفتاری و ظلم و ستم از خود بدانیم و برای برطرف شدن آن دعا کنیم که اگر چنین کاری انجام دهیم، در نتیجه برای خودمان نیز دعا کرده ایم.

شخصی در صحن حرم حضرت امام رضا علیه السلام زنی را می بیند که به شدّت می گریسته است. آن زن به او می گوید: شوهر من فرار کرده و مرا با چهار دختر تنها گذاشته و چون پول اجاره خانه ندارم، صاحبخانه اساس ما را بیرون ریخته، با این وضع چکنم؟

آن شخص مقداری به آن زن کمک کرده و از اینکه نتوانسته مشکل آن زن را حلّ کند و خانه ای برای او اجاره کند غمگین به حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام مشرف می شود و به حضرت امام رضا علیه السلام می گوید: آقا جان؛ به خاطر این افراد ستمدیده و مظلوم، فرج را از خداوند بخواهید و مشکل غیبت را پایان دهید.

ناگهان متوجّه می شود که حضرت امام رضا علیه السلام به صورت الهام به او می فرمایند:

ظلم و ستمی که بر ما اهل بیت وارد شده، از همه بیشتر است. (۱)

امیدواریم خداوند به زودی به صاحب امر ولایت الهی، فرمان قیام و انتقام را صادر فرماید تا با ظهور مقام ولایت خاندان وحی علیهم السلام ریشه ظلم و ستم در سراسر جهان ریشه کن شود.

ص: ۱۰۹

۱- ۷۸. یکی از موارد ظلم و ستمی که بر اهل بیت علیهم السلام روا شده است، کم توجهی و یا بی توجهی بسیاری از افراد به متن دعاها و زیاراتی می باشد که از خاندان وحی علیهم السلام وارد شده است. با توجه و دقّت در متن دعاها و زیارات، به معارف و عقاید مهمّی دست می یابیم که چه بسا مانند آن ها در روایات اندک است. با اینهمه، متأسّفانه برخی از افراد به دعاها و زیارت هافقط از جنبه ثواب آن ها می نگرند و به آثار مهمّ دیگر آن توجهی نمی کنند.

اشاره

چون از توجّه و علاقه شدید حضرت امام رضاعلیه السلام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه سخن گفتیم، مناسب است برخی از نقطه های اشتراک حضرت امام رضاعلیه السلام و امام زمان عجل الله فرجه را بیان کنیم:

حضرت امام رضاعلیه السلام و امام عصر عجل الله تعالی فرجه در چندین خصلت مشترک هستند، ما در اینجا دو نمونه از عمده ترین آن ها را نام می بریم:

۱ - بحث، اقامه برهان و دلیل

اشاره

یکی از نقطه های مهم اشتراک حضرت امام رضاعلیه السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه، بحث و اقامه برهان و دلیل برای مخالفان است.

حضرت امام رضاعلیه السلام با دانشمندان مخالف بحث نموده و آنان را محکوم می ساختند؛ امام عصر ارواحنا فداه نیز به مخالفان مهلت بحث می دهند و برای همگان درسراسر عالم به بیان برهان و دلیل می پردازند.

برای توضیح این مطلب به تشریح آن می پردازیم:

۱ - حضرت امام رضاعلیه السلام و اقامه برهان و دلیل

یکی از برنامه های عملی حضرت امام رضاعلیه السلام در دوران امامت شان مناظره ها، بحث ها و اقامه دلیل و برهان برای اثبات وجود خداوند و حقایق آئین مقدس اسلام و مکتب حیاتبخش شیعه بوده است.

آن حضرت با هر دانشمندی از دانشمندان بزرگ آن روزگار از هر نژاد و ملّتی که بودند با زبان خود آن ها به بحث می پرداختند و بدون این که نیاز به مترجم باشد بابت بحث و استدلال به زبان خود آن ها، بنیان عقاید آنان را بر مبنای فکری و اعتقادی خود آن ها متزلزل نموده و ویران می ساختند.

این بحث ها که با شرکت افراد دیگر در مجلس بحث و مناظره انجام می گرفت، تأثیر بسیار مهمی در اثبات حق بودن مکتب حیاتبخش شیعه داشت.

بحث های حضرت امام رضا علیه السلام با دانشمندان بزرگ ادیان دیگر و محکوم ساختن آنان و اعتراف خود آن ها به مغلوب شدنشان فراوان است، ما نمونه ای از آن را در اینجا می آوریم:

روایت مفصل و بسیار جالبی را محمد بن فضل هاشمی نقل کرده است که مختصر آن چنین است:

یک روز قبل از وفات حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام خدمت آن بزرگوار شرفیاب شدم. حضرت فرمودند:

چون من از دنیا رفتم، این امانت ها را به مدینه برسان و به فرزندم علی بن موسی الرضا علیهما السلام بده. و او حجت خدا و صاحب امر امامت بعد از من است.

محمد هاشمی گوید: چنانکه آن حضرت فرموده بود انجام دادم. در مدینه خدمت حضرت امام رضا علیه السلام رسیدم و امانت ها را به آن حضرت رساندم و عرض کردم: من به بصره می روم و خبر وفات پدر بزرگوارت منتشر می شود و از امامت شما از من سؤال می نمایند. ای کاش؛ از راه لطف و احسان از دلیل هایی که بر مقام امامت شما هست چیزی به من نشان می دادید.

حضرت، آثار و اشیاء مخصوص حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم را - که نزد ائمه هدی علیهم السلام بوده - به من نشان داد و فرمود: من به بصره خواهم آمد.

عرض کردم: آمدن شما به بصره در چه زمانی است؟

فرمود: سه روز بعد از ورود شما.

من از خدمت حضرت امام رضا علیه السلام مرخص شدم و به بصره آمدم. دوستان به دیدن من آمدند و از من سؤال کردند. جریان را برای آن ها نقل کردم.

از میان جمعیت مردی ناصبی به نام عمرو بن هذاب ایستاد و به من اعتراض نمود و گفت: مقام امامت برای حسن بن محمد که بزرگ اهل بیت است و زاهد و عابد است

اولی می باشد، و علی بن موسی جوان است شاید در مسائل عاجز بماند.

حسن بن محمّد در مجلس حاضر بود و از گفتار او جلوگیری کرد و گفت: محمّد هاشمی می گوید: سه روز دیگر علی بن موسی به بصره تشریف می آورد، و این خود دلیل قطعی است، تا سه روز دیگر (صبر کنید).

پس مردم متفرّق شدند. روز سوّم حضرت امام رضا علیه السلام در منزل حسن بن محمّد تشریف آوردند و او خودش شخصاً انجام وظیفه خدمت به حضرت امام رضا علیه السلام را متعهّد شد.

حضرت دستور فرمودند آن جمعیت و سایر دوستان و بزرگ یهود و نصارا را در مجلس خود حاضر نمایند. او چنین کرد و برای حضرت امام رضا علیه السلام مسند مخصوصی قرار داد.

حضرت در مجلس تشریف آوردند و ابتدا به سلام نمودند و فرمودند:

منم علی بن موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (صلوات الله وسلامه علیهم).

امروز در مدینه در مسجد پیغمبر نماز صبح را که خواندم، حاکم مدینه پیش من آمد و درباره چند چیز با من مشورت نمود.

من صلاح او را بیان کردم و به او وعده کردم که وقت عصر به سوی او برگردم. هر کس هر چه می خواهد از آثار و علامات امامت از من سؤال نماید.

عمرو بن هذّاب حرکت کرد و گفت: محمد بن فضل هاشمی از جانب شما چیزهایی نقل کرده که دل های ما آن را قبول نمی کند.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: مگر او چه گفته؟

عرض کرد: می گوید شما تمام کتاب های آسمانی و تمام لغات اهل دنیا را می دانید.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: راست گفته است. هر چه می خواهید سؤال کنید.

عرض کرد: اشخاص متفرقه ای را از روم و هند و فارس و ترک و غیره احضار کردیم تا شما را امتحان کنیم. اگر شما راست می گویید با یک یک اینها سخن گویید.

امام با تمام آن ها به زبان و لهجه خودشان تکلم نمودند و به سؤال های هر یک

پاسخ دادند به گونه ای که همه متحیر شدند و اقرار کردند که آن حضرت از همه آن هافصیحتر صحبت می کند.

در اینجا امام متوجه عمرو بن هذاب شده، فرمودند:

اگر به تو خبر دهم که تا چند روز دیگر خون یکی از خویشان خود را خواهی ریخت تصدیق می کنی؟

عرض کرد: خیر، تصدیق نمی کنم؛ زیرا غیب را غیر از خداوند دیگری نمی داند.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

مگر نمی دانی که خداوند فرموده است:

«عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ» (۱).

«همانا خداوند دانای غیب است و بر غیب خود کسی را آگاه نفرموده مگر آن کس را که پسندیده است و آن پیامبر است».

و ما هم وارث پیامبر هستیم. و لذا می دانیم آنچه را که واقع شده است و آنچه را که تا روز قیامت انجام می گیرد. تو مبتلا به ریختن خون یکی از ارحام تا پنج روز دیگر خواهی شد. و اگر نشدی بدان من امام نیستم.

و فرمود: تا چند روز دیگر نابینا می شوی و سوگند به دروغ یاد می کنی و پیس خواهی شد.

راوی گوید: به خدا قسم آنچه حضرت فرمودند پس از چند روز دیده شد و همه واقع گردید.

و بعد با بزرگ یهود و نصارا و دیگران به لغت خود آن ها احتجاج نمودند و رسالت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم را از کتاب های خودشان ثابت فرمودند.

همه به راستی گفتار حضرت اقرار نموده، عرض کردند: اگر ریاست ما بر یهود و نصارا نبود، به شما ایمان می آوردیم.

حضرت امام رضا علیه السلام به سؤالات همه مردم پاسخ داده و حوائج شان را مرحمت

ص: ۱۱۳

نمودند و نماز ظهر را با جماعت خواندند و فرمودند: من به مدینه برمی گردم و فردانیز خواهم آمد ان شاء الله تعالی.

روز بعد باز بوی بهشت همانند روز پیش فضا را تسخیر کرد، نسیم عطرآمیز همه جا را فرا گرفت، شب انتظار به پایان رسید و بار دیگر سعادت به روی مردم بصره روی آورد و در حالی که مردم بصره اجتماع کرده بودند، دوباره ماه مجلس طلوع کرد و دیدگان را روشن نمود.

کنیزی از اهل روم را به حضورش آوردند. امام علیه السلام با زبان رومی با او تکلم نموده، فرمودند:

ای کنیز؛ محمدصلی الله علیه و آله وسلم را بیشتر دوست داری یا عیسی را؟

- تا موقعی که محمدصلی الله علیه و آله وسلم را نمی شناختم عیسی را بیشتر دوست داشتم ولی اکنون که محمدصلی الله علیه و آله وسلم را شناختم او را بیشتر دوست دارم.

فرمود: حال که محمدصلی الله علیه و آله وسلم را شناختی عیسی را دوست نداری.

- چرا، لیکن محمدصلی الله علیه و آله وسلم را بیشتر دوست دارم.

جائلیق به امر آن حضرت، گفتگوی آنان را برای مردم ترجمه کرد و به حضرت امام رضا علیه السلام گفت: مردی نصرانی از اهل سند اهل بحث و کلام است، اگر اجازه می فرمایید او را به خدمت شما بیاوریم.

فرمود: مانعی ندارد. او را آوردند و حضرت با لغت سندی با او سخن گفتند و در امر توحید و رسالت با او احتجاج نمودند تا اینکه مرد سندی شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم داده، زُنار خود را پاره کرد.

حضرت امام رضا علیه السلام به مردم فرمود: اکنون به آنچه محمد بن فضل می گفت ایمان آوردید؟

مردم گفتند: بلکه مقام شما بیش از آنچه محمد گفته بود بر ما ثابت شد و همچنین محمد به ما گفت که شما را به سرزمین خراسان می برند، آیا اینهم درست است؟!

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: بلی درست است.

همه اقرار به امامت ایشان نمودند و متفرق شدند. ابر رحمت بر مزرعه دل های

مردم بصره باریده و حجت بر همگان تمام شده بود. خورشید هم انوار خویش را به آرامی جمع می کرد و می رفت.

مردم بصره شب را با تشرف به خدمت حضرت ثامن الحجج علیه السلام به پایان رسانیدند.

شد روشن از فروغ سحر، طارم کبود

نقاش صبح، رنگ شب از آسمان زدود

بگریخت از شراره مشرق، غبار شب

چون از لهیب شعله آتش غبار دود

و بالأخره شب وصال گذشت و روز فراق رسید و امام از همه خداحافظی نمودند و رفتند.

محمد بن فضل می گوید: من به مشایعت آن حضرت رفتم. در بین راه به جایی رسیدیم که حضرت امام رضا علیه السلام از راه خارج شدند و چهار رکعت نماز خواندند و فرمودند: ای محمد؛ چشمان خود را ببند. اطاعت کردم.

فرمودند: چشمانت را باز کن. باز کردم، خود را درب منزل در بصره دیدم و حضرت امام رضا علیه السلام از نظرم ناپدید شدند.

آن حضرت به من دستور داده بودند که به کوفه بروم و به شیعیان خبر دهم که امام هشتم به کوفه تشریف می آورند و به منزل حفص بن غمیر تشریف می برند.

من به وظیفه خود عمل کردم و آن حضرت تشریف آوردند و امر فرمودند مسلمانان و دانشمندان یهود و نصارا جمع شدند و حضرت با تمام آن ها به لغت خودشان سخن گفتند و حقایق خود و اجدادشان را ثابت نمودند و به جاثلیق نصارا فرمودند:

آیا علم داری به آن ورقه ای که پنج اسم در آن نوشته شده بود و به همراه حضرت عیسی بود که اگر می خواست از مشرق به مغرب و یا از مغرب به مشرق برود، خدا را به یکی از آن اسماء می خواند و به یک لحظه این مسافت را طی می کرد؟

جاثلیق گفت: چنین بود، ولی من آن اسماء را نمی دانم.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

حجت خدا و امام بعد از پیغمبر نیست مگر اینکه باید به جمیع علوم و کمالات

پیغمبران واقف باشد و همه کتاب های آسمانی را بداند و به تمام لغات دنیا بتواند سخن گوید و هیچ لغتی از او پوشیده نباشد و از گناه و معصیت و اخلاق فاسده به دور باشد ... (۱).

نمونه دیگری از بحث های حضرت امام رضا علیه السلام با دانشمندان بزرگ آن زمان

محمد بن عمر بن عبدالعزیز انصاری گفت: کسی که خودش از حسن بن محمد نوفلی شنیده بود برایم نقل کرد:

هنگامی که حضرت امام رضا علیه السلام بر مأمون وارد شدند، مأمون به فضل بن سهل دستور داد تا صاحبان رأی و نظر و آن هائی که حرفی برای گفتن دارند - مانند: جاثلیق (مسیحی)، رأس الجالوت (یهودی)، رؤسای صابئین (منکرین دین و خدا و پیامبر)، هربند اکبر؛ بزرگ زردشتی ها، نسطاس رومی و دانشمندان آگاه به علم کلام - را گرد آورد تا گفتار حضرت امام رضا علیه السلام و کلام آنان را بشنود.

فضل بن سهل به دستور مأمون عمل کرد و آنان را جمع آوری نمود، سپس او را از اجتماع آنان باخبر نمود، مأمون دستور داد تا همه آنان را به حضور او ببرند و چنین کردند.

مأمون در ضمن خوش آمدگویی به آن ها گفت: من شما را برای کار خیری جمع کرده و دوست دارم که با پسرعمویم، این شخصی که از مدینه بر من وارد گشته مناظره و گفتگو کنید، فردا بامدادان همه نزد من آئید و هیچ کدام از شما از این دستور سرپیچی نکند.

همگی گفتند: فرمانت را شنیده و اطاعت می کنیم، فردا صبح زود خواهیم آمد.

حسن بن محمد نوفلی گوید: در حینی که ما نزد حضرت امام رضا علیه السلام مشغول گفتگو بودیم یاسر بر ما وارد شد. او عهده دار کارهای حضرت امام رضا علیه السلام بود.

ص: ۱۱۶

عرض کرد: ای سرور من؛ مأمون به شما سلام می رساند و می گوید: فدای شما برادران؛ دانشمندان صاحب نظر و علمای علم کلام از تمام ملّت ها نزد من گردآمده اند، اگر دوست دارید گفتار آنان را بشنوید نزد ما بیائید و اگر کراهت دارید خوش ندارید خود را به زحمت نیندازید، و اگر دوست داشته باشید ما نزد شما بیائیم این کار بر ما آسان است.

حضرت امام رضا علیه السلام پیغام دادند:

به او سلام برسان و بگو: آنچه اراده کرده ای دانستم و من فردا صبح انشاء الله به سوی تو خواهم آمد.

حسن بن محمد نوفلی گوید: هنگامی که یاسر رفت، امام علیه السلام رو به ما کرد و فرمود:

ای نوفلی؛ تو عراقی هستی و عراقی ها دقت نظر دارند، چه فکر می کنی درباره این کار مأمون پسر عمویت که اهل شرک و علمای ادیان را گرد آورده است؟

عرض کردم: فدای شما شوم؛ می خواهد شما را بیازماید و دوست دارد از آنچه نزد شما است از علم و دانش آگاهی پیدا کند، کار خود را بر اساس نامطمئنّی بنا کرده و بد بنائی نهاده است.

امام علیه السلام فرمود: بنای او در این باب چیست؟

عرض کردم: دانشمندان علم کلام و اهل بدعت برخلاف علماء هستند؛ زیرا عالم مطلب درست را انکار نمی کند ولی علمای ادیان و متکلمین و اهل شرک همه اهل انکار و دروغ بافی هستند، اگر بر آنان احتجاج کنی که خداوند تبارک و تعالی یکتا و یگانه است، خواهند گفت: یکتائی او را اثبات کن، و اگر بگوئی که محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است خواهند گفت: رسالتش را ثابت کن، سپس شخص را کلافه می کنند و او دلیل خود را باطل می کند، و با او مغالطه می کنند تا دست از حرف خود بردارد، از آنان پرهیز کن و مواظب باش فدایت شوم.

امام علیه السلام تبسمی کرد، سپس فرمود:

ای نوفلی؛ آیا می ترسی که آنان دلیل مرا رد کنند؟!

عرض کردم: نه به خدا قسم؛ هرگز در مورد شما ترسی ندارم و امیدوارم که خداوند انشاء الله شما را بر آنان پیروز سازد.

امام علیه السلام فرمود:

ای نوفلی؛ آیا دوست داری بدانی که مأمون چه زمانی از کار خود پشیمان می گردد؟ عرض کردم: آری.

فرمود: زمانی که احتجاج مرا با اهل تورات به تورات شان و با اهل انجیل به انجیل شان و با اهل زبور به زبورشان و با صابئین به کلام عبری و با زردشتی ها به فارسی و با رومیان به رومی و با صاحبان نظر و علمای ادیان هر یک به زبان ولغت خودشان بشنود و چون دلیل هر یک را باطل کردم و او را محکوم نمودم و اودست از گفتار خود برداشت و سخنان مرا پذیرفت مأمون خواهد فهمید موضعی که اتخاذ کرده شایسته او نیست و در این هنگام است که دچار پشیمانی می شود و هیچ حرکت و نیروئی جز به وسیله خداوند نیست.

چون صبح کردیم فضل بن سهل نزد ما آمد و به امام علیه السلام عرض کرد: فدای شماشوم؛ پسرعمویت منتظر شما است و همه دعوت شدگان اجتماع کرده اند، نظر شما در آمدن چیست؟

امام علیه السلام فرمود: تو پیش برو و من انشاء الله خواهیم آمد، سپس وضو گرفت وضوی نماز و شربت سویق (شوربا که با آرد گندم و جو درست کنند) آشامید و مقداری به مامرحمت کرد، سپس از منزل بیرون آمد و ما به همراه آن حضرت بیرون آمدیم تا بر مأمون وارد گشتیم، مجلس سرشار از جمعیت بود، محمد بن جعفر (عموی آن حضرت) به همراه گروهی از طالبیین و هاشمیین و فرماندهان لشکر حضور داشتند.

همینکه حضرت امام رضا علیه السلام وارد شدند مأمون بپا خاست، محمد بن جعفر و تمام بنی هاشم به احترام آن حضرت برخاستند. امام علیه السلام و مأمون نشستند و آنان ایستاده بودند تا دستور داد بنشینند.

مأمون رو به حضرت امام رضا علیه السلام کرد و مدتی با آن حضرت گفتگو کرد سپس به

جاثلیق رو کرد و گفت: ای جاثلیق؛ این پسر عموی من علی بن موسی است و او از فرزندان فاطمه علیها السلام دختر پیامبر ما و پسر علی بن ابی طالب علیه السلام است، دوست دارم با او به گفتگو پردازی، بحث کنی، دلیل آوری و انصاف را از دست ندهی.

جاثلیق گفت: ای امیر مؤمنان! چگونه با کسی بحث کنم که بر من با کتابی احتجاج می کند که من منکر آن هستم و با گفتار پیامبری استدلال می کند که من به آن ایمان ندارم.

امام علیه السلام فرمود:

ای مسیحی؛ اگر با انجیل خودت بر تو احتجاج کنم و دلیل آورم می پذیری و اعتراف می کنی؟

جاثلیق گفت: مگر می توانم آنچه را که انجیل به آن گویا است رد کنم، آری بخدا قسم؛ گرچه برخلاف میل من باشد به آن اقرار خواهم کرد.

آن گاه امام علیه السلام بر او از انجیل خواند و ثابت کرد برای او که پیامبر ما در انجیل ذکر شده، سپس به او از عدد حواریون حضرت عیسی و احوال ایشان خبر داد و با دلایل فراوانی احتجاج کرد و او به آن ها اقرار کرد، سپس کتاب شعیا و غیر آن را بر او قرائت کرد تا آن که جاثلیق گفت: اکنون کسی غیر از من از تو سؤال کند، به حق مسیح سوگند؛ هرگز گمان نمی کردم در میان علمای مسلمان مانند شما شخصیتی باشد.

پس از آن، حضرت امام رضا علیه السلام رو به «رأس الجالوت» کرد و با تورات و زبور و کتاب شعیا و حیقوق بر او استدلال نمود تا آنکه ساکت ماند و پاسخی برای گفتن نداشت.

سپس امام علیه السلام «هربد اکبر» یعنی بزرگ زردشتیان را فراخواند و بر او استدلال فرمود به گونه ای که موقعیت خود را از دست داد و جوابی برای گفتن نداشت، آن گاه حضرت امام رضا علیه السلام رو به حاضرین کرد و فرمود:

اگر در میان شما کسی مخالف اسلام است و می خواهد سئوالی پرسد بدون

هیچ گونه شرمندگی و خجالت پیرسد.

عمران صابی - که یکی از متکلمین بود - از جا برخاست و عرض کرد: ای دانشمند؛ اگر تو دعوت به پرسش ننموده بودی اقدام به سؤال کردن نمی نمودم، من به شهر کوفه، بصره، شام و الجزیره سفر کرده ام، متکلمین فراوانی دیده ام، کسی راتاکنون نیافته ام که برای من اثبات کند وجود واحدی را که غیر از او کسی قائم به وحدانیت نباشد، آیا اجازه می دهی که از شما سؤال کنم؟

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

اگر در میان این جمعیت کسی به نام عمران صابی باشد تو همان هستی.

عرض کرد: من عمران صابی هستم.

امام علیه السلام فرمود:

سؤال کن ولی انصاف را رعایت کن و از گفتار زشت و فاسد و اندیشه های نادرست و بیراهه رفتن بپرهیز.

عمران عرض کرد: به خدا قسم؛ ای سرور من؛ تنها می خواهم چیزی را برایم ثابت کنی که بتوانم به آن تمسّک جویم و چنگ بزنم و از آن تجاوز نخواهم کرد.

امام علیه السلام فرمود: از آنچه در خاطر داری سؤال کن.

مردم ازدحام کردند و نزدیک هم آمدند، حضرت امام رضا علیه السلام بر او استدلال فرمود و به سئوالات او پاسخ گفت و گفتگو میان آن دو به طول انجامید تا آنکه وقت نماز فرارسید، امام علیه السلام رو به مأمون کرد و فرمود: هنگام نماز است.

عمران عرض کرد: سرور من؛ اکنون که دلم نرم گردیده پاسخ مرا ناتمام نگذار، امام علیه السلام فرمود: نماز می خوانیم و بازمی گردیم، و از جا برخاست، مأمون نیز برخاست. حضرت در اندرونی نماز خواند، و مردم به امامت جعفر بن محمد نماز را بپا داشتند. پس از انجام فریضه، امام علیه السلام به جایگاه خود بازگشت و عمران را فراخواند و فرمود: ای عمران؛ سؤال کن.

او سؤالات خود را پیرامون آفریدگار متعال و صفات او مطرح کرد، و امام علیه السلام به همه آن ها پاسخ داد تا آن که فرمود: آیا درست فهمیدی ای عمران؟

عرض کرد: آری؛ فهمیدم ای سرور من و گواهی می دهم که خداوند آنگونه است که توصیف نمودی و او را یکتا دانستی، و این که محمد بنده او است که به هدایت و دین حق مبعوث گشته، سپس رو به قبله به سجده افتاد و اسلام آورد.

حسن بن محمد نوفلی گوید: متکلمین دیگر که در مجلس حضور داشتند وقتی عمران صابی را مشاهده کردند که با آن همه سرسختی و جدال که کسی قادر نبود او را محکوم نماید در برابر امام علیه السلام چنین کلامی گفت، آن ها نزدیک آن حضرت نیامدند و سؤالی را مطرح نکردند تا هنگام غروب فرا رسید، مأمون و حضرت امام رضا علیه السلام برخاستند و به داخل حجره رفتند و مردم پراکنده شدند، من در میان جمعی از یاران و همراهانم بودم که محمد بن جعفر کسی را به دنبال من فرستاد و من نزد او رفتم.

محمد بن جعفر گفت: ای نوفلی؛ دیدی دوست امروز چه کرد؟ به خدا سوگند؛ هرگز گمان نمی کردم که علی بن موسی بتواند این گونه در این موضوعات فرو رود و او را این گونه نمی شناختم، آیا او در مدینه کلام تدریس می کرد یا دانشمندان علم کلام گرد او می آمدند؟

گفتم: آن ها که به حج می رفتند نزد او شرفیاب می شدند و از حلال و حرام و احکام الهی می پرسیدند و امام علیه السلام به آن ها جواب می داد و گاهی کسی می آمد که مناظره کند و امام علیه السلام برایش استدلال می فرمود.

محمد بن جعفر گفت: ای ابا محمد؛ من بر او نگرانم و می ترسم که این شخص براو حسد ورزد و او را مسموم سازد یا دچار بلائی نماید، تو به آن حضرت اشاره کن که از این گونه امور خودداری کند.

گفتم: از من نمی پذیرد، این شخص جز آزمودن آن حضرت چیزی در نظر نداشت و می خواست بفهمد که آیا از علوم پدرانش چیزی نزد او هست یا نه؟

محمّد بن جعفر گفت: به آن حضرت بگو: عمویت این گونه اظهار فضل ها رانمی پسندد و به خاطر عللی دوست دارد که از این کارها خودداری کنی.

هنگامی که من به منزل حضرت امام رضا علیه السلام باز گشتم گفتار عمویش محمّد بن جعفر را به ایشان رساندم.

آن حضرت تبسمی کرد و فرمود:

خدا عمویم را حفظ کند، نمی دانم چرا از این کار خوشش نمی آید.

سپس فرمود: نزد عمران صابی برو و او رانزد من آور.

عرض کردم: فدای شما شوم؛ من جای او را می دانم، او نزد بعضی از برادران شیعه است.

فرمود: اشکال ندارد، چهارپائی برایش حاضر کنید تا بیاید.

من نزد عمران آمده و او را آوردم. امام علیه السلام به او خوش آمد گفت، جامه ای به او خلعت داد و به او پوشانید و ده هزار درهم طلبید و به او هدیه نمود.

عرض کردم: فدایت شوم؛ کار جدّت امیرالمؤمنین علیه السلام را در خاطر ما زنده کردی.

فرمود: باید اینگونه رفتار کرد. سپس دستور فرمود شام بیاورند. مرا طرف راست خود و عمران را در طرف چپ نشانید، پس از صرف شام به عمران فرمود:

اکنون به منزل بازگرد و فردا صبح زود نزد ما بیا تا از خوراکی های اهل مدینه به تو بدهم.

پس از آن، عمران با دانشمندان علم کلام از ادیان گوناگون اجتماع می کرد و حجّت و دلیل آنان را باطل می نمود تا آنکه از او کناره گرفتند. (۱)

بحث و مناظره های جالب حضرت امام رضا علیه السلام - که همیشه همراه با غلبه و پیروزی بر خصم بود - بر محبوبیت حضرت امام رضا علیه السلام در سراسر کشور پهناور آن زمان افزود و علاقه و توجه مردم در سراسر کشور به آن حضرت، آنچنان گسترش

ص: ۱۲۲

پیدا کرد که ترس و هراس از دست رفتن حکومت، مأمون و سایر بنی العباس رافرا گرفت.

به این جهت او برای حفظ موقعیت خود و شکست شخصیت حضرت امام رضا علیه السلام، برنامه هایی را طرح کرد تا شاید بتواند به هدف شوم خود دست یابد؛ ولی نقشه های او همیشه با شکست روبرو می شد و سیل علاقه و ارادت مردم در سراسر کشور پهناور آن زمان به حضرت امام رضا علیه السلام رو به افزایش بود؛ تا سرانجام، آن جرثومه ننگین تاریخ، حضرت امام رضا علیه السلام را شهید نمود.

بحث ها و مناظره های حضرت امام رضا علیه السلام و غلبه و پیروزی کامل آن بزرگوار بر آنان، روشنگر احاطه علمی و دانش بی شمار آن حضرت بود.

آری؛ بر اثر معجزات شگفت آور و بحث های بسیار مهم حضرت امام رضا علیه السلام بابزرگترین دانشمندان زمان، محبوبیت آن حضرت در میان مردم گسترش یافت و سرانجام مأمون تصمیم به شهادت آن حضرت گرفت.

هرثمه بن اعین گفت: بر سرور و مولایم حضرت امام رضا علیه السلام در خانه مأمون وارد شدم و در آنجا شایع شده بود که حضرت امام رضا علیه السلام وفات یافته است و این درست نبود، من وارد شدم و اجازه ملاقات می خواستم.

هرثمه گوید: در میان خدمتگزاران مورد اعتماد مأمون، جوانی بود که او را «صبیح دیلمی» می گفتند، او به حق ولایت سرورم را داشت و او را واقعاً دوست می داشت، در آن هنگام خارج شد و چون مرا دید گفت:

ای هرثمه؛ حتماً می دانی که من مورد اطمینان مأمون بر امور پنهان و آشکار اوهستم، اکنون بدان که مأمون من و سی تن از غلامان مورد اطمینان دیگرش را که اهل سرّ او بودند در ثلث اول شب خواست، بر او داخل شدیم در حالی که شبش از زیادی شمع ها همچون روز شده بود و در مقابلش شمشیرهای بیرون آمده از نیام بود، تیز وزهر آگین شده، ما را یکی یکی خواست و از هر کدام عهد و پیمان گرفت، و در آن

جایگاه از خلق خدا غیر از ما کسی نبود، به ما گفت:

این کار به عهده شما است و لازم است آنچه را بدان فرمان می دهم اجرا کنید و هرگز در مورد آن مخالفت نکنید، ما سوگند یاد کردیم که فرمانش را انجام دهیم.

آن گاه گفت: هر یک شمشیری بردارید و بروید تا بر علی بن موسی الرضا دراتاقش وارد شوید، او را در هر حالی که دیدید نشسته یا ایستاده و یا خوابیده، با اوسخن نگوئید و شمشیرهایتان را بر او فرود آورید، و گوشت، خون، مو، مغز و استخوان او را بهم بیامیزید، سپس فرشش را بر او بیفکنید و شمشیرهای تان را با آن پاک کنید و به سوی من بازگردید و برای هر یک از شما بر این کار و کتمان آن، ده کیسه درهم و ده قطعه زمین انتخابی بدهم و نزد من تا آن زمان که زنده باشم بهره مندخواهید بود.

«صبح» ادامه داد: ما شمشیرها را به دست گرفتیم و بر آن حضرت در اتاقش وارد شدیم، به پهلوی خوابیده بود و انگشتان خود را حرکت می داد و کلامی می گفت که مانفهمیدیم.

غلام ها با شمشیرها به سوی او حمله ور شدند و من در حالی که ایستاده بودم و به او نگاه می کردم شمشیرم را پائین آوردم، گویا آمدن ما را خبر داشت، او لباس به تن نکرده بود که شمشیرها بر آن اثر نکند و کارگر نباشد. فرش را بر او پیچیدند و از آنجا خارج شدند تا بر مأمون وارد گشتند، از آن ها پرسید چه کردید؟

گفتند: آنچه ما را به آن دستور دادی انجام دادیم ای امیرالمؤمنین!!

گفت: هیچ کدام این مطلب را اعاده نکنید.

چون فجر طلوع کرد و هوا روشن شد مأمون خارج شد، سر برهنه در حالی که دکمه هایش را باز کرده بود به هیئت عزادار در مجلسش نشست و وفات آن حضرت را اظهار می کرد، سپس با سر و پای برهنه برخاست به طرف حجره حضرت امام رضا علیه السلام به راه افتاد و من به همراه او بودم، وقتی در اتاق وارد شد صدای همه می ایستاد

او شنید، لرزه بر اندامش افتاد، به من گفت: نزد او کیست؟

گفتم: نمی دانم ای امیرالمؤمنین!!

گفت: بشتابید و نگاه کنید.

صبح گفت: به سوی اتاق شتافتیم، سرورم بود که در محرابش نشسته نماز می خواند و تسبیح می گفت، به سوی مأمون بازگشته و گفتیم: در محراب کسی رامی بینم که نماز می خواند و تسبیح می گوید.

از این خبر بهت زده شد و دوباره به خود لرزید و گفت: شما مرا فریب دادید، خدالعنتتان کند، آن گاه از میان آن گروه رو به من کرد و گفت: ای صبیح؛ تو او رامی شناسی، نگاه کن کیست که نزد او نماز می خواند.

صبح گفت: من داخل شدم و مأمون بازگشت، چون به درگاه در رسیدم به من فرمود: ای صبیح.

گفتم: لَبَّيْكَ مولای من، و به رو افتادم.

حضرت فرمود:

برخیز خداوند تو را رحمت کند، «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (۱).

می خواهند که با دهان های خود نور خداوند را خاموش کنند و خداوند نور خود را کامل می گرداند؛ گرچه کافران را خوش آیند نباشد.

صبح گفت: به سوی مأمون بازگشتم، چهره او را مانند پاره ای از پاره های شب تاریک یافتم، به من گفت: ای صبیح؛ چه خبر.

به او گفتم: ای امیرالمؤمنین!! به خدا قسم او در حجره اش نشسته بود، مرا صدا زد و به من چنین گفت.

ص: ۱۲۵

صبيح گفت: مأمون که از گفته من مطمئن شد، دکمه هایش را بست و دستور داد لباس هایش را آوردند، پوشید و گفت: بگوئید علی بن موسی از هوش رفته بود و اکنون به هوش آمده است.

هرثمه گفت: من خدا را شکر کرده و بسیار سپاس گفتم، سپس بر آقایم حضرت امام رضا علیه السلام وارد شدم، چون مرا دید فرمود:

ای هرثمه؛ آنچه «صبيح» برایت گفت به کسی بازگو مکن، مگر آن که خداوند قلبش را با محبت و ایمان به ولایت ما آزموده است.

گفتم: اطاعت می کنم ای آقای من. فرمود:

ای هرثمه؛ به خدا قسم مگر آن ها هیچ ضرری به ما نمی زند تا آنچه نوشته شده به زمان معین خود برسد. (۱)

۲ – امام زمان ارواحنا فداه و اقامه برهان و دلیل

اشاره

آری؛ همان گونه که بحث ها و مناظره های حضرت امام رضا علیه السلام در شهرهای مختلف با بزرگترین دانشمندان جهان به زبان های گوناگون، بر محبوبیت و توجه مردم نسبت به آن حضرت افزود و باعث گرایش مردم به آن بزرگوار شد، در عصر ظهور نیز امام عصر عجل الله تعالی فرجه بساط بحث و استدلال را با دانشمندان بزرگ جهان می گسترانند و سراسر گیتی را برهان و دلیل و فرهنگ عظیم و مستدل فرا خواهد گرفت. و به این جهت در بسیاری از نقاط جهان بدون نیاز به جنگ و شمشیر، مردم جهان فوج فوج و گروه گروه به صف مؤمنان می پیوندند. (۲)

ص: ۱۲۶

۱- ۸۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲/۲۱۵.

۲- ۸۴. پیروزی امام عصر عجل الله تعالی فرجه بر سراسر جهان، عوامل گوناگونی دارد که یکی از آن ها جنگ است. جنگ و ستیز نیز مخصوص کسانی است که به پیکار با آن حضرت برمی خیزند و دیگران مانند پیران، زنان، کودکان و... از آن معاف هستند. متأسفانه دست های ناشناخته برای ترساندن مردم از فرارسیدن حکومت امام زمان ارواحنا فداه عامل پیروزی آن حضرت را فقط جنگ و کشتار میان مردم قلمداد کرده و از سایر عوامل تسخیر جهان حرفی نمی گویند. در این باره رجوع کنید به کتاب دیگر مؤلف: «امام زمان عجل الله تعالی فرجه و تسخیر جهان»

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که آن بزرگوار فرمودند:

... یملاً الأرض عدلاً وقسطاً وبرهاناً. (۱)

(آن حضرت) سراسر گیتی را سرشار از عدالت، قسط و برهان می سازد.

به همین جهت، یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه «حجت» می باشد؛ زیرا آن حضرت، حجت و دلیل را بر همه مردم تمام می کنند و هر گونه مشکلی را بایان و دلیل و حجت آسان می سازند.

این، یکی از وجوه مشترک میان حضرت ثامن الحجج امام هشتم علیه السلام و حضرت حجت امام زمان ارواحنا فداه می باشد.

۲ - رأفت و مهربانی

یکی دیگر از نقطه های اشتراک میان حضرت امام رضا علیه السلام و امام عصر عجل الله تعالی فرجه رأفت و مهربانی شدید آن دو امام رئوف به مردم است. در این باره مطالب و دلایل فراوانی وجود دارد که ما اکنون به اختصار آن را پی گیری می کنیم:

۱ - رأفت و مهربانی حضرت امام رضا علیه السلام

اشاره

رأفت و مهربانی حضرت امام رضا علیه السلام به مردم آنچنان زیاد بوده و هست که همگان کم و بیش از آن آگاهیم. علاوه بر روایاتی که در این باره وجود دارد، معجزات بسیار شگفت انگیزی که از آن حضرت واقع شده خود دلیل بر مهربانی و رأفت بسیار شدید آن حضرت به مردم است. مهربانی و پذیرش دو جوان مسیحی - که در آخر مقدمه این کتاب نقل می کنیم - دلیل بسیار روشنی بر لطف و مهربانی آن بزرگوار حتی نسبت به غیر شیعیانی که خواهان لطف و عنایت هستند می باشد.

ص: ۱۲۷

اکنون جریانی را می آوریم که حضرت امام رضاعلیه السلام چگونه جسد بی جان یکی از شیعیان را در آغوش محبت گرفته و اظهار لطف و مهربانی نمودند.

جنازه یک شیعه و حضرت امام رضاعلیه السلام

ابن شهر آشوب از موسی بن سیار روایت کرده که گفت: من با حضرت امام رضاعلیه السلام بودم و با آن حضرت به شهر طوس نزدیک شده بودیم که صدای شیون و فغانی شنیدیم، در پی آن صدا رفتیم، ناگاه به جنازه ای برخوردیم.

چون نگاهم به جنازه افتاد، دیدم آقایم پا از رکاب خالی کرد و از اسب پیاده شد و نزدیک جنازه رفت و او را بلند کرد، پس خود را به آن جنازه چسبانید؛ آنگونه که برّه نوزاد، خود را به مادر می چسباند.

آنگاه رو به من نمود و فرمود:

ای موسی بن سیار؛ هر کس مشایعت کند جنازه دوستی از دوستان ما را، از گناهان خود بیرون می شود مانند روزی که از مادر متولد شده که هیچ گناهی براو نیست.

چون جنازه را نزدیک قبر بر زمین نهادند، آقای خود امام رضاعلیه السلام را دیدم که به طرف میت رفت و مردم را کنار کرد تا خود را به جنازه رسانید، پس دست خود را به سینه او نهاد و فرمود:

ای فلان بن فلان؛ بشارت باد تو را به بهشت، بعد از این ساعت دیگر وحشت و ترسی برای تو نیست.

من عرض کردم: فدای تو شوم؛ آیا این میت را می شناسی و حال آن که به خداسو گند این سرزمین را تا به حال ندیده و نیامده بودید؟!

فرمود:

ای موسی؛ آیا می دانی که اعمال شیعیان ما در هر صبح و شام بر ما امامان عرضه

می شود؟ پس اگر تقصیری در اعمال ایشان دیدیم از خدا می خواهیم که او را عفو کند و اگر کار خوب از او دیدیم از خدا برای او پاداش نیکو درخواست می کنیم. (۱)

جوان گنهکار ولی از دوستان حضرت امام رضا علیه السلام

محدث عالی مقام، عمادالدین طبری می نویسد: ابراهیم بن ابی البلاد گوید:

همسایه ای داشتم که شراب خوار بود، و خدا می داند که چه هتک حرمتی انجام می داد، در عین حال حضرت امام رضا علیه السلام را نیز دوست داشت.

روزی جریان او را برای حضرت امام رضا علیه السلام نقل کردم. حضرت فرمود:

یا ابا إسحاق؛ أما علمت أنّ ولیّ علیّ علیه السلام لم تزلّ له قدم إلّا وثبت له آخری؟

ای ابا اسحاق؛ آیا نمی دانی که دوست علی علیه السلام اگر گامی از او بلغزد، گام دیگرش ثابت و استوار می ماند؟!

ابراهیم گفت: من از خدمت حضرتش مرخص شدم، ناگاه نامه ای از جانب حضرت امام رضا علیه السلام دریافت نمودم که در آن نامه حضرتش برخی اشیا را خواسته و دستور فرموده بود که آن ها را به مبلغ شصت دینار خریداری نمایم.

من با خود گفتم: سوگند به خدا؛ چنین چیزی سابقه نداشته که برای من چیزی بنویسد؛ زیرا من چیزی ندارم و فکر نمی کنم (که او چیزی) از خمس و غیره (نزد من داشته باشد).

شب شد، ناگاه درب خانه ام را زدند، متوجه شدم که شخص مستی مرا صدامی زند، پشت درب آمدم.

گفت: بیرون بیا.

گفتم: در این موقع از شب چه کار با من داری و برای چه آمده ای؟

ص: ۱۲۹

او که از مستی نمی توانست خوب حرف بزند، گفت: دست خودت را بیرون آورو این کیسه را بگیر و برای مولایم بفرست تا در موارد نیاز مصرف نماید.

من کیسه را گرفتم و او رفت، نگاه کردم دیدم به اندازه شصت دینار است.

گفتم: سوگند به خدا؛ این مصداق همان فرمایش مولایم امام رضا علیه السلام است که در مورد دوست علی علیه السلام فرمود و در نامه اش خواسته خویش را نوشت.

من همه آنچه را که حضرت خواسته بود خریدم، و طی نامه ای رفتار آن همسایه رانیز نوشته و برای حضرتش فرستادم.

حضرت نوشت:

این از همان موارد است. (۱)

از این جریان استفاده می شود که اساس کار، ولایت و دوستی اهل بیت علیهم السلام است و سرانجام باعث نجات کسانی که دارای آن هستند، می شود و پذیرش هدایای یک فرد گنهکار، دلیل بر لطف و مهربانی نسبت به او می باشد.

این گونه جریانات، دلیل بر شدت رأفت و مهربانی حضرت امام رضا علیه السلام نسبت به دوستان و شیعیان شان می باشد. به این جهت یکی از القاب آن حضرت، «امام رئوف» است.

تاکنون مطالبی را بیان کردیم تا آنان که به آستان حضرت امام رضا علیه السلام شرفیاب شده و به بارگاه ملکوتی آن بزرگوار وارد می شوند، بدانند انسان در همه زمان ها، از کودکی تا جوانی و بزرگسالی، تا پس از مرگ و جدایی از این جهان، می تواند در پناه مقام عظیم ولایت و مورد توجه و عنایات اهل بیت علیهم السلام باشد.

ما باید لحظاتی را که در حرم امام رئوف حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام هستیم قدر بدانیم و آگاه باشیم که ممکن است در هنگام زیارت، بزرگترین تحوّل روحی برای ما ایجاد شود و با نگاه آن حضرت، از خاک به افلاک رسیم.

ص: ۱۳۰

اشاره

مهربانی امام عصر ارواحنا فداه نیز آنچنان وسیع و گسترده است که در عصر ظهور، آن حضرت نه تنها در میان دوستان و شیعیان خاص بلکه در سراسر عالم، بساط رأفت و مهربانی را میان تمامی مردمان عصر ظهور می گسترانند.

مرحوم علامه مجلسی نقل کرده است که خداوند انوار آل محمد صلوات الله عليهم اجمعین را به حضرت آدم نشان داد و به او فرمود:

اینان وسیله تو و وسیله هر فرد سعادت‌مند از آفریدگان من هستند.

آنگاه حضرت آدم نگاه کرد:

فإذاً بشيح في آخرهم، يزهر في ذلك الصفيح؛ كما يزهر كوكب الصبح لأهل الدنيا.

فقال الله تبارك وتعالى: وبعدي هذا السعيد أفكك عن عبادي الأغلال، وأضع عنهم الاصار، وأملأ أرضي به حنّاناً ورأفه وعدلاً؛ كما ملئت من قبله قسوه وشقوه وجوراً. (۱)

حضرت (امام زمان ارواحنا فداه) را در آخرین نفر از چهارده معصوم عليهم السلام شبیحی از نور دید که در آن پهنه می درخشید؛ همانگونه که ستاره صبح بر اهل دنیا می درخشد.

آنگاه خداوند تبارک و تعالی (به حضرت آدم) فرمود:

به وسیله این شخص سعادت‌مند، غل و زنجیر از بندگانم می گشایم و سختی‌ها را از آنان برمی دارم، و سراسر زمینم را به وسیله او پر از شفقت و مهربانی و عدالت می نمایم؛ همان گونه که قبل از او از قساوت و شقاوت و ستم پر شده باشد.

بنابراین همان گونه که خداوند فرموده است در عصر ظهور مهربانی و رأفت خداوند به وسیله حضرت بقیه الله الأعظم ارواحنا فداه در سراسر جهان حکمفرما و ستم‌ها و شقاوت‌هایی که در عصر غیبت، جهان را فرا گرفته است ریشه کن خواهد شد.

ص: ۱۳۱

ما باید با دعا برای تعجیل ظهور امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه که مظهر رأفت و مهربانی خداوند در سراسر عالم هستند، به این وظیفه مهم و حیاتی خود عمل نماییم تا انشاء الله با حضور در دولت کریمه آن حضرت، نظاره گر رأفت و مهربانی آن بزرگوار در سراسر جهان باشیم.

یک جریان بسیار مهم یا مهربانی حضرت امام رضا علیه السلام و امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه به دو جوان مسیحی

جریان بسیار جالبی نقل شده که نشان دهنده مهربانی عظیم حضرت امام رضا علیه السلام است و نیز هاله ای از رأفت و مهربانی امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه را دربردارد:

شخصی که مورد اطمینان می باشد گفته است: در مشهد مقدس، منزل یکی از دوستان، با دو دانشجوی آمریکایی که زن و شوهر بودند، ملاقات کردم. برای آن دو، داستان شگفت آوری رخ داده بود که به تقاضای میزبان، آن داستان را برای ما نقل کردند:

آن دو جوان آمریکایی گفتند: وقتی که ما در یکی از دانشگاه های آمریکا مشغول تحصیل بودیم، پیوسته در خود احساس کمبود می کردیم.

با اشاره به سینه اش گفت: احساس می کردم که این جا خالی است، سپس گمان کردم که این کمبود، ناشی از غریزه جنسی است و با ازدواج و انتخاب همسر، آن خلأ پر می شود؛ از این رو، هر دو تصمیم گرفتیم باهم ازدواج کنیم؛ اما پس از ازدواج نیز آن خلأ پر نشد و همچنان آن کمبود را در خود احساس می کردیم.

از این امر سخت ناراحت شدم و با این که به همسر علاقه داشتم، در ظاهر تمایلی به او نشان نمی دادم و گاهی حتی حوصله صحبت کردن با او را هم نداشتم، روزی برای عذرخواهی به او گفتم: اگر گاهی می بینی که من حال خاصی دارم و از تو دوری می گزینم، گمان نکنی علاقه ای به تو ندارم؛ بلکه این ناراحتی و افسردگی و احساس

خلاً از دوران دانشجویی در من بوده و تاکنون رفع نشده است و گاهی بدان مبتلامی شوم.

همسرم گفت: اتفاقاً من نیز چنین حالتی دارم. پی بردم که این احساس خلأ درونی، درک مشترک هر دوی ما است؛ در نتیجه تصمیم گرفتیم برای رفع آن، چاره‌ای بیندیشیم. در آغاز بنا گذاشتیم که بیشتر به کلیسا رفت و آمد داشته باشیم و به مسایل معنوی پردازیم تا شاید آن خلأ برطرف شود.

ارتباطمان را با کلیسا و مسایل معنوی گسترش دادیم و در آن زمینه، کتاب‌هایی رانیز مطالعه کردیم؛ اما آن خلأ و عطش معنوی رفع نشد.

چون شنیده بودیم که در کشورهای شرقی، به ویژه چین و هندوستان مذاهبی وجود دارند که مردم را به ریاضت و انجام تمرین‌های ویژه‌ای برای رسیدن به حقیقت دعوت می‌کنند، تصمیم گرفتیم به آن کشورها سفر کنیم، و چون چین، از دیگر کشورهای شرقی، به آمریکا نزدیک‌تر است، ابتدا به چین سفر کردیم. در چین از مسئولان سفارت آمریکا خواستیم کسانی را که در آن کشور در زمینه مسایل معنوی و ریاضت سرآمدند، به ما معرفی کنند. آن‌ها شخصی را به ما معرفی کردند که می‌گفتند رهبر روحانیان مذهبی چین و بزرگ‌ترین شخصیت معنوی آن کشور است.

با کمک سفارت، موفق شدیم نزد او برویم و با راهنمایی و کمک او مدتی به ریاضت مشغول شدیم، اما کمبود معنوی و خلأ درونی ما برطرف نشد.

از چین به تبت رفتیم. در آن جا و در دامنه‌های کوه هیمالیا معبدهایی بود که عده‌ای در آن‌ها به عبادت و ریاضت می‌پرداختند. به ما اجازه دادند که به یکی از معبدها راه یابیم و مدتی به ریاضت پردازیم.

ریاضت‌هایی که در آنجا متحمل می‌شدیم، بسیار سخت بود؛ از جمله چهل شب روی تختی که روی آن، میخ‌های تیزی کوبیده بودند می‌خوابیدیم. پس از گذراندن مدتی در آن جا و انجام ریاضت‌ها و عبادت‌ها، باز احساس کردیم خلأ درونی ما همچنان باقی است.

از آن جا به هندوستان رفتیم و با مرتاضان فراوانی تماس گرفتیم و مدّتی در آن جا به ریاضت پرداختیم، اما نتیجه نگرفتیم و مأیوس شدیم.

سرانجام این تصوّر در ما پدید آمد که اصلاً در عالم، واقعیّتی وجود ندارد که بتواند خلأ درونی انسان را برطرف کند.

ناامیدانه تصمیم گرفتیم از طریق خاورمیانه به اروپا و سپس آمریکا رهسپار شویم. از هندوستان به پاکستان و از طریق افغانستان به ایران آمدیم و ابتدا وارد شهر بزرگ مشهد شدیم و آن را شهر عجیبی یافتیم که نمونه آن را تاکنون مشاهده نکرده بودیم:

در وسط شهر، ساختمانی جالب و باشکوه با گنبد و گلدسته های طلا که پیوسته انبوهی از مردم به آن رفت و آمد داشتند ما را به خود جلب کرد.

پرسیدم: اینجا چه خبر است و این مردم چه دینی دارند؟ گفتند: این مردم مسلمانند و کتاب مذهبی آنان قرآن است و در این شهر و در این ساختمان یکی از رهبران مذهبی آن ها که به او امام می گویند، دفن شده است.

پرسیدم: امام کیست و چه می کند؟

گفتند: امام علیه السلام، انسان کاملی است که دارای عالی ترین مراحل کمال انسانی است و او با داشتن آن مقام، دیگر مرگی ندارد و پس از رخت بر بستن از دنیا نیز زنده است.

مسلمانان چون چنین اعتقادی دارند؛ به زیارت امام شان می روند و با عرض ادب و احترام از او حاجت می خواهند و امام علیه السلام نیاز آن ها را برآورده می سازد.

گفتم: قسمت های مهمّی از قرآن را برای ما نقل کنید.

گفتند: در یکی از آیات قرآن آمده است که هر چیزی خدا را تسبیح می گوید.

آن سخنان برای ما معّمایی شد که چطور با این که امام آن ها مرده است، باز او رازنده می داند و افزون بر این معتقدند که همه چیز، حتّی کوه ها و درختان، خدا را تسبیح می گویند! باور نکردیم و تصمیم گرفتیم برای تماشا وارد حرم رضوی شویم.

در صحن، یکی از خادمان که وسیله ای شبیه چماق با روکش نقره در دست داشت، وقتی متوجّه شد ما خارجی هستیم، از ورودمان به صحن جلوگیری

کرد و گفت: ورود خارجی ها ممنوع است.

گفتم: ما چندین هزار کیلومتر در دنیا سفر کرده ایم و به اماکن گوناگون وارد شده ایم و هیچ کجا به ما نگفتند که ورود خارجی ممنوع است، چرا شما از ورود ماجلوگیری می کنید؟ قصد ما فقط تماشای این محل است و نیت بدی نداریم. هر چه اصرار کردیم، فایده ای نداشت و از ورود ما جلوگیری کردند.

ما با ناراحتی از آن جا دور شدیم و در آن حوالی روبروی مسافرخانه ای لب جوی آب نشستیم^(۱)، من مدتی به فکر فرو رفتم که نکند در عالم حقیقتی باشد که در این جانهاست و ما نمی شناسیم؟ اگر در اینجا خبری باشد و آنان ما را راه ندهند تا از آن آگاه شویم، برایمان سخت حسرت آور و رنج آور است که با آن همه زحمت، تلاش و تحمل رنج سفر از رسیدن به آن حقیقت محروم بمانیم. بی اختیار گریه ام گرفت و مدتی گریستم.

ناگهان این فکر به ذهنم خطور کرد که آن شخص مدفون یا امام و انسان کامل است و آن ها راست می گویند، یا دروغ می گویند و او انسان کامل نیست؛ اگر آن ها راست بگویند و به واقع او زنده است و بر همه جا احاطه دارد، خودش می داند که ما به دنبال چه هدفی این همه راه آمده ایم و باید ما را دریابد و اگر آنان دروغ می گویند، ضرورتی ندارد به تماشای آن جا برویم.

همین طور که اشک می ریختم و خود را تسلّی می دادم، دست فروشی که تعدادی آئینه، مهر و تسبیح در دست داشت، نزد آمد و به زبان انگلیسی و با لهجه شهر خودمان گفت: چرا ناراحتی؟

سر بلند کردم و جریان را برای او گفتم که ما برای کشف حقیقت به چندین کشور سفر کرده ایم و سال ها ریاضت کشیده ایم و اکنون که به این جا آمده ایم، به حرم راهمان نمی دهند.

گفت: ناراحت نباش برو. راهتان می دهند!

ص: ۱۳۵

گفتم: الآن ما به آن جا رفتیم و راهمان ندادند.

گفت: آن وقت اجازه نداشتند. من در آن لحظه فکر نکردم که چطور آن دست فروش به انگلیسی آنهم با لهجه محلی با من حرف می زند و از کجا خبر دارد که پیش تر خادمان حرم اجازه نداشتند ما را راه بدهند و اکنون اجازه دارند، و چرا من راز دلم را برای او گفتم؟!

سرانجام به سوی حرم راه افتادیم و وقتی به درِ صحن رسیدیم، خادم مانع ورود مانشد. پیش خود گفتم: شاید ما را ندیده است. برگشتیم و به او نگاه کردیم؛ اما اوعکس العملی نشان نداد.

وارد صحن شدیم و به راهروی رسیدیم که جمعیت انبوهی از آن جا وارد حرم می شدند ما نیز همراه جمعیت وارد راهرو شدیم.

فشار جمعیت ما را از این سو به آن سو می کشاند تا این که به درِ حرم رسیدیم؛ اما ناگهان من احساس کردم که اطرافم خالی است و هر چه جلو رفتم، پیرامونم خلوت ترمی شد و بدون مزاحمت و فشارِ جمعیت به پنجره های ضریح مقدس رسیدم و مشاهده کردم که درون ضریح، شخصی ایستاده است.

بی اختیار تعظیم و سلام کردم. آن حضرت با لبخند جواب سلام مرا داد و فرمود: چه می خواهی؟

من هر چه پیش تر در ذهنم بود، یکباره از ذهنم رفت و هر چه خواستم بگویم که چه می خواهم چیزی به ذهنم نیامد. فقط یک مطلب به ذهنم آمد و در محضر حضرت گفتم و آن این بود که من شنیده ام در قرآن آمده است: همه موجودات خدا را تسبیح می گویند! وقتی آن مطلب را عرض کردم، فرمود: به تو نشان می دهم.

بعد بی اختیار از حرم بیرون آمدم، باز احساس کردم که پیرامونم خلوت است و کسی مزاحم من نمی شود، خدا حافظی کردم و از حرم خارج شدم اما مبهوت مانده بودم.

وقتی از حرم خارج و به صحن وارد شدم، حالتی به من دست داد که می شنیدم هر

چه پیرامون من وجود دارد از در و دیوار و درخت و زمین و آسمان همه تسبیح می گویند.

با مشاهده این صحنه، دیگر چیزی نفهمیدم و بی هوش به روی زمین افتادم، پس از به هوش آمدن خود را در اتاقی بر روی تختی دیدم که عده ای آب به صورتم می ریختند تا به هوش آیم.

پس از آن واقعه، متوجه شدم که در عالم، حقیقتی وجود دارد و آن حقیقت در این جااست و انسان می تواند به مقامی برسد که مرگ و زندگی برای او یکسان باشد و مرگ نداشته باشد و همچنین پی بردم که قرآن راست می گوید که همه چیز تسبیح گوی خداست.

از این جریان چنین نتیجه می گیریم که مردم هر چند در دنیا و مادیات غرق شده باشند، اگر از آن دل ببرند و به راستی جویای راه هدایت شوند، راهنمایان الهی از آنان دستگیری می کنند؛ همان گونه که در این جریان، حضرت امام رضا علیه السلام دو جوان مسیحی را به راه راست راهنمایی نمودند.

آری؛ اگر انسان برای پیدا کردن راه، صداقت داشته باشد؛ گرچه مدتی به بی راهه رود، سرانجام راهنمایی شده و راه اصلی را پیدا می کند.

با اطمینان و یقین می توان گفت: اگر در آنچه تاکنون خوانده اید، دقت و توجه کرده باشید، در فکر و اندیشه شما تأثیر نیکویی داشته است.

بنابراین تا می توانید هنگام زیارت، توجه بیشتری داشته باشید و عظمت حضرت امام رضا علیه السلام را - که ولایت بر ما سوی الله دارند و حجت خداوند در زمین تا کهکشان ها و... می باشند - به خاطر داشته باشید.

لحظه هایی را که در بارگاه آن حضرت و در حضورشان هستید غنیمت بشمارید و بدانید حضرت امام رضا علیه السلام از شما چه انتظاری دارند! و با دعا نمودن برای هرچه زودتر فرارسیدن دولت کریمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه، وظیفه خود را انجام داده و به این وسیله، لطف و عنایت حضرت امام رضا علیه السلام را به خود بیشتر کنید.

از خداوند بزرگ و مهربان می‌خواهم که این اثر را قبول نموده و مؤثر فرماید و از امام رئوف حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و حضرت بقیه الله الأعظم امام زمان ارواحنا فداه طلب عفو و رأفت نموده و اگر تألیف این کتاب از ثواب برخوردار باشد، آن را به شفیعه روز جزا اخت الرضا حضرت فاطمه معصومه علیها السلام که ریزه خواری از ریزه خواران خوان آن خاتون دو عالم هستم، هدیه می‌نمایم.

ملتمس دعا

مرتضی مجتهدی سیستانی

ص: ۱۳۸

بخش اوّل

هشت نماز زیارت

در این بخش، هشت نماز از نمازهای زیارت را که بعضی از آن ها مخصوص حرم حضرت امام رضا علیه السلام و برخی دیگر در حرم های سایر معصومین علیهم السلام نیز خوانده می شود نقل می کنیم:

نماز اوّل

پس از زیارت، دو رکعت نماز زیارت در حرم حضرت امام رضا علیه السلام بخوانید؛ در رکعت اوّل پس از «حمد» سوره «یس»، و در رکعت دوّم پس از «حمد» سوره «الرحمن» را بخوانید.

آداب قبل از نماز و پس از آن را در زیارت اوّل در «بخش زیارت های حضرت امام رضا علیه السلام» می آوریم.

ص: ۱۴۱

نماز دوم

پس از زیارت، دو رکعت نماز بخوانید با هر سوره ای که می خواهید سپس سایر آداب زیارت را انجام دهید. آداب آن را در زیارت دوم، سوم و هفتم در «بخش زیارت های حضرت امام رضا علیه السلام» می آوریم.

این نماز را در زیارت سایر ائمه علیهم السلام نیز می توانید بخوانید.

نماز سوم

پس از زیارت حضرت امام رضا علیه السلام، دو رکعت نماز بخوانید و در رکعت اول، پس از «حمد» سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ» را پنجاه مرتبه یا کمتر، و در رکعت دیگر هر سوره که خواستید بخوانید.

آداب قبل و بعد از این نماز را در زیارت ششم در «بخش زیارت های حضرت امام رضا علیه السلام» می آوریم.

نماز چهارم

مرحوم شیخ مفید در کتاب «الإشراف» می نویسد: نماز زیارت، دو رکعت است؛ در رکعت اول پس از «حمد» سوره «الرحمن»، و در رکعت دوم پس از «حمد»

ص: ۱۴۲

خواندن این نماز که در رکعت اول سوره «الرحمن» و در رکعت دوم سوره «یس» خوانده شود، اختصاص به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام ندارد و آن را در حرم های مطهر سایر ائمه علیهم السلام نیز می توان خواند.

نماز پنجم

مرحوم شیخ کفعمی فرموده است: دو رکعت نماز در حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام (و نیز سایر ائمه علیهم السلام) با هر سوره ای که می خواهید بخوانید، و پس از آن بگویید:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ لَکَ صَلَّیْتُ، وَلَکَ رَكَعْتُ، وَلَکَ سَجَدْتُ، وَخَدَّکَ لَا خَدَوْنَدَا؛

من برای تو نماز گزاردم، و برای تو رکوع نمودم، و برای تو سجده کردم، یگانه ای تو،

شریک لک، لِاِنَّهُ لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ اِلَّا لَکَ،

شریکی برایت نیست، زیرا که نماز و رکوع و سجود جایز نیست مگر برای تو

،لَا اِنَّکَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ

زیرا که تو خدایی هستی که خدایی جز تو نیست. خداوندا؛ بر

محمد و آل محمد، وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّيْ أَفْضَلَ السَّلَامِ وَالتَّحِيَّهِ، وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ مُحَمَّد

درود فرست، و از من برترین سلام و تحیت بر آنان برسان، و برگردان به من از آنان

السَّلَامَ وَالتَّحِيَّهَ. اَللّٰهُمَّ وَهَاتَانِ الرَّكْعَتَانِ هَدِيَّةٌ مِنِّيْ اِلَى سَيِّدِيْ

سلام و تحیت را. خداوندا؛ این دو رکعت هدیه ای از من برای سید

ص: ۱۴۳

وَمَوْلَايَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. (۱) اَللّٰهُمَّ صَلِّ

و مولایم علی بن موسی الرضا است که بر آن دو سلام و درود باد. خداوندا؛ بر

علی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّي، وَأَجْزِنِي عَلَيْهِمَا أَفْضَلَ أَمَلِي

محمّد و آل او درود فرست، و این دو (رکعت) را از من قبول فرما، و بر این دو (رکعت) پاداش ده به من برترین آرزو

وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي وَلِيِّكَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ. (۲)

و امیدم را که به تو و به ولایت دارم، ای ولی مؤمنان.

نماز زیارت

به نیابت از عده ای از افراد

نماز زیارت در سفر نیابتی

در کتاب «فی الزیارات والأدعیه» می نویسد: سید بن طاووس رحمه الله در «مصباح الزائر» فرموده است:

اگر بخواهید یکی از امامان علیهم السلام را از طرف همه برادران مؤمن یا گروه مخصوصی از آنان زیارت کنید، به نیابت از طرف آنان نیت زیارت نموده و آن امام را با یکی از زیارات، زیارت کنید و پس از آن، دو رکعت نماز زیارت بخوانید و سپس بگویید:

اَللّٰهُمَّ اِنِّي زُرْتُ هَذِهِ الزِّيَارَةَ، وَصَلَّيْتُ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ... (۳). (۴)

خداوندا؛ من این زیارت را انجام دادم، و این دو رکعت (نماز) را خواندم.

ص: ۱۴۴

۱-۲. این نماز اگر برای ائمه دیگر خوانده شود، به جای اسم حضرت امام رضا علیه السلام نام آن امام را ببرید.

۲-۳. المصباح: ۵۴۲، البلد الأمين: ۲۳۶.

۳-۵. کتاب فی الزیارات والأدعیه (مخطوط): ۶۰.

۴-۴. این دعا را در «بخش هفتم: ادعیه بعد از نمازهای مستحب ص ۲۱۲» می آوریم.

نماز زیارت به نیابت از شخص خاص

در آن کتاب نقل کرده است: اگر بخواهید به نیابت از شخص خاصی زیارت کنید، پس از نیت زیارت، به نیابت از طرف او بگویید:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِیَّ اللّٰهِ، مِنْ فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ اَتَّيْتُكَ زَائِرًا عَنْهُ، سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ وَلِیِّ خَدَا، اَزْ طَرَفِ فُلَانِیْ فَرْزَنْدِ فُلَانِیْ، بِهٖ مَحْضَرْتِ شَرْفِیَابِ شَدَهٗ اَمْ، تَا اَزْ طَرَفِ اَوْ زِیَارْتِ كَنْمِ، فَاشْفَعْ لَهُ عِنْدَ رَبِّكَ، وَاجْزُنِیْ عَلٰی ذٰلِكَ.

پس برای او نزد پروردگارت شفاعت کن، و مرا بر این کار پاداش ده.

پس دو رکعت نماز زیارت به نیابت از او بخوانید و سپس بگویید:

اَللّٰهُمَّ لَكَ صَلَّيْتُ وَلَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ سَجَدْتُ... (۱) . (۲)

خداوندا! برای تو نماز خواندم و برای تو رکوع نمودم و برای تو سجده کردم.

نماز زیارت در سفر نیابتی

و نیز در آن کتاب نقل کرده است: اگر از اوّل سفر زیارت، نائب کسی باشید و بخواهید زیارت مختصری انجام دهید، کافی است که پس از نیت زیارت از طرف آن

ص: ۱۴۵

۱-۷. کتاب فی الزیارات والأدعیه (مخطوط): ۶۰.

۲-۶. این دعا را در «بخش هفتم: ادعیه بعد از نمازهای مستحبّ ص ۲۱۲» می آوریم.

شخص، امام را با یکی از زیارت های مخصوصه زیارت کنید، و بعد از آن، دو رکعت نماز زیارت بخوانید و سپس بگویید:

اَللّٰهُمَّ مَا اَصَابَنِيْ مِنْ تَعَبٍ اَوْ نَصَبٍ اَوْ سَعَبٍ اَوْ لُغُوْبٍ، فَاجْرِ

خداوندا؛ در مقابل رنج و ناراحتی و گرسنگی و خستگی که در این سفر به من رسیده،

فُلَانٌ بَنَ فُلَانٍ عَلَيْهِ... (۱). (۲).

فلانی فرزند فلانی را پاداش بده.

ص: ۱۴۶

۱- ۹. کتاب فی الزیارات والأدعیه (مخطوط): ۶۱.

۲- ۸. این دعا را در «بخش هفتم: ادعیه بعد از نمازهای مستحب ص ۲۱۳» می آوریم.

هشت نماز حاجت

در این بخش، هشت نماز از نمازهایی را که در ارتباط با حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام و درخواست حاجت است، نقل می کنیم:

نماز حاجت در حرم حضرت امام رضا علیه السلام

صقر بن دلف گوید: از امام هادی علیه السلام شنیدم که فرمود:

هر کسی حاجتی به درگاه الهی داشته باشد باید مرقد منور جدّم حضرت امام رضا علیه السلام را در طوس در حالی که غسل کرده باشد زیارت کند، در طرف بالاسر آن حضرت دو رکعت نماز بخواند و حاجت خود را در قنوت نمازش از خداوند بخواهد که اگر در مورد قطع رحم و گناه نباشد آن دعا به اجابت خواهد رسید.

و بدون تردید محلّ قبر آن حضرت، بقعه ای است از بقعه های بهشت، هیچ مؤمنی آنجا را زیارت نمی کند مگر این که خداوند او را از آتش دوزخ رهایی

می بخشد و در بهشت که جایگاه ابدی است ساکن می گرداند. (۱)

نماز حاجت از امام رضا علیه السلام

نماز حاجت یا نماز رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم

که از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است

سید بن طاووس رحمه الله به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که از آن حضرت، از نماز جناب جعفر طیار سؤال کردند. حضرت فرمودند:

چرا از نماز حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم غافلید؟ شاید حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نماز جعفر را انجام نداده باشد و شاید جعفر نماز آن حضرت را انجام نداده باشد.

راوی گفت: پس آن نماز را به من بیاموزید.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

دو رکعت نماز بجا می آوری، در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و پانزده مرتبه سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» می خوانی، و در رکوع و بعد از سر برداشتن و در سجده اول و بعد از سر برداشتن، و در سجده دوم و بعد از سر برداشتن؛ هر یک پانزده مرتبه سوره «قدر» را می خوانی، سپس تشهد خوانده و بعد از آن سلام می گویی.

و چون فارغ شوی میان تو و خدا گناهی نمی ماند مگر آنکه آمرزیده می شود و هر حاجت که بطلبی رواست و بعد از آن، این دعا را می خوانی:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ... (۲). (۳)

ص: ۱۴۸

۱- ۱۰. بحار الأنوار: ۴۹/۱۰۲، عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲/۲۶۶ ح ۳۲، وسائل الشیعه: ۴۴۶/۱۰.

۲- ۱۲. زاد المعاد: ۵۱۵، جمال الأسبوع: ۱۶۲، هدیة الزائرین و بهجة الناظرین: ۶۳۶، بحار الأنوار: ۱۷۰/۹۱، مستدرک الوسائل: ۲۷۲/۶.

۳- ۱۱. این دعا را در «بخش نوزدهم: ص ۴۱۱» می آوریم.

مرحوم علامه مجلسی فرموده: این نماز از نمازهای مشهور است و عامّه و خاصّه در کتب خود روایت کرده اند و بعضی آن را از نمازهای روز جمعه شمرده اند و از روایت، اختصاصی معلوم نمی شود و ظاهراً در سایر روزها نیز می توان انجام داد. (۱)

نماز حاجت، از حضرت امام رضا علیه السلام

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند:

هرگاه دچار امر دشواری شدی، دو رکعت نماز بخوان؛ در یک رکعت «حمد» و «آیه الکرسی» و در رکعت دیگر «حمد» و «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»، سپس قرآن را بردار و بالای سر خود قرار بده و بگو:

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مَنْ اَرْسَلْتَهُ اِلَى خَلْقِكَ، وَبِحَقِّ كُلِّ اَيَةٍ فِيهِ، وَبِحَقِّ خَدَاوْنَدَا؛ به حقّ کسی که او را بسوی آفریدگانت فرستادی، و به حقّ هر آیه ای که در آن است، و به حقّ کُلِّ مَنْ مَدَحْتَهُ فِيهِ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِ، وَلَا نَعْرِفُ أَحَدًا أَغْرَفَ هَر كَسِي كِه اَو رَا دَر اَن مَدَح و ثناء گفتمی و به حقّ تو بر او، و کسی را نمی شناسیم که آشناتر بِحَقِّكَ مِنْكَ، ده مرتبه: «یا سَيِّدِ یا اَللّٰهُ»، ده مرتبه: بِحَقِّ مُحَمَّدٍ، ده به حقّ تو از خودت باشد. ای سرور من؛ ای خدا؛ به حقّ حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم، مرتبه: بِحَقِّ عَلِيٍّ، ده مرتبه: بِحَقِّ فَاطِمَه، ده مرتبه: بِحَقِّ الْحَسَنِ، ده به حقّ حضرت علی علیه السلام، به حقّ حضرت فاطمه علیها السلام، به حقّ امام حسن علیه السلام، مرتبه: بِحَقِّ الْحُسَيْنِ، ده مرتبه: بِحَقِّ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، ده مرتبه: بِحَقِّ به حقّ امام حسین علیه السلام، به حقّ امام سجّاد علیه السلام، به حقّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، ده مرتبه: بِحَقِّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، ده مرتبه: بِحَقِّ امام محمد باقر علیه السلام، به حقّ امام جعفر صادق علیه السلام، به حقّ ۱

ص: ۱۴۹

مُوسَىٰ بْنِ جَعْفَرٍ، ده مرتبه: بِحَقِّ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى، ده مرتبه: بِحَقِّ امام كاظم عليه السلام، به حق امام رضا عليه السلام، به حق مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، ده مرتبه: بِحَقِّ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، ده مرتبه: بِحَقِّ امام جواد عليه السلام، به حق امام هادی عليه السلام، به حق حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، ده مرتبه: بِحَقِّ الْحُجَّهِ.

امام حسن عسکری علیه السلام، به حق حضرت حجت علیه السلام.

(و اگر چنین کردی) پیش از آنکه از جای برخیزی، خداوند حاجتت را برآورده می سازد. (۱)

نماز دیگر برای حاجت از حضرت امام رضا علیه السلام

نیز نماز دیگر برای حاجت

نماز برای کسی که دچار غم و اندوه گشته یا حاجتی به درگاه الهی دارد.

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده است:

دو رکعت نماز بجای آور، در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و سیزده مرتبه سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را بخوان، وقتی که نماز را تمام نمودی در سجده بگو:

اَللّٰهُمَّ يَا فَارِجَ الْهُمِّ، وَيَا كَاشِفَ الْغَمِّ، وَمُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، خداوندا؛ ای زداينده اندوه، و ای برطرف کننده غم، و اجابت کننده دعای بیچارگان، یا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَرَحِيمَ الْآخِرَةِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، ای کسی که رحمت در دنیا عام است و مؤمن و کافر را فرامی گیرد و در آخرت خاص است و تنها شامل مؤمن می شود، بر محمّد و آل محمّد درودوارِ حَمْنِي رَحْمَةً تُطْفِئُ بِهَا عَنِّي غَضَبَكَ وَتُغْنِيَنِي بِهَا فِرْسَتَكَ، و به من رحمتی فرست که با آن، آتش خشم و غضبت را نسبت به من خاموش سازی، و مرا

ص: ۱۵۰

عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ.

از رحمت دیگران بی نیاز نمایی.

سپس طرف راست صورت را به زمین بگذار و بگو:

يَا مُدِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَمُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ، وَحَقُّكَ قَدْ بَلَغَ الْمَجْهُودُ ذَلِيلُ كُنْزِ هَرِ زُورِ گویِ عِنَادِ پِشِه؛ و عزیز کننده هر خوار شده؛ سو گند به حقّ تو که در این امر تاب و توان و طاقتم منی فی اَمْرِ کَذَا، فَفَرِّجْ عَنِّي.

به پایان رسیده، پس فرجی و گشایشی برای من برسان.

سپس طرف چپ صورت را بر زمین بگذار و همین دعا را بخوان، سپس به سجده باز گرد و همین دعا را بخوان، که خداوند غم و غصّه ات را برطرف کند و حاجت را برآورده فرماید. (۱)

نیز نماز دیگر برای حاجت از حضرت امام رضا علیه السلام

مقاتل بن مقاتل گوید: به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم: فدای شما شوم؛ دعایی برای برآورده شدن حاجت ها به من بیاموزید.

حضرت فرمود:

هنگامی که حاجتی مهمّ از خداوند داشتی غسل کن و پاکیزه ترین لباس هایت را بپوش و خود را خوشبو کن، سپس زیر آسمان برو، دو رکعت نماز بجای آور.

وقتی نماز را شروع نمودی، سوره «حمد» را بخوان و سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را پانزده مرتبه تکرار کن، سپس به رکوع برو و در آن پانزده مرتبه، مانند نماز

ص: ۱۵۱

تسبیح) نماز جناب جعفر طیار (و با همان کیفیت جز اینکه قرائت در اینجا پانزده مرتبه است (۱)، پس از نماز سجده کن و در سجده ات بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنَّ كُلَّ مَعْبُوْدٍ مِنْ لَدُنْ عَرْشِكَ اِلٰى قَرَارِ اَرْضِكَ فَهُوَ خَدَاوْنَدَا؛ هر معبودی از کنار عرش تا قعر و انتهای زمین هر کجا که باشد باطل سِوَاكَ، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ الْحَقُّ الْمُبِيْنُ، إِقْضِ لِي حَاجَةً كَذَابًا بَاطِلًا و ناروا است؛ جز ذات مقدّست که سزاوار پرستش است و تنها تو هستی که خداوند حق آشکاری، حاجت مرا - که فلان و كَذَا، السَّاعَةَ السَّاعَةَ.

و فلان است - در همین ساعت، در همین ساعت برآورده ساز.

و نسبت به آنچه می خواهی اصرار و التماس نما (۲)، [در «مکارم الأخلاق» افزوده است: وقتی حاجت برآورده شد، نماز شکر بجای آور (۳)].

نماز حاجت در روز جمعه از حضرت امام رضا علیه السلام

نماز حاجت در روز جمعه ...

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود:

اگر کسی حاجتی داشته باشد که سینه اش را تنگ نموده، باید به درگاه خدا روی آورد.

راوی گوید: عرض کردم: چه کند؟

حضرت فرمود:

ص: ۱۵۲

۱-۱۶. یعنی در هر رکعت، قبل از رکوع و در رکوع و پس از رکوع و نیز در سجده اوّل و پس از سجده اوّل و در سجده دوّم و پس از آن در هر کدام پانزده مرتبه سوره «قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ» را بخواند که در دو رکعت این سوره ۲۱۰ مرتبه تکرار می شود.

۲-۱۷. مصباح المتهجد: ۵۳۲، وسائل الشیعه: ۲۵۸/۵، البلد الأمين: ۲۲۴، بحار الأنوار: ۳۵۳/۹۱.

۳-۱۸. مکارم الأخلاق: ۱۱۳/۲.

روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیرد و روز جمعه سر خود را با گل خطمی بشوید، پاکیزه ترین لباسش را بپوشد و خود را با بهترین عطر خوشبو سازد، سپس از مال خود به اندازه ای که ممکن است به مسلمانی صدقه دهد، سپس زیر آسمان رود - که پوششی بین او و آسمان نباشد - و دو رکعت نماز بخواند:

در رکعت اول یک مرتبه سوره «حمد» و سپس «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را پانزده مرتبه بخواند، سپس به رکوع رود و پانزده مرتبه آن را بخواند، سر از رکوع بردارد پانزده مرتبه، به سجده رود پانزده مرتبه، سر از سجده بردارد پانزده مرتبه، به سجده رود پانزده مرتبه، و سر از سجده بردارد پانزده مرتبه آن را بخواند.

سپس برخیزد و رکعت دوم را مانند رکعت اول بجا آورد، سپس تشهد را بخواند و سلام دهد و پانزده مرتبه آن را بخواند، سپس به سجده رود و پانزده مرتبه بخواند، بعد از آن طرف راست صورت را بر زمین گذارد و پانزده مرتبه بخواند، پس از آن طرف چپ صورت را بر زمین نهد و پانزده مرتبه بخواند، آنگاه به سجده رود و در حال گریه این دعا را بخواند:

یا جَوَادُ یا مَاجِدُ، یا وَاحِدُ یا اَحَدُ یا صَیِّدُ، یا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یَخْشَنْد؛ ای شکوهمند؛ ای یگانه؛ ای یکتا؛ ای بی نیاز؛ ای کسی که فرزند ندارد) چیزی از او تولد نیافته و جدا نگشته (و یُولَدُ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ، یا مَنْ هُوَ هَکَذَا وَلَا هَکَذَا غَیْرُهُ، فرزند کسی نیست) از چیزی به وجود نیامده و جدا نگشته (و احدى هم شأن او نیست، ای کسی که اینگونه ای و با این اوصافی و غیر اَشْهَدُ اَنَّ کُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ لَدُنْ عَرْشِکَ اِلٰی قَرَارِ اَرْضِکَ باطل از تو هیچکس اینگونه نیست) و این اوصاف را ندارد)، گواهی می دهم که هر معبودی از عرش تا فرش جز ذات مقدس و با عظمت و اِلَها وَجْهَکَ جَلَّ جَلالُکَ، یا مُعَزَّزٌ کُلِّ ذَلِیلٍ، و یا مُیَذَّلُ کُلِّ عَزِیزٍ، بلندمرتبه ات باطل است، ای عزیز کننده هر ذلیل و خوار، و ای ذلیل کننده هر عزیز و قدرتمند، تَعْلَمُ کُرْبَتِی، فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَفَرِّجْ عَنِّی.

تواندوه مرا می دانی، پس بر حضرت (محمد) و آل او درود فرست و مرا گشایش عنایت فرما.

سپس طرف راست صورت را بر خاک نهد و سه مرتبه این دعا را بخواند، پس از آن طرف چپ را بر زمین نهد و سه مرتبه دعا را بخواند.

نماز حاجت در روز جمعه ...

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

وقتی که بنده ای چنین عملی را انجام داد، خداوند حاجت او را برآورده می سازد، و باید در مورد حاجتش به خدا، به محمد و آل محمد علیه وعلیهم السلام متوسل شود و آن ها را یکی بعد از دیگری نام ببرد. (۱)

نماز حاجت در روز جمعه به گونه دیگر

نماز حاجت (مخصوص از دواج)

این نماز منسوب به حضرت امام رضا علیه السلام است:

هنگامی که حاجتی به درگاه الهی داشتی چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه بگیر، روز جمعه پیش از ظهر رو به سوی خدا آورده و در حالی که غسل کرده ای دو رکعت نماز بجای آور، در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و پانزده مرتبه سوره «توحید» بخوان، در رکوع و بعد از سر برداشتن از رکوع و در سجده و پس از سر برداشتن از آن، و در سجده دوم هر کدام ده مرتبه «سوره توحید» را؛^۱ طبعخوان، پس از آن برخیز و رکعت دوم را مانند رکعت اول انجام بده و در آن قنوت بخوان.

پس از تمام شدن نماز، خدا را زیاد حمد و ستایش نما و بر محمد و آل محمد علیهم السلام درود فرست و حاجت دنیا و آخرت خود را از پروردگارت درخواست کن.

و هنگامی که خداوند به لطف خویش حاجتت را برآورده نمود، دو رکعت نماز به

ص: ۱۵۴

۱- ۱۹. مصباح المتهجد: ۳۴۱، وسائل الشیعه: ۶۱/۵، و در جمال الأسبوع: ۲۱۴ و بحار الأنوار: ۴۷/۹۰ با اندکی تفاوت.

عنوان شکر آن بجای آور؛ در رکعت اول سوره «حمد» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، در رکعت دوم سوره «حمد» و «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» را بخوان، در رکوع رکعت اول بگو: «الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا، شُكْرًا لِلَّهِ وَحَمْدًا»؛ و در سجده آن بگو: «شُكْرًا لِلَّهِ وَحَمْدًا»، و در رکوع و سجده رکعت دوم بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَىٰ حَاجَتِي، وَأَعْطَانِي سُؤْلِي وَمَسْأَلَتِي. (۱) سپاس خداوندی را که حاجتم را برآورده نمود، خواسته و درخواست مرا عطا کرد.

انماز حاجت (مخصوص ازدواج)

که از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است

این نماز نیز منسوب به حضرت امام رضا علیه السلام است:

هر گاه خواستی ازدواج کنی از خداوند طلب خیر کن و در پی آن برو، سپس دو رکعت نماز بخوان و دست هایت را (برای دعا) بالا ببر و بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُرِیدُ التَّزْوِیجَ فَسَیِّهْ لِیْ مِنَ النِّسَاءِ اَحْسَنَهُنَّ خَلْقًا خداوندا؛ می خواهم ازدواج کنم، پس فراهم کن برای من از زنان؛ نیکوترین آن ها را از جهت نقش و نگار و خُلقاً، وَاَعَفَّهُنَّ فَرْجًا، وَاَحْفَظَّهُنَّ نَفْسًا فِیْ وَفِیْ مَالِیْ، و خُلق و خوی، و پاکدامن ترین آن ها، و حفظ کننده ترین آن ها خود را در مورد من و مال من، وَاَكْمَلَهُنَّ جَمَالًا، وَاَكْثَرَهُنَّ اَوْلَادًا. (۲)

و کاملترین آن ها از جهت زیبایی و جمال، و فراوانترین آن ها از جهت آوردن فرزند.

ص: ۱۵۵

۱- ۲۰. فقه الرضا علیه السلام: ۱۵۱، و در بحار الأنوار: ۵۴/۹۰ با کمی اختلاف.

۲- ۲۱. بحار الأنوار: ۳۸۷/۹۱.

بخش سوّم

هشت نماز از حضرت امام رضا علیه السلام

در این بخش، هشت نماز دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام نقل می کنیم:

نماز حضرت امام رضا علیه السلام

نماز آن حضرت، شش رکعت است (سه تا دو رکعت)؛ در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و ده مرتبه سوره «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ» و پس از تمام شدن نماز، صد مرتبه صلوات می فرستید و دعا نموده و حاجت خود را درخواست می نمایید. (۱)

نماز حضرت امام رضا علیه السلام به روایت دیگر

نماز حضرت امام رضا علیه السلام شش رکعت است (سه تا دو رکعت)؛ در هر رکعت، یک

ص: ۱۵۷

مرتبه سوره «حمد» و ده مرتبه سوره «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ» خوانده می شود. (۱)

نیز نماز حضرت امام رضا علیه السلام به روایت دیگر

نماز آن حضرت، شش رکعت است؛ در هر رکعت بعد از سوره «حمد»، ده مرتبه سوره «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ» را قرائت کند و پس از نماز، دعای حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام را بخواند:

يَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي، وَيَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، وَيَا إِلَهِي وَإِلَهَ أَيَّ يَارَ وَهَمْدٍ مِنْ دَرَسَخْتِي هَا وَكَفَرْتَارِي هَايِم، وَ أَيُّ وَلِيٍّ نِعْمَتٍ مِنْ، وَ أَيُّ مَعْبُودٍ مِنْ وَ مَعْبُودِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، يَا رَبَّ كَهَيْعَصَ وَيَسَ إِبْرَاهِيمَ وَ إسماعيلَ وَ اسحاقَ وَ يعقوبَ، أَيُّ پُروردگار كهيعص وَ يس وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا أَحْسَنَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا خَيْرَ مَنْ وَ قرآنِ حَكِيمٍ؛ درخواست می کنم از تو ای نیکوترین کسی که مورد طلب و درخواست قرار گرفته ای، و ای بهترین کسی که دُعای، وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، وَيَا خَيْرَ مُرْتَجِي، أَسْأَلُكَ أَنْ خَوَانَدَه شده ای، و ای بخشنده ترین کسی که عطاکننده ای، و ای بهترین مایه امید، درخواست می کنم از تو که تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. (۲)

بر (حضرت) محمد و آل محمد درود فرستی.

ص: ۱۵۸

۱- ۲۳. الدعوات: ۸۸، وسائل الشیعه: ۲۹۸/۵، مستدرک الوسائل: ۳۸۱/۶.

۲- ۲۴. جمال الأسبوع: ۱۷۹، بحار الأنوار: ۱۸۹/۹۱.

این نماز به حضرت امام رضا علیه السلام منسوب است:

هنگامی که کاری اراده کردی، دو رکعت نماز بخوان و صد و یک مرتبه از خدا طلب خیر کن و هر تصمیمی به نظرت آمد آن را زود انجام بده، و در دعایت بگو:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، رَبِّ خَدَائِي جز خداوند بلندمرتبه بزرگ نیست، خدائی جز خداوند بردبار بزرگوار نیست، ای (پروردگار مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ خِرُّ لِي فِي أَمْرِي - كَذَا وَكَذَا - لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، خَيْرَ هُمُ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ؛ برای من در مورد فلان کارم آنچه برای دنیا و آخرت خیر است پیش آور، که اختیار آن مِنْ عِنْدِكَ، مَا لَكَ فِيهِ رِضَى وَلِي فِيهِ صَيِّلًاخ فِي خَيْرٍ وَعَافِيَةٍ، از جانب تو باشد، و آنچه خشنودی تو و صلاح من در آن است و مقرون با خیر و عافیت باشد، يَا ذَا الْمَنْ وَالطَّوْلِ. (۱)

ای دارنده لطف و احسان.

نماز استخاره به گونه دیگر

علی بن اسباط گوید: محضر حضرت امام رضا علیه السلام شرفیاب شدم و از آن حضرت درباره سفرم به مصر سؤال کردم که از طریق دریا روم یا خشکی؟

ص: ۱۵۹

به من فرمود:

إِيتِ مَسْجِدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي غَيْرِ وَقْتِ صَلَاةٍ، فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَاسْتَخِرِ اللَّهَ تَعَالَى مَائَةَ مَرَّةٍ، وَانْظُرْ أَيَّ شَيْءٍ يَتَّعِ فِي قَلْبِكَ فَاعْمَلْ بِهِ. (۱)

به مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در غیر وقت نماز برو، پس دو رکعت نماز بخوان و صد مرتبه از خدا طلب خیر کن، آنگاه ببین انجام چه کاری به قلبت الهام می شود، به آن عمل کن.

نماز استسقاء یا طلب باران

نماز هنگام سفر

نماز استسقاء که منسوب به حضرت امام رضا علیه السلام است: این نماز دو رکعت است و اذان و اقامه ندارد، امام جماعت با مردم بیرون می رود و در زیر آسمان دو رکعت نماز می خواند، سپس بر بالای منبر می رود و در حالی که ردای خود را وارونه می پوشد روبه قبله نموده با صدای بلند صد مرتبه تکبیر می گوید.

سپس به طرف راست خود رو کرده و با صدای بلند صد مرتبه تسبیح - یعنی «سُبْحَانَ اللَّهِ» - می گوید و سپس به طرف چپ رو کرده و صد مرتبه با صدای بلند تهلیل - یعنی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» - می گوید، آنگاه رو به مردم نموده و صد مرتبه با صدای بلند «الْحَمْدُ لِلَّهِ» می گوید و پس از آن دست ها را به سوی آسمان بالا می برد و این دعا را می خواند:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى آلِ مُحَمَّدٍ. اَللّٰهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مُّغِيثًا خَدَاوْنَدَا؛ بِرِ مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ درود فرست. خداوندا؛ ما را از بارانی سیراب کن که فریادرسنده مُجَلَّلًا، طَبَقًا مُّطْبَقًا جَلَلًا مُّوْنَقًا رَاجِيًا غَدَقًا مُّغْدِقًا، طَيِّبًا مُّبَارَكًا، فراگیر، پوشاننده، دربرگیرنده، زیبا و پرطراوت، امیدوارکننده، با قطرات فراوان، پُر آب، پاک، بابرکت

ص: ۱۶۰

هَاطِلًا- مُنْهَاطِلًا- رَغَدًا هَنِئًا مَرِيئًا، دَائِمًا رَوِيًّا سَرِيعًا، پیوسته، پیایی، با قطره های درشت، فراخ، گوارا، خوش عاقبت، بادوام، سیراب کننده، شتابان روان، عَامًّا مُسَدِّدًا نَافِعًا غَيْرَ ضَارٍّ، تُحْيِي بِهِ الْعِبَادَ وَالْبِلَادَ، وَتَثْبُتُ بِهِ فِرَاقِیر، گسترده بر روی زمین، سودمند، بدون آسیب. به وسیله آن بندگان و شهرها را زنده گردانی، وَالزَّرْعَ وَالنَّبَاتَ، وَتَجْعَلُ فِيهِ بَلَاغًا لِلْحَاضِرِ مِنَّا وَالْبَادِ. اَللّٰهُمَّ زِرَاعَتِ و گیاه را برویانی، و در آن قرار دهی رساننده برای شهرنشینان و بادیه نشینان. خداوندا؛ اَنْزِلْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِ سَمَائِكَ مَاءً طَهُورًا، وَأَنْتَ لَنَا مِنْ بَرَكَاتِ آسْمَانَتِ بر ما آبی پاک نازل کن، و از بَرَكَاتِ اَرْضِكَ نَبَاتًا مُسَدِّدًا، وَتُسْقِيهِ مِمَّا خَلَقْتَ اَنْعَامًا وَاِنَاسًا كَثِيرًا. زمینت گیاهی سیراب کننده برای ما برویان، و چهارپایان و مردمان را که آفریده ای زیاد سیراب کنی. اَللّٰهُمَّ ارْحَمْنَا بِمَشَايِخِ رُكْعٍ، وَصِبْيَانِ رُضْعٍ، وَبِهَائِمِ رُتْعٍ، خداوندا؛ به ما رحم کن به خاطر پیران رکوع کننده و کودکان شیرخوار و حیوانات علفخوار وَشُبَّانِ خُضْعٍ. (۱)

و جوانان فروتن.

نماز هنگام سفر

این نماز از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

هر گاه اراده سفر کردی اهل و عیالت را جمع کن و پس از خواندن دو رکعت نماز بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَوْدِعُكَ دینی وَنَفْسِیْ وَاَهْلِیْ وَوُلْدِیْ وَعیالی

خدایا من دینم خودم اهل و عیالم و فرزندانم را به تو می سپارم

ص: ۱۶۱

حضرت امام رضا علیه السلام از پدر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده اند که شخصی از امام صادق علیه السلام از نماز تسبیح - نماز جعفر طیار - سؤال کرد، آن حضرت فرمود:

این نماز، عطا و بخششی بزرگ است.

پدرم از جدّم حضرت علی بن الحسین علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

چون جعفر بن ابی طالب از سرزمین حبشه بازگشتند، رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نزدیک استراحتگاه خود در خیبر با او ملاقات کرد، و هنگامی که جعفر آن حضرت را دید با سرعت و شتابان آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم با او معانقه کرد و از دیدارش خوشحال شد و با او گفتگو کرد، سپس بر ناقه خود سوار شد و او را سوار کرد و چون مرکب براه افتاد به طرف جعفر رو کرد و فرمود:

ای جعفر؛ ای برادر؛ آیا هدیه ای به تو ندهم؟ عطائی تو را نبخشم؟ تو را برنگزینم؟

مردم که این گفتار را شنیدند گمان کردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم هم اکنون به او مال فراوانی خواهد داد، چون خداوند پیروزی را در جنگ خیبر نصیب پیامبر کرده و غنیمت فراوانی بدست آمده بود.

جعفر عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت؛ عنایت کنید.

آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نماز تسبیح را - که به نماز جعفر طیار معروف است - به ایشان تعلیم نمود. (۱)

به حضرت امام رضا علیه السلام منسوب است که فرمودند:

ص: ۱۶۲

بر تو باد به نماز جعفر بن ابی طالب؛ زیرا در آن، فضل و فضیلت فراوانی است.

... و هر وقت از شب یا روز که خواستی در صورتی که وقت نماز واجب نباشد می توانی نماز جعفر را بخوانی و اگر خواستی آن را از نوافل حساب کن و اگر عجله داشتی آن را بدون تسبیح بخوان سپس تسبیحات آن را انجام بده.

هرگاه خواستی آن را بجا آوری نماز را با یک تکبیر شروع کن، سپس در رکعت اول بعد از «حمد»، سوره «عادیات»، در رکعت دوم «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ» (۱)، در رکعت سوم «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ»، و در رکعت چهارم «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخوان و اگر خواستی در تمام رکعات بعد از سوره «حمد» می توانی «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخوانی.

و هر گاه تسبیح را در رکوع یا سجده و یا در حال قیام فراموش کردی، هر وقت به یاد آمد آن را انجام بده.

و کیفیت آن چنین است:

بعد از قرائت «حمد» و سوره، پانزده مرتبه بگویی: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»، و در رکوع ده مرتبه و پس از سر برداشتن از رکوع ده مرتبه، و در سجده اول ده مرتبه و بین دو سجده ده مرتبه و در سجده دوم ده مرتبه و بعد از سر برداشتن از سجده دوم ده مرتبه تسبیحات را بگو که مجموع آن هفتاد و پنج مرتبه می شود.

سپس برخیز و رکعت دوم را مانند رکعت اول انجام بده و بعد از آن، تشهد و سلام نماز را بخوان و پس از آن، دو رکعت دیگر را مانند دو رکعت اول بجای آور. (۲)

بنابراین، تعداد تسبیحات اربعه در چهار رکعت، سیصد مرتبه می شود.

ص: ۱۶۳

۱- ۳۰. مرحوم شیخ مفید رحمه الله در کتاب «الإشراف: ۳۱» فرموده است: در رکعت اول بعد از «حمد» سوره «إِذَا زُلْزِلَتْ»، و در رکعت دوم بعد از «حمد» سوره «عادیات» خوانده شود.

۲- ۳۱. فقه الرضا علیه السلام: ۱۵۵، مستدرک الوسائل: ۲۲۴/۶ و ۲۳۱ (با اختصار)، بحار الأنوار: ۲۰۹/۹۱.

ثواب نماز جناب جعفر طیار در حرم حضرت امام رضا علیه السلام

خواندن نماز جناب جعفر طیار از جهاتی دارای اهمیت فراوان است:

الف) خواندن آن، در حرم حضرت امام رضا علیه السلام تأکید شده است.

ب) در یکی از تشریفات مشاهده شده است که حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه در بالاسر حرم حضرت امام رضا علیه السلام مشغول خواندن نماز جعفر طیار بودند.

ج) حضرت امام رضا علیه السلام نماز جعفر طیار می خواندند: «احمد بن علی انصاری از رجاء بن ابی ضحاک نقل کرده است که حضرت امام رضا علیه السلام در سفر خراسان هر شب بعد از هشت رکعت نماز، چهار رکعت نماز جعفر طیار می خواندند...» (۱)

د) حضرت امام رضا علیه السلام خواندن نماز جعفر طیار را در روز دحو الأرض بیست و پنجم ذیقعد (سفارش فرمودند.

مرحوم علامه مجلسی می گوید: به خط شیخ حسین بن عبدالصمد یافتیم آنچه را که عبارتش چنین است:

شیخ ابوطیب حسین بن احمد فقیه ذکر نموده که هر کس حضرت امام رضا علیه السلام یا یکی دیگر از ائمه طاهرين عليهم السلام را زیارت کند و در حرم آن بزرگوار نماز جعفر طیار بخواند، برای او در برابر هر رکعت نوشته شود ثواب کسی که هزار حج و هزار عمره انجام داده و هزار بنده آزاد نموده، و هزار وقوف با پیامبر مرسل در راه خدا بجای آورده باشد، و به هر گامی که برداشته ثواب صد حج و صد عمره و آزاد کردن صد بنده در راه خدا به او دهند، و صد حسنه برایش بنویسند و صد گناه از نامه عملش پاک نمایند. (۲)

علامه مجلسی رحمه الله در «زاد المعاد» می نویسد: روایات درباره این نماز متواتر است

ص: ۱۶۴

۱- ۳۲. رک: عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۱۷۸/۲.

۲- ۳۳. بحار الأنوار: ۱۳۷/۱۰۰، مستدرک الوسائل: ۲۳۳/۶ و ۴۰۲/۱۰.

و مخالفان نیز این نماز را مستحب می دانند مگر اندکی از ایشان، ولی اکثر آنان به اعتبار عداوت باطنی که با امیرالمؤمنین علیه السلام و نزدیکان آن حضرت دارند، این نماز را به عباس عموی پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم نسبت داده اند.

بعد از نوافل شبانه روزی، نمازی به حسب صحت سند و کثرت ثواب به این نماز نمی رسد. (۱)

مرحوم علامه مجلسی احکام این نماز را در چند مقصد بیان نموده که خلاصه آن را می آوریم:

اول: بدان که مشهور میان علما آن است که نماز جعفر را به جای نوافل شبانه روزی می توان انجام داد که به جای هر دو حساب شود و همچنین به تیت قضای نافله می توان انجام داد و احادیث بر این مضامین وارد شده است.

دوم: در روایات وارد شده است و اکثر علما گفته اند: کسی که ضرورتی و تعجیلی داشته باشد، می تواند نماز جعفر را بدون تسبیحات بجا آورد و تسبیحات را در راه بخواند.

سوم: در حدیث صحیح وارد شده است: کسی که دو رکعت از نماز جعفر را بخواند و برای او کار ضروری پیش آید، می تواند دنبال آن کار برود و دو رکعت دیگر را در وقت دیگر بخواند و اگر بدون عذر چنین نکند و همه را باهم بخواند بهتر است.

چهارم: روایت معتبری از حضرت قائم علیه السلام وارد شده است که اگر کسی تسبیحات نماز جعفر را فراموش کند، هر وقت به خاطرش آمد بخواند.

پنجم: در تعیین سوره هایی که مستحب است در این نماز خوانده شود اختلاف است و مشهور آن است که در رکعت اول (بعد از سوره حمد) «إِذَا زُلْزِلَتْ» و در دوم «وَالْعَادِيَات» و در سوم «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ» و در چهارم «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» باید خواند.

ص: ۱۶۵

و ابن بابویه و پدرش در رکعت اول «وَالْعَادِيَات» و در رکعت دوم «إِذَا زُلْزِلَتْ» گفته اند.

و در روایتی در رکعت اول «إِذَا زُلْزِلَتْ» و در دوم «إِذَا جَاءَ نَصِيرُ اللَّهِ» و در سوم «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» و در چهارم «توحيد» وارد شده است.

و در روایت صحیحی فرموده اند که در هر رکعت «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» هر دو را بخواند.

و در روایتی وارد شده است: هر سوره را که می خواهد بخواند، و ابن بابویه گفته است: همه را با سوره «توحيد» می تواند بجا آورد و ظاهراً همه خوبست؛ اگرچه اول و سوم افضل است.

ششم: مشهور آن است که تسبیحات را بعد از سجده دوم رکعت اول و سوم نشسته می خواند و بعضی گفته اند بعد از برخاستن به رکعت دیگر پیش از قرائت می خواند و عمل به مشهور اولی است.

هفتم: بعضی گفته اند که چهار رکعت را به یک سلام بخواند و مشهور و اقوی دو سلام است چنانچه گذشت.

هشتم: مشهور میان علماء آنست که تسبیحات این نماز را پیش از رکوع و بعد از قرائت باید خواند و ابن بابویه موافق بعضی از روایات قائل شده است که مخیر است میان آنکه پیش از قرائت بخواند یا بعد از قرائت و عمل به مشهور اقوی و اولی است. (۱)

ص: ۱۶۶

هشت روایت از حضرت امام رضا علیه السلام درباره نماز در روزهای معین

در این بخش، هشت روایت از حضرت امام رضا علیه السلام درباره نماز در روزهای معین نقل می کنیم:

نماز شب و صبح و روز جمعه

احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: حضرت امام رضا علیه السلام فرموده است:

شب جمعه در نماز سوره «جمعه» و سوره «اعلی»، صبح جمعه سوره «جمعه» و سوره «توحید»، و در نماز جمعه سوره «جمعه» و سوره «منافقین» را بخوان، و قنوت در رکعت اول پیش از رکوع است. [\(۱\)](#)

نافله های روز جمعه

سعد بن سعد اشعری گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام در مورد نوافل روز جمعه

ص: ۱۶۷

۱- ۳۶. جامع أحادیث الشیعه: ۴۹۳/۶، وسائل الشیعه: ۸۱۶/۴، بحار الأنوار: ۲۷/۸۵.

سؤال کردم که پیش از زوال چند رکعت باید خواند؟ فرمود:

در آغاز صبح و بامدادان شش رکعت، بعد از آن شش رکعت دیگر، و پس از آن شش رکعت که مجموعاً هجده رکعت می شود و دو رکعت بعد از زوال و دو رکعت بعد از عصر که بیست و دو رکعت می گردد. (۱)

نماز نافله و فریضه ظهر جمعه

نماز شب نیمه شعبان

بزنطی - که از اصحاب حضرت امام رضا علیه السلام است - گوید: از آن حضرت در مورد دو رکعت نافله زوال در روز جمعه سؤال کردم، امام علیه السلام فرمود:

هنگامی که خورشید بالا آمد و در روی سر قرار گرفت دو رکعت نماز بخوان، و هنگام زوال که خورشید از وسط آسمان به سوی مغرب مایل گردید نماز واجب را بخوان، و اگر پیش از آنکه آن دو رکعت را بخوانی زوال خورشید صورت گرفت آن را رها کن و به نماز واجب پرداز و بعد از انجام فریضه، آن دو رکعت را بجای آور. (۲)

نماز جمعه، عید فطر و قربان

فضل بن شاذان از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

همانا خطبه در نماز جمعه ابتدای نماز، و در نماز عید فطر و قربان بعد از نماز قرار داده شده است؛ زیرا جمعه امری است پیوسته و همیشگی و در هر ماه چندبار و در هر سال تعدادش زیاد است، و چون زیاد است اگر بعد از نماز خوانده

ص: ۱۶۸

۱- ۳۷. جامع أحادیث الشیعه: ۵۲۴/۶، وسائل الشیعه: ۲۳/۵، بحار الأنوار: ۲۵/۹۰) باختلاف).

۲- ۳۸. وسائل الشیعه: ۲۵/۵.

می شد مردم خسته می شدند و آن را رها می کردند و بعد از نماز برای خطبه نمی نشستند و متفرق می گشتند؛ لذا پیش از نماز قرار داده شده تا مردم به خاطر نماز بمانند و پراکنده نشوند و اما نماز عید فطر و قربان در هر سال بیش از دو بار نیست و آن عظمتش بیشتر از نماز و ازدحام در آن زیادتر و مردم به آن راغب ترند و اشتیاقشان افزونتر است و اگر عده ای متفرق شوند بیشتر مردم باقی می مانند، و آن تعدادش در سال زیاد نیست که خسته کننده باشد و آن راسبک شمارند. (۱)

نماز شب نیمه شعبان

علی بن حسن فضال از پدرش روایت کرده است که گفت: از حضرت امام رضا علیه السلام در مورد فضیلت شب نیمه شعبان پرسیدم، فرمود:

شبّی است که خداوند در آن، دوزخیان را از آتش رهایی می بخشد و گناهان بزرگ را می آمرزد.

عرض کردم: آیا در آن شب، نمازی زیادتر از سایر شب ها معین گشته است؟ فرمود:

چیزی به خصوص آن واجب نگردیده است ولی اگر خواستی کار مستحبی انجام دهی تو را سفارش می کنم به خواندن نماز جعفر طیار، ذکر خداوند تبارک و تعالی، در آن شب زیاد استغفار کن و بسیار دعا نما؛ زیرا پدرم می فرمود دعا در آن شب به اجابت می رسد.

عرض کردم: مردم می گویند که آن شب، شبّی است که برای هر کس آنچه مقدّرش باشد حواله می کنند. فرمود:

آنچه گفتمی مربوط به شب قدر در ماه رمضان است. (۲)

ص: ۱۶۹

۱- ۳۹. وسائل الشیعه: ۳۱/۵، بحار الأنوار: ۳۶۳/۹۰.

۲- ۴۰. مصباح المتهجد: ۸۳۸، عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲۲۸، روضه الواعظین: ۴۰۲، وسائل الشیعه: ۲۰۲/۵.

نماز در روز ششم ماه مبارک رمضان

مرحوم علامه مجلسی از سید بن طاووس رحمه الله نقل کرده است: روایت شده که در روز ششم ماه رمضان دو رکعت نماز بجا می آورید، در هر رکعت «حمد» یک مرتبه و سوره «اخلاص» را بیست و پنج مرتبه می خوانید، و این نماز را برای آنچه ظاهر گشته از حقوق مولای مان حضرت امام رضا علیه السلام در آن روز انجام می دهید.

مرحوم علامه مجلسی فرموده است: شیخ مفید رحمه الله در کتاب «تواریخ الشرعیه» مرقوم فرموده که در روز ششم ماه رمضان مبايعت مأمون با حضرت امام رضا علیه السلام صورت گرفته است. (۱)

علامه مجلسی رحمه الله می فرماید: مناسب است این نماز را در حرم مقدس آن حضرت پس از زیارت بجا آورد. (۲)

مؤلف گوید: بیعت با حضرت امام رضا علیه السلام در روز اول ماه مبارک رمضان نیز نقل شده است.

انماهای رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در ماه مبارک رمضان

نمازهای رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم ...

محمّد بن سلیمان گوید: عده ای از اصحاب ما بر این حدیث اتفاق نموده اند - و نیاز حضرت امام رضا علیه السلام سؤال کردم مرا به آن خبر داد - و همگی گفته اند: ما از کیفیت نمازهای مستحبی در ماه رمضان پرسیدیم و این که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آن ها را چگونه انجام می داد؟

ص: ۱۷۰

۱- ۴۱. بحار الأنوار: ۲۵/۹۸.

۲- ۴۲. بحار الأنوار: ۴۳/۱۰۲.

در پاسخ ما فرمودند:

هنگامی که شب اول ماه رمضان فرارسید، رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم نماز مغرب را خواند، سپس چهار رکعت نافله ای که هر شب بعد از نماز مغرب خوانده می شود بجای آورد، پس از آن هشت رکعت نماز خواند، و چون نماز عشاء و آن دو رکعت نافله نشسته بعد از آن را بجای آورد برخاست و دوازده رکعت دیگر خواند، سپس وارد منزل گردید.

مردم که مشاهده کردند رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم با فرارسیدن ماه رمضان به نمازهای خود افزود، در مورد آن از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم سؤال کردند و علت را جویا شدند.

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود: این نمازها را به خاطر برتری ماه رمضان بر سایر ماههای دیگر بجا آوردم.

شب دیگر که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم اراده فرمودند نافله ها را بجای آورند، مردم پشت سر حضرت صف کشیدند و جماعت تشکیل دادند، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم رو به آن ها کرده و فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ؛ إِنَّ هَذِهِ الصَّلَاةُ نَافِلَةٌ وَلَنْ تَجْتَمَعَ لِلنَّافِلَةِ، فَلْيَصِلْ كُلُّ رَجُلٍ مِنْكُمْ وَحْدَهُ، وَلِيَقُلْ مَا عَلَّمَهُ اللَّهُ مِنْ كِتَابِهِ، وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لِاجْتِمَاعِهِ فِي نَافِلَةٍ.

این نمازها نافله است و نافله را نباید با جماعت خواند، هر یک از شما باید خودش به تنهایی نمازش را بخواند و آنچه خداوند از کتابش به او آموخته بگوید، بدانید که در نافله جماعت نیست.

مردم پراکنده شدند و هر کس نماز خود را خواند.

در شب نوزدهم ماه رمضان، هنگام غروب، رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم غسل کرد و نماز مغرب را با غسل بجای آورد، و بعد از نماز مغرب چهار رکعت نافله همیشگی را خواند، و وارد منزل گردید.

هنگامی که بلال برای نماز عشاء اذان گفت، رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم از منزل بیرون آمد و با مردم نماز عشاء را پیا داشت، و چون از آن فارغ شد دو رکعت نافله نشسته آن را بجای آورد، سپس برخاست و صد رکعت نماز در هر رکعت بعد از «حمد» ده

مرتبه سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را خواند، و بعد از تمام کردن آن، نافله شب - که هر شب بجا می آورد - و نماز «شفع» و «وتر» را خواند.

در شب بیستم ماه رمضان، نمازها را مانند شب های دیگر آن ماه یعنی هشت رکعت بعد از مغرب و دوازده رکعت بعد از عشاء انجام داد.

در شب بیست و یکم هنگام غروب غسل کرد و نماز را با همان کیفیت شب نوزدهم بجا آورد.

در شب بیست و دوم، بیست رکعت نافله، هشت رکعت بعد از مغرب و دوازده رکعت بعد از عشاء مانند شب های دیگر ماه رمضان بجا آورد.

در شب بیست و سوم، مانند شب بیست و یکم غسل کرد و نمازها را همانند آن شب انجام داد.

از حضرت امام رضا علیه السلام در مورد پنجاه و یک رکعت نماز همیشگی (یعنی مجموع نمازهای یومیّه و نوافل آن را) سؤال کردند که در ماه رمضان چگونه است؟

فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در ماه رمضان این نمازهای مخصوص را انجام می داد و آن پنجاه و یک رکعت را همان گونه که در غیر ماه رمضان بجا می آورد، می خواند و چیزی از آن ها نمی کاست. (۱)

نماز و دعای روز اوّل محرّم

نماز و دعای روز اوّل محرّم

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم در روز اوّل ماه محرّم دو رکعت نماز بجا می آوردند و چون از نماز فارغ می شدند دست به دعا برمی داشتند و سه مرتبه این دعا را می خواندند:

ص: ۱۷۲

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْبَالُ الْقَدِيمُ وَهَذِهِ سَيِّئَةُ جَدِيدَةٍ، فَاسْأَلُكَ فِيهَا خُذْ أَوْنِدًا؛ تُو مَعْبُودِ اِزْلِي هَسْتِي، وَ اَيْنَ سَالِ جَدِيدِ اسْتِ، پَسِ اِز تُو
 دِرْخَوَاسْتِ مِي كَنَمِ كِه دَر اَيْنِ سَالِ جَدِيدِ مَرَّ الْعِصِيَّةَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَالْقُوَّةَ عَلَى هَذِهِ النَّفْسِ الْأَمَّارَةِ بِالسُّوءِ، اِز شَرِّ شَيْطَانِ مَصُونِ
 بَدَارِي وَ بَر اَيْنِ نَفْسِي كِه بِه بَدِي دَسْتُورِ مِي دِهْدِ قُدْرَتِ وَ تَوَانِي بَخْشِي، وَالْإِسْتِغَالَ بِمَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ، يَا كَرِيمُ، يَا ذَا الْجَلَالِ
 وَالْإِكْرَامِ، وَ بِه أَنِجِه مَرَّ بِه سَاحَتِ مَقْدَسِ تُو نَزْدِيكَ مِي كَنْدِ مَشْغُولِ سَازِي، اِي بَزَرْگَوَارِ؛ اِي صَاحِبِ شَكُوهِ وَ عَظْمَتِ وَ
 بَزَرْگَوَارِي؛ يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ، يَا ذَخِيرَةَ مَنْ لَا ذَخِيرَةَ لَهُ، يَا حِزْزَ مَنْ اِي تَكِيه گَاهِ كَسِي كِه تَكِيه گَاهِي نَدَارْدِ؛ اِي اِنْدُوخْتِه
 كَسِي كِه اِنْدُوخْتِه اِي نَدَارْدِ؛ اِي جَايْگَاهِ مُحْكَمِ وَ اسْتَوَارِ لَا حِزْزَ لَهُ، يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ، يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ، بَر اِي كَسِي كِه
 جَايْگَاهِ اسْتَوَارِي نَدَارْدِ؛ اِي فَرِيادِرسِ كَسِي كِه فَرِيادِرسِي بَر اِيَشِ نِيسْتِ؛ اِي پَشْتِيَانِ كَسِي كِه پَشْتِيَانِي نَدَارْدِ؛ يَا كَثْرَ مَنْ لَا كَثْرَ
 لَهُ، يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ، يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، يَا عِزَّايِ كُنْجِ كَسِي كِه بَر اِيَشِ كُنْجِي نِيسْتِ؛ اِي دَارايِ نِعْمَتِ وَ آزمونِ نِيكو؛ اِي مَايِه اَمِيدِ
 بَسِيَارِ؛ اِي نِيرو دِهْنْدِه الضُّعْفَاءِ، يَا مُنْقِذَ الْغُرَقَى، يَا مُنْجِي الْهَلَكِي، يَا مُنْعِمُ يَا مُجِملُ نَاتَوَانِ؛ اِي نِجَاتِ بَخْشِ غُرْقِ شَدْگَانِ؛ اِي
 رِهَانَنْدِه بِه هَلَاكِتِ افْتَادِگَانِ؛ اِي نِعْمَتِ دِهْنْدِه؛ اِي نِيكو كُنْدِه؛ يَا مُفْضِلُ يَا مُحْسِنُ، أَنْتَ الَّذِي سَيَّجَدَ لَكَ سَوَادُ اللَّيْلِ، وَ نُورُ اِي
 فَرْوَنِي بَخْشِ؛ اِي نِيكو كَارِ؛ تُوْنِي اَنَكِه بَر اِيَتِ سَجْدِه كَرْدِه سِيَاهِي شَبِ، وَ رُوشَنِي النَّهَارِ، وَ ضَوْءُ الْقَمَرِ، وَ شُعَاعُ الشَّمْسِ، وَ دَوِيُّ
 الْمَاءِ، وَ خَفِيفُ رُوزِ، وَ نُورِ مَاهِ، وَ پَر تُو خُورْشِيدِ، وَ زَمْزَمِه آبِ، وَ صَدَايِ الشَّجَرِ، يَا اَللَّهُ لَا شَرِيكَ لَكَ. اَللَّهُمَّ اجْعَلْنَا خَيْرًا مِمَّا
 يَظُنُّونَ، دِرْخَتِ، اِي خُدا؛ تُو هَر گَزِ شَرِيكِي نَدَارِي. خُداوَنْدَا؛ مَ اِ رَا بَهْتَرِ اِز أَنِجِه گِمانِ مِي كَنْدِ قَرَارِ بَدِه، وَاعْفِرْ لَنَا مَا لَا يَعْلَمُونَ،
 وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا يَقُولُونَ، حَسْبِيَ اَللَّهُ لَاوِ أَنِجِه رَا كِه نَسَبْتِ بِه مَا نَمِي دَانَنْدِ بِيَا مَرَزِ، وَ بِه أَنِجِه دَر بَارِه مَ اِي گُوَيْنْدِ مَ اِ رَا مُؤَاخِذِه
 مَفْرَمَا، تَنهَا خُداوَنْدِ مَرَّ بَسِ اسْتِ، إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، اَمَّنَّا بِهِ، كُلِّ خُدَائِي جِزْ اُو نِيسْتِ، بَر اُو تَوَكَّلْ
 كَرْدَمِ وَ اُو پَر وَرْدِ گَارِ عَرَشِ بَاعِظْمَتِ اسْتِ، بِه اُو اِيْمَانِ آوَرْدِيمِ، هَمِه

مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا، وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ، رَبَّنَا لَا تَجْعَلْ قُلُوبَنَا مِنْ بَعْدِ هَذِهِ نَجْمًا، وَهَيْبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْكَرِيمُ. (۱) ما را رهنمون گردیدی منحرف مکن، و از ناحیه خودت رحمتی بر ما بیخش که تو بسیار بخشنده ای.

و چون حضرت سیدالشهداء علیه السلام در دهم این ماه به سعادت شهادت رسیدند و در اکثر این دهه، محزون و غمگین بوده اند و اخبار غم انگیز و وحشت آور به ایشان می رسیده، باید که شیعیان ایشان در تمام این دهه به لوازم عزاداری آن حضرت قیام نمایند و محزون باشند، و اخبار و احادیثی را که مشتمل بر ذکر مصائب ایشان است بخوانند. و بعضی از علما گفته اند که ترک بعضی از لذایذ بکنند.

و از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند:

ماه محرم ماهی بود که کافران در این ماه جنگ کردن را حرام می دانستند و منافقان این امت در این ماه، خون ما را حلال دانستند و هتک حرمت ما کردند و زنان و فرزندان ما را اسیر نمودند و آتش در خیمه های ما زدند و اموال و اسباب ما را به غارت بردند و حرمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم را در باب ما رعایت نکردند.

به درستی که مصیبت امام حسین علیه السلام پلک چشم های ما را مجروح گردانید و آب دیده های ما را جاری ساخت و عزیز ما را ذلیل کرد و واقعه کربلا اندوه و بلا از برای ما تا روز قیامت مهیا کرد.

پس باید که بر مصیبت آن حضرت، گریه کنندگان بگریند؛ به درستی که گریه بر آن حضرت، گناهان بزرگ را از بین می برد.

عَلَّتْ تَشْرِيعَ نَمَازِهَا وَاجِب

پس فرمود: پدرم امام موسی بن جعفر علیهما السلام چون ماه محرم داخل می شد کسی آن حضرت را خندان نمی دید و اثر حزن و اندوه در تمام دهه محرم بر آن حضرت ظاهر می شد، و چون روز دهم می شد، روز مصیبت و گریه و اندوه او بود و می گفت: امروز، روز شهادت امام حسین علیه السلام است. ۲.

ص: ۱۷۴

۱ - ۴۴. هدیة الزائرین وبهجة الناظرین: ۵۸۱، إقبال الأعمال: ۲۷، الصحیفه الصادقیه: ۶۰۰، مستدرک الوسائل: ۳۷۹/۶، بحار الأنوار: ۲. ۳۳۴/۹۸. هدیة الزائرین وبهجة الناظرین: ۵۸۱.

در پایان بخش های مربوط به نمازها، هشت روایت درباره عَلت تشریع نمازها و مسائل مربوط به آن را - که حضرت امام رضا علیه السلام بیان فرموده اند - نقل می کنیم:

عَلت تشریع نمازهای واجب

درباره این مطلب که: چرا خواندن نماز بر مردم واجب شده است؟ محمّد بن سنان گوید: در آنچه حضرت امام رضا علیه السلام برای او در جواب مسائش مرقوم داشته اند این است که:

عَلت تشریع نماز و وجوب آن، اقرار به ربوبیت خداوند تبارک و تعالی و رها کردن همتایان و حضور در پیشگاه خداوند مقتدر با اظهار ذَلّت و بیچارگی و درخواست گذشت از گناهان گذشته و نهادن چهره بر خاک هر روز به عنوان بزرگداشت خداوند عزیز والا مقام است، و اینکه همواره به یاد او باشد، نسبت به او فراموشی و سرکشی نداشته، فروتن و مشتاق و خواهان زیادتى در دین و دنیا باشد، با آنچه در آن از مقرّر نمودن و مداومت بر یاد خدا در شب و روز است تا آنکه بنده، سیرور و مدبّر و آفریننده خویش را فراموش نکند که در نتیجه دچار سرکشی و طغیان گردد و یاد پروردگار و حضور در پیشگاه او بازدارنده او از نافرمانی ها و مانع او از انواع فسادها و تباهی ها است. (۱)

ص: ۱۷۵

و نیز درباره تشریع نماز به «فضل بن شاذان» فرمودند:

همانا بندگان خدا به نماز مأمور شده اند؛ زیرا در آن، اقرار به ربوبیت پروردگار است و آن درستی حال عموم (مردم) است، چون در آن رها کردن همتایان و حضور در پیشگاه خداوند مقتدر است. (۱)

عَلَّتْ تَشْرِيعُ تَعْدَادِ رَكَعَتِ هَايَ نَمَازِ هَايَ وَاجِب

عَلَّتْ تَشْرِيعُ تَعْدَادِ تَكْبِيرِ...

فضل بن شاذان از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

اصل نماز دو رکعت قرار داده شده، بر بعضی از نمازها یک رکعت و بر برخی دو رکعت و بر برخی دیگر چیزی افزوده نشده است، زیرا اصل نماز یک رکعت است، چون اصل عدد یک است. از یک اگر چیزی کاسته گردد دیگر نماز نخواهد بود و خداوند تبارک و تعالی می دانست که بندگان، آن یک رکعت را - که کمتر از آن نماز نیست - نمی توانند کامل و تمام و با توجه و حضور قلب انجام دهند، لذا رکعت دیگری را با آن همراه کرد تا کاستی های رکعت اول با دومی برطرف گردد، از این رو اصل نماز را خداوند دو رکعت مقرر نمود.

پس از آن، رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دانست که بندگان، آن دو رکعت را هم به تمام آنچه به آن دستور داده شده اند و بطور کامل بجای نمی آورند، لذا به نماز ظهر و عصر و عشاء دو رکعت افزود تا با این دو رکعت اضافی، آن دو رکعت اصلی کامل گردد. سپس دانست که نماز مغرب هنگامی است که مردم بیشتر مشغولند؛ زیرا زمان بازگشتن به شهر و دیار و منزل و هنگام خوردن و وضو ساختن و امثال آن است؛ به نماز مغرب یک رکعت افزود تا برای آنان سبک تر و راحت تر باشد، و مجموع رکعت های نمازها در شبانه روز فرد باشد و نماز صبح را به حال خود رها کرد چون هنگام صبح اشتغال مردم بیشتر و شتافتن و پرداختن به نیازها و خواسته ها در آن وقت فراگیرتر است و به خاطر اینکه دل ها در آن زمان فارغ از

ص: ۱۷۶

مکر و اندیشه است؛ زیرا داد و ستد مردم در شب و گرفتن و پرداختن آنان اندک است در نتیجه انسان در نماز صبح توجه بیشتری دارد و نسبت به نمازهای دیگر حضور قلبش افزونتر است؛ چون در شب به استراحت پرداخته و کارنکرده تا در مورد آن فکر و اندیشه نماید.

و همانا نمازهای مستحبی سی و چهار رکعت قرار داده شد؛ زیرا نمازهای واجب هفده رکعت است، نمازهای مستحبی یعنی نافله دو برابر آن گردید تا نمازهای واجب را کامل گردانند.

و همانا نمازهای نافله در زمان های مختلف قرار داده شده نه در یک زمان؛ زیرا بهترین اوقات سه وقت است: هنگام زوال خورشید یعنی ظهر، و بعد از مغرب و سحرگاهان، لذا خداوند دوست دارد که در این زمان های سه گانه برای او نماز بخوانند، و برای اینکه اگر نمازهای نافله در اوقات پراکنده تقسیم شود انجام آن راحت تر و آسانتر است از اینکه بخواهند همه آن ها را در یک زمان انجام دهند. (۱)

علت تشریع تعداد تکبیر در اول نمازهای واجب

فضل بن شاذان از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

تکبیرها در ابتدای نماز، هفت تا گردیده است؛ زیرا اصل نماز دو رکعت است و هفت تکبیر دارد: تکبیره الإحرام که نماز با آن شروع می شود، تکبیر برای رکوع، دو تکبیر برای دو سجده، تکبیر برای رکوع رکعت دوم و دو تکبیر برای دو سجده رکعت دوم که مجموعاً هفت تکبیر می شود، و چون انسان در ابتدای نماز هفت تکبیر بگوید، سپس از روی سهو و یا فراموشی آن تکبیرها را نگفت نقص و کمبودی در نماز ایجاد نمی شود. (۲)

ص: ۱۷۷

۱- ۴۷. وسائل الشیعه: ۳/۳۸.

۲- ۴۸. وسائل الشیعه: ۴/۷۲۲.

عَلَّتْ تَشْرِيعَ حَمْدٍ وَ سُورَةٍ وَ تَسْبِيحَاتٍ أَرْبَعَهُ

در نمازهای واجب

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده است:

در دو رکعت اول نماز، قرائت حمد و سوره (و در دو رکعت دوم، تسبیحات واجب گشته است تا فرق باشد بین آنچه خداوند واجب کرده و آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم واجب نموده است). (۱)

عَلَّتْ تَشْرِيعَ ذِكْرَ رُكُوعٍ وَ سُجُودٍ

عَلَّتْ تَشْرِيعَ تَعْدَادَ تَكْبِيرٍ ...

فضل بن شاذان از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

همانا در رکوع و سجده ذکر تسبیح قرار داده شده به خاطر عللی که عبارتند از: بنده با خضوع و خشوع و تعبد و پارسائی و اظهار بینوائی و ذلت و فروتنی و تقرب به سوی پروردگارش دارد تقدیس کننده و تمجید کننده و تسبیح کننده و بزرگ دارنده و شکر گزار آفریننده و روزی دهنده خویش باشد، و تسبیح و تحمید را بکار برد همان طور که تکبیر و تهلیل بکار برده می شود و قلب و ذهن خود را به ذکر و یاد خدا مشغول بدارد و فکر و اندیشه و آرزوها او را به غیر خدامتوجه نسازد و منحرف نکند. (۲)

عَلَّتْ تَشْرِيعَ تَعْدَادَ رُكُوعٍ وَ سُجُودٍ

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از فضل بن شاذان روایت کرده است که گفت: حضرت امام رضا علیه السلام درباره نماز خورشید گرفتگی فرمود:

ص: ۱۷۸

۱- ۴۹. وسائل الشیعه: ۷۳۳/۴.

۲- ۵۰. وسائل الشیعه: ۹۲۴/۴.

همانا در آن سجده قرار داده شده؛ زیرا نمازی نیست که در آن رکوع باشد مگر اینکه در آن سجده نیز هست و همانا چهار سجده در آن معین گشته است؛ زیرا هر نمازی که سجده های آن از چهار سجده کمتر باشد نماز نیست، چون کمترین مقدار واجب از سجود در هر نماز، چهار سجده است.

و همانا در هر رکعت نماز، یک رکوع و دو سجده قرار داده شده؛ زیرا رکوع از کارهای در حال قیام است و سجده از کارهای در حال قعود، و نماز نشسته نیم نماز ایستاده است (یعنی دو رکعت آن، یک رکعت حساب می شود)، لذا سجده دوچندان شده تا با رکوع برابر گردد و میان آندو تفاوتی نباشد، چون نماز بدون تردید رکوع و سجده است. (۱)

عَلَّتْ تَشْرِيعُ تَعْدَادِ تَكْبِيرٍ فِي نَمَازِ مَيِّتٍ

حسن بن نصر گوید: به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم: عَلَّتْ اینکه در نماز مَیِّت پنج تکبیر می گویند چیست؟ حضرت فرمود:

روایت کرده اند که آن را از پنج نماز یومیّه برگرفته اند، ولی این ظاهر قضیّه است باطنش این است که خداوند تبارک و تعالی پنج چیز بر بندگانش واجب فرموده که نماز، زکات، روزه، حجّ و ولایت می باشد، از هر کدام از این واجبات برای مَیِّت یک تکبیر قرار دارد.

لذا هر کس ولایت را پذیرفته باشد بر جنازه او پنج تکبیر و آنکه نپذیرفته باشد براو چهار تکبیر گفته می شود، و به همین خاطر شما شیعیان پنج تکبیر و مخالفین شما چهار تکبیر می گویند. (۲)

ص: ۱۷۹

۱- ۵۱. وسائل الشیعه: ۹۴۶/۴.

۲- ۵۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۸۱/۲.

حضرت امام رضا عليه السلام فرمود:

برای نماز گزار سه ویژگی است:

۱ - خیر و خوبی بر او از آسمان تا فرق سرش پاشیده گردد.

۲ - فرشتگان از جایگاه قدمش تا کرانه آسمان او را احاطه کنند.

۳ - منادی فریاد برآورد: اگر نماز گزار بداند چه فضیلت و کرامتی برای او است هرگز از نماز دست برندارد.

دعا در قنوت نمازها

هنگامی که بنده در نمازش تکبیره الإحرام گفت، خداوند به لطف خویش بر او روی می آورد و فرشته ای را بر او گمارد تا قرآن را از دهان او بازگیرد، پس اگر این شخص روی گردانید خداوند از او روی می گرداند و او را به فرشته واگذار می کند؛ اگر با تمام وجود به نمازش توجه داشته و حضور قلب او کامل باشد، نمازش به طور کامل بالا برده می شود، ولی اگر به خود مشغول شود و در آن غفلت ورزد از نماز او به همان اندازه که بی توجهی کرده و غفلت ورزیده کاسته می گردد و آن مقداری که حضور قلب داشته بالا- برده می شود و خدا به قلب غافل چیزی عطانمی کند، و همانا نافله قرار داده شده تا به وسیله آن، فریضه کامل گردد. (۱)

ص: ۱۸۰

هشت دعا در قنوت نمازها

در این بخش، هشت دعا از دعا‌های قنوت را که از حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام روایت شده است، نقل می‌کنیم:

۱۰۶

دعا در قنوت نمازها

از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

اگر در نمازی باشی که در آن قنوت باید انجام داد، پس قنوت را پس از تمام شدن قرائت و پیش از رکوع بجا آور و در آن بگو:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ الْحَلِيْمُ الْكَرِيْمُ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ خداوندا؛ تو خداوندی، معبودی جز تو که بردبار و بزرگواری نیست، خدائی جز تو که العَلِيُّ الْعَظِيْمُ، سُبْحَانَكَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّعِيَّةِ، وَرَبُّ الْأَرْضِيْنَ بلندمرتبه عظیم الشأنی نیست، پاک و منزهی، پروردگار آسمان‌های هفتگانه، و زمین‌های السَّعِيَّةِ، وَمَا فِيْهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ، بِاللّٰهِ لَيْسَ هَفْتَاگانه، و آنچه در آن میان و میان آن است می‌باشی، و پروردگار عرش عظیمی، سوگند به ذات پاکت که

ص: ۱۸۱

كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ چیزی مانند او نیست، بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا و پدر و مادرم را و **لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ**، إِنَّكَ عَلَى ذَلِكَ قَادِرٌ. (۱)

و تمام مردان و زنان مؤمن را بیمارز، که تو بر آن توانا هستی.

دعای دیگر در قنوت نمازها

احمد بن علی انصاری گوید: از رجاء بن ابی ضحاک - که در سفر حضرت امام رضا علیه السلام به خراسان همراه آن حضرت بود - شنیدم که گفت: ... حضرت امام رضا علیه السلام در همه نمازها، قنوتش چنین بود:

رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ الْمَاعِزُ الْأَجَلُ الْأَكْرَمُ. (۲) پرورد گارا؛ بیمارز و رحم کن و از آنچه می دانی بگذر که تو عزیزتر و باشکوهتر و بزرگوارتری.

دعای قنوت حضرت امام رضا علیه السلام در نماز جمعه

ابن مقاتل گوید: حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

دعای قنوت در نماز عید فطر...

در قنوت نماز جمعه، چه دعایی می خوانی؟

عرض کردم: آنچه مردم می گویند.

فرمود: تو آنچه را آن ها می گویند نگو، بلکه این دعا را بخوان:

ص: ۱۸۲

۱- ۵۴. فقه الرضا علیه السلام: ۱۰۷، بحار الأنوار: ۲۰۸/۸۴، مستدرک الوسائل: ۴۰۳/۴ (با تفاوت).

۲- ۵۵. مستدرک الوسائل: ۴۰۸/۴ (با اختصار)، بحار الأنوار: ۹۱/۴۹.

اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ عَبْدَكَ وَخَلِيْفَتَكَ بِمَا اَصْلَحْتَ بِهِ اَنْبِيَاءَكَ وَرُسُلَكَ، خداوند؛ برای بنده و جانشین خودت کارسازی کن؛ آنگونه که برای پیامبران و رسولانت به شایستگی کارسازی فرمودی، وَحُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَاَيَّدَهُ بِرُوْحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ، وَاَسْلِكُهُ مِنْ وَرَدِ الْجَنَّةِ مِمَّنْ يَدْخِلُهَا بِإِذْنِكَ، وَاَعِزَّهُ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ، گرداگرد او فرشتگان را قرار بده، و او را از ناحیه خود به روح القدس تأیید فرما، و از بین یارانش و از حلقه رستگاران و از میان کسانی که در آنجا وارد می‌شوند، او را حفظ کن تا روز قیامت، كُلُّ سُوءٍ، وَاَبْدِلْهُ مِنْ پيش رویش و پشت سرش مراقبانی را همراه او گردان تا از هر بدی او را حفظ کنند، و آرامش و آسودگی را بعدِ خَوْفِهِ اَمْنًا، يَعْبُدُكَ لَايْشْرِكُ بِكَ شَيْئًا، وَلَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ جايگزين ترس و بیم او گردان، تا (هر کس) تنها تو را عبادت و بندگی کند، و چیزی را با تو شریک نگرداند، و برای هیچ یک از خلقِک علی و لیک سلطاناً، وَاَذِنْ لَهُ فِي جِهَادِ عِدُوِّكَ وَعِدُوِّهِ، آفریدگانت بر ولایت سلطنت قرار مده، و به او اجازه جهاد با کسی که دشمن تو و او است مرحمت فرما، وَاَجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (۱)

و مرا از یاوران او قرار ده، که تو بی گمان بر هر چیز توانایی.

دعای قنوت در نماز عید فطر و قربان

از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

... و قنوت) نماز عید فطر و قربان (این است کہ بگوئی:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. أَللَّهُمَّ أَنْتَ أَهْلُ الْكِبَرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ، وَأَهْلُ الْجُودِ وَفِرَاسَةِ الْوَدَادِ. خَدَّائِي كِبَرِيَّائِي وَعَظَمَتِي شَائِسْتِي تُوْا اسْتِي، وَجُودِي وَبَخْشِشِي

ص: ۱۸۳

وَالْجَبْرُوتِ، [وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ]، وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالرَّحْمَةِ، و بزرگی و جبروت سزاوار تو است و (تو) اهل عفو و آمرزش و اهل تقوا و رحمتی، أَسْأَلُكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً، وَلِمُحَمَّدٍ تَوَامُرُزْ كِه آن را برای مسلمانان عید و برای (حضرت) مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ ذُخْراً وَمَزِيداً، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَیْهِ وَعَلَى آلِهِ، - که درود خدا بر او و آل او باد - اندوخته و باعث فزونی قرار دادی می خواهم که بر او و آل او درود فرستی، وَأَسْأَلُكَ بِهَذَا الْيَوْمِ الَّذِي شَرَّفْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ وَفَضَّلْتَهُ و از تو می خواهم به (حرمت) امروز که آن را شرافت و کرامت و عظمت و برتری بخشیدی بِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، أَنْ تَغْفِرَ لِي وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ به (حضرت) مُحَمَّدٍ - که درود خدا بر او و آل او باد - که مرا و همه مردان و الْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، و زنان باایمان و مردان و زنان مسلمان، مردگان و زندگان آن ها را بپامرزی، إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۱)

الاستغفار در قنوت نماز وتر

احمد بن علی انصاری گوید: از رجاء بن ابی ضحاک شنیدم که گفت: ... حضرت امام رضا علیه السلام در قنوت نماز وتر هفتاد مرتبه می گفت:

از خدا آمرزش می طلبم و از او درخواست توبه می نمایم.

١- ٥٧. فقه الرضا عليه السلام: ١٣٢، بحار الأنوار: ٣٦٧/٩٠.

و نیز از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود:

شما را سفارش می کنم به نماز شب، هر کس در آخر شب بپایزد و هشت رکعت نافله شب بخواند، پس از آن، دو رکعت به نیت نماز شفع و یک رکعت به عنوان نماز وتر بجا آورد و در قنوت آن هفتاد مرتبه استغفار کند، خداوند او را از عذاب قبر و عذاب دوزخ امان بخشد، و عمرش را طولانی گرداند، و روزی او را وسیع و فراوان فرماید. (۱)

دعا در قنوت نماز وتر

احمد بن علی انصاری گوید: از رجاء بن ابی ضحاک شنیدم که گفت: ... حضرت امام رضا علیه السلام در قنوت نماز وتر می گفت:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ. اَللّٰهُمَّ اهْدِنَا فِیْمَنْ هَدَيْتَ، خداوندا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست. خدایا؛ ما را هدایت کن در زمره کسانی که هدایتشان کرده ای، و عافنا فیمن عافیت، و تَوَلَّنا فِیْمَنْ تَوَلَّیْتَ، و بَارِكْ لَنَا فِیْمَاوْ بِهِ مَا عَافِیْتَ دِهْ دَر زَمَرِهْ آن ها که عافیت بخشیده ای، و عهده دار ما شو در میان آنهایی که عهده دارشان هستی، و در آنچه به ما اعطیت، و قِنَا شَرَّ مَا قَضَیْتَ، فَإِنَّكَ تَقْضِیْ وَ لَا یُقْضِیْ عَلَیْكَ، إِنَّهُ دَادَهْ اِی بَرِکْتَ عَنَایْتَ کن، و ما را از شر آنچه حکم کرده ای حفظ کن، که تنها تو حکم می کنی و هیچ کس بر تو حکم نمی کند، هَمَانَا لَا یَذِلُّ مَنْ وَاَلِیْتَ، و لَا یَعِزُّ مَنْ عَادَیْتَ، تَبَارَکْتَ رَبُّنَا وَ تَعَالَیْتَ. (۲) کسی که تو او را دوست بداری خوار نمی گردد، و آنکه با او دشمن باشی عزت نمی یابد، تو برکت آفرین و بلندمرتبه ای ای پروردگار.

ص: ۱۸۵

۱- ۵۹. الدعوات: ۲۷۲، روضه الواعظین: ۳۲۰، مستدرک الوسائل: ۳۳۱/۶، بحار الأنوار: ۱۶۱/۸۷.

۲- ۶۰. بحار الأنوار: ۹۱/۴۹.

ادعای قنوت حضرت امام رضا علیه السلام

برای رفع گرفتاری و نجات از شرّ ستمگران

دعای قنوت امام رضا علیه السلام ...

الْفَزَعُ الْفَزَعُ إِلَيْكَ يَا ذَا الْمِحَاصِرَةِ، وَالرَّغْبَةُ الرَّغْبَةُ إِلَيْكَ يَا مَنْ پناه بر تو، پناه بر تو ای همه جا حضوردارنده، و میل و اشتیاق به سوی تو است ای آنکه بِه الْمُفَاخِرَةِ، وَأَنْتَ اللَّهُمَّ مُشَاهِدٌ هَوَاجِسِ النُّفُوسِ، وَمُرَاصِدُ مُدَاخِرٍ و برتری به سبب او است، و تو خداوندا؛ شاهد خطورات و وسوسه های نَفْسِ هَا، و مراقب حَرَكَاتِ الْقُلُوبِ، وَمُطَالِعِ مَسَرَّاتِ السَّرَائِرِ مِنْ غَيْرِ تَكْلُفٍ وَلَا حَرَكَاتِ دل ها، و آگاه از اسرار و پنهان کاری های باطن ها بدون هیچ گونه دشواری تَعَسُفٍ، وَقَدْ تَرَى اللَّهُمَّ مَا لَيْسَ عَنْكَ بِمُنْطَوِي، وَلَكِنْ جِلْمَكَ و زحمتی هستی، و خداوندا؛ می بینی آنچه را که از تو پیچیده نشده و پنهان نمانده است، ولی حلم و بردباری تو اَمِنْ أَهْلِهِ عَلَيْهِ جُزْأَةٌ وَتَمَرُّدًا وَعُتُوًّا وَعِنَادًا، وَمَا يُعَانِيهِ أَوْلِيَاؤُكَ ایمنی بخشیده به اهل خلاف تا جرأت کنند و سرپیچی و گردنکشی و دشمنی با تو داشته باشند، و (تو می بینی) آنچه دوستانَتِ مِنْ تَغْفِيَةِ إِثَارِ الْحَقِّ، وَدُرُوسِ مَعَالِمِهِ، وَتَرْبُودِ الْفَوَاحِشِ، می بینند از نابودی آثار حق و مندرس گشتن نشانه های آن، و افزایش کارهای زشت، و اَسْتِمْرَارِ أَهْلِهَا عَلَيْهِا، وَظُهُورِ الْبَاطِلِ، وَعُمُومِ التَّغَاشُّمِ، و ادامه دادن اهل آن بر آن کارها، و آشکار شدن باطل، و عمومی گشتن ظلم و ستم، وَالتَّرَاضِي بِذَلِكَ، فِي الْمُعَامِلَاتِ، وَالْمُتَصَيَّرَاتِ مُذْ جَرَتْ بِهِ و راضی شدن به آن در داد و ستدها، و آنچه تصَرَّفِ می شود که این کارالْعَادَاتِ، وَصَارَ كَالْمَفْرُوضَاتِ وَالْمُسَيُّونَاتِ. اللَّهُمَّ فَبَادِرْنَا مِنْكَ عَادِي گشته و مانند واجبات و مستحبات گردیده است. خداوندا؛ شتاب کن نسبت به ما از جانب خودت ب

الْعِيُونِ الَّذِي مَنْ أَعْتَتَهُ بِهِ فَازَ، وَمَنْ أَيْدَتْهُ لَمْ يَخَفْ لَمَزَ لَمَّازٍ، با کمکی که هر کس را آنگونه کمک کنی رستگار شود، و هر کسی را که تأیید نمائی از عیب جوئی دیگران و طعنه آنان نترسد، وَخِذِ الظَّالِمَ أَخْذًا عَنيفًا، وَلَا تَكُنْ لَهُ رَاحِمًا وَلَا بِهِ رَوْوْفًا. اَللّٰهُمَّ و ستمگر را به شدّت در چنگ خود گرفتار کن، و نسبت به او رحم کننده و مهربان نباش. خدایا! اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ بَادِرْهُمْ. اَللّٰهُمَّ عاجلْهُمْ. اَللّٰهُمَّ لَا تُمَهِّلْهُمْ. اَللّٰهُمَّ خدایا! خدایا! در مورد آنان شتاب کن. خداوندا! عجله کن. خداوندا! مهلت به ایشان مده. خدایا! غادرْهُمْ بُكْرَةً وَهَجِيرَةً وَسَيِّحَرَةً وَبَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ، وَضَحَّىٰ آنان را بامدادان، و در وسط روز، و در سحرها، و شب هنگام که در خوابند، و در میان روز که سرگرمند و بیدارند، وَكُفْرًا وَهُمْ يَمْكُرُونَ، وَفُجَاءَةً وَهُمْ اِمْنُونَ. اَللّٰهُمَّ و مشغولند گرفتارشان کن، و در مقابل مکر و حيله آنان بر آنان مکر کن، و در حالیکه در ایمنی و آرامش اند ناگهان بر آنان هجوم آور. خداوندا! بَدِّدْهُمْ، وَبَدِّدْ اَعْوَانَهُمْ، وَافْلُلْ اَعْضَادَهُمْ، وَاهْزِمْ جُنُودَهُمْ، آنان را و یارانشان را پراکنده ساز، و هم دستان و یاورانشان را شکست بده، و لشکریان ایشان را فراری بده، وَافْلُلْ حَدَّهُمْ، وَاجْتَثِّ سَنَامَهُمْ، وَأَضْعِفْ عَزَائِمَهُمْ. اَللّٰهُمَّ و لبه تیز شمشیرشان را بشکن، و سران و مهتران آنان را ریشه کن ساز، و پایداری و سرسختی ایشان را دچار ضعف گردان. خداوندا! اَمْنَحْنَا اَكْتافَهُمْ، وَمَلَّكْنَا اَكْنافَهُمْ، وَيَدِّلْهُمْ بِالنِّعَمِ النَّقَمَ، وَيَدِّلْناشانه های ایشان را برای ما ببند، و ما را مالک سرزمین هایشان گردان، و نعمت های آنان را به گرفتاری و بلا تبدیل کن، و ترس مامنِ مُحَازَرَتِهِمْ وَبَغْيِهِمُ السَّلَامَةَ، وَاغْنِمْنَاهُمْ اَكْمَلَ الْمَغْنَمِ. اَللّٰهُمَّ را از ایشان و ستم ایشان به سلامتی و امتیّت مبدّل گردان، و کامل ترین غنیمت ها را از آنان به ما برسان. خداوندا! لَا تَرُدَّ عَنْهُمْ بِأَسْكَ الَّذِي إِذَا حُلَّ بِقَوْمٍ فَسَاءَ صِيَابُ الْمُنْذَرِينَ. (۱) از آنان بازمدار خشم و عذاب خود را؛ همان عذابی که به هر گروهی برسد، روزگار آنان را سیاه می گرداند.

ص: ۱۸۷

دعای قنوت در نماز کسوف

از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

در قنوت (نماز کسوف) می خوانی:

إِنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ، وَالشَّمْسُ هَامَانًا هَر كَسْ كِه در آسمان ها و هر كَس كِه در زمين است و خورشيد وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، وَكَثِيرٌ وَ ماه و ستارگان و درختان و جانوران و بسياري از مردم براي خدا سجده مي كنند، و بسياري حَقَّ عَلَيْهِمُ الْعَذَابُ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. اَللّٰهُمَّ عذاب بر آنان سزاوار گشته است. خداوندا؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست. خداوندا؛ لَا تُعَذِّبْنَا بِعَذَابِكَ، وَلَا تَسْخُطْ عَلَيْنَا بِسَخَطِكَ، وَلَا تُهْلِكْنَا بِه عذاب خود عذاب مكن، و به خشم خود گرفتار مساز، و به غضب خویش هلاك بَعْضُ بَعْكَ، وَلَا تَأْخُذْنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا، وَاعْفُ عَنَّا، وَاعْفِرْ مَغْرَدَانِ، و به آنچه سفيهان و نابخردان ما انجام مي دهند ما را مؤاخذه مفرما، و ما را ببخش، و (گناهان) لَنَا، وَاصْرِفْ عَنَّا الْبَلَاءَ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ. (۱)

ما را بیامرز، و یلا را از ما دور گردان، ای دارنده لطف و احسان.

ص: ۱۸۸

هشت دعا و ذکر از ادعیه و اذکار بعد از نمازهای واجب

در این بخش، هشت دعا و ذکر از دعاها و اذکاری را که پس از نمازهای واجب خوانده می شوند، نقل می کنیم:

دعای بعد از نماز صبح

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند:

کسی که پس از نماز صبح این دعا را بخواند، حاجتی را درخواست نمی کند مگر آنکه برایش میسر گردد و خداوند او را کفایت فرماید:

بِسْمِ اللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، «وَأَفْوِضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ بِنَامِ خُدا، وَدُرود وَرَحْمَتِ خُداوند بر مُحَمَّد و آل او باد، «و کار خویش را به خدا واگذار می کنم، إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ فَوْقَهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكْرُوا» (۱)، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» که خداوند نسبت به بندگان بینا است پس خدا او را از بدی های آنچه درباره اش نیرنگ زدند نگهداشت»، «خدایی جز

ص: ۱۸۹

إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَاهُ تَوْنِيسًا، تو پاک و منزهی، همانا من از ستمکاران می باشم پس ندای او را پاسخ گفتیم و او را مِّنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ (۱)، «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ از غَمِّ و غَصِّه رهانیدیم و همان گونه مؤمنان را نجات می بخشیم»، «خدا ما را بس است و او خوب دفاع کننده و پشتیبانی است فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسْسَهُمْ سُوءٌ» (۲)، «ما شاءَ اللَّهُ، پس به نعمت خداوند و فضل و احسان او که هیچ بدی به او نرسد دگرگون گشتند»، آنچه خدا بخواهد (همان شود)، لا- حَوْلَ وَلَا- قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، ما شاءَ اللَّهُ لا ما شاءَ النَّاسُ، ما شاءَ هیچ جنبش و نیرویی جز به سبب خداوند نیست، آنچه خدا خواهد (همان شود) نه آنچه مردم بخواهند، آنچه اللَّهُ وَإِنْ كَرِهَ النَّاسُ. حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ، حَسْبِيَ الْخَالِقُ خدا بخواهد (همان شود) گرچه مردم را خوش آیند نباشد. پرورش دهنده مرا از پرورش یافتگان کفایت می کند، آفریننده مرا مِّنَ الْمَخْلُوقِينَ، حَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ، حَسْبِيَ اللَّهُ رَبِّ از آفریده شدگان کفایت می کند، روزی دهنده مرا از روزی خواران کفایت می کند، خداوندی که پروردگار دعا ... برای درخواست روزی

الْعَالَمِينَ، حَسْبِيَ مَنْ هُوَ حَسْبِي، [حَسْبِي] مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي، جهانیان است مرا بس است، او که کفایت کننده است مرا، برایم کافی است، آنکه پیوسته مرا کفایت می کند برایم کافی است، حَسْبِيَ مَنْ كَانَ مُيْذَنُ كُنْتُ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي، حَسْبِيَ اللَّهُ لا- إِلَهَ إِلَّا أَنَا که ابتدایی که بوده ام مرا کفایت کرده برایم کافی است، خدا مرا بس است، جز او خدایی و معبودی نیست، هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. (۳)

بر او توکل نمودم، و او پروردگار عرش بزرگ است.

ص: ۱۹۰

۱- ۶۴. سوره انبیاء، آیه ۸۷ و ۸۸.

۲- ۶۵. سوره آل عمران، آیه ۱۷۳ و ۱۷۴.

۳- ۶۶. عده الداعی: ۳۰۷.

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده است:

برای درخواست روزی بعد از هر نماز واجب بگو:

يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ، وَيَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ، لِكُلِّ اِيْ آنكه حاجت درخواست کنندگان را مالکی و در اختیار تو است، و از درون و باطن خاموششان و خاطر آنها آگاهی، برای هر مشأله مِنْكَ سَمْعٌ حَاضِرٌ وَجَوَابٌ عَتِيدٌ، وَلِكُلِّ صَامِتٍ مِنْكَ درخواستی از تو شنیدنی حاضر و جوابی آماده است، و برای هر ساکتی عِلْمٌ بَاطِنٌ مُحِيطٌ. اَسْأَلُكَ بِمَوَاعِدِكَ الصَّادِقَةِ، وَآيَادِكَ عِلْمٌ وَدَانِشٌ بِه باطن و فراگیر است. از تو می خواهم به وعده های راست و درست، و نعمت های الْفَاضِلَةِ، وَرَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ، وَسَيِّدَتِكَ الْقَاهِرَةِ، وَمُلْكِكَ الدَّائِمِ، افزونست، و رحمت وسیع و فراگیرت، و قدرت چیره شونده ات، و فرمانروایی همیشگی ات، وَكَلِمَاتِكَ الثَّامَاتِ. يَا مَنْ لَا تَنْفَعُهُ طَاعَةُ الْمُطِيعِينَ، وَلَا يَضُرُّهُ و کلمات کاملت. ای کسی که فرمانبرداری اهل طاعت به تو سودی نمی بخشد، مَعْصِيَةُ الْعَاصِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ، و نافرمانی اهل معصیت به تو ضرری نمی زند، بر محمد و آل او درود فرست، و از فضل و احسانت به من روزی بده، وَأَعْطِنِي فِيمَا تَرْزُقُنِي الْعَافِيَةَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۱) و در آنچه روزی می دهی عافیت عطا کن، به رحمت ای مهربانترین مهربانان.

ص: ۱۹۱

ذکر «یا رَحْمَن یا رَحِیم» بعد از هر نماز

از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

هر فرد باایمان بعد از هر نماز، دویست و نود و هشت مرتبه با نیت خالص و توجه به خدا و معنی آن بگوید: «یا رَحْمَنُ یا رَحِیمُ»، جمله مردمان او را دوست دارند و اهل تحقیق گردد. (۱)

ذکر بعد از نماز صبح

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

کسی که بعد از نماز صبح، صد مرتبه بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. بنام خداوند بخشنده مهربان، هیچ جنبش و نیرویی جز به سبب خداوند بلندمرتبه بزرگ نیست.

این نزدیک تر است به اسم اعظم از سیاهی چشم به سفیدی آن، و اسم اعظم در آن داخل گشته است. (۲)

ص: ۱۹۲

۱- ۶۸. خواص آیات قرآن کریم: ۶۸.

۲- ۶۹. المصباح: ۴۱۱.

ذکر بعد از نماز صبح و مغرب

اذکر دیگر بعد از نماز صبح

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

هر کس هر روز پس از نماز صبح، اسم «یا عزیز» را چهل و یک مرتبه باایمان و نیت خالص و توجه به خدا و معنی آن بخواند، محتاج خلق نگردد و در میان مردمان عزیز و مکرم باشد. (۱)

اذکر بعد از نماز صبح و نماز مغرب

اسماعیل بن همام از حضرت امام رضا علیه السلام و آن حضرت از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که فرمود:

هر کس بعد از نماز مغرب و نماز صبح - پیش از آنکه صحبت کند - هفت مرتبه بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. بنام خداوند بخشنده مهربان، و هیچ جنبش و نیرویی جز به سبب خداوند بلندمرتبه بزرگ نیست.

خداوند هفتاد نوع از انواع بلا را که کمترین آن ها جذام و برص و شرّ سلطان و شیطان است، از او برطرف کند. (۲)

ص: ۱۹۳

۱- ۷۰. خواصّ آیات قرآن کریم: ۷۰.

۲- ۷۱. جامع أحادیث الشیعه: ۱۱۲/۶، مقباس المصابیح: ۱۰۳.

ذکر بعد از نماز عصر

رجاء بن ابی ضحاک گوید: حضرت امام رضا علیه السلام در راه خراسان که بودند، بعد از سلام نماز عصر در مصلاّی خود می نشست و تسبیح و تمجید و تکبیر و تهلیل فراوان می گفتند و آنگاه سجده شکر می نمود و در آن، صد مرتبه می گفت:

«حَمْدًا لِلَّهِ»؛ «حمد و سپاس مخصوص خداوند است».(۱)

ذکر دیگر بعد از نماز عصر

محمد بن فضیل صیرفی از حضرت امام رضا علیه السلام، و آن حضرت از پدرانش علیهم السلام، از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به شخصی فرمود:

دعا بعد از نماز جناب جعفر طیار

هنگامی که نماز عصر را بجا آوردی، هفتاد و هفت مرتبه استغفار بگو و از خدا طلب آمرزش کن، خداوند گناه هفتاد و هفت سال تو را فرو ریزد.

عرض کرد: اگر من هفتاد و هفت سال عمر نکنم.

فرمود: تو و پدرت را.

عرض کرد: اگر من و پدرم باهم هفتاد و هفت سال عمر نکنیم.

فرمود: تو و پدر و مادرت را.

عرض کرد: اگر باز هم هفتاد و هفت سال نشود.

فرمود: تو و پدر و مادر و خویشاوندات را شامل شود.(۲)

ص: ۱۹۴

۱- ۷۲. بحار الأنوار: ۸۵/۸۷.

۲- ۷۳. جامع أحادیث الشیعه: ۱۰۴/۶، وسائل الشیعه: ۱۰۵۳/۴.

از ادعیه بعد از نمازهای مستحب

در این بخش، هشت دعا از دعاهایی را که پس از نمازهای مستحب خوانده می شوند، نقل می کنیم:

دعا بعد از نماز جناب جعفر طیار

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

بر تو باد به نماز جعفر بن ابی طالب؛ زیرا در آن، فضل و فضیلت فراوانی است.

... هر زمانی که اراده کردی این نماز را بخوانی تکبیر بگو، و قرائت نماز را شروع کن، (وبا همان کیفیت که قبلاً بیان شد آن را انجام بده) و هنگامی که نماز را به پایان رساندی، این دعا را بخوان:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ کُلِّ مَا سَأَلَمَكَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَاَلُهُ، وَاَسْتَغِیْذُ خِداوند! از تو می خواهم از هر چه که محمد و آل او از تو درخواست نمودند، و به تو پناه می برم بِکَ مِنْ کُلِّ مَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ مُحَمَّدٌ وَاَلُهُ. اَللّٰهُمَّ اَعْظِنِیْ مِنْ کُلِّ اِشْیْءٍ اَنْجَحَ مُحَمَّدٌ وَاَلُهُ مِنْهَا (از آن) به تو (پناه می بردند. خداوند! از میان همه

خَيْرٌ خَيْرًا، وَاصْبِرْ عَنِّي كُلَّ مَا قَضَيْتَ مِنْ شَرٍّ أَوْ فَتْنَةٍ، وَأَعْفِ خَيْرَهَا وَخُوبَىٰ هَا بَهْتَرِينَ رَا بَه مِنْ عَطَا كُنْ، وَ هَر آنچه بدی یا فتنه مقدر کرده ای از من دور گردان، و بیامر زلی ما تَعْلَمُ مِنِّي وَمَا قَدْ أَحْصَيْتَ عَلَيَّ مِنْ ذُنُوبِي، وَأَقْضِ مَرَا از آنچه از من می دانی و آنچه از گناهان من شماره نموده ای، و برآورده ساز حَوَائِجِي مَا لَكَ فِيهِ رِضًا وَلِي فِيهِ صِيْلَاحٌ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ، از حاجت های من آنچه خشنودی تو در آن است و مصلحت من می باشد، ای دارنده لطف و احسان، وَسَّعَ عَلَيَّ فِي الرِّزْقِ وَالْأَحْيَالِ، وَاكْفِنِي مَا أَهْمَنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ در روزی و عُمر من وسعت بده، و آنچه مرا نگران ساخته از امور دنیا وَآخِرَتِي، إِنَّكَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (۱)

و آخرتم کفایت کن، که تنها تو بر هر چیزی توانا هستی.

ادعای فرج، بعد از نماز حاجت

دعای فرج بعد از نماز حاجت

این دعا بعد از دو رکعت نماز حاجت خوانده می شود که از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است. چون سلام نماز را گفتی، این دعا را بخوان در حالی که ایستاده باشی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، خَالِقُ الْخَلْقِ، گواهی می دهم که خدائی و معبودی جز خداوند نیست، او یگانه است و شریکی برایش نیست، آفریننده هستی وَقَاسِمُ الرِّزْقِ، وَفَالِقُ الْإِصْبَاحِ، وَجَاعِلُ اللَّيْلِ سَكَنًا، وَالشَّمْسِ وَتَقْسِيمُ رِزْقِ و روزی است، و شکافنده صبح) و آشکارکننده (آن است، و شب را مایه آرامش، و خورشید

ص: ۱۹۶

وَالْقَمَرِ حُسْبَانًا، ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ مَاه را وسیله شمردن (و حساب روزها) قرار داده. آن، اندازه گیری شخص نیرومند آگاه است، خدایی جز او نیست که قوی الْحَكِيم. وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَوَلِيُّهُ وَنَبِيِّهُ، و صاحب حکمت است. و گواهی می دهم که (حضرت) مُحَمَّد بنده و فرستاده او است، و کارگزار و پیامبر او است، وَخَلِيلُهُ وَصِيْفَتُهُ، وَخَبِيرُهُ وَخَالِصَتُهُ، وَخَاصَّتُهُ مِمَّنْ خَلَقَتْهُ، وَأَمِينُهُ وَيَار و برگزیده، و دوست و مخلص او است، و از میان آفریدگانش مقام مخصوص و ویژه ای دارد، و امانتدار او عَلَى وَحْيِهِ، أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ بِرِوْحَانِهِ، و وحیش است، او را به هدایت و دین و آئین حق فرستاده است، تا او را بر تمام ادیان پیروز گرداند وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، بَشِيرًا وَنَذِيرًا، وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ، گرچه مشرکان نپسندند و خوش آیند آن ها نباشد، او بشارت دهنده و بیم دهنده، و به فرمان خدا دعوت کننده بسوی او است، وَبِرَاجًا مُنِيرًا، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ وَچراغ نوردهنده و روشنی بخش است، درود و رحمت خدا بر او و اهل بیتش باد که خدا هر گونه عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا. يَا مُقْوَى كُلِّ ذَلِيلٍ، وَمُعْزَا لُودَكِي و پلیدی را از وجودشان دور نموده و آنان را پاک و پاکیزه گردانیده است. ای نیرودهنده به هر خوارشده؛ و عَزَّتْ دهنده الْمُؤْمِنِينَ، وَمُذَلَّ الْجَبَّارِينَ، قَدْ وَحَقَّكَ بَلَغَ مِنِّي الْمَجْهُودُ، به اهل ایمان، و ذلیل کننده زورگویان؛ به حق تو سوگند که تلاش و کوشش من به نهایت رسیده، فَفَرَّجْ عَنِّي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. يَا مُفَرِّجَ، الْفَرَجِ؛ يَا كَرِيمَ، پس گشایشی در کارم ایجاد کن، ای از همه مهربانان مهربانتر. ای گشایش دهنده، گشایش؛ ای بزرگوار، الْفَرَجِ؛ يَا عَزِيزُ، الْفَرَجِ؛ يَا جَبَّارُ، الْفَرَجِ؛ يَا رَحْمَانُ، الْفَرَجِ؛ یا گشایش؛ ای نیرومند، گشایش؛ ای قدرتمند، گشایش؛ ای رحم کننده، گشایش؛ ای رَحِيمُ، الْفَرَجِ؛ یا جَلِيلُ، الْفَرَجِ؛ یا جَمِيلُ، الْفَرَجِ؛ یا كَفِيلُ، مهربان، گشایش؛ ای بزرگ مرتبه، گشایش؛ ای نیکوسیرت، گشایش؛ ای عهده دار امور، الْفَرَجِ؛ یا مُنِيلُ، الْفَرَجِ؛ یا مُقِيلُ، الْفَرَجِ؛ یا مُجِيرُ، الْفَرَجِ؛ یا گشایش؛ ای برخوردارکننده، گشایش؛ ای نادیده گیرنده، گشایش؛ ای پناه دهنده، گشایش؛ ای

خَيْرُ، الْفَرَجُ؛ یا مُنِيرُ، الْفَرَجُ؛ یا مُبْلَغُ، الْفَرَجُ؛ یا مُدِيلُ، الْفَرَجُ؛ آگاه، گشایش؛ ای روشن بخش، گشایش؛ ای رساننده، گشایش؛
 ای توجّه دهنده، گشایش؛ یا مُحِيلُ، الْفَرَجُ؛ یا کَبِيرُ، الْفَرَجُ؛ یا قَدِيرُ، الْفَرَجُ؛ یا بَصِيرُ، ای تغییر دهنده، گشایش؛ ای بزرگ،
 گشایش؛ ای توانا گشایش؛ ای بِنَا، الْفَرَجُ؛ یا بُرُّ، الْفَرَجُ؛ یا طَهْرُ، الْفَرَجُ؛ یا طَاهِرُ، الْفَرَجُ؛ یا قَاهِرُ، گشایش؛ ای نیکوکار، گشایش؛
 ای پاک، گشایش؛ ای پاک کننده، گشایش؛ ای چیره شونده، الْفَرَجُ؛ یا ظَاهِرُ، الْفَرَجُ؛ یا باطِنُ، الْفَرَجُ؛ یا سَاتِرُ، الْفَرَجُ؛
 یا گشایش؛ ای آشکار، گشایش؛ ای پنهان، گشایش؛ ای پوشاننده، گشایش؛ ای مُحِيطُ، الْفَرَجُ؛ یا مُقْتَدِرُ، الْفَرَجُ؛ یا حَفِیْظُ،
 الْفَرَجُ؛ یا مُتَجَبِّرُ، دربر گیرنده، گشایش؛ ای توانمند، گشایش؛ ای حفظ کننده، گشایش؛ ای قدرتمند، الْفَرَجُ؛ یا قَرِيبُ، الْفَرَجُ؛ یا
 وَدُوْدُ، الْفَرَجُ؛ یا حَمِيْدُ، الْفَرَجُ؛ یا گشایش؛ ای نزدیک، گشایش؛ ای دوستدار، گشایش؛ ای ستوده، گشایش؛ ای مَجِيْدُ، الْفَرَجُ؛
 یا مُبْدِئُ، الْفَرَجُ؛ یا مُعِيْدُ، الْفَرَجُ؛ یا شَهِيدُ، شکوهمند، گشایش؛ ای آغاز کننده، گشایش؛ ای بازگرداننده، گشایش؛ ای
 گواه، الْفَرَجُ؛ یا مُحْسِنُ، الْفَرَجُ؛ یا مُجْمَلُ، الْفَرَجُ؛ یا مُنْعَمُ، الْفَرَجُ؛ یا گشایش؛ ای احسان کننده، گشایش؛ ای نیکوکار، گشایش؛
 ای نعمت دهنده، گشایش؛ ای مُفْضِلُ، الْفَرَجُ؛ یا قَابِضُ، الْفَرَجُ؛ یا باسِطُ، الْفَرَجُ؛ یا هادی، افزونی بخش، گشایش؛ ای گیرنده،
 گشایش؛ ای گستراننده، گشایش؛ ای هدایت کننده، الْفَرَجُ؛ یا مُرْسِلُ، الْفَرَجُ؛ یا دافِعُ، الْفَرَجُ؛ یا رافِعُ، الْفَرَجُ؛ یا گشایش؛ ای
 فرستنده، گشایش؛ ای دورکننده، گشایش؛ ای برطرف کننده، گشایش؛ ای باقی، الْفَرَجُ؛ یا واقی، الْفَرَجُ؛ یا خَلّاقُ، الْفَرَجُ؛ یا
 وَهَّابُ، ماندگار، گشایش؛ ای نگهدارنده، گشایش؛ ای بسیار آفریننده، گشایش؛ ای بخشنده، الْفَرَجُ؛ یا تَوَّابُ، الْفَرَجُ؛ یا فَتَّاحُ،
 الْفَرَجُ؛ یا نَفَّاحُ، الْفَرَجُ؛ یا گشایش؛ ای بسیار توبه پذیر، گشایش؛ ای گشاینده، گشایش؛ ای وزنده رحمت، گشایش؛ ای

مُزْتاح، الْفَرَج؛ یا نَفَّاح، الْفَرَج؛ یا رَوْوْف، الْفَرَج؛ یا عَطُوف، راحتی بخش، گشایش؛ ای بسیار سودرساننده، گشایش؛ ای بسیار مهربان، گشایش؛ ای بامحبت، الْفَرَج؛ یا کافی، الْفَرَج؛ یا شافی، الْفَرَج؛ یا مُعافی، الْفَرَج؛ یا گشایش؛ ای کفایت کننده، گشایش؛ ای شفا دهنده، گشایش؛ ای عافیت دهنده، گشایش؛ ای مُکافی، الْفَرَج؛ یا وَفِی، الْفَرَج؛ یا مُهَيِّمُن، الْفَرَج؛ یا سَلام، پاداش دهنده، گشایش؛ ای وفا کننده، گشایش؛ ای نگهبان، گشایش؛ ای سلامتی بخش، الْفَرَج؛ یا مُتَكَبِّر، الْفَرَج؛ یا مُؤْمِن، الْفَرَج؛ یا أَحَد، الْفَرَج؛ یا گشایش؛ ای صاحب رفعت و عظمت، گشایش؛ ای ایمنی دهنده، گشایش؛ ای یکتا، گشایش؛ ای صَمد، الْفَرَج؛ یا نُور، الْفَرَج؛ یا مُدَبِّر، الْفَرَج؛ یا فَرْد، الْفَرَج؛ یا بی نیاز، گشایش؛ ای روشنی دهنده، گشایش؛ ای تدبیر کننده، گشایش؛ ای فرد، گشایش؛ ای وَثَر، الْفَرَج؛ یا ناصِر، الْفَرَج؛ یا مُونس، الْفَرَج؛ یا باعِث، الْفَرَج؛ تنها، گشایش؛ ای یاری کننده، گشایش؛ ای مونس، گشایش؛ ای برانگیزنده، گشایش؛ یا وارِث، الْفَرَج؛ یا عَالِم، الْفَرَج؛ یا حاکِم، الْفَرَج؛ یا باری، ای ارث برنده، گشایش؛ ای دانا، گشایش؛ ای حکم کننده، گشایش؛ ای به وجود آورنده، الْفَرَج؛ یا مُتعالی، الْفَرَج؛ یا مُصَوِّر، الْفَرَج؛ یا مُجیب، الْفَرَج؛ یا گشایش؛ ای بلندمرتبه، گشایش؛ ای صورت آفرین، گشایش؛ ای اجابت کننده، گشایش؛ ای قَائِم، الْفَرَج؛ یا دَائِم، الْفَرَج؛ یا عَلِیم، الْفَرَج؛ یا حَکِیم، الْفَرَج؛ یا برپادارنده، گشایش؛ ای جاودان، گشایش؛ ای بسیار دانا، گشایش؛ ای صاحب حکمت، گشایش؛ ای جواد، الْفَرَج؛ یا بار، الْفَرَج؛ یا سار، الْفَرَج؛ یا عِذْل، الْفَرَج؛ یا دارنده جود و بخشش، گشایش؛ ای نیکوکار، گشایش؛ ای خشنود کننده، گشایش؛ ای عدالت پیشه، گشایش؛ ای فاضِل، الْفَرَج؛ یا دَيَّان، الْفَرَج؛ یا حَنَّان، الْفَرَج؛ یا مَنَّان، الْفَرَج؛ صاحب فضل و برتری، گشایش؛ ای جزا دهنده گشایش؛ ای بسیار دلسوز و رحم کننده، گشایش؛ ای زیاد لطف کننده، گشایش؛ یا سَمِیع، الْفَرَج؛ یا خَفِی، الْفَرَج؛ یا مُعین، الْفَرَج؛ یا ناشِئَر، ای شنوا، گشایش؛ ای پنهان، گشایش؛ ای مددکار، گشایش؛ ای پراکنده کننده،

الْفَرْجُ، یا غَافِرُ، الْفَرْجُ، یا قَدِيمُ، الْفَرْجُ؛ یا مُسَيِّهُلُ الْفَرْجُ؛ یا گشایش؛ ای آمرزنده، گشایش؛ ای بی آغاز، گشایش؛ ای آسان
 کننده، گشایش؛ ای مُیَسِّرُ، الْفَرْجُ؛ یا مُمِيتُ، الْفَرْجُ؛ یا مُحْيِي، الْفَرْجُ؛ یا نافع، مهیا کننده، گشایش؛ ای میراننده، گشایش؛ ای
 زنده کننده، گشایش؛ ای فایده دهنده، الْفَرْجُ؛ یا رازِقُ، الْفَرْجُ؛ یا مُسَيِّبُ، الْفَرْجُ؛ یا مُعِثُ، الْفَرْجُ؛ گشایش؛ ای روزی دهنده،
 گشایش؛ ای سبب ساز، گشایش؛ ای فریادرس، گشایش؛ یا مُغْنِي، الْفَرْجُ؛ یا مُقْنِي، الْفَرْجُ؛ یا خَالِقُ، الْفَرْجُ؛ یا راحِهْدُ، ای بی
 نیاز کننده، گشایش؛ ای مال دار کننده، گشایش؛ ای آفریننده، گشایش؛ ای کمین کننده، الْفَرْجُ؛ یا حاضِرُ، الْفَرْجُ؛ یا جابِرُ،
 الْفَرْجُ؛ یا حَافِظُ، الْفَرْجُ؛ یا گشایش؛ ای حضور دارنده، گشایش؛ ای جبران کننده، گشایش؛ ای نگهدارنده، گشایش؛ ای
 شَدِيدُ، الْفَرْجُ، یا غِيَاثُ، الْفَرْجُ؛ یا عَازِمُ، الْفَرْجُ؛ یا اَللهُ، الْفَرْجُ؛ شَدِيدُ، گشایش؛ ای دادرس، گشایش؛ ای پناه دهنده، گشایش؛
 ای خداوند، گشایش؛ یا عَظِيمُ، الْفَرْجُ؛ یا حَيُّ، الْفَرْجُ؛ یا قَيُّومُ، الْفَرْجُ؛ یا عَالِي، ای با عظمت، گشایش؛ ای زنده، گشایش؛ ای
 پاینده، گشایش؛ ای برتر، الْفَرْجُ؛ یا رَبُّ، الْفَرْجُ؛ یا اَعْظَمُ، الْفَرْجُ؛ یا اَعْزُّ الْفَرْجُ؛ یا اَجَلُّ، گشایش؛ ای پروردگار، گشایش؛ ای
 عظیمتر، گشایش؛ ای عزیزتر، گشایش؛ ای بزرگ مرتبه تر، الْفَرْجُ؛ یا غَنِيُّ، الْفَرْجُ؛ یا اَكْبَرُ، الْفَرْجُ؛ یا اَزَلِيُّ، الْفَرْجُ؛ یا
 اَوَّلُ، گشایش؛ ای بی نیاز، گشایش؛ ای بزرگتر، گشایش؛ ای همیشگی، گشایش؛ ای نخست بدون ابتداء، الْفَرْجُ؛ یا اِخْرُ، الْفَرْجُ؛
 یا حَقُّ، الْفَرْجُ؛ یا مُبِينُ، الْفَرْجُ؛ یا يَقِينُ، گشایش؛ ای آخر بدون نهایت، گشایش؛ ای حَقِّ مطلق و ثابت، گشایش؛ ای آشکار،
 گشایش؛ ای یقین بدون شبهه، الْفَرْجُ؛ یا مَالِكُ، الْفَرْجُ؛ یا قُدُّوسُ، الْفَرْجُ؛ یا مُتَقَدِّسُ، الْفَرْجُ؛ گشایش؛ ای صاحب اختیار،
 گشایش؛ ای منزّه از هر گونه عیب، گشایش؛ ای پاک از هر گونه نقص، گشایش؛ یا وَاحِدُ، الْفَرْجُ؛ یا اَحَدُ، الْفَرْجُ؛ یا مُتَوَحِّدُ،
 الْفَرْجُ؛ یا مُمِدُّ، ای یکتا، گشایش؛ ای بی همتا، گشایش؛ ای یگانه، گشایش؛ ای ادامه دهنده،

الْفَرَجُ؛ یا قَهَّارُ، الْفَرَجُ؛ یا رَاحِمُ، الْفَرَجُ؛ یا مُفَضِّلُ، الْفَرَجُ؛ گشایش؛ ای صاحب قهر و غلبه، گشایش؛ ای رحم کننده، گشایش؛
 ای برتری دهنده، گشایش؛ یا مَتَرَحِّمُ، الْفَرَجُ؛ یا قاصِمُ، الْفَرَجُ؛ یا مُکَرِّمُ، الْفَرَجُ؛ یا مُعَلِّمُ، ای ترَحِّم کننده، گشایش؛ ای درهم
 شکننده، گشایش؛ ای گرمی دارنده، گشایش؛ ای آموزنده، الْفَرَجُ؛ یا مُصْطَفٰی، الْفَرَجُ؛ یا مُزَكِّی، الْفَرَجُ؛ یا وافِی،
 الْفَرَجُ؛ گشایش؛ ای برگزیننده، گشایش؛ ای پاک کننده، گشایش؛ ای وفا کننده، گشایش؛ یا کاشِفُ، الْفَرَجُ؛ یا مُصَرِّفُ، الْفَرَجُ؛
 یا داعی، الْفَرَجُ؛ یا مَرْجُو، ای برطرف کننده (اندوه)، گشایش؛ ای دگرگون کننده، گشایش؛ ای دعوت کننده، گشایش؛ ای
 مایه امید، الْفَرَجُ؛ یا مُتَجَاوِزُ، الْفَرَجُ؛ یا فَاتِحُ، الْفَرَجُ؛ یا مَلِیکُ، الْفَرَجُ؛ گشایش؛ ای گذشت کننده، گشایش؛ ای فتح کننده،
 گشایش؛ ای دارنده هستی، گشایش؛ یا مُقَدِّرُ، الْفَرَجُ؛ یا مُؤَلِّفُ، الْفَرَجُ؛ یا مُمَهِّدُ، الْفَرَجُ؛ یا مُؤَيِّدُ، ای اندازه گیری کننده،
 گشایش؛ ای گردآورنده، گشایش؛ ای آماده کننده، گشایش؛ ای تأیید کننده، الْفَرَجُ؛ یا شَاهِدُ، الْفَرَجُ؛ یا صَادِقُ، الْفَرَجُ؛ یا
 مُصَدِّقُ، الْفَرَجُ؛ گشایش؛ ای گواه، گشایش؛ ای راستگو، گشایش؛ ای تصدیق کننده، گشایش؛ یا مُدْرِکُ، الْفَرَجُ؛ یا سَابِقُ،
 الْفَرَجُ؛ یا عَوْنُ، الْفَرَجُ؛ یا لَطِیفُ، ای دریابنده، گشایش؛ ای سبقت گیرنده، گشایش؛ ای یاری دهنده، گشایش؛ ای لطف
 کننده، الْفَرَجُ؛ یا رَقِیبُ، الْفَرَجُ؛ یا فَاطِرُ، الْفَرَجُ؛ یا مُفْنِی، الْفَرَجُ؛ گشایش؛ ای مراقب و دیدبان، گشایش؛ ای پدید آورنده (و
 بروز دهنده استعدادها)، گشایش، ای از بین برنده، گشایش؛ یا مُسِخِّرُ، الْفَرَجُ؛ یا مُمَجِّدُ، الْفَرَجُ؛ یا مَعْبُودُ، الْفَرَجُ؛ یا مَدْعُو، ای
 تسخیر کننده، گشایش؛ ای شکوهمند کننده، گشایش؛ ای پرستش شده، گشایش؛ ای خوانده شده، الْفَرَجُ؛ یا مَرْهُوبُ، الْفَرَجُ؛ یا
 مُسِیْعَانُ، الْفَرَجُ؛ یا مُلْتَجِئُ، الْفَرَجُ؛ گشایش؛ ای ترسناک، گشایش؛ ای یاری رسان، گشایش؛ ای پناه دهنده، گشایش؛ یا کَهْفُ،
 الْفَرَجُ؛ یا عِمْدَةُ، الْفَرَجُ؛ یا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. اَللّٰهُمَّ ای پناهگاه، گشایش؛ ای سرمایه و ساز و برگ، گشایش؛ ای صاحب
 بزرگی و بزرگواری. خداوندا؛

يَدَيَّ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. يَا أَبَا مَقْدَمٍ دَاشْتِه ايم، اَي آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن.
 اَي اَبَا الْحَسَنِ، يَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ الْحَسَنَ؛ اَي عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ؛ اَي امير مؤمنان؛ اَي حُجَّتِ
 خداوند علی خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ آفَرِيد گانش؛ اَي سرور و سالار ما؛ ما به واسطه تو به
 سوی خدا روی آورده، و به وسیله تو بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ به درگاه خدا توسَّل جستۀ، و
 تو را شفیع خود گردانیدۀ، و پیشاپیش حاجت های مان حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. يَا فَاطِمَهُمُ مَقْدَمٍ دَاشْتِه ايم،
 اَي آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن. اَي فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ، يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا سَيِّدَتَنَا وَمَوْلَاتَنَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ
 زهرا؛ اَي دختر رسول خدا؛ اَي سرور و مولای ما؛ ما به واسطه تو به سوی خدا روی آورده، اِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ،
 وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ وَ به وسیله تو به درگاه خدا توسَّل جستۀ، و تو را شفیع خود گردانیدۀ، و پیشاپیش بَيْنَ يَدَيَّ
 حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. حاجت های مان مَقْدَمٍ دَاشْتِه ايم، اَي آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند
 شفاعت کن. يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ اَي اَبَا مُحَمَّدٍ؛ اَي حسن بن علی؛ اَي زاده رسول خدا،
 اَي حُجَّتِ خدا عَلٰی خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ آفَرِيد گانش؛ اَي سرور و سالار ما؛ ما به واسطه تو
 به سوی خدا روی آورده، و به وسیله تو بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ به درگاه خدا توسَّل جستۀ،
 و تو را شفیع خود گردانیدۀ، و پیشاپیش حاجت های مان حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، مَقْدَمٍ
 دَاشْتِه ايم، اَي آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن. اَي اَبَا عَبْدِ اللَّهِ؛

یا حُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ، یَا ابْنَ رَسُوْلِ اللَّهِ، یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَی خَلْقِهِ، ای حسین بن علی؛ ای فرزند رسول خدا؛ ای حجت خدا بر آفریدگانش؛ یا سَیِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، ای سرور و سالار ما؛ ما به واسطه تو به سوی خدا روی آورده، و به وسیله تو به درگاه خدا توسل جسته، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَهَدَمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَتِنَا، یا وَجِیْهًاو تو را شفیع خود گردانیده، و پیشاپیش حاجت های مان مقدم داشته ایم، ای آبرومند عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. یا أَبَا الْحَسَنِ، یا عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ، نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن. ای ابا الحسن؛ ای علی بن حسین؛ یَا ابْنَ رَسُوْلِ اللَّهِ، یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَی خَلْقِهِ، یا سَیِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، و به واسطه تو به سوی خدا روی آورده، و به وسیله تو به درگاه خدا توسل جسته، و تو را شفیع خود گردانیده، اللَّهُ، وَهَدَمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَتِنَا، یا وَجِیْهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَاو پیشاپیش حاجت های مان مقدم داشته ایم، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند عِنْدَ اللَّهِ. یا أَبَا جَعْفَرٍ، یا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ، یَا ابْنَ رَسُوْلِ اللَّهِ، شفاعت کن. ای ابا جعفر؛ ای محمد بن علی؛ ای فرزند رسول خدا؛ یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَی خَلْقِهِ، یا سَیِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، و به واسطه تو به سوی خدا روی آورده، اللَّهُ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَهَدَمْنَاكَ و به وسیله تو به درگاه خدا توسل جسته و تو را شفیع خود گردانیده، و پیشاپیش بَيْنَ يَدَيِ حَاجَتِنَا، یا وَجِیْهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. یا حاجت های مان مقدم داشته ایم، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن. ای أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، یا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، یَا ابْنَ رَسُوْلِ اللَّهِ، یا حُجَّهَ اللَّهِ اباعبدالله؛ ای جعفر بن محمد؛ ای فرزند رسول خدا؛ ای حجت خدا

عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلْنَا بِرِ آفَرِيدْ كَانَش؛ اى سرور و سالار ما؛ ما به واسطه تو به سوى خدا روى آورده، و به وسيله تو به درگاه خدايِكَ اِلَى اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ تَوَسَّلْ جسته، و تو را شفيع خود گرداننده و پيشاپيش حاجت هاى مان حاجاتِنَا، يا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. يا اَبَا اِبْرَاهِيمَ، مَقْدَم داشته ايم، اى آبرومند نزد خدا؛ براى ما نزد خداوند شفاعت كن. اى ابا ابراهيم؛ يا مُوسَى بَنَ جَعْفَرٍ، يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، اى موسى بن جعفر؛ اى فرزند رسول خدا؛ اى حُجَّتْ خدا بر آفريدگانَش؛ يا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، اى سرور و سالار ما؛ ما به واسطه تو به سوى خدا روى آورده و به وسيله تو به درگاه خدا تَوَسَّلْ جسته وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حاجاتِنَا، يا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا مَقْدَم داشته ايم، اى آبرومند عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. يا اَبَا الْحَسَنِ، يا عَلِيُّ بَنَ مُوسَى، نزد خدا؛ براى ما نزد خداوند شفاعت كن. اى اباالحسن؛ اى عَلِيُّ بَنَ مُوسَى؛ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا اى فرزند رسول خدا؛ اى حُجَّتْ خدا بر آفريدگانَش؛ اى سرور و سالار ما؛ ما تَوَجَّهْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ خود اِلَى اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا گرداننده، و پيشاپيش حاجت هاى مان مَقْدَم داشته ايم، اى آبرومند نزد خدا؛ براى ما نزد خداوند عِنْدَ اللَّهِ. يا اَبَا جَعْفَرٍ، يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يا شَفَاعَتْ كن. اى ابا جعفر؛ اى مُحَمَّد بن على؛ اى فرزند رسول خدا؛ اى حُجَّهَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، حُجَّتْ خدا بر آفريدگانَش؛ اى سرور و سالار ما؛ ما به واسطه تو به سوى خدا روى آورده

وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ وَبِهِ وَسِيلَهُ تُوْ بَه دَرگَاهِ خِدا تَوْسَلْ جِسْتَه وَ تُو رَا شَفِيعِ خُود
گِردانیده، و پیشاپیش حاجت های مان یَدی حَاجَاتِنَا، یا وَجِیْهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. یا أَبَا مَقْدَمِ دَاشْتَه اِیْم، اِی اَبِرومَنَد نَزْد
خِدا؛ بَرای مان نَزْد خِداوند شَفَاعَتِ کَن. اِی اِبا الحَسَنِ، یا عَلِیَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، یا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَیْهِ الْحَسَنُ؛ اِی عَلِیَّ بْنَ
مُحَمَّدٍ؛ اِی فِرزَنَد رَسولِ خِدا؛ اِی حَبَّتِ خِدا بَر خَلْقِهِ، یا سَیِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ آفَرِید گَانش؛ اِی
سِرور وَ سَلاَر ما؛ ما بَه واسطَه تُو بَسوی خِدا رَوی آورده وَ بَه وَسِیلَهُ تُو بَه دَرگَاهِ خِدا تَوْسَلْ اِلی اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ اِلی اللَّهِ،
وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَي حَاجَاتِنَا، جِسْتَه وَ تُو رَا شَفِيعِ خُود گِردانیده، و پیشاپیش حاجت های مان مَقْدَمِ دَاشْتَه اِیْم، یا وَجِیْهًا عِنْدَ اللَّهِ،
إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. یا أَبَا مُحَمَّدٍ، یا حَسَنَ بْنَ اِی اَبِرومَنَد نَزْد خِدا؛ بَرای مان نَزْد خِداوند شَفَاعَتِ کَن. اِی اِبا مُحَمَّدٍ؛ اِی حَسَنَ بْنَ
عَلِیٍّ، یا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَی خَلْقِهِ، یا سَیِّدَنَا وَمَوْلَانَا عَلِیُّ؛ اِی فِرزَنَد رَسولِ خِدا؛ اِی حَبَّتِ خِدا بَر آفَرِید گَانش؛ اِی
سِرور وَ سَلاَر ما؛ إِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلی اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ ما بَه واسطَه تُو بَه سَوی خِدا رَوی آورده وَ بَه
وَسِیلَهُ تُو بَه دَرگَاهِ خِدا تَوْسَلْ جِسْتَه وَ تُو رَا شَفِيعِ اِلی اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَي حَاجَاتِنَا، یا وَجِیْهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ خُود گِردانیده،
وَ پِشاپِیش حاجت های مان مَقْدَمِ دَاشْتَه اِیْم، اِی اَبِرومَنَد نَزْد خِدا؛ بَرای مان نَزْد لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. یا وَصِيَّ الْحَسَنِ وَالْخَلْفَ الصَّالِحِ،
یا ابْنَ رَسُولِ خِداوند شَفَاعَتِ کَن. اِی وَصِيَّ اِمَامِ حَسَنِ، وَ جَانشین شایِستَه او؛ اِی فِرزَنَد رَسولِ اللَّهِ، یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَی خَلْقِهِ، یا
سَیِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ خِدا؛ اِی حَبَّتِ خِدا بَر آفَرِید گَانش؛ اِی سِرور وَ سَلاَر ما؛ ما بَه واسطَه تُو اِلی اللَّهِ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ
إِلَى اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ اِلی اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَسوی خِدا رَوی آورده وَ بَه وَسِیلَهُ تُو بَه دَرگَاهِ خِدا تَوْسَلْ جِسْتَه وَ تُو رَا شَفِيعِ خُود
گِردانیده، و پیشاپیش

بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. اَللّٰهُمَّ حَاجَتِ هَآئِیْ مَا نَقْدَمُ دَاشْتِهٖ اَیْم، اَی اَبْرَوْمَنْد نَزْد خدَا؛ بَرَای مَا نَزْد خدَاوَنْد شَفَاعَتِ كَنْ. خدَاوَنْدَا؛ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاکْشِفْ عَنَّا كُلَّ هَمٍّ، وَفَرِّجْ عَنَّا بَر مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دُرُودِ فَرَسْت، وَ اَز مَا هَر اَنْدوهی رَا بَر طَرَفِ كَنْ، وَ هَر غَمی رَا كُلَّ غَمٍّ، وَاقْضِ لَنَا كُلَّ حَاجَةٍ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ. اَللّٰهُمَّ دُورِ كَنْ، وَ بَرَای مَا هَر حَاجَتی اَز حَاجَتِ هَآئِیْ دُنْیَا وَ آخِرَتِ رَا بَر آورده سَاز. خدَاوَنْدَا؛ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْزِزْنَا مِنْ شَرِّ جَمِیعِ مَا خَلَقْتَ. بَر مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دُرُودِ فَرَسْت، وَ مَا رَا اَز شَرِّ وَ بَدی اَنْچِه اَفَریده اَی پناه بده. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَلْبِسْنَا دِرْعَكَ الْحَصِیْنَةَ، خدَاوَنْدَا؛ بَر مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دُرُودِ فَرَسْت، وَ زَرِه مَحْكَمَتِ رَا بَر مَا بَیُوشَان، وَ قِنَا شَرِّ جَمِیعِ خَلْقِكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ مَا رَا اَز شَرِّ وَ بَدی تَمَامِ اَفَریدگانَتِ مَحْفُوظِ بَدَار. خدَاوَنْدَا؛ بَر مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دُرُودِ فَرَسْت، وَ اخْفِضْ غُرْبَتَنَا، وَ اسْتُرْ عَوْرَتَنَا، وَ اَمِنْ رَوْعَتَنَا، وَ اكْفِنَا مِنْ بَغْیِو دُورِی وَ بَیگانگیِ مَا رَا (اَز غَیرِ خُودَتِ) حَفْظِ كَنْ، وَ زَشْتِی هَآئِیْ مَا رَا بَیُوشَان، وَ تَرَس وَ وَحْشَتِی مَا رَا اَیْمَنی بَخْشِ، وَ اَز سَتَمِ اَنانَكِه عَلَیْنَا، وَ انْصِرِفْنَا عَلَی مَنْ ظَلَمْنَا، وَ اعِزَّنَا مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ، بَر مَا گَرْدَنكشی می كَنْد وَ دَسْتِ دَرَازِ می نَمَایَنْدِ كَفَايَتِ كَنْ، وَ مَا رَا بَر كَسَانی كِه بِه مَا ظَلَمِ می كَنْد یاری فَرْمَا، وَ اَز شَیْطَانِ رَا نَدِه شدِه، وَ مِنْ جَوْرِ السُّلْطَانِ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذی شَرٍّ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِی وَ سَتَمِ سُلْطَانِ وَ شَرِّ وَ آزارِ هَر بَدی كَنْدِه اَی پناه بده. خدَاوَنْدَا؛ مَا رَا دَر سِرِّكَ وَ فِی حِفْظِكَ، وَ فِی كَنْفِكَ وَ فِی حِزْزِكَ، وَ فِی عِیَاذِكَ بَیُوشِشِ خُودَتِ وَ دَر حَفْظِ وَ حَمَايَتِ وَ حِرَاسَتِ وَ پناه وَ فِی عِزِّكَ وَ فِی مَنَعِكَ، عَزَّ جَارُكَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ، وَ اَمْتَنَعَ عَائِدُكَ، وَ عَزَّتْ وَ بَاز دَارَنْدِ گَیْتِ قَرَارِ بَدِه، اَنَكِه دَر جَوَارِ تُو بَاشْدِ عَزِیزِ اسْتِ وَ مَدْحِ وَ ثَنَایِ تُو بَلَنْدِ مَرْتَبِه اسْتِ، وَ پناهَنْدِه اَتِ دَر دَسْتَرَسِ دَشْمَنْ وَ لَا اِلَهَ غَیْرُكَ، تَوَكَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِنِیْسْتِ، وَ مَعْبُودِی غَیْرِ تُو نَبَاشْدِ، بَر خدَاوَنْدِ زَنْدِه اَی كِه نَمِی مَیْرِدِ تَوَكَّلِ كَرْدَمِ، وَ حَمْدِ وَ سَتَايِشِ مَخْصُوصِ خدَاوَنْدِی

الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ اسْتِ که فرزندی نگرفته و برای او شریکی در فرمانروائی نیست، و سرپرستی از روی لَهُ وَلِيُّ مِنَ الذُّلِّ، وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا، خواری و ناتوانی ندارد، و او را به بزرگی یاد می کنیم، و هر صبحگاه و شامگاه خدا را تسبیح می گویم، وَلَا- حَوْلَ وَلَا- قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهِيَ قدرت و نیرویی جز به سبب خداوند بلندمرتبه بزرگ نیست، و درود خدا بر محمد و آله اجمعین. اَللَّهُمَّ كُفِّ عَنِ عَبْدِكَ الضَّعِيفِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَهُوَ همه آل او باد. خداوندا؛ از فلانی پسر فلانی بنده ضعیف، شَرَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ، وَذُبَّ عَنْهُ كَيْدُهُ وَمَكْرُهُ، وَغَائِلَتُهُ وَبَطْشُهُ، شَرٌّ و آزار فلانی پسر فلانی را باز بدار، و از او فکر و نیرنگ و بدی و چیرگی وَحِيلَتُهُ وَغَمَزُهُ، وَطُمَهُ بِالْعَذَابِ طَمًّا، وَقُمَّهُ بِالْبَلَاءِ قَمًّا، وَأَبْخُ و حيله و فریب و بدگوئی او را دور کن، و او را به شدت غرق عذاب و سختی گردان و بلای فراگیری را بر او مسلط ساز، و حریم حریمه، وَازِمِهِ يَوْمٍ لَا مَعَادَ لَهُ، وَبِسَاعَةِ لا مَرَدَّ لَهَا، إِنَّكَ عَلَيَاو را که جز بر اهلیش روا نیست بر همگان مباح کن، و به روزی بینداز که بازگشتی برایش نباشد، و به ساعتی که راه رهایی برایش نباشد، که توکلُ شَيْءٍ ة قَدِيرٌ. اَللَّهُمَّ بِحَقِّ الْأَيْمَةِ الْمُعْصُومِينَ، وَبِحَقِّ حُرْمَتِهِمْ بر هر چیز توانایی. خداوندا؛ به حق امامان پاک و معصوم، و به حرمتی که لَدَيْكَ، وَمَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَكَ، أَهْلِكُهُ هَلَكَاً عَاجِلاً غَيْرَ أَجَلٍ، وَخُذْهُ در پیشگاه تو، و جایگاه و مرتبه ای که نزد تو دارند، او را فوری و بدون تأخیر به هلاکت برسان، و مجازات کن أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اَللَّهُمَّ بِحَقِّكَ مجازات کردن شخص نیرومند باقتدار، به مهربانیت ای مهربانتر از همه مهربان ها. خداوندا؛ به حق بزرگ العظیم، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَبِحَقِّ أَنْبِيَآءِكَ وَرُسُلِكَ و الایت، و به حق محمد، و به حق پیامبران و رسولانت، وَبِحَقِّ هَؤُلَاءِ الْأَيْمَةِ الْمُعْصُومِينَ، وَبِحَقِّ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، و به حق امامان پاک و معصوم، و به حق بندگان شایسته ات،

وَبِحَقِّ مَنْ نَادَاكَ وَنَاجَاكَ، وَدَعَاكَ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، صَلِّ عَلَيَّوْهُ بِحَقِّ آنانکه تو را صدا بزنند و با تو نجوا کنند، و در خشکی و دریا تو را بخوانند، بِرُمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَتَفَضَّلْ عَلَى قُرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ درود فرست، و در فرج ایشان شتاب کن، و بر مردان و زنان الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى وَالْبَرَكَه، وَعَلَى مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مَوْمن فقیر به توانگری و برکت لطف کن، و بر مردان و زنان مَوْمن مریض بِالشِّفَاءِ وَالْعَافِيهِ، وَعَلَى مَوْتَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ شفا مرحمت کن و عافیت بده، و بر مردان و زنان مَوْمن که از دنیا رفته اند آمزش وَالرَّحْمَه، وَعَلَى غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ و رحمت ارزانی بدار و بر مردان و زنان مَوْمن غریب به بازگشت ایشان سَالِمِينَ غَانِمِينَ، وَعَلَى الْإِدْنِ وَأَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا وَأَهْلٍ با سلامتی و بهره مندی به وطن هایشان عنایت فرما، و بر پدران و مادران و همسران و فرزندان خُزَائِنَا بِالْعِثْقِ مِنَ النَّارِ وَالْفُوزِ بِالْجَنَّةِ، وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَاوْ آنانکه به ما مربوطند با رهایی ایشان از آتش و کامیابی به بهشت کرم کن، و احسان فرما در کار مَافَرَجًا وَمَخْرَجًا، وَارْزُقْنَا رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا مِنْ حَيْثُ نَحْتَسِبُ فرج و گشایشی عنایت کن، و به ما روزی حلال پاک از جایی که گمان داریم وَمِنْ حَيْثُ لَا نَحْتَسِبُ، وَاخْتِمْ لَنَا بِخَيْرٍ، وَأَصْلِحْ لَنَا شَأْنَنَا، وَأَعِنَّاوْ از آنجا که گمان نداریم روزی گردان، و عاقبت و سرانجام کار ما را به خیر گردان، و شئون ما را اصلاح کن، وَلِدِينَنَا وَدُنْيَانَا، وَأَقْضِ حَوَائِجِنَا كُلَّهَا مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، برای دین و دنیا ما را کمک کن، و همه حاجت های دنیوی و اخروی ما رَامِمًا لِمَكَ فِيهِ رِضًى وَلَنَا فِيهِ صِيْلَاحٌ، وَأَغْنِنَا وَأَذْرِكُنَا، وَارْزُقْنَا که خشنودی تو و مصلحت ما در آن است برآورده ساز، و به فریاد ما برس و ما را دریاب، وَحِجِّ بَيْتِكَ الْحَرَامَ وَزِيَارَةَ النَّبِيِّ وَالْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فِی حِجِّ خانه محترم خودت و زیارت پیامبر و ائمه طاهرین را - که سلام و درود بر آنان باد - در

عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ، وَاجْعَلْنَا فِي طَاعَتِكَ مُجِدِّينَ، وَفِي هَمِينَ امْسَالٍ وَدُرِّ هَرِّ سَالِي رُوزِي مَا گِردَان، وَ مَا رَا دَرِ اطَاعَتِ خُودِ كُوشَا، وَ دَرِ خِدْمَتِكَ رَاغِبِينَ، وَ قِنَا بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ عَذَابَ الْفَقْرِ وَالْقَبْرِ وَ النَّارِ خِدْمَتِ خُودِ مَشْتَاقِ قَرَارِ بَدَه، وَ بَه فَضْلِ رَحْمَتِ از سَخْتِي فَقَرِ وَ عَذَابِ قَبْرِ وَ آتَشِ وَسَيِّكَرَاتِ الْمَوْتِ، وَأَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. وَ سَخْتِي جَانِ كَنْدَنِ وَ وَحْشَتِ هَايِ رُوزِ قِيَامَتِ مَا رَا حَفْظِ كُن، اِي مَهْرَبَانْتَرِينِ مَهْرَبَانَان.

سپس سجده شکر نموده و در آن، حاجت خود را بخواهد که ان شاء الله برآورده می شود. (۱)

دعای حضرت امام رضا علیه السلام پس از هشت رکعت نماز شب

این دعا از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است و بعد از هشت رکعت نافله نماز شب خوانده می شود:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِحُزْمِهِ مَنْ عَاذَ بِكَ مِنْكَ، وَلَجَاً اِلٰی عِزِّكَ، خُداوَنَدَا؛ از تو درخواست می کنم به احترام آنکه به (رحمت) تو از (عقاب) تو پناهنده گشت، و به عزّت پناه برد، وَاسْتَظَلَّ بِفَيْئِكَ، وَاعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ، وَلَمْ يَثِقْ اِلَّا بِكَ، یا جَزِيلَ و در سایه لطفت قرار گرفت، و به ریسمان تو چنگ زد، و تنها به تو اطمینان کرد، اِي صَا حَبِ الْعَطَايَا، یا مُطْلِقَ الْاَسَارِي، یا مَنْ سَمِيَ نَفْسُهُ مِنْ جُودِهِ عَطَا و بخشش بسیار؛ اِي آزادکننده اسیران؛ اِي آنکه خود را به خاطر جود و بخشش فراوان وَهَّاباً، اَدْعُوكَ رَغْباً وَرَهْباً، وَخَوْفاً وَطَمَعاً، وَ اِلْحاحاً وَ اِلْحافاً، «وَهَّاب» یعنی زیاد بخشنده نامیده است، تو را از روی اشتیاق و هراس، و ترس و طمع، و الحاح و اصرار و خواری،

ص: ۲۱۰

وَتَضَرُّعاً وَتَمَلُّقاً، وَقَائِماً وَقَاعِداً، وَرَاكِعاً وَسَاجِداً، وَرَاكِباً وَزَارِياً وَفَرَوْتِياً، وَدَرَّ حَالِ اِیْسْتَادَه وَنَشِیْطَه، وَرُكُوعٍ وَسُجُودٍ، وَ سَوَارَه وَمَاشِیَّاً، وَذَاهِباً وَجَائِئاً، وَفِی كُلِّ حَالَاتِی، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّیَ وَیُطَاعَ، وَرَفْتِی وَآمَدَی، وَدَر هَمِه حَالَاتِمِی خَوَانِمِی، وَ اَز تُو مِی خَوَاهِمِی كِه عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِی كَذَا وَكَذَا. (۱)

بر محمد و آل محمد درود فرستی، و با من «چنین و چنان» کنی.

دعا پس از نماز در مقام جبرئیل علیه السلام

این دعا منسوب به حضرت امام رضا علیه السلام است:

در مقام جبرئیل علیه السلام، دو رکعت نماز بخوان و بگو:

یا جَوَادُ یا کَرِیْمُ، یا قَرِیباً غَیْرَ بَعِیدٍ، أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَیْسَ اِیْ بِخَشْنَدِه؛ اِیْ بَزَرْگَوَار؛ اِیْ نَزْدِیْکِی كِه دُور نِیْسْتِی؛ اَز تُو دِرْخَوَاسْتِ مِی كَنَم - بِه اِیْنَكِه تُو خَدَاوَنْدِی كَمِثْلِكَ شَیْءٌ أَنْ تَعْصِمَ مِنِّی مِنَ الْمَهَالِكِ، وَأَنْ تُسَلِّمَنِّی مِنْ اِفَاتٍ وَ هِیْچ چِیز مَانَنْدِ تُو نِیْسْت - كِه مِرا اَز مِوَارِدِ هَلَاكَتِ نَگَهْداری، وَ اَز آفْتِ هَایِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَه، وَوَعْتَاءِ السَّفَرِ وَ سُوءِ الْمُنْقَلَبِ، وَأَنْ تَرُدَّنِّی سَالِمًا دُنْیَا وَ آخِرَتِ، وَ دِشْواری هَایِ سَفَرِ وَ بَدِی بَازْگِشْتِ سَلَامَتِ بَداری، وَ اِیْنَكِه مِرا اِلَیْ وَطَنِی بَعْدَ حَیْجِ مَقْبُولٍ وَ سِیْغِی مَشْكُورٍ، وَ عَمَلٍ مُتَقَبَّلٍ، وَلَا تَجْعَلْهُ بَعْدَ اَز حَیْجِ پَذِیْرَفْتِه شَدِه، وَ تَلَاشِ پَادَاشِ دَادِه شَدِه، وَ عَمَلِ مِوَرْدِ قَبُولِ سَالِمِ بِه وَطَنِمِ بَازْگَرْدانی، وَ اَنْ رَا اِخِرَ الْعَهْدِ مِنِّی مِنْ حَرَمِكَ وَ حَرَمِ نَبِيِّكَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ. (۲) اَخِرِیْنِ دِیْدَارِ مِیْنِ اَز حَرَمَتِ وَ حَرَمِ پِیَاْمَبَرْتِ - كِه دِرودِ خَدَا بِرِ او وَ آلِ او بَاد - قَرَار نَدِهی.

ص: ۲۱۱

۱- ۷۷. مصباح المتهجد: ۱۵۰، بحار الأنوار: ۲۵۷/۸۷.

۲- ۷۸. هدیة الزائرین و بهجة الناظرین: ۳۱۳، مستدرک الوسائل: ۱۹۶/۱۰.

همان گونه که می توانیم برای خود زیارت بخوانیم، می توانیم به نیابت از افرادی که یا فرد معین نیز زیارت کنیم یا اصل زیارت را به نیابت از دیگری انجام دهیم.

دستور نماز این گونه زیارت ها را در «بخش نمازها» بیان کردیم و اکنون دعاهایی که پس از نماز آن ها خوانده می شود بیان می کنیم:

دعا پس از نماز زیارت به نیابت از دیگران

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ زُرْتُ هَذِهِ الزَّیَّارَةَ، وَصَلَّیْتُ هَاتِیْنِ الرَّكْعَتَیْنِ، وَجَعَلْتُ خَدَاوْنَدَا؛ مِنْ اِیْنِ زِیَارَتِ رَا اَنْجَام دَادَم، وَ اِیْنِ دُو رَكْعَتِ نَمَاز رَا خَوَانْدَم، وَ ثَوَابَهُمَا لِجَمِیْعِ اِخْوَانِی الْمُؤْمِنِیْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، وَ لِجَمِیْعِ مَنْ ثَوَابِ اَنْ دُو رَا بَرَایِ هَمِّه مَرْدَانِ وَ زَنَانِ مُؤْمِنِ وَ هَمِّه اَنْهَائِیْ کِه اَوْصَانِی بِالزَّیَّارَةِ وَ الدُّعَاءِ لَهُ. اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ ذَلِکَ مِنِّیْ وَ مِنْهُمْ، مَرَا بَه زِیَارَتِ وَ دَعَا سَفَارَشِ کَرْدَنْدِ قَرَارِ دَادَم. خَدَاوْنَدَا؛ اَنْ رَا اَز مَنْ وَ اَز اِیْشَانِ قَبُولِ کَنْ، بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ. (۱)

به رحمت ای مهربانترین مهربانان.

دعا پس از نماز زیارت به نیابت از شخص خاص

دعا پس از نماز زیارت ...

اَللّٰهُمَّ لِمَکَ صَلَّیْتُ وَ لِمَکَ رَكْعَتُ وَ لِمَکَ سَیَّجَدْتُ، لِاَنَّهُ لَا یَتَّبِعُنِیْ خَدَاوْنَدَا؛ بَرَایِ تُو نَمَازِ خَوَانْدَم وَ بَرَایِ تُو رَكْعَیْ نَمُودَم وَ بَرَایِ تُو سَجْدَه کَرْدَم، زِیْرَا

ص: ۲۱۲

الصَّلَاةُ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ إِلَّا لَكَ. اللَّهُمَّ وَقَدْ جَعَلْتُ ثَوَابَ نَمَازٍ وَرُكُوعٍ وَسُجُودٍ جِزَای تو سزاوار نیست. خداوندا؛ ثواب سلامی و زیارتی و صیلاتی هاتین الرکعتین هدیه منی إلى سلام و زیارت و این دو رکعت نمازم را هدیه کردم به فلان بن فلان، فتقبل ذلک منی ومنه، وأجزنی علیه، إنک فلائی فرزند فلائی، آن را از من و از او بپذیر، و مرا بر آن پاداش ده، که تو علی کل شیءٍ قدیر. (۱)

بر هر چیز توانا هستی.

دعا پس از نماز زیارت در سفر نیابتی

اللَّهُمَّ مَا أَصَابَنِي مِنْ تَعَبٍ أَوْ نَصَبٍ أَوْ سَعَبٍ أَوْ لُغُوبٍ، فَأَجْزُ فُلَانٍ خُداوندا؛ در مقابل رنج و ناراحتی و گرسنگی و خستگی که در این سفر به من رسیده، فلائی بن فلان علیه، وأجزنی فی نیابتی عنه، السَّلامُ عَلَیْكَ یا مَوْلَایَ فرزند فلائی را پاداش بده، و مرا در نیابتم از او اجری مرحمت کن. سلام بر تو ای مولای من؛ عَنْ فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ أَتَيْتُكَ زَائِراً عَنْهُ، فَاشْفَعْ لَهُ وَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ. از طرف فلائی فرزند فلائی به پیشگاه تو به عنوان زیارت از طرف او آمده ام، پس شفاعت کن برای او و برای من نزد پروردگارت.

آنگاه برای آن شخص و مؤمنان دیگر دعا کنید، و هنگام وداع نیز همین عمل را انجام دهید. (۲)

ص: ۲۱۳

۱- ۸۰. کتاب فی الزیارات والأدعیه (مخطوط): ۶۰.

۲- ۸۱. کتاب فی الزیارات والأدعیه (مخطوط): ۶۱.

از راه دور در بیست و پنجم ذیقعد

اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ، هَدِيَّةٌ مِّنِّيْ اِلَى رُوْحِ سَيِّدِيْ وَاِمَامِيْ خَدَاوَنَدَا؛ اَيْنِ دُو رَكَعَتِ نَمَازِ هَدِيَّةِ اِيْ اَسْتُ اَزْ طَرَفِ مَنْ بَه رُوْحِ پَاكِ سُرُوْرَمِ وَاِمَامَمِ وِ پِيْشَوَايِمِ، عِنْدِكَ وَوَلِيَّكَ، اَبِي الْحَسَنِ عَلِيٍّ بِنِ مُوسَى الرِّضَا، صَلَوَاتُكَ بِنْدَه تُو وِ وَلِيٍّ تُو اَبَا الْحَسَنِ عَلِيٍّ بِنِ مُوسَى الرِّضَا، كِه دُرُوْدُو تَسْلِيْمَاتُكَ عَلَيَّ رُوْحِهِ وَجَسَدِهِ. اَللّٰهُمَّ قَبِّلْهُمَا مِنِّيْ اِلْيُو سَلَامِ فَرَاوَانَتِ بَر رُوْحِ پَاكِ وِ جَسَدِ طَاهِرِ اُو بَاد. خَدَاوَنَدَا؛ اَيْنِ هَدِيَّةِ مَرَا بَه رُوْحِهِ، وَاَزْدُو عَلَيَّ مِنْ رُوْحِهِ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ. اَللّٰهُمَّ وَاَجْزِنِيْ رُوْحِ اُو بَرَسَانِ، وَاَزْ طَرَفِ رُوْحِ پَاكِ اُو دُرُوْدِ وِ سَلَامَشِ رَا بَه مَنْ بَاَزْگَرْدَانِ. خَدَاوَنَدَا؛ بَه مَنْ بَه خَاطِرِ اَيْنِ كَارَعَلِيْ ذَلِكْ اَفْضَلَ الْجَزَاءِ مِنْكَ، وَفِي رَسُوْلِكَ، وَفِي وُلْدِ رَسُوْلِكَ، اَزْ طَرَفِ خُودِ بَهْتَرِيْنَ جَزَا وِ پَادَاشِ رَا مَرَحْمَتِ فَرَمَا، وِ دَرِ مُورِدِ رَسُوْلَتِ وِ فَرَزَنْدَانِ رَسُوْلَتِ، وَفِي وَلِيَّكَ، وَفِي وُلْدِ وَلِيَّكَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِيْنَ (۱). (۲).

ص: ۲۱۴

-
- ۱- ۸۳. درباره چهار مورد آخر، زیارت مخصوصی وارد نشده و باید همان زیارات وارده خوانده شود، و چون این دعاها پس از نماز زیارت خوانده می شوند نه پس از زیارت، آن ها را در این بخش آوردیم نه در بخش «هشت دعا بعد از زیارت».
- ۲- ۸۲. اربعه أيام: ۵۳.

و درباره ولایت، و فرزندان ولایت چنین کن، ای سرپرست مؤمنان.

دعای طلب خیر در سجده

بخش هشتم

هشت دعا در سجده

در این بخش، هشت دعا که در سجده خوانده می شوند، نقل می کنیم:

دعای طلب خیر در سجده

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب «عیون اخبار الرضا علیه السلام» با سند خود از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

پس از نماز واجب سجده می کنی و صد مرتبه می گویی:

اَللّٰهُمَّ خِرْ لِّی.

خداوندا! آنچه خیر است برای من قرار بده.

سپس به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه طاهرين عليهم السلام توسّل بجو، و بر آنان درود فرست و درخواست شفاعت کن، آنگاه ببین خداوند چه چیزی به تو الهام می نماید؟ آن را انجام بده که آن، از عنایات خداوند تبارک و تعالی است. (۱)

ص: ۲۱۵

از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

... سپس سجده کنان خود را بر خاک می افکنی و در سجده ات می گوئی:

يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَنْتَ مَوْلَايَ أَيُّ أَهْلِ تَقْوَا وَآمَرِش، أَيُّ مَهْرَبَانْتَرِين مَهْرَبَانَان، تُو مَوْلَاوَسَيِّدِي
فَارْزُقْنِي، أَنْتَ خَيْرُ لِي مِنْ أَبِي وَأُمِّي وَمِنْ النَّاسِ وَ سِرور من هستی پس مرا روزی بده، تو برای من بهتر از پدر و مادر و همه
مردمان أَجْمَعِينَ، بِي إِلَيْكَ فَقْرٌ وَفَاقَةٌ، وَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنِّي، أَسْأَلُكَ هَسْتِي، بِسُورِ تُو نِيَا وَ اَحْتِيَا جِ مِنْ اَسْتِ، وَ تُوَا زِ مِنْ بِي نِيَا زِي،
از تو می خواهم بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، بِه حرمت ذات بزرگوارت، و درخواست می کنم
که بر مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى إِخْوَانِهِ النَّبِيِّينَ، وَالْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ، وَتَسْتَجِيبَ دُعَائِي، و بر برادرانش پیامبران، و امامان پاک درود
فرستی، و دعایم را به اجابت برسانی وَتَرْحَمَ تَضَرُّعِي، وَاصْرِفْ عَنِّي أَنْوَاعَ الْبَلَاءِ يَا رَحْمَنُ. (۱) و به ناله و زاری من رحم کنی، و
انواع بلا را از من بازگردانی، ای (خداوند) بخشنده.

ص: ۲۱۶

ذکر سجده شکر

به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود:

در سجده شکر اگر خواستی صد مرتبه «شُکراً شُکراً» بگو و اگر خواستی صد مرتبه «عَفْواً عَفْواً» بگو. (۱)

ذکر دیگر سجده شکر

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

سجده شکر پس از نماز واجب، به خاطر توفیقی است که خدا به بنده اش مرحمت فرموده تا توانسته فریضه را بجا آورد، و کمترین مقداری که کفایت می کند این است که سه مرتبه بگوید: «شُکراً لِلَّهِ».

حسن بن علی بن فضال - که راوی حدیث است - گوید: به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم: معنی «شُکراً لِلَّهِ» چیست؟ فرمود:

یعنی می گوید: این سجده، سپاسِ توفیقی است که خداوند به من داده تا او را خدمت کنم، و واجباتش را بجا آورم. و همواره شکر کردن باعث فزونی نعمت می گردد؛ پس اگر در نماز تقصیری و کمبودی داشته که با نوافل کامل نگردیده باین سجده کامل می گردد. (۲)

ص: ۲۱۷

۱- ۸۶. مقباس المصاییح: ۲۰۲.

۲- ۸۷. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲۱۹/۱، وسائل الشیعه: ۱۰۷۱/۴، بحار الأنوار: ۱۹۸/۸۶.

دعا در سجده نماز

ابوالحسن صائغ از عمویش روایت کرده است که گفت: با حضرت امام رضا علیه السلام بسوی خراسان بیرون آمدیم، با او در مورد قتل رجاء بن ابی ضحاک - که مأمور بردن آن حضرت به خراسان بود - مشورت کردم، مرا از آن بازداشت و فرمود:

آیا می خواهی شخص مؤمنی را در مقابل شخص کافری به قتل رسانی؟

چون به اهواز رسیدیم، به اهل اهواز فرمود:

برای من مقداری نیشکر تهیه کنید.

یکی از اهل اهواز - از آن ها که بی خردند - گفت: این مرد، اعرابی است نمی داند که نی در تابستان یافت نمی شود.

عرض کردند: ای سرور ما؛ نی در این فصل یافت نمی شود و فقط در زمستان پیدامی شود. فرمود: شما آن را بجوئید پیدا خواهید کرد.

اسحاق بن ابراهیم گفت: به خدا قسم؛ سرور من چیزی را که وجود نداشته باشد طلب نمی کند، در هر طرف عدّه ای را فرستادند و بالأخره کارگران اسحاق آمدند و گفتند: نزد ما مقداری نی هست که آن را برای بذری که می خواهیم زراعت کنیم ذخیره کرده ایم، و این یکی از براهین و دلائل امامت آن حضرت بود.

و وقتی در قریه ای رسید، از او شنیدم که در سجده اش می گفت:

لَكَ الْحَمْدُ إِنَّ أَطْعَمَكَ، وَلَا حُجَّةَ لِي إِنَّ عَصَيْتُكَ، وَلَا صُنْعَ لِي سَتَائِشِ سَزَاوَارِ تَوَاسْتَ اِغْرَ تَوَاطَعَتِ نَمَائِمِ، وَ هِيَ حَبَّتِي نَدَارِمُ اِغْرَ نَافَرَمَانِيَتِ كَنَمِ، وَ كَارِي بَرَايِ مَنْ وَلَا لِعَيْرِي فِي اِحْسَانِكَ، وَلَا عُذْرَ لِي اِنْ اَسَاؤْتُ، مَا اَصَابَنِي مِنْ وَ غَيْرِ مَنْ نِيَسْتِ دَرِ اِحْسَانِ تَوَ، وَ اِغْرَ بَدِي كَنَمِ هِيَ عَذْرِي نَدَارِمِ، اِنْچِه بَه مَنْ اَز

حَسْبَنَهُ فَمِنْكَ يَا كَرِيمٌ، إِغْفِرْ لِمَنْ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا خَيْرٌ وَخَيْرٌ بِرِسْدٍ مِنْ نَاحِيَةٍ تُوَاسِتُهَا بَرْزَخُ الْغَوَارِ، يَا مَرْزُوقُ هَرِ كَسِي
كه در مشرق و مغرب عالم مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ (۱).

از مرد و زن باایمان هست.

دعا در سجده نماز

از حضرت امام رضا علیه السلام چنین نقل شده است:

سپس تکبیر بگو و سجده کن، و سجده بر هفت عضو انجام می شود که عبارتند از: پیشانی، کف دو دست، سر دو زانو، و سر دو انگشت بزرگ پا، و بر بینی سجده تحقق پیدا نمی کند بلکه بر خاک مالیدن آن، کنایه از ذلت و خواری در پیشگاه پروردگار است. در وقت سجده کردن به طرف بینی ات نظر کن، و در بین دو سجده و نیز در تشهد نگاهت به دامت باشد و در سجده ات بگو:

اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ، وَبِكَ اَمَنْتُ، وَلَكَ اَسْلَمْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، خُداوندا؛ برای تو سجده کردم، و به تو ایمان آوردم، و تسلیم تو گردیدم، و بر تو توکل نمودم، اَنْتَ رَبِّي، سَجَدَ لَكَ وَجْهِي وَشَعْرِي وَبَشَرِي وَمُخِي وَلَحْمِي تو پروردگار من هستی، برای تو چهره ام و مویم و پوستم و مغزم و گوشتم و دمی و عظامی، سَجَدَ وَجْهِي الْبَالِي الْفَانِي الدَّلِيلُ وَخُونَمِ وَرَگَمِ وَ استخوانم سجده کرد، چهره فرسوده شونده از بین رفته پست خوار من سجده کرد اَلْمُهَيْنُ، لِلَّذِي خَلَقَهُ وَصَوَّرَهُ، وَشَقَّ سَجْعَهُ وَبَصَّرَهُ، تَبَارَكَ اللهُ لِلَّهِ برای آنکه او را آفریده و صورت بخشیده و گوش و چشم او را گشوده است، پاک است خداوندی که اَحْسَنُ الْخَالِقِينَ، «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» سه یا پنج یا هفت

نیکوترین آفریننده است، «منزه است پروردگار بلندمرتبه من و به ستایش او مشغولم».

ص: ۲۱۹

مرتبه، و اگر نه مرتبه بگویی افضل است. (۱)

دعا در سجده سهو

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده که ذکر سجده سهو این است:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. (۲) به نام خدا و به یاری خدا، سلام بر تو ای پیامبر، و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

دعای سجده هنگام مشکلات

این دعا از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

هنگامی که خسته و بی تاب و توان شده باشی سجده کن، سپس گونه راست و پس از آن گونه چپ خود را بر زمین بگذار و در هر یک بگو:

يَا مُيَذِّلُ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، يَا مُعِزُّ كُلِّ ذَلِيلٍ، قَدْ وَحَقَّكَ بَلَعُ آيِ خَوَارِ كُنَّهٍ هِرْزُورِ كُورِ عِنَادِ پِشِه، اَيِّ عَزِيزِ كُنَّهٍ هِرْ ذَلِيلٍ، بِه حَقِّ
تو سوگند که مَجْهُودِي، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَفَرِّجْ عَنِّي. (۳)

ناتوان شده و بی تاب گشته ام، پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و گشایشی در کارم بده.

ص: ۲۲۰

۱- ۸۹. فقه الرضا علیه السلام: ۱۰۶، بحار الأنوار: ۲۰۷/۸۴.

۲- ۹۰. فقه الرضا علیه السلام: ۱۲۰، مستدرک الوسائل: ۴۱۵/۶.

۳- ۹۱. فقه الرضا علیه السلام: ۳۹۳.

هشت دعای دعاهاى هر روز

در این بخش، هشت دعا از دعاهایی که هر روز خوانده می شوند نقل می کنیم:

دعای مهمی برای اداء حقوق خداوند

مرحوم سیّد بن طاووس دعایی را نقل کرده است که خلاصه کلام ایشان چنین است: حضرت امام رضا علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نقل کردند:

هر کس دوست دارد اعمال او با میزانی که سنگین وزن تر است وزن شود، و حقوق نعمت هایی را که خداوند به او داده ادا نماید، باید هر روز بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ، منزّه است خداوند آنگونه تنزیهی که سزاوار خداست، و خدایی نیست جز خداوند آنگونه یگانگی که سزاوار خداست، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَصَلَّى اللَّهُ وَسَتَاشِشِ مخصوص خداوند است آنگونه ستایش که سزاوار خداست، و قدرت و قوّتی نیست مگر به وسیله خداوند، و درود خداوند

۲۲۱ : ۵

عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، النَّبِيِّ الْعَرَبِيِّ الْهَاشِمِيِّ، وَصَلَّى اللَّهُ بِرِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ اهل بيت او باد، پیامبر عرب هاشمی نسب، و درود خداوند
عَلَى جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ وَالنَّبِيِّينَ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ. (۱)

بر همه رسولان و پیامبران تا خداوند راضی شود.

دعای ایام غیبت که حضرت امام رضا علیه السلام

به خواندن آن دستور داده اند

دعای ایام غیبت ...

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس در کتاب «جمال الأسبوع» گوید:

سابقاً در ضمن کارهای عبادی روز و شب، اهتمام بزرگان دین و پیشوایان راستین را در زمان های گذشته درباره دعا کردن
برای حضرت مهدی ارواحنا فداه بیان داشتیم و آن به گونه ای بود که ما را آگاه می کرد مسأله دعا نمودن برای حضرت
مهدی ارواحنا فداه از امور مهم و مورد توجه مسلمانان و مؤمنان بوده است.

در تعقیب نماز ظهر دعای امام صادق حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام را برای حضرت مهدی ارواحنا فداه روایت کردیم
که از آن استفاده می شد، آن حضرت در مورد دعا کردن برای حضرت مهدی ارواحنا فداه بیش از دعا کردن برای خودش
اهمیت می داد.

و در تعقیب نماز عصر فصل نیکویی را از دعای امام کاظم علیه السلام برای حضرت مهدی ارواحنا فداه ذکر کردیم و اهمیت
دادن آن حضرت را در مورد دعا برای حضرت مهدی ارواحنا فداه - که پیش از دعا برای خودش بود - بیان داشتیم، و کسی
که موقعیت این دو امام و جایگاه والای ایشان را در اسلام شناخته باشد، برایش روشن است که باید به ایشان اقتدا کند، و به
زودی یادآور می شویم دستور حضرت امام رضا علیه السلام و غیر

ص: ۲۲۲

ص: ۲۲۳

لَا يُخَذَّلُ مَنْ أَمَّنَتْهُ بِهِ، وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ رَا بِهِ أَنْ أَيْمَنَ دَارِي هَر كَز سَر كُوب نَشُود، وَ اُو رَا دَر كَنَف عَنَايَتِ
خُود قَرَار بَدَه كِه هَر كَس دَر اَن قَرَار كَرَفَت مُورِد تَجَاوُز وَاقِع فِيهِ، وَأَيَّدَهُ بِنَصِيرِكَ الْعَزِيزِ، وَأَيَّدَهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، وَقَوَّه نَشُود، وَ
اُو رَا بِه نَصَرَت قُوي وَ نِيرومَنَدَت يَارِي كَن، وَ بِه لَشَكِر پِيروزمَنَدَت تَأْيِيد نَمَا، وَ بِه نِيروِي خُويش بِقُوتِكَ، وَأَزْدَفَهُ بِمَلَائِكَتِكَ،
وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، نِيرومَنَد فرما، وَ فرشتگان را با او همراه ساز، وَ دوست بدار هر كسِي كِه اُو رَا دوست دارد، وَ
دشمن بدار هر كسِي كِه با او دشمنی كند، وَأَلْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ، وَحَفَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ حَفًّا. اَللَّهُمَّ وَبَلِّغْهُ وَبَلِّغْهُ وَ بِه اُو زَرِه مُحَكَم خُود رَا
بِپُوشَان، وَ كَرْدَاكَرْد اُو رَا بِا فرشتگان احاطه كَن. خُداوند! وَ اُو رَا بِرسان أَفْضَل مَا بَلَّغْتَ الْقَائِمِينَ بِقِسْطِكَ مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ.
اَللَّهُمَّ بِه مَقَامِي بِرْتَر از آنچِه بِرپادارندگان عَدَالَت از پِيروان پِيامبران رَا رَسانده اِي. خُداوند! اشْعَبْ بِه الصَّدْعَ، وَارْتُقْ بِه الْفَتْقَ،
وَأَمِتْ بِه الْجَوْرَ، وَأَظْهِرْ بِرَاكَندگِي اُمُور ما رَا بِه وَسِيلَه اُو اَصْلَاح كَن، وَ كَسَسَتگِي ما رَا بِه وَسِيلَه اُو بِه پِيوستگِي تَبْدِيل كَن، وَ
ظَلَم وَ سَتَم رَا بِه وَسِيلَه اُو بِمِيران، وَ عَدْل بِه الْعَدْلَ، وَزَيْنَ بِطُولِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ، وَأَيَّدَهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْهُ وَ داد رَا بِه وَسِيلَه اُو أَشْكَار
ساز، وَ زَمِين رَا بِا طُولانِي مَانَدَن اُو زِينَت بَدَه، وَ اُو رَا بِا يَارِيَت تَأْيِيد كَن، وَ بِه وَسِيلَه رَعْب بِالرَّغْبِ، وَقَوَّ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ
خَاذِلِيهِ، وَدَمِّدْ عَلَى مَنْ نَصَبَ) بِر دَل ها(اُو رَا پِيروز نَمَا، وَ يارانِش رَا نِيرومَنَد فرما، وَ اَن ها رَا كِه دَسْت از يَارِي اُو بِرداشتند
خُوار كَرْدان، وَ هَر كَس أَشْكَارا بِا اُولَه، وَدَمَّرْ مَنْ غَشَّه. وَاقْتُلْ بِه جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَعُمَيْدَهُ وَدَعَائِمَهُ، دَشْمَنِي مِي كُند يا بِه جَنكَ
بِرْخاسته هَلَاك كَن، وَ هَر كَس خُدَعَه وَ خِيانت مِي كُند نَابُود كَرْدان، وَ بِه وَسِيلَه اُو زُورگُويان كَافِر وَ اسْتِوانه ها وَ اركان
وَاقْصِمْ بِه رُؤُوسَ الضَّالِّينَ وَ شَارِعَةَ الْبِدْعِ، وَ مُمِيتَهُ السُّنَّةِ، اَنها رَا بِه هَلَاك كَت بِرسان، وَ بِه وَسِيلَه اُو سِران وَ رُؤَساي گُمراهي، وَ
بَدْعَت كُزاران، وَ از بِيان بِرندگان سَنَت، وَمُقَوِّيَةَ الْبَاطِلِ، وَذَلَّلْ بِه الْجَبَّارِينَ، وَأَبْزِ بِه الْكَافِرِينَ وَ جَمِيعَ وَ تَقْوِيَت كُندگان باطل رَا
دَر هَم بِشَكَن، وَ زُورگُويان رَا بِه وَسِيلَه اُو ذَلِيل كَن، وَ ريشه كَن ساز بِه وَسِيلَه اُو كَافران وَ تَمَام الْمُلْحِدِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ
وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، مُلْحِدان رَا دَر شَرَق وَ غَرَب عَالَم، وَ دَر خَشْكِ وَ دَرِياي اَن،

وَسَيَهْلِكُهَا وَجَلِيلُهَا، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيَّارًا، وَلَا تَبْقَى لَهُمْ اِثَارًا. و در کوه و بیابان آن، تا آنکه کسی از آنان را باقی نگذاری، و برای آنان اثری بجای نماند. اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ، وَاعِزَّ بِهِ خَدَاوند؛ شهرهایت را از وجود آنان پاک گردان، و (سینه) بندگان را از آنان شفا بخش، و مؤمنان را به واسطه الْمُؤْمِنِينَ، وَأَخِي بِهِ سَيَنْ الْمُرْسَلِينَ، وَدَارِسَ حُكْمِهِ النَّبِيِّنَ، آن حضرت عزیز فرما، و سنت های رسولان، و حکمت های مندرس گشته پیامبران را به وسیله او زنده نما، وَجَدُّ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَبُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى تُعِيدَ وَ آنچه از دین تو محو و نابود گشته، و از حکم و فرمانت دگرگون شده بازسازی فرما؛ تا آنکه دین تودینک به، وَ عَلَى يَدَيْهِ غَضًا مَخْضًا صَحِيحًا، لَا عَوَجَ فِيهِ، وَلَا بِهِ وَسِيلَهُ او و با دست مبارکش دوباره تازه و خرم و صحیح و بی آلاش اعاده شود؛ به گونه ای که در آن هیچ کجی نباشد، و بدعتی بِدَعَا مَعَهُ، وَحَتَّى تُنِيرَ بِعَدْلِهِ ظُلَمَ الْجَوْرِ، وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ در آن راه پیدا نکند، و تا آنکه تاریکی های ظلم و ستم به نور عدالت او روشن شود، و آتش کفر به وسیله اَوَالِ الْكُفْرِ، وَتُوضَعَ بِهِ مَعَاوِدَ الْحَقِّ وَمَجْهُولِ الْعَدْلِ. فَإِنَّهُ عَبْدُكَ خَامُوش گردد، و پیچیدگی های حق و ناشناخته مانده های عدل به وسیله او واضح و آشکار شود؛ زیرا آن حضرت، بنده ای الَّذِي اسْتَخْلَصَ تَهُ لِنَفْسِكَ، وَاصِيَةً طَفِئَتْهُ مِنْ خَلْقِكَ، وَاصِيَةً طَفِئَتْهُ است که تو او را برای خود خالص گردانیدی، و از میان آفریدگانت برگزیدی، و بر علی عِبَادِكَ، وَائْتَمَنَتْهُ عَلَى غَفِيحِكَ، وَعَصِيَةً مِّنَ الدُّنُوبِ، بندگان برگزیدی، و بر غیب خویش امین دانستی، و از گناهان او را عصمت دادی و حفظ کردی، وَبَرَّأَتْهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَطَهَّرَتْهُ مِنَ الرِّجْسِ، وَسَيَلَمَتْهُ مِنَ الدَّنَسِ. و ساحتش را از هر گونه عیبی مبرا ساختی، و از هر نوع پلیدی او را پاک نمودی، و از آلودگی سالم داشتی. اَللّٰهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَيَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ، أَنَّهُ لَمْ خَدَاوندا؛ ما روز قیامت و روزی که آن حادثه وحشت زای بزرگ فرا رسد، برای او يُذْنِبُ ذَنْبًا وَلَا أَتَى حُوبًا، وَلَمْ يَزَكِبْ مَعْصِيَةً، وَلَمْ يُضَيِّعْ لَكَ گواهی می دهیم که هرگز گناهی نکرده و خطا و جرمی انجام نداده، و معصیت و نافرمانی مرتکب نشده، و هرگز طاعتی را برای تو

طَاعَهُ، وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً، وَلَمْ يُغَيِّرْكَ دَسْتِ نَدَادِهِ، وَ (با نافرمانی) حَرَمْتُ تُو رَا هَتَك نَكْرَدِه، وَ فَرِيضَه اِي از فَرَايِض تُو رَا دِگَر گُون نَسَاخْتِه، وَ قَانُونِي اَز لَكَ شَرِيْعَه، وَ اَنَّهُ الْهَادِي الْمَهْدِي الطَّاهِرُ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ قَوَانِيْنَ تَغْيِيْر نَدَادِه اِسْت، وَ بَدُوْن تَرْدِيْد اَوْ هِدَايْت گَرِي هِدَايْت يافته، پاكيزه، باتقوا، پاك سرشت، پسنديده الزكي. اَللّٰهُمَّ اَعْطِه فِيْ نَفْسِه وَاَهْلِهٖ، وَوَلَدِهٖ وَذُرِّيَّتِه، وَاُمَّتِه وَآرَاْسْتِه اِسْت. خدَاوَنْدَا؛ عطا كُن اَوْ رَا دَر مُورِد خُوْدش وَ خَاَنْدَاْنش، وَ فَرَزَنْدَاْنش، وَ ذَرِيَه اش، وَ اَمْتَش وَ جَمِيْع رَعِيَّتِه، مَا تُقَرُّ بِهٖ عَيْنُهٗ، وَ تَسِرُّ بِهٖ نَفْسُهٗ، وَ تَجْمَعُ لَهُ وَ هَمِه كَسَاْنِي كِه تَحْت سِرپرِسْتِي اَوْ هَسْتَنْدَا؛ اَنچِه رَا كِه چَشْم اَوْ رَا بِه اَن رُوْشَن نِمَايِي، وَ جَاْنَش رَا Bِه اَن خَشْنُوْد كُنِي، وَ بَرَاي اَوْ مُلْك المُمْلَكَاتِ كُلِّهَا، قَرِيْبَهَا وَبَعِيْدَهَا، وَعَزِيْزَهَا وَذَلِيْلَهَا، حَتّٰى فَرْمَاَنْرَوَانِيْ هَمِه مَمَالِك؛ نَزْدِيْك وَ دُوْر اَن رَا، وَ عَزِيْز وَ خَوَارَش رَا فَرَاْهَم فَرْمَا، تَا اَنكِه يَجْرِيْ حُكْمُهٗ عَلٰى كُلِّ حُكْم، وَ يَغْلِبُ بِحَقِّهٖ كُلَّ باْطِلٍ. اَللّٰهُمَّ اَسِْلُكْ حَكْم وَ فَرْمَاْن اَوْ بَر هَر حَكْم وَ فَرْمَاْنِيْ جَارِيْ گَرْدَد، وَ حَقَّ اَوْ هَر باْطِلِيْ رَا مَغْلُوْب گَرْدَاَنْد. خدَاوَنْدَا؛ بِنَا عَلٰى يَدِيْهِ مِنْهَا جِ الْهُدٰى، وَ الْمَحَجَّةَ الْعُظْمٰى، وَ الطَّرِيْقَهْمَا رَا Bَا دَسْت مَبَارَكْ اَوْ Bَر رَاْه رُوْشَن هِدَايْت، وَ شَاْهَرَاْه شَرِيْعَت، وَ جَادَه الْوُسْطٰى، اَلَّتِيْ يَرْجِعُ اِلَيْهَا الْغَالِي، وَ يَلْحَقُ بِهَا التَّالِي، وَ قَوْنَاوِسْطُ كِه دُوْر اَز اَفْرَاْط وَ تَفْرِيط اِسْت، وَ تَنْدَرُوْهَا Bَايْد Bِه سُوِيْ اَن Bَاز گَرْدَنْد، وَ عَقْب مَانْدِه هَا خُوْد رَا Bِه اَن بَر سَاَنْنَد رَوَاْن سَاَز، وَ مَا رَاْعَلِيْ طَاعَتِه، وَ بَثَّنَا عَلٰى مُشَايَعَتِه، وَ اَمْنُنْ عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِه، بَر اِطَاعَت اَوْ نِيْرُوْمَنْد، وَ بَر هَمْرَاهِيْ اَوْ ثَابِت وَ اِسْتَوَار گَرْدَاْن، وَ Bِه پِيْرُوِيْ اَوْ Bَر مَا مَنّت گِذَار، وَاجْعَلْنَا فِيْ حِزْبِ الْقَوَّامِيْنَ بِأَمْرِهٖ، الصَّابِرِيْنَ مَعَهٗ، الطَّالِبِيْنَ وَ مَا رَا اَز حِزْب اَوْ كِه Bِه اَمْر وَ فَرْمَاْنَش قِيَام كَنْنْدِه اَنْد، وَ) دَر رَاْه اَوْ شَكِيَايَنْد، وَ بَارِضَاكْ بِمُنَاصِيْحَتِه، حَتّٰى تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيْ اَنْصَارِهٖ خِيْر خَوَاهِيْ وَ دَلْسُوْزِيْ نَسَبْت Bِه اَوْ رِضَا وَ خَشْنُوْدِيْ تُو رَا طَالِبَنْد قَرَار Bَدِه، تَا اَنكِه رُوْز قِيَامَت مَا رَا دَر زَمْرِه يَارَاْن وَ اَعْوَانِهٖ وَ مُقَوِّيَهٖ سُلْطَانِه. اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْ ذَلِيْكَ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ وَ مَدْدَكَاْرَاْن وَ تَقْوِيْت كَنْنْدَكَاْن سُلْطَنْت وَ حَكُوْمَت اَوْ مَحْشُوْر گَرْدَاْنِيْ. خدَاوَنْدَا؛ هَمِه اِيْنهَا رَا كِه اَز تُو خَوَاْسْتِيْم بَرَايِ مَا خَالِص وَ پَاك

شَكَّ وَشُبْهَهُ وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا نَطْلُبَ بِهِ مِنْ هَرِّ شَكِّ وَشُبْهَةٍ قَرَارِ بَدَهْ كِه نَخَوَاهِيمْ بَا آن خُونَمایی کَنیم، وَ نَخَوَاهِيمْ بَه گُوشِ دِیگَرانِ بَرَسَد، تَا آنجَا کِه بَه خَاطِرِ آن بَه غَیْرِ تُو تَکیَه وَ اِلْمَا وَ جَهَّکْ، وَ حَتَّى تُحِلَّنَا مَحَلَّهُ، وَ تَجْعَلَنَّا فِی الْجَنَّةِ مَعَهُ، وَ اَعِدْنَا عَتِمَادَ نَدَاشْتَه وَ بَه وَسیلَه آن جَزِ خَشْنودی تُو رَا طَلَبِ نَکَنیم، وَ تَا آنکِه دَر جَایگَاه اَو مَا رَا وَارَدِ نَمَائِی، وَ دَر بَهشتِ بَا اَو قَرَارِ دَهی، مِنْ السَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفِتْرَةِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ، وَ مَا رَا اَزِ خَسْتگی وَ بی حوصلگی وَ سستی پَناهِ بَدَه، وَ اَزِ کَسانی کِه دِینَتِ رَا بَه وَسیلَه اَو یاری می کَنی، وَ تُعِزُّ بِهِ نَصِيرَ وَلِيِّكَ، وَ لَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّ اسْمَ تَبْدَالِكَ بِنَاوِ نَصْرَتِ وَ پیروزی وَ لَیْتِ رَا تَقْوِیْتِ می نَمَائِی قَرَارِ بَدَه، وَ غَیْرِ مَا رَا جَایگَرینِ مَا مَکَرْدان، کِه اِینِ جَایگَرینی غَیْرَنَا عَلَیْکَ یَسِیرُ، وَ هُوَ عَلَینَا عَسِیرُ. اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی وُلَاهِیْرَایِ تُو سَادَه وَ آسان، وَ بَرِ مَا بَسِی دِشوارِ اسْت. خَدَاوندَا؛ دُرودِ فَرَسْتِ بَرِ وَاِلیانِ وَ عَهْدِهِ، وَ اَلْاِثْمَهُ مِنْ وُلْدِهِ، وَ بَلَّغْهُمْ اِمَالَهْمُ، وَ زِدْ فِی اِجَالِهِمْ، فَرَمَانْدارانِ اَو، وَ پِشَوایانِ اَزِ فَرزندانِ اَو، وَ اِیشانِ رَا بَه آرزوهایشانِ بَرسان، وَ بَرِ مَدَّتِ عَمْرِشانِ بَیْغَزَا، وَ اَعِزِّ نَصِيرَهُمْ، وَ تَمِّمْ لَهُمْ مَا اَسْنَدَتْ اِلَیْهِمْ فِی اَمْرِکَ لَهُمْ، وَ ثَبَّتْ وَ پیروزیِ اِیشانِ رَا تَقْوِیْتِ فَرَمَا، وَ آنچِه رَا بَه اِیشانِ مَرْبُوطِ سَاخْتَه اِی دَر اَمْرِ وَ فَرَمَانَتِ بَرَایِ اِیشانِ کَامِلِ گَرْدان، وَ دَعَائِمُهُمْ، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ اَعْوَانًا، وَ عَلَی دِینِکَ اَنْصَارًا، فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ پَایَه هَا وَ اَسَاسِ کَارِ اِیشانِ رَا ثَابِتِ وَ اسْتِوارِ نَمَا، وَ مَا رَا مَدَدکارِ اَنان، وَ یَاوَرِ دِینَتِ قَرَارِ بَدَه، کِه بَدُونِ تَرَدیدِ اِیشانِ مَعْدِنِ هَایِ کَلِمَاتِکَ، وَ اَرْکَانُ تَوْحیدِکَ، وَ دَعَائِمُ دِینِکَ، وَ وُلَاةُ اَمْرِکَ، وَ خَالِصَةُ کَلِمَاتِ تُو، وَ اَرْکَانُ تَوْحیدِ تُو، وَ سَتُونِ هَایِ دِینِ تُو، وَ کَارگزارانِ وَ وَاِلیانِ اَمْرِ تُو، وَ مِنْ عِبَادِکَ، وَ صِیْفُوتُکَ مِنْ خَلْقِکَ، وَ اَوَّلِیائُکَ وَ سِیِّاِئِلُ اَوَّلِیائُکَ، بَنَدگانِ خَالِصِ تُو، وَ بَرگَزیدَه اَزِ مِیَانِ آفریدگانِ تُو، وَ اَوَّلِیایِ تُو وَ فَرزندانِ اَوَّلِیایِ تُو، وَ صِیْفُوهُ اَوَّلَادِ رُسُلِکَ، وَ السَّلَامُ عَلَیْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکَاتُهُ. (۱) وَ بَرگَزیدَه اَزِ مِیَانِ فَرزندانِ رُسولانِ تُو اُنَد، وَ دُرودِ وَ رَحْمَتِ وَ بَرکاتِ بیِ پَایانِ الهیِ بَرِ هَمِه اَنانِ بَاد.

ص: ۲۲۷

۱- ۹۳. جمال الأسبوع: ۳۰۷، وَ دَر مَصْبَاحِ الْمُتَهَجِّدِ: ۴۰۹، المصباح: ۷۲۶، وَ الْبَلَدُ الْأَمِينُ: ۱۲۲ بَا تَفَاوُتِی اَنَدک، وَ نِیزِ سَیْدِ رَحْمَه اللهِ اَن اَر دَر «مَصْبَاحِ الزَّائِرِ: ۴۵۷» بَا اَنَدکیِ اِخْتِلَافِ رَوايَتِ کَرْدَه اسْت، صَحیفَه مَهْدِیَه (مَترجم، چاپِ نَهْم: ۳۴۰)

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله چنین می گوید: یونس بن عبدالرحمان از حضرت امام رضا علیه السلام روایت می کند که آن حضرت پیوسته دستور به دعا برای صاحب الزمان ارواحنا فداه می داد و از جمله دعاهاى ایشان برای حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه این دعاست:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاَدْفَعْ عَنَّا وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتَكَ خَدَايَا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و از ولّی و خلیفه ات و حُجَّتْكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَلِسَانِكَ الْمُعَبِّرِ عَنْكَ بِاِذْنِكَ، النَّاطِقِ وَحُجَّتِ بر بندگانت، (هر بلایی را) دفع فرما. همان کسی که با اجازه تو زبان گویا و بیان کننده حقایق از طرف تو است، و بِحُكْمَتِكَ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ فِي بَرِّيَّتِكَ، اَلشَّاهِدِ عَلَى عِبَادِكَ، با حکمت تو سخن می گوید؛ و چشم بینای تو در میان بندگانت است؛ گواه بر آن ها است؛ اَلْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ الْمُجْتَهِدِ، عَبْدُكَ اَلْعَائِدُ بِكَ. اَللّٰهُمَّ وَاَعِزَّهُ آن بزرگمرد مجاهد کوشا و بنده ای که به تو پناه آورده است. بار خدایا؛ او را پناه بده مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَذَرَأَتْ، وَبَرَأَتْ وَاَنْشَأَتْ وَصَيَّرَتْ، وَاَحْفَظْهُ از شرّ هر آنچه خلق کردی و آفریدی و پدید آوردی و ایجاد نمودی و صورت و شکل بخشیدی. و او را حفظ فرما مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ از مقابلش و پشت سرش و راست و چپش و از بالای سرش وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاَحْفَظْهُ زِيْر پایش؛ به حفظی که هر که را به آن حفظ کنی ضایع نگردد. و با این محافظت، فِيهِ رَسُوْلُكَ وَوَصِيٌّ رَسُوْلِكَ وَاَبَاؤُهُ، اٰثِمَتَكَ وَدَعَائِمَ دِيْنِكَ، پیامبر و وصی پیامبر و پدران را - آنان که ائمه تو و استوانه های دین تو هستند - حفظ فرما، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَاَجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ اَلَّتِي لَا تَضِيعُ، درود تو بر همه آنان باد؛ و قرار بده او را در ودیعه خویش که از بین نمی رود؛

وَفِي جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُحْتَقَرُ، وَفِي مَنَعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ. و در جوار رحمت که حقیر و پست نمی شود؛ و در حمایت و پناه عزّت که هرگز مقهور نمی شود. اَللّهُمَّ وَاَمِنُهُ بِاَمَانِكَ الْوَثِيقِ الَّذِي لَا يُخَذَلُ مِنْ اَمْنَتِهِ بِهِ، وَاجْعَلْهُ خَدَايَا؛ او را در نگاهبانی محکم خود ایمن دار؛ که هر کس در آن نگاهبانی درآید مخدول و مغلوب نشود. او را فی کَنَفِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ، وَانْصِرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ، در احاطه و سایه لطف خود که هر کس در آن قرار گیرد مورد ستم واقع نشود قرار بده، او را با یاری قدرت مندت یاری کن، وَاَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، وَقُوَّهُ بِقُوَّتِكَ، وَأَرْدِفْهُ بِمَلَائِكَتِكَ. اَللّهُمَّ و با سپاه غالبت تأییدش فرما، و با قوت لایتناهی خود نیرومندش گردان، و فرشتگانت را با او همراه ساز. خدایا؛ وَاِلِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَالْأَيْسَهُ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ، وَخُفَّهُ دُوسَتَش را دوست بدار، و دشمنش را دشمن بدار، و زره محکم خود را بر او بیوشان؛ و گرداگردش را بِمَلَائِكَتِكَ حَفًّا. اَللّهُمَّ وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ مَا بَلَغْتَ الْقَائِمِينَ بِقِسِيْطِكَ با فرشتگان، احاطه کن. خداوندا؛ او را به برترین مرتبه ای که هر برپاکننده عدلی را مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ. اَللّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ، وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ، - از پیروان پیامبران - رسانیده ای برسان. بارخدا؛ اختلاف ها را به واسطه وجود مقدّسش برطرف گردان، و تفرقه ها و پراکندگی ها را به واسطه او وَاَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَأَظْهَرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَزَيِّنْ بِطُولِ بَقَائِهِ الْمَارُضَ، از میان بردار. ستم را به وسیله او بمیران و عدل را ظاهر فرما، و با ماندن طولانی اش زمین را زینت بخش، وَاَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانْصِرْهُ بِالزُّعْبِ، وَافْتِخْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَاجْعَلْ و با یاری خود تأییدش کن، و با رعب انداختن بر دل دشمنانش نصرتش بده؛ و فتح و گشایشی آسان بدو نصیب فرما، وَلَهُ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ سُلْطَانًا نَصِيرًا. اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ از جانب خودت سلطنت و قدرتی ظفرمندان بر دشمنان خود و دشمنان او، به او مرحمت فرما. خدایا؛ او را همان الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ، وَالْإِمَامِ الَّذِي بِهِ تَنْتَصِرُ، وَاَيِّدْهُ بِنَصْرِ عَزِيزٍ بِرِپَا كُنْدِه عَدْل و داد قرار ده، که مورد انتظار همگان است؛ و او را امامی قرار ده که به وسیله او ما را یاری می نمایی؛ و با نصرتی وَفَتْحٍ قَرِيبٍ، وَوَرَّثَهُ مَشَارِقَ الْمَارُضِ وَمَغَارِبَهَا اللَّامَاتِي بَارَكْتَ بِاعْزَتِ و گشایشی زود هنگام تأییدش بفرما. مشرق و مغرب زمینت را به او ارث بده؛ الْبَيْتَ قَلَمْرُوی که برایش مبارک

فِيهَا، وَأَخِي بِهِ سَيْنَهُ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاللَّهِ، حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ قَرَارِ دَادِهِ بِأَشْيٍ؛ بِهِ وَاسْطَهُ أَوْ سُنَّتِ پِيَامْبَرِت رَا - كِه دِرُودِ خُدا بِرِ
 أَوْ وَ آلِ أَوْ بَاد - حَيَاتِي دِيكَرِ بَخْش، تَا اَيْنِ كِه بِشْنِي عِ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَهُ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ، وَقَوَّ نَاصِرَتَهُ، وَأَخَذُ لُ چيزِي از حَقِّ رَا بِه
 خَاطِرِ تَرَسِ از آفَرِيدِ گَانِ پَنَهَانِ نَدَارِد. ياورش رَا قَوِي گِرْدَان، وَ كَسِي رَا كِه خَذَلَانِ وَ خَوَارِيشِ رَا خَوَاهِد، مَخْذُولِ خَاذِلَهُ،
 وَ دَمْدَمِ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَ دَمَرُ عَلَى مَنْ غَشَّهُ. اللَّهُمَّ وَ مَغْلُوبِ فَرْمَا؛ كَسِي كِه بَا أَوْ دَشْمَنِي أَشْكَارِ نَمَايِدِ مَوْرِدِ خَشْمِ خَوِيشِ قَرَارِ
 بَدَه؛ اَن كِه رَا بَا أَوْ نِيرَنَكِ كَنْدِ نَابُودِ كَن. خُداوند! وَاقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ عُمَيْدَهُ، وَ دَعَائِمَهُ وَالْقَوَامَ بِهِ، وَاقْصِمْ بِهِ بِه وَاسْطَهُ أَوْ
 كَافِرَانِ زُورْگُو وَ ارْكَانِ وَ سَرْدَسْتَه هَايِ اَن هَا وَ هَرِ اَن كِه بَاعْثِ دَوَامِ وَ قَوَامِ اَن هَا بَاشِدِ رَا نَابُودِ كَن. رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ، وَ شَارِعَةَ
 الْبِدْعَةِ، وَ مُمَيَّتَةَ السُّنَّةِ، وَ مُقَوِّيَهْ سِرَانِ كَمْرَاهِي، وَ سَرْچَشْمَه هَايِ بَدْعَتِ وَ هَرِ كِه سُنَّتِ رَا بِمِيرَانِدِ وَ بَاطِلِ رَا تَقْوِيَتِ كَنْد، بَا نِيروِي
 اَلْهِي اَشِ الْبَاطِلِ، وَ أَذِلَّ لَهُ الْجَبَّارِينَ، وَ أَبْزِ بِهِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ، دَرْهَمِ شَكْنِ. سَرْكَشَانِ سَتْمَكِرِ رَا بِه وَ سِيلَه أَوْ ذَلِيلِ كَن وَ
 كَافِرَانِ وَ دُورُويَانِ وَ جَمِيعِ الْمُلْحِدِينَ، حَيْثُ كَانُوا وَ أَينَ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ هَمِه مَلْحَدَانِ رَا بِه وَاسْطَهُ أَوْ هَلَاكِ نَمَا؛ دَرِ
 هَرِ زَمَانِ وَ هَرِ مَكَانِي كِه بَاشِنْد؛ مَشْرِقِ وَ مَغَارِبِهَا، وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا، وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدْعَ مِنْهُمْ وَ مَغْرِبِ، دَرِيَا وَ خَشْكِ، كُوهِ
 وَ دَشْتِ؛ تَا اَيْنِ كِه از اَنَانِ، دَيَّارًا، وَ لَا تُبْقِيَ لَهُمْ اَثَارًا. اللَّهُمَّ وَ طَهَّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَ أَشْفِ كَسِي بَاقِي نَكْذَارِي وَ اَثَرِي بَجَا نَمَانِد.
 خُدايَا؛ سَرزَمِينِ خُودِ رَا از وَجُودِ اَن هَا پَاكِ كَن مِنْهُمْ عِبَادَكَ، وَ اعِزَّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَخِي بِهِ سَيْنَ الْمُرْسَلِينَ، وَ قَلْبِ مُؤْمِنَانِ رَا بَا
 نَابُودِي اَنَانِ شَفَا بَخْش؛ وَ بِه وَاسْطَهُ اَن حَضَرَتِ، مُؤْمِنَانِ رَا عَزِيزِ فَرْمَا، وَ سُنَّتِ هَايِ رَسُولَانِ وَ دَارِسَ حَكَمِ النَّبِيِّينَ، وَ جَدُّ بِهِ مَا
 مُحِي مِنْ دِينِكَ، وَ يُدِلَّ مِنْ وَ فَرَسْتَادِ گَانَتِ رَا، وَ اَحْكَامِ پِيَامْبِرَانِ رَا - كِه رُو بِه نَابُودِي رَفْتَه اَسْت - بَارِ دِيكَرِ زَنْدِه نَمَا، وَ هَرِ اَن
 چِه از دِينَتِ مَحْوَ شُدِه وَ از حُكْمِكَ، حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا صِيحْ حَا اَحْكَامَتِ دِگَرِ گُونِ گَشْتَه اَسْت، تَا زِه وَ
 نُو گِرْدَان؛ تَا اَيْنِ كِه دِينِ حَقِيقِي تُو بِه دَسْتِ أَوْ؛ شَادَابِ، تَا زِه، جَدِيدِ، خَالِصِ وَ

مَخْضًا، لَا عَوَجَ فِيهِ، وَلَا بَدْعَهُ مَعَهُ، حَتَّى تُنِيرَ بِعَدْلِهِ ظُلَمَ الْجَوْرِ، صَحِيحٌ بَدُونِ هِيَجٍ كَثْرَى وَبَدْعَتَى گردانی. تا آن که تاریکی های ستم را با نور عدلش روشن گردانی، وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ، وَتُظْهِرَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ، وَمَجْهُولَ و آتش فتنه های کافران را به وسیله او خاموش گردانی، و گره خوردگی ها و پیچیدگی های حق را به وسیله او آشکار گردانی و عدل و داد گم شده و العَدْلَ، وَتُوضِحَ بِهِ مُشْكَلاتِ الْحُكْمِ. اَللّهُمَّ وَاِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي نَاشَاخْتَهُ رَا به وسیله او ظاهر گردانی؛ مشکلات و دشواری های احکام را - با پرتوهای نورافشان او - واضح گردانی. بار خدایا؛ همانا اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ عَلَیْوَ بِنْدَه اِی از بندگان توست که برای خود خالصش گردانیدی، و از میان آفریدگانت او را برگزیدی، و او را عِبَادِكَ، وَائْتَمَنْتَهُ عَلَی غَیْبِكَ، وَعَصَيْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأْتَهُ بَر بندگان برگزیدی، و او را برای سپردن غیب خود امین یافتی، و از گناهان معصومش داشتی، و از عیب ها مبرايش کردی، مِنَ الْعُيُوبِ، وَطَهَّرْتَهُ جَمِنَ الرَّجْسِ ج، وَصَرَّفْتَهُ عَنِ الدَّنَسِ، و از هر گونه آلودگی پاکیزه اش کردی، و از ناپاکی و پلیدی به دورش گردانیدی، وَسَيَّلَمْتَهُ مِنَ الرَّيْبِ. اَللّهُمَّ فَاِنَا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَيَوْمَ و از هر شک و شبهه ای سلامت فرمودی. خدایا؛ ما در روز قیامت - و رُوزِ حُلُولِ الطَّامَةِ، أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ وَلَمْ يَأْتِ حَوْبًا، وَلَمْ يَزَكِبْ لَكَ بِرِیَا شدن حادثه عظیم محشر - گواهی می دهیم که او گناهی نکرده است؛ جرمی انجام نداده مَعْصِيَتِهِ، وَلَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً، وَلَمْ يَهْتِكْ لَمَكَ حُرْمَةً، وَلَمْ يُيَدِّلْ و معصیتی مرتکب نشده است؛ طاعتی را تباه نکرده است؛ حرمتی را هتک نکرده است؛ وَلَكَ فَرِيضَةً، وَلَمْ يُعَيِّرْ لَمَكَ شَرِيعَةً، وَأَنَّهُ الْإِمَامُ التَّقِيُّ الْهَادِي وَاجِبِي را عوض ننموده است؛ و قانونی را تغییر نداده است؛ او امامی پرهیزکار، هدایت گر، الْمُهْدِي الطَّاهِرُ التَّقِيُّ الْوَفِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ. اَللّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ رَهْبَرِي هِدَايَت شده، پاك سرشت، باتقوا، باوفا، پسندیده و نيك سیرت است. خداوندا؛ بر او و عَلَیْ آبَائِهِ، وَأَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَوُلَدِهِ، وَأَهْلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ و پدرانش درود فرست، و در مورد خودش، فرزندان و خانواده اش، اَمّت

وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ، مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَتُسَيَّرُ بِهِ نَفْسُهُ، وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكُ وَرَعِيَّتُش، چیزی عطا کن که چشمش را به آن روشن نمایی و روانش را به آن شاد گردانی؛ و حکومت همه المملکات کُلَّها، قَرِيبِهَا وَبَعِيدِهَا، وَعَزِيزِهَا وَذَلِيلِهَا، حَتَّى مَمَالِك - اعم از دور و نزدیک، قوی و ضعیف - تحت سیطره او درآید، يَجْرِي حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ، وَيَغْلِبُ بِحَقِّهِ عَلَى كُلِّ بَاطِلٍ. و فرمانش بر هر حکمی نافذ باشد، و کلمه حقش، بر هر باطلی غالب گردد. اَللّٰهُمَّ واسِئِلْكَ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى، خدايا؛ به دست مبارکش ما را بر طريق هدايت روان کن، و بر شاهراه روشن وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى، الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْغَالِي، وَيَلْحَقُ بِهَا التَّالِي. و راه میانه و اعتدال - که هر افراطگر پیشرو و هر تفریطپیشه عقب مانده باید بدان باز گردد - استوار فرما. اَللّٰهُمَّ وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَتَبَتَّنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ، وَآمَنَّا عَلَيْنَاخدايا؛ ما را بر طاعتش نیرومند گردان، و بر پیرویش ثابت قدم بدار، و با نعمت پیروی از او بر ما مَنّت بُمُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ، الصَّابِرِينَ مَعَهُ، بگذار، و ما را جزو گروه او که عهده دار امر او هستند قرار ده که به فرمانش، سر فرود می آورند، و در راهش صبر پیشه می کنند، الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَبَةِ حَتِّهِ، حَتَّى تَحْشُرَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي وَاز خیرخواهی او رضای تو را می طلبند. تا در نهایت، در روز قیامت، ما را در آنصارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَمُقَوِّيه سُلْطَانِهِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ گروه یاران و مددکاران و تقویت کنندگان حکومت بابرکتش، محشور نمایی. خداوندا؛ بر محمد و آل مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنَّا لَكَ خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبُهَةٍ مُحَمَّدٌ درود فرست، و همه این ها را از ما خالص و به دور از هر شک و شبهه وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ، و ریا و سمعه قرار بده؛ آن گونه که با این کار، به غیر تو اعتماد نکنیم و از این کار، جز تو را نطلبیم؛ وَحَتَّى تُحِلَّنَا مَحَلَّهُ، وَتَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ، وَلَا تَبْتَلِنَا فِي بَاطِلٍ که ما را در محل و جایگاه آن حضرت وارد نمایی، و ما را در بهشت همراه او گردانی، و در

أَمْرِهِ بِالسَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَتْرَةِ وَالْفَسْلِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ أَنْجَامَ فَرْمَانِ أَوْ مَا رَا بِه تَنْبَلِي، سَسْتِي، ضَعْفٌ وَ كَسَسْتِكِي مَبْتَلَا نَسَاوِي؛ وَ مَا رَا از كَسَانِي قَرَار دِه كِه بِه لِدِينِكَ، وَ تُعْزُ بِه نَصِيرَ وَلِيِّكَ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّ دِينَتَ رَا بِه وَسِيلَه آنَانِ يَارِي مِي كَنِي، وَ يَارِي وَلِيَّتَ رَا بِه اَوْ تَقْوِيَّتَ مِي كَنِي، كَسِي رَا جَايَكُزِينِ مَا مَكْن؛ زِيرَا، اَسْتَبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيَّكَ يَسِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْنَا كَبِيرٌ، إِنَّكَ عَلَي كُلِّ اَيْنِ جَايَكُزِينِي بِر تُو آسَانِ اسْتِ، وَلِي بِر مَا بَسِي سَنَكِينِ وَ دَشَوَارِ. بَاوَر دَارَم كِه تُو بِر هَر شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَللّٰهُمَّ وَصَلْ عَلَي وُلايَةِ عَهْدِهِ، وَبَلِّغْهُمْ اَمَالَهُمْ، چيزِي تُوَانَايِي. خُدَايَا؛ بِر فَرْمَانِدَارَانِش دُرود فَرَسْتِ، وَ بِه آرزوهای (مَقْدَسْ شَانِ) بِر سَانِ، وَزِدْ فِي اَجَالِهِمْ وَانْصِرْهُمْ وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا اَسْتَنْدْتَ اِلَيْهِمْ مِنْ اَمْرِو بِر عَمْرِشَانِ بِيْفَزَا، وَ يَارِيشَانِ فَرْمَا، وَ آن چِه از اَمْرِ دِينْتِ بِه آن هَا مَرْبُوطِ سَاخْتِه اِي، كَامِلِ وَ دِينِكَ، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ اَعْوَانًا وَ عَلَي دِينِكَ اَنْصَارًا، وَصَلْ عَلَيْتِمَامِ كَرْدَانِ، وَ مَا رَا از مَدْدَكَارَانِ آنَانِ قَرَار دِه، وَ از يَارِي كَنَنْدَكَانِ دِينْتِ مَقْرَرِ فَرْمَا. بِر اَبَائِهِ الطَّاهِرِينَ اَلْاَيْمَةَ الرَّاشِدِينَ. اَللّٰهُمَّ فَإِنَّهُمْ مَعَادُنْ كَلِمَاتِكَ، پَدَرَانِ پَاكَشِ، اِمَامَانِ رَشِيدِ وَ رَاهِنَمَايِ بَشَرِ، دُرود فَرَسْتِ. بَارِخُدَايَا؛ آنَانِ، مَعْدَنِ هَايِ كَلِمَاتِ تُو، وَخُزَّانِ عِلْمِكَ، وَوُلاهُ اَمْرِكَ، وَخَالِصِيَّتِكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَخَيْرُتِكَ وَ كَنْجِينِه هَايِ دَانِشِ، وَ عِلُومِ تُو، وَ سِرِپَرِسْتَانِ اَمْرِ تُو، وَ بَنْدَكَا نِ مَخْلُصِ تُو، وَ نِيكَو كَارَانِ مِنْ خَلْقِكَ، وَ اَوْلِيَاءُكَ وَ سَلَائِلُ اَوْلِيَاءِكَ، وَ صَفْوَتُكَ وَ اَوْلَادُ اَز مِيانِ بَنْدَكَا نِ تُو، وَ دُوسْتَانِ تُو وَ فَرَزَنْدَانِ اَوْلِيَايِ تُو، وَ بِر كَزِيدَكَا نِ وَ فَرَزَنْدَانِ اَصْفِيَاءُكَ، صَلَوَاتُكَ وَ رَحْمَتُكَ وَ بَرَكَاتُكَ عَلَيَّهِمْ اَجْمَعِينَ. اَللّٰهُمَّ بِر كَزِيدَكَا نِ تُو هَسْتَنْدِ. دُرود وَ رَحْمَتِ وَ بَرَكَتِ هَايِ تُو بِر آنَانِ نَثَارِ بَادِ. خُدَايَا؛ وَ شَرَّ كَاؤُهُ فِي اَمْرِهِ، وَ مُعَاوَنُوهُ عَلَي طَاعَتِكَ، اَلَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ اَنْا نِ كِه دَر اَمْرِ اَوْ شَرِيكَ اَنْدِ، وَ بِر طَاعَتِ تُو مَدْدَكَارَانِ اُوِيَنْدِ؛ كَسَانِي كِه تُو حَصِيْنَه وَ سَبَّاحَه وَ مَفْزَعَه وَ اُنْسَه، اَلَّذِينَ سَلَوْا عَنِ الْاَهْلِ دَرْ، اسْلَحِه، پَنَاهَكَا هِ وَ مَايِه اَنْسِ اَوْ قَرَارِشَانِ دَادِي؛ اَنْ هَايِي كِه از اَهْلِ

وَالْأَوْلَادِ، وَتَجَافُوا الْوَطْنَ، وَعَظَّلُوا الْوَثِيرَ مِنَ الْمِهَادِ، قَدُّوا أَوْلَادَ خُودِ بَرِيدِنْدِ، وَتَرَكَ وَطْنَ كَفْتَنْدِ، وَتَخْتِ هَايِ اسْتِرَاحَتِ رَا رَهَا كَرْدَنْدِ؛ رَفَضُوا تِجَارَاتِهِمْ، وَأَضَرُّوا بِمَعَايِشِهِمْ، وَفُقِدُوا فِي أُنْدِيَّتِهِمْ تِجَارَتِ هَا رَا كَنَارِ كُذَاشْتَنْدِ؛ وَبِهَ مَعِيشَتِ هَايِ خُودِشَانِ ضَرَرِ زَدَنْدِ؛ وَبِدُونِ اَيْنِ كِهَ اَزِ بَغَيْرِ غَيْبِهِ عَنْ مَضِيرِهِمْ، وَحَالَفُوا الْبَعِيدَ مِمَّنْ عَاَصَدَهُمْ عَلِيشَهْرَهَايِ شَانِ خَارِجِ شُونْدِ، بِهَ عَزَلَتِ وَكُوشَهَ نَشِينِيِ افْتَادَنْدِ؛ وَبَا هَرِ كَسِ كِهَ دَرِ كَارِهَا يَارِي شَانِ نَمَايِدِ پِيْمَانِ بَسْتَنْدِ؛ أَمْرِهِمْ، وَخَالَفُوا الْقَرِيبَ مِمَّنْ صَدَّ عَنْ وَجْهِتِهِمْ، وَاتْتَلَفُوا بَعِيدَ كِرْجِهَ نَسَبَتِيِ دُورِ بَا اَنِّ هَا دَاشْتَنْدِ، وَبَا نَزْدِيكَانِيِ كِهَ اَنِّ هَا رَا اَزِ مَقْصُودِشَانِ بَازِ بَدَارْدِ مَخَالَفَتِ وَرَزِيدَنْدِ؛ بَعْدَ التَّدَابُرِ وَالتَّقَاطُعِ فِي دَهْرِهِمْ، وَقَطَعُوا الْأَسْبَابَ الْمُتَصِّلَةَ بِعَاجِلِ اَزِ جَدَائِيِ هَا كَرْدَمِ اَمْدَنْدِ وَاسْبَابِ بِهَ هَمِ پِيُوسْتَهَ دَنِيُويِ رَا كِهَ وَسِيلَهَ بِهَرِهَ بَرْدَنِ حُطَامِ مِنَ الدُّنْيَا. فَاجْعَلُهُمُ اللَّهُمَّ فِي حِرْزِكَ وَفِي ظِلِّ كَنْفِكَ، وَرُدِّانِدَكِ اَزِ دُنْيَا بُوْدِ، قَطْعِ نَمُودَنْدِ. بَدِينِ سَانِ، خُدَايَا؛ اَنِّ هَا رَا دَرِ حَفْظِ وَحِرَاسَتِ خُودِ، وَدَرِ سَايَهَ لُطْفِ وَحَمَايَتِ خُويِشِ قَرَارِ دِهْ، عَنْهُمْ بِأَسْ مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِمْ بِالْعِدَاوَةِ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَجْزَلَ لَهُمْ مِنْ وَشَرِّ هَرِ اَنِّ كِهَ قَصْدِ بَدِيِ بِهَ اَنِّ هَا رَا دَارْدِ، اَزِ اَنِّانِ بَازِ كَرْدَانِ؛ وَدَعْوَتِكَ مِنْ كِفَايَتِكَ وَمُعُونَتِكَ لَهُمْ، وَتَأْيِيدِكَ وَنَصِيرَتِكَ إِيَّاهُمْ، كِفَايَتِ وَكَمَكِ وَتَأْيِيدِ وَيَارِيَتِ رَا نَسَبَتِ بِهَ اَنِّ هَا زِيَادِ كُنْ، مَا تُعِينُهُمْ بِهَ عَلَيِ طَاعَتِكَ، وَأَزْهَقِ بِحَقِّهِمْ بَاطِلَ مَنْ أَرَادَ إِطْفَاءَ أَنْجِهَ ايشَانِ رَا بِرِ طَاعَتِ تُوِ يَارِي شَانِ كُنْدِ، وَبِهَ وَاسِطَهَ حَقَّايَتِ ايشَانِ بَاطِلِ هَرِ كَسِيِ رَا كِهَ مِيِ خُواهِدِ نُورِكَ، وَصَيِّلْ عَلَيِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. وَامْلَأْ بِهِمْ كُلَّ أَفْقٍ مِنَ الْأَفَاقِ، نُورِ تُوِ رَا خَامُوشِ كُنْدِ نَابُودِ كَرْدَانِ، وَبِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ اوِ دُرُودِ فَرَسْتِ. خُدَايَا؛ بِهَ وَسِيلَهَ اَنِّ هَا تَمَامِ أَفْقِ هَايِ عَالَمِ وَقُطْرٍ مِنَ الْأَقْطَارِ قِسْطًا وَعَدْلًا وَرَحْمَةً وَفَضْلًا، وَاشْكُرْ لَهُمْ وَاقْطَارِ دُنْيَا رَا اَزِ عَدَلِ وَقِسْطِ وَرَحْمَتِ وَفَضْلِ خُودَتِ، پُرِ كُنْ، وَاَزِ اَنِّانِ بِهَ عَلَيِ حَسَبِ كَرَمِكَ وَخِيُودِكَ، وَمَا مَنَنْتَ بِهَ عَلَيِ الْقَائِمِينَ بِالْقِسْطِ اَنْدَا زِهَ كَرَمِ وَبَخْشِشِ خُودَتِ وَ اَنِّ كُونَهَ كِهَ بِرِ بَرِپَا كُنْدِ گَانِ عَدَلِ وَ دَادِ

مِنْ عِبَادِكَ، وَادْخَرْ لَهُمْ مِنْ ثَوَابِكَ مَا تَرْفَعُ لَهُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ، از میان بندگان مَنّت گذاردی سپاسگزاری کن، و برای آن ها ثوابی ذخیره ساز که به وسیله آن به درجات و مرتبه ای رفیع برسند؛ إِنَّكَ تَفْعِلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، امین رَبِّ الْعَالَمِينَ. (۱) همانا تو هر آنچه را بخواهی انجام می دهی، و بدان چه اراده نمایی حکم می کنی؛ ای پروردگار عالمیان؛ این دعاها را اجابت فرما. سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله می فرماید: این روایت، شامل بخشی از دعاست که روایت اولی آن را نداشت. پس، اگر می خواهی از اهل سعادت گردی این دعا را بخوان، و در این دعاها جانب پروردگار را حفظ کن، و در پیشگاه او کمال ادب را به جای آور. (۲)

کفعمی رحمه الله در «المصباح» چنین می گوید: یونس بن عبدالرحمان از حضرت امام رضا علیه السلام روایت می کند که آن حضرت، پیوسته بر دعا کردن برای صاحب الأمر صلوات الله علیه باخواندن این دعا دستور می داد: «اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَن وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ ...» وی، دعا را مانند آنچه گذشت تا عبارت «وهو علينا کبیر» ادامه داده، سپس این قسمت را نقل کرده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلاِهِ عَهْدِهِ وَالْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِهِ، وَبَلِّغْهُمْ أَمَالَهُمْ، خدایا؛ بر والیان عهدش و پیشوایان پس از او رحمت فرست، و به آرزوهای شان برسان، وَزِدْ فِي أَجَالِهِمْ، وَأَعِزَّ نَصِيرَهُمْ، وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا أَشْنَدْتَ إِلَيْهِمْ و بر عمرشان بیفزای، و یاری ایشان را تقویت فرما، و آن چه از دینت را به آن هامنْ أَمْرِكَ لَهُمْ، وَتَبَّتْ دَعَائِهِمْ، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ أَغْوَانًا، وَعَلِمِرْبُوطَ سَاخِطَةِ إِي كَامِلَ نَمَا، و پایه های آن ها را استوار کن، و ما را یاران آن ها و یاوران دینکْ أَنْصَارًا، فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ، وَخُزَّانُ عِلْمِكَ، وَأَرْكَانُ دِينَتِ قَرَارِ دِه. همانا آن ها معدن های کلمات تو، گنجینه های علم و دانش تو، استوانه های تَوْحِيدِكَ، وَدَعَائِمُ دِينِكَ، وَوُلاَةُ أَمْرِكَ، وَخَالِصَةُ تَوَكُّلِكَ مِنْ عِبَادِكَ، تَوْحِيدِ تُو، پایه های دین تو، سرپرستان امر تو، بندگان خالص تو، وَصِيَّةُ فُوتُوكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَوَّلِيَاؤُكَ وَسَلَائِلُ أَوَّلِيَاؤِكَ، وَصَفْوَهُرْ گزیده از میان بندگان تو، دوستان و فرزندان دوستان تو، و برگزیدگان

ص: ۲۳۵

۱- ۹۴. جمال الأسبوع: ۳۱۰ و ۳۱۴.

۲- ۹۵. جمال الأسبوع: ۳۱۰ و ۳۱۴.

أَوْلَادِ نَبِيِّكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. (۱)

فرزندان پیامبر تو هستند؛ درود و سلام و رحمت خداوند و برکت های او بر همه آنان نثار باد.

دعا برای محشورشدن با حضرت امام رضا علیه السلام

اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي الْهُدٰى، وَتَبَتَّنِي عَلَيْهِ اٰمِنًا، اَمِّنْ مَنْ لَا خَوْفَ خِدَاوَنَدَا؛ مرا هدایت کن، و بر آن ثابت بدار در حالیکه ایمن باشم، ایمنی کسی که هیچ گونه ترسی علیه، وَلَا حُزْنَ وَلَا جَزَعَ، إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوٰى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ. بر او نیست، و هرگز غم و غصّه و بی تابی ندارد که تو شایسته تقوا و اهل آمرزش هستی.

هر کس این دعا را بخواند و آن را دعای خود قرار دهد (یعنی زیاد بخواند)، با حضرت امام رضا علیه السلام محشور می شود. (۲)

دعای محشور شدن با اهل بیت علیهم السلام

اسماعیل بن سهل گفت: به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم: دعایی به من بیاموز که وقتی آن را خواندم، در دنیا و آخرت با شما خاندان باشم.

آن حضرت برایم نوشت:

دعای هر روز بعد از اقامه و...

سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را زیاد بخوان، و دو لبّت را به ذکر استغفار تر و تازه بدار، (یعنی زیاد استغفار کن). (۳)

ص: ۲۳۶

۱- ۹۶. بحار الأنوار: ۱۱۵/۱۰۲، صحیفه مهدیه (مترجم، چاپ نهم): ۳۴۶.

۲- ۹۷. المصباح: ۴۰۶، البلد الأمين: ۶۳۰، الجَنَّةُ الْوَاقِيَةُ وَالْجَنَّةُ الْبَاقِيَةُ (مخطوط): ۵۹.

۳- ۹۸. الدعوات: ۴۹.

دعای توبه، هنگام شنیدن اذان صبح و مغرب

عباس - خادم حضرت امام رضا علیه السلام - گوید: از مولایم شنیدم که فرمود:

هر کس هنگامی که اذان صبح را می شنود، و نیز هنگام شنیدن اذان مغرب این دعا را بخواند، سپس در آن روز یا در آن شب مرگ به سراغ او آید، توبه کننده از دنیا رود و وارد بهشت گردد:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِاِقْبَالِ نَهَارِكَ وَاِذْبَارِ لَيْلِكَ وَحُضُوْرٍ صَلَوَاتِكَ خَدَاوْنَدَا؛ از تو درخواست می کنم به روی آوردن روزت و روی گردان شب و حضور یافتن نمازهایی که برای تو و اَصْوَاتِ دُعَائِكَ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ اَنْجَمَ می دهند و صداهای دعایی که تو را می خوانند، که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و تَتُوْبَ عَلَیَّ، اِنَّكَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ. (۱)

توبه ام را بپذیری که تو بسیار توبه پذیر و مهربان هستی.

دعای هر روز بعد از اقامه و قبل از نماز

عبدالرحمان بن نجران از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

پس از اقامه و قبل از شروع نماز بگو:

اَللّٰهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ التَّامَّةُ، وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ، بَلِّغْ مُحَمَّدًا خَدَاوْنَدَا؛ ای پروردگار این دعوت کامل، و نماز برپا شده، (حضرت) محمد را (صَلِّیَ اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ الدَّرَجَةُ وَالْوَسِيْلَةُ وَالْفَضْلُ وَالْفَضِيْلَةُ) که درود خدا بر او و آل او باد (به آن درجه والا و مرتبه وسیله و برتری و فضیلت برسان،

ص: ۲۳۷

بِاللَّهِ اَسْتَفْتِحُ، وَبِاللَّهِ اَسْتَنْجِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَالِ مُحَمَّدٍ بِه نام خدا و کمک او آغاز می کنم، و از او موفقیت و رستگاری می طلبم، و به واسطه حضرت (محمد رسول خدا و آل محمد أَتَوَجَّهُ. اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي بِهِمْ به خدا روی آورده و توجّه می کنم. خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا به واسطه ایشان عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ. (۱))

در دنیا و آخرت نزد خودت آبرومند و از مقربان در گاهت قرار بده.

دعای ساعت هشتم هر روز

دعای دیگر در ساعت هشتم...

ساعت هشتم - از هنگامی که چهار رکعت نماز بعد از فرا رسیدن ظهر خوانده شود تا وقت نماز عصر - اختصاص به حضرت امام رضا علیه السلام دارد، در آن ساعت این دعا را بخوانید:

يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ، يَا خَيْرَ مَنْ أُعْطِيَ، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، يَا مَنْ اَيُّ بَهْتَرِينَ خوانده شده؛ اَيُّ بَهْتَرِينَ عطاکننده؛ اَيُّ بَهْتَرِينَ کسی که از او درخواست شده؛ اَيُّ آنکه أَضَاءَ بِاَسْمِهِ ضَوْءَ النَّهَارِ، وَأَظْلَمَ بِهِ ظُلْمَةُ اللَّيْلِ، وَسَالَ بِاَسْمِهِ روشنائی داده به نام خود روشنی روز را؛ و تاریکی داده به نام خود تاریکی شب را، و باران شدید را به نام خود اَوْبِلَ السَّيْلِ، وَرَزَقَ اَوْلِيَاءَهُ كُلَّ خَيْرٍ، يَا مَنْ عَلَا السَّمَاوَاتِ روان گردانده، و هر خیر و خوبی را به اولیاء و دوستانش روزی کرده، اَيُّ کسی که نورش آسمان ها را نَوَّرَهُ، وَالْأَرْضَ ضَوْئَهُ، وَالشَّرْقَ وَالْغَرْبَ رَحْمَتُهُ، يَا وَاسِعَ پر کرده، و روشنائی اش زمین را فرا گرفته، و رحمتش بر شرق و غرب گسترده گشته، اَيُّ دارای جودالْجُودِ. اَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلَيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، و بخشش فراگیر. از تو می خواهم به حق ولایت حضرت (علی بن موسی الرضا - که بر او سلام باد -

ص: ۲۳۸

وَأَقْدَمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي، وَرَغَبْتِي إِلَيْكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ أَوْ رَا بِشَاطِيشِ حَاجَتِهَا وَدُرُخَوَاسْتُ هَايِمٍ دَر پِشْگَاهِ تُو مُقَدِّمِ مِی دارم که بر مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُكْفِنَنِي بِهِ، وَتُنَجِّنِي مِمَّا أَخَافُهُ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ درود فرستی، و مرا به واسطه او کفایت کنی، و از آنچه می ترسم و أَخَذَرُهُ فِی جَمِيعِ أَشْفَارِي، وَفِی الْبِرَارِی وَالْقِفَارِ، وَالْأَوْدِيهِوَ اجتناب می کنم در همه سفرهایم، و در دشت و صحرا، و درّه ها وَالْأَكَامَ، وَالْعِيَاضَ وَالْجِبَالَ، وَالشُّعَابَ وَالْبَحَارِ، یا وَاحِدُ یا تَبَه ها، و جنگل ها و کوه ها، گردنه ها و دریاها مرا رهایی بخش، ای یگانه؛ ای قَهَّارُ، یا عَزِيزُ یا جَبَّارُ یا سِتَّارُ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا. [\(۱\)](#) بسیار چیره شونده؛ ای نیرومند؛ ای قدرتمند؛ ای بسیار پوشنده؛ و (از تو می خواهم که) با من «چنین و چنان» کنی.

دعای دیگر در ساعت هشتم هر روز

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْكَاشِفُ لِلْمَلِمَاتِ، وَالْكَافِي لِلْمِهْمَاتِ، وَالْمُفْرِجُ خَدَوْنَدَا؛ تو برطرف کننده بلاها و مصیبت هائی، و کفایت کننده سختی ها، و گشاینده لُکْرُبَاتِ، وَالسَّامِعُ لِلْأَصْوَاتِ، وَالْمُخْرِجُ مِنَ الظُّلُمَاتِ، وَالْمُجِيبُ اَنْدَوِهَا، و شنونده صداها، و خارج کننده از تاریکی ها، و اجابت کننده لِلدَّعَوَاتِ، اَلرَّاحِمُ لِلْعِبْرَاتِ، جَبَّارُ الْاَرْضِ وَالسَّمَاوَاتِ. یا وَلِیِّ دَعَاها، رحم کننده به اشک چشم ها، آفریننده زمین و آسمان هستی. ای سرپرست؛ یا مَوْلی، یا عَلِیُّ یا اَعْلٰی، یا کَرِیم یا اَکْرَمُ، یا مَنْ لَهُ الْاِسْمُ ای عهده دار (امور)؛ ای بلندمرتبه؛ ای برتر؛ ای بزرگوار؛ ای ارجمند؛ ای کسی که اسم الْأَعْظَمُ، یا مَنْ عَلَّمَ الْاِنْسَانَ ما لَمْ یَعْلَمْ، فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ اعظم از برای اوست، ای کسی که انسان را آموختی آنچه را که نمی دانست، آفریننده آسمان ها

ص: ۲۲۹

وَالْأَرْضِ، وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ. أَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ الْمُضِيَّ طَفَى مِنْ وَزْمِينِ اسْتِ، وَ اَوِ اسْتِ كِه رُوزِي مِي دِهْدِ، وَ كَسِي بِه اَوِ رُوزِي نَمِي دِهْدِ. اَز تُو دِرْخُواسْتِ مِي كَنَمِ بِه حَقِّ (حَضْرَتِ) مُحَمَّدِ كِه بَرْگَزِيْدِه شْدِه اَلْخَلْقِ، اَلْمَبْعُوثِ بِاَلْحَقِّ، وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِي أَوْلَيْتَهُ فَأَلْفَيْتَهُ اَز مِيانِ آفَرِيْدِگَانِ اسْتِ، وَ بِه حَقِّ، بَرانْگِيخْتِه شْدِه اسْتِ، وَ بِه حَقِّ اَمِيْرِ مُؤْمِنانِ كِه بِه اَوِ لُطْفِ وَ اِحْسانِ كَرْدِي وَ اَوِ رَاشَاكِرْا، وَابْتَلَيْتَهُ فَوَجَدْتَهُ صَابِرْا، وَبِالْإِمَامِ الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى شُكْرْگَزارِ دِيْدِي، وَ مَبْتَلَايشِ سَاخْتِي پَسِ اَوِ رَا شُكِيَا يافْتِي، وَ بِه حَقِّ اِمَامِ رِضا حَضْرَتِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الَّذِي أَوْفَى بِعَهْدِكَ، وَوَثَّقَ بِوَعْدِكَ، وَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا وَقَدْ كِه بِه عَهْدِ وَ پِيْمَانِ تُو وَفَا كَرْدِ، وَ بِه وَعْدِه اَتِ اطمِيْنانِ نَمُودِ، وَ اَز دُنْيا رُويِ گَرْدانِيْدِ، دَر حَالِي كِه أَقْبَلْتُ إِلَيْهِ، وَرَغِبَ عَنْ زِينَتِهَا وَقَدْ رَغِبْتُ فِيهِ، أَنْ تُصِلَّيْ عَلِيَّهِ اَوِ رُويِ آوَرْدِه بُودِ، وَ زِينَتِ آنِ رَا نَخُواسْتِ دَر حَالِيكِه زِينَتِ دُنْيا بِه اَوِ تَمَايلِ نِشانِ دادِ، كِه بَرْمُحَمَّدِ وَالِ مُحَمَّدِ، فَقَدْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ، وَقَدْ مُتُّهُمْ أَمَامِي مُحَمَّدِ وَ آلِ مُحَمَّدِ دِرُودِ فَرَسْتِي، بِه راسْتِي كِه مِنْ بِه وَاسِطِه ايشانِ بِه تُو تَوَسَّلِ جِسْتِه اَمِ، وَ اَنانِ رَا پِيشاپِيشِ خُودَوِيْنِ يَدِيْ حَوَائِجِي، أَنْ تَهْدِيْنِي اِلَى سَبِيلِ مَرْضَاتِكَ، وَتُسِّرْوَ حَاجَتِ هَايِمِ مَقْدَمِ سَاخْتِه اَمِ تا مِرا بِه رَاهِي كِه رِضا وَ خِشْنوْدِي تُو دَر آنِ اسْتِ رِهْنَمُونِ گَرْدِي، وَلِي أَسِيَابِ طَاعَتِكَ، وَتُوفِّقْنِي لِاتِّغَاءِ الزُّلْفَةِ بِمُؤَالَاهِ أَوْلِيَاءِكَ، اسبابِ اطاعَتِ خُودِ رَا بَرايِمِ فَراهِمِ سَازِي، وَ مِرا تَوْفِيْقِ دِهِي بَرايِ يافْتِنِ مَنزَلَتِ بِه وَسيْلِه دُوسْتِي اُولِيائَتِ، وَإِذْ رَاكَ اَلْحَظْوَه مِنْ مُعَادَاهِ أَغِيْدَآئِكَ، وَتُعِيْنِي عَلَيَّ أَدَاءِ وَ دَرَكِ كَرْدِنِ حَظِّ وَ بَهْرِه اَز دِشْمَنِي دِشْمَنانَتِ، وَ ياريِ رِسانِي مِرا دَر اَنْجَامِ دَعايِ مَهْمِي دَر هَر رُوزِ

فَرَأَيْتُكَ، وَاسْتَعْمَالَ سُنَّتِكَ، وَتُوفِّقْنِي عَلَى الْمَحَجَّةِ الْمُؤَدِّيهِ اَوِاجِبَاتِ، وَ بِه كَارِ گَرَفْتِنِ سُنَّتِ، وَ هُمُوارِ سَازِي بَرايِمِ رَاهِي رَا كِه نِمازِ هَدِيَه بِه اِمَامِ رِضا عَلِيْهِ السَّلَامِ ...

إِلَى الْعَتَقِ مِنْ عَذَابِكَ وَالْفَوْزِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱) بِه رَهايِي اَز عَذابَتِ وَ رِستْگاريِ مِنْ كِشِيْدِه شُودِ، بِه رَحْمَتِ اِي مِهْرَبانِ تَرِيْنِ مِهْرَبانانِ.

ص: ۲۴۰

هشت عمل عبادی در رابطه با ایام هفته

در این بخش، هشت عمل عبادی را که در ارتباط با حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام در روزهای هفته است، نقل می کنیم:

نماز هدیه به حضرت امام رضا علیه السلام در روز یکشنبه

راوندی رحمه الله در کتاب «سلوه الحزین» می نویسد: فرموده اند:

بنده روز جمعه هشت رکعت نماز می گذارد؛ چهار رکعت را هدیه به رسول خدا صلی الله علیه وآله و چهار رکعت دیگر را هدیه به حضرت فاطمه علیها السلام می نماید، روز شنبه چهار رکعت هدیه به امیرالمؤمنین علیه السلام، روز یکشنبه چهار رکعت هدیه به امام حسن مجتبی علیه السلام، روز دوشنبه چهار رکعت هدیه به حضرت اباعبدالله حسین بن علی علیهما السلام، روز سه شنبه چهار رکعت هدیه به حضرت علی بن الحسین علیهما السلام، روز چهارشنبه

ص: ۲۴۱

چهار رکعت هدیه به حضرت محمد بن علی علیهما السلام، روز پنجشنبه چهار رکعت هدیه به حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام می نماید.

سپس در روز جمعه دوباره هشت رکعت نماز می خواند، چهار رکعت را به رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و چهار رکعت دیگر را به حضرت فاطمه علیها السلام هدیه می کند، روز شنبه چهار رکعت هدیه به حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام، روز یکشنبه چهار رکعت هدیه به حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام، روز دوشنبه چهار رکعت هدیه به حضرت محمد بن علی علیهما السلام، روز سه شنبه چهار رکعت هدیه به حضرت علی بن محمد علیهما السلام، روز چهارشنبه

چهار رکعت به حضرت حسن بن علی علیهما السلام و روز پنجشنبه چهار رکعت هدیه به حضرت صاحب الزمان (ارواحنا فداه) می نماید. (۱)

و بعد از هر رکعت، این دعا را می خواند:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، وَإِلَيْكَ يَعُوذُ السَّلَامُ، حَيَّنَا خَدَاوَنَدَا؛ تو از هر گونه عیب و نقصی پاکی و (تو سلامت دهنده ای، و سلامت از تو است و بازگشت آن بسوی تو است، رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ. اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَذِهِ الرُّكْعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنِّي اِلَيَّ رَدِّ گارا؛ به ما از ناحیه خودت سلام و سلامت هدیه کن. خداوندا؛ این چند رکعت نماز، هدیه ای است از من به وَلِيِّكَ «فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ» (۲)، فَصَّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَالِّ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْهُ وَلِيَّيْ تو «فُلَانِ پسر فُلَانِ»، پس بر مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ درود فرست، و این (هدیه) را به إِيَّاهَا، وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي رَسُولِكَ وَفِيهِ ... آن حضرت برسان، و برتر از آنچه آرزو و امید به تو و رسولت و این امام بزرگوار دارم به من عطا کن

و آنچه دوست داری دعا کن و از خدا بخواه. (۳)

ص: ۲۴۲

۱- ۱۰۳ و ۳. الدعوات: ۱۰۸.

۲- ۱۰۴. در نماز هدیه به حضرت امام رضا علیه السلام به جای «فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ» بگوید: «عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا».

۳- ۱۰۵. الدعوات: ۱۰۸.

در روز چهارشنبه

روز چهارشنبه به نام حضرت موسی بن جعفر، حضرت امام رضا، امام جواد و امام هادی صلوات الله علیهم اجمعین است. زیارت آن بزرگواران در این روز، چنین است:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا اَوْلِیَاءَ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا حُجَجَ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ سَلَامٌ بِرِ شَمَا اِی اُولِیای خداوند، سلام بر شما ای حجت های الهی، سلام عَلَیْكُمْ يَا نُورَ اللّٰهِ فِي ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ صَلَوَاتُ بِرِ شَمَا اِی نور خدا در تاریکی های زمین، سلام بر شما، درود و صلوات اللّٰهِ عَلَیْكُمْ وَعَلَى اِلِ بَیْتِکُمُ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ. بِاَبِی اَنْتُمْ وَاُمِّی خداوند بر شما و بر اهل بیت پاک و پاکیزه شما، پدر و مادرم فدای شما؛ لَقَدْ عَبَدْتُمُ اللّٰهُ مُخْلِصِیْنَ، وَجَاهَدْتُمْ فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى خُذَا رَا خَالِصَانَه پُرسشش کردید، و آنگونه که شایسته است در راه خدا جهاد کردید تا اَتَاکُمُ الْیَقِیْنُ، فَلَعَنَ اللّٰهُ اَعْدَاکُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْاِنْسِ اَجْمَعِیْنَ، آنکه دنیا را وداع کردید، خداوند همه دشمنان شما را از آدَمِیَان و پُریَان لعنت کند، وَاَنَا اُبْرِءُ اِلَى اللّٰهِ وَاِلَیْکُمْ مِنْهُمْ. يَا مَوْلَایَ يَا اَبَا اِبْرَاهِیْمَ مُوسَی و من به سوی خدا و شما از آنان بیزاری می جویم. اِی مَوْلَایَ مَنْ؛ اِی اَبَا اِبْرَاهِیْمَ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ، يَا مَوْلَایَ يَا اَبَا الْحَسَنِ عَلِیَّ بْنِ مُوسَی، يَا مَوْلَایَ یَا بَنَ جَعْفَرٍ؛ اِی مَوْلَایَ مَنْ؛ اِی اَبَا الْحَسَنِ عَلِیَّ بْنِ مُوسَی؛ اِی اَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ، يَا مَوْلَایَ يَا اَبَا الْحَسَنِ عَلِیَّ بْنَ اَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ؛ اِی مَوْلَایَ مَنْ؛ اِی اَبَا الْحَسَنِ عَلِیَّ بْنَ

مُحَمَّدٍ، أَنَا مَوْلَى لَكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسَرِّكُمْ وَجَهْرِكُمْ، مُتَضَعٌ بِكُمْ مُحَمِّدٌ؛ مَنْ بَنَدَ شِمَا هَسْتُمْ، بَه پَنَهَان شِمَا وَ آشكار شِمَا ايمان دارم، فَيَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَهُوَ يَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ، وَمُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، فَأَضِيفُونِي فِي يَوْمِكُمْ هَذَا بِمَا أَنْتُمْ فِيهِ، وَمَنْ بَنَدَ شِمَا هَسْتُمْ، پَس مِيَهْمَان نَوَازِي كَنِيد وَأَجِيرُونِي بِأَلِ بَيْتِكُمُ الطَّاهِرِينَ (۱).

و مرا پناه دهید به حرمت اهل بیت پاک و پاکیزه تان.

زیارت دیگر حضرت امام رضا علیه السلام در روز چهارشنبه

زیارت دیگر امام رضا علیه السلام ...

مرحوم علامه مجلسی این سلام و صلوات را در باب «زیارات معصومین علیهم السلام در ایام هفته» آورده است. چون درباره حضرت امام رضا علیه السلام می باشد، ممکن است خواندن این زیارت، مخصوص روز چهارشنبه باشد:

السَّلَامُ عَلَى الرَّضَا الْمُتَرْضَى، سَيِّدِي سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَإِمَامِ سَلَامٍ بِرِضَا إِمَامٍ بِرِغْزِيدِهِ، هَمْنَامِ سُرُورِ أَوْصِيَاءٍ، وَ پِشَوَايِ الْمُتَّقِينَ، خَلِيفَةِ الرَّحْمَنِ، وَإِمَامِ أَهْلِ الْقُرْآنِ، وَصَاحِبِ التَّوَلُّدِ، پَرهیزکاران، جانشین خداوند بخشنده، وَ رَهبرِ أَهْلِ الْقُرْآنِ، وَ عَالَمِ بِهِ عِلْمِ تَأْوِيلِ، وَمَعْيَدِ الْفُرْقَانِ، وَحَامِلِ التَّوَرَاهِ وَالْإِنْجِيلِ، وَإِفْنَاءِ الْخَبِيثَاتِ وَ مَعْدِنِ تَشْخِصِ حَقِّ از باطل و جدا کننده آن، وَ دَرَبَرِ دَارِنْدَةِ تَوَرَاتِ وَ انجیل، وَ از بین برنده آنچه پلیدی و الأَبَاطِيلِ، وَالْقَائِلِ الْفَاعِلِ، وَالْحَاكِمِ الْعَادِلِ، وَالصَّادِقِ الْبَرِّ، وَ باطل و ناروا است، وَ گوینده ای که خود به گفته اش عمل می کند، وَ حاکمِ عدالتِ پیشه، وَ راستگوی نیکوکار،

ص: ۲۴۴

وَالْحَازِزِ الْفَخْرِ. جَدُّهُ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ، وَأَبُوهُ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَإِلَيْهِ وَصِيَّةُ فخر و بزرگواری. جدّ او سرور پیامبران، و پدرش سرور اوصیاء است، وَمَا بُدِّئَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ بَازْغَشْتِ هَمَّه پیشینیان و آیندگان به سوی او است. سلام بر تو ای ابا الحسن علی بن موسی الرضا وَرَحِمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ مُوسَى الرضا و رحمت خدا و برکات (بی پایان) او بر تو باد. خداوندا! بر محمد و علی ال محمد، وَكَمَا أَكْرَمْتَهُ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ، وَجَعَلْتَهُ فِي وَبَر آل محمد درود فرست، و همان گونه که او را به (حضرت) محمد رسولت گرامی داشتی، و در مورد الحقّ دلیلت، فَدَعَا إِلَى سَبِيلِكَ بِالْحُكْمِ وَالْمِوْظَظَةِ الْحَسَنَةِ، حقّ دلیل و راهنمای خودت قرار دادی، پس با حکمت و با پند و اندرز نیکو مردم را به راه تو دعوت کرد، فَأَكْمَلَ لَهُ الْعَهْدَ، وَتَمَّمَ لَهُ الْوَعْدَ، وَأَيَّدَهُ وَدُرِّبَتْهُ وَأَوْلِيَآءُهُ پس پیمان را برای او کامل و وعده را برای او تمام گردان، و او و فرزندان و دوستانش را بِالنَّصِيرِ وَالْجُنْدِ، لِيُخْلَصَ الدِّينَ بِالْجِدِّ، فَيَعْمَلَ فِي ذَلِكَ بِالْجَهْدِ، با یاری و لشکر خود نیرومند و قوی گردان، تا دین را به طور جدی و قطعی خالص گردانند، و در این راه تلاش و کوشش خود را به کار برد، وَيُصَيِّرَ لَكَ الدِّينَ خَالِصًا، وَالْحَمْدَ تَامًا. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ حَيًّا وَدِينًا خَالِصًا دین را برای تو خالص گردانند، و سپاسگزاری را کامل نماید. خداوندا! بر او در حال حیات و زندگی و و مَيتًا، وَعَجَّلْ فَرَجَنَا بِهِ، وَبِالْوَصِيَّةِ مِنْ بَعْدِهِ، وَأَنْصُرْهُ عَلَيِّسَ از وفات درود فرست، و در فرج ما به سبب او و جانشین بعد از او شتاب فرما، و او را بر آنها که از اهل طاعه الشیطان، وَأَعَزِّزْ بِهِ الْإِيمَانَ، وَأَذِلِّلْ بِهِ الشَّيْطَانَ. (۱) شیطان پیروی و فرمانبرداری می کنند یاری نما، و به واسطه او ایمان را عزّت و سرافرازی بخش، و شیطان را خوار و ذلیل گردان.

ص: ۲۴۵

طلب حاجت در روز پنجشنبه

حضرت امام رضا علیه السلام از پدراناش علیهم السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

هر گاه یکی از شما حاجت و خواسته ای دارد، روز پنجشنبه بامدادان در طلب آن رود، و چون از منزل بیرون آمد آخر سوره «آل عمران»، «آیه الكرسي»، «إِنَّا أَنزَلْنَاهُ» و سوره «حمد» را بخواند که در آن، برآورده شدن حاجت های دنیا و آخرت است. (۱)

ادعا پس از غسل روز جمعه

دعای امام رضا علیه السلام در روز جمعه

به حضرت امام رضا علیه السلام منسوب است که فرمودند:

غسل جمعه سنتی است واجب، آن را در سفر و هنگامی که در شهر خودت هستی ترک مکن.

از بعد از طلوع فجر هرگاه غسل کردی کفایت می کند و هر چه به ظهر نزدیکتر باشد بهتر است، و چون از غسل فارغ شدی بگو:

اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ نِي وَطَهِّرْ قَلْبِي، وَانْقِ غُسْلِي، وَاجْرِ عَلَيَّ لِسَانِي خَدَاوْنِدَا؛ مرا پاک گردان و قلب و روحم را پاک فرما، و غسلم را پاکیزه گردان، و

ص: ۲۴۶

۱- ۱۰۸. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۳۹/۲، مکارم الأخلاق: ۱۴۶/۲، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام: ۲۳۹، بحار الأنوار: ۱۳۵/۹۵ و ۱۵۹.

توبه کنندگان و یاک شدگان قرار بده.

دعای حضرت امام رضا علیه السلام در روز جمعه

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است:

در ظهر روز جمعه این دعا را بخوان:

ص: ۲۴۷

عَالِمًا لَا يُعَلِّمُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ دَانَائِي كَمَا دَانَسْتَ نِيَامُوخْتَهُ وَتَعْلِيمَ دَادِهِ نَشْدَهُ، بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
درود فرست، و با من چنان کن که تو اَهْلُهُ، یا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ، وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ، وَطَاعَتُهُ غِنَاءٌ، إِرْحَمْ شَائِسْتَهُ آن هستی، ای کسی که
نامش دوا، و ذکر و یادش شفا، و اطاعت او سرمایه بی نیازی است، رحم کن مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ، وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ، سُبْحَانَكَ
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ کسی که تمام سرمایه اش امید، و اسلحه اش گریه است، پاک و منزهی، هیچ معبودی جز آنست، یا حَنَّانُ یا مَنَّانُ، یا
بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، یا تو نیست، ای روی آورنده به کسی که از او روی گردانیده، ای ابتداکننده به نعمت و لطف پیش از
درخواست، ای پدیدآورنده آسمان ها و زمین، ای ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. (۱)

صاحب عظمت و بزرگی و بزرگواری.

صد مرتبه صلوات در روز جمعه

محمد بن فضیل از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است:

مَنْ صَلَّى عَلَى يَوْمِ الْجُمُعَةِ مِائَةَ صَلَاةٍ، قَضَى اللَّهُ لَهُ سِتِّينَ حَاجَةً؛ ثَلَاثُونَ حَاجَةً لِدُنْيَا، وَثَلَاثُونَ حَاجَةً لِلْآخِرَةِ. (۲)

هر کس در روز جمعه بر من صد مرتبه صلوات فرستد، خداوند شصت حاجت او را برآورده سازد؛ سی حاجت در مورد دنیا و
سی حاجت در مورد آخرت.

ص: ۲۴۸

۱- ۱۱۰. نزّه الزاهد: ۲۴۱.

۲- ۱۱۱. وسائل الشیعه: ۷۱/۵، بحار الأنوار: ۳۵۱/۸۹.

این صلوات از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

در روز جمعه بعد از نماز عصر، هفت مرتبه بگو:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْمُضِيِّ طَفَيْنِ، بِأَفْضَلِ خَدَاوَنَدَا؛ درود فرست بر محمد و آل محمد که برگزیده شده اند، به برترین صِلاواتِک، وَبَارِكْ عَلَیْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَکَاتِکَ، وَالسَّلَامُ عَلٰى درودهایت، و برکت بده به ایشان به برترین برکت هایت، و سلام بر آرواحِهم و أجسادِهم وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ.

جسم و جان پاک ایشان و رحمت خدا و برکات او بر آنان باد.

و اگر سوره «قدر» را بعد از نماز عصر ده مرتبه بخوانی، پاداش فراوانی خواهی داشت. (۱)

جواز شعر خواندن در شب جمعه و ماه مبارک رمضان

در پایان این بخش، مطلبی را که از حضرت امام رضا علیه السلام درباره جواز شعر خواندن در شب جمعه و ماه مبارک رمضان روایت شده نقل می کنیم:

خلف بن حماد گوید: به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم: اصحاب ما از پدران شما روایت می کنند که شعر خواندن در شب جمعه و در ماه رمضان و در شب مکروه

ص: ۲۴۹

است و من گاهی می خواهم و دوست دارم برای حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام مرثیه سرائی می کنم و اکنون در ماه رمضان هستیم.

امام علیه السلام فرمود:

ارث أبا الحسن فی ليله الجمعة وفي شهر رمضان وفي الليل، وفي سائر الأيام؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَكْفِيكَ عَلَى ذَلِكَ.

برای حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام مرثیه سرائی کن در شب جمعه و در ماه رمضان و در شب و در هر زمانی که خواستی، که خداوند تو را بر آن پاداش می دهد. [\(۱\)](#)

ص: ۲۵۰

هشت ماه و اعمال عبادی آن ها

اشاره

برخی از ماه های قمری مانند ماه رجب، ذی القعدة و ماه صفر با حضرت امام رضا علیه السلام بیشتر ارتباط دارد؛ ما در این بخش، اعمال عبادی هشت ماه را که ارتباط بیشتری با امام هشتم علیه السلام دارد - با برخی از جریانات مربوطه - نقل می کنیم:

ماه مبارک رمضان

حضرت امام رضا علیه السلام و نقل خطبه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم

درباره ماه مبارک رمضان

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب «عیون اخبار الرضا علیه السلام» از حضرت امام رضا علیه السلام، و ایشان از پدران بزرگوارش علیهم السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم روزی برای ما خطبه خواند و فرمود:

ای مردم؛ به راستی ماه خدا با برکت، رحمت و آمرزش به شما روی آورده است. ماهی که نزد خداوند بهترین ماه ها و روزهایش بهترین روزها و شب هایش

ص: ۲۵۱

بهترین شب ها و ساعت هایش بهترین ساعت ها است.

ماهی که در آن به میهمانی خداوند دعوت شده و از اهل کرامت او قرار داده شده اید. نفس های شما در آن، ثواب تسبیح دارد و خواب شما در آن، عبادت و عمل شما در آن، پذیرفته شده و دعایتان در آن، مستجاب است.

پس با نیت های درست و دل های پاک از خدا درخواست کنید که توفیق روزه داری و تلاوت قرآن به شما مرحمت کند، که بدون تردید شقی و بدبخت کسی است که از آمرزش الهی در این ماه بزرگ محروم گردد. و با گرسنگی و تشنگی خود در این ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را به یاد آورید. و برفقیان و بینوایان کمک کنید و صدقه دهید. بزرگسالان را احترام کنید و بر خردسالان رحم نمائید، و صله رحم (یعنی پیوند با خویشاوندان) داشته باشید. زبان خود را از آنچه نباید گفت و چشم خود را از آنچه نباید دید و گوش خود را از آنچه نباید شنید ببندید.

با یتیمان مردم مهربانی کنید تا با یتیمان شما مهربانی نمایند، از گناهان خود توبه کنید و به سوی خدا بازگشت نمائید و دست های خود را در اوقات نمازها به دعا بلند کنید که هنگام نمازها بهترین ساعت ها است، خداوند به سوی بندگانش نظر رحمت دارد؛ اگر با او راز و نیاز کنند به آن ها جواب می دهد، اگر او را ندا دهند جواب گوید و اگر او را بخوانند دعایشان را مستجاب فرماید.

ای مردم؛ به راستی جان شما در گرو اعمال شما است، با استغفار خویش آن را رها کنید. و پشت شما از بار گناه سنگین است، با طولانی کردن سجده آن راسبک نمائید. و بدانید که خداوند تبارک و تعالی به عزّت خود سوگند یاد کرده است که نماز گزاران و سجده کنندگان را عذاب نکند و آنان را به آتش دوزخ نرساند روزی که همگان در پیشگاه پروردگار جهانیان بپاییزند.

ای مردم؛ هر یک از شما روزه دار مؤمنی را در این ماه افطاری دهد، نزد خدا ثواب آزاد کردن یک بنده دارد و گناهان گذشته اش آمرزیده شود.

عرض کردند: همه ما چنین قدرتی نداریم.

فرمود: خود را از آتش برهانید گرچه با دادن نصف خرما باشد و از آتش دوربدارید گرچه با دادن لیوانی آب باشد.

ای مردم؛ هر یک از شما در این ماه اخلاقی را نیکو گردانند، بر صراط به راحتی بگذرد روزی که قدم ها بر آن بلغزد. و هر کس در این ماه نسبت به غلامان و کنیزان و خدمتگزارانش آسان بگیرد، خداوند حساب او را در قیامت آسان بگیرد. و هر کس از شرّ و بدی و آزار دیگران در این ماه خودداری کند، خداوند روز دیدارش با او از غضب خویش خودداری می کند. و هر کس یتیمی را در این ماه گرامی بدارد، خدا او را در روز ملاقات گرامی بدارد.

و کسی که با خویشاوندان خود در این ماه خوش رفتاری و مهربانی کند، خداوند در روز ملاقات با او به رحمت خویش خوشرفتاری نماید. و کسی که در این ماه رابطه خویشاوندی خود را با آنان قطع کند، خداوند در روز ملاقات رحمتش را از او قطع خواهد کرد. و کسی که در این ماه نماز مستحبی بجای آورد، خداوند برای او برات آزادی از آتش نویسد. و کسی که در این ماه فریضه ای را بجا آورد، ثواب هفتاد فریضه در غیر این ماه به او دهند.

و کسی که در این ماه بر من زیاد صلوات فرستد، خداوند میزان او را سنگین گرداند روزی که میزان ها سبک باشند. و کسی که در این ماه آیه ای از قرآن بخواند پاداش یک ختم قرآن در غیر این ماه دارد.

ای مردم؛ درهای بهشت در این ماه گشوده شده است، از خدا بخواهید که آن را به روی شما نبندد. و درهای دوزخ بسته شده است، از پروردگار خویش درخواست کنید که آن را به روی شما باز نگرداند. و شیاطین در بند هستند، از خدا بخواهید که آن ها را بر شما مسلط نسازد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: من از جا برخاستم و عرض کردم: ای رسول خدا؛ بهترین اعمال در این ماه چیست؟

فرمود: ای ابوالحسن؛ برترین اعمال در این ماه، پارسائی و پرهیز کردن از آنچه خدا حرام کرده می باشد.

سپس رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم گریست، عَلت گریه اش را سؤال کردم، فرمود: علی جان؛ گریه ام برای مصیبتی است که در این ماه بر تو وارد می شود؛ گویا می بینم که تو در حال نمازی در پیشگاه پروردگارت و آن شقی ترین اولین و آخرین و همتای پی کننده ناقه ثمود، ضربتی را بر فرق تو زده که محاسنت را با خون سرت خضاب نموده است.

عرض کردم: این جریان با سلامت دینم صورت می گیرد؟

فرمود: آری؛ تو در سلامت دینت هستی.

سپس فرمود: علی جان؛ هر کس تو را بکشد مرا کشته است، و هر کس با تودشمنی کند با من دشمنی کرده، و هر کس تو را دشنام دهد مرا دشنام داده است؛ زیرا که تو نسبت به من مانند جان من هستی، روح تو از روح من و طینت تو از طینت و سرشت من است، خداوند تبارک و تعالی من و تو را آفریده و برگزیده است؛ مرا برای نبوت و تو را برای امامت اختیار فرموده است. پس هر کس امامت تو را انکار کند، در حقیقت نبوت مرا انکار کرده است.

ای علی؛ تو وصی من و پدر فرزندانم و همسر دخترم و جانشینم بر امتم درزندگی و پس از مرگ من هستی. امر و فرمان تو، امر و فرمان من و نهی تو، نهی من است، به آن کسی که مرا به پیامبری مبعوث نمود و مرا بهترین آفریده اش قرار داد سوگند یاد می کنم که تو حجت خدا بر مخلوقات او و امین اسرار او و جانشین بر بندگانش می باشی. (۱)

فضیلت ماه مبارک رمضان در گفتار حضرت امام رضا علیه السلام

احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: از حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام شنیدم که فرمود:

عمره در ماه رمضان معادل حج است، یک شب اعتکاف در مسجد الرسول و کنار قبر آن حضرت، معادل حج و عمره است. کسی که امام حسین علیه السلام را

ص: ۲۵۴

زیارت کند و ده روز باقی مانده از ماه رمضان را اعتکاف کند گویا کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم اعتکاف کرده و کسی که کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم اعتکاف کند برای او از حج و عمره بعد از حج واجب بهتر است. (۱)

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

کسی که امام حسین علیه السلام را در ماه رمضان زیارت کند باید سعی و تلاش کند که شب بیست و سوم آن را - که به ليله الجهنی معروف است - از دست ندهد؛ زیرا آن شبی است که امید می رود شب قدر باشد و کمترین مقدار اعتکاف، یک ساعت بین نماز مغرب و عشاء است، کسی که آن یک ساعت را اعتکاف کند بهره خود را برده است، یا فرمود: به سهم و نصیب خود از شب قدر رسیده است. (۲)

دعای مهمّ در سحرهای ماه مبارک رمضان

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

این دعایی است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام در سحرهای ماه مبارک رمضان می خواندند و می فرمودند:

اگر مردم از عظمت این دعا نزد خدا و سرعت اجابت آن باخبر بودند، در راه بدست آوردن آن - گرچه با شمشیر بود - به جنگ می پرداختند و خدا هر کس را بخواهد به رحمت خویش مخصوص می گرداند.

اگر سوگند یاد کنم که اسم اعظم خدا در این دعا است، هر آینه راست گفته ام. پس این دعا را با اهتمام و تضرّع بخوانید که آن از علم مکنون است و آن را جز از اهلش و آنان که شایستگی آن را دارند پنهان ندارید، منافقان و تکذیب کنندگان و منکرین حق، اهل این دعا نیستند، و آن، دعای مباهله است:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِاَبْهَاءٍ وَكُلِّ بَهَائِكَ بِهَیْ. اَللّٰهُمَّ خداوندا؛ همانا از تو درخواست می کنم از شکوه و درخشندگی ات به درخشنده ترین آن، و همه درخشندگی ات درخشان است. خداوندا؛

ص: ۲۵۵

۱- ۱۱۵. بحار الأنوار: ۱۵۱/۹۸.

۲- ۱۱۶. بحار الأنوار: ۱۵۱/۹۸.

اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِبِهَائِکَ کُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ مِنْ جَمَالِکَ بِاَجْمَلِهِ از تو درخواست می کنم به تمام شکوه و درخشندگی ات. خداوندا؛ همانا از تو درخواست می کنم از جمال و زیبایی ات به زیباترین و کُلُّ جَمَالِکَ جَمِیلٌ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِجَمَالِکَ کُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ آن و همه زیبایی هایت زیبا است. خداوندا؛ از تو درخواست می کنم به تمام جمال و زیبایی هایت. خداوندا؛ همانا اَسْأَلُکَ مِنْ جَلَالِکَ بِاَجَلِّهِ وَ کُلُّ جَلَالِکَ جَلِیلٌ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ از تو درخواست می کنم از جلال و بزرگی ات به بزرگترین آن و همه جلال و بزرگی ات بزرگ است. خداوندا؛ از تو درخواست می کنم بِجَلَالِکَ کُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ مِنْ عَظَمَتِکَ بِاَعْظَمِهَا وَ کُلُّ به تمام جلال و بزرگی ات. خداوندا؛ همانا از تو درخواست می کنم از عظمت تو به عظیم ترین آن، و همه عَظَمَتِکَ عَظِیمَةٌ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِعَظَمَتِکَ کُلِّهَا. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ عظمت تو عظیم است. خداوندا؛ از تو درخواست می کنم به تمام عظمت. خداوندا؛ همانا اَسْأَلُکَ مِنْ نُورِکَ بِاَنْوَرِهِ وَ کُلُّ نُورِکَ نَوَّارٌ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ از تو درخواست می کنم از نور تو به نورانی ترین آن، و همه نور تو نورانی است. خداوندا؛ از تو درخواست می کنم بِنُورِکَ کُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ مِنْ رَحْمَتِکَ بِاَوْسَعِهَا وَ کُلُّ به تمام نور. خداوندا؛ همانا از تو درخواست می کنم از رحمت تو به گسترده ترین آن، و همه رحمت رَحْمَتِکَ وَاسِعَةٌ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِرَحْمَتِکَ کُلِّهَا. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ گسترده است. خداوندا؛ از تو درخواست می کنم به تمام رحمت. خداوندا؛ همانا اَسْأَلُکَ مِنْ کَلِمَاتِکَ بِاَتَمِّهَا وَ کُلُّ کَلِمَاتِکَ تَامَّةٌ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ از تو درخواست می کنم از کلمات تو به کاملترین آن، و همه کلمات تو کامل است. خداوندا؛ از اَسْأَلُکَ بِکَلِمَاتِکَ کُلِّهَا. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ مِنْ کَمَالِکَ بِاَكْمَلِهِ تو درخواست می کنم به تمام کلمات. خداوندا؛ همانا از تو درخواست می کنم از کمال تو به کاملترین آن وَ کُلُّ کَمَالِکَ کَامِلٌ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِکَمَالِکَ کُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ و همه کمالات تو کامل است. خداوندا؛ از تو درخواست می کنم به تمام کمالات. خداوندا؛ همانا اَسْأَلُکَ مِنْ اَسْمَائِکَ بِاَكْبَرِهَا وَ کُلُّ اَسْمَائِکَ کَبِیرَةٌ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ از تو درخواست می کنم از نام هایت به بزرگترین آن، و همه نام هایت بزرگ است. خداوندا؛

أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِأَعَزِّهَا از تو درخواست می کنم به تمام نام هایت. خداوندا؛ همانا از تو درخواست می کنم از عزّت به عزیزترین آن و كُلُّ عِزَّتِكَ عِزَّتُهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا. اللَّهُمَّ إِنِّي و همه عزّت تو عزیز است. خداوندا؛ از تو درخواست می کنم به تمام عزّت و توانمندیت. خدایا؛ اَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِأَمْضَاهَا، و كُلُّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي از تو درخواست می کنم از مشیّت و خواسته ات به اجرا شونده ترین آن، و همه خواسته ات اجراشونده است. خداوندا؛ از تو اَسْأَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا. اللَّهُمَّ إِنِّي اَسْأَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ درخواست می کنم به تمام مشیّت و خواسته ات. خدایا؛ از تو درخواست می کنم از قدرت و توانائی ات اَلَّتِي اَسْتَطَلَّتْ بِهَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، و كُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةٌ. اللَّهُمَّ که بر هر چیز غلبه و برتری دارد، و همه قدرت و توانائی ات غلبه دارنده است. خداوندا؛ إِنِّي اَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا. اللَّهُمَّ إِنِّي اَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِأَنْفَعِهِ از تو درخواست می کنم به تمام توانائی ات. خدایا؛ از تو درخواست می کنم از علم و دانش به نافذترین آن و كُلُّ عِلْمِكَ نَافِذٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي اَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي و همه علم و دانش تو نافذ است. خداوندا؛ از تو درخواست می کنم به همه علم و دانش. خدایا؛ اَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِأَرْضَاءٍ و كُلُّ قَوْلِكَ رَضِيٌّ. اللَّهُمَّ إِنِّي اَسْأَلُكَ از تو درخواست می کنم از گفتارت به پسندیده ترین آن و همه گفتار تو پسندیده است. خداوندا؛ از تو درخواست می کنم بِقَوْلِكَ كُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي اَسْأَلُكَ مِنْ مَسَائِلِكَ بِأَحَبِّهَا إِلَيْكَ، و كُلٌّ به تمام گفتارت. خدایا؛ از تو درخواست می کنم از خواسته شده هایت به محبوبترین آن ها، و همه مَسَائِلِكَ إِلَيْكَ حَبِيبَةٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي اَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ كُلِّهَا. اللَّهُمَّ خواسته شده هایت محبوب و دوست داشتنی است. خداوندا؛ از تو درخواست می کنم به تمام خواسته شده هایت. خدایا؛ إِنِّي اَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ و كُلُّ شَرَفِكَ شَرِيفٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي از تو درخواست می کنم از شرافت و بزرگواریت به شریفترین آن و همه شرف تو شریف و بزرگوار است. خداوندا؛ اَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي اَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ، از تو درخواست می کنم به تمام شرافت. خدایا؛ از تو درخواست می کنم از سلطنت تو به پایدارترین آن،

وَكُلَّ سُلْطَانِكَ دَائِمًا. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ وَ هَمَّ سُلْطَنَتِ تُو پَایِدَار اَسْتُ. خِداوَنْدَا؛ اَز تُو دِرْخِوِاسْت مِی کُنَم بَه تَمَام سُلْطَنَت. خِداِیا؛ اَز تُو اَسْأَلُکَ مِنْ مُلْکِکَ بِاَفْخَرِهِ وَکُلِّ مُلْکِکَ فَاخِرًا. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ دِرْخِوِاسْت مِی کُنَم اَز فَرْمَانِروایی تُو بَه اَرْزِشْمَنْدَتَرین اَن وَ هَمَّ فَرْمَانِروایی تُو اَفْتِخَارِآمِیز وَ اَرْزِشْمَنْد اَسْتُ. خِداوَنْدَا؛ اَز تُو دِرْخِوِاسْت بِمُلْکِکَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ مِنْ عُلُوِّکَ بِاَعْلَاهُ وَکُلِّ عُلُوِّکَ مِی کُنَم بَه تَمَام فَرْمَانِروایی. خِداِیا؛ اَز تُو دِرْخِوِاسْت مِی کُنَم اَز بَرْتَری تُو بَه بَرْتَرین اَن وَ هَمَّ بَرْتَری تُو بَرْتَر وِعالٍ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِعُلُوِّکَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ مِنْ مَنِّکَ بَلَنْدَمَرْتَبَه اَسْتُ. خِداوَنْدَا؛ اَز تُو دِرْخِوِاسْت مِی کُنَم بَه تَمَام بَرْتَری هَایَت. خِداِیا؛ اَز تُو دِرْخِوِاسْت مِی کُنَم اَز لُطْف وَ اَحْسان تُو بِاَقْدَمِهِ وَکُلِّ مَنِّکَ قَدِیمًا. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِمَنِّکَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ بَه دِیرِینَه تَرین اَن وَ هَمَّ لُطْف تُو دِیرِینَه اَسْتُ. خِداوَنْدَا؛ اَز تُو دِرْخِوِاسْت مِی کُنَم بَه تَمَام لُطْف وَ اَحْسانَت. خِداِیا؛ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ مِنْ اِیَاتِکَ بِاَكْرَمِهَا وَکُلِّ اِیَاتِکَ کَرِیمَه. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَز تُو دِرْخِوِاسْت مِی کُنَم اَز اَیَات وَ نِشانَه هَایَت بَه گَرَامی تَرین اَن وَ هَمَّ اَیَات وَ نِشانَه هَایَت گَرَامی اَسْتُ. خِداوَنْدَا؛ اَسْأَلُکَ بِاِیَاتِکَ کُلِّهَا. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِمَا اَنْتَ فِیه مِنَ الشَّانِ اَز تُو دِرْخِوِاسْت مِی کُنَم بَه هَمَّ اَیَات وَ نِشانَه هَایَت. خِداوَنْدَا؛ اَز تُو دِرْخِوِاسْت مِی کُنَم بَه مَرْتَبَه اِی کِه تُو دَر اَن هَسْتی اَز شَأْنِ وَالْجَبَرُوتِ، وَ اَسْأَلُکَ بِکُلِّ شَأْنٍ وَحْدَه، وَجَبَرُوتٍ وَحْدَه. وَ اَز تُو دِرْخِوِاسْت مِی نَمَایم بَه حَرْمَتِ هَر شَأْنِ وَ مَنزَلَتِ یَگانه، وَ هَر بَزرگی وَ قَدَرَتِ بَی هَمّا. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِمَا تُجِیْبُنِی بِهِ حِینَ اَسْأَلُکَ، فَاجِیْبْنِی یا اَللّٰهُ، خِداوَنْدَا؛ هَمّا مَن اَز تُو دِرْخِوِاسْت مِی کُنَم بَه اَنچَه بَه اَن پَاسِخ مِی دَهِی مَرا هَنگامی کِه دِرْخِوِاسْت کُنَم، پَس بَه مَن جِواب بَدَه، وَافَعَلْ بَی کَذا وَکَذا.

و نسبت به من چنین و چنان کن.

... ولا یتعهدی امام رضا علیه السلام

و حاجت خود را ذکر می کنی که ان شاء الله برآورده می شود و آن را به تو عطامی کنند. (۱)

ص: ۲۵۸

حضرت امام رضا علیه السلام در روز ششم ماه مبارک رمضان

مرحوم محدث قمی فرموده است: اگرچه به حسب ظاهر مأمون در تعظیم و توقیر حضرت امام رضا علیه السلام می کوشید و احترام آن جناب را فروگذار نمی کرد، اما در باطن به طور شیطنت و نفاق با آن حضرت دشمنی می کرد و به حکم آیه شریفه «هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُوهُمْ» دشمن واقعی بلکه سخت ترین دشمنان او بود که به حسب ظاهر به طریق محبت و دوستی و خوش زبانی با آن حضرت رفتار می نمود اما در باطن مثل مار و افعی آنجناب را می گزید و پیوسته کاسه های زهر به کام آن بزرگوار می رسانید، مثل معروف است «شیطان الفقهاء فقيه الشیاطین».

لا-جرم از زمانی که آن حضرت ولیعهد شد، اول مصیبت و اذیت و صدمات آن حضرت شد، و در همان روزی که با آن حضرت بیعت کردند یکی از خواص آن حضرت گفت: من در خدمت آنجناب بودم و به جهت ظاهر شدن فضل آن حضرت مستبشر و خوشحال بودم، آن حضرت مرا به نزد خود طلبید و آهسته به من فرمود:

به این امر خوشحال مباش چه این کار به اتمام نخواهد رسید و به این حال نخواهم ماند.

و در حدیث حسن بن جهم است: چون مأمون علمای امصار و فقهای اقطار راجع کرد که با حضرت امام رضا علیه السلام مباحثه و مناظره نمایند و آن حضرت بر همه غالب شد و همگی اقرار به فضیلت آن جناب نمودند و از مجلس مأمون برخاست و به منزل خود معاودت فرمود، من در خدمت آن حضرت رفتم و گفتم: خدا را حمد می کنم که مأمون را مطیع شما گردانیده و در اکرام شما مبالغه می نماید و غایت سعی مبذول می دارد. حضرت فرمود:

یابن جهم؛ محبت های مأمون نسبت به من، ترا فریب ندهد؛ زیرا به این زودی از روی ستم و ظلم، مرا با زهر شهید خواهد کرد، این خبری است که از پدران

من به من رسیده است، این سخن را پنهان دار و تا من زنده ام با کس نگوی.

و بالجمله پیوسته آنجناب از سوء معاشرت مأمون، درد در دل نازنینش بود و به کسی نمی توانست اظهار کند و آخر کار چندان به تنگ آمده بود که از خدا مرگ خود را می خواست، چنانچه یاسر خادم گفته: در هر روز جمعه که آن حضرت از مسجد جامع مراجعت می کرد به همان حالتی که عرق دار و غبار آلود بود، دست ها به درگاه الهی برمی داشت و عرضه می کرد:

اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ فَرَجِيْ مِمَّا اَنَا فِيْهِ الْمَوْتُ، فَعَجِّلْ لِي السَّاعَةَ.

خداوندا! اگر فرج من و رهاییم از این گرفتاری به مرگ من حاصل می شود آن را تعجیل فرما.

و آن حضرت، پیوسته در غم و حزن بود تا از دنیا رحلت فرمود.

و اگر شخص متفطن در وضع معاشرت و سلوک مأمون با آن حضرت تأمل کند تصدیق این مطلب را خواهد نمود.

آیا عاقلی تصوّر می کند که مأمون دنیاپرست - که به جهت طلب خلافت و ریاست دستور داد برادرش محمد امین را در کمال سختی بکشند و سرش را برای او آورند، و در صحن خانه خود او را بر چوبی نصب کنند و سپاهیان خود را دستور داد که هر کسی برخیزد و بر این سر لعنت کند و جایزه خود را بگیرد، آیا چنین کسی که این قدر طالب خلافت و ملک است، - حضرت امام رضا علیه السلام را از مدینه به مرو می طلبد و تا دوماه اصرار می کند که من می خواهم خود را از خلافت خلع کنم و لباس خلافت را بر تو بپوشانم، جز شیطنت و نفاق نکته دیگر در نظر اوست؟ در حالی که خلافت، قرّه العین مأمون بود و در حقّ سلطنت گفته اند: «الملک عقیم» و برادرش امین خوب او را شناخته بود؛ چنانچه به احمد بن سلام هنگامی که او را دستگیر کرده بودند گفت: آیا مأمون مرا می کشد؟ احمد گفت: ترا نخواهد کشت چه آنکه علاقه رحم، دل او را بر تو مهربان خواهد کرد. امین گفت: «هیئات؛ الملک عقیم لا رحم له».

در کتاب «ایجاج الاحزان : ۶۶» نامه مأمون را به حضرت امام رضا علیه السلام درباره ولایتعهدی نقل کرده و دعایی از آن حضرت در این باره آورده است.

در هر صورت، مأمون ابداً میل نداشت که از حضرت امام رضا علیه السلام فضیلت و منقبتی ظاهر شود، چنانچه از ملاحظه روایات رفتن آن حضرت به نماز عید و غیره این مطلب واضح و آشکار است.

و در ذیل حدیث رجاء بن ابی ضحاک است که وقتی او فضائل و عبادات حضرت امام رضا علیه السلام را برای مأمون نقل کرد، مأمون گفت: مردم را به اینها که گفתי خبر نده، و برای مصلحت از روی شیطنت گفت: به جهت آنکه می خواهم فضایل آن جناب جزاز زبان من ظاهر نشود.

و در آخر کار، وقتی دید هر روز انوار علم و کمال و آثار رفعت و جلال آن حضرت بر مردم ظاهر می شود و محبت آن حضرت در دل های ایشان جا می کند، آتش حسد در کانون سینه اش مشتعل شد و در مقام تدبیر آن حضرت برآمد و آن حضرت را مسموم نمود.

چنانچه شیخ صدوق رحمه الله از احمد بن علی روایت کرده است که گفت: از ابوالصلت هروی پرسیدم: چگونه مأمون به قتل حضرت امام رضا علیه السلام راضی شد؛ با آن اکرام و محبتی که نسبت به او اظهار می کرد و او را ولیعهد گردانیده بود؟

ابوالصلت گفت: مأمون برای این، آن حضرت را گرامی می داشت که فضیلت و بزرگواری او را می دانست، و ولایتعهد را به او تفویض کرد برای آنکه مردم آن حضرت را چنان بشناسند که در دنیا راغب است، و محبت او از دل های مردم کم شود؛ چون دید که این، باعث زیادتی محبت و اخلاص مردم شد، علمای جمیع فرق را از یهود، نصاری، مجوس، صائبان، براهمه، ملحدان، دهریان و علمای جمیع ملل و ادیان را جمع کرد که با آن حضرت مباحثه و مناظره نماید شاید که بر او غالب شوند و در آن جناب عجز و نقصی ظاهر شود و به این سبب اعتقاد مردم نسبت به آن حضرت ضعیف گردد و این تدبیر نیز برخلاف مقصود او نتیجه داد و همگی آن ها مغلوب آن حضرت گردیدند و اقرار به فضیلت و جلالت آن جناب نمودند. (۱)

ص: ۲۶۱

دعای حضرت هنگام ولایتعهدی

یاسر گوید: هنگامی که حضرت امام رضا علیه السلام در روز ششم ماه مبارک رمضان (به اکراه ولیعهد گردید، دست های مبارک خود را به طرف آسمان بالا برد و شنیدم که فرمودند:

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَعْلَمُ اَنِّيْ مُكْرَهُ مُضْطَرٌّ، فَلَا تُؤَاخِذْنِيْ كَمَا لَمْ تُؤَاخِذْ خَدَاوَنَدَا؛ تو می دانی که من مجبور و ناچارم، پس مرا مؤاخذه مکن، همان گونه که عَبْدُكَ وَنَبِيَّكَ يُوسُفَ حِيْنَ وَقَعَ اِلَى وِلَايَةِ مِصْرَ. (۱)

بنده و پیامبرت حضرت یوسف را مؤاخذه نفرمودی؛ هنگامی که او به فرمانروائی و حکومت مصر رسید.

شواهد بسیاری وجود دارد که تحمیل ولایتعهدی حضرت امام رضا علیه السلام نه براساس محبت و علاقه مأمون، بلکه به خاطر شیطنت و سیاست شوم او بوده است.

دشمنی او با خاندان وحی علیهم السلام به گونه ای بود که گاه از بنی امیه - که با بنی العباس دشمن خونخوار بودند - برای سرکوب اهل بیت علیهم السلام و علویان کمک می گرفت. جریانی که نقل می کنیم دلیل بر این مطلب است:

«وقتی عبدالرحمن علوی در یمن بر ضدّ مأمون قیام کرد، در این هنگام مأمون، طالبیین را از ورود به نزد خویش منع کرد و دستور داد آنان را به پوشیدن جامه سیاه مجبور سازند (۲)».

پس از آن، مأمون سیاست ثابت و تازه ای را برای حکومت سرزمین یمن آغاز کرد و از هر گونه جنبش شیعی که امکان داشت در آن جا سر بردارد، جلوگیری نمود. مأمون چاره را در آن دید که بر یمن حکمرانی بگمارد که به نیرومندی و قاطعیت شناخته شده باشد.

ص: ۲۶۲

۱- ۱۱۹. بحار الأنوار: ۱۳۰/۴۹.

۲- ۱۲۰. طبری: ۱۶۹/۷.

وزیرش حسن بن سهل به او توصیه کرد یکی از نوادگان زیاد بن ابیه، والی اموی معروف را انتخاب کند. این فرد پیشنهاد شده محمد بن ابراهیم زیادی بود. مأمون او را حاکم یمن نمود و سلیمان بن هشام بن عبدالملک اموی را به وزارت او گماشت (۱). بدین سان، چنین شد که حکمران و وزیرش هر دو به امویان وابستگی داشتند و این درحالی است که ما از دشمنی شدید آنان با دودمان علوی به خوبی آگاهیم.

حکمران تازه - محمد بن ابراهیم زیادی - توانست تهامه را فتح کند. او بنای شهرزبید را طرح ریزی کرد و آن را پایتخت خود برگزید (۲) و بر روح تمرّدی که قبایل یمنی داشتند غلبه کرد. وی که بنا به توصیف ابن خلدون نسبت به دودمان علّی بن ابی طالب علیه السلام سخت کینه می ورزید (۳)، یاران و هواداران علویان را تعقیب کرد.

قدرت «محمد زیادی» رو به فزونی نهاد و موفق شد پایه های حکومت بنی زیاد را در یمن محکم کند. این حکومت با آنکه پیوسته از خلیفگان عباسی در خطبه ها نام می برد و خراج و هدایا را به سوی آنان روانه می کرد، نوعی حکومت خودمختار و برخوردار از استقلال داخلی شناخته شده است (۴).

«محمد زیادی» در طول حیاتش بر یمن حکم راند و فرزندانش حکمرانی را پیایی از او ارث بردند. سپس برخی از وابستگان و غلامان ایشان زمام حکومت را به دست گرفتند و تا سال ۵۵۳ ه ق با این عنوان حکم راندند. این دولت را که نخستین دولت مستقلی است که سرزمین یمن را تجربه کرد (۵)، دولت زیادیان می خواندند. پایه های این استقلال با ضعف دولت عباسیان استحکام یافت.

«محمد زیادی» با قدرتی که مأمون به او تفویض کرده بود و با علاقه ای که مأمون به تقویت حکمرانی او داشت فرمانروایی کرد. چه مأمون با هزار سواره نظام که در میان

ص: ۲۶۳

۱- ۱۲۱. تاریخ الیمن: ۱۸۵.

۲- ۱۲۲. در آن جا وادی بود که آن را «وادی زبید» می خواندند. محمد زیادی در آن شهری جدید ساخت و آن را به تناسب این وادی، «زبید» نامید. این شهر در تهامه یمن واقع است و بیشتر ساکنانش از قبیله اشاعر هستند. (تاریخ الیمن: ۳۷ - ۳۶، المخلاف السلیمانی: ۱۰۷/۱)

۳- ۱۲۳. ابن خلدون، العبر: ۲۴۳/۲.

۴- ۱۲۴. بغیه المستفید: خطّی، برگ ۴۵.

۵- ۱۲۵. تاریخ الیمن: ۲۰۲.

آنان هفتصد تن از خراسانی ها بودند، او را یاری داد. بعدها قلمرو دولت زیادیان توسعه یافت و حضرموت، دیار کُنده، شحر، برباط، لحج، عدن و فلات های واقع میان این آبادی ها را شامل گردید (۱). (۲)

پانزدهم ماه مبارک رمضان

پانزدهم ماه مبارک رمضان

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

پدرم موسی بن جعفر، از پدرش جعفر بن محمد، و آن حضرت از پدرش محمد بن علی، و آن حضرت از پدرش علی بن الحسین علیه السلام و آن حضرت از اسماء بنت عمیس، و او از حضرت فاطمه علیها السلام روایت کرده است که فرمود: هنگامی که فرزندم حسن علیه السلام را به دنیا آوردم، پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نزد ما آمد و فرمود: ای اسماء! پسر مرا بیاور.

اسماء گوید: او را در حالی که در میان پارچه زردرنگی بود به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دادم، آن حضرت در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه گفت، سپس به علی علیه السلام فرمود: پسر مرا چه نام نهاده ای؟

علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا! هرگز در نامگذاری او بر شما سبقت نمی گیرم، دوست داشتم او را «حرب» بنامم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: من نیز در نامگذاری او بر پروردگارم پیشی نمی گیرم. در این هنگام جبرئیل فرود آمد و عرض کرد: ای محمد! پروردگار بلندمرتبه به شما سلام می رساند و می فرماید: جایگاه علی نسبت به تو، مانند جایگاه هارون نسبت به موسی است؛ جز اینکه پیامبری بعد از تو نیست، این پسرت را بنام پسر هارون نامگذاری کن.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: نام پسر هارون چه بوده است؟

ص: ۲۶۴

۱- ۱۲۷. مبارزات شیعیان در دوره نخست خلافت عباسیان: ۳۹۹.

۲- ۱۲۶. دراسات فی العصور العباسیة المتأخرة: ۱۶ - ۱۲.

عرض کرد: «شَبْر».

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: زبان من عربی است.

جبرئیل عرض کرد: نام او را «حسن» بگذار.

اسماء گوید: رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم او را «حسن» نامید و هنگامی که روز هفتم ولادت اورسید، از طرف او دو قوچ فربه عقیقه کرد و یک ران و یک دینار به قابله مرحمت فرمود، سپس سر حسن علیه السلام را تراشید و به وزن موی او نقره صدقه داد و مادّه خوش بوئی به سر او مالید، سپس فرمود: ای اسماء؛ خون به پیشانی و سر طفل مالیدن از کارهای جاهلیت است.

اسماء گوید: پس از گذشت یکسال حسین علیه السلام به دنیا آمد و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نزدما آمد و فرمود: ای اسماء؛ پسر مرا بیاور. من او را در حالی که در پارچه سفیدی بود به آن حضرت دادم، رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه گفت و آن گاه در دامن خود نهاد و گریه کرد.

عرض کردم: پدر و مادرم فدای شما؛ چرا گریه می کنید؟

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود: بر این پسر.

عرض کردم: او که تازه به دنیا آمده است.

فرمود: او را پس از من گروه ستمگری می کشند، خداوند شفاعت مرا شامل حال آنان نگرداند.

سپس فرمود: ای اسماء؛ این خبر را به فاطمه ام نگو؛ زیرا که نوزادش تازه تولّد یافته است.

سپس به علی علیه السلام فرمود: این پسر را چه نام نهاده ای؟

عرض کرد: ای رسول خدا؛ هرگز در نامگذاری او بر شما پیشی نگرفته ام، ولی دوست داشتم او را «حرب» بنامم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: من نیز پروردگارم را در نامگذاری او پیشی نخواهم گرفت، در این هنگام جبرئیل فرود آمد و عرض کرد: خداوند والای بلند مرتبه به شما سلام می رساند و می فرماید: جایگاه علی علیه السلام نسبت به تو مانند جایگاه

هارون نسبت به موسی است، این پسر را بنام پسر هارون نامگذاری کن.

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود: نام فرزند هارون چیست؟

عرض کرد: «شیر».

پیامبر فرمود: زبان من عربی است.

جبرئیل عرض کرد: نام او را «حسین» بگذار.

روز هفتم ولادت که فرارسید، رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم از طرف او دو قوچ فربه را عقیقه کرد و به زن قابله یک ران آن و یک دینار مرحمت فرمود، سپس سر حسین علیه السلام را تراشید و به وزن موی او نقره داد و ماده خوش بوئی بنام «خلوق» بر سر او مالید و فرمود: ای اسماء؛ مالیدن خون بر سر و پیشانی طفل از کارهای دوران جاهلیت است. (۱)

فضیلت شب های قدر

حضرت امام رضا علیه السلام، از پدرانش علیهم السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت کرده است که فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: من أحيى ليلة القدر غفرت له ذنوبه ولو كانت عدد نجوم السماء ومثاقيل الجبال ومكائيل البحار.

کسی که شب قدر را به شب زنده داری بپردازد، گناهانش آمرزیده شود؛ گرچه به عدد ستارگان آسمان و وزن کوه ها و پیمانه دریاها باشد. (۲)

اعمال روز عید فطر

شهادت حضرت امام رضا علیه السلام در روز چهاردهم ماه مبارک رمضان نیز نقل شده، و مرحوم شیخ صدوق در کتاب «عیون اخبار الرضا علیه السلام» شهادت آن حضرت را در روزیست و یکم ماه مبارک رمضان نقل کرده است. بنابراین، زیارت آن حضرت در این دو روز دارای فضیلت بیشتری است.

ص: ۲۶۶

۱- ۱۲۸. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲۴/۲، و در صحیفه الإمام الرضا علیه السلام: ۲۴۰ با تفاوت زیاد.

۲- ۱۲۹. وسائل الشیعه: ۵/۱۷۳.

اعمال روز عید فطر

فضل بن شاذان از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

همانا روز فطر، عید قرار داده شده؛ تا زمان اجتماعی برای مسلمانان فراهم آید و در آن گرد هم جمع گردند و برای خداوند عزیز والامقام بیرون آیند و او را تمجید کنند بر الطاف و نعمت هایش که مرحمت فرموده است، پس روز عید می باشد و روز اجتماع و روز فطر و روز رغبت و روز تضرع.

و برای این که اولین روز سال است که خوردن و آشامیدن در آن حلال می شود؛ زیرا اولین ماه سال نزد اهل حق ماه رمضان است، و خداوند عزیز باجلالت دوست دارد که در آن روز برای ایشان مجمعی باشد که او را سپاس گویند و تقدیس نمایند.

و همانا در این نماز، تکبیر بیش از تکبیر در غیر آن قرار داده شده؛ چون تکبیر، بزرگداشت خداوند و تمجید او است بر هدایتی که کرده و عافیتی که بخشیده است؛ همان طور که خداوند تبارک و تعالی فرموده است:

«وَلْتُكْبِرُوا لِلَّهِ عَلَى مَا هَدَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (۱).

تا خدا را بر این که شما را هدایت کرده بزرگ شمارید، و باشد که شکرگزاری کنید.

و همانا در آن، دوازده تکبیر قرار داده شده، در دو رکعت دوازده تکبیر، هفت تادر رکعت اول و پنج تا در رکعت دوم می باشد و هر دو را مساوی نگردانیده؛ زیرا سنت در نماز فریضه این است که با هفت تکبیر شروع شود، لذا در اینجا هم

ص: ۲۶۷

هفت تکبیر را مقدّم داشته و به آن شروع کرده، و در رکعت دوّم پنج تکبیر قرارداده شده؛ چون تکبیره الإحرام در روز و شب پنج تکبیر است، برای اینکه عدد تکبیرها در هر یک از دو رکعت، فرد باشد. (۱)

رفتن حضرت امام رضاعلیه السلام برای خواندن نماز عید فطر

... خواندن نماز عید فطر

علی بن ابراهیم گفت: یاسر خادم هنگامی که بعد از وفات حضرت امام رضاعلیه السلام از خراسان بازگشت، همه اخبارش را بازگو کرد.

و نیز علی بن ابراهیم گفت: ریّان بن صلت - که از اطرافیان حسن بن سهل بود - برایم حدیث کرد و گفت: پدرم از محمّد بن عرفه و صالح بن سعید حدیث کرد که تمامی اینها اخبار حضرت امام رضاعلیه السلام را بازگو نموده اند و گفته اند:

هنگامی که آن خلع شده (یعنی امین) برکنار شد و مأمون زمام قدرت و ریاست رادر دست گرفت، به حضرت امام رضاعلیه السلام نامه نوشت و آن حضرت را به خراسان دعوت کرد.

امام برای او عذر می آورد و از رفتن خودداری می نمود، ولی مأمون به درخواست خویش ادامه می داد و پیوسته مکاتبه می کرد تا آن که حضرت امام رضاعلیه السلام دانست که اودست بردار نیست، به ناچار از مدینه خارج شد در حالی که فرزندش ابوجعفر علیه السلام سنّ مبارکش هفت سال بود.

مأمون نوشت که از راه کوفه و قم حرکت نکن، لذا آن حضرت را از راه بصره و اهواز و فارس عبور دادند تا به مرو رسید، پس چون امام علیه السلام به مرو رسید مأمون امر خلافت و امارت را به امام علیه السلام پیشنهاد کرد، و امام علیه السلام نپذیرفت، و گفتگوهای فراوانی در مورد آن شد و تا دو ماه این گفتگوها جریان داشت و مأمون اصرار می ورزید و امام علیه السلام از پذیرفتن خودداری می نمود، لذا یک مرحله پائین آمد و ولایتعهدی را پیشنهاد کرد و امام علیه السلام فرمود:

ص: ۲۶۸

با شروطی که از تو می خواهم آن را می پذیرم.

مأمون عرض کرد: هر شرطی که می خواهی بخواه، امام علیه السلام نوشت:

من در امر ولایتعهدی وارد می شوم به شرط آنکه هیچگونه امر و نهی نداشته باشم، قضاوت نکنم، و چیزی را تغییر ندهم و از همه این امور اجرائی معاف باشم.

مأمون شروط امام علیه السلام را پذیرفت، آنگاه کارگزاران و قضات و فرماندهان و سران لشکر و همه فرزندان عباس را دعوت کرد که با آن حضرت به ولایتعهدی بیعت کنند، آن ها بر او خروشیدند و اختلاف کلمه در میان آنان پیدا شد.

مأمون اموال فراوانی به سران و فرماندهان بخشید و همه آنان را راضی نمود جز سه نفر به نام های عیسی جلودی، علی بن عمران، و ابو یونس که از بیعت با حضرت امام رضاعلیه السلام سرباز زدند، لذا آن ها را در زندان انداخت و بیعت صورت گرفت و این خبر را به همه شهرها اعلام کردند و بر درهم و دینار به نام آن حضرت سکه زدند و در منبرها خطبه بنام او خواندند، و مأمون در این راه - برای انجام هدف شوم و پشت پرده ای که قصد انجام آن را در آینده داشت - خرج فراوان و مال بسیاری مصرف کرد.

چون هنگام عید فرا رسید، مأمون کسی را نزد حضرت امام رضاعلیه السلام فرستاد و از او خواست که برای نماز عید حضور پیدا کند و خطبه بخواند تا دل های مردم مطمئن گردد و فضل و دانش او را همگان بشناسند و دل های آنان بر این دولت مبارک قرار گیرد. امام علیه السلام پیغام داد:

از قراردادی که میان من و تو در هنگام پذیرش ولایتعهدی صورت گرفته باخبری و هنوز آن شروط را از یاد نبرده ای.

مأمون پاسخ داد: با این کار می خواهم این مطلب در دل های عموم مردم و همه مأموران لشکری و کشوری رسوخ پیدا کند و دل های آنها مطمئن گردد و به آنچه خداوند از فضیلت و برتری به شما داده اقرار کنند.

و چون مدّتی بین آن ها کلمات رد و بدل شد و مأمون بر آن اصرار ورزید، امام علیه السلام فرمود:

... اگر مرا از این کار معاف داری بیشتر مایلیم، ولی اگر نمی پذیری من با همان هیئتی که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم و علی بن ابی طالب علیه السلام برای نماز بیرون می رفتند خارج می شوم.

مأمون عرض کرد: آنگونه که دوست داری انجام بده.

از آن طرف، مأمون به همه سران لشکر و مردم دستور داد که بامداد عید، درب خانه حضرت امام رضا علیه السلام اجتماع کنند، زن و مرد و کودک همگی بر سر راه ها نشستند و کوچه ها پر از جمعیت گردید و سران و فرماندهان لشکر اطراف خانه حضرت امام رضا علیه السلام گرد آمدند.

همینکه خورشید طلوع کرد، حضرت امام رضا علیه السلام غسل کرد و عمامه سفیدرنگی که از پنبه بود بر سر مبارک نهاد و یک طرف آن را روی سینه و طرف دیگر آن را برشانه اش رها کرد و آماده گردید، سپس به همه موالیانش دستور داد: آنچه من انجام دادم شما هم انجام دهید.

آنگاه عصائی بدست گرفت و خارج شد و ما پیشاپیش آن حضرت بودیم درحالی که با پای برهنه راه می رفت، پاچه های شلوار را تا نیمی از زانو بالا- زده، و جامه را از روی پاها نیز بالا- زده بود، پس چون حرکت کرد و ما پیشاپیش او براه افتادیم سرمبارک خود را به سوی آسمان بالا- برد و چهار تکبیر گفت، بگونه ای که ما خیال کردیم همه هوا و فضا و دیوارها با او همصدا شدند.

سران لشکر و مأموران همگی خود را آراسته و سلاح پوشیده با زیباترین هیئت در کنار در ایستاده بودند، ما با این هیئت پای برهنه، دامن به کمر بسته بر آنان ظاهر شدیم و حضرت امام رضا علیه السلام بیرون آمد کنار درب خانه توقف کوتاهی کرد و فرمود:

اَللّهُ اَكْبَرُ، اَللّهُ اَكْبَرُ، اَللّهُ اَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اَللّهُ اَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْاَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلّهِ عَلَى مَا اَبْلَانَا.

خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، خدا را به بزرگی می ستایم که ما را هدایت کرد، خدا را به بزرگی می ستایم که ما را از گوشت چهارپایان روزی داد، ستایش سزاوار خداوند است بر نعمتهائی که به ما بخشید.

و صدای مبارک خود را به آن جملات بلند کرد و ما صدای خود را بلند کردیم، ناگهان مرو از صدای ناله و گریه به لرزه درآمد، امام رضا علیه السلام سه مرتبه این جملات را تکرار کرد، فرماندهان و سران لشکر با دیدن حضرت امام رضا علیه السلام همگی خود را از مرکبها بر زمین انداختند و کفش ها را از پاهای خود بیرون آوردند، و مرو یکپارچه ضججه و ناله گردید بگونه ای که مردم نمی توانستند از گریه و ناله خودداری کنند.

حضرت امام رضا علیه السلام راه می رفت و در هر ده قدمی که برمی داشت توقف کوتاهی می نمود و چهار مرتبه تکبیر می گفت، ما می پنداشتیم که آسمان و زمین و همه در و دیوارها با او همصدا می شوند.

این خبر به مأمون رسید، فضل بن سهل به او گفت: ای امیرالمؤمنین! اگر امام رضابه مصلی و جایگاه آماده شده برای نماز با این کیفیت برسد مردم همه شیفته اومی گردند و از تو برمی گردند، نظر من این است که از او بخواهی باز گردد.

مأمون فوراً کسی را نزد امام علیه السلام فرستاد و از او درخواست رجوع کرد، حضرت امام رضا علیه السلام کفش های خود را خواست و پوشید و از آنجا باز گشت. (۱)

محمد بن فضیل گوید: حضرت امام رضا علیه السلام به بعضی از غلامان خود در روز فطر -در حالی که برایش دعا می کرد - فرمود:

يَا فُلَانُ؛ تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْكَ وَمِنَّا.

فلانی؛ خداوند از تو و از ما قبول فرماید.

سپس ماند تا روز عید قربان شد، به او فرمود:

ص: ۲۷۱

يا فُلان؛ تَقَبَّلَ اللهُ مِنَّا وَمِنْكَ.

فلانی؛ خداوند از ما و از تو قبول فرماید.

محمّد بن فضیل گوید: به آن حضرت، عرض کردم: ای پسر رسول خدا؛ در فطر چیزی فرمودی و در قربان چیزی غیر از آن می فرمائی. فرمود:

آری؛ در فطر به او گفتم: خداوند از تو و از ما قبول فرماید؛ زیرا او همانند کار من انجام داد و من و او در انجام کار مساوی بودیم، و در عید قربان گفتم: خداوند از ما و از تو قبول فرماید؛ چون برای ما ممکن است قربانی کنیم و برای او امکان ندارد که قربانی کند، پس ما کاری غیر از کار او کردیم. (۱)

ماه ذی القعدة

ولادت حضرت امام رضا علیه السلام

همان گونه که گفتیم، روزهایی که مناسبت بیشتری با حضرت امام رضا علیه السلام نسبت به ایام دیگر دارد، زیارت آن حضرت از فضیلت و برتری زیادتری برخوردار است.

بنابر مشهور، ولادت آن حضرت در روز یازدهم ماه ذیقعدة است. (۲)

ولادت حضرت امام رضا علیه السلام

عمادالدین طبری در «بشاره المصطفی» می نویسد: هشام بن احمد گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:

هل علمت أحداً من أهل المغرب قدم؟

آیا خبر داری که کسی از اهل مغرب آمده؟

عرض کردم: نه.

ص: ۲۷۲

۱- ۱۳۳. جامع أحادیث الشيعة: ۱۹۱/۷، وسائل الشيعة: ۱۳۸/۵، بحار الأنوار: ۱۰۵/۴۹.

۲- ۱۳۴. مرحوم شیخ صدوق، ولادت آن حضرت را در یازدهم ماه ربیع الأول ذکر نموده، بنابراین نقل، زیارت آن بزرگوار در روز یازدهم ربیع الأول نیز دارای فضیلت بیشتری از سایر ایام است.

فرمود: چرا، یک نفر آمده، برخیز و به سوی او برویم.

هر دو بر مرکب سوار شدیم و به نزد او رفتیم، دیدم مردی از اهل مغرب است که چند برده با خود دارد، امام کاظم علیه السلام به او فرمود:

کنیزهای خود را نشان بده.

وی نه کنیز برای ما نشان داد که هر کدام از آن ها را نشان می داد امام کاظم علیه السلام می فرمود: این را نمی خواهم.

در این موقع امام کاظم علیه السلام به او فرمود: کنیز دیگری نشان بده.

وی گفت: دیگر کنیزی ندارم.

حضرت فرمود: چرا؛ کنیز دیگری نشان بده.

گفت: سوگند به خدا؛ فقط یک کنیز دارم که آن هم بیمار است.

حضرت فرمود: اگر اشکالی ندارد او را نشان بده.

او از نشان دادن آن کنیز امتناع ورزید و امام علیه السلام بازگشت. فردا صبح امام علیه السلام مرا نزد او فرستاد و فرمود:

به او بگو: نهایت قیمت آن کنیز چقدر است؟ وقتی گفت: فلان مبلغ، تو بگو: خریدم.

فردا صبح نزد او رفتم و گفتم: آن کنیز را چند می فروشی؟

گفت: کمتر از فلان مبلغ نمی فروشم.

گفتم: به همان مبلغ خریدم.

گفت: (من هم پذیرفتم) کنیز مال تو، ولی به من بگو: آن شخصی که دیروز با تو بود، کیست؟

گفتم: شخصی از بنی هاشم بود.

گفت: از کدام بنی هاشم؟

گفتم: بیش از این در مورد او نمی دانم.

او گفت: من همینک داستان این کنیز را برایت تعریف می کنم: من او را ازدورترین منطقه مغرب خریدم، زنی از اهل کتاب

مرا دید و گفت: این چه کنیزی

است که نزد توست؟

گفتم: او را برای خودم خریده ام.

گفت: سزاوار نیست که چنین کنیزی نزد چون تو باشد، این کنیز شایسته است نزد بهترین فرد روی زمین باشد، اندکی پیش او نمی ماند جز این که از او فرزندی متولد خواهد شد که شرق و غرب عالم تابع او می شوند.

هشام بن احمد گوید: من آن کنیز را خدمت مولایم امام کاظم علیه السلام آوردم و چیزی نگذشت که حضرت امام رضا علیه السلام از او متولد شد. (۱)

روز ششم و بیست و سوم ذی القعدة

... بیست و پنجم ذی القعدة

مرحوم شیخ مفید فرموده است: در روز ششم ماه ذیقعدة، خداوند تورات را بر حضرت موسی بن عمران نازل فرمود، و در آن روز در سال ۲۰۱ هجری بیعت گرفتن برای سرور ما حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام تحقق یافت، و آن، روز شریف و ارزشمندی است که سرور و شادمانی برای اهل ایمان تجدید می گردد، صدقه دادن به مساکین و تهیدستان و نیکی کردن به آنان و شکرگزاری فراوان برای خداوند عزیز - به خاطر آنچه از حق آل محمد علیهم السلام آشکار ساخته و بینی منافقان را به خاک مالیده - در چنین روزی مستحب است.

و در بیست و سوم ماه ذیقعدة وفات سرور ما حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام در شهر طوس از سرزمین خراسان به سال ۲۰۳ هجری اتفاق افتاده است. (۲)

بزرگان روزهای دیگری را نیز برای شهادت حضرت امام رضا علیه السلام تعیین کرده اند و در «ارشاد» فرموده است: در ماه صفر سال ۲۰۳ آن حضرت به شهادت رسیده است. در کتاب «کافی»، کتاب «دُرّ» و کتاب «عتیق» نیز چنین گفته اند. در کتاب «موالید الأئمة علیهم السلام» شهادت را در سال ۲۰۲ هجری و در کتاب «مناقب» روز جمعه هفت روزمانده از ماه مبارک رمضان سال ۲۰۲ هجری نقل کرده اند.

ص: ۲۷۴

۱- ۱۳۵. قطره ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام: ۶۷۱/۲ به نقل از بشاره المصطفی: ۲۱۵، الخرائج: ۶۵۳/۲ ح ۶) با اندکی اختلاف، بحار الأنوار: ۷/۴۹ ح ۱۱.

۲- ۱۳۶. مسار الشیعه: ۳۴.

در کتاب «درّ» گفته است: مأمون در روز جمعه اوّل ماه رمضان سال ۲۰۲، آن حضرت را با زهری که در انگور پنهان کرده بود در شهر طوس در سناباد مسموم کرد.^(۱)

شهادت آن حضرت، در روز چهاردهم و بیست و یکم ماه مبارک رمضان نیز نقل شده است.

زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام در روز بیست و سوم ذی القعدة

علامه مجلسی رحمه الله از سید بن طاووس رحمه الله نقل کرده است: در بعضی از تألیفات و نوشته های علمای فارسی زبان شیعه دیده ام که فرموده اند:

زیارت مولای ما حضرت امام رضاعلیه السلام در روز بیست و سوم ذیقعدة از دور یا نزدیک به بعضی از زیارت های معروف آن حضرت یا به آنچه مانند زیارت باشد مستحب است.^(۲)

فضیلت روز بیست و پنجم ذی القعدة

حسن بن علی و شاء گفت: به همراه پدرم - در حالی که نوجوان بودم - در شب بیست و پنجم ذیقعدة خدمت حضرت امام رضاعلیه السلام رسیدیم، و نزد آن حضرت شام خوردیم، امام علیه السلام به پدرم فرمود:

در شب بیست و پنجم ذیقعدة حضرت ابراهیم علیه السلام تولّد یافته و حضرت عیسی بن مریم به دنیا آمده و در آن شب، زمین زیر کعبه گسترده شده است، هر کس آن را روزه بگیرد مانند کسی است که شصت ماه روزه گرفته باشد.

و روایت شده است که در بیست و نهم ذیقعدة، خدا کعبه را فرو فرستاده و آن اوّل رحمتی است که نازل شده است، هر کس آن روز را روزه بگیرد کفّاره هفتاد سال گناه او است.

ص: ۲۷۵

۱- ۱۳۷. بحار الأنوار: ۱۹۸/۹۸.

۲- ۱۳۸. بحار الأنوار: ۴۳/۱۰۲.

عَلَّامَهُ حَلَّى رَحِمَهُ اللَّهُ در کتاب «منتهی المطلب» نیز چنین آورده، امّا رئیس المحدثین ابوجعفر کلینی رضوان الله تعالی علیه در «کافی»، و شیخ طوسی رَوَّحَ اللَّهُ تعالی ضریحه در «تهذیب» روایت کرده اند که: حضرت علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه فرموده است:

در بیست و پنجم ذیقعد، خدا کعبه را بنا نهاده و آن اوّل رحمتی است که بر روی زمین نهاده شده است، خداوند آن را پناهگاه و محلّ امن برای مردم قرار داده، پس هر کس آن روز را روزه بگیرد برای او روزه شصت ماه بنویسد. (۱)

زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام در روز بیست و پنجم ذی القعدة (دحو الأرض)

زیارت ... در روز دحوالأرض

مرحوم میرداماد در رساله «اربعه ایام» می نویسد: زیارت سیدنا ومولانا امام الوری ومنار الهدی ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه من الصلوات أنماها ومن التسلیمات أزکاهها، در این روز افضل اعمال مستحبّه و آکد آداب مسنونه است.

و همچنین زیارت آن حضرت در روز اوّل ماه رجب نیز بسیار زیاد تأکید شده است.

ابو جعفر بن بابویه رضوان الله تعالی علیه در کتاب «من لایحضره الفقیه» روایت کرده است که استقرار سفینه نوح نبی علی نبینا وآله وعلیه السلام بر جودی در روز اوّل ماه رجب بوده است، و آن روزی است عظیم القدر و جلیل المنزله، امّا از ایام اربعه نیست.

و در روایت جمعی از اصحاب رضوان الله تعالی علیهم روز استقرار سفینه بر جودی بیست و پنجم ذی القعدة الحرام است که از ایام اربعه است و روز «دحو الأرض» است.

وظیفه زیارت در این روز از دور - هرگاه زائر در مشهد مقدّس نباشد - آن است که بعد از غسل «دحو الأرض»، غسل زیارت کند، و به فارسی چنین نیت کند: غسل زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام از دور در روز دحو الأرض می کنم برای آن که سنّت است قربه إلى الله.

ص: ۲۷۶

و به عربی: «أَغْتَسَلَ غُسْلَ زِيَارَةِ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَاعِيَّةِ الْوَقْعَ بِأَرْضِ دَحْوٍ لِنَدْبِهِ قُرْبَهُ إِلَى اللَّهِ».

پس اگر در یکی از مشاهد ائمه معصومین علیهم السلام واقع باشد، و خواهد که در تحت قبه آن معصوم، حضرت امام رضاعلیه السلام را زیارت نماید، زیارت را بر نماز زیارت مقدم دارد، و اگر در حرم هیچ معصومی نباشد، باید که به صحرا بیرون رود، یا پشت بام خانه خود، یا بر موضعی مرتفع زیر آسمان که هیچ سقفی نباشد برآید، و نماز زیارت را بر زیارت مقدم داشته، اول دو رکعت نماز زیارت بخواند، و افضل آن است که شش رکعت نماز زیارت بجا آورد، یا چهار رکعت هر دو رکعت به یک سلام.

نیت آن به فارسی: نماز زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام از دور در روز دحو الأرض می گذارم از برای آن که سنت است قربه إلى الله.

و به عربی: «أُصَلِّي صَلَاةَ زِيَارَةِ مَوْلَى الرِّضَاعِيَّةِ الْوَقْعَ بِأَرْضِ دَحْوٍ لِنَدْبِهَا قُرْبَهُ إِلَى اللَّهِ».

و چون از نماز فارغ شود، تسبیح حضرت فاطمه زهراء علیها السلام بگوید، پس سر به سجده نهاده، پیشانی و بینی را بر تربت مبارکه امام حسین علیه السلام گذاشته، بگوید:

اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ، هَدِيَّةٌ مِنِّيْ اِلَى رُوْحِ سَيِّدِيْ وَاِمَامِيْ خَدَاوْنَدَا؛ اَيْنِ دُو رَكَعَتِ نَمَازِ هَدِيَةِ اِيْ اَسْتَ اَزْ طَرَفِ مَنْ بَه رُوْحِ پَاكِ سُرُوْرَمِ وَاِمَامَمِ وَاِپِشُوَايِمِ، عِبْدِكَ وَوَلِيِّكَ، اَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا... (۱).

بنده تو و ولی تو ابا الحسن علی بن موسی الرضا... .

پس سر از سجده برداشته، به زیارت برخیزد، و متوجه جانب مشهد مقدس رضوی ایستاده، نیت زیارت کند به فارسی:

زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام می کنم از دور در روز «دحو الأرض» از جانب خود و پدر و مادرم، و از جانب جمیع مؤمنین و مؤمنات، از برای آن که سنت است قربه إلى الله.

ص: ۲۷۷

و به عربی: «أزور سيدي ومولاي وإمامي أبا الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام عن البعد في مقامي هذا عني وعن والدي، وعن جميع المؤمنين والمؤمنات، لنديها قريها إلى الله».

سپس مرحوم میرداماد «زیارت جوادیه» را - که در «بخش زیارت های حضرت امام رضا علیه السلام» می آوریم - نقل کرده است. (۱)

ماه ذی الحجه

دعای روز عرفه

نماز عید قربان

از حضرت علی بن موسی الرضا صلوات الله علیهما خواندن این دعا در روز عرفه روایت شده است:

اَللّٰهُمَّ كَمَا سَتَرْتَ عَلَيَّ مَا لَمْ اَعْلَمْ فَاغْفِرْ لِي مَا تَعَلَّمْتُ، وَكَمَا خَدَاوَنَدَا؛ اَنْ كَوْنَهُ كَهْ بَرِّ مَنْ پُوشِيْدِي اَنْچِه رَا كِه نَمِي دَانِسْتَم، بِيَاْمَرْز وَ بِيَخْش اَنْچِه رَا كِه اَز خَطَاهاى مَن مِي دَانِي؛ وَ هَمَانْطُور كِه وَسَعْنِي عِلْمُكَ فَلْيَسْعِنِي عَفْوُكَ، وَكَمَا بَدَأْتَنِي بِالْاِحْسَانِ فَاتِّمِّمْ عِلْمَ وَ اَگاهِي تُو مَرَا دَر بَر گِرْفْتِه، عَفُو وَ گِذْشْت خُود رَا فَرَا گِيرَم نَمَا؛ وَ هَمَانْگونه كِه نَسَبْت بَه مَن بَه لُطْف وَ اِحْسَان اِبْتِدا نَمُودِي، نِعْمَتِيكَ بِالْغُفْرَانِ، وَكَمَا اَكْرَمْتَنِي بِمَعْرِفَتِكَ فَاشْفَعْهَا بِمَغْفِرَتِكَ، پَس نِعْمَت خُويْش رَا بَا اَمَرْزَش، كَامِل گِرْدَان؛ وَ هَمچنانكِه مَرَا بَه مَعْرِفَت خُود گِرَامِي دَاشْتِي، پَس بَا مَغْفِرَت خُود اَن رَا زِيادِه گِرْدَان؛ وَكَمَا عَرَّفْتَنِي وَخِيْدائِيَّتِكَ فَاكْرَمْنِي طَمَاعِيَّتِكَ، وَكَمَا عَصَيْتَنِي وَ هَمَان طُور كِه يَكْتائِي خُود رَا بَه مَن شَناسانِيْدِي پَس مَرَا بَه اَمِيْدِوار بُوْدَن بَه خُودت گِرَامِي بَدَار، وَ هَمَان گونه كِه مَرَا حَفْظ كَرْدِي دَر مِمَّا لَمْ اَكُنْ اَعْتَصِمُ مِنْهُ اِلَّا بِعِصْمَتِكَ، فَاغْفِرْ لِي مَا لَوْ شِئْتُ مَوَارِدِي كِه اِگر حَفْظ وَ نَگَهِدارِي تُو نَبُود هَر گِز نَمِي تِوانِسْتَم خُود رَا حَفْظ كَنَم وَ نَگِه دَارَم، پَس بِيَاْمَرْز وَ بِيَخْشاي بَر مَن اَنْچِه رَا كِه

ص: ۲۷۸

عَصِي مَتْنِي مِنْهُ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. (۱) اگر خواسته بودی مرا از آن حفظ می کردی، ای بخشنده؛ ای بزرگوار؛ ای صاحب بزرگی و بزرگواری.

نماز عید قربان

مأمون روز عیدی برایش مشکل مزاجی پیش آمد کرد که او را از رفتن به نماز بازداشت، به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد: ای ابالحسن؛ شما برخیزید و نماز را با مردم بپا دارید.

حضرت امام رضا علیه السلام خارج شد در حالی که پیراهن کوتاه سفیدرنگ پوشیده و عمامه سفید پاکیزه ای بر سر نهاده که هر دو از پنبه بود و چوبی در دست گرفته، به طرف جایگاه نماز پیاده به راه افتاد و می فرمود:

السَّلَامُ عَلَى أَيْوَى آدَمَ وَنُوحٍ، السَّلَامُ عَلَى أَيْوَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ، السَّلَامُ عَلَى أَيْوَى مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

سلام بر پدرانم آدم و نوح، سلام بر پدرانم ابراهیم و اسماعیل، سلام بر پدرانم محمد و علی، سلام بر بندگان شایسته خداوند.

همینکه مردم او را مشاهده کردند با شتاب به سویش آمده و برای بوسیدن دست مبارکش هجوم آوردند. بعضی از کسان و بستگان مأمون که وضع را چنین دیدند فوراً نزد خلیفه آمدند و گفتند: مردم را دریاب و نماز را خودت با آن ها پیادار و گرنه الآن است که خلافت را از دست بدهی، و او را وادار کردند که با شتاب بیرون رود.

حضرت امام رضا علیه السلام به خاطر جمعیت و شلوغی به محلّ برگزاری نماز نرسیده بوده، در این هنگام مأمون پیشی گرفت و به نماز ایستاد تا مردم با او نماز را بپا دارند. (۲)

در کتاب «ایجاج الأحزان» این موضوع را نقل کرده و تصریح نموده است که این جریان در روز عید قربان واقع شده است. (۳)

ص: ۲۷۹

۱- ۱۴۲. هدیّه الزائرین و بهجه الناظرین: ۵۶۱، مستدرک الوسائل: ۲۵/۱۰، بحار الأنوار: ۲۱۶/۹۸.

۲- ۱۴۳. بحار الأنوار:

۳- ۱۷۱/۴۹. ۳. ایجاج الأحزان: ۱۲۹.

فضیلت روز عید غدیر

احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: خدمت حضرت امام رضا علیه السلام شرفیاب بودم و مجلس پر از جمعیت بود، درباره روز غدیر صحبت به میان آمد، بعضی از حاضرین فضیلت آن را انکار کردند، حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

پدرم از پدرش روایت کرده است که فرمود:

إِنَّ يَوْمَ الْغَدِيرِ فِي السَّمَاءِ أَشْهَرُ مِنْهُ فِي الْأَرْضِ، إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْفَرْدَوْسِ الْأَعْلَى قَصْرًا لَبَنُهُ مِنْ ذَهَبٍ وَلَبَنُهُ مِنْ فِضَّةٍ، فِيهِ مَاءٌ أَلْفُ قَبْهَمِنْ يَاقُوتِهِ حُمْرَاءُ وَمَائِهِ أَلْفُ خِيَمَةٍ مِنْ يَاقُوتٍ أَخْضَرُ تَرَابُهُ الْمَسْكُ وَالْعَنْبَرُ، فِيهِ أَرْبَعَةُ أَنْهَارٍ: نَهْرٌ مِنْ خَمْرٍ، وَنَهْرٌ مِنْ مَاءٍ، وَنَهْرٌ مِنْ لَبَنٍ، وَنَهْرٌ مِنْ عَسَلٍ. حَوْلِيهِ أَشْجَارٌ جَمِيعُ الْفَوَاكِهِ. عَلَيْهِ طُيُورٌ أَبْدَانُهَا مِنْ لَوْلُؤٍ وَأَجْنَحَتُهَا مِنْ يَاقُوتٍ تَصَوَّتُ بِأَلْوَانِ الْأَصْوَاتِ.

فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْغَدِيرِ وَرَدَ إِلَى ذَلِكَ الْقَصْرِ أَهْلُ السَّمَوَاتِ يَسْبَحُونَ اللَّهَ وَيَقْدِّسُونَهُ وَيَهْلِلُونَهُ، فَتَطِيرُ تِلْكَ الطُّيُورُ فَتَقَعُ فِي ذَلِكَ الْمَاءِ وَتَتَمَرَّغُ عَلَى ذَلِكَ الْمَسْكِ وَالْعَنْبَرِ، فَإِذَا اجْتَمَعَتِ الْمَلَائِكَةُ طَارَتْ تِلْكَ الطُّيُورُ فَتَنْفُضُ ذَلِكَ.

وَأِنَّهُمْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ لَيَتَهَادُونَ نِشَارَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، فَإِذَا كَانَ آخِرُ الْيَوْمِ نَادَوْا: أَنْصَرَفُوا إِلَى مَرَاتِبِكُمْ فَقَدْ أَمْنْتُمْ مِنَ الْخَطَا وَالزَّلَلِ إِلَى قَابِلٍ فِي مِثْلِ الْيَوْمِ تَكْرِمَةً لِمُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.

روز غدیر در آسمان بیش از زمین شهرت دارد، برای خداوند عزیز بلندمرتبه در فردوس برین قصری است که یک خشت آن از طلا و خشت دیگر آن از نقره است، در آن، صد هزار قبه از یاقوت سرخ و صد هزار خیمه از یاقوت سبز است و خاک آن مشک و عنبر است. در آن، چهار نهر جاری است: نهری از شراب پاک، نهری از آب، نهری از شیر و نهری از عسل. اطراف آن، درختان میوه است و بر آن، پرندگان

نشسته اند که بدن آن ها از مروارید و بال های آن ها از یاقوت است و با صداهای گوناگون آواز می خوانند.

روز غدیر که فرارسد اهل آسمان ها به آن قصر وارد شوند، تسبیح و تقدیس و تهلیل خدا گویند، پرندگان به پرواز در آیند و بر روی آن آب نشینند و در آن خاکی که مشک و عنبر است بغلطند، چون فرشتگان اجتماع کنند، آن ها پرواز کنند و آنچه باخود دارند فرو ریزند، و آنچه بر سر حضرت زهرا علیها السلام ریخته اند به یکدیگر هدیه کنند، و روز که پایان پذیرد ندائی بلند شود:

به جایگاههای خود بازگردید که تا سال آینده مثل امروز به خاطر گرامی داشت حضرت (محمّد و علی علیهما السلام از خطا و لغزش ایمن گشتید.

سپس حضرت امام رضا علیه السلام رو به من کرد و فرمود:

یابن اَبی نصر؛ این ما کنت فاحضر یوم الغدیر عند امیرالمؤمنین علیه السلام؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى یَغْفِرُ لَکُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ وَ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ ذُنُوبَ سِتِّینَ سَنَةٍ، وَ یَعْتَقُ مِنَ النَّارِ ضِعْفَ مَا أُعْتِقَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ لَیْلَةَ الْقَدْرِ وَ لَیْلَةَ الْفِطْرِ، وَ لَدَرَاهِمٍ فِیه بِأَلْفِ دِرْهَمٍ لِإِخْوَانِکَ الْعَارِفِینَ، وَ أَفْضَلَ عَلَى إِخْوَانِکَ فِی هَذَا الْیَوْمِ وَ سُرِّ فِیه کُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ.

ای پسر ابی نصر؛ در روز غدیر هر کجا باشی خود را نزد امیرالمؤمنین علیه السلام برسان و آنجا حضور پیدا کن که خداوند تبارک و تعالی گناهان شصت ساله هر زن و مرد مؤمن و هر زن و مرد اهل تسلیم را بیامرزد، و دو برابر مقداری که در ماه رمضان و شب قدر و شب عید فطر از آتش آزاد کرده است در آن روز آزاد گرداند، و برای هر درهم که به برادران بامعرفت دهی هزار درهم پاداش دهد، در این روز نسبت به برادرانت احسان کن و هر مرد و زن مؤمنی را شادمان گردان.

سپس فرمود:

ای اهل کوفه؛ به شما خیر فراوانی عنایت شده است و همانا برخی از شما از کسانی هستید که خدا دل های آنان را برای ایمان آزموده است، آن ها خوارشمرده شده و مورد قهر و غلبه قرار گرفته و امتحان شده اند، بلا بر ایشان سرازیر

ص: ۲۸۱

می گردد و سپس خداوندی که برطرف کننده گرفتاری های بزرگ است آن را برطرف می کند.

والله لو عرف الناس فضل هذا اليوم بحقيقته لصافحتهم الملائكة في كل يوم عشر مرات.

به خدا قسم؛ اگر مردم فضیلت این روز را آنگونه که هست می شناختند فرشتگان با آنان هر روز ده مرتبه مصافحه می کردند.^(۱)

کلام حضرت امام رضا علیه السلام درباره خطبه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر

کلام امام رضا علیه السلام درباره...

فیاض بن محمد طوسی در سال ۲۵۹ هجری در سنّ نود سالگی در شهر طوس روایت کرده است که در روز غدیر شرفیاب محضر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام شدم، عده ای از یاران خاصّ ایشان در خدمتش بودند، امام علیه السلام آن ها را برای افطار نگه داشته بود و خوراک و گندم و لباس و هدایا حتّی انگشتر و کفش برای خانواده های آنان فرستاده بود، و احوال ایشان و اطرافیان دیگر را تغییر داده بود و وسیله های جدیدی برای اینکه به عنوان عیدی بدهند بود و وسیله هایی که از قبل برای عیدی دادن رسم بود نیز وجود داشت، و آن حضرت پیوسته فضیلت آن روز و پیشینه آن را بیان می کرد که بخشی از سخنان ایشان چنین بود:

پدرم حضرت موسی بن جعفر، از پدرش امام صادق، و او از پدرش امام باقر، و او از پدرش امام سجّاد، و او از پدرش امام حسین علیهم السلام روایت کرد:

در سال های حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام، یک سال روز جمعه با عید غدیر مقارن گشته بود، آن حضرت پنج ساعت که از آن روز گذشت بر فراز منبر رفت و خدا را حمد و ثنا و ستایش نمود؛ ستایشی که مانند آن را کسی نشنیده بود، و تمجیدی کرد که کسی غیر از او چنین تمجیدی نکرده بود، و پس از آن،

ص: ۲۸۲

سخنانی فرمود که آنچه از آن سخنان محفوظ مانده، چنین است:

ستایش سزاوار خداوندی است که ستایش را بدون آنکه نیازی به ستایشگرانش داشته باشد راهی از راههای اعتراف به الوهیت و ربوبیت و یکتائی خویش، و وسیله ای برای افزودن رحمتش، و راهی برای جویندگان فضل و احسانش قرارداد، و حقیقت اعتراف را به اینکه او منعم است بر آفریدگانش در باطن لفظپنهان داشت گرچه بزرگ باشد.

و گواهی می دهم که خدائی جز خداوند یکتا نیست و شریکی ندارد، آنگونه گواهی که از اخلاص باطنی سرچشمه گرفته و زبان به آن گویا گشته، عبارتی را که از صداقت نهانی برآمده است که او آفریننده، به وجود آورنده، صورت آفرین است، برایش نام هائی نیکو است، همانند او چیزی نیست؛ زیرا هر چیزی از اراده و خواست او پدید آمده اند و لذا هیچگونه شباهتی با پدیدآورنده ندارد.

و گواهی می دهم که محمّد بنده و فرستاده او است، او را در عالم ذر و قبل از آفرینش جهان از روی علم و آگاهی بر دیگر امت ها برگزید و ویژگی داد و او باهمنو عانش همانند نیست، او را به عنوان فرمان دهنده و بازدارنده از طرف خودش انتخاب کرد و در هر کجای عالم جانشین خود ساخت؛ زیرا خداوند قابل مشاهده نیست، دیدگان او را نمی بینند و خطورات فکر و اندیشه او را دربر نمی گیرند و گمان های پنهان و پوشیده در اسرار نمی توانند برایش مثالی بیابند.

خدائی جز او که پادشاهی قدرتمند است وجود ندارد، اعتراف به نبوّت پیامبرش را با اعتراف به الوهیت خویش مقرون ساخته، و او را به خاطر گرامی داشت خود امتیازاتی بخشید که هیچ یک از آفریدگانش را در آن شرکت نداد، و تنها او شایستگی آن را دارد که از خواصّ و اهل خلّت و دوستی ویژه باشد؛ زیرا آنکه دگرگونی (تغییر در عقیده) با او آمیخته گردد از خواصّ نباشد، و کسی که دچار شک گردد شایسته خلّت و دوستی ویژه نباشد.

و مردمان را دستور داد که بر او درود فرستند و با این فرمان، کرامت وی را افزون نمود و راهی به سوی اجابت برای دعا کننده گشود، پس خداوند بر او درود

فرستد، گرامی اش دارد، شرافت بخشد و بزرگ بدارد، و آنقدر افزون گرداند که پایانی برایش نباشد و برای همیشه پیوسته باشد و قطع نگردد و همانا خداوند تبارک و تعالی پس از پیامبرش - که درود خداوند بر او و آل او باد - گروهی از خاصان را از میان آفریدگانش برای خویش برگزید، آنان را به برتری خود برتری بخشید، و تا مرتبه او بالا برد، و آنان را دعوت کننده حقیقی به سوی خود و راهنمایانی که در هر دوران و زمانی به او ارشاد کنند قرار داد.

آنان را در عالم پیشین پیش از هر آفریده و پدید آمده به صورت نورهایی آفرید و آنان را به ستایش خود گویا ساخت و سپاس و تمجید خود را به آنها الهام نمود و حجت قرار داد بر هر که به مالک ربوبیت و سلطان عبودیت اعتراف دارد، و به وسیله آنان زبان کسانی را که گنگ بود و توانائی گفتن نداشت به انواع لغت ها گویا ساخت تا به خداوندی او اعتراف کنند و اینکه او پدید آورنده آسمانها و زمین است.

و ایشان را بر آفرینش خود گواه گرفت و آنچه از امر و فرمان خود خواست به عهده ایشان نهاد، آنان را مترجم خواسته خود و زبان بیان کننده اراده اش قرارداد، بندگان که «در گفتار بر او پیشی نمی گیرند، به دستور او عمل می کنند، او آنچه پیش روی آنان و آنچه پشت سر ایشان است می داند، و جز برای کسانی که او پسندد شفاعت نمی کنند و خود از ترس او هراسانند» (۱).

به احکام او حکم می کنند و سنت او را اجرا می نمایند و حدود او را برپا می دارند و آنچه واجب فرموده انجام می دهند. او آفریدگان را در مبهمات ناشنوا و در تاریکی ها همچون گنگ ها رها نکرده است، بلکه برای آنان خردهائی قرار داده که با ظاهر ایشان آمیخته و در کالبدهایشان پخش گردیده و در جان آنان استوار ساخته و حواسشان را برده آن گردانیده، پس به وسیله آن بر گوش ها، دیدگان، افکار و خاطره ها اقرار گرفت و آنان را به وسیله آن پای بند حجتش نمود و راهش را به آنان نشان داد. و آنان را از آنچه با زبان های رسا گواهی داده به آنچه

ص: ۲۸۴

۱ - ۱۴۵. لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهٖ يَعْمَلُونَ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ. «سوره انبیاء، آیه ۲۷ و ۲۸»

پایدار ساخته در آن از قدرت و حکمتش گویا ساخته، و به وسیله آن نزد ایشان بیان کرد «تا کسی که باید هلاک شود با دلیل روشن هلاک گردد و کسی که زنده گردیده با دلیلی واضح زنده باشد و خداوند بدون تردید شنوا و دانا است» (۱).

ای گروه مؤمنان؛ امروز خداوند تبارک و تعالی دو عید بزرگ ارزشمند را برای شما فراهم آورده است؛ دو عیدی که هر کدامش جز به دیگری استوار نمی ماند تا آنکه کار نیکو و لطف خود را نزد شما کامل گرداند و شما را به راه رشدش آگاه نماید و پیرو آثار روشن جویندگان به نور هدایتش فرماید، و شما را در راه اعتدالش راه برد، و بخشش گوارایش را بر شما فراوان کند، پس جمعه را هنگام تجمّع و گردآمدن قرار داد و بسوی آن فراخواند تا آنچه پیش از آن بوده پاک گرداند و آنچه کاسبی های بد از آن جمعه تا این جمعه ایجاد کرده از آلودگی، شستشو دهد، و یادآور مؤمنان و بیانگر بیم و هراس پرواپیشگان باشد، و ثواب و پاداش اعمال را در آن دوچندان مقداری که برای اهل طاعت خود در پیش از آن می بخشد قرار داده است، و آن را ناتمام قرار داده مگر با انجام دادن آنچه به آن امر فرموده و خودداری کردن از آنچه نهی کرده و بازداشته، و گردن نهادن به اطاعتش در آنچه به سوی آن فراخوانده و تشویق نموده است. و او توحیدش راجز با اعتراف به نبوّت پیامبرش نمی پذیرد، و هیچ دینی را جز با پذیرش ولایت آنکس که به ولایت او فرمان داده قبول نمی کند. و اسباب طاعتش جز با چنگ زدن به دست آویزهای او و دست آویزهای اهل ولایتش فراهم نمی گردد.

پس خداوند در روز غدیر (روزی که به خاطر گرمای زیاد آن، زیر درختان بزرگ یا چادر بزرگی گرد آمده بودند) بر پیامبرش - که درود خدا بر او و آل او باد - نازل فرمود آنچه بیانگر خواست و اراده او در مورد خالصان و برگزیدگانش بود، و دستور داد آن را ابلاغ نماید و از اهل انحراف و نفاق بیمی به خود راه ندهد و برایش ضمانت کرد که او را از آزار آنان حفظ فرماید، و از باطن پنهان اهل شک و درون اهل ارتداد و از دین برگشته با رمز و اشاره پرده برداشت به گونه ای که مؤمن

ص: ۲۸۵

و منافق آن را فهمید. پس روی گردان رو گردانید و آن که ثابت بود بر حق ثابت و استوار ماند، نادانی منافقان و تعصب خارج شدگان از دین زیادتیر شد، چنگ و دندان خود را تیز کردند، بر بازوها فشار آوردند، گوینده ای گفت، فریادزننده ای فریاد زد، و در دام افتاد آن کس که در دام افتاد، و خارج شونده از دین به خروج خود ادامه داد.

گروهی با زبان بدون حقیقتی که از ایمان سرچشمه گرفته باشد اعتراف کردند، و گروهی با زبان و ایمان راستین اقرار نمودند، و خداوند دین خود را کامل گردانید و چشمان پیامبرش - که درود خدا بر او و آل او باد - و چشمان مؤمنان و پیروان او را روشن گردانید، و شد آنچه بعضی از شما گواه آن بودید و به برخی از شما خبرش رسید و نشانه و حجت نیکوی خداوند بر شکیبایان کامل گردید.

و خداوند آنچه فرعون و هامان و قارون و لشکریان ایشان بنا نهاده و اصل و اساس قرار داده بودند ویران ساخت، و عده ای پست و فرومایه از گمراهان باقی ماندند که در تباهی مردم هیچ کوتاهی نمی کنند، خدا آنان را در سرزمینشان هدف قرار می دهد و آثارشان را از بین می برد، و نشانه های ایشان را از میان برمی دارد، و به زودی حسرت ها و تأسف ها را به دنبال آنان روانه می کند و آنان را به کسانی که دست خود را به ستمکاری گشودند و گردنکشی کردند و بر دین خدا توانائی یافتند تا آن را دگرگون سازند و حکم خدا را تغییر دهند ملحق می سازد، و به زودی نصرت و یاری خداوند به سود محبوبش و به زیان دشمنش فرامی رسد و «خداوند باریک بین و آگاه است»، و کمتر از آنچه شنیدید شما را کفایت می کند و رساننده است.

پس ببیندیشید - خدا شما را رحمت کند - در آنچه خداوند شما را به سوی آن فراخوانده و بر آن برانگیخته و تشویق نموده است. آهنگ راه او را بنمائید و مسیر روشن او را بیمائید «و از راه های گوناگون پیروی نکنید که شما را از راه اصلی که راه خدا است دور کند» (۱).

ص: ۲۸۶

إِنَّ هَذَا يَوْمٌ عَظِيمٌ الشَّانُ، فِيهِ وَقَعَ الْفَرَجُ، وَرُفِعَتِ الدَّرَجُ، وَوَضَحَتِ الْحَجَجُ.

وهو يوم الإيضاح والإفصاح عن المقام الصُّراح، ويوم كمال الدِّين، ويوم العهد المعهود، ويوم الشَّاهد والمشهود، ويوم تبيان العقود عن التَّفاق والجُحود، ويوم البيان عن حقايق الإيمان، ويوم دَحْر الشَّيْطَان، ويوم البُرْهَان.

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الْغَدَى كُنْتُمْ تُوعِدُونَ، هَذَا يَوْمُ الْمَلَأِ الْأَعْلَى الْغَدَى أَنْتُمْ عَنْهُ مَعْرُضُونَ، هَذَا يَوْمُ الْإِرْشَادِ، وَيَوْمُ مِخْنَةِ الْعِبَادِ، وَيَوْمُ الدَّلِيلِ عَلَى الزَّوَادِ.

هَذَا يَوْمُ أَبْدَى خَفَايَا الصَّدُورِ وَمُضْمِرَاتِ الْأُمُورِ، هَذَا يَوْمُ النَّصُوصِ عَلَى أَهْلِ الْخُصُوصِ.

هَذَا يَوْمُ شَيْثٍ، هَذَا يَوْمُ إِدْرِيسٍ، هَذَا يَوْمُ يُوْشَعَ، هَذَا يَوْمُ شَمْعُونِ، هَذَا يَوْمُ الْأَمْنِ الْمَأْمُونِ.

هَذَا يَوْمُ إِظْهَارِ الْمَصُونِ مِنَ الْمَكْنُونِ، هَذَا يَوْمُ إِبْلَاءِ السَّرَائِرِ.

بدون تردید امروز روزی است که شَأْن آن عظیم است و موقعیت های خطیری دارد، در آن گشایش اتَّفاق افتاد، درجه ها و مراتب بالا برده شد، و حَجَّتْ ها واضح و آشکار گردید.

امروز روز واضح ساختن و پرده برداشتن از مقام پاک امامت است، روز کامل شدن دین است، روز آن عهدی است که از دیرزمان بسته شده، روز گواه و گواه گرفته شده است، روز آشکارشدن پیمان ها و قراردادهایی است که از روی نفاق و انکار حقایق بسته شده، روز بیان حقیقت ایمان است، روز راندن و دور کردن شیطان و روز دلیل روشن و آشکار است.

امروز روز جداسازی است که شما وعده داده می شدید، امروز روز خبر بزرگ است که شما از آن روی برمی گردانید، روز ارشاد و راهنمایی است، روز آزمایش بندگان است، روز دلیل بر جستجوگران و ره پویان است.

امروز روز ظاهرشدن پنهانی های سینه ها و کارهای پوشیده است، روز نصّ و

تصریح صریح بر اهل شایستگی و خاصان است.

امروز روز «شیث» است، روز «ادریس» است، روز «هود» است، روز «یوشع» است، روز «شمعون» است، (کنایه از این که روز تعیین وصی و جانشین است).

امروز روز امنی است که ایمن شده، روز ظاهر کردن چیزی است که مصون و محفوظ مانده از پنهانی ها، روز پرده برداشتن از رازها و اسرار است.

پس امام علیه السلام پیوسته می فرمود: امروز روز، امروز روز... تا آن که فرمود:

پس خدا را مراقب خود بدانید و از او پروا کنید و کلام او را بشنوید و فرمانش را اطاعت کنید و از مکر و حيله پرهیز کنید و با او نیرنگ نزنید، و درون خود را تفتیش کنید و فساد نکنید، و با توحید و یکتا دانستن او و اطاعت از آنکه دستور به اطاعت او داده به خدا تقرب جوئید «و به دست آویزهای کافران چنگ نزنید» و به گمراهی متمایل نشوید تا با پیروی از آنانکه خود گمراهند و مردمان را به گمراهی می کشانند از راه رشد و هدایت دور و به بیراهه دچار شوید.

خداوند فرموده است - که گوینده ای ارجمند است - در مورد گروهی که آنان را در کتابش با مذمت و سرزنش یاد کرده است که گفتند:

«إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبرَاءَنَا فَأَصْلَحْنَا السَّبِيلَ رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنُوهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا» (۱)

ما اطاعت کردیم سروران و بزرگان خود را و آن ها ما را گمراه ساختند پروردگارا! آنان را دوچندان عذاب کن و مورد لعن فراوان خویش قرار بده.

و خداوند تبارک و تعالی فرمود: هنگامی که در میان آتش احتجاج می کنند، اشخاص ضعیف ناتوان به مستکبرین و زورگویان می گویند: ما پیرو شما بودیم، آیا اکنون می توانید چیزی از عذاب خدا را از ما دور کنید؟ گویند: اگر خدا ما را هدایت می کرد ما هم به شما راه را نشان می دادیم.

آیا می دانید استکبار چیست؟ استکبار؛ رها کردن طاعت کسی است که به

ص: ۲۸۸

اطاعت او فرمان داده شده اید، و بزرگی کردن بر کسی است که به پیروی او فراخوانده شده اید، و قرآن زیاد در این مورد سخن می گوید، اگر شخص اندیشمند در آن بیندیشد او را از بدی بازمی دارد و پند می دهد.

ای مؤمنان؛ بدانید خداوند عزیز و بلندمرتبه فرموده است:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُيُوتٌ مَرْصُوصٌ» (۱).

بدون تردید خداوند دوست دارد کسانی را که در راه او به پیکار صف می کشند که گویا بنائی آهنین هستند.

آیا می دانید «راه خدا» چیست و چه کسی «راه او» است؟ و چه کسی صراط او و طریق او است؟

أنا صراط الله الذي من لم يسلكه بطاعه الله فيه هوى به إلى النار، وأناسي به الذي نصبني للاتباع بعد نبه صلى الله عليه وآله. أنا قسيم الجنه والنار، وأنا حجه الله على الفجار ونور الأنوار.

من صراط خدا هستم که اگر کسی به خاطر اطاعت خدا آن را نیپماید در آتش سرنگون گردد. و من راه او هستم که برای پیروی کردن مردم پس از پیامبرش - که درود خدا بر او و آل او باد - مرا منصوب کرد. من تقسیم کننده بهشت و دوزخ، و من حجت خدا بر بدکاران و نیکوکارانم، و روشنی بخش نورها هستم.

پس از خواب غفلت بیدار شوید و پیش از فرارسیدن مرگ به کار کردن شتاب کنید و به سوی آمرزش پروردگارتان پیشی بگیرید، پیش از آنکه دیواری زده شود که باطن آن و داخلش رحمت و ظاهر آن و خارجش عذاب باشد (میان مؤمنان و منافقان این دیوار زده می شود؛ یک طرف آن که داخل آن است مؤمنان و طرف دیگرش منافقان هستند). پس هر چه ندا کنید کسی ندای شمارا نشنود و هر چه ضجه زنید و ناله و فریاد برآورید کسی به ناله های شما اعتنا نکند، و پیش از آن که استغاثه کنید و کسی به داد شما نرسد به اطاعت ها و انجام

ص: ۲۸۹

دستورات الهی شتاب کنید، پیش از آن که وقت از دست برود و از بین برنده لذت ها - یعنی مرگ - به سراغتان آید که دیگر هیچ راه گریزی و هیچ چاره ای برای رهائی نباشد.

خدای شما را رحمت کند پس از پایان یافتن این تجمّع و گردهم آئی باتوسعه دادن بر اهل و عیال خود و نیکی کردن به برادرانتان آن ها را دیدار کنید و شکر پروردگار را به خاطر نعمت هائی که به شما بخشیده بجای آورید، گردهم آئید خداوند پراکندگی شما را برطرف کند، و به یکدیگر نیکی کنید خداوند انس و الفت شما را زیاد گرداند، و نعمت های الهی را به یکدیگر هدیه کنید همانطور که خداوند پاداش گوارائی که چندین برابر عیدهای پیش از آن و بعد از آن است به شما عطا کند، و این عطا و بخشش الهی تنها مخصوص امروز و مثل امروز است، نیکی کردن در آن، مال را بارور می سازد و به عمر شما می افزاید، و مهر و محبت و دلسوزی داشتن به یکدیگر باعث جلب رحمت خدا و لطف اومی گردد، پس خودتان شادمان باشید و برادران خود را با لباس نیکو و بوی خوش و طعام دادن شاد گردانید.

و از آنچه در توان دارید و جود و بخشش کردن از آنچه برایتان موجود است امکاناتی برای برادرانتان و اهل و عیالتان فراهم آورید. گشاده روئی را در میان خود آشکار سازید و یکدیگر را با چهره خندان و شادمان ملاقات کنید و سپاسگزار خداوند باشید بر آنچه به شما مرحمت فرموده است و کسانی را که امید و آرزوی خیر نسبت به شما دارند با خیر بیشتر دیدار کنید، و با ناتوانان در خوردنی های تان و آنچه در توان دارید به مقدار امکان خویش همیاری نمائید، یک درهم که امروز در راه خدا انفاق کنید معادل صد هزار درهم پاداش دارد و اگر خدا بخواهد بر آن پاداش می افزاید، و روزه امروز از اموری است که خداوند تبارک و تعالی مردم را به آن فراخوانده، و پاداش بزرگی برای آن به عهده گرفته است تا آنجا که اگر بنده ای از بندگان به عنوان مثال از آغاز دنیا تا انتهای آن روزها را روزه بدارد و شب ها را به شب زنده داری سپری کند به مرتبه آن کسی که امروز را مخلصانه روزه بگیرد نمی رسد.

کسی که ابتداءً (یعنی بدون تقاضا) برادر مؤمنش را مساعدت نماید و از روی میل به او نیکی کند و به او وام دهد پاداش کسی را دارد که امروز را روزه گرفته و شب آن را به عبادت پرداخته است و کسی که مؤمنی را در شام روز غدیر افطاری دهد گویا فثامی را و فثامی را و... (ده مرتبه آن را تکرار فرمود) افطاری داده است.

شخصی برخاست و عرض کرد: ای امیر مؤمنان؛ «فثام» چیست؟

امام علیه السلام فرمود: صد هزار پیامبر و صدیق و شهید است، پس چگونه خواهد بود پاداش کسی که گروهی از مردان و زنان مؤمن را افطاری دهد؟ و من ضامنم نزد خداوند که او را از کفر و فقر امان دهد، و اگر در همان شب یا همان روز یا روز بعد از آن تا عید غدیر آینده بمیرد و کبیره ای مرتکب نشده باشد، پس پاداش او برخداوند تبارک و تعالی است.

و کسی که وام بگیرد برای برادرانش و آنان را کمک کند، من ضامنم که اگر خداوند او را باقی بدارد آن را بپردازد، و اگر خدا جان او را گرفت من عهده دار آن باشم.

زمانی که یکدیگر را ملاقات می کنید همراه سلام کردن مصافحه کنید (دست در دست یکدیگر بگذارید) و انعام دادن را امروز آسان بگیرید.

و این مطالب را باید افراد جامعه به آنان که غایبند و آنان که گواهند به کسانی که جدا و دور هستند برسانند، و باید توانگر بر فقیر، و نیرومند بر ناتوان لطف و عنایت داشته باشد، رسول خدا - که درود بر او و آل او باد - مرا به آن فرمان داده است.

سپس آن حضرت، خطبه جمعه را شروع کرد و نماز جمعه اش را نماز عید قرارداد، و پس از نماز با فرزندان و شیعیانش به منزل حضرت ابومحمّد امام حسن مجتبی علیه السلام رفتند و غذائی را که آماده کرده بودند تناول نمودند و پس از آن، ثروتمند و فقیر آنان با هدایا و جوائز به سوی اهل و عیال خویش بازگشتند. (۱)

ص: ۲۹۱

نویسنده کتاب «النشر والطي» نقل کرده است: حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

آن گاه که روز قیامت فرا می رسد، چهار روز همانند عروس به سوی حجله، به درگاه الهی برده می شوند.

عرض شد: این روزها کدامند؟

فرمود: روز عید قربان، روز عید فطر، روز جمعه و روز عید غدیر و به راستی که عید غدیر در مقایسه با عید قربان، فطر و جمعه همانند ماه در میان ستارگان می درخشد.

روز غدیر، همان روزی است که خداوند، ابراهیم خلیل را از آتش نجات داد و آن حضرت آن روز را برای سپاسگزاری از خدا، روزه گرفت و همان روزی است که خداوند دین خود را - به واسطه تعیین پیامبر، امیر مؤمنان علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود - کامل گردانید و فضیلت و جانشینی او را تبیین کرد و آن حضرت این روز را روزه گرفت.

روز غدیر، روز کمال و روز به خاک مالیده شدن شیطان و روزی است که اعمال شیعیان و دوستداران خاندان حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم مورد پذیرش قرار می گیرند و همان روزی است که خداوند به اعمال مخالفان روی آورده و آن را همانند گرد پراکنده، نابود می کند.

و همان روزی است که خداوند به حضرت جبرئیل علیه السلام دستور داد که تخت کرامت الهی را در مقابل بیت المعمور بگذارد و در این روز جبرئیل علیه السلام آن را بلند می کند و همه فرشتگان از همه آسمان ها به سوی آن گرد می آیند و حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم را ستوده و برای شیعیان امیر مؤمنان و دیگر ائمه علیهم السلام و دوستداران آنان از فرزندان آدم علیه السلام طلب آمرزش می کنند.

و همان روزی است که خداوند به فرشتگان گرامی که اعمال بندگان را می نویسند، دستور می دهند که تا سه روز بعد از عید غدیر دست از نوشتن گناهان دوستداران و شیعیان اهل بیت بردارند و به خاطر کرامت محمد و علی و امامان دیگر علیهم السلام هیچ یک از خطاهای آنان را ننویسند.

ص: ۲۹۲

و همان روزی است که خداوند آن را ویژه محمد و آل محمد و نزدیکان آنان قرار داده است و همان روزی است که خداوند منزلت هر کس را که در آن به عبادت پردازد و بر اهل خانواده و خویشان و برادرانش توسعه دهد، بالا برده و او را از آتش جهنم نجات می بخشد و همان روزی است که خداوند از تلاش شیعیان در آن روز سپاسگزاری نموده و گناهانشان را بخشیده و اعمالشان را می پذیرد.

روز غدیر، روز زدودن اندوه و ریختن بار گناه، روز پاداش و عطا، روز گسترش دانش، روز بشارت و بزرگ ترین عید و روزی است که دعا در آن مستجاب می گردد.

روز غدیر، روز جایگاه عظیم، روز پوشیدن جامه های زیبا] و برکندن جامه های سیاه و روزی است که [ولایت] در آن شرط شد. روز غدیر، روز برطرف شدن اندوه ها و چشم پوشی از شیعیان گناهکار امیر مؤمنان علیه السلام، روز پیشتازی و روزی است که در آن باید بر محمد و آل محمد بسیار صلوات فرستاد.

روز غدیر؛ روز خشنودی، روز عید اهل بیت محمدصلی الله علیه و آله وسلم، روز قبولی اعمال، روز زیاده خواهی [از خداوند]، روز استراحت مؤمنان، روز معامله و دوستی و نیل به رحمت الهی، روز تزکیه و خودسازی، روز ترک گناهان به ویژه گناهان کبیره و روز عبادت و افطاری دادن به روزه داران است؛ زیرا هر کس در این روز به روزدار مؤمنی افطاری دهد، همانند آن است که «فِئام فِئام» نفر را افطاری داده باشد، تا این که ده «فِئام» را برشمرد.

سپس فرمود: آیا می دانید «فِئام» یعنی چه؟

عرض شد: خیر.

فرمود: یعنی صد هزار نفر. همچنین روز غدیر، روز تهنیت و تبریک گفتن شمابه یکدیگر است. بنابراین، هرگاه مؤمنی در این روز با برادر مؤمن خود برخورد کرد، بگوید:

ص: ۲۹۳

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ سِتَائِشِ خُدا را که ما را از چنگِ زندگان به ولایت امیر الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَام.

مؤمنان و دیگر امامان علیهم السلام قرار داد.

نیز امروز، روز تبسم در برخورد با مؤمنان است. بنابراین، هر کس در روز غدیر هنگام برخورد با برادر مؤمن خود به روی او تبسم کند، خداوند در روز قیامت بانظر رحمت به او می نگرد و هزار حاجت او را برآورده می کند و قصری از مرواریدسپید در بهشت برای او بنا می نهد و روی او را برافروخته و زیبا می گرداند.

و روز غدیر، روز آرایش است. بنابراین، هر کس برای روز غدیر خود را بیاراید، خداوند همه خطاهای او - اعم از کوچک و بزرگ - را می آمرزد و فرشتگانی را به سوی او گسیل می دارد که تا روز عید غدیر سال آینده اعمال نیک فراوان برای او بنویسند و درجات او را بالا می برند، به طوری که اگر بمیرد، شهید و اگر زنده بماند، نیکبخت به شمار می آید.

و هر کس در این روز مؤمنی را اطعام کند، مانند آن است که همه پیامبران و صدیقان را روزی داده باشد و هر کس به دیدار مؤمنی برود، خداوند در قبر او هفتاد نور وارد می کند و نیز قبر او را توسعه می دهد و در هر روز هفتاد هزار فرشته در قبر به دیدار او آمده و به او بشارت بهشت را می دهند.

در روز غدیر بود که خداوند، ولایت خود را بر همه اهل آسمان های هفتگانه عرضه کرد و اهل آسمان هفتم به پذیرش آن از همه پیشی گرفتند و در اثر آن، عرش بدان آراسته شد، آن گاه اهل آسمان زیرین به پذیرش آن شتافتند و در اثر آن به ستارگان آراسته شد.

سپس ولایت بر زمین ها عرضه گردید و «مکه» به پذیرش آن شتافت و در اثر آن به «کعبه» آراسته شد، سپس «مدینه» به پذیرش آن شتافت و در اثر آن به وجود محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم آراسته شد، سپس «کوفه» به پذیرش آن شتافت و در اثر آن به وجود امیر مؤمنان علیه السلام آراسته شد.

بعد ولایت بر کوه ها عرضه شد و اولین کوه هایی که بدان اقرار کردند، سه کوه بودند: کوه عقیق، کوه فیروزه و کوه یاقوت که در اثر اعتراف به آن، کوه های این جواهرات و این جواهرات، بهترین جواهرات گردیدند، سپس کوه های دیگر به پذیرش آن شتافتند و در اثر آن معدن طلا و نقره گردیدند و هر کوهی که بدان اعتراف نکرد و آن را نپذیرفت، بی حاصل گردید.

نیز در این روز بود که ولایت بر آب ها عرضه شد و هر آبی که آن را پذیرفت، شیرین گردید و هر آبی که انکار کرد، شور و تلخ گردید.

و نیز بر گیاهان عرضه شد و هر گیاهی که آن را پذیرفت، شیرین و گوارا گردید و هر گیاه نپذیرفت، تلخ گردید.

سپس بر پرندگان عرضه گردید و هر پرنده ای که آن را پذیرفت، صدایش بلند و رسا گردید و هر پرنده ای که آن را انکار کرد، لال و ناگویا گردید.

مثل مؤمنان در پذیرش ولایت امیر مؤمنان در روز غدیر خم، همانند ماجرای سجده فرشتگان در برابر حضرت آدم علیه السلام بود، چنان که مثل انکار ولایت امیر مؤمنان در روز غدیر همانند انکار ابلیس بود و در این روز بود که آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» (۱) نازل شد.

خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده مگر آن که روز بعثت او در نزد او همانند روز غدیر بوده است و حرمت آن را شناسانده است؛ زیرا که وصی و جانشین بعد از آن پیامبر را در آن روز برای امت او تعیین کرده است. (۲)

ص: ۲۹۵

۱- ۱۵۱. سوره مائده، آیه ۳: «امروز دین شما را کامل کردم».

۲- ۱۵۲. ترجمه کامل اقبال الأعمال: ۳۵۶/۲.

گفتار حضرت امام رضا علیه السلام درباره ایام عاشورا

گفتار حضرت امام رضا علیه السلام ...

شیخ صدوق رحمه الله از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده که فرمودند:

هر کس در روز عاشورا سعی در حاجت های خود را ترک کند، حق تعالی حاجت های دنیا و آخرت او را برآورد. و هر کس روز عاشورا روز مصیبت و حزن و گریه او باشد، حق تعالی روز قیامت را روز فرح و خوشحالی او گرداند و دیده اش در بهشت، به ما روشن گردد.

و هر کس روز عاشورا را روز برکت نام نهد و در خانه خود چیزی ذخیره کند، برکت نیابد در آنچه ذخیره کرده است و روز قیامت با یزید و عییدالله بن زیاد و عمر بن سعد علیهم اللعنه در پائین ترین طبقه آتش جهنم محشور شود.

و نیز ایشان از ربیان بن شیب روایت کرده که گفت: در روز اول ماه محرم، خدمت حضرت امام رضا علیه السلام شرفیاب شدم. آن حضرت فرمود:

ای پسر شیب؛ امروز روزه هستی؟

عرض کردم: نه.

فرمود: این روز، روزی است که حق تعالی دعای حضرت زکریا را در آن مستجاب فرمود - و فرمایش خود را ادامه داد تا آنکه فرمود -:

ای پسر شیب؛ اگر برای چیزی خواستی گریه کنی، برای حسین بن علی علیهما السلام گریه کن که او را مانند گوسفند سر بردند و با آن حضرت از اهل بیت او هجده تن - که در زمین شبیه و نظیر نداشتند - کشته شدند.

و به تحقیق که آسمان های هفتگانه و زمین ها برای شهادت آن حضرت

گریستند و به درستی که چهار هزار فرشته، به سوی زمین آمدند برای یاری آن حضرت، ولی زمانی رسیدند که آن حضرت شهید شده بود. پس ایشان نزد قبر آن حضرت ژولیده مو و گردآلوده اند تا آنکه قائم آل محمد صلوات الله علیه ظاهر شود، پس ایشان یاوران آن حضرت باشند و شعار ایشان در جنگ این کلمه است: «یا لثارات الحسین علیه السلام».

ای پسر شیب؛ خبر داد مرا پدرم از پدرش از جدش که چون جدم حسین علیه السلام شهید شد، آسمان، خون و خاک سرخ بارید.

ای پسر شیب؛ اگر بر حسین علیه السلام گریه کنی تا آب از دیدگان بر رویت جاری شود، حق تعالی هر گناه صغیره و کبیره تو را بیامرزد.

ای پسر شیب؛ اگر خواهی که در قیامت هیچ گناهی بر تو نباشد، آن حضرت رازیارت کن.

ای پسر شیب؛ اگر خواهی که در غرفه های بهشت با رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و خاندانش ساکن شوی، بر قاتلان آن حضرت لعنت کن.

ای پسر شیب؛ اگر خواهی که مثل ثواب کسی داشته باشی که با آن حضرت شهید شده باشد، هرگاه که او را یاد کنی بگو:

يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ، فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً. (۱)

ای کاش؛ با ایشان بودم، تا به رستگاری بزرگی نائل می گردیدم.

ای پسر شیب؛ اگر خواهی که در درجات بالای بهشت با ما باشی، از برای حزن ما محزون باش و از برای شادی ما شاد باش، و بر تو باد به محبت و ولایت ما؛ اگر مردی سنگی را دوست بدارد، خدا او را در روز قیامت با آن محشور گرداند. (۲)

روز اول ماه محرم، روزی است که حق تعالی دعای حضرت زکریا را درباره داشتن فرزند مستجاب فرمود و حضرت یحیی را به او عطا کرد، چنانچه از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است.

ص: ۲۹۷

۱- ۱۵۳. وسائل الشیعه: ۳۲۴/۱۰.

۲- ۱۵۴. هدیه الزائرین وبهجه الناظرین: ۱۶۵، بحار الأنوار: ۲۸۵/۴۴.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

هر کس این روز را روزه بگیرد و دعا کند، حق تعالی دعای او را نیز مستجاب کند. (۱)

روز عاشورا

دعای حضرت فاطمه علیها السلام ...

جعفر بن عیسی گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام درباره روزه عاشورا سؤال کردم و آنچه مردم در مورد آن می گویند به عرض رساندم، امام علیه السلام فرمود:

از روزه پسر مرجانه از من می پرسی؟ آن روز را زنزادگان از خاندان زیاد بخاطر کشتن امام حسین علیه السلام روزه گرفتند، و آن روزی است که آل محمد علیهم السلام آن را شوم و نامبارک می دانند و اهل اسلام آن را شوم می دانند، و روزی که اهل اسلام آن را شوم بدانند روزه گرفته نمی شود و به آن تبرک نمی جویند، و روز دوشنبه روز نحسی است که خداوند در آن پیامبرش را قبض روح نمود و آل محمد علیهم السلام دچار مصیبت نشدند مگر در روز دوشنبه، لذا آن را شوم و نامبارک می دانیم و دشمن ما به آن تبرک می جوید. (۲)

لعن بر یزید و پیروان او لعنه الله علیهم

راوندی رحمه الله در کتاب «سلوه الحزین» از فضل بن شاذان روایت کرده است که گفت: از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام شنیدم که فرمود:

هنگامی که سر مقدس امام حسین علیه السلام را به شام بردند یزید لعنه الله دستور داد آن را نزد او حاضر کردند، آنگاه در میان طشتی قرار داده و زیر تخت خود گذاشت و بساط شطرنج را گسترانید، آن خبیث شطرنج بازی می کرد و درضمن از حسین و پدر و جد بزرگوارش یاد می کرد و استهزاء می نمود، و هر زمان که بر رفیقش غلبه می کرد سه جام شراب می نوشید و اضافه و باقیمانده ظرفش

ص: ۲۹۸

۱- ۱۵۵. هدیه الزائرین و بهجه الناظرین: ۵۸۱.

۲- ۱۵۶. بحار الأنوار: ۹۴/۴۵.

را در کنار طشت می ریخت، پس هر کس از شیعیان ما است باید آشامیدن شراب و بازی کردن با شطرنج را رها کند، و هر کس نگاهش به شراب و شطرنج افتاد باید یاد مظلومیت امام حسین علیه السلام کند و یزید و خاندان یزید و پیروان او را لعنت کند، خداوند هم به پاداش این عمل، گناهان او را گرچه به عدد ستارگان باشد می آمرزد و از بین می برد. (۱)

عبدالسلام بن صالح هروی گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود:

اوّل کسی که در اسلام برایش فّقاع (یعنی آبجو) ساختند، یزید ملعون در شام بود. آن را حاضر کردند در حالی که سر سفره نشسته و کنار آن، سر بریده امام حسین علیه السلام را قرار داده بود، آن خبیث از آن شراب می آشامید و به یارانش می داد و می گفت: «بنوشید که این شراب مبارکی است، و از برکت آن همین بس که ما اوّلین کسانی هستیم که می نوشیم در حالی که سر دشمن ما پیش روی ما است و کنار آن، سفره گسترانیده ایم، می خوریم در حالی که نفوس ما آرام گرفته و دل هایمان آرامش یافته است».

پس هر کس از شیعیان ما است، باید از آشامیدن این شراب پرهیزد؛ زیرا آشامیدن دشمنان ما است و اگر پرهیز نکند او از ما نیست، به راستی پدرم از پدرش از پدرانش، از امیرالمؤمنین علیهم السلام روایت کرد که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

لباس دشمنان مرا نپوشید، طعام دشمنان مرا نخورید، و راه دشمنان مرا نپوئید که از دشمنان من شوید؛ همان گونه که آن ها دشمن من هستند. (۲)

دعای حضرت فاطمه علیها السلام در روز قیامت

ابو احمد داود بن سلیمان طائی گوید: در سال صد و نود و چهار هجری در مدینه محضر مقدّس حضرت امام رضا علیه السلام بودم، آن حضرت از پدرانش، از حضرت امیرالمؤمنین علیهم السلام، از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرد که فرمود:

ص: ۲۹۹

۱- ۱۵۷. الدعوات: ۱۶۲، عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲۱/۲.

۲- ۱۵۸. عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲۲/۲.

دخترم فاطمه علیها السلام در قیامت وارد محشر شود در حالی که پیراهنی خون آلود به همراه دارد. او به رکنی از ارکان عرش بیاویزد و بگوید:

یا أحمک الحاکمین؛ احمک بینی و بین قاتل ولدی.

ای حکیم ترین حاکمان؛ بین من و قاتل فرزندم حکم کن.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

وَيَحْكُمُ لَابْنَتِي فَاطِمَةَ وَرَبِّ الْكَعْبَةِ. (۱)

به پروردگار کعبه سوگند که خداوند برای دخترم فاطمه حکم خواهد کرد.

ابوالقاسم طائی از پدرش روایت کرده است که گفت: حضرت علی بن موسی الرضاعلیه السلام از پدرش، از پدرانش علیهم السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، و آن حضرت از رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده که فرمود:

موسی بن عمران دست ها را بلند کرد و از پروردگارش درخواست کرد و عرضه داشت: پروردگارا؛ برادرم هارون از دنیا رفت، او را بیامرز.

خداوند تبارک و تعالی به او وحی فرمود:

یا مُوسى؛ لو سألتنى فى الأوّلین والآخرین لأجبتک؛ ما خلا قاتل الحسین بن علی، فَإِنِّى أَنْتَقِمُ لَهُ مِنْ قَاتِلِهِ. (۲)

ای موسی؛ اگر در مورد اوّلین و آخرین درخواست کنی به تو پاسخ می دهم جز درمورد قاتل حسین بن علی علیهما السلام؛ زیرا که من از قاتل حسین علیه السلام برای او انتقام خواهم گرفت.

ص: ۳۰۰

۱- ۱۵۹. عیون اخبار الرضاعلیه السلام: ۸/۲، صحیفه الإمام الرضاعلیه السلام: ۸۹ (با تفاوت).

۲- ۱۶۰. صحیفه الإمام الرضاعلیه السلام: ۲۶۳.

زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام در روز شهادت آن حضرت

عَلَّامَه مجلسی رحمه الله فرموده است: بدان که زیارت آن حضرت در ایّامی که فضیلتی برایش ذکر کرده اند و زمان هایی که شرافت و امتیازی دارند، مخصوصاً ایّامی که اختصاصی به آن وجود مقدّس دارند - مانند روز ولادتش که یازدهم ذیقعده است، و روز شهادتش که آخر ماه صفر یا هفدهم آن و یا روز چهاردهم ماه رمضان است، و روزی که بیعت شده با او برای خلافت که اوّل ماه رمضان یا ششم آن است - از نظر فضیلت و ثواب، برتری دارند. (۱)

بنابراین در روز آخر ماه صفر و نیز هفدهم آن - که روز شهادت جانگداز حضرت علیّ بن موسی الرضا علیهما السلام نقل شده است - زیارت آن بزرگوار فضیلت بیشتری دارد.

کیفیت شهادت و دفن حضرت امام رضاعلیه السلام

اباصلت هروی گفت: در حضور حضرت امام رضاعلیه السلام ایستاده بودم، به من فرمود:

ای اباصلت؛ در این قبه که قبر هارون در آن است وارد شو و از چهار جانب آن مقداری خاک بردار و بیاور.

من رفتم و آن را آوردم، و چون در پیشگاه او ایستادم فرمود:

این خاک را به من بده.

ص: ۳۰۱

و آن خاکی بود که از نزدیک در برداشته بودم، آن را به ایشان دادم، از من گرفت و بوئید و سپس بر زمین ریخت و فرمود:

برای من در اینجا قبری حفر می شود، پس سنگ بزرگی ظاهر می گردد که اگر همه کلنگ هائی که در خراسان است برای کندن آن گردآید کندنش میسر نشود.

سپس در مورد خاکی از نزد پا و خاکی که از نزد سر آورده بودم مانند آن را گفت، آنگاه فرمود:

آن خاک دیگر را به من بده که آن از تربت من است.

سپس فرمود: برای من در اینجا گودالی حفر کنند، تو به آن ها امر کنی که تاهفت پله به پائین بکنند و قبری برای من شکافته شود، اگر نپذیرفتند جزاینکه لحد بچینند، آن ها را امر می کنی که لحد را دو زراع و یک وجب قرار دهند همانا خداوند آن را به اندازه ای که بخواهد وسیع گرداند.

و چون چنین کردند نزد سرم رطوبتی می بینی و کلامی را که به تو می آموزم می گوئی: آبی می جوشد تا آنکه قبر پر از آب شود و در آن ماهی های کوچکی می بینی، برای آن ها نانی که به تو می دهم ریز کن، آن ها نان ها را می خورند، و چون چیزی از آن باقی نماند ماهی بزرگی خارج می شود و ماهی های کوچک رامی بلعد تا هیچ کدام از آن ها نمانند و سپس پنهان می گردد و چون پنهان گشت دست خود را بر آب بگذار و به کلماتی که یادت می دهم تکلم کن، آب فرومی رود و چیزی از آن نمی ماند، و این کار را جز در حضور مأمون انجام مده.

آنگاه فرمود: ای اباصلت؛ فردا بر این فاجر وارد می شوم، اگر از نزد او با سربرهنه خارج شدم با من سخن بگو و من به تو پاسخ می دهم، و اگر هنگام بازگشتن سر را پوشیده بودم با من صحبت مکن.

اباصلت گفت: فردا چون صبح کردیم، امام علیه السلام لباس های خود را پوشید و در محراب به انتظار نشست، در همین حال ناگهان غلام مأمون وارد شد و به آن حضرت

گفت: امیرالمؤمنین! را اجابت کن.

حضرت امام رضا علیه السلام نعلین بپا کرد و ردایش را پوشید و به راه افتاد و من به دنبال آن حضرت رفتم تا بر مأمون وارد شد. در پیش روی او طبقی از انگور و طبق های دیگری از میوه بود و به دست او شاخه انگوری بود که مقداری از آن را خورده بود، چون حضرت امام رضا علیه السلام را دید از جا برخاست با او معانقه کرد و پیشانیش را بوسید و آن حضرت را کنار خود نشانید، سپس شاخه انگور را به او داد و گفت: ای پسر رسول خدا! انگوری بهتر از این ندیده ام.

امام علیه السلام فرمود:

چه بسا انگور خوبی که از بهشت می باشد.

گفت: از آن بخور. حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

مرا از آن معاف بدار.

گفت: گریزی از آن نیست، چه چیزی تو را از خوردن باز می دارد، شاید ما را متهم می کنی؟ خوشه انگور را گرفت و خودش مقداری از آن را خورد، سپس به حضرت امام رضا علیه السلام داد، و آن حضرت سه دانه تناول فرمود و آن را رها کرد و از جا برخاست، مأمون گفت: کجا می روید؟ فرمود:

به آنجائی که مرا روانه ساختی.

آن گاه ردای خود را به سر کشیده و خارج شد. لذا طبق دستور امام علیه السلام با او صحبت نکردم تا داخل خانه شد، فرمود: درب خانه را ببندید.

در را بستند و او وارد بستر شد، من در صحن حیاط اندوهناک و محزون ایستاده بودم، در این هنگام ناگهان جوان خوش سیمائی که شبیه ترین مردم به حضرت امام رضا علیه السلام بود بر من وارد شد، به سوی او شتافتم و عرض کردم: از کجا وارد شدی درحالی که درها بسته بود. فرمود:

کسی که مرا به آنی از مدینه به اینجا آورد، از در بسته نیز وارد خانه کرد.

گفتم: شما کیستید؟ به من فرمود:

ای اباصلت؛ من حجت خدایم بر تو، من محمد بن علی هستم.

سپس به سوی پدرش رفت و دستور داد که من نیز به همراه او بر آن حضرت واردشوم، چون نظر حضرت امام رضا علیه السلام به فرزندش افتاد، فوراً از جا برخاست با او معانقه کرد، به سینه اش چسباند و پیشانی او را بوسید، سپس او را به کنار بستر خود برد، محمد بن علی علیهما السلام او را دربرگرفت و او را می بوسید و پدرش با وی مطالبی را آهسته می گفت که من نفهمیدم، کفی سفیدتر از برف بر دو لب حضرت امام رضا علیه السلام دیدم و محمد بن علی علیهما السلام را مشاهده کردم که با زبانش آن را می لیسید سپس دست خود را میان دو لباس و سینه اش داخل کرد و چیزی شبیه گنجشک از آن بیرون آورد و ابوجعفر علیه السلام آن را بلعید، و در این هنگام حضرت امام رضا علیه السلام وفات یافت.

ابوجعفر علیه السلام به من فرمود:

ای اباصلت؛ برخیز محلی را برای غسل دادن پدرم آماده کن و برایم آب از صندوق خانه بیاور.

عرض کردم: نه جایی برای شستشو است و نه آبی در صندوق خانه هست.

فرمود:

آنچه به تو دستور می دهم انجام بده.

داخل صندوق خانه شدم، در آن آب و جای شستن دیدم، برداشته و بیرون آوردم و لباس هایم را بالا زدم تا او را غسل دهم، به من فرمود:

تو کنار برو ای اباصلت؛ زیرا غیر از تو کسی هست که مرا کمک کند.

پس آن بدن مطهر را غسل داد و سپس فرمود:

بار دیگر وارد صندوقخانه شو و زنبیلی که در آن کفن و حنوط است برایم بیاور.

وارد صندوق خانه شدم و در آنجا زنبیلی دیدم که هرگز ندیده بودم، برداشته و نزد

آن حضرت آوردم، بدن پاک پدر را کفن کرد و بر آن نماز خواند، پس از آن فرمود:

تابوت برایم بیاور.

عرض کردم: نزد نجار روم و سفارش کنم تابوتی درست کند؟

فرمود: در میان صندوقخانه برو، آنجا تابوتی هست بیاور.

داخل شدم تابوتی در آنجا یافتم که تا آن زمان ندیده بودم، آن را برایش آوردم، بدن پدر را برداشته در تابوت گذاشت و پاهایش را صاف کرد آنگاه دو رکعت نماز خواند و هنوز نماز را به پایان نرسانده بود که تابوت بالا رفت و سقف شکافت و از آن تابوت خارج شد و رفت.

عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! اگر مأمون هم اکنون پیش ما آید و حضرت امام رضا علیه السلام را مطالبه کند چه کنیم؟
فرمود:

ساکت باش، او بازمی گردد، ای اباصلت؛ هیچ پیامبری نیست که در مشرق بمیرد و وصی او در مغرب بمیرد مگر آن که خداوند بین ارواح و اجساد ایشان جمع کند.

و هنوز حدیث را تمام نکرده بود که سقف شکافته شد و تابوت پائین آمد و بر زمین نهاده شد، ابوجعفر علیه السلام بدن مطهر پدر را از تابوت بیرون آورد و در میان بسترش قرار داد؛ گویا هنوز غسل داده نشده و کفن بر او پوشیده نگشته است، سپس فرمود:

ای اباصلت؛ بلند شو و در را برای مأمون باز کن.

در را باز کردم مأمون و غلامان او پشت در بودند، پس وارد شدند در حالی که گریان و محزون بودند، گریبان چاک زده و بر سرش می زد و می گفت: واسیّده؛ ای آقای من؛ مصیبت تو مرا دردمند نمود، سپس وارد خانه شد و نزدیک سر آن حضرت نشست و گفت: شروع کنید به تجهیز او، و دستور داد به کندن قبر، من آن محل را گود کردم، همه چیز آنطور که حضرت امام رضا علیه السلام توصیف کرده بود ظاهر شد.

بعضی از هم نشینانش به او گفتند: آیا عقیده نداشت که او امام است؟

گفت: بلی، امام نمی باشد مگر پیشاپیش مردم و جلوتر از آنان، آنگاه دستور داد که در قبله برایش جایی را حفر کنند.

گفتم: به من دستور داده که هفت پله پائین روم و برایش قبرش را بشکافم.

گفت: به آنچه اباصلت به آن دستور می دهد انجام بده، جز قبر - که آن را اباصلت می شکافد - ولی برایش گود بکن و لحد درست کن.

و هنگامی که برای مأمون رطوبت و ماهی ها و غیر آن ظاهر شد گفت: علی بن موسی علیهما السلام همواره در دوران زندگی اش عجائبی را به ما نشان می داد و اکنون پس از مرگ از آن عجائب به ما می نمایاند.

وزیری که همراه او بود گفت: آیا می دانی حضرت امام رضا علیه السلام با این کار، چه خبری به تو داد؟

گفت: نه.

گفت: خبر می دهد که ای بنی عباس، حکومت شما با زیادی تعدادتان و بلندی مدّتتان مانند این ماهی ها است، مهلت شما پایان یابد و آثارتان منقطع گردد و دولتتان از بین رود و خدا شخصی از ما را بر شما مسلط نماید و او همه شما را نابود گرداند.

به او گفت: راست گفתי همینطور است، سپس به من گفت: ای اباصلت؛ آن کلامی را که به آن تکلم کردی به من یاد بده.

گفتم: به خدا قسم آن را در همین لحظه فراموش کردم و راست می گفتم.

مأمون دستور به حبس من داد، حضرت امام رضا علیه السلام دفن گردید و من یکسال در زندان ماندم تا آنکه سینه ام تنگ شد، شبی را تا سحر بیدار ماندم و خداوند تبارک و تعالی را خواندم به دعائی و در آن از محمد و آل محمد علیهم السلام یاد کردم و از خداوند به حقّ آن ها درخواست کردم که بر من گشایشی مرحمت فرماید، دعایم تمام نشده بود که ابوجعفر محمد بن علی علیهما السلام بر من وارد شد و فرمود:

ای اباصلت؛ سینه ات تنگ شده؟

عرض کردم: آری بخدا قسم.

فرمود: برخیز و بیرون برو.

سپس با دست مبارکش بر آن بندها و زنجیرها زد و آن‌ها را باز نمود و دست مرا گرفت و از آنجا بیرون آورد، نگهبانان و غلامان مرا می‌دیدند ولی قدرت حرف زدن نداشتند و از در خانه خارج شدم، سپس فرمود:

برو در امان خدا و بدانکه هرگز به او نمی‌رسی و او هرگز به تو نمی‌رسد.

ابا صلت گفت: پس از آن جریان، تاکنون مأمون را ندیدم. [\(۱\)](#)

روایت دیگر درباره شهادت حضرت امام رضاعلیه السلام

هرثمه بن اعین گفت: شبی در حضور مأمون بودم تا چهار ساعت از شب گذشت، آنگاه اجازه بازگشت به من داد، باز گشتم، و چون نیمی از شب گذشت کسی درب خانه را کوبید، یکی از غلام‌هایم پشت در رفت، به او گفت: به هرثمه بگو: آقایت را اجابت کن.

هرثمه گفت: با شتاب برخاستم و لباس‌هایم را پوشیده و به سوی آقام حضرت امام رضاعلیه السلام شتافتم، غلام پیشاپیش من داخل شد و من پشت سر او وارد شدم، در این هنگام سرورم حضرت امام رضاعلیه السلام را دیدم که در صحن خانه اش نشسته است، به من فرمود:

ای هرثمه. گفتم: لئیک ای مولای من.

فرمود: بنشین، و من نشستم.

فرمود: گوش بده و خوب بخاطر بسپار. ای هرثمه؛ هنگام کوچ کردن من بسوی خداوند تبارک و تعالی فرا رسیده و نزدیک است به جدّم و پدرانم علیهم السلام ملحق شوم و کتاب عمر من به پایان رسیده است و این شخص طغیانگر سرکش

ص: ۳۰۷

تصمیم گرفته مرا با انگور و انار سمی مسموم کند.

او نخ‌ری را در سم فرو می‌برد و با نخ آن سم را جذب انگور می‌کند، و امّا انار، همانا او سم را در کف دست یکی از غلامانش می‌ریزد و انار را با دستش می‌مالد تا دانه‌هایش به آن سم آغشته گردد.

او در روز آینده مرا فرا می‌خواند، آن انار و انگور را نزد من می‌آورد و از من می‌خواهد که از آن دو بخورم و من می‌خورم تا حکم الهی و قضاء پروردگار درمورد من اجرا گردد.

وقتی من از دنیا رفتم خواهد گفت: من او را با دست خویش غسل می‌دهم، وقتی چنین گفت، از طرف من به او بگو - و بین تو و او کسی نباشد - : حضرت امام رضا علیه السلام به من فرموده است: به غسل دادن و کفن کردن و دفن من نپرداز که اگر چنین کنی آنچه از عذاب که از تو تأخیر افتاده به سرعت به سراغت آید و آن بلای دردناکی که از آن حذر می‌کنی بر تو وارد شود، او با این گفته تو خودداری می‌کند و باز می‌ایستد.

هرثمه گوید: عرض کردم ای سرور من؛ چنین خواهد کرد؟! فرمود:

هنگامی که تو را برای غسل دادن من رها کرد و آزاد گذاشت، در مکان بلندی از ساختمان‌ش می‌نشیند که مشرف بر محل غسل من است تا نگاه کند.

ای هرثمه؛ تو متعزّض هیچ یک از کارهای غسل من مشو تا خیمه ای سفید را مشاهده کنی که در جانی از خانه زده شده، وقتی آن را دیدی مرا در لباس هایم که در آن هستم بردار و در آن خیمه بگذار و خودت پشت خیمه بایست و همراهانت نزد تو باشند، پرده خیمه را بالا نزن که مرا ببینی؛ زیرا هلاک می‌شوی.

مأمون از بلندی بر تو می‌نگرد و می‌گوید: ای هرثمه؛ آیا شما عقیده ندارید امام را جز امامی مانند او غسل می‌دهد؟ پس چه کسی ابا الحسن علی بن موسی را غسل می‌دهد در حالیکه پسرش محمد در مدینه از شهرهای

وقتی چنین گفت، به او جواب بده و بگو: ما می گوئیم: امام را جز امام پس از او نباید کسی غسل دهد، و اگر زورگوئی چنین کاری کرد امامت امام به خاطرستمگری و زورگوئی غسل دهنده باطل نخواهد شد و نیز امامت امام بعد از او به اینکه کسی بر غسل پدرش چیره گشته است باطل نمی گردد، اگر حضرت امام رضا علیه السلام را اجازه می دادند در مدینه باشد، پسرش محمد آشکار و بی پرده او را غسل می داد، اکنون هم کسی جز او بدن امام را غسل نمی دهد، ولی به صورت مخفی و پنهان است.

هنگامی که خیمه را بالا زدند مرا می بینی که در کفن پیچیده شده ام، بدن کفن پوشیده مرا بر تابوتم بگذار و آن را بردار، چون اراده کند قبر مرا حفر کنند می خواهد قبر پدرش هارون را قبله قبر من قرار دهد و آن هرگز نخواهد شد، ووقتی کلنگ ها را بر زمین زنند هیچگونه تأثیری بر زمین نگذارد و چیزی ولو به اندازه ناخن چیده شده ای حفر نگردد، چون تلاش خود را کردند و کار بر آنان دشوار گردید از طرف من به مأمون بگو:

او به من دستور داده است که یک کلنگ در قبله قبر پدرت هارون بر زمین زنم، ووقتی زدی در زمین فرو می رود و قبری کنده شده و ساخته و آماده آشکار شود ووقتی قبر ظاهر شد مرا در آن قرار مده تا آنکه از میان آن، آب سفیدرنگی بجوشد و قبر را پر کند به طوری که هم سطح زمین گردد، آنگاه یک ماهی به طول قبر در آن نمایان گردد و حرکت کند، تا مادامی که ماهی تحرّک دارد مرادر قبر وارد نکنید و زمانی که ماهی پنهان گردید و آب فرو نشست مرا در قبرپائین ببر و در لحد بگذار و اجازه نده که آن ها خاک بر من بریزند؛ زیرا قبرخودش پوشیده می شود و پر می گردد.

هرثمه گفت: عرض کردم، اطاعت می کنم ای سرورم، سپس به من فرمود:

آنچه با تو عهد کردم حفظ کن و به آن عمل کن و مخالفت منما.

عرض کردم: پناه می برم بخدا از اینکه با فرمان شما مخالفت کنم.

هرثمه گفت: آن گاه گریان و محزون بیرون آمدم و پس از آن همواره مانند دانه ای که در تابه بریان شود بودم و جز خدا کسی از حال من آگاه نبود، سپس مأمون مراخواند نزد او رفتم و پیوسته ایستاده بودم تا روز بالا آمد، آنگاه مأمون به من گفت: ای هرثمه؛ برو نزد ابوالحسن و از طرف من به او سلام برسان و به او بگو: شما پیش مامی آئی یا ما پیش تو آئیم، اگر گفت: پیش او می آیم، از او بخواه که زودتر بیاید.

هرثمه گفت: نزد امام رفتم و چون مرا دید به من فرمود:

ای هرثمه؛ آیا آنچه به تو سفارش کردم به خاطر داری؟

عرض کردم: بلی، فرمود: کفش های مرا بیاور که من می دانم برای چه تو رافرتاده است.

هرثمه گفت: نعلین حضرت را حاضر کردم، آن را پوشید و به راه افتاد، وقتی داخل مجلس شد مأمون از جا برخاست و با آن حضرت معانقه کرد و پیشانیش را بوسید و کنار خود بر روی تخت نشانید، و آن گاه شروع کرد به صحبت کردن و از هرطرف سخن گفتن تا مدتی گذشت، سپس به یکی از غلامانش گفت انگور و اناریاورد.

هرثمه گفت: چون آن را شنیدم نتوانستم صبر کنم و لرزه بر اندامم افتاد، خوش نداشتم که حالت من بر مأمون ظاهر شود، آرام آرام به عقب برگشتم تا از مجلس بیرون رفتم و در گوشه ای از حیاط خود را افکندم، نزدیک زوال خورشید احساس کردم سرورم از نزد مأمون خارج گشته و به منزل برگشته است، سپس دیدم از طرف مأمون دستوری صادر گشته که پزشکان و پرستاران را حاضر کنند و به بالین آن حضرت ببرند، سؤال کردم چه شده است؟

به من گفتند: بیماری بر علی بن موسی علیهما السلام عارض شده است مردم در شک و تردیدبودند و من یقین داشتم که از کجا عارض شده است به خاطر آنچه از او می دانستم.

هرثمه گفت: هنگامی که ثلث دوم شب فرا رسید، صدای صیحه و ناله از خانه بالارفت، من شتافتم در میان آنان که می شتافتند و خود را به آنجا رسانیدم، مأمون را دیدم

با سر برهنه، دکه ها را باز کرده، به حالت عزا ایستاده و گریه می کرد.

هرثمه گفت: من هم در میان آنان که ایستاده بودند ایستادم و آه سرد و اندوهباری کشیدم، آن شب را صبح کردیم، مأمون برای تعزیه نشست، پس از مدّتی برخاست و خود را کنار جنازه سرورم رسانید و گفت: جانی را آماده کنید می خواهم خودم بدن او را غسل دهم، من نزد او رفتم و آنچه مولایم در خصوص غسل و کفن و دفن فرموده بود به او گفتم، گفت: من متعزّض آن کار نمی شوم، خودت هر چه می دانی ای هرثمه انجام بده.

هرثمه گفت: من ایستاده بودم تا آن که دیدم خیمه ای زده شد، من و کسانی که درخانه بودند در پشت خیمه بودیم، من صدای تکبیر و تهلیل و تسبیح و بالا و پائین رفتن ظرفها و ریختن آب را می شنیدم و بوی خوش عطری به مشامم می رسید که از آن خوش بو تر عطری را استشمام نکرده بودم.

هرثمه گفت: ناگهان مأمون از جایی که مشرف بود فریاد زد: ای هرثمه؛ آیا شما عقیده ندارید که امام را جز امامی مانند خودش غسل نمی دهد؟ محمّد بن علی فرزنداو کجا است که بیاید و او را غسل دهد. او در مدینه و این در طوس.

به او گفتم: ما می گوئیم که امام را نباید جز امامی مثل او غسل دهد، پس اگر کسی ستم کرد و امام را غسل داد، امامت امام به خاطر ستم و تعدّی غسل دهنده باطل نمی شود و امامت امامی که بعد از او است با چیره شدن ظالمی بر غسل پدرش باطل نمی شود اگر حضرت امام رضا علیه السلام در مدینه آزاد و رها بود، پسرش محمّد او را آشکار غسل می داد و اکنون او را جز او کسی غسل نمی دهد ولی به صورت پنهان.

مأمون ساکت شد و چیزی نگفت: سپس خیمه بالا رفت و آقام را دیدم که بدن مبارکش در کفن پیچیده شده است، او را در تابوت نهاده و مأمون با تمام حاضران بر آن جنازه نماز خواندند، آن گاه جنازه را برداشته تا به کنار قبر آمدیم، عدّه ای را دیدم که پائین قبر هارون کلنگ بر زمین می زنند تا قبر هارون را قبله برای قبر امام قرار دهند اما کلنگ ها بر زمین اثر نمی کرد و ذره ای از خاک زمین کنده نمی شد.

مأمون رو به من کرد و گفت: وای بر تو ای هرثمه؛ زمین را نمی بینی که چگونه از کندن قبری برای او خودداری می کند و مانع می گردد؟

گفتم: ای امیرالمؤمنین!! او به من امر کرده که یک کلنگ در قبله قبر پدرت بر زمین زنم و جز یک کلنگ نزنم.

گفت: با یک کلنگ زدن چه می شود؟

گفتم: او خبر داده است که روا نیست قبر پدر تو قبله قبر او باشد. و چون من یک کلنگ بزخم قبری آماده ظاهر گردد بدون آنکه دستی آن را بکند و ضریحی در وسط آن آشکار گردد.

مأمون گفت: سبحان الله؛ چقدر این سخن عجیب است و من از امر ابوالحسن علیه السلام تعجب نمی کنم اکنون تو کلنگ را بزنی تا ببینم چه می شود؟

هرثمه گفت: کلنگ را در دست گرفتم و در سمت قبله قبر هارون بر زمین زدم، قبری کنده شده و آماده ظاهر شد و ضریحی در وسط آن آشکار گشت و مردم به آن نگاه می کردند.

مأمون گفت: بدن را در میان قبر بگذار ای هرثمه.

گفتم: ای امیرالمؤمنین!! آقام دستور داده است که او را در میان قبر وارد نکنم تا آبی سفیدرنگ از آن جاری گردد و قبر از آن آب پر شود تا آن که آب به سطح زمین رسد، سپس یک ماهی به طول قبر در آن حرکت می کند، وقتی ماهی پنهان شد و آب فرو رفت او را در کنار قبر برم و در میان لحد قرارش دهم.

مأمون گفت: هر چه به تو دستور داده عمل کن.

هرثمه گفت: منتظر ظاهر شدن آب و ماهی شدم که ناگهان پدیدار گشت، سپس پنهان شد و آب فرو نشست و مردم نگاه می کردند، آن گاه جنازه را کنار قبر قرار دادم پس قبر با پارچه سفید رنگی که من آن را پهن نکردم پوشیده شد، سپس به وسیله غیردست من و دست حاضران به طرف قبرش پائین برده شد، مأمون به مردم اشاره کرد که با دستهای تان خاک بیاورید و در قبر بریزید.

گفتم: چنین دستور نده ای امیرالمؤمنین!!

گفت: وای بر تو؛ پس چه کسی آن را پر می کند؟

گفتم: به من فرموده که خاک بر او ریخته نشود و خبر داده است که قبر از جانب خودش پر می شود، سپس با سطح زمین منطبق و چهارگوش می گردد، مأمون به مردم اشاره کرد که خودداری کنید، و آن ها آنچه در دست شان از خاک بود رها کردند، سپس قبر پر شد و با سطح زمین منطبق و چهارگوش گردید، مأمون باز گشت و من نیز باز گشتم.

پس از چندی مأمون مرا خواند، با من خلوت کرد و گفت: ای هرثمه؛ تو را بخداسوگند می دهم و از تو می خواهم آنچه از ابوالحسن (قدس الله روحه) شنیدی به من راست بگوئی.

هرثمه گفت: به او گفتم: ای امیرالمؤمنین!! آنچه به من گفته بود به تو خبر دادم.

گفت: به خدا سوگندت می دهم که راست بگوئی نسبت به آنچه به تو خبر داده غیر از آنچه گفتم.

هرثمه گفت: گفتم ای امیرالمؤمنین!! از چه چیزی از من سؤال می کنی؟

گفت: ای هرثمه؛ آیا چیزی غیر از آنچه گفتم با تو مخفیانه در میان گذاشت؟

گفتم: آری.

گفت: آن چیست؟

گفتم: خبر انگور و انار.

هرثمه گفت: تا آن را گفتم، مأمون رنگ چهره اش تغییر کرد، گاهی زرد و گاهی سرخ و گاهی سیاه می شد، سپس غش کرد و بر زمین افتاد، از او شنیدم در حال بیهوشی اش که فریاد می زد و می گفت: (۱)

ص: ۳۱۳

۱-۱۶۳. بازی گران سیاست گاهی از غم و اندوه دروغین، آگاهانه بیهوش می شوند و لحظه ای بعد، از شدت شادی همچون مستان می گردند.

وای بر مأمون از سوی خدا؛ وای بر مأمون از رسول خدا؛ وای بر او از علی بن ابی طالب؛ وای بر مأمون از فاطمه زهرا؛ وای بر مأمون از حسن و حسین؛ وای بر مأمون از علی بن الحسین؛ وای بر مأمون از محمد بن علی؛ وای بر مأمون از جعفر بن محمد؛ وای بر مأمون از موسی بن جعفر؛ وای بر مأمون از علی بن موسی الرضا، به خدا این خسران و زیانی است آشکار.

این را می گفت و تکرار می کرد، چون دیدم این حالت او به طول انجامید از او روی گرداندم و در یک طرف خانه نشستم.

هرثمه گفت: پس از مدتی مأمون نشست و مرا خواند، بر او داخل شدم درحالی که مثل انسان مست نشسته بود، گفت: به خدا قسم؛ تو بر من عزیزتر از اونیستی بلکه همه اهل زمین و آسمان از او عزیزتر نیستند، بخدا قسم اگر به من برسد که تو از آنچه دیدی و شنیده ای چیزی را دوباره گفته ای، تو را هلاک خواهم کرد.

گفتم: ای امیرالمؤمنین!! اگر بر چیزی از آن از سوی من مطلع شدی، خون من بر تو مباح باشد.

گفت: نه بخدا قسم؛ مگر آن که عهد و پیمانی بر کتمان این امر و ترک اعاده آن به من بدهی، پس عهد و پیمان گرفت از من و نسبت به آن تأکید کرد.

هرثمه گفت: وقتی از او رو گرداندم، دو دستش را بر هم می زد و می گفت:

«يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا» (۱).

می خواهند از مردم پنهان کنند و حال آنکه نمی توانند از خداوند پنهان کنند، و او با آنها است آن هنگام که گفتاری را که نمی پسندد شبانه تدبیر می کنند و خداوند به آنچه انجام می دهند کاملاً احاطه دارد و آگاه است. (۲)

ص: ۳۱۴

۱- ۱۶۴. سوره نساء، آیه ۱۰۸.

۲- ۱۶۵. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲/۲۴۸.

مرحوم محدث قمی می نویسد: آخر کلامی که از آن حضرت شنیده شد، این آیه مبارکه بود:

«قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي يُبُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كَتَبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ...» (۱)

بگو: ای پیغمبر! اگر در خانه های خود هم بودید باز آنان که سرنوشت آنان در قضاای الهی کشته شدن است از خانه به قتلگاه به پای خود البته بیرون می آمدند.

و به روایت شیخ مفید، حضرت بعد از خوردن زهر، دو روز زنده بود و وفات کرد. مأمون یک روز و یک شب، وفات آن جناب را پنهان داشت. محمد بن جعفر صادق را با جماعت آل ابوطالب که حاضر بودند، طلبید و خبر وفات آن جناب را به ایشان اظهار کرد و گریست و حزن شدید اظهار کرد. پس ایشان را به نزد آن جناب آورد و بدن آن حضرت را به ایشان نمود و گفت: گواه باشید که آسیبی از ما به او نرسیده است.

پس با جنازه آن حضرت خطاب کرد: ای برادر! بر من گران است که تو را بدین حالت بینم و می خواستم که پیش از تو بمیرم و تو خلیفه و جانشین من باشی ولیکن باتقدیر خدا چه می توان کرد!

پس جنازه آن حضرت را بعد از غسل و تکفین حرکت دادند و در همین موضعی که فعلاً مدفون است، دفن نمودند. قبر شریفش در خانه حمید بن قحطبه در قبله قبر رشید است و در وقت غسل و تکفین و نماز و دفن، پسرش حضرت جواد علیه السلام حاضر بود و این امورات بر دست آن جناب واقع می شد و مردم نمی دانستند.

در بعضی روایات است که مأمون از ترس آن که مبادا مردم فتنه کنند، جنازه حضرت را در شب حرکت داد و دفن نمود صلوات الله علیه.

من سرّه أن یری قبراً برؤیته

یفرّج الله عمّن زاره کربه

فلیأت ذا القبر إنّ الله أسکنه

سلاله من رسول الله منتجبه (۲)

ص: ۳۱۵

۱- ۱۶۶. سوره آل عمران، آیه ۱۵۴.

۲- ۱۶۷. وقایع الايام: ۹۸.

کسی که دوست دارد قبری را با دیدگان خود ببیند، که خداوند گشایش می دهد گرفتاری کسی که او را زیارت کند؛ پس به زیارت صاحب این قبر بیاید که خداوند در آن، از سلاله پاک و منتخب پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم جای داده است.

ماه رجب

ثواب روزه در ماه رجب

حسن بن علی بن فضال از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

هر کس روز اول ماه رجب را به اشتیاق ثواب و پاداش الهی روزه بگیرد، بهشت بر او واجب گردد. و هر کس یک روز در وسط ماه رجب روزه بگیرد در مثل ربیع و مضر (که دو طایفه پرجمعیت بودند) شفاعت کند. و هر کس یک روز در آخر آن روزه بگیرد، خداوند او را از اهل بهشت قرار داده و شفاعت او را در مورد پدر، مادر، پسر، دختر، خواهر، برادر، عمه، عمو، خاله، دایی، آشنایان و همسایگانش بپذیرد گرچه در میان آنان کسی باشد که سزاوار دوزخ است. (۱)

عبدالله بن صالح هروی از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

هر کس روز اول ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند از او خشنود گردد؛ روزی که او را دیدار کند. هر کس دو روز از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند از او راضی باشد روزی که او را دیدار کند. و هر کس سه روز از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند از او خشنود گردد و او را خشنود سازد و کسانی که با او مرافعه دارند راضی سازد؛ روزی که او را دیدار کند یعنی روز قیامت.

ص: ۳۱۶

و هر کس هفت روز از ماه رجب را روزه بگیرد، درهای هفت آسمان برای روح او گشوده گردد چون بمیرد تا آنکه به ملکوت اعلیٰ رسد. و هر کس هشت روز از ماه رجب را روزه بگیرد، درهای هشتگانه بهشت برای او گشوده گردد. و هر کس پانزده روز از ماه رجب را روزه بگیرد، هر حاجتی که دارد برآورده شود مگر آنکه درخواست او در گناه یا قطع رحم باشد.

و هر کس تمام ماه رجب را روزه بگیرد از گناهانش بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد گشته باشد و از آتش دوزخ آزاد و همراه برگزیدگان نیکوکار وارد بهشت شود. (۱)

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

من صام يوم الثامن والعشرين من رجب، كان صومه لذلك اليوم كفّارته تسعين سنه. (۲)

کسی که روز بیست و هشتم ماه رجب را روزه بگیرد روزه او در آن روز، کفّاره نودسال است.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

من صام يوم التاسع والعشرين من رجب، كان صومه ذلك اليوم كفّارته مائه سنه. (۳)

کسی که روز بیست و نهم ماه رجب را روزه بگیرد روزه او در آن روز، کفّاره صدسال است.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

من صام يوم الثلاثين من رجب غفر الله له ما تقدّم من ذنبه وما تأخّر. (۴)

ص: ۳۱۷

۱- ۱۶۹. وسائل الشیعه: ۳۵۵/۷.

۲- ۱۷۰. إقبال الأعمال: ۱۸۸.

۳- ۱۷۱. إقبال الأعمال: ۱۸۹.

۴- ۱۷۲. إقبال الأعمال: ۱۹۰.

کسی که روز سی ام ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد. (۱)

ثواب زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام در ماه رجب

مرحوم شهید فرموده است: قصد زیارت هر یک از امامان علیهم السلام در موسم ها و مناسبت های مشهور، و قصد زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام در ماه رجب مستحب است و بدون تردید از بهترین و باارزش ترین کارها است. (۲)

در «عیون اخبار الرضاعلیه السلام» و «کامل الزیارات» به سند معتبر نقل شده که محمّد بن سلیمان از امام محمّد تقی علیه السلام پرسید:

شخصی حج واجب خود را انجام داد و به مدینه رفت و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم را زیارت نمود، بعد به نجف رفت و پدرتان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت نمود و حق آن حضرت را می شناخت و می دانست که او حج خدا است بر خلق او، و او باب خداست که از آن در به خدا باید رسید.

آنگاه به کربلا رفت و حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت نمود. سپس به بغداد رفت و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را زیارت کرد و به شهر خود برگشت.

در این وقت، خدا آن قدر مال به او روزی کرده است که می تواند به حج برود. آیا برای این مرد که حج واجب خود را انجام داده بهتر است که برگردد و باز حج کند یا به خراسان برود و پدرت حضرت امام رضاعلیه السلام را زیارت کند؟

فرمود:

زیارت رجبیه ...

بلکه برود بر پدرم سلام کند افضل است و باید که در ماه رجب باشد و در این زمان که بر ما و شما از طرف سلطان خوف و وحشت است، انجام ندهید. (۳)

ص: ۳۱۸

۱- ۱۷۳. إقبال الأعمال: ۱۸۸ - ۱۹۰.

۲- ۱۷۴. بحار الأنوار: ۱۳۶/۱۰۰.

۳- ۱۷۵. کامل الزیارات: ۵۰۸، هدیه الزائرین و بهجه الناظرین: ۳۶۰.

که در حرم های مطهر ائمه علیهم السلام در ماه رجب خوانده می شود

جناب ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی قدس سره (سومین نایب خاص امام عصر ارواحنا فداه) می فرماید: اگر کسی این زیارت را در یکی از حرم ها و زیارتگاه های اهل بیت پیامبر علیهم السلام بخواند، حتماً با برآورده شدن حاجتش از آنجا بازخواهد گشت و دعای او در مورد دین و دنیا به اجابت خواهد رسید. اگر قصد این زیارت را داشتی، بر درگاه حرم مطهر امام علیه السلام بایست و بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ، وَأَوْحَى عَلَيْنَا سِتَائِشَ وَبِزِهِ خَدَاوَنَدِي أَسْتَكَرَ مَا رَا فِي هَذَا رَجَبٍ بِه زِيَارَتِكَ وَ مَحَلَّ حُضُورِ أَوْلِيَائِي خُودِ حَاضِرِ گِرْدَانِيدِ، وَ حَقُوقِي چَندَ كِه مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ، وَ صَلَّيْ اللَّهَ عَلَي مُحَمَّدِنِ الْمُتَّجِبِ، وَ عَلَيَّازِ حَقِّ ايشان بِرِ مَا لَازِمُ بُوْد، وَاجِبُ نَمُودِ؛ وَ دُرُودِ بِيُوسْتِه خَدَاوَنَدِ بِرِ مُحَمَّدِ بِرِ گَزِيدِه، وَ بِرِ أَوْصِيَائِهِ الْخُجَبِ. اَللّهُمَّ فَكَمَا أَشْهَدُ تَنَا مَشْهَدَهُمْ، فَأَنْجِزْ لَنَا وَصِيَّائِي أَوْ كِه پَرْدِه دَارِ حَرِيمِ اَلْهِي هَسْتَنْدِ، نَشَارِ بَادِ. بَارِالْهَا؛ هَمَانِ كُونِه كِه مَا رَا بِه حُضُورِ ايشان حَاضِرِ گِرْدَانِيدِي، پَسِ وَعْدِه ايشان مَوْعِدَهُمْ، وَأَوْرِدْنَا مَوْرِدَهُمْ غَيْرَ مُحَلِّينَ عَنْ وَرْدٍ فِي دَارِ الْمُقَامِهَا نِيْزِ بَرَايِ مَا وَفَا كُنْ، وَ مَا رَا بِه مَحَلَّ وَرُودِشَانِ بَرَسَانِ كِه پَسِ اَزِ اَن، اَزِ وَرُودِ بِه جَايْگَاهِ بَهْشْتِ اَبَدِي وَالْخُلُودِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْنُكُمْ إِنِّي قَصِدْتُكُمْ، وَاعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسْأَلَتِي وَ جَاوَدَانِي نِيْزِ مَحْرُومِ نَشُويْمِ. سَلَامُ بِرِ شَمَا؛ مِنْ بِه قَصْدِ دِيْدَارِ شَمَا آمْدِه اَم؛ وَ دَرِ مَوْرِدِ وَحَاجَتِي، وَهِيَ فَكَأَنَّ رَقِيَّتِي مَنَّ النَّارِ، وَالْمَقَرُّ مَعَكُمْ فِي دَارِ دَرْخَوَاسْتِ وَ نِيْزَامِ كِه رَهَائِي مِنْ اَزِ جَهَنَّمَ، وَ مَانْدِگَارِي مِنْ دَرِ بَهْشْتِ دَرِ نَزْدِ شَمَا، الْقَرَارِ، مَعَ شِيْعَتِكُمُ الْآبْرَارِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْنُكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ هَمْرَاهُ بِا شِيْعِيَانِ نِيْكَوْكَارِ شَمَاسْتِ، بِه شَمَا اِعْتِمَادِ نَمُودِه اَم. سَلَامُ بِرِ شَمَا بِه خَاطِرِ اَن كِه شَكِيْبَائِي وَرَزِيْدِيْدِ وَ صَبَرِ نَمُودِيْدِ؛ پَسِ چِه خُوبِ اسْتِ عُقْبَى الدَّارِ. اَنَا سَأَلْتُكُمْ وَ اَمْلُكُمُ فِيمَا إِلَيْكُمْ التَّفْوِيضُ، وَ عَلَيْنُكُمْ عَاقِبَتِ اِيْنِ خَانِه) دَرِ آخِرْتِ(. مِنْ خَوَاسْتَارِ وَ آرْزُومَنْدِ شَمَا دَرِ مَوْرِدِ اَنچِه بِه شَمَا وَ اَكْذَارِ شَدِه هَسْتَمُ؛ وَ اَنچِه

التَّغْوِیْضُ، فَبِکُمْ یُجَبِّرُ الْمَهِیْضُ، وَیُشْفِی الْمَرِیْضُ، وَمَا تَرْدَادُ عَوْضُ کَرْدَنِ آن به عهده شماست، زیرا تنها به وسیله شما شکسته جبران می شود، و بیمار بهبود می یابد، و به وسیله شما الْأَرْحَامُ وَمَا تَغِیْضُ، اِنِّی بَسِّرْتُکُمْ مُؤْمِنٌ، وَلَقَوْلُکُمْ مُسَلِّمٌ، وَعَلٰی کَمٰی و فزونی در ارحام انجام می پذیرد. من به طور واقعی به سر شما ایمان دارم، و تسلیم گفتارتان هستم، وَاللّٰهُ بِکُمْ مُقْسِمٌ فِی رَجْعِی بِحَوَائِجِی، وَقَضَائِهَا وَإِمْضَائِهَا، خدا را به شما سوگند می دهم که تنها با پاسخ مثبت به خواسته هایم مرا برگرداند و آن ها را بر آورده و امضا شده و اِنْجَاحِهَا وَإِبْرَاحِهَا، وَیَشْؤُونِی لَعْدِیْکُمْ وَصِیْلَاحِهَا. وَالسَّلَامُ وَ حتمی و انجام شده نماید و همه کارهایم نزد شما را اصلاح فرماید. و سلام عَلَیْکُمْ سِلَامٌ مُّوَدَّعٍ، وَلَکُمْ حِوَاءِجُهُ مُوَدَّعٌ، یَسْأَلُ اللّٰهُ اِلَیْکُمْ بر شما، سلام کسی که دارد خدا حافظی می کند و خواسته هایش را نزد شما سپرده، تا بر آورده شود. از خدا می خواهد که دوباره نزد الْمَرْجِعِ، وَسَعِیُّهُ اِلَیْکُمْ غَیْرُ مُنْقَطِعٍ، وَأَنْ یَّوْجِعَنِی مِنْ حَضَرَتِکُمْ شما بیاید، و رفت و آمد او به این مکان مبارک و نزد شما پیوسته باشد، و مرا برگرداند از حضورتان خَیْرَ مَرْجِعٍ، اِلَی جَنَابِ مُمْرِعٍ، وَخَفِضِ جَعِیْشٍ جِ مُوَسَّعٍ، وَدَعَّهِهِ بِهْتَرِیْنِ بازگشت به سوی آستانه ای خَرَم و سرسبز و با آسایش و پروسعت، با راحتی وَمَهْلٍ اِلَی حَیْنِ الْأَجْلِ، وَخَیْرِ مَصِیْرِ وَمَحَلٍّ فِی النَّعِیْمِ الْأَزَلِّ، و آسانی تا هنگام مرگ، و بهترین سرانجام و جایگاه در بهشت همیشگی، وَالْعِیْشِ الْمُقْتَبَلِ، وَدَوَامِ الْأُکْلِ، وَشُرْبِ الرَّحِیقِ وَالسَّلْسَلِ، و زندگی خوشی نو و پسندیده، و خوراک همیشگی و آشامیدنی ناب و خالص و گوارای دایم و باوَعْلٍ وَنَهْلٍ، لَا سَامَ مِنْهُ وَلَا مَلَلٌ، وَرَحْمَهُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ وَتَحِیَّاتُهُ خوردنی دوباره و سیراب گشتن بدون این که هیچ خستگی و ملال و دلتنگی در آن ها باشد. و رحمت و برکات و تَحِیَّتِ هَا و احترامات خداوندی عَلَیْکُمْ، حَتّٰی الْعَوْدِ اِلَی حَضَرَتِکُمْ، وَالْفَوْزِ فِی کَرَّتِکُمْ، تا بازگشت به حضور شما و کامیابی در رجعت شما ثواب روزه و استغفار در...

وَالْحَشْرِ فِی زُمْرَتِکُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ و محشور شدن در زمره شما، بر شما نثار باد. و سلام و رحمت و برکات الهی

عَلَيْكُمْ، وَصَلَوَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ، وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. (۱) بر شما باد؛ و درودها و احترامات ویژه خداوندی نثار تان باد، و او برای ما بس است و چه پشتیبانی شایسته و نیکوست.

در اعمال ماه شعبان از حضرت امام رضا علیه السلام نقل می کنیم که زیارت امام حسین علیه السلام در نیمه ماه رجب و نیمه ماه شعبان بهتر از زمان های دیگر است.

ماه شعبان

ثواب روزه و استغفار در ماه شعبان

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام روایت کرده است که فرمود:

روزه ماه شعبان کفاره گناهان بزرگ است، حتی اگر کسی به ریختن خون حرامی آلوده شده، پس چند روزی از این ماه را روزه گرفته و از دنیا رفته باشد برای او امید آمرزش دارم.

راوی حدیث - ابراهیم بن میمون - گوید: عرض کردم: بهترین دعا در این ماه چیست؟ فرمود:

استغفار، بی گمان کسی که در این ماه هفتاد مرتبه استغفار کند مانند کسی است که در غیر این ماه هفتاد هزار مرتبه استغفار نموده باشد.

عرض کردم: چگونه استغفار کنم و چه بگویم؟ فرمود: بگو:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ. (۲)

از خداوند طلب بخشش می کنم و از او درخواست پذیرش توبه می نمایم.

ص: ۳۲۱

۱- ۱۷۶. صحیفه مهدیه (چاپ نهم): ۶۰۴.

۲- ۱۷۷. جامع أحادیث الشیعه: ۵۷۷/۱۹.

ثواب روزه و صدقه در ماه شعبان

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از عباس بن هلال روایت کرده است که گفت: از حضرت امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود:

هر کس یک روز از ماه شعبان را بخاطر پاداش الهی روزه بگیرد، داخل بهشت گردد.

و هر کس در هر روز از ماه شعبان هفتاد مرتبه استغفار کند، خداوند او را روز قیامت در زمره رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم محشور فرماید و سزاوار کرامت پروردگار گردد.

و هر کس در ماه شعبان صدقه ای دهد و لو به نیمی از خرما، خداوند جسد او را بر آتش حرام نماید.

و هر کس سه روز از آخر ماه شعبان را روزه بگیرد و آن را به روزه ماه رمضان متصل کند، خداوند برایش روزه دو ماه پیوسته نویسد. (۱)

دعا در هر روز ماه شعبان

ریان بن صلت گوید: از حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام شنیدم که فرمود:

کسی که در هر روز از ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ.

از خداوند طلب بخشش می کنم و از او درخواست پذیرش توبه می نمایم.

خداوند برایش رهائی از آتش و گذرنامه عبور از پل (صراط) را بنویسد و او را در بهشت - که جایگاه ثابت است - وارد کند. (۲)

ص: ۳۲۲

۱- ۱۷۸. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۱/۱۹۹، وسائل الشیعه: ۳۷۸/۷.

۲- ۱۷۹. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲/۵۷، جامع الأحادیث الشیعه: ۱۹/۵۷۶، روضه الواعظین: ۴۰۳، وسائل الشیعه: ۳۷۹/۷.

نماز و... در شب نیمه شعبان

علی بن حسن فضال از پدرش روایت کرده است که گفت: از حضرت امام رضا علیه السلام در مورد فضیلت شب نیمه شعبان پرسیدم، فرمود:

شبی است که خداوند در آن، دوزخیان را از آتش رهایی می بخشد و گناهان بزرگ را می آمرزد.

عرض کردم: آیا در آن شب، نمازی زیاده‌تر از سایر شب‌ها معین گشته است؟ فرمود:

چیزی به خصوص آن، واجب نگردیده است؛ ولی اگر خواستی کار مستحبی انجام دهی، تو را سفارش می‌کنم به خواندن نماز جعفر طیار، ذکر خداوند تبارک و تعالی. و در آن شب، زیاد استغفار کن و بسیار دعا نما؛ زیرا پدرم می‌فرمود: دعا در آن شب به اجابت می‌رسد.

عرض کردم: مردم می‌گویند که آن شب است که برای هر کس آنچه مقدرش باشد حواله می‌کنند. فرمود:

آنچه گفتمی مربوط به شب قدر در ماه رمضان است. [\(۱\)](#)

زیارت امام حسین علیه السلام در روز نیمه ماه رجب و نیمه ماه شعبان

احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام سؤال کردم در چه ماهی امام حسین علیه السلام را زیارت کنیم؟ فرمود:

در نیمه ماه رجب و نیمه ماه شعبان.

و در روایتی سؤال بدین گونه است: چه زمانی بهتر است امام حسین علیه السلام را در آن زمان زیارت کنیم؟ [\(۲\)](#)

ص: ۳۲۳

۱- ۱۸۰. مصباح المتهجد: ۸۳۸، عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲۲۸، روضه الواعظین: ۴۰۲، وسائل الشیعه: ۲۰۲/۵.

۲- ۱۸۱. وسائل الشیعه: ۳۶۴/۱۰.

عبدالسلام هروی گوید: در آخرین جمعه ماه شعبان خدمت حضرت امام رضا علیه السلام شرفیاب شدم، به من فرمود:

ای اباصلت؛ ماه شعبان بیشتر روزهایش سپری شده و این آخرین جمعه آن است، در مقدار کمی که از آن باقی مانده کوتاهی های گذشته را جبران کن، به کارهای ضروری و لازم روی بیاور و کارهای غیر لازم و بی فایده را رها کن.

زیاد دعا و استغفار و تلاوت قرآن کن، از گناهانت توبه کن، تا آنکه ماه خدا که آمد خود را برای خدا خالص نموده باشی، هر گونه امانتی که به عهده ات بوده آن را به صاحبش پرداخته، و از دلت کینه هر مؤمنی را بیرون کرده، و از هر گونه گناهی که مرتکب می شده ای دست کشیده باشی، تقوا پیشه کن و از خدا بترس، و بر اودر امور پنهانی و آشکارت توکل کن.

«وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا».(۱)

کسی که بر خدا توکل کند، خدا او را بس است؛ همانا خدا امر خود را به انجام می رساند، خدا برای هر چیز اندازه ای قرار داده.

و در آنچه از این ماه باقی مانده است، زیاد بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنْ لَمْ تَكُنْ قَدْ غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضَىٰ مِنْ شَعْبَانَ، فَاغْفِرْ خَدَاوَنَدَا؛ اگر ما را در آنچه از شعبان گذشته نیامرزیده ای، لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ.

در باقی مانده آن ما را بیامرز.

دعای توجّه به خداوند...

زیرا خداوند در این ماه افرادی از گرفتاران به آتش را به احترام ماه شعبان آزادمی کند.(۲)

ص: ۳۲۴

۱- ۱۸۲. سوره طلاق، آیه ۳.

۲- ۱۸۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۵۱/۲، إقبال الأعمال: ۲۵۷، وسائل الشیعه: ۲۱۸/۷.

هشت دعا برای حفظشدن از گرفتاری ها

در این بخش، هشت دعا برای حفظشدن از بلاها و گرفتاری ها نقل می کنیم:

دعای توجّه به خداوند در بازار برای حفظ نفس

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هر کس هنگام وارد شدن به بازار این دعا را بخواند، به شماره آنچه خداوند تا روز قیامت خلق می کند، پاداش داده می شود:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَخَيْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ پَاكٌ وَ مَنْزَهُ اسْتِ خِداوند، وَ ستایش از آن خداوند است، وَ معبودی جز خداوند نیست، او یکتا است وَ شریک ندارد، پادشاهی

ص: ۳۲۵

الْمُلْكَ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَفَرْمَانِرَوَائِي شَائِسْتِه اَو اَسْت و اَو سزاوار ستایش است، زنده می کند و می میراند و او زنده ای است که هرگز نمی میرد، خیر و خوبی بدست او است وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (۱)

و او بر هر چیز توانا است.

دعا برای حفظ شدن در سفر...

دعا برای حفظ شدن از انواع بلا

هشام بن سالم گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود:

هر کس بگوید: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ؛

هیچ توانایی و نیروی جز به سبب خداوند بزرگِ با عظمت نیست.

خداوند او را از مبتلا شدن به هفتاد نوع بلا - که آسانترین آن تنگی نفس است - حفظ می کند. (۲)

دعا برای حفظ شدن از گرفتاری در سفر

برای حفظ شدن از بلاها و گرفتاری ها در مسافرت، خداوند را به حقّ حضرت امام رضا علیه السلام قسم دهید به این گونه:

اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضَا، اِلَها ما خداوند! از تو می خواهم به حقّ ولّیت علی بن موسی الرضا که سَلَمْتَنی بِهِ فی جَمِیعِ اَسْفاری، فی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ، وَالْجِبَالِ مرا سالم بداری به وسیله آن حضرت در تمام سفرهایم، در خشکی، و دریا، و کوه،

ص: ۳۲۶

۱- ۱۸۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۳۰/۲، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام: ۱۵۰، مسند الرضا علیه السلام: ۶۳.

۲- ۱۸۵. ثواب الأعمال: ۱۶۲.

وَالْقِفَارِ وَالْمَأْوِدِيهِ وَالْغِيَاضِ، مِنْ جَمِيعِ مَا أَخَافُهُ وَأَخِذْرُهُ، وَبِيَابَانِ، وَدُشْتٍ وَجَنْگَلٍ، از همه آنچه می ترسم و از آن پرهیز می کنم، إِنَّكَ رَوْوْفٌ رَحِيمٌ. (۱)

که تو رئوف و مهربانی.

دعا برای حفظ شدن در سفر

در ساعت مخصوص به حضرت امام رضا علیه السلام

سید بن طاووس رحمه الله می فرماید: در کتاب «الأسرار المودعه فی ساعات الليل والنهار» ذکر کردیم که: هر ساعتی از روز به یکی از ائمه طاهرين عليهم السلام اختصاص دارد و برای آن ساعت دو تا دعا است؛ یکی از آن دو را از خطّ جدّم شیخ طوسی و دیگری را از خطّ ابن مقله که به او نسبت داده شده نقل کردیم، و هر یک از این بزرگواران - که برترین درود بر آنان باد - به مقتضای روایات مانند نگهبان و پناه دهنده و مهماندار برای ساعت خود می باشد:

ساعت اوّل به مولای ما حضرت علی بن ابی طالب صلوات الله علیه اختصاص دارد.

ساعت دوّم به مولای ما امام حسن مجتبی علیه السلام اختصاص دارد، ساعت سوّم به مولای ما امام حسین علیه السلام، ساعت چهارم به مولای ما امام سجّاد علیه السلام، ساعت پنجم به مولای ما امام باقر علیه السلام، ساعت ششم به مولای ما امام صادق علیه السلام، ساعت هفتم به مولای ما حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام، ساعت هشتم به مولای ما حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، ساعت نهم به مولای ما امام جواد علیه السلام، ساعت دهم به مولای ما امام هادی علیه السلام، ساعت یازدهم به مولای ما امام عسکری علیه السلام، و ساعت دوازدهم به

ص: ۳۲۷

مولایمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه اختصاص دارد.

سیدرحمه الله می گوید: انسان باید در هر ساعتی از آن دوازده ساعت، دعای مخصوص همان ساعت را بخواند؛ خواه روزهای تابستانی باشد که روزها بلند است یا روزهای زمستانی که روزها کوتاه است، فرقی نمی کند؛ زیرا روز به هر اندازه باشد باید به دوازده بخش تقسیم شود و دعاها را مخصوص دوازده بخش هستند.

پس هر گاه خارج شدن شما برای سفر در ساعتی که به یکی از امامان هدایتگر - که آنان را خداوند وسیله نجات بشر قرار داده - اتفاق افتد، این دعا را بخوان:

دعا دیگر هنگام خارج شدن...

اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مُؤَلَانَا فُلَانًا صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ اِنِّیْ اُسَلِّمُ عَلَيْهِ، وَاِنِّیْ بَارِالِهَا؛ به مولای ما فلانی - که درود خدا بر او باد - برسان که من بر او سلام می فرستم، وَاَتَوَجَّهْ اِلَيْهِ بِاِقْبَالِکَ عَلَيْهِ، فِیْ اَنْ یَّکُوْنَ خَفَارَتِیْ وَحِمَايَتِیْ به او روی آورده ام با روی آوردن تو بر او، در اینکه بوده باشد پناه من و حامی من وَسَلَامَتِیْ وَکَمَالُ سِعَادَتِیْ ضِمَانَهَا بِکَ عَلَيْهِ، حَيْثُ قَدْ تَوَجَّهْتُ وَوَسِيلَهُ سَلَامَتِیْ وَکَمَالُ سَعَادَتِیْ، به خاطر ضمانت و کفالت آن به وسیله تو بر او، چُونِ فِی السَّاعَةِ الَّتِیْ جَعَلْتَهُ کَالْخَفِیْرِ فِیْهَا وَحَدِیْثُهَا فِیْ ذَلِکَ اِلَيْهِ. در ساعتی که او را در آن ساعت مانند نگهبان و امان دهنده قرار داده ای روانه گشته ام.

و هنگامی که در منزلی فرود آمدی در ساعتی که به یکی از امامان علیهم السلام اختصاص دارد یا می خواستی از آنجا کوچ کنی، بر آن امام درود فرست؛ به گونه ای که تو را به آن حضرت نزدیک گرداند و با او گفتگو کن که تو را در ساعت خود ضامن گردد، و اگر خداوند عظیم الشان چنین کاری را از تو نخواستہ بود تو را به آن راهنمایی نکرده بود و هنگامی که به این برنامه - که خدا تو را به آن هدایت کرده - عمل کردی (دعای مخصوص را خواندی) هر حرکت و سکون تو در سفر و عبادت به حساب می آید و باعث سعادت و خوشبختی تو در آخرت می گردد. (۱)

ص: ۳۲۸

دعا برای حفظ شدن از گرفتاری هنگام خروج از منزل

علی بن اسباط از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

هر گاه از منزل برای سفر، یا برای کاری در بیرون منزل خارج شدی، بگو:

بِسْمِ اللَّهِ، اَمَنْتُ بِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا حَوْلَ بِهَ نَامِ خُدا (ابتدا کردم)، بِهَ خُدا اِيْمَانِ آوَرْدَم، بِرِ خُدا تَوَكَّلَ كَرْدَم،
آنچه خدا خواهد همان شود، هیچ توانایی و لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

و نیرویی جز به سبب خداوند نیست.

پس شیاطین با او ملاقات می کنند، فرشتگان بر صورت آنان می زنند و می گویند: راه نفوذی بر شما نگذاشته است؛ او که «بِسْمِ اللَّهِ» گفته، ایمان به خدا را اظهار کرده، تَوَكَّلَ بر او نموده و گفته است: «ما شَاءَ اللَّهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».(۱)

دعای دیگر هنگام خارج شدن از منزل

حلبی رحمه الله از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

پدرم امام باقر علیه السلام هر گاه از منزلش خارج می شد، این دعا را می خواند:

بِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ، وَبِسْمِ اللَّهِ وَلَجْتُ، وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ، وَلَا بِنَامِ خُدا خَارِجَ شَدَم، وَبِهَ نَامِ خُدا وَارَدَ شَدَم، وَبِرِ خُدا تَوَكَّلَ كَرْدَم،
و هیچ

ص: ۳۲۹

حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

توانایی و نیرویی جز به واسطه خداوند بلندمرتبه بزرگ وجود ندارد.

محمد بن سنان گوید: حضرت امام رضا علیه السلام همواره هنگام خارج شدن از منزل، دعای مذکور را می خواند. (۱)

تسبیح حضرت زهرا علیها السلام ...

دعا برای حفظ شدن در شب

برادر دعبل خزاعی گوید: سرورم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام روایت کرده اند که فرمود:

از پدرم جعفر بن محمد علیهما السلام شنیدم که در شبانگاه می فرمود:

إِذَا أَمْسَى أَمْسَيْنَا، وَأَمْسَى الْمُلْكُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِرْگاه شبانگاه فرارسد شام می کنیم ما و شام می کند هستی که از آن خداوند است که یگانه و بسیار چیره شونده است، و ستایش سزاوار خداوندی رَبِّ الْعَالَمِينَ، الَّذِي أَذْهَبَ بِالنَّهَارِ، وَجَاءَ بِاللَّيْلِ وَنَحْنُ فِيهِ أَنْكَه روز را برده و شب را آورده و ما به لطف او در عافیه مِنْهُ. اللَّهُمَّ هَذَا خَلْقٌ جَدِيدٌ قَدْ غَشَّانَا، فَمَا عَمِلْتُ فِيهِ مِنْ عَافِيَةٍ هَسْتِم. خداوندا! این آفریده جدید است که ما را فرا گرفته و پوشانیده، آنچه بخواهم از خیرِ فَسَيْهْلُهُ وَقَيْضُهُ، وَكُتِبَ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً، وَمَا عَمِلْتُ فِيهِ مِنْ خَيْرٍ وَخوبی در آن بجای آورم برای من ساده و آسان و میسر گردان، و آن را چند برابر سنگین فرما، و آنچه از شرِّ فَتَجَاوَزَ عَنْهُ بِرَحْمَتِكَ، أَمْسَيْتُ لَا أَمْلِكُ مَا أَرْجُو، وَلَا أَدْفَعُ بدی در آن مرتکب شوم به رحمت خویش از آن بگذر. شام کردم در حالی که آنچه را امیدوارم مالک نیستم، و بدی

ص: ۳۳۰

شَرَّ مَا أَخْشَى، أَمْسَى الْأَمْرُ لِعَیْرِی، وَأُمْسِیتُ مُزْتَهِنًا بِكَسْبِی، آنچه را می ترسم نمی توانم دور کنم، امور در دست غیر من است، و شام کردم در حالی که من در گرو آنچه کسب کرده ام می باشم. وَأُمْسِیتُ لَا-فَقِيرَ أَفْقَرُ مِنِّي، فَمَا تَسِعَ لِفَقْرِي مِنْ سَبْعَتِكَ مِمَّا كَتَبْتَ وَ شام کردم در حالی که فقری از من فقیرتر نیست، فقر و تهیدستی مرا از توانگری خویش از نگه داشتن علی نَفْسِكَ الْتَفَوَى مَا أَبْقَيْتَنِي، وَالْكِرَامَةَ إِذَا تَوَفَّيْتَنِي، وَالصَّبْرَ خُودٍ لَا زَمَ دَانِسْتَهُ اِی بَرْطَرَفَ كُن تَا مَادَامِی كِه مَرَا دُر دَنِیَا بَاقِی دَاشْتَه اِی، و چون از دنیا بردی و جانم را گرفتی با من کرم و بزرگواری کن، وَعَلَى مَا ابْتَلَيْتَنِي، وَالْبَرَكَهَ فِيمَا رَزَقْتَنِي، وَالْعَزْمَ عَلَى طَاعَتِكَ بِر آنچه مبتلا ساختی صبر و پایداری، و در آنچه بر من روزی کردی برکت، و بر طاعت خویش عزم و اراده مرحمت کن، فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمرِی، وَالشُّكْرَ لَكَ فِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ. (۱) در مدّتی که از عمر من باقی مانده است، و برای نعمت هایت که بر من بخشیده ای توفیق شکرگزاری عنایت فرما.

تسبیح حضرت زهرا علیها السلام و «آیه الکرسی» برای حفظ شدن از گرفتاری ها

حضرت امام رضا عليه السلام فرمود:

دو برادر نزد حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آمدند و گفتند: یا رسول الله! ما در نظر داریم برای تجارت به شام برویم، دعائی به ما تعلیم فرما.

نَبِیِّ اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: هرگاه در منزلی فرود آمدید و نماز عشاء را قرائت کردید و خواستید بخوابید، تسبیح زهراء علیها السلام و «آیه الكرسي» را بخوانید و از هرگزندی محفوظ خواهید بود.

هنگامی آن‌ها از مدینه بیرون شدند چند نفر دزد دنبال آنان روان شدند، پس از اینکه در منزلی فرود آمدند، دزدان کودکی را فرستادند تا بنگرند آن دو جوان

ص: ۳۳۱

بازرگان در چه حال هستند.

کودک رفت و جریان آن دو نفر را که در کجا خوابیده اند مشخص کرد و بازگشت و برای دزدان تعریف کرد.

آن دو بازرگان پس از اینکه نماز خواندند تسبیح حضرت زهراء علیها السلام و آیه الکرسی را قرائت کردند و خوابیدند، غلام بار دیگر برگشت که بازرگانان را به دزدان نشان دهد ولیکن مشاهده کرد یک دیواری دور آن ها کشیده شده است.

غلام بار دیگر نزد دزدان آمد و گفت: دیواری بر آن ها کشیده شده است و دسترسی به آنان نیست.

دزدان گفتند: خداوند تو را رسوا کند، از ترس دروغ می گوئی.

دزدان از جای خود برخاستند و آمدند و لیکن با دیواری بلند روبرو شدند و کسی را در آنجا مشاهده نکردند.

روز بعد در هنگام صبح دزدان نزد آن ها آمدند و گفتند: شما دیشب کجا بودید؟

گفتند: ما در همین جا بودیم و از جای خود حرکت نکرده ایم.

دزدان گفتند: ما آمدیم و در اینجا یک دیوار بلند مشاهده کردیم، اینک داستان خود را برای ما بازگو کنید.

آن دو بازرگان گفتند: ما نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم رفتیم، آن جناب تسبیح حضرت زهرا علیها السلام و آیه الکرسی را به ما تعلیم فرمود و ما هم طبق فرمان آن حضرت عمل کردیم.

دزدان گفتند: شما آسوده باشید به خداوند سوگند دیگر شما را تعقیب نمی کنیم و هیچ دزدی قدرت ندارد به شما دستبرد بزند. (۱)

ص: ۳۳۲

هشت دعا برای نجات از گرفتاری ها

در این بخش، هشت دعا برای رهایی یافتن از گرفتاری ها نقل می کنیم:

دعا برای برطرف شدن گرفتاری های مهم

سید بن طاووس رحمه الله گوید: از دعا های حضرت امام رضا علیه السلام دعایی است که آن را در کتاب اصل یونس بن بکر یافتیم.

یونس گوید: از سرورم حضرت امام رضا علیه السلام درخواست نمودم که دعایی به من بیاموزد تا آن را هنگام گرفتاری ها و سختی ها بخوانم.

حضرت فرمود:

ای یونس؛ آنچه برای من نویسم حفظ کن و آن را در هر گرفتاری سخت بخوان که به اجابت می رسد و آنچه آرزو داری و تمنا می نمایی به تو عطا می شود.

سپس برایم نوشت:

ص: ۳۳۳

اَللّٰهُمَّ اِنَّ ذُنُوْبِيْ وَكَثْرَتُهَا قَدْ اَخْلَقَتْ وَجْهِيْ عِنْدَكَ، وَحَجَبَتْنيْ خِداوند؛ گناهانم و زيادى آن مرا نزد تو شرمسار و بى آبرو نموده است، و مرا عَنِ اشتِهالِ رَحْمَتِكَ، وَبَاعِدَتْنيْ عَنِ اسْتِجَابِ مَغْفِرَتِكَ، وَلَوْلَا مَازِ شايستگى رحمت تو محروم کرده، و از سزاواربودن آمرزش تو دور ساخته، و اگر نبودتَعَلَّقَى بِالْاَيْكِ، وَتَمَسَّكَى بِالْذُّعَاءِ، وَمَا وَعَدْتَ اَمْثَالِيْ مِنْ اَوْيَخْتِنَ مِنْ به لطف و نعمت هاى تو، و چنگ زدنم به دعا، و آنچه به امثال من از الْمُشِيرِينَ، وَأَشْبَاهِيْ مِنَ الْخَاطِئِينَ، وَأَوْعَدْتَ الْقَانِطِينَ مِنْ گناهكاران، و نظائر من از خطاكاران وعده کرده اى، و بيم و تهديدى كه به نااميدان از رَحْمَتِكَ بِقَوْلِكَ «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ اَسْرَفُوا عَلَى اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا رَحْمَتِيْ دَاخِلَةً اِيَّاهُمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (۱) از رحمت خدا نااميد نشويد، خداوند تمام گناهان را مى آمرزد، رَحْمَتِ اللَّهِ اِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا اِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۱). از رحمت خدا نااميد نشويد، خداوند تمام گناهان را مى آمرزد، كه همانا او آمرزنده و مهربان است، وَخَيَّرْتَ الْقَانِطِينَ مِنْ رَحْمَتِكَ، فَقُلْتَ «وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ وَنَاامِيدَانِ از رحمت را بر حذر داشته اى و فرموده اى: «و چه كسى از رحمت پروردگارش اِلَّا الصَّالُّونَ» (۲)، ثُمَّ نَدَبْتَنَا بِرَأْفَتِكَ اِلَى دُعَائِكَ، فَقُلْتَ «اُدْعُونِيْ جَزَ گمراهان نااميد مى شود؟»، سپس از روى مهر و محبت ما را به دعا كردن و راز و نياز با خودت خواندى و فرمودى: «مرا بخوانيد اَسْتَجِبْ لَكُمْ اِنَّ الَّذِيْنَ يَسْتَكْبِرُوْنَ عَنْ عِبَادَتِيْ سَيَدْخُلُوْنَ جَهَنَّمَ تَا شَمَا را اجابت كنم، بدون ترديد كسانى كه از عبادت من تكبر ورزند به زودى با خوارى و سرافكنندگى به دوزخ داخِرِينَ» (۳). اِلٰهِيْ لَقَدْ كَانَ ذَلِكْ اِلَيْسَ عَلَيَّ مُشْتِمَلًا، وَالْقَنُوطُ سِرْنَكُونِ شُونَد. خداى من؛ به راستى اين يأس مرا شامل گشته، و نااميدى مِنْ رَحْمَتِكَ مُلْتَحِفًا. اِلٰهِيْ لَقَدْ وَعَدْتَ الْمُحْسِنَ ظَنَّهُ بِكَ ثَوَابًا، از رحمت مرا دربر گرفته است. خداى من؛ به آنكه نسبت به تو خوش گمان است وعده ثواب و پاداش داده اى،

وَأَوْعَيْدَتِ الْمُسَىءَ ظَنَّهُ بِكَ عِقَابًا. اللَّهُمَّ وَقَدْ أَمْسَكَ رَمَقِي وَبِهِ أَنِكْهَ بِهِ تَوْبِدْ كَمَانِ اسْتَبِيمُ كَيْفَرٍ وَ عِقَابِ دَادَةِ اِی. خدائوندا؛ مرا از هلاکت نگهداشته و رمقی در من باقی گذاشته حُسْنُ الظَّنِّ بِكَ فِی عِتْقِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَتَعْمُدِ زَلَّتِي وَإِقَالَهِخُوشِ گمانی ام به تو در آزادی ام از آتش، و چشم پوشی از گناه من و بخشش از عَثَرَتِي. اللَّهُمَّ قُلْتَ فِی كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ لَغَرَضٍ مِنْ. خدائوندا؛ تو در کتاب خود فرموده ای و گفتار تو حق است تَخْلَفُ نَدَارِدُ وَ ثَابِتِ اسْتِ وَلَا تَبْدِيلَ، «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» (۱) وَذَلِكَ يَوْمُ النُّشُورِ وَ دگرگون نمی گردد: «روزی که هر گروهی از مردم را با پیشوای شان فراخوانیم» و آن روز رستاخیز است، إِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ وَ «بُعِثَ مَا فِي الْقُبُورِ» (۲). اللَّهُمَّ فَإِنِّي أُؤْفِي هِنْكَامِي كِه در صور دمیده شود، و «آنچه در میان گورها است بیرون افکنده شود». خدائوندا؛ من وفاکننده ام، وَأَشْهَدُ وَأَقِرُّ وَلَا أُكْذِرُ وَلَا أَجْحَدُ وَأَسِئَرُ وَأُعْلِنُ وَأُظْهِرُ وَأُبْطِنُ وَ گواهی می دهم و اقرار می کنم و نفی می نمایم و هرگز انکار نمی کنم و در نهان و آشکار و ظاهر و باطن بر این عقیده ام بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَخَيْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا كِه بدون تردید تو خدایی هستی که جز تو خدایی نیست، یگانه ای و شریکی برای تو نیست، و بدون تردید (حضرت) مُحَمَّد عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ - که درود خدا بر او و آل او باد - بنده و فرستاده تو است، و این که حضرت علی امیر مؤمنان سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ، وَوَارِثُ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ، عِلْمِ الدِّينِ، وَمُبِيرُ سُرُورِ الْأَوْصِيَاءِ، وَوَارِثُ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ، عِلْمِ الدِّينِ، وَنَبُوْد كُنْدِه الْمُشْرِكِينَ، وَمُمَيِّزُ الْمُتَنَافِقِينَ، وَمُجَاهِدُ الْمَارِقِينَ، وَإِمَامِي مُشْرَكَانَ، وَجِدَا كُنْدِه مُنَافِقَانِ، وَنَبِرْد كُنْدِه بَا خَارِجِ شَدْكَانِ از دین، و پیشوای من، وَحُجَّتِي وَعُرْوَتِي وَصِرَاطِي وَدَلِيلِي وَحُجَّتِي، وَمَنْ لَا أَتَّقُ وَحُجَّتِي بَرِ مَنْ، وَدَسْتُ آوِيزِ مَنْ، وَرَاهِ مَنْ وَرَاهِنَمَا وَدَلِيلِ مَنْ اسْتِ، وَ اَوْ كَسِي اسْتِ كِه مِنْ بَاعْمَالِي وَلَوْ زَكَتْ، وَلَا- أَرَاهَا مُنْجِيَةً لِي وَلَوْ صَلَّحْتُ إِلَّا بِه اَعْمَالِمْ - هر چند پاک باشد - اطمینان ندارم، و آن ها را - گرچه صالح و شایسته باشد - نجات دهنده خود نمی دانم مگر

ص: ۳۳۵

۱- ۱۹۵. سوره اِسرائ، آیه ۷۱.

۲- ۱۹۶. سوره عادیات، آیه ۹.

بِوَلَايَتِهِ، وَالْإِتِمَامِ بِهِ، وَالْإِقْرَارِ بِفَضَائِلِهِ، وَالْقَبُولِ مِنْ حَمَلَتِهَا، بِاَوْلَايَتِ او، و اقتدا کردن به او، و اقرار نمودن به فضائل او، و پذیرفتن از حافظان او، و التَّسْلِيمِ لِرُؤَايَاها. وَأُقَرُّ بِأَوْصِيَاءِهِ مِنْ أُنْبَاءِهِ أُمَّةً وَحُجَجًا، و تسلیم بودن در برابر نավلان و راویان فضائل آن حضرت. و اقرار می کنم به جانشینان او از فرزندان او که امامانند و حجت های الهی هستند، وَأَدِلَّةً وَسُرُجًا، وَأَعْلَامًا وَمَنَارًا، وَسَادَةً وَأَبْرَارًا، وَأَوْمُنٌ و راهنمایان و چراغ های هدایتند، و نشانه های دین و محلّ تابش نورند، و سروران و نیکوکارانند، و بِسَرَرِهِمْ وَجَهْرِهِمْ، و ظاهرِهِمْ و باطنِهِمْ، و شاهدهِهِمْ و غائبِهِمْ، به پنهان و آشکار ایشان، و ظاهر و باطن شان، و حاضر و غائب شان، و حقیهِمْ و مبینِهِمْ، لا شَكَّ فِی ذَلِكْ، وَلَا اِزْتِیَابَ عِنْدَ تَحْوِلِكَ وَلَا وَزَنَدَه و مرده ایشان ایمان دارم، هیچ گونه شکّی در آن ندارم، و نزد دیگرگون کردنت و اِنْقِلَاب. اَللّٰهُمَّ فَادْعْنِیْ یَوْمَ حَشْرِی وَنَشْرِی بِاِمَامَتِهِمْ، و اِنْقِذْنِیْ بازگرداندن تردیدی به خود راه نمی دهم. خداوندا؛ روز محشر و رستاخیزم مرا به امامت ایشان بخوان، و بِهِمْ یا مَوْلایِ مِنْ حَرِّ النَّیرانِ، و اِنْ لَمْ تَرْزُقْنِیْ رَوْحَ الْجَنانِ، از حرارت آتش - ای مولاى من - به واسطه ایشان مرا رهایی بخش، و اگرچه آسایش و راحتی بهشت را روزی من نگردانی؛ فَإِنَّكَ اِنْ اَعْتَقْتَنِیْ مِنَ النَّارِ كُنْتُ مِنَ الْفَائِزِیْنَ. اَللّٰهُمَّ وَقَدْ اَصْبَحْتُ زِیْراً اِگر مرا از آتش آزاد کردی از رستگاران هستم. خداوندا؛ امروز که صبح کرده ام یومی هذا لا ثِقَه لى وَلَا رَجاءَ وَلَا لَجأَ وَلَا مَفْزَعَ وَلَا مَنجَا غَیْرِ هِیچ گونه اطمینانی و امیدی و پناهی و پناهگاهی و نجات بخشی غیر از همان مَنْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ اِلَیْكَ، مُتَقَرِّبًا اِلِیْ رَسُوْلِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ بزرگوارانی که بواسطه آنان به سوی تو توَسَّل جسته ام برای من نیست در حالی که تقرب می جویم به رسول تو حضرت محمد - که درود خدا بر او و آلِهِ، ثُمَّ عَلَیْ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَالزَّهْرَاءِ سَیِّدَةِ الْعَالَمِیْنَ، و آل او باد - سپس به (حضرت) علی امیر و فرمانروای مؤمنان و (حضرت) زهرا که سرور زنان عالم وجود است، وَالْحَسَنِ وَالْحُسَیْنَ وَعَلِیٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى وَعَلِیٍّ و امام حسن و امام حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی

وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَمَنْ بَعْدَهُمْ يُقِيمُ الْمَحَجَّةَ إِلَى الْحُجَّةِ، وَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ مَنْ بَعْدَهُمْ يُقِيمُ الْمَحَجَّةَ إِلَى الْحُجَّةِ، و حسن و علی و آن که بعد از ایشان به پا می دارد راه راست به سوی حجت و دلیل را الْمَسْئُورَهُ مِنْ وَلَدِهِ، الْمَرْجُوُّ لِلَّهِ مِنْ بَعْدِهِ. اَللّهُمَّ فَاجْعَلْهُمْ فِي كَه از فرزندان خود پنهان است و امید امت بعد از اوست. خداوندا؛ هَذَا الْيَوْمَ وَمَا بَعْدُهُ حِصْنِي مِنَ الْمَكَارِهِ، وَمَعْقِلِي مِنَ الْمَخَافِ، امروز و بعد از آن ایشان را جایگاه امن و نفوذناپذیر من در مقابل ناخوش آیندها، و پناهگاه من در برابر آنچه ترسناک است قرار بده، وَنَجِّنِي بِهِمْ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ وَطَاغٍ وَبَاغٍ وَفَاسِقٍ، وَمِنْ شَرِّ مَاوِ نَجَاتٍ بَدَهْ مَا بَهْ واسطه ایشان از شرّ هر دشمن و ستمکار سرکش، و تجاوزگر و تبه کار، و از شرّ آنچه اُغْرِفُ وَمَا اُنْكِرُ، وَمَا اسْتَرَّ عَنِّي وَمَا اُبْصِرُ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّهٍ شَنَاسَمٍ وَنَمِي شَنَاسَمٍ، و آنچه پوشیده است از من و آنچه می بینم، و از شرّ هر جنبنده ای که رَبِّي اخَذَ بِنَاصَةِ يَتِيهَا، اِنَّكَ عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. اَللّهُمَّ بِتَوْسُلِيْ بِهِمْ زَمَامٍ اَوْ رَا پروردگارم بدست دارد، که همانا تو بر راه استواری. خداوندا؛ به خاطر تَوْسُلِيْ که به سبب ایشان اِلَيْكَ، وَتَقَرُّبِيْ بِمَحَبَّتِهِمْ، وَتَحْصُنِيْ بِاِمَامَتِهِمْ، اِفْتَحْ عَلَيَّ هَذَا بَهْ تو دارم، و تقرب می که به واسطه محبت و دوستی ایشان دارم، و پناهندگی ام به امامت ایشان، الْيَوْمَ اَبْوَابُ رِزْقِكَ، وَاَنْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ، وَحَبِّبْنِيْ اِلَى خَلْقِكَ، امروز به روی من درهای روزیت را بگشا، و رحمت را بر من بگستران، و مرا محبوب آفریدگانت فرما، وَجَنِّبْنِيْ بُغْضَهُمْ وَعِدَاوَتَهُمْ، اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَللّهُمَّ وَرَا از کینه و دشمنی ایشان دور فرما، که تو بر هر چیزی توانا هستی. خداوندا؛ وَلِكُلِّ مُتَوَسِّلٍ ثَوَابٌ، وَلِكُلِّ ذِي شَفَاعَةٍ حَقٌّ، فَاسْأَلْكَ بِمَنْ جَعَلْتَهُ بَرًا لِّىْ هَر تَوْسَلُ جَوِيْنِدَهْ اِيْ پاداشی، و برای هر شفاعت دارنده ای حَقِّیْ است، از تو می خواهم به حقّ آن کسی که او رَاوَسِيْلَتِيْ اِلَيْكَ، وَقَدَّمْتَهُ اَمَامَ طَلِبَتِيْ، اَنْ تُعَرِّفَنِيْ بَرَكَهْ يَوْمِيْ هَذَاوَسِيْلَهْ و واسطه خودم به سوی تو قرار دادم، و پیشاپیش خواسته ام مقدم کردم، برکت این روز و شهری هَذَاوَعَامِيْ هَذَا. اَللّهُمَّ وَهُمْ مَفْرَعِيْ وَمَعُونَتِيْ فِيْ شِدَّتِيْ و این ماه و این سال را به من بشناسان. خداوندا؛ این بزرگواران پناهگاه من و مددکار من در هنگام سختیم

[illegible]

دعای دیگر هنگام گرفتاری های سخت

... برای برطرف شدن هر درد...

سید بن طاووس رحمه الله از کتاب «تعبیر الرؤیا» - تألیف محمد بن یعقوب کلینی - چنین نقل کرده است: احمد از وشاء، و او از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

ص: ۲۲۸

پدرم را در خواب دیدم، به من فرمود: پسر من؛ هرگاه در گرفتاری سختی قرار گرفتی، زیاد بگو: «یا رُؤُوفُ یا رَحِيمُ»؛ «ای بسیار مهربان؛ ای رحم کننده»، و آنچه را در خواب می بینی مانند آن است که در بیداری بینی. (۱)

دعا برای برطرف شدن هر درد و مرض

خالد عبسی می گوید: حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام این عوذ و دعا را به من تعلیم نمود و فرمود:

آن را به برادران مؤمن خود یاد بده که آن، برای هر دردی است:

أُعِيذُ نَفْسِي بِرَبِّ الْأَرْضِ وَرَبِّ السَّمَاءِ، أُعِيذُ نَفْسِي بِالَّذِي پناه می دهم نفس خود را به پروردگار زمین و پروردگار آسمان، پناه می دهم نفس خود را به کسی که لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ، أُعِيذُ نَفْسِي بِالَّذِي اسْمُهُ بَرَكَهٌ وَشِفَاءٌ. (۲) با اسم او، مرض زیانی نمی رساند، پناه می دهم نفس خود را به کسی که اسم او برکت و شفا است.

دعای دیگر برای برطرف شدن هر درد و مرض

زکریا بن آدم - که در خراسان حضرت امام رضا علیه السلام را خدمت می کرد - گوید: روزی حضرت امام رضا علیه السلام مرا صدا زد و فرمود:

ای زکریا؛ عرض کردم: گوش به فرمان شما هستم ای فرزند رسول خدا.

فرمود: برای تمام دردها و بیماری ها این دعا را بخوان:

ص: ۳۳۹

۱- ۱۹۸. مهج الدعوات: ۳۹۷، بحار الأنوار: ۲۸۳/۹۵.

۲- ۱۹۹. بحار الأنوار: ۸/۹۵.

يَا مُنْزِلَ الشُّفَاءِ، وَمُذْهِبَ الدَّاءِ، أَنْزِلْ عَلَيَّ وَجْعِي الشُّفَاءَ. ای نازل کننده شفا؛ و از بین برنده درد؛ بر درد من شفا را نازل فرما.

به اذن خداوند تبارک و تعالی عافیت خواهی یافت. (۱)

دعا برای رهایی از چشم خوردگی

معمّر بن خلّاد گوید: در خراسان با حضرت امام رضا علیه السلام بودم و بازار رفتن و خریدن اجناس به عهده من بود، روزی به من دستور داد تا برایش غالیه (ماده ای است خوش بو) تهیّه کنم. هنگامی که خریدم و نزد آن حضرت آوردم مورد پسندش قرارگرفت و از آن خوشش آمد، نگاهی به آن کرد و به من فرمود:

ای معمّر؛ بدون تردید چشم زدن حقّ است (یعنی چیزی است که تحقّق پیدامی کند)، در کاغذی سوره «حمد» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و «آیه الكرسي» را بنویس، و آن را در جلد این ظرف قرار بده. (۲)

دعا برای برطرف شدن سحر

محمّد بن عیسی گوید: از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در مورد سحر سؤال کردم، فرمود:

چنین چیزی هست، و آن ها ضرر و زیان می رسانند به اذن خداوند تبارک و

ص: ۳۴۰

۱- ۲۰۰. بحار الأنوار: ۵۵/۹۵.

۲- ۲۰۱. مکارم الأخلاق: ۲۳۱/۲، بحار الأنوار: ۱۲۸/۹۵.

تعالی، هنگامی که دچار شدی دست را در برابر صورتت بالا ببر و این دعا را بخوان:

بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ، رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، إِلَهِنَا خَدَاوَنَد بَزْرَكْ مَرْتَبَه، بِنَام خَدَاوَنَد بَزْرَكْ مَرْتَبَه، پَروردگار و صاحب عرش عظیم، که ذَهَبْتَ وَأَنْقَرَضْتَ. (۱)

از بین روی و نابود شوی.

دعا برای برطرف شدن تب

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است: برای برطرف شدن تب، این دعا به این صورت نوشته شود و مریض آن را همراه خود نماید: (۲)

□

بنام خداوند بخشنده مهربان، «گفتیم: ای آتش؛ بر ابراهیم و آل ابراهیم سرد و سلامت باش» (۳) و درود فرست بر محمد و آل محمد، و بر فلان پسر فلان به اذن و فرمان پروردگار.

ص: ۳۴۱

۱- ۲۰۲. مکارم الأخلاق: ۲/۲۸۶، بحار الأنوار: ۱۲۹/۹۵.

۲- ۲۰۳. بحار الأنوار: ۳۳/۹۵.

۳- ۲۰۴. سوره انبیاء، آیه ۶۹.

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود:

هر گاه چیزی از تو مفقود شد یا کالایی را گم کردی، بگو:

«وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ» (و نزد او کلیدهای غیب است و جز او کسی به آن ها علم ندارد، و خداوند) به آنچه در خشکی و دریا وجود دارد علم دارد، وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ بَرَكِي از درخت نمی افتد مگر آنکه) خداوند (از آن آگاه است، و بذری در نهان زمین قرار ندارد، وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ) (۱).

و هیچ تر و خشکی نیست مگر آن که نام آن در کتابی روشنگر است.

سپس بگو: اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَهْدِي مِنَ الضَّلَالَةِ، وَتُنْجِي مِنَ الْعَمَى، خداوندا؛ به راستی که تو از گمراهی به هدایت می کشانی، و از کوری رهایی می بخشی، وَتَرْزُقُ الضَّالَّةَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لِي، وَرَدِّوْا گمشده را باز می گردانی، بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا بیامرز، وَضَالَّتِي، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلِّمْ. (۲)

گمشده ام را باز گردان، و بر محمد و آل او درود و سلام بفرست.

ص: ۳۴۲

۱- ۲۰۵. سوره انعام، آیه ۵۹.

۲- ۲۰۶. مکارم الأخلاق: ۲۳۲/۲، الأنوار النعمانية: ۱۶۷/۴، بحار الأنوار: ۱۲۳/۹۵، و در «مستدرک الوسائل: ۲۱۵/۸» باختلافی اندک.

هشت دعا برای نجات از شرّ ظالم

در این بخش، هشت دعا برای نجات از شرّ ظالم نقل می کنیم:

نفرین دشمنان

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

هنگامی که یکی از شما دشمن خود را نفرین می کند، باید بگوید:

اَللّٰهُمَّ اطْرُقْهُ بِلَيْلِهِ لَا أُخْتَلِّهَا، وَابْحَ حَرِيْمَهُ. (۱)

خداوندا! او را به حادثه ای (خطرناک) در شب گرفتار کن که برایش نظیری نباشد و حریم او را مباح گردان.

دعا برای غلبه بر دشمن و ناراحتی های دیگر

مولای ما حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام هنگامی که مأمون بر آن حضرت غضب کرده و خشمگین بود، این دعا را خواندند، پس آرام گرفت و خشم او فرو نشست:

ص: ۳۴۳

بِاللَّهِ أَسْتَفْتِحُ، وَبِاللَّهِ أَسْتَنْجِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ أَتَوَجَّهُ. اَللّٰهُمَّ سَهِّلْ لِيْ بِهٖ نَامِ خَدَا اَازِ مِي كُنْم، و از خداوند توفيق و كاميابي مي طلبم، و به (حضرت) محمدصلي الله عليه و آله وسلم روي مي آورم. خداوندا؛ حُزُونَهُ اَمْرِي كُلَّهُ، وَيَسِّرْ لِي صِيْهُ حُوبَتَهُ، إِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ سَخْتِي هَا وَ نَاهِمُواري هَايِ تَمَامِي كَارْم را هموار كن، و دشواري هاي آن را آسان گردان، كه تو نابود مي كني آنچه را بخواهي وَتَثْبِتُ، وَعِنْدَكَ اُمُّ الْكِتَابِ.

و ثابت مي گرداني، و نزد تو اصل كتاب آفرينش و لوح محفوظ است.

و مسنداً از اميرالمؤمنين عليه السلام روايت کرده است كه فرمود:

هرگز امري مرا اندوهناك نساخت و دچار تنگي معاش نشدم و با مبارزي روبرو نكشتم، و اين دعا را خوانده باشم؛ مگر اينكه خداوند اندوه و غصه ام را برطرف كرد و گشايش در كارم داد و پيروزي بر دشمن را نصيب من ساخت. (۱)

دعای حجاب و حفظشدن از شر دشمنان

دعای امام رضا عليه السلام برای حفظشدن از شر دشمنان و پنهان ماندن از دسترس آنان:

إِسْتَسَلَمْتُ مَوْلَايَ لَكَ، وَأَسَلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ، وَتَوَكَّلْتُ فِي كُلِّ مَوْلَايَ مِنْ؛ خُود را تسليم تو نمودم، و خويشتن را به تو واگذار كردم، و در همه اُمُوري عَلَيْكَ، وَأَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ، إِيْحْبَانِي اَللّٰهُمَّ فِي سِرِّكَ كَارِهَائِمِ بِرِ تُو تَوَكَّلِ كَرْدَم، و من بنده تو و پسر دو بنده توأم. خداوندا؛ مرا در پوششت دعا برای واردشدن بر كسي...

عَنْ شَرَارِ خَلْقِكَ، وَاعْصِمْنِي مِنْ كُلِّ أَذَى وَسُوءٍ بِمَنِّكَ، وَاكْفِنِي از آفريدگان شرورت پنهان بدار، و به لطف خود از هر اذيت و آزاري حفظ كن، وَشَرُّ كُلِّ ذِي شَرٍّ بِقُدْرَتِكَ. اَللّٰهُمَّ مَنْ كَاذَنِي أَوْ أَرَادَنِي فَإِنِّي أَذْرُأَبَهُ قَدْرَتِ بَدِي هر تبهكاري را نسبت به من كفايت كن. خداوندا؛ هر كس به من حيله كند يا قصد فريب مرا داشته باشد، به

ص: ۳۴۴

بِكَ فِي نَحْرِهِ، وَأَسْتَعِينُ بِكَ مِنْهُ، وَأَسْتَعِذُّ مِنْهُ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، وسیله تو آن را دفع کرده و به خودش برمی گردانم، و در برابر او از تو یاری می جویم، و از شر او به توانایی و نیروی تو پناه می برم، وَشَدَّ عَنِّي أَيْدِي الظَّالِمِينَ، إِذْ كُنْتُ نَاصِرِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، یاو بیند از من دستان ستمگران را؛ زیرا تو یاور من بوده ای، جز تو خداوندی نیست، اِیْ أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَإِلَهَ الْعَالَمِينَ. أَسْأَلُكَ كِفَايَةَ الْمَآذِي، وَالْعَافِيَهُمُ بِأَنْتَ مَهْرَبَان، و ای خداوند جهانیان. از تو می خواهم کفایت نمودن از اذیت و آزار، و عافیت وَالشِّفَاءَ، وَالنَّصِيرَ عَلَى الْأَعْدَاءِ، وَالتَّوْفِيقَ لِمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَشَفَا، و نصرت و یاری بر علیه دشمنان، و توفیق آنچه را که دوست می داری ای پروردگار ما وَتَرْضَى، یا إِلَهَ الْعَالَمِينَ، یا جَبَّارَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، یاو می پسندی، ای خدای عالمیان؛ ای مَسْلُطٌ عَلَى السَّمَانِ وَتَحْتَ الْأَرْضِ، اِیْ رَبِّ مُحَمَّدٍ وَإِلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. (۱) پروردگار محمد و آل پاک و پاکیزه او، درود تو بر همه آنان باد.

دعا برای وارد شدن بر کسی که انسان از شر او می ترسد

حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام هر گاه می خواستند بر کسی وارد شوند که از او بیم (گرفتاری) داشتند، این دعا را می خواندند:

اَللّٰهُمَّ يَدُكَ فَوْقَ يَدِهِ، وَسُلْطَانُكَ اَعْظَمُ مِنْ سُلْطَانِهِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ خَدَاوْنَدَا؛ دَسْتُ تُوْ بِالْاِیْ دَسْتُ اُوْ، و نیروی تو نیرومندتر از نیروی او است. خَدَاوْنَدَا؛ اَذْرَا بِكَ فِیْ نَحْرِهِ، وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ، وَاَسْتَعِیْنُ بِكَ عَلَیْهِ، به وسیله تو، او را دور کرده و به خودش برمی گردانم، و از شر او به تو پناه می برم، و به واسطه تو بر او یاری می جویم،

ص: ۳۴۵

وَأَلْجَأَ إِلَيْكَ مِمَّا أَشْفَقْتَ عَلَى نَفْسِي مِنْهُ. اللَّهُمَّ فَكُنْ عِنْدَ ظَنِّي وَازْ أَنْجِهْ بِرِ خُودِمِ مِی تَرْسَمِ از نَاحِیَه اَوْ بَه تُو پَنَاهِنْدَه مِی شُوم. خداوند! پس بوده باش نزد گمانم بِکَ فِیْمَا لَمْ أَجِدْ فِیْهِ مَفْرَعًا غَیْرُکَ، وَلَا مَلْجَأً سِوَاکَ، فَقَدْ عَلِمْتُ بَه تُو در آنْجِه پَنَاهِی غَیْر از تُو در آن نمی یابم، و بَه تَحْقِیقِ مِی دَانَمِ أَنَّ عِذْلَکَ أَوْسَعُ مِنْ جَوْرِ الْجَائِرِینَ، وَإِنْصَافُکَ مِنْ وَرَاءِ کِه عَدْلُ تُو گِستَرْدِه تَر از ستم ستمکاران است، و حَقِّ طَلَبِی تُو در پی الظَّالِمِینَ، فَأَجِزْنِی مِنْهُ یَا إِلَهَ الْعَالَمِینَ بِحَقِّکَ عَلَیْکَ، فَإِنَّ أَحَدًا سَتَمِکَرَانِ اسْت، پس مِرا از اَوْ اَمَانِ بَدَه بَه حَقِّ خُودَتِ بَر تُو ای خداوند جَہَانِیَانِ، بَه رَاسْتِی کِه هِیْچِ کَسِ لَا یَعْرِفُ حَقِّکَ حَسَبِ مَعْرِفَتِکَ بِحَقِّکَ. حَسْبِی أَنْتَ یَا اللَّهُ، حَسْبِی حَقِّ تُو رَا نَمِی شَنَاسَدِ آن کُونه کِه تُو حَقِّ خُودِ رَا مِی شَنَاسِی. تُو مِرا بَسِ هِستِی ای خُدا، أَنْتَ یَا اللَّهُ، حَسْبِی أَنْتَ یَا اللَّهُ، وَمَنْ یَتَوَكَّلْ عَلَیْکَ فَأَنْتَ حَسْبُهُ، تُو مِرا بَسِ هِستِی ای خُدا، تُو مِرا بَسِ هِستِی ای خُدا، وَ هَرِ کَسِ بَر تُو تَوَكَّلْ کُنْدِ اَوْ رَا بَسِ هِستِی، بِعِذْلِکَ جَرِی وَ عِدْکَ، وَ نَطَقَ کِتَابُکَ، وَأَنْتَ أَوْفَى الضَّامِنِینَ، وَ عِدَه ات بَه اِین قَاعِدَه جَارِی گِشْتِه وَ کِتَابَتِ بَه هِمِینِ مَطْلَبِ گُویَا اسْت، وَ تُو وَفَا کُنْدِه تَرِینِ ضَامِنَانِ هِستِی، سُبْحَانَکَ رَبِّ الْعَالَمِینَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. (۱)

پاک و منزّهی (ای) پروردگار جهانیان، و درود خداوند بر محمد و آل او باد.

ادعا برای برطرف شدن شرّ ظالم

دعا برای برطرف شدن شرّ ظالم

حضرت امام رضا علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت کرده است که فرمود:

منصور دوانیقی کسی را به سوی جعفر بن محمد علیهما السلام فرستاد تا او را به قتل

ص: ۳۴۶

رساند و شمشیر و آن بساطی را که زیر پای محکوم به قتل می گسترانند آماده کرد و به ربیع گفت: هنگامی که من سخن گفتم و دستم را به دست دیگر زدم گردن او را بزن.

همین که جعفر بن محمد علیهما السلام وارد شد و منصور از دور آن حضرت را دید، در روی بستر به خود حرکتی داد و گفت: خوش آمدی ای اباعبدالله! بسوی شما نفرستادم مگر به این امید که وام شما را پردازم و حق و حرمت شما را رعایت کنم.

سپس با مهربانی و لطف از اهل بیتش سؤال کرد و گفت: حتماً خدا بدهی شما را ادا و جایزه شما را پرداخت کرد. ای ربیع؛ کار سوئی را انجام نده تا جعفر بن محمد را بسوی خانه و خانواده اش بازگردانی.

وقتی امام علیه السلام بیرون رفت، ربیع به آن حضرت عرض کرد: آیا آن شمشیر و آن بساط چرمی را دیدید؟ منصور آن ها را برای شما آماده کرده بود، هنگام وارد شدن دیدم لب های مبارک شما بهم می خورد، چه دعائی می خواندید؟

امام علیه السلام فرمود: آری؛ چون شرّ و بدی در چهره منصور مشاهده کردم، گفتم:

حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ، وَحَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ، پروردگار بی نیازکننده من از هر پرورش یافته است، و آفریدگار بی نیازکننده من از هر آفریده شده است، وَحَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ، وَحَسْبِيَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، و روزی دهنده بی نیازکننده من از هر روزی داده شده است، و خدا مرا بس است که پروردگار جهانیان است، حَسْبِيَ مَنْ هُوَ حَسْبِي، حَسْبِيَ مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي، اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا كَفَايَتِي می کند مرا آنکه مرا کافی است، کفایت می کند مرا آنکه همواره کفایت کننده من است، خدا است آنکه جز هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. (۱)

ص: ۳۴۷

او معبودی نیست، بر او توکل کردم و او پروردگار عرش عظیم است.

دعای دیگر برای نجات از شرّ ظالم

سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «مهیج الدعوات» از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

شخصی خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شد و نسبت به کسی که به او ستم می نمود شکایت کرد، امام علیه السلام به او فرمودند:

چرا «دعای مظلوم» را که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به امیرالمؤمنین علیه السلام تعلیم فرمودند نمی خوانی؟ هیچ مظلومی آن را علیه ظالم نمی خواند مگر آنکه خدا او را یاری می دهد و از شرّ آن ظالم او را کفایت می نماید، و دعا این است:

اَللّٰهُمَّ طُمِّهِ بِالْبَلَاءِ طُمًّا، وَعُغِّهِ بِالْبَلَاءِ غَمًّا، وَقُمَّهُ بِالْاَذَى قَمًّا، خَدَاوْنِدَا؛ او را در بلا فرو ببر، و او را به بلا بپوشان، و پی در پی بر او ناراحتی و آزار وارد کن، وَاَزِمِهِ يَوْمَ لَا- مَعَادَ لَهُ، وَسَاعَهُ لَا- مَرَدَّ لَهَا، وَأَبْجَحْ حَرِيْمَهُ، و گرفتار کن به روزی که بازگشت ندارد (دائمی است)، و ساعتی که برایش گردانندنی نیست (جدا نشود)، و حرمتش را از بین ببر، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَقِنِي و درود فرست بر محمد و اهل بیت او که سلام بر او و آنان باد، و مرا از شرِّه، وَاكْفِنِي أَمْرَهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ، وَأَخْرِجْ قَلْبَهُ، وَسُدِّشْرَّ او نگهدار، و در امر او مرا کفایت کن، و مکر و حيله او را از من بازگردان، و قلب او را در مشقّت افکن، وفاء عَنِّي، «وَوَخَّشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا»^(۱)، دهانش را از بدگوئی من ببند. «و صداها در برابر آن خدای مهربان خاموش شد پس نمی شنوی مگر آوازی آهسته»، «وَوَعَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا»^(۲)، «و چهره ها در برابر آن زنده پاینده به خاک افتد و ناکام و زیانکار است کسی که بار ستمی بر دوش دارد»

ص: ۳۴۸

۱- ۲۱۲. سوره طه، آیه ۱۰۸

۲- ۲۱۳. سوره طه، آیه ۱۱۱.

لِّلَّهِ كَمَا يَتَّبِعِي لِلَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَليستایش از آن خدا است آنگونه که سزاوار خداوندی باشد، و هیچ بازدارنده و هیچ نیروئی جز به سبب خداوند نیست، و درود خدا بر مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، النَّبِيِّ الْعَرَبِيِّ الْهَاشِمِيِّ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى) حضرت (مُحَمَّد و اهل بیت او، آن پیامبری که از طایفه عرب و هاشمی نسب است و درود خدا بر جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ وَالنَّبِيِّينَ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ.

تمام رسولان و پیامبران تا آنکه خدا خشنود گردد.

و رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم از منبر فرود آمد در حالی که مردم اصرار می ورزیدند در آن دعا، مقداری رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم صبر کرد و سپس بر روی منبر رفت و فرمود:

هر کس دوست دارد او را برتر از مجاهدین ثنا گویند و تعریف نمایند این گفتار را هر روز بگویند، پس اگر حاجتی داشته باشد برآورده می شود، دشمنی داشته باشد سرکوب می گردد قرض و بدهی داشته باشد پرداخت شود، غصه و گرفتاری داشته باشد برطرف گردد و کلام او آسمان ها را درنوردد تا در لوح محفوظ نوشته شود.(۱)

دعا برای غلبه بر ظالم

در کتاب «خواص آیات قرآن کریم» از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده است که اگر کسی دشمن داشته باشد، اسم «حسیب» را هر روز هشتاد مرتبه با تیت خالص و توجه به خدا و معنی آن بگوید: «یا حسیب» و این کار را از روز پنجشنبه شروع نماید، دشمن او مقهور و مغلوب گردد.

در آن کتاب نقل شده: در دفع دشمن و ردّ ظالم، وردی و ذکر از این قویترین است.(۲)

ص: ۳۵۰

۱ - ۲۱۶. مهج الدعوات: ۳۰۶، بحار الأنوار: ۴/۸۷، الدعوات: ۴۶، مستدرک الوسائل: ۳۷۷/۵، الجَنَّةُ الْوَاقِيَةُ وَالْجَنَّةُ الْبَاقِيَةُ (مخطوط: ۳۲) با کمی تفاوت.)
۲ - ۲۱۷. خواص آیات قرآن کریم: ۸۱.

هشت حرز از حضرت امام رضا علیه السلام

در این بخش، هشت حرز از حضرت امام رضا علیه السلام می آوریم که افراد می توانند آن ها را به صورت مکتوب و نوشته، همراه خود نمایند: (۱)

حرز حضرت امام رضا علیه السلام یا رقعہ الجیب

یاسر خادم گوید: هنگامی که حضرت امام رضا علیه السلام وارد قصر حمید بن قحطبه شدند، لباس خود را بیرون آوردند و به حمید دادند، حمید آن را گرفت و به کنیزی داد تا بشوید، چیزی نگذشت که کنیز بازگشت در حالی که رقعہ ای در دست داشت، رقعہ را به حمید داد و گفت: آن را در جیب حضرت امام رضا علیه السلام یافتم.

حمید به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد: فدای شما بشوم؛ کنیز، رقعہ ای را در جیب پیراهن شما یافته است، ممکن است بفرومائید چیست؟ حضرت فرمود:

ای حمید؛ این عوذہ و حرزی است کہ هیچگاه از خود جدا نمی کنیم.

عرض کرد: ممکن است مرا از آن آگاه کنی و بر من منت گذاری؟ امام علیه السلام فرمود:

ص: ۳۵۱

۱- ۱. در بعضی از روایات این بخش، تصریح شده است که نه تنها همراه نمودن این حرزها، بلکه خواندن آن ها نیز مؤثر است.)

این حرزی است که هر کس در جیب خود نگهداری کند، بلا از او دور می گردد و او را از شرّ شیطانِ رانده شده حفظ می کند.

سپس آن را بر حمید املاء نمود و او نوشت، و آن حرز چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ «إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا» (۱) أَوْ غَيْرَ تَقِيٍّ. بنام خدا، همانا من به خداوند رحمان پناه می برم از تو، اگر پرهیزکننده باشی، یا نباشی. أَخَذْتُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْبَصِيرِ عَلَى سَمْعِكَ وَبَصَرِكَ، لَا سُلْطَانَ لَكَ به سبب خداوند شنوا و بینا قدرت شنوایی و بینایی را از تو گرفتم، هیچ گونه تسلطی برای توعلیّی، وَلَا عَلَى سَمْعِي، وَلَا عَلَى بَصَرِي، وَلَا عَلَى شَعْرِي، وَلَا بَر مِنْ نیست، و نه بر گوشم، و نه بر چشمم، و نه بر مویم، عَلَى بَشَرِي، وَلَا عَلَى لَحْمِي، وَلَا عَلَى دَمِي، وَلَا عَلَى مُخِّي، و نه بر پوستم، و نه بر گوشتم، و نه بر خونم، و نه بر مغزم، وَلَا عَلَى عَصَبِي، وَلَا عَلَى عِظَامِي، وَلَا عَلَى مَالِي، وَلَا عَلَى لِيْوِي، و نه بر اعصابم، و نه بر استخوان هایم، و نه بر مال و ثروتم، و نه بر ما رَزَقْنِي رَبِّي. سَتَرْتُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بَسْتِرِ الثُّبُوهِ، الَّذِي اسْتَرَّ أَنْجَحَ پروردگارم به من روزی فرموده. بین خودم و تو را پوشیدم به پوشش نبوت که أَنْبِيَاءُ اللَّهِ بِهِ مِنْ سَطَوَاتِ الْجَبَابِرَةِ وَالْفِرَاعِنَةِ. جَبْرَائِيلُ عَنْ پیامبران الهی خود را به سبب آن از خطر قدرتمندان و فرعون های زمان می پوشیدند. جبرئیل ازیمینی، وَمِيكَائِيلُ عَنْ یَسَارِي، وَإِسْرَافِيلُ عَنْ وَرَائِي، وَمُحَمَّدٌ طَرَفِ رَاسْتِ مَنْ، وَمِيكَائِيلُ از طرف چپ من، و اسرافیل از پشت سرم، و (حضرت) مُحَمَّدٌ صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَامِي، وَاللَّهُ مُطَّلِعٌ عَلَى يَمْنَعِكَ مِنِّي، - که درود خدا بر او و آل او باد - از پیشاپیش من، و خداوند آگاه بر حال من می باشد تو را از من باز می دارد

ص: ۳۵۲

وَيَمْنَعُ الشَّيْطَانَ مَنِيَّ. اَللّٰهُمَّ لَا يَغْلِبْ جَهْلُهُ اَنَاتَكَ اَنْ يَسْتَفْزِنِيْ وَ شَيْطَانٌ رَّا مِنْ دُوْرٍ مِيْ كُنْد. خداوندا؛ نادانی او بر بردباری تو چیره نمی گردد که مرا بترساند و یسّ تخفّنی. اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ التَّجَاؤُ. اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ التَّجَاؤُ. اَللّٰهُمَّ وَ كَوچك شمارد. خداوندا؛ به تو پناه آورده ام. خداوندا؛ به تو پناهنده گشته ام. خداوندا؛ اِلَيْكَ التَّجَاؤُ، وَ صَيَّلِي اللّٰهُ عَلٰى اَشْرَفِ الْخَلْقِ كَافَّةً مُحَمَّدٍ وَ اِلِهٍ در پناه تو آمده ام، و درود خداوند بر بزرگوارترین انسان ها از میان همه آفریدگان یعنی (حضرت) مُحَمَّد و آل الطّاهِرین، صَلَوَاتِ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. (۱)

پاک او باد، صلوات و درود خدا بر همه آنان باد.

سید بن طاووس رحمه الله فرموده است: برای این حرز قصّه ای نیکو و حکایتی عجیب است که آن را اباصلت هروی روایت کرده است.

اباصلت گوید: روزی مولای من علی بن موسی الرضاعلیه السلام در منزل خود نشسته بودند که فرستاده مأمون وارد شد و گفت: مأمون شما را خواسته است.

حضرت امام رضاعلیه السلام برخاست و به من فرمود:

او در چنین وقتی معمولاً نمی طلبد، حتماً نقشه ای و مکر و حيله ای در سرپرورانده است، ولی به خدا قسم نمی تواند بر ضرر من کاری انجام دهد؛ به خاطر دعایی که از جدّم رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم به من رسیده است.

اباصلت گوید: با حضرت امام رضاعلیه السلام از منزل بیرون آمدم تا بر آن ملعون وارد شدیم. حضرت امام رضاعلیه السلام چون چشم مبارکش به مأمون افتاد، آن حرز را از ابتدا تا به آخر خواند و چون در پیش روی مأمون ایستاد، او نگاهی به حضرت کرد و گفت: ای ابالحسن؛ ما دستور دادیم که صد هزار درهم به شما دهند، خواسته های خویشاوندان و بستگان خود را بنویس و یادداشت کن.

هنگامی که حضرت امام رضاعلیه السلام از او روی گردانید، مأمون به آن حضرت از پشت

ص: ۳۵۳

سر نگاه می کرد و می گفت: من اراده ای کردم و خداوند اراده دیگری فرمود و آنچه خدا اراده فرمود بهتر است. (۱)

حرز دیگری نیز به نام رقعہ الجیب

سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «مہج الدعوات» به سند مفصل خود از احمد بن محمد بن ابی نصر روایت کرده است کہ حضرت امام رضا علیہ السلام فرمود:

رقعہ الجیب پناہ است برای ہر چیز، و باعث حفظ و حراست می گردد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مہربان

بِسْمِ اللَّهِ «اٰخَسُّوْا فِيْهَا وَلَا تُكَلِّمُوْنَ» (۲)، «اِنِّیْ اَعُوْذُ بِالرَّحْمٰنِ بِنَامِ خَدَا «دور شوید با خواری در آن (در آتش) و سخن نگویید»، «ہمانا من پناہ می برم مِنْکَ اِنْ کُنْتَ تَقِيًّا» (۳). اَخَذْتُ بِسْمِ اللَّهِ وَبَصَرِهِ عَلٰی اَسْمَاعِکُمْ به خداوند رحمان از تو اگر پرهیزکننده باشی». به شنوائی و بینائی خدا، شنوائی و ابصارِ کُم، وَبِقُوَّةِ اللَّهِ عَلٰی قُوَّتِکُمْ، لَا سُلْطٰنَ لَکُمْ عَلٰی فُلَانٍ و بینائی شما را گرفتم، و به نیروی الہی نیروی شما را گرفتم، برای شما بر فلانی بَنِ فُلَانَه، وَلَا عَلٰی ذُرِّيَّتِه، وَلَا عَلٰی اَهْلِه، وَلَا عَلٰی اَهْلِ بَيْتِه. پسر فلانی و بر فرزندانش، و اهل و عیالش تسلطی و قدرتی نیست. سَتَرْتُ بَيْنِيْ وَبَيْنَکُمْ بِسْرِ التَّوْبَةِ، الَّذِي اسْتَتَرُوْا بِهِ مِنْ سَيِّطٰتٍ بَيْنَ خُودِمْ و شما را به پوشش نبوت کہ خود را از شرِّ

ص: ۳۵۴

۱- ۴. مہج الدعوات: ۴۹، عیون اخبار الرضا علیہ السلام: ۱۳۶/۲، البلد الامین: ۶۴۰، بحار الأنوار: ۳۴۳/۹۴.

۲- ۵. سورہ مؤمنون، آیہ ۱۰۸.

۳- ۶. سورہ مریم، آیہ ۱۸.

الْجَبَابِرَةِ وَالْفِرَاعِنَةِ. جَبْرَائِيلُ عَنْ أَيْمَانِكُمْ، وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِكُمْ، قَدَرْتُمْ دَانَ وَفِرْعَوْنَ هَايَ زَمَانِشَانِ مِي پُوشِيدَنْدِ پُوشِيدَمْ. جَبْرَائِيلُ
 از طرف راست شما، و میکائیل از طرف چپ شما، وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَامُكُمْ، وَاللَّهُ يَطْلُعُ عَلَيْكُمْ، بِمَنْعِهِ وَ مُحَمَّدٌ - که
 درود خدا بر او و آل او باد - پیشاپیش شما، و خداوند بر شما اشراف دارد و آگاه است، به نگه داشتن اَوْنَبِيِّ اللَّهِ وَبِمَنْعِ دُرِّيَّتِهِ
 وَأَهْلِي بَيْتِهِ مِنْكُمْ وَمِنَ الشَّيَاطِينِ، مَا شَاءَ بِبِامْبَرِ رَا وَبِهَ نَگِهَ دَاشْتَنَ فَرْزَنْدَانِشَ وَ اَهْلَ بَيْتِشَ رَا اَز شَرِّ شَمَا وَ شَيْطَانِ، آنچه خدا
 بخواهد اللَّهُ، لَا- حَوْلَ وَلَا- قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. اَللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يَنْلُغُ جَهْلُهُ هَمَانِ مِي شُود، هِيچِ قَدَرْتِ وَ نِيروِي جِزْ بِهَ سَبَبِ
 خداوند بزرگ بلندمرتبه نیست. خداوند؛ جهل و نادانی او بر آناتک، وَلَا يَنْتَلِيهِ وَلَا يَنْلُغُ مَجْهُودُ نَفْسِهِ، عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ نِعْمَ
 بردباری تو نمی رسد و متوجه آن نمی شود، و به تلاش و کوشش نهایی خود نمی رسد، بر تو توکل نمودم، و تو خوب
 الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ، حَرَسِكَ اللَّهُ يَا فُلَانُ بْنَ فُلَانَةٍ وَدُرِّيَّتَكَ مَوْلَا وَ سِرُورِي هَسْتِي وَ خُوبِ ياورِي مِي باشي، اِي فُلَانِي پسر
 فُلَانِي خداوند تو و فرزندان را مِمَّا تَخَافُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. از آنچه بر یکی از آفریدگانِش می
 ترسی حفظ فرماید، و درود خدا بر محمد و آل او باد. و آیه الكرسي را آن گونه که نازل شده است بنویس: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
 الْحَيُّ» خداوند است که معبودی جز او نیست، زنده الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَنْ
 چرت و خواب نگیرد، آنچه در آسمان ها و زمین است از آن او است، الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ
 أَيْدِيهِمْ كَيْسَتْ كِهَ بَتَوَانْدِ دَرِ پِيشْگَاهِ او جِزْ بِهَ اذْنِ وَ فَرْمَانِ او شَفَاعَتِ كَنْد، آنچه پیشاپیش آنها است وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ
 بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ وَ آنچه پشت سر دارند همه را می داند، و به علم و دانش او جِزْ بِهَ مَقْدَارِي كِهَ او
 بخواهد کسی احاطه پیدا نمی کند، كُرْسِي اَو السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا يُؤْدُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» (۱). آسمان ها و زمین را
 دربرمی گیرد، و نگهداری زمین و آسمان او را به زحمت نمی اندازد، و او بلندمرتبه و بزرگ است». ۱

ص: ۳۵۵

و درود خداوند بر حضرت (محمد و آل پاک و پاکیزه او باد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

یا مَنْ لَا شَبِيهَ لَهُ وَلَا مِثَالَ لَهُ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَلَا خَالِقَ اِی آنکه مشابهی برای او نیست و مثل و مانندی ندارد، تو خداوندی هستی که معبودی جز تو نیست، و هیچ آفریننده ای إِلَّا أَنْتَ، تُغْنِی الْمَخْلُوقِينَ وَتَبْقَى أَنْتَ، حَلَمْتَ عَمَّنْ عَصَاكَ، جز تو وجود ندارد، آفریدگان را از بین می بری و تو باقی می مانی، نسبت به کسانی که معصیت و نافرمانی تو کرده اند بردباری می نمایی، وَفِي الْمَغْفِرَةِ رِضَاكَ. (۲)

و در آموزش رضایت و خشنودی تو است.

ص: ۳۵۶

١- ٨. مهج الدعوات: ٥١، و در هدیّه الزائرین وبهجه الناظرین: ٦٠٩، البلد الأمين: ٤٣٤، بحار الأنوار: ٣٤٤/٩٤، و ج ٩٥/٩٥. تفاوتی اندک.

٢-٩. مهج الدعوات: ٥٢، بحار الأنوار: ٣٤٥/٩٤.

حرز دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام برای برطرف شدن بیماری

و شاء گوید: شخصی بر حضرت امام رضا علیه السلام وارد شد، امام علیه السلام به او فرمود:

چه شده، می بینم رنگ چهره ات زرد گشته است؟

عرض کرد: این تبی که هر چهار روز یک بار به سراغم می آید، مرا از پای درآورده است. امام علیه السلام قلم و دوات خواست و بر کاغذی نوشت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، أَبْجَدُ هَوَزُ حُطَى عَنْ بِنَامِ خَدَاوَنْدِ بَخْشَنْدِه مَهْرَبَانِ، بِه نَامِ خَدَا وَ بِه یَارِی خَدَا، اَبْجَدِ، هَوَزِ، حُطَى (بیرون برو از وجود) فُلَانِ بْنِ فُلَانَةٍ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى.

فلانی پسر فلان زن به اذن و فرمان خداوند تعالی.

سپس در زیر نوشته هفت مرتبه مهر زد «خاتم سلیمان»، و آن را پیچید. سپس فرمود:

ای معتب؛ نخى به من بده که نه آب و نه آب دهان به آن نرسیده باشد.

آن را حاضر کرد، امام علیه السلام بر آن گرهی زد، سپس به دهان مبارک خود نزدیک کرد از طرفی چهار گره بر آن زد و بر هر گرهی سوره «حمد»، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ»، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ»، «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و «آیه الکرسی» خواند، و بر طرف دیگر آن، سه گره زد و بر هر گرهی همان سوره ها و «آیه الکرسی» را خواند، آنگاه آن را به مریض داد و فرمود:

بر بازوی راست خود ببند و «آیه الکرسی» را تا آخر بخوان، و تا مادامی که بر بازوبسته ای مجامعت نکن. (۱)

ص: ۳۵۷

فضل بن ربیع روایت کرده است که روزی هارون صبحانه شراب خورده بود، دربان خود را طلبید و به او دستور داد که حضرت امام رضا علیه السلام را از حبس خارج کرده و در قفس شیران و جایگاه درندگان رها کند؛ من هر چه کردم که او را آرام کنم سودی نبخشید بلکه به خشم او افزوده و گفتم: به خدا قسم؛ اگر او را در محل شیران نیفکنی تو را بجای او می اندازم.

می گوید: نزد امام علیه السلام رفتم و قصّه را گفتم که هارون مرا چنین دستوری داده است.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

تو آنچه مأمور شده ای انجام بده، من برای دفع شرّ او از خدا یاری می جویم.

آنگاه شروع کرد به خواندن دعا در حالی که با من راه می رفت تا به جایگاه شیران رسیدیم، من دربِ آن را گشودم و امام علیه السلام را در آنجا وارد کردم که در آن، چهل شیردُرّنده بود، در را که بستم دچار غم و اندوه و اضطراب شدم و نگران گردیدم که کشتن امام به دست من صورت گیرد، با این حال به منزل باز گشتم.

چون پاسی از شب گذشت خادم آمد و به من پیغام داد که هارون تو را می طلبد، نزد او رفتم، به من گفت: گویا امشب خطائی مرتکب شده یا کار زشت و بدی انجام داده ام که خوابی وحشناک دیده ام و مرا دچار ترس و دلهره ساخته است.

در خواب دیدم عدّه ای مردان مسلّح بر من وارد شدند، در میان آنان شخصی بود که چهره اش همچون ماه می درخشید و هیبتی از او در دلم وارد شد، یکی از آنان گفت:

این شخص، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است، نزدیک او آمدم تا پای

مبارکش را ببوسم، مرا از خود دور کرد و این آیه را خواند:

«فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ» (۱).

آیا می خواهید که چون سروری و حکومت در روی زمین یافتید فساد بپا کنید و پیوندهای خویشاوندی را از هم بگسلید؟

سپس از من روی گردانید و بر دری دیگر وارد شد، من هراسان از خواب بیدار شدم.

به او گفتم: ای هارون؛ تو مرا فرمان دادی که علی بن موسی علیهما السلام را در پیش شیران بیفکنم.

گفت: وای بر تو؛ آیا تو هم این کار را کردی؟

گفتم: آری؛ به خدا قسم.

گفت: فوراً نزد او برو و بین در چه حالی است؟

می گوید: شمع را روشن کرده و در دست گرفته و به راه افتادم، وقتی بدانجا رسیدم، امام علیه السلام را دیدم که ایستاده و نماز می خواند و شیران اطراف او زانو زده اند، بازگشتم و آنچه را دیده بودم به هارون خبر دادم، او باور نکرد و خودش به راه افتاد تا نزدیکی صحنه را مشاهده کند، چون امام را دید، عرض کرد: «السلام علیک یا بن عم»؛ «سلام بر تو ای پسر عمو».

امام علیه السلام پاسخ او را نداد تا از نماز فارغ شد، آنگاه جواب سلامش را مرحمت نمود و فرمود:

امید نداشتم که در مثل چنین جائی بر من سلام کنی.

هارون گفت: از گناه من چشم پوشی کن، من از تو عذر می خواهم.

امام علیه السلام فرمود:

خدا ما را به لطف خویش نجات داد، پس او را سپاسگزارم.

ص: ۳۵۹

سپس دستور داد تا آن حضرت را از آن جایگاه بیرون آوردند، و چون درپیش روی هارون حضور یافت، با امام علیه السلام معانقه کرد و آن حضرت را در بالای تخت خود نشانید و عرض کرد: ای پسر عمو؛ اگر مایل باشید اینجا بمانید، از شما پذیرائی می‌کنم و در رفاه و آسودگی خواهید بود و اگر بخواهی می‌توانی بازگردی، دستوردادیم که برای شما و خویشان شما مال زیاد و لباس و جامه فراوان آماده کنند و بدهند.

امام علیه السلام فرمود:

من نیازی به پول‌ها و لباس‌های تو ندارم، ولی در میان قریش افرادی هستند که نیاز دارند میان آنان تقسیم شود، و گروهی را نام برد.

هارون دستور داد هدیه‌ای به امام دهند و او را بر مرکب خوبی سوار کنند و به منزل برسانند و امر کرد که آن حضرت را مشایعت کنم، من برای مشایعت به همراه آن حضرت به راه افتادم و در بین راه عرض کردم: چقدر خوب است که به من لطف کنی و آن عوزه را که خواندی برایم بگویی.

امام علیه السلام فرمود:

ما اجازه نداریم که این عوزه را به هر کسی یاد دهیم، امّا چون تو حقّ صحبت و خدمت داری برایت می‌گویم، آن را نگهداری کن.

سپس آن را در ورقی نوشت و من آن را در پارچه‌ای در آستینم محکم بستم، پس از آن هیچگاه بر هارون وارد نشدم مگر آنکه به رویم تبسم کرد و خواسته‌هایم را برآورده ساخت، و هر سفری که رفتم حرز و نگهدارنده من بود و باعث ایمنی من از هر ترس و نگرانی بود، و هرگز در شدّت و بلا و سختی گرفتار نشدم مگر اینکه آن را خواندم و گشایش و فرج در کارم ایجاد گردید، سپس دعا را یادآوری کرد و قرائت فرمود.

سید بن طاووس رحمه الله می‌گوید: احتمال دارد که این قضیه در مورد حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام اتفاق افتاده باشد؛ زیرا او در حبس هارون محبوس بود، ولی برای رعایت امانت همان گونه که یافتیم آن را بازگو نمودیم، و آن دعا این است:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَكَفَى الْمُلُوكَ وَلَهُ الْحَمْدُ. و لشكرش را تقویت کرد و چیره ساخت، و احزاب را درهم شکست، پس پادشاهی از آن او است و او سزاوار ستایش است. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، أَمْسَيْتُ وَأُصْبِحْتُ فِي حِمَى اللَّهِ الَّذِي سَتَائِشْ مَخْصُوصُ خَدَاوَنْدِیْ اسْتِ که پروردگار جهانیان است، صبح و شام کردم در پناه خداوند که (کسی) لَا يُشِ تَبَاحُ، وَذِمَّتِهِ الَّتِي لَا تُرَامُ وَلَا تُخْفَرُ، وَفِي عِزِّ اللَّهِ الَّذِي رَاهُ دَادَهُ نَشُودُ، وَدِرْ عِزَّتْ وَاقْتِدَارِ او که لَا يُدَلُّ وَلَا يُفْهَرُ، وَفِي حِزْبِهِ الَّذِي لَا يُغْلَبُ، وَفِي جُنْدِهِ الَّذِي خَوَارُ وَ سِرْ كُوبُ نَشُودُ، وَ دِرْ حِزْبِ او که مغلوب نگردد، و در لشکر او که لَا يُهْزَمُ، وَ حَرِيمِهِ الَّذِي لَا يُشِ تَبَاحُ. بِاللَّهِ اسْتِ تَجَزَتْ وَ بِاللَّهِ أُصْبِحْتُ، شکست داده نشود، و در حریم او که حرمتش بر باد نرود. به خدا پناه جست، و به کمک خدا صبح کردم، وَ بِاللَّهِ اسْتِ تَنْجَحْتُ وَ تَعَزَّزْتُ وَ تَعَوَّذْتُ وَ انْتَصِرْتُ وَ تَقْوَيْتُ، وَ بَعِزَّتْ وَ بَاسِطُهُ خَدَاوَنْدِ تَوْفِيقُ وَ کَامِيَابِیْ طَلَبُ نَمُودَم، وَ عِزَّتْ يَافْتَم، وَ پناهنده شدم، و یاری گشتم و تقویت شدم، و به عِزَّتْ وَ اقْتِدَارِ اللَّهِ قَوَّيْتُ عَلَى أَعْدَائِي، وَ بِجَلَالِ اللَّهِ وَ كِبَرِيَّائِهِ ظَهَرْتُ عَلَيْهِمْ، خَدَاوَنْدِ بَرِ دِشْمَنَانِمِ نِیرومَنْدِ گشتم، و به جلال و کبریائی او بر آنان چیره شدم، وَ قَهَرْتُهُمْ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ، وَ اسْتَعْنْتُ عَلَيْهِمْ بِاللَّهِ، وَ قَوَّضْتُ وَ بَه تَوَانِي و نِیروی او آنان را سرکوب نمودم، و همواره به سبب خداوند بر آنان یاری جست، و اَمْرِي إِلَى اللَّهِ، وَ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ، وَ تَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ كَارَمُ رَا بَه خَدَا وَ اَگْدَارِ کَرْدَم، و خداوند مرا بس است و او خوب دفاع کننده و پشتیبانی است، و می بینی ایشان را که به سوی تو نگاه و هُمْ لَا يُبْصِرُونَ. أَتَى أَمْرُ اللَّهِ، فَلَجَتْ حُجَّهُ اللَّهِ، غَلَبَتْ كَلِمَتُهُ می کنند در حالی که نمی بینند. فرمان خدا آمد، پس حجت خدا پیروز گشت، حکم او

عَلَى أَغْدَاءِ اللَّهِ الْفَاسِقِينَ، وَجُنُودِ إِبْلِيسَ أَجْمَعِينَ، «لَنْ يَضُرَّوْكُمْ بِرِهْمٍ دُشْمَانِ تَبِهْ كَارِ، وَ لَشَكْرِيَانِ اِبْلِيسَ چیره شد، «هرگز زیانی به شما نرسانند إِلَّا أَذَى وَإِنْ يُقَاتِلُوكُمْ يُؤْلُوكُمْ الْأَذْبَارَ ثُمَّ لَا يُنْصِرُوكُمْ ضَرْبَتْ جَزَائِنَكَ آزار دهند، و اگر به مبارزه و نبرد با شما آیند میدان را ترک کرده و بگریزند و پس از آن هرگز یاری نشوند آن هَاعَلَيْهِمُ الدَّلَّةُ أَيْنَمَا تُقْفُوا» (۱) أَخَذُوا وَقَتْلُوا تَقْتِيلًا، «لَا يُقَاتِلُونَكُمْ مُحْكُومٌ بِهْ ذَلَّتْ وَ خَوَارَى شَدْنَد، هر کجا آنان پیدا شوند» باید گرفته و به شدت به قتل برسند، «با شما به طور دسته جمعی جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بِأَسْهُمٍ بَيْنَهُمْ شَدِيدْنَمی جنگند مگر در قریه های حصار کشیده شده یا پشت دیوارها، ناراحتی و گرفتاری آن ها بین خودشان سخت و دشوار است، تَحْصِيَهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» (۲)، آن ها را مجتمع و باهم می پنداری در حالیکه دل های شان پراکنده است، و این بخاطر آن است که آنها اندیشه نمی کنند»، تَحَصَّنَتْ مِنْهُمْ بِالْحِصْنِ الْمُحْفُوظِ، «فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ خُودَ رَا حَفْظَ می کنم از آنان به حصار و دژی که محفوظ است، «پس نتوانستند که بر آن چیره شوند وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا» (۳). اَوَيْتُ إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ، وَالتَّجَاتُ إِلَيَّ نَتَوَانَسْتَنَدُ که به آن راه پیدا کنند». در جایگاه محکمی مأوا گرفتم، و در کَهْفٍ رَفِيعٍ، وَتَمَسَّكْتُ بِالْجَبَلِ الْمَتِينِ، وَتَدَرَّعْتُ بِعِذْرِ اللَّهِ پناهگاه بلندی پناهنده گشتم، و به رِيسْمَانِ مُحْكَمِ چنگ زدم، و به زَرَةِ الْحَصِينَةِ، وَتَدَرَّقْتُ بِدَرْقِهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَتَعَوَّذْتُ بِعَوْدِهِمْ مُحْكَمِ الهی زره پوش شدم، و به سپر امیر مؤمنان سپر گرفتم، و به تَعْوِيذِ سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُدَ، وَتَخَنَّنْتُ بِخَاتِمِهِ، فَأَنَا حَيْثُمَا سَأَلَكْتُ أَمِنْ سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُدَ تَعْوِيذَ آوِيختم، و به انگشتر او تَخْتَمَ نمودم و آن را در انگشت کردم، لذا هر راهی بپیمایم ایمن هستم مُطْمَئِنُّ، وَعَدَوِي فِي الْأَهْوَالِ خَيْرَانُ، قَدْ حُفَّ بِالْمَهَانَةِ، وَالْأَلْسِ وَ آرامش دارم، و دشمن من در میان وحشت ها سرگردان است، خواری و سستی گرد او را گرفته، و لباس

ص: ۳۶۲

۱-۱۲. سوره آل عمران، آیه ۱۱۱ و ۱۱۲.

۲-۱۳. سوره حشر، آیه ۱۴

۳-۱۴. سوره کهف، آیه ۹۷.

الَّذِ، وَقُمَعَ بِالصَّغَارِ. ضَرَبْتُ عَلَى نَفْسِي سُرَادِقَ الْحَيَاطَةِ، ذَلْتُ بِهِ تَنَ نَمُودَه، وَبَا كُوجَكِي وَ حَقَارَتِ سِرْكُوبِ گَشْتَه است. خیمه احاطه کننده بر خودم زدم، وَلَيْسْتُ دِرْعَ الْحِفْظِ، وَعَلَّقْتُ عَلَى هَيْكَلِ الْهَيْبَةِ، وَتَوَجَّجْتُ بِتَاجٍ وَ زَرَه نَکَهِدَارِنْدَه پوشیدم، و هیکل هیبت بر خویشتن آویختم، وَ تَاجُ الْکَرَامَةِ، وَتَقَلَّدْتُ بِسَيْفِ الْعِزِّ الَّذِي لَا يُفْلُ، وَخَفَيْتُ عَنْ أَعْيُنِ کَرَامَتِ بِرِ سِرِ نِهَادِم، وَ شَمَشِيرِ عَزَّتِ وَ توانمندی که شکسته نمی شود بندش را بر گردن نهادم، وَ از چشَمِ الْبَاغِيْنَ النَّاطِرِيْنَ، وَتَوَارَيْتُ عَنِ الظُّنُونِ، وَأَمْنْتُ عَلَى نَفْسِي، سَتمَگَران وَ تَجَاوَز کَارَانِي که مرا می بینند مخفی گشتم، وَ از گِمانِ هَايِ بَدِ پَنَهَانِ شَدَم، وَ بِرِ خُودِ اَمْنِيَّتِ يافتم، وَ سَلِمْتُ مِنْ أَعْدَائِي بِجَلَالِ اللَّهِ، فَهُمْ لِي خَاضِعُونَ، وَعَنِي وَ بِه جَلالِ وَ بزرگی پروردگار از دشمنانم رهایی پیدا کردم، پس آن ها برای من فروتنی کردند، وَ از من نَافِرُونَ، «كَأَنَّهُمْ حُمْرٌ مُسْتَنْفَرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرِهِ» (۱)، قَصُرْتُ پَرَاکِنْدَه شَدَنْد؛ «گُویَا گُورخَرانِ گُریزَنْدَه اند که از شیر شجاع فرار کرده اند»، أَيْدِيَهُمْ عَنْ بُلُوغِي، وَعَمِيَتْ أَبْصَارُهُمْ عَنْ رُؤْيِي، وَخَرِسَتْ دَستشان از رسیدن به من کوتاه است وَ دیدگانِ شان از دیدارِ من نابینا است، وَالسَّتُّهُمْ عَنْ ذِكْرِي، وَذَهَلَتْ عَقُولُهُمْ عَنْ مَعْرِفَتِي، وَتَخَوَّفَتْ زَبانِشان از ذکرِ و یادِ من لالِ است، وَ عَقلِ وَ خردِ ایشان از شناسائیِ من غفلت زده، وَقَلُوبُهُمْ، وَارْتَعَدَتْ فَرَائِضُهُمْ وَنُفُوسُهُمْ مِنْ مَخَافَتِي. يَا اَللهُ دِلِ هَايِ شان ترسناک، وَ بَندهایِ بدنِ شان لرزان، وَ جانِ شان از ترسِ من بیمناک است. اَيِ خَدَايِي الَّذِي لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ، يَا هُوَ، يَا مَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ، اُفْلَلُ جُنُودَهُمْ، که جز او خَدَايِي نِست، اَيِ خَدَا؛ اَيِ آنکه جز او مَعْبُودِي نِست، لَشکریانِ دَشمنِ را شکست بده، وَاکْبَرُوا شَوْكَتَهُمْ، وَنَكَّسُوا رُؤْسَهُمْ، وَأَعْمِ أَبْصَارَهُمْ، «فَطَلَّتْ وَ قَدَرَتِ وَ عَظَمَتِ آن ها را درهم شکن، وَ بزرگانِ آن ها را سَرَنگُونِ ساز، وَ دیدگانِ شان را نابینا کن، «تا در نتیجه

ص: ۳۶۳

أَغْنَقُهُمْ لِي خَاضِعِينَ» (۱)، وَأَنْهَزَمَ جَيْشُهُمْ، وَوَلَّوْا مُدْبِرِينَ، گردن های شان فرود آمده و نسبت به من سرافکنده»، و لشکرشان شکست خورده و روی گردانیده باشند. «سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ» به زودی جمع شان شکست خورده شود و همه می گریزند میعاد گاهشان رستاخیز است و رستاخیز اُذْهِی وَأَمْرٌ (۲)، «وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ» (۳). عَلَوْتُ تَلَخُتْ و سخت تر است»، «و کار رستاخیز جز یک چشم بر هم زدن نمی باشد». بر آنان برتری عَلَيَّهِمْ بِعُلُوِّ اللَّهِ الَّذِي كَانَ يَغْلُو بِهِ صَاحِبُ الْحُرُوبِ، مُنْكَسٌ يَافِتُمْ به برتری خداوند که صاحب نبردها، و سرنگون کننده الرّایاتِ، وَمُيِّدُ الْأَقْرَانِ، وَتَعَوَّذْتُ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ وَكَلِمَاتِهِ پرچم ها، و هلاک کننده نزدیکان است، و به نام های نیکوی خداوند و کلمات ارزشمند او پناهنده العُلیا، وَظَهَرْتُ عَلَى أَعْدَائِي بِبَأْسٍ شَدِيدٍ وَأَمْرٍ رَشِيدٍ، وَأَذَلَّتْهُمْ شَدَمٌ، و بر دشمنانم با نیرو و قوتی سخت و فرمانی استوار ظفر یافتم، و آن ها را خوار و ذلیل نموده وَقَمَعْتُ رُؤُسَهُمْ، وَظَلَّتْ أَغْنَقُهُمْ لِي خَاضِعِينَ، فَخَابَ مَنْ وَبَرَّكَانِ آن ها را سرکوب کردم، و گردن های ایشان برای من خاضع گردید، پس کسی که ناوانی، وَهَلَكَ مَنْ عَادَانِي، وَأَنَا الْمُؤَيَّدُ الْمَنْصُورُ، وَالْمُظَفَّرُ به من قصد بدی نمود ناکام ماند، و کسی که با من دشمنی کرد هلاک و نابود گردید، و من تأییدشده و یاری شده، و ظفرمند الْمُتَوَجَّعُ الْمُجْبُورُ، وَقَدْ لَزِمْتُ كَلِمَةَ التَّقْوَى، وَاسْتَمْسَكْتُ بِالْعُرْوَةِ السَّرَافِزِ وَشَادِمَانِ، و به حکم تقوا ملتزم و پایبندم، و به دست آویزالتَّقَى، وَاعْتَصِمْتُ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ، فَلَنْ يَضُرَّنِي كَيْدُ الْكَافِرِينَ مَطْمَئِنِّ دَرِ آویخته ام، و به ریسمان محکم الهی چنگ زده ام، پس مکر حيله گران وَحَسَيْدُ الْحَاسِدِينَ، أَيْدِ الْأَبْدِينَ وَدَهْرُ الدَّاهِرِينَ، فَلَنْ يَرَانِي وَحَسَدُ حَسُودَانِ در همه روزگاران و برای همیشه به من زیان نمی زند، پس هرگز

ص: ۳۶۴

۱- ۱۶. سوره شعراء، آیه ۴

۲- ۱۷. سوره قمر، آیه ۴۵ و ۴۶.

۳- ۱۸. سوره نحل، آیه ۷۷.

أَحَدٌ وَلَنْ يَقْدِرَ عَلَيَّ أَحَدٌ، «قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ كَسَىٰ مَرَا نَمِي بِيْنَد و هرگز بر من قدرت پیدا نمی کند، «بگو من تنها پروردگارم را می خوانم و با او هیچ آخدا» (۱). أَسْأَلُكَ يَا مُتَفَضِّلٌ، أَنْ تَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ كَسَىٰ را شریک نمی سازم». از تو می خواهم ای احسان کننده؛ که بر من لطف کنی و امن و ایمان علی نفسی و روحی، بِالسَّلَامَةِ مِنْ أَعْدَائِي، وَأَنْ تَحُولَ بَيْنِي بَرِ جَان و روح من با سالم ماندن از دشمنانم به من عطا کنی، و فاصله اندازی بین من وَبَيْنَ شَرِّهِمْ بِالْمَلَأَنِكَ الْغِلَظِ الشَّدَادِ، «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَشَرَّ آتَانِ بِهِ وَاسْطَه فرشتگان ستبر و سخت گیر «که آنچه خدا فرمان دهد سرپیچی نمی کنند، وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (۲). وَأَيَّدَنِي بِالْجُنْدِ الْكَثِيفَةِ، وَالْأَرْوَاحِ وَ آنچه را بدان مأمورند انجام می دهند». و مرا با لشکر انبوه و ارواح الْعَظِيمَةِ الْمُطِيعَةِ، فَيَجِيبُونَهُمْ بِالْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ، وَيَقْذِفُونَهُمْ بِالْحَجَرِ بَزْرَكِ فرمانبردار یاری کن، پس با حجت رسا به آن ها جواب دهند، و سنگ های نابودکننده به طرف آنان پرتاب الدَّامِغِ، وَيَضْرِبُونَهُمْ بِالسَّيْفِ الْقَاطِعِ، وَيَرْمُونَهُمْ بِالشَّهَابِ الثَّقِيبِ، کنند، و با شمشیر بَران به آن ها بزنند، و تیرهای سوراخ کننده وَالْحَرِيقِ الْمُتْلَهَبِ، وَالشُّوَاطِ الْمُحْرِقِ، «وَيَقْذِفُونَ مِنْ كُلِّ وَ آتش شعله ور، و زبانه های سوزنده به طرف آن ها رها کنند. «و از هرجانب دُحُوراً وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ» (۳)، قَذَفْتُهُمْ وَزَجَرْتُهُمْ بِفَضْلِ سُو به طرف آن ها بارش شود بارش شدید و عذاب دردناک همیشگی دارند». به آن ها پرتاب کردم و آنان را راندم به فَضْلِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِطَه و يس وَالذَّارِيَاتِ وَالطَّوَاسِينِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، به طه و يس و الذاریات و طواسین (سوره هایی که با طس شروع شده) وَتَنْزِيلِ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَالْحَوَامِيمِ (۴) وَبِكَهْيَعَصْ، وَبِكَافٍ كُفَيْتُ، و قرآن عظیم فرو فرستاده شده و به حوامیم و به کهیعیص، و به واسطه «کاف» کفایت شدم،

ص: ۳۶۵

۱- ۱۹. سوره جن، آیه ۲۰

۲- ۲۰. سوره تحریم، آیه ۶

۳- ۲۱. سوره صافات، آیه ۸ و ۹.

۴- ۲۲. حوامیم؛ به سوره هایی گفته می شود که با «حم» شروع شوند.

وَبِهَاءٍ هُدَيْتُ، وَبَيَاءٍ يُسِّرَ لِي، وَبَعَيْنٍ عَلَوْتُ، وَبِصَادٍ صَدَقْتُ وَ بِهِ واسطه «ها» هدایت شدم، و به واسطه «یاء» آسان شد برای من، و به واسطه «عین» برتری یافتم، و به «صاد» راست گفتم أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَبُنُونٍ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ، وَبِمَوَاقِعِ النُّجُومِ، که خدایی و معبودی جز او نیست، و به «ن» و قسم به قلم و آنچه می نگارد، و به جایگاه های ستارگان، وَبِالطُّورِ «وَكِتَابٍ مَّشِطُورٍ فِي رَقٍّ مَنُشُورٍ وَالْبَيْتِ وَ سَوَّكَدَ به کوه طور، «و به کتابی که نگاشته شده در صفحه ای که انتشار یافته و سَوَّكَدَ به بیت المَعْمُورِ وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ وَالْبَحْرِ الْمَسِيَّ جُورٍ إِنَّ عَذَابَ الْمَعْمُورِ) کعبه آسمانیان(و آسمان برافراشته و دریای شعله ور شده که عذاب رَبِّكَ لَوَاقِعٌ مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ»(۱)، فَوَلَّوْا مُدْبِرِينَ عَلَى أَعْقَابِهِمْ پروردگارت فرارسیدنی است بدون تردید و هیچ چیز مانع آن نخواهد گردید»، پس پشت کردندناکصین، وَفِي دِيَارِهِمْ خَائِفِينَ، «فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا بِهِ وَابَسَ گرائیدند، و در شهر و دیارشان دچار ترس و بیم گشتند. «پس حقیقت آشکار شد و آنچه يَعْمَلُونَ فَعُلُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ وَالْقِيَ السَّحَرَةُ هَانِجَام می دادند تباه گردید و در آنجا بود که خوار و حقیر گردیدند و جادوگران ساجدین»(۲)، «فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا، وَحَاقَ بِالْفِرْعَوْنَ بِهِ سَجْدَهُ افتادند»، «پس خدا او را از بدی های مکر و نیرنگ آن ها حفظ کرد و فرعونیان راسُو الْعَذَابِ، وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»(۳). «الَّذِينَ عَذَابَ دَرْدَنَ اکی دربرگرفت، و آنان نیرنگ زدند و خدا نیرنگ زد و خدا بهترین نیرنگ زننده است». «آنان که قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَرَادَهُمْ مردم به آنان گفتند: همانا مردم علیه شما گرد آمده اند، از آنان بترسید، ولی إِيْمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا يَنْعَمِهِ مِنَ اللَّهِ إِيْمَانُشان افزوده گشت و گفتند: خدا ما را بس است و او خوب دفاع کننده و پشتیبانی است پس با نعمتی از سوی خداوند

ص: ۳۶۶

۱- ۲۳. سوره طور، آیه ۲-۸

۲- ۲۴. سوره اعراف، آیه ۱۲۰ - ۱۱۸.

۳- ۲۵. سوره آل عمران، آیه ۵۴.

وَفَضَّلَ لَمْ يَمَسْسِيهِمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ وَاحْسَانِي كِه بَه آن بَدِي وَ آسِيبي نرسد باز گشتند، و خشنودی پروردگار را پیروی کردند، و خداوند صاحب فضل عظیم» (۱)، «رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ وَ احسان عظیم و ارزشمند است». «پروردگارا! از آنچه شیاطین در دل وسوسه می کنند به تو پناه می برم، و از رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ» (۲). اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اَخَافُ اينكه حضور پيدا كنند به تو پناه مي برم. خداوندا! همانا من به تو پناه مي برم از شر آنچه مي ترسم وَاُحْذِرُ، وَاَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ «فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ اجْتَنَابِ مي كنم، و از تو درخواست مي كنم از بهترين آنچه نزد تو است، «پس خداوند به زودی شر آنان را كفایت می کند، و اَوَالِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ» (۳)، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، شنوایی دانا است»، هیچ قدرت و قوتی نیست جز به وسیله خداوند بلندمرتبه بزرگ، جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِي، وَمِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِي، وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ جَبْرَائِيلُ از طرف راست من، و میکائیل از طرف چپ من، و حضرت (محمد - که درود خداوند علیه و آله اُمَامِي، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يُظِلُّ عَلَيَّ، يَمْنَعُكُمْ مِنِّي بِرَأْسِهِ وَ آوَادُ - از) پیشاپیش من، و خداوند عزیز بلندمرتبه بر من سایه افکنده، شما را وَيَمْنَعُ الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ. يَا مَنْ جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا، و شیطان رانده شده را از من باز می دارد. ای آنکه بین دو دریا فاصله و حائل قرار دادی؛ اُحْجُزُ بَيْنِي وَبَيْنَ أُغْدِثُ حَتَّى لَا يَصِلُوا إِلَيَّ بِسُوءٍ، سَتَرْتُ بَيْنِي مِنْ وَ دُشمنانم فاصله انداز و مانع ایجاد کن تا نتوانند به من بدی رسانند، پرده افکندم بین خودم وَبَيْنَهُمْ بِسِتْرِ اللَّهِ الَّذِي يُسَيِّرُ بِهِ مَنْ سَطَوَاتِ الْفَرَاعْنَةِ، وَمَنْ وَ ایشان به پرده و پوشش خداوندی، که از حمله و غلبه فرعون ها به آن می توان پوشیده شد، و کسی که كَانَ فِي سِتْرِ اللَّهِ كَانَ مَحْفُوظًا، حَسْبِيَ الَّذِي يَكْفِي وَلَا يَكْفِي در پوشش الهی باشد محفوظ است، خداوندی که كفایت می کند مرا بس است و جز او

ص: ۳۶۷

۱- ۲۶. سوره آل عمران، آیه ۱۷۳ و ۱۷۴

۲- ۲۷. سوره مؤمنون، آیه ۹۷ و ۹۸.

۳- ۲۸. سوره بقره، آیه ۱۳۷.

أَحَدٌ سِوَاهُ، «وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا هَيْجَ كَسْ كَفَايَتِ نَمِي كَنْد، «و ما پیش روی آن ها سدّی و پشت سرشان سدّی و مانعی قرار داده ایم فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ» (۱). اَللّٰهُمَّ اضْرِبْ عَلَيَّ سُرَادِقَاتٍ و آن ها را پوشانده ایم که نمی بینند». خداوندا؛ بر من خیمه های حفظ و حَفِظْكَ، الَّذِي لَا يَهْتِكُهُ الرِّيحُ، وَلَا تَخْرِقُهُ الرِّيحُ، وَ أَكْفِنِي شَرَّ نَكْهَدَارِيَّتِ رَا كَه بَادَهَا آن را نمی درد، و نیزه ها آن را پاره نمی کند قرار بده، و مرا کفایت کن از شَرِّ مَا أَخَافُهُ بِرُوحِ قُدْسِكَ الَّذِي مَنْ أَلْقَيْتَهُ عَلَيْهِ كَانَ مَسْتُورًا عَنْ أَنِجَه مِي تَرْسَم بِه حَقَّ آن رُوح مَقْدَسْتِ كَه بِرِ هَر كَسِ آن رَا الْقَا كُنِي و بِيْفَكُنِي عُيُونِ النَّاطِرِينَ، وَ كَبِيرًا فِي صُدُورِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ. وَ وَفَّقْ از دیدگان تماشاگران پنهان می ماند، و در سینه مردمان، بزرگ جلوه می کند. وَلِي بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى وَ بِكَلِمَاتِكَ الْعُلْيَا صِيْلَاحِي فِي جَمِيعِ مَاسُوكَنْد بِه نَامِ هَايِ نِيكُويَتِ وَ كَلِمَاتِ بَلَنْدِ مَرْتَبَه اتِ مَرَا تَوْفِيْقِ دِه بِه أَنِجَه مَصْلَحَتِ مِنْ اسْتِ دَر تَمَامِ أَنِجَه أُؤَمِّلُهُ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَ اضْرِبْ عَنِّي أَبْصَارَ النَّاطِرِينَ، آرزو دارم از خوبی های دنیا و آخرت، و دیدگان بینندگان را از من بازگردان، وَ اضْرِبْ عَنِّي شَرَّ قُلُوبِهِمْ وَ شَرَّ مَا يُضْمِرُونَ إِلَى خَيْرٍ مَا لَا يَمْلِكُهُ وَ بِرِ گِردانِ بَدِي افكارشان را و آنچه در سینه پنهان کرده اند به خوبی آنچه غَيْرُكَ. اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ أَنْتَ مَوْلَايَ وَمَلَاذِي، فَبِكَ الْوُدِّ وَأَنْتَ غَيْرُ تُوْ آن رَا دَارَا نیست. خداوندا؛ تُو مَوْلَايَ مِنْ وَ پناهگاه مِنْ هَسْتِي، پَس بِه تُو پناهنده مِي شُوم، وَ تَوْمَعَاذِي، فَبِكَ أَعُوذُ يَا مَنْ دَانَ لَهُ رِقَابُ الْجَبَابِرَةِ، وَ خَضَعَتْ لَهُ پناه مِنْ هَسْتِي، پَس بِه تُو پناه مِي بِرَمِ اِي كَسِي كَه گِردنِ هَايِ زُورگوِيانِ بِرَايِ او فُرو افتاده وَ ضَعِيفِ اسْتِ، وَ عَمَالِيْقُ الْفِرَاعِنَةِ، أَجْزَنِي اَللّٰهُمَّ مِنْ خَزْيِكَ، وَ كَشْفِ سِتْرِكَ، فِرْعَوْنِ هَايِ زُورگو در برابر او فُروتنی نموده اند. خداوندا؛ مَرَا از رسوایی و خوارکردنت، و پرده دری ات،

ص: ۳۶۸

وَنَسِيَانِ ذِكْرِكَ، وَالْإِضْرَابِ عَنْ شُكْرِكَ، أَنَا فِي كَنْفِكَ لَيْلِي وَفَرَامُوشِي يَادَتِ، وَرُوي گرانیدن از شُکرت پناه بده، من در شب وَنَهَارِي وَنَوْمِي وَقَرَارِي وَائْتِبَاهِي وَائْتِشَارِي، ذِكْرُكَ شِعَارِي، وَرُوزْم وَدَرْخَوَاب وَدَرْوَقْتِ دَرْ رَفْتِ وَآمَدَم دَرْ نَگَهْدَارِي وَحَمَايَتِ تَوَام. يَاد تُو شِعَارِ مَنِ اسْتِ، وَثَنَّاؤُكَ دِثَارِي. اَللّٰهُمَّ اِنَّ خَوْفِي اَمْسَى وَاصْبَحْتُ مُسْتَجِيرًا بِكَ وَثَنَّا كَوَيْتِ ذِكْرِ پَنَهَانِ مَنِ اسْتِ. خَدَاوَنْدَا؛ هَمَانَا تَرَس مَنِ شَبِّ رَا رُوزِ نَمُودَه وَرُوزِ رَا شَبِّ نَمُودَه وَبِأَمَانِكَ مِنْ خَوْفِكَ وَشَوْءِ عَذَابِكَ، وَاضْرِبْ عَلَيَّ سِرَادِقَاتِ دَرْ حَالِي كِه بِه دَامَنِ اَمَانِ تُو پَنَاهِنْدَه گِشْتَه، وَاز تَرَسِ تُو وَشَدَّتْ عَذَابَتِ بِه اَمَانِ تُو رُوي آورده ام، وَ مَرَا دَرْ سَرَاپَرْدَه حِفْظِ وَحِفْظِكَ، وَارْزُقْنِي حِفْظَ عِنَايَتِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، نَگَهْدَارِي خُودِ قَرَارِ بَدَه، وَ تَوَجِّه وَ رِعَايَتِ حِفْظِ كُنَنْدَه ات رَا رُوزِي مَنِ گَرْدَانِ، بِه مَهْرَبَانِي وَ رَحْمَتِ اِي مَهْرَبَانِ تَرِينِ مَهْرَبَانَانِ، اَمِينِ اَمِينِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (۱)

اجابت کن، اجابت کن، ای (پروردگار جهانیان).

حرز حضرت امام رضا علیه السلام...

صاحب کتاب «جَنَاتِ الْخُلُود» نوشته است: حرز حضرت امام رضا علیه السلام، حرز حضرت امام حسین علیه السلام می باشد و آن حرز این است:

يَا مَنْ شَأْنُهُ الْكَفَايَةُ وَسِرَادِقُهُ الرَّعَايَةُ، يَا مَنْ هُوَ الْغَايَةُ أَنْكِهْ شَأْنُ اَوْ كَفَايَتِ كَرْدَنِ بِنْدِگَانِ وَ سَرَاپَرْدَه اش حِفْظِ وَ نَگَهْدَارِي اسْتِ، اِي أَنْكِهْ اَوْ هَدَفِ وَ مَقْصُودِ الْنَهَايَةِ، يَا صَارِفَ الشَّوْءِ وَالسَّوَايَةِ، إِضْرِبْ عَنِّي أَذِيَهُوَ سَرَانَجَامِ وَ خَاتَمَه اسْتِ، اِي بازدارنده بدی ها و زشتی ها؛ باز بدار از من اذیت و آزار

ص: ۳۶۹

الْعَالَمِينَ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ أَجْمَعِينَ، بِالشُّبُوحِ النُّورَانِيَّةِ، همه جهانیان را از جن و انس، به وسیله اشباح نورانی، وَبِالْأَسْمَاءِ السَّرِّيَّاتِيَّةِ، وَبِالْأَقْلَامِ الْيُونَانِيَّةِ، وَبِالْكَلِمَاتِ الْعِبْرَانِيَّةِ، و نام های سریانی، و قلم های یونانی، و کلمات عبرانی، وَبِمَا نَزَلَ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ تَعْيِينِ الْإِيضَاحِ. إِيْجْعَلْنِي اللَّهُمَّ فِي وَبِهِ أَنْجَحَ فِي الْوَابِ مِنْ مَشْخَصِ كَرْدَنِ بَرَهَانِ هَايِ أَشْكَارِ نَازِلِ گَشْتِه است. قرار بده مرا خداوند؛ دَرِجَزْبِكَ وَحِزْزِكَ، وَفِي عِبَادِكَ وَفِي سِتْرِكَ، وَفِي حِفْظِكَ وَفِي حِزْبِ خُودِ وَ دَرِ پناه محکم خویش، و دَرِ زمره بندگانت، و دَرِ پوشش و نگهداری و کَنَفِكَ، مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ، وَعَدُوٍّ مُرَاصِدٍ، وَلَثِيمٍ مُعَانِدٍ، حَمَايَتِ، از شرّ هر شیطان سرکش، و دشمن کمین کرده، و هر پست عنادپیشه، وَضِدِّ كَيْوَدٍ، وَمِنْ شَرِّ (كُلِّ حَاسِدٍ. بِسْمِ اللَّهِ اسْتِغْثُ، وَبِسْمِ وَ مَخَالَفِ حِيلِهِ گَر، و از (شَرِّ) هر حسودی. به نام خدا یاری می جویم، و به نام اللَّهِ اكْتَفَيْتُ، وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ، فَإِلَيْهِ اسْتَعَذْتُ عَلَى كُلِّ ظَالِمٍ خُدا بَسَنده می کنم، و بر خدا توکل می نمایم، و به او پناه می برم از هر ظالمی ظَلَمَ، وَغَاشِمٍ غَشَمَ، وَطَارِقٍ طَرَقَ، وَزَاجِرٍ زَجَرَ، فَاللَّهُ خَيْرٌ كِه ظَلَمَ كُند، و هر ستمگری که ستم كُند، و هر کاهنی که كهانت كُند، و هر بازدارنده ای که بازدارد، پس خدا بهترین حَافِظًا، وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. (۱)

حافظ و نگهدار است، و او از هر مهربانی مهربانتر است.

ص: ۳۷۰

محمّد بن مسلم از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

این عود و دعا در کاغذ یا پوست نازک برای انسان یا حیوانی که دچار حمل است نوشته می شود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

[illegible]

ص: ۲۷۱

۱-۳۲. سوره انشراح، آیه ۵

۲-۳۳. سوره بقره، آیه ۱۸۵ و ۱۸۶.

۳-۳۴. سورہ کہف، آہ ۱۶.

السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِزٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ» (۱)، «ثُمَّ السَّبِيلَ خداوند است، برخی از راه ها بی راهه است، و اگر خدا بخواهد همه شما را هدایت کند»، «سپس» خداوند (راهش رایشه) (۲). «أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا بَرًا وَنَارًا» (۳)، «آیا آنهایی که کفر ورزیدند نمی دانند که آسمان ها و زمین رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء كل شئ حي أفلا يؤمنون» (۴)، به هم پیوسته بودند و ما آن ها را بازگشودیم، و هر چیز را از آب، زنده قرار دادیم، آیا ایمان نمی آورند؟»، «فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ» او را با خود به مکان دورافتاده ای برد (و از دیگران کناره گیری کرد)، پس درد زایمان او را به کنار درخت خرمائی برد، قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَشِيطًا مِّنْسِيًّا فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَيْ كَاشَ؛ پیش از این مرده بودم و از فراموش شده ها بودم پس از طرف پائین پایش (فرشته ای) ندا داد تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا وَهَزَيَ إِلَيْكِ که اندوهگین مباش، پروردگارت از زیر پایت چشمه آبی را روان می سازد و این بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّيْنَهُ درخت خرما را به طرف خود تکان بده، رطب تازه بر تو فرو می ریزد پس بخور و بنوش وَعَيْنًا فَإِمَّا تَرَيْنِ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنَّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ دِينَةً رُشْدًا وَكَأَنِّي وَاهِيَةٌ رَّافِدَةٌ بَاقِيَةَ الْفَصْلِ

كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ اتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي كُودَكَ گاهواره ای صحبت کنیم؟) كودك (گفت: من بنده خدایم، به من کتاب داده و به من نبیاً وَجَعَلَنِي مُبَارَكاً أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَبِالْهَيْمَرِ عطا کرده است هر جا که باشم مرا وجودی پربرکت قرار داده و تا زنده ام مرا به نماز و زکات سفارش ما دُمْتُ حَيًّا وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّاراً شَقِيًّا نموده است و به نیکی به پدر و مادرم توصیه فرمود، و مرا از زورگویان و سنگدل ها قرار نداد وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ذَٰلِكَ و درود بر من روزی که زاده شدم، و روزی که می میرم و روزی که برانگیخته می شوم این عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ»(۱). «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ عِيسَى پسر مریم است». «و خدا شما را از شکم های مادران تان بیرون کرد در حالی که شیئاً وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ چیزی نمی دانستید، و برای شما گوش و چشم و دل قرار داد، شاید شکرگزاری کنید أَوْلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوْ السَّمَاءِ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا آيَا بَرَفَاز آسمان به پرندگان که رام گشته اند نمی نگرند؟ آن ها را جز خدا کسی) در آسمان (نگه نمی دارد،اللَّهُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»(۲)، كَذَٰلِكَ أَيُّهَا الْمُؤَلَّدُوبِي گمان در آن نشانه هایی است برای مردمی که ایمان می آورند»، همان گونه - ای مولود - أَخْرُجْ سَوِيًّا بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

راست و درست و کامل به اذن و فرمان پروردگار عزیز و بلندمرتبه خارج شو.

سپس بر او آویزان می کنند، هنگامی که امر ولادت صورت گرفت آن را از او جدایی کنند.

و باید کاملاً مراقب باشی که بعضی از آیه (۷۵) سوره نحل که در آخر حرز است) رارها نکنی، یا به موضعی از آن توقّف نکنی تا آن را کامل گردانی.

ص: ۳۷۳

۱- ۳۸. سوره مریم، آیات ۲۲ - ۳۴.

۲- ۳۹. سوره نحل، آیه ۷۸ و ۷۹.

و آیه این است: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا».

پس اگر به اینجا که رسیدی توقف کنی نوزاد لال بیرون می آید، و اگر نخواندی: «وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»، نوزاد صحیح و سالم به دنیا نمی آید. (۱)

حرز برای حفظ از شر دشمنان اهل بیت علیهم السلام

این حرزی است که در لباس آن حضرت یافت شد، گفته اند: هنگامی که حضرت امام رضا علیه السلام دار فانی را وداع کرد تعویذی از آن حضرت پیدا شد، و در آن، حرزی بود که گفته شده: پدرانِ علیهم السلام فرموده اند که جدّ بزرگوارشان حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به آن خود را از دشمنان حفظ می کرد و آن را در غلاف شمشیر نصب کرده و آویخته بود و در آخر آن نام های خداوند عزیز و بلندمرتبه بود، و آن حضرت بر فرزندان و بستگانش شرط کرده بود که آن را علیه کسی نخوانند؛ زیرا که این دعا هرگز از ناحیه پروردگار محجوب نمی ماند و رد نمی شود:

اَللّٰهُمَّ بِكَ اَسْتَفْتِحُ وَبِكَ اَسْتَنْجِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّيَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ خَدَاوْنَدَا؛ به کمک تو آغاز می کنم، و به کمک تو کامیابی و توفیق می طلبم، و به محمد - که درود خداوند بر او و آل او باد - اَتَوَجَّهْ. اَللّٰهُمَّ سَهِّلْ لِيْ حُزُوْنَتَهُ وَكُلَّ حُزُوْنَةٍ، وَذَلِّلْ لِيْ صُعُوْبَتَهُ رُوِيْ مِيْ اَوْرَم. خداوندا؛ برای من سختی آن و هر سختی را آسان گردان، و ناهمواری آن و كُلَّ صُعُوْبَةٍ، وَاَكْفِنِيْ مُؤْنَتَهُ وَكُلَّ مُؤْنَةٍ، وَاَرْزُقْنِيْ مَعْرُوْفَهُ و هر ناهمواری را هموار کن، و رنج و زحمت آن و هر رنج و زحمتی را کفایت کن، و خیر و خوبی آن وَوُدَّهٗ، وَاَصْرِفْ عَنِّيْ ضَرَّهُ وَمَعْرَتَهُ، اِنَّكَ تَمَحُّوْ مَا تَشَاءُ وَتُثَبِّتُ، و دوستی اش را روزی من فرما، و بدرفتاری و اذیت و آزارش را از من دور نما، که تو هر چه خواهی بزدایی یا ثبت فرمایی

ص: ۳۷۴

وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ، «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ وَنَزِدَ تَوَاصِلُ كِتَابِ اسْتِ، «بِه رَاسْتِي كِه دُوسْتَانِ خُدا نِه تَرَسِي بِرِ
 آن ها است و نه يَحْزَنُونَ» (۱)، «إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِيَّبُوا إِلَيْكَ» (۲)، طه حم غَصَّه اِي مِي خُورِنْد»، (فَرَشْتِگانِ گُفْتَنْد): «ما
 فَرَسْتادگانِ پُروردگارِ تُو هَسْتِيم و آنانِ هِرگز بِه تُو دَسْت نَمِي يَابَنْد»، بِه اَحْتِرامِ اسْمَاءِ مَقْدَس طه، حَم لَايْبِصَرُونَ، وَ«جَعَلْنَا فِي
 أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ آن ها نَمِي بِيِنْد، و «ما بِرِ گُردنِ ها تا چانِه هاِي ايشانِ حَلْقَه هاِي آهِنِي قَرارِ دادِيمِ دَر نَتيجَه
 سَر بَلَنْد كُردِه و چَشْمِها رَاقِمَمَحُونَ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَرُو بَسْتِه اِنْد و اَز پِيش رُوي ايشانِ سَدِي و اَز
 پِشتِ سَرشانِ سَدِي قَرارِ دادِه فَاعْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَايْبِصَرُونَ» (۳)، «أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيهِمْ ايشانِ را پُوشانِيده ايمِ پَس آن ها نَمِي
 بِيِنْد»، «آن ها كِسانِي هَسْتَنْد كِه خُداوَنْد بِرَقْلُوبِهِمْ وَسَيِّمِعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (۴). «لا-جَرَمِ دِل ها و گُوش ها و
 دِيدگانِ شانِ مَهر نِهادِه و آنانِ غَافِل و بِي خَبِرَنْد». «ناگَزيَرانَ اللَّهُ يَغْلَمُ ما يُسَيِّرُونَ وَمَا يُعْلِنُونَ» (۵)، «فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ آتِجَه
 آنانِ پَنهانِ مِي كُنَنْد و آنچِه را آشكارِ مِي كُنَنْد خُدا مِي دانَد»، «پَس بِه زُودِي خُدا شَرِّ ايشانِ را اَز تُو كَفائِت كُنْد و اَوَالِ السَّمِيعِ
 الْعَلِيمِ» (۶)، «وَتَرِيهِمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَايْبِصَرُونَ» (۷)، شِنُوا و دانا اسْت»، «و مِي بِيِنِي كِه بِه سُوِيَت نِگاهِ مِي كُنَنْد و لِي آن ها
 نَمِي بِيِنْد»، «صُمُّ بُكْمُ عُمَى فَهُمْ لَايَزْجَعُونَ» (۸)، «طَسَمَ تِلْكَ آيَاتُ» آن ها كُرنْد، لال اِنْد، كُورَنْد و باز نَمِي گُردَنْد»، طاسِينِ مِيمِ
 (اَز رَمُوزِ قُرْآنِي اسْت) اَيْنِ آيَه هاِي الْكِتَابِ الْمُبِينِ لَعَلَّكَ باخِعَ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ اِنْ كِتَابِ رُوشَن و آشكارِ اسْت گُويا
 خُودَتِ را اَز غَصَّه اِيَنكِه آن ها اِيْمانِ نَمِي آوَرَنْد مِي خُواهي بِه كِشْتَن دِهِي اِگَر

ص: ۳۷۵

۱- ۴۱. سوره يونس، آيه ۶۲

۲- ۴۲. سوره هود، آيه ۸۱.

۳- ۴۳. سوره يس، آيه ۸ و ۹

۴- ۴۴. سوره نحل، آيه ۱۰۸.

۵- ۴۵. سوره نحل، آيه ۲۳

۶- ۴۶. سوره بقره، آيه ۱۳۷.

۷- ۴۷. سوره اعراف، آيه ۱۹۸.

۸- ۴۸. سوره بقره، آيه ۱۸.

نَشَأَ نُزِّلَ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ» (۱). بخواهیم آیه و نشانه ای از آسمان بر آن ها فرو می فرستیم تا در برابر آن گردن فرود آورند. نام ها: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِالْعِیْنِ الَّتِیْ لَا تَنَامُ، وَبِالْعِزِّ الَّذِیْ لَا یُرَامُ، خداوندا؛ از تو درخواست می کنم به دیدگانی که به خواب نمی رود، و به عزّت و اقتداری که هیچ کس به آن نمی رسد، وَبِالْمُلْكِ الَّذِیْ لَا یُضَامُ، وَبِالنُّورِ الَّذِیْ لَا یُطْفِئُ، وَبِالْوَجْهِ الَّذِیْ وَبِهِ فَرَمَانِروایی و سلطنتی که مورد ستم و تجاوز قرار نمی گیرد، و به نوری که خاموش نمی شود، و به چهره ای که لایبلی، وَبِالْحَیَآهِ الَّتِیْ لَا تَمُوتُ، وَبِالصَّمَدِیَّةِ الَّتِیْ لَا تُقْهَرُ، فرسوده نمی شود، و به حیات و زندگی ای که دچار مرگ نمی شود، و به سرور و تفوّقی که مقهور و مغلوب نمی شود، وَبِالدَّیْمُومَةِ الَّتِیْ لَا تَفْنِی، وَبِالْإِسْمِ الَّذِیْ لَا یُرَدُّ، وَبِالرُّبُوبِیَّةِ وَبِهِ آن جاودانگی که از بین نمی رود، و به اسمی که بازگردانده نمی شود، و به پروردگاری و ربوبیتی الَّتِیْ لَا تُسَدِّدُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُفَعِّلَ بَیْی که ذلیل و خوار نمی شود، که بر مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ درود فرستی، و با مَنْ كَذَبَا وَكَذَابَا، و حاجت خود را ذکر کن که برآورده شود ان شاء الله تعالی. (۲).

چنین و چنان کنی.

ص: ۳۷۶

۱- ۴۹. سوره شعراء، آیه ۱ - ۴.

۲- ۵۰. مهج الدعوات: ۲۹۷، بحار الأنوار: ۳۴۵/۹۴.

هشت دستور برای برطرف شدن هشت بیماری

در این بخش، هشت دستور برای برطرف شدن هشت بیماری نقل می کنیم:

دعا برای درد چشم

محمد بن علی بن جعفر، از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

بدون تردید شفای چشم در خواندن سوره «حمد»، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ»، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و «آیه الکرسی» و بخور دادن با قسط (نوعی گیاه است) و مرّ (صمغ درخت مرّ مکی) و کُنْدَر است. (۱)

دعا برای برطرف شدن صرع

حضرت امام رضا علیه السلام شخصی را که به بیماری صرع مبتلا بود مشاهده کرد، دستور

ص: ۳۷۷

داد ظرف آبی بیاورند، بر آن سوره «حمد»، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» را خوانند و در آن دمید، سپس دستور داد از آن آب بر سر و روی او بریزند، باین کار بیمار بهبودی یافت و امام علیه السلام فرمود: هرگز به سوی تو باز نمی گردد. (۱)

دعا برای برطرف شدن سردرد

اباصلت هروی از حضرت امام رضا علیه السلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش روایت کرده است که فرمود:

امام باقر علیه السلام فرمود: به شیعیان ما یاد بده که برای سردرد بگویند:

«یا طاهی، یا ذَرّ، یا طمنه، یا طنات»

زیرا این ها اسماء اعظم هستند که نزد خداوند از ارزش والامنی برخوردارند، و خداوند به برکت آن، سردرد را از ایشان برطرف می کند. (۲)

دعا برای برطرف شدن سلّ

حسن بن علی بن یقطين گوید: حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرموده است:

این دعائی است برای شیعیان ما، برای برطرف کردن سلّ:

یا اَللّهُ، یا رَبَّ الْأَرْبابِ، وَاِیَّا سَیِّدَ السَّادَاتِ، وَاِیَّا اِلهَ الْاَلِهَهِ، وَاِیَّا مَلِکَ اِیَّ خَدَاوَنَد؛ اِیَّ پُرورِش دهنده پُرورِش دهندگان؛ و اِیَّ سُرورِ سُروران؛ و اِیَّ مَعْبُود مَعْبُودان؛ و اِیَّ پادشاه الْمُلُوکِ، وَاِیَّ جَبَّارَ السَّمَوَاتِ وَالْمَآرِضِ، اِشْفِنِی وَعَافِنِی مِنْ دَآئِی پادشاهان؛ و اِیَّ آفریننده آسمان ها و زمین؛ مرا شفا بده و عافیت بخش از این

ص: ۳۷۸

۱- ۵۲. بحار الأنوار: ۱۵۰/۹۵، المصباح: ۲۰۷) با اندکی تفاوت).

۲- ۵۳. بحار الأنوار: ۵۴/۹۵.

هَذَا، فَإِنِّي عَيْدُكَ وَابْنُ عَيْدِكَ، أَتَقَلَّبُ فِي قَبْضَتِكَ، وَنَاصِيَتِي بِيَدِكَ. درد، که من بنده تو و فرزند بنده ات هستم، در قبضه قدرت تو حرکت می کنم و پهلوی به پهلوی می شوم، و زمام امورم به دست تو است.

این دعا را سه مرتبه می خوانی، و خداوند به نیرو و قدرت خویش تو را کفایت می کند انشاء الله تعالی. (۱)

دستور برای فرزندان شدن و برطرف شدن مریضی

هشام بن ابراهیم به حضرت امام رضا علیه السلام از بیماری و اینکه فرزندی برایش متولد نمی شود شکوه کرد، امام علیه السلام دستور داد که: در منزل با صدای بلند اذان بگوید.

هشام گوید: به دستور حضرت عمل کردم، خداوند بیماریم را از بین برد و فرزندم زیاد گشت. (۲)

دعا برای رفع زگیل

علی بن نعمان گوید: به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم: پسری دارم مبتلا به ثلول گشته، در بدنش لکه های قرمز و دانه های زگیل ظاهر شده است و مرا ناراحت نموده است. امام علیه السلام فرمود:

برای هر زگیل هفت دانه جو بگیر، و بر هر دانه جو، هفت مرتبه ابتدای سوره واقعه را تا «هَبَاءٌ مُّثَبِّتًا» بخوان، سپس آیه ۱۰۵ سوره «طه» «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا...» تا «وَلَا أَمْتًا» (۳) را بخوان، سپس جوها را یکی یکی بگیر و بر زگیل ها بمال، سپس آن ها را در پارچه جدیدی قرار بده و بر آن

ص: ۳۷۹

۱- ۵۴. بحار الأنوار: ۲۰/۹۵

۲- ۵۵. الدعوات: ۱۸۹، روضه الواعظین: ۳۱۳.

۳- ۵۶. سوره طه، آیه ۱۰۵ - ۱۰۷.

پارچه سنگی ببند و در جایی که آن را پنهان کند - مانند چاه یا گودال - ببنداز.

علی بن نعمان گوید: این دستور امام علیه السلام را انجام دادم، بخدا قسم روز هفتم یا هشتم که نگاه کردم مثل کف دست من صاف بود و اثری از آن ها نبود و فرموده اند:

شایسته است که این کار در شب های آخر ماه - که ماه دیده نمی شود - انجام گیرد، و ان شاء الله از بین خواهد رفت. (۱)

دستور برای بواسیر

شخصی از بواسیر به آن حضرت شکایت کرد، حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

سوره «یس» را با عسل بنویس و سپس آن را در آب ریخته و از آن آب بنوش. (۲)

ادعا برای رفع غده خنازیر (۳)

حسین بن سعید در کتاب دعاء به سند خود از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

کنیزی از کنیزان ما، در گردنش غده خنازیر ظاهر گشت، کسی آمد و به او گفت: باید بگویی: یا رَوْوْفُ یا رَحِيمُ، یا رَبِّ یا سَيِّدِی.

ای بسیار مهربان؛ ای رحم کننده؛ ای پروردگار من؛ ای سرور من.

و آن را تکرار نمایی، آن کنیز به این دستور عمل کرد و آن غده از بین رفت. (۴)

ص: ۳۸۰

۱- ۵۷. الدعوات: ۱۹۹، و در البلد الأمين: ۶۱۹، المصباح: ۲۰۸ و بحار الأنوار: ۹۷/۹۵ با کمی تفاوت آمده است.

۲- ۵۸. بحار الأنوار: ۸۲/۹۵.

۳- ۵۹. خنازیر؛ غده هایی است که در گردن انسان ایجاد می شود.

۴- ۶۰. الدعوات: ۱۹۷، مکارم الأخلاق: ۲۴۶/۲، بحار الأنوار: ۱۰۰/۹۵.

هشت دستور برای وسعت رزق و رفع فقر

در این بخش، هشت دستور برای وسعت رزق و برطرف شدن فقر نقل می کنیم:

دعا برای طلب رزق

احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم: فدای شما شوم؛ از خداوند بخواه که مال حلال را روزی من گرداند، فرمود:

آیا می دانی حلال چیست؟

عرض کردم: به نظر ما مقصود، کسب پاکیزه است. فرمود:

علی بن الحسین علیهما السلام می فرمود: حلال، قوت برگزیدگان الهی است.

سپس فرمود: بگو: أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ الْوَاسِعِ (۱).

خداوندا! از تو روزی واسع و فراوان می خواهم.

ص: ۳۸۱

۱- ۶۱. جامع أحادیث الشیعه: ۳۷۶/۱۹، بحار الأنوار: ۲/۱۰۳ ح ۴) با تفاوت در راوی حدیث).

دعا هنگام رسیدن نعمت و کم شدن رزق و وارد شدن حزن و اندوه

حضرت امام رضا علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده اند که فرمود:

هر کس خدا به او نعمتی مرحمت می کند باید خداوند تبارک و تعالی را سپاس گوید، و هر کس روزی بر او به کُندی برسد باید استغفار کند و از خدا آمرزش گناهانش را بخواهد، و هر کس امری او را غمناک نموده باشد باید بگوید:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (۱)

هیچ توانائی و نیروئی جز به سبب خداوند نیست.

دعا برای طلب روزی

برادر دعبل خزاعی گوید: سرورم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود:

پدرم حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: پدرم حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام، از پدرش حضرت محمد بن علی علیهما السلام روایت کرده است که فرمود: هنگامی که صبح کردی بگو:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِيْ سَيِّئَهُمَا وَاِفْرًا فِى كُلِّ حَسَبٍ نِهْ اَنْزَلْتَهَا مِنَ السَّمَاءِ خَدَاوْنِدَا؛ برای من سهم فراوانی قرار بده در هر خیری که امروز از آسمان

ص: ۳۸۲

إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَاصْرِفْ عَنِّي كُلَّ مُصِيبَةٍ أَنْزَلْتَهَا بِه سَوَى زَمِينِ فَرَسْتَادِي، وَ از من دور گردان هر مصیبت و بلائی را که امروز من السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَعَافِنِي مِنْ طَلَبِ مَا لَمْ از آسمان به سَوَى زَمِينِ نَازِلِ كُنِي، و مرا معاف بدار از جستجوی آنچه تُقَدِّرُ لِي مِنْ رِزْقٍ، وَمَا قَدَّرْتَ لِي مِنْ رِزْقٍ فَسِقِّهُ إِلَيَّ فِي رِزْقٍ وَ روزی که برایم مَقْدَرِ نَفْرَمُودِهِ اِی، و آنچه از روزی برایم مَقْدَرِ نَفْرَمُودِهِ اِی يُسِّرْ مِنْكَ وَعَافِيهِ، «امین» سه مرتبه. (۱)

با آسانی و عافیت به سَوَى زَمِينِ فَرَسْتَادِي، اجابت فرما.

گفتن اذان برای رفع فقر

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود:

شخصی به امام صادق علیه السلام از فقر و ناداری خود شکایت کرد، امام علیه السلام فرمود: هرگاه صدای اذان را شنیدی، به همراه مؤذن اذان بگو همانطور که او می گوید. (۲)

دستور برای برکت مال

محمّد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام روایت کرده است که فرمود:

هنگامی که کالائی خریداری نمودی سه بار تکبیر بگو و سپس این دعا را بخوان:

ص: ۳۸۳

۱- ۶۳. جامع أحادیث الشیعه: ۵۲۷/۱۹، مستدرک الوسائل: ۳۸۲/۵، و در بحار الأنوار: ۲۴۹/۸۶ با اختلاف.

۲- ۶۴. مکارم الأخلاق: ۱۵۰/۲، بحار الأنوار: ۲۹۵/۹۵.

اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَشْتَرِيْتهُ اَلْتَمِسُ فِيْهِ مِنْ خَيْرِكَ، فَاجْعَلْ لِّى فِيْهِ خَيْرًا. خداوندا؛ من این کالا را خریده ام در آن خیر تو را می جویم، پس برای من در آن، خیر و خوبی قرار بده. اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَشْتَرِيْتهُ اَلْتَمِسُ فِيْهِ مِنْ فَضْلِكَ.

خداوندا؛ من این جنس را خریداری نموده ام و در آن، فضل و احسان تو را می طلبم.

تا آخر حدیث، سپس گفت:

و سیره حضرت امام رضا علیه السلام چنین بود که بر روی کالائی که تهیه می کرد می نوشت:

«بَرَكَهَ لَنَا»؛ «برکت برای ما باشد».(۱)

دعای دیگر در هر روز برای برطرف شدن فقر

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: هر کس روزی صد مرتبه بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ»

«نیست خدایی جز خداوندی که مالک و حق آشکار است».

به سبب آن، بی نیازی به سوی او جلب می شود، و تنگدستی از او دور می گردد، و درب جهنم به او بسته می شود، و درب

بهشت به سوی او گشوده می شود.(۲)

ص: ۳۸۴

۱- ۶۵. وسائل الشیعه: ۳۰۴/۱۲.

۲- ۶۶. صحیفه الإمام الرضا علیه السلام: ۲۸۸.

دعا برای حفظ چیزی که خریداری شده

این روایت به حضرت امام رضا علیه السلام منسوب است:

هرگاه متاع، کالا، کنیز و یا چهارپائی خریدی بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَشْتَرْتُهٗ اَلْتَمِسُ فِیْهِ مِنْ رِّزْقِکَ، فَاجْعَلْ لِّیْ فِیْهِ خَدَاوْنَدًا؛ من این را خریده ام و در آن، روزی تو را می طلبم، پس برای من در آن رِزْقًا. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَلْتَمِسُ فِیْهِ فَضْلَکَ، فَاجْعَلْ لِّیْ فِیْهِ فَضْلًا. رِزْق و روزی قرار بده. خداوندا؛ من در آن فزونی و لطف تو را می طلبم، پس برای من در آن فزونی قرار بده، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَلْتَمِسُ فِیْهِ مِنْ خَیْرِکَ وَبَرَکَتِکَ وَسِعَةِ رِزْقِکَ، فَاجْعَلْ خَدَاوْنَدًا؛ در آن از خیر و برکت و روزی گسترده ات التماس می کنم، پس برای من لی فیهِ رِزْقًا وَاسِعًا، وَرَبْحًا طَیِّبًا، هَنِئًا مَرِئًا.

در آن، روزی گسترده و راحتی و آسایش خوش آیند، گوارا و دلپذیر قرار بده.

و این کلمات را سه مرتبه تکرار کن. (۱)

دعا برای حفظ شدن مال از تلف شدن و...

این روایت نیز به حضرت امام رضا علیه السلام منسوب است:

هرگاه خواستی کالای خود را در حفظ و حراست بداری، آیه الکرسی بخوان و بنویس و آن را در وسط کالا قرار بده و نیز بنویس:

ص: ۳۸۵

«وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سِدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سِدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ» «ما پیش روی آنان سدّی و پشت سرشان سدّی نهاده ایم و دیدگانشان را پوشانیده ایم که لاَ يُبْصِرُونَ» (۱)، لاَ ضَيْعَةَ عَلَى مَا حَفِظَهُ اللَّهُ «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ نَمِي بَيْنَهُ» آنچه را خدا حفظ کند تباه نمی گردد «پس اگر روی گردانند بگو: اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» (۲). خدا مرا بس است، هیچ معبودی جز او نیست، بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش با عظمت است».

(پس اگر چنین کنی) آن را در حفظ و حراست قرار داده ای اگر خدا بخواهد و به آن به اذن و فرمان پروردگار بدی نرسد. (۳)

ص: ۳۸۶

۱- ۶۸. سوره یس، آیه ۹.

۲- ۶۹. سوره توبه، آیه ۱۲۹.

۳- ۷۰. بحار الأنوار: ۱۷۴/۷۶، فقه الرضا علیه السلام: ۴۰۰.

که حضرت امام رضا علیه السلام خوانده اند

در این بخش، هشت دعای مهم که حضرت امام رضا علیه السلام آن ها را خوانده اند نقل می کنیم:

دعای توحید

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ كُنْتَ قَبْلَ الْاَزْمَانِ ، وَقَبْلَ الْكُوْنِ وَالْكَيْنُوْنِيَّهٖ خَدَاوْنَدَا؛ تو پیش از زمان ها، و پیش از وجود و ایجاد و الْكَائِنِ، وَعَلِمْتَ بِمَا تُرِيدُ اَنْ تُكُوْنَ قَبْلَ تَكْوِيْنِ الْاَشْيَاءِ، و موجود، بوده ای، و پیش از به وجود آوردن موجودات به آنچه می خواستی هستی بخشی علم و آگاهی داشتی، وَكَانَ عِلْمُكَ السَّابِقُ فِيمَا تُرِيدُ اَنْ تُكُوْنَ قَبْلَ التَّكْوِيْنِ وَالْعِلْمِ، و علم تو پیشی داشته در مورد آنچه می خواهی به وجود آوری پیش از آفرینش و علم، فَعِلْمُكَ دَائِبُهُ غَيْرُ مُكْتَسَبٍ. لَمْ تَزَلْ كُنْتَ عَالِمًا مُّوْجِدًا، پس علم و دانش تو پیوسته با تو بوده و اکتسابی نیست که بدست آورده باشی. تو همواره وجود داشته ای در حالی که عالم بوده ای،

وَالْجَهْلُ عَنْكَ نَافِيًا، فَأَنْتَ بَادِيَ الْإَيِّدِ، وَقَادِمُ الْأَزَلِ، وَدَائِمٌ وَجْهٌ وَنَادَانِيٍّ مِنْ سَاخِتِ مَقْدَسٍ تُو مُتَنَفًى وَ دَوْر اسْت، تُو آغَا ز گَر
اَبَدی، و آینده ازلی، و همیشگی الْقِدَمِ، لَا تُوصَفُ بِصِفَاتٍ، وَلَا تُنْعَتُ بِوَصْفٍ، وَلَا تُلْحَقُ دیرینه هستی، به صفات توصیف نمی
شوی، و به وصفی صفت آورده نمی گردی، و بِالْحَوَاسِّ، وَلَا تُضَرْبُ فیکَ الْأَمْثَالُ، وَلَا تُقَاسُ بِقِيَاسٍ، وَلَا تُحَدُّ حَوَاسَّ به تو نمی
توان رسید، و در مورد تو نمی توان مثال زد، و به مقیاسی قیاس، و بِحُدُودٍ، لَيْسَ لَكَ مَكَانٌ يُعْرِفُ، وَلَا لَكَ مَوْضِعٌ يُنَالُ، لا به
حدّی محدود نمی شوی، مکان شناخته شده ای برایت نیست، و جایگاهی که بتوان به آن دست یافت نداری، نه فَوْقَكَ مُنتَهَى
، وَلَا عَنْكَ اِنْتِهَاءٌ، وَلَا خُلْفَكَ إِدْرَاكٌ، وَلَا بِلَا ی تو را منتهایی است، و نه تو را نهایی است، و نه از پشت سر قابل ادراک
هستی، و نه أَمَامِكَ مُصَادِفٌ، يَلْ أَئِنَّ تَوَجَّهَ الْوَاجِهُونَ فَأَنْتَ هُنَاكَ لَمْ برابر با چیزی برخورد می کنی؛ بلکه هر کجا روی
آورنده ای به تو روی آورد تو آنجا همیشه هستی، تَزَلْ، لَا يُحِيطُ بِكَ الْأَشْيَاءُ، بَلْ تُحِيطُ بِالْأَشْيَاءِ مُحْتَوتٍ بها، هیچ چیز تو را احاطه
نمی کند، بلکه تو هر چیزی را احاطه کرده و در بر گرفته ای، مُحْتَجِبٌ عَنِ رُؤْيِهِ الْمَخْلُوقِينَ، وَهُمْ عَنْكَ غَيْرُ مُحْتَجَبِينَ، از دیدن
آفریدگان پوشیده و پنهانی، و آنان از تو پنهان و پوشیده نیستند، تَرَى وَلَا تَرَى، وَأَنْتَ فِي الْمَلَأِ الْأَعْلَى، تَسْمَعُ وَتَرَى، می بینی و
دیدہ نمی شوی، و تو در جایگاه برتری، می شنوی و می بینی، وَتَعْلَمُ مَا يُخْفَى وَأَخْفَى، فَتَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُونَ و آنچه
پنهان می شود و پنهان است می دانی، تو پاک و منزّه و بزرگ و برتری از آنچه (مردم) می گویند عَلُوًّا كَبِيرًا. (۱)

ص: ۳۸۸

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از بعضی از اصحاب روایت کرده است که گفت:

حضرت امام رضا علیه السلام به قبری از قبرهای اهل بیتش مرورش افتاد، دست مبارک بر روی آن قبر نهاد، سپس این دعا را خواند:

إِلَهِي يَدَّتْ قُدْرَتُكَ وَلَمْ تَبْدُ هَيْئَهُ، فَجَهَلُوكَ وَقَدَّرُوكَ، خدای من؛ قدرت و توانائی تو ظاهر گشت و برایت کیفیت و شکل و صورتی آشکار نشد، پس نشناختند تو را و برایت اندازه معین کردند، والتقدیر علی غیر ما به و صفوک، وائی بری یا ایلهی من و فرض و اندازه بر غیر آن چیزی است که به آن تو را وصف کردند، و براستی من بیزارم - ای پروردگارم - ازالذین بالتشبه طَّبُّوكَ، لیس کمثلک شیء. ایلهی وکن یدرکوک کسانی که تو را با تشبیه می جویند، هیچ چیزی همانند تو نیست. خدایا؛ هرگز تو را در نمی یابند، وظاهر ما بهم من نعمک دلیلهم علیک، لو عرفوک وفی خلقک و آنچه از نعمت هایت برای ایشان ظاهر است آن ها را بر تو دلالت می کنند اگر تو را بشناسند، و در آفریدگانت یا ایلهی مندوحة ان یتناولوک بل سووک بخلقک فمن ثم لم - ای خدای من؛ - راه فراخ و گسترده هست اگر به تو برسند، ولی آن ها تو را با مخلوقات مساوی دانستند و از آنجا است یعرفوک، واتخذوا بعض ایاتک رباً، فبدلک وصیفوک، فتعالیت که تو را نشناختند، و بعضی از آیات و نشانه هایت را پروردگار گرفتند، و به آن جهت تو را توصیف کردند، تو بلندمرتبه و برتری ربی عما به المشبهه نعتوک. (۱)

پروردگارم؛ از آنچه تشبیه کنندگان تو را به آن وصف نمودند.

ص: ۳۸۹

این دعا را حضرت امام رضا علیه السلام در قنوت نماز برای نفرین نمودن به مأمون خواندند:

اَللّٰهُمَّ يَا ذَا الْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ، وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ، وَالْمِنَّةِ الْمُتَتَابِعَةِ، خداوندا؛ ای کسی که دارای قدرتی فراگیر، و رحمتی گسترده، و احسان های پیایی، و الآلَاءِ الْمُتَوَالِيَةِ، وَاَلْأَيَادِي الْجَمِيلَةِ، وَاَلْمَوَاهِبِ الْجَزِيلَةِ، یاو نعمت های مستمر و الطاف زیبا، و بخشش های فراوان است، ای مَنْ لَا-يُوصَفُ بِتَمْثِيلٍ، وَلَا-يُمَثَّلُ بِنَظِيرٍ، وَلَا-يُعْلَبُ بِظَهِيرٍ، یا مَنْ کسی که نمی توان او را با مثال زدن توصیف نمود، و با نظیر آوردن برایش مثال زد، و با مددکار و پشتیبان او را شکست داد، ای کسی که خَلَقَ فَرَزَقَ، وَاَلْهَمَ فَأَنطَقَ، وَاَبْتَدَعَ فَشَرَعَ، وِعَلَا-فَمَارَ تَفَعَّ، وَقَدَّرَ آفَرِيدَ و روزی داد، و الهام نمود پس به سخن در آورد، و نوآوری کرد پس شروع نمود، و برتری یافت و رفیع گردید، و اندازه گیری نمود فَأَحْسَنَ، وَصَوَّرَ فَأَتَقَنَ، وَاخْتَجَّ فَأَبْلَغَ، وَأَنْعَمَ فَأَسْرَعَ، وَأَعْطَى نِكُو اندازه گیری کرد، و صورت آفرینی کرد و آن را استوار و متقن گردانید، و دلیل و حجت آورد و آن را رسا گردانید، و نعمت بخشید و آن را کامل فَأَجْزَلَ، وَمَنْحَ فَأَفْضَلَ. یا مَنْ سَمَا فِي الْعِزِّ ففَاقَ خَوَاطِفَ گردانید، و عطا نمود و آن را فراوان ساخت، و بخشش نمود و آن را افزون گردانید. ای کسی که در عِزَّتِ اوج گرفته و برتر از پرتوالبصائر، وَدَنَا فِي اللُّطْفِ فَجَازَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ، یا مَنْ تَفَرَّدَ دِيدِگان است، و در لطف و لطافت نزدیک گشته و والاتر از خطوط، افکار و اندیشه ها است، ای کسی که بِالْمُلْكِ فَلَا نِدَّ لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ، وَتَوَخَّذَ فِي كِبَرِيَّائِهِ فَلَادِر پادشاهی یگانه است، و برایش در فرمانروائی و سلطنت شریکی نیست، و در کبریائی بی همتا است وَضِدَّ لَهُ فِي جَبْرُوتِ شَأْنِهِ، یا مَنْ حَارَتْ فِي كِبَرِيَاءِ هَيْبَتِهِ برای او در عظمت شأنش مخالفی نیست، ای کسی که در بزرگی هیبت او

دَقَائِقُ لَطَافِ الْأَوْهَامِ، وَانْحَسَرَتْ دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ خَطَآئِفُ أَوْهَامٍ وَانْدِيشُهُ هَا سِرْكَردان است، و برای درك عظمتش أَبْصَارِ الْأَنَامِ. يَا عَالِمَ خَطَرَاتِ قُلُوبِ الْعَالَمِينَ، وَشَاهِدَ لَحْظَاتِ دِيدِگانِ مَرْدَمِ دَرْمَانْدَه است. ای کسی که از خطورات دل های آدمیان آگاه و نسبت به أَبْصَارِ النَّاطِرِينَ، يَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ، وَخَضَعَتِ الرِّقَابُ زيرچشمی های بینندگان گواه است، ای کسی که چهره ها در برابر هیبت او به خاك افتاده و گردن هالِعَظَمَتِهِ وَجَلَالَتِهِ، وَوَجَلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ خِيفَتِهِ، وَازْتَعَدَّتْ در برابر عظمت و جلالت و بزرگی او فرود آمده، و دل ها از ترس او به لرزه درآمده، و از بیم اَوَالْفَرَائِصُ مِنْ فَرْقِهِ. يَا بَادِيَّ يَا يَدِيعُ، يَا قَوِيَّ يَا مَنِيعُ، يَا عَلِيَّ بندهای بدن دچار ریشه گردیده. ای آغازگر؛ ای پدیدآورنده؛ ای توانا؛ ای بازدارنده؛ ای بلندمرتبه؛ یا رَفِيعُ، صَيْلٌ عَلَى مَنْ شُرِفَتِ الصَّلَاةُ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ، وَانْتَقِمَ ای بلندپایه؛ درود فرست بر کسی که نماز با صلوات بر او شرافت یافت، و انتقام بگیرلی مِمَّنْ ظَلَمْنِي، وَاسْتَخَفَّ بِي، وَطَرَدَ الشَّيْعَةَ عَنْ بَابِي، از کسی که به من ستم روا داشته، و مرا کوچک شمرد و شیعیان را از درگاه من رانده، وَأَذْفَقَهُ مَرَارَةَ الذُّلِّ وَالْهَوَانِ كَمَا أَذَقْنِيهَا، وَاجْعَلْهُ طَرِيدَ الْأَرْجَاسِ و به او تلخی ذلّت و پستی را بچشان همان گونه که به من چشانید، و او را آواره شده ناپاکان، وَشَرِيدَ الْأَنْجَاسِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى وَآوَارَه شده تبه کاران قرار بده. و سپاس و ستایش سزاوار خداوندی است که پروردگار جهانیان است و درود و رحمت خداوند بر مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ. (۱)

(حضرت) محمد و آل پاک و پاکیزه اش باد.

ص: ۳۹۱

ریان می گوید: شنیدم حضرت امام رضا علیه السلام کلماتی را می خواند، من آن ها را حفظ کردم و در هیچ دشواری آن ها را نخواندم مگر این که خداوند برایم گشایش فراهم نمود، و آن دعا این است:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتِيْ فِيْ كُلِّ كَرْبٍ، وَاَنْتَ رَجَائِيْ فِيْ كُلِّ شِدَّةٍ، خداوندا؛ تو در هر گرفتاری مایه اطمینان و آرامش من هستی، و تو در هر سختی اُمید من می باشی، وَاَنْتَ لِيْ فِيْ كُلِّ اَمْرٍ نَزْلٌ بِيْ ثِقَةٍ وَعُدَّةٌ، كَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضَعُفُ و تو در هر کاری که بر من وارد شود وسیله اطمینان و کمک من هستی، چه بسیار است گرفتاری که عَنْهُ الْفُؤَادُ، وَتَقِلُّ فِيْهِ الْحِيلَةُ، وَتَعْيِي فِيْهِ الْأُمُورُ، وَيَخْذُلُ قَلْبٌ در آن سست و ضعیف می گردد، و راه چاره در آن کم می گردد، و کارها در آن به دشواری می رسد، وفيهِ الْبَعِيدُ وَالْقَرِيبُ وَالصَّدِيقُ، وَيَشْمُتُ فِيهِ الْعَدُوُّ، أَنْزَلْتَهُ دُورَ وَنَزْدِيكَ وَدُوسْتَ در آن خوار می گردند، و دشمن در آن شماتت می کند، من آن رَابِحَكَ، وَشَكْوَتُهُ إِلَيْكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِيهِ عَمَّنْ سِوَاكَ، فَفَرَّجْتَهُ بِه دربارت آورده، و از آن به تو شکایت نمودم، از دیگران در آن گرفتاری به سوی تو میل کردم، پس آن سختی را گشایش داده وَكَشَفْتَهُ وَكَفَيْتَنِيْهِ، فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ، وَصَاحِبُ كُلِّ حَاجَةٍ، و آن را برطرف نموده و مرا از آن کفایت نمودی، پس تو سرپرست هر نعمتی هستی، و صاحب هر حاجتی می باشی، وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ، فَلَكَ الْحَمْدُ كَثِيرًا، وَلَكَ الْمُنُّ فَاضِلًا، وَنَهَايَتِ هَرِّ مِثْلِيْ می باشی، پس حمد بسیار برای تو باد، و مَنّتِ زیاد از برای توست، بِنِعْمَتِكَ تَتِمُّ الصَّالِحَاتِ، يَا مَعْرُوفًا بِالْمَعْرُوفِ مَعْرُوفٌ، وَيَا مَنْ بِهِ نِعْمَتُ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ شَائِسْتَهُ كَامِلٌ می شود. ای شناخته شده ای که به بخشش مال شناخته شده ای؛ و ای کسی که

هُوَ بِالْمَعْرُوفِ مَوْصُوفٌ، أُنِلْنِي مِنْ مَعْرُوفِكَ مَعْرُوفًا تُغْنِينِي أَوْ بِهِ أَيْنِ وَصْفٌ تَوْصِيفٌ شَدِيدٌ؛ أَيْ مَالِ خُودِ أَنْ كُونه بِهِ مِنْ بَدِهِ كَهْ بِهِ عَنْ مَعْرُوفٍ مِنْ سِوَاكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱) از مال غیر تو بی نیاز گردم، به رحمت خودت ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

دعای مهمی برای عافیت و عاقبت بخیر شدن

احمد بن موسی بن سعد گوید: با حضرت امام رضا علیه السلام در طواف بودم، چون برابر رکن یمانی قرار گرفتیم، امام علیه السلام دست های مبارک خود را بالا برد و عرض کرد:

يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ، وَيَا خَالِقَ الْعَافِيَةِ، وَيَا رَازِقَ الْعَافِيَةِ، يَا خَدَّاءَ اِيْ عَهْدِهِ دَارِ عَافِيَةٍ؛ وَ اِيْ آفَرِيْنْدِهِ عَافِيَةٍ؛ وَ اِيْ رُوْزِيْ دِهَنْدِهِ عَافِيَةٍ؛ وَ اَلْمُنْعِمُ بِالْعَافِيَةِ، وَ اَلْمُتَفَضِّلُ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَ نِعْمَتِ دِهَنْدِهِ بَا عَافِيَةٍ، وَ لَطْفِ كُنَنْدِهِ بَا عَافِيَةٍ بِر مِنْ وَ بِر تَمَامِ آفَرِيْدْ كَانَتْ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيْمَهُمَا، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ اِيْ مَهْرَبَانَ وَ رَحْمَ كُنَنْدِهِ دَر دُنْيَا وَ آخِرَتِ؛ بِه رَحْمَتِ عَامٍّ وَ خَاصٍّ خُودِ، بِر مُحَمِّدٍ وَ آلِ مُحَمِّدٍ، وَ اَرْزُقْنِي الْعَافِيَةَ، وَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ، وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ، وَ شُكْرَ مُحَمَّدٍ دُرُودِ فَرَسْتِ، وَ رُوْزِيْ مَا كَرْدَانِ عَافِيَةٍ رَا، وَ دَوَامِ عَافِيَةٍ رَا، وَ هَمِّهِ عَافِيَةٍ رَا، وَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۲).

عافیت را در دنیا و آخرت، ای مهربانترین مهربانان.

ص: ۳۹۳

۱- ۷۴. بحار الأنوار: ۱۸۷/۹۵.

۲- ۷۵. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۱۵/۲، الإقبال: ۴۶۵، وسائل الشیعه: ۴۱۷/۹، بحار الأنوار: ۱۳۷/۹۸. در «الإقبال» فرموده است: این دعا بعد از دو رکعت نماز در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان خوانده شود، بنابراین مربوط به طواف نیست.

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از فضل بن شاذان روایت کرده است که گفت: از حضرت علی بن موسی الرضاعلیه السلام شنیدم که در دعایش می خواند:

سُبْحَانَ مَنْ خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ، وَأَتَقَنَ مَا خَلَقَ بِحِكْمَتِهِ، وَوَضَعَ پَاكٍ وَ مَنْزَهٍ اسْتِ كَسَى كَهْ أَفْرِنْش رَا بَه قَدْرَتِ خَوِشِ أَفْرِيد، وَ أَنْجَه أَفْرِيد بَه حَكْمَتِ خَوِشِ مَتَقِنِ وَ اسْتَوَارِ گَرْدَانِید، وَكُلَّ شَيْءٍ مِنْهُ مَوْضِعُهُ بِعِلْمِهِ، سُبْحَانَ مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ هَرْ چِزِی رَا بَه عِلْمِ وَ دَانَشِ خَوِشِ دَرِ جَاىِ خَوْدَشِ قَرَارِ دَادِ، پَاكٍ وَ مَنْزَهٍ اسْتِ كَسَى كَهْ خِیَانَتِ چِشْمِ هَاوَمَا تُخْفِى الصُّدُورُ، وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ^(۱) وَ أَنْجَه رَا كَه سِیْنَه هَا پَنَهَانِ مِی كَنْدِ مِی دَانَدِ، وَ هِیچِ چِزِ مِثْلِ وَ مَانَنْدِ اَوِ نِیْسَتِ، وَ اَوِ شَنَوَا وَ بِنَا اسْتِ.

صلوات مهمّ حضرت امام رضا علیه السلام

مرحوم سید بن طاووس این صلوات را از حضرت امام رضاعلیه السلام نقل کرده است:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِی الْمَآوِلِیْنَ، وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ خَدَاوَنْدَا؛ بَرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ اَوِ دُرُودِ فَرَسْتِ دَرِ مِیَانِ پِشِیْنِیَانِ، وَ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِی الْآخِرِیْنَ، وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِی الْمَلَاِ الْاَعْلٰی، وَ آلِ اَوِ دُرُودِ فَرَسْتِ دَرِ مِیَانِ آیَنْدِگَانِ، وَ بَرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ اَوِ دُرُودِ فَرَسْتِ دَرِ مِیَانِ آسْمَانِیَانِ وَ فَرَشْتِگَانِ، وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِی النَّبِیِّیْنَ وَ الْمُرْسَلِیْنَ. اَللّٰهُمَّ اَعْطُوْهُ بَرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ اَوِ دُرُودِ فَرَسْتِ دَرِ مِیَانِ پِیَامْبِرَانِ وَ رَسُوْلَانِ. خَدَاوَنْدَا؛ بَه

ص: ۳۹۴

مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْوَسِيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالْفَضِيلَةَ) حضرت (محمد - که درود تو بر او و آل او باد - وسیله) مرتبه بلند آن حضرت در بهشت، بزرگی و سربلندی و برتری وَالذَّرَجَةَ الْكُبْرَى. اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و مرتبه والا عطا کن. خداوندا؛ من به (حضرت) محمد - که درود و سلام تو بر او و آل او و سلم، وَلَمْ أَرَهُ فَلَا تَحْرِمْنِیْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ رُؤُوتَهُ، وَارْزُقْنِیْ وَآلِ او باد - ایمان آوردم در حالی که او را ندیده ام، پس مرا از دیدار او در روز قیامت محروم مفرما، وَصِيَّ حَبَّتَهُ، وَتَوَفَّنِیْ عَلَیْ مِلَّتِهِ، وَاشْفِیْنِیْ مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَبًا رَوِيًّا، همدمی و همنشینی با او را به من روزی کن، و مرا بر دین و آیین او بمیران، و از حوض و آبشخور پربرکت او سیراب گردان؛ لَا أَظْلَمُ بَعْدَهُ أَبَدًا، اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِيرٌ. اَللّهُمَّ كَمَا اَمَنْتُ بِهٖ كَوْنَهُ اِیْ كِهٖ پَسِ اَزْ اَنِّ هَرَكُزِ تَشَنَّهُ نَشُوم كِهٖ تُو بِرِ هَرِ چِیزِ تَوَانائی. خداوندا؛ همان گونه که بِمُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَمْ أَرَهُ فَعَرَّفْنِیْ فِی الْجَنَّةِ بِهٖ (حضرت) محمد - که درود و صلوات تو بر او و آل او باد - ایمان آوردم و در حالی که او را ندیده ام پس در بهشت وَجْهَهُ. اَللّهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّیْ تَحِيَّهٖ كَثِیْرَةً وَسَلَامًا. (1) چهره مبارکش را به من بشناسان. خداوندا؛ به روح پاک (حضرت) محمد از طرف من سلام و درود فراوان برسان.

دعای مهمّ حضرت امام رضا علیه السلام در لعن

سید بن طاووس رحمه الله گوید: ما این دعا را به سند خود از سعد بن عبدالله در کتاب «فضل الدعاء» روایت کرده ایم.

محمد بن اسماعیل بن بزيع و سلیمان بن جعفر گویند: ما بر حضرت امام رضا علیه السلام وارد شدیم در حالی که آن حضرت در سجده شکر بود، و آن را طولانی کرد، هنگامی که سر از سجده برداشت، به ایشان عرض کردیم: سجده را طولانی نمودید، فرمود:

ص: ۳۹۵

هر کس این دعا را در سجده شکر بخواند، مانند کسی است که در روز بدر به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به طرف دشمنان تیر رها کرده است.

عرض کردیم: اجازه می دهید آن را یادداشت کنیم.

حضرت فرمود:

بلی؛ هر گاه سجده شکر نمودید، بگویید:

اَللّٰهُمَّ الْعَنِ اللّٰذِيْنَ يَدْلُوْا دِيْنََكَ، وَغَيَّرَا نِعْمَتَكَ، وَاتَّهَمَا رَسُوْلَكَ خداوندا؛ لعنت کن آن دو نفری را که دین تو را دگرگون کردند و نعمت را تغییر دادند، و رسول تو را صیلمی الله علیه و آله، و خالفا ملتک، و صدّا عن سبیلک، و کفّرا - که درود خدا بر او و آل او باد - متّهم ساختند، و با آیین تو مخالفت نمودند، و راهت را بستند، و کفرانالاءک، و ردّا علیک کلامک، و اسبّهتّهزءا بر رسولک، و قتلّا ابن نعمت هایت کردند، و کلام تو را رد کرده و نپذیرفتند، و پیامبرت را به مسخره گرفتند، و پسر نبیک، و حرّفا کتابک، و جحدّا ایاتک، و سیّخرا بایاتک، و اسبتکبرایغمبرت را کشتند، و کتابت را تحریف کردند، و آیات تو را انکار کردند، و نشانه های تو را مسخره نمودند، و عن عبادتک، و قتلّا اولیاءک، و جلسا فی مجلس لم یکن لهما از عبادت تو سرپیچی کردند، و اولیاء و دوستانت را کشتند، و در جایگاهی نشستند که هرگز بحقّ، و حملّا الناس علی اکشاف ال محمد. اَللّٰهُمَّ الْعَنُهما لعنّاسزاوار نبودند، و مردم را بر دوش آل محمد سوار کردند. خداوندا؛ آن دو را لعنت کن؛ لعنتی یتلو بغضه بغضا، و احشروهما و اتّباعهما إلی جهنّم زرقاً. اَللّٰهُمَّ متّصل و پی در پی، و آن ها را با پیروان شان به جهنّم واصل گردان در حالی که از وحشت چشمان شان به کبودی مایل باشد. خداوندا؛ اِنّا نتقرّب إلیک باللّغنه لهما و البرآئه منهما فی الدّنیاء و الآخره. ما با لعنت آن ها و بیزاری از آن دو در دنیا و آخرت به تو تقرّب می جویم. اَللّٰهُمَّ الْعَن قَتْلَهُ امیر المؤمنین، و قَتْلَهُ الحسین بن علی و ابن خداوندا؛ لعنت کن کشندگان امیر مؤمنان، و کشندگان حسین فرزند علی و فرزند

فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. اللَّهُمَّ زِدْهُمَا فاطمه دختر پیامبر خدا را که درود و سلام خدا بر او و آل او باد. خداوندا؛ بیفرا به آن دو نفر عذاباً فوق عذاب، وَهَوَاناً فوق هوان، وَذُلّاً فوق ذُل، وَخِزْيَافاً عذاب را روی عذاب، و خواری روی خواری، و ذُلّت روی ذُلّت، و رسوایی فوق خِزْي. اللَّهُمَّ دَعْهُمَا فِي النَّارِ دَعَاً، وَأَرْكَسْهُمَا فِي أَلِيمِ روی رسوایی. خداوندا؛ آن دو را با خشم و تندی و با سرافکندگی به طرف آتش بکشان، و در کيفر عِقَابِكَ رَكْساً. اللَّهُمَّ احْشُرْهُمَا وَأَتْبَاعَهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ زُمرّاً. و عذاب دردناک سرنگون کن. خداوندا؛ آن دو و پیروان شان را گروه گروه در جهنم محشور فرما. اللَّهُمَّ فَرِّقْ جَمْعَهُمْ وَشَتِّتْ أَمْرَهُمْ، وَخَالَفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ، وَبَدِّدْ خَدَاوَنَدَا؛ جمع آنان را پراکنده، و کارشان را دچار پریشانی فرما، و اختلاف بین آنان بینداز، و جماعتَهُمْ، وَالْعَنِ أَيْمَتَهُمْ، وَأَقْتُلْ قَادَتَهُمْ وَسَادَتَهُمْ وَكُبَرَاءَهُمْ، جماعت آنان را درهم بریز، و پیشوایان آنان را لعنت کن، و فرماندهان، و سروران و بزرگان آنان را به قتل برسان، وَالْعَنِ رُؤَسَاءَهُمْ، وَأَكْسِرْ رَأْيَتَهُمْ، وَأَلْقِ الْبَأْسَ بَيْنَهُمْ، وَلَا تَبْقِ و سران ایشان را لعنت کن، و پرچم شان را سرنگون ساز، و ناراحتی و عذاب را بین آنان بیفکن، وَمِنْهُمْ دِيَّاراً. اللَّهُمَّ الْعَنِ أَبَا جَهْلٍ وَالْوَلِيدَ لَغْنًا يَتْلُو بَعْضُهُ بَعْضاً، از ایشان کسی را باقی مگذار. خداوندا؛ ابوجهل و ولید را لعنت کن، لعنتی پیوسته که یکی پس از دیگری وَيَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضاً. اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَغْنًا يَلْعَنُهُمَا بِهِ كُلُّ مَلَكٍ و یکی در پی دیگری باشد. خداوندا؛ آن دو را لعنت کن لعنتی که به آن هر فرشته مُقَرَّبٍ، وَكُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ، وَكُلُّ مُؤْمِنٍ نِ امْتَحَنَتْ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ. مقرب، و هر پیامبر مرسل، و هر مؤمنی که قلبش را برای ایمان آزموده ای آن دو را لعنت کنند. اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَغْنًا يَتَعَوَّذُ مِنْهُ أَهْلُ النَّارِ. اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَغْنًا خداوندا؛ آن دو را لعنت کن به لعنتی که لَمْ يَخْطُرْ لِأَحَدٍ بِيَالٍ. اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا فِي مُسْتَسِرِّ سِرِّكَ، وَظَاهِرِهِ فِكْرٍ و اندیشه کسی خطور نکند. خداوندا؛ آن دو را لعنت کن در پنهانی سِرِّت، و ظاهر

عَلَانِيَتِكَ، وَعَذِّبُهُمَا عَذَابًا فِي التَّقْدِيرِ، وَشَارِكُ مَعَهُمَا ابْنَتَيْهِمَا، أَشْكَارَتِ، وَآنَ دُو رَا عَذَابِ كُنْ عَذَابِي فِي التَّقْدِيرِ، وَبَا آنَ دُو
دَخْتَرَانِ آنَ دُووَأَشْيَاعُهُمَا وَمُحِبَّيْهِمَا وَمَنْ شَايَعَهُمَا، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، وَپيروان و دوستان آن ها و هر کس از آن دو پیروی کند
شریک گردان، به راستی که تو شنونده دعایی، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ. (۱)

و درود خدا بر محمد و آل او همگان باد.

ص: ۳۹۸

۱- ۷۸. مهج الدعوات: ۳۰۷، مستدرک الوسائل: ۱۳۹/۵، بحار الأنوار: ۲۲۳/۸۶.

هشت دعای بسیار مهم که حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده اند

در این بخش، هشت دعای بسیار مهمی را که حضرت امام رضا علیه السلام از سایر معصومین علیهم السلام نقل کرده اند، نقل می کنیم:

دعای مهمی که حضرت امام رضا علیه السلام

و سایر اهل بیت علیهم السلام آن را می خواندند

به حضرت امام رضا علیه السلام منسوب است که فرمودند:

این از دعاهائی است که ما اهل بیت علیهم السلام بر آن مداومت داریم:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ. معبودی جز خداوند بردبار بخشنده نیست، معبودی جز خداوند بلندمرتبه باعظمت نیست، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ، وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَمَا پاك و منزّه است خداوندی که پروردگار آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه و آنچه

فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، يَا اللَّهُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ، بِحَسْبِكَ الْوَدَادُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّكَ الْحَمْدُ كُلُّ يَوْمٍ مَرَّةً أَلْفَ مَرَّةٍ، لَا تَكُنْ لِخَلَائِفِكُم مِّنْ دُونِكُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَاذُونَ بِاللَّهِ مِنَ الشَّرِّ أَزِيدُوا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ. اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ مانند او نیست، بر محمد و آل محمد درود فرست. خداوندا؛ تو پادشاه حقّ المبین، لا اله الا انت سبحانک وبحمدک، عملت سوءاً آشکاری، خدائی جز تو نیست، تو پاک و منزهی و من به ستایش تو مشغولم، بدی کردم وظلمت نفسی، فاغفر لی ذنوبی، انه لا یغفر الذنوب الا انت. و به خود ستم نمودم، گناهان مرا بیامرزد که جز تو گناهان را نمی آمرزد. اَللّٰهُمَّ اِياک اعبد، ولک اصلى، وبک امنْتُ، ولک اسلمْتُ، خداوندا؛ تنها تو را پرستش می کنم، و برای تو نماز می گزارم، و به تو ایمان دارم، و تسلیم توأم، وبیک اعتصمت، وعلیک توکلْتُ، وبیک استعنتُ، ولک اسجدُو به تو پناه آورده، و بر تو توکل نموده، و از تو یاری جسته، و برای تو سجده کرده وَأَزْكَعَ وَأَخْضَعَ وَأَخْسَعُ، وَمِنْکَ أَخَافُ وَأَرْجُو، وَإِلَیْکَ أَرْغَبُ، ورکوع نموده ام، و فروتنی و خشوع دارم، و از تو بیمناکم و به تو امیدوارم، و به سوی تو میل و رغبت دارم، وَمِنْکَ أَخَافُ وَأَحْذَرُ، وَمِنْکَ أَلْتِمِسُ وَأَطْلُبُ، وبیک اهتدیْتُ، و از تو می ترسم و پرهیز می کنم، و از تو تقاضا نموده و خواهش می کنم، و به سبب تو هدایت یافته ام، وَأَنْتَ الرَّجَاءُ وَأَنْتَ الْمُرجى وَأَنْتَ الْمُرتَجى. اَللّٰهُمَّ اهْدِنِی و تو امید و مایه امید و مورد امید من هستی. خداوندا؛ مرا هدایت کن فیمن هدیْتُ، وَعَافَنِی فیمن عافیْتُ، وَتَوَلَّی فیمن تَوَلَّیت، در میان آنان که هدایت کردی، و عافیت بخش در میان آنان که عافیت بخشیدی، و عهده دار امورم باش در میان آنان که سرپرستی نمودی، وَبَارِکْ لی فیما أعطَیت، وَقْنی شرّاً ما قَضَیت، إِنَّکَ تَفْضِی و برکت بده به من در آنچه عطا کردی، و مرا از شر آنچه به فرمان تو پیش آید حفظ کن که تو فرمان می دهی وَلَا یَفْضِی عَلَیْکَ، لَا مَنْجَا وَلَا مَلْجَأَ وَلَا مَفْرَ وَلَا مَهْرَبَ مِنْکَ و کسی بر تو حکم نمی کند و فرمان نمی دهد، رستنگاه و پناهگاه و فرارگاه و گریزگاهی از تو

إِلَّا إِلَيْكَ، سُبْحَانَكَ وَحَنَانُكَ، تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ جَزْءُ سَوَى تُو نِيَسْتِ، پاك و منزّه و بسيار مهربانى، و تو والاترى و برترى بسيار از آنچه الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا. اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ سَاسِمِ الْكَرَامَةِ مى گويند. خداوندا؛ من از تو درخواست مى كنم همه آنچه را كه مُحَمَّدٌ وَاَلُهُ، وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ كُلِّ مَا اسْتَعَاذَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَاَلُهُ. مُحَمَّد و آل او عليهم السلام از تو درخواست نمودند، و به تو پناه مى برم از همه آنچه مُحَمَّد و آل او عليهم السلام به تو پناه بردند، اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ اَنْ نَّذِلَّ وَنَخْزَى، وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ خُداوندا؛ به تو پناه مى برم از اينكه خوار و ذليل گرديم و كار ما به رسوائى كشد، و به تو پناه مى برم از شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَشَرِّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ تَبَه كَارَانِ عَرَبٍ وَ عَجَمِ. و (از) شَرِّ پريان فاجر و انسان هاى فاسق. و از شَرِّ هَرْدَى شَرِّ، وَشَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ اخَذْتَ بِنَاصِيَتِهَا، اِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ شَرُّورٍ و تبه كارى، و (از) شَرِّ هر جنبنده اى كه زمامش در اختيار تو است، همانا تو بر راه مُسْتَقِيمِ، وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَاَعُوْذُ بِكَ رَبَّ اَنْ رَّاسِتَ و استوارى، و به تو پناه مى برم از وسوسه هاى شيطان ها، و به تو پناه مى برم از اينكه يَحْضُرُونَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ، وَالْعَيْنِ نَزْدَ مَنْ حُضُورٌ داشته باشند. خداوندا؛ من به تو پناه مى برم از حشرات و خزندگان سَمَى و بدون سَم، و چشم اللَّامَةِ، وَمِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، اِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ تَأْثِيرِ كَذَّارٍ، و از شَرِّ حوادث و پيش آمدهاى شب و روز مگر پيش آمدى كه به خير پيش آيد، يَا اَللّٰهُ. اَللّٰهُمَّ اصْرِفْ عَنِّى الْبَلَاءَ وَالْآفَاتِ وَالْعَاهَاتِ، وَالْأَسْقَامَ اى خدا. خداوندا؛ از من بلا و آفات و آسيب ها و بيمارى ها و دردها و الْاَوْجَاعَ، وَالْآلَامَ وَالْمَآرِضَ، وَاَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْفَقَاقَةِ، و ناراحتى ها و مرض ها را دور گردان، و به تو پناه مى برم از فقر و تهيدستى وَالضَّنْكَ وَالضِّيْقَ وَالْحِزْمَانِ، وَسُوءِ الْقَضَاءِ وَشَمَاتِهِ الْاَعْيَادِ و تنگى و تنگدستى و محروميت و پيش آمد بد و سرزنش دشمنان

وَالْحَاسِدِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ، وَجَبَّارٍ عَنِيدٍ وَحُودَانَ، وَبِهِ تَوْپَنَاهُ مِی بَرَمِ از هَر شَیْطَانِ رَانْدَه شَدَه وَ زورگویی عِنَادِپِشَه وَ شَیْطَانِ جَاثِرٍ. اَللّٰهُمَّ مَنْ كَانَ اَمْسَى وَاَصْبَحَ، وَلَهُ ثِقَةٌ اَوْ رَجَاءٌ وَ سُلْطَانٌ سَتَمْگَرٍ. خَدَاوَنْدَا؛ هَر کِسی شام کُند و صَبِیح کُند و بَرایش مَحَلِّ اطمینان یا اَمیدی غَیْرِکَ، فَانْتَ ثِقَتی وَ سُؤلی وَ رَجَائی، یا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ، وَ یاغیر تُو باشَد، وَلی تُو مایه اطمینان مَن وَ خَواستَه وَ اَمید مَن هستی، ای بَهِترین کِسی کَه از او دَرخواست شَد؛ وَ ای اَکْرَمَ مَنْ اسْتُکْرِمَ، وَ یا اَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ، اِزْحَمَ ضَعْفی وَ ذُلِّی بزرگوارترین کِسی کَه از او بزرگواری طَلَب شَد؛ وَ ای رَحِمَ کُننَدَه ترین کِسی کَه از او تَرْحَمَ خَواستَه شَد؛ بَه نَاتوانی وَ خَواری بَیْنَ یَدِیکَ، وَ تَضَرُّعی اِلَیْکَ، وَ وَحْشَتی مِّنَ النَّاسِ، وَ ذُلُّ مَقامی مَن دَر پِشگاهَت وَ نالَه وَ زاری مَن بَسوی تُو، وَ وَحْشَتَمَ از مَرَدَمَ وَ پستی جاییگاهَم بَیاِیکَ. اَللّٰهُمَّ اَنْظُرْ اِلَیَّ بِعَیْنِ الرَّحْمَةِ نَظْرَةً تَكُونُ خَیْرَةً، بَه دَر خانَه ات رَحِمَ کُن. خَدَاوَنْدَا؛ بَه مَن با چَشمِ مَهربانی نَگاه کُن؛ نَگاهی کَه دَر آن خَیر باشَد، اِسْتَأْهِلْنَا وَ اِلَّا تَفْضُلُ عَلَیْنَا، یا اَکْرَمَ الْأَکْرَمِیْنَ، وَ یا اَجود شایستگی آن را دَاشتَه باشِیم وَ گَرَنه تَفضُل کُن بَر ما، ای کَرِیم ترین بزرگواران، وَ ای بَخْشَنَدَه ترین الْأَجودِیْنَ، وَ یا خَیْرَ الْغافِرِیْنَ، وَ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ، وَ یا اَحْکَمَ بَخْشَنَدگان وَ ای بَهِترین آمَرزَنَدگان وَ ای مَهربانترین مَهربانان وَ ای حَکِیم ترین الْحاکِمِیْنَ، وَ یا اَسْرَعَ الْحاسِبِیْنَ، یا أَهْلَ التَّقْوَى وَ الْمَغْفِرَةِ، یا حاکمان وَ ای سَریع ترین حَسابگران، ای شایستَه تَقوا وَ آمَرزش، ای مَعْدِنَ الْجُودِ وَ الْکَرَمِ. یا اَللّٰهُ، صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ کَانَ جُود وَ بَخْشِش وَ بزرگواری. ای خَدَا؛ دَرود فَرست بَر مُحَمَّد بَنَدَه ات وَ فَرستادَه ات وَ نَبِیِّکَ، وَ صَیْفِیْکَ وَ سَیْفِیرِکَ، وَ خَیْرَتِکَ مِنْ بَرِیَّتِکَ، وَ صَیْفُوتِکَ مِنْ وَ پِیامبَرَت، وَ بَرگزیدَه ات وَ نَمایندَه ات، وَ اِختیارشَدَه ات از مِیان مَوجودات، وَ بَرگزیدَه ات از خَلْقِکَ، وَ زَکِیَّکَ وَ تَقِیَّکَ وَ نَفِیَّکَ، وَ نَجِیَّکَ وَ نَجِیِّکَ، وَ وَلِیِّ مِیان آفریدگان، وَ پاک سَرشت وَ تَقواپِشَه وَ پاک وَ خالِص وَ هَمراز وَ نِیک نِژاد وَ عَهدَه دار

عَهْدِكَ، وَمَعْدِنِ سِرِّكَ، وَكَهْفِ غَيْبِكَ، الطَّاهِرِ الطَّيِّبِ، الْمُبَارَكِ امُورَت و معدن رازت، و جایگاه غیب و پنهانی ات، آن پاک پاکیزه مبارک الزکی، الصَّادِقِ الْوَفِيِّ، الْعَادِلِ الْبَارِّ، الْمُطَهَّرِ الْمُقَدَّسِ، النَّبِيرِ یارسای راستگوی وفادار، عادل نیکوکار، پاک شده مقدس نورانی الْمُضَى، السَّرَاجِ اللَّامِعِ، وَالتُّورِ السَّاطِعِ، وَالْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ، روشنی بخش، چراغ درخشنده، و نور تابان، و حجت رسا، نُورِكَ الْمُنُورِ، وَخِلَّتِكَ الْمَاطُولِ، وَعَزَّوَجَكَ الْأَوْثَقِ، وَبَابِكَ نورانی ترین نورت، و طولانی ترین ریسمانت، و مطمئن ترین دست آویزت، و نزدیکترین الْأَذْنَى، وَوَجْهِكَ الْأَكْرَمِ، وَسَیْفِیرِكَ الْأَوْقَفِ، وَجَنْبِكَ الْأَوْجِبِ، درگاهت، و گرامی ترین چهره ات، و آگاهترین نماینده ات، و واجب ترین امرت، وَطَاعَتِكَ الْأَلْزَمِ، وَحِجَابِكَ الْأَقْرَبِ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِ وَعلی الیه و لازمترین طاعت، و نزدیکترین حجابت. خداوندا؛ درود فرست بر او و بر خاندانش مِنْ آلِ طه وَیس، وَاخْصُصْ وَلَیِّكَ، وَوَصِّی نَبِیِّكَ، وَأَخَازِ آلِ طه و یاسین، و اختصاص بده ولایت و وصی پیامبرت، و برادر رسولت، وَوَزِیرَهُ وَوَلِیَّ عَهْدِهِ، إِمَامَ الْمُتَّقِینَ، وَخَاتَمَ الْوَصِیَّینَ رسولت، و وزیر و یاورش و عهده دار امورش، پیشوای پرهیزکاران، و خاتم اوصیاء لِخَاتَمِ النَّبِیِّینَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَابْنَتُهُ الْبُتُولَ، برای خاتمه دهنده پیامبران (حضرت (محمّد - که درود خدا بر او و آل او باد - و دخترش فاطمه بتول وَعلی سَیِّدِی شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ، وَعلی و بر دو سرور جوانان اهل بهشت از اوّلین و آخرین و بر الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِینَ الْمُهْدِیِّینَ السَّالِفِینَ الْمَاضِیْنَ، وَعلی النَّبَآءِ اِمَامان هدایتگر هدایت شده گذشته، و بر مهتران، بزرگان الْأَتْقِیَاءِ الْبُرَزَةِ الْمَأْمُومَةِ الْفَاضِلِینَ الْبَاقِیْنَ، وَعلی بَقِیَّتِكَ فی تقواییشان، نیکوکاران، پیشوایان دانشمند باقیمانده، و بر بقیه حجت هایت در

أَرْضِكَ، الْقَائِمَ بِالْحَقِّ فِي الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ، وَعَلَى الْفَاضِلِينَ رُوحَ زَمِينَتِ، أَنْ قِيَامَ كُنُنْدَه بَه حَقِّ دَر رُوز وَعَدَه دَادَه شُدَه، وَ بَر صَاحِبَانِ فَضِيلَتِ الْمُهْدِيَيْنِ الْأَمْنَاءِ الْخَزَنَةِ، وَعَلَى خَوَاصِّ مَلَائِكَتِكَ، جِبْرِئِيلَ هَدَايَتِ شُدَه اَمِينَانِ خَزَانَه دَارِ، وَ بَر فَرَشْتَكَا نِ خَاصَّتِ جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَعِزْرَائِيلَ، وَالصَّافِينَ وَالْحَافِينَ وَمِيكَائِيلَ وَاسْرَافِيلَ وَعِزْرَائِيلَ، وَ أَنْ فَرَشْتَكَا نِ صَفِ زَنْدَه وَ اِحَاطَه كُنُنْدَه وَالْكَرُوبِيِّينَ وَالْمُسَبِّحِينَ، وَجَمِيعِ مَلَائِكَتِكَ فِي سَمَاوَاتِكَ وَ كَرُوبِيِّونَ وَ تَسْبِيحِ كُويَانِ، وَ هَمَه فَرَشْتَكَا نِ دَر آسْمَانِ هَايَتِ وَأَرْضِكَ أَكْتَعِينَ. وَصَلَّ عَلَى أَيْنَا أَدَمَ وَأُمْنَا حَوَاءَ، وَ مَاوِ زَمِينَتِ هَمَه أَنْ هَا. وَ دُرُودِ فَرَسْتِ بَر پَدَر مَا (حَضْرَتِ) آدَمَ وَ مَادَرْمَانِ حَوَاءَ، وَ بَيْنَهُمَا مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَ اخْصِيْ صُ مُحَمَّدًا بِأَفْضَلِ پِيَا مَبْرَانِ وَ رُسُولَانِ از اَوْلَادِ أَنْ هَا، وَ اخْتِصَاصِ بَدَه (حَضْرَتِ) مُحَمَّدِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَمَ رَا بَه بَر تَرِينِ الصَّلَاةِ وَ التَّسْلِيمِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُبْرَأُ اِلَيْكَ مِنْ اَعْيِدَائِهِمْ وَ مُعَاذِيهِمْ دُرُودِ وَ سَلَامِ. خُداوَنْدَا؛ مِنْ اَز دُشْمَنَانِ اِيشَانِ وَ اَنَانِ كِه كُفْتَارِ حَقِّ اِيشَانِ رَا بَا آگَا هِي نَمِي پَذِيرِنْدِ وَ بَه اَنَانِ وَ ظَالِمِيهِمْ. اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُمْ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُمْ، وَ انْصُرْ سَتَمَ رُوَا مِي دَارِنْدِ بِيْزَارَمِ. خُداوَنْدَا؛ هَر كَسِ اَنَانِ رَا دُوسْتِ دَارْدِ دُوسْتِ بَدَارِ، وَ هَر كَسِ بَا اَنَانِ دُشْمَنِي كُنْدِ دُشْمَنِ بَدَارِ، وَ هَر مَنْ نَصْرَهُمْ، وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَ عِبَادَكَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ كَسِ اَنَانِ رَا يَارِي كُنْدِ يَارِي كُنْ، وَ هَر كَسِ بَنْدَكَا نِ بَر كَزِيدَه پَر خَيْرِ الْأَتْقِيَاءِ الْبِرَّةِ. اَللّٰهُمَّ احْشُرْنِي مَعَ مَنْ أَتَوَلَّى، وَ أَبْعِدْنِي مِمَّنْ پَر هِيْزِ كَارِ نِيكُوكَا رِ تُو رَا خُوَارِ كَرْدَانْدِ خُوَارِ فَرْمَا. خُدايَا؛ مَرَا بَا سُرُورَانِمِ مَحْشُورِ نَمَا، وَ اَز كَسَانِي كِه اَز اَن هَا بِيْزَارِي مِي جُويِمِ أَتَبَّرَأُ، وَ أَنْتَ تَعْلَمُ مَا فِي ضَمِيرِ قَلْبِي مِنْ حُبِّ أَوْلِيَائِكَ، وَ بُغْضِ دُورِ كَرْدَانِ، وَ تُو مِي دَانِي چَه مَقْدَارِ دَر دُرُونِ قَلْبِمِ دُوسْتِي اُولِيَايِ تُو، وَ كِينَه اَعْيِدَائِكَ، وَ كَفِي بِكَ عَلِيمًا. اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ، وَ ارْحَمْهُمَا دُشْمَنَانَتِ مِي بَاشْدِ، وَ تُو اَز جِهَتِ آگَا هِي وَ دَانِسْتَنِ كَافِي هَسْتِي. خُداوَنْدَا؛ مَرَا وَ پَدَرِ وَ مَادَرْمِ رَا بِيَا مَرَزِ، وَ بَه اَن دُورِ حَمِ كُنْ

كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا. اَللّٰهُمَّ اجْزِهِمَا عَنِّيْ بِاَفْضَلِ الْجَزَاءِ، هَمَانِ كَوْنَهُ كَمَا مَرَا فِي كَوْدِكِيْ بِرُورِشِ دَادَنْد. خَدَاوَنْدَا؛ بِه اَن دُو از طَرْفِ
 مِنْ بَهْتَرِيْنَ پَادَاشِ رَا مَرْحَمَتِ كُنْ وَكَافِهِمَا عَنِّيْ بِاَفْضَلِ الْمُكَافَاةِ. اَللّٰهُمَّ بَدِّلْ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ، وَبِه بَرْتَرِيْنَ تَلَاْفِيْ زَحْمَاتِ اَنَانِ رَا
 تَلَاْفِيْ كُنْ. خَدَاوَنْدَا؛ گَنَاهَانِ شَانِ رَا بِه حَسَنَاتِ وَ نِيَكِيْ هَا تَبْدِيْلِ كُنْ، وَارْفَعْ لَهُمْ بِالْحَسَنَاتِ الدَّرَجَاتِ. اَللّٰهُمَّ اِذَا صَرْنَا اِلَى مَاوِ بِا
 حَسَنَاتِ، دَرَجَاتِ اِيْشَانِ رَا بِاَلَا- بِبِر. خَدَاوَنْدَا؛ هَنْگَامِيْ كِه مِنْتَهِيْ شَدِيْمِ بِه سُوِيْ اَنْجِه اَن هَا صَارُوْا اِلَيْهِ، فَأَمْرُ مَلِكِ الْمَوْتِ اَنْ
 يَكُوْنَ بِنَا رَوْوْفًا رَحِيْمًا. بِسُوِيْ اَن مِنْتَهِيْ شَدَنْد، بِه مَلِكِ الْمَوْتِ دَسْتُوْرِ بَدِه كِه بِه مَا رُئُوْفِ وَ مَهْرَبَانِ بِاشَد. اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ وَلِجَمِيْعِ
 اِخْوَانِنَا الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِيْنَ خَدَاوَنْدَا؛ مَرَا وَ هَمِه بَرَادَرَانِ وَ خَوَاهِرَانِ اِيْمَانِيْ مَا وَ مَرْدَانِ وَ زَنَانِيْ كِه وَالْمُسْلِمَاتِ،
 اَلْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْمَيُوتِ، وَتَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ تَسْلِيْمًا اَوَامِرِ خَدَايَنْد، زَنْدِگَانِ وَ مَرْدِگَانِشَانِ رَا بِبِيَامَرْزِ، وَ مِيَانِ مَا وَ اِيْشَانِ بِالْخَيْرَاتِ،
 اِنَّكَ مُجِيْبُ الدَّعَوَاتِ وَوَلِيُّ الْحَسَنَاتِ، يَا اَرْحَمَ بِه خَيْرَاتِ وَ خُوْبِيْ هَا پِيُوْنْدِ بَرَقَرَارِ كُنْ كِه تُو اِجَابَتِ كُنَنْدِه دَعَاها وَ صَاْحِبِ
 حَسَنَاتِ هَسْتِيْ، اِيْ مَهْرَبَانْتَرِيْنَ الرَّاحِمِيْنَ. اَللّٰهُمَّ لَا تُخْرِجْنِيْ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا اِلَّا بِذَنْبٍ مَغْفُوْرٍ، مَهْرَبَانَانِ. خَدَاوَنْدَا؛ مَرَا خَارِجِ مَكْنِ اَز
 اِيْنِ دُنْيَا جِزِ بِا گَنَاهِ اَمْرَزِيْدِه شَدِه، وَسَعِيْ مَشْكُوْرٍ، وَعَمَلٍ مُّتَقَبَّلٍ، وَتِجَارَةٍ لَنْ تَبُوْرَ. اَللّٰهُمَّ اغْنِنِيْ وَ تَلَاَشِ پَادَاشِ دَادِه شَدِه، وَ عَمَلِ
 بِذِيْرِفْتِه شَدِه، وَ تِجَارَتِيْ كِه كَسَادِ نَمِيْ شُوْد. خَدَاوَنْدَا؛ مَرَامِنِ النَّارِ، وَاجْعَلْنِيْ مِنْ طُلُقَائِكَ وَعُتَقَائِكَ مِنَ النَّارِ. اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ اَتَشِ
 رَهَائِيْ بِخَشِ، وَ مَرَا اَزِ اَزَادَشْدِگَانِ وَ رَهَائِيْ يَافْتِگَانِ اَزِ اَتَشِ قَرَارِ بَدِه. خَدَاوَنْدَا؛ گَنَاهَانِ لِيْ مَا مَضَى مِنْ ذُنُوْبِيْ، وَاعْصِمْنِيْ فِيمَا
 بَقِيَ مِنْ عُمْرِيْ. اَللّٰهُمَّ گِذَشْتِه اَمِ رَا بِبِيَامَرْزِ، وَ دَرِ اَنْجِه باْقِيْ مَانْدِه اَزِ عَمْرَمِ بِه مِنْ مَصُوْنِيْتِ بَدِه، وَ مَرَا اَزِ گَنَاهِ حَفْظِ كُنْ.
 خَدَاوَنْدَا؛ كُنْ لِيْ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَنَاصِرًا وَمُعِيْنًا، وَاجْعَلْنِيْ فِيْ حِزْزِكَ سَرِيْرَسْتِ وَ نِگَهْدَارِ وَ يَارِ وَ مَدْدِكَارِ مِنْ بِاشِ، وَ مَرَا دَرِ حَفْظِ وَ
 حِرَاسَتِ

وَحِفْظِكَ، وَحِمَايَتِكَ وَكَنْفِكَ، وَدِرْعِكَ الْحَصِينِ وَفِي كَلَاءَتِكَ، و حمایت و سایه ات و در زره محکم نگهداریت قرار بده، عَزَّ جَارُكَ، وَحِلَّ ثَنَاؤُكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ، وَلَا مَعْبُودَ سِوَاكَ. عزیز و نیرومند است آنکه در جوار تو است، و مدح و ثنایت والا است، و خدایی غیر تو نیست، و معبودی جز تو نمی باشد. اَللّٰهُمَّ مِنْ اَرَادَنِيْ بِسُوءٍ فَاَرِدْهُ. اَللّٰهُمَّ رُدِّ كَيْدَهُ فِيْ نَحْرِهِ. اَللّٰهُمَّ خداوندا؛ هر کس اراده بدی نسبت به من دارد به او اراده کن. خداوندا؛ مکر و نیرنگ او را در گلوگاهش بازگردان. خداوندا؛ بَتِّرْ عُمْرَهُ، وَيَدِّدْ شَمْلَهُ، وَفَرِّقْ جَمْعَهُ، وَاسْتَأْصِلْ شَأْفَتَهُ، وَاقْطَعْ عَمْرَ او را قطع کن، و جمع او را پریشان، و جمعیت او را پراکنده ساز، و او را ریشه کن، و دنباله اش را دابرهُ، وَفَتِّرْ رِزْقَهُ، وَائِلِهْ بِجُهْدِ الْبَلَاءِ، وَاشْغَلْهُ بِنَفْسِهِ، وَابْتَلِيْهِ قَطْعَ كُن، و روزیش را تنگ بگیر، و او را به بلای طاقت فرسا مبتلا، و به خودش مشغول ساز، و به بعیالهِ وُؤْلِدِهِ، وَاصْرِفْ عَنِّيْ شَرَّهُ، وَاطْبِقْ عَنِّيْ فَمَّهُ، وَخُذْ مِنْهُ عِيَالِشَ و اولادش گرفتار کن، و شر او را از من بازگردان، و دهانش را از گفتار نسبت به من ببند، و امن و امان را از او اَمْنَهُ مِثْلَ مَنْ اَخَذَ مِنْ اَهْلِ الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ، وَاجْعَلْنِيْ مِنْهُ بَكِيرَ مَانِدِ آنچه از اهل آن قریه که ستمکار بودند گرفتی، و مرا به حفاظت عَلٰی حَيْذَرٍ بِحِفْظِكَ وَحِيَاظَتِكَ، وَادْفَعْ عَنِّيْ شَرَّهُ وَكَيْدَهُ وَمَكْرَهُ، و احاطه ات از او بر حذر دار، و از من شر او و حيله و نیرنگ او را دور کن، وَاكْفِنِيْ مَا اَهَمَّنِيْ مِنْ اَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِيْ. اَللّٰهُمَّ و مرا از شر او کفایت کن، و آنچه از امر دنیا و آخرتم مرا اندوهناك ساخته کفایت نما. خداوندا؛ لَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِيْ. اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ لِيْ شَأْنِيْ، كَسِي را که به من رحم نمی کند بر من مسلط مفرما. خداوندا؛ مرا و شئون مرا اصلاح کن، وَاَصْلِحْ فَسَادَ قَلْبِيْ. اَللّٰهُمَّ اَشْرَحْ لِيْ صَدْرِيْ، وَنَوِّرْ قَلْبِيْ، و تباهی قلبم را اصلاح نما. خداوندا؛ سینه ام را گشایش بده، و قلبم را نورانی فرما، وَيَسِّرْ لِيْ اَمْرِيْ، وَلَا تُشْمِتْ بِيْ الْاَعْدَاءَ وَلَا الْحَاسِدَ. اَللّٰهُمَّ و امر مرا آسان گردان، و مرا مورد شماتت و سرزنش دشمنانم و حسودان قرار مده. خداوندا؛

أَغْنِي بَغْنَاكَ، وَلَا تُخَوِّجْنِي إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ، تَفَضَّلْ عَلَيَّ عَنْ مَرَاةٍ بِي نِيَازِ گِردان، و مرا محتاج کسی جز خودت مفرما، با تفضل خود فضل من سواک، یا قَرِيبُ یا مُجِيبُ، یا اَللّٰهُ لَا اِلهَ اِلَّا اَنْتَ نیازمند فضل غیر خودت مکن، ای نزدیک؛ ای اجابت کننده؛ ای خدا؛ معبودی جز تو نیست، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ، عَمِلْتُ سُوءًا، وَظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاعْفُ لِي پاك و منزهى و به ستایش تو مشغولم، بدی کرده ام و بر خود ستم نموده ام، پس گناهان مرا دُنبِی إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ. اَللّٰهُمَّ أَظْهِرِ الْحَقَّ وَأَهْلَهُ، بیامرز که جز تو کسی گناهان را نمی آمرزد. خداوندا؛ حق و اهل آن را پیروز گردان، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أَقُولُ بِهِ وَأُنْتَظَرُهُ. اَللّٰهُمَّ قَوْمَ قَائِمِ اِلِ مُحَمَّدٍ، و مرا از کسانی قرار بده که قائل به آن و در انتظار آن هستم. خداوندا؛ قیام کننده آل محمد علیهم السلام را استواری بخش، وَأَظْهِرْ دَعْوَتَهُ بِرِضَا مِنْ اِلِ مُحَمَّدٍ. اَللّٰهُمَّ أَظْهِرْ رَأْيَتَهُ، وَهَوِّوْ دَعْوَتَهُ را با خشنودی آل محمد ظاهر گردان. خداوندا؛ پرچمش را برافراشته، وَعَزِّمَهُ، وَعَجِّلْ خُرُوجَهُ، وَأَنْصُرْ جُيُوشَهُ، وَأَعِزُّدْ أَنْصَارَهُ، عِزِّمِ او را تقویت، و خروجش را شتاب فرما، و لشکرش را یاری، و یارانش را پشتیبانی نما، وَأَبْلِغْ طَلِبَتَهُ، وَأَنْجِجْ أَمَلَهُ، وَأَصْلِحْ شَأْنَهُ، وَقَرِّبْ أَوَانَهُ، فَإِنَّكَ وَ او را به خواسته اش برسان، و به آرزویش کامیاب کن، و شَأْنِ او را اصلاح، و دورانش را نزدیک گردان که تَوْتَبَدِئُ وَتُعِيدُ، وَأَنْتَ الْغَفُورُ الْودُودُ. اَللّٰهُمَّ اَمْلِ الدُّنْيَا قِسِيًّا آغَاZ کننده و بازگرداننده ای، و تو آمرزنده و بسیار مهربانی. خداوندا؛ دنیا را پر از عدل و عِدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا. اَللّٰهُمَّ اَنْصُرْ جُيُوشَ الْمُؤْمِنِينَ، و داد کن همانطور که پر از ظلم و ستم شده. خداوندا؛ یاری کن لشکر مؤمنان و سَرَايَاهُمْ وَمُرَابِطِيهِمْ حَيْثُ كَانُوا وَأَيْنَ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ وَ جَنَاجِيَانِ و مرزداران آنان را در هر حالی هستند و هر کجایند در مشرق الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَأَنْصُرْهُمْ نَصْرًا عَزِيزًا، وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحًاو مغرب زمین. و عزتمندانه آن ها را یاری نما، و برای ایشان فتح و گشایشی

يَسِيرًا، وَاجْعَلْ لَنَا وَلَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا اَسَانَ بفرما، و از ناحیه خودت برای ما و ایشان سلطانی یاری شده قرار بده. خداوندا؛ ما را مِنْ اَتْبَاعِهِ وَالْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ. اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الظَّالِمَ هَازِ پيروان او و شهادت طلبان پیشاپیش او قرار بده. خداوندا؛ سران ستم پیشه وَالظَّالِمِينَ، الَّذِينَ بَدَّلُوا دِينَكَ، وَحَرَّفُوا كِتَابَكَ، وَغَيَّرُوا سُنَنَهُو ستمگران را که دین تو را دگرگون، و کتابت را تحریف، و سَنَتِ پیامبرت را تغییرنَبَّيْكَ، وَدَرَسُوا الْاَثَارَ، وَظَلَمُوا عَلَى اَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَقَاتَلُوا اِدَادَكَ، و آثار را ناپدید، و بر اهل بیت پیامبرت ستم نمودند، و آن ها را کشتند وَتَعَدُّوا عَلَيْهِمْ، وَغَصَبُوا حَقَّهُمْ، وَنَفَوْهُمْ) وَنَفَرُوهُمْ (عَنْ بُلْدَانِهِمْ، و به آنان تعدی کردند، و حق ایشان را غصب نموده و آنها را از شهرهایشان تبعید وَازْعَجَبُوهُمْ عَنْ اَوْطَانِهِمْ، مِنَ الطَّاعِينَ وَالتَّابِعِينَ وَالْقَاسِطِينَ و از سرزمین های شان رانندند، آن طغیانگران عصر رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم و آنان که پیامبر را ندیدند و کجروان وَالْمَارِقِينَ وَالتَّائِبِينَ، وَأَهْلِي الزُّورِ وَالْكَذِبِ، اَلْكَفَرَةِ الْفَجْرَةِ. و خارج شدگان از دین و پیمان شکنان، و اهل زور و دروغ، کافران و فاجران را لعنت کن. اَللّٰهُمَّ الْعَنِ اَتْبَاعَهُمْ، وَجَبُوشَهُمْ وَأَصْحَابَهُمْ وَأَعْوَانَهُمْ خداوندا؛ پيروان آنان و لشکریان و همراهان و یاران وَمُجْبِيهِمْ وَشِيَعَتِهِمْ، وَاحْشُرْهُمْ اِلَى جَهَنَّمَ زُرْقًا. اَللّٰهُمَّ عَذِّبْ و دوستان و شیعیان ایشان را لعنت کن، و با چشمان کبود به جهنم محشورشان فرما. خداوندا؛ كَفَرَةَ اَهْلِي الْكِتَابِ وَجَمِيعِ الْمُشْرِكِينَ، وَمَنْ ضَارَعَهُمْ مِنْ كَافِرَانِ اهل کتاب و همه مشرکان، و آن ها که برای ایشان فروتنی می کنند اِزَالْمُنَافِقِينَ، فَإِنَّهُمْ يَتَقَلَّبُونَ فِي نِعْمِكَ، وَيَجْحَدُونَ اِيَاتِكَ، منافقان را عذاب کن، که آن ها در نعمت تو غوطه ورنند، و آیات تو را انکار وَيَكْذِبُونَ رُسُلَكَ، وَيَتَعَدُّونَ حُدُودَكَ، وَيَدْعُونَ مَعَكَ اِلٰهًا، و فرستادگان را تکذیب، و از حدود و مقررات تو تجاوز می کنند، و با تو خدای دیگری را می خوانند،

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا دَرِّ حَالِي كَهَيْجَةِ خَدَائِي جِزْ تُو نِیْسْت، تُو پَاک و مَنزّهی و تُو بَرْتَر و
 وَاَلاتَری از آنچِه ستمگران کَبِیراً. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الشَّکِّ وَالشُّرْکِ، وَالشَّقَاقِ مِی گویند. خداوندا؛ من به تُو پناه می برم
 از شَکِّ و شرک و مخالفت و النِّفَاقِ وَالرِّیَاءِ، وَدَرَکِ الشَّقَاءِ، وَسُوءِ الْقَضَاءِ، وَشَمَاتِهِو نِفَاق و رِیاء و بدبختی و بدی سرنوشت، و
 سرزنش الأَعْدَاءِ، وَسُوءِ الْمُتَنَقِّلِبِ. اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّیْ کَمَا تَقَبَّلْتَ مِنْ دُشْمَنَانِ، و بازگشت بد. خداوندا؛ از من بپذیر همان گونه که
 اَزَالِ الصَّالِحِیْنَ، وَالْحَقْنِیْ بِهِمْ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ. اَللّٰهُمَّ اَفْسِخْ فِی شَایِسْتِگان پذیرفتی، و مرا به آنان ملحق کن ای مهربانترین
 مهربانان. خداوندا؛ در اَجَلِی، وَاَوْسَعِ فِی رِزْقِی، وَمَتَّعْنِیْ بِطَوْلِ الْبَقَاءِ وَدَوَامِ الْعِزِّ، اَجَل و مهلت من فراخی، و در رزق و روزیم
 گستردگی قرار بده، و مرا به ماندن طولانی و عِزَّتِ پایداری، وَتَمَامِ النِّعْمَةِ، وَرِزْقِیْ و اَسْعِ، وَاَغْنِنِیْ بِحَلَالِکَ عَنْ حَرَامِکَ، و نعمت
 کامل و روزی گسترده بهره مند ساز، و به حلال خود از حرمت بی نیاز گردان، وَاَصْرِفْ عَنِّی السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ وَالْمُنْكَرَ. اَللّٰهُمَّ
 اَفْعَلْ بِی مَاوِ از من بدی و زشتی و ناپسند و نامشروع را بازگردان. خداوندا؛ آنچه تُو شایسته آن هستی أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلَا تَفْعَلْ بِی
 مَا أَنَا أَهْلُهُ، لَا تَأْخُذْنِیْ بِعَدْلِکَ، جُذِّبْ بَا مِنْ اَنْجَامِ بَدَه، و آنچه را من شایسته آن هستم بَا مِنْ اَنْجَامِ مَدَه، مرا به عدل خویش
 مؤاخذه مکن؛ بَلْکَ عَلَیْیَ بَعْفُوکَ وَرَحْمَتِکَ، وَرَأْفَتِکَ وَرِضْوَانِکَ. اَللّٰهُمَّ عَفُوکَ، به عفو و رحمت و رأفت و خشنودیت بر من
 جود و بخشش کن. خداوندا؛ عفو تُو را تَمَنَّا دارم، لَا تَزِدَّنَا حَآئِبِیْنَ، وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِیْ، وَلَا تَجْعَلْنِی مِنَ الْقَانِطِیْنَ، ما را محروم
 بازمگردان، و امیدم را قطع مکن، و مرا از ناامیدان وَلَا مَحْزُومِیْنَ وَلَا مُجْرِمِیْنَ وَلَا اِیْسِیْنَ وَلَا ضَالِّیْنَ وَلَا مُضْطَلِّیْنَ و محرومان و
 مجرمان و مأیوسان و گمراهان و گمراه کنندگان

وَلَا مَطْرُودِينَ وَلَا مَغْضُوبِينَ. اٰمِنًا الْعِقَابَ، وَاطْمَئِنَّ بِنَا دَارَكَ وَ رانده شدگان و مورد غضب قرار گرفتگان قرار مده. ما را از كيفر ايمن بدار، و ما را به سرايت دار السّلام. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ اِلَيْهِ الطَّيِّبِينَ، سراي سلامتي - يعنى بهشت - مطمئن ساز. خداوندا؛ به راستى من به وسيله محمد و آل پاكش به سوى تو توسّل مى جويم، وَ اَتَشْفَعُ اِلَيْكَ بِهِمْ، وَ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِهِمْ، وَ اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِهِمْ. و به واسطه ايشان شفاعت مى طلبم، و به سوى تو تقرب مى يابم، و به درگاهت روى مى آورم. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ بِهِمْ وَجِيهًا. اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ بِهِمْ، وَ تَجَاوَزْ عَنِّ خداوندا؛ مرا به واسطه ايشان آبرومند قرار بده. خداوندا؛ به واسطه ايشان مرا بيارمز، و به خاطر ايشان سَيِّئَاتِيْ بِهِمْ، وَ اَرْحَمْنِيْ بِهِمْ، وَ اَشْفَعْنِيْ بِهِمْ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ از گناهانم بگذر، و به خاطر ايشان به من رحم كن، و به واسطه ايشان مرا شفاعت فرما. خداوندا؛ به راستى من از تَوْحُّشِ الْعَاقِبَةِ، وَ تَمَامِ النِّعْمَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ سَرِيعٌ نِكُو، و نعمت كامل در دنيا و آخرت درخواست مى كنم، كه تو بر هر شئى ءِ قَدِيرٌ. اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَ اَرْحَمْنَا، وَ تُبِّ عَلَيْنَا، وَ عَافِنَا جِيزِ تَوَانِي. خداوندا؛ ما را بيارمز و رحمت كن، و بازگشت كن بر ما، و عفو فرما وَ عَنَّمَا وَ رَفِّعْنَا، وَ سَيِّدُنَا وَ اهْدِنَا، وَ اَرْشِدْنَا وَ عَافِنَا، وَ كُنْ لَنَا وَ اَرْشِدْنَا، وَ اَسْتَوَارْ نَمَا وَ هِدَايَتِ كُن، و راهنمائى فرما و عفو نما، و به نفع ما باش وَ لَا تُكُنْ عَلَيْنَا، وَ اَكْفِنَا مَا اَهَمَّنَا مِنْ اَمْرِ دُنْيَانَا وَ آخِرَتِنَا، و بر ضرر ما مباح، و آنچه از امر دنيا و آخرت ما مهم است و ما را اندوهگين ساخته كفايت كن، وَ لَا تُضِمْ لَنَا وَ لَا تُهْلِكْنَا وَ لَا تُضِمْ غَنَا، وَ اهْدِنَا اِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ، و ما را گمراه مكن و هلاك مگردان و پست و فرومايه مساز، و به راه راست هدايت كن، وَ اَتِنَا مَا سَأَلْنَا وَ مَا لَمْ نَسْأَلْكَ، وَ زِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ، اِنَّكَ اَنْتَ وَ آنچه از تو خواستيم و نخواستيم به ما عطا فرما، و از فضل خود بر آن بيفزا كه تو بسيار الْمَنَّانُ يَا اَللّٰهُ. «رَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً نَعْمَتِ دهنده اى اى خداوندا. پروردگارا؛ به ما در دنيا نيكي و در آخرت نيكي عنايت كن،

وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۱)، اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، إِغْفِرْ وَارْحَمْ و از عذاب آتش نگهدار، از خداوند پروردگارم آمرزش می طلبم و به سوی او باز می گردم، بیا مرز و رحمت کن و تجاوز عَمَّا تَعْلَمُ، فَإِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ (۲).

و از آنچه می دانی بگذر که براستی تو عزیزتر و گرامی تری.

در «بحار الأنوار» روایت شده که این، دعای قنوت نماز وتر است.

دعای مهمی در ستایش خداوند

این دعا پس از نماز رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم خوانده می شود:

لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْمَأُولِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهًا وَاحِدًا خَدَائِي جَزْ خَدَاوند يَكْتَا نِيَسْت كِه او پروردگار ما و پروردگار پدران پيشين ما است، هِيچ معبودي جَزْ خدا نيست كِه معبودي يگانه است وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ و ما سر تسليم به درگاهش فرود آورده ايم، خدائي جَزْ خداوند بي همتا نيست و ما جَزْ او را پرستش نمي كنيم، و دين را براي او خالص الدين وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخِدَهُ وَخِدَهُ وَخِدَهُ، كرده ايم گرچه اهل شرك نپسندند، معبودي جَزْ خدا نيست، او يكتا و يگانه و بي همتا است، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَأَعَزَّ جُنْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَخِدَهُ، وعده اش را وفا كرد و بنده اش را ياري نمود و لشكرش را تقويت نمود، و گروه هاي بهم پيوسته دشمن را شكست داد، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَللّهُمَّ أَنْتَ پس فرمانروايي از آن او است و او سزاوار سپاس و ستايش است و او بر همه چيز توانا است. خداوندا؛ تَوَنُّورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ قَيَّامٌ روشني بخش آسمان ها و زمين و هر كس در آن ها است هستي، پس تو سزاوار ستايشي، و تو برپادارنده

ص: ۴۱۱

۱- ۷۹. سوره بقره، آيه ۲۰۱

۲- ۸۰. فقه الرضا عليه السلام: ۴۰۲، بحار الأنوار: ۲۱۱/۸۷.

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ الْحَقُّ، أَسْمَانِهَا وَزَمِينِهَا وَهَر كَسٍ فِيهَا هَسْتِي، پَس تُو سَزَاوَارِ
 سَتَايشِي، وَتُو حَقِّي، وَوَعْدُكَ الْحَقُّ، وَقَوْلُكَ حَقُّ، وَإِنْجَازُكَ حَقُّ، وَالْجَنَّةُ حَقُّ، وَالنَّارُ وَعْدُهُ حَقُّ، وَكَفَّارَتُ حَقِّ، وَ
 وَفَاكَرَدَنَتُ بِهَ أَنْ حَقُّ اسْتِ وَتَخَلَّفِي نَدَارْدِ، وَبِهَشْتِ وَدُوزَخِ حَقُّ. اَللّٰهُمَّ لَكَ اَسْتَلَمْتُ، وَبِكَ اَمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَبِكَ حَقُّ
 اسْتِ. خَدَاوَنْدَا؛ خُود رَا تَسْلِيْمَ تُو نَمُودَم، وَبِه تُو اِيْمَانِ آوَرْدَم، وَبِر تُو تَوَكَّلَ كَرْدَم، وَبِه تُو (بَا دَشْمَنَانِ دِيْنِ) خَاصَمْتُ، وَإِلَيْكَ
 حَاكَمْتُ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، اِغْفِرْ لِي مَاخَصُومَتِ كَرْدَم، وَحُكُومَتِ وَدَاوَرِي رَا بِهَ پِيَشْكَاهِ تُو آوَرْدَم، اِي پُرُورْدِ گَارِ مَنْ؛ اِي
 پُرُورْدِ گَارِ مَنْ؛ اِي پُرُورْدِ گَارِ مَنْ؛ هَدَمْتُ وَمَا اَخَّرْتُ، وَمَا اَسْرَرْتُ وَمَا اَعْلَنْتُ، اَنْتَ اِلٰهِي لَا اِلٰهَ اَنْجَهْ اَزِ گَنَاهِ دَرِ گَزْدَشْتِه وَحَالِ
 اَنْجَامِ دَاَدِه اَم، پَنَهَانِ كَرْدِه وَآشْكَارِ نَمُودِه اَم بِيَاْمَرِزِ، تُو خَدَايِ مَنْ هَسْتِي وَهِيْجِ خَدَاوَنْدِي اِلَّا اَنْتَ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
 وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي جَزِ تُو نِيَسْتِ، بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دُرُودِ فَرَسْتِ، وَمَرَا بِيَخْشِ وَمُورِدِ رَحْمَتِ خُوِيْشِ قَرَارِ بَدِه وَتُبَّ عَلَيَّ،
 اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ. (۱)

و توبه ام را بپذیر، که تو بی گمان بسیار توبه پذیر و مهربان هستی.

دعای صباح

دعای صباح از دعاهاى بسیار مهمّی است که حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن را
 می خواندند و پس از خواندن آن، دعای دیگری را- که ما بعد از دعای صباح نقل می کنیم - می خواندند:

ص: ۴۱۲

۱- ۸۱. زاد المعاد: ۵۱۵، جمال الأسبوع: ۱۶۲، هدیّه الزائرین و بهجه الناظرین: ۶۳۶، بحار الأنوار: ۱۷۰/۹۱، مستدرک الوسائل:
 ۲۷۲/۶.

اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِطُوقِ تَبْلُجِهِ، وَسَرَّجَ قِطْعَ اللَّيْلِ خَدَاوْنِدَا؛ اِی کَسی کَہ بیرون کشیدہ زبان صبحدم را با گفتار روشن و گویایش، و پراکنده نموده پاره های شب الْمُظْلَمِ بِغَايِبِ تَلْجُلُجِهِ، وَأَتَقَنَ صُنْعَ الْفَلَکِ الدَّوَّارِ فِی مَقَادِرِ تَارِ را با تاریکی شدید سرگردانش، و استوار داشته چرخ گردون را در اندازه های برج هَائِبُجِهِ، وَشَعَّعَ ضِیَاءَ الشَّمْسِ بِنُورِ تَأْجُجِهِ، يَا مَنْ دَلَّ عَلِیوِ گردش های آن، و پرتوافکن ساخته تابش خورشید را با روشنائی فروزان آن. اِی کَسی کَہ راهنمائی کرده برذاتِهِ بِذَاتِهِ، وَتَنَزَّهَ عَنْ مُجَانَسِهِ مَخْلُوقَاتِهِ، وَحِیْلَ عَنْ مُلَائِمِهِوَجُودِ خود با ذاتِ خود، و پاک و منزّه است از هم جنس بودن و شباهت داشتن با آفریدگانش، و برتر است از برخوردارِ کَیْفِیَّاتِهِ، يَا مَنْ قَرَّبَ مِنْ خَطَرَاتِ الطُّنُونِ، وَبَعِدَ عَنْ لَحْظَاتِ کِیْفِیَّاتِ و چگونگی هایش، اِی کَسی کَہ نزدیک است به آنچه گمان ها به آن خطور کند، و از دیدارِ الْعُیُونِ، وَعَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ یَكُونَ، يَا مَنْ أَرْقَدَنی فِی مِهَادِیدِ گان دور، و دانا است به آنچه وجود دارد پیش از آنکه به وجود آمده باشد، اِی کَسی کَہ خوابانید در گهواره اَمْنِهِ وَأَمَانِهِ، وَأَيَّقَنی اِلَی مَا مَنَحَنی بِهِ مِنْ مَنَنِهِ وَإِحْسَانِهِ، اَمِنْ وَ اَمَانِش، و بیدار کرد مرا برای بهره مند شدن از آنچه عطا کرده به من از الطاف و احسانش، وَكَفَّ أَكْثَفَ الشُّوءِ عَنِّی بَیْدِهِ وَشُلْطَانِهِ (وَقُدْرَتِهِ). صَلِّ اللّٰهُمَّ عَلَی وَ بازداشت پنجه های بدی را از من با قدرت و سلطنتش. خدَاوْنِدَا؛ درود فرست برالدَّلِيلِ اِلَیْكَ فِی اللَّیْلِ الْأَلْوَلِ، وَالْمُتَمَسِّكِ (وَالْمَاسِكِ) مِنْ أَشْبَابِكَ آن دلیل و راهنمای به سوی تو در شب تار، و آنکه تمسک جسته از میان وسائِلِ بِحَبْلِ الشَّرَفِ الْأَوَّلِ، وَالنَّاصِعِ الْحَسْبِ فِی ذُرْوِهِ الْكَاهِلِ به بلندترین ریسمان شرافت، و آنکه دودمان و نژاد خالص و پاکیزه اش در بالاترین قَلِّهِ الْأَعْبَلِ، وَالثَّابِتِ الْقَدَمِ عَلَی زَحَالِفِهَا فِی الزَّيْمِ الْأَوَّلِ، وَعَلَى درخشندگی است، و آنکه در لغزشگاهها ثابت قدم و استوار بود در زمان های پیشین (جاهلیت) با همه پرتگاههای آن، و

اَللّٰهُمَّ اَلْبَرَّارِ الطَّيِّبِ الْمُضِيَّ طَفَيْنِ الْاَخْيَارِ. وَافْتَحِ لَنَا مَصَارِيحَ تَحِيَّتٍ وَدُرُودٍ بِرِآلِ پَاكِ اَوْ كِه بِرِگَزِيْدِگَانِ وَ نِيكُو كَارَانْدِ.
 خداوندا؛ درهای الصَّباحِ بِمَفَاتِيحِ الرَّحْمَةِ وَالْفَلَاحِ، وَأَلْبِسِنَا اللّٰهَ مِنْ أَفْضَلِ خَلْعٍ صَبِيحٍ رَا بِا کَلِيْدِهَائِ رَحْمَتِ وَ رَسْتِگَارِی بِه
 رُوی مَا بَگِشَا، وَ مَا رَا اَز بَهْتَرِيْن جَامِه هَا وَ خَلْعَتِ هَا یِ اَلْهِدَايَةِ وَالصَّلَاحِ. وَأَغْرِسِ اللّٰهَ بِعَظَمَتِكَ فِی شَرْبِ جَنَانِی هِدَايَتِ وَ
 دَرَسْتِکَارِی بِپُوشَانِ. وَ بَنَشَانِ - خداوندا؛ - بِه عَظَمَتِ دَر جُویبَارِ دَلَمِ یَنَابِیعِ الْخُشُوعِ، وَأَجْرِ اللّٰهَ لِهَيْبَتِكَ اَمَاقِ زَفَرَاتِ
 الدُّمُوعِ، چِشمِه هَا یِ خُشُوعِ وَ فُروتنِ رَا، وَ دَر بَرابَرِ هِیْتِ خُویْشِ - خداوندا؛ - اَز گُوشِه هَا یِ چِشمِ قَطَرَاتِ اشْکِ رَا جَارِی
 کُن، وَأَدَبِ اللّٰهَ نَزَقَ الْخُرْقِ مِنْی بِأَزَمِّهِ الْقُنُوعِ. اِلَهِی اِنْ لَمْ وَ اَدَبِ کُنِ خداوندا؛ شَتَابَزْدِگِیِ وَ نَرْمِیِ نَکَرْدَنِ مَرا بِا مِهَارِ قِنَاعَتِ
 (کِه بِه خَاطِرِ حُکَامِ دُنیا خُودِ رَا بِه پِستی نِیَانْدَازَمِ). بارالها؛ اِگَر تَبَّیْدَتْنِی الرَّحْمَةُ مِنْکَ بِحُسْنِ التَّوْفِیْقِ، فَمَنْ السَّالِکُ بِي اِلَیْکَ بِا
 تَوْفِیْقِ نِيکُو پِیشِی نَگِرْفَتِه بُوْدِ مَرا رَحْمَتِ وَ مِهرَبَانِیِ اَتِ، چِه کِسی مَرا بِه سَویِ تَوْفِیِ وَاضِحِ الطَّرِیْقِ، وَ اِنْ اَسْلَمْتْنِی اَنَاتُکَ لِقَائِدِ
 الْأَمْرِ وَالْمُنَى، دَر رَاہِ رُوشَنِ مِیِ رَا نَدِ؟ وَ اِگَر مِهَلَتِ دَاَدَنَتِ مَرا بِه رِهرو آرزو هَا وَ خَواهِشِ هَا وَ اِگَذارِ مِیِ نَمُودِ، فَمَنْ الْمُقْبِلُ
 عَثَرَاتِی مِنْ کِبَوَاتِ الْهَوَى، وَ اِنْ خَذَلْتَنِي نَضِيرُکَ چِه کِسی لَغْزِشِ هَا یِ مَرا کِه اَز سَر نَگُونیِ مَرکَبِ هُویِ وَ هُوسِ پِیْدَا مِیِ شَدِ
 جَبْرَانِ مِیِ کَرْدِ؟ وَ اِگَر رِها مِیِ کَرْدِ مَرا یَارِیِ تَوْعِنَدِ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ وَالشَّيْطَانِ فَقَدْ وَکَلْتَنِي خِذْلَانُکَ اِلَیْ حَيْثُ هَنگَامِ نَبَرْدِ بِا
 نَفْسِ وَ شَیْطَانِ، بِه رَاسْتِیِ یَارِیِ نَکَرْدَنَتِ مَرا بِه النَّصَبِ وَالْحِزْمَانِ. اِلَهِی اَتْرَانِیِ مَا اَتَيْتُکَ اِلَّا مِنْ حَيْثُ الْأَمَالِ أَمْ رَنْجِ وَ نَاامِیْدِیِ
 مِیِ اَفکَنْدِ. بارالها؛ مِیِ بِنِیِ وَ مِیِ دَانِیِ کِه بِه دَر گَاهَتِ نِیَا مَدِه اَم مَگَر بِه خَاطِرِ آرزو هَائِیِ کِه دَارَمِ عَلِقْتُ بِأَطْرَافِ حِبَالِکَ اِلَّا
 حِينَ بَاعِدْتَنِي ذُنُوبِي عَنْ دَارِ الْوَصَالِ، وَ بِه رِشْتِه هَا یِ رِیْسْمَانَتِ چَنگِ نَزْدِه اَم مَگَر هَنگَامِیِ کِه گَنَاهَانِمِ مَرا اَز مَحَلِّ وَصَالِ وَ
 پِیُوندِ بِا تُو دُور کَرْدِ، فَبِئْسَ الْمَطِيَّةُ الَّتِي امْتَطَيْتَ نَفْسِي مِنْ هَوَاهَا، فَوَاهَا لَهَا لِمَا سَوَّلْتَ پَسِ بَدِ مَرکَبِیِ اَسْتِ مَرکَبِیِ کِه نَفْسِ مَنِ اَز
 رُویِ خَواهِشِ هَا یِ خُودِ سَوارِ گِشْتِه، وَ وَایِ

لَهَا ظَنُّوْهَا وَمُنَاهَا، وَتَبَّأَ لَهَا لِحْزَانُهَا عَلَى سَيِّدِهَا وَمَوْلِيهَا. إِلَهِي بِرَأْسِهَا وَتَمَنَّا هَيْسَ جَلْوَهْ كَرْدَه، وَ نَابُود بَاد كَه
بِر سرور و مولای خود جرأت پیدا کرده است. بارالها؛ قَرَعْتُ بَابَ رَحْمَتِكَ بِيَدِ رَجَائِي، وَهَرَبْتُ إِلَيْكَ لَاجِئاً مِنْ فَرَطِدِرِ رَحْمَتِ
رَا بَا دَسْت اَمِيْدَم كُوبِيْدَم، وَ بَه سُوِي تُو گريختم در حالی که از زياده رُوِي أَهْوَأَي، وَ عَلَقْتُ بِأَطْرَافِ جِبَالِكَ أَنَامِلَ وَلَائِي،
فَاصْرِفْ إِلَهُمُ هَوَاهَا وَ هُوسَ هَايِمَ بَه تُو پناهنده گشته ام، وَ بَه رَشْتَه هَاِي رِيْسَمَانَت بَا اَنگِشْتَان وَ لَا وَ دُوسْتِي چَنگ زده ام. پَس
خداوندا؛ بگذر عَمَّا كُنْتُ أَجْرَمْتُهُ مِنْ زَلَلِي وَ خَطَايَايَ، وَأَقْلَبْنِي إِلَهُمُ مِنْ صِرْعَهِاز لَغْزَش هَا وَ خَطَاهَايِي كَه مَرْتَكَب شَدَه ام وَ -
خداوندا؛ - از زمين خوردن ذاتي، فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمُعْتَمِدِي وَ رَجَائِي، وَأَنْتَ غَايَهُو تَبَاه شَدَن مَرَا نَگَهْدَارِي وَ دَسْتگيري
كُن، كَه تُو سرور مَن وَ مولا- وَ تَكِيه گاه وَ اَمِيْد مَن هَسْتِي وَ تُو نَهَايْت مَطْلُوبِي وَ مُنَايَ فِي مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ. إِلَهِي كَيْفَ تَطْرُدُ
مَسْكِينَانَ مَقْصُودَ وَ آرزوي مَنِي دَر دُنْيَا وَ آخِرَت. بارالها؛ چگونه از دَر گاهْت مِي رَانِي مَسْكِيْن بِيچاره اِي رَا كَه اَلْتَجَأَ إِلَيْكَ مِنْ
الدُّنُوبِ هَارِباً، أَمْ كَيْفَ تُحَيِّبُ مُشْتَرِشِدًا قَصْدًا ز گناهان گريخته وَ بَه تُو پناهنده گشته؟ يَا چگونه محروم مِي سَارِي كَسِي رَا كَه
خواستار رَشْد وَ هِدَايْت اَسْت إِلِي جَنَابِكَ سَاعِيًا، أَمْ كَيْفَ تَرُدُّ ظَمَانًا وَ رَدَّ عَلَى حِيَاضِكَ وَ شَتَابَانَ آهَنگِ آسْتَان تُو نَمُودَه؟ يَا
چگونه دُور مِي كَنِي تَشْنَه اِي رَا كَه بَر چَشْمَه هَاِي پَر آبْت وَ اَرْد گشته شَارِباً، كَلَّا وَ حِيَاضُكَ مُتْرَعَةً فِي ضَنْكِ الْمُحُولِ، وَ بَابُكَ
مَفْتُوحٌ تَا جَرَعَه اِي بِيَا شَامِد؟ نَه؛ هَر گَز چَنِيْن نِيْسْت وَ حُوض هَاِي تُو پَر آب اَسْت دَر شَدْت خَشْكَسَالِي وَ بِي آبي، وَ دَر گاه تُو
گَشُودَه وَ بَا ز اَسْت لِلطَّلَبِ وَالْوُغُولِ، وَأَنْتَ غَايَهُ الْمَشِيْمُولِ وَ نَهَايَهُ الْمَأْمُولِ. بَرَاي دَر آمَدَن وَ دَر خُواسْت كَرْدَن، وَ تُو اَنْتَهَاي خُواسْتَه
خُواسْتَارَان وَ نَهَايْت آمَالِ آرزو مَنْدَان هَسْتِي. إِلَهِي هَذِهِ أَرِمَهُ نَفْسِي قَدْ عَقَلْتُهَا بِعِقَالِ مَشِيَّتِكَ، وَ هَذِهِ أَعْبَاءُ بَارَالِهَا؛ اَيْن زَمَان نَفْسِ
مَن اَسْت كَه آن رَا بَا مَهَار مَشِيَّتِ تُو پاي بِنْد كَرْدَه ام، وَ اَيْن بَار گَرَان دُنُوبِي دَرَأْتُهَا بِعَفْوِكَ وَ رَأْفَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ، وَ هَذِهِ أَهْوَأَي
الْمُضِلَّهْ گناهان مَن اَسْت كَه بَه پاي عَفْو وَ مَهْرَبَانِي وَ رَحْمَتِ افكَنْدَه ام، وَ اَيْن هَوَاهَا وَ هُوسَ هَاِي گَمْرَاه كَنَنْدَه مَن اَسْت كَه

دِيَاجِي الْعَسَقِ، وَأَنْهَزَتِ الْمِيَاهُ مِنَ الصُّمِّ الصَّيَاحِيْدِ عَذْبًا وَأُجَاجًا، تَارِيكِي هَاي شَب تَار رَا رُوشَن سَاخْتِه اِي، وَ آب هَاي شِيرِيْن وَ شُور رَا اَز دَل سَنَك هَاي سَخْت وَ مُحَكَم رُوان كَرْدِه اِي، وَأَنْزَلْتُ مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَاجًا، وَجَعَلْتُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَ اَبْرَهَاي فُشْرْدِه آب فِرَاوان وَ پِيَاپِي رَا فِرُو فِرْسْتادِه اِي، وَ خُورَشِيْد وَ ماه رَا لِبَرِيَّه سِرَاجًا وَ هَاجًا مِنْ غَيْرِ أَنْ تُمَارِسَ فِيمَا ابْتَدَأْتَ بِهِ لُغُوبًا لِبرای مردم چِراغِي فِرُو زَنْدِه قَرار دادِه اِي، بَدُون اِيْنكِه دَر اَنچِه پَدِيْد اُورْدِه اِي خُسْتِه وَ دِرمانْدِه شُوي وَلَا عِلَاجًا، فَيَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ وَالْبَقَاءِ، وَقَهَرَ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ يَا لِبرای عِلَاج وَ دِرمان كُوشِش كُنِي، پَس اِي كُسي كِه يَكْتَا وَ يَكَاْنِه اسْت بِه عِزَّت وَ جَاوَدانگِي، وَ بِنْد گانِش رَا بِه مَرگِ وَالْفَنَاءِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَتْقِيَاءِ، (أَهْلَكَكَ أَغْدَائِي،) (وَ اَبُودِي مَقْهُور سَاخْتِه، بَر مُحَمَّدٍ وَ آلِ پَرهِيْز كَارِش دِرُود فِرْسْت،) (دُشْمَنانِم رَا نَابُود گِرْدان،) (وَ اسْتَمِعْ نِدَائِي، وَ اسْتَجِبْ دُعَائِي، وَ حَقِّقْ بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَ رَجَائِي، وَ صَدَاي مَرَا بَشَنُو، وَ دَعَايِم رَا بِه اِجابَت بَر سان، وَ بِه فَضْل وَ كَرَمَت اَرزو وَ اَمِيْد مَرَا مُحَقِّق سَاز، يَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ لِكَشْفِ الضَّرِّ، وَالْمَأْمُولِ لِكُلِّ عُسْرٍ وَيُسْرٍ، يَا اِي بَهْتَرِيْن كُسي كِه لِبرای بَر طَرَف نِمُودَن بِيچارگِي خُوانْدِه شُدِه، وَ دَر هَر دُشْوَاري وَ آسانِي مَايِه اَمِيْد وَ اَرزو اسْت، اِي سَيِّدِي بِكَ أَنْزَلْتُ حَاجَتِي فَلَا تَزِدْنِي مِنْ سَيِّئِي مَوَاهِبِكَ خَائِبًا، يَاسِرُور مَنْ؛ حَاجَتِم رَا بِه تُو عَرْضِه دَاشْتِه اَم پَس مَرَا اَز بَخْشِش هَاي اَرزِشْمَنْدَت مُحْرُوم بازمِگِرْدان، اِي كَرِيْم، يَا كَرِيْم، بَرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ، وَصَلَّى كَرِيْم؛ اِي بَزَر گُوار؛ اِي بَخْشَنْدِه، بِه رَحْمَتِ اِي مَهْرَبانْتَرِيْن مَهْرَبانان، وَ دِرُود اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ أَجْمَعِيْنَ. (۱)

خداوند بر محمد و آل پاک و همه خاندان پاک و پاکیزه او باد.

ص: ۴۱۷

و از حضرت امام الجنّ و الإنس علی بن موسی الرضاعلیه السلام نقل شده که آن حضرت بعد از تمام شدن دعای صباح این دعا را (برای آموختن به ما) می خواندند:

إِلَهِی قَلْبِی مَحْجُوبٌ، وَنَفْسِی مَعْيُوبٌ، وَعَقْلِی مَغْلُوبٌ، وَهَوَاؤِی مَعْبُودٌ؛ قَلْبِی مِنْ دَرِ پَرْدَهِ وَزَنْگَارِ گِرَفْتِهِ، وَنَفْسِی دُجَارِ عِیْبِ وَزَشْتِی، وَعَقْلِی شِکْسْتِ خُورْدِهِ، وَتَمَایِلَاتِ نَفْسَانِی اَمِ غَالِبٌ، وَطَاعَتِی قَلِیلٌ، وَمَعْصِیَتِی کَثِیرٌ، وَلِسَانِی مُقَرَّرٌ بِالذُّنُوبِ، چِیرِهِ وَپِیروزِ، وَاطَاعَتِی اَنَدِکِ، وَنَافِرْمَانِیِمِ بَسِیَارِ، وَزَبَانِی اَقْرَارِ کُنَنْدِهِ بَهِ گَنَآهَانِ اَسْتُ، فَکَیْفَ حِیْلَتِی یَا عَلَّامُ الْغُیُوبِ، یَا سَتَّارَ الْغُیُوبِ، وَغَفَّارِ پَسِ چَارِهِ اَمِ چِیَسْتُ اِی دَانَایِ پَنَهَانِی هَا؛ اِی پُوشَانَنْدِهِ عِیْبِ هَا؛ وَ اَمْرَزَنْدِهِ الذُّنُوبِ، فَاعْفِرْ لِی ذُنُوبِی کُلَّهَا یَا غَفَّارُ، یَا غَفُورُ، یَا حَلِیمُ، یَا گَنَآهَانِ؟ هَمِّهِ گَنَآهَانِی را بِیَا مَرَزِ اِی بَسِیَارِ اَمْرَزَنْدِهِ؛ اِی بَخْشَنْدِهِ؛ اِی بَرْدَبَارِ؛ اِی رَحِیمُ، وَاقْضِ حَاجَتِی بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِیمِ، وَالنَّبِیِّ الْکَرِیمِ، مَهرَبَانِ؛ وَ حَاجَتِی را بَر آورْدِهِ سَازِ بَهِ حَقِّ قُرْآنِی کَهِ مَرْتَبَهِ اَشِ عَظِیمِ اَسْتُ، وَ پِیَا مَبْرِی کَهِ بَزَرْگُوارِ مِی بَاشْدِ، وَ اِلَهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ، تُبْتُ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ مِنْ جَمِیعِ وَ اَلْپَاکِ وَ پَاکِیزِهِ او، (بَهِ دَرگَآهِ تُو) تَوْبَهِ وَ بَازگِشْتِ نَمُودَمِ اِی صَاَحِبِ عَظْمَتِ وَ بَزَرْگِی وَ بَزَرْگُواری؛ اَزِ هَمِّهِ الذُّنُوبِ وَ الْاِثَامِ، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ، وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَی گَنَآهَانِ وَ کَارِهایِ حَرَامِ، وَ سِیَاسِ وَ سَتَایشِ سَزَاوَارِ پُروردِگَارِ جَهِانِیَانِ اَسْتُ وَ دُرُودِ خُداوندِ بَرْمُحَمَّدٍ وَ اِلَهِ اَجْمَعِینَ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ الْمَعْصُومِینَ الْاُخْیَارِ. (۱) حضرت (مُحَمَّدٌ وَ اَلْپَاکِ وَ پَاکِیزِهِ اَشِ کَهِ مَعْصُومِ وَ نِیکوکارِند.

ص: ۴۱۸

در بعضی از نسخه های دعای صباح، دعای دوّم (با اختلاف نسخه ها) جزو دعای صباح آورده شده است.

استغفار بسیار مهمّ

محقّق سبزواری در کتاب «مفاتیح النّجاه» از حضرت علیّ بن موسی الرضا علیه السلام، از پدران بزرگوارش علیهم السلام، از امام سجّاد علیه السلام، از امام حسین علیه السلام روایت کرده که فرمود:

روزی نزد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نشسته بودم که مرد عربی آمد و عرض کرد: ای امیر مؤمنان؛ مردی عیال وارم و از مال دنیا بهره ای ندارم.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای برادر عرب؛ چرا استغفار نمی کنی تا حالت نیکو شود.

عرب عرض کرد: ای امیر مؤمنان؛ من زیاد استغفار می کنم ولی دگرگونی و فزونی در حال خود نمی بینم.

امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: خدای تعالی فرموده: «به درگاه پروردگارتان استغفار کنید تا آسمان را بر شما ریزان کند و به مال و فرزندان تان کمک دهد و نهرها برای شما قرار دهد» (۱).

من استغفاری را به تو یاد می دهم که در هنگام خواب بدان استغفار کنی و روزی ات فراخ گردد.

آن گاه این استغفار را برای او نوشت و به مرد عرب داد و سفارش کرد هنگامی که به بستر خواب رفتی و آهنگ خواب کردی، این استغفار را بخوان و گریه کن و اگر گریه ات نیامد تباکی کن (و خود را به صورت گریه کنندگان درآور).

امام حسین علیه السلام فرمود:

این مرد عرب، سال دیگر نزد امیر مؤمنان آمد و عرض کرد: به راستی ای امیر

ص: ۴۱۹

مؤمنان؛ خدای تعالی نعمت خود را بر من تمام کرده به حدی که منطقه بر من تنگ شده و جایی برای نگهداری شتران و گوسفندانم از بس که زیاد شده اند نمی یابم.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: ای برادر عرب؛ سوگند به خدایی که محمد صلی الله علیه وآله وسلم را به رسالت برانگیخت؛ بنده ای نیست که این استغفار را بخواند جز آن که خدای تعالی گناهانش را بیامزد و حاجت های مشروع او را برآورد و مال و فرزندانش را به برکت این استغفار افزون کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ قَوَّیْ عَلَیْهِ یَدَنِیْ بِعَافِیَّتِكَ، اَوْ مَعْبُودًا؛ از تو آمرزش می خواهم از هر گناهی که بدن من با عافیت و تندرستی که تو عنایت کردی به انجام دادن آن قوت یافت، یا نالته قُدرتی بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ، اَوْ بَسَطْتَ اِلَیْهِ یَدَیْ بِسَابِغِ رِزْقِكَ، قدرت من به برکت نعمت تو به آن رسید، یا به سبب روزی ریزان تو دست خود را به سوی آن دراز کردم، اَوْ اَتَكَلْتُ فِیْهِ عِنْدَ خَوْفِیْ مِنْهُ عَلٰی اَنَاتِكَ، اَوْ اَحْتَجَبْتُ فِیْهِ مِنْ یَا در هنگام ترس خود از آن بر بردباری تو تکیه کردم، یا النَّاسِ بِسِتْرِكَ، اَوْ وَثِقْتُ مِنْ سَیْطَوْنِكَ عَلٰی فِیْهِ بِحِلْمِكَ، اَوْ بِا پوشش تو خود را از مردم پنهان کردم، یا از قهر تو در آن گناه به حلم و شکیبایی ات تکیه کردم، یا عَوَّلْتُ فِیْهِ عَلٰی کَرَمِ عَفْوِكَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ دَرَبَارَهٗ اَنْ بَه بزرگواری گذشت تو تکیه کردم. مَعْبُودًا؛ من از تو آمرزش می خواهم از هر گناهی که خُنت فِیْهِ اَمَانَتِی، اَوْ بَخَسْتُ بِفِعْلِهِ نَفْسِی، اَوْ اَحْتَطَبْتُ بِهٖ عَلَیْهِ اَمَانَتِ خود در آن خیانت کردم، یا با انجام آن، جان خود را آلودم، یا بار گناهی بریدنی، اَوْ قَدَّمْتُ فِیْهِ لَذَّتِی، اَوْ اَثَرْتُ فِیْهِ شَهْوَتِی، اَوْ سَعِیْتُ بَدَنِ خود فراهم کردم، یا لَذَّتِی را پیش داشتم، یا خواسته دل را بدان مقدم داشتم، یا فِیْهِ لَغَیْرِی، اَوْ اَسْتَعْوِیْتُ اِلَیْهِ مَنْ تَبَعْنِی، اَوْ کَايَدْتُ فِیْهِ مَنْ بَرای دیگری بدگویی و سعایت کردم، یا در صدد گمراهی کسی که از من پیروی می کرد برآمدم، یا کسی که مرا از

مَنْعَنِ، أَوْ قَهْرْتُ عَلَيْهِ مَنْ عَادَانِي، أَوْ غَلَبْتُ عَلَيْهِ بِفَضْلِ حِيلَتِي، كَجِي بَازْمِي دَاشْتُ فَرِيبِ دَادَمِ، يَا بَا كَسِي كِه بَا مِنْ دَشْمَنِي مِي كَرْد بِه قَهْر عَمَلِ كَرْدَمِ، يَا بِه كَمَكِ نِيرَنَكِ خُودِ بَرِ اَوِ چِيرِه شَدَمِ، أَوْ أَحَلْتُ عَلَيْكَ، مَوْلَايَ فَلَمْ تَغْلِبْنِي عَلَى فِعْلِي، إِذْ كُنْتُ كَارِهًا يَا بَرِ تُو حَوَالِه كَرْدَمِ. مَوْلَايَ مَنْ؛ تُو بَا اَيْنِ كِه نَا فَرْمَانِي مَرَا نَاخُوشِ لِمَعَصِيَّتِي فَحَلُمْتُ عَنِّي، لَكِنْ سَبَقَ عِلْمُكَ فَيَا بِفِعْلِي ذَلِكَ لَمْ دَاشْتِي حِلْمِ وَرَزِيدِي، وَلِي عِلْمِ دِيرِينِه تُو دَرِ كَارِ مِنْ تُدْخِلْنِي يَا رَبِّ فِيهِ جَبْرًا، وَلَمْ تَحْمِلْنِي عَلَيْهِ قَهْرًا، وَلَمْ تَظْلِمْنِي مَرَا دَرِ اِنْجَامِ آنِ مَجْبُورِ نَكْرَدِ اِيِ پُروردگارِ مَنْ؛ وَ بِه قَهْرِ وَ اِجْبَارِ مَرَا بَرِ آنِ كَارِ وَا دَارِ نَمُودِ، وَ تُو هِيْجِ كُونه سَتْمِي فِيهِ شَيْئًا، فَاسْتَغْفِرْكَ لَهُ وَلِجَمِيعِ ذُنُوبِي. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَغْفِرُكَ دَرِ اَيْنِ بَارِهِ بَرِ مَنْ رُوا نَدَاشْتِي، وَ مَنْ اَزِ اَيْنِ گِناهِمِ وَ هَمِه گِناهِمِ اَزِ تُو اَمْرَزْشِ مِي خُواهِمِ. خُدايَا؛ مَنْ اَزِ تُو اَمْرَزْشِ مِي خُواهِمِ لِكُلِّ ذَنْبٍ ثَبْتُ اِلَيْكَ مِنْهُ، وَاَقْدَمْتُ عَلَى فِعْلِهِ، فَاسْتَخَيِّتُ مِنْكَ بَرَايِ هَرِ گِناهِی كِه اَزِ آنِ گِناهِ بِه دَرِ گَاهْتِ تُو بِه كَرْدَمِ وَلِي بَدَانِ دَسْتِ زَدَمِ، وَ دَرِ حَالِ اِنْجَامِ آنِ اَزِ تُو شَرْمِ دَاشْتَمِ وَاَنَا عَلَيْهِ، وَرَهْبَتِكَ وَاَنَا فِيهِ تَعَاظِيْتُهُ، وَعُدْتُ اِلَيْهِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ وَ اَزِ تُو دَرِ آنِ حَالِ كِه بَدَانِ سَرِگَرْمِ بُوْدَمِ بِيْمِ كَرْدَمِ وَ بَا اَيْنِ حَالِ دُوبَارِهِ بِه آنِ گِناهِ بَا زِ گِشْتَمِ. مَعْبُودَا؛ اَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ كَتَبْتَهُ عَلَيَّ بِسَبَبِ خَيْرٍ اَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ اَزِ تُو اَمْرَزْشِ مِي خُواهِمِ بَرَايِ هَرِ گِناهِی كِه بَرِ مَنْ نُوْشْتِه وَ ثَبْتِ كَرْدِه اِيِ بِه سَبَبِ كَارِ خَيْرِي كِه اِنْجَامِ دَا دِه اَمِ وَ بَرَايِ تُو بُوْدِه فَخَالَطَنِي فِيهِ سِوَاكَ، وَ شَارَكَ فِعْلِي مَا لَا يَخْلُصُ لَكَ، أَوْ وَجَبَ وَلِي دِيْگَرِي دَرِ آنِ شَرِيكَ گِشْتِه وَ سَبَبِ شَدِه تَا خُلُوصِ اَزِ آنِ گِرْفْتِه شُودِ، يَاعَلَيَّ مَا اَرَدْتُ بِهِ سِوَاكَ، وَ كَثِيرٌ مِنْ فِعْلِي مَا يَكُونُ كَذَلِكَ. اَللّٰهُمَّ بَرِ مَنْ مَقَرَّرِ گِشْتِه بِه خَاطِرِ اَيْنِ كِه هَدَفَمِ اَزِ آنِ كَارِ، فَرْدِ دِيْگَرِي جُزِ تُو بُوْدِه بَا اَيْنِ كِه بَسِيَا رِي اَزِ كَارِ هَايِمِ اَيْنِ كُونه نَبُوْدِه. خُدايَا؛ اِنِّيْ اَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوَرَّكَ عَلَيَّ بِسَبَبِ عَهْدٍ عَاهَدْتُكَ عَلَيْهِ اَزِ تُو اَمْرَزْشِ مِي خُواهِمِ بَرَايِ هَرِ گِناهِی كِه بَرِ مَنْ چِيرِه گِشْتِه، بِه خَاطِرِ عَهْدِي كِه بَا تُو بَسْتَمِ أَوْ عَقْدٍ عَقَدْتُهُ لَكَ، أَوْ ذِمَّةٍ وَاثَقْتُ بِهَا مِنْ اَجْلِكَ لِاِحْدٍ مِنْ خَلْقِكَ، يَا پِيْمَانِي كِه بَرَايِ تُو بَسْتَمِ، يَا ذِمَّةِ اِيِ كِه بِه خَاطِرِ تُو بَرَايِ يَكِي اَزِ بِنْدِگَانْتِ تَوْثِيْقِ نَمُودَمِ،

ثُمَّ نَقَضْتَ ذَلِكَ مِنْ غَيْرِ ضَرُورِهِ لِمَنْتَنِي فِيهِ، بَلِ اسْتِزَلَّنِي إِلَيْهِ سِيسَ بَدُونِ ضَرُورَتٍ وَاجْبَارِي كِه پيدا كنم آن را شكستم، بلکه آنچه سبب پيمان شكني من شد خود كامگي در عَنِ الْوَفَاءِ بِهِ الْأَشْرُ، وَمَنْعَنِي عَنْ رِعَايَتِهِ الْبَطْرُ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ نَعْمَتٌ بُوْد وَ اَنُجِه مَانَع رِعَايَتِ اَن بُوْد سِرْمَسْتِي بُوْد. خدايا؛ همانا من اَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ رَهْبْتُ فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ، وَخَفْتُ فِيهِ غَيْرِكَ، از تو آمرزش مي خواهم براي هر گناهي كه از بندگان واهمه كردم و از ديگران جز تو ترسيدم، وَاَسْتَخِيْتُ فِيهِ مِنْ خَلْقِكَ ثُمَّ اَقْضَيْتُ بِهِ فِعْلِي اِلَيْكَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ وَ از بندگان شرم كردم، سِيسَ اَيْنِ كَارِ خُود را به حساب تو گذاردم. خدايا؛ اَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اَقْدَمْتُ عَلَيْهِ وَ اَنَا مُشْتَقِقٌ اَنَّكَ تُعَاقِبُ عَلَيَّ از تو آمرزش مي خواهم براي هر گناهي كه بدان اقدام كردم در حالي كه يقين داشتم كه تو مرا در انجامِ اَن عِقَابِ اَرْتِكَايِه فَارْتَكَبْتُهُ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ قَدَّمْتُ فِيهِ خُواهي كرد پس اَن را انجام دادم. خدايا؛ از تو آمرزش مي خواهم براي هر گناهي كه شَهْوَتِي عَلَي طَاعَتِكَ، وَانْزَلْتُ مَحَبَّتِي عَلَي اَمْرِكَ، وَارْضَيْتُ شَهْوَتِ خُود را به فرمانبرداري تو مقدم داشتم، و دلخواه خود را بر فرمان تو ترجيح دادم، وَفِيهِ نَفْسِي بِسَخَطِكَ وَقَدْ نَهَيْتَنِي عَنْهُ بِنَهْيِكَ، وَتَقَدَّمْتُ اِلَيْ فِيهِ نَفْسِ خُود را با خشم تو خشنود ساختم، در صورتي كه تو با منع كردنت مرا از اَن بازداشتي، وَبِاِغْذَارِكَ، وَاحْتَجَجْتُ عَلَي فِيهِ بِوَعِيدِكَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَغْفِرُكَ رَاهِ عَذْرَتَرَاشِي را بر من بستي، و با تهديد خود بر من اقامه حُجَّت و دليل كردي. خدايا؛ از تو آمرزش مي خواهم لِكُلِّ ذَنْبٍ عَلِمْتُهُ مِنْ نَفْسِي، اَوْ ذَهَلْتُهُ، اَوْ نَسِيْتُهُ، اَوْ تَعَمَّدْتُهُ، براي هر گناهي از خود كه دانسته انجام دادم يا از ياد برده يا فراموش كردم يا به عَمْد اَوْ اَخْطَاؤُهُ، مِمَّا لَا اَشْكُ اَنَّكَ سَأَلْتَنِي عَنْهُ، وَ اَنَّ نَفْسِي مُرْتَهَنَةٌ يَا به خطا انجام دادم، از آنچه ترديد نداشتم كه مرا به خاطر اَن ها بازخواست مي كني، و جان من در گِرُوبِهِ لَدَيْكَ، وَ اِنْ كُنْتُ قَدْ نَسِيْتُهُ، اَوْ غَفَلْتُ نَفْسِي عَنْهُ. اَللّٰهُمَّ اَن اَسْتُ، اِگرچه فراموشش كردم، يا نفسم از اَن غافل شد. خدايا؛

إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ وَاجْهْتُكَ بِهِ، وَقَدْ أَقْنَنْتُ أَنَّكَ تَرَانِي، از تو آمرزش می خواهم از هر گناهی که رو در روی تو انجام دادم با این که یقین داشتم تو به خوبی مرا می بینی، وَأَعْفَلْتُ أَنْ أَتُوبَ إِلَيْكَ مِنْهُ، أَوْ نَسِيتُ أَنْ أَتُوبَ إِلَيْكَ مِنْهُ، أَوْ وَلِي غَفْلَتِ کردم که از آن به درگاهت توبه کنم یا فراموش کردم توبه کنم يانَسِيتُ أَنْ أَسْتَغْفِرَكَ لَهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ دَخَلْتُ فَرَامُوشِ کردم از تو آمرزش بخوام. خدایا؛ از تو آمرزش می خواهم از هر گناهی که بدان دست زدم فيه، وَأَحْسَنْتُ ظَنِّي بِكَ أَنْ لَا تُعَذِّبَنِي عَلَيْهِ، وَأَنَّكَ تَكْفِينِي مِنْهُ. و به تو خوش گمان بودم که مرا بدان عذاب نخواهی کرد و مرا از آن کفایت خواهی نمود. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ نِ اسْتَوْجَبْتُ بِهِ مِنْكَ رَدَّ الدُّعَاءِ، خدایا؛ از تو آمرزش می خواهم از هر گناهی که برای انجام آن سزاوار بود که دعایم را بازگردانی، وَحَزَمَانَ الْإِجَابَةِ، وَخَيِّبَةَ الطَّمَعِ، وَانْفِسَاخَ الرَّجَاءِ. اللَّهُمَّ إِنِّي وَ از اجابت محروم کنی، و طمعم را قطع کرده نومیدم گردانی. خدایا؛ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُعَقِّبُ الْحَسِيرَةَ، وَيُورِثُ النَّدَامَةَ، وَيَحْسِسُ از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که افسوس در پی دارد و پشیمانی به بار آورد، الرِّزْقَ، وَيَرُدُّ الدُّعَاءَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُورِثُ وَ رزق و روزی را حبس کند و دعا را بازگرداند. خدایا؛ از تو آمرزش می خواهم از هر گناهی که الْأَسْـِقَامَ، وَيُعَقِّبُ الضَّنَاءَ، وَيُوجِبُ النَّقْمَ، وَيَكُونُ اخِرُهُ حَسِيرَةً رَهْيِمَارِي ها به بار آورد، و ناخوشی های سخت در پی دارد، و عذاب و شکنجه را سبب گردد، و پایان آن نیز افسوس و نَدَامَةً. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ مَدَحَتْهُ بِلِسَانِي، أَوْ وَ پشیمانی باشد. خدایا؛ از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که با زبانم آن را ستودم، يَاهَشَّتْ إِلَيْهِ نَفْسِي أَوْ اكْتَسَبَتْهُ بِيَدِي وَهُوَ عِنْدَكَ قَبِيحٌ تُعَاقِبُ نَفْسَ مَنْ بَدَانَ آرامش گرفت یا به دست خود آن را کسب کردم، در صورتی که آن کار نزد تو زشت بود که عَلَى مِثْلِهِ، وَتَمَقَّتْ مَنْ عَمَلَهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ بِه امثالِ آن عقوبت می کردی و از انجام آن خشم می کردی. خدایا؛ از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که

[illegible]

كَتَبَتْهُ عَلَيَّ بِسَبَبِ عَجَبٍ كَانَ بِنَفْسِي، أَوْ رِيَاءٍ أَوْ سِيَمَعِهِ أَوْ خِيَلَاءٍ يَدِدَا شَتَّى كَرِهَ أَيْ بِه خاطر خودبینی من یا ریاکاری یا شهرت طلبی یا خودپسندی أَوْ فَرَحٍ أَوْ مَرَحٍ أَوْ أَشْرٍ أَوْ بَطَرٍ أَوْ حَقْدٍ أَوْ حَمِيٍّ أَوْ غَضَبٍ أَوْ يَا خوشحالی یا شادمانی یا خودکامگی یا سرمستی یا کینه جویی یا تعصب یا خشم یارِضی أَوْ شَحٍّ أَوْ بُخْلِ أَوْ ظُلْمٍ أَوْ خِيَانَةٍ أَوْ سِرْقَةٍ أَوْ كَذِبٍ أَوْ خَشْنودی یا بُخْلِ یا خِسْتِ یا ستم یا خیانت یا دزدی یا دروغ یالْهُو أَوْ لَعِبٍ، أَوْ نَوْعٍ مِنْ أَنْوَاعٍ مَا يُكْتَسَبُ بِمِثْلِهِ الذُّنُوبُ سرگرمی یا بازیگری یا نوع دیگری از انواع کارها یا امثال آن ها که گناه زاست وَيَكُونُ بِاجْتِرَاحِهِ الْعَطَبُ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ لِکُلِّ ذَنْبٍ سَبَقَ وَاَنْجَمَ آن ها نابودی به بار آرد. خدایا؛ از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که فی عِلْمِکَ اَنِّیْ فاعِلُهُ فَدَخَلْتُ فِيْهِ بِشَهْوَتِيْ، وَاجْتَرَحْتُهٗ بِاِرَادَتِيْ، در علم تو گذشته است که من آن را انجام می دهم پس آن را با خواسته دل و اراده خود انجام دادم، وَقَارَفْتُهٗ بِمَحَبَّتِيْ وَلَذَّتِيْ وَمَشِيَّتِيْ، وَشِئْتُهُ اِذْ شِئْتَ اَنْ اَشَاءَهُ، و با علاقه و لذت و خواسته خود بدان دست زدم و خواستم هنگامی که تو خواستی که بخوام و اَرَدْتُهُ اِذْ اَرَدْتَ اَنْ اُرِيْدَهُ، فَعَمِلْتُهُ اِذْ كَانَ فِيْ قَدِيْمٍ تَقْدِيْرِكَ و اراده کردم هنگامی که تو اراده فرمودی که آن را اراده نمایم پس آن را انجام دادم، چون در تقدیر دیرینه ات وَنَافِذِ عِلْمِکَ اَنِّیْ فاعِلُهُ، لَمْ تُدْخِلْنِيْ فِيْهِ جَبْرًا، وَلَمْ تَحْمِلْنِيْ و علم نافذت آمده بود که من آن را انجام می دهم و به اجبار مرا بدان وارد نکردی، و به صورت قهر و عَلَيْهِ قَهْرًا، وَلَمْ تَظْلِمْنِيْ فِيْهِ شَيْئًا، فَاسْئَلُكَ لِکُلِّ ذَنْبٍ بدون اختیار بر من تحمیل نمودی، و هیچ گونه ستمی در این باره بر من روا نداشتی، و اینک من به خاطر آن گناه از تو آمرزش می خواهم و همچنین جری بِه عِلْمِکَ عَلَيَّ وَفِيَّ اِلٰی اٰخِرِ عُمْرِيْ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ لِکُلِّ ذَنْبٍ سَبَقَ وَاَنْجَمَ آن ها نابودی به بار آرد. خدایا؛ از تو آمرزش می خواهم لِکُلِّ ذَنْبٍ مَا لَمْ يَخْطُ فِيْهِ عَنْ رِضَاكَ، وَمَالَتْ نَفْسِيْ اِلٰی برای هر گناهی که خشم من سبب شد تا از خشنودی تو روی بگردانم در صورتی که نفس من متمایل

رِضَاكَ فَسَيُخْطِئُهُ، أَوْ رَهْبَتْ فِيهِ سِوَاكَ، أَوْ عَادَيْتُ فِيهِ أَوْلِيَاءَكَ، به خشنودی تو بود ولی من خشم کردم، یا از دیگری جز تو هراس کردم، یا با اولیای تو دشمنی کردم، أَوْ وَالَيْتُ فِيهِ أَعْدَاءَكَ، أَوْ اخْتَرْتُهُمْ عَلَى أَصْفِيَائِكَ، أَوْ خَذَلْتُ یا با دشمنانت دوستی نمودم یا آنان را بر انسان های برگزیده ات پیش انداختم، يَافِيهِ أَحِبَّاءَكَ، أَوْ قَصَّرْتُ فِيهِ عَنْ رِضَاكَ یا خَيْرَ الْغَافِرِينَ. اَللّٰهُمَّ دوستانت را درباره آن گناه خوار کردم، یا از جلب خشنودی تو کوتاهی نمودم ای بهترین آمرزندگان. خدایا؛ اِنِّيْ اَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ تُبْتُ اِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُذْتُ فِيهِ. وَاسْتَغْفِرُكَ از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که از آن گناه به درگاہت توبه کردم، اَمَّا دُوبَارَه توبه شکستم، و از تو آمرزش می خواهم لِمَا اَعْطَيْتُكَ مِنْ نَفْسِي ثُمَّ لَمْ اَفِ بِهِ. وَاسْتَغْفِرُكَ لِلنِّعْمَةِ الَّتِي لِیْ بِهَا هَر كَارِي كِه در انجام آن با تو عهد بستم و بدان وفا نکردم. و از تو آمرزش می خواهم برای نعمتی که اَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ فَقَوَيْتُ بِهَا عَلَيَّ مَعْصِيَتِكَ. وَاسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ خَيْرٍ مِنْ دَادِي وَلِي مِنْ بَا اَنْ نَعَمْتُ بِه نَافَرْمَانِي نِيرو گرفتم. و از تو آمرزش می خواهم برای هر كار نيكي كِه اَرَدْتُ بِه وَجْهَكَ فَخَالَطَنِي مَا لَيْسَ لَكَ. وَاسْتَغْفِرُكَ لَمَّا دَعَانِي فِي اَغَاذِ رِضَايِ تُو رَا در انجام آن در نظر داشتم، ولی آنچه برای تو نبود با آن آميخته شد. و از تو آمرزش می خواهم برای آنچه اِلَيْهِ الرِّخْصُ فَيَمَّا اشْتَبَهَ عَلَيَّ مِمَّا هُوَ عِنْدَكَ حَرَامٌ. وَاسْتَغْفِرُكَ اِنْجَامِ اَنْ بِه صُورَتِ اشْتَبَاهِ در نظر من آزاد بود در صورتی که در نزد تو حرام و غدقن بوده. و از تو آمرزش می خواهم لِلذُّنُوبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا غَيْرُكَ، وَلَا يَطَّلِعُ عَلَيْهَا سِوَاكَ، وَلَا تَحْتَمِلُهَا لِی كِه جَز تُو كُسي از آن آگاهی و اِطْلَاعِي ندارد، وَإِلَّا حِلُّيْكَ، وَلَا يَسِيْعُهَا إِلَّا عَفْوُكَ. وَاسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ اِلَيْكَ مِنْ جَز حِلْمٍ وَ بَرْدباري ات چيزي ديگري تَحْمِلِ اَنْ نَتواند، و جز عفو و گذشت چيزي اَنْ رَا فرانگيرد. و از تو آمرزش می خواهم و توبه می كنم مَظَالِمِ كَثِيرَةٍ لِعِبَادِكَ قَبْلِي یا رَبِّ، فَلَمْ اَسِيْعْ رَدِّهَا عَلَيْهِمْ از حقوق بسياري كِه از بندگان بر عهده من مقرر گشته پروردگارا؛ و من توان بازگرداندن اَنْ هَاوَ تَخْلِيلَهَا مِنْهُمْ، أَوْ شَهِدُوا فَاسِيَتْ حَيَاتِي مِنْ اَسِيَتْ خَلَالِهِمْ وَالطَّلَبِ وَ قَدَرَتِ در خواستِ گذشتِ آنان را از اين حقوق ندارم، یا اينكه حضور داشته اند ولی من از در خواستِ گذشتِ آنان

إِلَيْهِمْ وَإِعْلَامِهِمْ ذَلِكَ، وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ تَسِيءَ تَوْهْبَنِي مِنْهُمْ، و آگاه کردنشان از این حقوقی که به گردن من دارند شرم کرده ام، و تو این قدرت را داری که گذشت آنان را از من فراهم کنی، وَتُرْضَهُ بِهُمْ عَنِّي كَيْفَ شِئْتَ وَبِمَا شِئْتَ، یا اَرْحَمَ الرَّحِمِينَ، وَأَحْكَمَ و از من خشنودشان سازی به هر گونه و به هر چه که بخواهی، ای مهربان ترین مهربانان، و حاکم ترین الحاکمین، وَخَيْرَ الْغَافِرِينَ. اَللّٰهُمَّ اِنَّ اَسْئِئْتَغْفَارِيْ اِيَّاكَ مَعَ الْاِصْرَارِ اِحْكَامًا، و بهترین آمرزندگان. خدایا؛ آمرزش خواهی من از درگاهت با اصرار و پافشاری ام لَوْ، وَتَرْكِي الْاِسْئِئْتَغْفَارَ مَعَ مَعْرِفَتِي بِسَيِّئَةِ جُودِكَ وَرَحْمَتِكَ بر گناه از پستی و فرومایگی است، و آمرزش نخواستم و ترك آن نیز با شناختی که از وسعت بخشندگی و مهر تو دارم عَجْزًا، فَكَمْ تَتَحَبَّبُ اِلَيَّ يَا رَبَّ وَأَنْتَ الْغَنِيُّ عَنِّي، وَكَمْ اَتَبَغَّضُ عَجْزًا و درماندگی است. ای پروردگار من؛ چه بسیار به من محبت و رزیدی با این که تو از من بی نیاز بودی، و چه بسیار تو را به اِلَيْكَ وَأَنَا الْفَقِيرُ اِلَيْكَ و اِلَى رَحْمَتِكَ، فَيَا مَنْ وَعَدَ فَوْفًا، وَأَوْعَدَ خَشْمًا آوردم با این که به تو و به رحمت و مهرت نیازمند بودم. پس ای خدایی که وعده کردی و به وعده ات وفا نمودی، و تهدید دفعفا، اِغْفِرْ لِيْ خَطَايَايَ، وَاعْفُ وَاَرْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ. (۱) کردی، ولی از انجام آن درگذشتی، خطاهای مرا ببامرز و از من بگذر و به من رحم کن که تو بهترین رحم کنندگانی.

نود و نه اسم خداوند

احمد بن فهد حلی رحمه الله در کتاب «عده الدّاعی» از حضرت امام رضا علیه السلام و آن حضرت از پدرش، از پدرانش علیهم السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

إِنَّ لِلَّهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا، مَنْ دَعَا بِهَا اسْتَجِيبَ لَهُ، وَمَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ.

ص: ۴۲۷

برای خداوند، نود و نه اسم است؛ هر کس خدا را با آن ها بخواند دعایش مستجاب گردد، و هر کس آن ها را گرد آورد داخل بهشت شود:

اللَّهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الْأَوَّلُ الْآخِرُ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْقَدِيرُ الْقَادِرُ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى الْبَاقِي الْبَاقِي الْبَارِئُ الْأَكْرَمُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ الْحَيُّ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ الْحَلِيمُ الْحَفِيزُ الْحَقُّ الْحَسِبُ الْحَمِيدُ الْحَفِيُّ الرَّبُّ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الذَّارِي الرَّازِقُ الرَّقِيبُ الرَّؤُوفُ الرَّائِي السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيِّمُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ السَّيِّدُ السُّبُّوحُ الشَّهِيدُ الصَّادِقُ الصَّانِعُ الطَّاهِرُ الْعَدْلُ الْعَفْوَ الْعَفُورُ الْغَنِيُّ الْغِيَاثُ الْبَاسِطُ الْقَاضِي الْمَجِيدُ الْوَلِيُّ الْمَنَّانُ الْمُحِيطُ الْمُبِينُ الْمُقِيتُ الْمُصَوِّرُ الْكَرِيمُ الْكَبِيرُ الْكَافِي كَاشِفُ الضُّرِّ الْوِتْرُ النُّورُ الْوَهَّابُ النَّاصِرُ الْوَاسِعُ الْوُدُودُ الْهَادِي الْوَفِيُّ الْوَكِيلُ الْوَارِثُ الْعَبْرُ الْبَاعِثُ التَّوَّابُ الْجَلِيلُ الْجَوَادُ الْخَبِيرُ الْخَالِقُ خَيْرُ النَّاصِرِينَ الدَّيَّانُ الشَّكُورُ الْعَظِيمُ اللَّطِيفُ الشَّافِي. (۱)

خداوند یگانه، یکتا، بی نیاز، اول بدون ابتدا، آخر بدون انتها، شنوا، بینا، قدرتمند، توانا، بلندمرتبه، برتر، جاوید، پدیدآورنده، آفریننده، گرامی، پیدا، پنهان، زنده، حکیم، دانا، بردبار، نگهدارنده، حق، حسابگر، ستوده، نوازشگر، پروردگار، بخشنده، مهربان، آفریدگار، روزی دهنده، مراقب، مهرورز، بیننده، سلامت بخش، ایمنی دهنده، نگهبان، شکست ناپذیر، باجبروت و قدرت، دارنده کبریائی و بزرگی، سرور، منزّه، گواه، راستگو، سازنده، پاک، دادگر، بسیار عفوکننده، آمرزنده، توانگر، فریادرس، گستراننده، داور، باشکوه، سرپرست، نعمت دهنده، احاطه دارنده، آشکار، توانا به روزی دادن، صورت آفرین، بزرگوار، بزرگ، کفایت کننده، برطرف کننده سختی، یگانه، روشنی بخش، بسیار بخشنده، یاری دهنده، گسترش دهنده، دوست دارنده، هدایتگر، وفاکننده، پشتیبان، ارث برنده، نیکی کننده، برانگیزنده، توبه پذیر، باجلالت و شوکت، صاحب جود و بخشش، آگاه، به وجودآورنده، بهترین یاور، پاداش دهنده، قدردان، باعظمت، بسیار لطف کننده، شفادهنده.

ص: ۴۲۸

سید بن طاووس رحمه الله از محمد بن هارون تلعبیری نقل کرده است و او به سند خود از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت نموده است که فرمود:

از پدرم موسی بن جعفر علیهما السلام شنیدم و آن حضرت از پدرش امام صادق علیه السلام شنیده اند که فرمود: هر کس این دعا را بخواند، جز آنچه دوست می دارد در سرانجام کارش نمی بیند، و دعا این است:

اَللّٰهُمَّ اِنَّ خَيْرَ تَكْتُلُ الرِّغَائِبَ، وَتُجْزِلُ الْمَوَاهِبَ، وَتُطَيِّبُ خَدَاوِنْدَا؛ بدون تردید اختیار تو خواسته ها را عطا می کند، و بخشش ها را فراوان، و کسب و کار را المکاسب، وَتُغْنِمُ الْمَطَالِبَ، وَتُهْدِيْ اِلَى اَحْمَدِ الْعَوَاقِبِ، وَتَقِيْ پاك و گوارا می نماید، مقصدها و مقصودها را بهره می دهد، و بسوی عاقبت و سرانجامی ستوده راهنمایی می کند، وَمِنْ مَّحْذُوْرِ النَّوَائِبِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَخِيْرُكَ فِيمَا عَقَدَ عَلَيْهِ رَاْيِيْ، از حوادث و بلاهای ناگوار حفظ می کند. خداوندا؛ همانا من خیر و خوبی می جویم از تو در آنچه رَأَى و نظر من بر آن منعقد گشته، وَقَادَنِيْ اِلَيْهِ هَوَايَ، فَاسْأَلُكَ يَا رَبَّ اَنْ تُسَيِّئَ لِيْ مِنْ ذَلِكَ مَاوِ خَوَاشِمِ مَرَا بَسُوِيْ آن می کشاند، پروردگارا؛ از تو می خواهم دشواری های آن رَاتَعَسَّرَ، وَأَنْ تُعَجِّلَ مِنْ ذَلِكَ مَا تَيْسَّرَ، وَأَنْ تُعْطِيَنِيْ يَا رَبَّ الظَّفَرَ آسَانَ گردانی، و نسبت به آنچه آسان و راحت است شتاب نمائی، و پیروزی و کامیابی به من عطا کنی - ای پروردگار من - فِيمَا اَسْتَخِيْرُكَ فِيْهِ، وَعَوْنًا بِالْإِنْعَامِ فِيمَا دَعَوْتُكَ، وَأَنْ تُجْعَلَ در آنچه در مورد آن با تو استخاره کرده ام، و کمک کنی مرا به وسیله نعمت دادن در آنچه تو را خوانده ام، يَا رَبَّ بُعْدَهُ قُرْبًا، وَخَوْفَهُ أَمْنًا، وَمَحْذُوْرَهُ سَلَمًا، فَإِنَّكَ تَعْلَمُ دور آن را ای پروردگار من نزدیک، و بیم و هراس آن را ایمن گردانی، و آنچه درباره آن ترسیده می شود بی دغدغه قرار دهی، زیرا که تو می دانی

وَلَا أَغْلَمُ، وَتَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ، وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ. اَللّٰهُمَّ اِنْ و من نمی دانم، و تو می توانی و من نمی توانم، و تو به پنهانی ها آگاهی. خداوندا! اگر یکن هذا الامر خیراً لی فی عاجل الدنیا و [اجل] الآخره، این کار برای من در این دنیای زودگذر و در آخرتی که در پیش دارم خیر است فسی هله لی ویسرّه علیّ، و اِنْ لَمْ یکن فاضیرفه عنی، و اَقْدِرْ آن را برای من ممکن و آسان قرار بده، و اگر خیر من در آن نیست از من بازگردان، ولی فیهِ الخیره، اِنِّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ. (۱) در آن خیر مرا مقدر فرما که تو بر هر چیز توانائی، ای مهربانترین مهربانان.

دعای مهمّ برای رفع ترس و غم ...

دعای مهمّ برای رفع ترس و غم ... (۲)

سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «جمال الأسبوع» گوید: هر کس از ناحیه سلطان یا دشمن حسودی دچار اندوه و غم باشد، روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیرد، شام روز جمعه - یعنی شب شنبه - دعا کند و در دعایش بگوید:

أَيُّ رَبَّاهُ أَيُّ سَيِّدَاهُ، أَيُّ سَنَدَاهُ أَيُّ أَمَلَاهُ، أَيُّ رَجَائَاهُ أَيُّ پروردگار من؛ ای سرور من؛ ای پشتوانه من؛ ای آرزوی من؛ ای امید من؛ ای عماداه، أَيُّ كَهْفَاهُ أَيُّ حَصِيْنَاهُ، أَيُّ حَزْزَاهُ أَيُّ فَخْرَاهُ، بِكَ اَمْنْتُ، تکیه گاه من؛ ای پناه من؛ ای پناهگاه من؛ ای امان من؛ ای مایه افتخار من؛ به تو ایمان آوردم، وَلَمَّكَ اَسْلَمْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَلِبَاسِكَ قَرَعْتُ، وَفِيْنَايَكَ نَزَلْتُ، و خود را تسلیم تو نمودم، و بر تو توکل کردم، و درب خانه ات را کوبیدم، و به آستانه ات فرود آمدم،

ص: ۴۳۰

۱- ۸۸. فتح الأبواب: ۲۰۴، مستدرک الوسائل: ۲۳۸/۶، بحار الأنوار: ۲۷۵/۹۱، الجَنَّةُ الْوَاقِيَةُ وَالْجَنَّةُ الْبَاقِيَةُ (مخطوط): ۷۵.

۲- ۸۹. اصل این دعا از حضرت امام صادق علیه السلام است و حضرت امام رضا علیه السلام تتمه دعا را به آن افزودند.

وَبِحَبْلِكَ اعْتَصِمْتُ، وَبِكَ اسْتَيْغِثْتُ، وَبِكَ أَعُوذُ، وَبِكَ أَلُوذُ، وَبِهِ رَيْسَمَانِ تَوْجَنُكَ زِدْم، وَبِهِ تَوَاسْتِغَاثُهُ نَمُودَم، وَبِهِ تَوَپَنَاهِ مِی بَرَم، وَبِهِ تَوَپَنَاهَنْدِه مِی شُوم، وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ، وَإِلَيْكَ أَلْجَأُ وَأَعْتَصِمُ، وَبِكَ أَسْتَجِيرُ فِی جَمِیعِ وَبَر تَو تَوَكَّلِ مِی كَنَم، وَخُود رَا بِه تَو مِی سِپَارَم، وَبِهِ دَاْمَن تَو چَنَگ مِی زَنَم، وَبِهِ تَو اَمَان مِی طَلِبَم دَر تَمَامِ اُمُورِی، وَأَنْتَ غِیَاثِی وَعِمَادِی، وَأَنْتَ عِصْمَتِی وَرَجَائِی، كَارِهَائِم، وَتَو فَرِیادِرس مَن وَتَكِیهِ گَاهِ مَنی، وَتَو نَگَهِدار مَن وَاَمِیدِ مَنی، وَأَنْتَ اَللَّهُ رَبِّی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ، عَمِلْتُ سُوءًا، وَتَو خُداوندِ پُروردگار مَن هَسْتِی، خُداائی جَز تَو نِیست. پاك وَ مَنزَهی وَ بِه سَتایش تَو مَشغُولَم، بَد كُردِه اَم وَظَلَمْتُ نَفْسِی، فَصِلْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاغْفِرْ لِی وَارْحَمْنِی، وَبِهِ خُود سَتَم نَمُودِه اَم، پَس بَر مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ دُرُود فَرَسْت، مَرَا بِيَاْمَرْز وَ بَر مَن رَحْمَ كَن وَخُذْ بِيَدِی، وَأَنْقِذْنِی وَوَقِّفْنِی، وَاكْفِنِی وَاكْلَأْنِی، وَارْعَنِ فِی وَدَسْتَم رَا بَگِیر، وَ مَرَا نَجَاتِ بَدِه وَ تَوْفِیْقَم مَرَحْمَتِ كَن، وَ مَرَا كَفَايَتِ كَن، وَ حَفْظَم كَن، وَ نَگَاهَبَانِ مَن بَاش دَر لَیْلِی وَنَهَارِی، وَإِمْسَائِی وَإِصْبَاحِی، وَمُقَامِی وَسَیْفَرِی. یَاشَب وَ رُوزَم وَ شَاْمِگَاْهَم وَ بَاْمَدَادَاْم وَ هَنگَاْم اَقَاْمَتَم وَ (وَقْتِی) دَر سَفَرَم. اِی اَجُودَ الْأَجُودِیْنَ، وَیَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِیْنَ، وَیَا أَعْمَدَ الْفَاضِلِیْنَ، بِخَشْنَدِه تَرِیْنَ بِخَشْنَدِگَاْن؛ وَ اِی بَزَرْگُوارَتَرِیْنَ بَزَرْگُوارَاْن؛ وَ اِی عَادِلَ تَرِیْنَ نِیكِی كُنَنْدِگَاْن؛ وَیَا إِلَهَ الْأَوَّلِیْنَ وَالْآخِرِیْنَ، وَیَا مَالِکَ یَوْمِ الدِّیْنِ، وَیَا أَرْحَمَ وَ اِی مَعْبُودِ پِشِیْنِیَاْن وَ آيَنْدِگَاْن؛ وَ اِی اَخْتِیَارِدَارِ رُوزِ جَزَا؛ وَ اِی مَهْرَبَاَنْتَرِیْنَ الرَّاحِمِیْنَ، یَا حَیُّ یَا قَیُّوْمُ، یَا حَیًّا لَا یَمُوتُ، یَا حَیُّ لَا إِلَهَ إِلَّا اَللّٰهُمَّ بَانَان؛ اِی زَنْدِه؛ اِی پَايْدَار؛ اِی زَنْدِه اِی كِه نَمِی مِیرْد؛ اِی زَنْدِه كِه خُداائی جَز تَوَأَنْتَ، بِمُحَمَّدٍ یَا اَللَّهُ، بِعَلِیٍّ یَا اَللَّهُ، بِفَاطِمَةَ یَا اَللَّهُ، بِالْحَسَنِ نِیست؛ قَسَم بِه (حَضْرَت) مُحَمَّدِ اِی خُدا؛ قَسَم بِه (حَضْرَت) عَلِی اِی خُدا؛ قَسَم بِه (حَضْرَت) فَاطِمَه اِی خُدا؛ قَسَم بِه اِمَامِ حَسَن یَا اَللَّهُ، بِالْحُسَیْنِ یَا اَللَّهُ، بِعَلِیٍّ یَا اَللَّهُ، بِمُحَمَّدٍ یَا اَللَّهُ.

ای خدا؛ قسم به امام حسین ای خدا؛ قسم به امام سجاد ای خدا؛ قسم به امام باقر ای خدا.

حسن بن محبوب گوید: این دعا را به حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام عرضه داشتم، و ایشان مقداری به آن افزود که چنین است:

بِجَعْفَرٍ يَا اللَّهُ، بِمُوسَى يَا اللَّهُ، بِعَلِيِّ يَا اللَّهُ، بِمُحَمَّدٍ يَا اللَّهُ، بِعَلِيِّ قَسَمَ بِهِ إِمَامٌ صَادِقٌ يَا خُدا؛ قَسَمَ بِهِ إِمَامٌ كَاطِمٌ يَا خُدا؛ قَسَمَ بِهِ إِمَامٌ رِضَا يَا خُدا؛ قَسَمَ بِهِ إِمَامٌ جَوَادٌ يَا خُدا؛ قَسَمَ بِهِ إِمَامٌ هَادِي يَا اللَّهُ، بِإِلْحَسَنِ يَا اللَّهُ، بِحُجَّتِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ يَا اللَّهُ، يَا خُدا؛ قَسَمَ بِهِ إِمَامٌ عَسْكَرِي يَا خُدا؛ قَسَمَ بِهِ حُجَّتٌ وَجَانِشِينَتٌ فِي شَهْرَاهَا يَا خُدا؛ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَخُذْ بِنَاصِيَةِ مَنْ أَخَافُهُ - و او را به بر محمد و آل محمد درود فرست، و زمام کسی را که از او می ترسم بگیر

اسم نام ببر - وَذَلَّلْ لِي صَبْعَهُ، وَسَهِّلْ لِي قِيَادَهُ، وَرُدِّ عَنِّي نَافِرَةً وَتَنْدَ وَسِرْكَشَ بَوْدَنَشَ رَا بَرَايِمَ رَامَ گِردان، و مهار کردنش را برایم آسان کن، و تنفر قلبی او را از من قلبه، وَارْزُقْنِي خَيْرَهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُ. فَإِنِّي بِكَ اللَّهُمَّ بِرِطْرَفِ كُنْ، وَخَيْرِ أَوْ رَا رُوْزِي مِنْ فَرْمَا، وَشَرِّ وَبَدِي أَوْ رَا مِنْ بَاَزْ گِردان، که من خداوند اَعُوذُ وَالْوُدُّ، وَبِكَ أَثِقُ، وَعَلَيْكَ أَعْتَمِدُ وَأَتَوَكَّلُ، فَصَلِّ عَلَيْهِ تُو پناه آورده و پناهنده گشته ام، و به تو اطمینان دارم، و بر تو تکیه نموده و توکل کرده ام، پس بِرْمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاصْرِفْهُ عَنِّي، فَإِنَّكَ غِيَاثُ الْمُشْتَغِيثِينَ، مُحَمَّدٌ د و آل محمد درود فرست، و او را از من بازگردان، که تو فریادرس دادخواهان، وَجَارُ الْمُشْتَجِرِينَ، وَلَجَأُ اللَّاجِينَ، وَأَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. (۱)

و امان امان خواهان، و پناه پناهنده شدگان، و مهربانترین مهربانان هستی.

ص: ۴۳۲

هشت دعای متفرقه

در این بخش، هشت دعای متفرقه نقل می کنیم:

دعا هنگام رؤیت هلال

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از دارم بن قبیصه روایت کرده است که گفت: حضرت امام رضا علیه السلام از پدرش، از پدرانش علیهم السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل فرمود که:

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم هنگام دیدن ماه نو آن را مخاطب قرار می داد و می فرمود:

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ الدَّائِبُ السَّرِيعُ، أَلْمُتَصِّرُ فِي مَلَكُوتِ آيِ آفَرِيدِهِ فَرْمَانِ بِرِ پُیُوسْتِه دَر حَرَكْت سَرِیْع، (وای) گِردش کُننده دَر مَلَكُوتِ الْحَیْرُوتِ بِالتَّقْدِيرِ، رَبِّی وَرَبُّكَ اللَّهُ. اَللَّهُمَّ اَهْلِمَهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ جَبْرُوتِ بَا اَنْدَاذِه گِیری های مَعِیْن، پُروردگار مَن و پُروردگار تُو خُدا اِست. خُداوند! اَن رَا بَا اَمِن وَالْإِيْمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْإِحْسَانِ، وَكَمَا بَلَّغْتَنَا أَوَّلَهُ وَایْمَانِ وَ سَلَامَتِ وَ اِسْلَامِ وَ اِحْسَانِ بَر مَآ نُو گِردان، وَ هِمَانِ گُونه کِه مَآ رَا بِه اِبْتِدَايِ اَن رَسَانْدِی فَبَلَّغْنَا اِخْرَهُ، وَاجْعَلْهُ شَهْرًا مُّبَارَكًا، تَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ، وَتَثْبُتْ بِه اِخْرِ اَن بَرسان، وَ اَن رَا مَآه مَبَارَكِی بَرای مَآ قَرَار بَدِه کِه گَنَاهانمان رَا دَر اَن ناپدید وَ

لَنَا فِيهِ الْحَسَنَاتِ، وَتَرْفَعُ لَنَا فِيهِ الدَّرَجَاتِ، يَا عَظِيمَ الْخَيْرَاتِ. (۱) حَسَنَات و کارهای نیکو را برای ما در آن ثبت فرمائی، و درجات ما را در آن بالا ببری، ای (صاحب) خوبی های فراوان.

دعا در روز دهم و یازدهم هر ماه

سُبْحَانَ خَالِقِ النُّورِ، سُبْحَانَ خَالِقِ الظُّلُمَةِ، سُبْحَانَ خَالِقِ الْمِيَاهِ، پاک و منزّه است آفریننده روشنائی، پاک و منزّه است آفریننده تاریکی، پاک و منزّه است آفریننده آب ها، سُبْحَانَ خَالِقِ السَّمَاوَاتِ، سُبْحَانَ خَالِقِ الْأَرْضِينَ، سُبْحَانَ پاک و منزّه است آفریننده آسمان ها، پاک و منزّه است آفریننده زمین ها، پاک و منزّه است جِ خَالِقِ الرِّيحِ وَالنَّبَاتِ، سُبْحَانَ خَالِقِ الْحَيَاةِ وَالْمَوْتِ، سُبْحَانَ آفریننده بادها و گیاهان، پاک و منزّه است آفریننده زندگی و مرگ، پاک و منزّه است خَالِقِ الثَّرَى وَالْفَلَوَاتِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ. (۲)

آفریننده خاک نمناک و بیابان های بی آب و علف، پاک و منزّه است خداوند و به ستایش او مشغولم.

محدث قمی رحمه الله در «سفینه البحار» از «دعوات» مرحوم قطب راوندی، تسبیح های رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم و ائمه علیهم السلام را این گونه نقل کرده است:

تسبیح رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم روز اوّل ماه، تسبیح امیرالمؤمنین علیه السلام روز دوم ماه، تسبیح حضرت زهراعلیها السلام روز سوم ماه، و همچنین بقیه ائمه علیهم السلام تا حضرت امام رضاعلیه السلام.

تسبیح حضرت امام رضاعلیه السلام روز دهم و یازدهم هر ماه، تسبیح امام جوادعلیه السلام روز دوازدهم و سیزدهم هر ماه، و همچنین تا مولای ما صاحب الزمان صلوات الله وسلامه علیه که تسبیح آن حضرت، از هیجدهم هر ماه است تا آخر آن ماه. (۳)

ص: ۴۳۴

۱- ۹۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۷۰/۲، بحار الأنوار: ۳۴۳/۹۵.

۲- ۹۲. الدعوات: ۹۳، بحار الأنوار: ۲۰۷/۹۴.

۳- ۹۳. سفینه البحار: مادّه «سَبِّح».

دعای عافیت

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده است:

امام سجّاد علیه السلام مردی را دید که اطراف کعبه طواف می کرد و می گفت:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الصَّبْرَ».

خداوندا؛ من از تو درخواست صبر دارم.

حضرت بر شانه اش زد و فرمود: درخواست بلا می کنی؟ بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ. (۱)

خداوندا؛ به من عافیت بده و شکر بر عافیت عنایت فرما.

دعا هنگام خوردن غذا یا شیر

حضرت امام رضا علیه السلام از حضرت علی بن الحسین علیه السلام روایت کرده اند که فرمود:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم هرگاه غذائی می خورد، می فرمود:

اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ، وَارْزُقْنَا خَيْرًا مِنْهُ.

خداوندا؛ به ما برکت بده در این غذا، و بهتر از آن را روزی ما گردان.

و هرگاه شیر می خورد و یا می آشامید، می فرمود:

ص: ۴۳۵

اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيْهِ، وَارْزُقْنَا فِيْهِ. (۱)

خداوندا؛ به ما برکت بده در شیر، و (باز) روزی ما گردان.

دعا هنگام شادمانی

شیخ طوسی رحمه الله به سند خود از حضرت امام رضا علیه السلام و آن حضرت از پدرش، از پدرانش علیهم السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

هرگاه امری برای رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم پیش می آمد که آن حضرت را شادمان می ساخت، این دعا را می خواند:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصّٰلِحٰتِ. (۲)

سپاس و ستایش سزاوار خداوندی است که با نعمت او، کارهای شایسته کامل می گردد.

دعا هنگام ناراحتی

و (نیز) هرگاه امری پیش می آمد که خوش آیند نبود، می گفت:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی كُلِّ حَالٍ. (۳)

در هر حالی سپاس و ستایش سزاوار خداوند است.

ص: ۴۳۶

۱- ۹۵. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۳۸/۲، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام: ۲۳۲ با اختلاف.

۲- ۹۶. جامع احادیث الشیعه: ۴۵۸/۱۹، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام: ۲۸۸، مسند الرضا علیه السلام: ۱۷۵.

۳- ۹۷. جامع احادیث الشیعه: ۴۵۸/۱۹، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام: ۲۸۸، مسند الرضا علیه السلام: ۱۷۵.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَعَّالِ لِمَا يَشَاءُ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ، وَلَا رَادَّ لِقَضَائِهِ، ستایش مخصوص خداوندی است که آنچه را بخواهد انجام می دهد، کسی پیگیر حکم او نیست، و کسی دستور او را نمی تواند رد کند، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْنَا هَؤُلَاءِ خَائِنَانِهِمْ چشَمِها را می داند و آنچه را که قلب ها پنهان می کنند آگاهی دارد، و درود خداوند بر مُحَمَّدٍ فِي الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ (۱) حضرت (محمد در دوران مردم اول و آخر، و بر آل پاک و طاهر او باد.

زیارت قبر مؤمن

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

هر کس مؤمنی را که از دنیا رفته زیارت کند، مقابل قبله نشسته به گونه ای که قبر در پیش روی او باشد، دست راست خود را بر قبر نهاده و این دعا را بخواند:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَحْدَتَهُ، وَاَنْسَ وَحْشَتَهُ، وَاَرْحَمْ غُرْبَتَهُ، وَاَسْكُنْ خِدَانَدَا؛ تنهایی او را با ارتباط (با دیگران) برطرف فرما، و وحشت او را به انس تبدیل کن، و بر غربت او رحم نما، و

ص: ۴۳۷

إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً يَسْتَتَعْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ، به سوی او رحمتی از رحمت خود برقرار فرما که با آن، از غیر تو بی نیاز گردد، وَاحْشُرْهُ مَعَ مَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ مِنَ الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ. (۱)

و او را محشور کن با کسانی که دوست داشت که ائمه طاهرين عليهم السلام هستند.

ص: ۴۳۸

آثار و خواص هشت سوره از سوره های قرآن

در این بخش، آثار و خواص هشت سوره از سوره های قرآن را که در کلمات حضرت امام رضا علیه السلام آمده است، نقل می کنیم:

اثر سوره «حمد» برای رفع سردرد

اشاره

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده است:

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هر گاه مبتلا به سردرد یا غیر آن می شدند، دست های مبارک رامی گشود و سوره «حمد» را قرائت می کرد و آنگاه به صورت می مالید، آنچه اذردرد در وجود نازنین او بود بیرون می رفت. (۱)

ص: ۴۳۹

از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

هر کس دچار بیماری شود باید در کنار او هفت مرتبه سوره «حمد» خوانده شود، و اگر بهبود نیافت باید هفتاد مرتبه خوانده شود که در این صورت تسکین می یابد. (۱)

تفسیر آیه شریفه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

حضرت امام رضا علیه السلام از پدرانش علیهم السلام روایت کرده که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

بسم الله یکی از آیات «فاتحه الكتاب» است، از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم شنیدم می فرمود: خداوند متعال به من فرمود: ای محمّد؛ ما به تو «فاتحه الكتاب» و قرآن را بخشیدیم و بر من منّت گذاشت و او را در مقابل قرآن قرار داد و فرمود: «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ» (۲)، و در میان سوره قرآن تنها از آن نام برد.

خداوند متعال محمّد صلی الله علیه وآله وسلم را به بسم الله مخصوص گردانید و از پیغمبران خود کسی را در این باره با وی شریک قرار نداد، فقط به حضرت سلیمان علیه السلام عطا فرمود، و در داستان بلقیس در قرآن مجید فرمود: «الْقِيَّ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (۳).

اگر کسی آن را بخواند و معتقد به ولایت آل محمّد باشد و از اوامر آن ها اطاعت کند و به ظاهر و باطن آن آیه شریفه عمل کند، خداوند به هر حرفی از آن یک حسنه به او می دهد که هر یک از آن ها از همه خیرات دنیا و اموال آن بهتر است.

هر کس گوش فرا دهد به کسی که بسم الله قرائت می کند، خداوند به همان اندازه که به قاری ثواب می دهد به گوش دهنده نیز عطا می کند.

ص: ۴۴۰

۱- ۱۰۱. فقه الرضا علیه السلام: ۳۴۲، مستدرک الوسائل: ۲۹۹/۴.

۲- ۱۰۲. سوره حجر، آیه ۸۷: «هَٰمَانَا مَا هَفْتَ آيَةً بَاثِنًا» در سوره حمد (و این قرآن با عظمت را بر تو فرستادیم).

۳- ۱۰۳. سوره نمل، آیه ۲۹ و ۳۰: «نَامَهُ بَزْرَگِیَ بَهِ سَوِی مِّنْ اِفْکَنْدَهِ شَدَهِ اَن نَامَهُ اَز جَانِبِ سَلِیْمَانَ اَسْتَ وَ عَنَوَانِشْ بَهِ نَامِ خَدَاوَنْدِ بَخْشَنْدَهِ مَہْرَبَانَ اَسْتَ».

اینک از این ثواب و خیر کثیر بهره گیرید و خود را از این نعمتی که به شما روی آورده محروم نکنید، و از این غنیمت هرچه می خواهید استفاده نمائید که بعد از این حسرت آن در دل شما خواهد ماند. (۱)

شخصی نزد حضرت امام رضا علیه السلام آمد و عرض کرد: ای پسر رسول خدا؛ به من از تفسیر کلام خداوند عزّ وجلّ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» خبر بده.

حضرت فرمود:

پدرم از جدّم، و او از امام سجّاد، و آن حضرت از پدرش علیهم السلام روایت کرده است که شخصی محضر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد: به من از گفتار پروردگار متعال: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» خبر بده که تفسیر آن چیست؟

آن حضرت فرمود: مقصود از گفتن «الحمد لله» این است که به بندگانش بعضی از نعمت هایش را اجمالاً بشناساند؛ زیرا آن ها توانائی ندارند که همه آن ها را به تفصیل بشناسند، چون نعمت های الهی بیشتر از آن است که شماره شود یا شناخته گردد. به آن ها فرمود: بگوئید: «الحمد لله على ما أنعم به علينا»؛ «سپاس خداوند را بر نعمت هایی که به ما مرحمت فرموده است».

«رب العالمین»؛ و معنای آن، جمعیت ها از هر نوع آفریده و مخلوق از جمادات و حیوانات است. اما حیوانات؛ پس او آنان را با قدرت خویش دگرگون می کند با رزق و روزی خود به آن ها غذا می دهد و در حمایت خویش آن ها را نگهداری می کند و هر یک از آن ها را به مصلحتش تدبیر می کند.

اما جمادات؛ پس او آن ها را با قدرت خویش نگه می دارد، پیوسته آن ها را حفظ می کند از اینکه گسسته گردد و گسسته آن ها را نگه می دارد از اینکه پیوسته گردد، و آسمان را حفظ می کند از اینکه جز به اذن و فرمان او بر زمین افتد، و زمین را از اینکه جز به فرمان او فرو رود نگه می دارد، که او نسبت به بندگانش رؤف و مهربان است.

ص: ۴۴۱

فرمود: «رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛ یعنی خدا مالک آن‌ها و آفریننده و روزی رسان ایشان است از آنجا که می‌دانند و از آنجا که نمی‌دانند، روزی تقسیم شده است و آن به فرزند آدم می‌رسد در هر مسیری که در دنیا سیر کند، تقوای شخص متقی بر آن نمی‌افزاید و تبه کاری شخص تبه کار از آن نمی‌کاهد و بین ما و او پوششی است و آن، جوینده شخص است؛ اگر یکی از شما از روزی خود بگریزد روزی اش او را طلب می‌کند؛ همان گونه که مرگ در طلب او است و او را می‌جوید.

پس خداوند بزرگ مرتبه فرمود: بگوئید: خدا را سپاس بر آنچه از نعمت به ما مرحمت فرمود و ما را به خیر و خوبی در کتاب‌های پیشین یاد کرد پیش از آنکه ما بوده باشیم.

و این ایجاب می‌کند که محمد و آل محمد علیهم السلام و شیعیان ایشان او را شکر کنند زیرا که آنان را برتری داده است، و قصه اش این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

هنگامی که خداوند عزّ وجل حضرت موسی بن عمران علیه السلام را به پیامبری برانگیخت و او را به عنوان همراه خویش برگزید و دریا را برایش شکافت و بنی اسرائیل را رهائی بخشید و به او تورات و الواح را مرحمت فرمود، خود را دید که موقعیت و منزلتی نزد خداوند تبارک و تعالی دارد، عرض کرد: پروردگارا! مرا به کرامتی گرامی داشته‌ای که به کسی پیش از من چنین کرامتی نفرموده‌ای.

از طرف پروردگار به او خطاب شد: ای موسی؛ آیا نمی‌دانی که محمد صلی الله علیه و آله وسلم نزد من برتر از تمام فرشتگان و همه آفریدگانم می‌باشد؟

موسی عرض کرد: پروردگارا! اگر محمد صلی الله علیه و آله وسلم نزد تو گرامی تر از همه آفریدگانم می‌باشد، آیا در خاندان پیامبران از خاندان من کسی گرامی تر هست؟

خداوند بزرگ مرتبه فرمود: آیا نمی‌دانی برتری آل محمد علیهم السلام بر تمام اهل بیت پیامبران، مانند برتری محمد صلی الله علیه و آله وسلم بر تمام رسولان است؟

موسی عرض کرد: پروردگارا! اگر آل محمد علیهم السلام چنین مرتبه‌ای دارند آیا در میان امت پیامبران از امت من امتی نزد تو برتر هست؟ ابرها بر امت من سایه افکندند، بر آنان منّ و سلوی (یعنی گزراگین و بلورچین) فرو فرستادی

و دریا را برای ایشان شکافتی!

خداوند بزرگ مرتبه فرمود: ای موسی؛ آیا نمی دانی فضیلت و برتری اَمتِ مُحَمَّد بر همه اَمت ها مانند فضیلت و برتری او بر همه آفریدگانم می باشد؟

در این هنگام موسی عرض کرد: پروردگارا؛ کاش من آن ها را می دیدم.

خداوند به او وحی فرمود: ای موسی؛ تو هرگز آنان را نمی بینی و اکنون دوران ظهور ایشان نیست، ولی به زودی در بهشت آنان را خواهی دید. در بهشت عدن و فردوس در حضور مُحَمَّد صلی الله علیه و آله وسلم در نعمت های بهشتی غوطه ورنند و در خیر و خوبی های آن شادمانند، آیا دوست داری کلام آنان را به گوش تو برسانم؟

عرض کرد: بلی؛ ای خدای من.

خداوند بزرگ مرتبه فرمود: در پیشگاه من بایست و دامن به کمر ببند مانند ایستادن بنده ای ذلیل در پیشگاه پادشاهی باجلالت و شکوه.

حضرت موسی به دستور پروردگار عمل کرد و آنگاه خداوند اَمتِ مُحَمَّد صلی الله علیه و آله وسلم را ندا داد و آن ها همگی در حالی که در صلب پدران و رحم مادران بودند در جواب گفتند:

لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ وَالْمَلِكُ لَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ.

خداوند؛ لَبَّيْكَ، شریکی برای تو نیست لَبَّيْكَ، بی گمان سپاس و ستایش و نعمت و پادشاهی از آن تو است و شریکی نداری.

و خداوند این اجابت را شعار حَجّ و حاجی ها قرار داد. سپس پروردگار عزیز ماندا داد: ای اَمتِ مُحَمَّد؛ خواست من نسبت به شما چنین است که رحمتم بر غضبم پیشی گرفته، و عفو و گذشتم پیش از عقوبتم و کیفرم است، شما را پیش از آنکه مرا بخوانید اجابت کردم، و پیش از آنکه از من درخواست کنید عطا نمودم، هر کدام از شما مرا دیدار کند و گواهی دهد به اینکه معبودی جز خداوند یکتا نیست و او شریک ندارد، و این که مُحَمَّد صلی الله علیه و آله وسلم بنده و فرستاده او است، و در گفتارش صادق و در کردارش موافق با حق است، و این که علی بن ابی

طالب علیه السلام برادر او و جانشین بعد از او و عهده دار امور او است، و اطاعت او را بر خود لازم بدانند؛ همانطور که ملتزم به اطاعت محمدصلی الله علیه و آله وسلم می باشد و این که اولیای پاک و پاکیزه - که به شگفتی های آیات خداوند و دلائل حجّت های او بعد از آن دو بزرگوار خبر می دهند - اولیای او هستند، چنین کسی را داخل بهشت می نمایم گرچه گناهانش مانند کف دریا باشد.

امام علیه السلام فرمود:

هنگامی که خداوند پیامبر ما حضرت محمدصلی الله علیه و آله وسلم را به پیامبری برانگیخت به او فرمود: ای محمد؛ «وَمَا كُنْتُ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا»^(۱)؛ «و تو در کنار طورنبودی آنگاه ندا دادیم» اُمّت تو را به این کرامت.

سپس خداوند عزّ و جلّ به محمدصلی الله علیه و آله وسلم فرمود: بگو: سپاس خداوندی را که پروردگار جهانیان است بر این فضیلتی که مرا به آن اختصاص داد.

و به اُمّت او فرمود: شما نیز بگوئید: سپاس خداوندی را که پروردگار جهانیان است بر این فضیلت ها که ما را به آن ها اختصاص داد»^(۲).

فضیلت سوره «انعام»

از حضرت امام رضاعلیه السلام روایت شده است که فرمود:

سوره «انعام» به یک مرتبه نازل شده و هفتاد هزار فرشته آن را مشایعت کرده اند در حالی که صدایشان به تسبیح و تهلل و تکبیر بلند بود، هر کس این سوره را بخواند، برای او تا روز قیامت تسبیح می گویند.^(۳)

ص: ۴۴۴

۱- ۱۰۵..سوره قصص، آیه ۴۶.

۲- ۱۰۶..عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲۲۰/۱.

۳- ۱۰۷..تفسیر القمی: ۱۸۰، بحار الأنوار: ۲۷۴/۹۲ و المستدرک: ۲۹۶/۴.

ثواب خواندن سوره «یس»

از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

کسی که سوره «یس» را پیش از آنکه بخوابد یا در میان روز بخواند، از محافظت شدگان و روزی داده شدگان باشد تا شب کند یا صبح نماید.

و کسی که آن را در هر شب بخواند خداوند دو هزار فرشته را بر او موکل نماید تا او را از شرّ هر شیطان رانده شده و از هر آسیبی حفظ کنند.

و اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد، خداوند او را وارد بهشت فرماید، و سی هزار فرشته در هنگام غسل او حضور پیدا کنند و همه آنان برای او طلب آمرزش کنند و در تشییع جنازه اش تا کنار قبرش شرکت نمایند. (۱)

ثواب خواندن سوره «زُمر»

از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

کسی که سوره «زُمر» را بخواند، خداوند به او شرف و سربلندی دنیا و آخرت عطا کند و او را بدون مال و قبیله عزیز گرداند. (۲)

ص: ۴۴۵

۱- ۱۰۸..فقه الرضا علیه السلام: ۳۴۲.

۲- ۱۰۹..فقه الرضا علیه السلام: ۳۴۳.

اشاره

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

هر کس آن را (سوره قدر) هنگامی که می خوابد و بیدار می شود بخواند، ثواب و پاداش آن، لوح محفوظ را بر می کند.

و از آن حضرت روایت شده است که فرمود:

هر کس در یک شب آن را (سوره قدر) صد مرتبه بخواند، پیش از آنکه صبح گردد بهشت را ببیند.

مرحوم کفعمی نقل کرده است که ثواب قرائت سوره «قدر» قابل شمارش نیست. (۱)

اثر سوره «قدر»

برای رفع وحشت در روز قیامت

راوندی رحمه الله از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

هر کس کنار قبر برادرش رود و دست خود را بر آن نهد و هفت مرتبه سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را بخواند، از وحشت و پریشانی بزرگ قیامت ایمن گردد. (۲)

ص: ۴۴۶

۱- ۱۱۰..البلد الأمين: ۵۸.

۲- ۱۱۱..الدعوات: ۲۷۱، بحار الأنوار: ۲۹۵/۱۰۲.

از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

کسی که سوره «إِذَا زُلْزِلَتْ الْمَأْرُضُ» را در نمازهای مستحبّ خود بخواند، هرگز دچار زلزله نشود و با زلزله، صاعقه، آفت و آسیبی از آفت های دنیانمیرد. (۱)

ثواب دیگر برای سوره «إِذَا زُلْزِلَتْ»

حضرت امام رضا علیه السلام از پدرانش روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرموده اند:

هر کس سوره «إِذَا زُلْزِلَتْ» را چهار مرتبه بخواند، مانند کسی است که تمام قرآن را خوانده است. (۲)

ثواب خواندن سوره «نصر»

از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

کسی که سوره «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ» را در نماز مستحبّ یا واجب خود بخواند، خداوند او را بر تمام دشمنانش یاری دهد و مهمّ او را کفایت فرماید. (۳)

ص: ۴۴۷

۱- ۱۱۲.. فقه الرضا علیه السلام: ۳۴۴.

۲- ۱۱۳.. بحار الأنوار: ۳۳۳/۹۲، عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۳۶/۲، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام: ۲۲۸.

۳- ۱۱۴.. فقه الرضا علیه السلام: ۳۴۴.

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از عبدالعزیز روایت کرده است که گفت: از حضرت امام رضا علیه السلام در مورد توحید سؤال کردم، فرمود:

هر کس «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند و به آن ایمان آورد، توحید را شناخته است.

عرض کردم: چگونه آن را بخواند؟ فرمود:

همان گونه که مردم می خوانند.

و در آخر آن افزود: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي»؛ «این چنین است پروردگار من»، و آن را سه مرتبه تکرار فرمود. (۱)

ثواب خواندن سوره «توحید» در قبرستان

و نیز حضرت امام رضا علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده اند که فرمود:

کسی که از گورستانی عبور کند و یازده مرتبه سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند، و ثواب آن را به مردگان هدیه کند، به عدد اموات (آن قبرستان) به او اجر و پاداش داده می شود. (۲)

ص: ۴۴۸

۱- ۱۱۵.. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۱۰۹/۱.

۲- ۱۱۶.. مسند الرضا علیه السلام: ۶۴.

هشت دستور درباره بعضی از آیات و سوره ها

در این بخش، هشت دستور را که حضرت امام رضا علیه السلام درباره بعضی از آیه ها و سوره ها بیان کرده اند، نقل می کنیم:

ثواب «آیه الكرسي»

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و آن حضرت از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده است که فرمود:

من قرأ آیه الكرسي مائه مرّه، کان کمن عبد الله طول حياته. (۱)

هر کس «آیه الكرسي» را صد مرتبه بخواند، مانند کسی است که تمام عمرش را به بندگی خدا و پرستش او سپری کرده است.

ص: ۴۴۹

خواندن آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ...» برای حفظ خانه از خرابی

سید بن طاووس رحمه الله به سند خود از حضرت امام رضا علیه السلام و ایشان از پدر بزرگوارش روایت کرده اند که فرمود:

هرگز کسی این آیه شریفه را هنگام خواب نخوانده است که سقف خانه بر سر او خراب شده باشد.

یعنی هر کس آیه مذکور را هنگام خوابیدن بخواند، حتماً دچار خراب شدن خانه نخواهد شد:

«إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا- وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْهُ لَرِجٌّ خِطَابٌ خَدَّاهُ بِرَأْسِهِ وَبِأَمْرِ يَدَيْهِ أَنْ يَنْصُرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَكَذَلِكَ هُوَ الْبَاقِي» (۱). (۲)

خداوند نمی تواند آن ها را بعد از خروج از مدارشان نگه دارد، به راستی که خداوند دارای حلم و بخشنده است.

سه آیه برای پنهان شدن از چشم افراد بی ایمان

سلیمان جعفری از حضرت امام رضا علیه السلام و آن حضرت از پدرش علیه السلام روایت کرده اند که فرمود:

ص: ۴۵۰

۱- ۱۱۹. فلاح السائل: ۲۸۱، وسائل الشیعه: ۱۰۲۸/۴.

۲- ۱۱۸. سوره فاطر، آیه ۴۱.

هشام بن سائب خدمت امام صادق علیه السلام رسید، امام علیه السلام به او فرمود: تو مفسر قرآنی و قرآن را تفسیر می کنی؟
هشام گوید: عرض کردم: آری.

امام علیه السلام فرمود: به من از این فرمایش خداوند عزّ وجلّ خبر بده که به پیامبرش فرمود:

«وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّشْتُورًا» (۱).

هنگامی که قرآن می خوانی میان تو و آنانکه به آخرت ایمان ندارند پرده ای پوشیده قرار می دهیم.

مقصود از این قرآنی که هر گاه رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم آن را بخواند از بی ایمانان محجوب و پنهان می ماند چیست؟

عرض کردم: نمی دانم.

امام علیه السلام فرمود: پس چگونه گفتی که قرآن تفسیر می کنی؟

عرض کردم: ای فرزند رسول خدا؛ اگر ممکن است لطف کن و آن را به من بیاموز.

امام علیه السلام فرمود: آیه ای در سوره «کهف» و آیه ای در سوره «نحل» و آیه ای در سوره «جاثیه» است که (در سوره جاثیه این است):

«أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصِيرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» (۲).

آیا دیدی کسی را که هوای نفسش را معبود خود گرفت و خدا او را با علم و آگاهی گمراه گردانید و بر گوش و دلش مهر نهاد و بر دیده اش پرده ای افکند، چه کسی پس از خدا او را هدایت می کند، آیا به خود نمی آئید و پند نمی گیرید؟

و در سوره «نحل» این آیه است:

ص: ۴۵۱

۱- ۱۲۰..سوره اِسرائ، آیه ۴۵.

۲- ۱۲۱..سوره جاثیه، آیه ۲۳.

«أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (۱).

آنان کسانی هستند که خداوند بر دل ها و گوش ها و دیدگان شان مهر نهاده، و آنان بی خبراند.

و در سوره «کهف» این آیه است:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا» (۲).

کیست ستمکارتر از کسی که به آیات پروردگارش یادآوری شده و از آن روی گردانده، و آنچه پیش فرستاده از یاد برده؟ ما بر دل های آنان پوشش هائی نهاده ایم که آن را در نمی یابند و در گوش های ایشان ثقل و سنگینی است، و اگر آنان را به سوی هدایت بخوانی هرگز راه هدایت را نمی پویند. (۳)

نواب خواندن پنجاه آیه بعد از نماز صبح

معمر بن خلاد گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود:

سزاوار است انسان بعد از تعقیب نماز صبح، پنجاه آیه از قرآن قرائت کند. (۴)

ص: ۴۵۲

۱- ۱۲۲..سوره نحل، آیه ۱۰۸.

۲- ۱۲۳..سوره کهف، آیه ۵۷.

۳- ۱۲۴..عده الداعی: ۳۳۸.

۴- ۱۲۵..جامع أحادیث الشيعة: ۱۲۶/۶، وسائل الشيعة: ۸۴۹/۴.

خواندن صد آیه برای رفع ترس

طبرسی به سند خود از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود:

هر گاه از چیزی ترسیدی، صد آیه از قرآن مجید را از هر جا که خواستی قرائت کن، و سپس سه مرتبه بگو:

اَللّٰهُمَّ اكْشِفْ عَنِّي الْبَلَاءَ. (۱)

خداوندا! (این) بلا را از من برطرف کن.

اثر سه سوره، هنگام پوشیدن لباس نو

یاسر خادم گوید: امام هادی، از پدرش، از جدش حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت لباس را از طرف راست خود می پوشید، روزی لباس جدیدی را می خواست بپوشد ظرف آبی طلب کرد و بر آن، ده مرتبه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»، ده مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و ده مرتبه «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» قرائت نمود، سپس از آن آب بر لباس پوشید و پس از آن فرمود:

هر کس پیش از آنکه لباس خود را بپوشد با آن چنین کند، تا مادامی که از آن رشته ای باقی مانده در زندگی مرفه و راحتی بسر خواهد برد. (۲)

ص: ۴۵۳

۱- ۱۲۶.. اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام: ۴۹۸.

۲- ۱۲۷.. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲۴۵/۱.

خواندن چهار سوره برای رفع چشم خوردگی

محمد بن عیسی گوید: شخصی از آن حضرت در مورد تأثیر چشم سؤال کرد، امام علیه السلام فرمود:

واقعیت دارد؛ اگر گرفتار چشم کسی شدی، دو کف دست را بالا ببر تا در برابر صورت قرار گیرد، آنگاه سوره «حمد»، «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» را بخوان، و بعد از آن، دو کف دست را به پیشانی ات بمال که به اذن پروردگار نافع و سودمند است. (۱)

پنج سوره برای رفع سردرد و دردهای دیگر

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است: هر گاه یکی از شما دچار سردرد یا درد دیگری شد، دو دست خود را بکشاید، سوره «حمد»، «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» را بخواند، و پس از آن، دو دست خود را به صورت بمالد، آن درد از او برطرف خواهد شد. (۲)

ص: ۴۵۴

۱- ۱۲۸.. مکارم الأخلاق: ۲/۲۸۶، بحار الأنوار: ۱۲۹/۹۵.

۲- ۱۲۹.. مکارم الأخلاق: ۲/۱۸۷، مسند الرضا علیه السلام: ۶۷) با اختلاف).

هشت ثواب برای بعضی از اذکار

در این بخش، هشت ثواب برای بعضی از اذکار را از حضرت امام رضا علیه السلام نقل می کنیم:

ثواب «صلوات»

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

من لم يقدر على ما يكفر به من ذنوبه، فليكثر من الصلاه على محمد وآله؛ فإنها تهدم الذنوب هدماً.

هر کس توانایی ندارد بر انجام کاری که باعث آمرزش گناهانش گردد، باید زیاد بر محمد و آل محمد صلوات فرستد؛ زیرا صلوات، گناهان را به کلی از بین می برد.

نقل این روایت در اینجا مناسب است: حسن بن عبدالله تمیمی گوید: سرورم حضرت امام رضا علیه السلام برایم روایت کرد از پدرش موسی بن جعفر علیهما السلام، و آن حضرت از پدرش جعفر بن محمد علیهما السلام، و آن حضرت از پدرش محمد بن علی علیهما السلام، و آن حضرت از پدرش علی بن الحسین علیهما السلام و آن

حضرت از پدرش حسین بن علی علیهما السلام، و آن حضرت از پدرش علی بن ابی طالب علیه السلام که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است:

من کان آخر کلامه الصلوه علیّ وعلی علیّ دخل الجنّه. (۱)

هر کس پایان گفتارش (در دنیا) صلوات بر من و علی (علیهما السلام) باشد، داخل بهشت گردد.

ثواب دیگر برای «صلوات»

و نیز حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

الصلاه علی محمد و آله، تعدل عند الله عزّ وجلّ التسبیح و التهلیل و التکبیر.

صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد نزد خداوند، برابری می کند با تسبیح و تهلیل و تکبیر، (یعنی کسی که صلوات می فرستد، ثواب او مانند کسی است که «سُبْحَانَ اللَّهِ»، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» می گوید). (۲)

ثواب «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

ابونصر گوید: پدرم حسین بن احمد گفت: از جدّم شنیدم و او از پدرش که گفت: هنگامی که حضرت امام رضا علیه السلام در ایام مأمون به نیشابور قدم نهادند، افتخار خدمتگزاری ایشان را داشتم و تا زمانی که در آن شهر اقامت داشتند کارهای ایشان را!

ص: ۴۵۶

۱- ۱۳۰. جامع أحادیث الشیعه: ۵۶۸/۱۹.

۲- ۱۳۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲۲۹/۱، روضه الواعظین: ۳۲۲، وسائل الشیعه: ۱۲۱۲/۴، جامع أحادیث الشیعه: ۵۳۸/۱۹.

انجام می دادم و چون به طرف مرو روانه شدند تا سرخس ایشان را بدرقه نمودم و خواستم تا مرو آن حضرت را همراهی کنم، مقداری که از سرخس گذشتیم سر مبارک خود را از کجاوه بیرون آورد و فرمود:

بازگرد، إن شاء الله موفق باشی، به آنچه واجب بود عمل کردی و تا حدّ مشایعت انجام وظیفه نمودی، بس است.

عرض کردم: تو را به حقّ محمّد مصطفی و علی مرتضی و حضرت زهرا علیهم السلام حدیثی برایم بگو و مرا بهره مند گردان تا بازگردم.

فرمود:

از من حدیث می خواهی در حالی که خود از جوار جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بیرون شده ام و معلوم نیست سرانجام کارم به کجا می کشد.

دوباره عرض کردم: به حقّ محمّد مصطفی و علی مرتضی و حضرت زهرا علیهم السلام حدیثی برایم بگو تا به آن، قلب مرا شفا بخشی، و آنگاه بازگردم.

فرمود:

پدرم از جدّم، از پدرش امام باقر، و آن حضرت از پدرش امام سجّاد، و او از پدرش امام حسین علیهم السلام شنید که فرمود: از پدرم امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: خداوند بلندمرتبه فرموده است:

«لا إله إلا الله» حصنی، من قالها مخلصاً من قلبه دخل حصنی، ومن دخل حصنی أمن من عذابی.

کلمه توحید یعنی «لا إله إلا الله» حصار من است، هر کس آن را با اخلاص قلبی بگوید در حصار من داخل گردد، و هر کس در حصار من باشد از عذاب من ایمن است. (۱)

ص: ۴۵۷

ثواب دیگر برای «لا إله إلا الله»

حضرت امام رضا علیه السلام از پدران ایشان علیهم السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

إِنَّ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» كَلِمَةٌ عَظِيمَةٌ كَرِيمَةٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، مَنْ قَالَهَا مُخْلِصًا اسْتَوْجِبَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ قَالَهَا كَاذِبًا عَصَمَتْ مَالَهُ وَدَمَهُ وَكَانَ مَصِيرُهُ إِلَى النَّارِ. (۱)

بدون تردید «لا إله إلا الله» کلمه با عظمتی است که نزد خداوند عزیز گرامی و ارجمند می باشد، هر کس آن را از روی اخلاص بگوید بهشت بر او واجب گردد، و هر کس آن را به دروغ گوید جان و مالش محفوظ ماند و مسیر او به سوی دوزخ است.

ثواب گفتن «تسبیحات اربعه» با تسبیح تربت امام حسین علیه السلام

در کتاب «المزار» آمده است: حضرت امام رضا علیه السلام فرموده است:

کسی که تسبیحی از تربت (یعنی خاک کربلای امام حسین علیه السلام) داشته باشد، آن را بچرخاند و بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ.

پاک و منزّه است خداوند و سپاس و ستایش از آن او است، و معبودی جز خدا نیست و خداوند بزرگتر از هر گونه توصیف است.

با هر دانه ای که می چرخاند خداوند شش هزار حسنه و ثواب برایش بنویسد و

ص: ۴۵۸

شش هزار گناه او را از بین ببرد، و شش هزار درجه او را بالا ببرد، و برای اوشفاعت را مانند آن ثابت گرداند. (۱)

ثواب پنج ذکر و...

حسین بن خالد گوید: به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم: فدای شما شوم؛ چگونه مهریه زنان پانصد درهم معادل دوازده و نیم اوقیه (۲) گردیده است؟

حضرت فرمود:

خداوند عزّ وجلّ بر خود واجب فرموده است که هر مؤمنی صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»، صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ»، صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و صد مرتبه «صلوات بر محمد و آل محمد» فرستد و بگوید:

اللَّهُمَّ زَوِّجْنِي مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ.

خداوند! از حوریّه های بهشتی به ازدواج من درآور.

خداوند حوریّه ای از حوریّه های بهشتی به همسری او درآورد، از این جهت مهریه زنان پانصد درهم گردیده است.

و هر مؤمنی که از برادر دینی خود دخترش را خواستگاری کند و پانصد درهم به عنوان مهریه قرار دهد ولی او به این ازدواج رضایت ندهد، به راستی به او جفانموده و از خود رنجانیده است و سزاوار آن گردیده که خداوند از حوریّه های بهشتی به همسری او درنیاورد. (۳)

ص: ۴۵۹

۱- ۱۳۴.. مستدرک الوسائل: ۳۴۴/۱۰، بحار الأنوار: ۱۳۳/۱۰۱ ح ۶۵.

۲- ۱۳۵.. اوقیه: معیاری است برای وزن؛ پیش از این، برابر چهل درهم بود، بعداً برابر شصت درهم شد و در اصطلاح زرگران برابر دوازده درهم است.

۳- ۱۳۶.. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۸۳/۲ ح ۲۶.

اثر گفتن «یا عَلِیُّ یا عَظِیم»

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند:

خداوند تبارک و تعالی برای خود نام هایی را اختیار فرموده که با آن ها خوانده می شود، و اوّل نامی را که اختیار نموده «العلیّ العظیم»؛ «بلندمرتبه بزرگ» است؛ زیرا که او از هر چیز برتر و بزرگتر است. (۱)

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است:

هر فرد مؤمن اگر با نیت خالص و توجّه به خدا و معنای این دو اسم مبارک: «یا عَلِیُّ یا عَظِیم» مداومت کند، دارای قدر و منزلت گردد. (۲)

اثر «یا مُمِیت» برای نجات از نفس اماره

در کتاب «خواصّ آیات قرآن کریم» از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده است که فرمودند:

کسی که دارای نفس اماره است باید هنگام خواب، دست خود را بر سینه نهد و با نیت خالص و توجّه به خدا و معنای ذکر، صد مرتبه بگوید: «یا مُمِیتُ» تا به خواب رود، خداوند نفس اماره او را مطیع او می کند. (۳)

ص: ۴۶۰

۱- ۱۳۷..المصباح: ۴۱۸.

۲- ۱۳۸..خواصّ آیات قرآن کریم: ۶۹.

۳- ۱۳۹..خواصّ آیات قرآن کریم: ۶۵.

هشت ذکر مهم دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام

در این بخش، هشت ذکر از اذکار مهم که از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده، نقل می کنیم:

«یا حئی یا قیوم»

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

هر شخص مؤمن این دو اسم را ورد خود سازد، عمرش دراز شود و در دل هاتصرف کند و محبوب خلاق گردد. (۱)

«یا حئی یا قیوم» دو اسم از اسماء جلاله الهی است که چون باهم گفته می شوند یک ذکر حساب می شود.

ص: ۴۶۱

«یا مَلِک»

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

هر شخص مؤمن این اسم را نوزده مرتبه با نیت خالص و توجه به خدا و معنای آن بخواند، از خلق بی نیاز گردد و در دنیا و آخرت مرفّه الحال شود. (۱)

«یا حَفِیظ»

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

هر شخص مؤمن اسم «حَفِیظ» را در روز جمعه بعد از نماز نهصد و نود و هشت مرتبه، با نیت خالص و توجه به خدا و معنای آن بخواند، و با خطّ ریز بنویسد و آن را تعویذ ساخته بر بازو بندد، از وسوسه شیطان، شرّ سلطان، خیالات فاسده و باطله و ضرر دزدان و حیوانات مودی در امان بماند. (۲)

«یا باسِط»

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

هر شخص مؤمن در وقت سحر با طهارت دست به سوی آسمان بردارد و ده

ص: ۴۶۲

۱- ۱۴۱..خواصّ آیات قرآن کریم: ۶۹.

۲- ۱۴۲..خواصّ آیات قرآن کریم: ۷۱.

مرتبه با نیت خالص و توجه به خدا و معنای آن بگوید: «یا باسِط» و به روی خود بمالد، هرگز محتاج نگردد و از غم فقر و نیازمندی رهایی یابد و ازجایی که گمان نداشته باشد نعمت به او رسد و روزی او فراوان شود. (۱)

«یا فَتَّاح»

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

هر شخص مؤمن در روز جمعه بعد از نماز صبح، هفتاد مرتبه با نیت خالص و توجه به خدا و معنای آن، دست بر سینه گذارد و بگوید: «یا فَتَّاح»، غفلت از دل او خارج شود و خداوند متعال در دل او را به سوی عالم نور و معنی می گشاید. (۲)

«یا وَدُّود»

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند:

اگر کسی به جهت اُلفت و مهربانی میان زن و شوهر، هزار و یک مرتبه این اسم را بر مویز یا خوراکی دیگر با نیت خالص و توجه به خدا و معنای آن بخواند و مرد و زن هر دو از آن بخورند، میان ایشان اُنس و محبت شدید پیدا می شود. (۳)

ص: ۴۶۳

۱- ۱۴۳..خواص آیات قرآن کریم: ۷۳.

۲- ۱۴۴..خواص آیات قرآن کریم: ۷۷.

۳- ۱۴۵..خواص آیات قرآن کریم: ۷۷.

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده:

هر شخص مؤمن اوّل ظهر این اسم را صد و هفتاد مرتبه با نیت خالص و توجّه به خدا و معنای آن بگوید، دل او نورانی شود و از وسوسه شیطان در امان باشد. (۱)

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده:

هر شخص مؤمن صد و سی و یک مرتبه اسم «سَلام» را با نیت خالص و توجّه به خدا و معنای آن بر بیمار بخواند، آن مرض برطرف شود.

و نیز آن حضرت فرمودند:

اگر شخص مؤمن این اسم را بر نقره نقش کند و همیشه همراه خود نماید به شرطی که با طهارت باشد، از شرّ شیطان حفظ گردد و بر دشمنان غلبه یابد و باایمان سالم از دنیا برود. (۲)

ص: ۴۶۴

۱- ۱۴۶..خواصّ آیات قرآن کریم: ۸۲.

۲- ۱۴۷..خواصّ آیات قرآن کریم: ۸۲.

هشت روایت از حضرت امام رضا علیه السلام درباره نقش نگین انگشتر و دعای آن

در این بخش، هشت روایت از حضرت امام رضا علیه السلام درباره نقش نگین انگشتر و دعای آن نقل می کنیم:

نقش نگین انگشتر پیامبران و ائمه علیهم السلام

حسین بن خالد صیرفی گوید: به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم: ... نقش نگین انگشتر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام چه بوده است؟

حضرت فرمود:

چرا از کسانی که پیش از او بودند، نمی پرسی؟

عرض کردم: اکنون از آن ها می پرسم.

امام علیه السلام فرمود:

ص: ۴۶۵

نقش نگین آدم «لا- إله إلاّ الله، محمّد رسول الله» بود؛ «معبودی جز خداوند نیست، محمّد فرستاده خدا است»، و با همان به زمین هبوط کرد و فرود آمد.

نوح هنگامی که بر کشتی سوار شد خداوند عزّ وجلّ به او وحی فرمود: ای نوح؛ اگر از غرق شدن می ترسی هزار مرتبه بگو: «لا إله إلاّ الله»، سپس از من نجات خود و همراهانت را بخواه تا شما را از غرق شدن نجات دهم.

چون نوح و همراهانش در کشتی قرار گرفتند و طناب کشتی را رها کردند، بادتنندی بر آنان وزید، نوح خود را از غرق شدن ایمن نیافت، باد هم به او مهلت نمی داد تا هزار مرتبه «لا إله إلاّ الله» بگوید، به زبان سریانی گفت: «هیلولیا ألفاً ألفاً، یا ماریا؛ یا ماریا؛ اتقن»، آنگاه موج دریا آرام شد و کشتی قرار گرفت، و نوح با خود گفت: کلامی که به سبب آن خدا مرا از غرق شدن نجات داد، سزاوار است که هرگز از من جدا نگردد، لذا بر نگین انگشتریش نوشت:

«لا إله إلاّ الله» ألف مرّه، یا ربّ اصلحنی.

معبودی جز خداوند نیست هزار مرتبه، پروردگارا؛ مرا اصلاح کن. (و این ترجمه همان کلام سریانی است).

ابراهیم هنگامی که در منجیق قرار داده شد جبرئیل ناراحت شد، خداوند به او وحی فرمود: ای جبرئیل؛ چه چیز تو را ناراحت ساخته است؟

عرض کرد: پروردگار من؛ ابراهیم، خلیل تو است و بر روی زمین کسی جز او تو را نمی پرستد، دشمنت و دشمنش را بر او مسلط ساخته ای.

خداوند به او وحی فرمود: ساکت باش، بنده ای مانند تو که می ترسد چیزی از دست او برود شتاب می کند، ولی من بنده ام در اختیارم می باشد هر زمان که بخواهم او را می گیرم.

امام علیه السلام فرمود: پس از شنیدن کلام پروردگار جبرئیل قلب و روحش آرام گرفت، و متوجّه ابراهیم شد، به او گفت: آیا در این حالی که هستی حاجتی داری؟ فرمود: اما به تو هرگز حاجتی ندارم.

خداوند در حال فرود آمدن ابراهیم جبرئیل را نزد او روانه ساخت و انگشتی که بر آن شش کلمه نقش شده بود برایش فرستاد و آن کلمات چنین بود:

لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، فَوَضَّتْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، أَسْنَدَتْ ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ.

معبودی جز خداوند نیست، محمد فرستاده خداوند است، هیچ توانائی و نیروئی جز به سبب خداوند نیست، کار خود را به خدا واگذار نمودم، پشت خود را به خدامحکم ساختم، خدا مرا بس است.

خداوند به او وحی فرمود: این انگشت را در انگشت خود کن و من آتش را بر تو سرد و سلامت می گردانم.

سپس حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

نقش نگین انگشت موسی دو کلمه بود که آن را از تورات برگرفته بود:

اصْبِرْ تُوجِرْ، اَصْدَقُ تُنْجِ.

شکیبا باش تا اجر و پاداش داده شوی، راست بگو تا نجات یابی.

و نقش نگین سلیمان چنین بود:

سُبْحَانَ مَنْ أَلْجَمَ الْجَنِّ بِكَلِمَاتِهِ.

پاک و منزّه است خداوندی که جنّ را با کلمات خود لجام نهاد و مهار کرد.

و نقش نگین عیسی دو کلمه بود که از انجیل برگرفته بود:

طوبى لعبد ذكر الله من أجله، وويل لعبد نسي الله من أجله.

خوشا بحال بنده ای که بخاطر او خدا یاد شود، و وای بر بنده ای که بخاطر او خدا فراموش شود.

نقش نگین حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم: «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» بود.

نقش نگین حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام «الملک لله» بود؛ یعنی جهان و فرمانروائی

جهان از آن خداوند است.

نقش نگین حسن بن علی علیه السلام «العزّه لله» بود؛ یعنی عزّت و شکست ناپذیری برای خداست.

نقش نگین حسین بن علی علیه السلام «إِنَّ اللَّهَ بِالْغِ أَمْرُهُ» بود؛ یعنی خداوند امر خود را به انجام خواهد رسانید.

علی بن الحسین علیه السلام همان انگشتر پدر را در دست می کرد، امام باقر علیه السلام نیز همان انگشتر امام حسین علیه السلام را در دست می نمود.

نقش نگین جعفر بن محمد علیه السلام «اللّٰهُ وَلِيٌّ وَعِصْمَتِي مِنْ خَلْقِهِ» بود؛ یعنی خدا سرپرست من و نگهدار من از آفریدگانش می باشد.

نقش نگین موسی بن جعفر علیه السلام «حسبی اللّٰهُ» بود؛ یعنی خدا مرا بس است.

حسین بن خالد گوید: آن گاه حضرت امام رضاعیه السلام دست مبارک خود را گشود، انگشتر پدرش در انگشت مبارک او بود و نقشی که بر آن بود به من نشان داد. (۱)

نقش نگین انگشتر حضرت امام رضاعیه السلام

به روایت دیگر نقش انگشتر آن حضرت چنین بود: «وَلِيٌّ اللّٰهُ». (۲)

ص: ۴۶۸

۱- ۱۴۸. عیون اخبار الرضاعیه السلام: ۵۵/۲، وسائل الشیعه: ۴۱۱/۳ با اختلاف.

۲- ۱۴۹. بحار الأنوار: ۷/۴۹.

نقش نگین انگشتر حضرت امام رضا علیه السلام به روایت دیگر

یونس بن عبدالرحمان گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام در مورد نقش نگین انگشتر خودش و پدر بزرگوارش سؤال کردم، فرمود:

نقش نگین انگشتر من «ما شاء الله، لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» آنچه خدا بخواهد همان می شود، هیچ نیروئی جز به سبب خداوند نیست)، و نقش نگین انگشتر پدرم «حَسْبِيَ اللَّهُ» خدا مرا بس است (بود و من آن را در انگشت می کردم).^(۱)

نقش نگین انگشتر حضرت امام رضا علیه السلام نیز به روایت دیگر

در کتاب «جَنَاتُ الْخُلُود» می نویسد: نقش نگین انگشتر حضرت امام رضا علیه السلام این است:

ما شاء الله، لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

آنچه خدا بخواهد، قوتی جز برای خداوند نیست.

نقش این جمله در نگین - خصوصاً اگر یمنی و زرد باشد - برای توانگری بسیار مفید است؛ مخصوصاً اگر در زیر آن، «محمّد و علی» کنده شده باشد.^(۲)

ص: ۴۶۹

۱- ۱۵۰.. وسائل الشیعه: ۴۱۰/۳.

۲- ۱۵۱.. جَنَاتُ الْخُلُود: ۳۳.

همراه داشتن انگشتر عقیق زرد و فیروزه در راه زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

قاسم بن علاء از خادم امام هادی علیه السلام روایت کرده است که گفت: از آن حضرت اجازه خواستم که برای زیارت حضرت امام رضا علیه السلام به شهر طوس بروم، فرمود:

باید همراه تو انگشتری باشد که نگین آن عقیق زرد رنگ باشد، و بر روی آن این جمله: «مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ»؛ «آنچه خدا بخواهد، هیچگونه نیروئی جز به وسیله خداوند نیست، از خدا طلب آمرزش می کنم»، و برطرف دیگرش نام زیبای «محمّد و علی» حک شده باشد؛ زیرا که آن، باعث ایمنی از دزدان گردنه و بین راه، و موجب سلامتی بیشتر و محفوظ ماندن دین تو است - تا آنکه فرمود: -

و باید با تو انگشتر دیگری از فیروزه باشد؛ اگر در میان راه بین شهر طوس و نیشابور شیری با شما برخورد کند و مانع از رفتن قافله گردد، تو پیش برو و آن انگشتر را به او نشان بده و بگو: مولای من به تو می فرماید: از سر راه کنار برو.

سپس فرمود: باید بر یک طرف آن این جمله: «اللَّهُ الْمَلِكُ»؛ «خداوند صاحب مُلک و پادشاه عالم است»، و بر طرف دیگرش: «الْمَلِكُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارُ»؛ «تمام هستی از آن خداوندی است که یکتا و شکست ناپذیر است» کنده کاری شده باشد که آن، انگشتر امیرالمؤمنین علیه السلام است.

- و کلامش را ادامه داد تا آنکه فرمود: - و نگین آن فیروزه بوده است و آن باعث ایمنی از درندگان و پیروزی در جنگ ها است تا آخر روایت.

در این روایت، قاسم بن علاء دو معجزه امام علیه السلام را مشاهده کرده است. (۱)

ص: ۴۷۰

قابل توجه است که در آن زمان، راه طوس بسیار خطرناک بوده است.

نقش نگین انگشتر فیروزه برای فرزندان شدن

علی بن محمد نصیری گوید: با دختر جعفر بن محمود ازدواج کردم و او را بسیار دوست داشتم، ولیکن مدتی گذشت از وی فرزندی نیامد، خدمت حضرت امام رضا علیه السلام رسیدم و موضوع را عرض کردم.

حضرت تبسم کرد و فرمود:

در انگشتری که نگین آن فیروزه باشد بنویس: «رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ»^(۱)؛ «خداوندا! مرا تنها وامگذار و تو بهترین وارثانی»^(۲).

انگشتر عقیق و دعا برای حفظ شدن از شرّهای آسمانی و زمینی

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

هر کس شب را به روز آورد در حالی که انگشتری که نگین آن عقیق است در دست راست او باشد، قبل از اینکه احدی او را ببیند نگین انگشتر را به طرف کف دست بگرداند و سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را تا آخر بخواند سپس بگوید:

ص: ۴۷۱

۱- ۱۵۳..سوره انبیاء، آیه ۸۹.

۲- ۱۵۴..اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام: ۷۳۶.

اَمَنْتُ بِاللّٰهِ وَحِدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ اَمَنْتُ بِسَرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَانِيَتِهِمْ. ایمان آوردم به خداوندی که یگانه است و شریکی برای او نیست، و ایمان آوردم به سرّ آل محمد و آشکار آنان.

خداوند در آن روز او را حفظ می کند از هر چه از آسمان فرود می آید و از آنچه به آسمان بالا می رود و از آنچه در زمین داخل می شود و از آنچه از زمین خارج می شود، و تا شب کند در حرز خدا و رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم است. (۱)

دعا هنگام دست نمودن انگشتر

این دعا از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

هنگامی که انگشتر به انگشت خود می کنی بگو:

اَللّٰهُمَّ سَيِّمْنِيْ بِسَيِّمَاءِ الْاِيْمَانِ، وَ اخْتِمْ لِيْ بِالْخَيْرِ، وَ اجْعَلْ عَاقِبَتِيْ خَدَاوَنَدًا؛ نشان ایمان در سیما و چهره ام آشکار کن، و پایان کارم را به خوبی قرار ده، و سرانجام مرا اِلی خَیْرٍ، اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْكَرِيْمُ. (۲)

به خوبی قرار بده، که تو عزیز و بزرگوار هستی.

ص: ۴۷۲

۱- ۱۵۵.. اکسیر الدعوات: ۳۵۱.

۲- ۱۵۶.. فقه الرضا علیه السلام: ۳۹۵.

هشت زیارت از زیارت های حضرت امام رضا علیه السلام

در این بخش، هشت زیارت از زیارت های حضرت امام رضا علیه السلام را نقل می کنیم. (۱)

آنچه رعایت آن برای زائرین محترم مهم است، توجه به معنای زیارتی است که می خوانند.

نکته مهم دیگری که باید به آن توجه داشته باشیم، این است که مقصود از توجه به معنای زیارت، فقط این نیست که مفهوم آنچه را که می خوانیم بدانیم؛ بلکه علاوه براین، باید در فکر عمل به آن نیز باشیم.

به عنوان نمونه در زیارت اول حضرت امام رضا علیه السلام، درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه می خوانیم: «وَتَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»؛ «خداوندا؛ ما را در دنیا و آخرت با آن حضرت قرار ده».

ص: ۴۷۳

۱- ۱. دو زیارت دیگر برای حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده که چون مخصوص روز چهارشنبه است، آن دو زیارت را در «بخش دهم: اعمال عبادی ایام هفته ص ۲۴۳ و ۲۴۴» نقل کرده ایم.

توجه کامل به این جمله از زیارت، در صورتی است که تصمیم به معیت و همراه بودن با امام زمان ارواحنا فداه را در تمام حالات و مراحل زندگی خود داشته باشیم و این، فقط با لطف خدا و توجه و عنایت اهل بیت علیهم السلام ممکن و میسر است.

ان شاء الله زائرین گرامی پس از زیارت آن بزرگوار، اولین و مهمترین حاجت خود را تعجیل ظهور حضرت بقیه الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه قرار دهند؛ زیرا همان گونه که امام حسن عسکری علیه السلام به احمد بن اسحاق فرمودند، در میان کسانی که در عصر غیبت به امامت امام زمان ارواحنا فداه معتقد هستند، فقط کسانی از فتنه های آخرالزمان نجات می یابند که خداوند آنان را به دعانمودن برای تعجیل ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه موفق نماید (۱).

آداب زیارت

اکنون به بیان آداب زیارت می پردازیم:

محدث قمی رحمه الله نقل کرده است: آداب زیارت بسیار است و در اینجا به چند چیز اکتفا می شود:

اول: پیش از بیرون رفتن برای سفر زیارت غسل نماید.

دوم: کلام بیهوده و لغو و دعوا و مجادله را در راه ترک کند.

سوم: برای زیارت هر امامی غسل نماید و دعایی که در هنگام غسل وارد شده است بخواند.

چهارم: با طهارت باشد.

پنجم: جامه های پاک و پاکیزه و نو بپوشد، و خوب است رنگ لباسی که می پوشد سفید باشد.

ص: ۴۷۴

ششم: در وقت رفتن به روضه مقدّسه گام ها را کوتاه برداشته و به آرامی و وقار سیرنموده و خاضع و خاشع باشد و سر به زیر اندازد و به بالا و اطراف خود التفات ننماید.

هفتم: در غیر زیارت امام حسین علیه السلام خود را خوش بو نماید.

هشتم: در وقت رفتن به حرم مطهرّ زبان را به ذکر تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل و تمجید مشغول نماید و به صلوات فرستادن بر محمّد و آل محمّد علیهم السلام دهان خود را معطرّ سازد.

نهم: بر در حرم شریف ایستاده و طلب اذن ورود به حرم نماید و سعی در تحصیل رقت قلب و خضوع و شکستگی خاطر نماید، و در عظمت و جلالت قدر صاحب آن مرقد منور فکر کند، و باور داشته باشد که می بیند ایستادن او را، و می شنود کلام او را، و جواب می دهد سلام او را؛ چنانچه به همه این ها شهادت می دهد در وقت خواندن اذن دخول.

و اندیشه کند در محبّت و لطفی که به شیعیان و زائران خود دارند و تأمّل کند در خرابی حال خود و جفایی که به آن بزرگواران کرده و فرموده های بی شماری که از ایشان نشنیده و آزارها و اذیت ها که از او به ایشان یا به خاصان و دوستان ایشان رسیده که برگشت آن به آزدن ایشان است و اگر برآستی در خود نگردد قدم هایش از رفتن بازایستد و قلبش خاشع گردد و چشمش گریان شود و این، روح آداب زیارت است.

دهم: بوسیدن عتبه عالیّه و آستانه مبارکه است. (۱)

ص: ۴۷۵

۱-۳. مؤلف گوید: درباره عتبه بوسی و بوسیدن در گاه مطهرّ آستان مقدّس ائمه اطهار علیهم السلام در کلمات اهل بیت عصمت علیهم السلام عبارات بسیار مهمّی وارد شده است. در زیارت وداع ائمه اطهار علیهم السلام که مرحوم علامه مجلسی آن را در «بحار الأنوار: ۲۰۵/۱۰۲» نقل کرده، وارد شده است: ... و اشوقاه إلى تقبيل أعتابكم، والولوج بإذنكم لأبوابكم، وتعفير الخدّ علی اریج ترابکم، واللیاذ بعرضاتکم، ومحالّ أبدانکم وأشخاصکم، المحفوفه بالملائکه الکرام، والمتحوفه من الله بالرحمه والرضوان ... «چقدر شوق دارم به بوسیدن آستانه در گاه شما و وارد شدن با اذن شما به خانه شما و خاک آلود نمودن گونه ام را با خاک خوش بوی شما و پناه بردن به سرای شما را و مکانهای ابدان و اشخاص شما که از ملائکه کرام احاطه شده و مشمول رحمت و سلام از سوی خداوند شده است». بنابراین، بوسیدن در گاه مقدّس و خاک آلود نمودن گونه خود با خاک مشک بوی آستان مقدّس آنان و پناه بردن به حرم های مطهرّ آن بزرگواران، نه تنها مورد تأیید آن بزرگواران است، بلکه آرزو و اشتیاق آن نیز باعث تقرّب به خداوند متعال می شود. نکته بسیار مهمّی که در هنگام عتبه بوسی باید به آن توجه داشت این است که عتبه حرم اهل بیت عصمت علیهم السلام قدمگاه حضرت بقیّه الله الأعظم ارواحنا فداه است، که حضرتش در طول غیبت صغری و کبری، مکرّر بر عظمت و شرافت آن مکان های مقدّس افزوده اند و با قدوم خود آن ها را مورد توجه و عظمت بیشتر قرار داده اند. ما جلد قرآن را به خاطر قرآن می بوسیم، به خاطر احترامی که برای قرآن مجید قائل هستیم، همین گونه عتبه حرم های مطهرّ ائمه اطهار و اهل بیت عصمت علیهم السلام را می بوسیم هم به خاطر شرافتی که برای

آنان قائل هستیم و هم به این جهت که آنجا محلّ رفت و آمد حضرت بقیّه‌الله الأعظم ارواحنا فداه و قدمگاه محترم آن بزرگوار و همچنین جای قدم اولیاء خدا است. مگر نه این است که در مدّت سال های طولانی، عتبه مقدّسه اهل بیت علیهم السلام محلّ رفت و آمد و جایگاه قدم مبارک امام عصر ارواحنا فداه بوده و می باشد، پس چرا این مکان های مقدّس را نبوسیم؟ مرحوم آیّه‌الله سیّد احمد مستنبط فرموده است: از آداب زیارت، بوسیدن عتبه مقدّسه است و ما در رساله خود یادآور شدیم که این از مصداق سجده خارج است، بلکه از باب محبّت و مهر ورزیدن است مانند آن که انسان برای بوسیدن فرزند خود خم شود، زیرا کسی گمان نمی کند که این کار سجده (یا رکوع) برای اوست. و نقل شده است که از مرحوم آیّه‌الله شیخ انصاری درباره بوسیدن عتبه های مقدّسه ائمه اطهار علیهم السلام سؤال شد، ایشان فرمودند: من عتبه حرم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام را می بوسم تا چه رسد به عتبه حرم ائمه اطهار علیهم السلام آن هم به خاطر این است که آنجا، قدمگاه زوّار حضرت ابوالفضل علیه السلام است. از بعضی از علماء ربّانی دیده شده که عتبه زیارتگاه حرّ بن یزید ریاحی رضوان الله علیه را می بوسید. (الزیاره‌البشاره: ۱۳/۱) و نیز ایشان فرمودند: از آداب زیارت بوسیدن زمین در برابر امام علیه السلام است. به خاطر روایتی که در وسائل از کتاب «عیون» در باب ۱۲۹ از ابواب «عشره» از کتاب حجّ با سند از صفوان بن یحیی نقل شده است که ایشان گفت: ابو قرّه مصاحب جاثلیق به من گفت که او را به حضور حضرت امام رضا علیه السلام برسانم، من از آن بزرگوار در این باره اذن خواستم، فرمودند: او را بیاور. چون بر حضرت وارد شد، بساط حضرت را بوسید و عرض کرد در دین ما بر ما لازم است که نسبت به بزرگان عصر خود این گونه رفتار کنیم. امام علیه السلام او را از این کار منع فرمودند. و معلوم است که سکوت در برابر امر منکر از معصوم علیه السلام صادر نمی شود. و همین گونه روایت دیگری متضمّن این مطلب است که قافله ای از قم خدمت حضرت بقیّه‌الله ارواحنا فداه رسیدند و آن حضرت از علامت و نشانه های اموالی که آورده بودند به آن آنان خبر دادند. آنان خود را به عنوان شکر الهی به زمین افکنده و زمین را در برابر آن حضرت از باب احترام بوسیدند. (الزیاره‌البشاره: ۱۷/۱)

و مرحوم شهید رحمه الله فرموده است: اگر زیارت کننده سجده کند و نیت کند که از برای خدا سجده می کنم به شکرانه این که مرا به این مکان رسانیده بهتر خواهد بود.

یازدهم: پای راست را در وقت داخل شدن مقدم داشته و پای چپ را در وقت بیرون آمدن مقدم بدارد، مانند آنچه در وارد شدن و خارج شدن از مسجد عمل می کند.

دوازدهم: نزد ضریح مطهر بایستد به گونه ای که خود را بتواند به آن بچسباند. و توهم آن که دور ایستادن ادب می باشد و هم است؛ زیرا که چسبیدن به ضریح و بوسیدن آن در روایت وارد شده است.

سیزدهم: در وقت زیارت پشت به قبله و رو به قبر منور بایستد، و ظاهراً این ادب مختص به زیارت معصوم است.

و چون از خواندن زیارت فارغ شد گونه راست را به ضریح بگذارد و به حال تضرع دعا کند، پس گونه چپ را بگذارد و بخواند خدا را به حق صاحب قبر که او را از اهل شفاعت آن بزرگوار قرار دهد و در دعا مبالغه نموده و اصرار نماید. پس به سمت سر مطهر برود و رو به قبله بایستد و دعا کند.

چهاردهم: در وقت خواندن زیارت - اگر عذری ندارد از ضعف و درد کمر و درد پا و غیر این ها - بر روی پا بایستد.

پانزدهم: در هنگام دیدن قبر مطهر پیش از شروع در خواندن زیارت، تکبیر بگوید.

و در خبریست که هر کس تکبیر بگوید پیش روی امام علیه السلام و بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» برای او خشنودی خدای بزرگ نوشته شود.

شانزدهم: زیارت هایی که از ائمه علیهم السلام روایت شده بخواند و خواندن زیارت های ساختگی که بعضی از بی خردان از عوام آن ها را با بعضی از زیارات تلفیق کرده و نادانان را به آن مشغول ساخته اند، ترک نماید.

شیخ کلینی رحمه الله روایت کرده از عبدالرحیم قصیر که گفت:

وارد شدم بر حضرت صادق علیه السلام و گفتم: فدایت شوم از پیش خود دعایی اختراع کردم.

حضرت فرمود:

واگذار مرا از اختراع خود، هر گاه تو را حاجتی روی دهد به حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم پناه بر و دو رکعت نماز بخوان و هدیه کن آن را به سوی آن حضرت الخ.

هفدهم: نماز زیارت را بخواند، و اقل آن دو رکعت است.

مرحوم شهید فرموده: که اگر زیارت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم است نماز را در روضه مطهره بجا آورد و اگر در حرم یکی از ائمه علیهم السلام است در بالای سر بجا آورد و اگر آن دو رکعت را در مسجد آن مکان یعنی مسجد حرم انجام دهد جایز است.

و علامه مجلسی رحمه الله فرموده: به نظر من اگر نماز زیارت و غیر آن را در پشت قبر یا بالای سر انجام دهد بهتر است.

(و نماز خواندن جلوتر از قبر امام علیه السلام چون بی احترامی و بی ادبی نسبت به مقام مقدس آن بزرگوار است، جایز نیست).

هیجدهم: در رکعت اول سوره «یس» و در رکعت دوم سوره «الرحمن» را بخواند؛ اگر کیفیت مخصوصی برای نماز زیارتی که می خواند وارد نشده باشد، و بعد از نماز به آنچه وارد شده یا به آنچه در خاطر او می رسد برای دین و دنیای خود و برای عموم

مؤمنین دعا کند؛ زیرا که آن به اجابت نزدیک تر است.

نوزدهم: مرحوم شهید فرموده: اگر کسی داخل حرم مطهر شود و ببیند نمازجماعت منعقد شده است اوّل نماز بخواند پیش از آنکه زیارت نماید. (در صورتی که شرایط شرکت در نماز جماعت برای او وجود داشته باشد)....

بیستم: مرحوم شهید از جمله آداب زیارت، تلاوت کردن قرآن را نزد ضریح های مطهره و هدیه کردن آن را به روح مقدس آن امام یا آن که زیارت می شود برشمرد و گفته است که این کار، فایده اش به زیارت کننده برمی گردد و نوعی احترام و بزرگداشت کسی است که زیارت می شود.

بیست و یکم: ترک نمودن سخنان ناشایسته و کلمات لغو و بیهوده و ترک اشتغال به صحبت های دنیویّه که همیشه در هر جا مذموم و قبیح و مانع رزق و باعث قساوت قلب است خصوص در این بقعه های مطهره و زیر این گنبد های بلند مرتبه و ارزشمند که خدای تعالی خبر می دهد از بزرگی و جلالت آن ها در سوره نور «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُزْفَعَ» (۱) تا آخر آیه.

بیست و دوم: صدای خود را در وقت زیارت بلند نکند، چنانچه در «هدیه الزائرین» ذکر کردم.

بیست و سوم: وقتی می خواهد مراجعت کند و از شهر خارج شود، با امام علیه السلام وداع کند به آنچه در روایات آمده یا به غیر آن.

بیست و چهارم: به سوی خدا بازگردد و از گناهان خویش استغفار نماید و کردار و گفتار خود را بعد از زیارت نسبت به پیش از آن بهتر نماید.

بیست و پنجم: به قدر توان بر خادمان آستانه شریفه انفاق نماید، و سزاوار است که خدام آن مکان شریف از اهل خیر و صلاح و صاحب دین و مروّت باشند و

ص: ۴۷۹

تحمل نمایند آنچه از زائرین می بینند و خشم خود را بر آن ها فرو نشانند و غلظت و درشتی بر آن ها نمایند و بر قضاء حوائج محتاجین اقدام کنند و افراد غریب و ناآشنا را راهنمایی و دلالت کنند اگر راه را گم نمایند، و خلاصه باید خدام به حقیقت وراستی در خدمات لازمه از تنظیف و حراست و محافظت زائران و غیره، مشغول باشند.

بیست و ششم: انفاق و احسان نماید بر مجاورین آن بقعه مبارکه که دچار فقر و ناداری هستند ولی آبرومندند؛ خصوصاً سادات و اهل علم که ترک دیار کرده اند و به تلخی غربت و تنگدستی مبتلایند و همواره پرچم تعظیم شعائر الهی را برپا نموده، وجهاتی را دارا هستند که ملاحظه هر یک از آنها کافی در لزوم اعانت به آن ها و رعایت حالشان است.

بیست و هفتم: مرحوم شهید فرموده: از جمله آداب این است که وقتی از زیارت بهره مند گردید، زودتر از آن مکان شریف بیرون رود، برای مزید تعظیم و احترام و شدت شوق به رجوع.

و نیز فرموده: در وقتی که زن ها می خواهند زیارت کنند باید از مردان جدا باشند و تنها زیارت کنند و اگر در شب زیارت کنند اولی است و باید که وضع خود را تغییر دهند، یعنی لباس خوب و عالی را به لباس پست بدل کنند که شناخته نشوند و مخفی و پنهان بیرون آیند که کسی کمتر ایشان را ببیند و بشناسد و اگر با مردان زیارت کنند نیز جایز است اگرچه مکروه است.

از این گفتار معلوم شد کثرت قبح و زشتی آنچه متعارف شده که زن ها به اسم تشرف به زیارت خود را آرایش نموده با لباس های نفیس از خانه ها بیرون می آیند و در حرم های مطهره با نامحرمان برخورد می نمایند.

زنانی که در طرف قبله مردان می نشینند و با رفتار خود حواس مردم را پریشان می کنند، و زائرین و نمازگزاران و گریه کنندگان را از عبادت باز می دارند از گروهی

شمرده می شوند که راه خدا را می بندند.

در واقع این گونه زیارتِ زنان از منکرات شمرده می شود نه از عبادات، و وسیله هلاکت است نه تقرب.

از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به اهل عراق فرمود:

يا أهل العراق؛ تبئت أن نساؤكم يوافين الرجال في الطريق أمتستحيون؟

ای اهل عراق؛ به من خبر رسیده که زن های شما در راه به مردان می رسند یعنی در کوچه و بازار به نامحرمان برمی خورند، آیا شماها حیا نمی کنید؟

و فرمود:

لعن الله من لا يغار.

خداوند لعنت کند کسی را که غیرت ندارد.

بیست و هشتم: سزاوار است وقتی که زوّار بسیارند کسانی که خود را زودتر به ضریح رسانده اند زیارت را کم نموده و کنار روند تا دیگران نیز مثل آن ها به نزدیک شدن به ضریح فائز گردند. (۱)

بیست و نهم: هنگام تشرف به اماکن مقدّسه و حرم های مطهر اهل بیت علیهم السلام بهترین موقعیت از لحاظ مکان و حال زائر برای دعا نمودن برای تعجیل ظهور امام زمان ارواحنا فداه وجود دارد؛ بنابراین زائرین محترم باید به این وظیفه اساسی خود در همه اماکن مقدّسه توجه داشته باشند.

سی ام: چون انسان از هر کجا که بخواهد می تواند امام زمان ارواحنا فداه را زیارت

ص: ۴۸۱

کند، سزاوار است پس از خواندن زیارت در حرم های مطهر، به امام عصر ارواحنا فداه توجّه نموده و با خواندن زیارت آن حضرت نیز قلب خود را صفا بخشیده و وظیفه خود را انجام دهد.

آغاز آداب زیارت

همان گونه که بیان کردیم آداب زیارت از هنگام سفر به مشهد مقدّس آغاز می شود، به این جهت زائرین گرامی نه تنها هنگام تشرف به حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام بلکه از وقتی که می خواهند سفر زیارت را آغاز کنند، باید از نظر فکری و روحی خود را آماده نموده تا از عنایات و توجّهات کریمانه حضرت امام رضا علیه السلام کاملاً بهره مند شوند.

راهنمایی هایی که در گفتار خاندان وحی علیهم السلام درباره آغاز سفر وارد شده است، دلیل واضح و روشنی بر این حقیقت می باشد که لازم است زائر از ابتداء سفر دارای طهارت باطنی و آمادگی معنوی باشد.

به این جهت در بعضی از زیارات مانند زیارت اوّل حضرت امام رضا علیه السلام، آداب زیارت از هنگام شروع سفر به مشهد مقدّس وارد شده است.

مستحبّ است زائرین محترم از ابتداء شروع به سفر، آن ها را رعایت کنند و پس از ورود به مشهد مقدّس آداب زیارت را از هنگام تشرف به حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام انجام دهند.

قبل از نقل زیارت های حضرت امام رضا علیه السلام، این دعا را به عنوان اذن ورود به حرم مطهر آن حضرت، ذکر می نماییم:

(۱)

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ وَقَفْتُ عَلٰی بَابٍ مِنْ اَبْوَابِ بُیُوتِ نَبِّیِّكَ صَلَوَاتُكَ خَدَاوَنَدَا؛ مِنْ اَیْسْتَادِه اَم كِنَارِ دَرِیْ اَز دَرِهَایْ خَانه های پِیامبَرْتِ كه دَرود تَوَعَّلَیْهِ وَآلِهِ، وَقَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ اَنْ یَدْخُلُوا اِلَیَّاهُ بِاِذْنِهِ، فَقُلْتَ «یَا بَرِ اَوْ اَل اَوْ بَاد، وَ تُو مَرْدَم رَا بَاَزْدَاشْتِه اِیْ اَز اَیْنِ كه بَدُون اِجازه اَوْ وَاَرْد شَوْنَد، وَ فَرمودِه اِی: «اِیْ اَیْهَا الَّذِیْنَ اَمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ اِلَّا اَنْ یُؤْذَنَ لَكُمْ» (۲). كسانی كه اِیمان آورده اید بَه خَانه های پِیامبر وَاَرْد نَشوید مَگر اِینكه بَه شَما اِجازه داده شُود». اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعْتَقَدُ حُرْمَه صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِیْفِ فِی غَیْبَتِهِ خَدَاوَنَدَا؛ مِنْ بَه حُرْمَتِ صَاحِبِ اَیْنِ مَكَانِ شَرِیْفِ دَر فُقْدانِ اَوْ مَعْتَقَدَم؛ كَما اَعْتَقَدُها فِی حَضَرَتِهِ، وَ اَعْلَمُ اَنَّ رَسُولَكَ وَ خُلَفَاءَكَ عَلَیْهِمْ هَمَانِ كَوْنَه كه اَن رَا دَر حَضُورِشِ بَاوَر دَارم، وَ مِی دَانم كه رَسولِ تُو وَ جانشینانِ تُو - كه السَّلَامُ اَحْیَاءُ، عِنْدَكَ یُزَوِّقُونَ، یَرْوُونَ مَقامِی، وَ یَسْمَعُونَ دَرودِ بَرِ اَنانِ بَاد - زَنده اند، نَزْدِ تُو رُوزِی مِی خُورند، جَایگاهِ مِرا مِی بَینند وَ كَلامِی، وَ یَزُدُّونَ سَلامِی، وَ اَنَّكَ حَاجَبْتَ عَن سَمْعِی كَلامَهُمْ، سَخَن مِرا مِی شَنوند، وَ سَلامِ مِرا پَاسخِ مِی دَهند، وَ تُو گوشِ مِرا اَز شَنیدنِ كَلامِ اِیشان بَاَزْدَاشْتِه اِی، وَ فَتَحْتَ بَابَ فَهْمِی بَلَدِیذِ مُنَاجاتِهِمْ. وَ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ اِذْنَكَ یَا رَبِّ وَ دَر فَهْمِیدنِ لَذَّتِ رَازِ وَ نِیازِ بَا اِیشان رَا بَرایمِ كَشُوده اِی. پَروردِگارا؛ مِنْ اَبْتِدا اَز تُو اِجازه مِی كَیرم،

ص: ۴۸۳

۱- ۶. قابل توجه است که این دعا را هنگام ورود به سایر حرم های ائمه علیهم السلام نیز می توانیم بخوانیم.

۲- ۷. سوره احزاب، آیه ۵۳.

أَوَّلًا، وَأَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا، وَأَسْتَأْذِنُ وَثَانِيًا از رسول گرامی ات - که درود خدا بر او و آل او باد - اجازه می طلبم، و خَلِيفَتِكَ الْإِمَامَ الْمَقْرُوضِ عَلَيَّ طَاعَتُهُ عَلَيَّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا از جانشین تو امام و پیشوایی که اطاعت او را بر من واجب فرموده ای، (یعنی حضرت (علی بن موسی الرضا علیه السلام)، [\(۱\)](#) وَالْمَلَائِكَةَ الْمُؤَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا. - که سلام بر او باد - و از فرشتگانی که به این بارگاه مبارک و پربرکت موکلند در مرحله بعدی اجازه می خواهم. ءَأَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، ءَأَدْخُلُ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، ءَأَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ آیا وارد شوم ای رسول خدا؟ آیا وارد شوم ای حجت خدا؟ آیا وارد شوم ای فرشتگان الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَأَذِنَ لِي يَا مَوْلَايَ فِي مَقَرِّبِ خَدَاوَنْد که در این زیارتگاه اقامت دارید؟ به من - ای مولای من؛ - اجازه بده الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذِنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا وَّارِدِ شوم بهتر از اجازه ای که به یکی از دوستان مرحمت فرموده ای، اگر من شایسته آن نباشم، لِذَلِكَ، فَأَنْتَ أَهْلٌ لَهُ.

شما شایستگی آن را دارید.

پس اگر قلبت خاشع شد و اشک از چشمانت جاری گردید؛ این، نشانه اذن ورود به حرم مطهر است. [\(۲\)](#)

ص: ۴۸۴

۱-۸. در زیارت هر یک از ائمه معصومین صلوات الله عليهم اجمعین به جای نام حضرت امام رضا علیه السلام، اسم آن امام را ذکر کنید.

۲-۹. البلد الأمين: ۳۹۱ و مصباح الزائر: ۴۱۸ با اختلاف.

از معصومین علیهم السلام روایت شده است که فرمودند:

هرگاه خواستی برای زیارت مرقد پاک حضرت علی بن موسی الرضاعلیه السلام به مشهد مقدّس بروی، پیش از خارج شدن از منزل غسل کن و در هنگام غسل کردن بگو:

اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ لِيْ قَلْبِيْ، وَاشْرَحْ لِيْ صِدْرِيْ، وَاجْرِ عَلَيَّ خَدَاوْنَدَا؛ مرا پاک گردان، و قلب و روحم را پاکیزه فرما، و سینه ام را گشایش بده، و لسانم را مَدَحَتَكَ وَالثَّنَاءَ عَلَيَّكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ مَدْح و ثنای خود را بر زبانت جاری کن، که نیرویی جز به وسیله تو وجود ندارد. خداوندا؛ آن را لی طَهُوراً وَشِفَاءً وَنُوراً.

باعث پاکی و بهبودی و روشنی من قرار بده.

و هنگام خارج شدن از منزل بگو:

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ، وَإِلَى اللّٰهِ وَإِلَى ابْنِ رَسُوْلِهِ، حَسْبِيَ اللّٰهُ، تَوَكَّلْتُ بِنَامِ خَدَا وَبِهِ يَارِى خَدَا، وَبِهِ سَوِى خَدَا وَفَرْزَنْدِ رَسُوْلِ اَوْ، خَدَاوْنَد مرا بس است، عَلَى اللّٰهِ. اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَإِلَيْكَ قَصَيْدْتُ، وَمَا عِنْدَكَ اَرَدْتُ. بر خدا توکل کردم. خداوندا؛ به سوی تو روی آوردم، و آهنگ تو نمودم، و آنچه نزد تو است اراده کرده و خواهانم.

و چون از خانه بیرون آمدی، کنار درب خانه ات بایست و بگو:

اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِيْ، وَعَلَيْكَ خَلَفْتُ اَهْلِيْ وَمَالِيْ وَمَاخَدَاوْنَدَا؛ به سوی تو چهره خود را گردانیدم، و با تکیه بر تو پشت سر گذاردم اهل و عیال و مال و دارائیم و آنچه

خَوَّلْتَنِي، وَبِعَكَ وَثِقْتُ فَلَا تُخَيِّبْنِي، يَا مَنْ لَا يَخِيبُ مَنْ أَرَادَهُ، به من عطا کرده ای، و به تو اطمینان نمودم پس مرا بی بهره و ناامید مگردان، ای آنکه محروم نمی کند کسی را که او را اراده کند، وَلَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظَهُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَاحْفَظْنِي وَتَبَاهِ نَمِي گِرْدَانْدِ كَسِي رَا كِه اَو نِگِهْدَارِي كَنْد، بِر مُحَمَّد وَ آل مُحَمَّد درود فرست، وَ مَرَا بِحَفِظُكَ، فَإِنَّهُ لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَ.

با حفظ و نگهداری خود حفظ فرما، بدون تردید کسی را که تو حفظ کنی ضایع نمی گردد و تباه نمی شود.

هنگامی که به سلامتی وارد مشهد مقدس شدی، و قصد زیارت نمودی، غسل زیارت کن و هنگام غسل کردن بگو:

اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي وَطَهِّرْ قَلْبِي، وَاشْرَحْ لِي صِدْرِي، وَأَجِرْ عَلِيْخْدَاوَنْدَا؛ مرا پاک گردان، و قلب و روحم را پاکیزه فرما، و سینه ام را گشایش بده، وَلِسَانِي مَدْحَتَكَ وَمَحَبَّتَكَ وَالْثَنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، مَدْح و مَحَبَّت و ثَنَاءِ خود را بر زبَانم جاری ساز، كِه نِيروِيِي جَزْ بِه وَسِيْلَه تُو نِيْسْت، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قُوَّةَ دِيْنِي، اَلْتَّسْلِيْمُ لِأَمْرِكَ، وَالْإِتِّبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَ مِي دَانَم كِه قُوْت دِيْن مَن، سَر نِهَادَن بِه فَرْمَان تُو وَ پِيروِي كِرْدَن اَز سَنَّت وَ رَاه وَ رُوش پِيَاْمِبَر تُو، وَالشَّهَادَةُ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِي شِفَاءً وَنُورًا. وَ گَوَاهِي دَادَن بِر تَمَام آفَرِيْدْگَان تُو اَسْت. خِدَاوَنْدَا؛ اَن رَا بَرَاي مَن شِفَا وَ رُوشْنَايِي قَرَار بَدِه.

سپس پاکترین لباس هایت را بپوش، و پای برهنه با آرامش و وقار راه برو، و زبان را به گفتن «اَللّٰهُ اَكْبَرُ»، «لَا إِلَهَ إِلَّا اَللّٰهُ»، «سُبْحَانَ اَللّٰهِ»، «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ» و ستایش خداوند مشغول بدار، و قدم هایت را کوتاه بردار، و هنگامی که وارد حریم ملکوتی آن حضرت شدی، بگو:

بِسْمِ اَللّٰهِ وَبِاَللّٰهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُوْلِ اَللّٰهِ، اَشْهَدُ اَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اَللّٰهُ، بِنَامِ خِدا وَ بِه يَارِي خِدا وَ بِرِ آئِيْن وَ دِيْن رَسُوْلِ خِدا، گَوَاهِي مِي دِهْم كِه خِدَايِي جَزْ خِدَاوَنْد نِيْسْت،

وَحِيدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّ أَوْ يَكُنَّا اسْتِ كَه شَرِيكِي نَدَارِد، وَ كَوَاهِي مِي دَهَم كَه (حضرت) مُحَمَّد بنده و فرستاده او است، وَ بِي كَمَان عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ.

(حضرت) عَلِي وَلِي خدَاوند است.

سپس به آن قبر نورانی اشاره كن و در طرف روبروی امام، قبله را بین دوشانه ات (پشت سرت) قرار بده و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحِيدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا كَوَاهِي مِي دَهَم كَه مَعْبُودِي جَز خدَا نِيست، اَو يَكُنَّا اسْتِ وَ شَرِيكِي بَرَايش نِيست، وَ كَوَاهِي مِي دَهَم كَه مُحَمَّد عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ بِنْدَه وَ فرستاده او است، وَ اَو سُرُور پيشينيان وَ آيندگان است، وَ اَو سُرُور پيامبران وَالْمُرْسَلِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَ رَسُولَانِ اسْتِ. خدَاوندا؛ بَر مُحَمَّد بنده ات وَ فرستاده ات وَ پيامبرت وَ سَيِّدِ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ، صِيْلَه لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ. وَ سُرُور تَمَامِي آفريدگانَت درود فرست، درودی كه بَر شمارش آن غير از خودت كسي توانايي ندارد. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، عَبْدِكَ وَأَخِي خدَاوندا؛ درود فرست بَر امير وَ فرمانروای مؤمنان، عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، بنده ات وَ برادرِ رَسُولِكَ، الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ فَرَسْتاده وَ رسولت، آنكه او را با علم وَ آگاهي خود بَرگزیدی، وَ قرار دادی او را هدايت كننده بَرای هر كه خواهی از خَلْقِكَ، وَالذَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَتِكَ، وَدَيَانَ الدِّينِ بِعِدْلِكَ بِنْدگانَت، وَ راهنما بَر آنان كه به رسالت مبعوث فرمودی، وَ پاداش دهنده جزا به عدل وَ دادت وَ فَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالْمُهَيِّمِينَ عَلَى ذَلِكِ كُلِّهِ، وَالسَّلَامُ وَ خاتمه دادن داوريت در ميان آفريدگانَت، وَ كَوَاه وَ پيادارنده وَ نگهبان بَر همه اين امور. وَ سلام

عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَرَحْمَتِ وَبَرَكَاتِ خدایند؛ درود فرست بر فاطمه دختر پیامبرت، وَزَوْجِهِ وَلِيِّكَ، وَأُمِّ السَّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيِ شَبَابٍ وَهَمْسِرِ وَلِيَّتِ، وَمادر دو سبط رسولت امام حسن و امام حسین دو سید و سرور جوانان أَهْلِ الْجَنَّةِ، الطُّهْرَةَ الطَّاهِرَةَ، الْمَطَهْرَةَ التَّقِيَّةَ، الرِّضِيَّةَ الزَّكِيَّةَ، اهل بهشت، آنکه دارای پاکیزگی و طهارت، و پاک بودن جسم و جان، تقوا، شایستگی و پاکی است، سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، صَلَّاهُ لَا يَقْوَى غَلَسِرُورِ زَنَانِ اَهْلِ بَهْشْتِ از همه آفریدگان است، درودی که جز تو نتواند اِخْصَاءِهَا عَزْرُكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، سَيِّدَتَيْنِ كَسَى آن را شمارش کند. خداوند؛ درود فرست بر امام حسن و امام حسین، دو سبطِ نَبِيِّكَ، وَسَيِّدَيِ شَبَابٍ أَهْلِ الْجَنَّةِ، الْقَائِمَيْنِ فِي خَلْقِكَ، وَالِدَيْكُمَا الدِّينَ بِعِدْلِكَ وَفَضْلِكَ بر آنان که آن ها را به رسالت مبعوث آفریدگانت، و دو راهنما علی مَنِ بَعَثْتَ بِرِسَالَتِكَ، وَدَيَّانِي الدِّينَ بِعِدْلِكَ وَفَضْلِكَ بر آنان که آن ها را به رسالت مبعوث فرمودی، و دو حکم کننده و فرمانروای دین به عدلت و خاتمه دادن) فَضِّلْنِي (قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ دَاوَرِيَّتِ در میان آفریدگانت. خداوند؛ درود فرست بر علی بن الحسین سَيِّدِ الْعَابِدِينَ، عَبْدِكَ وَالْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ، وَخَلِيفَتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، سرور عبادت کنندگان، بنده ات و قیام کننده به امرت در میان مخلوقات، و جانشین تو بر آفریدگانت، وَالِدَ الدِّينِ بِعِدْلِكَ وَفَضْلِكَ و راهنما بر کسانی که آنان را به رسالت مبعوث فرمودی، و حکم کننده و فرمانروای دین به عدلت و خاتمه دادن قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَبْدِكَ دَاوَرِيَّتِ در میان آفریدگانت. خداوند؛ درود فرست بر محمد بن علی، بنده ات وَوَلِيِّ دِينِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ، بَاقِرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، الْقَائِمِ و سرپرست دینت، و جانشینت در روی زمینت، شکافنده علم و دانش پیامبران، برپادارنده

بِعَدْلِكَ، وَالِدَّاعِي إِلَى دِينِكَ وَدِينَ أَبَائِهِ الصَّادِقِينَ، صَلِّ لَاهُ عِدَالَتِ، و دعوت کننده به دینت و دین پدران راستگو و درست کردارش، درودی که کسی لایقوی علی إحصائها غَيْرُكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ جز خودت توانایی شمارش آن را نداشته باشد. خداوندا؛ درود فرست بر جعفر بن محمد الصادق، عَبدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ، امام صادق، بنده ات و سرپرست دینت، و حجت بر همه آفریدگانت، الصَّادِقِ الْبَارِّ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْكَاظِمِ، اَلْعَبْدِ أَنْ رَاسْتْگُوی نیکوکار. خداوندا؛ درود فرست بر موسی بن جعفر امام کاظم، بنده الصَّالِحِ، وَلِسَانِكَ فِي خَلْقِكَ، اَلنَّاطِقِ بِعِلْمِكَ، وَالْحُجَّةِ عَلَیْشَايِسْتَه، و زبان گویای تو در میان آفریدگانت، آنکه به علم و دانش تو گویا، و حجت بر بریتک، صَلِّ لَاهُ لایقوی علی إحصائها غَيْرُكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِ عِلْبِیْنْدِگَانِ تو است، درودی که بر شمارش آن غیر از تو کسی توانایی ندارد. خداوندا؛ درود فرست بر عَلِیِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُزْتَضَى، عَبدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ، اَلْقَائِمِ عَلَیْ بْنِ مُوسَى الرِّضَا، آن امام پسندیده، بنده ات و سرپرست دینت، برپادارنده بِعَدْلِكَ، وَالِدَّاعِي إِلَى دِينِكَ وَدِينَ أَبَائِهِ الصَّادِقِينَ، صَلاهُ عِدَالَتِ تو، و دعوت کننده به دینت و دین پدران راست گفتار و درست کردارش، درودی که لایقوی علی إحصائها غَيْرُكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ جز تو نتواند آن را شمارش کند. خداوندا؛ درود فرست بر محمد بن علی، عَبدِكَ وَوَلِيِّكَ، اَلْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، وَالِدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ بِنْدَه ات و ولایت، آن قیام کننده به امر و فرمان تو، و دعوت کننده به راه تو. خداوندا؛ درود فرست عَلَى عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَبدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى بَر عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، بنده ات و سرپرست دینت. خداوندا؛ درود فرست بِرَالْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ، اَلْعَامِلِ بِأَمْرِكَ، وَالْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ، وَحُجَّتِكَ حَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ، آن عمل کننده به فرمانت، و قیام کننده در میان آفریدگانت، و حجت

الْمُؤَدَّى عَنْ نَبِيِّكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَى خَلْقِكَ، الْمَخْصُوصِ بِكَرَامَتِكَ، كه پیام رساننده از طرف پیامبرت، و گواه تو بر مخلوقات است، اختصاص یافته به کرامت و بزرگداشت تو، الدَّاعِي إِلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، فراخواننده مردم به اطاعت تو و اطاعت رسولت که درود و رحمت تو بر همه ایشان باد؛ صِلَاهُ لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ. اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ درودی که جز تو بر شمارش آن توانایی نداشته باشد. خداوندا؛ درود فرست بر حجت و ولیّی، وَالْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ، صِلَاهُ (تَأَمَّهُ) نَامِيَهٗ بَاقِيَهٗ، تُعَجَّلُ وَوَلِيَّتِ، و قیام کننده در میان آفریدگانت، درودی (کامل)، فراينده، پايدار، بِهَا فَرجُهُ، وَتَنْصِيْرُهُ بِهَا، وَتَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. كه به واسطه آن فرجش را تعجيل فرمايي، و به وسيله آن او را ياري نمايي، و ما را در دنيا و آخرت با او قرار دهی. اَللَّهُمَّ اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِزِيَارَتِهِمْ وَمَحَبَّتِهِمْ، وَأُوَالِي وَلِيِّهُمْ، خداوندا؛ به راستی من با زیارت و دوستی ایشان به تو تَقَرَّب می جویم، و دوستان آنان را دوست، وَأُعَادِي عَدُوَّهُمْ، فَارْزُقْنِي بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاصْرِفْ وَدشمنان شان را دشمن می دارم، پس خیر و خوبی دنیا و آخرت را به واسطه ایشان به من روزی گردان، وَعَنِي بِهِمْ شَرَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

از من به واسطه ایشان شرّ و بدی دنیا و آخرت و ترس و بیم روز قیامت را دور فرما.

سپس در طرف بالاسر آن حضرت، می نشینی و می گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَبر تو ای نور خدا در تاریکی های زمین، سلام بر تو ای رکن و اساس الدّین، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَهُ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يادین، سلام بر تو ای ارث برنده از (حضرت) آدم که برگزیده خدا است، سلام بر تو ای

وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، ارث برنده از) حضرت (نوح که پیامبر خدا است، سلام بر تو ای ارث برنده از) حضرت (ابراهیم که خلیل و دوست خدا است، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ سلام بر تو ای ارث برنده از) حضرت (موسی که هم سخن با خدا است، سلام بر تو ای ارث برنده از عیسی رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، حضرت (عیسی که روح خدا است، سلام بر تو ای ارث برنده از) حضرت (محمد که حبیب خدا است، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ سلام بر تو ای ارث برنده از امیر و فرمانروای مؤمنان) حضرت (علی که ولی خدا است، سلام عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بر تو ای ارث برنده از) حضرت (فاطمه که سرور زنان جهانیان است، سلام بر تو ای وارثِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ ارث برنده از امام حسن و امام حسین که دو سرور جوانان اهل بهشت هستند، سلام بر تو یا وارثِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ یا ای ارث برنده از) حضرت (علی بن الحسین که زینت عبادت کنندگان است، سلام بر تو ای وارثِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بَاقِرِ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ ارث برنده از) حضرت (محمد بن علی که شکافنده علم و دانش پیشینیان و آیندگان است، سلام بر تو یا وارثِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الْبَارِّ، أَلْتَقَى النَّقِيُّ، السَّلَامُ ای ارث برنده از) حضرت (جعفر بن محمد که راستگو، نیکوکار، تقوای پیشه و پاک سرشت است، سلام عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْكَاطِمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا بَرِ تو ای ارث برنده از) حضرت (موسی بن جعفر که فروبرنده خشم و غضب است، سلام بر تو ای الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَارُّ النَّقِيُّ، أَشْهَدُ رَاسْتَ كَفْتَارِ گَوَاه، سلام بر تو ای وصی و جانشین نیکوکار تقوای پیشه، گواهی می دهم أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ كَه تُو نَمَاز رَا بِيَادَاشْتِي، وَ زَكَات رَا پَر دَاخْتِي، وَ بَه خَوْبِي هَا فَرْمَان دَادِي، وَ

عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَيَّدَتِ اللَّهُ مُخْلِصاً حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، أَلَسْلَامُ از زشتی ها بازداشتی، و خدا را خالصانه پرستش نمودی تا دنیا را وداع گفتی، سلام عَلَیْكَ یا أَبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. بر تو ای ابا الحسن و رحمت و برکات خداوند بر تو باد، به راستی که او ستوده و با عظمت و باشکوه است.

سپس خود را بر آن قبر پاک بینداز و بگو:

اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ صَيَّمْتُ مِنْ اَرْضِي، وَقَطَعْتُ الْبِلَادَ رَجَاءً رَحْمَتِكَ، خداوندا؛ از سرزمین خود آهنگ تو کرده، و شهرها را به امید رحمت تو پیموده ام، فَلَا تُخَيِّبْنِي وَلَا تُزِدْنِي بَغَيْرِ قَضَاءٍ حَوَائِجِي، وَارْحَمْ تَقَلُّبِي عَلَیْهِسَ مرا محروم مفرما، و بدون برآمدن حاجتم مرا باز مگردان، و به گردیدنم در اطراف قَبْرِ ابْنِ اُخِي رَسُولِكَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ. بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي قَبْرِ پسر برادر رسولت - که درود خدا بر او و آل او باد - بر من رحم کن. پدر و مادرم به فدایت؛ أَتَيْتُكَ زَائِراً وَافِداً، عَائِداً مِمَّا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، وَاخْتَطَبْتُ به زیارت شما آمده و به دربار شما وارد شده ام، و از آنچه بر خود جنایت کردم، و بار سنگین گناهی که علی طَهَّرَی، فَكُنْ لِي شَفِيعاً إِلَى رَبِّكَ يَوْمَ فَقْرِي وَفَاقَتِي، فَإِنْ بَرَدُشَ دارم به شما پناهنده گشته ام، پس برای من در پیشگاه پروردگارت روز فقر و نیازم شفیع باش، که لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَاماً مَحْمُوداً، وَأَنْتَ وَجِيهٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. برای تو نزد خدا مقام ستوده و شایسته ای است، و تو در دنیا و آخرت محترم و آبرومند هستی.

سپس دست راست را بالا ببر، و دست چپ را بر روی قبر بگشا و بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَبِمُوَالَاتِهِمْ، وَاتَوَلَّى اٰخِرَهُمْ بِمَا خَدَاوْنَدَا؛ من به دوستی و ارادتی که به ایشان دارم به درگاه تو تقرب می جویم، و نسبت به آخرین آن ها عشق و ارادت می ورزم همانگونه تَوَلَّيْتُ بِهِ اَوَّلَهُمْ، وَأَبْرَأُ مِنْ كُلِّ وَلِيَجِهٍ دُونَهُمْ. اَللّٰهُمَّ الْعَنِ که نسبت به اولین ایشان ارادت دارم و سروری او را پذیرفته ام، و از هر دست آویزی که غیر ایشان باشد بیزارم. خداوندا؛ لعنت کن

الَّذِينَ يَدُلُّوا نِعْمَتَكَ، وَاتَّهَمُوا نَبِيَّكَ، وَجَحَدُوا بِآيَاتِكَ، وَسَخَرُوا آثَانَ كَ نِعْمَتِ تُو رَا دِ كَرُ كُونِ سَا خْتَنَدُ، وَ پِيَا مَبِرَتِ رَا مَتَّهَمِ سَا خْتَنَدُ، وَ آيَاتِ وَ نِشَانِه هَا يَتِ رَا اِنكَارِ نَمُودَنَدُ، وَ اِمَامِ وَ پِي شَوَائِي رَا كِه تُو مَعِيْنِ كَرْدِي بِإِمَامِكَ، وَ حَمَلُوا النَّاسَ عَلَى أَكْتَا فِ اِلِ مُحَمَّدٍ. اَللَّهُمَّ اِنِّي بِه بَادِ مَسْخَرِه كِرْفَتَنَدُ، وَ مَرْدَمِ رَا بِرِ دُوشِ آلِ مُحَمَّدِ سَوَارِ كِرْدَنَدُ (يَعْنِي بِرِ عَلِيهِ اَنَانِ وَا دَا شْتَنَدُ). خَدَاوَنْدَا؛ بِه رَا سْتِي مِّنْ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِاللَّغْنَةِ عَلَيْهِمْ، وَ اَلْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ لَعْنَتِ بِرِ اِيْشَانِ، وَ بِيْزَارِي جِسْتَنِ اَزِ اَيْنِ نَا پَا كَانِ دَرِ دُنْيَا وَ اَخِرَتِ بِه تُو تَقَرَّبِ مِي جُوِيْمِ، يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيْمُ.

ای بخشنده؛ ای مهربان.

سپس به پائین پای مبارک برو و بگو:

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ يَا اَبَا الْحَسَنِ، صَلَّيْ اللّٰهُ عَلَى رُوْحِكَ وَ يَدِّنِكَ، صَبَرْتَ دُرُودَ وَ رَحْمَتِ خَدَا بِرِ تُو اِيْ اَبَا الْحَسَنِ؛ دُرُودِ خَدَا بِرِ رُوحِ پَا كَتِ وَ بَدَنِ مَقْدَسَتِ، شَكِيَّائِي پِيْشِه كَرْدِي وَ اَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدَّقُ، قَتَلَ اللّٰهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي وَ اللُّسُنِ. وَ تُو رَا سْتِ كُو وَ تَصْدِيْقِ شَدِه اِيْ، خَدَاوَنْدِ بَكْشَدِ كُسي كِه تُو رَا بِا دَسْتِ هَا وَ زَبَانِ هَا آزارِ نَمُودِه وَ كَشْتَنَدِ.

سپس با لعنت کردن بر قاتل امیر المؤمنین علیه السلام و با لعنت کردن بر قاتلان امام حسین علیه السلام و بر تمام قاتلان اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، آن ها را نفرین کن. (۱)

«لعنت کردن بر آن جماعت به هر زبان که گفته شود خوب است و اگر این عبارت را - که قسمتی از ادعیه مأثوره است - بخواند مناسب است:

اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ، وَقَتْلَةَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، وَقَتْلَةَ خَدَاوَنْدَا؛ دُورِ كُنْ اَزِ رَحْمَتِ خُودِ كَشْنَدِ گَانِ اَمِيْرِ وَ فَرْمَانِ رَوَايِ مُؤْمِنَانِ (حَضْرَتِ عَلِيِّ عَلِيهِ السَّلَامِ) رَا، وَ كَشْنَدِ گَانِ حَسَنِ وَ حُسَيْنِ رَا، وَ كَشْنَدِ گَانِ

ص: ۴۹۳

أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكَ. اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ وَقَتْلَتَهُمْ، وَزِدْهُمْ أَهْلَ بَيْتِ پیغمبر خود را. خداوندا؛ لعنت کن دشمنان آل محمد را و کشتندگان آنان را، و زیاد کن آن ها را عَذَاباً فَوْقَ الْعَذَابِ، وَهَوَاناً فَوْقَ هَوَانٍ، وَذُلًّا فَوْقَ ذُلٍّ، وَخِزْيَاءَ عَذَابِي بِالْأَثَرِ مِنْ عَذَابِ، وَخَوَارِي بِالْأَثَرِ مِنْ خَوَارِي، وَمَذَلَّتِي بِرَتَبَةٍ مِنْ رَتَبَةِ مَذَلَّتِي، وَرِسْوَايِي فَوْقَ خِزْيٍ. اللَّهُمَّ دُعُهُمْ إِلَى النَّارِ دَعَاءً، وَأَرْكِسِيَهُمْ فِي أَلِيمٍ بِرَتَبَةٍ مِنْ رَتَبَةِ رِسْوَايِي. خداوندا؛ روانه ساز آن ها را به آتش روانه ساختنی، و سرنگون کن آن ها را در عَذَابِكَ رَكْسًا، وَاحْشُرْهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ إِلَى جَهَنَّمَ زُمْرًا. (۱)

عذاب دردناک خودت سرنگون کردنی، و محشور گردان آن ها و پیروان شان را به سوی جهنم گروه گروه. «

سپس به قسمت بالایی سر مبارک امام علیه السلام برو، و آنجا دو رکعت نماز بخوان؛ در رکعت اول بعد از «حمد»، سوره «یس» و در رکعت دیگر سوره «الرحمن»، و آنچه می توانی دعا و تضرع نما، و برای پدر و مادر و برادران مؤمن خویش زیاد دعا کن، و هر مقداری که می خواهی آنجا بمان، و سعی کن نمازت را کنار مرقد منور امام علیه السلام بجا آوری. (۲)

در کتاب «ذخیره الآخرة» آمده است:

اگر نتوانست نماز زیارت را با سوره «یس» و «الرحمن» بخواند، با هر سوره ای که می تواند بخواند، سپس تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بگوید و هر دعایی که می خواهد بخواند، آن گاه سر به سجده نهاده و بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِإِلَهِهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَفَّقَنِي مِنْ أَسْمَاءِ خَدَائِكَ وَذَاتِ أَوْ كَمِّكَ مِی جَوِیمِ دَر حَالِی کِه اَز مِلَّتِ رَسُولِ اللَّهِ هَسْتَم، سَتَايشِ مَخْصُوصِ خَدَائِنْدِی اَسْت کِه مَرَا تَوْفِیقِ

ص: ۴۹۴

۱- ۱۱. مزار آقا جمال خوانساری: ۴۸.

۲- ۱۲. کامل الزیارات: ۵۱۳، بحار الأنوار: ۴۴/۱۰۲.

بِزِيَارِهِ مَوْلَايَ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا. اَللّٰهُمَّ زِيَارَتِ مَوْلَايِمُ حَضْرَتِ اَبَا الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا رَا عَنَايَتِ فَرَمُود. خَدَاوَنَدَا! اِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ خَاشِعًا خَاضِعًا، فَاعْفُ لِي هَمَانَا مِنْ نَمَازِ خَوَانَدَمِ وَرَكَوعِ وَسَجْدَةِ نَمُودَمِ بَرَايِ تُو دَر حَالِ خَشُوعِ وَخُضُوعِ، پَسِ خَطِيئَاتِي كُلَّهَا، وَتَجَاوُزَ عَنْ كُلِّ ذَنْبٍ اَذْنُبْتُهُ، بِحُزْمِهِ وَلِيَّكَ تَمَامِي گَنَاهَانِ مَرَا بِيخَشِ، وَازِ هَرِ گَنَاهِي كِه مَرْتَكَبِ شُدِه اَمِ دَر گِذَرِ، بِه اَحْتِرَامِ وَلِيِّ الرِّضَةِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا، وَتَقَبَّلْ مِنِّي زِيَارَتَهُ بِحُزْمِهِ رَاضِيَتِ حَضْرَتِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا. وَ زِيَارَتِ او رَا ازِ مِنْ بِيذِيرِ بِه اَحْتِرَامِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِينَ. (۱)

(حضرت) محمد و تمامی آل او.

مؤلف گوید: این زیارت، از زیارت های بسیار معروف حضرت امام رضا علیه السلام است که بسیاری از علمای بزرگ آن را در کتاب های خود با اختلافی اندک نقل کرده اند. (۲)

ص: ۴۹۵

۱- ۱۳. ذخیره الآخره: ۱۶۵.

۲- ۱۴. پس از این زیارت، وداعی نقل کرده اند که چون صراحت در مخصوص بودن آن به وداع با حضرت امام رضا علیه السلام ندارد، آن را جزء زیارات وداعیه جامعه ص ۷۰۶ نقل می کنیم.

هر گاه از وطن خود به قصد زیارت خارج شدید، این دعا را بخوانید:

اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ اَخْرُجْ، وَ اِلَيْكَ اَتَوَجَّهْ، وَ بِكَ اَمْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، خداوندا؛ به سوی تو خارج می شوم، و به سوی تو متوجه می شوم، و به تو ایمان آوردم، و بر تو توکل نمودم، وَ بِكَ اَسْتَعِثُّ، وَ اِلَى مَشَاهِدِ اَوْلِيَّائِكَ وَ اَصْصِيَّائِكَ قَصَيْدْتُ، وَ اِلَيْكَ وَ اِزْ تو طلب کمک می نمایم، و مشاهد اولیای تو و برگزیدگان را قصد نمودم، و به سوی تو رغبت، فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِينَ، وَ بَلَّغْنِي اَمَلِي مَا يَلِ گشتم، پس بر محمد و آل پاک او درود فرست، و مرا به امیدوارجائی فی زیارتی اِیَّاهُمْ، وَ قَصْدِي اِلَيْهِمْ فی خَيْرٍ وَ عَافِيَةٍ آرزویم برسان در زیارتی که آن ها را می نمایم، و قصدی که به سوی آن ها دارم، در خیر و عافیت وَ سِتْرِ وَ سَلَامَةٍ وَ اَمْنٍ وَ كَفَايَةٍ، وَ رَدَّنِي مَقْبُولًا- مَبْرُورًا مَأْجُورًا وَ حَفْظَ وَ سَلَامَتِي وَ اَمْنِي وَ كَفَايَةٍ، و مرا برگردان با زیارت قبول شده و نیکو با اجر موفوراً سَعِيداً غَانِماً، وَ اَرْزُقْنِي الْعَوْدَ. اَللّٰهُمَّ مَا اَبْقَيْتَنِي، فَلَا تَجْعَلْهُ فِرَاقاً وَ بَا سَعَادَتٍ وَ غَنِيْمَةٍ، و بازگشت به آن را روزیم فرما. خداوندا؛ مادامی که مرا نگه می داری آن را اَخِرَ الْعَهْدِ لِزِيَارَةِ مَشَاهِدِهِمْ وَ مَعَارِجِهِمْ، اِنَّكَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. آخرین مرتبه برای زیارت محلّ شهادت و عروج آنان قرار مده که تو رحم کننده ترین رحم کنندگان هستی. پس هر گاه به شهر رسیدید از جایی که غسل واجب است غسل نموده، و در راه زیاد خداوند را تسبیح، تحمید، تهلیل، تکبیر و تمجید نمایید، و بافضیلت تر و جامع تر از همه این است که بگویید:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، لَا حَوْلَ وَلَا مُمْسِرَ لَهُ است خداوند و ستایش مخصوص خداوند است، و خداوندی غیر از الله نیست، و خدا بزرگتر از آنست که توصیف شود، قدرت

قُوَّةَ إِلَهِا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ، وَقُوَّةَ اِي نِيست مگر به وسيله خداوند بزرگ و با عظمت، و درود خداوند بر (حضرت) محمد پيامبر خدا، وَعَلَى اِلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَسَلَّم تَسْلِيمًا. (۱)

و بر آل پاک و طاهر او، و سلام فراوان بر آنان باد.

هنگامي که کنار مرقد پاک حضرت امام رضا عليه السلام رسيديد، بگويد:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْهَادِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ وَصِيٍّ وَجَانَشِينِ
الزَّكِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا پَارِسَا، سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ پيشواي نيكوکار باتقوا، سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ الْعَلَمِ
الْمُطَهَّرِ مِنَ الذُّنُوبِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعَاءَ حُكْمِ اللَّهِ، شَخْصِيَّتِ بِرِجَسْتِه اِي كِه از گناهان مبرا و پاک هستي، سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ
ظرفِ حُكْمِ خداوند، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَهُ سِرُّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَافِظُ لَوْحِي سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ صندوق اسرار پروردگار،
سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ حافظ و نگهدارنده وحیِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُسْتَوْفِي فِي طَاعَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ الْهَي، سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ
کامل در اطاعت و فرمانبرداری خداوند، سَلَامٌ بِرِ تَوَايِهَا الْمُتَرْجِمُ لِكِتَابِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّاعِي إِلَى تَوْحِيدِ اِي بِيان
کننده کتاب خدا، سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ دعوت کننده به توحيد و يكتائيِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُعَبِّرُ لِمُرَادِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
أَيُّهَا خُدا، سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ بازگو کننده مقصود پروردگار، سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ الْمُحَلِّلُ لِحَالِ اللَّهِ، وَالْمُحَرِّمُ لِحَرَامِ اللَّهِ، وَالِدَّاعِي إِلَى
دينِ اللَّهِ، حلال کننده حلال خداوند، و اِي حرام کننده حرام خداوند، و فراخواننده به سوی دين خدا، وَالْمُعَلِّنُ لِأَحْكَامِ اللَّهِ،
وَالْفَاحِصُ عَنْ مَعْرِفَةِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ أَشْكَارِ كُنْدِه احكامِ الهی، و کاوش کننده از معرفت خداوند. سَلَامٌ بِرِ تَوَا

ص: ۴۹۷

يَا أَيُّهَا الْحَسَنُ، أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ حُجَّهُ اللَّهِ وَأَمِينُهُ، وَصِيَّهُ فَوْهُ اللَّهِ أَيُّهَا الْحَسَنُ، گواهی می دهم ای مولای من که تو حجت خداوند و امین او، و برگزیده خدا و حبیبش، و خیره الله من خلقه، و حجتش علی عبادش، أَشْهَدُ أَنَّهُ مَنْ وَ حَبِيبُ اؤ، و انتخاب شده از میان آفریدگان او، و حجت او بر بندگانش می باشی، گواهی می دهم که هر کس والاكَ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ، وَمَنْ عَادَاكَ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ، وَمَنْ اسْتَمْسَكَكَ تَو را دوست بدارد خدا را دوست داشته، و هر کس با تو دشمنی کند با خدا دشمنی نموده، و هر کس بِكَ وَبِأَلَاءِهِ مِنْ آبَائِكَ وَوُلْدِكَ فَقَدْ اسْتَمْسَكَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، به تو و دیگر امامان از پدران و فرزندانست تمسک بجوید و به دامن شما چنگ زند به دست آویز مورد اطمینان چنگ زده و پیوسته است، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَأَعْلَامُ الْهُدَى، وَنُورُ لِسَانِ الْوَرَى. و گواهی می دهم که شما نشانه تقوا، و پرچم های هدایت، و روشنی بخش همه جهانیان هستید.

سپس خود را بر آن قبر مطهر انداخته، بوسید و بگوید:

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي أَيُّهَا الصَّدِيقُ الشَّهِيدُ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا بَنَ پدر و مادرم فدایت ای راست گفتار و درست کردار شهید، پدر و مادرم فدایت ای پسر امیرالمؤمنین و سید الوصیین، وَإِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَحُجَّهِ اللَّهِ امیر مؤمنان و سرور اوصیاء، و پیشوای مسلمانان، وَ حُجَّتِ خُدا عَلَی الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ.

بر همه آفریدگان.

و نزد آن، دو رکعت نماز گزارده و وقتی فارغ شدید و خواستید وداع کنید بگویید:

يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ، يَا مَوْلَايَ أَيُّهَا الرِّضَا، أَتَيْتُكَ زَائِرًا، ای مولای من ای ابالحسن؛ ای مولای من ای امام رضا؛ به زیارت تو آمده ام، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ خَيْرُ مَرُورٍ بَعِيدٍ آبَائِكَ، وَأَفْضَلُ مَقْصُودٍ، وَأَشْهَدُ گواهی می دهم که تو بهترین زیارت شده بعد از پدرانت، و والاترین مقصود هستی، و گواهی می دهم

أَنَّ مَنْ زَارَكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ، وَأُبْهِجَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءٍ كَمَا هِيَ كَسَتْهُ رُوحُ رَسُولِ اللَّهِ، وَنَالَ مِنَ اللَّهِ الْفَوْزَ الْعَظِيمَ، فَلَا جَعْلَ لِلَّهِ آخَرَ الْعَهْدِ سَاخِطَةً، وَبِهِ رِسْتِغَارِي بَزْرُغِي مِنْ نَاحِيَةِ خَدَائِدِ دَسْتِ يَافِثَةٍ اسْتِ. خَدَائِدِ اسْتِ زِيَارَتِ رَا آخِرِينَ مِنْ زِيَارَتِكَ، وَإِتْيَانِ مَشْهَدِكَ، وَرَزَقِنِي الْعُودَ ثُمَّ الْعُودَ إِلَيْكَ، زِيَارَتِ اسْتِ شَمَا وَدِيدَارَتَانِ، وَآمَدِنِ بِي زِيَارَتِ كَاهِنَتَانِ قَرَارِ نَدِيدِ، وَبَزْكَسْتِ دِيكَرِ وَدِيكَرِ رُوزِيمِ كَرْدَانِدِ، آمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (۱)

این دعایم را به اجابت برسان ای (پروردگار جهانیان).

زیارت سۆم حضرت امام رضا علیه السلام

برای زیارت، غسل نموده و کنار قبر مطهر ایستاده و می گوئی:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّجَةَ اللَّهِ سَلَامٌ بَرِ تَوَايِ وَلِيِّ خَدَا، وَفَرْزَنْدِ وَلِيِّ اَو، سَلَامٌ بَرِ تَوَايِ حُجَّتِ خَدَاوَابْنِ حُجَّتِهِ وَأَبَا حُجَّجِهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا إِمَامَ الْهُدَى وَالْعُرْوَةَ فَفَرْزَنْدِ حُجَّتِ خَدَا وَپَدَرِ حُجَّتِ هَايِ اَو، سَلَامٌ بَرِ تَوَايِ پِشَوَايِ هِدَايَتِ وَدَسْتِ آوِزِ الْوُثْقَى وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى مُرِدِ اطمینان، وَرَحْمَتِ خَدَا وَبَرَكَاتِ اَو بَرِ تَوَا. گَوَاهِی می دهم که تو همان راهی را پیمودی عَلَیْهِ اَبَاؤُكَ الطَّاهِرُونَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ، لَمْ تُؤْثِرْ عَمَى عَلَى هُدَى، که پَدَرانِ مَعصُومِ پاکت - که بر آنان درود باد - پیمودند، هیچگاه گمراهی را به جای هدایت برنگزیدی، وَلَمْ تَمَلْ مِنْ حَقِّ إِلَی بَاطِلٍ، وَأَنَّكَ قَدْ نَصَبْتَ لِلَّهِ وَلَرَسُولِهِ، وَاسْتِ حَقِّ بِي سَوَى بَاطِلِ تَمَایِلِ پِیْدَا نَکَرْدِ، وَهَمُورِ بَرای خَدَا وَرَسُولِش خیرخواهی کَرْدِ،

ص: ۴۹۹

وَأَذَيْتِ الْأَمَانَةَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ خَيْرَ الْجَزَاءِ. و امانت را به خوبی ادا نمودی، پس خداوند از طرف اسلام و اهل آن بهترین جزا و پاداش را به شما مرحمت کند. أَتَيْتُكَ بِأَبِي وَأُمِّي زَائِرًا، عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ، پدر و مادرم به فدای شما؛ به زیارت شما آمده ام در حالی که به حق شما معرفت دارم، با دوستان شما دوست، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ جَلَّ وَعَزَّ. (۱)

و با دشمنانتان دشمنم، پس برای من شفاعت نما نزد پروردگارت که با عظمت و عزیز است.

سپس خود را بر قبر مبارک بینداز و آن را ببوس و گونه هایت را بر آن بگذار و آنگاه سر بردار و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، سلام بر تو ای مولای من، ای فرزند رسول خدا، و رحمت خدا و برکات او بر تو باد، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْهَادِي، وَالْمُوَالِي الرَّاشِدُ، وَالْوَلِيُّ الْمُجَاهِدُ، گواهی می دهم که تو پیشوای هدایتگر، و فرمانروای روشنگر، و سرپرست جهادگری، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ أَعْدَائِكَ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِمُؤَالَاتِكَ، و به سوی خداوند بلندمرتبه از دشمنان تو بیزار می جویم، و با دوستی و ولایت تو به خدا تقرب می یابم، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

درود خدا و رحمت و برکات او بر تو باد.

سپس دو رکعت نماز بخوان و بعد از آن، آنچه دوست داری نماز بخوان، سپس پائین پای امام علیه السلام برو و آنچه می خواهی دعا کن و هنگامی که خواستی با آن حضرت وداع نمایی، هنگام بازگشتن کنار آن مرقد پاک بایست؛ همان گونه که ابتدا ایستادی و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ سَلام بر تو ای مولای من ای ابا الحسن، سلام بر تو ای فرزند رسول

ص: ۵۰۰

پس از آن، بار دیگر خود را بر روی قبر شریف بینداز و آن را بیوس و گونه هایت را بر آن بگذار و باز گرد. (۱)

زیارت جوادیه (۲) یا زیارت چهارم امام رضا علیه السلام

ص: ۵۰۱

۲- ۱۹. مرحوم محدث قمی، زیارت جوادیه را در «مفاتیح الجنان» نقل نکرده است ولی در «تحفه طوسیّه ص ۹۰» - که کتاب مختصری درباره حضرت امام رضا علیه السلام و زیارت آن حضرت است - ذکر نموده است.

الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَابْنِ أَنْوَارِهِ. سلام بر تو ای نور خدا در تاریکی های زمین و فرزند انوار الهی، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْأَنْبِيَاءِ سلام بر تو ای اساس دین، سلام بر تو ای ارث برنده (از) پیامبران وَالْمُرْسَلِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللَّهِ. السَّلَامُ وَرَسُولَانِ، سلام بر تو ای ارث برنده (از) حضرت (آدم برگزیده خداوند، سلام عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَجِيِّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ بر تو ای ارث برنده (از) حضرت (نوح همراه پروردگار، سلام بر تو ای ارث برنده (از) حضرت (ابراهیم خلیل الله. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ. السَّلَامُ دوست ویژه خداوند، سلام بر تو ای ارث برنده (از) حضرت (اسماعیل فدائی راه خدا، سلام عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى بر تو ای ارث برنده (از) حضرت (موسی هم سخن با خداوند، سلام بر تو ای ارث برنده (از) حضرت (عیسی رُوحِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ وَرَسُولِ رُوحِ خدای، سلام بر تو ای ارث برنده (از) حضرت (محمد دوست خدا و) فرستاده الله. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ خدای. سلام بر تو ای ارث برنده (از) حضرت (امیر مؤمنان علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلِيُّ اللَّهِ، وَوَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا - که بر او سلام و درود باد - وَلِيُّ خدای و وصی و جانشین رسول خدا، سلام بر تو ای وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ. ارث برنده (از) حضرت (فاطمه زهرا، سرور زنان جهانیان، دختر رسول خدا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ سلام بر تو ای ارث برنده (از) امام حسن و امام حسین، دو سرور جوانان اهل الجَنَّةِ، (وَسَيِّدَتَيْنِ رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيِّ بْنِ بهشت،) و دو سبط رسول خدا، (سلام بر تو ای ارث برنده (از) حضرت (علی بن

الْحُسَيْنِ، سَيِّدِ السَّاجِدِينَ وَزَيْنِ الْعَابِدِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا الْحُسَيْنَ، سرور سجده کنندگان و زینت اهل عبادت، سلام بر تو ای وارث مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، باقرِ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. السَّلَامُ ارث برنده (از حضرت) مُحَمَّد بن علی، شکافنده علم و دانش پیشینیان و آیندگان. سلام عَلَيْكَ یا وارث جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، الصَّادِقِ الْبَارِّ التَّقِيِّ الْأَمِينِ. بر تو ای ارث برنده (از حضرت) جعفر بن مُحَمَّد راست گفتار نیکوکار پروا پیشه امانتدار، السَّلَامُ عَلَيْكَ یا وارث مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، الْعَالِمِ الْكَاطِمِ، سلام بر تو ای ارث برنده (از حضرت) موسی بن جعفر، دانشمند، فروبرنده خشم، الْحَفِيَّ الْحَلِيمِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقُ الشَّهِيدُ. السَّلَامُ مهربان، بردبار. سلام بر تو ای راست گفتار شهید. سلام عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الرَّضِيُّ، الْبَرُّ التَّقِيُّ الْوَفِيُّ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدَّرَ تو ای وصی پسندیده، نیکوکار پروا پیشه، وفادار. گواهی می دهم که تَوَاقَمَتِ الصَّلَاةُ، وَاتَّيَتِ الزَّكَاةُ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَزَكَاتِ پرداختی، و به خوبی ها فرمان دادی، و ازالْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ یازشتی ها نهی نمودی و بازداشتی، و خدا را تا فرارسیدن مرگ خالصانه پرستش کردی. سلام بر تو ای إِمَامَ قَصِيبٍ، وَإِمَامَ نَجِيبٍ، وَإِمَامَ بَعِيدٍ قَرِيبٍ، وَإِمَامَ مَسْمُومٍ امَام بزرگوار، و امام نیک نژاد، و امام بعید (از آشنایان) و قریب (در میان دشمنان)، و امامی که مسموم غریب. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَالِمُ النَّبِيُّ، وَالْقَدَرُ الْوَجِيهُ، النَّازِحُ وَغَرِيبٌ است. سلام بر تو ای دانشمند بزرگوار؛ و ارزشمند آبرومند، دورافتاده عَنْ تُرْبِهِ جَدِّهِ وَأَبِيهِ. السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَمَرَ أَوْلَادَهُ وَعِيَالَهُ از مرقد پاک جَدِّ و پدرش. سلام بر آن که دستور داد فرزندان و اهل و عیالش رَابِالْنِيَّاحَةِ عَلَيْهِ قَبْلَ وَصُولِ الْقَتْلِ إِلَيْهِ. السَّلَامُ عَلَى دِيَارِكُمْ که پیش از رسیدن شهادتش بر او نوحه سرایی کنند. سلام بر شهر و دیارتان که از

الْمُوحَّشَاتِ، كَمَا اسْتَوْحَشَتْ مِنْكُمْ مِنْى وَعَرَفَاتُ. السَّلَامُ عَلَيَّوَجُودِ شَمَا خَالِي گشته؛ همان طور که منى و عرفات از وجود شما خالی مانده است. سلام بر ساداتِ الْعَبِيدِ، وَعُدَّةِ الْوَعِيدِ، وَالْبُئْرِ الْمُعْطَلَةِ، وَالْقَصْرِ الْمَشِيدِ. سرورانِ بندگان، و سرمایه های روز جزا برای رفع وعده های عقاب، و امام حاضر و غائب (چاه پر آب و قصر باشکوهی که از آن ها استفاده السَّلَامُ عَلَى غَوْثِ اللَّهْفَانِ، وَمَنْ صَارَتْ بِهِ أَرْضُ خُرَاسَانَ نمی شود). سلام بر فریادرس دلسوختگان، و آن کسی که سرزمین خراسان به برکت او خُرَاسَانَ. السَّلَامُ عَلَى قَلِيلِ الزَّائِرِينَ، وَقَرَّةِ عَيْنِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ خُرَاسَانَ گشت. سلام بر آن که زائرین او اندکند، و نور چشمان (حضرت) فاطمه سرور نساءِ الْعَالَمِينَ. السَّلَامُ عَلَى الْبَهْجَةِ الرَّضْوِيَّةِ، وَالْأَخْلَاقِ زَنَانِ جَهَانِيَانِ. سلام بر آن طراوت و نشاط رضوی، و اخلاق الرِّضْوِيَّةِ، وَالْعُصُونِ الْمُتَفَرِّعَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ الْأَحْمَدِيَّةِ. السَّلَامُ پسنیدیده، و شاخه های روئیده شده از شجره طَیِّبه احمدی. سلام عَلَى مَنْ انْتَهَى إِلَيْهِ رِئَاسَةُ الْمُلْكِ الْأَعْظَمِ، وَعِلْمُ كُلِّ شَيْءٍ بِرِ كَسَى که ریاست مُلْکِ هستی و همه عالم وجود، و دانش هر چیز به او منتهی گشته لِتَمَامِ الْأَمْرِ الْمُحْكَمِ. السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَسْمَأُوهُمْ وَسِيلَهُ السَّائِلِينَ، تا حکم و فرمان قطعی خداوند کامل گردد. سلام بر آنان که نام های مبارک شان وسیله ای برای درخواست کنندگان، وَهَيَا كُلُّهُمْ أَمَانُ الْمَخْلُوقِينَ، وَحُجَجُهُمْ إِبْطَالُ شُبِّهِ الْمُلْحِدِينَ. و جسم پاکشان امان بخش آفریدگان، و دلایل شان باطل کننده شبهه های کافران بی دین است. السَّلَامُ عَلَى مَنْ كَسَرَتْ لَهُ وَسَادَةُ وَالِدِهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، حَتَّى سَلَامٍ بِرِ كَسَى که گسترده شده برای او مسند پدر بزرگوارش امیر مؤمنان، تَاخَصَّمَ أَهْلَ الْكُتُبِ، وَتَبَّتْ قَوَاعِدُ الدِّينِ. السَّلَامُ عَلَى عِلْمٍ بِأَهْلِ كِتَابٍ به بحث و گفتگو پردازد، و بر آن ها غلبه کند و ارکان و پایه های دین را ثابت و استوار گرداند. سلام بر مهترِ الْأَعْلَامِ، وَمَنْ كَسَرَتْ قُلُوبُ شِيعَتِهِ بِغُرَبَتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. مهتران، و کسی که دل های شیعیانش به خاطر غربت او شکسته و محزون است تا روز قیامت.

الْسَّلَامُ عَلَى السَّرَاجِ الْوَهَّاجِ، وَالْبَحْرِ الْعَجَّاجِ، الَّذِي صَارَتْ سَلَامٌ بِرِجَالِهِ عَلَى الْوَلَدِ الْوَلَدِ، وَدِرْيَايَ عَمِيقِ بَرْتَلَاظِمِ، أَنْ كَهْ تُزْبِتُهُ مَهَبَطِ الْأُمْلَاكِ وَالْمِعْرَاجِ. السَّلَامُ عَلَى أَمْرَاءِ الْإِسْلَامِ، تَرْتِ بِكَ وَ مَرْقَدِ مَنُورِشِ مَحَلِّ فِرُودِ آمَدِنِ فَرِشْتِگَانِ وَ بَالَا رِفْتِنِ آنَانِ اسْتِ، سَلَامٌ بِرِ فَرْمَانِ رَوَايَانِ اسْلَامِ، وَمُلُوكِ الْإِيْمَانِ. السَّلَامُ عَلَى بَاهِرِي النُّورِ، وَطَاهِرِي الْوَلَادَةِ، وَ پَادِشَاهَانِ اِيْمَانِ، سَلَامٌ بِرِ نَوْرَهَايِ تَابَانِ، وَ پَاكِ وَلَادَتِ يافتگانِ، وَمَنْ أَطْلَعَهُمُ اللَّهُ بِفَضْلِهِ عَلَى عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، وَجَعَلَهُمْ وَ كَسَانِي كِه خدَا بِه فَضْلِ وَ احْسَانِ خُودِ آنَانِ رَا بِرِ عِلْمِ غَيْبِ وَ شَهُودِ آگَاهِ نَمُودِه، وَ آنَانِ رَا بِافْضَالِهِ مَنَبَعِ الْهُدَى، وَمَعْدِنِ السَّعَادَةِ. السَّلَامُ عَلَى مَنْ ابْتَهَجَتْ بِه لُطْفِ خُودِ سَرچشمه هدايتِ وَ معدنِ سعادتِ قَرَارِ دَادِه، سَلَامٌ بِرِ كَسِي كِه نَشَاظْأَفَرِينِ گَرْدِيدِ بِه مَعَالِمِ طُوسِ، حَيْثُ حَلَّ بِرَبْعِهَا.

نشانه های راه طوس با ورود او برای خانه گرفتن در آن.

يَا أَرْضَ طُوسٍ سَقَاكِ اللَّهُ رَحْمَتَهُ

ای سرزمین طوس؛ خداوند تو را از رحمتش سیراب گرداند

مَاذَا ضَمِنْتَ مِنَ الْخَيْرَاتِ يَا طُوسُ

چه گوهري از خوبي ها و كمالات در بر گرفته ای ای سرزمین طوس؟

طَابَتْ بُقَاعُكَ فِي الدُّنْيَا وَطَابَ بِهَا

بقعه هایت در دنیا دلپسند گشت و به آن خشنود گردید

شَخْصٌ ثَوِي بِسَنَابَادٍ وَمَرْمُوسٌ

شخصی که در سناباد آرمیده و در میان مرقد پاکش اقامت گزیده است

شَخْصٌ عَزِيزٌ عَلَى الْإِسْلَامِ مَضْرَعُهُ

شخصی که مدفن مبارکش بر اسلام، عزیز و گرانبها است

فِي رَحْمَةِ اللَّهِ مَغْمُورٌ وَمَغْمُوسٌ

در رحمت خدا فرو رفته و غرق گشته و پوشیده است

يَا قَبْرَهُ أَنْتَ قَبْرٌ قَدْ تَضَمَّنَهُ اِي

مرقد منور او؛ تو قبری هستی که در برگرفته ای

حِلْمٌ وَعِلْمٌ وَتَطْهِيرٌ وَتَقْدِيرٌ

بردباری و دانش و پاکی و همه صفات والا را

فَافْخَرْ بِأَنَّكَ مَغْبُوطٌ بِجَبَّتِهِ

پس افتخار کن که با دربرگرفتن آن جثه پاک، مورد رشک دیگران هستی

وَبِالْمَلَائِكَةِ الْأَطْهَارِ مَخْرُوسٌ

و با فرشتگان پاک الهی حراست و نگهبانی می شوی

فِي كُلِّ عَصْرِ لَنَا مِنْكُمْ إِمَامٌ هُدَى

در هر عصر و زمانی از شما خاندان پیشوای هدایتگری برای ما است

فَرَبُّهُ أَهْلٌ مِنْكُمْ وَمَأْنُوسٌ

و این سرا از وجود او شایستگی یافته و به او مأنوس گشته است

أَمْسَتْ نُجُومُ سَمَاءِ الدِّينِ أَفْلَهُ

ستارگان آسمان دین غروب کرده و پنهان گشتند

وَوَظَلَّ أَسَدُ الشَّرَى قَدْ ضَمَّهَا الْخَيْسُ

و شیران وادی شجاعت در بیشه خود آرمیدند و مأوا گرفتند

غَابَتْ ثَمَانِيَةٌ مِنْكُمْ وَأَرْبَعَةٌ

از شما خاندان بابرکت هشت تن پنهان گشته و چهار شخص دیگر

تُرْجَى مَطَالِعُهَا مَا حَنَّتِ الْعَيْسُ

طلوع و درخشش آنان امید می رود تا مادامی که شتران به فرزندان خود مهربانی و دلسوزی دارند

[حَتَّى مَتَى يَزْهَرُ الْحَقُّ الْمُنِيرُ بِكُمْ

کی و چه زمانی آن حقّ روشنی بخش به وجود شما می درخشد؟

فَالْحَقُّ فِي غَيْرِكُمْ دَاجٍ وَمَطْمُوسٌ]

حقّ در غیر شما تاریک و ناپدید و نابود است.

ص: ۵۰۶

الْسَّلَامُ عَلَى مُفْتَخِرِ الْأَبْرَارِ، وَنَائِي الْمَزَارِ، وَشَرْطِ دُخُولِ سَلَامٍ بِرِ آنکه مایه فخر و مباهات نیکوکاران است، و زیارتگاهش دورافتاده است، و (او) شرط داخل شدن الْجَنَّةِ وَالنَّارِ. السَّلَامُ عَلَى مَنِ لَمْ يَقْطَعْ اللَّهُ عَنْهُمْ صِلَاوَاتِهِ در بهشت) و در صورت نپذیرفتن ولایتش (دوزخ است، سلام بر کسانی که خداوند درود و صلواتش را فی اناء السَّاعَاتِ، وَبِهِمْ سَيَكُنَتِ السَّوَاكِنُ، وَتَحَرَّكَتِ در همه لحظه ها و ساعت ها بر آنان پیوسته می فرستد و هرگز قطع نمی کند، و به برکت وجود ایشان ساکنان، سکونت و آرامش و الْمُتَحَرِّكَاتُ. السَّلَامُ عَلَى مَنْ جَعَلَ إِمَامَتَهُمْ مُمَيَّزَةً بَيْنَ حَرَكَتِ كُنْدِ الْكَانِ، تَحَرَّكَتِ دارند. سلام بر کسانی که خداوند امامت شان را مایه امتیاز بین دو فرقه الْفَرِیقَيْنِ، كَمَا تَعَبَّدَ بِوِلَايَتِهِمْ أَهْلُ الْخَافِقَيْنِ. السَّلَامُ عَلَى) شیعه و سنی (و تشخیص آنها از یکدیگر قرار داده، همانطور که اهل مشرق و مغرب را نسبت به ولایت باطنی ایشان مطیع ساخته و مغلوب مَنْ أَحْبَبَ اللَّهُ بِهِمْ دَارِسَ حِكْمِ النَّبِيِّينَ، وَابْتَعَثَهُمْ بِوِلَايَتِهِمْ گردانیده است، سلام بر کسانی که خداوند به وسیله آنان احکام و آثار محوشده پیامبران را زنده گردانید، و آنان را با ولایت ایشان مبعوث گردانید، لِتَمَامِ كَلِمَةِ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. السَّلَامُ عَلَى شُهُورِ الْحَوْلِ، برای کامل شدن نشانه خداوندی که پروردگار جهانیان است. سلام بر ماه های سال، وَعَدَدِ السَّاعَاتِ، وَعَدَدِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِي رُقُومِ) (و عدد ساعت های روز، و عدد «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» در حساب ابجد) که دوازده الْمُسَيَّرَاتِ. السَّلَامُ عَلَى إِقْبَالِ الدُّنْيَا وَسَيَعُودِهَا، وَمَنْ سِئِلُوا مِی شود. سلام بر روی آوردن دنیا با همه خیر و برکت و سعادتش، و کسانی که وقتی عَنْ كَلِمَةِ التَّوْحِيدِ، فَقَالُوا نَحْنُ وَاللَّهِ مِنْ شُرُوطِهَا. السَّلَامُ از کلمه توحید سؤال شدند فرمودند: به خدا قسم؛ ما از شروط آن هستیم، سلام عَلَى مَنْ يُعَلِّلُ وُجُودَ كُلِّ مَخْلُوقٍ بِوِلَايَتِهِمْ، وَمَنْ خَطَبَتْ بِرِ کسانی که وجود هر آفریننده ای به ولای ایشان وابسته است، و کسانی که لَهُمُ الْخُطَبَاءُ.

خطباء برای آن ها خطبه خواندند.

يَسْبَعُهُ آبَاءٌ، هُمْ مَا هُمْ؟

به نام هفت تن از پدران، که آن ها چه کسانی هستند آنان؟

!هُمْ أَفْضَلُ مَنْ يَشْرَبُ صَوْبَ الْعَمَامِ اِيشَانِ بَهْتَرِينَ كَسَانِي هَسْتَنْدَ كِه بَارَانِ بَرِ آنِ هَا فِرُودِ آمَدِه.

السَّلَامُ عَلَى مَنْ عَلا مَجْدُهُمْ وَثَنَّاؤُهُمْ، وَفَاقَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ سَلَامٌ بِرِ كَسَانِي كِه شَكُوه وَ عَظْمَت وَ ثَنَاءِ آنَانِ وَالِاسْتِ، وَ پَدْرَانِ شَانِ وَ فِرْزَنْدَانِشَانِ بَرِ اَوَّلِينَابَاؤُهُمْ وَأَبْنَاءُؤُهُمْ. السَّلَامُ عَلَى مَنْ افْتَخَرَ الْفَخْرُ بِفَخْرِهِمْ، وَ آخِرِينَ بَرْتَرِي دَارَنْد. سَلَامٌ بِرِ كَسَانِي كِه بزرگی و شرف به بزرگواری ايشان افتخار می کند، وَعَلَاهِهِمْ بِوُجُوبِ الصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ، وَطَهَارَةِ ثِيَابِهِمْ. السَّلَامُ عَلِيُو بَرْتَرِي يافته اند به وجوب درود فرستادن بر آنان، و به پاکی لباس شان. سَلَامٌ بِرِ آنِ قَمَرِ الْأَقْمَارِ، وَفَخْرِ الْمَأْبَرَارِ، الْمُتَكَلِّمِ مَعَ أَهْلِ كُلِّ لُغَةٍ بِلِسَانِهِمْ، ماهِ مِيانِ ماهِ هَا، وَ افْتِخَارِ نِيكوكارانِ، (آن كِه) بَا اهلِ هر لغتی بَا زبَانِ آنَانِ سَخْنِ كُفْتِه اسْتِ، الْقَائِلِ لِشِيعَتِهِ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُؤَلِّيَ إِمَامًا عَلَى أُمَّةٍ حَتَّى يُعَرِّفَهُ بِه يَكِي از شِيعِيَانِشِ فِرْمُود: خِداوندِ اِمَامِي رَا بِه عِنْوَانِ عَهْدِه دَارِ اَمُورِ اَمَّتِ قَرَارِ نَمِي دِهْدِ تَا آنَكِه او رَا بُلْغَاتِهِمْ وَأَذْيَانِهِمْ. السَّلَامُ عَلَى فُرَحَةِ الْقُلُوبِ، وَفَرَجِ الْكُرُوبِ، بِه لَغَاتِ آنَانِ وَ آئِينَ هَايِ آنَانِ آشِنَا كِرْدَانْد. سَلَامٌ بِرِ شَادمانی دِلِ هَا، وَ بَرطَرِفِ كُنْدِه غَمِ هَا، وَشَرِيفِ الْأَشْرَافِ، وَمَفْخَرِ عَبْدِ مَنْافٍ، يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مِنْ وَ بزرگِ بزرگانِ، وَ مایِه فخرِ وَ شَرافِ عِبدِ مَنْافِ، اِي كَاشِ از الطَّائِفِينَ بِعَرْصِهِ حَضَرَتِهِ، مُسْتَشْهِدًا لِبُهِجَةِ مُؤَانِسَتِهِ.

طواف کنندگان در گاه مقدس او، و گواه طراوت همدمی و انس با او بودم.

أَطُوفُ بِبَابِكُمْ فِي كُلِّ حِينٍ

در هر لحظه و ساعت به آستان شما طواف می کنم

كَأَنَّ بَابَكُمْ جُعِلَ الطَّوْفُ

گویا طواف، برای آستان شما قرار داده شده است.

الْسَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ الرَّؤُوفِ، الَّذِي هَيَّجَ أَخْزَانَ يَوْمِ الطَّفُوفِ، سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ رُؤُوفٍ وَ مَهْرَبَانٍ، أَنْ كَهْ غَضَبُهُ هَايَ أَوْ يَدَاوَرِ خَاطِرُهُ غَمِ
 أَنْكِزِ صَحْنَهُ كَرْبَلَا- بُوَد، بِإِلَّهِ أَقْسَمُ وَبِأَبَائِكَ الْأَطْهَارِ، وَبِأَبْنَائِكَ الْمُتَنَجِّينَ الْأَبْرَارِ، لَوْلَا بِهِ خُدا سَوَّغَنْدَ وَ بِهِ پِدرانِ پَاكْتِ، وَ بِهِ
 فَرْزَنْدَانَتِ كِه بَرَكزِيدگانِ نِيكو كَارَنْد؛ اِگَر بُعْدُ الشَّقَّةِ حَيْثُ شَطَطُ بِكُمْ الدَّارُ، لَقَضَيْتُ بَعْضَ وَاجِبِ حَقِّكُمْ دَوْرِي رَاهِ بِهِ خَاطِرِ
 پَرَاكَنْدگیِ خانهِ هَايِ شَمَا نَبُود، بَا تَكَرَّرِ زِيَارَتِ، بَعْضِي از حَقُوقِ وَاجِبِ شَمَا تَكَرَّرِ الْمَزَارِ. اَلْسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا حُمَاهُ الدِّينِ، وَأَوْلَادَ
 النَّبِيِّينَ، رَا كِه بِهِ عَهْدِهِ مِنْ اِسْتِ اِدا مِي نَمُودَم. سَلَامٌ بِرِ شَمَا اِي حَامِيانِ دِينِ، وَ فَرْزَنْدَانِ پِيامْبِرانِ، وَسَادَةِ الْمَخْلُوقِينَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ
 وَبَرَكَاتُهُ.

و سرور آفریدگان، و رحمت خدا و برکات او بر همه شما باد.

این زیارت از مولای ما، امام کل عاکف و باد، ابی جعفر الثانی محمّد بن علی الجواد علیه الصلاه والتسلیم روایت شده
 است. (۱)

محدّث قمی رحمه الله نوشته است: شیخ مفید رحمه الله فرموده: مستحبّ است بعد از نماز زیارت حضرت امام رضا علیه السلام،
 این دعا را بخوانند.

محدّث قمی رحمه الله پس از ذکر این دعا از علّامه مجلسی رحمه الله نقل کرده است که آن بزرگوار فرموده است: اگر در
 حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام زیارت جوادیه را خواندید، خواندن این دعا را ترک نکنید:

اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ يَا اَللهُ، اَلدَّائِمُ فِیْ مُلْكِهِ، اَلْقَائِمُ فِیْ عِزِّهِ، خُداوَنْدَا؛ هِمَانَا مِنْ اِزْ تُو دَرْخُواسْتِ مِیْ كَنْمِ اِیْ خُدا، (خُدایی) كِه
 دَرْ پادشاهی اش پایدار، دَرْ عِزّتِ وَ نِرومندی اش پابرجا، اَلْمُطاعُ فِیْ سُلْطَانِهِ، اَلْمُتَفَرِّدُ فِیْ كِبَرِیائِهِ، اَلْمُتَوَحِّدُ فِیْ دِیْمُومِیَّتِهِ
 سُلْطَنْتَشِ هَمِهْ مَنْقَادِ او، دَرْ كِبَرِیائی اش یگانه، دَرْ هَمیشگی بقاء و ماندگاریش یكتا و بی نظیر بَقائِهِ، اَلْعادِلُ فِیْ بَرِیَّتِهِ، اَلْعالِمُ فِیْ
 قَضِیَّتِهِ، اَلْكَرِیْمُ فِیْ تَأخِیرِ اِسْتِ، دَرْ مِیْانِ آفَرِیدْگانشِ عَدالتِ پِیشِه و دادگر، دَرْ حَكَمِ كَرْدَنْشِ عَالَمِ وَ دانا، دَرْ تَأخِیرِ

ص: ۵۰۹

عُقُوبَتِهِ. إِلَهِي حَاجَاتِي مَضْرُوفَةً إِلَيْكَ، وَامَالِي مَوْقُوفَةً لَدَيْكَ، كَيْفَرش كَرِيم و بزرگوار است. معبودا؛ حاجت های من بازگشتش به سوی تو است، و آرزوهایم به آستان تو گره خورده، وَكَلَّمَا وَقَفْتَنِي بِخَيْرٍ فَأَنْتَ ذَلِيلِي عَلَيْهِ، وَطَرِيقِي إِلَيْهِ، يَا قَدِيرًا وَهر گاه به کار خیری توفیقم دهی تو راهنمای من بر آن، و راهگشای من به سوی آن هستی، ای توانایی که لَا تُؤَوِّدُهُ الْمَطَالِبُ، يَا مَلِيًّا يَلْجَأُ إِلَيْهِ كُلُّ رَاغِبٍ، مَا زِلْتُ مَضِيحُوبًا دَرخواست ها او را در مانده نمی کند، ای مهربانی که هر مشتاقی به او پناه می آورد، همواره مِنْكَ بِالنَّعَمِ، جَارِيًا عَلَى عَادَاتِ الْإِحْسَانِ وَالْكَرَمِ. أَسْأَلُكَ بِا نِعْمَتِ هَای تو همراهم، و همیشه عادت های احسان و کرم به سویم جاری است. از تو می خواهم بِالْقَعْدَرَةِ النَّافِذَةِ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ، وَقَضَائِكَ الْمُبْرَمِ الَّذِي تَحْجِبُهُ بِه آن قدرت که در تمام اشیا نافذ و قابل اجرا است، و به آن حکم تأیید شده و رأی قطعی که بِأَيِّسِرِ الدُّعَاءِ، وَبِالنَّظَرِ الَّتِي نَظَرْتَ بِهَا إِلَى الْجِبَالِ فَتَشَامَخَتْ، بِا کمترین دعا آن را می پوشانی و نادیده می گیری، و به نگاهی که به کوه ها نمودی پس بلند و برافراشته گردیدند، وَإِلَى الْأَرْضِينَ فَتَسَيَّطَحَتْ، وَإِلَى السَّمَاوَاتِ فَارْتَفَعَتْ، وَإِلَى وَه زمین ها نمودی پس گسترده و هموار شدند، و به آسمان ها نمودی پس بالا و رفیع گردیدند، وَه الْبِحَارِ فَتَفَجَّرَتْ. يَا مَنْ جَلَّ عَنْ أَدَوَاتِ لِحَظَاتِ الْبَشَرِ، وَلَطُفَ دَریاهای نمودی پس بیرون آمدند و آشکار گشتند. ای کسی که بزرگتر است از اینکه با ابزار چشم و نگاه های تیز آن دیده شود، و لطیفتر است عَنْ دَقَائِقِ خَطَرَاتِ الْفِكْرِ، لَا تُحَمِّدُ يَا سَيِّدِي إِلَّا بِتَوْفِيقٍ مِنْكَ از آنکه با دقتِ خطورهای فکر و اندیشه درک شود، سپاس نمی شوی - ای سرور من - مگر به توفیقی که خودت عنایت کنی که آن، يَقْتَضِي حَمْدًا، وَلَا تُشَكِّرُ عَلَى أَصْغَرِ مِنْهُ إِلَّا اَللَّهُ تَوْجِبَتْ بِهَا حمد و سپاس دیگری را اقتضا می کند، و بر کوچکترین نعمت شکرگزاری نمی شوی مگر اینکه سزاوار شکر دیگری شُكْرًا، فَمَتَى تُحْصِي نِعْمَاؤُكَ يَا إِلَهِي وَتُجَازِيَ الْأَوْكَ يَا مَوْلَايَ، می گردی، پس چه زمان نعمت هایت شمرده می شود ای خدای من؟ و الطَّافُ وَاحْسَانَتِ پاداش داده می شود ای مولای من؟ وَتُكَافِئُ صَيَانِيْعَكَ يَا سَيِّدِي. وَمَنْ نِعَمِكَ يَحْمَدُ الْحَامِدُونَ، و خوبی های تو جبران شود ای سرور من؟ و این از نعمت تو است که سپاسگزاران تو را سپاس گویند،

وَمِنْ شُكْرِكَ يَشْكُرُ الشَّاكِرُونَ، وَأَنْتَ الْمُعْتَمِدُ لِلذَّنُوبِ فِي وَازِ مَوْجِبَاتِ شُكْرِ تُو اسْتِ كِه شُكْر كُنْدِگَانِ تُو رَا شُكْر مِی كُنْدِ، وَ تُو مَوْرِدِ اعْتِمَادِ وَ تَكِيَه گَاهِ بَرای گناهان هستی در عَفْوِكَ، وَالنَّاسُ عَلَى الْخَاطِئِينَ جَنَاحَ سِتْرِكَ، وَأَنْتَ الْكَاشِفُ عَفْوِ وَ بَخْشِشْت، وَ گِستَراننده ای بَر خَطَاكَارَانِ بَالِ پوششِ خود رَا، وَ تُو بَر طَرَفِ كُننده بِيچار گِي لِلضَّرِّ بِيَدِكَ. فَكَمْ مِنْ سَيِّئَةٍ أَخْفَاهَا حِلْمُكَ حَتَّى دَخَلْتَ، وَحَسَبَ نَهْوِ زِيَانْكَارِي بَا دِسْتِ خود هستی. پَس چِه بَسِيَارِ از گناهان كِه آن رَا حِلْمِ وَ بَر دَبَارِي تُو پوشانيد تا از بِيِنِ رِفْت، وَ (چِه بَسِيَارِ) كَارِ خَوْبِي ضَاعَفَهَا فَضْلُكَ حَتَّى عَظُمَتْ عَلَيْهَا مُجَازَاتُكَ، جَلَلَتْ أَنْ يُخَافَ كِه فَضْلِ وَ احسانِ تُو آن رَا دُو چندان نمود تا كِيفَرْتِ بَرِ آن بَسِيَارِ شُد، (تُو) بَر تَرِ از آن هستی كِه از تُو تَر سِيْده شُود (كُسي) (مِنْكَ) إِلَّا الْعَدْلُ، وَأَنْ يُرْجَى مِنْكَ إِلَّا الْإِحْسَانُ وَالْفَضْلُ، فَمَا مَنَّ مَكْرَ بِه خَاطِرِ عَدَالَتِ (تُو)، وَ از تُو جَزِ لُطْفِ وَ احسانِ اميد بَر دِه شُود، پَس بَر مِنْ عَلَيَّ بِمَا أُوجِبُهُ فَضْلُكَ، وَلَا تَخْذُلْنِي بِمَا يَحْكُمُ بِهِ عَذْلُكَ. سَيِّدِي بِه آنچِه فَضْلِ وَ احسانِ ايجابِ مِی كُنْدِ مَنّتِ گِذارِ، وَ بِه آنچِه عَدْلِ وَ انصافِ حَكَمِ مِی كُنْدِ خَوَارِ مَكْرَدَانِ. اِي سَرُورِ مِنْ؛ لَوْ عَلِمْتَ الْأَرْضُ بِذُنُوبِي لَسَاخَتْ بِي، أَوِ الْجِبَالُ لَهَدَّتْنِي، أَوِ اِاگر زَمِينِ گناهَمِ رَا بَدانْدِ مِرا دَرِ خود فرو مِی بَر دِ، يا اِاگر كُوهِ ها بَدانْدِ مِرا دَرِهم مِی شُكُنْدِ، يا اِاگر السَّمَوَاتُ لَأَخْتَطَفْتَنِي، أَوِ الْبِحَارُ لَأَغْرَقْتَنِي، سَيِّدِي سَيِّدِي آسَمَانِ ها بَدانْدِ بَا سَرْعَتِ مِی رِبايَنْدِ، يا اِاگر دَرِياها بَدانْدِ مِرا غَرَقِ مِی سَازَنْدِ. سَرُورِ مِنْ؛ سَرُورِ مِنْ؛ سَيِّدِي، مَوْلَايَ مَوْلَايَ مَوْلَايَ قَدْ تَكَرَّرَ وَقُوفِي لِضَةِ يَافَتِكَ، سَرُورِ مِنْ؛ مَوْلَايَ مِنْ؛ مَوْلَايَ مِنْ؛ مَوْلَايَ مِنْ؛ مَانْدَنْ وَ تَوَقَّفِ مِنْ بَرای ضِيافَتِ وَ مَهماني تُو پِيا پِي اِنْجَامِ گِرَفْتِه، فَلَا تَحْرِمْني ما وَعِدَتِ الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَسْأَلَتِكَ. يا مَعْرُوفَ پَس از آنچِه بِه دَرخواستِ كُنْدِگَانِ وَ گِدايانِ وَعِدِه فرموده اِي مِرا مَحْرُومِ مَكْرَدَانِ. اِي شِناختِه شُدِه الْعَارِفِينَ، يا مَعْبُودَ الْعَابِدِينَ، يا مَشْكُورَ الشَّاكِرِينَ، يا جَلِيسَ صاحِبانِ مَعْرِفَتِ؛ اِي مَعْبُودِ عِبَادَتِ كُنْدِگَانِ؛ اِي شُكْر گِزارِي شُدِه شُكْر كُنْدِگَانِ؛ اِي هَمَنْشِينِ الذَّاكِرِينَ، يا مَحْمُودَ مَنْ حَمِدَهُ، يا مَوْجُودَ مَنْ طَلَبَهُ، يا كِسانِي كِه بِه يادِ او هِسْتَنْدِ؛ اِي سَتايشِ شُدِه كُسي كِه او رَا سَتايشِ كَرْدِه؛ اِي يافْتِ شُدِه هَر كَسِ او رَا طَلَبِ كُنْدِ؛ اِي

مَوْصُوفٌ مَنْ وَحَدَهُ، یا مَحْبُوبٌ مَنْ أَحَبَّهُ، یا غَوَّثَ مَنْ أَرَادَهُ، توصیف شده هر کس او را یگانه بخواند؛ ای محبوب هر کس او را دوست بدارد؛ ای فریادرس هر کس او را اراده کند؛ یا مَقْصُودٌ مَنْ أَنْابَ إِلَيْهِ، یا مَنْ لَا يَغْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا هُوَ، یا مَنْ ای مقصود هر کس به سوی او بازگشت کند؛ ای کسی که غیب و پنهانی را جز او نمی داند؛ ای کسی که لَا يَضِيرُ السُّوءَ إِلَّا هُوَ، یا مَنْ لَا يُدَبِّرُ الْأَمْرَ إِلَّا هُوَ، یا مَنْ بَدَى رَا جَزْ او باز نمی گرداند؛ ای کسی که تدبیر و چاره اندیشی امور را جز او نکند؛ ای کسی که لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ إِلَّا هُوَ، یا مَنْ لَا يَخْلُقُ الْخَلْقَ إِلَّا هُوَ، یا مَنْ لَا يَنْزِلُ كُنْهَ رَا جَزْ او نیامرزد؛ ای کسی که آفریدگان را جز او نیافریند؛ ای کسی که الْغَيْثَ إِلَّا هُوَ، صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفُ لِي یا خَيْرَ بَارَانَ رَا جَزْ او نازل نکند؛ بر مُحَمَّد و آل مُحَمَّد درود فرست، و مرا بیمارز ای بهترین الغافرين. رَبِّ اِنِّی اَسْتَغْفِرُكَ اَسْتَغْفَارَ حَيَاةٍ، وَ اَسْتَغْفِرُكَ اَسْتَغْفَارَ آمْرَزَنْدِه. پروردگارا؛ همانا من استغفار می کنم استغفاری که از روی حیا است، و استغفار می کنم استغفاری که رَجَاءً، وَ اَسْتَغْفِرُكَ اَسْتَغْفَارَ اِنَابَةٍ، وَ اَسْتَغْفِرُكَ اَسْتَغْفَارَ رَغْبَةٍ، از روی امید است، و استغفار می کنم استغفاری که از روی بازگشت است، و استغفار می کنم استغفاری که از روی اشتیاق است، وَ اَسْتَغْفِرُكَ اَسْتَغْفَارَ رَهْبَةٍ، وَ اَسْتَغْفِرُكَ اَسْتَغْفَارَ طَاعَةٍ، وَ اَسْتَغْفِرُكَ و استغفار می کنم استغفاری که از روی ترس است، و استغفار می کنم استغفاری که از روی اطاعت و فرمانبرداری است، و استغفار می کنم استغْفَارَ اِيْمَانٍ، وَ اَسْتَغْفِرُكَ اَسْتَغْفَارَ اِقْرَارٍ، وَ اَسْتَغْفِرُكَ اَسْتَغْفَارَ اَسْتَغْفَارِ اِيْمَانٍ، و استغفار می کنم استغفاری که از روی اقرار و اعتراف است، و استغفار می کنم استغفاری که اِخْلَاصٍ، وَ اَسْتَغْفِرُكَ اَسْتَغْفَارَ تَقْوَى، وَ اَسْتَغْفِرُكَ اَسْتَغْفَارَ تَوَكُّلٍ، از روی اخلاص است، و استغفار می کنم استغفاری که از روی تقوا و پرهیزکاری است، و استغفار می کنم استغفاری که از روی تَوَكُّلٍ و اعتماد است، وَ اَسْتَغْفِرُكَ اَسْتَغْفَارَ ذَلَّةٍ، وَ اَسْتَغْفِرُكَ اَسْتَغْفَارَ عَامِلٍ لَكَ، هَارِبٍ و استغفار می کنم استغفاری که از روی ذَلَّت و خواری است، و استغفار می کنم استغفار کسی که برای تو عمل کننده است، وَمِنْكَ اِلَيْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتُبَّ عَلَيَّ وَعَلِيَّاز تو به سوی خودت گریزان است، پس بر مُحَمَّد و آل مُحَمَّد درود فرست، و توفیق توبه بر من و بر

وَالِدَيَّ بِمَا تُبْتَ وَتَتُوبُ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. پدر و مادرم بده به آنچه که بر تمام آفریدگانت توفیق توبه داده ای و می دهی، ای مهربانترین مهربان ها. یا مَنْ تُسَمَّى بِالْغُفُورِ الرَّحِيمِ، یا مَنْ تُسَمَّى بِالْغُفُورِ الرَّحِيمِ، ای کسی که آمرزنده مهربان نامیده شده ای؛ ای کسی که آمرزنده مهربان نامیده شده ای؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست، وَاقْبِلْ تَوْبَتِي، وَزَكِّ عَمَلِي، وَاشْكُرْ سِعْيِي، وَارْحَمْ ضَرَاعَتِي، و توبه ام را بپذیر، و عملم را پاکیزه گردان، و سعی و تلاشم را پاداش بده، و به خواری و حقارت و ناتوانی من رحم کن، وَلَا تَحْجُبْ صَوْتِي، وَلَا تُخَيِّبْ مَسْأَلَتِي، يَا غَوْثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، و صدایم را پوشیده مدار، و مرا نسبت به درخواستم ناکام و ناامید مگردان، ای فریادرس آنانکه از او فریادرسی و کمک بخواهد؛ وَأَبْلِغْ أُمَّتِي سَلَامِي وَدُعَائِي، وَشَفِّعْهُمْ فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ، و به امامان من و سلام و دعایم را برسان، و آنان را در تمام آنچه از تو درخواست نموده ام شفیع و واسطه من گردان، وَأَوْصِلْ هَيْدِيَّتِي إِلَيْهِمْ كَمَا يَتَّبِعِي لَهُمْ، وَزِدْهُمْ مِنْ ذَلِكَ مَا وَهَدِيهِ مَرَا آن طور که شایسته آنان است به ایشان برسان، و آن گونه که یَتَّبِعِي لَكَ، بِأَضْعَافٍ لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا شَايَسْتَهُ تُو است بر آن بیفزای، افزودنی که غیر تو نتواند آن را شمارش کند، و هیچ توانایی و نیرویی جز بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى أَطْيَبِ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ بِهِ سَبَبِ خَدَاوند بلندمرتبه بزرگ نیست، و درود خدا بر عزیزترین رسولان، (حضرت) مُحَمَّدٌ وَإِلِهِ الطَّاهِرِينَ. (۱)

و آل پاک او باد.

ص: ۵۱۳

مرحوم کفعمی و علامه مجلسی رحمه الله و دیگران، این صلوات را به عنوان زیارت نقل کرده اند و فرموده اند:

در روایت معتبر از ائمه معصومین علیهم السلام آمده است که چون به حرم حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام وارد شدید، بگویید:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضَا الْمُرْتَضٰی، اَلْاِمَامِ التَّقِیِّ خَدَاوَنَدَا؛ درود فرست بر علی بن موسی که راضی و پسندیده شده است، پیشوای پرهیزکاران تقی، وَحُجَّتُكَ عَلٰی مَنْ فَوْقَ الْاَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرٰی، پاکیزه سرشت است، وَحُجَّتْ تُوْبَرُ هَرِّ کَسِّ بِالَاٰی زَمِیْنِ وَ بَرِّ هَرِّ کَسِّ دَر زَیْرِ خَاکِ مِی بَاشَد. اَلصَّدِیْقِ الشَّهِیْدِ، صَلَٰةٌ کَثِیْرَةٌ تَأَمَّهُ (نامیه) زَاکِیَّهٔ مُتَوَاصِلَهٗاَنْ بَسِیَّار رَاسَتْگُوْیِ شَهِیْدِ، درود فراوانِ تمام، (نشو و نماکننده یا افزون شونده) پاکیزه، بِهِمْ پیوسته، مُتَوَاتِرَهٔ مُتَرَادِفَهٔ، کَأَفْضَلِ مَا صَلَّیْتَ عَلٰی أَحَدٍ مِّنْ اَوْلِیَائِكَ. (۱) زیارت پی در پی، مانند برترین درودی که بر یکی از اولیای خود فرستادی.

مرحوم شیخ کفعمی فرموده است: بعد از اذن ورود، در حالی که غسل زیارت کرده باشید، این زیارت را بخوانید. (۲)

ص: ۵۱۴

۱- ۲۲. بحار الأنوار: ۵۰/۱۰۲، تحفه الزائر (مخطوط): ۲۹۱، مزار آقا جمال خوانساری: ۵۶.

۲- ۲۳. البلد الأمين: ۴۰۰.

صاحب کتاب «روضه الأذکار»^(۱) گوید: از جمله زیارات حضرت امام رضا علیه السلام زیارتی است که در هر روز و هر وقت که زائر در مشهد مقدس آن حضرت باشد، می تواند به این طریق آن حضرت را زیارت نماید:

چون قصد زیارت نمود، اول غسل نماید با آدابی که ذکر کردیم، و وقتی چشمش به گنبد افتاد بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ، وَمَعْدِنَ الرِّسَالَةِ، وَخُزَّانَ سَلَامٍ بِرِشْمَايِ أَهْلِ بَيْتِ نَبَوْتٍ، وَمَعْدِنَ رِسَالَتِ الْهَيْ، وَخَزَانَةَ دَارِ
عِلْمِ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ، وَأَصُولَ الْكُرَمِ، وَقَائِدَ الْأُمَمِ، وَسُلْطَانَ دَانِشٍ، وَنَهَائِةَ حِلْمٍ وَبِرِّ بَارِي، وَاسَاسَ وَرِيشَةِ هَايِ
بِزَرِّ گَوَارِي، وَفَرَمَانْدَهَانَ اُمّتِ هَا، وَپِشَوَايَانَ الْعِبَادِ، وَدَعَائِمَ الْأَخْيَارِ، وَعَنْصَرَةَ الْمَأْبُرَارِ، وَمَنْصَصَةَ الْعِبَادِ، بِنْدِ گَانِ، وَپَايَةِ هَايِ
پَا بَرِ جَايِي خُوبَانِ، وَمَايَةِ هَايِ اَصْلِي نِيكَانِ، وَپَنَاهِ گَاهِ مَرْدَمِ، وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ، وَأَبْوَابَ الْإِيمَانِ، وَأَمْنَاءَ الرَّحْمَنِ، وَشَلَالَهُوَ نَگْهَدَارِنْدَه
وَمَايَةِ اسْتَوَارِي شَهْرَهَا، وَدِرْهَاهُ وَمَحَلِّ هَايِ وَرُودِ بَهْ دَائِرَةِ اِيْمَانِ، وَامِينَانَ خَدَاوَنْدِ رَحْمَانِ، وَفَرَزَنْدَانِ وَنَسْلِ بَابِرِ كَتِ النَّبِيِّينَ،
وَصِيْفُوهُ الْمُؤَسِّلِينَ، وَعِثْرَةَ خِيَرَةِ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، پِيَا مَبْرَانَ، وَخِلَاصَهُ وَگَزِيْدَه رَسُوْلَانِ، وَعَتَرَتِ وَخَانْدَانِ بَهْتَرِيْنَ فَرَسْتَا دَه
پَرُورْدِ گَارِ جِهَانِيَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

سلام بر شما و رحمت خدا و برکات او بر شما باد.

ص: ۵۱۵

۱- ۲۴. کتاب «روضه الأذکار» از عالم جلیل القدر محمّد بن محمّد بن تبریزی است که به صورت مخطوط باقی مانده و در کتابخانه های نجف اشرف و... موجود است. گنجینه های مهم و ارزشمندی از علمای بزرگ شیعه در مکتبه های جهان وجود دارد که متأسفانه هنوز به زیور طبع آراسته نشده؛ «روضه الأذکار» یکی از آن ها است.

و چون به در روضه رسید، بایستد و دعای اذن ورود را به این طریق بخواند:

یا مَوْلایِ وَابْنِ مَوْلایِ، اَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ، الدَّلِيلُ بَيْنَ اِی مَوْلایِ مِنْ وَ فرزند مولا یم؛ مِنْ بِنْدِه تُو وَ فرزند بِنْدِه تُو هستم، که درِیدِیکَ، اَلْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكَ، جَاءَكَ مُسْتَجِيراً بِدِمَّتِكَ، قاصِدًا حُضُورَ شِما خُوار، وَ بِه حَقِّ شِما مُعْتَرِفُ هستم، بِه خدمتِتان آمده است تا در کفالت شِما پناهنده شود، قَصْدِ لِحَرَمِکَ، مُتَوَجِّهاً لِمَقامِکَ، مُتَوَسِّلاً اِلی اللّهِ بِکَ، ءَاذُخُلُ یا اللّهُ، بارگاه شِما را نمود، بِه مقام شِما رُوی آورده، بِه سَوی خداوند بِه وسیله شِما تَوَسَّل جسته، آیا وارد شوم اِی خداوند؟ ءَاذُخُلُ یا رَسُولَ اللّهِ، ءَاذُخُلُ یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ، ءَاذُخُلُ یا آیا وارد شوم اِی رسولِ خدا؟ آیا وارد شوم اِی امیرِ مؤمنان؟ آیا وارد شوم اِی فَاطِمَةُ الزَّهراءَ، ءَاذُخُلُ یا حَسَنُ الْمُجْتَبی، ءَاذُخُلُ یا حَسینُ فاطمه زهراء؟ آیا وارد شوم اِی حَسَنِ مُجْتَبی؟ آیا وارد شوم اِی حَسینِ الشَّهِید، ءَاذُخُلُ یا زَینِ العابدینَ، ءَاذُخُلُ یا مُحَمَّدُ النِّبَیِّ، ءَاذُخُلُ یا مُحَمَّدُ الباقِر، شهید؟ آیا وارد شوم اِی زَینِ العابدین؟ آیا وارد شوم اِی مُحَمَّدِ باقر؟ ءَاذُخُلُ یا جَعْفَرُ النِّبَیِّ، ءَاذُخُلُ یا جَعْفَرُ الصادِق، ءَاذُخُلُ یا مُوسَی الکَاطِم، ءَاذُخُلُ یا آیا وارد شوم اِی جَعْفَرِ صادق؟ آیا وارد شوم اِی مُوسَی کاظم؟ آیا وارد شوم اِی حُجَّه اللّهِ، ءَاذُخُلُ اَیَّتُها المَلائِکَةُ الْمُحَدِّقُونَ فی هَذا المَشهد، حُجَّتِ خداوند؟ آیا وارد شوم اِی ملائِکَه اِی که این حرم را احاطه کرده اید؟ عَلَیکَ سَلامُ اللّهِ یا مَوْلایِ وَابْنِ مَوْلایِ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَکاتُهُ. سلام خداوند بر شِما باد اِی مَوْلایِ مِنْ وَ پسر مولا یم، وَ رَحمتِ خداوند وَ بَرَکاتِ او.

آن گاه در حالی که پای راست را مقدّم می دارد، وارد حرم مطهر شود و بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِنَامِ خُدا و به یاری خُدا، بر آیین و دین رسول خُدا، درود خُدا بر او و آل او باد،

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا غَوَاهِي مِي دَهَم كِه خدایي جز خداوند نیست، او یکتا است شریکی ندارد، و گواهی می دهم که (حضرت) محمد عبده و رسوله، وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ.

بنده او و فرستاده او است، و بی گمان (حضرت) علی ولی خداوند است.

آن گاه روبروی آن حضرت بایستد و این گونه نیت زیارت نماید:

زیارت می نمایم حضرت امام رضا علیه السلام را از طرف خود و به نیابت از پدر و مادر واجداد و خویشانم و همه مؤمنین و مؤمنات. بعد از آن بگوید:

الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنِ وَلِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ وَلِيَّ خدَا، وَفَرْزَنْدِ وَلِيَّ او، سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ حُجَّتِ خدَا وَابْنِ حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، وَفَرْزَنْدِ حُجَّتِ خدَا، سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ نَوْرِ خدَا دَرِ تَارِيكِي هَايِ زَمِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِمَادَ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفِيِّ سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ رَكْنِ وَاسَاسِ دِينِ، سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ ارْثِ بَرَنْدِه (از حضرت) آدَمِ كِه بِرِ گَزِيْدِه اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَجِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خدَا اِسْتِ، سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ ارْثِ بَرَنْدِه (از حضرت) نُوحِ كِه هَمْرَازِ خدَا اِسْتِ، سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ وَارِثِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ ارْثِ بَرَنْدِه (از حضرت) اِبْرَاهِيمِ كِه خَلِيلِ وَ دُوسْتِ خدَا اِسْتِ، سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ ارْثِ بَرَنْدِه (از حضرت) اِسْمَاعِيلِ ذَبِيحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اللَّهُ، سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ ارْثِ بَرَنْدِه (از حضرت) مُوسَى كِه هَم سَخَنِ بَا خدَا اِسْتِ، سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ وَارِثِ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ ارْثِ بَرَنْدِه (از حضرت) عِيسَى كِه رُوحِ خدَا اِسْتِ، سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ ارْثِ بَرَنْدِه (از حضرت) مُحَمَّدِ كِه حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ خدَا اِسْتِ، سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ ارْثِ بَرَنْدِه (از حضرت) عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (كِه وَلِيَّ خدَا اِسْتِ، سَلَامٌ

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ بِرِثَةِ تَوَايِثِ بَرْنَدَةِ زَنَانِ جَهَانِيَانِ (حضرت (فاطمه زهرا، سلام عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيِّ بِرِثَةِ تَوَايِثِ بَرْنَدَةِ زَنَانِ جَهَانِيَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِبَادَتِ كُنُودِ بَرْنَدَةِ، سلام بِرِثَةِ تَوَايِثِ بَرْنَدَةِ) از حضرت (محمّد بن عَلِيٍّ بِاقْرِ عِلْمَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ جَعْفَرِ عَلِيٍّ كَ شَكَافِنْدَةِ عِلْمِ وَ دَانِشِ پِيشِنِيَانِ وَ آيِنْدِگَانِ اسْتِ، سلام بِرِثَةِ تَوَايِثِ بَرْنَدَةِ) از حضرت (جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الصَّادِقِ الْبَارِ الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى بْنِ مُحَمَّدٍ كَ رَاسْتِگُو، نِیكُو كَارِ، وَ آمِینِ اسْتِ، سلام بِرِثَةِ تَوَايِثِ بَرْنَدَةِ) از حضرت (مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ الْكَاضِمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقُ الشَّهِيدُ الْغَرِيبُ بْنُ جَعْفَرٍ كَ فِرَوْبَرْنَدَةِ خَشْمِ وَ غَضَبِ اسْتِ، سلام بِرِثَةِ تَوَايِثِ رَاسْتِ كُفْتَارِ شَهِیدِ غَرِیبِ الْمَسْمُومِ الْمَقْتُولِ، أَشْهَدُ بِاللَّهِ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، مَسْمُومٌ كُشْتِ شَدِ، بِه خُدا سُو كُنْدِ مِی خُورَمِ كَ تُو نَمَاز رَا بِپَا دَاسْتِی، وَ زَكَاتِ رَا بِپَر دَاخْتِی، وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ عِبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا وَ بِه خُوبِی هَا فَرْمَانِ دَادِی، وَ اَز زَشْتِی هَا بَا ز دَاسْتِی، وَ خُدا رَا خَالِصَانَه پَر سْتِشِ نَمُودِی حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي وَاللِّسَنِ. عَلَيْكَ تَا دُنْیَا رَا وَ دَاعِ كُفْتِی، خُدا وَ نَدِ بَكُشْدِ كُسی كَ تُو رَا بَا دَسْتِ هَا وَ زَبَانِ هَا) آزار نَمُودِه وَ (كُشْتِنْدِ. بِرِثَةِ تَوَايِثِ بَرْنَدَةِ) السَّلَامُ اللَّهُ يَا مَوْلَايَ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

سلام ای مولای من، و رحمت خداوند و برکات او بر تو باد.

بعد از آن، قبر را ببوسد و گونه راست را بر آن گذارد و بگوید:

اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ صَيَّمْتُ مِنْ اَرْضِي، وَ قَطَعْتُ الْبِلَادَ رَجَاءَ رَحْمَتِكَ، خُدا وَ نَدِ؛ اَز سِرْزَمِینِ خُودِ آهَنگِ تُو كُردِه، وَ شَهرِها رَا بِه اَمِیدِ رَحْمَتِ تُو پِیمُودِه ام،

فَلَا تُخَيِّبْنِي وَلَا تُرْذَنِي بِغَيْرِ قَضَاءٍ حَوَائِجِي، وَارْحَمْ تَقَلُّبِي عَلَيَّسَ مَرَا مَحْرُومَ مَفْرَمَا، وَبِدُونِ بَرَامَدَن حَاجَتَمَ مَرَا بَازْمُكَرْدَان، وَ بَر مَن رَحْم كَن بَه گَرْدِيدَنَم دَر اَطْرَافِ قَبْرِ ابْنِ أَخِي رَسُولِكَ صِلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ. بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي قَبْرِ پَسَرِ بَرَادَرِ رَسُولَتِ كِه دَرُود خُدا بَر او و آل او باد. پدر و مادرم بَه فِدَايَتِ؛ أَتَيْتُكَ زَائِرًا وَافِدًا، عَائِدًا مِمَّا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، وَاخْتَطَبْتُ بَه زِيَارَتِ شَمَا آمَدَه وَ بَه دَر بَارِ شَمَا وَارَدِ شَدَه ام،) بَه شَمَا(پَنَاهَنَدَه گَشْتَه ام از آنچَه بَر خُودِ جَنَايَتِ كَرْدَم، وَ بَارِ سَنَكِينِ عَلَى ظَهْرِي، فَكُنْ لِي شَافِعًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى يَوْمَ فَقْرِي وَفَاقَتِي، گَنَاهِي كِه بَر دُوشِ دَارَم، پَسِ بَرَايِ مَن دَر پِيشگَاهِ پَرُورْدِ گَارَتِ رُوزِ فَقَرِ وَ نِيازَمِ شَفِيعِ باش، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَحْمُودًا، وَجَاهًا وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا كِه بَرَايِ تُو نَزْدِ خُدا مَقَامِ سَتُودَه وَ شَايَسْتَه اِي اسْت، وَ دَر دُنْيَا وَ الْآخِرَه، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.

و آخرت محترم و آبرومند هستی، و درود خداوند بر محمد و همه آل او باد.

آن گاه گونه چپ را بر قبر نهاده و بگوید: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَتَقَرَّبُ اِلَیْكَ بِحُبِّهِمْ، خداوندا؛ بَه دوستی و ارادتی کِه بَه اِیشان دَارَم بَه دَرگَاهِ تُو تَقَرَّبِ مِی جُویَم، وَأَتَوَسَّلُ اِلَیْكَ بِوَلَايَتِهِمْ، وَأَتَوَلَّى اٰخِرَهُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ اَوَّلَهُمْ، و بَه سَبَبِ وِلَايَتِ آن ها بَه تُو مَتَوَسَّلِ مِی شُوم، وَ نَسَبَتِ بَه آخِرینِ آن ها عَشَقِ و ارادتِ مِی وَرَزَمِ هَمَانگُونَه کِه نَسَبَتِ بَه اوّلینِ اِیشان ارادتِ دَارَم وَوَأَبْرًا مِنْ كُلِّ وَلِیَجِهِ دُونَهُمْ. اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الدِّینَ یَدُلُّوْا نِعْمَتَکَ، سُرُورِ او را پذیرفته ام، وَ از هَر دَسْتِ آوِزی کِه غَیرِ اِیشان باشَد بِیزارَم. خداوندا؛ لَعْنَتِ کَن آنان کِه نِعْمَتِ تُو را دَگَرگُونِ سَاختَنَد، وَآتَهُمْوَا نَبِیَّکَ، وَجَعَلُوا بِاِیَاتِکَ، وَحَمَلُوا النَّاسَ عَلَى اَکْثَافٍ وَ پِیامبَرَتِ را مَتَّهَمِ سَاختَنَد، وَ آیاتِ وَ نِشانَه هَایتِ را اَنکارِ نَمُودَنَد، وَ مَرْدَمِ را بَر دُوشِ اِلِ مُحَمَّدٍ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَتَقَرَّبُ اِلَیْكَ بِمَاللَّعْنَةِ عَلَیْهِمْ، وَابْرَاءَهُآلِ مُحَمَّدٍ سَوارِ کَرْدَنَد (یعنی بَر عَلِیَه آنان واداشتَنَد). خداوندا؛ مَن بَا لَعْنَتِ بَر اِیشان، وَ بِیزارِی جَسْتَنِ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَه، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ.

از این ناپاکان در دنیا و آخرت بَه تُو تَقَرَّبِ مِی جُویَم، اِي مَهربانترین مَهربانان.

آن گاه نزدیک پایین پا آمده و بگوید: صَلِّی اللّٰهُ عَلَیْكَ یَا بَنَی رَسُوْلِ اللّٰهِ، درود خدا بر تو ای فرزند رسول خدا، صَلِّی اللّٰهُ عَلَیْكَ یَا اَبَا الْحَسَنِ، صَلِّی اللّٰهُ عَلَی رُوْحِكَ الطَّیِّبِ، درود خدا بر تو ای ابا الحسن؛ درود خدا بر روح پاکیزه، وَجَسَدِكَ الطَّاهِرِ، وَبَدَنِكَ الزَّكِيِّ، صَبْرَتِ وَاحْتِسَابَتِ، وَأَنْتَ وَجَسَدِ پاکت، و بدن مقدّست، شکیبائی پیشه کردی، و به آن راضی بودی، و توالصّادِقُ الْمُصَدِّقُ، قَتَلَ اللّٰهُ مِنْ قَتْلِكَ، وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ ظَلَمَكَ راستگو و تصدیق شده ای، خداوند بکشد کسی که تو را کشت، و خداوند لعنت کند کسی که تو را بِالْأَيْدِی وَاللِّسَنِ، عَلَیْكَ سَلَامُ اللّٰهِ یا مَوْلَایَ وَابْنَ مَوْلَایَ با دست ها و زبان ها ستم نمود. سلام خداوند بر تو ای مولای من و پسر مولای من وَرَحْمَهُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْهُدَى، وَالْوَلِیُّ وَرَحمت خدا و برکات او. گواهی می دهم که تو امام هدایتی، و سرپرست الْمُرْشِدُ، أَبْرَأُ إِلَى اللّٰهِ مِنْ أَعْدَائِكَ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللّٰهِ بِمُؤَالَاتِكَ، راهنمایی کننده ای، به سوی خداوند از دشمنان تو بیزاری می جویم، و به سوی خدا به وسیله دوستی شما تقرب می جویم، صَلِّی اللّٰهُ عَلَیْكَ وَرَحْمَهُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ.

درود خداوند و رحمت و برکات او بر تو باد.

سپس به طرف پشت سر رفته و روی به کربلای امام حسین علیه السلام نموده و آن حضرت را به این طریق زیارت نماید:

السَّلَامُ عَلَیْكَ یا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ، وَعَلَى الْمَرْوَاحِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، سلام بر تو ای ابا عبد اللّٰه؛ و بر جان ها و روان هایی که در آستانت آرمیدند، وَأَنَاخْتُ بِرَحْلِكَ، عَلَیْكَ مِنْی سَلَامُ اللّٰهِ أَبَدًا مَا بَقِیْتُ وَبَقِیَ وَ در منزل و پناهگاه تو ماندگار شدند، سلام همیشگی خداوند از من بر تو باد تا هنگامی که من هستم و

اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ اخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمْ، السَّلَامُ شَبَّ وَ رُوزِ بَاقِي است. و خدا این زیارت را آخرین زیارت از شما قرار ندهد؛ سلام عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِهِرِ حَسَنٍ وَ حُسَيْنٍ وَ بر عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ بر فرزندان الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ، وَلَعْنَهُ اللَّهُ عَلَى قَاتِلِ الْحُسَيْنِ. حسین، و بر یاران حسین، و لعنت خداوند بر قاتل حسین باد. اَللّهُمَّ الْعَنِ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَآخِرَ تَابِعٍ بَارِئِهَا؛ لعنت کن اولین کسی را که در حقّ محمد و آل محمد ستم روا داشت، و دیگری را که علی ذلک. اَللّهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنِ، که در این ستم از او پیروی کرد. خدایا؛ لعنت کن جماعتی را که به نبرد با حسین پرداخت، وَشَايَعَتْ وَبَايَعَتْ وَتَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ. اَللّهُمَّ الْعَنَهُمْ جَمِيعاً. (۱) و گروهی که در کشتن آن حضرت از آنان پیروی، بیعت و دنباله روی کردند. خدایا؛ همه آن ها را لعنت کن. آن گاه بالای سر آمده و بگوید: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنِ مَوْلَايَ، سلام بر تو ای مولای من و پسر مولای من، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ تَشْهَدُ مَقَامِي، وَتَسْمَعُ كَلَامِي، و رحمت خدا و برکات او. گواهی می دهم که همانا تو شاهد حال من هستی، و کلامم را می شنوی، وَأَنْتَ حَيٌّ عِنْدَ رَبِّكَ مَرْزُوقٌ، وَنَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ قَضَاءً وَ تو زنده ای در نزد پروردگارت روزی داده شده ای، و از خداوند که پروردگار من و پروردگار شما است می خواهم که خَوَّاجِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

حاجت های مرا در دنیا و آخرت برآورد، ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

بعد از آن به طرف پیش رو آمده و بگوید: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ، سلام بر تو ای شهید،

ص: ۵۲۱

۱- ۲۵. در «کتاب فی الزیارات والأدعیه: ۷۲» نیز - که یکی دیگر از کتاب های خطی «مؤسسه کاشف الغطاء» نجف اشرف می باشد - در ضمن یکی از زیارت های حضرت امام رضا علیه السلام، زیارت دیگری برای امام حسین علیه السلام نقل شده است.

الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَعْصُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ سَلَامٌ بِرِئَايِ امَامِ مَعْصُومٍ، سَلَامٌ بِرِئَايِ امَامِ الْمَظْلُومِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَسِيحُ الْمَعْمُومُ الْمَهْمُومُ، مَظْلُومٌ، سَلَامٌ بِرِئَايِ امَامِ مَسْمُومٍ غَمَزْدَه اندوهگین. أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْهَادِي، وَالْوَلِيُّ الْمُرْتَدُّ، أَتَبَرُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ غَوَاهِي مِي دهم که تو امام هدايت کننده ای و سرپرست هدایتگری، بیزاری می جویم به سوی خدا از اَعْدَائِكَ، وَاتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِمُؤَالَاتِكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى دَشْمَنَانِ تو، وَتَقَرَّبُ مِي جَوِيمِ به سوی خدا به وسیله دوستی تو، درود خداوند بر تو و بر اَبَائِكَ وَأَوْلَادِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

پدران و فرزندان باد، به رحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

آن گاه به طرف بالای سر رفته و دو رکعت نماز زیارت بخواند؛ در رکعت اول سوره «حمد» یک مرتبه و «قُلْ هُوَ اللَّهُ» پنجاه مرتبه یا کمتر، و در رکعت دیگر هر سوره که خواست بخواند.

و چون از نماز فارغ شد، تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را بگوید و برای خود، پدران، مادران، دوستان، مؤمنین و مؤمنات استغفار نماید، آن گاه سجده کند و دعایی را بخواند که بعد از نماز زیارت قدوم حضرت امام حسین علیه السلام خوانده می شود: «اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ...» (۱). (۲).

ص: ۵۲۲

۱- ۲۷. روضه الأذکار (مخطوط): ۶۷.

۲- ۲۶. این دعا را در «بخش اول: هشت نماز زیارت ص ۱۴۳» نقل کرده ایم.

زیارت دیگر حضرت امام رضا علیه السلام از ملحقات مصباح کفعمی رحمه الله چنین نقل شده است که بعد از غسل زیارت و انجام دادن آداب زیارت، پیش روی آن حضرت و پشت به قبله بایستد و بعد از نیت زیارت بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا غَوَاهِي مِي دَهْم كَه مَعْبُودِي جَزْ خَدَاوَنَد نِيست، اَوِي كَتَا است و بَرَايش شَرِيكِي نِيست، و گَوَاهِي مِي دَهْم كَه (حَضْرَت) مُحَمَّدُ صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَيْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَصِيِّ رَسُولِهِ. اَللّٰهُمَّ بِنْدَه اَو و فَرَسْتَا دَه اَو است، و گَوَاهِي مِي دَهْم كَه (حَضْرَت) عَلِي عَلِيهِ السَّلَام وَلِيّ اَو و وَصِيّ رَسُول اَو است. خَدَاوَنَدَا؛ صَلَّ عَلَيّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. اَللّٰهُمَّ صَلَّ عَلَيّ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ. بَر مُحَمَّد و آل مُحَمَّد درود فَرَسْت. خَدَاوَنَدَا؛ بَر فرشتگان مُقَرَّبْت درود فَرَسْت. اَللّٰهُمَّ صَلَّ عَلَيّ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ. اَللّٰهُمَّ صَلَّ عَلَيّ الْأَئِمَّةِ خَدَاوَنَدَا؛ بَر پيامبران و رسولان درود فَرَسْت. خَدَاوَنَدَا؛ درود فَرَسْت بَر اَمَامانِ الْمُعْصُومِينَ. اَللّٰهُمَّ صَلَّ عَلَيّ مَوْلَانَا وَمُقْتَدَانَا إِمَامِ الْهُدَى مَعْصُوم (كَه اَز هَر كُونه عَيْب و خَطَائِي بَه دُورنَد). خَدَاوَنَدَا؛ درود فَرَسْت بَر مولا و مُقْتَدَاي مَا كَه پيشواي هدايت وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، وَحُجَّتِكَ عَلَيّ أَهْلِ الدُّنْيَا، الَّذِي قَالَ فِي حَقِّهِ وَدَسْت آويز مُورد اطمینان، وَحُجَّتْ تُو بَر اهل دُنْيا است؛ هَمَان كَسِي كَه دَر حَقِّ اَوْسَيِّدِ الْوَرَى وَسَنَدُ الْبَرَايَا: «يَتَدَفَّنُ بَضْعَةً مِنِّي بِأَرْضِ خُرَاسَانَ سُرُورَ جَهَانِيَانِ وَ تَكِيَه گَاه آفَرِيدگان فرموده است: «بَه زودِي پاره تَن مَن دَر سَرزَمين خُرَاسان مَدفون گَرَدَد، اَو رَا هِيچ

ما زَارَهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ كَرْبَهُ، وَلَا يُذْنِبُ إِلَّا غَفَرَ ذَنْبَهُ» (۱). گرفتارِ اندوهناکی زیارت نکند مگر آنکه خداوند گرفتاری و اندوهش را برطرف نماید، و هیچ گناهکاری به زیارت او نرود مگر آنکه خداوند گناه او را بیامرزد». اَللّهُمَّ بِشَفَاعَتِهِ الْمَقْبُولِ، وَدَرَجَتِهِ الرَّفِيعَةِ اَنْ تُنَفِّسَ بِهِ كَرْبِي، خداوندا؛ به شفاعت مورد قبول او، و مرتبه رفیع و والایش تو را سوگند می دهم که بخاطر او گرفتاری و اندوه مرا برطرف کنی، وَتَغْفِرَ بِهِ ذَنْبِي، وَتُسَجِّعَهُ كَلَامِي، وَتُبَلِّغَهُ سَلَامِي. اَلسَّلَامُ وَ گناهان را به واسطه او بیامیزی، و سخنان را به گوش او برسانی، و سلام را به محضرش ابلاغ فرمائی. سلام عَلَیْكَ یا حُجَّةَ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا نُورَ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا بَرِئَ تَوَای حُجَّتِ خدا، سلام بر تَوَای نور الهی، سلام بر تَوَای عَیْبِهِ عِلْمِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَعْدِنَ حُكْمِهِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ صندوق علم خداوند، سلام بر تَوَای معدن حکمت پروردگار، سلام بر تَوَای حاملِ کِتَابِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا حَافِظَ سِرِّ اللَّهِ، اَنْتَ الَّذِی اِی دربردارنده کتاب خدا، سلام بر تَوَای نگهدارنده اسرار آفریدگار، تو کسی هستی که قَالَ فِیْكَ قَاتِلُ الْکُفْرِ، وَقَامِعُ الْفَجْرِ، عَلِیُّ امِیرُ الْمُؤْمِنِینَ درباره ات کشنده کافران و سرکوب کننده تبه کاران، حضرت (علی امیر مؤمنان وَوَصَّی رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِینَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَیْهِ: و جانشین رسول پروردگار جهانیان - که درود خدا و سلامش بر او باد - فرموده است: «سَيَقْتُلُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِی بِأَرْضِ خُرَاسَانَ بِالسَّيِّئِ ظُلْمًا، اِسْمُهُ» به زودی مردی از فرزندان من در سرزمین خراسان با سَم از روی کینه و ستم به شهادت می رسد، نام او اِسْمِی، وَاسْمُ اَبِیهِ اِسْمُ ابْنِ عِمْرَانَ مُوسَى عَلَیْهِ السَّلَامُ، اَلانام من، و نام پدرش نام موسی بن عمران - که درود بر او باد - است، بدانید و آگاه باشید فَمَنْ زَارَهُ فِی غُرْبَتِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا تَأَخَّرَ، هر کس او را در غربت و تنهایی اش زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد؛

ص: ۵۲۴

وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ عِدَدِ النُّجُومِ، وَقَطَرِ الْأَمْطَارِ، وَوَرَقِ الْأَشْجَارِ» (۱) گرچه به اندازه عدد ستارگان و قطرات باران و برگ درختان باشد. «مَوْلَايَ مَوْلَايَ هَا أَنَا ذَا وَقِفْ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَذُنُوبِي مِثْلُ عِدَدِ مَوْلَايَ مِنْ؛ مَوْلَايَ مِنْ؛ هَمَّ اكَتُونُ مِنْ دَرِ پِيشْكَاهِ تُو اِيسْتَادِه وَ كَنَاهَانِمُ بَه قَدَرِ عِدَدِ النُّجُومِ، وَقَطَرِ الْأَمْطَارِ، وَوَرَقِ الْأَشْجَارِ، وَلَيْسَ بِي (لِي) وَسِيلَهْ سِتَارِگَانِ، وَ قَطْرَه هَايِ بَارَانِ، وَ بَرِگِ دَرِخْتَانِ اِسْتِ، وَ وَسِيلَه اِي اِلَى مَحَوِّهَا اِلْمَا رِضَاكَ. مَوْلَايَ مَا اُخْسِبُ فِي صِيَحْفَتِي عَمَلًا لِبرای از بین بردن آن، جَزِ رِضَايَتِ وَ خَشْنودی شَمَا نِدَارَم. مَوْلَايَ مِنْ؛ دَرِ پِروندِه خُودِ عَمَلِی رَا اَرْجِی عِنْدِی مِنْ زِيَارَتِكَ، كَيْفَ وَقَدْ قَالَ فِي حَقِّهَا، بِاقْرَ عِلْمِ اَمِيدُوَارِ كُنْدِه تَرِ اَزِ زِيَارَتِ تُو نَمِی پِنْدَارَم، وَ چِگونِه چَنِین نَباشد دَرِ حَالِی كِه شَكَا فَنْدِه عِلُومِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، صِيَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: «يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي، أَوَّلِينَ وَ آخِرِينَ،) پَنجَمِین اِمَامِ مَا (- كِه دُرُودِ خُدا بَرِ او بَاد - فَرمودِه اِسْت: «مَرْدِی از فِرْزَنْدَانِ مِنْ خَارِجِ كَرْدَدِ اِسْمُهُ اِسْمُ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، فَیَدْفَنُ بِأَرْضِ خُرَاسَانَ، مِنْ زَارَةِ كِه نَامِ او نَامِ اَمِيرِ مُؤْمِنَانِ اِسْت، دَرِ سِرْزَمِینِ خُرَاسَانِ دَفِنِ شُود، هَرِ كَسِ عَارِفًا بِحَقِّهِ، اَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلِ» (۲) بِا مَعْرِفَتِ بَه حَقِّ او، وِی رَا زِيَارَتِ كُنْد، خُداوندِ پاداشِ كَسِی رَا كِه پِیشِ از فَتْحِ) مَكَّه (اِنْفَاقِ كَرْدِه وَ دَرِ رَاهِ خُدا جَنگِیدِه اِسْت بَه او عَطَا فَرْمَايد. «فَأَتَيْتُكَ زَائِرًا لَكَ، عَارِفًا بِحَقِّكَ، عَالِمًا بِأَنَّكَ إِمَامٌ مُفْتَرَضٌ بَه مُحَضَّرِ تُو لِبرای زِيَارَتِ شَرِیفِابِ گِشْتِه اَمِ دَرِ حَالِی كِه بَه حَقِّ تُو اَشْنَايِم، مِی دَانَم كِه شَمَا اِمَامِ وَ پِيشْوَائِی هِستِی كِه الطَّاعَةِ، غَرِيبٌ شَهِيدٌ، رَاجِيًا بِمَا قَالَهُ الصَّادِقُ، عَلَيْهِ الصَّلَاةُ طَاعَتِ وَاجِبِ اِسْت، غَرِيبِ بُوْدِه وَ شَهِيدِ گِشْتِه اِي، بَه فَرْمَايشِ اِمَامِ صَادِقِ - كِه دُرُودِ السَّلَامِ: «يُقْتَلُ حَفَـدَتِي بِأَرْضِ خُرَاسَانَ فِي مَدِينَةٍ يُقَالُ لَهَا وَ سَلَامِ بَرِ او بَاد - اَمِيدُوَارَم كِه فَرمود: «نُوه مِنْ دَرِ سِرْزَمِینِ خُرَاسَانِ دَرِ شَهْرِی

ص: ۵۲۵

۱- ۲۹. امالی صدوق: مجلس ۲۵ ح ۵، عیون اخبار الرضا علیه السلام: باب ۶۶ ح ۱۷.

۲- ۳۰. امالی صدوق: مجلس ۲۵ ح ۱، عیون اخبار الرضا علیه السلام: باب ۶۶ ح ۳.

طُوسٌ، مَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ، أَخَذَتْهُ يَدِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، بِنَامِ طُوسٍ بِهِ شَهَادَتِي مِي رَسَد، هر كس او را زيارت كند در حالي كه معرفت به حق وي دارد، روز قيامت دستش را گرفته و اَدْخَلَتْهُ الْجَنَّةَ، وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْكِبَائِرِ». قِيلَ لَهُ: مَا عَزُفَانُ وَ وَارد بهشت گردانم گرچه از اهل كبائر (يعني گناهان كبيره) باشد». به آن حضرت عرض كردند: عارف بودن حقه، قال: «الْعِلْمُ بِأَنَّهُ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ، غَرِيبٌ شَهِيدٌ، مَنْ زَارَهُ بِهِ حَقٌّ اِيشان چگونه است؟ فرمود: «بداند كه او اطاعتش بر همگان واجب است، غريب بوده و به شهادت رسيده است، هر كس او عارِفًا بِحَقِّهِ، أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ سَبْعِينَ شَهِيداً مِمَّنِ اسْتَشْهَدَ بَيْنَ رَا با معرفت و شناخت حَقِّش زيارت كند، خداوند به او پاداش هفتاد شهيد از شهيداني كه پيش يَدِي رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» (۱) يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَبْتَغِي رُوي رسول خدا و در ركاب وي - كه درود خدا بر او و آل او باد - به شهادت رسيده اند مرحمت فرمايد». اي فرزند رسول خدا! بزيارتك مِنَ اللَّهِ تَعَالَى غُفْرَانٌ ذُنُوبِي وَذُنُوبِ الْإِثْمِ وَالْمُؤْمِنِينَ با زيارت تو از خداوند بلندمرتبه آمرزش گناهان خود و گناهان پدر و مادرم و همه مردان و زنان مؤمن را درخواست مي كنم، وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَأَسْأَلُكَ الْإِثْمَانَ الْمَوْعُودَ فِي مَوَاطِنِ الثَّلَاثِ: و از شما تمنا دارم كه در جاگاه هاي سه گانه اي كه وعده فرموده اي (يعني «عِنْدَ تَطَايُرِ الْكُتُبِ، وَعِنْدَ الصَّرَاطِ، وَعِنْدَ الْمِيزَانِ» (۲) وَقُلْتَ «هنگامي كه نامه اعمال را به دست آدمي مي دهند، و هنگام عبور از پل صراط، و وقت حساب رسي و سنجش اعمال مرا دريابي». و فرموده اي وَقَوْلُكَ حَقٌّ: «إِنَّ شَرَّ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي زَمَانِي يَقْتُلُنِي بِالسَّمِّ ثُمَّ وَ كفتارت حق است كه: «بدترين خلق خدا در زمان من مرا با سم مي كشد، سپس يَدْفِنُنِي فِي دَارٍ مُضِيْعَةٍ، وَبِلَادٍ غُرْبَةٍ، أَلَا فَمَنْ زَارَنِي فِي غُرْبَتِي، مرا در خانه تنها در ديار غربت دفن مي كند، آگاه باشيد كسي كه مرا در غربتم زيارت كند،

ص: ۵۲۶

۱- ۳۱. امالي صدوق: مجلس ۲۵ ح ۸.

۲- ۳۲. عن الرضا عليه السلام: قال: «من زارني على بُعد داري ومزاري، أتيت يوم القيامة في ثلاثة مواطن حتى أخلصه من أهوالها: إذا تطايرت الكتب يمينا و شمالا، وعند الصراط، وعند الميزان». (امالي صدوق: مجلس ۲۵ ح ۹، عيون اخبار الرضا عليه السلام: باب ۶۶ ح ۲)

كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ أَجْرَ مِائَةِ أَلْفٍ حَاجٍّ وَمُعْتَمِرٍ، وَمِائَةِ أَلْفٍ خَدَّائِدٍ عَزَّوَجَلَّ بِرَأْيِ أَوْ أَجْرٍ وَبِأَدَاسٍ صَدِّ هِزَارِ كَسِي كِه بِه حَجِّ وَ عَمَرِه رِفْتِه وَ صَدِّ هِزَارِ مُجَاهِدٍ، وَحُشْرَةٍ فِي زُمْرَتِنَا، وَجُعِلَ فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنْ جِهَادِ كُنْدِه نَوِيَسِدْ، وَ أَوْ دَرِ زَمَرِه مَا مَحْشُورْ، وَ دَرِ دَرَجَاتِ عَالِي وَ وَالَايِ الْجَنَّةِ رَفِيقُنَا» (۱) الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَفَّقَنِي لَزِيَارَتِكَ فِي الْبُقْعَةِ الَّتِي بَهْشْتِ قَرَارِ دَادِه شُودِ دَرِ حَالِي كِه رَفِيقُ مَا بَاشِدْ». سِپَاسِ خَدَاوَنَدِي رَا كِه بِه مِنْ تَوْفِيقِ زِيَارَتِ شَمَا رَا مَرَحْمَتِ فَرَمُودِ دَرِ اَيْنِ بَارِگَاهِي قُلْتِ فِي حَقِّهَا: وَاللَّهِ رَوْضَهُ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، مَنْ زَارَنِي فِي كِه دَرْبَارِهْ آنِ فَرَمُودِهْ اِي: «بِه خَدَا سَوِگَنْد؛ بَاغِي اَزِ بَاغِ هَايِ بَهْشْتِ اسْتِ، هَرِ كَسِ مَرَا دَرْتَلَكِ الْبُقْعَةِ كَانِ كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَنْ بَارِگَاهِ زِيَارَتِ كَنْدِ مَانَنْدِ كَسِي اسْتِ كِه رَسُولِ خَدَا رَا - كِه دَرُودِ خَدَا بِرِ اَوْ اَوْ اَلِ اَوْ بَادِ - زِيَارَتِ كَرْدِه اسْتِ، وَكَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حَجَّةٍ مَبْرُورَةٍ، وَأَلْفِ عُمْرَةٍ مَقْبُولَةٍ، وَخَدَاوَنَدِ بَرَايشِ ثَوَابِ هِزَارِ حَجِّ نِيكُو، وَ هِزَارِ عَمَرِه پَذِيرْفْتِه شُدِه نَوِيَسِدْ، وَكُنْتُ أَنَا وَآبَائِي شُفَعَاءَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (۲) فَكُنْ شَفِيعِي بِآبَائِكَ وَ مِنْ وَ پَدْرَانِمِ شَفِيعِ هَايِ اَوْ دَرِ رُوزِ قِيَامَتِ بَاشِيمْ». پَسِ بِه حَقِّ پَدْرَانِ الطَّاهِرِينَ وَأَوْلَادِكَ الْمُتَجَبِّينَ، مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي لَا يَزُورُكَ إِلَّا پَاكٌ وَ فَرَزَنْدَانِ بِرِگَزِيدِه اَتِ شَفِيعِ مِنْ بَاشِ، مَوْلَايِ مَنْ؛ شَمَا كَسِي هَسْتِيدِ كِه جِزَالْخَوَاصُّ مِنْ الشَّيْعَةِ، فَبِحَقِّكَ وَبِحَقِّ شَيْعَتِكَ أَنْ تُشَفِّعَنِي، شَيْعِيَانِ خَاصَّ بِه زِيَارَتِ نَمِي آيَنْدِ، پَسِ بِه حَقِّ خُودَتِ وَ بِه حَقِّ شَيْعِيَانَتِ اَزِ مَنْ شَفَاعَتِ كُنْ، وَتَسْأَلِ اللَّهُ أَنْ يَحْشُرَنِي مَعَ شَيْعَتِكَ فِي مُسْتَقَرٍّ مِنَ الرَّحْمَةِ اَزِ خَدَا بِخَوَاصِّ كِه مَرَا بِا شَيْعِيَانَتِ دَرِ قَرَارِگَاهِ رَحْمَتِ مَعَكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، مَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ مِنْ بَا شَمَا اَهْلِ بَيْتِ مَحْشُورِ كَرْدَانْدِ، بَا شَمَا بَاشِمْ، بَا شَمَا بَاشِمْ نِه بَا غَيْرِ شَمَا، بِه سُوِيِ خَدَاوَنَدِ اَزِ

ص: ۵۲۷

۱- ۳۳. عيون اخبار الرضا عليه السلام: باب ۶۶ ح ۹. در روایت، صد هزار شهید و صد هزار صدیق هم ذکر شده است.

۲- ۳۴. عيون اخبار الرضا عليه السلام: باب ۶۶ ح ۵.

أَعْدَانِكُمْ، وَتَقَرَّبْتُ بِاللَّهِ إِلَيْكُمْ، إِنِّي مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ، مُتَنَتِّظٌ دُشْمَانِ شِمَا بِيْزَارِي مِي جَوِيْم، وَ بِا رُوي آوَرْدَن بِه شِمَا بِه خُدا تَقَرَّب مِي يَابَم، بِرَاسْتِي مَن بِه بِازْگِشْت شِمَا اِيْمَان دَارَم، دَر اَنْتِظَارِ لِأَمْرِكُمْ، مُصَيِّدٌ بِرَجْعَتِكُمْ، مُتَرَقِّبٌ لِإِدْوَالَتِكُمْ، عَارِفٌ بِعِظَمِ أَمْرِ شِمَا هِسْتَم، رَجَعْت شِمَا رَا تَصْدِيْق كُنْنِدِه اَم، چِشْم بِه رَاه دَوْلَت شِمَايَم، بِه بَزَرْگِي شَأْنِكُمْ، عَالِمٌ بِضَلَالِهِ مَنْ خَالَفَكُمْ، مُوَالٍ لَكُمْ وَلِأَوَّلِيَاءِكُمْ، شَأْن وَ مَرْتَبَه شِمَا أَشْنَا، وَ بِه گَمْرَاهِي مَخَالَفَانِ شِمَا دَانَايَم، نَسَبْت بِه شِمَا وَ دُوسْتَانِ شِمَا ارَادَت دَارَم، مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ، عَائِدٌ لَا يُدُّ بِقُبُورِكُمْ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ بِا دُشْمَانِ شِمَا كِيْنَه وَ دُشْمَنِي دَارَم، پَنَاهِ آوَرْنِدِه وَ پَنَاهَنْدِه بِه قُبُورِ) پَاكِ)

شِمَا مِي بِاشَم. خُداوَنْدَا؛ دُرُود فَرَسْت بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ، وَالْوَصِيِّ وَالتَّبَوْلِ وَالسَّجَّادِ وَآلِ مُحَمَّدٍ، پِيَامِبِر وَ وَصِيِّ) حَضْرَت عَلِي عَلِيْهِ السَّلَامِ) وَ) فَاطِمَه (تَبَوَّل وَ دُوسَبْطِ پِيَامِبِر، وَ حَضْرَتِ سَجَّادٍ، وَالبَاقِرِ وَالصَّادِقِ وَالكَاظِمِ وَالرِّضَا وَالتَّقِيِّ وَالتَّقِيِّ وَالعَسِيْكَرِيِّ وَامام باقر، وَامام صادق، وَامام كاظم، وَامام رضا، وَامام تقی، وَامام نقی، وَامام عسکری وَالمَهْدِيِّ صَاحِبِ الزَّمَانِ، صِلَواتُكَ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِينَ. اَللّٰهُمَّ وَ مَهْدِي) حَضْرَتِ) صَاحِبِ الزَّمَانِ، دُرُود وَ صَلَواتِ تُو بِرِ هَمِه اَنّانِ بَاد. خُداوَنْدَا؛ هُوَلَاءِ سَادَتُنَا وَقَادَتُنَا وَهَيْدَاتُنَا وَدُعَاتُنَا. اَللّٰهُمَّ وَفَّقْنَا لِطَاعَتِهِمْ، اَيْنِ بَزَرْگُواران، سُرُوران، رَهبران، هِدَايَتِگَران وَ دُعُوتِ کُنَنْدِگَران مَا هِسْتَنْد، خُداوَنْدَا؛ مَا رَا بِه اطَاعَتِ ايشان مَوْفَقِ بَدَار، وَارْزُقْنَا شَفَاعَتَهُمْ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِمْ، وَاجْعَلْنَا مِنْ خِيَارِو شَفَاعَتِ اَنّانِ رَا رُوزِي مَا گَرْدان، وَ دَر زَمَرِه ايشان مَحْشُور فَرْمَا، وَ مَا رَا اَز بَهْتَرين مَوالِيْهِمْ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَصَلِّ عَلٰى

اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ دُوسْتَانِ وَ ارَادَتْمَنْدَانِ ايشان قَرار بَدِه، بِه رَحْمَتِ اِي مَهْرَبانْتَرين مَهْرَبانان، وَ دُرُود خُداوَنْد بِر مُحَمَّدٍ وَآلِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَ آلِ پَاكِ وَ پَاكِزَه وَ مَعْصُومِ او بَاد، وَ سِتايِش سَزَاوارِ پُرُورْدِگَارِ جِهَانِبانِ اسْت.

زمین بخواند و گرنه به بالای سر مبارک امام علیه السلام رود، و دو رکعت نماز زیارت بجا آورده و برای برآورده شدن حاجت های خود دعا کند. (۱)

زیارت هشتم حضرت امام رضا علیه السلام

اشاره

علّامه مجلسی رحمه الله گوید: این زیارت را یکی از افاضل ظاهراً از خطّ شهید رحمه الله نقل کرده و از مضمون زیارت فهمیده می شود که از ائمه علیهم السلام روایت شده، به این جهت آن را نقل می کنیم: چون در برابر ضریح مقدّس ایستادی بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَخَيْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا كَوَاهِي مِي دَهْم كَه مَعْبُودِي جَزْ خَدَاوَنَد نِيَسْت، اَو يَكْتَا اسْت، شَرِيكِي نَدَارْد، وَ كَوَاهِي مِي دَهْم كَه (حضرت) مُحَمَّد عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، أَمِينِ اللَّهِ عَلَى وَحْيِهِ، بِنْدَه وَ فَرَسْتَا دَه اَو اسْت، سَلَام بَر رَسُولِ خَدَا، اَمِين وَ مُورِد اعْتِمَادِ خَدَاوَنَد بَر وَحِيْش، وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ، أَلْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ، وَالْمُهَيِّمِ وَ تَصْمِيْمَاتِ اَمْرِش، اَنَكِه پَايَان بَخْش بُوْدَه اسْت بَرَاي اَنُجِه دَر پِيْش بُوْدَه، وَ اَغَا زَكْر بُوْدَه نَسْبَت بَه اَنُجِه پِيْش اَمْدَه اسْت، وَ مُرَاقِبِ وَعَلَى ذَلِكْ كُلِّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَى مَوْلَانَا أَمِيرِنِگَهْبَانِ وَ مَسْلَطَ بَر هَمِه اَن هَا، وَ رَحْمَتِ وَ بَرَكَاتِ خَدَاوَنَدِي بَر اَو بَاد. سَلَام بَر مَوْلَايِ مَا اَمِيرِ الْمُؤْمِنِيْنَ، وَ سَيِّدِ الْوَصِيَّيْنَ، وَ أَبِ الْأَيْمَةِ الْمَعْصُومِيْنَ، وَ رَحْمَتِ الْمُؤْمِنَانِ، وَ سُرُورِ اَوْصِيَاءِ، وَ پِدَرِ اَمَامَانِ پَاك وَ مَعْصُومِ، وَ رَحْمَتِ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، سَيِّدَةِ النِّسَاءِ، وَ رَحْمَتِ خَدَا وَ بَرَكَاتِش بَر اَو بَاد. سَلَام بَر (حضرت) فَاطِمَه زَهْرَا، سُرُورِ زَنَانِ، وَ رَحْمَتِ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ الْمَعْصُومِيْنَ، سَادَةِ الْمُتَّقِيْنَ، خَدَا وَ بَرَكَاتِش بَر اَو بَاد. سَلَام بَر اَمَامَانِ پَاك وَ مَعْصُومِ، سُرُورَانِ پَرهِيْزِ كَارَانِ،

ص: ۵۲۹

وَكَبَرَاءِ الصَّادِقِينَ، وَأَعْلَامِ الْمُتَهِدِّينَ، وَأَنْوَارِ الْعَارِفِينَ وَرَحْمَهُو بزرگان راستگویان، و نشانه های راه یافتگان، و روشنائی های اهل عرفان، و رحمت الله و بَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَى مَوْلَانَا وَسَيِّدِنَا، أَلِإِمَامِ الْمَعْصُومِ أَبِي خُدا و برکاتش بر آن ها باد. سلام بر مولای ما و سرور ما، پیشوای معصوم و به دور از هر گونه عیب و خطا، حضرت (ابا الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا، وَرَحْمَهُ اللهُ وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا، وَرَحْمَتُ خُدا و برکاتش بر او باد. سلام عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ نَبِيِّ اللهِ، السَّلَامُ بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند پیامبر الهی، سلام عَلَيْكَ يَا بْنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، بر تو ای فرزند خاتم پیامبران، سلام بر تو ای فرزند سرور اوصیاء، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ إِمَامِ سَلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند پیشوای الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ پرهیزکاران، سلام بر تو ای فرزند فرمانده رُوسفیدان، سلام بر تو يَا بْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ ای فرزند فاطمه زهرا، سرور زنان جهانیان، سلام بر تو ای فرزند خَدِيجَةَ الْكُبْرَى أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَبِي عَبْدِ اللهِ خَدِيجَةَ كُبْرَى مادر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند ابا عبد الله الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْحُسَيْنِ شَهِيدِ) کربلا، سلام بر تو ای فرزند علی بن الحسین زینت بخش الْعَابِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدٍ، الْبَاقِرِ لِعُلُومِ عبادت کنندگان، سلام بر تو ای فرزند ابا جعفر محمد، شکافنده علوم الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَبِي عَبْدِ اللهِ جَعْفَرِ بْنِ الصَّادِقِ الْأَمِينِ، دین، سلام بر تو ای فرزند ابا عبد الله جعفر، راستگوی امین و مورد اعتماد،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَبَى الْحَسَنِ مُوسَى الْكَاسِمِ وَرَحِمَهُ اللَّهُ سَلَامٌ بِرِ تَوَايَ فَرْزَنْدِ اَبَا الْحَسَنِ مُوسَى اِمَامِ كَاسِمِ، وَ رَحْمَتِ
 خَدَاوَبَرَكَاةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ وَ بَرَكَاتِ او) بِرِ شَمَا بَادِ). سَلَامٌ بِرِ تَوَايَ وَلِيَّ خَدَاوَنْدِ، سَلَامٌ بِرِ
 تَوَايَ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ، خَدَا) وَ دُوسْتِ وِیْژِهْ او)، سَلَامٌ بِرِ تَوَايَ بِرِ گَزِیْدِه
 پُروردِ گَارِ، سَلَامٌ بِرِ تَوَايَ رُكْنِ وَ پَايِهْ دِیْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّهَ اللَّهِ، سَلَامٌ بِرِ تَوَايَ جَانَشِیْنِ
 رَسُولِ خَدَا، سَلَامٌ بِرِ تَوَايَ حُجَّتِ خَدَاوَنْدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاصَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَالِصَةَ اللَّهِ، سَلَامٌ بِرِ تَوَايَ بَنْدِهْ خَاصِّ
 پُروردِ گَارِ، سَلَامٌ بِرِ تَوَايَ بَنْدِهْ خَالِصِ خَدَاوَنْدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْضِعَ سِرِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَجِبَةَ عِلْمِ سَلَامٌ بِرِ تَوَايَ جَايْگَاهْ
 رَازِ خَدَاوَنْدِ، سَلَامٌ بِرِ تَوَايَ صَنْدُوقِ عِلْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْأَنْبِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ خَدَاوَنْدِ، سَلَامٌ بِرِ تَوَايَ
 ارِثِ بَرَنْدِهْ) اَزِ) پِیَا مَبْرَانِ، سَلَامٌ بِرِ تَوَايَ جَانَشِیْنِ الْأَوْصِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَشْكَاهَ الضَّيَّاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَوْصِیَاءِ، سَلَامٌ بِرِ تَوَا
 اِیْ مَحَلِّ تَابَشِ نُورِ، سَلَامٌ بِرِ تَوَايَ مُنْتَهَى الْعُلُیَّا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الشَّرَفِ الْأَثِیْلِ، السَّلَامُ نَهَايَتِ بَلَنْدِیِ وَ بَرْتَرِیِ، سَلَامٌ بِرِ
 تَوَايَ صَاحِبِ شَرْفِ اسْتِوَارِ، سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا ذَا الْفِعْلِ الْجَمِیْلِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْأَصْلِ بِرِ تَوَايَ دَارَنْدِهْ رِفْتَارِ نِیْکُو وَ زِیَا،
 سَلَامٌ بِرِ تَوَايَ صَاحِبِ نَزَادِ وَ نَسَبِ الْأَصِیْلِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسَّ الْإِيْمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَرِیْكَ اصِیْلِ، سَلَامٌ بِرِ تَوَايَ اِسَاسِ
 اِیْمَانِ، سَلَامٌ بِرِ تَوَايَ شَرِیْكَ وَ هَمْتَايَ الْقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْإِيْمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ قُرْآنِ، سَلَامٌ بِرِ تَوَايَ مَعْدِنِ
 اِیْمَانِ، سَلَامٌ بِرِ تَوَايَ پِیْشَوَايِ

الْمَأْبُرَارِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْمُخْتَارِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهِرَ نِيكَو كَارَانِ، سلام بر تو ای وصی اختیار شده، سلام بر تو ای آشکار کننده الْأَسْرَارِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمُعْجَزَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَازِ هَاي نِهَانِ، سلام بر تو ای صاحب معجزات، سلام بر تو ای مُوضِحَ الْبَيِّنَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ، السَّلَامُ رُوشَن كُننده دلائل، سلام بر تو ای راه راست و استوار، سلام عَلَيْكَ أَيُّهَا الدِّينُ الْقَوِيمُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَضِيَّ بَاحِ الْهُدَى، بر تو ای دین معتدل و دور از افراط و تفریط، سلام بر تو ای چراغ هدایت، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَأْوَى التَّقَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعِيَدَ الْحِجَى، سلام بر تو ای جایگاه تقوا، سلام بر تو ای شُكُوه خردورزی، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا طَوْدَ النَّهْيِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّاعِي إِلَى سَلَامٍ، سلام بر تو ای كُوه عقل و خرد، سلام بر تو ای دعوت كننده به الْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى، وَالطَّاعِنُ إِلَى الْغَايَةِ الْقُضْوَى، وَالسَّامِي إِلَى جَاذِهِ بزرگ، و سیر دهنده به سوی مقصد نهائی، و بالابرنده به الْمَعْجِدِ وَالْعُلَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَالِمُ بِالتَّأْوِيلِ وَالذِّكْرَى، مقام والا و شكوهمند، سلام بر تو ای دانا به علم تأویل و آنچه باعث تذكّر و یادآوری است، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَلِيلَ الرَّشَادِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ السَّادَةِ سلام بر تو ای راهنمای رشد و رستگاری، سلام بر تو ای فرزند سروران الْأَمْجَادِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْقَادَةِ الزُّهَادِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سِرَافِرَاز، سلام بر تو ای فرزند پیشوایان زاهد و بی رغبت به دنیا، سلام بر تو ای مَضِيَّ بَاحِ الظُّلَمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا يَنْبُوعَ الْحِكَمِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ چراغ روشن در تاریکی ها، سلام بر تو ای چشمه جوشان حکمت ها، و رحمت خداوَبَرَ كَاتُهُ. أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ الْمُطِيعُ لِلَّهِ، الْقَائِمُ بِأَمْرِ اللَّهِ، و برکات او بر تو باد. گواهی می دهم ای مولای من که براستی تو مطیع و فرمانبردار خداوند، قیام کننده به امر خداوند،

الْعَامِلُ بِإِرَادَتِهِ، الْفَائِزُ بِكَرَامَتِهِ، إِضِيْطَفَاكَ اللهُ لِعِلْمِهِ، وَاخْتَارَكَ عَمَلُ كُنْندِه به اراده او، رستگار به كرامت او هستيد، تو را خدا
 برای علم خویش برگزید، و برای راز لستره، وَأَعَزَّكَ بِهُدَاهُ، وَخَصَّكَ بِبُرْهَانِهِ، وَأَيَّدَكَ بِرُوحِهِ، وَرَضَّيَكَ پنهانی خود اختیار
 کرد، و به هدایتش تو را عزت بخشید، و به برهان خویش تو را اختصاص داد، و با روح خود تأییدت نمود، و تو خلیفه فی
 أَرْضِهِ، وَدَاعِيَاً إِلَى حَقِّهِ، وَشَهِيداً عَلَى خَلْقِهِ، وَنَاصِرَ رَأَاً به عنوان جانشین در روی زمینش، و دعوت کننده به حقش، و گواه بر
 آفریدگانش، و یاری کننده لدینهِ، وَحُجَّهً عَلَى بَرِيَّتِهِ، وَتَرْجُمَاناً لَوْحِيهِ، وَخَازِناً لِعِلْمِهِ، دینش، و حجت بر بندگانش، و بیان کننده
 وحیش، و گردآورنده علم و دانشش، وَمُسْتَوْدِعاً لِحُكْمَتِهِ، عَصَمَكَ اللهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأَكَ مِنْ وَحَلٍّ ودیعه نهادن حکمتش
 پسندید. خدا تو را از گناهان مصون داشته، و ازالغیوب، زُرْتُكَ يَا مَوْلَايَ عَارِفاً بِحَقِّكَ، مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِكَ، زشتی ها پاک و مبرا
 گردانیده است، زیارت کردم تو را ای مولای من در حالی که آشنا به حق تو، آگاه به شأن و موقعیت تو، مُهْتَدِياً بِهُدَاكَ،
 مُقْتَضِياً لِأَثَرِكَ، مُتَّبِعاً لِسُنَنِكَ، مَتَمَسِّكاً بِحَبْلِكَ، هدایت یافته به هدایت تو، پوینده اثر تو، پیرو سنت و روش تو، چنگ زنده به
 ريسمان تو، مُطِيعاً لِأَمْرِكَ، مُوَالِياً لَوْلِيِّكَ، مُعَادِياً لِعَدُوِّكَ، عَالِماً بِأَنَّ الْحَقَّ فرمانبردار فرمان تو، دوست دارنده دوست تو، دشمنی
 کننده با دشمن توأم، می دانم که حق لك وَمَعَكَ، مُتَوَسِّلاً إِلَى اللهِ بِكَ، مُسْتَشْفِعاً إِلَيْهِ بِجَاهِكَ، وَحَقَّ برای تو و با تو است، به
 وسیله تو به سوی خدا توسیل جسته ام، و به آبروی تو به درگاه او شفاعت می طلبم، و سزاوار است عَلَيْهِ أَنْ لَا يُخَيِّبَ سَائِلُهُ،
 وَالرَّاجِي مَا عِنْدَهُ لِزَائِرِكَ الْمُطِيعِ لَكَ. بر او که سائل خود و کسی را که به آنچه نزد او است امید دارد به خاطر این که زائر
 فرمانبردار شما است محروم نگرداند. پس دست ها را بلند نما و بگو: اَللّٰهُمَّ فَكَمَا وَفَّقْتَنِي لِلْإِيْمَانِ بِنَبِيِّكَ، خداوندا؛ پس همان
 گونه که مرا برای ایمان آوردن به پیامبرت، وَالتَّضَيِّقِ بِكِتَابِكَ، وَمَنْنْتَ عَلَيَّ بِطَاعَتِهِ وَاتِّبَاعِ مِلَّتِهِ، وَهَيِّدْنِي وَتَصَدِّقِ کردن
 کتابت توفیق مرحمت کردی، و بر من به اطاعت او و پیروی از آئین او منت نهادی، و

إِلَى مَعْرِفَتِهِ وَمَعْرِفَةِ الْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ، وَأَكْمَلْتَ بِمَعْرِفَتِهِمْ بِهِ سَنَاحَتِ أَوْ وَ سَنَاحَتِ أَمَامَانِ أَوْ ذُرِّيَّةِ أَوْ هِدَايَتِ نَمُودِي، وَ بِأَعْرِفَتِ وَ سَنَاحَتِ أَشَانِ الْإِيمَانِ، وَقَبِلْتَ بِطَاعَتِهِمْ وَوَلَايَتِهِمْ الْأَعْمَالَ، وَاسْتَعْبَدْتَ إِيْمَانِ مَرَا كَامِلِ سَاخْتِي، وَ بِأَطَاعَتِ وَ وَلايَتِ شَانِ أَعْمَالِ مَرَا مُورِدِ قَبُولِ وَ بِذِيرِشِ قَرَارِ دَادِي، وَ بِنَدِگَانَتِ رَابِالْصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ عِبَادَكَ، وَجَعَلْتَهُمْ مِفْتَاحاً لِلدُّعَاءِ، وَسَيِّباً لِلْإِجَابَةِ، بِهْ دُرُودِ فَرَسْتَادِنِ بَرِ أَشَانِ وَاداشْتِي، وَ أَنَانِ رَا سَرَأْغَازِ دَعَا، وَ وَسِيلَهْ أَجَابَتِ أَنِ قَرَارِ دَادِي، فَصَلَّ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَعَلَى مَوْلَانَا وَسَيِّدِنَا أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ پَسِ دُرُودِ فَرَسْتِ بَرِ هَمِهْ أَنَانِ وَ بَرِ مَوْلَايِ مَا وَ سَرُورِ مَا (أَبَا الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى، وَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ بِنِ مَوْسَى، وَ مَرَا بِهْ وَاسْطَهْ أَشَانِ نَزْدِ خُودَتِ دَرِ دُنْيَا وَ آخِرَتِ آبرُومَنْدِ وَ اِزَالْمُقَرَّبِينَ، وَاجْعَلْ ذُنُوبَنَا بِهِمْ مَغْفُورَةً، وَعُيُوبَنَا بِهِمْ مَسْتُورَةً، مَقَرَّبِينَ) دَرِگَاهَتِ (قَرَارِ بَدَهْ، وَ قَرَارِ بَدَهْ گَنَاهَانِ مَا رَا بِهْ خَاْطِرِ أَشَانِ آمَرْزِيدَهْ شَدَهْ، وَ زَشْتِي هَايِ مَا رَا بِهْ خَاْطِرِ أَشَانِ پُوشِيدَهْ شَدَهْ، وَفَرَأَيْضَ نَا مَشْكُورَةً، وَنَوَافِلَنَا مَبْرُورَةً، وَقُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً، وَوَجِبَاتِ مَا رَا پَادَاشِ دَادَهْ شَدَهْ، وَ مَسْتَحَبَاتِ مَا رَا بِذِيرْفَتَهْ شَدَهْ، وَ دَلِ هَايِ مَا رَا بِهْ ذَكَرِ وَ يَادِ خُودَتِ آبَادَشَدَهْ، وَأَنْفُسَنَا بِطَاعَتِكَ مَسْرُورَةً، وَجَوَارِحَنَا عَلَى خِدْمَتِكَ مَقْهُورَةً، وَجَانِ وَ رُوحِ مَا رَا بِهْ فَرْمَانِبَرْدَارِيَتِ شَادَمَانِ، وَ اَعْضَاءِ وَ جَوَارِحِ مَا رَا بِرِ خِدْمَتِ خُويْشِ رَامِ شَدَهْ، وَأَسْمَاءَنَا فِي خَوَاصِّكَ مَشْهُورَةً، وَأَرْزَاقَنَا مِنْ لَدُنْكَ مَبْدُورَةً، وَ نَامِ هَايِ مَا رَا دَرِ مِيَانِ بِنَدِگَانِ وَبِزَهْ اَتِ بَلَنْدِ آوَاْزَهْ، وَ رُوزِيِ مَا رَا اِزِ نَاْحِيَهْ خُودَتِ فَرَاوَانِ وَ سَرِشَارِ، وَخَوَاصِّجَنَا لَدَيْكَ مَبْسُورَةً، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و حاجت های ما را برآورده شده، به رحمت ای مهربان ترین مهربانان.

پس به طرف بالاسر امام علیه السلام برو و بایست و بگو: اَلسَّلَامُ عَلَی الْقَائِمِ مَقَامِ سَلَامِ بِرِ کَسِیِ کِهْ دَرِ جَايْگَاهِ الْأَنْبِيَاءِ، اَلسَّلَامُ عَلَی الْوَارِثِ عُلُومِ الْأَوْصِيَاءِ، اَلسَّلَامُ عَلَیِ انْبِيَاءِ اِيسْتَادَهْ اِسْتِ، سَلَامِ بِرِ وَارِثِ عُلُومِ بِرِ گَزِيدِگَانِ، سَلَامِ بِرِ

خَلِيفَهُ اللَّهِ وَخَلِيفَهُ رَسُولِهِ، السَّلَامُ عَلَى زِمَامِ الدِّينِ، السَّلَامُ جَانِشِينَ خَدَاوَنَد و جَانِشِينَ رَسُولِ او، سلام بر شیرازه دین، سلام علی نِظَامِ الْمُسْلِمِينَ، السَّلَامُ عَلَى صِلَاحِ الدُّنْيَا، وَعُمْدَةِ دَهْرٍ نِظَمِ دهنده امور مسلمانان، سلام بر اصلاح کننده امور دنیا، و رکن الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَصْلَ الْإِسْلَامِ النَّامِي، السَّلَامُ مُؤْمِنان، سلام بر تو ای اصل و اساس و ریشه اسلام بالنده و رشد کننده، سلام عَلَيْكَ يَا فَرْعَهُ السَّامِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بِهِ تَمَامُ الصَّلَاةِ تو ای شاخه بالا رفته و سر بر فلک کشیده آن، سلام بر تو ای کسی که تمامیت نماز و الزکاه و الصَّیَامِ وَالْحَجِّ وَالْجِهَادِ، وَتَوْفُرِ الْفَنَى وَ الصَّدَقَاتِ و زکات و روزه و حج و جهاد و کامل بودن آن ها، و پس انداز کردن غنائم و دریافت وجوهات و اِمْضَاءِ الْحُدُودِ الْمُسَيَّمَاتِ، وَالْأَحْكَامِ الْمُبَيَّنَاتِ. السَّلَامُ و امضاء و اجرای حدود معین شده، و احکام بیان شده به وسیله شما است. سلام عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُحَلَّلُ حَلَالَ اللَّهِ، وَالْمُحَرَّمُ حَرَامَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بر تو ای کسی که حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام می کنید، سلام بر تو أَيُّهَا الْمُقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَأَحْكَامَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الذَّابُّ عَنْهُ ای اقامه کننده حدود الهی و احکام او، سلام بر تو ای دِفَاعِ كُنْدَه اَز دینِ اللَّهِ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا دینِ خدا با حکمت و پند و اندرز نیکو، سلام بر تو ای الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ بِالْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ فَضْلُهُ دَعْوَتِ كُنْدَه به سوی خداوند با حجت رسا، سلام بر تو ای کسی که فَضِيلَتِ او کَالشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ الطَّالِعَةِ، الْمُجَلَّلَةِ بِنُورِهَا لِلْعَالَمِ، السَّلَامُ مانند خورشید روشنی بخش آشکار است، که به نور خود جهان را روشن ساخته است، سلام عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَدْرُ الْمُنِيرُ، وَالسَّرَاجُ الطَّاهِرُ، وَالنُّورُ السَّاطِعُ، بر تو ای آنکه همچون ماه تابان شب چهارده، و چراغ فروزان، و نور درخشان،

وَالنَّجْمُ الْهَادِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِزَّ الْمُسْلِمِينَ، وَغَيْظُو ستاره هدایتگر هستی، سلام بر تو ای مایه عزت مسلمانان، و خشم المنافقین، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَوَارَ الْكَافِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا مَنْافِقَان، سلام بر تو ای کسی که سبب هلاکت و نابودی کافران هستی، سلام بر تو ای پدرالساده المیامین، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ عَجَزَتْ عَنْ ذِكْرِ فَضْلِهِ سروران خجسته، سلام بر تو ای کسی که از ذکر فضیلت شما اشخاص بلیغ (که به خوبی می توانند البُلغَاء، وَقَصُرَتْ عَنْ إِدْرَاكِهِ الْفُصْحَاء، وَتَحَيَّرَتْ فِي نَعْتِ فَضْلِهِ مقصود خویش را با گفتارشان برسانند) عاجز و ناتوانند، و از ادراک آن سخن پردازان نارسا، و از توصیف فضل شما الْخُطَبَاء، وَلَمْ تَنْتَه إِلَيْهِ الْحُكَمَاء، «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ خُطَبِيَان سخن سرا سرگردانند، و حکیمان به سوی آن راه نمی یابند، این، فضل و بخشش خدا است به هر کس بخواهد عنایت وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (۱)، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَعَلَى آبَائِكَ می کند، و خداوند دارای فضل و بخشش بسیار است، سلام بر تو ای مولای من و بر پدران الْأَكْرَمِينَ، وَأَبْنَاءِ كَ الطَّاهِرِينَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

گرامی ات، و فرزندان پاکت، و رحمت خدا و برکات او بر شما باد.

پس ضریح را بوسیده و نماز زیارت بخوان و بگو:

يَا شَامِخًا فِي بُعْدِهِ، يَا رُتُوفًا فِي رَحْمَتِهِ، يَا مُحْيِيَ الْأَمْوَاتِ، ای بلندمرتبه در دوری اش؛ ای مهربان در رحمتش؛ ای زنده کننده مردگان؛ يَا مُخْرِجَ النَّبَاتِ، يَا ظَهَرَ اللَّاحِجِينَ، يَا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ، یای بیرون آورنده گیاهان؛ ای پشتیبان پناهندگان؛ ای پناه دهنده حمایت طلبان؛ ای أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، يَا صَرِيخَ الْمُسْتَضِيرِّ خِين، شنواترین شنوندگان؛ ای بیناترین بینندگان؛ ای فریادرس دادخواهان؛ يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ، يَا سَيِّدَ مَنْ لَا سَيِّدَ لَهُ، يَا ذُخْرَ مَنْ لَا أَى تَكِيه گاه کسی که تکیه گاه ندارد؛ ای پشتوانه کسی که پشتوانه ندارد؛ ای اندوخته کسی که

ص: ۵۳۶

ذُخِرَ لَهُ، یا حِرْزَ الضَّعْفَاءِ، یا كَثْرَ الْفُقَرَاءِ، یا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، یا اندوخته ای برای او نیست؛ ای حافظ و نگهدار ناتوانان؛ ای گنج
 تهیدستان؛ ای امید بزرگ؛ ای مُنْقِذَ الْغُرَقَى، یا مُحْيِيَ الْمَوْتَى، یا أَمَانَ الْخَائِفِينَ، یا إِلَهَ نِجَاتِ دَهْنَدِه غرق شدگان؛ ای زنده
 کننده مردگان؛ ای ایمنی بخش بیمناکان؛ ای معبود الْعَالَمِينَ، یا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ، یا جَابِرَ كُلِّ كَسِيرٍ، یا صَاحِبَ جَهَانِيَانِ؛ ای
 سازنده هر ساخته شده؛ ای التیام بخش هر شکسته؛ ای همراه كُلِّ غَرِيبٍ، یا مُوَسِّسَ كُلِّ وَحِيدٍ، یا قَرِيباً غَيْرَ بَعِيدٍ، یا شَاهِدَ أَهْرِ
 غَرِيبٍ؛ ای همدم هر تنها؛ ای آنکه نزدیکی و دور نیستی؛ ای گواهی غَيْرَ غَائِبٍ، یا غَالِباً غَيْرَ مَغْلُوبٍ، یا حَيٌّ حِينَ لَا حَيٍّ، یا
 مُحْيِيَ که چیزی بر او پنهان نیست؛ ای چیره ای که چیزی بر او چیره نیست؛ ای زنده هنگامی که زنده ای نبوده؛ ای زنده
 کننده الْمَوْتَى، یا حَيٌّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَدْبِغُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، أَنْتَ مُرْدِگَانِ؛ ای زنده که معبودی جز تو نیست؛ پدیدآورنده
 آسمان ها و زمینی، تَوَالِقَائِمٍ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ حَسَابِگَرِ هر شخص به آنچه انجام داده و
 به دست آورده است هستی، از تو می خواهم که بر مُحَمَّدٍ صِلَاةً تُرْضِيهِمْ وَتُخْطِئُهُمْ (تُخْطِئُهُمْ)، وَتُبَلِّغُهُمْ أَقْصَى وَآلِ
 مُحَمَّدٍ درود فرستی، درودی که آنان را خشنود گردانی و بالا-بری، و به آخرین درجه رِضَاكَ، وَأَنْ تَرْحَمَ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ،
 وَتَضَرَّعِي إِلَيْكَ، وَوَحْشَتِي رِضَايَتِ خَوِيشِ رِسَانِي، وَرَحِمَ كُنِي به ذُلَّتِ و خَواری من در پیشگاهت، و ناله و زاری ام به
 درگاهت، و بیگانگی ام مِنَ النَّاسِ، وَأُنْسِي بِحُكِّكَ يَا كَرِيمُ، تَصَيَّدْتُ عَلَى فِی هَذِهِ السَّاعَةِ هَازِ مُرْدَمِ، وَأُنْسِ وَهَمْدِي ام به تو ای
 بزرگوار، در این ساعت بر من صدقه بده و مرحمت فرما بِرَحْمَةٍ مِنْ عِنْدِكَ تَهْدِي بِهَا قَلْبِي، وَتَجْمَعُ بِهَا أَمْرِي، وَتَلْمُ بِهَا رَحْمَتِي
 از ناحیه خودت که به وسیله آن قلبم را هدایت نمائی، و کارم را سامان دهی، و پریشانی ام رَاشَعْتِي، وَتُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِي، وَتُكْرِمُ
 بِهَا مَقَامِي، وَتَحُطُّ بِهَا بِرَطْفِ نَمَائِي، وَصَوْرَتِمْ رَا سَفِيدِ گِرْدَانِي، وَمَقَامِ رَا گِرَامِي وَارْجَمَنْدِ فِرْمَائِي، وَبَارِ گِرَانِمِ رَا

عَنِّي وَزُرِي، وَتَغْفِرْ بِهَا مَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِي، وَتَعْصِمْنِي بِهَا سَبْكَ سَازِي، وَ از دوشم فرود آوری، و گناهان گذشته ام را بیامرزی، و در فیما بقی مِنْ عُمْرِي، وَتَسْعِي تَعْمَلُنِي فِي ذَلِكَ كُلِّهِ بِطَاعَتِكَ، وَمَا بَاقِي مَانْدِه عَمْرَمِ مَرَا (از گناه و آلودگی (مصون بداری، و به اطاعت خویش و آنچه باعث خشنودی تو و یزضیک عَنِّي، وَتَخْتِمُ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ، وَتَجْعِلُ لِي ثَوَابَهُ الْجَنَّةَ، رضایت از من می گردد واداری و مشغول سازی، و کارم را به نیکوترین وجه پایان بخشی، و ثواب و پاداش آن را بهشت قرار دهی، وَتَسْلُكُ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ، وَتُعِينُنِي عَلَى صَالِحٍ مَا أُعْطَيْتُنِي، و به راه صالحان و نیکوکاران رهنمون شوی و ببری، و بر آنچه مصلحت من است از آنچه مرا عطا کردی یاری رسانی، وَلَا تُشْمِتْ بِي حَاسِدًا وَلَا عَدُوًّا، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَهُو مرا مورد شماتت حسودان و دشمنان قرار ندهی، و هرگز مرا به خودم واگذار نکنی و رها نسازی عَيْنِ أَبَدًا، وَلَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. چشم به هم زدنی و کمتر یا بیشتر از آن، ای پروردگار جهانیان. و سعی کن در دعا کردن به آنچه می خواهی، پس قبر را در پیش روی خود قرارداده و بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ زُرْتُ هَذَا الْاِمَامَ مُقَرَّآ بِاِمَامَتِهِ، مُعْتَقِدًا لِفَرْضِ خِدَاوْنَدَا؛ مِنْ اَيْنِ اِمَامٍ رَا زِيَارَتِ كَرْدَمِ دَر حَالِي كِه بِه اِمَامَتِ او اِقْرَارِ وَ اعْتِرَافِ دَارَمِ، مَعْتَقِدَمِ بِه وَجُوبِ طَاعَتِهِ، فَقَصَصْتُ لَكَ مَشْهَدَهُ بِذُنُوبِي وَعُيُوبِي، وَمُؤَبَقَاتِ اِثَامِي، اطاعتش، پس آهنگِ زيارتِ او نمودم با همه گناهانم و بدی هایم، و نافرمانی هایم که هلاکت بار است، وَكَثْرَةَ سَيِّئَاتِي وَخَطَايَايَ وَمَا تَعْرِفُهُ مِنِّي، مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ، وَگناهان و خطاهای فراوانم، و آنچه تو از من می دانی، در حالی که به عفو و بخشش تو پناهنده گشته، مُسْتَعِيذًا بِحِلْمِكَ، لَا جُنَا إِلَى رُكْبَتِكَ، عَاذًا بِرَأْفَتِكَ، مُسْتَشْفِعًا بِه حِلْمِ و بردباریت پناه آورده، به نیروی تو تکیه کرده، به رأفت و مهربانیت پناه آورده ام، طَلَبِ شَفَاعَتِ مِي كَنَمِ از بَوْلِيكَ وَابْنِ اَوْلِيَايِكَ، وَصِيْفِيكَ وَابْنِ اَصِيْفِيَايِكَ، وَامِينِكَ وَابْنِ وَلِيِّ تُو وَ فرزند اولیاءت، و برگزیده تو و فرزند برگزیدگان، و امانتدار تو و فرزند

أَمَنَّا بِكَ، وَخَلِيفَتِكَ وَابْنِ خُلَفَائِكَ، الَّذِينَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَى إِيْمَانَتِ دَارِنَا، وَجَانِشِينَ تُو وَفِرْزَنَدِ جَانِشِينَا، (او از كسانی است كه) آنان را وسیله رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ، وَالذَّرِيعَةَ إِلَى رَأْفَتِكَ وَغُفْرَانِكَ. اَللّهُمَّ رَحْمَت و خشنودیت، و واسطه رَأْفَت و آمرزش خویش قرار داده ای. خداوند! و اُولی حاجاتی إِلَيْكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي عَلَيَّ بِالْأَثَرِ حَاجَتِ هَی مِنْ بَهِ درگاه تُو اینست كه گناهان گذشته ام را بَاكثَرْتَهَا، وَأَنْ تَعْصِمَنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي، وَتُطَهِّرَ دِینِي مِمَّا زِيَادِي آن ها بِيَاْمِرْزِي، وَ در باقی مانده عمر مرا) از ارتكَابِ گناه (مَصُونِ داری، وَ دِینِم را از آنچِه يُدْنِسُهُ وَيُشِينُهُ وَيُزْرِی بِهِ، وَتَحْمِيهِ مِنَ الرَّيْبِ وَالشَّكِّ وَالْفَسَادِ آن را آلوده و زشت می گرداند و لَكَّه دار می سازد پاک گردانی، وَ آن را از هر گونه شك و تردید و فساد وَالشُّرْكِ، وَتُبَتِّئَنِي عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ، وَذُرِّيَّتِهِ وَشِرْكِ بَازداری، وَ مرا بر اطاعت خود و اطاعت رسُولت، وَ ذُرِّيَّهِ النُّجْبَاءِ السَّعِيدَةِ، صِلَواتِكَ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَتِكَ وَسِلَامِكَ وَبَرَكَاتِكَ، بزرگوار سعادتمند او - كه درود و رحمت و سلام و بركات بر آنان باد - ثَابِتِ بداري، وَتُحْيِيَنِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَى طَاعَتِهِمْ، وَتُمِيتَنِي إِذَا أَمَتَّنِي عَلَيَّ بِرِ اطاعت ایشان زنده بداري، وَ هِنْكَامِي كه ميراندي بِرِطَاعَتِهِمْ، وَأَنْ لَا تَمُحُو مِنْ قَلْبِي مَوَدَّتَهُمْ وَمَحَبَّتَهُمْ وَبُغْضَ اطاعت شان بِمِيرانِي، وَ از دلم ارادت و محبّت شان وَ كِنِیهِ أَغْدَائِهِمْ، وَ مُرَافَقَهُ أَوْلِيَاءِهِمْ وَبِرَّهُمْ. وَأَسْأَلُكَ يَا رَبَّ أَنْ تَقْبَلَ دَشْمَنانِ شان، وَ رِفاقت و هِمراهی با دُوستان شان، وَ نِیْکی كردن بَهِ آنان را مَحْو و نابود نگردانی. وَ از تُو می خواهم بِرِوردگار! ذَلِكَ مِنِّي، وَتُحِبِّبَ إِلَيَّ عِبَادَتَكَ، وَتُبْغِضَ إِلَيَّ مَعْاصِيَكَ، كه آن را از من بِپِذِیری وَ عِبادتت را محبوب من وَ مَوردِ علاقه من گردانی، وَ نافرمانی هایت را ناپسند من وَ مَوردِ نَفرت من گردانی، وَتَرْزُقْنِي تَوْبَةً نَصُوحاً تَرْضَاهَا، وَنِیَّهَ تَحْمِيدُهَا، وَعَمَلاً صَالِحاً وَبَهِ مِنْ رُوزِي كُنِي تَوْبَهِ خالِص و واقعی كه بَهِ آن خشنود گردی، وَ نِیتِ پاکی كه آن را بِپسندی، وَ عَمَلِ نِیْكو و شایسته ای

تَقَبَّلُهُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

که آن را بپذیری، به رحمت ای مهربانترین مهربانان.

در هنگام زیارتِ وداع با حضرت امام رضا علیه السلام، نزد ضریح رو به قبر و پشت به قبله بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَّتَهُ عَلَى خَلْقِهِ، سَلَامٌ بِرِشْمَايَ أَمِينَ خَدَاوَنَدِ دَرِ زَمِیْنِ اَو، وَحِجَّتِ اَو بِرِ اَفْرِیدْ گَانَشِ، وَخَازِنِ عِلْمِهِ، وَمَوْضِعِ سِرِّهِ، وَبَابِ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ، وَصِرَاطُهُ وَخَزِينَةُ عِلْمِ اَو، وَجَايْگَاهِ سِرِّ اَو، وَبَابِ اَمْرِ وَنَهْيِ اَو، وَرَاهِ اَو کِه رَاسْتُ الْمُسْتَقِيمِ، سَلَامٌ مُودِّعٌ وَلَا سَائِمٌ وَلَا قَالٍ وَلَا مَالٌ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَمُسْتَقِيمٌ اسْتُ. سَلَامٌ کَسِی کِه وَدَاعِ مِی نَمَایْدِ دَرِ حَالِی کِه اَز زِیَارَتِ خُسْتِه نَشْدِه وَافْسَرْدِه نَگَشْتِه وَمَلَالَتِ نَدَارْدِ، وَرَحْمَتِ خَدَاوَبَرَکَاتُهُ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ عُذُوْنَا وَبَرَکَاتِ اَو) بِرِ تُو بَادِ. خَدَاوَنَدَا؛ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دُرُودِ فَرَسْتُ، وَفَرَارِ بَدِه اَمَدَنِ مَا رَاْمَقْرُونًا بِالتَّوَكُّلِ عَلَیْكَ، وَرَوَاخِنَا عَنْكَ مَوْصُولًا بِالنَّجَاحِ مِنْكَ، مَقْرُونٌ بِتَوَكُّلِ بَرِ تُو، وَبَازْگَشْتِ مَا رَا اَز خَدَمَتِ بِرِ رَسْتُگَارِی بِرِ وَسِیْلِه خُودَتِ، وَدُعَاؤُنَا لَمَنْكَ مَقْرُونًا بِحُسْنِ الْإِجَابَةِ، وَخُضُوعِنَا بَيْنَ يَدَيْكَ دَاعِيًاو دُعَايَا مَا رَا بِرِ اَو تُو مَقْرُونٌ بِرِ اَجَابَتِ نِیْکُو، وَفَرُوتَنِی بَاطَنِی مَا رَا اِلِی رَحْمَتِكَ، وَاعْتِرَافُنَا بِذُنُوبِنَا شَفِيعًا اِلِی عَفْوِكَ، وَارْزُقْنَا الْعُودَ دَرِ حَضُورَتِ دَعُوتِ کُنَنْدِه رَحْمَتِ، وَاعْتِرَافِ مَا رَا بِرِ گَنَاهَانِ مَانِ رَاهِ شَفَاعَتِ بِرِ سُوی عَفُوتِ. وَبَازْگَشْتِ اِلِی زِیَارَتِهِ، ثُمَّ الْعُودَ اِلَیْهِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اَللّٰهُمَّ بِرِ زِیَارَتِشِ رَا وَپَسِ اَز اَن بَازْگَشْتِ دِیْگَرِ رَا رُوزِی مَا گَرْدَانِ، بِرِ رَحْمَتِ اِی مَهرَبَانِ تَرِیْنِ مَهرَبَانَانِ. خَدَاوَنَدَا؛ لَا تَجْعَلْهُ اِخْرَ الْعَهْدِ مِنَّا لِزِیَارَتِهِ سَيِّدِنَا وَإِمَامِنَا الْمَفْرُوضِ طَاعَتِهِ اِیْنِ زِیَارَتِ رَا اَخِرِیْنِ دِیْدَارِ مَا بِرِ اَو زِیَارَتِ سُرُورِ وَپِشُوایِ مَانِ کِه اِطَاعَتِشِ بِرِ مَا وَاجِبِ گَشْتِه اسْتُ فَرَارِ نَدِه، عَلَیْنَا، وَارْزُقْنَا زِیَارَتَهُ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنَا، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَزِیَارَتِ اَو رَا بِرِ طُورِ پِیُوسْتِه وَهَمِیْشْگِی تَا مَادَامِی کِه مَا رَا بَاقِی دَاشْتِه اِی رُوزِی مَا گَرْدَانِ، کِه تُو صَاحِبِ فَضْلِ وَاحْسَانِ فَرَاوَانِ،

وَالْمَنْ الْجَسِيمَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ (۱) و نعمت بسیار هستی، و درود خدا بر سرور ما (حضرت) محمد و خاندان پاک او باد.

زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه در حرم شریف حضرت امام رضا علیه السلام

در پایان این بخش، زیارت حضرت بقیه الله الأعظم ارواحنا فداه در حرم حضرت ثامن الحجج علیه آلاف التحية والثناء را نقل می کنیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ سَلَامٍ بِرِئَاسَةِ تَوَايِصِ جَانِشِينِ خُدَايَ الرَّحْمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَرِيكَ الْقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَحْمَانَ سَلَامٍ بِرِئَاسَةِ شَرِيكِ وَهَمِّ سَنَكِ الْقُرْآنِ؛ سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ قَاطِعِ الْبُرْهَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْإِنْسِ وَالْجَانِّ، السَّلَامُ دَارِي دَلِيلِ وَبُرْهَانِ قَاطِعٍ؛ سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ إِمَامِ آدَمِيَانِ وَجَنِّيَانِ؛ سَلَامٌ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الطَّيِّبِينَ، وَأَجْدَادِكَ الطَّاهِرِينَ الْمُغْصُومِينَ بِرِئَاسَةِ تَوَايِصِ أَجْدَادِ پَاكِتِ وَپَدْرَانِ پَاكِزِه ات كه معصوم بودند؛ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. (۲)

و رحمت و برکت های الهی نثار تان باد.

ص: ۵۴۱

۱- ۳۷. تحفه الزائر (مخطوط): ۲۹۷.

۲- ۳۸. صحیفه مهدیه: ۶۱۰.

هشت دعا از دعاهای بعد از زیارت

در این بخش، هشت دعا از ادعیه جامعه را که مناسب است پس از زیارت حضرت امام رضا علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام خوانده شوند، (۱) نقل می کنیم:

دعای اوّل (عالیه المضامین)

سید بن طاووس رحمه الله فرموده است: این دعایی است که بعد از زیارت هر یک از ائمه علیهم السلام خوانده می شود:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ زُرْتُ هَذَا الْاِمَامَ مُقِرّاً بِاِمَامَتِهِ، مُعْتَقِداً لِفَرَضِ خِدَاوْنَدَا؛ مِنْ اَیْنِ اِمَامٍ رَا زِیَارَتَ کَرْدَمْ دَر حَالِیْ کِه بِه اِمَامَتِ او اَقْرَار و اعْتِرَاف دَارَمْ، مُعْتَقِدَمْ بِه وَجُوبِ طَاعَتِهِ، فَقَصَصْتُ لَدُنْکَ مَشْهَدَهُ بِجُدُوْبِیْ وَعُیُوبِیْ، وَمُؤَبَقَاتِ اِثَامِیْ، اطَاعَتَشْ، پَس آهَنَگْ زِیَارَتِ او نَمُودَمْ بَا هَمِه گَنَاهَانَمْ وَ بَدِیْ هَايِمْ، وَ نَا فَرْمَانِیْ هَايِمْ کِه هَلَاکَتْ بَار اَسْتُ،

ص: ۵۴۳

وَكَثْرَةِ سَيِّئَاتِي وَخَطَايَايَ وَمَا تَعْرِفُهُ مِنِّي، مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ، وَگناهان و خطاهای فراوانم، و آنچه تو از من می دانی، در حالی که به عفو و بخشش تو پناهنده گشته، مُسْتَعِيدًا بِحِلْمِكَ، رَاجِيًا رَحْمَتَكَ، لَا جِيًا إِلَى رُكْنِكَ، عَائِدًا وَبِهِ حِلْمٍ وَبِرْدَبَارِيَّتِ پناه آورده، به رحمت امید بسته، به نیروی تو تکیه کرده، بِرَأْفَتِكَ، مُسْتَشْفِعًا بِوَلِيَّتِكَ وَابْنِ أَوْلِيَاءَتِكَ، وَصِيْفِيَّتِكَ وَابْنِ به رأفت و مهربانیت پناهنده ام، شفیع خود گردانیده ام ولیّ تو و فرزند اولیاءت، و برگزیده تو و فرزند اَصْفِيَاءَتِكَ، وَأَمِينِكَ وَابْنِ أَمَنَاتِكَ، وَخَلِيفَتِكَ وَابْنِ خُلَفَائِكَ، برگزیدگان، و امانتدار تو و فرزند امانت دارانت، و جانشین تو و فرزند جانشینانت را، الَّذِينَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَى رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ، وَالذَّرِيعَةَ إِلَيَّ) او از کسانی است که (آنان را وسیله رحمت و خشنودیت، و واسطه رَأْفَتِكَ وَغُفْرَانِكَ. اللَّهُمَّ وَأَوَّلُ حاجتی إِلَيْكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَارَأْفَتٍ و آمرزش خویش قرار داده ای. خداوندا؛ و اولین حاجت من به درگاه تو اینست که سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي عَلَى كَثَرَتِهَا، وَأَنْ تَعْصِمَنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ گناهان گذشته ام را با آن که زیاد است بیامرزی، و در باقی مانده عمر مرا) از ارتکاب گناه (مصون داری، عُمُرِي، وَتُطَهِّرَ دِينِي مِمَّا يُدْنِسُهُ وَيَشِينُهُ وَيُزْرِي بِهِ، وَتَحْمِيَهُ وَدِينِمَ را از آنچه آن را آلوده و زشت می گرداند، و لَکَ دار می سازد پاک گردانی، وَمِنْ الرِّيبِ وَالشَّكِّ، وَالْفَسَادِ وَالشُّرْكِ، وَتُبَيِّنَ عَلَيَّ طَاعَتِكَ از هر گونه شک و تردید، و فساد و شرک بازداری، و ثابت بداری مرا بر اطاعت خود و طَاعَةِ رَسُولِكَ، وَذُرِّيَّتِهِ النَّجَبَاءِ السُّعَدَاءِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ و اطاعت رسولت، و ذُرِّيَّةَ بزرگوار سعادتمند او که درود و رَحْمَتِكَ وَسَلَامُكَ وَبَرَكَاتُكَ، وَتُحْيِيَنِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِمُ رحمت و سلام و برکات بر آنان باد، و تا مرا زنده داشته ای بر طَاعَتِهِمْ، وَتُمِيتَنِي إِذَا أَمَتَّنِي عَلَى طَاعَتِهِمْ، وَأَنْ لَا تَمُوتَ مِنْ اطاعت ایشان زنده بداری، و هنگامی که میراندی بر اطاعت شان بمیرانی، و محو و نابود نگردانی از

قَلْبِي مَوَدَّتَهُمْ وَمَحَبَّتَهُمْ وَبُغْضَ أَغْيَادِهِمْ، وَمُرَافَقَهُ أَوْلِيَائِهِمْ، دَلَمِ ارَادَتِ وَمَحَبَّتِ شَانِ وَ كِينِهِ دَشْمَنَانِ شَانِ، وَ رِفَاقَتِ وَ هِمْرَاهِي بَا دُوسْتَانِ شَانِ، وَبَرِّهِمْ. وَأَسْأَلُكَ يَا رَبَّ أَنْ تَقْبَلَ ذَلِكَ مِنِّي، وَتُحِبَّ إِلَيَّ وَ نِيكِي كَرْدَنِ بَه آنان را. وَ از تُو مِی خَوَاهَمِ پُروردگار!؛

که آن را از من بپذیری، وَ عِبَادَتَكَ، وَ الْمُوَاطَبَةَ عَلَيْهَا، وَ تُنَشِّطَنِي لَهَا، وَ تُبْغِضَ إِلَيَّ عِبَادَتِ وَ مُوَاطَبَتِ بَرِ آن را مَحْبُوبِ مِنْ وَ مُورِدِ عِلَاقَه مِنْ گِردانی، وَ بَرِ اِنْجَامِ آن بَه مِنْ نِشَاطِ بَخْشِي، وَ مَعَاصِيكَ وَ مَحَارِمَكَ، وَ تَدْفَعَنِي عَنْهَا، وَ تُجَنِّبَنِي التَّقْصِيرَ فِي نَافِرْمَانِي هَا وَ مَحَرِّمَاتِ رَا نَپَسَنْدِ مِنْ وَ مُورِدِ نَفَرْتِ مِنْ گِردانی، وَ مَرَا از آن هَا دُورِ نِمایی، وَ از كُوتاهِي كَرْدَنِ دَرِصِي لَاتِي وَ الْإِسْـتِـهَانَةِ بِهَا، وَ التَّرَاحِي عَنْهَا، وَ تُوفِّقَنِي لِتَأْدِيتِهَا كَمَا نَمَازِ وَ كُوچَكِ شَمَرْدَنِ آن، وَ سَسْتِي كَرْدَنِ دَرِ آن مَرَا بَازِ بَدَارِي، وَ تَوْفِيقِ دِهِي بَرَايِ اِنْجَامِ آن اَنكَونَه كِه فَرَضَتْ وَ أَمَرَتْ بِهِ، عَلَي سُنَّتِهِ رَسُولِكَ صِلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجِبِ سَاخْتِه اِي وَ بَه آن دَسْتُورِ دَاَدِه اِي بَه رُوشِ پِيَا مَبْرَتِ - كِه دُرُودِ تُو بَرِ او وَ آلِ او وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ، خُضُوعاً وَ خُشُوعاً، وَ تَشْرِخَ صَدْرِي لِإِيْتَاءِ وَ رَحْمَتِ وَ بَرَكَاتِ بَادِ - از نَظَرِ خُضُوعِ وَ خُشُوعِ. وَ بَه مِنْ شَرْحِ صَدْرِ عَطَا كُنِي بَرَايِ پَرْدَاخْتِ الزَّكَاةِ، وَ إِعْطَاءِ الصَّدَقَاتِ، وَ يَذِلِّ الْمَعْرُوفِ وَ الْإِحْسَانِ، إِيْلِيزَكَاتِ، وَ دَاَدَنِ صَدَقَاتِ، وَ بَخْشِشِ نِيكِي وَ اِحْسَانِ بَه شِيْعَةِ اِلِ مُحَمَّدٍ وَ مُوَاسَاتِهِمْ، وَ لَا تَتَوَفَّانِي إِلَّا بَعْدَ أَنْ تُرْزُقَنِي حَاجَّ پِيروانِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ يَارِي آنانِ، وَ مَرَا از دُنْيَا مَبْرِ مَكْرِ بَعْدِ از آن كِه حَاجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، وَ قُبُورِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. خانِه خُودَتِ، وَ زِيَارَتِ قَبْرِ پِيَا مَبْرَتِ، وَ قُبُورِ ائِمَّه رَا - كِه بَرِ آنانِ سَلامِ بَادِ - رُوزِيْمِ گِردانی. وَأَسْأَلُكَ يَا رَبَّ تَوْبَةً نَصُوحاً تَرْضَاهَا، وَ نِيَّتَهُ تَحْمِيْدُهَا، وَ عَمَلًاوُ از تُو مِی خَوَاهَمِ - اِي پُروردگار مِنْ؛ - تَوْبَه خَالِصِ وَ وَاقِعِي كِه بَه آن خَشْنُودِ گِردِي، وَ نِيَّتِ پَاكِي كِه آن رَا بَپَسَنْدِي، وَ عَمَلِ صَالِحاً تَقْبَلُهُ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَ تَرْضَحَمَنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي، وَ تُهَوِّنَ عَلَيَّ نِيكُو وَ شَايِسْتِه اِي كِه آن رَا بَپَذِيْرِي، وَ هَنَكَا مِ وَفَاتِمِ مَرَا مُورِدِ مَغْفَرَتِ وَ رَحْمَتِ خُويشِ قَرَارِ دِهِي، وَ

سَكَرَاتِ الْمَوْتِ، وَتَحْشُرَنِي فِي زُمْرِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ سَخْتِي هِيَ جَانِ كُنْدَن رَا بَر مَن آسان كُنِي، وَ دَر زَمْرِهِ مُحَمَّدٌ وَ آلِ او - كه درود تو عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَتَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَتَجْعَلَ دَمْعِي غَزِيرًا بَرِ او وَ بَرِ آنان باد - محشور گردانی، وَ به رحمت خود مرا وارد بهشت نمایی، وَ گریه ام را فای طاعَتِكَ، وَعَبْرَتِي جَارِيَةً فِيمَا يُقَرِّبُنِي مِنْكَ، وَقَلْبِي عَطُوفًا دَر راه اطاعت خویش فراوان، وَ اشك چشمانم را در آنچه باعث تَقَرُّبٍ مَن به تو می گردد جاری سازی، وَ قلب مرا عَلَى أَوْلِيَائِكَ، وَتَصُونَنِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا مَتَنَ الْعَاهَاتِ وَالْآفَاتِ، نَسَبْتُ به اولیاء و دوستان عَطُوف و مایل فرمائی، وَ مرا در این دنیا از بیماری ها و آفت ها، وَالْأَمْرَاضِ الشَّدِيدَةِ، وَالْأَسْقَامِ الْمُزْمِنَةِ، وَجَمِيعِ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ وَ مرض های سخت، وَ دردهای زمین گیر کننده، وَ هر نوع بلا و حادثه ای مَصُونِ بَدَارِي، وَالْحَوَادِثِ، وَتَصْرِيفَ قَلْبِي عَنِ الْحَرَامِ، وَتُبْغِضَ إِلَيَّ مَعَاصِيكَ، وَ قَلْبِی را از حرام باز گردانی، وَ نافرمانی هایت را مَورِدِ تَنْفَرٍ مَن قرار دهی، وَتُحِبَّ إِلَيَّ الْحَلَالَ، وَتَفْتَحَ إِلَيَّ أَبْوَابَهُ، وَتُثَبِّتَ نِيَّتِي وَفَعْلِي وَ حلال را محبوب مَن و مورد پسندم نمایی، وَ درهایش را به رویم بگشائی، وَ نِیَّتِی را ثابت و کارم را عَلَیْهِ، وَتَمِدَّ فِي عُمْرِي، وَتُغْلِقَ أَبْوَابَ الْمَحَنِّ عَنِّي، وَ لَا تُشِيبُنِي بَرِ آن استوار سازی، وَ عَمْرَم را طولانی، وَ درهای غم و غصه را بَر مَن ببندی، وَ مَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَ لَا تُشْتَرِدَّ شَيْئًا مِمَّا أَحْسَنْتَ بِهِ إِلَيَّ، وَ لَا تُنْزِعَ آنچه بَر مَن عطا کرده و بخشیده ای از مَن مگیری، وَ چیزی از آنچه احسان کرده ای بازستانی، وَ مِنِّي النِّعَمَ الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ، وَتَزِيدَ فِيمَا خَوَّلْتَنِي، وَتُضَاعِفَهُ نِعْمَتِ هَائِي رَا كه به مَن مرحمت فرموده ای جدا نسازی، وَ آنچه عنایت کرده ای زیاد کنی، وَ آن را مضاعف أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً، وَتَرْزُقْنِي مَالًا كَثِيرًا وَاسِعًا سَائِعًا، هَنِيئًا نَامِيًا وَ چندین برابر گردانی، وَ مال زیاد فراوان دَلِیْزِی، گوارا بالنده وافیًا، وَعِزًّا بَاقِيًا كَافِيًا، وَجَاهًا عَرِيضًا مَنِيْعًا، وَنِعْمَةً سَابِغَةً كَامِلَةً، وَ عِزَّتِ پایدار کفایت کننده، وَ آبروی بسیار بازدارنده، وَ نِعْمَتِ سرشار

عَامَّةً، وَتُغْنِيَنِي بِذَلِكَ عَنِ الْمَطَالِبِ الْمُنْكَدَةِ، وَالْمِوَارِدِ الصَّعْبَةِ، فَرَاغِيرُ رُوزِي اَم نَمَائِي، و مرا به وسیله آن از درخواست های ناروا، و موردهای دشوار بی نیاز گردانی، وَتُخَلِّصَنِي مِنْهَا مُعَافَاً فِی دِینِی وَنَفْسِی وَوَلَدِی، وَمَا أُعْطِیْتَنِي وَاز آن رهایی بخشی با عافیت در دین و جان و فرزندم، و (در) آنچه عطا کرده ای وَمَنْحَتَنِي، وَتَحْفَظَ عَلَیَّ مَالِی وَجَمِیعَ مَا خَوَّلْتَنِي، وَتَقْبِضَ عَلَیَّ وَبخشیده ای، و آنچه را دارم و به من داده ای برایم نگه داری، وَأَیْدِی الْجَبَابِرَةِ، وَتَرْدُنِي إِلَى وَطَنِی، وَتُبَلِّغَنِي نِهَایَةَ اَمَلِی فِی دِست جَبَّارَانِ وَزورگویان را از تعدی کردن بر من ببندی و بازداری، و مرا به سرزمین خویش بازگردانی، و به نهایت آرزویم دُنْیَا وَآخِرَتِی، وَتَجْعَلَ عَاقِبَةَ اَمْرِی مُحْمُودَةً حَسَنَةً سَلِیمَةً، در دنیا و آخرت برسانی، و سرانجام کارم را پسندیده و نیکو و بی عیب قرار دهی، وَتَجْعَلَ لَنِي رَحِیبَ الصَّدْرِ، وَاسْعَ الْحَالِ، حَسَنَ الْخُلُقِ، بَعِيدَاوْ مَرَا شَکِیَّیَا وَبَاحِوَصَلَه وَخُوش اخلاق، وَدُورَمِنْ الْبُخْلِ وَالْمَنْعِ، وَالنِّفَاقِ وَالْکِذْبِ وَالْبُهْتِی، وَقَوْلِ الزُّوْرِ، از بخل و خودداری، و نفاق و دروغ و بهتان، و زورگویی و گفتار نادرست قرار دهی، وَتَرْسَخَ فِی قَلْبِی مَحَبَّةَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشِیعَتِهِمْ، وَتَحْرُسَنِي وَدر دلم مَحَبَّتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشِعیانِ ایشان را رسوخ دهی و ریشه دار نمایی، و محفوظ بداری یا رَبِّ فِی نَفْسِی وَأَهْلِی وَمَالِی وَوَلَدِی وَأَهْلِی حُزْنَتِی وَإِخْوَانِی - ای پروردگار؛ - خودم و اهل و عیالم و مالم و فرزندم و آنان که سرپرستی ایشان را به عهده دارم و برادرانم وَأَهْلِ مَوَدَّتِی وَذُرِّیَّتِی بِرَحْمَتِکَ وَجُودِکَ. اَللّهُمَّ هَذِهِ حَاجَاتِی وَدُوسْتَانِی وَذُرِّیَّه اَم را به رحمت و جودت. خداوندا؛ اینها نیازهای من به عِنْدَکَ، وَقَدْ اَسْتَكْتَرْتُهَا لِلْؤُمِی وَشُحِّی، وَهِيَ عِنْدَکَ صَیْغِرُهُدْرَگَاه تُو اَسْتُ، وَآن هَا رَا زِیَاد مِی شَمَارَم بَه خَاطِرِ پَسْتِی وَبُخْلِ بَسِیَارَم، وَدر حالی که آن نزد تُو حَقِیرَه، وَعَلِیْکَ سَیْهَلَه یَسِیرَه، فَاسْأَلُکَ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ کَم وَنَاجِیز اَسْتُ، وَانْجَامِ آن بَر تُو سَادَه وَآسان اَسْتُ، پَس از تُو مِی خَوَاهَم بَه مَقَام وَمَنْزَلَتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَكَ، وَبِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ، وَبِمَا أُوجِبْتَ لَهُمْ، - که بر او و بر ایشان سلام و درود باد - در پیشگاهت، و به حق ایشان بر تو، و به آنچه برای ایشان واجب گردانیدی، وَبِسَائِرِ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَصْفِيَائِكَ، وَأَوْلِيَائِكَ الْمُخْلِصِينَ مِنْ وَبِهِ دِیْگَر پیامبران و رسولان و برگزیدگان و اولیاء باخلاص و پاکت از میان عبادِک، وَبِأَسْمَائِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ لِمَا قَضَيْتَهَا كُلَّهَا، وَأَسْأَلُكَ بِعَفْوَتِنِي بِبِذَاتِكَ، وَبِهِ نَامِ بزرگت، به آن نام بزرگت که همه آن ها را برآورده سازی و مرا حاجت روا گردانی، بِهَا، وَلَمْ تُخَيِّبْ أَمَلِي وَرَجَائِي، وَشَفِّعْ صَاحِبَ هَذَا الْقَبْرِ فِيَّ. و مرا از آنچه آرزو و امید دارم محروم نکنی، و صاحب این قبر را در مورد من شفیع گردانی. یا سَيِّدِي یا وَلِيَّیَ اللّٰهِ، یا أَمِينَ اللّٰهِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَشْفَعَ لِي إِلَى اللّٰهِ اِی سرور من؛ اِی وَلِيَّیَ خِدا؛ اِی اَمین خِدا و مورد اطمینان او؛ از تو درخواست می کنم که شفاعت کنی برای من به درگاه خداوند عَزَّ وَجَلَّ فِی هَذِهِ الْحَاجَاتِ كُلِّهَا، بِحَقِّ آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ، وَبِحَقِّ عَزَّ وَجَلَّ در مورد همه این نیازها و حاجت هایم، به حق پدران پاک، و به حق أَوْلَادِكَ الْمُتَتَجِبِينَ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ، أَلَمْ تَزَلْ تَهْفُزُ زَنَدَانِ بَرگزیده ات، که برستی تو نزد خداوند - که نام هایش مقدس است - مَقَامِ الشَّرِيفَةِ، وَالْمَرْتَبَةِ الْجَلِيلَةِ، وَالْجَاهِ الْعَرِیضِ. اَللّٰهُمَّ لَعَوْ عَرَفْتُ ارزشمند و رتبه والای و آبروی فراوان داری. خداوند؛ اِکْرَمَنْ هُوَ أَوْجَهُ عِنْدَكَ مِنْ هَذَا الْإِمَامِ وَمِنْ آبَائِهِ وَأَبْنَائِهِ الطَّاهِرِينَ کسانی را می شناختم که نزد تو از این امام عزیز و پدران و فرزندان پاکش عَلَیْهِمُ السَّلَامُ وَالصَّلَاةُ لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي، وَقَدَّمْتُهُمْ أَمَامَ حَاجَتِي - که بر همه آنان سلام و درود باد - آبرومندتر باشد آنان را شفیع خود قرار می دادم، و آنان را پیشاپیش وَطَلِبَاتِي هَذِهِ، فَاسْمَعْ مِنِّي وَاسْتَجِبْ لِي، وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ بِي خَواسته ها و نیازهایم مَقْدَم می نمودم، پس دعایم را بشنو و برایم به اجابت برسان، و آنگونه که تو شایسته آن هستی با من أَهْلُهُ، یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اَللّٰهُمَّ وَمَا قَضَيْتَ عَنْهُ مَسْئَلَتِي وَلَمْ تَفْعَلْ، اِی مهربانترین مهربانان. خداوند؛ و آنچه درخواست من نسبت به آن نارسا و نیرویم ناتوان

تَبْلُغُهُ فِطْنَتِي، مِنْ صَالِحِ دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، فَأَمْنُنْ بِهِ وَتِزْهَوِشِي وَزِيرَكِي ام به آن نمی رسد و صلاح دین و دنیا و آخرت من است، تو به آن عَلَّی، وَاحْفَظْنِي وَآخِرُسِنِي، وَهَبْ لِي وَاعْفُزْ لِي، وَمَنْ أَرَادَنِي بِر مِنْ مَنّت گذار، و مرا نگهدار و حفظ کن، و بر من ببخشای و مرا مورد آمرزش قرار بده، و هر کس به من اراده بُسوءِ أَوْ مَكْرُوهٍ مِنْ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، أَوْ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ، أَوْ مُخَالِفٍ بدی یا نیت ناروایی دارد، شیطان سرکش باشد، یا سلطان عنادپیشه منحرف، یا مخالفت داشته باشد با من فی دین، أَوْ مُنَازِعٍ فی دُنْیَا، أَوْ حَاسِدٍ عَلَّی نِعْمَةٍ، أَوْ ظَالِمٍ أُوْدِر دین، یا کشمکش داشته باشد بر سر دنیا، یا حسد ورزد به نعمتی که دارم، یا ستمگر باشد یاباغ، فَأَقْبِضْ عَنِّي يَدَهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ، وَاشْغَلْهُ بِنَفْسِهِ، جنایتکار، دست او را نسبت به من ببند، و مکر و حيله او را از من بازگردان، و او را به خودش مشغول ساز، وَاكْفِنِي شَرَّهُ وَشَرَّ أَتْبَاعِهِ وَشَيْطَانِهِ، وَأَجِرْنِي مِنْ كُلِّ مَا يَضُرُّنِي وَشَرِّ او و شرِّ پیروان و شیاطین او را از من کفایت کن، و مرا از آنچه به من زیان رساند و يُجْحِفُ بِي، وَأَعْطِنِي جَمِيعَ الْخَيْرِ كُلِّهِ، مِمَّا أَعْلَمُ وَمِمَّا لَا وَر من بیش از طاقتم فشار آورد در امان بدار، و همه خوبی ها را از آنچه می دانم وَأَعْلَمُ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفُزْ لِي وَلِوَالِدَيَّ، نمی دانم به من عطا فرما. خداوندا؛ درود فرست بر محمد و آل محمد، و بپامرز مرا و پدر و مادرم را، وَلِإِخْوَانِي وَأَخَوَاتِي، وَأَعْمَامِي وَعَمَّاتِي، وَأَخْوَالِي وَخَالَاتِي، و برادران و خواهرانم را، و عموها و عمه هایم را، و دایی ها و خاله هایم را، وَأَجِيدَادِي وَحَبَدَاتِي، وَأَوْلَادِهِمْ وَذَرَارِيَهُمْ، وَأَزْوَاجِي وَذُرِّيَّاتِي و پدربزرگ ها و مادربزرگ هایم را، و فرزندان و نسل ایشان را، و همسران و فرزندانم را وَأَقْرَبَائِي وَأَصْدِقَائِي، وَجِيرَانِي وَإِخْوَانِي فَيْكَ، مِنْ أَهْلِ الشَّرْقِ وَهمه نزدیکانم و دوستانم را، و همسایگان و برادران ایمانی ام را، از مشرق زمین باشند وَالْغَرْبِ، وَلِجَمِيعِ أَهْلِ مَوَدَّتِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، الْأَحْيَاءِ یا مغرب زمین، و همه کسانی را که با من محبت دارند از مردان و زنان مؤمن، زنده باشند

مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، وَلِجَمِيعٍ مَنْ عَلَّمَنِي خَيْرًا أَوْ تَعَلَّمْتُ مِنْهُ عِلْمًا. یا مرده، و همه کسانی که به من کار خوب یا مطلب سودمندی آموخته باشند یا از من علم و دانشی فراگرفته باشند. اَللّٰهُمَّ اَشْرِكْهُمْ فِيْ صَالِحِ دُعَائِيْ، وَزِيَارَتِيْ لِمَشْهَدِ حُجَّتِكَ خدایاندا؛ شریک گردان همه آنان را در دعای شایسته من و زیارت حرم (باصفاى) حُجَّتِ وَلِيِّكَ، وَأَشْرِكْنِيْ فِيْ صَالِحِ ادْعِيَّتِهِمْ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ وَلِيَّتِ، و شریک نما مرا در دعاهاى نیکو و شایسته آنان، به رحمت ای مهربانترین الرَّاحِمِينَ، وَبَلِّغْ وَلِيَّكَ مِنْهُمْ السَّلَامَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ مَهْرَبَانان، و از طرف همه آنان به ولّی خویش سلام برسان، و سلام بر تو و رحمت خداوَبَرَكَاتِهِ. یا سَيِّدِيْ وَمَوْلَايَ -یا فُلَانُ بَنِ فُلَانٍ- صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ، و بَرَكَاتِ او بر تو باد. ای سرور من؛ و مولای من؛ - ای فلان پسر فلان - درود خدا بر تو، وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، أَنْتَ وَسَيِّلتِيْ إِلَى اللهِ، وَذَرِيعَتِيْ إِلَيْهِ، و بر روح و جسم تو، تو وسیله من به سوی خداوند و راه ارتباط من با او هستی، وَلِيْ حَقُّ مُوالاتِيْ وَتَأْمِيْلِيْ، فَكُنْ شَفِيعِيْ إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ فِيْ وَ مِنْ حَقِّ ارادتمندی و آرزومندی به حضرتت دارم، پس شفیع من باش به درگاه خداوند تبارک و تعالی درالْوُقُوفِ عَلَى قِصَّتِيْ هَذِهِ، وَصَيَّرْ فِيْ عَنِّ مَوْقِفِيْ هَذَا بِالنُّجْحِ، وَبِمَامُورِ آنچه آگاهی از قصّه من و در مورد بازگشتم از این جایگاه محترم با موفقیت و روا شدن سَأَلْتُهُ كُلَّهُ، بِرَحْمَتِهِ وَقُدْرَتِهِ. اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ عَقْلاً كامِلاً، وَلِيّاً هَمّه خواسته هایم با قدرت و رحمت او. خدایاندا؛ به من عقل کامل، و اندیشه و خردراجحاً، وَعِزّاً باقياً، وَقَلْباً زَكِياً، وَعَمَلاً كَثِيراً، وَأَدَباً بارِعاً، بیشتر، و عَزّت پایداری، و قلبی پاک، و عمل بسیار، و ادبی برتر و شایسته تر روزی فرما، وَاجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ لِيْ، وَلَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۱) و همه آن ها را به نفع من قرار بده، و بر ضرر من قرار مده، به رحمت ای مهربان ترین مهربانان.

ص: ۵۵۰

مستحب است این دعا بعد از زیارت امام رضا علیه السلام و نیز سایر امامان علیهم السلام خوانده شود:

اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَتْ ذُنُوْبِيْ قَدْ اَخْلَقْتَ وَجْهِيْ عِنْدَكَ، وَحَجَبْتَ خَدَاوْنِدَا؛ اِذَا كُنَّا غَنَاهُنَّ مَرَّ نَزْدِ تَوْبِيْ اَبْرُوْ سَاخْتَه، وَدُعَايِيْ عَنْكَ، وَحَالَتْ بَيْنِيْ وَبَيْنَكَ، فَاسْأَلُكَ اَنْ تُقْبَلَ عَلَيَّ دَعَايِمَ رَا اَز رَسِيْدِن بَه دِر گَاهَت مَانَعِ گَشْتَه، وَ مِيَان مَن وَ تُو فَاصِلَه اِنْدَاخْتَه اِسْت، پَس اَز تُو مِي خَوَاهَم كِه بِوَجْهِكَ الْكَرِيْمِ، وَتَنْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ، وَتُنْزِلْ عَلَيَّ بَرَكَاتِكَ. بَا چِهْرَه كَرِيْمَانَه اَت بَر مَن رُوِيْ آوَرِيْ، وَ رَحْمَت رَا بَر مَن بَگَسْتَرَانِيْ، وَ بَرَكَات رَا بَر مَن نَازِل سَاَزِيْ. وَ اِنْ كَانَتْ قَدْ مَنَعَتْ اَنْ تَرْفَعَ لِيْ اِلَيْكَ صَوْتًا، اَوْ تَغْفِرَ لِيْ ذَنْبًا، وَ اِذَا كُنَّا غَنَاهُنَّ مَانَعِ اَز اِيْنَكِه صَدَايِم بَه سُوِيْ تُو بَالَا رُوْد، يَا گَنَاهَم رَا بِيَا مَرْزِيْ، اَوْ تَتَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَةٍ مُّهْلِكَةٍ، فَهِيَ اَنَا ذَامُسٌ تَجِيْرُ بِكَرَمِ وَجْهِكَ يَا اَز خَطَا وَ اِسْتِبَا هَلَاكَ كُنْنِدَه گَزْدَشْت كُنِيْ، پَس اَكْنُوْن مَن بَه كَرَامَت وَ بَزَرْگُوَارِيْ ذَاتَت وَعِزِّ جَلَالِكَ، وَتُتَوَسَّلُ اِلَيْكَ، وَتُقَرَّبُ اِلَيْكَ بِاَحَبِّ خَلْقِكَ اِلَيْكَ، وَ عَزَّتْ وَ شَكُوْه جَلَالَت پَنَاهِنْدَه گَشْتَه، وَ بَه سُوِيْ تُو تَوَسَّلْ جَسْتَه وَ تَقَرَّبْ مِي يَابَم بَه وَسِيْلَه مَحْبُوْبَتَرِيْن آفَرِيْد گَانَت، وَ اَكْرَمِيْهِمْ عَلَيْكَ وَ اَوْلَاهُم بِكَ، وَ اطْوَعِيْهِمْ لَكَ، وَ اَعْظَمِيْهِمْ مَنَزَلَهُوْ گَرَامِيْ تَرِيْن اَنَان دَر پِيْش گَاه تُو، وَ شَايِسْتَه تَرِيْن اَنَان نَسَبْت بَه تُو، وَ فَرْمَانِبَر دَار تَرِيْن اِيْشَان بَرَايِ تُو، وَ بَاعْظَمَت تَرِيْن اَنَان اَز جِهْت مَنَزَلَت وَ مَكَانًا عِنْدَكَ، مُحَمَّدٌ وَبِعِزَّتِهِ الطَّاهِرِيْنَ، اَلْاَيْمَةِ الْهُدَاهِ الْمَهْدِيْنَ، وَ مَوْعِيَّتِ نَزْدِ تُو، (حَضْرَت) مُحَمَّد صَلِيّ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهٖ وَسَلَّم وَ بَه وَسِيْلَه عَتَرَتِ پَاكِ اُو، اِمَامَان هِدَايَت يَافْتَه هِدَايَتِگَر، الَّذِيْنَ فَرَضْتَ عَلَيَّ خَلْقِكَ طَاعَتَهُمْ، وَ اَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ، وَ جَعَلْتَهُمْ كِه اطَاعَتِ شَان رَا بَر هَمِه مَرْدَمَان وَاجِبِ سَاخْتِيْ، وَ بَه مَوَدَّتِ وَ دُوسْتِيْ اِيْشَان دَسْتُوْر دَادِيْ، وَ اَنَان رَا

وَلَاةَ الْأَمْرِ مِنْ بَعْدِ رَسُولِكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. يَا مُذِلَّ كُلِّ بَعْدٍ مِنْ بَعْدِ زور گوی عنادپیشه، و ای عزیز آل او باد. ای خوارکننده هر جبارِ عنید، و یا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ، بَلَّغْ مَجْهُودِي، فَهَبْ لِي نَفْسِي ستمگر زور گوی عنادپیشه، و ای عزیز گرداننده مؤمنان، تاب و توانم به پایان رسیده است، پس اکنون مرا ببخش، السَّاعَةَ، وَرَحْمَةً مِنْكَ تَمُنُّ بِهَا عَلَيَّ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. و با رحمتی از ناحیه خودت بر من مَنّت گذار، ای مهربانترین مهربانان.

سپس ضریح را بیوس و دو طرف گونه ات را بر آن بمال و بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَذَا مَشْهَدٌ لَا يَزُجُو مَنْ فَاتَتْهُ فِيهِ رَحْمَتُكَ، اَنْ يَنَالَهَا فِي خَدَاوْنَدَا؛ اَيْنَ، زيارتگاهی است که کسی اگر رحمت تو در آن جا از او فوت شود، امیدی نیست که در غَيْرِهِ، وَلَا اَحَدٌ اَشَقَى مِنْ اَمْرِ قَصِيْدَةٍ مُؤَمَّلًا فَابْ عَنْهُ خَائِبًا. غير اینجا بدست آورد، و کسی شقی تر از انسانی نیست که با آرزو و امید اینجا بیاید و محروم باز گردد. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الْاِيَابِ، وَخِيْبَةِ الْمُتَقَلِّبِ، وَالمُنَاقَشَةِ هِخداوَنَدَا؛ به تو پناه می برم از بدی باز گشتن، و ناامیدی هنگام باز گشت، و مناقشه و کشمکش عِنْدَ الْحِسَابِ، وَحَاشَاكَ يَا رَبُّ اَنْ تُقَرَّنَ طَاعَهُ وَلِيْكَ بِطَاعَتِكَ، وَوقت حسابرسی، و از ساحت مقدّس تو به دور است - پرورد گارا؛ - که اطاعت ولّیت را با اطاعت خویش، وَمُؤَالَاتِهِ بِمُؤَالَاتِكَ، وَمَعَصِيَّتُهُ بِمَعَصِيَّتِكَ، ثُمَّ تُؤَيِّسَ زَائِرُهُ، و دوستی و پیروی او را با دوستی و پیروی خویش، و معصیت و نافرمانی او را با معصیت و نافرمانی خویش مقرون گردانی، سپس زائرش وَالْمُتَحَمِّلَ مِنْ بُعْدِ الْبَلَادِ إِلَى قَبْرِهِ؛ وَعَزَّيْتَكَ يَا رَبُّ لَا يَنْعَقِدُ رَا و آن که سختی راه و دوری آن را تا کنار قبر مطهر او تحمّل کرده مأیوس و ناامید گردانی، سوگند به عزّت - ای پرورد گار؛ - عَلَى ذَلِكَ ضَمِيرِي، اِذْ كَانَتْ الْقُلُوبُ اِلَيْكَ بِالْجَمِيلِ تُشِيرُ. (۱) که به خاطر م چنين چیزی خطور نمی کند؛ زیرا که دل ها به سوی تو تنها به خوبی و نیکی اشاره دارد.

ص: ۵۵۲

خواندن این دعا نیز پس از زیارت امام رضا علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام مستحب است:

یا وَلِیَّ اللَّهِ؛ إِنَّ بَیْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا یَأْتِی عَلَیْهَا إِلَّا اِیُّ وَلِیِّ خُدا؛ همانا میان من و خداوند عزیز والا گناهای است که جز رضایت و خشنودی شما آن ها را از بینِ رضاكَ، فَبِحَقِّ مَنْ اِثْمَنَكَ عَلَی سِرِّهِ، وَاسْتَرْعَاكَ اَمْرُ خَلْقِهِ، نمی برد، پس به حقّ کسی که شما را امین راز خویش قرار داد، و سرپرستی امور عالم و نگهبانی خلق را از شما خواست، وَقَرَنَ طَاعَتَكَ بِطَاعَتِهِ، وَمُؤَالَاتِكَ بِمُؤَالَاتِهِ، تَوَلَّ صَلَاحَ حَالِی وَ اطاعت شما را به اطاعت خویش و پیروی شما را به پیروی خویش مقرون گردانید، اصلاح حال مرا مَعَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَاجْعَلْ حَظَّی مِنْ زِیَارَتِكَ تَخْلِیْطِی بِخَالِصِی با خداوند تبارک و تعالی عهده دار باش. و قرار بده بهره مرا از زیارتت، مخلوط کردنم بازوَارِكَ، الَّذِینَ تَسْأَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِی عِتْقِ رِقَابِهِمْ، وَتَرْغُبُ زَائِرَانِ خَالِصِ خَوِیش که از خداوند آزادی آن ها را درخواست می کنی، و ثواب و اِلَیْهِ فِی حُسْنِ ثَوَابِهِمْ. فَهَا اَنَا الْیَوْمَ بِقَبْرِكَ لَا اِثْمَ، وَبِحُسْنِ پاداش نیکو برای آن ها از درگاه او مایل و مشتاقی. اکنون من امروز به مرقد پاکت پناه آورده، دِفَاعِکَ عَنِّی عَازِمٌ، فَتَلَا فِی یا مَوْلَای وَادْرِکْنِی، وَاسْأَلِ اللَّهَ وَ به دفاع و حمایت نیکویت از من پناهنده گشته ام، پس به داد من برس ای مولای من و مرا دریاب، و از خداوند عَزَّ وَجَلَّ فِی اَمْرِی، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَاماً کَرِیماً، وَجَاهاً عَزِیزَ والا در مورد کار من درخواست کن که براستی برای تو نزد خداوند مقامی ارجمند (و آبروی عَظِیماً، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ وَسَلَّم تَسْلِیماً. (۱)

شایانی (است، درود خدا و سلام او بر تو باد.

ص: ۵۵۳

خواندن این دعا نیز پس از زیارت حضرت امام رضا علیه السلام و سایر ائمه اطهار علیهم السلام مناسب است:

اَللّٰهُمَّ لَوْ وَجَدْتُ شَفِيعًا اَقْرَبَ اِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ خداوندا؛ اگر واسطه و شفيعی را می یافتم که به حضرتت نزدیکتر از محمد و اهل بیت الاخیار، الاثقیاء الأبرار، علیه وعلیهم السلام، لَاسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ پاک پرهیزکار نیکوکار او - بر او و بر آنان سلام - باشد او را به درگاهت شفیع قرار می دادم، اِلَيْكَ، وَهَذَا قَبْرُ وَلِيِّ مِنْ اَوْلِيَّائِكَ وَسَيِّدٍ مِنْ اَصْفِيَاءِكَ، وَمَنْ وَاين قبر ولیّی از اولیائت، و سروری از برگزیدگانت است، و کسی است که فَرَضْتَ عَلَى الْخَلْقِ طَاعَتَهُ، قَدْ جَعَلْتَهُ بَيْنَ يَدَيَّ، اَسْأَلُكَ يَا رَبَّ اطاعت او را بر همه خلق واجب کرده ای، که در پیش روی خود قرار داده ام، پروردگارا؛ از تو می خواهم بِحُرْمَتِهِ عِنْدَكَ، وَبِحَقِّهِ عَلَيْكَ، لَمَّا نَظَرْتُ اِلَيْ نَظَرَةٍ رَحِيمَةٍ مِنْ به حرمت و آبروی او نزد تو، و به حقّ او بر تو نگاهی از روی رحمت و مهربانی به من کنی، نَظَرَاتِكَ، تَلَمُّ بِهَا شَعْنِي، وَتَصْلُحُ بِهَا حَالِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، که با آن نگاه، پریشانی و نابسامانی مرا برطرف کنی، و حالم را در دنیا و آخرت اصلاح نمایی، فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَللّٰهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي لَمَّا فَاتَتِ الْعَدَدَ، که تو بر هر چیزی توانایی. خداوندا؛ همانا گناهانم وقتی که از عدد گذشت وَجَازَتِ الْأَمِدَ، عَلِمْتُ أَنَّ شَفَاعَةَ كُلِّ شَافِعٍ دُونَ اَوْلِيَّائِكَ تَقْصُرُ وَاِنْ از اندازه تجاوز کرد، دانستم که شفاعت هر شفيعی غیر از اولیائت کارساز نیست، عَنْهَا، فَوَصِّلْتُ الْمَسِيرَ فِي بَلَدِي، قَاصِدًا وَاِلَيْكَ بِالْبُشْرَى، پس این مسیر را پیمودم و با شادمانی آهنگ ولیّی تو را نمودم،

وَمُتَّعَلَقًا مِنْهُ بِالْعَزْوَةِ الْوُثْقَى، وَهَا أَنَا يَا مَوْلَايَ قَدِ اسْتَشْفَعْتُ وَاز طَرِيقَ اوْ به دست آویز محکم و مورد اطمینان آویختم، و اکنون این منم - ای مولای من؛ - بِهِ إِلَيْكَ، وَأَقْسَيْتُ بِهِ عَلَيْكَ، فَارْحَمْ غُرْبَتِي، وَأَقْبَلْ تَوْبَتِي. که به وسیله او به درگاه تو شفاعت جسته ام، و به او تو را سوگند داده ام، پس به غربت و تنهایی من رحم کن، و توبه ام را بپذیر. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ لَا اُعَوِّلُ عَلٰی صَالِحِهِ سَيَلَفْتُ مِنْیْ، وَلَا اُذِیْقُ بِحَسَبِ نَهْجِ خَدَاوَنَدَا؛ همانا من بر عمل صالح و شایسته ای که در گذشته انجام داده ام تکیه نمی کنم، و به کار نیکویی که تقوم بِالْحُجَّةِ عَنِّیْ، وَلَوْ اَنِّیْ قَدَّمْتُ حَسَنَاتِ جَمِیعِ خَلْقَتِکَ، ثُمَّ از طرف من حجتی بپا دارد اطمینان ندارم، و اگر خوبی های همه آفریدگانت را پیش فرستم، سپس خَالَفْتُ طَاعَهُ اَوْلِیَاءِکَ، لَکَانَ تِلْکَ الْحَسَنَاتُ مُزْعِجَةً لِّیْ عَنْ بِا فرمان اولیائت مخالفت کنم، و از اطاعتشان سرپیچی نمایم، هر آینه این خوبی ها مرا از جوارِکَ، غَيْرَ حَائِلِهِ بَيْنِیْ وَبَيْنَ نَارِکَ، فَلِذَلِکَ عَلِمْتُ اَنَّ اَفْضَلَ جَوَارِتِ دُورِ می گرداند، و میان من و آتش خشم تو فاصله نمی اندازد، پس به خاطر این دانستم که بهترین طَاعَتِکَ طَاعَهُ اَوْلِیَاءِکَ. اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ تَوَجُّهَی بِمَنْ تَوَجَّهْتُ بِهِ اِطَاعَتِهَا هَمَانِ اِطَاعَتِ اَوْلِیَاءِ تُوْا است. خداوندا؛ رحم کن روی آوردنم را به خاطر کسی که به وسیله او به إِلَيْكَ، فَلَقَدْ عَلِمْتُ اَنِّیْ غَيْرُ وَاجِدٍ اَعْظَمُ مِقْدَاراً مِنْهُمْ، لِمَکَانِهِمْ تُوْا روی آورده ام، و به تحقیق می دانی که من پیدا نکردم کسی را که ارزشی بیشتر از آنان داشته باشد، به خاطر منزلتی که ایشان مِنْکَ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ. اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ بِالْاِنْعَامِ مَوْضِعٌ، وَوَلِیُّکَ نَزْدُ تُوْا دارند ای مهربانترین مهربانان. خداوندا؛ همانا تو به نیکی کردن و احسان توصیف شده ای، و وَلِیتُ بِالشَّفَاعَةِ لِمَنْ اَتَاهُ مَعْرُوفٌ، فَاِذَا شَفَعَ فِیْ مُتَفَضِّلًا، کَانَ وَجْهُکَ به شفاعت نمودن نسبت به آنکه به درگاهش آید شناخته شده است، پس هنگامی که در مورد من به فضل و کرم خویش شفاعت کند، تُوْا با چهره عَلٰی مُقْبَلًا، وَاِذَا کَانَ وَجْهُکَ عَلٰی مُقْبَلًا اَصِیْبْتُ مِنَ الْجَنَّةِ مَنْزِلًا. رحمت با من روبرو می شوی، و هنگامی که با چهره رحمت با من روبرو گشتی به درجه و رتبه ای از بهشت دست می یابم. اَللّٰهُمَّ فَکَمَا اَتَوَسَّلُ بِهِ اِلَیْکَ، اَنْ تَمُنَّ عَلٰی بِالرِّضَا وَالنَّعَمِ، اَللّٰهُمَّ خداوندا؛ پس همان گونه که به وسیله او به تُوْا توَسَّلُ می جویم که بر من به خشنودی و نعمت ها مَنَّت گذاری؛ خداوندا؛

أَرْضِهِ عَنَّا، وَلَا تُسِخِطْهُ عَلَيْنَا، وَاهْدِنَا بِهِ وَلَا تُضِلَّنَا فِيهِ، وَاجْعَلْنَاوْا رَا از مآ راضی گردان، و بر مآ خشمگین مساز، و مآ رآ به وسیله او هدایت کن و در مورد او گمراه مفرما، و مآ رافیه عَلَی السَّبِيلِ الَّذِی تَخْتَارُهُ، وَأَضِفْ طَاعَتِیْ إلی خَالِصِ در مورد او بر همان راهی که او را اختیار فرموده ای قرار بده، و اطاعتم را به نیتِ نیتِی فی تَحِیَّتِی، یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَی خِیارِ خالصم در تحیت و ارادت م یفزا، ای مهربان ترین مهربانان. خداوندا؛ بر بهترین خَلْقِکَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، کَمَا اِنتَجَبْتَهُمْ عَلَی الْعَالَمِیْنَ، وَاخْتَرْتَهُمْ آفریدگانت محمد و آل او درود فرست؛ همان گونه که ایشان را بر همه جهانیان برگزیدی، و از روی عِلْمٍ عَلَی عِلْمٍ مِنَ الْمَؤُولِیْنَ. اَللّهُمَّ وَصِّلْ عَلَی حُجَّجِکَ، وَصِیِّ فُؤُوتِکَ مِنْ عِلْمٍ و آگاهی آنان را از میان پیشینیان اختیار نمودی. خداوندا؛ و درود فرست بر حجت و برگزیده ات از میان بَرِیِّکَ، اَلتَّالِی لِنَبِیِّکَ، اَلْمُقِیْمِ لِأَمْرِکَ عَلَیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ، وَصَلِّ مَخْلُوقَاتِ، آنکه در پی پیامبرت (و جانشین او)، پیادارنده امر تو بوده، (یعنی حضرت (علی بن ابی طالب، و درود فرست عَلَی فاطمة الزهراء سیدة نساء العالمین، وَصَلِّ عَلَی الْحَسَنِ بر) حضرت (فاطمه زهرا سرور زنان جهانیان، و درود فرست بر امام حسن وَالْحُسَیْنِ شَنِفَی عَرْشِکَ، وَدَلِیْلِی خَلْقِکَ عَلَیْکَ، وَدُعَاتِهِمْ إلیْکَ. و امام حسین دو گوشواره عرشت، و دو دلیل و راهنمای خلقت بر تو، و دعوت کننده آنان به سوی تو. اَللّهُمَّ وَصِّلْ عَلَی عَلَیٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسَى وَ عَلِیٍّ وَ مُحَمَّدٍ خداوندا؛ و درود فرست بر امام سجّاد، و امام باقر، و امام صادق و امام کاظم و امام رضا و امام جواد وَ عَلِیٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْخَلْفِ الصَّالِحِ الْبَاقِی، مَصَابِیحِ الظَّلام، و امام هادی و امام عسکری، و جانشین شایسته باقی مانده؛ آن چراغ های فروزنده در تاریکی ها، وَ حُجَّجِکَ عَلَی جَمِیعِ الْأَنَامِ، خَزَنَةِ الْعِلْمِ أَنْ یُعِیْدَ، وَ حُمَاهِ الدِّینِ وَ حِجَّتِ هایت بر همه مردمان، خازنان علم و دانش از معدوم شدن آن، و حامیان دین أَنْ یَسْقُومَ، صِیْلَهُ یَكُونُ الْجَزَاءُ عَلَیْهَا أَتَمَّ رِضْوَانِکَ، وَ نَوَامِی از بیمار شدن آن؛ درودی که پاداش تو بر آن کاملترین رضایت و خشنودیت، و برکات

و رحمت خدا و برکات او بر تو باد.

یا ذَا الْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ، وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ، وَالْمِنَّةِ الْمُتَّابِعَةِ، خداوند! (ای دارای قدرت کامل و دربرگیرنده؛ و رحمت گسترده، و نعمت های پیای، وَالْإِلَآءِ الْمُتَوَاتِرَةِ، وَالْإِيَادِیِ الْجَمِیلَةِ) الْجَلِیلَةِ، وَالْمَوَاهِبِ وَالطَّافِ پیوسته، و احسان های نیکو) بزرگ، و بخشش های الْجَزِیلَةِ، صِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدِیْنِ الصَّادِقِیْنِ، وَأَعْطِنِ فراوان، درود فرست بر مُحَمَّدٍ و آل مُحَمَّدٍ که اهل صدق و راستی اند، و سُؤْلِی، وَاجْمَعْ شَمْلِی، وَلَمْ شَعْنِی، وَزَكَّ عَمَلِی، وَلَا تَزَلْ قَدَمِی، خواسته ام را عطا کن، و پریشان خاطری و نابسامانی مرا برطرف کن، و عملم را پاکیزه گردان، و پایم را ملغزان، وَلَا تَكِلْنِی إِلَى نَفْسِی طَرَفَهُ عَیْنِ أَيْدَا، وَلَا تُحِبِّبْ طَمْعِی، وَلَا تُبْدِدْ چشم به هم زدنی مرا هرگز به خویش وامگذار، و طمع مرا ناکام مگردان، و عَوْرَتِی، وَلَا تَهْتِكْ سِتْرِی، وَلَا تُوَحِّشْنِی وَلَا تُؤْیِسْنِی، وَكُنْ بِي زَشْتِی مرا آشکار مساز، و پرده پوشش مرا کنار مز، و مرا دچار وحشت مگردان و مأیوس مفرما، و نسبت به من رَتْوَفًا رَحِیمًا، وَاهْدِنِی وَزَكِّنِی وَطَهِّرْ نِی، وَصَفِّنِی وَاصْطَفِنِی، رتوف و مهربان باش، و هدایت کن مرا و پاک و پاکیزه ام نما، و مرا باصفا گردان و برگزین،

ص: ۵۵۷

وَاخْلُصْنِي وَاسْتَخْلِصْنِي وَاصْطَنِعْنِي وَقَرَّبْنِي إِلَيْكَ، و مرا خالص فرما، و (از بدی ها) رهایی ام بخش، و مرا نیکو ساز و تربیت کن، و به درگاه خویش نزدیک گردان، وَلَا تُبَاعِدْنِي عَنْكَ، وَالطُّفُّ بِي، وَلَا تُخَفِّنِي (و لَا تُخَيِّبْنِي)، (و از خود دور مکن، و به من لطف کن، و مرا پوشیده و کنار مکن،) و ناامیدم مساز، (و أَكْرِمْ نِي وَلَا تُهِنِّي، وَمَا أَسْأَلُكَ فَلَا تَحْرِمْ نِي، وَمَا لَا أَسْأَلُكَ وَكَرَامِي ام بدار و پستم مکن، و آنچه از تو درخواست نمودم مرا از آن محروم مفرما، و آنچه نخواستم برایم فَاجْمَعْهُ لِي، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. وَأَسْأَلُكَ بِحُزْمِهِ وَجَهْدِكَ فَرَاهِمَ فرما، به رحمت ای مهربانترین مهربانان. و از تو می خواهم به حرمت ذات الْكَرِيمِ، وَبِحُزْمَةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِحُزْمَةِ هِزْرِ گوارت، و به حرمت پیامبرت) حضرت (محمد که درود تو بر او و آل او باد، و به حرمت أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ أَهْلِ بَيْتِ پیامبرت امیر مؤمنان) حضرت (علی و امام حسن و امام حسین، وَعَلِيِّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى وَعَلِيِّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ وَالْحَسَنِ وَامام سجاد و امام باقر و امام صادق و امام کاظم و امام رضا و امام جواد و امام هادی و امام عسکری وَالْخَلْفِ الْبَاقِي صَلَوَاتُكَ وَبَرَكَاتُكَ عَلَيْهِمْ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ و آن جانشین باقی مانده ات - درود و برکات تو بر آنان - که بر همه آنان درود فرستی، أَجْمَعِينَ، وَتُعْجَلَ فَرَجَ قَائِمِهِمْ بِأَمْرِكَ، وَتَنْصُرَهُ وَتَنْصُرَ بِهِ لِدِينِكَ، و در فرج قیام کننده ایشان به امرت شتاب نمایی، و او را یاری کنی و دینت را به وسیله او پیروز گردانی، وَتَجْعَلَنِي فِي جُملَةِ النَّاجِينَ بِهِ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَتِهِ. وَأَسْأَلُكَ و مرا در گروهی که به وسیله او رهایی می یابند، و در راه اطاعتش اخلاص دارند قرار دهی. و از تو می خواهم بِحَقِّهِمْ لَمَّا اسْتَجَبْتَ لِي دَعْوَتِي، وَقَضَيْتَ حَاجَتِي، وَأَعْطَيْتَنِي به حق ایشان که دعایم را مستجاب کنی، و حاجتم را برآورده سازی، وَسُؤْلِي، وَكَفَيْتَنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، یا أَرْحَمَ خَواسته ام را عطا کنی، و آنچه از امر دنیا و آخرتم مرا اندوهگین ساخته کفایت نمایی، ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، يَا نُورُ يَا بُرْهَانَ، يَا مُنِيرُ يَا مُبِينُ، يَا رَبَّ إِكْفِنِي شَرَّ مَهْرَبَانٍ. ای روشن؛ ای آشکار؛ ای روشنی بخش؛ ای آشکارکننده؛ ای پروردگار؛ بدی الشُّرُورِ وَافَاتِ الدُّهُورِ، وَأَسْأَلُكَ النِّجَاةَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ. (۱) بدی ها و آفت های روزگار را نسبت به من کفایت کن، و از تو می خواهم که مرا نجات دهی و رهایی بخشی روزی که در صور دمیده می شود.

دعای ششم

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَدْعُ لِيْ فِيْ هٰذَا الْمَكَانِ خِدَاوَنَدَا؛ بر مُحَمَّد و آل مُحَمَّد درود فرست، و در این جایگاه ارزشمند الْمُكْرَمِ، وَالْمَشْهَدِ الْمُعْظَمِ ذَنْبًا إِلَّا غَفْرَتَهُ، وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجَتَهُ، و محترم، و حرم باعظمت و امگذار برای من گناهی را مگر آنکه آن را بیمارزی، و نه اندوهی را مگر آنکه آن را گشایش دهی، وَلَا كَرْبًا إِلَّا كَشَفْتَهُ، وَلَا غَمًّا إِلَّا أَذْهَبْتَهُ، وَلَا حُزْنَ إِلَّا سَلَبْتَهُ، و نه گرفتاری را مگر آنکه آن را برطرف سازی، و نه غمی را مگر آنکه آن را دور نمایی، و نه غصه ای را مگر آنکه آن را از بین ببری، وَلَا دَيْنًا إِلَّا قَضَيْتَهُ، وَلَا عَدُوًّا إِلَّا كَفَيْتَهُ (قَضَمْتَهُ)، وَلَا مَرِيضًا وَنَه قَرْضِيْ رَا مگر آنکه آن را ادا کنی، و نه دشمنی را مگر آنکه آن را کفایت کنی) درهم شکنی او را(، و نه مریضی را إِلَّا شَفَيْتَهُ وَعَافَيْتَهُ، وَلَا عَارِيًّا إِلَّا كَسَوْتَهُ، وَلَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ، مگر آنکه آن را شفا دهی و عافیت بخشی، و نه برهنه ای را مگر آنکه آن را بپوشانی، و نه عیبی را مگر آنکه آن را پنهان داری، وَلَا رِزْقًا إِلَّا بَسَّطْتَهُ، وَلَا خَوْفًا إِلَّا أَمَنْتَهُ، وَلَا شَمْلًا إِلَّا جَمَعْتَهُ، و نه روزی و رزقی را مگر آنکه آن را گسترش دهی، و نه بیم و ترسی را مگر آنکه آن را ایمن بخشی، و نه نابسامانی را مگر آنکه آن را سامان دهی، وَلَا غَائِبًا إِلَّا حَفِظْتَهُ وَأَدَيْتَهُ، وَلَا دَعْوَةً إِلَّا أَجَبْتُهَا، وَلَا مَسْأَلَهُوْ نَه غَائِبِيْ رَا مگر آنکه آن را حفظ کنی و بازگردانی، و نه دعایی را مگر آنکه آن را به اجابت برسانی، و نه درخواستی را إِلَّا أَعْطَيْتَهَا، وَلَا أَمَانَةً إِلَّا أَدَيْتَهَا، وَلَا فِتْنَةً إِلَّا صَيَّرْتُهَا، وَلَا مَكْرَ آنکه آن را عطا کنی، و نه امانتی را مگر آنکه آن را بازگردانی، و نه فتنه ای را مگر آنکه آن را دور نمایی، و نه

ص: ۵۵۹

حَاجَهُ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَكَ فِيهَا رِضَى وَ لِي فِيهَا حَاجَتِي مِنْ حَاجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ - که در آن رضا و خشنودی تو و صلاحِ اِلَّا قَضَيْتَهَا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱).

صلاح من باشد - مگر آنکه آن را برآورده کنی، ای مهربانترین مهربانان.

دعای هفتم

از کتب مزار نقل شده که در قسمت بالای سر (حرم های ائمه معصومین علیهم السلام) بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ يَا ذَا الْجُودِ الْاَبَدِیِّ، وَالْبَقَاءِ السَّرْمَدِیِّ، خداوندا؛ از تو درخواست می کنم ای صاحب جود و بخشش همیشگی و پیوسته، و ماندگاری پایدار، الْمَنْعُوتِ بِصِفَاتِ الْجَلَالِ فِي اَزَلِ الْاَزَالِ وَ اَبَدِ الْاَبَادِ، یا مَنْ (ای) آنکه مَتَّصِف به صفات جلال بوده ای و هستی در گذشته های بی ابتدا و در آینده های بی انتها، ای آنکه لَا تَحْوِيهِ الْاَقْطَارُ، وَلَا يَمُرُّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، یا حَاضِرًا لَيْسَ كِرَانَهُ هَا و اطراف او را دربر نمی گیرد، و شب و روز بر او نمی گذرد، ای آنکه در عین حضور بِمَوْجُودٍ، یا غَائِبًا لَيْسَ بِمَفْقُودٍ، یا مَنْ لَيْسَ بِذَكَرٍ وَلَا اُنْثَى، وَلَا وُجُودٍ مُحْسُوسٍ نَدَارِد، ای آنکه با غائب بودنش ناپیدا نیست، ای آنکه نه مَذْكَر است و نه مؤنث، و نه قَوْلٍ وَلَا مَعْنَى، وَا مِنْ عَبَّرَتْ عَنْهُ الْعُقُولُ بِغَيْرِ مَعْرِفَةِ الْمَعْنَى، لَفْظٌ اسْتَوْفَى وَ نَه مَعْنَا، وَا ای آنکه اندیشه ها و خردها از او تعبیر کرده و یاد نموده اند بدون معرفت معنا و شناخت حقیقت او، یا مَنْ لَمْ يَسْبِقْ كَوْنُهُ اَوَّلًا - عَلَى كَوْنِهِ اٰخِرًا، وَلَا - كَوْنُهُ باطنای کسی که اوّل بودنش بر آخر بودنش، و باطن بودنش علی كَوْنِهِ ظاهراً، وَجَعَلَ الْعُقُولَ فِي بَيْدَاءٍ كَثِيرٍ يَأْتِيهِ وَالْهَبَرُ ظَاهِر بودنش پیشی نگرفته است، و خردها را در صحرای کبریائی اش حیران و

ص: ۵۶۰

حیاری، یا مَنْ لیس بِقَرِیبٍ فِیْناجی، وَلَا بَعیدٍ فِیْنادی، یا اللَّهُ یاسرگردان ساخته است، ای کسی که نزدیک محسوسی نیست که با او نجوا شود، و آنگونه دور نیست که با بانگ و فریاد او را بخوانند، ای خدا، ای أَغیدَلُ الْأَعیدَلینَ، یا مَنْ تَقَدَّسَ عَنْ أَفْعالِ المَخْلُوقینَ، ویا باعِثْ عادلتَرینِ عادلِها، ای کسی که منزّه است از کارهای آفریدگان، و ای برانگیزنده الْأَنْبیاءِ الْمُعْصُومینَ أَصِیلاً وَفَزَعاً وَخُلُقاً، لِنَتَقادَ إِلیْ پیامبرانی که معصومند از نظر ریشه، شاخه، خلقت و خوی، تا عقل هاتّباعِهمْ عَقُولُ الْمُأْمُورینَ، یا مُسْتَخْلِفِ الْأَئِمّه الطّاهِرینَ، کماو خردهای دستور داده شدگان به پیروی ایشان رام گردد و فروتنی نماید، ای آنکه ائمه طاهرین را خلیفه و جانشین خود ساخت، همانطور که جَرَتْ سُنّه فی الْأَمَمِ الْماضینَ، یا مَنْ عِلْمُهُ لَا یَحْتَاجُ إِلیْ مَقالٍ، سُنّتِ الهی در اَمّت های پیشین چنین جریان داشته، ای کسی که علم او احتیاج به مقاله و کتاب، وَقَصْدُهُ لَا یَحْتَاجُ إِلیْ سُؤالٍ، یا فاعِلاً بِغَیْرِ مُباشَرَه، وَعالِماً بِغَیْرِ قَصدِ او نیاز به سؤال ندارد، ای انجام دهنده بدون مباشرت، و دانای بدون مُعاشَرَه، یا مَنْ تَقَدَّسَ عَنْ قَبْلِ وَبَعْدٍ، لِأَنَّهُ لَا قَبْلَ وَلَا بَعْدَ، یامعاشرت و رفت و آمد داشتن، ای کسی که از قبل و بعد منزّه است، زیرا که برای او نه قبل و نه بعدی است، ای مَنْ یَسْبِقُ فِعْلُهُ عَلَی الْمَعْقُولاتِ، لِأَنَّهُ فاعِلٌ بِغَیْرِ مِثالٍ وَلَاکسی که کار او بر معقولات پیشی گرفته، زیرا او انجام دهنده ای است که برای کارش الگو و ادوات، یا فَرْداً لَمْ تُؤنِسْهُ المَخْلُوقاتُ، یا واحِداً لَمْ تُوحِشْهُ اِزارِی نیاز ندارد، ای تنهایی که مخلوقات مایه اُنس و آرامش او نیستند، ای یگانه ای که الْعِداْمَتُ، یا مُفْنِیاً لِلْمَوْجُودِ لَا لِلسَّامِ، وَمُوجِداً لِلْمَعْدُومِ نیستی ها او را به وحشت نیندازند، ای نبود کننده موجود نه به خاطر خستگی، و هستی بخش به معدوم لِإِظْهارِ الجُودِ وَالْکَرَمِ، وَلَا یَنْتَظِرُ حُضُورَ الْأَزمِئَةِ الْمُستَقْبَلاتِ، برای آشکار ساختن جود و کرم، و (ای کسی که) حُضُورِ زمان های آینده را انتظار نمی کشد، یا مَنْ جَلَّ وُجُودُهُ الْأَزلِیُّ عَنْ حُلُولِ الْأَرْضینَ وَالسَّماواتِ، ای کسی که وجود همیشگی و بی ابتدای او والاتر است از اینکه در زمین ها و آسمان ها جای گیرد،

وَعَزَّتْ عِزَّتُهُ عَنِ السُّكُونِ وَالْحَرَكَاتِ، يَا مَنْ لَا تُحَازِيهِ الْأَجْرَامُ، وَعَزَّتْ وَاقْتَدَارَ او عزیزتر از سکون و حرکات است، ای کسی که جثّه ها و اجسام با او برابر و مقابل نمی گردد، وَلَا يَتَرَدَّدُ فِي النَّقْصِ وَالْإِبْرَامِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ، الَّذِي عَقَدَتْ وَ در حال تردّد و بی ثباتی درست شدن و محکم شدن نمی باشد، بر) حضرت (محمد درود فرست که بِهِ الْغَمَامَ ظُلَلًا، وَجَعَلَتْهُ رَحْمَةً وَتَوْسَلًا، خَيْرِ الْبَرِيَّةِ شَابَّابَهُ خَاطِرِ او ابرها را سایه افکندی، و او را رحمت و وسیله و واسطه قرار دادی، (او) بهترین مردم از جوان و کهنه، أَظْهَرَ الْمُظْهِرِينَ شَيْمَهُ، وَأَجْوَدَ الْمُسَيِّرِينَ إِحْسَانًا، و پیر، آشکارکننده ترین آنان از حیث خلق و خوی، و بخشنده ترین بارنده نیکی و احسان، وَأَعْظَمَ الْخَلْقِ جُورُثُومَهُ، الَّذِي أَوْضَحَتْ بِهِ الدَّلَالَاتِ، وَأَتَمَّتْ وَ باعظمت ترین افراد از جهت اصل و بُن و ریشه است، که به وسیله او دلالت ها را واضح ساختی، وَبِهِ الرِّسَالَاتِ، وَصَلَّى عَلَى الْمَعْصُومِينَ مِنْ عِزَّتِهِ، وَالطَّيِّبِينَ به وسیله او رسالت ها را کامل گردانیدی، و درود فرست بر معصومین از عترت او، و پاكان مِنْ أَسْرَتِهِ، وَشَرَّفَ لَدَيْكَ مَنَازِلَهُمْ، وَعَظَّمْ عِنْدَكَ مَرَاتِبَهُمْ، از خاندانش، و منزلت آنان را نزد خودت والا، و مقام و رتبه ایشان را عظیم گردان. وَاجْعَلْ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى مَجَالِسَهُمْ، وَارْفَعْ إِلَى دَرَجَةِ رَسُولِكَ وَ محلّ جلوس آنان را در بالا-ترین جایگاه بهشت قرار بده، و درجات شان را تا درجه رسالت بالا ببر، دَرَجَاتِهِمْ، وَتَمِّمْ بِلِقَائِهِمْ سُورُورَهُ، وَكَمَا أَنْجَزْتَ بِإِمَامَتِهِمْ وَغِدَهُ، و سرور و شادمانی او را به دیدار ایشان کامل گردان، و همانگونه که با امامت ایشان وعده او را محقق ساختی، فَأَقْرِزْ بِرُؤُوسِهِمْ عَيْنَهُ، وَعَجِّلْ لَنَا فَرَجَهُمْ، وَافْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، به دیدار ایشان چشم او را روشن کن، و برای ما در فرج آنان شتاب کن، و با ما چنان کن که تو شایسته آن هستی، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. إِلَهِي كَمْ مِنْ بَلَاءٍ صَرَفْتُهُ عَنِّي، وَكَمْ مِنْ أَى مَهْرِبَانْتَرِينَ مَهْرِبَانَانَ. خدای من؛ چه بسیار بلائی که از من دور کردی، و چه بسیار نعمه اَفَرَزْتَ بِهَا عَيْنِي. إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي أَجَبْتَنِي فِي الْإِضْطِرَارِ، نعمتی که با آن چشم مرا روشن ساختی. خدای من؛ تو کسی هستی که در بیچارگی مرا اجابت نمودی،

وَلَكَيْتَ دَعَوْتِي عِنْدَ الْعِثَارِ، فَمَا وَحَيْدْتُكَ بَخِيلًا حِينَ طَلَبْتُكَ، و در لغزش های هلاکت بار دعوتم را لَبَّیک گفتی، پس تو را در هنگام خواسته ام بخیل نیافتم، وَلَا مُنْقَبِضًا حِينَ أَرَدْتُكَ، بَلْ وَحَيْدْتُكَ لِتُدْعَانِي سَامِعًا، وَلِصَوْتِي و چون تو را اراده کردم کناره نگرفتی، بلکه به دعایم تو را شنوا، و به صدایم راحماً، فَلَا عَيْدُمُتُ كَرِيمَ الْعِنَايَاتِ، وَلَا خَلَوْتُ مِنْ نِعَمِكَ رَحِمَ كُنْندۀ یافتم، از عنایات کریمانه ات محروم نگشتم، و از نعمت های السَّابِغَاتِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُقِرُّ بِمُحَمَّدٍ وَاَوْصِيَاةِ اَئِمَّتِهِ اُثْمَةً وَحُجَجًا، فراوانت بی بهره نماندم. خداوندا؛ من به (حضرت) محمد صلی الله علیه و آله وسلم و اوصیا و جانشینان او که پیشوایان و حجت ها، و اَدِلَّاءَ و سُرُجًا، فَادْعُنِي يَوْمَ حَشْرِي بِاِمَامَتِهِمْ، فَإِنَّكَ قُلْتَ و راهنمایان و چراغان هدایتند اقرار دارم، پس مرا در روز محشر به امامت ایشان بخوان که تو فرموده ای: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ» (۱)، فَهُؤُلَاءِ اَئِمَّتِي، فَاجْعَلْنِي مَعَهُمْ «روزی که هر مردمی را با امام شان می خوانیم»، پس این بزرگواران امامان من هستند، مَرافی الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاِلِ مُحَمَّدٍ، اُولٰی در دنیا و آخرت با ایشان قرار بده. خداوندا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست؛ صاحبان الامر الذين اَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمْ، وَاُولٰی الارحام الذين اَمَرْتَ امري که ما را به اطاعت ایشان دستور دادی، و خویشاوندانی که بِصَلَاتِهِمْ، وَاَهْلِ الذِّكْرِ الذين اَمَرْتَ بِمَسْأَلَتِهِمْ، و ذَوِي الْقُرْبٰی به پیوند با ایشان امر فرمودی، و اهل ذکری که به سؤال از آنان سفارش نمودی، و ذوی القربی یعنی نزدیکان پیامبرالَّذِينَ اَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ، وَالْمَوَالِیَ الَّذِينَ اَمَرْتَ بِمُؤَالَاتِهِمْ، که مودّت و اظهار محبت به ایشان را از همگان خواسته ای، و سرورانی که به ارادت ورزیدن به آنان و مَعْرِفَهُ حَقِّهِمْ، وَاَهْلِ الْعَيْتِ الَّذِينَ اَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ، و شناخت حقّشان را مطالبه کرده ای، و اهل بیتی که پلیدی و ناپاکی و هر گونه آلودگی را از ساحت ایشان دور ساختی، و طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَشْهَدُ بِحَقَائِقِ الْاِيْمَانِ، وَصِدْقِ وَاَنَانَ را از هر جهت پاک و پاکیزه قرار دادی. خداوندا؛ براستی من به حقیقت ایمان، و راستی

ص: ۵۶۳

الْيَقِينِ أَنَّهُمْ خُلِفَاؤُكَ فِي أَرْضِكَ، وَحُجَّجُكَ عَلَى عِبَادِكَ، يَقِينِ شَهَادَتِ مِي دهم كه ايشان جانشينان تو در روى زمين، و حجت هاى تو بر بندگان، وَالْوَسَائِلُ إِلَيْكَ، وَأَبْوَابُ رَحْمَتِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، و وسيله هاى روى آوردن به درگاه تو، و درهاى رحمت تو هستند، پس بر همه ايشان درود فرست، وَاجْعَلْ حَظِّي مِنْ دُعَائِكَ إِجَابَةً، وَلَا تَجْعَلْ حَظِّي مِنْهُ تِلَاوَةً. و بهره مرا از دعايت اجابت آن را قرار بده، و تنها خواندن آن را قرار نده. اَللَّهُمَّ اجْعَلْ مَقَامِي هَذَا مَقَامَ إِجَابَةٍ وَاسْتِغْطَافٍ، وَلَا تَجْعَلْهُ مَقَامَ خِدَاوْنَدَا؛ اين جاىگاه مرا جاىگاه اجابت و درخواست لطف و مهربانى قرار بده، و جاىگاه إِهَانَةٍ وَاسْتِخْفَافٍ، فَقَدْ عَرَفْنَاكَ يَا رَبِّ مُعْطِيًا قَبِيلَ السُّؤَالِ، تحقير و سبك شمردن قرار مده، پس به تحقيق تو را شناخته ام اى پروردگار من؛ كه پيش از درخواست عطاكننده اى، فَكَيْفَ لَا نَرْجُوكَ عِنْدَ الضَّرَاعَةِ وَالْإِبْتِهَالِ، لَاسِيَّيْمَا وَقَدْ وَعَدْتَنَا بِسِوَى مَا نَسْتَعِينُ، چگونه هنگام ناتوانى و زارى كردن به تو اميدوار نباشم؟ مخصوصاً كه تو ما را بِالْإِجَابَةِ حِينَ أَمَرْتَنَا بِالِدُّعَاءِ، وَضَعْتَنَا لَنَا بُلُوغَ الرَّجَاءِ، وَأَنْتَ بِهِ اجابت وعده فرمودى هنگامى كه به دعا دستور دادى، و ضامن گشتى كه ما را به اميدمان برسانى، و تَوَأْوَفَى الضَّامِنِينَ وَأَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي وَفَاكَ نَدَى وَفَاكَ تَرِيضِ ضَامِنٍ وَ مَهْرَبَانَتَرِيضِ مَهْرَبَانَانِ هَسْتِي. و از تو درخواست مى كنم به آن نام مقدس كه اسْمِي تَقَرَّرَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ قَرَارُهُ، وَعِزُّكَ الَّذِي خَضَعَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ، إِلَّا هَرِ شَيْءٍ بَا آن چيزى با آن قرار و آرامش يافته، و به عزت و اقتدارت كه هر چيزى براى آن فروتنى كرده؛ اينكه أَذِنْتَ لِصَوْتِي أَنْ يَخْرُجَ إِلَيْكَ، وَلِأَدْعَائِي أَنْ يَدْخُلَ عَلَيْكَ، وَأَنْ بِهِ صَدَاى عاجزانه من اجازه دهى كه به درگاه تو بالا-رود، و به دعايم كه بر تو وارد گردد، وَتَقْضَى بَصِيرَتِي عَنْ خَطِيئَتِي كَمَا أَمَرْتَ الْمُؤْمِنِينَ، لِأَنَّكَ أَوْلَى بِهِ از خطاى من چشم پوشى كنى همان طور كه به مؤمنان چنين دستور داده اى؛ زيرا تو به آن مِنَ الْمَيَامُورِينَ. إِلَهِي إِنْ أَخْلَقْتَ وَجْهِي كَثْرَةً دُنُوْبِي، وَأَشَقَطْتَ از همه دستور داده شدگان سزاوارترى. خداوندا؛ اگر فراوانى گناهانم مرا بى آبرو ساخته، و

مَنْزِلَتِي كَثْرَةُ عُيُوبِي، وَمَنْعَتِي مِنْكَ إِحْسَانًا، وَزَادَتْنِي عَلَيْكَ زِيَادِي عَيْبِ هَايِمٍ مَرَا مِنْزِلَتِ خُودِ سَاقِطِ كَرْدِه، وَازِ احْسَانِ تَوِ
 مَانَعِ گِشْتِه، وَبَرْهَوَانًا، فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِأَكْرَمِ خَلْقِكَ عَلَيْكَ مُحَمَّدٌ وَالْخَوَارِي مِنْ اَفْزُودِه، پَسِ بَرَاَسْتِي مِنْ بَهِ گَرَامِي تَرِينِ
 اَفْرِيدِ گَانْتِ نَزْدِ تَوِ (یعنی) مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ، إِلَّا أَنْ عَفَوْتُ عَنِّي يَا مَوْلَايَ. وَأَوَيْلَاهُ عَصِيَّتُ مَنْ هُوَ مُحَمَّدٌ بَهِ پِيشْگَاهْتِ تَوَسَّلِ
 مِي جَوِيمِ كِه اَزِ مِنْ دَرِ گِذَرِي وَ مَرَا عَفُو كِنِي اِي مَوْلَايِ مِنْ. وَايِ بَرِ مِنْ؛ نَافَرْمَانِي كَرْدَمِ كِسي رَا كِه اَوَاشْفَقُ مِنَ اللَّامُهَاتِ
 وَالْأَبَاءِ، وَأَوَيْلَاهُ كُلَّمَا ثُبْتُ عَرَضْتُ لِي بِه مِنْ اَزِ مَادَرَانِ وَ پِدرَانِ مَهْرِبَانْتَرِ اسْتِ، وَايِ بَرِ مِنْ؛ هَرْ گَاهِ تَوْبِهِ كَرْدَمِ خَطِيئَه أُخْرِي،
 وَأَوَيْلَاهُ وَقُوفِي ذَلِيلًا فِي الْمَلَأِ، وَأَوَيْلَاهُ إِنْ قَالَ خَطَايَ دِيگَرِي بَرِ مِنْ غَلْبِهِ يَافْتِ، وَايِ بَرِ مِنْ اَزِ اِيسْتَادَنْ ذَلِيلَانِه اَمِ دَرِ حَضُورِ مَرْدَمِ،
 وَايِ بَرِ مِنْ؛ اِگَر رَبِّي «خُذُوهُ» (۱)، فَيَا لَهُ مِنْ مِمَّا أَخُوذُ لَا يُقْبَلُ فِيهِ الْفِدَاءُ، وَلَا تَنْفَعُهُ پَرُورْدِ گَارَمِ بَگُوِيْد: «اَوِ رَا بَگِيرِيْد»، اَنگَا هِ چِه
 كِسي اسْتِ بَرَايِ گِرْفْتِه شْدِه اِي كِه دَرِ مَوْرِدِ اَوِ هِيچْگُونِه عَوْضِ قَبُولِ نَمِي شُودِ، وَالرَّشْيِ، وَأَوَيْلَاهُ تَرَكْتَنِي خَطِيئَتِي كَالطَّيْرِ لَيْسَ
 لَهُ وَكْرٌ وَلَا رَشْوَه دَاَدَنْ بَهِ اَوِ سُوْدِ نَمِي بَخْشِد؟ وَايِ بَرِ مِنْ؛ خَطَا هَايِمِ مَرَا رَهَا كَرْدِه اَنْدِ مَانَنْدِ پَرَنْدِه اِي كِه بَرَايشِ لَانِه وَمَأْوِي،
 وَأَوَيْلَاهُ يُبْلِي جِسْمِي وَخَطِيئَتِي جَدِيدَه لَيْسَ تُبْلَى. مَأْوَايِي نِيَسْتِ، وَايِ بَرِ مِنْ؛ جِسْمِ مِنْ فَرَسُوْدِه مِي شُودِ وَلِي خَطَايِ مِنْ تَاَزِه اِي
 اسْتِ كِه كِهْنِه نَمِي گَرْدَد. اَللّٰهُمَّ اِنَّ ذُنُوبِي لَمَّا فَاتَتِ الْعِدَّةَ، وَجَازَتِ الْاَمِدَّ، عَلِمْتُ اَنَّ خُداوَنْدَا؛ هِمَا نَا گِنا هَا نِ مِنْ چُونِ اَزِ عِدْدِ
 فَرْوَنْتَرِ گِشْتِ، وَ اَزِ اَنْدَا زِه گِذْشْتِ، دَانَسْتَمِ كِه شَفَاعَه كُلُّ شَافِعٍ تَقْصُرُ عَنْهَا حَالَه اِغْرَاضِكَ، لِأَنَّكَ إِذَا أَرَدْتَ شَفَاعَتِ هَرْ شَفَاعَتِ
 كَنْنِدِه نَارِ سَا اسْتِ وَ كُوتَا هِي مِي كَنْدِ اَزِ اَنِ حَالَتِ رُويِ گَرْدَانِي تَوِ، زِيَرَا تَوِ هَرْ گَاهِ بَخُوا هِي تَغْذِيْبِ الْمُعْذِبِيْنَ أَخْلَيْتَ ذِكْرَهُمْ مِنْ
 قُلُوبِ الشَّافِعِيْنَ، وَلَا حَوْلَ اَهْلِ عَذَابٍ رَا عَذَابِ كِنِي يَادِ اَنَانِ رَا اَزِ دَلِ هَايِ شَفَاعَتِ كَنْنِدِ گَانِ بِيرونِ مِي بَرِي، وَ هِيچِ تَوَانِ وَلَا
 قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ نِيروئي جز به وسيله تو نِيَسْتِ، وَ هِيچِ تَوَانِ وَ نِيروئي جز به وسيله تو
 نِيَسْتِ، وَ هِيچِ تَوَانِ وَ نِيروئي

ص: ۵۶۵

إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. فَاسْأَلْكَ بِحَقِّ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَأَوُجِّهْ جِزْءَ وَسِيلِهِ خَدَاوُنْدَ بَلَنْدِ مَرْتَبَةِ بَزْرْكَ نِسْت. پس از تو می خواهم به حق ذات بزرگوارت، و چهره های مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْمُسْرِقَاتِ لَدَيْكَ، وَمَقَامِهِمُ الْعَظِيمِ، وَأَسْأَلُكَ تَابِنَاكَ (حضرت) مُحَمَّد و اهل بیتش، و مقام عظیم ایشان نزد تو، و از تو می خواهم بِحَقِّ أَشْهَائِكَ وَصِدِّقَاتِكَ وَوَعْدَانِيَّتِكَ الَّتِي ضَلَّتْ عَنْهَا الْأَرْأَاءُ، به حق نام هایت و صفات و یکتائیت که آراء و افکار از آن گمراه شوند) و در آن، راه نبرند، وَتَاهَتْ فِيهَا الْعُقُولُ، إِنْ كَانَ ذَلِكَ فِي مَعْلُومِكَ مِنِّي إِلَّا عَفْوَتُ و عقل ها و اندیشه ها در آن سرگردان شوند - اگر این مطلب در دانسته های تو است نسبت به من - که از من بگذری و عفو کنی، عَنِّي، وَخَوَّلْتَ شَقَايَتِي إِلَى السَّعَادَةِ، فَإِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَشَقَاوَتِ مَرَا بِه سَعَادَتِ دِگَرْگُون سازی، همانا تو آنچه بخواهی نابود می کنی وَتُثَبِّتُ، وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ. إلهی عَصِيَّتُكَ فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ، و) آنچه را بخواهی ثابت و استوار می گردانی و نزد تو اصل کتاب هستی و لوح محفوظ است. خدای من؛ تو را در بعضی اوقات نافرمانی کردم، وَأَمَنْتُ بِعَمَلِكَ فِي كُلِّ الْأَوْقَاتِ، فَكَيْفَ يَغْلِبُ بَعْضُ عُمْرِي مُذْنِبًاو در همه اوقات به تو ایمان آوردم، پس چگونه بعضی از عمرم که آلوده به گناه است می تواند كُلَّ عُمْرِي مُؤْمِنًا. إلهی وَعِزَّتِكَ لَوْ كَانَ لِي صَبْرًا عَلَى عِذَابِكَ، بر همه عمرم که مؤمن بوده ام غلبه کند و چیره گردد؟ خدای من؛ به عِزَّتِ و اقتدارت سوگند؛ اگر شکیبائی بر عذاب تو داشتم، أَوْ جَلَدًا عَلَى اخْتِمَالِ عِقَابِكَ، لَمَا سَأَلْتُكَ الْعَفْوَ عَنِّي، وَلَصَبَرْتُ يَا بَرَّ تَحْمِلَ كَيْفَرْتِ تَوَانَا بُوْدَم، هرگز طلب نمی کردم که از من بگذری و عفو کنی، و برای عَلَيَّ اِنْتِقَامِكَ مِنِّي، سَيَخْطَا عَلَى نَفْسِي كَيْفَ عَصِيَّتِكَ، وَمَقْتًا لَهَا اِنْتِقَامَ تُو از من صبر می کردم، به خاطر خشم و ناراحتی بر نفس خود که چگونه تو را نافرمانی کرد؟ و نفرت نسبت به آن، که كَيْفَ أَقْبَلْتَ عَلَيْهَا، وَأَذْبَرْتَ مُعْرِضَةً عَنْكَ. إلهی كَيْفَ آيِسُ چگونه تو بر او روی آوردی و او از تو روی گردانید؟ خدای من؛ چگونه از رحمت تو مأیوس گردم مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَكَيْفَ أَرْجِعُ بِالْخِيْبَةِ عَنْكَ در حالی که تو از همه مهربانان مهربانتر هستی؟ و چگونه ناامید از درگاهت بازگردم

وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْمَكْرَمِينَ، أُبَيَّتَ إِلْمَا إِعْفَاءً، وَلَسَائِلِكَ إِلَّا إِعْطَاءً. در حالی که تو از همه بزرگواران بزرگوارتری؟ نمی پسندی مگر عفو کردن را، و برای سائلت مگر عطا نمودن را. إِلَهِي أَمَرْتُ بِالْعَفْوِ وَأَنْتَ أَوْلَى مَنْ فَعَلَهُ، وَنَدَبْتُ إِلَى الصَّفْحِ خدای من؛ به عفو کردن دستور دادی و خود سزاوارتر به انجام آن هستی، و به چشم پوشی نمودن (همگان را) فراخواندی، وَأَنْتَ أَوْلَى مَنْ عَجَّلَهُ، وَمِنْكَ يَدُوُّهُ وَعَوْدُهُ، وَأَنْتَ الَّذِي يُضِلُّحُ و تو به عمل کردن به آن شایسته تری، و آغاز آن و بازگشت آن از تو است، و تو کسی هستی که الْفَاسِدِينَ، وَيَرْذُ الشَّارِدِينَ، فَكَيْفَ تُعْرِضُ عَنِ الْمُقْبِلِينَ إِلَيْكَ، تَبَاهِ گشتگان را اصلاح می کنی، و رانده شدگان را و آن ها را که رمیده اند باز می گردانی، پس چگونه از کسانی که به تو روی آوردند روی گردانی؟ وَلَهُمْ شُهُودٌ مِنْكَ عَلَيْكَ، شُيْحَانِكَ وَحَنَائِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. در حالی که برای ایشان گواهانی از تو بر تو است، تو پاک و منزّه (و بخشاینده) و بسیار مهربانی ای پروردگار جهانیان. اَللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ «وَأَمَّا السَّائِلُ فَلَا تَنْهَرْ» (۱)، وَأَنَا السَّائِلُ لَكَ خداوندا؛ همانا تو فرموده ای: «و سائل را از خود مران»، و من سائل تو و الْخَائِفُ مِنْكَ، فَلَا تَنْهَرْ لِي رَبِّي، فَمَا أَوْلَاكَ بِحُسْنِ النَّظَرِ لِي، و بیمناک از توأم، پس دست رد بر سینه ام مزن پروردگار من؛ چه قدر تو شایسته ای به نیکو نظر کردن بر من، وَبِعِثْقِي إِذَا مَلَكَتْ رِقِّي، وَبِالْعَفْوِ عَنِّي إِذَا قَدَرْتَ عَلَى الْإِتِّقَامِ و به آزاد کردن من چون مرا مالک گشتی، و به عفو و گذشت از من هنگامی که بر انتقام گرفتن از من قدرت یافتی، مَنِي. رَبِّ فَمَنْ ذَا الَّذِي يُسْتَعَاذُ بِهِ غَيْرُكَ، أَوْ يَنْصَرُّعُ إِلَيْهِ سِوَاكَ، پروردگار من؛ چه کسی غیر تو است که به او پناهنده، یا به درگاه او ناله و زاری شود، أَوْ يُخْضَعُ لَهُ إِلَّا أَنْتَ، يَا ذَا الْحَوْلِ الشَّدِيدِ الَّذِي لَا يُطَاقُ، یا برایش خضوع و فروتنی شود جز تو؟ ای دارای قدرت و توانائی شدیدی که کسی را طاقت آن نباشد؛ وَالْقُوَّةِ الْعَظِيمَةِ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ، رَبِّ ارْحَمْ هَذِهِ النَّفْسَ وَنِيْرَ عَظِيمِي که چیزی در برابر آن ایستادگی و مقاومت ندارد. پروردگارا؛ رحم کن بر این نفس الْجَزُوعَ، وَهَذَا الْبَدَنَ الْقُلُوعَ، الَّذِي لَا يَسْتَطِيعُ صَوْتُ رَغْدِكَ، ناشکیبا، و این بدن ناستوار که قدرت شنیدن صدای رعدت را ندارد،

ص: ۵۶۷

فَكَيْفَ يَسْتَطِيعُ صَوْتٌ (سَوِّطٌ) غَضَبِكَ، وَلَا يَقْوَى عَلَى حَرْپِسٍ چگونه توانائی شنیدن صدای (تازیانه) غضبت را خواهد داشت؟ او که بر حرارت شَمْسِک، فَكَيْفَ يَصْبِرُ عَلَى حَرِّ نَارِک، فَوَعِزَّتْکَ لَمَّا لَحَنَ عَلَیْکَ، و تابش خورشیدت استقامت ندارد، پس چگونه می خواهد بر حرارت آتش دوزخ صبر کند؟ قسم به عزتت که بر تو اصرار می کنم وَلَمَّا قَرَعَنَّ الْبَابَ أَيْدِ الدَّهْرِ، وَإِنْ طَرَدْتَنِي مِنْ بَيْنِ يَدَیْکَ، و همواره در رحمت را می گویم گرچه مرا از پیشگاهت برانی، وَلَأَدْعُوَنَّکَ وَإِنْ حَرَمْتَنِي، إِذْ كَانَ بَدْءُ مِنْکَ وَعِوْدِی إِلَیْکَ. و پیوسته تو را می خوانم گرچه مرا محروم سازی؛ زیرا که آغاز من از تو و بازگشتم به سوی تو است. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ خَيْرَ غَائِبٍ يَنْتَظِرُهُ خَدَاوَنَدَا؛ بر مُحَمَّد و آل او درود فرست، و مرگ را بهترین پنهان شده ای قرار بده که رُوحی، وَالْقَبْرَ خَيْرَ بَيْتٍ أَسْكَنْتَهُ جَسَدِی، وَأَسْأَلُکَ أَنْ تُلْقِنِي رُوحَ مَنْ أَنْتَظَرُ او را می کشد، و قبر را بهترین خانه ای که جسد من را در آن ساکن می گردانی، و از تو می خواهم که) تُلْقِنِنِي (حُجَّتِي، وَأَنْ تُرِينِي مَا تَقَرَّرُ بِهِ عَيْنِي، وَأَسْأَلُکَ أَنْ حُجَّتِمْ را به من تلقین کنی، و به من نشان دهی آنچه باعث چشم روشنی من شود، و از تو درخواست می کنم که تَجْعَلَ مَلَكَ الْمَوْتِ الَّذِي تُرْسِلُهُ إِلَيَّ شَفِيقًا عَلَيَّ، مُتَعَطِّفًا عَلَیْفَرَشْتِهِ مرگ را چون به سوی من می فرستی او را مهربان و دلسوز به حال من، رَحِمَ کُنْدَه ضَعْفی، إِذَا أُرْسِلَ إِلَیَّ، رَبِّ وَإِذَا لَمْ یُکُنْ لِي ذَاکِرٌ مِنْ أَهْلِ بَه نَاتَوَانِی مِنْ قَرَارِ دَهِی، هِنْگَامِی کِه فَرَسْتَادَه شود به سوی من، پُرورد گارَا؛ و هِنْگَامِی کِه کُسی از اهل الدُّنْیَا، فَکُنْ أَنْتَ الذَّاکِرُ لِي، وَالْمُونِسَ لِوَحْشَتِي، وَالصَّافِحَ عَنْ دُنْیَا مَرَا یَاد نَکُنْد، پَس تُو یَاد کُنْدَه مِنْ، وَأُنْسَ گِیْرَنْدَه و هَمْدَم بَرَای وَحْشَتِمْ، و چَشْم پُوشَنْدَه از جُزْمِی، وَالْمُنَوَّرَ لِقَبْرِی، یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُکَ جَرَمَ وَ گِنَاهِمْ، و رُوشَن کُنْدَه قَبْرَم باش، ای مَهرَبَانْتَرِین مَهرَبَانَان. خَدَاوَنَدَا؛ هَمَانَا مِنْ اَز تُو مِی خَوَاهِم بِأَقْرَبِ صِفَاتِکَ إِلَى الْکَرَمِ، فَإِنَّکَ أَمَرْتَ الْمُوسِرَ أَنْ لَا یَبْخُلَ عَلَی بَه نَزْدِیک تَرِین صِفَاتِ بَه کَرَم و بَزَرْگَوَارِی، کِه تُو بَه ثَرَوْتَمَنْد دَسْتُور دَادِی بَر تَهیدِست بَخْل نَوْرَزِد،

الْمُعْسِرِ، وَأَنْتَ أَقْدَرُ الْمُوسِرِينَ، وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ، فَلَا تَمْنَعْنِي وَخُودَتِ سِرْمَايَه دَارْتَرِينَ ثِرْوَتَمَنْدِ هَسْتِي، وَ از همه كَرِيْمَانِ كَرِيْمْتَرِ، پَسِ بِجَلَالِ الْمَلَكُوتِ، تَدَارَكْنِي يَا مَوْلَايَ قَبْلَ مَا أَمُوتُ، فَإِنَّكَ بِه جَلَالٍ وَ شُكُوه مَلَكُوتِ مَا رَا از لطفِ خويش بازمدار، (و) پيش از آنكه مرگم فرا رسد مرا درياب اِي مَوْلَايِ مَنْ، هَمَانَا تَوَكَّرِهْتَ لِلْمُضِيْفِ أَنْ يَمْنَعَ ضَيْفَهُ الْقِرَاءَ مَعَ قُدْرَتِهِ عَلَيْهِ، وَإِنْ لَمْ بِرَايِ مِيزْبَانِ نَمِي پَسَنْدِي كِه از مِهمَانِ خُودِ پَذِيرَايِي نَكَنْدِ در صُورْتِي كِه تَوَانَايِي آن رَا دَاشْتِه بَاشَد، گرچه يَهْلِكِ الضَّيْفُ بِمَنْعِهِ، وَالْمُضِيْفُ يَنْقُضُهُ الْيَدْلُ، وَأَنَا ضَيْفُكَ، مِهمَانِ بَا پَذِيرَايِي نَكْرَدَنْ اَوْ هَلَاكِ نَكْرَدَد، وَ مِيزْبَانِ بَا بَذْلِ كْرَدَنْ كَمْبُودِ بِرَايِشِ حَاصِلِ نَشُود، وَ مَنْ مِهمَانِ تُو هَسْتَمِ وَمَالِي غِنًى عَنْ قِرَائِكَ، وَمَتِي مَنَعْتَنِي بَتْ طَاوِيَاءَ فِي حِمَاكَ، وَ هَرَكُزِ از پَذِيرَايِي تُو بِي نِيازِ نِيسْتَم، وَ زَمَانِي كِه مَرَا بَا زِدَاشْتِي وَوَصِيْلْتُ إِلَى الْهَلَاكِ، يَا مَنْ لَا يَنْقُضُهُ الْإِحْسَانُ، وَلَا يَزِيدُهُ وَ در مَعْرُضِ هَلَاكْتِ قَرَارِ گِرَفْتَمِ بَا زِ در پُوشِشِ حِمَايَتِ تُو مَانَدَم، اِي كَسِي كِه اِحْسَانِ وَ نِيكِي (چيزِي) از اَوْ نَمِي كَاهَد، وَالْحِزْمَانُ، يَا مَطْلُوبًا فِي كُلِّ مَكَانٍ. اِلَهِي لَيْسَ تَشْبَهُ مَسْأَلَتِي مَحْرُومِ سَاخْتَنْ (بَنْدِگَانِ چيزِي) بِه اَوْ نَمِي اَفَزَايَد، اِي آنكِه در هَر مَكَانِ اَوْ رَا بَجُويَنْد. خُدَايِ مَنْ؛ درخُواسْتِ كْرَدَنْ مَنْ مَانَدَمَسْأَلَةَ السَّائِلِينَ، لِأَنَّ السَّائِلَ إِذَا مَنَعَ امْتَنَعَ وَرَجَعَ، وَأَنَا أَسْأَلُكَ درخُواسْتِ كْرَدَنْ گَدَايَانِ نِيسْت، زِيْرَا گَدَا هَنْگَامِي كِه چيزِي بِه اَوْ نَدَهَنْدِ خُوددَاَرِي مِي كَنْدِ وَ بَا زَمِي گِرَدَد، وَلِي مَنْ از تُو درخُواسْتِ وَالْإِثْحَ عَلَيْهِكَ، لِثِقَتِي بِكَرَمِكَ وَجُودِكَ وَحَيَاتِكَ عَنْ رَدِّ سَائِلٍ مِي كَنْمِ وَ رَهَايَتِ نَمِي كَنْمِ وَ اَصْرَارِ مِي وَرُزْمِ بِه خَاطِرِ اَيْنَكِه اِطْمِينَانِ دَارَمِ بِه بَزَرْگُوَارِي وَ بَخْشِشِ تُو وَ شَرْمِ وَ حِيَايِ تُو از رَاَنْدَنْ گَدَايِي مُسْتَعْطٍ لِمَعْرُوفِكَ، يَلْتَمِسُ صَدَقَتَكَ، وَيُنِيخُ بِفَنَائِكَ، وَيَطْرُقُ كِه خُوَاهَانِ عَطَا وَ نِيكِي تُو اَسْت؛ صَدَقَه از پِيشْگَاهْتِ مِي طَلَبَد، وَ بِه اَسْتَانَتِ رَحْلِ اِقَامَتِ اَفَكَنْدِه، وَبَايِكَ، وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَوْ طَبَقَتْ ذُنُوبِي بَيْنَ الْمَارِضِ وَالسَّمَاءِ، در (رَحْمَتِ) رَا مِي كُوبَد، بِه عِزَّتِ وَ جَلَالَتِ سُوگَنْد؛ اِگر گَنَاهَانِمِ بَيْنِ زَمِينِ وَ اَسْمَانِ رَا پَر كَنْد، وَخَرَقَتْ النُّجُومَ، وَبَلَعَتْ أَسْفَلَ الثَّرَى، وَجَاوَزَتْ الْأَرْضِينَ وَ سَتَارِگَانِ رَا دَرنُورَدَد، وَ بِه پَايِيْنِ تَرِيْنِ نَقْطَه زَمِينِ بِرَسَد، وَ از

السَّابِعَةَ السُّفْلَى، وَأَوْفَتْ عَلَى الرَّمِيلِ وَالْحَصَى، مَا رَدَّنِي الْيَأْسُ طَبَقَاتِ هَفْتِكَا نِهْ زَمِينِ بَغْدَرْدِ، وَاز رِيْگِ هَا وَ مَاسِهْ هَا افزون گردد، یأس مرا عَن تَوَقُّعِ غُفْرَانِكَ، وَلَا صَيَّرَفَنِي الْقَنُوطُ عَنِ انْتِظَارِ رِضْوَانِكَ. از تَوَقُّعِ مَغْفِرَتِ وَ آمَرِزَشْتِ بَازَنَمی دارد، و نَا اُمیدی مرا از انتظار رضوان و بخشش تو باز نَمی گرداند. رَبِّ مَا أَحْسَنَ بِلَائِكَ عِنْدِي وَفِعَالِكَ بِي، رَبِّ نَادَيْتُكَ مُطِيعاً پُرورد گارا؛ نعمت نزد من در رفتار با من چه نیکو است، پُرورد گارا؛ تو را صدا می زنم در حالی که مطیع و فرمانبردارم مُسْتَضِیرِ خاً فَأَغْنِنِي، وَ سَأَلْتُكَ عَائِلاً فَأَغْنِنِي، وَ نَأَيْتُ عَنْكَ فَكُنْتُ وَ فَرِيَادِ رِسی از تو می طلبم پس به فریادم برس، و از تو درخواست می کنم در حالی که نیازمندم پس بی نیازم نما، و دور گشتم از تو ولی تو به من قریباً مَنی، فَكَيْفَ لَا أَشْكُوكَ يَا إِلَهِي وَ قَدْ أَطْلَقْتَ لِسَانِي نَزْدِيكَ بُوْدی، پس چگونه ای خدای من تو را سپاس نگویم و حال آن که تو زبَانم را بِدُكْرِكَ رَحْمَةً لِي مِنْكَ، وَأَضَاتْ بَصْرِي حُجَّةً مِنْكَ عَلَيَّ، به ذکر و یاد خودت به خاطر رحمت و لطفی که به من داری گویا ساختی، و دیدگانم را بینا ساختی تا حَبَّتِي از ناحیه تو بر من باشد، وَ ذَلَّلْتَ عَقْلِي عَلَى تَوْبِيخِ نَفْسِي، وَ قَدْ أَشْرَفْتُ عَلَى الْهَلَكَةِ عَقْل و خردم را بر نکوهش و سرزنش نفسم راهنمایی کردی؟ و اکنون به هلاکت نزدیک شده ام، فَتَدَارَكُنِي. فَمَنْ لِي بَعْدَكَ يَا مَوْلَايَ، فَكَيْفَ يَسْتَعْنِي الْعَبْدُ عَنْ پس مرا نجات دادی. بعد از تو چه کسی برای من هست ای مولای من؟ پس چگونه بنده از رَبِّهِ، وَ كَيْفَ يَسْتَعْنِي الْمَذْنِبُ عَمَّنْ يَمْلِكُ عُقُوبَتَهُ، سَيِّدِي لَمْ پُرورد گارش بی نیاز می گردد؟ و چگونه گنهکار از کسی که عقوبت و کیفر او را در اختیار دارد بی نیاز است؟ سرور من؛ أَزْدَدُ بِمَعْصِيَتِي إِلَّا فَقْرًا، وَلَمْ تَزِدْ عَنِّي إِلَّا غِنًى، وَلَمْ تَزِدْ بَا نَافَرْمَانِي ام چیز جز فقر نیفزودم، و تو از من جز بی نیازی نیفزودی، و به دُئُوبِي إِلَّا كَثْرَةً، وَلَمْ يَزِدْ عَفْوُكَ إِلَّا سَعَةً، فَارْحَمْ تَضَرُّعِي گناهانم جز کثرت و افزون شدن، و به عفو و بخشش تو جز توسعه و گسترش نیفزود، پس به تَضَرُّعٍ مِنْ إِلَيْكَ، وَ انْتِصَابِي بَيْنَ يَدَيْكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اَللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ وَ نَاله و زاری ام و ایستادن عاجزانه ام در پیشگاهت رحم کن، ای مهربانترین مهربانان. خداوندا؛ همانا این

قُبُورُ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ، وَجَعَلْتَ فِي أَعْنَاقِ مَرْقَدِ پَاكِ اَوْلِيَاءِ تُو اَسْتُ كِه اَطَاعَتِ اِيشَان رَا (بَر مَا) وَاجِبِ سَاخْتِي، وَ بِيَعَتِ اَنَان رَا دَر گَرْدَنِ عِبَادِكَ بِيَعَتَهُمْ، وَخُلَفَاءُكَ الَّذِينَ بِهِمْ تَأْخُذُ وَتُعْطِي، وَبِهِمْ تُثِيبُ بِنْدگَانَتِ قَرَارِ دَادِي، وَ (قَبْرِ يَكِي اَز) جَانَشِينَانِ تُو اَسْتُ كِه بِه وَسِيلَه اَنَانِ مِي گِيرِي وَ عَطَا مِي كَنِي، وَ بِه سَبَبِ اِيشَانِ ثَوَابِ وَ پَادَاشِ وَتُعَاقِبُ، وَفَدُ قَصْدَتُهُمْ طَمَعاً بِمَا اَعْيَدَدْتَهُ لِأَوْلِيَائِكَ، فَاجْعَلْنِي مِي دَهِي وَ كَيْفَرِ مِي نَمَائِي، وَ مَنِ اَهْنَكِ اِيشَانِ كَرْدِه اَمِ بِه خَاطِرِ طَمَعِ بِه اَنچِه بَرَايِ اَوْلِيَايَتِ اَمَادِه كَرْدِه اِي، پَسِ مَرَامَعُهُمْ، فَإِنِّي لَا أَفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ. إِلَهِي أَتُحْرِقُ بِالنَّارِ وَجْهِي بِاِينَانِ قَرَارِ بَدِه، كِه مَنِ مِيانِ هِيچَكْدَامِ اَزِ اِيشَانِ فَرْقِي نَمِي گِذارَم. خُدَايِ مَن؛ اَيَا چِهْرِه اَمِ رَا بِه آتَشِ مِي سُوْزَانِي وَكَانَ لَمَكَ مُصَيِّلياً، إِلَهِي أَتُحْرِقُ بِالنَّارِ عَيْنِي وَكَانَتْ مِنْ خَوْفِكَ دَرِ حَالِي كِه بَرَايِ تُو نَمَازِ گَزَارِ بُوْدِه اَسْتُ؟ خُدَايِ مَن؛ اَيَا چَشَمِ مَرَا بِه آتَشِ مِي سُوْزَانِي دَرِ حَالِي كِه اَزِ تَرَسِ تَوْبَاكِيه. إِلَهِي أَتُحْرِقُ بِالنَّارِ قَلْبِي وَكَانَ لَكَ مُجِبّاً. إِلَهِي أَتُحْرِقُ گَرِيَسْتِه اَسْتُ؟ خُدَايِ مَن؛ اَيَا قَلْبِمِ رَا بِه آتَشِ مِي سُوْزَانِي دَرِ حَالِي كِه تُو رَا دُوسْتُ دَاشْتِه اَسْتُ؟ خُدَايِ مَن؛ اَيَا بِالنَّارِ جِسْمِي وَكَانَ لَمَكَ خَاضِعاً. إِلَهِي أَتُحْرِقُ بِالنَّارِ لِسَانِي جِسْمِ مَرَا بِه آتَشِ مِي سُوْزَانِي دَرِ حَالِي كِه دَرِ پِيَشگَاهَتِ خَاضِعِ وَ فُرُوتَنِ بُوْدِه اَسْتُ؟ خُدَايِ مَن؛ اَيَا زَبَانِمِ رَا بِه آتَشِ مِي سُوْزَانِي وَكَانَ لِلْقُرْآنِ تَالِيّاً، وَلَكَ ذَاكِراً. إِلَهِي أَتُحْرِقُ بِالنَّارِ اَرْكَانِي دَرِ حَالِي كِه تَلَاوَتِ كُنُنْدِه قُرْآنِ بُوْدِه وَ ذِكْرِ تُو مِي گُفْتِه اَسْتُ؟ خُدَايِ مَن؛ اَيَا دَسْتُ وَ پَايِمِ رَا بِه آتَشِ مِي سُوْزَانِي وَكُنْتُ لَكَ رَاكِعاً وَسَاجِداً. إِلَهِي رَجَائِي مِنْكَ إِحْسَانٌ، وَظَنِّي دَرِ حَالِي كِه بَرَايَتِ رُكُوعِ وَ سُجُودِ كَرْدِه اَنْدُ؟ خُدَايِ مَن؛ اَمِيْدَمِ اَزِ حَضْرَتِ اِحْسَانِ وَ نِيكِي اَسْتُ، وَ گِمَانِمِ بِكَ غُفْرَانٌ، فَأَقْلِنِي عَثْرَتِي فَقَدْ كَانَ الَّذِي كَانَ، إِلَهِي بَقِيَّتُ بَيْنَ نَسَبِ بِه تُو مَغْفَرَتِ وَ اَمْرُزَشِ اَسْتُ، پَسِ اَزِ لَغْزَشِ هَايِمِ چَشَمِ پُوشِي كُن، كِه شَدِ اَنچِه شَد. خُدَايِ مَن؛ مِيانِ خَوْفِ وَ رَجَاءِ، فَخَوْفُكَ يُمِيتُنِي، وَرَجَاؤُكَ يُحْيِينِي، وَالذُّنُوبُ بِيَمِ وَ اَمِيْدِ مَانْدِه اَمِ، بِيَمِ تُو مَرَا مِي مِيرَاَنْدِ، وَ اَمِيْدَتِ مَرَا زَنْدِه مِي گَرْدَاَنْدِ، وَ گِناهِ كَرْدَنِ صِفَاتِي، وَالْعَفْوُ مِنْ صِفَاتِكَ. يَا مَنْ لَهُ رِفْقٌ بِمَنْ يُعَانِدُهُ، اَزِ صِفَاتِ مَن، وَ عَفْوِ كَرْدَنِ اَزِ صِفَاتِ تُو اَسْتُ. اِي كَسِي كِه نَسَبِ بِه مَعَاَنْدَانِ وَ دُشْمَنَانِ خُودِ مَدَارَا مِي كُنْدِ،

فَكَيْفَ بِمَنْ يَتَوَلَّاهُ وَيَسْتَعِظُهُ، يَا مَنْ كُلَّمَا نُودِيَ أَجَابَ، أَنْتَ پس چگونه با ارادتمندان و آنان که از او مهر و عطوفت می جویند مدارا نکنند؟ ای کسی که هر گاه صدا زده شود پاسخ گوید، تَوَالَّذِي قُلْتُ مِنَ الَّذِي دَعَانِي فَلَمْ أُبَيِّهِ، وَمَنِ الَّذِي سَأَلَنِي فَلَمْ أَسْأَلْهُ هَسْتِي که فرموده ای: چه کسی مرا خواند و به او لبیک نگفتم؟ و چه کسی از من خواهشی کرد اُعْطِيهِ، وَمَنِ الَّذِي أَقَامَ بِيَالِي فَلَمْ أُجِبْهُ، وَأَنْتَ الَّذِي قُلْتَ أَنَاوُ بِهِ او عطا نکردم؟ و چه کسی به درگاه من روی آورد و به او جواب ندادم؟ و تو کسی هستی که فرموده ای: مِنَ الْجَوَادِ وَمِنِّي الْجُودُ، وَأَنَا الْكَرِيمُ وَمِنِّي الْكَرَمُ، وَمِنْ كَرَمِي جَوَادٌ وَبِخْشَنده ام و جود و بخشش از من سرچشمه گرفته است، و من کریم و بزرگواریم و کرم و بزرگواری از من سرچشمه گرفته، وَعَلَى الْعَاصِينَ أَنْ أَكَلَمَهُمْ فِي مَضَاجِعِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَمْ يَعْصُونِي، از کرم و بزرگواری من بر گنه کاران این است که آنان را در بسترهای شان نگهداری می کنم گویا هرگز نافرمانی نکرده اند، وَأَتَوَلَّى حِفْظَهُمْ كَأَن لَمْ يُذْنِبُوا. رَبِّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَرَاحِمِ وَنَهْدِ ائِشَانِ رَا بِرِ عَهْدِهِ مِي كِيرِمِ كُويَا هِر كَزِ گناه نكرده اند. پروردگارم؛ همانا من از تو می خواهم به مرحمت هاوَالْمَكَارِمِ الَّتِي أَنْكَرْتَ بِهَا عَلَى الْإِسِينِ مِنْ رَوْحِكَ، فَقُلْتُ وَ مَكْرَمَتِ هَايتِ كِه آن را بر مأيوس شدگان از رحمت نمی پسندی، و فرموده ای: «إِنَّهُ لَا يَيْئَاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (۱)، إِلَّا مَا رَضِيتَ «جز گروه کافران کسی از رحمت خدا مأیوس نمی گردد» که از من خشنود گردی. عَنِّي. إِلَهِي لَا تَغْضَبْ عَلَيَّ فَلَسْتُ أَقُومُ بِغَضَبِكَ، وَلَا تَتَبَرَّأْ مِنِّي خُدَايِ مِنْ؛ بر من غضب مکن که در برابر غضبت پایداری ندارم، و از من دوری مکن فَإِنِّي مُلَازِمٌ لِحَدَمَتِكَ، فَلَسْتُ أَنْفُ مِنْ خَجَلِ الْمَطْرُودِينَ، وَلَا كِه مِنْ هَمَوَارِه مَلَا زِمِ خِدْمَتِ هَسْتِمِ، پس ننگ ندارم از شرم رانده شدگان، وَأَنْقَبِضُ مِمَّنْ رَدَّ السَّائِلِينَ، لِعِلْمِي بِنَقْضِ مَا أُبْرِمْتُهُ مِنَ الشَّقَاءِ إِذَا چهره درهم نمی کشم از بازگرداندن گدایان، بِخَاطِرِ آگَاهِيمِ بِه سَسْتِ كِرْدِنِ آنچِه آن را محکم ساخته ای از شقاوت زمانی که أَلَحَّ السَّائِلُ عَلَيْكَ بِأَكْرَمِ الْأَسْمَاءِ. يَا مَنْ مَهَابُهُ عَمِلُهُ لَا تُؤَيِّسُ سَائِلٌ تُو را بِه گرامی ترین نام هایت بخواند و التماس و اصرار کند. ای کسی که ترس از عدل او مسرفین یعنی زیاده روی کنندگان

ص: ۵۷۲

الْمُسْرِفِينَ، وَعُمُومُ فَضْلِهِ لَا يَطْمَعُ الْعَابِدِينَ، يَا خَيْرَ مَنْ تَذَلَّلْتُ فِي كُنْهٍ رَأْسِهِ، وَمَا يُوسِي نَفْسَهُ، وَفَرَاغِ بَدَنِ، وَفَضْلِ بَدَنِ، وَاحْسَانِش عِبَادَتِ بَيْتِهِ، كَانِ رَأْسَهُ لَا يَطْمَعُ نَفْسَهُ، أَيُّ بَهْتَرِينَ كَسَى كَلَامَهُ الْوُجُوهُ، وَخَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ، يَا مَنْ لَيْسَ لِحَزَائِنِهِ قُفْلٌ وَلَا چهره هَا بَرَايشِ فِرَوْتَنِي كَنْد و كَرْدَن هَا بَرَايشِ سَرَاْفَكَنْدِه شُود، أَيُّ كَسَى كَلَامَهُ كَجَا و هَر زَمَانِي خَوَانْدِه شُود پَاسَخ مِي دِهْد، أَيُّ شَاه شَاهَان، وَ مَالِكِ الْأَرْبَابِ، مَا فِي عِبَادِكَ أَقْسَى قَلْبًا مِنِّي، وَلَا مَوْلَى أَعْظَمَ مِنْكَ مَالِكَانِ، فِي مِثْلِ بِنْدِگَانَتِ سَنَگْدَلِ تَرَازِ مَنْ نِیْسَتِ و سِرُورِي بَرَايِ مَنْ بَاعِظْمَتِ تَرَازِ تُو نِیْسَتِ، لِي، أَذْعُوكَ دُعَاءَ مُلَاحٍ لَا يَمْلُ الدُّعَاءَ، وَلَا يَقْطَعُ الرَّجَاءَ، دُعَاءُ تُو رَا مِي خَوَانِمِ خَوَانْدَن اَصْرَارِ كَنْنِدِه اِي كِه اَز خَوَانْدَن مَلُولِ و خِستِه نَمِي كَرْدَد، و اَمِيْدَش رَا اَز تُو قَطْعِ نَمِي كَنْد، خَوَانْدَن مُلَحٍ تَوَاتَرَتْ عَلَیْهِ هُمُومُهُ، وَأَخْضَعَ لِمَكَ خُضُوعَ مَنْ قَهَرْتَهُ زَارِي كَنْنِدِه اِي كِه كَرَفْتَارِي هَا و غَضَبِ هَا پِي دَر پِي بَرَاوِ وَارْدِ مِي شُود، و خُضُوعِ مِي كَنْمِ بَرَايَتِ خُضُوعِ كَسَى كَلَامَهُ بَرَاوِ چِرِه كِشْتِه عُمُومُهُ، فَوَحْيُوهِ وَجْهِيكَ الْكَرِيمِ، وَعِزُّكَ الْقَدِيمِ، وَجُودُكَ غَمِّ هَايشِ، قِسْمِ بِه ذَاتِ بَزَرْگَوَارَتِ، و عِزَّتِ دِيرِيْنِه اَتِ، و جُودِ و بَخْشِشِ الْعَمِيمِ، لَوْلَا مَا أَوْمَلُ مِنْ غُفْرَانِكَ الَّذِي شَمِلَ كُلَّ شَيْءٍ لَأَلْقَيْتُ فِرَاگِيْرَتِ، اِگَر نَبُودِ كِه مِنْ بِه اَمْرِزِشْتِ كِه هَر چِيْزِي رَا دَر بَرَمِي گِيْرِد اَمِيْدِوَارَم، بِه رَاسْتِي بِيَدِي، وَلَوْ اِسْتِطَعْتُ الْهَرَبَ لَهَرَبْتُ، لَكِنْ لَا يَغْزُبُ عَنْكَ مِثْقَالُ خُودِ رَا بِه نَابُودِي مِي اَفَكَنْدَم، و اِگَر تَوَانَائِي گَرِيخْتَن رَا مِي دَاشْتَم مِي گَرِيخْتَم، وَلِي هِيْچِ ذَرَّه اِي دُورِ اَز دِستَرش ذَرَّه، وَلَا مَعْدِلَ عَنْكَ فِي نَارٍ وَلَا جَنَّةٍ، فَهَرَبْتُ مِنْكَ إِلَيْكَ، تُو نَبَاشْد، و گَرِيْزِي اَز تُو نِیْسَتِ دَر آتِشِ و نِه دَر بَهْشْتِ، لَذَا اَز سُوِي تُو بِه سُوِي خُودَتِ گَرِيخْتَم، فَلَا تُبْطِلْ طَمْعِي، وَلَا تُخْفِرْ ذِمَّتِي، وَلَا تُخَيِّبْ وَسِيْلَتِي، يَا أَرْحَمَ پَسِ طَمْعِ مَرَا بَاطِنِ مَكْنِ، و سَايِه لُطْفِ و حِمَايَتِ رَا بَر سَرِ مَنْ بَاقِي بَدَارِ، و وَسِيْلِه اَمِ رَا مَحْرُومِ مَكْرَدَانِ، اِي مَهْرَبَانْتَرِيْنِ الرَّاحِمِيْنِ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ، وَالْجَلَالِ الْبَازِخِ، وَالْمَجْدِ مَهْرَبَانَانِ، پَاكِ و مَنَزَّهِ اسْتِ صَاْحِبِ عِزَّتِ بَلَنْدِپَايِه، و عِظْمَتِ وَالا، و شَكُوِه

الْكَامِلِ، وَالْعَطَاءِ الْفَاضِلِ، وَالْفَضْلِ السَّابِغِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ كَامِلٍ، وَبَخْشِشِ بَرْتَرٍ، وَفَضْلِ وَاحْسَانِ فَرَاوَانَ، (می گویم) هیچ توان و نیروئی إِلَّا بِاللَّهِ تَفْوِضاً إِلَى اللَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، إِسْتِعَانَهُ جَزْ بِه سَبَبِ خدایند نیست در حالی که به خدا واگذار کننده ام، هیچ حرکتی و نیروئی جز به وسیله خدایند نیست، در حالی که بِاللَّهِ، وَرَدَّ الْأَمْرِ إِلَيْهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، تَمَسُّكاً بِاللَّهِ، از خدا یاری می جویم، و امر را به او بازمی گردانم، هیچ جنبشی و نیروئی جز به وسیله خدایند نیست در حالیکه به دامن لطف خدایند چنگ زده وَاعْتِصَاماً بِحَبْلِهِ، وَأَعَزَّ الْخَلْقِ عَلَيْهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ تَضَرُّعاً إِلَى وَ بِه رِیْسْمَانِ عِنَايَتِ او، وَ بِه گرامی ترین آفریده اش نزد او پیوسته ام، (می گویم) آنچه خدا بخواهد در حالی که به سوی اللَّهِ، وَاسْتِكَانَهُ لَهُ، مَا شَاءَ اللَّهُ تَوَجُّهاً إِلَى اللَّهِ، وَإِقْرَاراً بِه، خدایند تَضَرُّع و زاری کرده، و برایش فروتنی نموده ام، آنچه خدا بخواهد در حالی که به خدا روی آورده، و به او اقرار و اعتراف نموده وَتَوَكُّلاً عَلَيْهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ تَلَطُّفاً لِلَّهِ، وَاعْتِمَاداً عَلَيْهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ وَ بِه او تَوَكَّل کرده ام، آنچه خدا بخواهد در حالی که برای خدا نرمی نموده، و بر او تکیه کرده ام، آنچه خدا بخواهد وسیلهً إِلَى اللَّهِ، وَإِلْحاحاً عَلَيْهِ، أَنْتَ اللَّهُ رَبُّنَا الَّذِي إِيَّاهُ نَعْبُدُ، در حالیکه به درگاه خدایند توَسَّل یافته و به پیشگاهش اصرار و التماس می نمایم، تو خدایندی پروردگار ما که تنها او را عبادت می کنیم، وَكُنْتَ قَبْلَ الْأَيَّامِ وَالْأَزْمَانِ، وَكُنْتَ كُلَّ شَيْءٍ فَأَحْسِنْتَ كَوْنَهُ، وَتَوَپِش از روزگاران و زمان ها بوده ای، و هر چیزی را هستی بخشیدی و هستی او را نیکو گردانیدی، فَهَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا تَضُمُّكَ الْجِهَاتُ، وَلَا يَحْوِيكَ الْمَكَانُ، فَأَنْتَ تَوَ خدایندی هستی که جهت ها تو را احاطه نمی کند، و مکان تو را دربر نمی گیرد، پس تَوَالَّلَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، حَتَّى قَيُّومٌ، مَلِكٌ قُدُّوسٌ، دَائِمٌ مُتَعَالٍ، غَيْرُ خدایندی (که) هیچ معبودی جز تو نیست، (تو) زنده، پایدار، پادشاه، در نهایت پاکی، همیشگی، بلندمرتبه، مَوْصُوفٍ وَلَا مَخْدُودٌ، تَعَظَّمْتَ حَمِيداً، وَتَخَيَّرْتَ حَلِيماً، تَوْصِيفِ نشوی و حِدِّ و اندازه ای برای نیست، تو دارای عظمتی در حالی که ستوده ای، و دارای قدرتی در حالی که بردباری، وَتَكَبَّرْتَ رَحِيماً، وَتَعَالَيْتَ عَزِيزاً، وَتَعَزَّزْتَ كَرِيماً، وَتَقَدَّسْتَ وَ بزرگ مرتبه ای در حالیکه رحیم و مهربانی، و رفیع و بلندمرتبه ای در حالیکه عزیز و شکست ناپذیری، و دارای عَزَّتِ و اقتداری در حالیکه کریم و بزرگواری

مَجِيداً، وَتَمَجَّدَتْ مَلِكاً، وَتَبَارَكْتَ قَدِيرًا، وَتَوَحَّدْتَ رَبًّاو در نهایت پاکی هستی در حالیکه باشکوهی، و دارای شکوه و رفعت و بزرگواری هستی در حالیکه پادشاهی، و برکت آفرینی در حالیکه توانائی، و یکتائی وقادراً عالماً جلیلاً حمیداً علّیاً کبیراً، وَتَفَرَّدَتْ بِخَلْقِ الْخَلْقِ یَکَانِهِ ای در حالی که پروردگار، توانا، دانا، والا مقام، ستوده، بلندمرتبه، و بزرگ هستی، و تنهائی در آفرینش همه مخلوقات، کُلِّهِ، فَمَا مِنْ بَارِيٍّ مُصَوِّرٍ مُتَقِنٍ غَيْرُكَ، وَتَفَضَّلْتَ قِيُومًا قَادِرًا هِیْج پدید آورنده صورت آفرین حاذقی غیر تو نیست، و تو برتری در حالی که پایدار، توانا، مَحْمُوداً عَلِیّاً قَاهِراً مُحْسِنًا مَعْبُوداً مَذْکُوراً مُدِئاً مُعِيداً مُحِیّاًستوده شده، والا، چیره، نیکوکار، ستایش شده، یادشده، آغازگر، بازگرداننده، زنده کننده، مُمِيتاً بَاعِثاً وَارِثاً، وَتَطَوَّلْتَ عَفْوَاً غَفُوراً وَهَاباً تَوَّاباً رَحِیمًا میراننده، برانگیزنده، ارث برنده ای، و دارای فخر و برتری و مَنّی در حالی که بسیار عفوکننده، آمرزنده، بخشنده، توبه پذیر، مهربان، رَتُوفاً وَدُوداً قَرِیباً مُجِیباً سَمِیعاً بَصِیراً حَلِیمًا حَکِیمًا حَنَانًا رَتُوف، دوست دارنده، نزدیک، اجابت کننده، شنوا، بینا، بردبار، صاحب حکمت و حکم و مَحَبَّتِ مَنَاناً، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي شَقَّ بِهِ الْبَحْرُ، وَأُبْرِمُ الْأَمْرَ، وَقُدِّرُوا نِعْمَتَ فِرَاوَانِي، از تو می خواهم به آن نام مقدّست که به وسیله آن دریا شکافته، و هر امری محکم و استوار، وَالرَّزْقُ، وَأُسَبِّلَ السَّيْرُ، وَأُنْزِلَ الْقَطْرُ، وَأُغْشِبَ الْبُحْرُ، وَأُسَبِّحُ رَزْقَ وَرُوزِي مَقْدَرٍ وَمَعِينٍ، و پرده افکنده شود، و باران فرود آید، و صحرا سبز و خرم، و دریا پر آب الْبُحْرُ، وَنُورَ الْبَدْرِ، وَخُصَّ بِالذِّكْرِ مُحَمَّدٌ الطُّهْرُ، وَعَلَى نِ الْبَدْرِ، و ماه منور گردد، و اختصاص بده به ذکر و یاد، حضرت محمد را که پاک و طاهر است و حضرت علی را که همچون شب چهارده درخشنده و تابان است، وَوَلَاةُ الْأَمْرِ، حُكَّامُ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا الْإِلَهِ وَالْيَانِ امر که حاکمان و فرمانروایان شب قدرند، ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به حق و حقیقت این کلمه مبارکه توحید یعنی «لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِرَحْمَةِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْتَ» (هیچ معبودی جز تو نیست)؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به رحمت «لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، بِعَظَمَةِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِجَلَالِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ به عظمت «لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به جلال و مرتبه «لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»؛

یا لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِكَمَالٍ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ یا لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِبَهَاءِی آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به کمال «لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به زیبائی لا- إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ یا لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِقُدْرَةِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ یا لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به توانائی «لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»؛ ای آنکه هیچ معبودی إِلَّا أَنْتَ، بِسُبْحَانِ لَا إِلَهَ جز تو نیست، به قدس و پاکی «لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به منزّه بودن «لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ یا لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِمَلَكُوتِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ یا لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به ملکوت و باطن «لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز أَنْتَ، بِجَبَرُوتِ لَا- إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ یا لا- إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِفَضْلِ لَا إِلَهَ جز تو نیست، به جبروت و قدرت «لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به فضل و برتری «لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ یا لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِعِزِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ یا لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِعِزِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ یا لا- إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز أَنْتَ، بِكَرَمِ لَا- إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ یا لا- إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِقُوَّةِ لَا- إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ نیست، به کرم و بزرگواری «لا- إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به نیروی «لا- إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ یا لا- إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِصِدْقِ لَا- إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ أَسْأَلُكَ بِجَمِيعِ أَنْتَ»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به صدق و راستی «لا- إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»؛ از تو می خواهم به تمام الْأَقْسَامِ كُلِّهَا أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَفْعَلَ بَیْ اِیْنِ سَوَکُنْدَهَا کِهْ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ درود فرستی، و با من رفتار کنی فِعْلَ عَزِیزٍ تَضَرَّعَ اِلَیْهِ ذَلِیلٌ فَرَحَمَهُ، وَفِعْلَ غَنِیٍّ خَشَعَ لَهُ فَقِیْرٌ رِفْعَتِ شُکُوسْتِ نَاطِیْرِی کِهْ بِهْ دَرِگَاشِ خَوَارِ بَیْ مَقْدَارِی تَضَرَّعَ وَزَارِی نَمُودِه وَ بِهْ اَوِ رَحْمِ کَرْدِه اَسْت، وَ رِفْعَتِ ثَرَوْتَمَنْدِ بَیْ نِیازی کِه فَقِیْرٌ تَهْیِدَسْت بَرایش خُشُوعَ فَنَفَعَهُ، وَفِعْلَ جَبَّارِیْنِ اسْتَسَلِمَ اِلَیْهِ خَائِفٌ فَاَمَنَهُ. رَبِّ اِیْمَنِی مِنْ وَ کَرْنَشِ نَمُودِه وَ بِهْ اَوِ سَوَدِ رَسَانْدِه اَسْت، وَ رِفْعَتِ قَدَرْتَمَنْدِی کِه شَخْصِ بَیْمَنَکِی تَسْلِیْمِ اَوِ گُشْتِه وَ بِهْ اَوِ اِیْمَنِی بَخْشِیْدِه اَسْت. پَرُورْدِ گَرا؛ مَرا اَز طَرْدِکَ وَ اِیْعَادِکَ، وَ اِجْعَلْنِی مِنْ اَکْرَمِ عِبَادِکَ، اَسْأَلُکَ بِأَسْمَائِکَ رَانْدَنِ وَ دُورِ کَرْدَنِ اِیْمَنِ گَرْدَانِ، وَ اَز گَرَامِی تَرِیْنِ بَنْدِ گَانتِ قَرارِ بَدِه، اَز تُو مِی خَوَاطِمِ بِهْ نَامِ هَایَتِ

الَّتِي إِذَا سُمِّيتَ بِهَا عَلَى طَوَارِقِ الْعُسْرِ عَادَتْ يُسِيرًا، وَإِذَا كَهِرَ كَافُكَ بِهَا نَامِيْدَةً شَوِي حَوَادِثِ دُشَوَارِ آسَانِ كَرْدَدِ، وَ هَر كَافُ وَضَعَتْ عَلَى الْجِبَالِ صَارَتْ هَبَاءً مَثُورًا، وَإِذَا رُفِعَتْ إِلَى بَرِّ كُوهِهَا نِهَادَةً شُودِ، كَرْدِ وَ غِبَارِ پَرَا كَنْدَه كَرْدَنْدِ، وَ زَمَانِي كِه بِه سُوِي أَبْوَابِ السَّمَاءِ تَفْتَحَتْ بِهَا الْمَغَالِقُ، وَإِذَا هَبَطَتْ إِلَى ظُلُمَاتِ دَرَاهِي آسَمَانِ بَالَا بَرْدَه شُونَدِ دَرَاهِي بَسْتَه بِه وَسِيْلَه آن هَا كَشُودَه شُودِ، وَ چُون بِه تَارِيكِي هَاي الْأَرْضِ اتَّسَعَتْ بِهَا الْمَضَائِقُ، وَإِذَا ضُرِبَتْ بِهَا الْمَوْتَى انْتَشَرَتْ زَمِينِ فِرُودِ آيَدِ تَنَكِّي هَا بِه وَسِيْلَه آن فِرَاخِي يَابَدِ، وَ هَر كَافُ بَر مَرْد كَانِ خَوَانْدَه شُونَدَمِنْ اللَّحُودِ، وَإِذَا نُودِيَتْ بِهَا الْمَعْدُومَاتِ خَرَجَتْ إِلَى الْوُجُودِ، اَز قَبِرْهَا بِيرون آيَنَدِ، وَ وَقْتِي مَعْدُومِ هَا كِه وَجُودِي نَدَارَنَدِ بَا آن صَدَا زْدَه شُونَدِ بِه عَالَمِ وَجُودِ رَاهِ پِيْدَا كَنَنَدِ، وَإِذَا ذُكِرَتْ عَلَى الْقُلُوبِ وَجَلَتْ خُشُوعًا، وَإِذَا قُرِعَتْ بِهَا وَچُون دَلِ هَا اَز آن هَا يَادِ كَنَنَدِ اَز رُوي خُشُوعِ دِچَارِ بِيْمِ وَ هِرَاسِ كَرْدَنَدِ، وَ چُون بَرِ الْأَسْمَاعِ فَاضَتْ الْعُيُونُ دُمُوعًا، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ، الْمُؤَيَّدِ كُوشِ هَا دَمِيْدَه شُودِ اَز چِشْمَه هَاي چِشْمِ هَا اَشَكِ رُوانِ كَرْدَدِ، وَ بِه (حَضْرَتِ) مُحَمَّدِ رَسُولِ وَ فَرَسْتَادَه اَتِ، كِه بِاَلْمُعْجَزَاتِ، اَلْمَنْعُوتِ بِمُحْكَمِ الْآيَاتِ، وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بِه وَسِيْلَه مَعْجَزَاتِ تَأْيِيْدِ شُدَه، بِه آيَاتِ مُحْكَمِ كِتَابَتِ تَوْصِيْفِ كَرْدِيْدَه اَسْتِ، وَ بِه اَمِيْرِ مُؤْمِنَانِ (حَضْرَتِ) عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، الَّذِي اخْتَرْتَهُ لِمُؤَاخَاةِ وَوَصِيَّتِهِ، وَاصْطَفَيْتَهُ بِنِ ابِي طَالِبٍ، كِه اُو رَا بَرَايِ بَرَادَرِي وَ وَصَايَتِ اُو اَخْتِيَارِ فَرْمُودِي، وَ بَرَايِ لِيْخْلَافَتِهِ وَ مُصَاهَرَتِهِ، وَبِحَقِّ ذُرِّيَّتِهِمُ الْأَطْهَارِ، حُمَاهِ الدِّينِ جَانَشِيْنِي وَ دَامَادِي اُو بَر كَزِيْدِي، وَ بِه حَقِّ ذُرِّيَّه پَاكِ اَيْنِ دُو بَزْر كُوارِ كِه حَامِيَانِ دِيْنِ وَ عَزَّوْتِهِ، وَبِحَقِّ مَوْلَانَا وَ خَلِيْفَتِنَا صَاحِبِ الزَّمَانِ، الْمُؤَيَّدِ وَ دَسْتَاوِيْزِ مُحْكَمِ آن هَسْتَنَدِ، وَ بِه حَقِّ مَوْلَا- وَ سُرُورْمَانِ (حَضْرَتِ) صَاحِبِ الزَّمَانِ، كِه بِالرَّغْبِ وَ مَلَايَكَتِهِ، وَ مَنْ يَجْتَمِعُ عَلَى طَاعَتِهِ جَمِيعُ الْمَمَالِكِ بَا رَعْبِ وَ تَرَسِ وَ بَا فَرَشْتَكَاْنِ تَأْيِيْدِ شُدَه اَسْتِ، وَ كَسِي كِه بَرِ اطَاعَتِ وَ فَرْمَانِبَرَادَرِي اُو تَمَامِ مَمْلَكَتِ هَا وَ كُشُورْهَا

مِنْ أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ، وَيَتَأَلَّفُ لَهُ الْأَهْوَاءُ الْمُتَفَرِّقَةُ مِنْ رَعِيَّتِهِ، از اهل مملکت او گرد آیند، و خواسته ها و تمایلات گوناگون و پراکنده مردمی که تحت سرپرستی او هستند الفت پیدا کنند و به وَتَسْتَخْلِصُ بِهِ حُقُوقَ أَوْلِيَائِكَ، وَتَنْتَقِمُ مِنْ شِرَارِ أَعْدَائِكَ، هم بیونند، و به وسیله او حقوق اولیاء را رها سازی و از چنگ دیگران بیرون آوری، و از دشمنان شرور و بیدمنش انتقام بگیری وَتَمْلَأُ الْأَرْضَ عَيْدًا وَقِسْطًا، وَتُوسِّعَ الْعِبَادَ بِظُهُورِهِ فَضْلًا وَزَمِينَ را از عدل و داد پر کنی، و فضل و احسانت را برای بندگانت با ظهور او گسترش دهی، وَإِحْسَانًا، وَتُعِيدَ الْحَقَّ بِمَكَانِهِ عَزِيزًا حَمِيدًا، وَتُرْجِعَ الدِّينَ وَحَقَّ را به جایگاه خودش در حالی که عزیز و ستوده باشد بازگردانی، و دین را با دست مبارک علی یدیه غَضًا جَدِيدًا، أَنْ تُصِلَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، او تر و تازه به گونه ای که برای مردم تازگی داشته باشد به شکل واقعی خودش بازگشت دهی، که بر محمد و آل محمد درود فرستی فَقَدْ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ، وَقَدَّمْتُهُمْ أَمَامِي وَبَيَّنَّ يَدَيَّ حَوَائِجِي به تحقیق به وسیله ایشان به درگاه تو طلب شفاعت می کنم، و مقدم می کنم ایشان را پیش رویم و پیشاپیش حوائج و نیازهایم إِلَيْكَ، وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ فِي التَّوْفِيقِ لِمَعْرِفَتِهِمْ، به سوی تو، و) می خواهم (این که مرا برای شکر این نعمت که توفیق شناخت ایشان را عطا کردی، وَالْهُدَايَةِ إِلَى طَاعَتِهِمْ، وَتَزِيدَنِي قُوَّةً فِي التَّمَسُّكِ بِعِصْمَتِهِمْ، و مرا به اطاعت شان رهنمون گردیدی موفق نمائی، و نیروی مرا در چنگ زدن به دامن عصمت ایشان، وَالْإِقْدَاءَ بِسُنَّتِهِمْ، وَالْكَوْنَ فِي زُمْرَتِهِمْ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، و پیروی کردن از سنت شان، و بودن در گروه و جمعیت شان بیفرائی، که تو ستوده و باشکوهی. سُبْحَانَ اللَّهِ الدَّائِمِ، فَكَأَنَّكَ الْمَغَارِمِ، رَازِقِ الْبُهَائِمِ، لَيْسَ فِي پاك و منزّه است خداوند همیشه پایدار، رهاکننده از وام ها و غرامت ها، روزی دهنده چهارپایان، در دایمومیتته ایتدآء وَلَا زَوَالٌ، وَلَا فِي أَبَدِيَّتِهِ اِنْتِهَاءٌ وَلَمَّا اسْتَقْبَالَ. پیوسته بودنش ابتدائی و انقطاعی نیست، و در جاودانگی اش نهایی و پایانی نیست. اَللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا مَشْهُدٌ لَا يَرْجُو مَنْ فَاتَتْهُ فِيهِ رَحْمَتُكَ أَنْ يَنَالَهَا خداوند؛ این، زیارتگاه و جایگاهی است که هر کس در آن رحمت را از دست دهد امیدی نیست که

فِي غَيْرِهِ، وَلَا أَحَدٌ أَشَقَى مِنْ امْرِئٍ قَصِيْدَهُ مُؤَمَّلًا فَابْ عَنْهُ در غير آن بدست آورد، و کسی بدبخت تر نیست از شخصی که با امید و آرزو آهنگ آن کند و خائباً. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْاِيَابِ، وَخَيْبَةِ الْمُتَقَلِّبِ، محروم از آنجا باز گردد. خداوندا؛ برآستی من به تو پناه می برم از بدی بازگشت، و ناامیدی برگشت، وَالْمُنَاقَشَةِ عِنْدَ الْحِسَابِ، وَحَاشَاكَ يَا رَبِّ اَنْ تُقْرَنَ طَاعَهُوْ كَاوَشٍ و بررسی هنگام حساب. و دور از شأن تو است - ای پروردگار من - که طاعت اَوْلِيَاءِكَ بِطَاعَتِكَ، وَمَعْصِيَتِهِمْ بِمَعْصِيَتِكَ، وَمُؤَالَاتِهِمْ بِمُؤَالَاتِكَ، اولیاء را با طاعت خود، و نافرمانی ایشان را با نافرمانی خود، و دوستی و ارادت ایشان را با دوستی و ارادت خود مقرون گردانی ثُمَّ تُؤَيِّسُ زَائِرِهِمْ، وَالْمُتَحَمِّلَ اِلَى قُبُوْرِهِمْ مِنْ بُعْدِ الْبِلَادِ، لا آنگاه زائر ایشان را که از شهر و دیار دوری بسوی مرقدشان آمده و تحمیل مشکلات نموده مأیوس و ناامید باز گردانی، نه وَعِزَّتِكَ لَا يَنْعَقِدُ عَلٰی ذٰلِكَ ضَمِيرِيْ، اِذْ كَانَتْ الْقُلُوْبُ اِلَيْكَ به عَزَّت و اقتدارت سوگند؛ هرگز ضمیر و خاطر من بر چنین چیزی استوار نگشته، چون دل ها به سوی تو بِالْجَمِيْلِ تُشِيرُ، لَا سِيْمًا وَقَدْ اَمَرْتَ عِبَادَكَ بِصَلٰةِ السَّائِلِيْنَ، به خوبی و زیبایی اشاره می کند، مخصوصاً که بندگان را به احسان کردن به گدایان، و اِجَازَةِ الْوَاْفِدِيْنَ، وَالْاِحْسَانِ اِلَى الْمُسِيْئِيْنَ، وَاَسْأَلُكَ بِمَا وَدَّعْتَ الْوَدَّاعِيْنَ، و نیکی کردن به گنهکاران دستور داده ای. و از تو می خواهم به آنچه خَصَّصْتَ مُحَمَّدًا وَاَلِهٖ مِنْ الْعِنَايَاتِ، وَاَكْرَمْتَهُمْ بِاَحْسَنِ الْوَفَا، و الصِّفَاتِ، اختصاص داده ای محمّد و آل او را از عنایت ها، و گرامی داشته ای ایشان را به نیکوترین صفات، حَتّٰی بَرَزُوا عَلٰی الْمَقَرَّانِ، فَجَعَلْتَهُمْ اَئِمَّةَ الزَّمَانِ، وَشَرَطْتَ سِرَّ اَمَدِ هِمَتَيَانَ گردیدند، پس ایشان را امامان هر زمان، و شرطاً اِلَیْمَانِ، حَيْثُ سَبَقُوا الْخَلَائِقَ اِلَى تَوْحِيْدِكَ، فَخَلَقْتَ نُورَهُمْ اِيْمَانٍ قَرَار دادی، چون آفریدگان را به توحید پیشی گرفتند، پس نور ایشان را مِنْ نُورِكَ، وَحَمَيْتَ اَجْسَادَهُمْ مِنْ اَرْجَاسِ الْكَافِرِيْنَ لِتَمَامِ از نور خود آفریدی، و اجسادشان را از آلودگی ها و پلیدی های کافران بازداشتی و نگهداری فرمودی تا

قَدَرِكَ فِي رُؤْسَاءِ الْمَخْلُوقِينَ، إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي الرِّحْمَةَ الَّتِي مَقْدَرَاتِ خُودِ رَا فِي مَوْرِدِ سِرَانِ آفَرِيدِ گَانَتِ كَامِلِ كُنِي، كِه بَرَايِ مِنْ رَحْمَتِي كِه كَتَبْتَهَا عَلَي نَفْسِكَ، وَاجْتَبَيْتَنِي لِنَفْسِكَ، وَخَلَصْتَنِي مِنْ تَبَعَاتِ بِرِ خُودَتِ لَازِمِ دَانِسْتِه اِي بَنُويسِي، وَ مَرَا بَرَايِ خُودَتِ بِرِ گَزِينِي، وَ اَزِ حَقُوقِي كِه اَزِ مَرْدَمِ بِه عَهْدِه مِنْ اَسْتِ رِهَا سَا زِي، خَلَقِكَ، وَقُلْتَ لِدُعَائِي قَدْ اَتَيْتُكَ يَا عَبْدِي مَا سَأَلْتَنِي، وَأَرَدْتُكَ وَ دَرِ پَاسِخِ دَعَايِمِ بَكُوِيِي: بِنْدِه اَمِ اَنچِه اَزِ مِنْ دَرخُواسْتِ نَمُودِي بِه تُو عَطَا كَرْدَم، وَ تُو رَا خُواسْتَم حَيْثُ اَرَدْتَنِي، بِفَضْلِكَ وَكَرَمِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَعَزَّتْكَ يَ اَچُونِ مَرَا خُواسْتِي، بِه فَضْلِ وَ كَرَمْتِ اِي مَهْرِبَانْتَرِينِ مَهْرِبَانَانِ. بِه عَزَّتِ وَ اِقْتِدَارَتِ سُو گَنْدِ اِي مَوْلَايِ لَتَفْعَلَنَّ، سُبْحَانَكَ طَوْتُ الْاَبْصَارُ فِي صُنْعِكَ مَدِيدَتَهَا، مَوْلَايِ مِنْ؛ كِه بَا مِنْ چَنِينِ كُنِي، پَاكِ وَ مَنزَهِي؛ دِيدِ گَانِ دَرِ آفَرِينِشِ تُو رَا بِه جَائِي نَبَرْد، وَنَتَّ الْاَلْبَابُ عَنْ كُنْهِكَ اَعْتَنَّا، فَأَنْتَ الْمُدْرِكُ غَيْرُ الْمُدْرَكِ، وَ خَرْدِهَا اَزِ فَهْمِ حَقِيقَتِ ذَاتِ عَنَانِ كَشِيدِ وَ دَرْمَانْدِه گِشْتِ، پَسِ تُو دَرِيابَنْدِه اِي وَ كُسي تُو رَا دَرْنَمِي يَابَدِ، وَالْمُحِيطُ غَيْرُ الْمُحَاطِ، يَا مَنِ الْخَائِفِ، وَ كَهْفِ اللَّاهِفِ، وَ تُو بِرِ هَمِه چِيزِ اِحَاطِه دَارِي وَ چِيزِي بِرِ تُو اِحَاطِه نَدَارْدِ. اِي مَحَلِّ اَمْنِ بِيْمَنَاكِ، وَ پَنَاهِ گَاهِ اَنْدُو هَكِينِ، وَجَنَّةِ الْعَاثِدِ، وَ عَوْثِ اللَّائِدِ، سُبْحَانَكَ مَا اَسْمَعُكَ اِذَا نُودِيَ، وَ سِپَرِ پَنَاهِ بَرَنْدِه، وَ فَرِيادِ رَسِ پَنَاهَنْدِه. پَاكِ وَ مَنزَهِي؛ چِه بَسِيارِ شَنْوَائِي هَنْگَامِي كِه تُو رَا صَدَا زَنْدِ، وَأَنْصَيْتَكَ اِذَا نُوجِيَتْ، وَأَرْحَمَكَ اِذَا اسْتُرِحِمْتَ. اِلَهِي مَا طَابَتْ وَ (چِه بَسِيارِ) گُوشِ فَرَا دَهَنْدِه اِي هَنْگَامِي كِه بَا تُو رَا زِ وَ نِيَا زِ كَنْنَدِ، وَ (چِه بَسِيارِ) رَحْمِ كَنْنَدِه اِي هَنْگَامِي كِه اَزِ تُو رَحْمَتِ وَ مَهْرِبَانِي بِجُوِيَنْدِ. خُدَايِ مِنْ؛ الدُّنْيَا اِلَّا بِحِدْمَتِكَ، وَمَا طَابَ الْقَبْرُ اِلَّا بِمُؤَانَسَتِكَ، وَمَا طَابَتْ دُنْيَا گُوارَا نِيَسْتِ مَگَرِ اَنَكِه دَرِ خُدْمَتِ تُو بِه كَارِ رُودِ، وَ قَبْرِ گُوارَا نِيَسْتِ مَگَرِ اَنَكِه بَا هَمْدَمِي تُو تُو اَمِ گَرْدَدِ، وَالْجَنَّةُ اِلَّا بِمُخَاطَبَتِكَ وَ مُجَاوَرَتِكَ، فَاجْعَلْنِي مِنْ اَفْضَلِ عِبَادِكَ بِهَشْتِ گُوارَا نِيَسْتِ مَگَرِ بَا گُفْتِ گُويِ تُو وَ مَجَاوَرَتِ تُو هَمْرَاهِ بَاشَدِ، پَسِ مَرَا اَزِ بَرْتَرِينِ بَنْدِ گَانَتِ، وَأَهْلِ طَاعَتِكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَكْرِمْ وَ اَزِ اَهْلِ اطَاعَتِ وَ فَرْمَانِبَرْدَارِيْتِ قَرَارِ بَدِه. خُدَاوَنْدَا؛ بِرِ مُحَمَّدِ وَ اَلِ مُحَمَّدِ دَرُودِ فَرَسْتِ، وَ

أُولِيَائِكَ بِإِنْجَازِ وَعْدِكَ، وَبَلَّغُهُمْ مَا يَأْمُلُونَ مِنْ نَصْرِ رِكَ، وَانْكَفَ أَوْلِيَائَتِ رَا بِا وَفَا كَرْدَن بَه وَعْدَه ات گرامی بدار، و به آنچه امید و آرزو دارند از یاریت برسان، وَعَنْهُمْ يَأْسَ مَنْ نَصَبَ الْخِلَافَ عَلَيْكَ، وَتَمَرَّدَ بِمَنْعَتِكَ عَلِيْخْشَم و عذاب کسانی را که پرچم مخالفت با تو را برداشته اند، و با مخالفت کردن با تو نسبت به آنچه منع کرده ای رُكُوبِ مُخَالَفَتِكَ، وَحَقَّقْ لَنَا تَقْدِيرَ حِكْمَتِكَ فِي الْمَخْلُوقِينَ، سرکشی نموده اند از ایشان باز بدار، و آنچه در نظر داری از حکمت و حکم و فرمانت نسبت به مخلوقات برای ما محقق ساز، لَقَوْلِكَ الصَّادِقِ الْيَقِينِ، «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ» (۱)، یا که در گفتار راست و یقینی خود فرموده ای: «بر ما حق و سزاوار و لازم است یاری کردن مؤمنان»، ای مَنْ أَشِيكَنَ بُرُوقَ أَنْوَارِهِ فِي قُلُوبِ الْأَئِمَّةِ الْهَادِينَ، وَأَجَالَ کسی که درخشش انوارش در دل های امامان هدایتگر منزل کرده، وَرُعُودَ الْمَهَابَةِ فِي ضِدِّ دُورِ خُلَصَائِهِ الْمَعْصُومِينَ، وَأَمْطَرَ سَحَابَ رَعْدٍ وَغَرَشَ هَيْبَةٍ وَتَرَسَ فِي سِيْنِهِ بَرَكَزِيدِ گان پاک و معصومش هجوم آورده، و ابرهای الوَعِيدِ فِي عُقُولِ أَمَنَائِهِ الْمُخْتَبِينَ، حَيْثُ وَصَّيَهُمْ بِعِبَادَةِ بِيْم در عقل ها و اندیشه های امینان فرمانبردارش بارش نموده است، چون ایشان را به عنوان بندگان صالح وَالصَّالِحِينَ، أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ بِمُحَمَّدٍ وَأَوْصِيَاءِهِ الطَّيِّبِينَ، أَنْ شَايَسْتَه خود توصیف فرمودی، از تو می خواهم ای مولای من؛ به حقّ محمّد و جانشینان پاکش که تُغْتَقِ رَقَبَتِي، وَتَفْسِيحَ فِي أَجَلِي، وَتُبَلِّغَنِي فِيهِ أَمَلِي، وَكَمَامِرَا آزاد گردانی، و در اجل و مهلت من توسعه دهی، و مرا در آن مهلت (به آرزو برسانی، و همان گونه که أَكْمَلْتَ خَلْقِي لِعِبَادَتِكَ، وَعَقَلِي بِمَعْرِفَتِكَ، فَارْضَ عَنِّي، فَإِنِّي آفَرِيْنَش مرا برای عبادت، و عقلم را با شناخت خویش کامل گردانیدی، پس از من خشنود باش، که من أَغْلَمُ أَنِّي لَا أَصْلِحُ لِلْجَنَّةِ، وَأَنْتَ تَعْلَمُ أَنِّي لَا أَصْبِرُ عَلَى النَّارِ، می دانم که صلاحیت و شایستگی بهشت را ندارم، و تو می دانی که من تَحْمِلُ آتَش را ندارم، أَنَا الَّذِي أَحْلَلْتُ الْعُقُوبَةَ بِنَفْسِي، وَأَوْبَقْتُهَا بِالْمَعَاصِي جُھُدی، من کسی هستم که کیفر را بر خود روا داشتم، و با نافرمانی ها کوشش و تلاش خود را از بین بردم،

ص: ۵۸۱

وَعَرَّضْتُهَا لِلْمَهَالِكِ بِكُلِّ قُوَّتِي، وَلَسْتُ بِهَذِي قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرَ، وَلَاوِخُودَ رَا بِا تَمَامِ نِيرو در معرض هلاکت و نابودی افکندم، و من قُوَّت و نیروئی ندارم تا غالب گردم، و ذی عُدْرٍ فَأَعْتَذِرَ، فَارْحَمِ اِنْكَسَارِي وَتَضَرُّعِي اِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، عذری ندارم تا عذر آورم، پس به شکستگی من و ناله و زاری ام به درگاهت رحم کن ای مولای من؛ يَا مَنْ لَا يَشِيْخُ تَخْيِي مِنْ مَسْأَلَتِهِ، وَلَا يَزْجِي الْعَفْوُ اِلَّا مِنْ قَبْلِهِ، ای کسی که از درخواست کردن از او کسی شرمنده نمی شود، و جز از ناحیه او امید عفو و بخشش نمی رود، أَشْكُو اِلَيْكَ مَا لَا يَخْفِي عَلَيْكَ، وَأَسْأَلُكَ مَا لَا يَعْظُمُ عَلَيْكَ، به تو شکایت می کنم آنچه را که بر تو پنهان نیست، و از تو می خواهم آنچه را که بر تو بزرگ نیست، وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ قَسَمٍ يُوجِبُ الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ و از تو درخواست می کنم به هر سوگندی که موجب تقرب و منزلت یافتن نزد تو گردد، که بر مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعْطِيَ مُحَمَّدًا و آلَ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا سَأَلْتُكَ و آلِ مُحَمَّدٍ درود فرستی، و عطا کنی به مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ برتر از آنچه لَهُمْ كُلُّ سَائِلٍ، وَأَجْزَلَ مَا رَغِبَ اِلَيْكَ فِيهِ كُلُّ رَاغِبٍ حَتَّى هَر درخواست کننده ای برای ایشان خواسته است، و بیشتر از آنچه هر رغبت کننده ای در آن رغبت نموده به درگاهت، تَأْتِفُضِّلُهُمْ عَلَي جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَزِدَّهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنْ أَنْكَه اَنَانِ را بر تمام آفریدگانت برتری بخشی، و فراتر از آن، آنچه تو شایسته آن هستی از کَرَمِكَ وَطَوْلِكَ، أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُؤَالَ الْمُتَمَسِّكِ بِحَرَمِكَ، کرم و لطفت بر ایشان بیفرایی، از تو درخواست می کنم ای مولای من درخواست کسی که به حرم تو پناه آورده، اَلْمُفْتَقِرِ مِنْ نَظَرِكَ، يَا مَوْلَايَ اِنَّ الْعَرَبَ اِذَا اسْتَجِيرَ بِأَطْنَابٍ و محتاج نظر لطف تو است، ای مولای من؛ در میان عرب رسم است که اگر کسی به درب و دیوار خانه آن ها پناهنده شود دُيُوتِهَا أَجَارَتْ، وَأَنْتَ سَيِّدُ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَفَدِ اسْتَجَرْتُ او را پناه دهند، و تو سرور عرب و عجم هستی، و من پناهنده گشته ام بِرُكْنٍ مِنْ أَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ، وَبَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ نَبِيِّكَ، وَتُزْوِيهِ مِنْ به رکن و پایه ای از پایه های توحیدت، و خانه ای از خانه های پیامبرت، و تربتی از

تُرِبْ خُلَفَاؤُكَ، الَّذِينَ أَظْهَرُوا سُلْطَانَكَ، وَأَقَامُوا أَحْكَامَكَ، ياتربت های (پاک) جانشینات که سلطنت تو را آشکار نمودند، و احکامات را بپا داشتند، ای مُغِيثُ أَغْنِنِي، فَلِهَذِهِ الشَّيْءِ رَجَوْتُكَ، يَا مَوْلَايَ أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ فَرِيَادُ بَرَسْ؛ به فریادم برس، برای رفع این سختی و دشواری به تو چشم امید دوخته ام، ای مولای من؛ از تو می خواهم به نام هایت الَّتِي كَتَبْتَهَا عَلَى قُلُوبِ أَصْفِيَاءِكَ بِمُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ أُمْنَاءُكَ، فَعَرَفُواكَ بِرِ دَلِ هَايِ بَرَكِيدِ گانت (یعنی) مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ که امینان تو آند نوشتی، پس شناختند ما عَرَفْتَهُمْ، وَفَهِمُوا مَا فَهَمْتَهُمْ، وَعَقَلُوا مَا أَوْجَبْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَنْجَحَ بَهْ أَنْهَا شَنَاسَانْدِي، وَفَهَمِدْنَدِ أَنْجَحَ بَهْ أَنْ هَا فَهَمَانْدِي، وَ دَرَكِ كَرَدْنَدِ وَ اَنْدِشَه نمودند آنچه از خَصَائِصِكَ وَ عَزَائِمِكَ، وَ ضَرَبْتَ أَمْثَالَهُمْ، وَأَنْزَلْتَ بُرْهَانَهُمْ، وِیژگی هایت و دستوراتت به ایشان وحی فرمودی، آنگاه آنان را الگو قرار دادی و برهان و دلیل شان را روشن ساختی، وَ قَرَنْتَ بِاسْمِكَ أَسْمَاءَهُمْ إِلَّا خَلَصْتَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَنَا فِيهِ، يَاو نام شان را قرین نام خودت گردانیدی، که مرا از هر بدی که بدان دچارم رها سازی، ای مُخْلَصَ الشَّجَرِ مِنْ بَيْنِ رَمِيلٍ وَ طِينٍ وَ مَاءٍ، وَيَا مُخْلَصَ اللَّبَنِ رَهَائِي بَخْشِ دَرَخْتِ از میان ریگ و گل و آب، و ای رَهَائِي بَخْشِ شِيرِ مِنْ بَيْنِ فَرْثِ وَ دَمٍ، وَيَا مُخْلَصَ النَّارِ مِنْ بَيْنِ الْحَدِيدِ وَ الْحَجَرِ، از میان چرک و خون، و ای رَهَائِي بَخْشِ آتَشِ از میان آهن و سنگ، وَيَا مُخْلَصَ الْوَلَدِ مِنْ بَيْنِ مَشِيمَةٍ وَ رَحِمٍ، وَيَا مُخْلَصَ الرُّوحِ و ای رَهَائِي بَخْشِ نَوَزَادِ از میان مَشِيمَه (پوستی که بچه در رحم در آن باشد) و رحم مادر، و ای رَهَائِي بَخْشِ رُوحِ مِنْ بَيْنِ الْأَحْشَاءِ وَ الْأَمْعَاءِ، خَلَصْنَا مِنْ أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، از میان احشاء و امعاء) که درون شکم آدمی است، ما را از هول و هراس روز قیامت رَهَائِي بَخْشِ، إلهی إِذَا لَمْ تَفْعَلْ بِي مَا أُرِيدُ فَصَيِّرْ نِي عَلَى مَا تُرِيدُ، سَيِّدِي خدای من؛ هنگامی که آنچه می خواهم نسبت به من انجام نمی دهی، پس مرا بر آنچه تو می خواهی بگردان، سرور من؛ كَيْفَ أَفْرَحُ وَقَدْ عَصَيْتُكَ، وَ كَيْفَ أَحْزَنُ وَقَدْ عَرَفْتُكَ، وَ كَيْفَ چگونه شادمان باشم در حالی که نافرمانی تو نمودم؟ و چگونه غمناک باشم در حالی که تو را شناختم؟ و چگونه

أَدْعُوكَ وَأَنَا عَاصٍ، وَكَيْفَ لَا- أَدْعُوكَ وَأَنْتَ كَرِيمٌ، أَيْنَ مُغْرَقٌ تُوْرَا بِخَوَانِمِ دَر حَالِي كِه آلُودِه وَ كَنِه كَارِم؟ وَ چَكُونِه تُوْرَا نَخَوَانِمِ دَر حَالِي كِه تُو كَرِيم وَ بَزْرگَوَارِي؟ كَجَاسْت غَرَق كُنْنْدِه فِرْعَوْنَ لِمُوسَى، أَيْنَ نَاصِرٌ مُحَمَّدٌ يَوْمَ يَذْرُ، أَيْنَ نَاصِرٌ عَلَيَّ فِرْعَوْنَ بِه خَاطِرِ مُوسَى؟ كَجَاسْت يَارِي كُنْنْدِه حَضْرَتِ مُحَمَّدِصَلَى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهٖ وَسَلَمِ دَر رُوزِ جَنَگِ بَدْر؟ كَجَاسْت يَارِي كُنْنْدِه حَضْرَتِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْأَخْزَابِ، أَيْنَ أَجِدُكَ يَا مُؤَلَايَ، بَلْ أَيْنَ لَا أَجِدُكَ وَأَنْتَ دَر رُوزِ جَنَگِ احْزَاب؟ كَجَا تُوْرَا بِيَايَمِ اِي مُوَلَايَ مِنْ؟ بَلَكِه كَجَا تُوْرَا نِيَايَمِ كِه تُو أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ جَبَلِ الْوَرِيدِ، أَنْزِلْ عَلَيَّكَ إِذَا نَزَلْتُ، وَأَرْحَلْ أَزْ رُكْ كَرْدَنِ نَزْدِيكْتَرِي، بَر تُو فِرُودِ مِي آيَمِ هَنگَامِي كِه فِرُودِ آيَمِ، وَإِلَيْكَ إِذَا رَحَلْتُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْحَمْ صِوْتِي مِنْ بِه سُوِي تُو كُوجِ مِي كُنْمِ هَنگَامِي كِه كُوجِ كُنْمِ، پَس بَر مُحَمَّدٍ وَآلِ او دِرُودِ فِرُسْتِ، وَ دَرِيَيْنِ الْمُصَوِّتَيْنِ، وَلَا تَجْبِهْنِي بِالرَّدِّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، رَبِّ قَدْ مِيَاَنِ صَدَا زَنَنْدِگَانِ بِه صَدَايَ مِنْ رَحْمِ كُنْ، وَ دَسْتِ رَدِّ بِه سِينِه اَمِ مَزْنِ اِي مِهْرَبَانْتَرِينِ مِهْرَبَانَانِ. پَرُورْدِ گَارَا؛ أَجَبْتُكَ فَأَجِبْنِي، وَ سَأَلْتُكَ فَأَعْطِنِي، وَارْضَ عَنِّي فَقَدْ أَرْضَيْتَنِي تُوْرَا اِجَابَتِ كَرْدَمِ پَس مَرَا اِجَابَتِ كُنْ، وَ اَز تُو دِرْخَوَاسْتِ نِمُودَمِ پَس مَرَا عَطَا كُنْ، وَ اَز مِنْ رَاضِي وَ خَشْنُودِ بَاشِ كِه تُو بِه رَاسْتِي مَرَا رَاضِي وَ خَشْنُودِ بِحَقِّ أَمْنًا إِلَيْكَ وَ أَمِيَّةً إِلَيْكَ، وَأَصِيَّةً فَيَا إِلَيْكَ وَ صِيَّةً فَيَا إِلَيْكَ مُحَمَّدُ بْنُ الْمُحَمَّدِ، گِرْدَانِيْدِي، بِه حَقِّ اَمِيْنَانْتِ وَ اَمِيْنْتِ، وَ بِه حَقِّ بَر گَزِيْدِ گَآنْتِ وَ بَر گَزِيْدِه اَتِ (حَضْرَتِ) مُحَمَّدِصَلَى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهٖ وَسَلَمِ (آن) سِتُودِه شُدِه، ذِي الْمَقَامِ الْمَشْهُودِ، وَالْحَوْضِ الْمَوْرُودِ، وَبِحَقِّ الرِّسَالَةِ الَّتِي كِه صَاحِبِ مَقَامِ مَشْهُودِ اسْتِ، وَ صَاحِبِ حَوْضِي اسْتِ كِه بَر آن وَارْدِ شُونْدِ، وَ بِه حَقِّ رِسَالَتِي كِه أَدَّاهَا، وَالْعِبَادَةِ الَّتِي اجْتَهَدَ فِيهَا، وَالْمِخْنَةِ الَّتِي صَبَرَ عَلَيْهَا، آن رَا بِه اَنْجَامِ رِسَانِيْدِ، وَ عِبَادَتِي كِه دَر آن تَلَاَشِ كَرْدِ، وَ بِه غَمِ هَا وَ غَضِّهٔ هَائِي كِه بَر آن هَا صَبَرِ وَ شَكِيَّائِي نِمُودِ، وَالْمَعْرِفَةِ الَّتِي دَعَا إِلَيْهَا، وَالْدِّيَانَةِ الَّتِي حَضَّ عَلَيْهَا، وَبِحَقِّ وَ مَعْرِفَتِ وَ شَنَاخْتِي كِه بِه سُوِي آن مَرْدَمِ رَا فِرَاخَوَانْدِ، وَ دِيْنِ وَ دِيَانَتِي كِه بَر آن بَرَا نِگِيخْتِ، وَ بِه حَقِّ أَقْوَالِهِ الْحَكِيمَةِ، وَأَفْعَالِهِ الْكَرِيمَةِ، وَمَقَامَاتِهِ الْمَشْهُودَةِ، كُفْتَارِ حَكِيْمَانِه، وَ رِفْتَارِ كَرِيْمَانِه، وَ مَقَامِ هَا وَ جَايِگَا هَائِي مَشَاهِدِه شُدِه،

وَسَاعَاتِهِ الْمَعْدُودَةِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَى عِثْرَتِهِ الْمَخْلُوقِينَ وَ سَاعَتِ هَايِ ارزشمند شمرده شده اش، که بر او و بر عترتش که مِنْ لَحْمَتِهِ، أَلْسَادِهِ الْمُتَّقِينَ مِنْ تَبِعَتِهِ، وَالْقَائِمِينَ مَقَامَهُ فِي از گوشت و خون او آفریده شده اند، آن سروران پرهیزکار که پس از اویند، و عهده دار منصب او در بَلاغِ رِسَالَتِهِ، وَالْمَخْصُوصِينَ مِنْ قَرَابَتِهِ بِأَبْنَائِهِ وَعِثْرَتِهِ، عَلَيَّ ابلاغِ پیام و رسالتش هستند، و آن ها که اختصاص دارند به خویشاوندی او به سبب فرزندان و عترتش (حضرت) علی علیه السلام وَأَوْلَادِهِ الْمُطَهَّرِينَ بِطَهَارَتِهِ، وَأَنْ تَمْسِيَحَ مَا بِي يَمِينِكَ الشَّافِيَهُ، و فرزندان او که به طهارت و پاکی او آن ها نیز پاکند، که دستی بر سر و روی من با آن دست شفا بخش خود بکشی، وَأَنْ تَنْظُرَ إِلَيَّ بِعَيْنِكَ الرَّاحِمَةِ، وَأَنْ تَرْزُقَنِي الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ، و نگاهی با دیدگان رحمت بر من بیفکنی، و عفو و عافیت را به من روزی گردانی. رَبِّ لَا تُخَيِّبْ رَجَائِي، فَإِنَّهُ مَنُوطٌ بِكَ، وَلَا تُضَيِّعْ كَفًّا مَمْدُودَهُ بِرَدِّ كَارَا؛ امید من را که تنها به تو وابسته و پیوسته است ناامید مفرما، و دستی را که به درگاهت دراز شده خالی بر مگردان، إِلَيَّكَ، وَلَا تُذِلَّ نَفْسًا عَزِيزَهُ بِمَعْرِفَتِكَ، وَلَا تُسَلِّبْ عَقْلًا مُسْتَضِيًّا وَجَانِي را که به معرفت تو عزیز گشته خوار و ذلیل مکن، و عقلی را که بِنُورِ هِدَايَتِكَ، وَلَا تُقَدِرْ عَيْنًا فَتَحْتَهَا بِنِعْمَتِكَ، وَلَا تُخْرِسَ لِسَانًا بِنُورِ هِدَايَتِكَ، و چشمی را که به نعمت خویش گشوده ای تنگ مگردان، و زبانی را که عَوْدَتُهُ الشَّاءَ عَلَيَّكَ، وَكَمَا كُنْتَ أُولَى بِالْفَضْلِ فَكُنْ أُولَى به ثناگوئی خویش عادت داده ای گنگ مساز، و همان گونه که به فضل ابتداکننده بوده ای، پس بِالْإِحْسَانِ؛ النَّاصِيَهُ بِيَدِكَ، وَالْوَجْهَ صَانٍ لَكَ، وَالْخَيْرُ مُتَوَقَّعٌ مِنْكَ، به احسان و نیکی آغازکننده باش، زمام امر به دست تو است، و چهره خوار است برای تو، و خیر و خوبی از تو انتظار می رود، وَالْمَصِيرُ عَلَى كُلِّ حَالٍ إِلَيْكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْعَامَّةِ مُحَمَّدٍ، و به هر حال بازگشت همه به سوی تو است. خداوندا؛ درود فرست بر آن پیامبر اُمّی (حضرت) مُحَمَّدُ صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَالْهَاشِمِيُّ أَحْمَدُ، وَالنَّبِيُّ الْعَاقِبُ، وَالرَّسُولُ الْعَرَبِيُّ الْمَكِّيُّ که نسب هاشمی دارد و نامش احمد است، پیامبری که جانشین نیکوی گذشتگان و آخرین آنان است، و فرستاده و رسولی که از نژاد عرب، اهل مکه

الْمَدَنِيِّ، السَّرَاجِ الْمُضَيِّءِ، السَّيِّدِ الْكَمِيِّ الْحَمِيِّ الْبَهِيِّ الْوَضِيِّ (او) چراغ فروزنده، سرور دلیر، حمایتگر، خوش سیم، نورانی الرَّضِيِّ السَّخِيِّ التَّقِيِّ، صَاحِبِ الْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ، الْمَدْفُونِ فِي پَسَنَدِيدِهِ، سَخَاوَتَمند، پرهیزکار، صاحب متانت و بردباری و آرامش، مدفون در الْمَدِينَةِ، الْعَبِيدِ الْمُؤَيَّدِ، وَالرَّسُولِ الْمُسَيَّدِ، وَالْمُضِيَّ طَفَى الْأَمَّيْدِ، شهر (مدینه است،) او (بنده ای مورد تأیید، و فرستاده ای نیکوکردار و استوار، و برگزیده ای باشکوه، أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَى السَّيِّدِ الْمُطَهَّرِ، وَالْإِمَامِ) کَنِيهِ اش (ابوالقاسم) و نام زیبایش (محمد) است. خداوندا؛ و درود فرست بر آن سرور پاک، و پیشوای الْمُظَفَّرِ، وَالشَّجَاعِ الْغَضَنَفَرِ، أَبِي شَبِيرٍ وَشَبْرٍ، الْأَنْزَعِ الْبَطِينِ، پیروزمند، و شجاع شیر بیشه، پدر شبیر و شبیر (حسنین علیهما السلام)، بریده شده از شرک و سرشار از علم و دانش، وَالْأَشْرَفِ الْمَكِينِ، وَالْعَلَمِ الْمُبِينِ، وَالنَّاصِرِ الْمُعِينِ، وَلِيِّ و شرافتمند توانا، و نشانه آشکار، و یار مددکار، و سرپرست الدِّينِ، الْمَرْضِيِّ الْمُخْلِصِ الصَّفِيِّ، الْمَدْفُونِ بِالْغَرِيِّ، لَيْثِ بَنِي دِينَ، مورد رضایت و پسند، باخلاص، باصفا، مدفون در) سرزمین (نجف، شیری از تبار غَالِبٍ، أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ. اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَى شَكْسْتِ نَازْدِیران،) او که کَنِيهِ اش (ابوالحسن) و نام مبارکش (علی بن ابی طالب) است. خداوندا؛ و درود فرست بر آن السَّيِّدِ الْعَجَلِيلِ الْكَرِيمِ النَّبِيلِ، ذَاتِ الْمَخْزَانِ الطَّوِيلِ فِي بَانَوِي عَظِيمِ الشَّأْنِ بَزْرْگوار گرامی، صَاحِبِ غَمِّ هَا وَ غَضِّ هَا ی طَوَلَانِی در الْمَدِينَةِ الْقَلِيلِ، الْمَدْفُونِ سِوَرًا، الْمَغْضِيِّ وَبِهِ جَهْرًا، الْمَجْهُولِ هَمْدٍ كَوْتَاهِ (عمر)، مَظْلُومِ هِ ای که پنهان دفن شد، و آشکارا حَقِّش را غَصَب کردند، قَدْرًا، الْمَخْفِيَّ قَبْرًا، الْإِنْسِيَّ الْحَوْرَاءِ، فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ. اللَّهُمَّ قَدْر و ارزش او ناشناخته، قَبْرِش مخفی ماند، او که حَوْرِيَّه و فرشته ای از لباس انسان،) و نام مقدَّسش (فاطمه زهرا) است. خداوندا؛ وَصِّلْ عَلَى السَّيِّدِ الْمُجْتَبَى، الْإِمَامِ الْمُزْتَجَى، سِوَرِطِ الْمُصْطَفَى، و درود فرست بر سرور برگزیده، پیشوایی که دلدادگان به او چشم امید دارند، سبط پیامبر مصطفی،

وَلَدِ الْمُزْتَضَى، الشَّفِيعِ ابْنِ الشَّفِيعِ، الْمَقْتُولِ بِالسَّيْفِ، فرزند علی مرتضی، شفاعت کننده فرزند شفاعت کننده، آنکه با زهر کشنده به شهادت رسید، الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ الْبَقِيعِ، الْعَالِمِ بِالْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ، صاحب در سرزمین بقیع دفن گردید، دانا و آگاه به همه واجبات و مستحبات، دارنده الجود و المین، اَبی مُحَمَّدِنِ الْحَسَنِ. اَللّهُمَّ وَصِّلْ عَلَی السَّيِّدِ جُودَ وَ بَخْشِشَ وَ احْسَنَ، (کنیه اش) ابو محمّد (و نام مبارکش) (حسن) است. (خداوندا؛ و درود فرست بر آن سرور الزاهد،) (و) (الإمام العابد، الرَّاکِعِ السَّاجِدِ، قَتِيلِ الْكَافِرِ الْجَاهِلِ، زاهد و پیشوای عابد، او که به حق برای خدا رکوع و سجده کرد، به دست کافری که منکر حق بود به شهادت رسید، صاحب المَحَنَةِ وَالْبَلَاءِ، الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ كَرْبَلَاءَ، مَوْلَى الثَّقَلَيْنِ، صاحب غم و اندوه و بلا، دفن شده در سرزمین کربلا، مولای دو جهان اَبی عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ. اَللّهُمَّ وَصِّلْ عَلَی اَبی الْأَيْمَنِ، وَسِرَاجِ) حضرت (اباعبدالله امام حسین علیه السلام. خداوندا؛ و درود فرست بر پدر امامان، و چراغ فروزان الامّه، وَكَاشِفِ الْغَمِّ، وَمُخَيِّ السُّنَنِ، وَوَلِيِّ النِّعَمِ، وَسَيِّدِ أُمَّتِ، و برطرف کننده غم و اندوه، و زنده کننده سنت، و صاحب نعمت، و بالهِمَّ، وَرَفِيعِ الرُّتْبَةِ، وَصَاحِبِ النُّدْبَةِ، الْمَدْفُونِ فِي أَرْضِ هَمَّتْ بَلَدِ، و مرتبه والا، و دارنده ندبه ها و ناله ها، دفن شده در سرزمین طیبه، زَيْنِ الْعَابِدِينَ، عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ. اَللّهُمَّ وَصِّلْ عَلَی قَمَرِ پَاكِ (مدینه)، زینت عبادت پیشه گان،) حضرت (علی بن الحسین علیهما السلام. خداوندا؛ و درود فرست بر ماه الاقمار، وَنُورِ الْأَنْوَارِ، وَسَيِّدِ الْأَبْرَارِ، وَقَائِدِ الْأَخْيَارِ، الإمام ماه رویان، و روشنی روشنی ها، و سرور نیکان، و رهبر خوبان، پیشوای الْوَجْهِ، الْمَدْفُونِ عِنْدَ جَدِّهِ وَأَبِيهِ، الْجَبْرِ الْمَلِیِّ عِنْدَ الْعَدُوِّ آبرومند، دفن شده در کنار جدّ و پدرش، دانشمند سرشار از علم و دانش نزد دشمن وَالْوَلِیِّ، اَبی جَعْفَرِ الْبَاقِرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ. اَللّهُمَّ وَصِّلْ عَلَی وَدُوسْتِ، ابو جعفر امام باقر) حضرت (محمّد بن علی علیهما السلام. خداوندا؛ و درود فرست بر آن

الصَّادِقِ الصِّدِّيقِ، الْعَالِمِ الْوَثِيقِ، الْحَلِيمِ الشَّفِيقِ، الْهَادِي إِلَى رَاسْتِ كَفْتَارِ دَرَسْتِ كَرْدَارِ، دَانَايِ مُورِدِ اطمینان، بَرْدِبَارِ دِلْسُوزِ، هِدَايَتِگَرِ بِلِ الطَّرِيقِ، سَاقِي شِيعَتِهِ مِنَ الرَّحِيقِ، وَمُبْلَغِ أَعْدَائِهِ إِلَى الْحَرِيقِ، رَاهِ مَسْتَقِيمِ، سِيرَابِ كُنُنْدِه شِيعِيَانَشِ اَزِ شَرَابِ خَالِصِ، وَ رَسَانْدِه دَشْمَنَانَشِ بِلِ طَرَفِ آتَشِ، صَاحِبِ الشَّرَفِ الْبَدِيعِ، وَالْفَضْلِ الْجَمِيعِ، الَّذِي شَرَّفَتْ بِجَسَدِهِ صَاحِبِ شَرَاْفَتِي عَالِي وَ فِضِيلَتِي جَامِعِ، (كَسِي) كِه بَا جِسْمِ الطَّاهِرِ أَرْضِ الْبَقِيعِ، الْإِمَامِ الْمُمَجِّدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ پَاكِ اَوِ سِرْزَمِينِ بَقِيعِ شَرَاْفَتِ يَافَتِ، پِشَوَايِ بَاعِظْمَتِ (حُضْرَتِ) اَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ. اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ السَّيِّدِ الْكَرِيمِ، وَالْإِمَامِ الْحَلِيمِ، مُحَمَّدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. خُداوَنْدَا؛ وَ دُرُودِ فَرَسْتِ بَرِ سِرُورِ بَزَرْگَوَارِ، وَ پِشَوَايِ بَرْدِبَارِ، الصَّابِرِ الْكَظِيمِ، سَيِّمِي الْكَلِيمِ، قَائِدِ الْجَيْشِ، الْمَدْفُونِ بِمَقَابِرِ شَكِيَايِ كِه خُشْمِ خُودِ رَا فَرُومِي نِشَانِيدِ، هِمْنَامِ مُوسَايِ كَلِيمِ، زِمَامِدَارِ وَ سِرْدَارِ لَشَكْرِ، دَفِنِ شُدِه دَرِ مَقْبَرِه هَايِ قُرَيْشِ، صَاحِبِ الْمَحَلِّ الْأَنْوَرِ، وَالشَّرَفِ الْأَظْهَرِ، أَبِي إِبْرَاهِيمَ قُرَيْشِ، دَارَايِ جَايِگَاھِي نُورَانِي، وَ شَرَاْفَتِي دِرْخْشَانِ، (حُضْرَتِ) اَبَا اِبْرَاهِيمَ مُوسَايِ بْنِ جَعْفَرٍ. اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ الْإِمَامِ الْمُعْصُومِ، وَالْغَرِيبِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. خُداوَنْدَا؛ وَ دُرُودِ فَرَسْتِ بَرِ اِمَامِ مُعْصُومِ، وَ غَرِيبِ الْمُظْلُومِ، وَالشَّهِيدِ الْمَسْمُومِ، وَالْقَتِيلِ الْمَرْحُومِ (الْمَحْرُومِ)، سَتْمَدِيدِه، وَ شَهِيدِ مَسْمُومِ شُدِه، وَ كُشْتِه شُدِه اِي كِه مُورِدِ رَحْمَتِ وَاقِعِ شُدِه) اَزِ حَقِّ خُودِ مَحْرُومِ گُشْتِه (وَالْعَلِيمِ الْمَكْتُومِ، وَالْبَدْرِ بَيْنَ النُّجُومِ، شَمْسِ الشُّمُوسِ، وَأَنْبَسِ وَ دَانَائِي كِه اَزِ اسْرَارِ نِهَانِ آگَاھِ بُوْدِ وَ دَمِ نَمِي زِدِ، وَ مَاھِ دِرْخْشَانِ دَرِ مِیَانِ سِتَارِگَانِ، خُورْشِيدِ خُورْشِيدِهَا، وَ هِمْدَمِ النَّفُوسِ، الْمَدْفُونِ فِي أَرْضِ طُوسِ، الرَّضِيِّ الْمُرْتَضَى، السَّيِّدِجَانِ هَا، كِه پِیْکَرِ پَاکَشِ دَرِ سِرْزَمِينِ طُوسِ مَدْفُونِ گَرْدِيدِ، (اَوِ) مَايِه خُشْنُودِي وَ پِسَنْدِيدِه، سِرُورِي الْمُجْتَبَى، وَالْإِمَامِ الْمُرْتَجَى، أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بَرِگَزِيدِه، وَ پِشَوَائِي بُوْدِ كِه هِمْگَانِ چِشْمِ اَمِيدِ بِلِ دَرِگَاھَشِ دَاشْتِه وَ دَارَنْدِ، (حُضْرَتِ) اَبَا الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى

الرَّضَا. اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَى الْإِمَامِ الْعَالِمِ الْعَامِلِ، وَالشَّجَاعِ الرِّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَام. خداوندا؛ و درود فرست بر آن دانای عمل کننده، و شجاع الکامل، اَلْمَذْكُورِ فِي الْهِدَايَةِ وَالرَّشَادِ، جَوَادِ الْمَاجِدِ، اَلْأَخِذِ كَامِلٍ، آنکه عهده دار هدایت و رهبری خلق، و در میان بخشنده ها بخشنده تر، دستگیر من شیعتیه بِالْأَعْضَادِ عِنْدَ قِيَامِ الْأَشْهَادِ، اَلْمَدْفُونِ بِأَرْضِ بَغْدَادَ، شیعیانش در محشر و روز رستاخیز در حضور حاضران است، و پیکر پاکش در سرزمین بغداد مدفون گشت، اَلْإِمَامِ الْهَاشِمِيِّ، وَالنُّورِ الْأَخْمَدِيِّ، اَلْمُلَقَّبِ بِالتَّقِيِّ، اَلْمُكَنَّى آن پیشوای هاشمی نسب، و نور تابان از سلسله احمد، که لقب مبارکش تقی، و کنیه اش بابی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ. اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَى الْإِمَامَيْنِ ابَا جَعْفَرٍ، (حضرت) مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ اِمَامِ جَوَادِ عَلَيْهِ السَّلَام. خداوندا؛ و درود فرست بر دو پیشوای الْعَالَمَيْنِ، اَلْأَعْلَمَيْنِ النَّقِيِّينِ، اَلسَّيِّدَيْنِ الْفَاضِلَيْنِ الْجَبْرَيْنِ، دانا، دو پرچم هدایت، دو مهتر سرور، دو فاضل دانشمند، وارثی الْمَشْعَرَيْنِ، وَأَهْلِي الْحَرَمَيْنِ، كَهْفَيِ التَّقَى، وَذَخِيرَتِي دو وارث مشعر و منی، و دو اهل مکه و مدینه، دو اسطوانه تقوا، و دو ذخیره الْوَرَى، طَوْدَيِ النَّهْيِ، اَلْمَدْفُونَيْنِ بِسِرِّ مَنْ رَأَى، كَافِي الْمَحَنِ، برای روز نیاز مردم، دو کوه عقل و خرد، دو مدفون گشته در سامراء، دو کفایت کننده غم ها و غصه ها، أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَأَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ. (حضرت) ابا الحسن عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَام و (حضرت) ابا مُحَمَّدِ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَام. اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَى الدَّعْوَةِ النَّبَوِيَّةِ، وَالْأُصُولِ (وَالصُّوْلَةِ) خداوندا؛ و درود فرست بر صاحب دعوت نبوی، و حمله های الْحَيِّدَرِيَّةِ، وَالشُّهْبِ الْفَاطِمِيَّةِ، وَالصَّلَاةِ الْحَسَنِيَّةِ، وَالشُّجَاعَةِ حِيدَرِي، و درخشش فاطمی، و نیایش حسنی، و شجاعت الْحُسَيْنِيَّةِ، وَالْعِبَادَةِ السَّجَادِيَّةِ، وَالْمَآثِرِ الْبَاقِرِيَّةِ، وَالْآثَارِ حُسَيْنِي، و عبادت و پرستش سَجَادِي، و مفاخر باقری، و آثار

الْجَعْفَرِيَّةَ، وَالْعُلُومَ الْكَاطِمِيَّةَ، وَالْحَجَّجَ الرَّضَوِيَّةَ، وَالشُّرُوحَ جَعْفَرِيَّ، وَعِلْمَ وَدَانِشَ كَاطِمِيَّ، وَحُجَّتَ هَا وَدَلَائِلَ رِضَوِيَّ، وَبَيَانَاتِ الْجَوَادِيَّةِ، وَالسِّيَرَةَ الْهَادِيَّةِ، وَالْهَيِّبَةَ الْعَسْكَرِيَّةَ، الْقَائِمَ بِالْحَقِّ، جَوَادِيَّ، وَسِيرَهُ وَرُوشَ هَادِيَّ، وَهَيْبَتَ عَسْكَرِيَّ، أَنْ قِيَامَ كُنُنْدَهُ بِهَ حَقِّ، وَالْدَّاعِيَ إِلَى الصَّدَقِ، كَلِمَهُ اللَّهِ، أَمَانِ اللَّهِ، حُجَّجَهُ اللَّهُ، الْقَائِمَ وَفِرَاخَوَانُنْدَهُ بِهَ صَدَقِ وَرَاسْتِي، نَشَانَهُ خُدَا، اَمَانِ خُدَا، حُجَّتَ خُدَا، بِپَا دَارُنْدَهُ بِالْقِسْطِ اللَّهُ، اَلْذَّابَّ عَنْ حَرَمِ اللَّهِ، اَلثَّاصِرِ لِإِدِينِ اللَّهِ، اَلْحُجَّجَهُ بِنِ عَدَلِ وَدَادِ اَلْهِيَّ، دِفَاعَ كُنُنْدَهُ اَزِ حَرِيمِ پُرُورِدِ گَارِ، يَارِي كُنُنْدَهُ دِينَ خُدَا،) حَضْرَتِ (حُجَّتَ فِرَزَنْدِ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ اِمَامِ حَسَنِ عَسْكَرِيَّ فِرَزَنْدِ اِمَامِ هَادِيَّ فِرَزَنْدِ اِمَامِ جَوَادِ فِرَزَنْدِ اِمَامِ رِضَا فِرَزَنْدِ اِمَامِ كَاطِمِ فِرَزَنْدِ اِمَامِ صَادِقِ فِرَزَنْدِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ اَلْحُسَيْنِ، اَخِي اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ، اِمَامِ بَاقِرِ فِرَزَنْدِ اِمَامِ سَجَّادِ فِرَزَنْدِ اِمَامِ حَسَنِ،) وَ(اَو) (بِرَادِرِ اِمَامِ حَسَنِ فِرَزَنْدِ) حَضْرَتِ (عَلِيَّ بْنِ اَبِي طَالِبِ اسْتِ، اَخِي رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ بْنِ هَاشِمِ،) وَ(اَنَ حَضْرَتِ (بِرَادِرِ رَسُولِ خُدَا) حَضْرَتِ (مُحَمَّدِ فِرَزَنْدِ عَبْدِ اللَّهِ فِرَزَنْدِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فِرَزَنْدِ هَاشِمِ مِي بَاشَدِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. اَللَّهُمَّ بِحَقِّهِمْ اَتَوْسَلُ إِلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ دُرُودَ وَ صَلَوَاتِ خُدَاوُنْدِ بِرِ هَمِّ اَنَانِ بَادِ. خُدَاوُنْدَا؛ بِهَ حَقِّ اِيشَانِ بِهَ دِرْگَاهَتِ تَوْسَلِ مِي جَوِيمِ كِهَ بِرِ اَنَانِ دُرُودِ فِرُسْتِي، عَلَيْهِمْ، وَأَنْ تَزِيحَ غُرَيْتِي فِي الدُّنْيَا، وَصِيْرَعَتِي عِنْدَ الْمَيُوتِ، وَرَحِمَ كُنِي بِرِ غُرَيْتِ وَ تَنْهَائِي مِنْ دِرْ دُنْيَا، وَ بِرِ زَمِينِ اِفْتَادَنْمِ هَنْگَامِ مِرْگِ، وَوَحْشَتِي فِي الْقَبْرِ، وَذُلَّ مَقَامِي إِذَا عَرَضْتُ عَلَيْكَ. اَللَّهُمَّ لَكَ وَوَحْشَتَمِ دِرْ قَبْرِ، وَ ذَلِيلَانَهُ اِيسْتَادَنْمِ دِرْ پِيشْگَاهَتِ هَنْگَامِي كِهَ بِرِ تُو وَارِدِ گِرْدَمِ. خُدَاوُنْدَا؛ تُو رَا اَلْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمَدْتَ بِهَ نَفْسَكَ، وَحَمَدَكَ بِهَ اَلْحَامِدُونَ، سَتَايشِ مِي كُنَمِ مَانَنْدِ اَنُچِهَ بِهَ اَنَ خُودِ رَا سَتُودَهُ اِي، وَ سَتَايشِ كُنُنْدِگَانِ بِهَ اَنَ تُو رَا سَتُودَهُ اِنْدِ، وَمَجْدَكَ بِهَ اَلْمُجْدُونَ، وَكَبْرَكَ بِهَ اَلْمُكَبَّرُونَ، وَعَظَمَكَ بِهَ وَ ثَنَاگوِيَانِ تُو رَا بِهَ اَنَ ثَنَا كُفْتَهُ اِنْدِ، وَ بَزْرَگِ دَارَنْدِگَانِ تُو رَا بِهَ اَنَ بَزْرَگِ دَاشْتَهُ اِنْدِ، وَ

الْمُعْظَمُونَ حَتَّى يَكُونَ لَكَ مِنِّي وَخَيْدِي فِي كُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ وَاصِلًا تَعْظِيمُ كُنُودِ كَانِ تُو رَا بَه آن تَعْظِيمُ نَمُودَه اَنَد تَا آنَكِه بَرَسَد بَرَا تُو تَنَهَا اَز طَرَف مَن دَر هَر چَشَم بَهَم زَدَنِي مِّنْ حَمْدِكَ مِثْلَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ، وَتَوْحِيدِ أَصْنَائِ الْمُخْلِصِينَ، اَز سَتَايش هَمِه سَتَايش كُنُودِ كَانِ، وَ تَوْحِيدِ هَمِه اَهْل اَخْلَاص، وَتَقْدِيسِ أَجْنَاسِ الْعَارِفِينَ، وَثَنَاءِ جَمِيعِ الْمُهَلِّلِينَ، وَمِثْلَ مَاوِ تَقْدِيسِ وَ مَنَزَّه دَانَسْتَن هَمِه اَهْل عَرَفَانِ، وَ ثَنَاگوئی هَمِه تَهْلِيلِ كُنُودِ كَانِ يَعْنِي «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» گُویَانِ، وَ مَانَسَدِ آنچِه اَنْتَ بِه عَارِفٌ وَمَحْجُوبٌ مِّنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ مِنَ الْحَيَوَانِ، تُو بَه آن عَارِفِ وَ اَشْنَائِي وَ اَز هَمِه آفَرِيدِ گَانَتِ اَز زَنَدِ گَانِ مَحْجُوبِ وَ پَنَهَانِ اَسْتِ، وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي بَرَكَه مَا أَنْطَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ، فَمَا أُسَيِّرَ مَاوِ بَا التَّمَّاسِ اَز تُو مِي خَوَاهَمِ دَر بَرَكْتِ دَادَنِ آنچِه بَه آن زَبَانِمِ رَا گُویَا سَاخْتِي اَز سَتَايشْتِ، پَس چِه اَنَدَكِ اَسْتِ آنچِه كَلَفْتَنِي مِّنْ حَقِّكَ، وَأَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي عَلَى شُكْرِكَ، اِبْتِدَأْتَنِي مَرَا تَكْلِيفِ نَمُودَه اِي اَز حَقِّ خُودِ، وَ چِه عَظِيمِ وَ بَسِيَّارِ اَسْتِ آنچِه مَرَا وَعَدَه فَرَمُودَه اِي بَر شُكْرِ گَزَارِيْتِ، تَوْبِالنَّعْمِ فَضْلًا وَطَوْلًا، وَأَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَقًّا وَعَدْلًا، وَوَعَدْتَنِي بِه لُطْفِ وَ اِحْسَانِ اِبْتِدَا كَرْدِي بِه نَعْمَتِ هَا، وَ بَه حَقِّ وَ عَدَلِ دَسْتُورِ دَادِي مَرَا بَه شُكْرِ گَزَارِي، وَ وَعَدَه كَرْدِي عَلَيْهِ أَضْعَافًا وَمَزِيدًا، وَأَعْطَيْتَنِي مِنْ رَأْفَتِكَ وَاسِعًا كَثِيرًا، كِه بَرِ اَن بِيْفَزَائِي وَ نَعْمَتِ رَا چِنْدِ بَرَابَرِ كَنِي، وَ اَز رُويِ مَهْرَبَانِي عَطَايِ بَسِيَّارِ بَه مَن نَمُودِي، وَسَأَلْتَنِي مِنْهُ يَسِيرًا صَغِيرًا، وَاضْطَفَيْتَ مُحَمَّدًا بِأَعْظَمِ الشَّانِ، وَ دَر مَقَابِلِ اَز مَن دَر خَوَاسْتِي اَنَدَكِ وَ آسَانِ فَرَمُودِي، وَ (حَضْرَتِ) مُحَمَّدِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَمِ رَا بَرَايِ بَزَرِ گَستَرِنِ مَأْمُورِيَّتِ بَرِ گَزِيدِي، وَأَوْجِبْتَ بِهِ وَبِعِزَّتِهِ الْأَمَانَ، فَحَقَّقْتَهُمْ عَلَيْكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي وَ بَه وَجُودِ او وَ عَتَرْتِ پَاكَشِ مَرْدَمِ رَا اَز اَمَنِ وَ اِمَانِ بَرِ خُورْدَارِ سَاخْتِي، پَس بَه حَقِّي كِه ايشَانِ بَرِ تُو دَارِنْدِ اَز تُو مِي خَوَاهَمِ كِه بِيَا مَرَزِي مَا لَا يَسِيْرُهُ إِلَّا مَغْفِرَتُكَ، وَلَا يَلْحَقُهُ إِلَّا عَفْوُكَ، فَلَيْسَ لِأَمْرِكَ نَسَبَتِ بَه مَن آنچِه جَزِ مَغْفِرَتِ وَ اَمْرُشِ تُو اَن رَا فَرَا گِيرِ نِيَسْتِ، وَ جَزِ عَفْوِ وَ گَزْدَشْتِ تُو اَن رَا مَلْحَقِ نَمِي سَازَدِ، پَس اَمْرِ وَ فَرْمَانِ تُو رَا مُدْفِعِ، وَلَا عَنْ قَضَائِكَ مُتَمَتِّعِ، فَبِكَ أَصُولُ عَلَى الْأَعْيَادِ، هِيْجِ دَفْعِ كُنُودِه اِي، وَ حَكْمِ وَ خَوَاسْتِه اَتِ رَا هِيْجِ بَا زِدَارِنْدِه اِي نِيَسْتِ، پَس بَه وَسِيْلَه تُو بَرِ دَشْمَنَانِ هَجُومِ آوَرْدِه وَ حَمْلَه مِي كَنَمِ،

وَمِنْكَ أَرْجُو وَلَايَةَ الْأَحْبَاءِ، فَمَا أَكْثَرَ مَا أُؤَلِّتُ مِنْ عَوَائِدِ دُوسْتِي دُوسْتَانِ رَا اَز تُو اَمِيد دَارَم، چِه بَسِیَار اَسْت اَنچِه اَحْسَان کَرده ای از عطاهاى اِفْضَالِکَ، وَأَعْطَيْتَ مِنْ أَلْوَانِ اِرْفَادِکَ، لَا- إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، تَرَدَّدِیتْ فِرَاوَانَتِ، و بَخْشِیدِه ای از بَخْشِش های گوناگونَت، خَدَائِی و مَعْبُودِی جَز تُو نِیَسْت، اَلْمَحِیدُ بِالْعِزِّ، وَتَعْظُمْتُ (تَغَطَّيْتُ) اَلْعِزُّ بِالْکِبْرِیَاءِ، وَتَزَيَّنْتُ جَامِه بزرگی و شکوه پوشیدی به وسیله قدرت و اقتدار، و لباس عَزَّتْ به تَن کَرْدِی به وسیله کِبْرِیائِیتِ، و زینَتِ الْکِبْرِیَاءِ بِالنُّورِ، وَتَغَشَّيْتُ النُّورَ بِالْبَهَاءِ، وَتَجَلَّلْتُ الْبَهَاءَ کِبْرِیائی یافتی به وسیله نور، و پرده ای از نور بر خود افکندی به وسیله زیبائی، و جلالی از بهاء یافتی بِالْمَهَابَةِ، لَعَنَکَ اَلْمَنْ اَلْبَارِخُ، وَالسُّلْطَانُ السَّامِخُ، وَالجُودُ الْوَاسِعُ، به وسیله هیبت، مَنَّتْ و نَعْمَتِ بزرگ، و سُلْطَنَتِ شامخ و والا، و جُود و بَخْشِش گسترده از آن تُو اَسْت، اِذْ خَلَقْتَنی سَیِّمِعاً بَصِیراً صَحیحاً سَوِیّاً سَالِماً مُعَافاً، لَمْ تَشْغَلْنِی کِه مَرَا شَنَوَا، بَیْنَا، صَحیح، مَعْتَدِل (رَاسْت قَامَت)، اَسْتَوَار، سَالِم و بَاعَافِیت آفریدی، مَرَا بَافِی نَقْصَانٍ مِنْ بَدَنِی، وَلَمْ تَمْنَعْ کَرَامَتِکَ اِیَّایَ، وَفَضَّلَ مَنَاجِحَکَ کَمْبُود و نَقْصِ بَدَنِی مَشْغُول نَدَاشْتِی، و کَرَامَت و بزرگواری، و بَخْشِش های فِرَاوَانَتِ رَا اَز مَن دَرِیغ نَفَرمودی، عَلَیَّ، اِذْ وَسَّعَتْ عَلَیَّ الدُّنْیَا، وَجَعَلَتْ لِی سَیِّمِعاً یَعْقِلُ اِیَاتِکَ، چُون دُنْیَا رَا بَر مَن فَرَاخ گَرْدَانِیدِی، و بَرای مَن گُوشِی شَنَوَا قَرَار دادِی (تا بَشَنُود) و دَر اِیَاتِ اَندِیشِه کُند، وَبَصَیْراً یَرِی قُدْرَتِکَ، وَفُؤْداً یَعْرِفُ، وَأَنَا بِفَضْلِکَ حَامِدٌ لَکَ، و دِیدِه ای عَنایت کَرْدِی تا قَدَرَتِ رَا بَنگَرْد، و قَلْبِی کِه بَشَناسْد، و مَن بِه فَضْل و اَحْسَان تُو سَتایشگَر تُوأم، وَنَفْسِی شَاکِرَةٌ بِحَقِّکَ، شَاهِدَةٌ بِأَنَّکَ حَتَّى قَبْلَ کُلِّ حَتَّى، وَحَتَّى وَجَان مَن بِه حَقِّ تُو شَکَرگزار اَسْت، و گِوَاه بِه اِینکِه تُو زَنده ای پِیش اَز هَر زَنده، و زَنده ای بَعْدَ کُلِّ مِیَّتِ، وَحَتَّى تَرِثُ الْأَحْیَاءَ، لَمْ تَقْطَعْ خَیْرَکَ عَنِّی فِی کُلِّ پَس اَز هَر مَرْدِه، و زَنده ای کِه اَز زَنَدگان ارْث می بَرِی، هَرگَز خَیْرَتِ رَا اَز مَن دَر هَر وَقْعَتِ، وَلَمْ تُنْزِلْ فِی عُقُوبَاتِ النِّقَمِ، وَلَمْ تُغَيِّرْ عَلَیَّ دَقَائِقَ الْعِصَمِ، وَتُو زَمَانِی نَبْرِیدِی، و کِیْفَر و اَنتِقَامَتِ رَا بَر مَن فِرُود نِیاوردِی، و حَفْظ و نَکْهَداری های اَشکار رَا بَر مَن دَگَرگُون نَنمودِی،

فَلَمْ لَمْ أَفَكَّرْ مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَّا فِي عَفْوِكَ عَنِّي، وَالْإِسْتِجَابَةِ لَكَ مِنْ أَحْسَانٍ وَنِيكِي تَوْجِزٍ فِي عَفْوٍ وَچشم پوشی ات از من، و اجابتِ اِستِغاثی حَتَّى رَفَعْتُ رَأْسِي بِتَوْحِيدِكَ وَتَمْجِيدِكَ، وَإِلَّا فِي دَعَائِمِ كِه به توحید تو و ثناگوئی تو مرا سربلند ساخته فکر نمی کردم، و جز در تقدیرِ حَظِّی حِينَ صَوَّرْتَنِي، فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي فِي تَقْدِيرِ بَهِرِه ام هنگامی که صورت آفرینی کردی، و نقش مرا نیکو آفریدی نمی اندیشیدم، رَزَقِي، فَفِي ذَلِكَ مَا يَشْغَلُ شُكْرِي عَلَى جَهْدِي، فَكَيْفَ إِذَا هَمِينِ كَافِي بود که از شکر تو ناتوان باشم، پس چگونه است زمانی که فَكَّرْتُ فِي النِّعَمِ الْعِظَامِ الَّتِي أَتَقَلَّبُ فِيهَا، وَلَا أَبْلُغُ شُكْرَ شَيْءٍ فِي دَرِ آن غوطه ورم فکر کنم؟ که هرگز به شکر چیزی از آن نمی رسم. مِنْهَا. فَلَمَّكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا حَفِظَهُ عِلْمُكَ، وَأَحَاطَتْ بِهِ قُدْرَتُكَ، پس سپاس و ستایش از آن توست به عدد آنچه حفظ کرده آن را علم تو، و احاطه دارد به آن قدرت تو، وَوَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَمِّمْ إِحْسَانَكَ فِيمَا وَفَرَكَ أَنْتَ، پس درود فرست بر محمد و آل او، و احسانت را در آنچه بقی کما أَحْسَنْتَ فِيمَا مَضَى، فَأَيْنِ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِتَوْحِيدِكَ مَانَدِه کامل کن همان گونه که در گذشته احسان فرمودی، همانا من به درگاهت تَوَسَّلُ می جویم به واسطه اعتقاد به یکتائیت، وَتَمْجِيدِكَ وَتَهْلِيلِكَ وَتَكْبِيرِكَ وَتَعْظِيمِكَ وَنُورِكَ وَرَأْفَتِكَ وَبِه ثناگوئی ات و نفی عبودیت و الوهیت از غیر تو، و به بزرگداشت و تعظیمت و نور و رأفت، وَرَحْمَتِكَ وَعُلُوِّ قَارِكَ وَجَمَالِكَ وَمَنْنِكَ وَكَمَالِكَ وَجَلَالِكَ وَرَحْمَتِكَ وَمَنَانِكَ وَالْجَمَالَ وَنِعْمَتِكَ وَكَمَالَ وَبِزَرگی وَسُلْطَانِكَ وَقُدْرَتِكَ وَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَعِزَّتِهِ الطَّاهِرِينَ، أَنْ وَ سُلْطَنَتِ وَ قُدْرَتِ، وَ به پیامبرت و عترت پاک او که لَا تَحْرِمْنِي فَوَائِدَكَ وَمَوَاهِبَكَ، فَإِنَّهُ لَا تَعْتَرِيكَ لِكَثْرَةِ مَا يَسَّرَتْ لِي مِنْ عَطَايَا وَبَخْشِشِ هَايَتِ مَحْرُومِ نِگَرْدَانِ، زیرا که بر تو به خاطر زیادی

مِنَ الْعَطَايَا عَوَیْتُ الْبُخْلَ، وَلَا يَنْقُصُ جُودُكَ التَّقْصِيرُ فِي شُكْرِ عَطَا وَبَخْشِشِ بُخْلِي كَهَ بَازِدَارِنْدَه اسْت عَارِض نَمِی شُود، وَ كُوتَاهِی كَرْدَن دَر شُكْر نَعْمَتِ از جُود تُو نَمِی كَاهِد، نِعْمَتِكَ، وَلَا تُؤَثِّرُ فِي جُودِكَ الْعَظِيمِ نَحْلُكَ الْفَآئِضَهُ الْجَلِيلَةَ، وَ دَر جُود وَ بَخْشِشِ عَظِيمِ تُو عَطَای فَرَاوَانِ تُو كِه بَه سُوی خَلْقِ سِرَازِیِرِ اسْت اَثَرِ نَمِی كَظَارِد، وَلَا تَخَافُ ضَمِيمَ إِفْلَاقٍ، فَوَسِيلَتِي إِلَيْكَ يَا اللَّهُ التَّوْحِيدُ، وَ ذَرِيعَتِي وَ تُو هَر كَزِ از تَنگدَسْتی بَیْمِ نَدَارِی. خُداوَنْدَا؛ وَ سَیْلَه مَن بَه سُوی تُو تَوَحِيد، وَ دَسْتِ آوِیَزِ مَن أَنِّي لَمْ أُشْرِكْ بِكَ شَيْئًا، فَاعْفِرْ لِي مَا يَنْهَهُمَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عَشِيرُكَ نَوْرِزِيدَن بَه تُو اسْت، پَسِ آنچِه بَیْنِ اِیْنِ دُو (از خَطَا وَ اَشْتَبَاه) دَارَمِ بَیَاْمَرْزِ كِه تُو بِرِ هَر چِیْزِ قَدِيرُ. اِلَهِي مَا فِي جِسْمِي شَعْرَةٌ نَابِتَةٌ إِلَّا وَ تَحْتَهَا نِعْمَةٌ ثَابِتَةٌ. تَوَانَا هَسْتِي. خُدايِ مَن؛ دَر جِسْمِ مَن مَوْتِي نَرُوئِيْدَه مَكْرِ آنكِه دَر زَیْرِ اَن نَعْمَتِي ثَابِتِ اسْت. اِلَهِي اَنْتَ الْحَيُّ الْوَادُّ الْلطِيفُ وَ اَنَا الْفَقِيرُ الضَّعِيفُ. اِلَهِي اِنَّ الْكَرِيمَ مَعْبُودًا؛ تُو بَخْشِنْدَه وَ بَسِيَارِ لَطْفِ كُنْدَه اِي وَ مَن فَقِيرِ وَ نَاتَوَانَمِ. خُدايِ مَن؛ هِمَانَا شَخْصِ كَرِيمِ وَ بَزَرْگَوَارِي مَنَا لِيَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَهُ، فَكَيْفَ لَا تَعْفُو عَمَّنْ لَمْ يَظْلِمْكَ وَ اِنَّمَا كِه دَر مِیَانِ مَا هَسْتِ از كَسِي كِه بَه اُو سَتَمِ كَرْدَه كَظْشْتِ مِي كُنْد، پَسِ چِگونَه تُو از كَسِي كِه بَه تُو سَتَمِ نَمُودَه، بَلَكِه ظَلَمَ نَفْسَهُ، وَ اَنْتَ اُولَى الْمَاكْرَمِينَ بِالْعَفْوِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِتِلْكَ كِه بَه خُویشِ سَتَمِ كَرْدَه كَظْشْتِ نَكْنِي؟ دَر حَالِي كِه تُو از هَمِه اَشْخَاصِ كَرِيمِ سَزَاوَارْتَرِي بَه عَفْوِ كَرْدَن. خُداوَنْدَا؛ از تُو مِي خَوَاهَمِ حُسْنَ شُكْرِكَ، وَ اَسْأَلُكَ بِتِلْكَ لِسَانِي فِي الْاِزْشَادِ لِمَادِحِكَ، كِه شُكْرِگَازِي نِيكُوِيْتِ رَا بَه مَن اِلْهَامِ كُنِي، وَ بَازْشَدَن زَبَانَمِ رَا دَر مَدْحِ وَ ثَنَائِْتِ وَ رَاهَنَمَائِي ثَنَاكُوِيْتِ مَرْحَمَتِ نَمَائِي، وَ اَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي تَسْدِيدِي بِمَا يَكْتَسِبُ مَزِيدَكَ، وَ اَعُوذُ بِكَ وَ نَالَه وَ زَارِي مِي كَنَمِ تَا مَرَا يَارِي كُنِي وَ اسْتَوَارِ سَازِي بَه آنچِه بَاعْثِ مَزِيدِ لَطْفِ تُو مِي كَرْدَد، وَ بَه تُو پَنَاهِ مِي بَرَمِ مِمَّا يَسْتَدْعِي حُلُولَ غَيْرِكَ، فَاعْنِي عَلَى الدُّنْيَا بِالْقَنَاعَةِ، وَ عَلَيَّ از آنچِه فَرَامِي خَوَانَدِ وَ اَرْدِ شَدَن غَیْرِ تُو رَا، پَسِ مَرَا دَر اَمْرِ دُنْیَا بَه وَ سَیْلَه قَنَاعَتِ، وَ دَر الدِّينِ بِالْعَصِيَّةِ وَ الزَّهَادَةِ، وَ اَغْنِنِي بِالْاِفْتِقَارِ إِلَيْكَ، وَ لَا تُفَقِّرْ لِي اَمْرَ دِیْنِ بَه وَ سَیْلَه خُوددَارِي وَ زَهْدِ وَ رَزِيدَن كَمَكِ كُن، وَ مَرَا بَا نِیازْمَنْدِي بَه دَرگَاهْتِ بِي نِیاز، وَ بَا

بِالْإِسْتِغْنَاءِ عَنْكَ، إِنَّمَا أَمْرُكَ إِذَا أَرَدْتَ شَيْئًا أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ بِي نِيازِی از خودت فقیر مگردان، همانا امر تو چنین است که هر گاه اراده کنی چیزی باشدفیکون، فَقُلْ بِرَحْمَتِكَ لِمَا أَمَرْتُكَ أَنْ تَفْعَلَ فِي كُلِّ عَضْوٍ مِنْ مِی باشد، پس به رحمت خویش به اطاعتت بگو که در هر عضوی از اَعْضَائِی، ثُمَّ لَا تُفَارِقُنِي حَتَّى أَلْفَاكَ، وَقُلْ بِرَحْمَتِكَ لِمَعْصِيَتِكَ اعضاءِ من وارد شود، سپس از من جدا نگیرد تا تو را ملاقات نمایم، و به رحمتت به معصیت و نافرمانیت بگو آن تَخْرُجُ مِنْ كُلِّ عَضْوٍ مِنْ اَعْضَائِی، ثُمَّ لَا تُفَرِّقْنِي حَتَّى أَلْفَاكَ، که از هر عضوی از اعضاءِ من خارج گردد، سپس به من نزدیک نشود تا تو را دیدار کنم، وَارْزُقْنِي مِنَ الدُّنْيَا، وَتُزَهِّدْنِي فِيهَا، وَلَا تُزَوِّهَا عَنِّي، وَتُرْعَبْنِي و از دنیا به من روزی کن ولی مرا در آن بی اعتنا گردان، و آن را از من دور مساز، در حالی که مرا فیهَا، یا اللَّهُ یا رَحْمَنُ یا رَحِيمُ، یا مَنْ لَيْسَ لِأَحَدٍ مِنْهُ بُدٌّ وَلَا بِهِ أَنْ مایل و مشتاق فرموده باشی، ای خدا ای بخشنده ای مهربان، ای کسی که برای کسی از او چاره ای نیست، وَلِأَحَدٍ عَنْهُ غِنًى، یا رَازِقَ الْمُقَلِّينَ، وَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ، وَا ذَابِرَای کسی از او بی نیازی نیست، ای روزی دهنده تهیدستان؛ و ای رحم کننده بینوایان؛ و ای دارای الْقُوَّةِ الْكَلِيمَةِ، یا إِلَهَ الْمُؤْمِنِينَ، یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَيْنِی وَثِی اسوار؛ ای معبود معبودان؛ ای مهربانترین مهربانان؛ بِرُحْمَدٍ وَإِلَهِ، وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، یا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَآخِرَ مُحَمَّدٍ و آل او درود فرست، و با من چنان کن که تو شایسته آن هستی، ای پیش از هر ابتدا، و پس از اَلْآخِرِينَ. اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي لِرَفْضِ الْبِدْعِ وَالرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ، وَوَفَّقْنِي از هر انتهاء. خداوندا؛ بر ترك بدعت ها و آراء و عقاید ساختگی مرا موفّق فرما، و به آنچه لِلتی هِيَ أَذْكَى. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَصِفُ وَلَا يُوصَفُ، وَيَعْلَمُ بِأَكْثَرِ وَبِأَكْثَرِ تَوْفِيقِ مَرَحْمَتِ كُن. سپاس خداوندی را که وصف می کند و توصیف نمی شود، و آگاه است وَلَا يَعْلَمُ، أَنْتَ صَاحِبِي فِي كُلِّ شَدِيدَةٍ دَخَلْتُ عَلَيْ، وَلَا أَنْكَرُوْهُ به او آگاهی داده نمی شود، تو در هر سختی که بر من وارد شود یار من هستی، و

فَضْلَكَ لَأَنَّكَ مُفَرِّجُ كُلِّ بَلْوَى، وَلِكُلِّ عَظِيمَةٍ تُدْعَى، وَلِكُلِّ فَضْلٍ وَاحْسَانٍ تُو را انكار نمی كنم؛ زیرا كه تو برطرف كننده هر مصیبت و بلائی، و برای هر امر مهمی خوانده می شوی، و برای هر شدیدۀ توجی، وَإِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ الْمُشْتَكِي، أَنْتَ الْمُزْتَجِي، فَمَامْشَكْلِي به تو امید می رود، و به درگاه تو - ای مولای من؛ - شَكْوَه و شكایت است، تو مایه امیدی، چه أَكْبَرُ هَمِّي إِنْ لَمْ تُفَرِّجْهُ، وَأَذَلَّ لِسَانِي إِنْ لَمْ تَبْسُطْهُ، وَأَخَفَّ بَسِيرًا است اندوه من اگر برطرف نسازی آن را، و چه بسیار لغزش دارد زبان من اگر آن را نكشائی، و چه بسیار سبك است میزانی إِنْ لَمْ تُثَقِّلْهُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْنِي. إلهی مامیزان اعمال من اگر آن را (با كرم خود) سنگین نگردانی، پس بر محمد و آل او درود فرست و بر من رحم كن. خدای من؛ هرگاه تَوَهَّمْتُ نِقَمَتَكَ إِلَّا وَكَانَتْ نِعْمَةً عَفْوَكَ تَقَرُّعُ مَسَامِعِي أَنْ قَدْ بَه خيال انتقام تو افتادم نعمت عفو تو بر در گوشم نغمه زد كه عَفَرْتُ لِي، فَصِدِّقْ يَا مَوْلَايَ ظَنِّي، وَكَذِّبْ خَوْفِي، وَحَقِّقْ مِي آمیزی مرا، پس مولای من؛ گمان مرا اثبات كن، و بیم و ترس مرا انكار نما، وَرَجَائِي يَا رَجَاءَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُتَوَكِّلِينَ، يَا مُجِيبَ آمِيدَم را تحقق بخش ای امید اهل ایمان، ای فریادرس توكل كنندگان، ای اجابت كننده التَّوَابِينَ، تُبَّ عَلَيَّ يَا اللَّهُ، يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، يَا رَبُّ يَا مَلِكُ، توبه كنندگان، توبه مرا بپذیر ای خدا؛ ای بخشنده؛ ای مهربان؛ ای پروردگار؛ ای پادشاه؛ یا مُحِيطُ یا قَدِيرُ، یا عَلِيمُ یا حَكِيمُ، یا تَوَّابُ یا وَاسِعُ، یا ای احاطه دارنده؛ ای توانا؛ ای دانا؛ ای حكیم؛ ای توبه پذیر؛ ای گستراننده؛ ای بَدِيعُ یا سَمِيعُ، یا كَافِي یا رَوْوُفُ، یا شَاكِرُ یا إِلَهُ یا وَاحِدُ، یا پدیدآورنده؛ ای شنوا؛ ای كفایت كننده؛ ای رثوف؛ ای سپاسگزار، ای معبود، ای یگانه؛ ای غَفُورُ یا حَلِيمُ، یا قَابِضُ یا بَاسِطُ، یا حَيُّ یا قَيُّومُ، یا عَلِيُّ یا آمِرْزنده؛ ای بردبار؛ ای قَبْضُ كننده؛ ای بسطدهنده؛ ای زنده؛ ای پایدار؛ ای بلندمرتبه؛ ای عالی، یا عَظِيمُ یا وَلِيُّ، یا غَنِيُّ یا حَمِيدُ، یا قَائِمُ یا وَهَّابُ، یا اَوَّالاً مقام؛ ای با عظمت؛ ای سرپرست؛ ای بی نیاز؛ ای ستوده؛ ای بیادارنده؛ ای بخشنده؛ ای

سَرِيعَ الْحِسَابِ، یا خَبِيرُ یا رَقِيبُ، یا حَسِيبُ یا شَهِيدُ، یا آنکه سریع به حساب مردم رسیدگی می کنی؛ ای آگاه؛ ای مراقب؛ ای حسابگر؛ ای حضوردارنده؛ ای غَفُورُ یا مُغِیْثُ، یا وَكِیلُ یا فَاطِرُ، یا قَاهِرُ یا قَادِرُ، یا لَطِیفُ یا بسیار آمرزنده؛ ای فریادرس؛ ای پشتیبان؛ ای به وجودآورنده؛ ای چیره شونده؛ ای توانا؛ ای لطف کننده؛ ای حَكِیمُ، یا مُحِیی یا مُمِیتُ، یا نِعَمَ الْمَوْلٰی، یا نِعَمَ النَّصِیرِ، یا حَكِیمُ؛ ای زنده کننده؛ ای میراننده؛ ای بهترین مولا؛ ای بهترین یاور؛ ای حَفِیْظُ یا قَرِیبُ، یا مُجِیبُ یا قَوِیُّ، یا مَجِیدُ یا وَدُودُ، یا نگهدار؛ ای نزدیک؛ ای اجابت کننده؛ ای نیرومند؛ ای باشکوه؛ ای دوست دارنده؛ ای مُسْتَعَانَ یا غَالِبُ، یا قَاهِرُ یا كَبِیرُ، یا مُتَعَالٰی یا مَنَّانُ، یا خَالِقُ مددکار؛ ای غلبه کننده؛ ای چیره شونده؛ ای بزرگ؛ ای بلندمرتبه؛ ای نعمت دهنده؛ ای هستی بخش؛ یا صَادِقُ، یا وارِثُ یا غَافِرُ، یا كَرِیمُ یا بَاعِثُ، یا حَقُّ یا ای راست گفتار؛ ای ارث برنده؛ ای آمرزنده؛ ای بزرگوار؛ ای برانگیزنده؛ ای حَقُّ؛ ای مُبِینُ، یا نُورُ یا هادی، یا فَاتِحُ یا شَكُورُ، یا غَافِرُ الذَّنْبِ، یا آشکار؛ ای روشنی بخش؛ ای هدایتگر؛ ای گشاینده؛ ای جزادهنده؛ ای آمرزنده گناه؛ ای قَابِلُ التَّوْبِ، یا شَدِیدُ الْعِقَابِ، یا ذَا الطَّوْلِ، یا رَازِقُ، یا ذَا پذیرنده توبه؛ ای سخت کیفر؛ ای صاحب لطف و احسان؛ ای روزی دهنده؛ ای صَاحِبُ الْقُوَّةِ الْمَتِینِ، یا بَرُّ یا مَلِیکُ، یا مُقْتَدِرُ یا باقی، یا ذَا الْجَلَالِ نیروی استوار؛ ای نیکوکار؛ ای دارنده ملک و هستی، ای مقتدر؛ ای ماندگار؛ ای صاحب بزرگی وَالْاِکْرَامِ، یا اَوَّلُ یا اٰخِرُ، یا ظَاهِرُ یا باطنُ، یا قُعدُوسُ یا سَیِّدُ، و بزرگواری؛ ای اَوَّلُ بدون ابتدا؛ ای آخر بدون انتها؛ ای آشکار؛ ای پنهان؛ ای در نهایت پاکی؛ ای بی عیب؛ یا مُؤْمِنُ یا مُهْمِیْمُنُ، یا عَزِیزُ یا جَبَّارُ، یا مُتَكَبِّرُ یا خَالِقُ، یا ای ایمنی بخش؛ ای نگهبان؛ ای شکست ناپذیر؛ ای قدرتمند؛ ای بزرگ مرتبه؛ ای آفریننده؛ ای باریُّ یا مُصَوِّرُ، یا ذَا الْمَعَارِجِ، یا مُبْدِئُ یا مُعِیدُ، یا اَعْلٰی یا ایجاد کننده؛ ای صورت آفرین؛ ای صاحب درجات؛ ای آغازگر؛ ای بازگرداننده؛ ای برتر؛ ای

اَكْرَمُ، یا اَحَدُ یا صَیِّدُ، یا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَكُنْ لَهُ گرامی تر؛ ای یکتا؛ ای به خود پابنده و بی نیاز؛ ای آنکه نه زاید و نه زاده است و هیچ کس کُفَوًّا اَحَدُ، صَلَّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَعَجَّلْ فَرَجَهُمْ، وَاَفْعَلْ هِمَّتَیْ او نبوده است؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج ایشان تعجیل فرما، و چنان کن بنا ما اَنْتَ اَهْلُهُ، یا اَلَلّٰهُ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ ما که تو شایسته آن هستی، ای خداوند؛ ای مهربانترین مهربانان؛ و هیچ حرکت و جنبش و نیروئی اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ، وَصَلِّی اللّٰهُ عَلَی طَیِّبِ الْمُرْسَلِیْنَ مُحَمَّدٍ جز به سبب خداوند بلندمرتبه بزرگ نیست، و درود خدا بر پاکترین فرستاده شدگان (حضرت) مُحَمَّدُ الْمُصْطَفَی، وَعَلِیُّ اَخِیهِ عَلِیُّ بْنُ الْمُزْتَضِی، وَعَلِیُّ ذُرِّیَّتِهِمَا الطَّاهِرِیْنَ، مصطفی، و بر برادرش علی مرتضی، و بر ذرّیه پاک این دو بزرگوار امین یا رَبِّ الْعَالَمِیْنَ. (۱)

به اجابت برسان ای پروردگار جهانیان.

دعای هشتم دعا بعد از زیارت به نیابت از دیگری

هنگامی که زائر، نائب از طرف شخص دیگری است، بعد از زیارت حضرت امام رضا علیه السلام یا سایر ائمه علیهم السلام این دعا را بخواند:

اَللّٰهُمَّ اِنَّ فُلَانَ بَنَ فُلَانٍ اَوْفَدَنِيْ اِلَى مَوَالِيهِ وَمَوَالِيَ لِّاَزْوَرِ خَدَاوَنَدَا؛ هَمَانَا - فُلَانِي پَسَر فُلَانِي - مَرَا بَه سَوِي سَرَوَرَانَش وَ سَرَوَرَانِم رَوَانَه سَاخْتَه تَا اَز طَرَف اَوْ زِيَارَت عَنْهُ، رَجَاءً لِّجَزِيلِ الثَّوَابِ، وَفِرَاراً مِنْ سُوءِ الْحِسَابِ. اَللّٰهُمَّ كَنِم، بَه اَمِيْد ثَوَابِ فِرَاوَان، وَ گَرِيْز اَز بَدِي حِسَاب. خَدَاوَنَدَا؛

ص: ۵۹۸

إِنَّهُ يَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِأَوْلِيَايِكَ، الدَّالِّينَ عَلَيْكَ، فِي غُفْرَانِكَ ذُنُوبَهُ، او به وسیله اولیای تو که دلیل و راهنمای بر توأند به سوی تو روی آورده تا گناهانش را بیامرزی، وَحَظَّ سَيِّئَاتِهِ، وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهِمْ، عِنْدَ مَشْهَدِ إِمَامِهِ صَلَوَاتُ وَ بَارِ گناه او را فروریزی، و به واسطه آن ها در زیارتگاه و محلّ شهود امامش - که دروداللّه علیّه. اَللّهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنْهُ، وَاقْبَلْ شَفَاعَةَ أَوْلِيَايِهِ صَلَوَاتُ اللّهِ خدا بر او باد - به سوی تو توسّل می جوید. خداوندا؛ از او بپذیر، و شفاعت اولیائش را - که درود خداعلیهم فیّه. اَللّهُمَّ جَاوِزَهُ عَلَى حُسْنِ نِيَّتِهِ، وَصِيحِ عَقِيدَتِهِ، بر آنان باد - در مورد او قبول کن. خداوندا؛ بر نیت نیکو، و عقیده صحیح، وَصِيحَهُ مُوَالَاتِهِ، أَحْسَنَ مَا جَاوَزْتَ أَحَدًا مِنْ عِبِيدِكَ الْمُؤْمِنِينَ، و درستی ارادتش به او پاداش بده، بهتر از آنچه به یکی از بندگان مؤمنت پاداش داده ای، وَأَدِمَ لَهُ مَا خَوَّلْتَهُ، وَاسْتَعْمِلْهُ صَالِحًا فِيمَا اتَيْتَهُ، وَلَا تَجْعَلْنِي وَ آنچه به او عطا کرده ای برایش همیشگی و پایدار گردان، و لطفی کن که آنچه را به او عطا کرده ای در کارهای شایسته به کاراخر وافد له یوفده. اَللّهُمَّ أَعْطِ رَقَبَتَهُ مِنَ النَّارِ، وَأَوْسَعِ عَلَيْهِ گیرد، و مرا آخرین فرستاده ای که او فرستاده قرار مده. خداوندا؛ او را از آتش رهایی بخش، وَمِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَاجْعَلْهُ مِنْ رُفَقَاءِ مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، روزی حلال پاک خود را بر او فراخ گردان، و او را از یاران و همراهان محمد و آل محمد قرار بده، وَبَارِكْ لَهُ فِي وَلَدِهِ، وَمَالِهِ وَأَهْلِهِ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُهُ. اَللّهُمَّ صَلِّ وَ در فرزند و مال و خاندان و آنچه را مالک است و در اختیار اوست برکت بده. خداوندا؛ علی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَحُلْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَعَاصِيكَ، حَتَّىٰ بِرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ درود فرست، و میان او و لغزش ها و نافرمانی هایت فاصله بینداز، تَالَايُعْصِيكَ، وَأَعِنِّهِ عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ أَوْلِيَايِكَ، حَتَّى لَا تَفْقُدَهُ تُو را نافرمانی نکند، و بر اطاعت خود و اطاعت اولیائت یاریش فرما، تَا حَيْثُ أَمَرْتَهُ، وَلَا تَرَاهُ حَيْثُ نَهَيْتَهُ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالِ آنجا که امر فرموده ای وجودش ناپیدا نباشد، و آنجا که نهی نموده ای او را نبینی. خداوندا؛ بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَاعْفُ لَهُ وَارْحَمْهُ، وَاعْفُ عَنْهُ وَعَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ مُحَمَّدٍ درود فرست، و او را بیمارز و او را رحمت کن، و او و همه مردان و الْمُؤْمِنَاتِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِزَّهُ مِنْ زَنَانِ مُؤْمِنٍ را مورد عفو و گذشت خویش قرار بده. خداوندا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست، و او را پناه بده از هَيُولِ الْمُطَّلَعِ، وَمِنْ فَرْعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ، وَمِنْ ظُلْمِ هَتَرَسِ آخِرَتِ، و از هراس روز قیامت و بدی بازگشت، و از تاریکی الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ، وَمِنْ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. اَللّٰهُمَّ قَبْرِ وَوَحْشَتِ آن، و از جایگاههای خواری در دنیا و آخرت. خداوندا؛ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ جَائِزَتَهُ فِي مَوْقِفِي هَذَا مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ درود فرست، و جائزه و پاداش او را در این موقف من (که نایب او هستم) غُفْرَانُكَ، وَتُخَفَّتَهُ فِي مَقَامِي هَذَا عِنْدَ إِمَامِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَنْ آمَرْتُ، و هدیه او را در این موقعیت و منزلتی که نزد امامم - درود خدا بر او باد - دارم تُقِيلَ عَثْرَتَهُ، وَتُقْبِلَ مَعْدِرَتَهُ، وَتَتَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِهِ، وَتَجْعَلَ چشَمِ پوشی از لغزش هایش قرار بده، و عذرخواهی او را بپذیر، و از خطایش بگذر، التَّقْوَى زَادَهُ، وَمَا عِنْدَكَ خَيْرًا لَهُ فِي مَعَادِهِ، وَتَحْشُرُهُ فِي زُمْرِهِ زَادَ و توشه اش را تقوا، و آنچه نزد تو دارد خیر و خوبی قرار بده برای معاد و آخرتش، و او را در زمره و گروه مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَغْفِرَ لَهُ وَلَوْ أَلَدِيهِ، فَإِنَّكَ خَيْرُ مَرْغُوبٍ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ محشور فرما، و او و پدر و مادرش را بیمارز، که تو بهترین کسی هستی که به درگاهت زاری إِلَيْهِ، وَأَكْرَمُ مَسْئُولٍ نِ اعْتَمَدَ الْعِبَادُ عَلَيْهِ. اَللّٰهُمَّ وَلِكُلِّ مَوْفِدٍ التماس کنند، و بزرگوارترین کسی هستی که بندگان بر او اعتماد کنند و از او درخواست نمایند. خداوندا؛ هر واردشونده ای راجائزَهُ، وَلِكُلِّ زَائِرٍ كَرَامَةً، فَاجْعَلْ جَائِزَتَهُ فِي مَوْقِفِي هَذَا پاداشی، و هر زائری را کرامتی است، پس پاداش او را در این جایگاه من - که نایب هستم - غُفْرَانُكَ، وَالْجَنَّةَ لَهُ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ. اَللّٰهُمَّ وَأَنَا آمَرْتُ، و بهشت برای او و برای همه مردان و زنان مؤمن قرار بده. خداوندا؛ من

زیادتی عطایت و تفضّل و بخشش کریمانه ات محروم مگردانی.

یا مَوْلایَ یا اِمامی عَبدُکَ - فُلانُ بَنُ فُلانٍ - اَوْفَدَنی زائرِ اَی مَولایِ من؛ اِی اِمام من؛ بَندِ تو - فُلانی پسرِ فُلانی - مرا برای زیارتِ لِمَشْهَدِکَ، یَتَقَرَّبُ اِلَی اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِذِکِّکَ، وَ اِلی رَسولِهِ وَ اِلیکَ، مزارِ پاکتِ روانه ساخته و فرستاده است، به وسیله آن می خواهد به درگاه خدای عزیز والا و پیشگاه رسول او و شما تقرب جوید، یَرْجُو بِذِکِّکَ فَکَاکَ رَقِیَّتِهِ مِنَ النَّارِ مِنَ الْعُقُوبَةِ، فَاعْفِرْ لَهُ وَلِجَمِیعِ اَمید دارد که از آتش دوزخ که کفر او است رهایی یابد، پس او و همه الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، یا اللّهُ یا اللّهُ یا اللّهُ یا اللّهُ یا اللّهُ یا اللّهُ یا اللّهُ یا اللّهُ یا اللّهُ یا اللّهُ را بیامرزد، اِی خدا؛ اِی خدا؛ اِی خدا؛ اِی خدا؛ اِی خدا؛ اِی خدا؛ اِی خدا؛ اِی خدا؛ اِی خدا؛ اِی خدا؛ لا اِلهَ اِلاّ اللّهُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ، لا اِلهَ اِلاّ اللّهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ، خدای خدایی جز خداوند بردبار بخشنده نیست، معبودی جز خدای بلندمرتبه باعظمت نیست، اَسْأَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اَلی مُحَمَّدٍ، وَ تَسْتَجِیبَ لِی فِیه از تو می خواهیم که بر مُحَمَّد و آلِ مُحَمَّد درود فرستی، و به اجابت برسانی دعاها را در مورد او وَ فِی جَمِیعِ اِخْوانی وَ اَخْواتی وَ وُلَدی وَ اَهْلِی بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ، و همه برادرانم و خواهرانم و فرزندانم و اهل و عیالم به جود و کرم، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ. (۱)

ص: ٦٠١

بدیهی است در این عصر و زمان، هیچ مشکلی به پایه مشکل غیبت امام زمان عَجَل الله تعالی فرجه نمی رسد. سزاوار است زائرین گرامی در حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام و نیز مکان های دیگر، از دعانمودن برای هرچه زودتر فرارسیدن ظهور امام عصر عَجَل الله تعالی فرجه غفلت نکنند.

و نیز خواندن زیارت امام زمان ارواحنا فداه در حرم حضرت امام رضا علیه السلام - که در آخر «بخش زیارت های حضرت امام رضا علیه السلام» نقل کردیم - و همچنین خواندن زیارت آل یس، دعای ایام غیبت - که حضرت امام رضا علیه السلام امر به خواندن آن نموده اند - ، دعای معرفت، دعای عهد و هر یک از ادعیه و زیارت های امام عصر عَجَل الله تعالی فرجه که باحال و توجه خواننده مناسب است، بسیار سزاوار و پسندیده است.

ص: ۶۰۲

هشت زیارت از زیارت های جامعه

در این بخش، هشت زیارت از زیارت های جامعه^(۱) را نقل می کنیم:^(۲)

زیارت «امین الله»

زیارت «امین الله» از زیارات جامعه است؛ یعنی آن را در حرم های مطهر همه ائمه اطهار علیهم السلام می توان خواند، همان گونه که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در جریان تشرّف مرحوم حاج علی بغدادی این زیارت را در حرم کاظمین علیهما السلام خواندند.

روایتی که از امام باقر علیه السلام نقل شده در این باره صراحت دارد، و روایتی که جابر از امام صادق علیه السلام نقل کرده - و آن را در اوّل «بخش زیارت های وداعیه» نقل می کنیم - نیز دلیل قاطعی بر جامعه بودن «زیارت امین الله» است.

مرحوم محدّث قمی می گوید: زیارتی که به «امین الله» معروف شده، زیارت معتبری است که در همه کتاب های مزار و مصابیح نقل شده است، علامه مجلسی رحمه الله

ص: ۶۰۳

-
- ۱- ۵۳. مقصود از زیارت های جامعه، زیارت هایی است که می توان به وسیله آن ها همه ائمه علیهم السلام را زیارت نمود.
 - ۲- ۵۴. زیارت رجیّه نیز از زیارت های جامعه است ولی چون مخصوص به ماه رجب می باشد در «بخش یازدهم: هشت ماه و اعمال عبادی آن ها» آوردیم، و نیز دو زیارت جامعه دیگر و یک زیارت وداعیه که از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده و مناسب با «بخش سی ام» کتاب است در آن بخش می آوریم.

در مورد این زیارت می فرماید: این زیارت، بهترین زیارت از جهت متن و سنداست، و بایستی که در همه روضه های مقدسه به خواندن این زیارت مواظبت شود.

این زیارت به سندهای معتبر از جابر، از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده است، که آن حضرت فرمود:

امام زین العابدین علیه السلام کنار قبر مطهر حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام ایستاد و گریست و در زیارت آن حضرت چنین گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ، سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ تَوَاتُؤِ أَمِينِ خُدا وَ مُوردِ اعْتِمَادِ او در زمینش، وَ حُجَّتِ او بر بندگانش،) السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (۱)، أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهِدْتَ فِي سَلَامٍ بِرِئَاسَةِ تَوَاتُؤِ أَمِيرٍ وَ فرمانروای مؤمنان،) گواهی می دهم که تو در راه الله حق جهاده، وَ عَمِلْتَ بِكِتَابِهِ، وَ اتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللهُ خُدا آنگونه که شایسته است جهاد کردی، وَ به کتاب او عمل نمودی، وَ از سنت های پیامبرش - که درود خدایه و الهی، حَتَّى دَعَاكَ اللهُ إِلَى جِوَارِهِ، فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، بر او و آل او باد - پیروی کردی تا آنکه خداوند تو را به جوار رحمت خود فراخواند، پس به اختیار خود به سوی خویش برد، وَ أَلَزَمَ أَغْدَاءَكَ الْحُجَّةَ، مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَيْهِ حُجَّتٌ رَا بِرِ دُشْمَنَانَتِ ثَابِتِ كُرد وَ تمام گردانید، با آنکه تو دلائل رسایی بر جمیع خلقه. اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِكَ، رَاضِيَةً بِهَتَمَامِ آفَرِيدِ گانش داشتی. خداوندا؛ قرار بده نفس و جان مرا به مقدرات خود مطمئن، وَ بِقَضَائِكَ، مَوْلَعَةً بِذِكْرِكَ وَ دُعَائِكَ، مُجِبَّةً لِصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ، به قضا و حکم خویش راضی و خشنود، دلباخته و بی قرار ذکر و دعایت، دوست دارنده اولیاء برگزیده ات، مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَ سَيِّمَاتِكَ، صَابِرَةً عَلَى نُزُولِ بَلَائِكَ، شَاكِرَةً مُحِبَّوْبَةً در زمینت و آسمانت، شکیبا بر فروفرستادن بلایت، شکرگزار لَفَوَاضِلِ نِعَمَاتِكَ، ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ الْآئِكَ، مُشْتَاقَةً إِلَى فَرْحِ نِعْمَتِ هَی افزونت، یادآور الطاف فراوانت، مشتاق دیدار مسرت بخت،

ص: ۶۰۴

لِقَائِكَ، مُتَزَوِّدَهِنَّ التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتَتَنِّهً بِسَيِّئِ أَوْلِيَائِكَ، اندوخته کننده توشه تقوا برای روز جزا و پاداشت، پوینده راه و روش اولیائت، مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ، مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَثَنَائِكَ. فاصله گیرنده از خُلق و خوی دشمنانت، مشغول گشته از دنیا به حمد و ثنای خودت.

آنگاه گونه مبارک خود را بر قبر مطهر نهاد و گفت:

اَللّٰهُمَّ اِنَّ قُلُوْبَ الْمُحِبِّينَ اِلَيْكَ وَالْهَهِ، وَسَيِّئِلَ الرَّاغِبِيْنَ اِلَيْكَ خداوندا؛ همانا دل های خاشعان و فروتنی کنندگان به پیشگاه تو واله و شیدا است، و راه های مشتاقان به سوی توشارعه، و اَعْلَامُ الْقَاصِدِيْنَ اِلَيْكَ وَاضِحَةٌ، وَأَفْئِدَةُ الْعَارِفِيْنَ بَازٍ وَنَمَائَانِ است، و نشانه ها برای آن ها که آهنگ تو کرده اند روشن و آشکار است، و قُلُوْبُ اَهْلِ مَعْرِفَتٍ مِنْكَ فَازِعَةٌ، وَأَصْوَاتُ الدَّاعِيْنَ اِلَيْكَ صَاعِدَةٌ، وَأَبْوَابُ الْجَابِہِازِ تُو در هراس است، و صداها و ناله های دعاکنندگان به سوی تو بالارونده، و درهای اجابت لَهُمْ مُفْتَحَةٌ، وَدَعْوَةُ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ، وَتَوْبَةُ مَنْ اَنَابَ اِلَيْكَ بِرُوی آنان گشوده است، و دعای کسی که با تو نجوا کرده و راز و نیاز می کند مستجاب، و توبه کسی که به سوی تو بازگشت نموده مَقْبُولَةٌ، وَغَبْرَةُ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ، وَالْإِغَاثَةُ لِمَنْ پذیرفته شده، و اشک گریه کننده که از ترس تو روان گشته مورد رحمت قرار گرفته، و فریادرسی برای آن که به پیشگاه تو اِسْتِغَاثَةً بِكَ مَوْجُودَةٌ، وَالْإِعَانَةُ لِمَنْ اِسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُودَةٌ، اِسْتِغَاثَةٌ کند موجود است، و کمک و یاری برای کسی که از تو مدد بخواهد بخشیده شده است، وَعِدَاتُكَ لِعِبَادِكَ مُنْجِزَةٌ، وَزَلَّلَ مَنْ اِسْتَقَالَكَ مُقَالَهً، وَأَعْمَالَ وَوَعْدَهُ هَیْتٌ بَرای بندگانت قطعی و انجام شده است، و لغزش کسی که از تو طلب چشم پوشی کند پوشیده شده است، و عَمَلُ هَی الْعَامِلِيْنَ لَعْدِيكَ مَحْفُوظَةٌ، وَأَرْزَاقُكَ اِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ اَنَّا نَکَ عَمَلی انجام داده اند نزد تو نگهداری شده، و رُوزی هَی تُو بَهِ سُوی (همه) آفریدگانت از ناحیه تونازله، وَعَوَائِدُ الْمَزِيْدِ اِلَيْهِمْ وَاصِلَةٌ، وَذُنُوبُ الْمُشْتَغِرِيْنَ سَرَّازِرٌ است، و بخشش ها و بهره های زیاد به ایشان عطاکننده ای، و گناهان استغفارکنندگان

مَغْفُورَةً، وَحَوَّاجٍ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَّةً، وَجَوَّازٍ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ وَآمِرِشْ طُلُبَانَ آمَرْزِيْدَه شَدَه، وَحَاجَتِ هَايِ آفَرِيْدِگَانَتِ نَزْدِ تُو بَرآورده شده است، و پاداش درخواست کنندگان نزد تو مُيُوْفَرَةً، وَعَوَائِدَ الْمَزِيْدِ مُتَوَاتِرَةً، وَمَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَيَّدَةً، فراوان است، و عطاها و نیکی ها پیاپی، و سفره ها برای آن ها که طعام خواهند فراهم، وَمَنَاهِلَ الطَّمَاءِ مُتَرَعَةً. اَللّٰهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَاقْبَلْ ثَنَائِي، وَابْشُخُورْهَا لِتَشْنُكَانِ پَر آب است. خداوندا؛ دعايِم را به اجابت برسان، و مدح و ثنائِم را بپذیر، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ اَوْلِيَائِي، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَهِوْ مَرَا و سرورانم را گردهم آور، به حقّ (حضرت) محمّد و علی و فاطمه وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، إِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمَائِي، وَمُنْتَهَى مُنَايَ، وَغَايَهُوْ حَسَن و حسین عليهم السلام که تو صاحب نعمت های من، و منتهای آرزوی من، و نهایت رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ.

امید من در دنیای من و آخرت من هستی.

در کتاب «کامل الزیارات» بعد از این زیارت، این فقرات را نیز آورده است:

أَنْتَ إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ، إِغْفِرْ لَأَوْلِيَائِنَا، وَكُفِّ عَنَّا أَعْدَاءَنَا، تو خدای من و سرور من و مولای من هستی، دوستان ما را بیامرز، و دشمنان ما را از ما بازدار، وَاشْغَلْهُمْ عَنْ أَدَانَا، وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا، وَأَذْخِضْ وَآنَانَ رَا اَز اذِيْت و آزار ما (به کار دیگری) وادار، و پرچم حق را آشکار ساز و آن را بالا ببر، وَكَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

پرچم باطل را متزلزل کن و آن را پائین آور، که تو بر هر چیز توانا هستی.

حضرت امام محمّد باقر علیه السلام فرمود:

هر کس از شیعیان ما، این زیارت و دعا را کنار قبر حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام یا قبر یکی از ائمه عليهم السلام بخواند، خدای متعال آن را در نامه ای از نور بالامی برد، و مهر حضرت محمّد صلی الله علیه و آله وسلم را بر آن می زنند، و آن نامه را نگه می دارند

تا به قائم آل محمد علیهم السلام تسلیم نمایند، و آن نامه با بشارت و تحیت و کرامت به استقبال صاحبش می آید ان شاء الله تعالی. (۱)

زیارت جامعه کبیره

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب «من لا یحضره الفقیه» و «عیون اخبار الرضا علیه السلام» چنین روایت می کند:

موسی نخعی می گوید: به حضرت امام هادی علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا؛ مرا زیارتی بابلاغت و کامل تعلیم فرما، که هر گاه خواستم یکی از شما را زیارت کنم آن را بخوانم.

حضرت فرمود:

هر گاه خواستی یکی از ما را زیارت کنی غسل کن، و چون به آستانه حرم یکی از ائمه معصومین علیهم السلام رسیدی بایست و شهادتین را بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا غَوَاهِي مِي دهم که خدایی جز خداوند نیست، او یگانه است و شریکی برایش نیست، و گواهی می دهم که (حضرت) مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

- که درود خدا بر او و آل او باد - بنده او و فرستاده اوست.

وقتی وارد شدی و قبر را دیدی، بایست و سی مرتبه بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ، اندکی با آرامش روح و جسم قدم بردار، و گام ها را نزدیک یکدیگر بگذار، آن گاه بایست و سی مرتبه بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ، سپس نزدیک شو و چهل مرتبه بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ که در مجموع صد تکبیر می شود، آن گاه بگو:

ص: ۶۰۷

۱ - ۵۶. مفاتیح الجنان: ۶۹۸، مصباح المتهجد: ۷۳۸، بحار الأنوار: ۲۶۶/۱۰۰، و در مصباح الزائر: ۴۷۴، و مزار آقا جمال خوانساری: ۹۸ با اندکی تفاوت، بحار الأنوار: ۱۷۶/۱۰۲.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ، وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفِ سَلَامِ بَرِّ شَمَائِلِ أَهْلِ بَيْتِ نَبَوْتٍ، وَجَايِغَاهِ رِسَالَتِ الْهَيْ، وَمَحَلِّ رَفْتِ وَآمَدِ الْمَلَائِكَةِ، وَمَهْبِطِ الْوَحْيِ، وَمَعْدِنِ الرَّحْمَةِ، وَخُزَّانِ الْعِلْمِ، فَرَشْتِكَا، وَجَايِغَاهِ فِرُودِ آمَدِنِ وَحْيِ وَپِيَامِ خَدَاوَنَدِ، وَمَعْدِنِ رَحْمَتِ وَخَزَانَةِ دَارِنِ عِلْمِ وَدَانِشِ، وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ، وَأُصُولِ الْكَرَمِ، وَقَادَةَ الْأَمَمِ، وَأَوْلِيَاءِ النَّعَمِ، وَنَهَايَةِ وَپَايَانِ حِلْمِ وَبَرْدْبَارِي، وَاسَاسِ وَرِيشَةِ هَايِ بَزَرْگَوَارِي، وَفَرَمَانْدَهَانِ وَپِيشَوَايَانِ اَمَّتِ هَا، وَصَاحِبَانِ وَاخْتِيَارْدَارَانِ نَعْمَتِ هَا، وَعَنَاصِرِ الْأَبْرَارِ، وَدَعَائِمِ الْأَخْيَارِ، وَسَاسَةِ الْعِبَادِ، وَأَزْكَانِ وَاصِلِ وَاسَاسِ آفَرِيشِ نِيكُوکارانِ، وَپَايَةِ هَا وَمَایَةِ قَوَامِ خُوبَانِ، وَمَدَبِّرَانِ وَمُصْلِحَتِ اَنَدِيشَانِ اُمُورِ بَنَدِگَانِ، وَنَکْهَدَارِنْدَةِ وَمَایَةِ الْبِلَادِ، وَأَبْوَابِ الْإِيمَانِ، وَأُمْنَاءِ الرَّحْمَانِ، وَسَيِّلَةِ النَّبِيِّينَ، اَسْتَوَارِي شَهْرَهَا، وَدِرَهَا وَمَحَلِّ هَايِ وَرُودِ بَهِ دَائِرَةِ اِيْمَانِ، وَامِينَانِ خَدَاوَنَدِ رَحْمَانِ، وَفَرَزَنْدَانِ وَنَسْلِ بَابِرِکَتِ پِيَامْبِرَانِ، وَصَفَةِ قُوَةِ الْمُؤْمِنِينَ، وَعِثْرَةِ خَيْرِهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَخِلَاصِهِ وَگَزِيدَةِ رَسُولَانِ، وَعُتْرَتِ وَخَانْدَانِ بَهِتَرِينَ بَرگَزِيدَةِ پُرُورْدِگَارِ جَهَانِيَانِ، وَرَحْمَتِ خَدَاوَبَرِکَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَيَّ أَيْمَنِهِ الْهُدَى، وَمَصَابِيحِ الدُّجَى، وَأَعْلَامِ وَبَرَکَاتِ او) بَر شَمَائِلِ بَادِ). سَلَامِ بَر پِيشَوَايَانِ هِدَايَتِ، وَچَرَاغِ هَايِ فِرُوزَانِ دَر تَارِيکِي هَا، وَعِلَامَتِ هَا وَنِشَانِهِ هَايِ التَّقَى، وَذَوِي النَّهْيِ، وَأَوْلَى الْحُجَى، وَكَهْفِ الْوَرَى، وَوَرْتَهْتَقُوا، وَدَارِنْدِگَانِ خَرْدِ وَاَنَدِيشِهِ، وَصَاحِبَانِ عَقْلِ وَذِکَاوَتِ، وَپَنَاهِگَاهِ مَرْدَمِ، وَارِثِ بَرِنْدِگَانِ الْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى، وَالِدَعْوَةِ الْحُسْنَى، وَحُجَجِ اللَّهِ عَلَيَازِ پِيَامْبِرَانِ، وَنَمُونِهِ اَعْلَى وَبَرْتَرِ، وَنِيکُوْتَرِينَ دَعْوَتِ کُنِنْدِگَانِ، وَحَبَّتِ هَايِ خَدَاوَنَدِ بَر أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرِکَاتُهُ. السَّلَامُ أَهْلِ دُنْيَا وَآخِرَتِ وَپِيشِينِيَانِ، وَرَحْمَتِ خَدَا وَبَرَکَاتِ او بَر آَنَانِ بَادِ. سَلَامِ عَلَيَّ مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَمَسَاكِينِ بَرَکَةِ اللَّهِ، وَمَعَادِنِ حُکْمِهِ اللَّهِ، بَر مَحَلِّ هَايِ مَعْرِفَتِ وَشِنَاخْتِ خَدَاوَنَدِ، وَمَنْزِلِگَاهِ هَايِ بَرَکَتِ خَدَا، وَمَعْدِنِ هَايِ حُکْمَتِ خَدَاوَنَدِ، وَحَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ، وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ، وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ، وَذُرِّيَّهُو حَافِظَانِ سِرِّ خَدَاوَنَدِ، وَدَرْبَرْدَارِنْدِگَانِ کِتَابِ خَدَا، وَجَانِشِينَانِ پِيَامْبِرِ خَدَا، وَفَرَزَنْدَانِ

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ رَسُولُ خُدا که درود خُدا بر او و آل او، و رحمت خُدا و برکاتش بر آنان باد. سَلامَ عَلَی الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، وَالْأَدِلَّةِ عَلَی مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَالْمُسْتَقَرِّينَ بِفِرَاحِوَانِ مَرْدَمِ بَهِ سَوِی خُداوند، و راهنمایان بر آنچه رضا و خشنودی خُداست، و آنان که ثابت و استوارند فی اَمْرِ اللَّهِ، وَالتَّائِمِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ امْتِثَالِ فرمان خُدا، و کاملند در دوستی خُدا، و خالصند در توحید و یگانه پرستی اللَّهِ، وَالْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ، الَّذِينَ خُدا، و آشکارکننده امر و نهی خُداوندند، و بندگان گرامی اویند، که لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. با گفتار بر او پیشی نمی گیرند و به امر و فرمان او عمل می کنند، و رحمت خُدا و برکات او بر آنان باد. السَّلَامُ عَلَی الْأَئِمَّةِ الدُّعَاةِ، وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ، وَالسَّادَةِ الْوُلَاةِ، سَلام بر امامانی که دعوت کننده مردم به سوی خُدایند، و زمامداران هدایتگرند، و سرورانی هستند که عهده دار امورند، وَالذَّادَةِ الْحُمَاةِ، وَأَهْلِ الذِّكْرِ وَأُولَى الْأَمْرِ، وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ، و دفاع کننده و حمایتگرند، و اهل ذکر و متصدی امورند، و بازمانده خُدا و برگزیده او، وَحِزْبِهِ وَعَيْبِهِ عِلْمِهِ، وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ، وَنُورِهِ وَبُزْهَانِهِ، و حزب و گروه او، و گنجینه علم او، و حجت او و راه او، و نور او و دلیل و برهان آشکارش می باشند، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ وَرَحْمَتِ خُدا و برکات او بر آنان باد. گواهی می دهم که جز خُدا معبودی نیست، او یکتا است و شریکی لَهُ، كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ، وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَأُولُوا الْعِلْمِ مِنْ بَرَايَشِ نَمِی باشد، همان طور که خُداوند برای خودش گواهی داده، و فرشتگانِش و صاحبان علم و دانش از خلقِش، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ مِیَانِ آفریدگانِش برای او گواهی داده اند، خُدایی جز او که عزیز و حکیم است وجود ندارد، و گواهی می دهم که حضرت مُحَمَّد بنده الْمُتَتَجِبُ، وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى، أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ، برگزیده، و فرستاده مورد پسند او است، او را به هدایت و دین حق فرستاده است؛

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ تا بر تمام ادیان چیره گردانند گرچه خوش آیند مشرکان نباشد. و گواهی می دهم که شما اَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ المَهْدِيُّونَ، المَعْصُومُونَ المَكْرُمُونَ، الْمُقَرَّبُونَ پیشوایانی هدایتگر به راه صحیح، راه یافتگان، حفظشدگان از خطا، گرامی داشته شدگان، مقربان درگاه الهی، الْمُتَّقُونَ، الصَّادِقُونَ الْمُضِيِّونَ، الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ، الْقَوَامُونَ پارسایان، راست گفتاران، برگزیدگان، فرمانبرداران خدا، بیادارانگان بِأَمْرِهِ، الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ، الْفَاعِلُونَ بِكَرَامَتِهِ، إِصْطِفَاكُمْ بِعِلْمِهِ، به امر او، اجراکنندگان خواست او، رستگاران به کرامت او هستید، شما را به علم خود برگزید، وَاِزْتِصَاكُمْ لِغَيْبِهِ، وَاِخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ، وَاِجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ، وَاَعَزَّكُمْ و برای غیب خود پسندید، و برای اسرار خویش اختیار کرد، و به قدرتش برگزید، وِبِهْدَاؤِهِ، وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ، وَاِتَّجَبَكُمْ لِنُورِهِ (بِنُورِهِ)، وَأَيَّدَكُمْ به هدایتش عزیز گردانید، و به برهان و دلایل روشنش اختصاص داد، و برای نور خود انتخاب کرد، وِبُرُوحِهِ، وَرَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَّجاً عَلَى بَرِيَّتِهِ، با روح خویش تأیید نمود، و خرسند شد که جانشینان او در روی زمینش، و حُجَّتِ هَايِ او بر آفریدگانش، وَأَنْصَاراً لِدِينِهِ، وَحَفَظَهُ لِسِرِّهِ، وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ، وَمُسَيِّدَةً لِنُورِهِ، و یاری کنندگان دینش، و حافظان سرّش، و خزانة داران علم و دانشش، و به ودیعه نهاده شدگان لِحُكْمَتِهِ، وَتَرَاجِمَهُ لَوُحِيهِ، وَأَرْكَاناً لِتَوْحِيدِهِ، وَشُهِدَاءَ عَلَيْهِ حُكْمَتِهِ، و مترجمان و بیان کنندگان وحیش، و پایه ها و اساس توحیدش، و گواهان بر خَلْقِهِ، وَأَعْلَاماً لِعِبَادِهِ، وَمَنَاراً فِي بِلَادِهِ، وَأَدِلَّةً عَلَى صِدْقِ رَاطِهِ. خلقتش، و علامت ها و نشانه ها برای بندگانش، و محلّ نورافشانی در شهرهایش، و راهنمایان بر راهش باشید. عَصَمَكُمْ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ، وَأَمَنُكُمْ مِنَ الْفِتَنِ، وَطَهَّرَكُمْ مِنْ خِطَاكُمْ، و از لغزش ها مصون داشت، و از فتنه ها ایمنی بخشید، و ازالِ الدَّنَسِ، وَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ، وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً، فَعَظَّمْتُمْ آلُودَکِی هَا پاک گردانید، و پلیدی را از شما دور ساخت، و شما را به تمام معنا پاک نمود، پس جلال

جَلَالَهُ، وَأَكْبَرُتُمْ شَأْنَهُ، وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ، وَأَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ، وَوَكَّدْتُمْ عَظَمَتَهُ را تعظیم نمودید، و شأنش را بزرگ داشتید، و کرم و بزرگواریش را ثنا گفتید، و ذکر و یادش را دوام بخشیدید، و میثاقه، و أَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ، وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، عهد و پیمانش را استوار ساختید، و قرارداد فرمانبرداریش را محکم کردید، و در پنهان و آشکار برای او خلوص نشان دادید، وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَبَيَّذَلْتُمْ وَبَا حُكْمٍ و پند و اندرز نیکو به راه او فراخواندید، وَأَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ. وَصَبَرْتُمْ عَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنِّهِ، در راه رضای او بذل جان نمودید، و در کنارش به آنچه از مصائب و مشکلات که بر شما وارد شد شکیبایی ورزیدید، وَأَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْبِیَا داشتید، و زکات پرداختید، و به خوبی ها فرمان دادید، و ازالْمُنْكَرِ، وَجَاهِدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّى أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ، زشتی ها بازداشتید، و در راه خدا آنگونه که شایسته بود جهاد کردید و کوشیدید تا دعوت او را آشکار، وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ، وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ، وَنَشَرْتُمْ شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ، و واجباتش را بیان کردید، و حدودش را اقامه نمودید، و احکام دینش را منتشر ساختید، وَسَيَّيَنْتُمْ سُنَّتَهُ، وَصَبَرْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضَا، وَسَلَّمْتُمْ لَهُ وَرُشٍ او را سَنَّتِ نهادید، و در تمام این امور رضا و خشنودی او مورد نظر شما بود، وَالْقَضَاءَ، وَصَبَرْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَى. فَالزَّاعِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ، به حکم او تسلیم شدید و آن را پذیرا گشتید، و رسولان گذشته او را تصدیق نمودید. آنکه از شما روی گرداند از دین خارج شده، وَاللَّازِمُ لَكُمْ لِحَقِّ، وَالْمُقَصَّرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ، وَالْحَقُّ مَعَكُمْ و آنکه ملازم شما باشد به حق پیوسته، و آنکه در حق شما کوتاهی کند نابود گشته است، و حق با شما و فیکم و مِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعِيدُهُ، وَمِيرَاثُ النَّبِيِّ هُوَ در وجود شما و از شما و به سوی شما است، و شما اهل آن و معدنش هستید، و میراث پیامبری عِنْدَكُمْ، وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ، وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ، وَفَضْلُ نَزْدِ شما است، و بازگشت خلق به سوی شما، و حساب آنان بر شما است، و فیصله داوری

الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ، وَآيَاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ، وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ، وَنُورُهُ وَحُكْمُ قِطْعِيْهِ بِشِمَاسْت، وَآيَاتُ خُداوند نزد شما است، و امور ثابت و حقوق حتمی الهی در شماست، و نور و برهان و بزرگوارانه عِنْدَكُمْ، وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ. مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ، وَمَنْ دَلَّاهُ رُوشَن او نزد شماست، و امر و فرمان خدا در امور مردم به شما واگذار شده. هر کس ولایت شما را پذیرفته باشد ولایت خدا را پذیرفته، و عاداتكم فَقَدْ عَادَ اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ هَر کس با شما دشمنی کند با خداوند دشمنی کرده است، و هر کس شما را دوست بدارد خدا را دوست داشته، و هر که نسبت به شما کینه فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، وَمَنْ اغْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اغْتَصَمَ بِاللَّهِ، أَنْتُمْ بَوْرَزْد به خدا کینه ورزیده است، و هر کس به شما پیوندد به خدا پیوسته است. شِمَالِ الصُّرَاطِ الْأَقْوَمِ، وَشُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ، وَشُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ، رَاهِ اسْتَوَار و پایدار، و گواهان این سرای زودگذر، و شفیعان سرای جاویدان، وَالرَّحْمَةُ الْمُؤَصِّلَةُ، وَالسَّيِّئَةُ الْمُخْزُونَةُ، وَالْأَمَانَةُ الْمُحْفَظَةُ، و رحمتی هستید که پیوسته می رسد، و نشانه پنهان شده، و امانت حفظشده، وَالْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ. مَنْ أَتَيْكُمْ نَجَى، وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ وَ آن دری هستید که وسیله آزمایش مردمان است. هر کس به آن درآید اهل نجات، و هر کس نیاید هَلَكَ، إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ، وَعَلَيْهِ تَدُلُّونَ، وَبِهِ تُؤْمِنُونَ، وَلَهُ هَلَاكٌ وَ نَابُود است، به سوی خدا فرامی خوانید، و بر او دلالت می کنید، و به او ایمان دارید، وَتَسْلُمُونَ، وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَإِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ، وَبِقَوْلِهِ تَسْلِمُونَ، و به فرمان او عمل می کنید، و به راه او راهنمایی می نمائید، وَطَبَقَ كُفْتَارِ او تَحْكُمُونَ، سَيَعَدَ مَنْ وَالَاكُمْ، وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ، وَخَابَ مَنْ حَكَمَ بِكُمْ، هَر کس ولایت و سروری شما را پذیرفت از سعادت دائمی برخوردار و هر کس با شما دشمنی کند دچار هلاکت می گردد، جَحَدَكُمْ، وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ، وَفَارَزَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ، وَأَمِنْ مَنْ كَسَى كَسَى که شما را انکار کند ناکام و محروم و هر کس از شما جدا گردد گمراه، و هر کس به دامن شما چنگ زند رستگار و کسی که به لَجَأَ إِلَيْكُمْ، وَسَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ، وَهَدَى مَنْ اغْتَصَمَ بِكُمْ. مَنْ شِمَا پناهنده گردد ایمن و هر کس شما را تصدیق کند و باور نماید سلامت، و هر کس به شما پیوندد راه هدایت را یافته است. هر

اَتَّبِعْكُمْ فَالْحِجَّةَ مَاؤِيَهُ، وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَلَانَارٌ مَثْوِيهِ، وَمَنْ كَسَا مِنْ شِمَائِلِكُمْ جَاءَكُمْ بِشَرِّ نَجْسٍ يُغْتَابُ عَنْ رَأْيِهِمْ وَهُمْ يَخْلَعُونَ
دوزخ اقامتگاه او است، و کسی که جحدکم کافر، وَمَنْ حَارَبَكُم مُّشْرِكًا، وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُم فِي أَشْفَلِ شَمَاهُ انکار کرد کافر، و آنکه با شما جنگید مشرک است، و کسی که فرمایش شما را رد کند و نپذیرد در پایین ترین ذریک مِنَ الْجَحِيمِ، أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى، وَجَارِطَةُ دَوْزَخِ اسْتُعْمِدَتْ، گواهی می دهد که این مقامات و اوصاف در گذشته برای شما پیشی گرفته، و درلُكُم فِيمَا بَقِيَ، وَأَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطَيْبَتُكُمْ واحده، طابث آینده نیز جریان خواهد داشت، و اینکه ارواح شما و نور شما و خمیره و سرشت شما یکی است، پاک و طهرت بعضها مِن بَعْضٍ. خَلَاقُكُمْ اللَّهُ أَنْوَاراً فَجَعَلَكَم بِعُرْشِهِ وَ پاكيزه برخى از برخى ديگر دریافت نموده است. خداوند شما را نورهایی آفرید و شما را در اطراف عرش خود مُحْدَقِينَ، حَتَّى مَنْ عَلَيْنَا بِكُمْ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ أَحاطَه کننده قرار داد تا آنکه بر ما به وجود شما منت گذاشت و شما را در خانه هایی قرار داد که فرمان داده تُرَفَعَ وَيُدْكَّر فيها اسمُهُ، وَجَعَلَ صَلَاتَنَا صَلَوَاتِنَا عَلَيْهِمْ، وَمَارِفِع وَلندمرتبه باشند و نام او در آن یاد شود، و درود و تحیت ما را بر شما و آنچه را كه حصَّنَّا بِهِ مِنْ وَلَائِتِكُمْ، طَيِّباً لِخُلُقِنَا، وَطِهَارَةً لِّلأَنفُسِنَا، وَتَزَكِّيَّهُمْ مخصوص گردانیده ما را به آن از ولایت شما باعث پاکیزگی آفرینش ما، و پاکی جان ما، و تزکیه لنا، وَكَفَّارَةٌ لِّلذنُونِبنا، فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسْلِمينَ بِفضلِكَم، وَمَعْرِوفينَ باطن ما، و كفاره گناهان ما قرار داد، پس ما نزد او تسلیم فضل و برتری شما بوده، و به تَصِيدِينَا إِياكُمْ. فَلَبَغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ محلُّ الْمُكْرَمِينَ، وَأُعْلِيَّتصديق کردن شما شناخته شده بوديم، پس خداوند شما را به بارزش ترين محل صاحبان کرامت، و برترین منازلِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَرْفَع درجاتِ الْمُرْسَلِينَ، حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ جايگاه مقربان، و رفيع ترين مرتبه رسولان رسانيد؛ به طورى كه هيچ ملحق شوند ای لاحق، وَلَا يَقُوهُ فَأَتَّقْ، وَلَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ، وَلَا يَطْمَعُ فى إدراكه به آن ملحق نشود، و هیچ برترى جوئی به آن برترى نیابد، و هیچ پیشی گیرنده ای به آن پیشی نگيرد، و هیچ طمع کننده ای به

طامع، حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مَّقْرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلَا صِدِّيقٌ دَرِيْفٌ دریافت آن طمع نکند؛ تا آنجا که هیچ فرشته مقربى، و پیامبر مرسل، و صدیق و لا شهید، و لا عالم و لا جاهل، و لا دینی و لا فاضل، و لا و شهیدی، و دانا و نادانی، و پست و بلندمرتبه ای، مؤمن صالح، و لا فاجر طالح، و لا جبار عنید، و لا شیطان و مؤمن شایسته، و بدکار ناشایسته ای، و زورگوی معاند، و شیطان مرید، و لا خلق فیما بین ذلک شهیدٌ إلّا عرفهم جلاله امرکم، سرکشی، و هیچ آفریده ای در این میان نماند جز اینکه جلالت امر شما، و عظم خطرکم، و کبر شأنکم، و تمام نورکم، و صدق و عظمت موقعیت شما، و بزرگی شأن شما، و کامل بودن نور شما، و راستی و درستی مقاعدکم، و ثبات مقامکم، و شرف محلکم، و منزلتکم عنده، جایگاه شما، و پایداری مقام شما، و شرافت مرتبه و منزلت شما را در نزد خودش به آن ها معرفی فرموده، و کرامت و کرامتکم علیه، و خاصتکم لدیه، و قرب منزلتکم منه. بآبی و بزرگواری شما را بر خودش، و مخصوص بودنشان را در پیشگاهش، و نزدیکی مقام و منزلتان را نسبت به خودش به آن ها شناساند. پدرانتُم و اُمی و اهلی و مالی و اُسرتی، اُشهدُ الله و اُشهدُکم اُنّی و مادرم و اهل و عیالم و مال و دارائیم و همه کسانم فدای شما باد، خدا را و شما را گواه می گیرم که من مؤمن بکم، و بما امنتُم به، کافر بعدوکم و بما کفرتُم به، به شما و به آنچه ایمان دارید مؤمنم، به دشمن شما و به آنچه شما قبول ندارید و کافرید من نیز کافرَم، مُستبصر بِشأنکم، و بضالّه من خالفکم، مِوالٍ لکم به شأن و شخصیت شما و به گمراهی مخالفین شما آگاهی و بصیرت دارم، نسبت به شما و اولیائکم، مُبغضٌ لَأعدائکم و مُعادٍ لَهُم، سَلَمٌ لِمَنْ سَلَمَکُمْ، و دوستان شما ارادت دارم، با دشمنان شما کینه و دشمنی دارم، با هر کس با شما سازش دارد در صلح و سازش، و حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَکُمْ، مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ، و با هر کس با شما در جنگ و نبرد است در جنگم، آنچه را شما حق و ثابت بدانید حق و ثابت می دانم، و آنچه را شما باطل بدانید باطل می دانم،

مُطِيعٌ لَكُمْ، عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُقَرَّرٌ بِفَضْلِكُمْ، مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ، فرمانبردار شما هستم، به حق شما آشنایم، به فضیلت و برتری شما اقرار دارم، علم و دانش شما را پذیرایم، مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ در پناه شما پناهنده ام، به شما اعتراف دارم، به بازگشت شما ایمان دارم، بِرَجْعَتِكُمْ. مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُزْتَقِبٌ لِتَدْوِلَتِكُمْ، اخِذٌ بِقَوْلِكُمْ، رجعت شما را تصدیق کننده ام و باور دارم. در انتظار امر شما و چشم به راه دولت شمایم، گفتار شما را فراگیرنده ام، عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ، مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، زَائِرٌ لَكُمْ، لَا تَدَّ عَاتِدٌ بِقُبُورِكُمْ، و به امر شما عمل کننده ام، به شما پناه آورنده ام، زائر شما و پناه گیرنده و پناهنده به قبور پاک شمایم، مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِكُمْ، وَ مُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ، وَ مُقَدِّمُكُمْ به واسطه شما به سوی خدای عزَّ وَّجَل شفاعت می جویم، و به درگاه او تقرب می یابم، و شما را اَمَامَ طَلِبَتِي وَ حَوَائِجِي، وَ اِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَ أُمُورِي، پیشاپیش درخواست ها و نیازهایم، و اراده ام در همه حالاتم و امورم قرار می دهم، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ، وَ شَاهِدُكُمْ وَ غَائِبِكُمْ، وَ أَوَّلُكُمْ ایمان دارم به پنهان شما و آشکار شما، و حاضر شما و غایب شما، و اوّل شما و آخرِكُمْ، وَ مُفَوَّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، وَ مُسَلَّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ، و آخر شما، و در همه این ها امرم را به شما وامی گذارم، و در آن پذیرای خواسته شما هستم، وَ قَلْبِي لَكُمْ مُسَلَّمٌ، وَ رَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ، وَ نُصِيْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى وَ قَلْبِي تسلیم اراده شما و نظرم تابع نظر شما است، و یاری من برای شما آماده می باشد؛ تَائِيحِي اللَّهُ تَعَالَى دِيْنَهُ بِكُمْ، وَ يَرُدُّكُمْ فِي أَيَّامِهِ، وَ يُظْهِرُكُمْ خَدَاوَنِدَ بلندمرتبه دینش را به واسطه شما زنده گرداند، و شما را در ایام خودش بازگرداند، وَلِيَعْدِلَ، وَ يُمَكِّنْكُمْ فِي أَرْضِهِ. فَ مَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ، برای عدل و دادگریش ظاهر سازد، و در روی زمینش قدرت و توانایی دهد. آنکه با شما است، به همراه شما است نه همراه غیر شما، اَمَنْتُ بِكُمْ، وَ تَوَلَّيْتُ اخْرَجُكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَكُمْ، وَ بَرِئْتُ إِلَيْهِ به شما ایمان آوردم، و به آخر شما ارادت دارم همانطور که به اوّل شما دلبسته ام و سروری او را پذیرفته ام، و بیزاری می جویم به

اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَغْدَائِكُمْ، وَمَنْ الْجِبِّ وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ سَوَى خدایند عَزَّوَجَلَّ از همه دشمنان شما، و از جبت و طاغوت و شیطان ها و حَزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ، الْجَاذِبِينَ لِحَقِّكُمْ، وَالْمَارِقِينَ مِنْ وَحْزِهَا و گروه های آنان که به شما ستم کرده، حق شما را انکار نموده، و از ولایتی که، وَالْغَاصِبِينَ لِإِثْمِكُمْ، الشَّاكِينَ فِيكُمْ، الْمُنْحَرِفِينَ وَلَايَتِ و سرپرستی شما خارج گشته، و ارث شما را غصب کرده، درباره مقامات شما دچار تردیدند، وَعَنْكُمْ، وَمِنْ كُلِّ وَلِيٍّ دُونَكُمْ، وَكُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ، وَمِنْ الْأَيْمَازِ شما منحرف گردیده اند و از هر دست آویزی غیر شما، و هر فرمانروائی جز شما، و از پیشوایانی الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ. فَتَبَتَنِي اللَّهُ أَيْدِئاً مَا حَيَّيْتُ عَلَيْكَ به سوی آتش می خوانند. خداوند مرا تا زنده ام بر مؤالاتی که و دینکم، وَوَفَّقَنِي لِطَاعَتِكُمْ، وَرَزَقَنِي وَلَايَتِ و دوستی و دین شما ثابت بدارد، و برای فرمانبرداری شما توفیق دهد، وَشَفَاعَتَكُمْ، وَجَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيكُمْ، أَتَابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ شَفَاعَتِ شَمَا را روزی ام گرداند، و از بهترین ارادتمندان شما قرار دهد که به آنچه دعوت کرده اید متابعتِ إِلَيْهِ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَضُ اثَارَكُمْ، وَيَسِيلُكَ سَبِيلَكُمْ، وَيَهْتَدِي وَپِرویی می کنند، و مرا از کسانی قرار دهد که در پی آثار شما و روایت کننده آن است، و راه شما را می پیماید، وَبِهْدِيكُمْ، وَيُحْشِرُ فِي زَمَرَتِكُمْ، وَيَكْرِ فِي رَجْعَتِكُمْ، وَيُمْلِكُ به راه شما راه یافته، و در زمره شما محشور می شود، و در رجعت شما بازمی گردد، وَفِي دَوْلَتِكُمْ، وَيُشَرِّفُ فِي عَافِيَتِكُمْ، وَيُمَكِّنُ فِي أَيْامِكُمْ، وَتَقَرُّدِ دولت شما حاکمیتی پیدا می کند، و در عافیت شما شرافت می یابد، و در دوران شما به او تمکن و قدرت داده می شود، وَعَيْنُهُ غَدَاً بِرُؤْيَتِكُمْ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي، فردا چشمش به دیدار شما روشن می گردد. پدرم، مادرم، جانم، اهل و عیالم، مال و دارائیم فدای شما، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ يَدَاءَ بَكُمْ، وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنْكُمْ، وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ کسی که خدا را اراده کند به شما ابتدا کرده، و کسی که خدا را به یکتائی توصیف کند از شما پذیرفته، و کسی که آهنگ او کند به

بِكُمْ. مَوَالِي لَا أُحْصِي ثَنَائَكُمْ، وَلَا أُبْلَغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ، سَوَى شَمَا رَوَى آوَرْد. سروران من؛ ثنای شما را نمی توانم شماره کنم، و به حقیقت و غایت مدح شما هرگز نمی رسم، و مِنَ الْوَصْفِ قَدَرُكُمْ، وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ، وَهُدَاهُ الْأَبْرَارِ، و از توصیف قدر و منزلت شما ناتوانم، و شما روشنی بخش خوبان، و باعث هدایت نیکوکاران، وَحُجَّجُ الْجَبَّارِ، بِكُمْ فَتَبَحَّ اللَّهُ، وَبِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ، وَبِكُمْ يُنَزَّلُ وَحَجَّتِ هَای خداوند جَبَّارید، خدا به وجود شما هستی را آغاز کرده، و به شما پایان می بخشد، و به واسطه شما الْغَيْثُ، وَبِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، باران رحمت را فرو می فرستد، و به واسطه شما آسمان را نگاه می دارد از اینکه بر زمین افتد مگر به اذن او، وَبِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ، وَيَكْشَفُ الضَّرُّ، وَعِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ، و به واسطه شما غم و اندوه را می زداید، و تنگدستی و بیچارگی را برطرف می کند، و نزد شما است آنچه فرستادگانِ آن را نازل کرده، وَهَبَطْتُ بِهِ مَلَائِكَتُهُ، وَإِلَى جَدِّكُمْ - و اگر زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد و فرشتگانش آن را فرود آورده اند، و به سوی جدّ شما - بجای و إِلَى حَيْدِكُمْ بگو: وَإِلَى أَخِيكَ - بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ. اتاکم و به سوی برادرت - روح الامین برانگیخته شده است. اللَّهُ مَا لَمْ يُوْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ، طَاطًا كُلُّ شَرِيفٍ لِيَشْرَفُكُمْ، خداوند به شما قدر و منزلتی داده که به هیچ یک از جهانیان نداده است، هر شرافتمندی در برابر شرافت شما سر فرود آورده، وَبَيَّخَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِبَطَاعَتِكُمْ، وَخَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ، وَذَلَّ كُلُّ وَهَر متکبری برای فرمان شما گردن نهاده، و هر زورگویی برای فضل و برتری شما خاضع گشته، و هر چیزشئی لَكُمْ، وَأَشْرَقَتِ الْمَآرِضُ بُنُورَكُمْ، وَفَازَ الْفَآئِزُونَ بِوِلَايَتِكُمْ، برای شما رام و سرافکنده است، زمین به نور شما درخشیده، و رستگاران به ولایت شما رستگار شده اند، بِكُمْ يُسِيلُكَ إِلَى الرِّضْوَانِ، وَعَلَى مَنْ جَحَدَ وَلَايَتَكُمْ غَضَبُ به واسطه شما می توان به رضوان الهی و بهشت جاودان راه یافت، و کسی که ولایت شما را انکار کند مشمول خشم و غضب الرَّحْمَانِ. بِأَبَى أَنْتُمْ وَأُمَى وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي، ذِكْرُكُمْ فِي خَدَاوَنَدِ رَحْمَانِ است. پدرم، مادرم، جانم، اهل و عیالم و مال و دارائی ام فدای شما، یاد شما در

الذَّاكِرِينَ، وَأَشْيَاءُؤُكُمْ فِي الْأَشْيَاءِ، وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ، يادکنندگان، و نام های شما در نام ها، و جسدهای شما در جسدها، وَأَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ، وَأَنْفُسُكُمْ فِي النَّفُوسِ، واثارُكُمْ فی و ارواح شما در ارواح، و شخص شما در میان شخص ها، و آثار شما در میان الآثار، وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ. فَمَا أَحَلَّى أَسْمَاءُكُمْ، وَأَكْرَمَ آثَارِ، و قبرهای شما در میان قبرها است. پس چه چیزی نام های شما را شیرین نموده، وَأَنْفُسُكُمْ، وَأَعْظَمَ شَأْنَكُمْ، وَأَجَلَّ خَطَرُكُمْ، وَأَوْفَى عَهْدُكُمْ، وجود شما را گرامی و باکرامت کرده، و شأن شما را عظیم نموده، و موقعیت شما را بزرگ کرده است، و پیمان شما را وفا کرده، وَأَصْدَقَ وَعْدُكُمْ. كَلَامُكُمْ نُورٌ، وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ، وَوَصِيَّتُكُمْ وَعده شما را درست گردانیده است؟ سخن شما روشن و روشنی بخش، و امر و فرمان تان باعث رشد و کمال و هدایت، و سفارش شماالتقوى، وَفَعَلُكُمْ الْخَيْرُ، وَعَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ، وَسَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ، تقوا و پرهیزکاری، و کار شما همه خوبی، و عادت شما نیکی کردن، و طبیعت شما بزرگواری، وَشَأْنُكُمْ الْحَقُّ وَالصَّدْقُ وَالرَّفْقُ، وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَقٌّ، وَرَأْيُكُمْ وَشَأْنُكُمْ حَقٌّ طَلَبِي وَرَأْيُكُمْ حَقٌّ طَلَبِي و راستگویی و مدارا کردن، و گفتار شما قاطع و محکم، و رأی و نظر شما علمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ، إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَأَصْلَاهُ، وَفَرَعُهُ دَانَش و بردباری و دوراندیشی است، اگر از خیر و خوبی یاد شود شما ابتدای آن، ریشه و شاخه آن وَمَعْدِنُهُ، وَمَأْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ. بِأَبَى أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، كَيْفَ و معدن و جایگاه آن و انتهای آن هستید. پدرم، مادرم و جانم فدای شما، چگونه أَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ، وَأُحْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ، وَبِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ خُوبِي هَای شما و ثنای نیکوی شما را وصف کنم و نعمت های فراوان شما را شمارش نمایم؟ و به سبب شما خداوند ما رَامِنَ الذَّلِّ، وَفَرَّجَ عَنَّا عَمْرَاتِ الْكُرُوبِ، وَأَنْقَذَنَا مِنْ شَفَاجِرُفِ از خواری و ذلت خارج کرد، و غم ها و غصه ها و گرفتاری های عمیق را از ما برطرف کرد، و از پرتگاههای الْهَلَكَاتِ وَمِنَ النَّارِ. بِأَبَى أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، بِمُؤَالَا-تِكُمْ عَلَّمَنَا هَلَا-كَت بَار و از آتش جهنم رهایی بخشید. پدرم، مادرم و جانم فدای شما، با پذیرفتن ولایت شما

اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا، وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَادَ مِنْ دُنْيَانَا، وَبِمَوَالَاتِكُمْ خَدَاوَنَد مَعَالِم وَحَقَائِقِ دِينِ رَا بَه مَا آمُوخت، وَ آنچه از دنیای ما فاسد بود اصلاح نمود، و با ولایت شما تَمَّتِ الْكَلِمَةُ، وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ، وَائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ، وَبِمَوَالَاتِكُمْ کلمه حق کامل، و نعمتش بزرگ و بر ما تمام گشت، و پراکندگی به اُلفت و اتحاد تبدیل شد، و به ولایت شما تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ، وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ، وَالْذَرَجَاتُ طَاعَتِ وَاجِب پذیرفته می شود، و مودّت و اظهار محبّت نسبت به شما واجب است، و شما دارای درجات الرَّفِيعَةِ، وَالْمَقَامُ الْمَحْمُودُ، وَالْمَكَانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، و مراتب رفیع، و مقام ستوده، و جایگاه شناخته شده نزد خداوند بلندمرتبه، وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ، وَالشَّأْنُ الْكَبِيرُ، وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ. «رَبَّنَا اَمَنَّا وَجَاهَتِ زِيَاد، وَ شَأْنٌ عَظِيم، وَ شَفَاعَتِ پذیرفته شده هستيد. پروردگارا؛ بِمَا أُنْزِلَتْ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» (۱)، «رَبَّنَا لَا تُزِغْ بَه آنچه فرو فرستادی ایمان آوردیم و از رسول تو پیروی کردیم، پس ما را از گواهان ثبت فرما. پروردگارا؛ قُلُوبَنَا بَعِيدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ دِلْ هَايِ مَا رَا پس از هدایت دچار انحراف مکن، و از ناحیه خود رحمتی بر ما ببخش، که تَوَالُوهَابُ» (۲)، سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا. يَا وَلِيَّ اللَّهِ، إِنْ بَسِيَارَ بَخْشَنده ای، پاک و منزّه است پروردگار ما، و حتماً وعده اش انجام شده خواهد بود. ای ولی خدا؛ هَمَانَايِنِي وَيَبِّينَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُم، فَيَحَقِّ مِيَانِ مِنْ وَ خدای عزیز و بزرگ گناهانی است که جز رضایت و خشنودی شما آن ها را از بین نمی برد، پس به حَقِّ مَنْ اِئْتَمَنَكُمْ عَلَى سِرِّهِ، وَاسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ، وَ قَرَنَ طَاعَتَكُمْ آن که شما را بر راز خود اَمِين قرار داد، و رعایت امور آفریدگانش را به شما سپرد، و طاعت شما رَابِطَاعَتِهِ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ دُنُوبِي، وَ كُنْتُمْ شُفَعَاءِي، فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ، به اطاعت خودش قرین گردانید که برای گناهان من طلب بخشش کنید، و شفیعان من باشید، که من فرمانبردار شمايم، مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ هَر كَسِ شَمَا رَا اطاعت کند در حقیقت خدا را اطاعت نموده است، و هر کس از فرمان شما سرپیچی کند در واقع نافرمانی خدا کرده است، و هر

ص: ۶۱۹

۱- ۵۷. سوره آل عمران، آیه ۵۳

۲- ۵۸. سوره آل عمران، آیه ۸

أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهُ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهُ. اَللّهُمَّ اِنِّي لَوَكُوسٌ شَمَا رَا دُوسْتَ بَدَارِدُ خَدَا رَا دُوسْتَ دَارِدُ، وَ هَر كَسْ بَا شَمَا دُشْمَنِي كُنْدُ بَا خَدَا دُشْمَنِي كَرْدَه اَسْتُ. خَدَاوَنَدَا؛ بَه رَا سْتِي اَكْر من وَحِيْدَتْ شُفْعَاءَ اَقْرَبَ اِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الْاَخْيَارِ، اَلْاَيْمَهُ شَفِيعَانِي مِي يَافْتَمُ كِه دَر پِيشْكَاهِ تُو مَقْرَبَ تَرَا زَ (حَضْرَت) مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِ خُوبِ او؛ اَن پِيشْوَايَا نِ الْمَأْبُرَارِ، لَجَعَلْتُهُمْ شُفْعَائِي، فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي اَوْجِبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ، نِيكُو كَارِ بَاشَنْدُ، حَتْمًا اَن هَا رَا شَفِيعِ خُودِ قَرَارِ مِي دَا دَمُ، پَسْ بَه حَقِّي كِه بَرَايِ اَيْشَانِ بَرِ خُودَتِ وَاجِبِ فَرْمُودِي وَ لَازِمِ دَا نَسْتِي، اَسْئَلُكَ اَنْ تُدْخِلْنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ، وَفِي زُمْرِ هَازِ تُو مِي خُوَاهِمُ كِه مَرَا دَر رَدِيفِ كَسَانِي قَرَارِ دِهِي كِه نَسَبَتِ بَه اَن بَزْرْگُوَارَانِ وَ حَقِّ اَيْشَانِ اَشْنَائِي دَارَنْدُ، وَ دَر زُمْرِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ، اِنَّكَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيكَ سَانِي جَايِ دِهِي كِه بَه شَفَاعَتِ اَنَّا نِ مَوْرِدِ رَحْمَتِ تُو قَرَارِ كَرْفْتِه اَنْدُ، كِه تُو مَهْرَبَا نْتَرِي نِ مَهْرَبَا نَا نِ هَسْتِي، وَ دَرُودِ خَدَاوَنَدِ مُحَمَّدٍ وَ اِلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ سَلِّمْ كَثِيرًا، وَ حَسْبِ بِنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ. (۱) وَ سَلامِ فَرَاوَا نِ او بَرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ پَاكِ او بَا دُ، وَ خَدَا مَا رَا بَسِ اَسْتُ وَ او خُوبِ مَدَا فَعِ وَ پِشْتِيَا نِي اَسْتُ.

زیارت جامعه سّوم

این زیارت را مرحوم علامه مجلسی در «بحار الأنوار» از یک کتاب قدیمی به عنوان «زیارت جامعه ثالثه» نقل کرده است:

هنگامی که به پیشگاه این بزرگواران شرفیاب شدی، بگو:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ

ص: ۶۲۰

۱ - ۵۹. مفاتیح الجنان: ۱۰۷۱، مزار آقا جمال خوانساری: ۶۰، عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲۷۷، مستدرک الوسائل: ۴۱۶/۱۰، بحار الأنوار: ۱۲۷/۱۰۲.

شَيْءٌ ؕ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، چیز همانند او نیست و او شنوا و دانا است، و معبودی جز خداوندی که پادشاه حق آشکار است نمی باشد، وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، صَمَوَاتُ اللَّهِ وَتَحِيَّاتُهُ وَرَأْفَتُهُ وَ پاك و منزّه است خداوند، پروردگار عرش با عظمت، درود خدا و تحیات های او و رأفت او و مَغْفِرَتُهُ وَرْضَاؤُهُ وَفَضْلُهُ وَكَرَامَتُهُ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ وَصَمَوَاتُ و آمرزش او و خشنودی او و بخشش او و کرامت او و رحمت او و برکات او و درود مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَآئِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّادِقِينَ فرشتگان مقربش، و پیامبران مرسل او، و شهیدان و صدیقان و عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ، وَمَنْ سَخَّ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْعَاوِلِينَ و بندگان شایسته اش و هر کس پروردگار جهانیان را از پیشینیان وَالْمَاخِرِينَ، مِلْأَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَمِلْأَ كُلِّ شَيْءٍ ؕ وَعِيدَدُوْهُ پَسِیْنِیَان تَسْبِیْح گفته است، به پُری آسمان ها و زمین ها، و پُری هر چیز، و (به) تعداد كُلِّ شَيْءٍ ؕ وَزَنَهُ كُلِّ شَيْءٍ ؕ أَبَدًا، وَمِثْلَ الْأَبَدِ، وَبَعْدَ الْأَبَدِ مِثْلَ هَر چیز، و هم سنگ هر چیز ابدی، و مثل ابدی، و بعد از ابد مانند الْأَبَدِ، وَأَضْعَافَ ذَلِكَ كُلِّهِ، فِی مِثْلِ ذَلِكَ كُلِّهِ سَرْمَدًا دَائِمًا مَعَ ابد، و دوچندان همه آن، در مانند همه آن پیوسته و همیشگی و دائمی بادوام مُلْكِ اللَّهِ وَبَقَاءِ وَجْهِهِ الْكَرِيمِ، عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَخَاتَمِ دَوَامِ پادشاهی خداوند و باقی بودن ذات بزرگوار او، بر سرور رسولان، و پایان بخش النَّبِیِّیْنَ، وَإِمَامِ الْمُتَّقِیْنَ، وَوَلِیِّ الْمُؤْمِنِیْنَ، وَمَلَائِكَةِ الْعَالَمِیْنَ، وَسِرَاجِ پِیَامِبِرَان، و پیشوای پرهیزکاران، و سرپرست اهل ایمان، و پناهگاه جهانیان، و چراغ النَّاطِرِیْنَ، وَأَمَانَ الْخَائِفِیْنَ، وَتَالِیِ الْإِیْمَانِ، وَصَاحِبِ الْقُرْآنِ، بینندگان، و ایمنی بخش بیمناکان، و در پی آینده ایمان، و همراه قرآن، وَنُورِ الْأَنْوَارِ، وَهَادِیِ الْأَبْرَارِ، وَدَعَامَةِ الْجَبَّارِ، وَحُجَّتِهِ عَلَی و روشنائی بخش نورها، و هدایت کننده نیکوکاران، و پشتوانه (خداوند) جَبَّار، و حُجَّتِ او بر

الْعَالَمِينَ، وَخَيْرَتِهِ مِنَ الْمَأُولِينَ وَالْمَاخِرِينَ، مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ جَهَانِيَان، و بهترین برگزیده اش از میان گذشتگان و آیندگان، (حضرت) مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ نَبِيُّهُ وَرَسُولُهُ وَحَبِيبُهُ وَصَفِيُّهُ وَخَاصَّتُهُ، وَخَالِصَتُهُ وَرَحْمَتُهُ وَنُورُهُ پیامبر و رسول و دوست و برگزیده و مخصوص و بی آرایش و رحمت و نور و سایه فیه و اَمِينُهُ وَحِجَابُهُ وَعَيْنُهُ وَذِكْرُهُ وَوَلِيُّهُ وَجَنِّبُهُ وَصِرَاطُهُ، و نماینده و امین و پرده دار و دیده او و مراقب و ولی و جانبدار و راه، وِعَزَّوَتُهُ الْوُثْقَى، وَحَيْلُهُ الْمَتِينِ، وَبُزْهَانُهُ الْمُبِينِ، وَمَثَلُهُ الْأَعْلَى، و دست آویز مورد اطمینان، و ریسمان محکم، و برهان آشکار، و مظهر والا و دَعْوَتُهُ الْحُسْنَى، وَآيَتُهُ الْكُبْرَى، وَحُجَّتُهُ الْعُظْمَى، وَرَسُولُهُ و دعوتگر نیکو، و آیت و نشانه بزرگ، و حُجَّتْ عَظِيم، و فرستاده الکریم، اَلرُّتُوفِ الرَّحِيمِ، اَلْقَوِيُّ الْعَزِيزِ، اَلشَّافِعِ الْمُطَاعِ، وَعَلَى بزرگوار او، رتوف و مهربان، نیرومند و شکست ناپذیر، شفيعی که شفاعتش پذیرفته شود، و بِرَالْأَيْمَةِ عَلَيْهِمْ جَمِيعَانِ السَّلَامُ، اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ، وَالْحَسَنِ اِمَامَانِ که بر همه آنان سلام باد؛ امیر و فرمانروای مؤمنان (حضرت) علی، و امام حسن، وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٌّ وَمُحَمَّدٌ وَجَعْفَرٌ وَمُوسَى وَعَلِيٌّ وَمُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ و امام حسین، عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنُ، وَالْخَلْفُ الْمَهْدِيُّ، عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ جَمِيعَانِ السَّلَامُ حسن بن علی، و بازمانده راه یافته اش که بر او و بر همه آنان درود و الرَّحْمَةُ، اَلطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُطِيعِينَ الْمُقَرَّبِينَ. وَعَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ و رحمت باد، آن پاکان پاکیزگان، فرمانبرداران و مقربان (درگاه ربوبی). و بر او و بر همه آنان أَفْضَلُ سَلَامِ اللَّهِ، وَأَوْفَرُ رَحْمَتِهِ، وَأَزْكَى تَحِيَّاتِهِ، وَأَشْرَفُ بَرْتَرِينَ سلام خداوند، و فراوانترین رحمت او، و پاکیزه ترین تحیات او، و ارزنده ترین صلوات، وَأَعْظَمُ بَرَكَاتِهِ أَبَدًا مِنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، صلوات و درود او، و بزرگترین برکات او پیوسته و دائمی از طرف همه مردان و زنان مؤمن،

الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْمَأْمُوتِ، وَمِنْ أَوْلَادِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي زنده و مرده ایشان، و از طرف من و پدر و مادرم و اهل و عیالم و فرزندانم و إِخْوَتِي وَأَخَوَاتِي وَأَهْلِي وَقَرَابَاتِي، فی حیاتِی ما بَقِيتُ، وَبَعِيدُو برادرانم و خواهرانم و اهل و نزدیکانم، در دوران زندگی تا مادامی که هستم، و پس از وفاتِی، وَمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرُبَتْ، عَلَيْهِمْ سَلَامُ اللَّهِ فی وفاتم، و تا زمانی که خورشید طلوع و غروب می کند. سلام خدا بر آنان در میان الْأَوَّلِينَ، وَعَلَيْهِمْ سَلَامُ اللَّهِ فی الْآخِرِينَ، وَعَلَيْهِمْ سَلَامُ اللَّهِ یَوْمَ پِشینیان، و سلام خدا بر آنان در میان پسینیان، و سلام خدا بر آنان روزی که یَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ. سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می ایستند. سلام بر تو ای پیامبر و رحمت خداوَبَرَكَاتُهُ، سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ اللَّهِ و بَرَكَاتِ او بر تو باد. سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای انتخاب شده خداوند مِنْ خَلْقِهِ، وَصَفْوَتُهُ مِنْ بَرِيَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ عَلِیَّاز میان آفریدگانش، و برگزیده او از میان موجوداتش، سلام بر تو ای امین پروردگار بررسالتِی، وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ، الْخَاتَمَ لِمَا سَبَقَ، وَالْفَاتِحَ لِمَا غَلَقَ، رسالت او، و فرمان حتمی او، آنکه پایان بخش نسبت به گذشتگان، و گشاینده درهای بسته،وَالْمُهَيِّمَ عَلَى ذَلِكِ كُلِّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ و مراقب بر همه آن بوده، و رحمت و بَرَكَاتِ خداوند بر تو باد. سلام بر تو یا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ ای سرور رسولان، سلام بر تو ای خاتم پیامبران، سلام بر تو یا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ ای پیشوای پرهیزکاران، سلام بر تو ای سرپرست مؤمنان، سلام بر تو یا مَوْلَى الْمُسْلِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ، ای مولای مسلمانان، سلام بر تو ای حُجَّتِ خدا بر جهانیان،

الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَالِصَهُ اللَّهُ وَخَلِيلَهُ وَحَبِيبَهُ وَصِيَّهُ مِنْ الْأَوَّلِينَ سلام بر تو ای خالص گردیده برای خدا و دوست و دوستدار و برگزیده او از میان گذشتگان وَالْآخِرِينَ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَشِيرُ النَّذِيرُ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا آيِنْدَگان، سلام بر تو ای بشارت دهنده و بیم دهنده، سلام بر تو ای مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ وَعَلَى الْكَمَّةِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، سلام بر تو ای ابا القاسم و بر آل تو وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. اَلْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ، وَمَوْضِعَ وَرَحْمَتِ خَدَاوند و برکات او (بر شما)، سلام بر شما ای اهل بیت نبوت، و جایگاه الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ، وَمَهْبِطَ الْوَحْيِ، وَمَعِيدَةَ الرَّحْمَةِ، رسالت الهی، و محل رفت و آمد فرشتگان، و فرود آمدن وحی، و معدن رحمت، وَمِأْوَى السَّكِينَةِ، وَخَزَائِنَ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ، وَأَصُولَ وَنَزْلَگاه آرامش، و خزانه های دانش، و آخرین حدّ بردباری، و ریشه های الْکَرَمِ، وَقَادَةَ الْأَمَمِ، وَأَوْلِيَاءَ النَّعَمِ، وَعَنَاصِرَ الْأَبْرَارِ، وَدَعَائِمَ کرامت و بزرگواری، و فرماندهان و پیشروان اُمِّیَّتِها، و متصدیان نعمت ها، و مایه های اصلی نیکوکاران، و پشتیبانان خدَاوند الْجَبَّارِ، وَسَاسَةَ الْعِبَادِ، وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ، وَأَبْوَابَ الْإِيمَانِ، وَأَمْنَاءَ جَبَّارِ، و اداره کنندگان امور بندگان، و پایه های استوار شهرها، و درهای ورودی ایمان، و امینان خدَاوند الرَّحْمَنِ، وَسِیْلَةَ النَّبِیِّینَ، وَصِفْوَةَ الْمُرْسَلِیْنَ وَالْیَسِّ، وَعِزَّةَ مَهْرَبانِ، و نسل پیامبران، و گزیده رسولان، و خاندان یس، و عترت خَیْرِهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. اَلْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَئِمَّةَ بَهِتَرین انتخاب شده پروردگار جهانیان، و رحمت خدا و برکات او بر شما باد. سلام بر شما ای پیشوایان الْهُدَى، وَمَصَابِیْحَ الدُّجَى، وَأَهْلَ التَّقْوَى، وَأَعْلَامَ التَّقَى، وَذَوِی هِدَايَتِ، و چراغ های فروزان (در تاریکی ها)، و اهل تقوا، و پرچم ها و نشانه ها برای یافتن پرهیزکاری، و دارندگان النُّهَى، وَأَوْلَى الْحِجَى، وَسَادَةَ الْوَرَى، وَبُیُودَ الدُّنْیَا، وَوَرَثَةَ عَقْلِ وَخرد، و صاحبان هوش و درایت و زیرکی، و سروران همه مردم، و ماه های کامل و درخشنده دنیا، و وارثان

الْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَثَلَ الْأَعْلَى، وَالِدَعْوَةَ الْحُسْنَى، وَالْحُجَّةَ عَلَى مَنْ يَمْبِرَانِ، وَبِالْأَتَرِينَ مَثَلٌ وَنُمُونَهُ، وَنِيكَوْتَرِينَ فِرَاخُونَ، وَحُجَّتْ بِرْ هَمَّ آتَانِ كَهْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى، وَرَحْمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ. دَرِ زَمِينِ وَآسْمَانِ وَآخِرَتِ وَدُنْيَانِدِ، وَرَحْمَتِ خدَا وَبَرَكَاتِ اَوِ بِرْ شَمَا بَاد. اَلْسَّلَامُ عَلَيَّ مَحَالٍّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَمَسَاكِينِ بَرَكَهِ اللَّهِ، وَمَعَادِنِ سَلَامِ بِرْ جَايْكَاهِ وَمَحَلِّ هَايِ شَنَاخَتِ خدَاوندِ، وَنَزَلْكَاهِ هَايِ بِرْ كَتِ خدَاوندِ، وَكَنْجِينِهِ هَايِ مَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ، وَخَزَنَةِ عِلْمِ اللَّهِ، وَحَفْظَةِ سِرِّ اللَّهِ، وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ، حَكْمَتِ الهِي، وَخَزَانَهُ دَارَانِ عِلْمِ خدَا، وَحَافِظَانِ سِرِّ خدَا، وَحَامِلَانِ كِتَابِ خدَا، وَوَرَثَةِ رَسُولِ اللَّهِ، وَرَحْمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ. اَلْسَّلَامُ عَلَيَّ الدُّعَاهُو وَارثَانِ رَسُولِ خدَا، وَرَحْمَتِ خدَا وَبَرَكَاتِ اَوِ بِرْ شَمَا بَاد. سَلَامِ بِرْ دَعْوَتِ كُنْدِگانِ اِلَى اللَّهِ، وَالْأَدِلَاءِ عَلَيَّ اللَّهِ، وَالْمُؤْذِنِينَ عَنِ اللَّهِ، وَالْقَائِمِينَ بِحَقِّ بِي سَوِي خدَاوندِ، وَرَاهَنْمَائِي كُنْدِگانِ بِي خدَاوندِ، وَآذِنِ دِهَنْدِگانِ اَزْ جَانِبِ خدَا، وَقِيَامِ كُنْدِگانِ بِي حَقِّ اللَّهِ، وَالنَّاطِقِينَ عَنِ اللَّهِ، وَالْمُسْتَوْفِرِينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ، وَالْمُخْلِصِينَ خدَا، وَسَخْنِ گُويَانِ اَزْ طَرَفِ خدَا، وَكَامِلِ گِرْدَانْدِگانِ اَمْرِ وَفِرْمَانِ خدَا، وَفِرْمَانِبِرْدَارَانِ مَخْلُصِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، وَالصَّادِعِينَ بِعِدِّينِ اللَّهِ، وَالتَّآمِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ، خدَا، وَحَكْمِ كُنْدِگانِ بَيْنِ مَرْدَمِ بِي دِينِ خدَا، وَكَامِلِ دَرِ مَحَبَّتِ وَدُوسْتِي خدَا، وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ، وَبَنْدِگانِ گِرَامِي وَارِزْشَمَنْدِي كِهْ بِي كُفْتَارِ بَرِ اَوِ پِيشِي نَمِي گِيرَنْدِ وَهَمُوارِ بِي دُستُورِ اَوِ عَمَلِ مِي كُنْدِ، وَرَحْمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ. اَلْسَّلَامُ عَلَيَّ الْأَئِمَّةِ الدُّعَاهِ، وَالْقَادَهُو رَحْمَتِ خدَا وَبَرَكَاتِ اَوِ بِرْ شَمَا بَاد. سَلَامِ بِرْ پِيشُوایَانِ دَعْوَتِ كُنْدِ، وَزَمَامِدَارَانِ اَلْهُدَاهِ، وَالسَّادَةَ الْوُلَاهِ، وَالذَّادَةَ الْحُمَاهِ، وَالْأَسَادَ الشُّقَاهِ، وَأَهْلِ هِدَايَتِ كُنْدِ، وَسُرُورَانِ سِرْپَرَسْتِي كُنْدِ، وَمَدَافِعَانِ حِمَايَتِ كُنْدِ، وَآقَايَانِ سِيرَابِ كُنْدِ، وَاهِلِ وَشَايِسْتِهِ الذُّكْرِ وَأُولَى الْأَمْرِ، وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ وَصِيْفُوتِهِ وَحِزْبِهِ وَعَيْنِهِ ذِكْرِ وَصَاحِبَانِ اَمْرِ، وَبَازْمَانْدِهِ خدَاوندِ وَاِنتِخابِ شُدِهِ وَبِرْگَزِيدِهِ اَوِ، وَحِزْبِ اَوِ وَچِشْمِ بِيْنَايِ اَوِ،

وَحُجَّتِهِ وَجَنَبِهِ وَصِرَاطِهِ وَنُورِهِ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. أَشْهَدُ أَنْ وَحْدَتِ او، وَنَزْدِيكَ او، وَرَاهِ او وَنُورِ او، وَرَحْمَتِ خُدا وَبَرَكَاتِش بَرِ شَمَا بَاد. گواهی می دهم که لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَيْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ، وَشَهِدَتْ مَعْبُودِي جِزِ خُدا نِست، يَكُنَا است وَشَرِيكِي بَرَايِ او نِست، هَمَانِ كُونِه كِه خُودِش دَر مَورِدِ خُويش گواهی داده، وَلَهُ مَلَائِكَتُهُ وَأَوَّلُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، فرشتگان او و عالمان آگاه از میان آفریدگانش برای او گواهی داده اند، جِزِ او كِه نِرومَند وَحَكِيمِ است خُدايِي نِست، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ الْمُجْتَبَى، وَنَبِيُّهُ الْمُزْتَجَى، وَحَبِيبُهُ وَابْنُكَ (حضرت) مُحَمَّدُ بَندِه وَفَرَسْتادِه اِنتِخابِ شُدِه او، وَپِيامبَرِش كِه مَايِه اَمِیدِ است، وَدُوستِ الْمُضِيَّ طَفِي، وَأَمِينُهُ الْمُزْتَضَى، أَرْسَلَهُ نَذِيرًا فِي الْأَوَّلِينَ، وَرَسُولًا بَرِ كَزِيدِه او، وَامینِ پِسنَدیدِه اش مِی باشَد، او را بَیمِ دَهنَدِه دَر پِشِینیان، وَپِیامِ رِسانِ دَر مِیانِ فِی الْأَخِرِينَ بِاللَّهِدَى وَدِينِ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ بِسِنِّيَانِ بَه هِدَايَتِ وَدِينِ حَقِّ فَرَسْتادِ، تا او را بَرِ هَر دِینِ وَآئینی پِروزِ گِرَدانَدِ گِرَچِه كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. فَصَدَعَ بِمَا أُمِرَ بِهِ، وَبَلَغَ مَا حُمِّلَ، وَنَصَحَ لِأُمَّتِهِ، مُشْرَكَانَ رَا نَاخُوشِ آيِنْدِ باشَد. پَسِ آنچِه را بَه آن اَمَرِ شُدِه بُوَدِ آشكارِ ساختِ، وَآنچِه بَرِ دُوشِ داشتِ رِسانیدِ، وَبَرَايِ اَمْتِش خِیرِخواهی نِمودِ وَجَاهِدَ فِی سَبِيلِ رَبِّهِ، وَدَعَا إِلَيْهِ بِالْحُكْمِ وَالْمِوَعِظَةِ الْحَسَنِ، وَدَرِ رَاهِ پِروَرِدِ گارش جِهادِ كَرْدِ، وَبَا كَلِمَاتِ حَكِيمَانِه وَپِندِ وَاندرزهای نِكوِ مَرْدَمِ را بَه سَویِ او فِراخوانَدِ، وَصَبَرَ عَلَى مَا أَصَابَهُ فِی جَنَبِهِ، وَعَبَدَهُ صَادِقًا مُصَدِّقًا صَابِرًا وَبَرِ مُشْكَلَاتِي كِه دَر كِنارِ آن بَه او رِسیدِ شَكِیائی وَرَزیدِ، وَاو را پَرستشِ كَرْدِ دَر حَالِي كِه باصداقتِ، تَصَدِيقِ كُنندِه وَپایدارِ بُوَدِ مُحْتَسِبًا، لَا وَاِنِيًّا وَلَا مُقَصِّرًا حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينُ. وَأَشْهَدُ أَنَّ رِضَايِ خُدا را ارادِه نِمودِه بُوَدِ، هِیچگونِه سِستی وَكُوتاهی نِكِرْدِ تا جِهانِ را وِداعِ كَفتِ. وَگواهی می دهم كِه الدِّينَ كَمَا شَرَعَ، وَالْكِتَابَ كَمَا تَلَا، وَالْحَلَالَ مَا أَحْلَلَ، وَالْحَرَامَ دِینِ هَمَانِ است كِه او ابلاغِ كَرْدِ، وَكِتابِ هَمَانِ است كِه او تِلَاوَتِ فرمودِ، وَحَلَالَ آن است كِه او حَلَالَ گِرَدانیدِ، وَحَرَامِ آن است مَّا حَرَّمَ، وَالْفَضْلَ مَّا قَضَى، وَالْحَقَّ مَّا قَالِ، وَالرُّشْدَ مَّا أَمَرَ، كِه او حَرَامِ فرمودِ، وَحَكَمِ مِیانِ حَقِّ وَباطلِ آن است كِه او قِضاوتِ نمودِ، وَحَقِّ كَفتارِ او است، وَرِشْدِ وَكَمالِ دَرِ فرمانِ او است.

وَأَنَّ الَّذِينَ كَذَبُواْ وَخَالَفُوهُ، وَكَذَّبُواْ عَلَيْهِ، وَجَحَدُواْ حَقَّهُ، و) گواهی می دهم به(اینکه کسانی که او را تکذیب کردند، و با او مخالفت نمودند و بر او دروغ بستند، و حَقِّش را نشناختند، وَأَنْكَرُواْ فَضْلَهُ وَأَتَّهَمُوهُ، وَظَلَمُواْ وَصِيَّتَهُ، وَاعْتَدُواْ عَلَيْهِ، و فضیلت او را انکار کردند و او را مَتَّهَم ساختند، و به وصیِّ او ظلم کردند، و بر او ستم روا داشتند، وَغَصَبُواْ خِلَافَتَهُ، وَنَقَضُواْ عَهْدَهُ فِيهِ، وَحَلُّواْ عَقْدَهُ لَهُ، وَأَسَّسُواْ خِلَافَتِ او را غاصبانه گرفتند، و عهد و پیمان او را در موردش نقض کردند، و قراردادی که برای او بسته بود گشودند، وَالْجَوْرَ وَالظُّلْمَ وَالْعُدْوَانَ عَلَى إِلَهِ، وَقَتَلُوهُمْ وَتَوَلَّوْاْ غَيْرَهُمْ، اساس ظلم و بیداد و دشمنی بر خاندان او را بنا نهادند، و آنان را کشتند و غیر ایشان را سرپرست خود قرار دادند، ذَاتَّقُواْ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، لَا يُخَفِّفُ عَذَابَ دردناکی را در پائین ترین مرتبه دوزخ خواهند چشید که هرگز آن عذاب کاهش عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا وَهُمْ فِيهِ مُتَلَسِّسُونَ، مَلْعُونُونَ نَاكِسُوا رُؤُوسَهُمْ، داده نمی شود و امید خلاصی در آن ندارند، از رحمت به دور و سرافکنده اند، فَعَايَنُوا النَّدَامَةَ وَالْخِزْيَ الطَّوِيلَ، مَعَ الْمَارِذَلِينَ الْأَشْرَارِ، قَدْ كُتِبَ اِپس پشیمانی و خواریِ طولانی را همراه با اراذل و اشرار مشاهده می کنند، در حالی که علی وَجُوهِهِمْ فِي النَّارِ، وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَصَدَّقُوهُ وَنَصَرُوهُ با چهره هایشان در آتش افتاده اند، (ولی) و آنانکه به او ایمان آورده و او را تصدیق نموده و یاری کرده وَوَقَرُّوهُ وَأَجَابُوهُ وَعَزَّرُوهُ وَاتَّبَعُوهُ، وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ و بزرگ داشته و اجابت کرده و کمک نموده و از او و نوری که با او نازل شده پیروی کرده، مَعَهُ، أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ، فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ، وَالْفَوْزِ الْعَظِيمِ، ایشان همان رستگاران هستند، در باغ های پر نعمت و کامیابی عظیم، وَالْغِنَى وَالسَّرُورِ، وَالْمُلْكِ الْكَبِيرِ، وَالثَّوَابِ الْمُقِيمِ فِي الْمَقَامِ و شادی و شادمانی و دارایی زیاد و پاداش پایدار در جایگاه الْكَرِيمِ. فَجَزَاهُ عَنَّا أَحْسَنَ الْجَزَاءِ وَخَيْرَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ، ارزشمند بسر می برند. پس خداوند به او از طرف ما نیکوترین و بهترین پاداشی که به پیامبری از طرف امتش،

وَرَسُولًا عَمَّنْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِ، وَخَصَّهُ بِأَفْضَلِ قِسِيمِ الْفَضَائِلِ، وَبَلَّغَهُ وَرَسُولِيَّ مِنْ سَوَىٰ أَوْ فَرَسْتَادِهِ شَدِيدَةً دَادِهِ مَرَحْمَتِ فَرَمَائِدِ، وَ أَوْ رَا بَه بَرْتَرِينَ بَهْرَهْ اَزْ فَضَائِلِ اِخْتِصَاصِ دَهْدِ، وَ اَوْ اَعْلَى شَرَفِ الْمُكْرَمِينَ مِنَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى فِي اَعْلَى عَلِيَّيْنِ، رَا بَه بِالْاَتْرِينَ شَرَفِ وَ مَرْتَبَهْ بَزْرْگَوَارَانِ اَزْ مَرَاتِبِ الْاَلَا- دَرِ اَعْلَى عَلِيَّيْنِ، «فِي جَنَّتٍ وَنَهْرٍ فِي مَقْعَدٍ صَدَقَ عِنْدَ مَلِيكَ مُقْتَدِرٍ» (۱)، «دَرِ بَاغِ هَا وَ نَهْرِ هَا يَ جَارِي، دَرِ جَايْگَاهِ صَدَقِ وَ رَاسْتِي نَزْدِ پَادِشَاهِ تَوَانَا وَ مَقْتَدِرِ بَرَسَانْدِ»، وَ اَعْطَاهُ حَتَّى يَرْضَى، وَ زَادَهُ بَعْدَ الرِّضَا، وَ جَعَلَهُ اقْرَبَ الْخَلْقِ مِنْهُ وَ بَه اَوْ عَطَا كَنْدِ تَا رَاضِي گَرْدَدِ، وَ بَعْدِ اَزْ رِضَايَتِ بَرِ اَوْ بِيْفَزَائِدِ، وَ قَرَارِ دَهْدِ اَوْ رَا مَقْرَبَ تَرِينَ خَلْقِ نَسْبَتِ بَه خُوِيْشِ اَزْ نَظَرِ مَجْلِسًا، وَ اَذْنَاهُمْ اِلَيْهِ مَنَزِلًا، وَ اَعْظَمَهُمْ عِنْدَهُ جَاهًا، وَ اَعْلَاهُمْ جَايْگَاهَ، وَ نَزْدِيكْتَرِينَ اَنَانِ اَزْ جِهَتِ مَقَامِ وَ مَنَزَلَتِ، وَ بَزْرْگَتَرِينَ اِيْشَانِ نَزْدِ اَوْ اَزْ حِيْثِ اَبْرُو، وَ الْاَلَا- تَرِينَ اَنَانِ دَرِ لَعْدِيْهِ كَغْبًا، وَ اَحْسَنَهُمْ عَلَيْهِ ثَنَاءً، وَ اَوَّلَ الْمُتَكَلِّمِينَ كَلَامًا، وَ اَكْثَرِ بِيْشْگَاهِشِ اَزْ جِهَتِ سَرَاْفَرَايِ وَ بَزْرْگَوَارِي، وَ نِيكُوْتَرِينَ اَنَانِ بَرِ اَوْ اَزْ جِهَتِ ثَنَاگوئي، وَ اَوَّلِينَ تَكَلَّمَ كَنْدِگَانِ اَزْ جِهَتِ كَلَامِ، وَ بِيْشْتَرِينَ النَّبِيِّينَ اَتْبَاعًا، وَ اَوْفَرَ الْخَلْقِ نَصِيْبًا، وَ اَجَزَلَهُمْ حَظًّا فِي كُلِّ پِيَامْبِرَانِ اَزْ جِهَتِ پِيْرُو، وَ فَرَاوَانِ تَرِينَ خَلْقِ اَزْ جِهَتِ نَصِيْبِ، وَ زِيَادْتَرِينَ اَنَانِ اَزْ جِهَتِ بَهْرَهْ خَيْرٍ هُوَ قَاسِمُهُ بَيْنَهُمْ، وَ اَحْسَنَ جَزَاءَهُ عَنْ جَمِيْعِ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ دَرِ هَرِ خَيْرِ وَ خُوْبِي كِهْ اَوْ مِيَانِ اَنَانِ تَقْسِيْمِ كَنْدِ، وَ نِيكُوْتَرِينَ جَزَا وَ پَادَاشِ خُودِ رَا اَزْ طَرَفِ هَمِهْ اَهْلِ اِيْمَانِ اَزْ اَوَّلِيْنَ وَ اَلْمَاجِرِيْنَ. وَ اَشْهَدُ اَنَّكُمْ اَلْمَائِمَةُ الرَّاشِدُونَ اَلْمُهْدِيُونَ، پِيْشِيْنِيَانِ وَ اَيْنْدِگَانِ بَهْ اَوْ مَرَحْمَتِ فَرَمَائِدِ. وَ گَوَاهِي مِي دَهْمِ كِهْ شَمَا پِيْشُوَايَانِ رَا يَافْتَهْ، هِدَايَتِ شَدِهْ، اَلْمَعْصُومُونَ الْمُكْرَمُونَ، اَلْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ اَلْمُضِيَّ طِفُونَ، اَلْمُطِيْعُونَ مَعْصُومِ وَ پَاكِ اَزْ هَرِ پَلِيْدِي، گَرَامِي، مَقْرَبِ، پَرِهِيْزْكَارِ، بَرْگَزِيْدِهْ، فَرَمَانْبَرْدَارِ لِلّٰهِ، اَلْقَوَامُونَ بِاَمْرِهِ، اَلْعَامِلُونَ بِاِرَادَتِهِ، اَلْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ. پَرُوْرْدِگَارِ، قِيَامِ كَنْدِهْ بَهْ اَمْرِ اَوْ، عَمَلِ كَنْدِهْ بَهْ اِرَادَهْ اَوْ، پِيْرُوْزْمَنْدِ بَهْ كَرَامَتِ اَوْ هَسْتِيْدِ. اِضِيْ طَفَاكُمُ بِلَعْمِهِ، وَ اِضِيْ طَنَعَكُمُ لِنَفْسِهِ، وَ اِرْزَاقَكُمُ لِعَيْبِهِ، وَ اِخْتَارَكُمُ (شَمَا رَا بَهْ عِلْمِ خُودِ بَرْگَزِيْدِ، وَ بَرَايِ خُوِيْشِ پَرُوْرشِ دَادِ، وَ بَرَايِ رَاْزِ خُودِ پَسَنْدِيْدِ

ص: ۶۲۸

لِسِرِّهِ، وَاجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ، وَأَعَزَّكُمْ بِهُدَاهُ، وَخَصَّكُمْ بِبِرَاهِينِهِ، وَبِهِ قُدْرَتِش فِرَاهِم آورد، و به هدايتش عزت بخشيد، و به دليل ها و برهان هايش اختصاص داد، وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ، وَأَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ، وَرَضَّيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ، وَبِهِ نورش انتخاب نمود، و با روح خود يارى كرد، و به عنوان جانشينان در روى زمينش پسنديد، وَجَعَلَكُمْ حُجَجاً عَلَى بَرِيَّتِهِ، وَأَنْصَاراً لِدِينِهِ، وَحَفَظَهُ لِحُكْمِهِ، وَشَمَا رَا حُجَّتْ هَا بِر بندگان، و يارى كندگان دينش، و حافظان حكم و فرمانش، وَخَزَنَهُ لِعِلْمِهِ، وَمُسَيِّدَةً لِحُكْمِهِ، وَتَرَا جِيَهَ لِنُورِهِ، وَأَرْكَاناً وَخَزَانَةَ دَارَانِ عِلْمِ وَدانشش، و محلّ وديعه نهادن حكمتش، و ترجمه كندگان وحيش، و پايه هاى لِتَوْحِيدِهِ، وَسَيِّفَرَاءَ عَنْهُ، وَشَهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ، وَأَسْبَاباً إِلَيْهِ، تَوْحِيدِش، و نمايندگان از طرف او، و گواهان بر آفريدگان، و راه هاى به سوى او، وَأَعْلَاماً لِعِبَادِهِ، وَمَنَاراً فِي بِلَادِهِ، وَسَبِيلاً إِلَى جَنَّتِهِ، وَأَدِلَّةً وَعِلَامَتِ هَاى آشكاركننده راه براى بندگان، و محلّ هاى نورافشاني در شهرهايش، و راه هاى روشن به سوى بهشتش، و نشان دهندگان عَلَى صِرَاطِهِ. عَصَمَكُمْ اللَّهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأَكُمْ مِنَ الْغُيُوبِ، رَاهِش قرار داد. خداوند شما را از گناه مصون داشت، و از هر گونه عيب مبرا گردانيد، وَائْتَمَنَكُمْ عَلَى الْغُيُوبِ، وَجَبَّحَكُمْ الْآفَاتِ، وَوَقَّاهُ السَّيِّئَاتِ، و بر رازها امين دانست، و از آفت ها و گزندها دور ساخت، و از بدى ها و زشتى ها حفظ كرد، وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَالزَّيْفِ، وَنَزَّهَكُمْ مِنَ الزَّلَلِ وَالْخَطَا، و از ناپاكى و انحراف پاك فرمود، و از لغزش و خطا بركنار نمود، وَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ، وَأَمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ، وَاسْتَرْعَاكُمْ الْأَنَامَ، و هر گونه پليدى و آلودگى را از شما (اهل بيت) دور نمود، و شما را از فتنه ها ايمن نگه داشت، و شما را نگهبان مردم قرار داد، وَفَوَّضَ إِلَيْكُمْ الْأُمُورَ، وَجَعَلَ لَكُمْ التَّدْبِيرَ، وَعَرَّفَكُمْ الْأَسْبَابَ، و امور را به سوى شما واگذار نمود، و تدبير كارها را براى شما قرار داد، و از سبب ها و دست آويزها آگاه نمود، وَأَوْزَنَكُمْ الْكِتَابَ، وَأَعْطَاكُمْ الْمَقَالِيدَ، وَسَيَّخَرَكُمْ لَكُمْ مَا خَلَقَ. و وارث كتاب گردانيد، و كليدها را به شما عطا كرد، و آنچه آفريده مسخر شما نمود،

فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ، وَأَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ، وَهَبْتُمْ عَظَمَتَهُ، وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ، و شما در برابر جلال و شکوه او تعظیم نمودید، و شأن او را بزرگ، و عظمتش را گرامی داشتید، و کرم او را تمجید، وَأَذْمَنْتُمْ ذِكْرَهُ، وَوَكَّدْتُمْ مِثْقَاهُ، وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ عَرَى طَاعَتِهِ، و یادش را ادامه دادید، و عهد و پیمانش را استوار، و قرارداد طاعت او و رشته فرمانبرداریش را محکم ساختید، وَنَصَّيْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحُكْمِ، و در پنهان و آشکار به نصیحت پرداختید، و با حکمت و پند وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَبَدَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ، وَصَبَرْتُمْ وَانْدَرْزَهِای نیکو مردم را به راه او فراخواندید، و برای جلب رضا و خشنودی او بذل جان نمودید، وَعَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ، وَصَدَعْتُمْ بِأَمْرِهِ، وَتَلَوْتُمْ كِتَابَهُ، بر آنچه در کنارش به شما وارد شد شکایا بودید، و امر و فرمانش را آشکارا بیان کردید، و کتابش را تلاوت کردید، وَحَيَّدْتُمْ بَأْسَهُ، وَذَكَّرْتُمْ أَيَّامَهُ، وَوَفَّيْتُمْ بَعْثِهِ، وَأَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ، و از خشم و عذاب او برحذر داشتید، و ایام الله را یادآوری نمودید، و به عهد و پیمانش وفا کردید، و نماز را بپا داشتید، وَاتَّيْتُمُ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتُمْ وَزَكَاتِ پرداختید، و به خوبی ها دستور دادید، و از زشتی ها و ناپسندها بازداشتید، فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَجَادَلْتُمْ بِالتِّي هِيَ أَحْسَنُ، حَتَّى أَعْلَنْتُمْ وَ در راه خدا به تمام معنا جهاد کردید آنگونه که سزاوار بود، و به آن روشی که نیکو بود مجادله نمودید، تَادَعَوْتُهُ، وَقَمَعْتُمْ عِدْوَهُ، وَأَظْهَرْتُمْ دِينَهُ، وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ، وَأَقَمْتُمْ دَعْوَتِ او را آشکار، و دشمنش را سرکوب، و دینش را پیروز ساختید، و واجبات آن را بیان، وَحَيَّدُو دَعْوَهُ، وَشَرَعْتُمْ أَحْكَامَهُ، وَسَيَّيَنْتُمْ سُنَّتَهُ، وَصَبَرْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ حَدُودِش را اجرا کردید، و احکام آن را قانون نهادید، و سنت آن را وضع نمودید، و در این مورد إِلَى الرِّضَا، وَسَيَّلْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ، وَصَدَقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَى. به رضا و خشنودی او منتهی شدید، و در قضا و سرنوشت تسلیم او شدید، و رسولان گذشته او را تصدیق نمودید. الرَّاغِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ، وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ، وَالْمَقْصَرُ عَنْكُمْ زَاهِقٌ، کسی که از شما روی گرداند از دین خارج گشته، و کسی که با شما باشد به حق پیوسته، و کسی که نسبت به شما کوتاهی کند به حق

نرسیده است،

وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدَنُهُ، وحق با شما و در شما و از شما و به سوی شما است، و شما شایسته آن و معدنش هستید، و میراثِ التَّوْبَةِ عِنْدَكُمْ، وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ، وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ، و میراثِ پیامبری نزد شما، و بازگشت خلق به سوی شما، و حساب آنان بر عهده شما است، وَفَضْلُ الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ، وَإِيَاتُهُ لَمَدِيكُمْ، وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ، وَنُورُهُ وَحُكْمُ قِطْعِي وَنَهَائِي که حق و باطل را فیصله دهد، و آیات و نشانه های او نزد شما است، و اراده قوی او در شما، و نور او مَعَكُمْ، وَبُرْهَانُهُ مِنْكُمْ، وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ. مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ، با شما، و برهان او از شما بروز می کند، و امر او متوجه شما است. کسی که شما را سرپرست خود قرار دهد در واقع خدا را سرپرست خود قرار داده، وَمَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، و مَنْ و هر کس شما را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده، و هر کس شما را دوست بدارد خدا را دوست داشته، و هر کس اِعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اِعْتَصَمَ بِاللَّهِ، أَنْتُمْ يَا مَوَالِيَّ وَنِعْمَ الْمَوَالِي، به شما پناه ببرد به خدا پناه برده است، شما ای سروران من؛ - که خوب سرورانی هستید - السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ، وَالصَّرَاطُ الْأَقْوَمُ، وَشُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ، وَشُفَعَاءُ شَاهِرَةِ بَزْرُكٍ، و راه استوارید، و گواهان در این سرای فانی، و شفیعانِ آخرتید که دَارِ الْبَقَاءِ، وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ، وَالْإِيَّةُ الْمَخْزُونَةُ، وَالْأَمَانَةُ السَّرَائِرُ باقی و جاودان است، و رحمت پیوسته، و آیت و نشانه شکفت انگیز ذخیره شده، و امانتِ الْمُحْفُوظَةِ، وَالْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ. مَنْ أَتَاكُمْ نَجَا، وَمَنْ نَكَّهَدَارِي شده اید، و درگاهی هستید که مردم به وسیله آن آزموده می شوند. هر کس به شما پیوندد اهل نجات است و هر کس أَبَاكُمْ هَوَى، إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ، وَبِهِ تُؤْمِنُونَ، وَلَهُ تُسَلِّمُونَ، وَبِأَمْرِهِ امْتِنَاعٌ وَرَزْدٌ هَلَاكٌ می گردد، به سوی خدا دعوت می کنید، و به او ایمان دارید، و تسلیم فرمان او هستید، و به دستورش تَعْمَلُونَ، وَإِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ، وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ، وَإِلَيْهِ تُنْيُونَ، عمل می کنید، و به راه او ارشاد می نمائید، و به گفتار او حکم می کنید، و به پیشگاه او انا به و بازگشت دارید، وَإِلَيْهِ تَعْظُمُونَ، سَعَدَ مَنْ وَالَاكُمْ، وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ، وَخَابَ مَنْ و او را تعظیم می نمائید، هر کس ولایت شما را پذیرفت به سعادت رسید، و هر کس با شما دشمنی کرد هلاک گردید، و هر کس

جَهْلَكُمْ، وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ، وَفَارَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ، وَأَمِنْ مَنْ شَمَا رَا نَشَاخْت نَاكَام، وَ هَر كَس از شَمَا جَدَا گر دِید گمراه، وَ هَر كَس به شَمَا پیوست کامیاب وَ پیروز شد، وَ كَسِی كه به شَمَالَجَا إِلَيْكُمْ، وَ سَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ، وَ هُدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ. مَنْ پناه‌نده گر دِید ایمنی یافت، وَ كَسِی كه شَمَا رَا تصدیق كرد سالم ماند، وَ كَسِی كه به دامن شَمَا چنگ زد هدایت شد. هَر كَس اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ، وَ مَنْ خَالَفَكُمْ فَالْنَّارُ مَثْوَاهُ، وَ مَنْ جَحَدَكُمْ از شَمَا پیروی كند بهشت جایگاه او است، وَ هَر كَس با شَمَا مخالفت كند دوزخ منزلگاه او است، وَ هَر كَس شَمَا رَا انكار كند كافر، وَ مَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، وَ مَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فَفِي أَسْفَلِ دَرَكٍ كَافِر است، وَ هَر كَس با شَمَا نبرد كند مشرك است، وَ هَر كَس شَمَا وَ گفتار شَمَا رَا رد كند در پائین ترین مرتبه الْجَحِيم، أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقُ لَكُمْ فِيمَا مَضَى، وَ جَارٌ لَكُمْ فِيمَا دُورُخ است، گواهی می دهم كه اینها همه در گذشته برای شَمَا پیشی گرفته، وَ در آینده بَقَى، وَأَنَّ أَنْوَارَكُمْ وَأَجْسَادَكُمْ وَأَشْبَاحَكُمْ وَظِلَالَكُمْ وَأَرْوَاحَكُمْ نِيز جاری است، وَ اینكه انوار وَ اجساد وَ اشباح وَ سایه ها وَ ارواح وَ طِینَتَكُمْ واحِدَه، جَلَّتْ وَ عَظُمَتْ وَ بُورِكَتْ وَ قُدِّسَتْ وَ طَابَتْ وَ سرشت شَمَا یکی است، باشكوه وَ عظمت وَ برکت وَ مقدس وَ پاك وَ طَهَّرَتْ بَعْضًا مِنْ بَعْضٍ، لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ وَ عِنْدَهُ، وَ فِی وَ پاكیزه گر دِیده برخی از برخی دیگر، پیوسته در مراقبت خدا وَ در پیشگاه او هستید، وَ امر وَ مَلَكُوتِهِ تَأْمُرُونَ، وَلَهُ تَخْلُقُونَ، وَإِيَّاهُ تُسَبِّحُونَ، وَ بَعَرَشِهِ فرمان شَمَا در ملكوت عالم نِيز نافذ است، وَ برای او جانشینی می كنید، وَ او رَا تسبیح می گوئید، وَ اطراف عرش او مُحَدِّقُونَ، وَ بِهِ حَافُونَ، حَتَّى مَرَّ بِكُمْ عَلَيْنَا، فَجَعَلَكُمْ «فِی بُیُوتٍ حَلَقَه زده وَ گرد آن برآمده تا آنكه شَمَا رَا پیش ما آورد، پس شَمَا رَا «در خانه هایی قرار داد كه اُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِیْهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فِیْهَا بِالْغَدُوِّ وَالْأَصَالِ اذِنَ وَ فرمان داد بلندمرتبه گردد وَ نام او در آن ها یاد شود، وَ صَبِحَ وَ شَام او رَا در آن تسبیح گویند، رِجَالٌ» (۱) تَوَلَّى عَزَّ ذِكْرُهُ تَطْهِیرَهَا، وَأَمَرَ خَلْقَهُ بِتَعْظِیمِهَا، مردانی كه» پاكی ایشان رَا خداوندی كه یادش ارجمند است به عهده گرفته، وَ خلق خود رَا به تعظیم وَ بزرگداشت آنان دستور داده است،

ص: ۶۳۲

فَرَفَعَهَا عَلَى كُلِّ بَيْتٍ قَدَّسَهُ فِي الْأَرْضِ، وَأَعْلَاهَا عَلَى كُلِّ پَسْ خَانِه هایشان را بر هر خانه ای که در روی زمین او را تقدیس می کنند رفعت بخشیده، و بر هر خانه ای که بَیْتِ طَهَّرَهُ فِي السَّمَاءِ، لَا يُوَازِيهَا خَطَرٌ، وَلَا يَسِيْرُ إِلَى سَمَكِهَا او را در آسمان طاهر گردانیده برتری داده است، هیچ قدر و منزلتی در ردیف آن قرار نمی گیرد، و به سقف آن الْبَصِيْرُ، وَلَا يَطْمَعُ إِلَى أَرْضِهَا النَّظَرُ، وَلَا يَقَعُ عَلَى كُنْهَيْهَا الْفِكْرُ، دیده ای بالا- نمی رود، و به زمین آن نگاهی طمع نمی کند، و هیچ فکر و اندیشه ای به کُنه آن و حقیقتش راه نمی یابد، وَلَا يُعَادِلُ سَيِّكَانَهَا الْبَشَرُ، يَتَمَنَّى كُلُّ أَحَدٍ أَنَّهُ مِنْكُمْ، وَلَا تَتَمَنَّوْنَ وَ هِيْجْ بَشْرِيْ بَا سَاكِنَانِ آن برابری نمی کند، هر کسی از آنان آرزو می کند که از شما باشد، و شما هیچ گاه آرزو نمی کنید أَنْتُمْ مِنْ غَيْرِكُمْ، إِلَيْكُمْ انْتَهَتْ الْمَكَارِمُ وَالشَّرَفُ، وَمِنْكُمْ که از غیر خودتان باشید، همه مکرمت ها و شرافت ها به شما منتهی می گردد، و همه اسْتَقَرَّتِ الْأَنْوَارُ وَالْعِزَّةُ وَالْمَجْدُ وَالسُّؤْدُدُ، فَمَا فَوْقَكُمْ أَحَدٌ إِلَّا رُوشَنِيْ هَا وَ عَزَّتْ وَ شَكُوْه وَ بَزْرُگِيْ از شما ثابت گشته و قرار یافته است، پس برتر از شما هیچ کس جز اللَّهُ الْكَبِيْرُ الْمُتَعَالُ، وَلَا أَقْرَبَ إِلَيْهِ وَلَا أَخَصَّ لَعَدِيْهِ، وَلَا أَكْرَمَ خَدَاوْنِد بَزْرُگْ بلندمرتبه نیست، و کسی نزدیکتر به درگاه او و خصوصی تر در پیشگاه او، و گرامی تر عَلَيْهِ مِنْكُمْ. أَنْتُمْ سَيِّكُنُ الْبِلَادِ، وَنُورُ الْعِبَادِ، وَعَلَيْكُمْ الْإِعْتِمَادُ نزد او از شما نیست. شما آرامش شهرها، و روشنی بخش بندگان هستید، و تکیه و اعتماد دَرِیَوْمِ التَّنَادِ، كُلُّ مَا غَابَ مِنْكُمْ حُجَّةٌ أَوْ أَفَلٌ مِنْكُمْ نَجْمٌ، أَطْلَعَ رُوشَنِيْ قِيَامَتِ بر شما است، هر گاه از شما حُجَّتِيْ پنهان گردد یا ستاره ای ناپدید شود، اللَّهُ لِيَخْلُقَهُ عَقِبَهُ خَلْفًا، إِمَامًا هَادِيًا، وَبُرْهَانًا مُبِيْنًا، وَعَلَمًا نُّوْرًا، خَدَاوْنِد برای آفریدگانِش بعد از او جانشینی را ظاهر نماید که پیشوای هدایتگر، و برهان آشکار، و علامتی نوردهنده و درخشان باشد، وَاعِ عَنْ وَاعٍ، وَهَادٍ بَعْدَ هَادٍ، حَزَنَهُ حَفَظَهُ، لَا يَغِيْضُ عَنْكُمْ حَفَظُكُنْدِه ای (بعد از حفظکننده ای، و هدایتگری بعد از هدایتگری، دَلْسُوز وَ نَگْهَدَار، کم نمی کند از شما غَزْرَهُ، وَلَا يَنْقَطِعُ مَوَادَّهُ، وَلَا يَسْلُبُ مِنْكُمْ إِرْثَهُ، سَيِّبًا مَوْصُولًا فراوانی اش را، و قطع نمی گرداند مایه اصلی و موادش را، و نمی گیرد از شما ارثش را، رشته اتصال و ارتباطی است

مِنَ اللَّهِ إِلَيْكُمْ، وَرَحْمَهُ مِنْهُ عَلَيْنَا، وَنُوراً مِنْهُ لَنَا، وَحُجَّةً مِنْهُ از خدا به سوی شما، و رحمت و لطفی است از او بر ما، و نوری است از ناحیه او برای ما، و حجتی است از جانب او عَلَيْنَا، تُرْشِدُونَنَا إِلَيْهِ، وَتُقَرَّبُونَنَا مِنْهُ، وَتُزَلَّفُونَنَا لِعَدَّتِهِ، وَجَعَلَ بَرِّ مَا، ما را به سوی او ارشاد می کنید، و به درگاه او نزدیک می گردانید، و در پیشگاه او مقام و منزلت می بخشید، وَصَلَمَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ، وَذِكْرَنَا لَكُمْ، وَما خَصَّنَا بِهِ مِنْ وِلَايَتِكُمْ، صلوات و درود ما را بر شما، و یادی که از شما می کنیم، و آنچه ویژه ما گردانیده از ولایت شما، وَعَرَّفْنَا مِنْ فَضْلِكُمْ، طیباً لِخَلْقِنَا، وَطَهَارَةً لِنَفْسِنَا، وَبَرَكَهَةً فِينَا، و آگاهی بخشیده از فضیلت شما، همه را وسیله پاکیزگی آفرینش ما، و پاکی جان و روح ما، و برکت در وجود ما قرار داده است، إِذْ كُنَّا عِنْدَهُ مَوْسُومِينَ [فِيكُمْ]، مُعْتَرِفِينَ بِفَضْلِكُمْ، مَعْرُوفِينَ که ما نزد او دارای نشان (در مورد شما) بودیم، به فضیلت و برتری شما اعتراف کننده، بِتَضَعِ دِيقِنَا إِيَّاكُمْ، مِذْكُورِينَ بِطَاعَتِنَا لَكُمْ، وَمَشْهُورِينَ بِإِيمَانِنَاوْ به تصدیق شما شناخته شده، و به فرمانبرداری شما یاد شده بودیم، و به ایمان داشتن به شما مشهور بودیم. بِكُمْ. فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ الْمَكْرَمِينَ، وَأَعْلَى مَنَازِلِ پَسْ خدایند شما را به ارزشمندترین جایگاه گرامی شدگان، و بالاترین منزلگاه الْمُقَرَّبِينَ، وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ، حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ، مَقْرَبَانِ، و رفیع ترین مرتبه رسولان رسانید، به گونه ای که هیچ ملحق شونده ای بدان نپیوندد، وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ، وَلَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ، وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ، و هیچ برتری جوئی به آن برتری نجوید، و هیچ پیشی گیرنده ای بدان پیشی نگیرد، و هیچ طمع کننده ای به دریافت آن طمع نکند، حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلَا صِدِّيقٌ وَلَا تَا آنجا که فرشته مقرب، و نه پیامبر مرسل، و نه صدیقی و نه شهید، وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ، وَلَا دَنِيٌّ وَلَا فَاضِلٌ، وَلَا مُؤْمِنٌ شَهِيدٌ، و نه عالمی و نه نادانی، و نه انسان پستی و نه شریفی، و نه مؤمن صالح، وَلَا فَاجِرٌ طَالِحٌ، وَلَا جَبَّارٌ غَنِيٌّ، وَلَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ، وَلَا دَرَسْتُ كَارِي، و نه گنه کار بدکاری، و نه زورگوی عنادپیشه ای، و نه شیطان سرکشی، و نه

خَلَقْ فِيمَا بَيْنَ ذَاتِكَ شَاهِدًا مَا هُنَالِكَ، إِلَّا عَرَفَهُ جِلَالَهٗ أَمْرُكُمْ، خلقی که در این میان گواه باشند مگر آنکه معرفی نمود به او شکوهمندی امر شما، وَعِظْمَ خَطْرِكُمْ، وَكِبَرَ شَأْنِكُمْ، وَجِلَالَہٗ قَدَرْكُمْ، وَتِمَامَ نُورِكُمْ، وعظم قدرت قدركم، وشرف محلکم، ومنزلتکُم و بزرگی شأن شما، والائی مرتبه شما، و کامل بودن نور شما، وَصِدْقَ مَقْعَدِكُمْ، وَثَبَاتَ مَقَامِكُمْ، وَسَّرْفَ مُحُلِّكُمْ، وَمَنْزِلَتَكُمْ و درستى جایگاه شما، و پایداری مقام شما، و شرافت موقعیت شما، و منزلت شما عنده، وَكَرَامَتَكُم عَلَيْهِ، وَخَصَّتْكُم لَدَيْهِ، وَقُرْبَ مَجْلِسِكُمْ مِنْهُ نزد او، و اعزاز و اکرام شما بر او، و خصوصی بودن شما در پیشگاه او، و نزدیکی محل معنوی شما نسبت به او را. ثُمَّ جَعَلَ خَاصَّةً الصَّلَوَاتِ وَأَفْضَلَهَا، وَنَامَى الْبِرَّاتِ وَأَشْرَفَهَا، سپس قرار داد درودهای ویژه و برترش را، و برکات بالنده و شریفترش را، وَزَاكِ التَّحِيَّاتِ وَأَتْمَهَا، مِنْهُمْ وَلَمْ يَلَّا تَحْتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَرُسُولِهٖ وَ تَحْتَها های پاکیزه و کاملترش را، از ناحیه خودش و فرشتگان مقرّبش، و رسولان و انبیائے المنتخبین، وَالشُّهْدَاءِ وَالصّٰلِحِينَ، مَنْ عِبَادِهِ الْمُخْلِصِينَ، و پیامبران برگزیده اش، و شهداء و شایستگان ازندگان با اخلاصش، کَمَا هُوَ أَهْلُهُ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ، أَبَدًا عَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ. اشهد الله همواره بر همه شما آن گونه که او و شما شایسته آن هستید. خدا را و اؤشهدكم يا مؤالئ، بِأُبَى أَنْتُمْ وَأُمَّي وَنَفْسَى أَنَّى عَبْدُكُمْ، و شما را - ای سروران من؛ - گواه می گیرم - پدر و مادرم و جانم فدای شما - که من بنده شما هستم، وَطوبى لِى إِنْ قَبِلْتُ مُونى عَبْدًا، وَأَنّى مُؤمنٌ بِكُمْ، وبما امنتم و خوشا به حال من اگر مرا به بندگى پذيريد، و اين كه من به شما ايمان دارم، و به آنچه شما ايمان دارید مؤمنم، بِهِ، كَافِّرٌ بَعْدُوكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ، مُسْتَعْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَبِضَلَالِهِ دُشْمَنِى و شما و به آنچه شما كفر بورزيد كافرم، به شأن و موقعيت شما، و گمراهى مِن خَالِفِكُمْ، مُوَالٍ لَكُمْ، مُحِبٌّ لَأَوْلِيَائِكُمْ، وَمُعَادٍ لِأَعْدَائِكُمْ، مخالفان شما آگاهم، ارادتمند شمايم، ارادتمندانتان را دوست دارم، و با دشمنان شما دشمنم.

لَا عَيْنَ لَهُمْ، مُتَبَرِّئُ مِنْهُمْ، مُبْغِضُ لَهُمْ، سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكَمْ، حَزْبُ آن‌ها را لعن و نفرین می‌کنم، و از آن‌ها بیزارم، و نفرت دارم، هر کس با شما سازش دارد سازش دارم، هر کس با شما در لِمَنْ حَارَبَكُمْ، مُحَقَّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ، مُطِيعٌ لَكُمْ، نبرد است در نبردم، آنچه را حق و درست و راست بدانید حق می‌دانم، و آنچه از نظر شما باطل باشد باطل می‌دانم، من فرمانبردار شما، عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُقَرَّرٌ بِفَضْلِكُمْ، مُقْتَدٍ بِكُمْ، مُسَلِّمٌ لِقَوْلِكُمْ، مُحْتَمِلٌ آشنا به حق شما، اقرارکننده به فضیلت و برتری شما، اقتداکننده به شما، تسلیم گفتار شما، لِعِلْمِكُمْ، مُحْتَجِبٌ بِذَمِّكُمْ، مُوقِنٌ بِإِيَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ، علم و دانش شما را پذیرا هستم، در پوشش ضمانت شما، به بازگشت شما یقین دارم، رجعت شما را تصدیق کننده‌ام، مُنْتَظِرٌ لِأَيَّامِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ، اخذ بَقَوْلِكُمْ، عاملٌ بِأَمْرِكُمْ، انتظار ایام شما را می‌کشم، مشتاق دولت شما هستم، گفته شما را می‌گیرم، امر شما را به کار می‌بندم، مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، مُعْتَصِمٌ بِحِيلِكُمْ، مُخْتَرِسٌ بِكُمْ، زَائِرٌ لَكُمْ، لَا يُذْهِبُ پناهنده به شما، چنگ زنده به ریسمان شما، در حراست و نگهبانی شما هستم، زائر شما، بِقُبُورِكُمْ، عَائِدٌ بِكُمْ، مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ بِكُمْ، وَمُتَوَسِّلٌ بِكُمْ إِلَيْهِ. به قبور پاک شما پناهنده گشته، به شما پناه آورده‌ام، به واسطه شما به (درگاه) خدا شفاعت می‌طلبم، و به سبب شما به او توسل می‌جویم. وَأَنْتُمْ عِدَّتِي لِلْقَائِهِ، وَحَسْبِي بِكُمْ، وَمُتَقَرَّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ، وَمُقَدَّمُكُمْ و شما ساز و برگ من برای دیدار او هستید، و مرا به شما کفایت است، و به وسیله شما به او تقرب می‌یابم، و شما را اَمَامَ طَلِيقَتِي وَخِوَانِجِي، وَإِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي، فی پیشاپیش خواسته‌ها و حاجت‌ها و اراده‌ام در همه حالاتم و کارهایم در دُنْيَايَ وَدِينِي وَآخِرَتِي وَمُنْقَلَبِي وَمَوْتَايَ، وَمُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ دنیایم و دینم و آخرتم و در هر حرکت و سکونم قرار می‌دهم، و به نهان و عَلَانِيَتِكُمْ، وَشَاهِدُكُمْ وَغَائِبِكُمْ، وَأَوَّلُكُمْ وَآخِرُكُمْ، وَمُفَوَّضٌ فِي وَآشْكَارِ شما، و به حاضر و غایب شما، و اول و آخر شما ایمان دارم، و در ذلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، وَمُسَلِّمٌ فِيهِ لَكُمْ، وَرَأْيِي لَكُمْ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي همه این‌ها کار را به شما واگذار می‌کنم، و در آن تسلیم شما هستم، و رأی و اندیشه‌ام پیرو شما است، و یاریم

[illegible]

مِنْهَا جَعَلَكُمْ، وَيَكُونُ مِنْ حِزْبِكُمْ، وَيَنْعَلُ بِحُجْرَتِكُمْ، وَيُحْشِرُ فِي رَاحِ رُشْنِ شَمَا، وَاز حِزْبِ وَ گِروهِ شَمَا، وَ دَسْتِ بَهِ دَامَنِ شَمَا
هَسْتَنِند، وَ دَر زُمرَتِكُمْ، وَيَكِرُّ فِي رَجْعَتِكُمْ، وَيَمْلِكُ فِي دَوْلَتِكُمْ، وَيَشْرَفُ زَمَرِ شَمَا مَحْشُورِ مِی شُونَد، وَ دَر رَجْعَتِ شَمَا بَازِ مِی
گَرَدَنِند، وَ دَر دَوْلَتِ شَمَا بَهِ حُكُومَتِ مِی رَسَنِند، وَ فِی عَافِيَتِكُمْ، وَيَمَكُنُ فِي أَيَّامِكُمْ، وَ تَقَرُّ عَيْنُهُ عَدَا بُرُؤِيَّتِكُمْ. دَر عَافِيَتِ شَمَا
شَرِیف وَ بَزرگوار، وَ دَر أَيَّامِ شَمَا تَوَانَا وَ مَقْتَدِرِ مِی شُونَد، وَ چَشْمَانِشَانِ فَرَدَا بَهِ دِیدَارِ شَمَا رُشْنِ مِی گَرَدَد. بِأَبَى أَنْتُمْ وَأُمِّی
وَنَفْسِی وَأَهْلِی وَمَالِی، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ، پَدَرِ وَ مَادَرِ مِی جَانِ مِی وَ اَهْلِ مِی عِیَالِ مِی وَ آنچَ دَارِ مِی هَمَهِ فِدَایِ شَمَا بَاد، هَر کَسِ خُدا رَا
اَرَادَ کَرْد بَهِ شَمَا آغَاZ نَمُودَ مَنْ أَحَبَّهُ أَتَبَعَكُمْ، وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عُنْكُمْ، وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ وَ هَر کَسِ او رَا دُوسْتِ دَاشتِ از شَمَا
پِیروِی مِی کَرْد، وَ هَر کَسِ او رَا بَهِ یَکَتائی تَوصِیفِ کَرْد وَ بِی هَمَتَا دَانَسْتِ از شَمَا پَذِیرَفَت، وَ هَر کَسِ آهَنگِ او بِکُمْ. لَا
أُخْصِیَ یَا مَوَالِیَ فَضْلَكُمْ، وَلَا أَعُدُّ ثَنَاءَكُمْ، وَلَا أَبْلُغُ مِنْ کَرْدِ بَهِ شَمَا رُوی آوَرْد، فَضَائِلِ شَمَا رَا - ای سُرُورَانِ مَن؟ - نَمِی تَوَانِ مِ
گَرْدِ آوَرِی کَنِمْ، وَ ثَنَاءِ وَ خُوبِی هَا یِ شَمَا رَا شَمَارَهِ نَمَايِم، وَ بِالْمَدْحِ کُنْهَکُمْ، وَمِنْ الوُصْفِ قَدَرُكُمْ. أَنْتُمْ نُورُ الْأَنْوَارِ، وَ هُدَاهُمْدَح
کَرْدَنِ بَهِ گُوهَرِ وَجُودِ شَمَا، وَ بَا تَوصِیفِ کَرْدَنِ بَهِ مَقْدَارِ حَرَمَتِ شَمَا نَمِی رَسَم. شَمَا رُشْنِی بَخْشِ رُشْنِی هَا، وَ هَدَايَتِ گَرِ الْأَبْرَارِ،
وَأَنْتُمْ الْأَخْيَارِ، وَأَصْفِيَاءُ الْجَبَّارِ. بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ، وَ بِكُمْ نِیْكَانَ، وَ پِشَوایِ خُوبَانِ، وَ بَر گَزِیدَهِ خُدا یِ قَاهَرِید. خُدا بَهِ شَمَا آغَاZ کَرْد،
وَ بَهِ شَمَا یُخِیْتُمْ، وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، پَايَانِ مِی بَخْشَد، وَ بَهِ سَبَبِ شَمَا آسْمَانِ رَا از فَرُوفَتَادَنِ بَر
زَمِینِ جَزِ بَهِ اذَنِ وَ فَرْمَانِ خُودِشِ نَگَهِدَاشْتَه است، وَ بِكُمْ يُنْزِلُ الْغَيْثَ، وَ يُنْفِسُ الْهَمَّ، وَ یَکْشِفُ السُّوءَ، وَ یَدْفَعُ الضُّرَّ، وَ بَهِ واسطَهِ شَمَا
بَارَانِ رَا فَرُو مِی فَرَسْتَد، وَ اَنَدُوه رَا مِی بَرْد، وَ بَدِی رَا بَر طَرَفِ مِی کَنَد، وَ ضَرَرِ وَ زِیَانِ رَا دُورِ مِی گَرْدَانَد، وَ یُعْغِی الْعَدِیمَ، وَ یُشْفِی
السَّقِیمَ، بِمَنْطِقِكُمْ نَطَقَ كُلُّ لِسَانٍ، وَ بِكُمْ وَ نَادَارِ رَا دَارایی، وَ بَیمَارِ رَا شَفَا مِی دَهد، بَهِ سَخَنِ شَمَا هَر زَبَانِی گُویَا گَرْدِید، وَ بَهِ
وَسِیلَهِ شَمَا سَبَّحَ الشُّبُوحُ الْقُدُوسُ، وَ تَبَسَّيْحُكُمْ جَرَّتِ الْأَلْسُنُ بِالتَّسْبِيحِ، تَسْبِيحِ کَنَنَدَه گَفْتِ خُدا وَ نَدِ بَسیارِ مَنزَهِ وَ مَقْدَسِ است، وَ بَهِ
تَسْبِيحِ شَمَا زَبَانِ هَا بَهِ تَسْبِيحِ جَرِیَانِ یَافَت،

[illegible]

وَشَأْنَكُمْ الْحَقُّ، وَرَأْيَكُمْ عِلْمٌ وَحَزْمٌ، إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَهُ وَ شَأْنُ شِمَا حَقٌّ، وَ رَأْيُ وَ عَقِيدَةُ شِمَا آگاهی و دوراندیشی است، اگر از خیر و خوبی یاد شود شِمَا اَوَّل و ابتدای آن و أَصِيلُهُ وَفَرْعُهُ وَ مَعْدِنُهُ، وَمِأْوَاهُ وَ مُنْتَهَاهُ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَ اصل و فرع آن و معدن و جایگاه و منزلگاه و نهایتش هستید. پدر و مادر و نفسی، كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ، وَأُخْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ، و جانم فدای شما؛ مدح و ثنای نیکوی شما را چگونه وصف کنم، و آزمون نیکوی شما را شماره نمایم؟ وَبِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الدُّلِّ، وَأُطْلِقَ عَنَّا رَهَائِنَ الْغُلِّ، وَوَضَعَ عَنَّاوُ بِهِ وَاسْطَهُ شِمَا خُدا ما را از خواری و ذَلَّتْ رَهَانِید، و از غل ها و زنجیرهایی که ما در گرو آن بودیم آزاد ساخت، وَالْأَصَارَ، وَفَرَّجَ عَنَّا غَمْرَاتِ الْكُرُوبِ، وَأَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا حُفْرِهِ مِنْ بَارِهَائِی سَنگین را از دوش ما فرو نهاد، و غم ها و گرفتاری های انبوه را از ما برطرف نمود، و از لب پرتگاههای نابودی النَّارِ. بِمُؤَالَاتِكُمْ أَظْهَرَ اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا، وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسِيَّةَ دَنَجَاتِ دَاد. با)پذیرش (ولایت شما خداوند نشانه ها و علامت های راهنمایی کننده دین مان را آشکار ساخت، و آنچه مِنْ دُنْيَانَا، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ، وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ، وَائْتَلَفَتْ از دنیای ما فاسد و تباه گشته بود اصلاح کرد، و با ولایت شما دلیل و حجت کامل گردید، و نعمت عظیم گشت، وَالْفَرْقَةُ، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ، وَأَعْظَمُ بِهَا طَاعَةٌ، پراکندگی از بین رفت، و با)پذیرش (ولایت شما اطاعت واجب الهی پذیرفته می شود، و طاعت عظمت و ارزش پیدا می کند، وَلَكُمْ الْمِوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ، وَأَكْرَمُ بِهَا مَوَدَّةٌ؛ لَكُمْ الدَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ، وَ مَوَدَّتْ و اظهار دوستی که واجب است از آن شما است، و به خاطر موالات شما مَوَدَّتْ با ارزش تر می شود؛ شما دارای مراتب رفیع، وَالْمَأْنَوَارُ الزَّاهِرَةُ، وَالْمَقَامُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ، وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ، و انواری درخشان، و جایگاهی شناخته شده نزد خداوند هستید، و مقام شما عظیم وَالْقَدْرُ الْجَلِيلُ، وَالشَّأْنُ الْكَبِيرُ، وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ. «رَبَّنَا آمَنَّاوْ مِنْزَلَتْ شِمَا وَالَا، وَ شَأْنُ شِمَا بَزْرَكْ، وَ شَفَاعَتِ شِمَا مُورِدِ قَبُولِ اسْت. «پروردگارا؛ به آنچه بِمَا أَنْزَلَتْ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَكُتِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» (۱)، «رَبَّنَا لَا تُزِغْ فِرْوِ فِرْسْتَادِهِ اِی اِیْمَانِ آوْرَدِهِ وَ از فرستاده ات پیروی کردیم، پس ما را با گواهان بنویس»، «پروردگارا؛

ص: ۶۴۰

قُلُوبِنَا بَعِيدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ دَلَّ هَای ما را پس از آنکه هدایت فرمودی منحرف مگردان، و از ناحیه خود رحمتی بر ما ببخش، براستی تَوَالُوهَابُ» (۱)، «رَبَّنَا إِنَّنَا سَجِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِسَيَارِ بَخْشَنده ای»، «پروردگارا؛ همانا ما شنیدیم که منادی ایمان ندا می داد: به پروردگارتان ایمان آورید، بِرَبِّكُمْ فَاْمَنَّا» (۲). لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ مُجَابًا، وَمُسْتَجِيبًا جَلِيلًا، وَمُنَادِيًا بِسَایمان آوردیم». خداوندا؛ گوش به فرمان توأم، تو را لَبَّيْكَ می گویم که اجابت شده ای، ای به گوش رساننده بلندمرتبه، و ای ندادهنده عَظِيمًا، لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ، تَبَارَكَتَ وَتَعَالَيْتَ وَتَجَالَلْتَ، وَتَكَبَّرْتَ بِعَظَمَتِ، گوش به فرمان توأم و تو را کمک می کنم، برکت آفرین و بلندمرتبه ای، والامقام و بزرگی، وَتَعَظَّمْتَ وَتَقَدَّسْتَ، لَبَّيْكَ رَبَّنَا وَسَعْدَيْكَ، إِقْرَارًا بِرُبُوبِيَّتِكَ، و باعظمت و پاکی، ای پروردگار ما؛ گوش به فرمان توأم، و تو را مساعدت و کمک می کنم، به پروردگاریت اقرار می کنم، وَإِيقَانًا بِحُكْمِكَ، وَتَضَعِيدًا بِكِتَابِكَ، وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ، هَا أَنَا ذَا عَيْدِكَ و به تو یقین دارم، و کتابت را تصدیق می نمایم، و به عهد و پیمان وفادارم، اکنون من آن بنده تو هستم بَيْنَ يَدَيْكَ، لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، تَلِيَهُ الْخَائِفُ مِنْكَ، الرَّاجِي لَكَ، در پیشگاهت گوش به فرمان توأم، خداوندا؛ ندای تو را جواب می دهم، لَبَّيْكَ کسی که از تو بیمناک است، به تو امید دارد، الْمُسْتَجِيرُ بِحُكْمِكَ، رَضِينَا وَأَحْبَبْنَا وَسَجِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا بِه تو پناه آورده است، خشنودیم و دوست داریم و شنیدیم و اطاعت نمودیم و آمرزش تو را خواهانیم ای پروردگار ما، وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ، وَأَنْتَ إِلَهُنَا وَمَوْلَانَا. لَبَّيْكَ دَاعِيَ اللَّهِ إِنْ كَانَ وَبَازْغَشْتَ كَارَ وَسَرَانْجَامِ آن به سوی تو است، و تو معبود ما و سرور ما هستی. ندای تو را جواب می دهم ای دعوت کننده ما به سوی خدا؛ اِگَر لَمْ يُجِبْكَ يَدْنِي، وَلَمْ أَذْرِكْ نُصْرَتَكَ، فَهَذَا أَنَا ذَا عَيْدِكَ وَزَائِرُكَ، تو را بدنام پاسخ نگفت، و به یاریت نشتافت، اکنون این بنده تو و دیدارکننده تو، وَزَائِرُ الْكَ وَعِثْرَتِكَ، وَالْمُحِلُّ بِسَاحَتِكَ، قَدْ أَجَابَكَ قَلْبِي وَنَفْسِي وَزِيَارَتِ كُننده خاندان و عترت تو، و واردشونده به ساحت مقدس شما است، شما را قلب و جان و رُوحی وَسَمْعِي وَبَصِيرِي بِالتَّسْلِيمِ وَالْإِيمَانِ بِكَ، وَبِأَخِيكَ وَرُوحِ وَگوش و چشمم پاسخ گفته است با سر تسلیم فرودآوردن و ایمان آوردن به تو، و برادر

ص: ۶۴۱

۱- ۶۳. سوره آل عمران، آیه ۸

۲- ۶۴. سوره آل عمران، آیه ۱۹۳.

وَوَصَّيْكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، وَابْتَيْكَ فَاطِمَةَ سَيِّدَهُ وَصِيَّ وَ جانشینت امیر مؤمنان، و سرور اوصیاء، و دخترت فاطمه سرور نساءِ العالمین، وَ سَبَطَيْكَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ زَنَانِ عَالَمِيَانِ، و دو سبط عزیزت امام حسن و امام حسین، دو سرور جوانان اهل الجَنَانِ، وَ بِالْإِدْلَاءِ عَلَى اللَّهِ، الْأَلَمُّ مِنْ عِثْرَتِكَ وَ ذُرِّيَّتِكَ الطَّاهِرِينَ، بهشت، و به آن ها که دلیل و راهنما هستند بر خداوند، (یعنی) امامان از عترت و ذریه پاکت، وَ نُصِيرَتِي لَكُمْ مُعِيْدَةً، حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بِإِذْنِهِ، وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ. و یاری من برای شما آماده است، تا خداوند به اذن و فرمانش حکم کند، و او بهترین حکم کنندگان است. لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، سَعِيًّا إِلَيْكَ وَاقْبَالًا، لَبَّيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، تَعْلُقَانْدَايَ تُو را پاسخ می دهم ای رسول خدا؛ به سويت شتابان و به تُو روی آورده ام، ندای تُو را جواب می دهم ای پیامبر خدا؛ بِحَبْلِكَ وَاعْتِصَمًا، لَبَّيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، تَعُوْدًا بِكَ وَلِوَادَا، لَبَّيْكَ يَا بَرِسْمَانَ تُو وابسته و پیوسته ام، ندای تُو را پاسخ می دهم ای حبيب خدا؛ به سوي تُو بازگشته ام و پناهنده گشته ام، ندای تُو را پاسخ می دهم ای نُورِ اللَّهِ، يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، يَا خَيْرَةَ اللَّهِ، يَا أَبَا الْقَاسِمِ، تَذَلُّلًا نُورِ خدا؛ ای مُحَمَّد بن عبدالله؛ ای برگزیده خدا؛ ای ابا القاسم؛ در برابرِ عِزَّتِكَ، وَ طَاعَةً لِأَمْرِكَ، وَ قَبُولًا لِقَوْلِكَ، وَ دُخُولًا فِي نُورِكَ، وَ إِيْمَانًا عَزَّزْتَ ذَلِيلَ وَ خَوَّارَ، و به امر تُو فرمانبردارم، و گفتارت را پذیرا هستم، و در نور و روشنائی تُو وارد گشته ام، وَ بِيكَ وَ بِأَخِيكَ وَ وَصِيِّكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَيْكَ وَ عِثْرَتِكَ الطَّاهِرِينَ، به تُو و به برادرت و وصی و جانشینت امیر مؤمنان و خاندان و عترت پاکت ایمان آورده ام، وَ تَصَدِيقًا بِمَا جِئْنَا بِهِ مِنْ عِنْدِ رَبِّكَ. «رَبَّنَا فَاعْفُ رَنَا دُنُوبَنَا وَ أَنْجِ رَنَا مِنَ الْغَمِّ وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا وَ از زشتی های ما چشم پوشی کن، و ما را با نیکان بمیران پروردگارا؛ به ما عنایت کن آنچه را که علی رُسُلِكَ وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ» (1)، بر رسولانت وعده فرمودی، و ما را روز قیامت خوار و سرافکنده مگردان، که تُو خلاف وعده نمی کنی»،

رَبَّنَا اِتْنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ پروردگارا؛ به ما در دنیا نیکی، و در آخرت نیکی مرحمت فرما، و به رحمت خویش از عذاب النَّارِ، «سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا» (۱)، عذاب دوزخ نگهدار، «پاک و منزّه است پروردگار ما و وعده پروردگارمان حتماً انجام شده است»، «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ» پاک و منزّه است پروردگارت صاحب عزّت و شکوه از آنچه توصیف می کنند و سلام بر فرستاده شدگان، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (۲). اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُشْهِدُكَ اَنَّ هَذِهِ قُبُورُ سِیَّاس و ستایش از آن خداوندی است که پروردگار جهانیان است». خداوندا؛ تو را گواه می گیرم که این ها قبور پاک اَوْلِیَّائِكَ وَمَشَاهِدُهُمْ وَاثَارُهُمْ، وَمُعَیْبُهُمْ وَمَعَارِجُهُمْ، اَلْفَاظِیْنَ اُولِیَّای تو، و زیارتگاه و آثار، و محلّ پنهان شدن و جایگاه عروج ایشان است، که به کرامت تَوْبِکَرَامَتِكَ، اَلْمُفْضَلِیْنَ عَلٰی خَلْقِكَ، اَلَّذِیْنَ عَرَفْتَهُمْ تَبِیَّانَ کُلِّ فَاِئِز و کامیاب گردیدند، و بر همه آفریدگانت برتری دارند، کسانی که آن ها را از بیان هر شیء، وَحَیْثُوتُهُمْ بِمِیَّوَارِیثِ الْاَنْبِیَاءِ، وَجَعَلْتَهُمْ حُجَجَکَ عَلَیْجِزِ آگاه نمودی، و میراث پیامبران را به ایشان بخشیدی، و آن ها را حُجَّتِ های خویش بَرَبْرِیَّتِکَ، وَاَمْنَاءَکَ عَلٰی وَحِیِّکَ، وَخُزَّانَکَ عَلٰی وَحِیِّکَ. اَللّٰهُمَّ اَفْرِیدْ گانت، و امینان بر وحیت، و خزانه داران بر آن قرار دادی. خداوندا؛ فَبَلِّغْ اَرْوَاحَهُمْ وَاَجْسَادَهُمْ فِیْ هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِیْ کُلِّ وَقْتٍ وَاَوَانٍ از طرف ما به ارواح و اجساد پاک ایشان در این ساعت و در هر وقت و هنگام وَحِیْنٍ وَزَمَانٍ مِّنَا السَّلَامَ، وَاَرْدُدْ عَلَیْنَا مِنْهُمْ السَّلَامَ، وَالسَّلَامُ و دوران و زمان سلام برسان، و از طرف آنان پاسخ سلام ما را به ما بازگردان، و سلام عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ. اَشْهَدُ اَنَّکُمْ تَسْمِعُونَ الْکَلَامَ، بر شما و رحمت خدا و برکات او (بر شما باد). گواهی می دهم که شما سخن ما را می شنوید، وَتَرُدُّونَ السَّلَامَ. اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ قُلْتَ عَلٰی لِسَانِ نَبِیِّکَ صَلَوَاتُکَ و سلام ما را پاسخ می گوئید. خداوندا؛ همانا تو از زبان پیامبرت - که درود تو

ص: ۶۴۳

۱- ۶۶. سوره اِسرائ، آیه ۱۰۸

۲- ۶۷. سوره صافات، آیه ۱۸۰ - ۱۸۲.

عَلَيْهِ وَعَلَى إِلَهٍ، وَقَوْلُكَ الْحَقُّ «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ بَرٍّ أَوْ بَادٍ - فرموده ای و گفتار تو حق است: «بشارت بده به آنانکه ایمان آورده اند که صِدْقِ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (۱). اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ قَدْ اَمَنْتُ بِكَ وَبِهِمْ، وَصَدَقْتُ نَزْدَ پروردگارشان پیشینه نیکوئی دارند». خداوندا؛ من به تحقیق به تو و به ایشان ایمان آوردم، و تصدیق کردم، و سَیِّمَعْتُ وَأَطَعْتُ وَأَسْلَمْتُ، فَلَا تَوَقَّفْنِیْ أَيْدَاءَ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِی وَشَنیدم و اطاعت کردم و تسلیم گردیدم، پس هیچگاه مرا در جایگاه خواری و رسوایی در الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ، وَأَعْطِنِیْ سُؤْلِی، وَاجْعَلْ صِلَاتِی بِهِمْ مَقْبُولَةً، دُنْیَا وَ آخِرَتِ مَتَوَقَّفَ مَفْرَمًا، و خواسته ام را عطا کن، و نمازهایم را به واسطه آن بزرگواران قبول کن، وَدُعَائِی بِهِمْ مُسْتَجَابًا، وَسَعِی بِهِمْ مَشْكُورًا، وَذَنْبِی بِهِمْ وَدَعَائِی بِهِمْ رَفِیعًا، وَكَعْبِی بِهِمْ عَلِیًّا، وَیَقِیْنِی بِهِمْ بِیَا مَرْزُ، و تلاشم را به وسیله آنان پاداش بده، و گناههم را به خاطر آنان مَغْفُورًا، وَذِكْرِی بِهِمْ رَفِیعًا، وَكَعْبِی بِهِمْ عَلِیًّا، وَیَقِیْنِی بِهِمْ بِیَا مَرْزُ، و یاد و نامم را به خاطر آنان بالا ببر، و به خاطر آنان شریف و سرافرازم گردان، و یقینم را به خاطر آنان ثابِتًا، وَرُوحِی بِهِمْ سَلِیمَةً، وَجَسَدِی بِهِمْ مُعَافً مَزْزُوقًا، سَعِیدًا سَتَوَارًا، و روحم را به خاطر آنان بی عیب، و جسمم را به وسیله آنان سالم و (مرا) تندرست و روزی داده شده، سَعَادَتِ مَنَد، رَشِیدًا، تَقِیًّا عَالِمًا، زَاهِدًا مُتَوَاضِعًا، حَافِظًا زَكِیًّا فَقیهًا مُوَفَّقًا، راه یافته، پرهیزکار، دانشمند، اهل زهد، فروتن، حفظکننده، پاکیزه، آگاه، موفّق، مَعْصُومًا مُؤَيَّدًا قَوِیًّا عَزِیزًا، وَلَا تَقْطَعْ بَیْ عَنَّهُمْ، وَلَا تَفَرِّقْ نَگَه داشته شده، تأییدشده، نیرومند و عزیز گردان، و رشته اتصال مرا از آنان قطع مکن، وَبَیْنِی وَبَیْنَهُمْ فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ، اَمِینَ رَبِّ الْعَالَمِینَ. (۲) میان من و آن بزرگواران در دنیا و آخرت جدایی میفکن، به اجابت برسان (دعاهایم را ای) پروردگار جهانیان.

ص: ۶۴۴

۱- ۶۸. سوره یونس، آیه ۲.

۲- ۶۹. بحار الأنوار: ۱۴۶/۱۰۲.

سید بن طاووس رحمه الله فرموده است: این زیارت از امام هادی صلوات الله علیه روایت شده است: اجازه ورود به حرم می خواهی ... سپس داخل می شوی در حالی که پای راست خود را بر پای چپ مقدم می داری و می گویی:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِه نام خدا و به یاری خدا، و بر آئین رسول خدا که درود خدا بر او و آل او باد، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا غَوَاهِي مِي دهم که معبودی جز خداوند نیست، او یکتا است شریکی ندارد، و گواهی می دهم که (حضرت) مُحَمَّد عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا.

بنده و فرستاده او است، درود خدا و سلام فراوان خداوند بر او و آل او باد.

سپس ضریح مقدس را مقابل رویت و قبله را پشت سرت قرار می دهی، و پس از گفتن صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» می گوئی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ، گواهی می دهم که معبودی جز خداوند نیست، او یکتا است شریکی برایش نمی باشد، همانگونه که خداوند برای خویش گواهی وَشَهِدْتُ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَأُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ داده و فرشتگانش و صاحبان علم و دانش از میان آفریدگان برای او گواهی داده اند، خدائی جز او که شکست ناپذیر الحکیم، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُتَّحِبُّ، وَرَسُولُهُ الْمُتَرَضَّى، و حکیم است وجود ندارد. و گواهی می دهم که (حضرت) مُحَمَّد بنده برگزیده و فرستاده پسندیده او است،

أَرْسَلَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ أُولَٰئِكَ أَعْتَدَ لَهُمْ عَذَابًا عَظِيمًا. أَلَلَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صِلَ لِمَوَاتِكَ وَأَكْمَلَهَا، وَأَنْمِي مُشْرَكَانَ نَبَاشِد. خَدَاوَنَدَا؛ قَرَار بَدَه بَرْتَرِين رَوْدَهَايَت وَ كَامِل تَرِين آن رَا، وَ فَرَايِنْدَه تَرِين بَرَكَايَتِكَ وَأَعَمَّهَا، وَأَزْكَى تَحْيَايَتِكَ وَأَتَمَّهَا، عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ بِرَكَاتٍ وَ فَرَاكِيرَتَرِين آن رَا، وَ پَاكِيزَه تَرِين تَحِيَّتِ هَايَت وَ تَمَام تَرِين آن رَا بِرِ سَرُور مَا (حَضْرَت) مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَنَجِيكَ وَوَلِيِّكَ وَرَضِيكَ وَصَفِيكَ وَخَيْرَتِكَ بِنْدَه وَ فَرَسْتَاَدَه وَ هَمْرَاز وَ وَلِيّ وَ پَسَنْدِيْدَه وَ بَرِ گَزِيْدَه وَ اخْتِيَارِ شْدَه وَ خَاَصَّتِيكَ وَ خَالِصَّتِيكَ وَأَمِينِكَ، الشَّاهِدُ لَكَ، وَالِدَالُّ عَلَيْكَ، وَ وَثَقٌ وَ خَالِصٌ وَ أَمِينٌ وَ مُورِدِ اعْتِمَادَتِ كِه گَوَاَه اسْتِ بَرَايِ تُو، وَ دَلَالَتِ كُنِنْدَه اسْتِ بَرِ تُو، وَالصَّادِقُ بِأَمْرِكَ، وَالنَّاصِحُ لَكَ، الْمُجَاهِدُ فِي سَبِيلِكَ، وَالذَّابُّ وَ أَشْكَارِ كُنِنْدَه اَمِرِ وَ فَرْمَانِ تُو، وَ خَيْرِ خَوَاَه وَ نَصِيحَتِ كُنِنْدَه اسْتِ بَرَايِ تُو، كِه دَرِ رَاَه تُو جِهَادِ كَرْدِ وَعَنْ دِينِكَ، وَالْمُؤَصِّحُ لِبِرَاهِينِكَ، وَالْمُهْدِي إِلَى طَاعَتِكَ، وَالْمُرْشِدُ إِلَى دِينِ تُو حِمَايَتِ نَمُودِ، وَ دَلَايِلِ قَاطِعِ تُو رَا رُوشَن وَ أَشْكَارِ سَاخْتِ، وَ بَه طَاعَتِ وَ فَرْمَانِ بَرْدَارِيَتِ رَهْمَنُونِ گُشْتِ، وَ بَه آنِجِه إِلَى مَرْضَايَتِكَ، وَالْوَاعِي لَوْحِيكَ، وَالْحَافِظُ لِعَهْدِكَ، وَالْمَاضِي مُورِدِ پَسَنْدِ وَ خَشْنُودِي تُو اسْتِ رَا هِنْمَائِي فَرْمُودِ، وَ وَحِي تُو رَا حَفِظِ كَرْدِ، وَ عَهْدِ وَ پِيْمَانِ تُو رَا نَگَهْدَاشْتِ، وَ عَلَيِ إِنْفَازِ أَمْرِكَ، أَلْمُؤَيَّدُ بِالنُّورِ الْمُضِيِّ، أَلْمُسَدَّدُ بِالْأَمْرِ الْجَارِ نَمُودِ فَرْمَانِ نَافِذِ تُو رَا، آنَكِه بَا نُورِي تَابِنْدَه مُورِدِ تَأْيِيْدِ وَ بَا اَمْرِي پَسَنْدِيْدَه اسْتَوَارِ، الْمَرْضِي، أَلْمَعْصُومُ مِنْ كُلِّ خَطَاٍ وَ زَلَلٍ، أَلْمُنْتَزَهُ مِنْ كُلِّ دَنْسٍ وَ اَزِ هَرِ خَطَاٍ وَ لَغْزَشِي مَصُونِ، اَزِ هَرِ گُونِه آلودگِي وَ تَبَاهِي پَاكِ اسْتِ، وَ خَطَلٍ، أَلْمُبْعُوثُ بِخَيْرِ الْأَذْيَانِ أَلْمِلَالِ، مُقَوِّمِ الْمَيْلِ أَلْعَوَجِ، وَ بَه بَهْتَرِين دِيْنِ هَا وَ آئِيْنِ هَا بِرَانِگِيخْتِه شْدِ، رَاسْتِ كُنِنْدَه كَجِي هَا وَ انْحِرَافَاتِ، وَ مُقِيْمِ الْبَيِّنَاتِ أَلْمُحْجَجِ، أَلْمَخْصُوصِ بِظُهُورِ الْفَلَجِ، وَ إِيْضَاحِ وَ اَقَامَه كُنِنْدَه دَلَايِلِ رُوشَن وَ حُجَّتِ هَايِ أَشْكَارِ،) (اُو) بَه ظَاهَرِ نَمُودِنِ پَنَهَانِي وَ رُوشَنِ سَاخْتِنِ

الْمُنْهَجِ، الْمُظْهِرِ مِنْ تَوْحِيدِكَ مَا اسْتَتَرَ، وَالْمُحْيِي مِنْ عِبَادَتِكَ رَاحَ وَبُزْغِي دَاسْت، از توحید تو آنچه پوشیده بود ظاهر ساخت، و از پرستش تو آنچه زنگار گرفته ما دُئِر، وَالْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَالْفَاتِحِ لِمَا انْغَلَقَ، الْمُجْتَبَى مِنْ زَنْدِه نمود. و پایان بخش آنچه پیشی گرفته و گشاینده درهای بسته بود، از میان خَلَاتِقْكَ، وَالْمُعْتَمِلِ لِكَشْفِ حَقَائِقِكَ، وَالْمَوْضِعِ بِهِ أَشْرَاطُ افْرِید گانت برگزیده شد، و برای کشف حقایق و دینت انتخاب گردید، و به وسیله او چراغ های الهیدی، وَالْمَجْلُوعِ بِهِ غَزَبُ الْعَمَى، دَامَغِ جِیشَاتِ الْأَبَاطِيلِ، هدایت روشن، و تاریکی های جهالت برطرف شد. (او) سِرْکُوبِ کُنْدِه شکوه باطل، وَدَافِعِ صَوْلَاتِ الْأَضَالِلِ، الْمُخْتَارِ مِنْ طِينَةِ الْكَرَمِ، وَسَيِّلِ الْهَوِیِّ از بین برنده هجوم گمراهی بود، از سرشت کرم و بزرگواری، و نسلی که الْمَجِيدِ الْأَقْدَمِ، وَمُغْرَسِ الْفَخَّارِ الْمُعْرِقِ، وَفَرْعِ الْعَلَاءِ الْمُثْمِرِ دارای عظمت و شکوه دیرینه اند اختیار شده است. و محل رویش درخت ریشه دار فخر و کرامت، و شاخه پرمیوه المورِقِ، الْمُنتَجِبِ مِنْ شَجَرَةِ الْأَصْفِيَاءِ، وَمَشْكَاهِ الضِّيَاءِ، وَذَوَابِهِوِیِّ بَرِّكَ اَرْزَشِ های والا، برگزیده شده از شجره برگزیدگان، و چراغدان نور و روشنائی، و سرآمد العلّیاءِ، وَسِرِّهِ الْبَطْحَاءِ، بَعِیْثِكَ بِالْحَقِّ، وَبُزْهَانِكَ عَلَى جَمِیعِ عَزَّتِ و شرف و برتری ها، و شریف ترین کسی که نشو و نما پیدا کرده در زمین مکه، فرستاده شده تو به حق، و بیان واضح تو بر همه الْخَلْقِ، خَاتَمِ أَنْبِيَاءِكَ، وَحُجَّتِكَ الْبَالِغَةِ فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ. آفریدگان، خاتمه دهنده پیامبران، و حجت رسایت در زمینت و آسمانت. اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً يَنْغَمِرُ فِي جَنْبِ انْتِفَاعِهِ بِهَا قَدَرُ الْإِنْتِفَاعِ، خداوندا؛ بر او درودی فرست، درودی که در کنار سود بردن به سبب آن قدر و قیمت سود بردن ناپدید گردد، وَيُحَوِّزُ مِنْ بَرَكَةِ التَّلَقُّ بِسَبَبِهَا مَا يَفُوقُ قَدَرَ الْمُتَعَلِّقِينَ بِسَبَبِهَا، و از برکت تعلق به آن فراگیرد چیزی را که از ارزش وابستگان به او برتری یابد، وَزِدْهُ بَعْدَ ذَلِكَ [بِهِ] مِنَ الْإِكْرَامِ وَالْإِجْلَالِ، مَا يَتَقَاصَرُ عَنْهُ و پس از آن بیفزای به سبب آن از گرامی داشت و بزرگداشت آنچه را که آرزوهای گسترده و بلند نسبت

فَسِيحُ الْأَمَالِ، حَتَّى يَغْلُو مِنْ كَرَمِكَ أَعْلَى مَحَالِّ الْمَرَاتِبِ، به آن کوتاهی کند، تا آنکه از کرم و بزرگواریت به عالی ترین مرتبه بالا- رود، وَيَزْفَى مِنْ نِعْمَتِكَ أَشْيَئِي مَنَازِلِ الْمَوَاهِبِ، وَخُذْ لَهُ اللَّهُمَّ بِحَقِّهِ و از نعمت هایت به برترین قلّه و جایگاه بخشش ترقی کند. و خداوندا؛ حقّ او و آنچه وَوَاجِبِهِ، مِنْ ظَالِمِيهِ وَظَالِمِي الصَّفْوَةِ مِنْ أَقَارِبِهِ. اللَّهُمَّ وَصَلِّ سَزَاوَارِ است برای او از آنان که به او و برگزیدگان از خویشانِش ستم کرده اند بگیر. خداوندا؛ و درود فرست علی وَلِيِّكَ، وَدَيَّانِ دِينِكَ، وَالْقَائِمِ بِالْقِسْطِ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ عَلَيَّ بر ولایت و حاکم حکومت و به پادارنده عدالت بعد از پیامبرت (یعنی حضرت (علی بن ابی طالب، أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَإِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، بن ابی طالب، امیر مؤمنان، و پیشوای پرهیزکاران، و سرور اوصیاء، وَيَعْسُوبِ الدِّينِ، وَقَائِدِ الْعُرِّ الْمُحْجَلِينَ، وَقَبْلَةِ الْعَارِفِينَ، وَعَلَمِ و رئیس و رهبر دین، و زمامدار و فرمانده روسفیدان، و قبله عارفان، و نشانه و راهنمای الْمُهْتَدِينَ، وَعُرْوَةِ نَبِيِّكَ الْمُؤْتَقَى، وَخَلِيفَةِ رَسُولِكَ هِدَايَةِ يافتگان، و دست آویز مورد اطمینانت، و ریسمان محکمت، و جانشین پیامبرت عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَوَصِيَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. الصَّدِّيقِ بر همه مردم، و وصی او در امر دین و دنیا. آنکه در میان مردم در نیروی ایمان الْأَكْبَرِ فِي الْأَنَامِ، وَالْفَارُوقِ الْأَزْهَرِ بَيْنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ، نَاصِرِهِ و صحت آن پس از پیامبر قرار داشت، و جداکننده روشن بین حلال و حرام، یاری کننده الْإِسْلَامِ، وَمُكَسِّرِ الْأَصْنَامِ، مُعِزِّ الدِّينِ وَحَامِيهِ، وَوَاقِي الرِّسُولِ اسلام، و شکننده بتها، عزیزگرداننده دین و حمایتگر آن، و سپر بلائی پیامبر و کافیه، الْمَخْصِي وَصِ بِمُؤَاخَاتِهِ يَوْمَ الْآخِرَةِ، وَمَنْ هُوَ مِنْهُ بِمَنْزِلِهِو حفظکننده او، اختصاص یافته به برادری او در روز اخوت، و کسی که او جایگاهش نسبت به پیامبر ماندهاؤونَ مِنْ مُوسَى، خَامِسِ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ، وَبَعْلِ سَيِّدِهَاوُونَ نسبت به موسی است، پنجمین اصحاب کساء، و همسر سرور

النِّسَاءِ، الْمُؤَثِّرِ بِالْقُوَّةِ بَعِيدِ ضَرْ الطَّوَى، وَالْمَشْكُورِ سِعِيهِ فِي زَنَانٍ، أَنَكُهُ قُوَّةٌ وَغِذَايُ خُودٍ رَا بَا كُرسَنكِي شَدِيدِ اِثَارِ كُردِ، وَ سَعِي وَ تَلَاشِ اُو دِرْهَلْ أَتِي. مِصْبَاحِ الْهُدَى، وَمَأْوَى الثَّقَى، وَمَحَلُّ الْحَجَى، وَطُودِ سُوْرَه «هَلْ اَتِي» سِپَا سَكْزَارِي شُد. چِراغِ هِدَايَتِ، وَ جَايِگَا هِ تَقْوَا وَ پَرهِيْزِ كَارِي، وَ مَحَلُّ عَقْلِ وَ زِيْرَكِي، وَ كُوهِ خِرْدِ اَنْهِي، اَلْدَّاعِي اِلَى الْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى، وَالْظَّاعِنِ اِلَى الْغَايِهِو اَنْدِيْشِه، دَعُوْتِ كُنْدِه بِه سُوِي شَاهِرَا عِبُوْدِيَّتِ، وَ كُوچِ كُنْدِه بِه سُوِي كِرَانِه هَايِ الْقُصُوِي، وَالسَّامِي اِلَى الْمَجْدِ وَالْعُلَى، وَالْعَالِمِ بِالتَّوِيلِ دُورِ، وَ اُوچِ كِيْرِنْدِه بِه سُوِي قَلَّه عِظْمَتِ وَ شَكُوِه وَ بَرْتَرِي، وَ دَانَايِ بِه تَأْوِيلِ (بَا طِنِ قُرْآنِ) (وَالذِّكْرِي، الَّذِي اَنْحَدَمْتُهُ خَوَاصُّ مَلَائِكَتِكَ بِالطَّاسِ وَالْمُنْدِيلِ وَ بِيَانِ، اَنْكِه فَرَشْتَاگانِ وِيْزِه بَا ظَرْفِ آبِ وَ حُوْلِه دِر خِدْمَتِ اُو بُوْدِنْدَحْتِي تَوْضًا، وَرَدَدْتِ عَلَيِّهِ الشَّمْسُ بَعْدَ دُنُوْ غُرُوْبِهَا، حَتَّى اَدَّى تَا وَضُو كِيْرِدِ، وَ خُورَشِيْدِ رَا پَسِ اَز نَزْدِيْكِي غُرُوْبِشِ بِه خَا طَرِ اُو بَا ز كُرْدَانْدِي تَا فِیْ اَوَّلِ الْوَقْتِ لَمَكَ فَرْضًا، وَأَطْعَمْتُهُ مِنْ طَعَامِ أَهْلِ الْجَنَّةِ حِينَ نَمَازِ وَاجِبِ رَا دِر اَوَّلِ وَقْتِ اَنِ پِيَا دَارِدِ، وَ اَز خُورَاكِ اَهْلِ بَهْشْتِ بِه اُو خُورَانْدِي هِنْگَامِي كِه مَنَحَ الْمِقْدَادَ فَرْضًا، وَبَاهَتْ بِه خَوَاصُّ مَلَائِكَتِكَ، إِذْ شَرَى نَفْسَهُ قَرْضَ دِرِیَافْتِي خُودِ رَا بِه مَقْدَادِ بَخْشِيْدِ، وَ بِه وَجُودِ اُو بَر فَرَشْتَاگانِ خَاصَّتِ مِبَاهَاتِ نَمُودِي، زَمَانِي كِه جَا نِ خُودِ رَا اِثْتِغَاءَ مَرْضَايَتِكَ لِتَرْضَى، وَجَعَلْتَ لِوَلَايَتِهِ إِحْدَى فَرَايِضَتِكَ. دِر طَلَبِ رِضَايَتِ تُو بَرَايِ حَفْظِ جَا نِ پِيَا مَبْرَتِ دِر طَبَقِ اِخْلَاصِ نِهَادِ، وَ وِلَايَتِ اُو رَا يَكِي اَز فَرَايِضِ وَ وَاجِبَاتِ قَرَارِ دَادِي. فَالْشَّقِيُّ مَنْ أَقْرَبَ بَغْضٍ وَأَنْكَرَ بَغْضًا، عُنْصَرِ الْأَبْرَارِ، وَمَعْدِنِ پَسِ شَقِيٍّ وَ بَدْبَخْتِ كُسِي اِسْتِ كِه بِه بَعْضِي اَز اِيْنِ فِضَائِلِ اَقْرَارِ كُنْدِ وَ بَرَخِي رَا اِنْكَارِ نِمَايِدِ. اَصْلِ وَ اَسَاسِ نِيكُوكَا رَا نِ، وَ مَعْدِنِ الْفَخَّارِ، وَقَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، صَاحِبِ الْأَعْرَافِ، وَأَبِي الْأَيْمَنِ فَخْرِ وَ كَرَامَتِ، وَ تَقْسِيْمِ كُنْدِه بَهْشْتِ وَ دُوزَخِ، صَاحِبِ اَعْرَافِ (۱)، وَ پِدَرِ اِمَامَانِ الْأَشْرَافِ، الْمَظْلُومِ الْمُغْتَصَبِ، وَالصَّابِرِ الْمُحْتَسِبِ، وَالْمُؤْتَوِّرِ بَزْرِ گُوارِ، كِه اَز جِهْتِ حَسْبِ وَ نَسَبِ اَز عُمُومِ مَرْدَمِ بَرْتَرِنْدِ، سَتَمْدِيْدِه اِي كِه حَقِّ اُو غُصْبِ شُدِه، وَ شَكِيْبَائِي كِه بَرَايِ رِضَايِ خُدا صَبِرِ كُردِ، وَ شَهِيْدِي

ص: ۶۴۹

فِي نَفْسِهِ وَعِزَّتِهِ، الْمَقْصُودُ فِي رَهْطِهِ وَأَعَزَّتِهِ، صَيْلَهُ لَأَكْثَرِ انتِقَامِ او و عترت پاکش گرفته نشده، عزیزی که در میان قوم و قبیله و عزیزانش مورد هدف قرار گرفت، درودی که انْقِطَاعَ لِمَزِيدِهَا، وَلَا انْتِصَاعَ لِمَشِيدِهَا. اَللّٰهُمَّ اَلْبِسْهُ حُلَّ لِلْزِيَادَةِ آن انقطاعی، و برای بنیان آن سستی نباشد. خداوندا؛ به او جامه های اَلْأَنْعَامِ، وَتَوَجُّهُ تَاجِ الْإِكْرَامِ، وَارْفَعُهُ إِلَى أَعْلَى مَرْتَبَةٍ وَمَقَامِ، نعمت ببوشان، و تاج کرامت بر سر او بگذار، و او را به بالاترین مقام و مرتبه بالا ببر، حَتَّى يَلْحَقَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَى إِلَهِ السَّلَامِ، وَاحْكُمْ لَهُ اَللّٰهُمَّ عَلَيْنَا او را به پیامبرت - که بر او و آل او درود باد - ملحق سازی، خداوندا؛ بر ظالمیه، إِنَّكَ الْعَدْلُ فِيمَا تَقْضِيهِ. اَللّٰهُمَّ وَصَلْ عَلَى الطَّاهِرِ هَسْتَمِگَرانی که به او ستم کردند حکم کن، که تو در آنچه قضاوت و داوری می کنی عادل و دادگری. خداوندا؛ درود فرست بر آن اَلْبَتُولِ الزَّهْرَاءِ، إِنَّهُ الرُّسُولُ، أُمُّ الْأَنْبِيَاءِ الْهَادِينَ، سَيِّدَةُ نِسَاءِ وَجُودِ پَاک بی نظیر درخشنده، دختر پیامبر، مادر امامان هدایتگر، سرور زنان العالمین، و ارثه خیرِ الْأَنْبِيَاءِ، وَقَرِينَهُ خَيْرِ الْأَوْصِيَاءِ، الْقَادِمِ هَجْهَانِ، وارث بهترین پیامبران، و قرین بهترین اوصیاء، آنکه عَلَيْكَ مُتَأَلَّمَةٌ مِنْ مُصَابِهَا بِأَبْيَها، مُتَظَلِّمَةٌ مِمَّا حَلَّ بِهَا مِنْ بَرِّ تو وارد گردید در حالی که دردناک بود از مصیبت فقدان پدرش، و شاکی بود از ستمی که غاصبیها، سَاخِطَةٌ عَلَى أُمِّهِ لَمْ تَزَعْ حَقَّكَ فِي نُصْرَتِهَا، بِدَلِيلِ غَاصِبِ حَقِّشِ بر او روا داشت، خشمناک بود بر اُمِّی که رعایت حقِّ تو را در یاری او نکرد، به دلیلی که دَفَنُهَا لَيْلًا فِي حُفْرَتِهَا، اَلْمُغْتَصَبِ بِهِ حَقَّهَا، وَاَلْمُغْصَصِ بِرِيقِهَا، شبانه در آرامگاهش دفن گردید، حَقِّشِ رُبُودِ، وَغَضِهِ كَلُوكِ او شد، صَيْلَهُ لَا غَايَةَ لِأَمِيدِهَا، وَلَا نِهَائَةَ لِمَعِيدِهَا، وَلَمَّا انْقَضَاءَ لَعِيدِهَا. درودی که پایانی برای پایش، و نهایی برای گسترده گی و درازیش، و تمامی برای عددش نباشد. اَللّٰهُمَّ فَتَكْفُلْ لَهَا عَنْ مَكَارِهِ دَارِ الْفَنَاءِ فِي دَارِ الْبَقَاءِ بِأَنْفَسِ خداوندا؛ برای او در سرای جاودانی به جای ناروائی ها و دشواری های دنیا

الْأَعْوَاضِ، وَأَنْلَهَا مِمَّنْ عَانَدَهَا نِهَايَةَ الْأَمَالِ وَغَايَةَ الْأَغْرَاضِ، بِهَتَرِينَ وَارْزَشْمَنْدَتَرِينَ عَوْضِ وَجَايِگَزِینَ رَا عَهْدَه دَارِ بَاش، وَ اَوْ رَا
 دَر مَوْرِدِ کَسَانِیْ کِه بَا اَوْ عِنَادِ وَرَزِیدَنْدِ وَ دَشْمَنِیْ کَرْدَنْدِ بِه بَالَا تَرِینِ حَتَّى لَا یَبْقِیَ لَهَا وَلِیٌّ سَاخِطٌ لِسَیْخِطِهَا إِلَّا وَهُوَ رَاضٍ، إِنَّکَ
 أَغْزُ آرْزَوِهَا وَ اَهْدَافِ بَرَسَانِ، تَا آنکِه باقی نماند برای او ارادتمندی که بخاطر خشم او خشمناک گردیده مگر آنکه راضی و
 خشنود گردد، مَنْ أَجَارَ الْمَظْلُومِینَ، وَأَعْدَلَ قَاضِی. اَللّٰهُمَّ اَلْحَقِّهَا فِی الْاِکْرَامِ کِه تُو عَزِیز تَرِینِ پَنَاهِ دَهَنْدِه سَتْمَدِیدِگَانِ وَ عَادِل تَرِینِ
 دَاوَرِی. خِداوَنْدَا؛ اَوْ رَا دَر گِرَامِیِ دَاشْتَنْ بَیْغِلْهَا وَ اَیْبِهَا، وَخُذْ لَهَا الْحَقَّ مِنْ ظَالِمِیْهَا. اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَیْ بِه شَوَهْرِ وَ پَدَرِشِ مَلِیْحِ نَمَا
 وَ حَقِّ اَوْ رَا بَرَا یَشِ از سَتْمِگِرَانِشِ بَکِیْر. خِداوَنْدَا؛ وَ دَرُودِ فَرَسْتِ بَرِ الْاِئِمَّةِ الرَّاشِدِیْنَ، وَالْقَادَةِ الْهَادِیْنَ، وَالسَّادَةِ الْمَعْصُومِیْنَ، اِمَامَانِ
 رَا یَافْتِه، وَ زَمَامِدَارَانِ هِدَا یَتِگَرِ، وَ سَرُورَانِ پَاکِ وَ مَعْصُومِ، وَالْاَتْقِیَاءِ الْاَبْرَارِ، مَأْوِی السَّکِیْنَةِ وَالْوَقَارِ، وَخُزَّانِ الْعِلْمِ، وَ پَرِهیزِ کَارَانِ
 نِکُوکَارِ، جَا یَگَا هِ آ رَا مِشِ وَ وَقَارِ، وَ خَزَانَه دَارَانِ عِلْمِ وَ دَانِشِ، وَمُنْتَهَی الْحِلْمِ وَالْفَخَارِ، سَاسَه الْعِبَادِ، وَأَرْكَانِ الْبِلَادِ، وَأَدْلَهُو نِهَا یَتِ
 حِلْمِ وَ بَرْدَبَارِیِ وَ فَخْرِ وَ بَزَرْگَوَارِیِ، مَدَبِّرِ اَمُورِ بَنْدِگَانِ، وَ رَکْنِ شَهْرَهَا، وَ رَا هَنْمَایَانِ الرَّشَادِ، الْاَلْبَاءِ الْاَمْجَادِ، الْعُلَمَاءِ بِشَرِّعِکَ
 الزُّهَّادِ، وَمَصَابِیْحِ رَا هِ کَمَالِ، خَرْدَمَنْدَانِ اَرْجَمَنْدِ، عَالِمَانِ دِیْنِتِ، زَهْدِ پِشَه گَانِ، وَ چَرَاغِ هَا یِ رُوشَنِیِ بَخْشِ الظُّلْمِ، وَ یَنَابِیْعِ الْحِکْمِ،
 وَأَوَّلِیَاءِ النِّعَمِ، وَعِصْمِ الْمَأْمَمِ، قُرْنَاءِ تَارِیْکِیِ هَا، وَ چِشْمَه هَا یِ جُوشَانِ حِکْمَتِ، وَ صَا حِبِ اَخْتِیَارَانِ هَمِه نِعْمَتِ هَا، وَ پَنَاهِ مَرْدَمَانِ،
 قَرِینِ التَّنْزِیْلِ وَ اَیَاتِهِ، وَأَمْنَاءِ التَّأْوِیْلِ وَوَلَاتِهِ، وَتَرَا جِمَه الْوَحْیِ قُرْآنِ وَ آیَاتِ آنِ، وَ اَمِینَانِ تَأْوِیْلِ وَ سَرِپَرَسْتَانِ آنِ، وَ مَتَرَجِمَانِ وَحِیِ
 وَ دِلَالَاتِهِ، اَئِمَّةِ الْهُدٰی، وَمَنَارِ الدُّجٰی، وَأَعْلَامِ التَّقٰی، وَ کُھُوفِ وَ اَشَارَاتِ آنِ، پِشَوَا یَانِ هِدَا یَتِ، وَ نُورَا فِکْنِ تَارِیْکِیِ هَا، وَ
 پَرچَمْدَارَانِ تَقْوَا، وَ پَنَاهِگَا هِ الْوَرٰی، وَ حَفَظَه الْاِسْلَامِ، وَ حُجْجِکَ عَلٰی جَمِیْعِ الْاَنَامِ، الْحَسَنِ بَشَرِ، وَ حَافِظَانِ اِسْلَامِ، وَ حَبَّتِ هَا یِ تُو
 بَرِ هَمِه آفَرِیدِگَانِ، اِمَامِ حَسَنِ

وَالْحَسَنِ بْنِ سَيِّدِ شَبَابٍ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَسَيِّدِ طَبَقِ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، و امام حسين، دو سرور جوانان اهل بهشت، و دو سبط پیامبر رحمت، وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ السَّجَّادِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ باقرو) حضرت (علی بن الحسین امام سجاد زینت عبادت کنندگان، و) حضرت (محمد بن علی شکافنده علم الدین، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الْأَمِينِ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ عَلِيٍّ دین، و) حضرت (جعفر بن محمد راستگو و امین) پروردگار، و) حضرت (موسی بن جعفر الکاظم الحلیم، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْوَفِيِّ، وَمُحَمَّدِ بْنِ فروبرنده خشم و بردبار، و) حضرت (علی بن موسی رضایت دارنده و وفاکننده، و) حضرت (محمد بن علی بن ابی‌التفّی، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُتَنَجِّبِ الرَّكِيِّ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ نیکوکار پرهیزکار، و) حضرت (علی بن محمد برگزیده پارسا، و) حضرت (حسن بن علی بن الهادی الرضی، وَالْحُجَّجِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِینِ علی هدایتگر پسندیده، و) حضرت (حجت بن الحسن صاحب عصر و الزمان، وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ، وَبَقِيَّةِ الْأَنْبِيَاءِ، الْمُسْتَرِ عَنْ خَلْقِكَ، وَزَمَانِ، وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ، و باقی مانده پیامبران، آنکه پوشیده از دیدگان آفریدگان و الْمُؤْمَلِ لِإِظْهَارِ حَقِّكَ، الْمَهْدِي الْمُنْتَظَرِ، وَالْقَائِمِ الَّذِي بِهِ وَ آرزومند آشکار کردن حق تو است، هدایت شده ای که انتظار او کشیده می شود، و قیام کننده ای که به وسیله او یُتَنَصَّرُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، صَلَاةً بَاقِيَةً فِي الْعَالَمِينَ، دین تو یاری می شود. خداوندا؛ بر همه آنان درود فرست؛ درودی پایدار در جهانیان، تُبَلِّغُهُمْ بِهَا أَفْضَلَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ. اللَّهُمَّ أَلْحِقْهُمْ فِي الْإِكْرَامِ که با آن ایشان را به برترین جایگاه گرامی شدگان برسانی. خداوندا؛ ملحق ساز آنان را در بزرگداشت بَحْدِهِمْ وَأَبِيهِمْ، وَخُذْ لَهُمُ الْحَقَّ مِنْ ظَالِمِيهِمْ. أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ به جد و پدر بزرگوارشان، و حق آنان را برایشان از ستمگرانشان بگیر. گواهی می دهم ای مولای من؛ أَنْكُمُ الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ، الْقَوَّامُونَ بِأَمْرِهِ، الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ، الْفَائِزُونَ که شما فرمانبرداران فرمان حق، پیاداران امر او، عمل کنندگان به اراده اش، و رستگاران

بِكِرَامَتِهِ. إِصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ، وَاجْتَبَاكُمْ لِعَيْنِهِ، وَاخْتَارَكُمْ بِسِرِّهِ، به کرامت او هستید. (خداوند) شما را به علم و دانش خود برگزید، و برای امور پنهانی خود پسندید، و برای راز نهانی خود اختیار کرد، وَأَعَزَّكُمْ بِهَيْدَاهُ، وَخَصَّكُمْ بِجِوَارِهِ، وَأَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ، وَرَضَّيَكُمْ بِاِهْدَايَةِ خُود عَزَّتْ بِخَشِيدِ، و به برهان خویش اختصاص داد، و به روح خود تأیید فرمود، وَخُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ، وَدُعَاءَ إِلَى حَقِّهِ، وَشُهِدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ، وَأَنْصَارًا بِعَنَوَانِ جَانَشِينَانِشْ در روی زمین، و دعوت کنندگان به حق او، و گواهان بر آفریدگانش، و یاران لَدِينِهِ، وَحُجَجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ، وَتَرَاجِمَةً لَوْحِيهِ، وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ، دینش، و حجت های او بر بندگانش، و بیان کنندگان وحیش، و خزانه داران علم و دانشش، وَمُسْتَوْدَعًا لِحُكْمَتِهِ. عَصَمَكُمْ اللَّهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأَكُمْ مِنْ وَحَلِّ وَدِيعَةِ نِهَادِنِ حَكَمَتِشْ پسندید. خداوند شما را از گناهان مصون داشت و ازالِغُيُوبِ، وَائْتَمَنَكُمْ عَلَى الْغُيُوبِ. زُرْتُكُمْ يَا مَوَالِيَّ عَارِفَاعِيبِ هَا پاك نمود، و بر امور پنهانی خود امین ساخت. شما را - ای سروران من؛ - زیارت کردم در حالی که آشنایِ حَقِّكُمْ، مُسْتَبْصِرًا بِشَأْنِكُمْ، مُهْتَدِيًا بِهَيْدَاكُمْ، مُقْتَضِيًا لِأَثَرِكُمْ، به حق شما، آگاه به شأن و موقعیت شما، رهنمون به هدایت شما، پوینده راه شما، مُتَّبِعًا لِسَبِيلِكُمْ، مُتَمَسِّكًا بِوَلَايَتِكُمْ، مُعْتَصِمًا بِحَبْلِكُمْ، مُطِيعًا بِرُوحِكُمْ، به ولایت شما چنگ زنده، و به ریسمان شما پیوسته ام، دستور شما را اجرا می نمایم، لِأَمْرِكُمْ، مَوَالِيًّا لِأَوْلِيَاكُمْ، مُعَادِيًّا لِأَعْدَائِكُمْ، عَالِمًا بِأَنَّ الْحَقَّ نَسَبَتْ بِه دُوسْتَانِ شما ارادت دارم، با دشمنان شما دشمنم، آگاهم به اینکه حق فیکم وَمَعَكُمْ، مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ بِكُمْ، مُسْتَشْفِعًا إِلَيْهِ بِجَاهِكُمْ، در شما و با شما است، به واسطه شما به سوی خداوند توسل جسته، به آبروی شما به درگاه او شفاعت طلبم. وَحَقُّ عَلَيْهِ أَنْ لَا يُخَيِّبَ سَائِلُهُ، وَالرَّاجِي مَا عِنْدَهُ لِزُورِكُمْ، و سزاوار است که او سائل خود را که به آنچه نزد او است امید دارد برای زائران شما، الْمُطِيعِينَ لِأَمْرِكُمْ. اَللّهُمَّ فَكَمَا وَفَّقْتَنِي لِلْإِيْمَانِ بِنَبِيِّكَ، و اجرا کنندگان فرمان شما رد نکند و محروم نگرداند. خداوند! پس همان گونه که مرا برای ایمان آوردن به پیامبرت،

وَالْتَضِيقِ لِتَدْعُوْتِهِ، وَمَنْنَتْ عَلَيَّ بِطَاعَتِهِ، وَأَتَّبَاعِ مِلَّتِهِ، وَهَدَيْتَنِي وَبِاسْخِ مَثَبِ دَادَنِ بِي دَعْوَتِ او تَوْفِيقِ مَرَحْمَتِ كَرْدِي، وَ بِي اطَاعَتِ او، وَ پِيروِي از آئِينِ او بَرِ مَنِّ گَزاشْتِي، وَ اِلَيَّ مَعْرِفَتِهِ، وَ مَعْرِفَةِ الْاَئِمَّةِ مِنْ دُرِّيَّتِهِ، وَ اَكْمَلْتَ بِمَعْرِفَتِهِمْ بِي شِناختِ او، وَ شِناختِ اِمَامانِ از دُرِّيَّه او هِدَايَتِ فَرمودِي، وَ بِي مَعْرِفَتِ وَ شِناختِ ايشان الْاِيْمَانِ، وَ قَبِلْتَ بِوِلَايَتِهِمْ وَ طَاعَتِهِمْ الْاَعْمَالَ، وَ اَسْتَعْبَدْتَ اِيْمَانِ رَا كَامِلِ وَ تَكْمِيلِ فَرمودِي، وَ بِي وِلَايَتِ ايشان وَ اطَاعَتِ شان اَعْمَالَ رَا پِذِيرَفْتِي، وَ بِالْصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ عِبَادَتِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ مِفْتَاحًا لِلدُّعَاءِ، وَ سَيِّبًا لِلْاِجَابَةِ، بِنِدْكَانَتِ رَا بِي دَرودِ فَرستادَنِ بَرِ اَنانِ وَاِدَارِ نمودِي، وَ اَنانِ رَا كَلِيدِ بابِ دَعَا، وَ سَبَبِ اِجَابَتِ دَعَا قَرارِ دادِي، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَ اجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا بِسِ بَرِ هِمَكِي اَنانِ دَرودِ فَرستِ، وَ مَرَا بِي واسطِهِ ايشانِ نَزْدِ خُودَتِ دَرِ دُنْيا وَ الْاِخْرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ ذُنُوبَنَا بِهِمْ مَغْفُورَةً، وَ اَخْرَجْ اَبْرُومَنْدِ وَ از مُقَرَّبِينَ (دَرِ گاهَتِ) گَرْدانِ. خُداوندَا؛ قَرارِ بَدِي گَناهانِ مَرَا بِي واسطِهِ ايشانِ اَمْرَزِيدِي شُدِي، وَ عَيُّوبُنَا مَسْئُورَةً، وَ فَرَايِضُنَا مَشْكُورَةً، وَ نَوَافِلُنَا مَبْرُورَةً، وَ عِيُوبِ وَ زَشْتِي هَايِ مَرَا رَا پوشِيدِي شُدِي، وَ واجِبَاتِ مَرَا رَا پاداشِ دادِي شُدِي، وَ مَسْتَحَبَّاتِ مانِ رَا پِذِيرَفْتِي گَشْتِي، وَ قُلُوبُنَا بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً، وَ اَنْفُسُنَا بِطَاعَتِكَ مَسْرُورَةً، وَ جَوَارِحُنَا دِلِ هَايِ مَرَا بِي يادِ خُودَتِ اَبادِ شُدِي، وَ جانِ مَرَا رَا بِي فَرمانِ بَرِ دارِيتِ شادِ شُدِي، وَ اَعْضاءِ وَ جَوَارِحِ مَرَا اَعْلَى خِدْمَتِكَ مَقْهُورَةً، وَ اَسْماءُنَا فِي خِواصِّكَ مَشْهُورَةً، بَرِ خِدْمَتِ رَامِ شُدِي، وَ نامِ مَرَا رَا دَرِ مِيانِ بِنْدِگانِ وِيزِهِ اتِ بَلَنْدِ آوازِ، وَ اَرْزاقُنَا مِنْ لَدُنْكَ مَدْرُورَةً، وَ حَوَائِجُنَا لَدَيْكَ مَيْسُورَةً، بَرِ رَحْمَتِكَ وَ رُوزِي مَرَا رَا ازِ ناحِيهِ خُودَتِ فَرَاوانِ وَ سَرشارِ، وَ حاجَتِ هَايِ مَرَا رَا بَرآورِدِي شُدِي، بِي رَحْمَتِ يا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اَللّٰهُمَّ اُنْجِزْ لَهُمْ وَعْدَكَ، وَ طَهِّرْ بَسِيْفِ اِي مَهْرِبَانْتَرِينِ مَهْرِبَانانِ. خُداوندَا؛ بِي وْعَدِهِ اتِ نَسَبَتِ بِي ايشانِ وُفا كُنْ، وَ بِي شَمشِيرِ قَائِمِهِمْ اَرْضِكَ، وَ اَقِمْ بِي حُدُودَكَ الْمُعْطَلَّةَ، وَ اَحْكَامَكَ الْمُهْمَلَّةَ قِيامِ كُنْدِي اَنانِ زَمِينَتِ رَا پاكَ فَرما، وَ پِيا بَدارِ بِي وسيلِهِ او حُدُودَتِ كِي تَعْطِيلِ شُدِي، وَ اِحْكامَتِ كِي بَكَارِ گَرَفْتِي نَشُدِي

وَالْمَيِّدَلَّةَ، وَأَخِي بِهِ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُتَفَرِّقَةَ، و دگرگون گشته، و دل های مرده را به وسیله او زنده گردان، و خواسته ها و خواهش های پراکنده را به وسیله او متحد نما، وَأَجَلِ بِهِ صَدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ، حَتَّى يَظْهَرَ الْحَقُّ عَلَى زَنگَار انحراف را به وسیله او از آئین خود بزدا، تا آنکه حق را بیدار کند فی أَحْسَنِ صُورَتِهِ، وَيَهْلِكَ الْبَاطِلُ وَأَهْلُهُ بِنُورِ دَوْلَتِهِ، به دست او در نیکوترین صورتش آشکار گرداند، و باطل و اهل باطل را به نور دولت خود از میان بردارد، وَلَا يَسْتَتْفِي لَشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَهُ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ. اَللّهُمَّ وَهیچ حقی را به خاطر ترس از کسی پنهان ندارد. خداوندا! عَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَأَظْهِرْ فَلَجَهُمْ، وَاسْلُكْ بِنَا مِنْهُمْ جَهَنَّمَ، وَأَمْتِنَا عَلَى فِرَاجِ اِيشَانِ را تعجیل فرما، و پیروزی شان را ظاهر نما، و ما را به راه روشن آنان بیر، و بر ولایتِیْتِهِمْ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ لَوَائِهِمْ، وَأَوْرِثْنَا وِلَايَتِ شَانِ بِمیران، و در زمره ایشان و زیر پرچمشان محشور گردان، وَخَوِّضْهُمْ، وَاسْلِقْنَا بِكَاسِهِمْ، وَلَا تَفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ، وَلَا تَحْرِثْنَا كَنَارَ حَوْضِشَانِ (کوثر) وارد کن، و از جامشان سیراب فرما، و بین ما و این بزرگواران جدائی میاندا، وَشَفَاعَتُهُمْ، حَتَّى نَنْظُرَ بِعَفْوِكَ وَغُفْرَانِكَ، وَنَصِيرَ إِلَى رَحْمَتِكَ از شفاعت شان ما را محروم مگردان، تا آنکه به عفو و آمرزش دست یابیم، و مشمول رحمت و رِضْوَانَتِكَ، إِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ. یا قَرِيبَ الرَّحْمَةِ مِنْ وَرِضْوَانَتِ گَرْدِیم، ای (معبود به حق؛) و ای (پروردگار جهانیان. ای آنکه رحمت و مهرت به الْمُؤْمِنِينَ، وَنَحْنُ أَوْلِيَاؤُكَ حَقًّا لَا اِزْتِیَابًا، یا مَنْ إِذَا أَوْحَشْنَا مُؤْمِنَانِ نَزْدِیک است، و ما واقعا نه با شُكِّ و تردید از دوستان تو هستیم، ای کسی که چون التَّعَرُّضَ لِعُصْبِهِ، اَنَسْنَا حُسْنَ الظَّنِّ بِهِ، فَنَحْنُ وَاثِقُونَ بَيْنَ رَغْبِهِ وَرَوِي آوردن خشم و غضبش ما را به وحشت اندازد، خوش گمانی به او ما را آرامش بخشد. پس ما بین بیم و امید خاضعانه مطمئن وَرَهْبِهِ اِزْتِیَابًا، قَدْ أَقْبَلْنَا لِعَفْوِكَ وَمَغْفِرَتِكَ طُلَابًا، فَأَذِلُّنَا هَسْتِیم، و به عفو و آمرزش تو طلب کننده روی آوردیم، پس در برابر

لَقَدْ رَتِّكَ وَعَزَّتْكَ رِقَابًا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِينَ، قدرت و عزّت گردن ما را فرود آور و ما را متواضع گردان، پس بر محمد و آل پاک محمد درود فرست، وَاجْعَلْ دُعَاءَنَا بِهِمْ مُسْتَجَابًا، وَوَلِّأَنَا لَهُمْ مِنَ النَّارِ حِجَابًا. و دعای ما را به واسطه ایشان مستجاب شده، و ارادت و دوستی ما را نسبت به آنان مانع از رسیدن به آتش قرار بده. اَللّهُمَّ بَصِّرْنَا قَصْدَ السَّبِيلِ لِئَنَعْتَمِدَهُ، وَمُورِدَ الرُّشْدِ لِنُرِدَّهُ، وَبَيِّدْ خَدَاوَنَدَا؛ راه راست را برای ما آشکار کن تا بر آن اعتماد کنیم، و مسیر کمال را به ما بیاموز تا به آن وارد شویم، وَخَطَايَانَا صَوَابًا، وَلَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعِيدَ إِذْ هَدَيْتَنَا، وَهَبْ لَنَا مِنْ نَادِرَسْتِي هَا رَا به درستی تبدیل کن، و دل های ما را پس از آنکه هدایت کردی دچار انحراف مکن، و اَزَلِّدُنْكَ رَحْمَةً، يَا مَنْ تُسَيِّمِي جُودَهُ وَكَرَمَهُ وَهَابًا، وَاتِنَا فِي پِيشْكَاهِ خود رحمتی را به ما ارزانی دار، ای کسی که به خاطر جود و کرم فراوان، «وهاب» یعنی بسیار بخشنده نامیده شده ای، و به الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ، اِنْ حَقَّتْ مَا در دنیا و آخرت نیکی عطا کن، و ما را از عذاب آتش نگهدار؛ گرچه مَا عَلَيْنَا اَكْتِسَابًا، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

سزوار آن گردیده باشیم، به رحمت ای مهربانترین مهربانان.

سپس بازمی گردی و در کنار ضریح می ایستی و می گوئی:

يَا وَلِيَّ اللَّهِ، اِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا اِلَّا اَيُّ وَلِيٍّ خُدا؛ بدون تردید میان من و خداوند شکوهمند و عزیز گناهانی است که جز رضایت و رضا، فَبِحَقِّ مَنْ اِثْمَمَكَ عَلَى سِرِّهِ، وَاسْتَرْعَاكَ اَمْرَ خَلْقِهِ، وَقَرَنَ خَشْنُودِي شِمَا آن ها را از بین نمی برد، پس به حق کسی که شما را بر راز پنهانی خود امین قرار داد و سرپرستی امور آفرید گانش را به شما سپرد، طَاعَتَكَ بِطَاعَتِهِ، وَمُؤَالَاتِكَ بِمُؤَالَاتِهِ، تَوَلَّ صَلَاحَ حَالِي مَعَ اللَّهِ و طاعت شما را قرین طاعت خود، و دوستی و ارادت شما را قرین دوستی و ارادت خود قرار داد، درستی حال و نیکوئی رفتار مرا با عَزَّ وَجَلَّ، وَاجْعَلْ لِي حَظِّي مِنْ زِيَارَةِ كُكْ، تَخْلِيْطِي بِخَالِصِي زُؤَارِكْ، خداوند والا مرتبه عهده دار باش، و بهره مرا از زیارت آمیخته گشتم با زائران خالص خود قرار بده،

الَّذِينَ تَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي عِتْقِ رِقَابِهِمْ، وَتَرْغَبُ إِلَيْهِمْ فِي آثَانِ كِه از خداوند والامرته درخواست می کنند تا رهایشان سازد، و مشتاقند به سوی ایشان در بهره مند شدن از ثواب و حُسنِ ثوابِهِمْ، وَهَا أَنَا الْيَوْمَ بِقَبْرِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَبِحُسْنِ دِفَاعِكَ عَنِّي پاداش نیکوی آنان، و اینک من امروز به مرقد پاک شما روی آورده، و به دفاع نیکوی شما از من عَائِذٌ، فَتَلَاَفَنِي يَا مَوْلَايَ وَأَذْرِكُنِي، وَاسْأَلِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَمْرِي، پناهنده گشته ام، پس به دادم برس ای مولای من و مرا دریاب، و از خداوند والامرته در مورد کار من درخواست کن فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا كَرِيمًا، صِلَى اللَّهِ عَلَيْكَ وَسَلَّم تَسْلِيمًا. که برای شما نزد خداوند مقام ارزشمندی است، درود خدا و سلام فراوان او بر تو باد.

سپس ضریح را ببوس، و رو به قبله دست هایت را بلند کن و بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ لَمَّا فَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ، وَ اَكْرَمْتَنِي بِمُوالايَتِهِ، عَلِمْتُ خدائوندا؛ هنگامی که تو اطاعت این امام را بر من واجب گردانیدی، و مرا به دوستی و پیوستن با او گرامی داشتی، دانستم أَنَّ ذَلِكْ لِجَلِيلِ مَرْتَبَتِهِ عِنْدَكَ، وَنَفِيسِ حَظِّهِ لَدَيْكَ، وَلِقُرْبِ كِه این به خاطر مرتبه والای او نزد تو، و بهره گرانبهای او در پیشگاه تو، و تقرّبی است که او نزد تو دارد، مَنَزَلَتِهِ مِنْكَ، فَلِذَلِكَ لُبَدْتُ بِقَبْرِهِ، لَوَاذِ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّكَ لَا تُرَدُّ لَهُ پس به همین خاطر به قبر شریف او پناه آورده، پناه آوردن کسی که می داند بدون تردید شفاعت او رد نمی گردد، شَفَاعَةً، فَبَقَدِّمِ عَلَيَّ فِيهِ، وَحُسْنِ رِضَاكَ عَنْهُ، إِذْ ضَعَفْتُ عَنِّي پس به علم دیرین تو درباره او، و به رضایت نیکویی که از او داری، از من وَعَنْ وَالِدَتِي، وَلَا تَجْعَلْ لِلنَّارِ عَلَيَّ سَبِيلًا وَلَا سُلْطَانًا، بِرَحْمَتِكَ و از پدر و مادرم راضی باش، و برای آتش بر من راهی قرار مده و آن را بر من مسلط مفرما، به رحمتت یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای مهربانترین مهربانان.

سپس از جای خود حرکت کن و پایین قبر بایست و آن را روبروی خود قرار بده و دست هایت را بلند کن و بگو:

اللَّهُمَّ لَوْ وَجِدْتُ شَفِيعاً أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ خَدَاوَنَدَا؛ اگر شفیعی را می یافتم که در پیشگاه تو نزدیکتر (و گرامی تر) از محمد و اهل بیت الاخیار، الاثقیاء الابرار، علیه وعلیهم السلام، لَاسْتَشْفَعْتُ نیکوکار او بود - که تندیس تقوا و نیکی هستند و بر او و همه آنان درود و سلام باد - آن ها را به درگاهت شفیع قرار می دادم، بِهِمْ إِلَيْكَ، وَهَذَا قَبْرُ وَلِيِّ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، وَسَيِّدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ، و این، قبر ولی از اولیای تو و سروری از برگزیدگان می باشد، وَمَنْ فَرَضْتَ عَلَى الْخَلْقِ طَاعَتَهُ، قَدْ جَعَلْتَهُ بَيْنَ يَدَيَّ، أَسْأَلُكَ و کسی است که اطاعت او را بر همه آفریدگان واجب نمودی، آن را پیشاپیش خود قرار داده ام، از تو می خواهم یا رَبِّ بِحُزْمَتِهِ عِنْدَكَ، وَبِحَقِّهِ عَلَيْكَ، لَمَّا نَظَرْتَ إِلَيَّ نَظَرَهُ يَرْدِ گارا؛ به احترام او نزد تو، و به حقی که بر تو دارد، بر من نگاهی رَحِيمَةً مِنْ نَظَرَاتِكَ، تَلَّمُ بِهَا شَعْيِي، وَتَصْلُحُ بِهَا حَالِي فِي از نگاههای محبت آمیز خود کنی که با آن نگاه، پریشانی مرا برطرف نمائی، و حال مرا در الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي لَمَادِنِيَا وَ آخِرَتِ اصْلَاحِ فرمائی و نیکو گردانی، که تو بر هر چیزی توانائی. خدَاوَنَدَا؛ چون گناهانم فَاتَتْ الْعِيدَ، وَجَازَتْ الْأَمِدَ، عَلِمْتُ أَنَّ شَفَاعَةَ كُلِّ شَافِعٍ دُونَ از عدد گذشت، و از اندازه تجاوز کرد، دانستم که شفاعت هر شفاعت کننده ای جز أَوْلِيَائِكَ تَقْصُرُ عَنْهَا، فَوَصَلْتُ الْمَسِيرَ مِنْ بَلَدِي، قَاصِداً وَلِيَّكَ أَوْلِيَاءَتِ کم می آورد، پس طَيَّ طَرِيقَ کردم و از شهر خود به راه افتاده، و با دل خوشی آهنگ ولی تو را بِالْبُشْرَى، وَ مُتَعَلِّقاً مِنْهُ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، وَهَا أَنَا يَا مَوْلَايَ قَدْ نَمُودَم، و به دست آویز مورد اطمینانی پیوستم، و اکنون من ای مولای من؛ اَسْتَشْفَعُ بِهِ إِلَيْكَ، وَأَقْسَمْتُ بِهِ عَلَيْكَ، فَارْحَمْ غُرْبَتِي، وَأَقْبَلْ بِهِ وَسِيلَهُ او به درگاه تو شفاعت جسته، و به حرمت او بر تو قسم می دهم، پس به غربت و تنهائی من رحم کن، وَتَوَبَّتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي لَا أَعُوْلُ عَلَى صَالِحِهِ سَلَفْتُ مِنِّي، وَلَا أَثِقُ تَوْبَهُ ام را بپذیر. خدَاوَنَدَا؛ من هرگز تکیه نمی کنم بر عمل صالحی که از من انجام گرفته، و اطمینان ندارم

بِحَسَنِهِ تَقُومُ بِالحُجَّةِ عَنِّي، وَلَوْ أَنِّي قَدَّمْتُ حَسَنَاتٍ جَمِيعَ به کار نیکویی که بتواند از طرف من اقامه حجت کند، و اگر من خوبی ها و کارهای نیکوی خَلَقَکَ، ثُمَّ خَالَفْتُ طَاعَةَ أَوْلِيَائِکَ، لَكَانَتْ تِلْكَ الحَسَنَاتِ همه آفریدگانت را پیش فرستاده بودم، سپس با اطاعت اولیای تو مخالفت می کردم، تمام آن خوبی ها مُزْعِجَةً لِي عَنْ جَوَارِکَ، غَيْرُ حَائِلٍ بَيْنِي وَبَيْنَ نَارِکَ، فَلِذَلِكَ مرا از جوار تو می راند و نمی توانست میان من و آتش (عذاب) تو حائل گردد و فاصله ایجاد کند، و لِذَاعِلِمْتُ أَنَّ أَفْضَلَ طَاعَتِکَ طَاعَةَ أَوْلِيَائِکَ. اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ تَوَجُّهِي طَاعَتِ تو اطاعت اولیای تو است. خداوندا! رحم کن روی آوردن مرا بِمَنْ تَوَجَّهْتُ بِهِ إِلَیْکَ، فَلَقَدْ عَلِمْتُ أَنِّي غَيْرُ وَاحِدٍ أَعْظَمُ به کسی که به وسیله او به درگاهت روی آورده ام، پس به راستی دانستم که من کسی را عظیم تر مُقَدَّراً مِنْهُمْ، لِمَکَانِهِمْ مِنْکَ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ. اَللّٰهُمَّ إِنَّکَ از ایشان نیافتم، بخاطر جایگاه و منزلتی که نزد تو دارند ای مهربانترین مهربانان. خداوندا! براستی تو بِالْإِنْعَامِ مَوْصُوفٌ، وَوَلَّیْکَ بِالشَّفَاعَةِ لِمَنْ أَتَاهُ مَعْرُوفٌ، فَإِذَا به نعمت دهی و لطف توصیف شده ای، و وَلَّیْ تو به شفاعت برای کسی که نزد او آید شناخته شده است، پس هنگامی که شَفَعَ فِیَّ مُتَفَضِّلًا، كَانَ وَجْهُکَ عَلَیَّ مُقْبِلًا، وَإِذَا كَانَ وَجْهُکَ عَلَیَّ از روی نیکی و احسان در مورد من شفاعت کرد لطف تو به من روی خواهد آورد، و چون لطف تو به من روی آورد مُقْبِلًا أَصِیْبْتُ مِنَ الْجَنَّةِ مُنْزِلًا. اَللّٰهُمَّ فَکَمَا أَتَوَسَّلُ بِهِ إِلَیْکَ أَنُ از بهشت جایگاهی را برخوردار خواهم شد. خداوندا! همانگونه که به درگاه تو به وسیله او تَوَسَّلُ جسته ام تَاتَمُنَّ عَلَیَّ بِالرِّضَا وَالنَّعَمِ اَللّٰهُمَّ ارْضِهِ عَنَّا، وَلَا تُسِخِطْهُ عَلَیْنَا، به رضایت و خشنودی و نعمت بر من مَنّت گذاری - خداوندا! - او را نیز از ما راضی و خشنود گردان، و بر ما خشمگین مساز، وَاهْدِنَا بِهِ، وَلَا تُضِلَّنَا فِیْهِ، وَاجْعَلْنَا فِیْهِ عَلَى السَّبِيلِ الَّذِی تَخْتَارُهُ، و به وسیله او ما را هدایت کن، و در مورد او ما را دچار گمراهی مفرما، و درباره او ما را بر همان راهی که خودت اختیار فرموده ای قرار بده وَأُضِیفُ طَاعَتِی إِلَى خَالِصِ نِیَّتِی فِی تَحِیَّتِی، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ. و طاعت مرا به نیت خالصم در تحیت و سلام گوئی ام بیفزای ای مهربانترین مهربانان.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ خِيَارِ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا اَنْتَ جَبْتَهُمْ عَلَىٰ خِدَاوْنَدَا؛ بر بهترین آفریدگان محمد و آل او درود فرست، همانطور که آنان را بر العالمین، وَاخْتَرْتَهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ مِنَ الْاَوَّلَيْنِ. اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَیْجَهَانِیَانِ بر گزیدی، و از روی علم و آگاهی از پیشینیان اختیار نمودی. خداوند؛ درود فرست بر حُجَّتِکَ، وَصِیِّ فُوتِکَ مِنْ بَرِیَّتِکَ، اَلتَّالِیَ لِنَبِیِّکَ، اَلْمُقِیْمَ لِاَمْرِکَ حُجَّتَ، و برگزیده ات از میان آفریدگان، آنکه مقامی پس از مرتبه پیامبرت دارد، بیادارنده امر و فرمان تو است عَلِیُّ بْنُ اَبِی طَالِبٍ، وَصَلِّ عَلَىٰ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءٍ یعنی حضرت (علی بن ابی طالب، و درود فرست بر) حضرت (فاطمه زهرا که سرور زنان العالمین، وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ شَفَعَیْ عَرْشِکَ، وَدَلِیْلَیْ جَهَانِیَانِ است، و درود فرست بر امام حسن و امام حسین که دو گوشواره عرش تو، و دو دلیلند خَلْقِکَ عَلَیْکَ، وَدُعَاتِیْهِمْ اِلَیْکَ. اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى عَلِیٍّ وَ مُحَمَّدٍ که خلق را بر تو راهبری کنند، و به سوی تو فراخوانند. خداوند؛ و درود فرست بر علی بن الحسین و محمد بن علی وَجَعْفَرٍ وَ مُوسٰی وَ عَلِیٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحَلْفِ وَ جَعْفَرِ بن موسی و محمد بن علی و جعفر و موسی و علی بن محمد و حسن بن علی و جانشین الصّٰلِحِ الْبَاقِی، مَصَابِیْحِ الظَّلَامِ، وَحُجَجِکَ عَلَى جَمِیْعِ الْاَنَامِ، صالح و نیکوکاری که از آنان باقیمانده است، چراغ های روشن در تاریکی ها، و حُجَّتِ هَی تو بر همه مردم، خَزَنَةِ الْعِلْمِ اَنْ یُعِدَمَ، وَحُمَاهِ الدِّیْنِ اَنْ یَشِیْقَمَ، صَلَاةٌ یَّکُوْنُ خَزَانَهُ داران علم که مانع نابودی آن شوند و حامیان و مدافعان دین که مانع بیماری آن گردند، درودی که الْجَزَاءُ عَلَیْهَا اَتَمُّ رِضْوَانِکَ، وَنَوَامِی بَرَکَاتِکَ، وَكَرَامَتِکَ اِحْسَانِکَ. پاداش آن کاملترین رضایت تو، و فزاینده ترین برکات تو، و ارزنده ترین احسان تو باشد. اَللّٰهُمَّ الْعَنْ اَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْاِنْسِ اَجْمَعِیْنِ، وَضَاعِفْ خِدَاوْنَدَا؛ همه دشمنان آنان را از جنّ و انس لعنت کن، وَعَلِیْهِمُ الْعِذَابُ الْاَلِیْمُ، وَالسَّلَامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ. عذاب دردناک را بر ایشان دوچندان نما، و سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد.

سپس دعا کن به دعای عهدی که دستور داده شده در دوران غیبت خوانده شود (و آن دعا، این است):

اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّوْرِ الْعَظِيْمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيْعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ خَدَايَا؛ اِی پروردگار روشنی بزرگ؛ اِی پروردگار جایگاه بلندمرتبه؛ اِی پروردگار دریای اَمْسِ جُورٍ، وَمُنْزَلَ التَّوْرِيهِ وَالْاِنْجِيْلِ وَالزَّبُورِ، وَرَبَّ الظِّلِّ مُتَلَاطِمٍ؛ و اِی فرو فرستنده تورات و انجیل و زبور؛ و اِی پروردگار سایه وَالْحَرُورِ، وَمُنْزَلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيْمِ، وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِيْنَ، و گرمی آفتاب؛ و اِی فرو فرستنده قرآن بزرگ؛ و اِی پروردگار فرشتگان مقرب؛ وَالْاَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِيْنَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيْمِ، وَبِنُورِ اِی پروردگار پیامبران و رسولان؛ بار خدایا؛ من از تو درخواست می کنم به ذات کریمت، و به روشنی وَجْهِكَ الْمُنِيْرِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيْمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ ذَاتِ رُشْنِيْ بَخْشْتِ، و فرمانروایی بی آغازت؛ اِی زنده؛ اِی پایدار؛ درخواست می کنم به واسطه نامت، الَّذِيْ اَشْرَقَتْ بِه السَّمَاوَاتُ وَالْاَرْضُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِيْ يَصْلُحُ هَمَانُ نَامِيْ كِه اَسْمَانِهَا وَزَمِيْنِهَا بِه سَبَبِ اَنْ رُشْنَ كَرْدِيْدِ؛ هَمَانُ نَامِيْ كِه بِه الْاَوَّلُونَ وَالْاٰخِرُونَ، يَا حَيُّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ پِيْشِيْنِيَانِ وَ اَيْنْدِگان با اَنْ اَصْلَاحِ مِي شُوْنْد. اِی زنده پِيْشِ از هر زنده؛ و اِی زنده پَسِ از هر حَيٍّ، وَيَا حَيًّا حِيْنَ لَا حَيٍّ، يَا مُحْيِي الْمَوْتِي وَمُمِيتِ الْاَحْيَاءِ، زنده؛ و اِی زنده اِی كِه زنده بودی در حَالِي كِه هِيْچ زنده نَبُوْد؛ اِی زنده كُنْنْدِه مَرْدِگان؛ اِی مِيْرَانْنْدِه زَنْدِگان؛ يَا حَيُّ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ. اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْاِمَامَ الْهَادِي الْمُهْدِيْ اِی زنده اِی كِه جَزِ تُو مَعْبُودِيْ نِيْسْت؛ بار خدایا؛ به مَوْلَايِ مَا، يَعْنِيْ پِيْشَوَايِ هِدَايْتِ كِرْ هِدَايْتِ شْدِه اِی الْقَائِمِ بِاَمْرِكَ، صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَعَلٰى اَبَائِهِ الطَّاهِرِيْنَ، عَنْ كِه قِيَامِ كُنْنْدِه اِسْتِ بِه اَمْرِ تُو - كِه دُرُودِ خُدا بَرِ او و بَرِ تَمَامِ نِيَاكَانِ پَاكِزِه اَشْ بَاد -

سلام برسان؛ سلام و درودی از

جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، طَرَفِ هَمَّةٍ مُرْدَانٍ وَزَنَانٍ بِإِيمَانٍ كَهْ فِي شَرْقٍ وَغَرْبِ زَمِينٍ، سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَعَنْيَ وَالْتِدَى، مِنْ بِيَابَانٍ وَكُوهَسَارٍ، دَرِيَا وَيَا خَشَكِي زَمِينِ هَسْتَنْد. سَلَامِي اَز طَرَفِ مَنْ وَ پِدَر وَ مَادَرَم. الصَّلَاةِ زِنَةِ عَرْشِ اللَّهِ، وَمَتَدَادِ كَلِمَاتِهِ، وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمِيهِ، سَلَامِهَا وَ دُرُودِهَايِي كِه هَم سَنَكِ عَرْشِ اَلْهِی وَ بِه قَدَرِ كَسْتَرْدَكِي كَلِمَاتِ اَوْ بَاشَد. اَن قَدَر كِه عِلْمِ خُدا اَن رَا شَمَارِه كَنْد، وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اُجَدُّ لَهْ فِي صَبِيْحِهِ يَوْمِيْ هَذَا، وَ كِتَابِ اَلْهِی بِه اَن اَحَاطَه دَارِد. بَار خُدايَا؛ مَنْ دَر اَيْنِ صَبْحَدَم وَ دَر اِبْتِدَايِ اَيْنِ رُوزِ نَو، وَمَا عِشْتُ مِنْ اَيَّامِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَيَتَعَهُ لَهْ فِي عُنُقِي، لَا وَ تَمَامِيْ اَيَّامِ زَنْدِگَانِيْم، عَهْدِ (زَبَانِي) وَ پِيْمَانِ (قَلْبِي) وَ بِيْعَتِ (عَمَلِي) رَا بَا اَن عَزِيْزِ تَجْدِيْدِ مِي كَنْم كِه اُحُوْلُ عَنْهَا، وَلَا اَزُوْلُ اَبَدًا. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ مِنْ اَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، هِيْجِ گَاه وَ بِه هِيْجِ وَجِه اَز اَن بَرْنَخَوَاهِمِ گِشْت وَ هَر گَزِ اَن رَا اَز بِيْنِ نَمِي بَرَم. خُداوَنْدَا؛ مَرَا اَز يَارَانِ وَ كَمَكِ رَسَانَانِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ، وَالْمُسَارِعِينَ اِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُمْتَلِينَ وَ حَمَايَتِ كَنْدِگَانِ وَ مَدَافِعَانِ اَن بَزَرْگُوَارِ قَرَارِ دِه؛ جَزُوْ گِرُوْهي كِه بِه سُرْعَتِ بَرَايِ اَنْجَامِ خَوَاسْتِه هَايِ اَوْ بِه سُوِيْشِ مِي شَتَابَنْد؛ جَزُوْ اَوَامِرِه، وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ، وَالسَّابِقِينَ اِلَى اِرَادَتِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ دَسْتِه اِي كِه دَسْتُوْرَاتِ اَوْ رَا بَدُوْنِ كَم وَ زِيَادِ اَنْجَامِ مِي دِهَنْد؛ جَزُوْ حَمَايَتِ كَنْدِگَانِ اَز اَوْ وَ پِيْشِي گِيْرَنْدِگَانِ بَرَايِ اَنْجَامِ اُمُوْر دَلْخَوَاهِ اَوْ بِيْنِ يَدِيْهِ. اَللّٰهُمَّ اِنْ حَالِ بَيْنِيْ وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ وَ شَهِيْدِشُوْنْدِگَانِ دَر پِيْشِ رُوِيْ اَوْ قَرَارِ دِه. بَار خُدايَا؛ اَز تُو مِي خَوَاهِمِ كِه اِگَر مَرُگْ - كِه اَن رَا يِكْ اَمْرِ حَتْمِيْ وَ قَطْعِيْ عَلَيِ عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِيْ مِنْ قَبْرِی، مُؤْتَرِّرًا كَفْنِي، بَرَايِ بَنْدِگَانْتِ قَرَارِ دَادِه اِي - بِيْنِ مَنْ وَ اَن عَزِيْزِ حَايِلِ شَد، مَرَا اَز قَبْرِمْ دَر حَالِيْ خَارِجِ كَنْ كِه كَفْنِمِ رَا بِه كَمَرِ بَسْتِه اَمْ؛ شَاهِرًا سَيِّفِي، مُجَرِّدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي، فِي الْحَاضِرِ شَمَشِيْرِمِ رَا كَشِيْدِه وَ بَالَا- بَرْدِه اَمْ، نِيْزِه اَمْ رَا آمَادِه كَرْدِه اَمْ وَ فِرَاخَوَانِيْ شَخْصِيْ رَا كِه دَعُوْتِ كَنْنَنْدِه بِه سُوِيْ اَوْسْتِ لَبِيْكَ كُفْتِه وَ پَاسَخِ مُثَبْتِ مِي دِهَمْ؛ فِرَاخَوَانِيْ وَالْبَادِي. اَللّٰهُمَّ اَرِنِي الطَّلَعَ الرَّشِيْدَةَ، وَالْعُرَّةَ الْحَمِيْدَةَ، هَمَانِ كَسِي كِه دَر شَهْرَاهَا وَ صَحْرَاهَا نَدَا مِي دِهْد. بَار خُدايَا؛ اَن رَخْسَارِ زِيَايِ جَذَابِ، وَ رُوِيْ نُوْرَانِيْ دُوْسْتِ دَاشْتِنِيْ رَا بِه مَنْ نِشَانِ بَدِه؛

وَٱكْحُلْ نَظِيرِي بِنَظَرِهِ مِنِّي إِلَيْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، و سرمه دیده ام را نگاهی بر آن عزیز قرار ده، و در فرج و گشایش امور شتاب کن، و شرایط قیام او را آسان گردان، وَأَوْسِعْ مِنْهَجَهُ، وَاسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ، وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ، وَاشْدُدْ أَرْزَهُ. و راهش را برای دستیابی به مقاصدش گسترش ده، و مرا در راه روشن او راه ببر، و فرمان او را مطاع و قابل اجرا گردان، و پشتش را محکم کن. وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ، وَأَخِي بِهِ عِبَادَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ خدایا؛ با حضور او سرزمین ها و شهرهای را آباد گردان، و بندگان را زنده گردان؛ زیرا، تو فرموده ای - به خوبی نیز می دانم که گفته های تو الْحَقُّ «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (۱)، حَقَّ است - : که - «پیش از آنکه آن بزرگوار ظهور فرماید - فساد در خشکی و دریا آشکار شده که به دست مردمان به بار آمده است»؛ فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ، وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، أَلْمَسِي بِاسْمِ (پس ای) خدا، ولی و نماینده خود را که پسر دختر پیامبرت می باشد و هم نام فرستاده تو - مُحَمَّدٌ صلی الله علیه وآله وسلم - است؛ برای ما آشکار رسولت، حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَزَقَهُ، وَيُحَقِّقْ كُنْ، تا هر باطل و نادرستی را نابود کند و بر آن پیروز گردد، و حَقَّ الْحَقِّ وَيُحَقِّقَهُ. وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْزَعًا لِمَظْلُومٍ عِبَادِكَ، وَنَاصِرًا رَأً پائیدار و محقق فرماید. و بار خدایا؛ قرار ده او را پناه بندگان ستمدیده ات، و یار و یاور لمن لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ، وَمُخَرِّدًا لِمَا عُطِّلَ مِنْ أَحْكَامِ كَسَانِي که جز تو یآوری برای خود نمی یابند، و تجدیدکننده آن دستورات کتابت، وَمُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ، وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى كِتَابَتِ (قرآن) که تعطیل شده است؛ و محکم کننده نشانه های آشکار دینت، و روش های نیکوی پیامبرت که درودالله عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنَتْهُ مِنْ يَأْسِ الْمُعْتَدِينَ. خدا بر او و آل او باد. خدای من؛ او را جزو کسانی قرار ده که از بدی و عذاب تجاوزکاران در امان می داری. اللَّهُمَّ وَسِيرَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صِلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيِيَّتِهِ، وَمَنْ خدایا؛ پیامبرت (حضرت) مُحَمَّد - که درود بر او و آل او باد - را با دیدن این فرزند شایسته اش و کسانی که تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ، وَارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ. اللَّهُمَّ اكْشِفْ از دعوت او پیروی نموده اند، شاد و خوشحال فرما؛ و به بیچارگی ما (که با غیبت او به وجود آمده است) رحم کن. خدایا؛

ص: ۶۶۳

هَذِهِ الْغَمَّةُ عَنْ هَذِهِ الْأَمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَعَجَّلْ لَنَا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ اين اندوه و افسردگی را با حضور آن عزیز پنهان شده، از این اُمت برطرف کن؛ و در ظهور و آشکارشدن او شتاب کن؛ چرا که آنها (دشمنان تو) يَرَوْنَهُ بَعِيداً، وَنَرِيهِ قَرِيباً، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. زمان ظهور او را دیروقت می پندارند، ولی ما آن را نزدیک می دانیم؛ البتّه، به امید رحمت و مهربانی تو؛ ای مهربان ترین مهربانان؛

آن گاه سه مرتبه دست بر ران راست خود می زنی و در هر مرتبه می گویی:

اَلْعَجَلْ، اَلْعَجَلْ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ.

بشتاب؛ بشتاب؛ ای مولای من؛ ای صاحب اختیار زمان.

سپس بگو:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً خُداوند؛ جان و روان مرا به مقدّرات خود مطمئن، و به قضا و حکم خویش خشنود گردان، دلباخته و بی قرار بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ، مُجِبَّةً لِصَفْوَةِ اَوْلِيَائِكَ، مَحْبُوبَةً فِي اَرْضِكَ ذَكَرَ وَدَعَايْتَ، دوست دارنده اولیاء برگزیده ات، محبوب در زمینت و سَمَائِكَ، صَابِرَةً عَلٰی نُزُولِ بَلَائِكَ، مُشْتَاقَةً اِلٰی فَرْحِهِ لِقَائِكَ، و آسمانت، شکیبا بر فروفرستادن بلایت، مشتاق دیدار مسرت بخش، مُتَرَوِّدَةً التَّقْوٰی لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتَسِيْنَةً بِسَيِّدِنِ اَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةً اندوخته کننده توشه تقوا برای روز جزا و پاداشت، پوینده راه و روش اولیائت، فاصله گیرنده لِاَخْلَاقِ اَعْيَادِكَ، مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَثَنَائِكَ. (۱) از خُلق و خوی دشمنانت، و مشغول گشته از دنیا به حمد و ثنای خودت قرار بده.

ص: ۶۶۴

این زیارت را سید بن طاووس و ابن مشهدی - مؤلف «المزار الکبیر» - نقل کرده و گفته اند: از ائمه طاهرين عليهم السلام روایت شده است: هرگاه خواستی برای زیارت سفر کنی، هنگام اراده و نیت آن بگو:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَزْمِيْ بِالتَّحْقِيْقِ، وَنَيْتِيْ بِالتَّوْفِيْقِ، وَرَجَائِيْ خِدَاوَنَدَا؛ اراده ام را تحقّق بخش، و نیتم را قرین توفیق قرار بده، و امیدم را بالتّصدیق، وَتَوَلَّ اَمْرِيْ، وَلَا تَكِلْنِيْ اِلَى نَفْسِيْ، فَاحْلِلْ عُقْدَهَا ثَبَاتِ كُنْ وَرَاسْتَ گردان، و کار مرا سرپرستی نما، و مرا به خودم وامگذار که در الحیره، وَاتَّخَلَّفْ عَنْ حُضُوْرِ الْمَشَاهِدِ الْمُقَدَّسَةِ.

بند حیرت افتم، و از حضور در زیارتگاه ها و حرم های پاک جا بمانم و بازایستم.

و پیش از خارج شدن، دو رکعت نماز بخوان و بعد از آن بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَوْدِعُكَ دِیْنِيْ وَنَفْسِيْ وَجَمِیْعَ خِزَانَتِيْ. اَللّٰهُمَّ اَنْتَ خِدَاوَنَدَا؛ دینم و خودم و همه اهل و عیالم را به تو می سپارم. خداوندا؛ توالصاحب فی السّفر، وَالْخَلِیْفَهُ فِی الْاَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ. اَللّٰهُمَّ همراه هستی در سفر، و جانشینی در میان اهل و مال و فرزندان. خداوندا؛ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ سُوْءِ الصُّحْبَةِ، وَاخْفَاقِ الْاَوْبَةِ. اَللّٰهُمَّ سَهِّلْ لِّیْ بِرَمِّیْ اَزْ بَدَیْ هِمْرَهِیْ وَبَازْ گِشْتَنِ بَدَوْنِ مَرَادِ. خداوندا؛ هموار کن برای من اَزْ حُزْنٍ مَا نَتَعَوَّلُ، وَیَسِّرْ عَلَیْنَا مُسْتَغْزَرَ مَا نَرْوُحُ وَنَعْدُوْهُ، ما اندوه آنچه تخیل می کنیم که به نظر ما نزدیک می آید ولی دور است، و آسان کن بر ما آنچه فراوان برای او رفت و آمد می کنیم در شب و روز إِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ.

که تو بر هر چیز توانا هستی.

و هنگامی که به راه افتادی باید فکر و اندیشه ات پیرامون آنچه برایش به راه افتاده ای مشغول باشد، و با همراهانت نیکو رفتار کنی و زیاد حمد و ثنای خداوند تبارک و تعالی نمایی و صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرستی، و چون خواستی برای زیارت غسل کنی در حال غسل کردن بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ. اَللّهُمَّ بِنَامِ خُدا وَبِهِ كَمُكَّ خُدا وَدِرْ رَهِ خُدا وَبِرِ اَئِینِ رَسولِ خُدا. خُداوند! اَغْسِلْ عَنّی ذَرَنَ الذُّنُوبِ، وَوَسِخَ الْعُیُوبِ، وَطَهِّرْنی بِماءِ چَرکِ گناهان و آلودگی عیب ها را از من بشوی، و با آب التَّوْبَةِ، وَالْبَسِنی رِداءَ الْعِصْمَةِ، وَأَيِّدْنی بِلُطْفِ مَنِّکَ یُوقِّفْنی توبه پاک گردان، و جامه عصمت و مصونیت از گناه را بر من بپوشان، و به لطف احسانت یاری کن تا لِصالِحِ الْأَعْمالِ، إِنَّکَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ.

به اعمال شایسته موفقم گردانی که تو صاحب فضل و بخشش بزرگ هستی.

و چون نزدیک درب زیارتگاه رسیدی، بگو: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی وَفَّقَنی لِقَضَیِّ سِپاسِ خُداى را که مرا توفیق داد آهنگِ وَلِیِّهِ، وَزِیارَةِ حُجَّتِهِ، وَأَوْرَدَنی حَرَمَهُ، وَلَمْ یَبْخُسْنی حَظِّی وَلِیِّ او کرده، و به زیارت حُجَّتِش بیایم، و اکنون مرا به حرم او وارد نمود، و بی بهره مِنْ زِیارَةِ قَبْرِهِ، وَالنُّزُولِ بِعَقْوِهِ مُغِیْبِهِ وَساحِهِ تُرْبَتِهِ، اَلْحَمْدُ لِذِی زِیارَتِ قَبْرِش، و فرود آمدن به صحن و سرایش و ساحت تربت مقدّسش قرار نداد. سِپاسِ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَسِئْ لَیَّ بِحُزْمَانٍ ما أَمَلْتُهِ، وَلَا صیرَفَ عَنّی ما خُداى را که مرا نسبت به آنچه آرزو داشتم دچار محرومیت نکرد، و آنچه را امید داشتم از من بازگردانید، رَجَوْتُهِ، وَلَا قَطَعَ رَجائِی فیما تَوَقَّعْتُهِ، بَلْ أَلْبَسَنی عافِیَتَهُ، و در آنچه تَوَقَّع داشتم ناامیدم نمود، بلکه بر من لباس عافیتش را پوشانید، وَأَفادَنی نِعَمَتَهُ، وَاتانِی کَرامَتَهُ.

و از نعمتش برخوردار کرد، و از کرامت و بزرگواریش مرا بهره مند ساخت.

و هنگامی که داخل زیارتگاه شدی، کنار آن ضریح پاک بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّمُّهُ الْمُؤْمِنِينَ، وَسَادَةِ الْمُتَّقِينَ، وَكُتُبِ آءِ الصِّدِّيقِينَ، سَلَامٌ بِرِ شِمَا اِمَامَانِ مَرْدَمِ بَا اِيْمَانِ، وَ سِرُورَانِ اِهْلِ تَقْوَا، وَ بزرگانِ افرادِ راست گفتار و درست کردار، وَأَمْرَاءِ الصَّالِحِينَ، وَقَادَةِ الْمُحْسِنِينَ، وَأَعْلَامِ الْمُتَهِدِينَ، وَأَنْوَارِوِ فَرْمَانِروَايَانِ شَايِسْتِگانِ، وَ پيشوَايَانِ نيكوکارانِ، وَ نشانه های هدايت برای هدايت يافتگانِ، وَ روشنی بخشِ العارفينَ، وَ وَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ، وَصَفْوَةِ الْأَوْصِيَاءِ، وَ شُمُوسِ الْأَنْبِيَاءِ، عارفانِ، وَ وارثانِ پیامبرانِ وَ برگزیدگانِ اوصیاءِ، وَ خورشیدهای تابناکِ پرهیزکارانِ، وَ بُدُورِ الْخُلَفَاءِ، وَ عِبَادِ الرَّحْمَنِ، وَ شُرَكَاءِ الْقُرْآنِ، وَ مَنْهَجِ وَ ماه های درخشانِ جانشینانِ، وَ بندگانِ خداوندِ رحمانِ، وَ شریکانِ قرآنِ، وَ راه روشنِ الْإِيْمَانِ، وَ مَعَادِنِ الْحَقَائِقِ، وَ شُفَعَاءِ الْخَلَائِقِ، وَ رَحْمَةِ اللَّهِ اِيْمَانِ، وَ معدن های حقایقِ، وَ شفیعانِ خَلَائِقِ، وَ رحمتِ خداوَبَرَكَاتِهِ. أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَبْوَابُ اللَّهِ، وَ مَفَاتِيحُ رَحْمَتِهِ، وَ مَقَالِيدُوِ بَرَکاتِ اوِ بِرِ شِمَا. گواهی می دهم که شما درهای گشوده پروردگارِ، وَ کلیدهای رحمتِ اوِ، وَ وسیله های مَغْفِرَتِهِ، وَ سَحَائِبُ رِضْوَانِهِ، وَ مَصَابِيحُ جَنَانِهِ، وَ حَمَلَةُ فُؤَادِهِ، آمَرزشِ اوِ، وَ ابرهای خشنودیِ اوِ، وَ چراغ های بهشتِ اوِ، وَ حاملانِ قرآنِ اوِ، وَ خَزَنَةُ عِلْمِهِ، وَ حَفَظَةُ سِرِّهِ، وَ مَهَيِّطُ وَحْيِهِ، وَ أَمَانَاتُ التَّبَيُّوهِ، وَ خزانه دارانِ علمِ اوِ، وَ حافظانِ اسرارِ اوِ، وَ محلِ فرود آمدنِ وحیِ اوِ، وَ امانت های نبوتِ، وَ وَدَائِعُ الرِّسَالَةِ. أَنْتُمْ أَمْنَاءُ اللَّهِ، وَ أَحِبَّاءُوُهُ وَ عِبَادُهُ وَ أَصْفِيَاءُوُهُ، وَ ودیعه های رسالتِ هستید. شما امینِ و موردِ اعتمادِ پروردگارِ، وَ دوستانِ اوِ وَ بندگانِ اوِ وَ برگزیدگانِ اوِ، وَ أَنْصَارُ تَوْحِيدِهِ، وَ أَرْكَانُ تَمْجِيدِهِ، وَ دُعَاتُهُ إِلَى كُتُبِهِ، وَ حَرَسِيَّهُوِ یاورانِ توحیدِ اوِ، وَ پایه های تمجیدِ و بزرگداشتِ اوِ، وَ فراخوانانِ به سوی کتابِ هایشِ، وَ نگهبانانِ خَلَائِقِهِ، وَ حَفَظَةُ وَدَائِعِهِ. لَا يَسْبِقُكُمْ ثَنَاءُ الْمَلَائِكَةِ فِي الْإِخْلَاصِ خَلَائِقِشِ، وَ حافظانِ امانتِ هایشِ هستید. مدح و ثنای فرشتگانِ شما را در اخلاصِ و خشوعِ پیشی نمی گیرد،

وَالْخُشُوعَ، وَلَا يُضَادُّكُمْ ذُو ابْتِهَالٍ وَخُضُوعٍ؛ أَنِّي وَلَكُمْ الْقُلُوبُ و دعاکنده باخلاص و ناله و خضوع با شما مخالفت و ضدیت ندارد؛ کجا می تواند چنین باشد در حالی که برای شما دل هائی است الَّتِي تَوَلَّى اللَّهُ رِيَاضَتَهَا بِالْخَوْفِ وَالرَّجَاءِ، وَجَعَلَهَا أَوْعِيَةً لِلشُّكْرِ که خداوند عهده دار ریاضت و پرورش آن با خوف و امید گردیده است و آن را ظرف های شُكْرٍ وَالشَّاءِ، وَآمَنَهَا مِنْ عَوَارِضِ الْغَفْلَةِ، وَصَيَّفَهَا مِنْ شَوَاعِلِ الْفَسْرِ هُوَ ثَنَاءٌ قرار داده، و از عوارض غفلت و بی خبری ایمن داشته، و از عوامل سستی زدوده است، بَلْ يَتَقَرَّبُ أَهْلُ السَّمَاءِ بِحُبِّكُمْ، وَبِالْبُرْآءِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَتَوَاتُرِ بَلَكِهِ أَهْلُ آسْمَانٍ به دوستی شما، و اظهار بیزاری از دشمنان شما، و پیوسته البُكَاءِ عَلَى مُصَابِكُمْ، وَالِاسْتِغْفَارِ لِشِيْعَتِكُمْ وَمُحِبِّكُمْ. فَأَنَا كَرِيسْتَنُ بِرِ مَصَائِبِ شما، و طلب آمرزش برای شیعیان و دوستان شما تقَرَّبَ می جویند. پس مِنْ أَشْهَدُ اللَّهَ خَالِقِي، وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيََاءَهُ، وَأَشْهَدُكُمْ يَا مَوَالِيَّ، خداوند آفریننده ام را گواه می گیرم، و فرشتگان و پیامبران او و شما سرورانم را گواه می گیرم أَنِّي مُؤْمِنٌ بِوِلَايَتِكُمْ، مُعْتَقِدٌ لِإِمَامَتِكُمْ، مُقَرِّرٌ بِخِلَافَتِكُمْ، عَارِفٌ که من به ولایت شما ایمان دارم، و به امامت شما معتقدم، به خلافت و جانشینی بحق شما اقرار می نمایم، بِمَنْزِلَتِكُمْ، مُوقِنٌ بِعِصْمَتِكُمْ، خَاضِعٌ لِوِلَايَتِكُمْ، مُتَقَرِّبٌ إِلَى اللَّهِ به قدر و منزلت شما آشنایم، به عصمت و پاکی شما یقین و باور دارم، در برابر ولایت شما خاضع و فروتنم، به خداوند بِحُبِّكُمْ وَبِالْبُرْآءِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، عَالِمٌ بِأَنَّ اللَّهَ قَدْ طَهَّرَكُمْ مِنْ بَا مَحَبَّتِ شما و بیزاری از دشمنانتان تقَرَّبَ می جویم، آگاهم به اینکه خداوند به راستی شما را اَزِ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ، وَمِنْ كُلِّ رَيْبٍ وَنَجَاسَةٍ، زشتی ها و گناهان آشکار و پنهان، و از هر گونه شک و ناپاکی، وَدَنِيَّةٍ وَرَجَاسَةٍ، وَمَنْحَكُمْ رَايَةَ الْحَقِّ الَّتِي مَنْ تَقَدَّمَهَا ضَلَّ، و از هر پستی و آلودگی پاک گردانیده است، و پرچم حق را به شما بخشیده که هر کس بر آن پیشی جوید گمراه، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا زَلَّ، وَفَرَضَ طَاعَتَكُمْ عَلَى كُلِّ أَسْوَدٍ وَأَبْيَضٍ. و هر کس از آن عقب ماند دچار لغزش گردد، و اطاعت شما را بر هر سیاه و سفید واجب فرموده است.

وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ وَفَيْتُمْ بِعَهْدِ اللَّهِ وَذِمَّتِهِ، وَبِكُلِّ مَا اشْتَرَطَ عَلَيْكُمْ وَ گواهی می دهم که شما به عهد و پیمان الهی، و به تمام آنچه فی کتابه، وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ، وَأَنْفَعْتُمْ طَاقَتُكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ، در کتابش بر شما شرط کرده وفا نمودید، و مردم را به راه او فراخواندید، و توان و طاقت خود را در رضا و خشنودی او به کار بردید، وَحَمَلْتُمْ الْخَلَائِقَ عَلَى مِنْهَاجِ النُّبُوَّةِ وَمَسَالِكِ الرِّسَالَةِ، وَسَرُّتُمْ وَ آفریدگان را به پیمودن راه روشن نبوت و شیوه های رسالت واداشتید، وَفِيهِ بَسِيرَةُ الْأَنْبِيَاءِ، وَمَذَاهِبُ الْأَوْصِيَاءِ، فَلَمْ يُطْعَ لَكُمْ أَمْرٌ، به سیره پیامبران و روش اوصیاء سیر کردید، (ولی) امر شما اطاعت نشد، وَلَمْ تُضَيِّغْ إِلَيْكُمْ أُذُنٌ، فَصَلَّوْا لِلَّهِ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ. و فرمان شما را گوش نشنید، پس درود خدا بر ارواح پاک و اجساد مقدس شما باد. سپس خود را بر روی قبر می افکنی و می گویی: بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا حُجَّهَ پدر و مادرم به فدایت ای حجت الله، لَقَدْ أَرْضَعْتَ بِشَدْيِ الْإِيمَانِ، وَفُطِمْتَ بِنُورِ الْإِسْلَامِ، وَغُدِّيتَ خُدا؛ با پستان ایمان شیر داده شدی، و با نور اسلام از شیر گرفته شدی، وَبِرُودِ الْيَقِينِ، وَالْبِسْتِ حُلَّ الْعِصْمَةِ، وَاصْطَفَيْتَ وَوَرِّثْتَ عِلْمَ با آرامش یقین غذا داده شدی، و جامه های عصمت بر تو پوشیده شد، و برگزیده شدی و علم کتاب به تو ارث داده الکتاب، وَلَقَنْتَ فَضْلَ الْخِطَابِ، وَأَوْضَحَ بِمَكَانِكَ مَعَارِفَ شَد، و فصل الخطاب یعنی حکم قاطع و رد ناشدنی که به داوری پایان دهد به شما تلقین گردید، و جایگاه علمی شما معارف ظاهرالتنزیل، وَغَوَامِضَ التَّأْوِيلِ، وَسَلَّمْتَ إِلَيْكَ رَأْيَهُ الْحَقُّ، وَكُلِّفْتَ قِرَاءَانَ و مشکلات پیچیده باطنی آن، واضح و آشکار شد، و پرچم حق به تو واگذار گردید، وَهَدَايَةَ الْخَلْقِ، وَنَبَذَ إِلَيْكَ عَهْدُ الْإِمَامَةِ، وَالزَّمَمْتَ حِفْظَ الشَّرِيعَةِ. به هدایت خلق گماشته شدی، و عهد امامت به سوی تو افکنده شد، و نگهبانی دین و آئین بر تو لازم و واجب گردید. وَأَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِشَرَائِطِ الْوَصِيَّةِ، وَقَضَيْتَ مَا لَزِمَكَ وَ گواهی می دهم - ای مولای من؛ - که شما به همه شرایط وصیت و جانشینی وفا کردی، و آن مقدار

مِنْ حَيْدِ الطَّاعَةِ، وَنَهَضَتْ بِأَعْبَاءِ الْإِمَامَةِ، وَاخْتَدَيْتِ مِثَالَ النُّبُوَّةِ، از اطاعت که بر تو لازم بود انجام دادی، و بارهای سنگین امامت را به دوش کشیدی، و در برابرت قرار دادی الگوی نبوت رافی الصَّبْرِ وَالْإِجْتِهَادِ وَالنَّصِيحَةِ لِلْعِبَادِ، وَكَظَمِ الْغَيْظِ، وَالْعَفْوِ عَنِ در صبر و شکیبائی و کوشش و تلاش و خیرخواهی برای بندگان، و فرونشاندن خشم و غضب، و عفو و بخشش از النَّاسِ، وَعَزَمَتْ عَلَى الْعِدْلِ فِي الْبَرِيَّةِ، وَالنَّصِيحَةِ فِي الْقَضِيَّةِ، مردم. و بر اجرای عدالت در میان مردم، و انصاف و دادگری در قضاوت و داوری تصمیم جدی گرفتی، وَوَكَّدْتَ الْحُجَجَ عَلَى الْإِمَامَةِ بِالذَّلَائِلِ الصَّادِقَةِ وَالشَّوَاهِدِ النَّاطِقَةِ، وَحُجَّتِهَا را بر اَمّت با نشانه های صادق، و شاهدهای گویا تحکیم نمودی، وَدَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ بِالْحُكْمِ الْبَالِغِ، وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ. فَمُنِعَتْ وَأَنَّهُا را به سوی خدا خواندی با حکمت رسا، و موعظه نیکو. پس بازداشته شدی مِنْ تَقْوِيمِ الزَّيْغِ، وَسَيِّدِ الثَّلَمِ، وَإِصْلَاحِ الْفَاسِدِ، وَكَسْرِ الْمُعَانِدِ، از راست و درست کردن انحراف، و بستن شکاف، و اصلاح تباهی، و درهم شکستن مخالف حق، وَإِحْيَاءِ السُّنَنِ، وَإِمَاتَةِ الْبِدْعِ، حَتَّى فَارَقْتَ الدُّنْيَا وَأَنْتَ شَهِيدٌ، وَزَنَدَه کردن سَنَتِهَا، و میراندن بدعت ها، تا آن که دنیا را وداع گفتی در حالی که به شهادت رسیدی، وَلَقِيتَ رَسُولَ اللَّهِ وَأَنْتَ حَمِيدٌ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ تَرَادُفٌ وَتَزِيدٌ. و رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم را دیدار کردی در حالی که ستوده ای، درود خدا پیوسته و فزاینده بر تو باد. سپس به پائین پای مبارک برو و بگو: یا سَادَتِی یا آلَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنِّي بِكُمْ ای سروران من؛ ای خاندان رسول خدا؛ من به سبب شما أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ جَلَّ وَعَلَا، بِالْخِلَافِ عَلَى الَّذِينَ غَدَرُوا بِكُمْ، به خداوند بزرگ و بلندمرتبه تَقَرَّبُ می جویم، با مخالفت کردن با کسانی که به شما نیرنگ زدند، وَنَكَثُوا بَيْعَتَكُمْ، وَجَحَدُوا وَلَا يَتُكُّكُمْ، وَأَنْكَرُوا مَنَزِلَتَكُمْ، وَخَلَعُوا پیمان شکنی کردند، و ولایت شما را انکار نمودند، و قُرب و منزلت شما را نشناختند، و از رِبْقَةِ طَاعَتِكُمْ، وَهَجَرُوا أَسْبَابَ مَوَدَّتِكُمْ، وَتَقَرَّبُوا إِلَى فِرَاعِيتِهِمْ اطاعت شما سرباز زدند و شانه خالی کردند، و اسباب مودّت و پیوند دوستی با شما را بریدند، و به فرمانروایان متکبر و سرکش

بِالْبَرَاءَةِ مِنْكُمْ، وَالْإِعْرَاضِ عَنْكُمْ، وَمَنْعُوكُمْ مِنْ إِقَامَةِ الْحُدُودِ، خود با بیزارى و روى گرداندن از شما تقرّب جستند، و شما را از بیاداشتن حدود، و استیصال الجُحود، و شَعْبِ الصَّدْعِ، وَلَمْ الشَّعْثِ، و ریشه کردن کفر و انکار، و از بین بردن شکاف و جدایی، و سامان دادن به نابسامانی و پراکندگی، و برطرف کردن رخنه ها و تباهی ها، وَتَثْقِيفِ الْمَأْوَدِ، و اِمضاءِ الأحكام، وَتَهْذِيبِ الْإِسْلَامِ، و قَمِيعِ الْأَثَامِ، و راست کردن کجی ها، و اجرای احکام، و آراستن اسلام، و نابود ساختن گناهان بازداشتند، وَأَرْهَقُوا عَلَيْكُمْ نَقْعَ الْحُرُوبِ وَالْفِتَنِ، وَأَنْحَرُوا عَلَيْكُمْ سَيْفَ وَغَبَارِ جَنْكٍ وَفِتْنَةٍ را بر علیه شما برانگیختند، و شمشیرهای کینه را به طرف شما کشیدند، الْأَحْقَادِ، وَهَتَكُوا مِنْكُمْ السُّتُورَ، وَابْتَاَعُوا بِخُمْسِكُمُ الْخُمُورَ، و پرده های حرمت شما را دریدند، و با خمس که از آن شما است شراب خریدند، وَصَيَّرُوا صَدَقَاتِ الْمَسَاكِينِ إِلَى الْمُضْحَكِينَ وَالسَّاحِرِينَ. و صدقاتی را که حقّ مساکین و ینوایان است برای دلچک ها و مسخره کننده ها مصرف کردند. وَذَلِكَ بِمَا طَرَقَتْ لَهُمُ الْفَسَادُ الْغَوَا، وَالْحَسِيدَةُ الْبَغَا، أَهْلُ وَابْنِ، بَدَنِ جِهَتِ بُوْدِ كِه رَا بَرای آنان هُموار نمودند فَاسْقَانِ گمراه، و حَسُودَانِ ستم پیشه، اهل النِّكَثِ وَالْعُدْرِ وَالْخِلَافِ وَالْمَكْرِ، وَالْقُلُوبِ الْمُتَنِّهِ مِنْ قَدَرِ پیمان شکنی و نیرنگ و مخالفت و حيله گری، و دل های گندیده و بدبو از آلودگی الشُّرُكِ، وَالْأَجْسَادِ الْمُشْحَنَةِ مِنْ دَرَنِ الْكُفْرِ، الَّذِينَ أَضَبُّوا عَلَى شُرُكٍ، و بدن های پر از چرك و كثافت کفر، آن ها که نفاق خود را پنهان النِّفاقِ، وَأَكْبُوا عَلَى عِلَاقِ الشَّقَاقِ. فَلَمَّا مَضَى الْمُصْطَفِي كَرَدَنَد، و در بند تكبر و خودخواهی گرفتار شدند. پس هنگامی که آن پیامبر برگزیده شده صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اخْتَطَفُوا الْغُرَّةَ، وَأَنْتَهَزُوا الْفُرْصَةَ، - که درود خدا بر او و آل او باد - جهان را وداع گفت، به سرعت غفلت را ربودند، و فرصت را غنیمت شمردند، وَأَنْتَهَكُوا الْحُرْمَةَ، وَغَادَرُوهُ عَلَى فِرَاشِ الْوَفَاءِ، وَأَسْرَعُوا لِنَقْضِ وَحُرْمَتِ رَا شَكَسْتَنَد، و بر بستر مرگ با او بی وفایی نمودند، و شتاب کردند برای شکستن

الْبَيْعَةِ، وَمُخَالَفَةِ الْمُوَثِّقِ الْمُؤَكَّدَةِ، وَخِيَانَةِ الْأَمَانَةِ الْمَعْرُوضَةِ بِهَيْبَتِ، وَمُخَالَفَتِ كَرْدَنِ بَا پیمان های محکم شده، و خیانت ورزیدن به امانتی که عَلَى الْجِبَالِ الرَّاسِيَةِ، وَأَبَتْ أَنْ تَحْمِلَهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ الظَّلُومُ بر کوه های استوار عرضه شد، و از برداشتن آن خودداری کردند ولی انسان بسیار ستمگر الجَهُولُ، ذُو الشَّقَاقِ وَالْعِزَّةِ بِالْإِثَامِ الْمُؤَلِّمَةِ، وَالْمَأْنَفَةِ عَيْنِ نَادَانِ، صاحب تکبر و خودخواهی که غرورش او را به گناهان دردناک واداشته، و از رام شدن و الْإِنْقِيَادِ لِحَمِيدِ الْعَاقِبَةِ. فَحَشَرَ سَفَلَةَ الْأَعْرَابِ، وَبَقَايَا الْأَحْزَابِ، فروتنی کردن برای سرانجام نیکو خودداری کرده، آن را بدوش گرفت. پس گروهی عرب های جاهل و بادیه نشینان، و باقیمانده های احزابِ إِلَى دَارِ النَّبِيِّ وَالرَّسَالَةِ، وَمَهِيضِ الْوَحْيِ وَالْمَلَائِكَةِ، وَمُسْتَقَرِّهِ خَانَةِ نُبُوتِ وَرِسَالَتِ وَمَحَلِّ فِرُود آمدن وحی و فرشتگان، و پایگاه سُلْطَانِ الْوِلَايَةِ، وَمَعْدِنِ الْوَصِيَّةِ وَالْخِلَافَةِ وَالْإِمَامَةِ، حَتَّى نَقَضُوا سُلْطَانَ وَلايَتِ، و جایگاه وصایت و خلافت و امامت گرد آمدند و هجوم آوردند، تَاعَهْدِ الْمُضِيَّ طَفِي، فِي أَخِيهِ عِلْمِ الْهُدَى، وَالْمُبَيِّنِ طَرِيقِ النِّجَاحِ عَهْدِ پيامبر را در مورد برادرش که پرچمدار هدایت و آشکارکننده راه نجات مِنْ طُرُقِ الرَّدَى، وَجَرَحُوا كَيْدَ خَيْرِ الْوَرَى، فِي ظُلْمِ ابْتِنَةِ، از راه های هلاکت بود شکستند، و جگر بهترین خلق خدا را جریحه دار ساختند در ستم کردن به دخترش، وَأَضْطَهَادِ حَبِيبَتِهِ، وَاهْتِضَامِ عَزِيزَتِهِ، بَضْعِهِ لَحْمِهِ وَفَلْعَدِهِ كَيْدِهِ، و آزار حبیبه اش، و پایمال نمودن عزیزش، پاره ای از تن و قطعه ای از جگرش، وَخَذْلُوا بَعْضَهَا، وَصَيَّعُوا قَدْرَهُ، وَاشْتَحَلُّوا مَحَارِمَهُ، وَقَطَعُوا هِمَسَ رَشْرِشِ رَا یاری نکردند و خوار نمودند، و قدر و ارزش او را پائین آوردند، و حرام شده های او را حلال شمردند، وَقَطَعَ رَحِمَهُ، وَأَنْكَرُوا أُخُوَّتَهُ، وَهَجَرُوا مَوَدَّتَهُ، وَنَقَضُوا طَاعَتَهُ، رَحِمِ او کردند، و برادری او را با پيامبر نفی نمودند، و مودت و دوستی با او را ترك کردند، و اطاعتش را کنار گذاشتند، وَجَحَدُوا وَلايَتَهُ، وَأَطْمَعُوا الْعَبِيدَ فِي خِلَافَتِهِ، وَقَادُوهُ إِلَى وَلايَتش را انکار کردند، و بردگان را در خلافت او به طمع انداختند، و مردم را

به

بَيَّعْتَهُمْ، مُضِيْلَتَهُ سَيُؤْفَها، مُقْدَعَهُ أَسَنَّتْها، وَهُوَ سَاخِطُ الْقَلْبِ، هَاتِجُ بَيْعَتِ با آنان كشاندند، در حالی كه شمشیرها را از نیام كشیدند، و دندان های پلید خود را تیز كردند، و او قلبش خشمگین و الغضب، شَدِيدُ الصَّبْرِ، كَاطِمُ الْغَيْظِ، يَدْعُوْنَهُ إِلَى بَيْعَتِهِمْ الَّتِي غَضِبْش برانگیخته شده بود، اما بسیار شكیائی می كرد، خشم خود را فرو می نشاند، او را به بیعت با آنان كه عَمَّ شَوْمُها الْإِسْلَامَ، وَزَرَعَتْ فِي قُلُوبِ أَهْلِها الْأَثَامَ، وَعَقَّتْ شوم و بدیش اسلام را فراگرفته بود فرامی خواندند، و (بیعتی كه) در دل های اهلش گناهان را بذرافشانی نمود، و سَلَمَانُها، وَطَرَدَتْ مِقْدَادَها، وَنَفَتْ جُنْدَبَها، وَفَتَقَتْ بَطْنَ عَمَارِها، سلمانش را رنج و آزار داد، و مقدادش را راند، و ابوذرش را تبعید كرد، و شكَمَ عِمَارِش را پاره نمود، وَحَرَفَتِ الْقُرْآنَ، وَبَدَّلَتِ الْأَحْكَامَ، وَغَيَّرَتِ الْمَقَامَ، وَابَاحَتْ و معنای قرآن را تحریف، و احكام را دگرگون، و مقام و منزلت را تغییر داد، وَالْخُمْسَ لِلطُّلُقَاءِ، وَسَيَلَطَتْ أَوْلَادَ اللُّعْنَاءِ عَلَى الْفُرُوجِ، وَخَلَطَتْ خمس را برای آزادشده ها مباح كرد، و اولاد لعینان را بر ناموس مردم مسلط ساخت، وَالْحَلَالَ بِالْحَرَامِ، وَاسْتَحَفَّتْ بِالْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ، وَهَدَمَتِ الْكُعْبَةَ، حرام را با حلال درآمیخت، و ایمان و اسلام را كوچك شمرد، و كعبه را ویران كرد، وَأَغَارَتْ عَلَى دَارِ الْهَجْرَةِ يَوْمَ الْحَرَّةِ، وَأَبْرَزَتْ بَنَاتِ الْمُهَاجِرِينَ و در روز حرّه شهر هجرت (یعنی مدینه) را به غارت كشید، و دختران مهاجر و الْأَنْصَارِ لِلنِّكَالِ وَالسَّوْءِ، وَأَلْبَسَتْهُنَّ ثَوْبَ الْعَارِ وَالْفَضِيحَةِ، و انصار را برای كیفر و شكنجه و بدرفتاری آشكار كرد، و لباس عار و ننگ و رسوائی بر آنان پوشانید، وَرَخَّصَتْ لِأَهْلِ الشُّبْهَةِ، فِي قَتْلِ أَهْلِ بَيْتِ الصَّفْوَةِ، وَإِبَادِهِو برای اهل شبهه كه حق و باطل بر ایشان نامعلوم است كشتن اهل بیت برگزیده، و تباه ساختن نَسْلِهِ، وَاسْتِصَالَ شَأْفَتِهِ، وَسَبْيِ حَرَمِهِ، وَقَتْلِ أَنْصَارِهِ، وَكَشْرِ نَسْلِ او، و از ریشه بر كندن آنان، و اسیر كردن اهل بیتش، و كشتن یارانش، و شكستن مِئْبَرِهِ، وَقَلْبِ مَفْخَرِهِ، وَإِخْفَاءِ دِينِهِ، وَقَطْعِ ذِكْرِهِ. یا مَوَالِیَ فَلَوْ مِنْبَرِش، و وارونه كردن مفاخرش، و پنهان كردن دینش، و از بین بردن یادش را اجازه و رخصت داد. ای سروران من؛ اگر

ص: ٤٧٤

[illegible]

و سلام ما و رحمت خدا و برکات او بر شما باد.

سپس قبر متوّر را میان خود و قبله قرار بده و بگو: اَللّٰهُمَّ يَا ذَا الْقُدْرَةِ الَّتِي خَدَاوْنَدَا؛ ای دارنده قدرتی که صَدَرَ عَنْهَا الْعَالَمُ مَكُونًا مَبْرُوءًا عَلَيْهَا، مَفْطُورًا تَحْتَ ظِلِّ از آن عالم تکوین ایجاد گردیده و آفریده شد، و در زیر سایه الْعُظْمَى، فَتَطَقَتْ شَوَاهِدُ صُنْعِكَ فِيهِ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الْعَظَمَتُ به وجود آمد، پس شواهد کار تو در آن گویا است به اینکه تو خداوندی و جز

أَنْتَ، مُكُونُهُ وَبَارئُهُ وَفَاطِرُهُ، إِيْتَدَعْتَهُ لَا مِنْ شَيْءٍ وَلَا عَلَىٰ تَوْحِيدِي نِسْت، به وجود آوردنده و هستی بخش و آفریننده آن (توئی)، آن را پدید آوردی نه از چیزی و نه بر شئی ءِ، وَلَا فِي شَيْءٍ ءِ، وَلَا لَوْحَشِهِ دَخَلْتَ عَلَيْهِ كَ إِذْ لَا غَيْرُكَ، چیزی، و نه در چیزی، و نه به خاطر وحشتی که به تو راه یافته باشد که تنها بودی، وَلَا حَاجَهُ بَدَتْ لَكَ فِي تَكْوِينِهِ، وَلَا لِأَسْبَاطِهِ مَنَكَ عَلَىٰ مَاوِ نه احتیاجی در به وجود آوردن آن داشتی، و نه به خاطر این که از آن هَاتَخْلُقُ بَعْدَهُ، بَلْ أَنْشَأْتَهُ لِيَكُونَ دَلِيلًا عَلَيْكَ، بِأَنَّكَ بَائِنٌ مِنْ پَسِ از آفرینش مدد بگیری، بلکه ایجاد کردی تا دلیل روشنی باشد بر تو، به این که تو جدا اِزَالصُّنْعِ، فَلَا يُطِيقُ الْمُنْصِفُ لِعَقْلِهِ إِنْكَارَكَ، وَالْمَوْسُومُ بِصِحَّةِ حَقِّهِمْ پدیده ها و مخلوقات هستی، پس عقل هیچ باانصافی تاب انکار تو را ندارد، و هیچ انسانی که از نظر الْمَعْرِفَةِ جُحُودَكَ. أَسْأَلُكَ بِشَرَفِ الْإِخْلَاصِ فِي تَوْحِيدِكَ، معرفت سالم باشد نشاید که تو را نشناسد. از تو می خواهم به شرف و بزرگی اخلاص در توحید و یگانگی ات، وَحُزْمَةِ التَّعَلُّقِ بِكِتَابِكَ، وَأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَىٰ أَدَمَ وَ حُرْمَتِ اِرْتِبَاطِ و وابستگی به قرآنت، و اهل بیت پیامبرت، که درود فرستی بر آدم يَدِيعِ فِطْرَتِكَ، وَبِكْرِ حُجَّتِكَ، وَلِسَانِ قُدْرَتِكَ، وَالْخَلِيفَةِ فِي پدید آمده آفرینشت، و اولین حجت، و زبان گویای قدرتت، و جانشین درسیطتت، وَعَلَىٰ مُحَمَّدٍ الْخَالِصِ مِنْ صِفَوَتِكَ، وَالْفَاحِصِ عَنْ زَمِينِ پهناورت، و بر محمد بنده خالص از برگزیدگانت، و کاوشگر از معرفتت، وَالْغَائِصِ الْمَأْمُونِ عَلَىٰ مَكُونِ سِرِّكَ، بِمَا أَوْلَيْتَهُ مَعْرِفَتِ، و راه یافته امین بر اسرار پنهانت، به آنچه مِنْ نِعْمَتِكَ بِمَعُونَتِكَ، وَعَلَىٰ مَنِ بَيْنَهُمَا مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُكْرَمِينَ از نعمتت به یاری خویش به او مرحمت کردی، و بر همه آنهايي که بین این دو (حضرت آدم و خاتم الانبیاء) از پیامبران و مقربان وَالْأَوْصِيَاءِ وَالصَّادِقِينَ، وَأَنْ تَهَبِنِي لِإِمَامِي هَذَا.

و اوصیاء و تصدیق کنندگان رسولانت بودند، و این که مرا به خاطر این امامی که در محضرش هستم ببخشی.

و گونه ات را بر روی قبر مطهر بگذار و بگو: اَللّٰهُمَّ بِمَحَلِّ هَذَا السَّيِّدِ مِنْ خَدَاوِنْدَا؛ به جایگاهی که این آقا از طاعتِک، و بِمَنْزِلَتِهِ عِنْدَکَ، لَا تُثِمِّنِي فُجْأَةً، وَلَا تَحْرِمْ نِي تَوْبَةً، اطاعت تو دارد، و به مقام و منزلت او در درگاه تو، مرا ناگهانی نمیران، و از توبه کردن محروم مفرما، وَاَرْزُقْنِي الْوَرَعَ عَنْ مَحَارِمِکَ دیناً وَدُنْیَا، وَاَشْغَلْنِي بِالْآخِرِ هُوَ وَرَعٌ نسبت به آنچه از نظر دین و دنیا حرام کرده ای روزی من گردان، و به جای دنیاطلبی مرا به کار آخرت عَنْ طَلَبِ الْاُولٰی، وَوَفَّقْنِي لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰی، وَجَنِّبْنِي اَتْبَاعَ مَشْغُولِ بدار، و به آنچه دوست داری و می پسندی موفق فرما، و از پیروی کردن هوای الهوی، وَاَلْاَغْتِرَارَ بِالْاَبَاطِلِ وَالْمُنٰی. اَللّٰهُمَّ اجْعَلِ السَّدَادَ فِی نَفْسِ، و مغرورشدن به کارهای باطل و بیهوده و آرزوها بازبدار. خداوندا؛ راستی در قَوْلِی، وَالصَّوَابَ فِی فِعْلِی، وَالصَّدَقَ وَالْوَفَاءَ فِی ضَمَانِی گفتارم، و درستی در کردارم، و صدق و وفا در ضمان و وَعْدِی، وَالْحِفْظَ وَالْاِیْنَاسَ مَقْرُونِیْنَ بَعْدِی وَوَعْدِی، وَاَلْبِرَّو قَرَارِ دَامِ، و پای بندی و مراقبت در عهد و پیمانم، و نیکی و الْاِحْسَانَ مِنْ شَأْنِی وَخُلُقِی، وَاَجْعَلِ السَّلَامَةَ لِي شَامِلَةً، و احسان را از منش و اخلاق من قرار بده، و سلامتی را شامل حالم گردان، وَاَلْعَافِيَةَ بِي مُحِيطَةً مُلْتَفَةً، وَلَطِيفَ ضِعْفِکَ وَعَوْنِکَ مَصْرِوْفًاو عَافِيَتِ فِرَاکِیْرَی را که همه وجودم را دربربگیرد به من عنایت کن، و لطف زیبا و یاریت را متوجه من کن، اِلَیَّی، وَحُسْنَ تَوْفِیقِکَ وَیُسْرِیْرَکَ مَوْفُورًا عَلَیَّ، وَاَحْیِنِیْ یَا رَبِّ وَتَوْفِیقِ نِکَویْتِ و آسانیت را بر من فراوان فرما، و مرا - ای پروردگار من - سَعِیدًا، وَتَوَفَّنِیْ شَهِیدًا، وَطَهِّرْ نِی الْمَوْتَ وَمَا بَعْدَهُ. اَللّٰهُمَّ سَعَادَتِمْ زنده بدار، و شهید بمیران، و برای مرگ و پس از آن پاک گردان. خداوندا؛ وَاَجْعَلِ الصَّحَّةَ وَالتَّوَرَّ فِی سَمْعِی وَبَصِیْرِی، وَاَلْجِدَّةَ وَالْخَیْرَ فِی صَحَّتِ و نور را در گوش و چشمم، و توانائی و دارائی و خیر را در

طُرُقِي، وَالْهُدَى وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَمَذْهَبِي، وَالْمِيزَانَ أَبْدَارَاهُمْ، وَهُدَايَتِ وَبِنَائِي رَا دَر دِينِ وَ مَذْهَبِهِمْ، وَ مِيزَانَ رَا هُمَوَارِهِ نَضَبَ عَيْنِي، وَالذِّكْرَ وَالْمَعِزَّةَ شِعَارِي وَدِثَارِي، وَالْفِكْرَ هَمْدَ نَظْمِي، وَبِهِ يَادَدَاشْتَنِ وَ پَنَدِیْزِی رَا هَمِچُونِ لِبَاسِ زَیْرِ وَ رَوِیْمِ، وَ اَنَدِیْشِیْدَنِ وَالْعِبْرَةَ اُنْسَى وَ عِمَادِي، وَ مَكَّنَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَاجْعَلْهُ اَوْثَقَ وَ عِبْرَتَ گِرَفْتَنِ رَا اَنَسَ وَ اَرَامَشَ وَ اَسَاسَ کَارْمِ قَرَارِ بَدَه، وَ یَقِیْنَ رَا دَر قَلْبِ مِنْ قَوِی گِرَدَانِ، وَ اَن رَا مَطْمَنَ تَرِیْنَ الْاَشْیَاءِ فِي نَفْسِي، وَ اَغْلِيْهُ عَلٰی رَاْیِی وَ عَزْمِي، وَاجْعَلِ الْاِرْشَادَ چِیْزَ نَزْدِ مِنْ گِرَدَانِ، وَ اَن رَا بَر رَاْیِ وَ نَظَرِ وَ تَصْمِیْمِ مِنْ چِیْرَه سَازِ، وَ قَرَارِ بَدَه تَهْذِیْبِ رُوْحِی رَا فِی عَمَلِی، وَالتَّسْلِیْمَ لِاَمْرِكَ مِهَادِي وَ سَیْنَدِي، وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ دَر عَمَلِمِ، وَ فَرْمَانِبَرْدَارِي بِی چُونِ وَ چَرَايَتِ رَا بَسْتَرِ وَ تَكِيَه گَاهِ مِنْ، وَ رَا ضِی بُوْدَنِ بَه خَوَاسْتَه وَ قَدْرِكَ اَقْصٰی عَزْمِي وَ نِهَایَتِي، وَ اَبْعَدَ هَمِّي وَ غَايَتِي، حَتَّى لَا وَ مَقْدَرَاتِ رَا نِهَایَتِ عَزْمِ وَ ارَادَهِ مِنْ، وَ بَالَا تَرِیْنَ هَمَّتِ وَ اَرْزَوِی مِنْ، تَا اَن جَا کِه اَتَقٰی اَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ بِدِیْنِي، وَلَا اَطْلُبُ بِه غَيْرَ اِخْرَتِي، وَلَا اَزِیچِ یَکَ اَزِ اَفْرِیْدِگَانَتِ نَسَبَتِ بَه دِیْنِمِ پُرَوَا نَکْنِمِ، وَ بَه اَن جَزِ اِخْرَتِ رَا نَجَوِیْمِ، اَسْتَدْعٰی مِنْهُ اِطْرَآئِي وَ مَدْحِي، وَاجْعَلْ خَيْرَ الْعَوَاقِبِ عَاقِبَتِي، وَ مَدْحِ وَ سَتَايِشِ خُودِ رَا تَمَنَّا نَمَايِمِ، وَ عَاقِبَتِمِ رَا بَهْتَرِیْنَ عَاقِبَتِ، وَ خَيْرَ الْمَصَائِرِ مَصِيرِي، وَ اَنْعَمَ الْعِیْشِ عِیْشِي، وَ اَفْضَلَ الْهُدٰی وَ بَازْگِشْتِمِ رَا بَهْتَرِیْنَ بَازْگِشْتِ، وَ زَنْدَگِیْمِ رَا فَرَاخِ تَرِیْنَ زَنْدَگِی، وَ هِدَايَتِمِ رَا بَر تَرِیْنَ هِدَايِ، وَ اَوْفَرَ الْحُظُوظِ حَظِّي، وَ اَجْزَلَ الْاَقْسَامِ قِسْمِي وَ نَصِیْبِي، هِدَايَتِ، وَ بَهْرَه اَمِ رَا فَرَاوَانِ تَرِیْنَ بَهْرَه، وَ بَیْشْتَرِیْنَ قِسْمَتِ هَا رَا قِسْمَتِ وَ نَصِیْبِ مِنْ قَرَارِ بَدَه، وَ كُنْ لِي يَا رَبِّ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَلِيًّا، وَ اِلٰی كُلِّ خَيْرٍ دَلِيْلًا وَ قَائِدًا، وَ بَرَايِ مِنْ - اِي پُرْوَرْدِگَارِ مِنْ - نَسَبَتِ بَه هَرِ بَدِي وَ خَطَرِ نَگَهْبَانِ بَاشِ، وَ بَه هَرِ خَیْرِ وَ خُوبِی رَا هِنْمَا وَ پِشُوَا وَ سُوقِ دَهْنَدَه وَ مِنْ كُلِّ بَاغٍ وَ حَسُوْدٍ ظَهِيْرًا وَ مَانِعًا. اَللّٰهُمَّ بِكَ اَعْتَدَادِي وَ اَزِ هَرِ سَتَمْگَرِ وَ حَسُوْدِي بَازْدَارِنْدَه وَ پِشْتِیْبَانِ بَاشِ. خُداوَنْدَا؛ اَعْتِمَادِ مِنْ

وَعِصْمَتِي، وَثِقَتِي وَتَوْفِيقِي، وَحَوْلِي وَقُوَّتِي، وَلَمَّكَ مَحْيَايَ وَنَاحِيَّاهُم وَاطْمِينَانِي وَتَوْفِيقِي وَتَوَانِئِي وَنِيْرُوِيْمِي بِهٖ تَوْبَسْتِكِي دَارِدُ، وَ زَنْدَكِي وَمَمَاتِي، وَفِي قَبْضَتِكَ سُكُونِي وَحَرَكَتِي، وَبِعِزَّتِكَ الْوُثْقَى وَ مَرْگَمِي بَرَايِ تُو اَسْت، وَ اَرَامِ گِرَفْتَنِ وَ حَرَكْتَمِ دَر اَخْتِيَارِ تُو اَسْت، وَ بِهٖ رِيْسْمَانِ مَحْكَمِ تَوَاسِيَتِمْسَاكِي وَوُضْلَتِي، وَعَلَيْكَ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا اِعْتِمَادِي وَتَوَكُّلِي، چَنْگِ زَدْنِ وَ مَتَّصِلِ گِشْتَنِ مِّنْ اَسْت، وَ بِرِ تُو دَر هَمِهٖ كَارِهَايِمِ تَكِيَهٗ وَ تَوَكُّلِ مِّنْ اَسْت، وَمِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ وَمَسِّ سَيِّئَرِ نَجَاتِي وَخَلَاصِي، وَفِي دَارِ اَمْنِيَّتِكَ وَ اَزْ عَذَابِ جَهَنَّمَ وَ رَسِيْدِنِ بِهٖ آتَشِ دُوْزَخِ نَجَاتِ وَ رَهَائِي مِّنْ، وَ دَر خَانِهٖ اَمْنِ وَ كَرَامَتِيَّتِكَ مَثْوَايِ وَ مُنْقَلَبِي، وَ عَلَيِ اَيِّدِي سَادَاتِي وَ مَيَّوَالِيِّ اِلٍ وَ كَرَامَتِ تُو جَايْگَاهِ وَ بَاَزْگِشْتِ مِّنْ اَسْت، وَ بِرِ دَسْتِ سُرُوْرَانِمِ وَ عَزِيْزَانِمِ خَانِدَانِ الْمُصْطَفَى فَوْزِي وَفَرَجِي. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، مُصْطَفٰى عَلَيْهِمُ السَّلَامُ رَسْتَگَارِي وَ گِشَايِشِ مِّنْ اَسْت. خَدَاوَنْدَا! بِرِ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ دُرُودِ فَرَسْت، وَ اَعْفِرْ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، وَ الْمُسْلِمِيْنَ وَ الْمُسْلِمَاتِ، وَ اَعْفِرْوْهُ هَمِهٖ مَرْدَانِ وَ زَنَانِ مُؤْمِنِ وَ مَرْدَانِ وَ زَنَانِ مُسْلِمَانِ رَا بِيَاْمَرْزَلِيْ وَلَوْ اِلْتَدَيَّ وَ مَا وَلَدَا وَ اَهْلَ بَيْتِيْ وَ جِيْرَانِيْ، وَلِكُلِّ مَنْ قَلَدَنِيْ وَ مِّنْ وَ پَدَرِ وَ مَادَرَمِ وَ اَنُچِهٖ بَدْنِيَا اَوْرَدِهٖ اَنْدِ وَ اَهْلِ وَ عِيَالِمِ وَ هَمْسَايْگَانِمِ يَدَا مِّنْ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، اِنَّكَ ذُوْ فَضْلٍ عَظِيْمٍ. وَ السَّلَامُ وَ هَرِ مَرْدِ وَ زَنْ بَايِمَانِيْ كِهٖ بِهٖ مِّنْ اَحْسَانِيْ كَرْدِهٖ بِيَاْمَرْزِ، كِهٖ تُو صَاَحِبِ فَضْلِ وَ بَخْشِشِ فَرَاوَانِ هَسْتِي. وَ سَلَامٌ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ. (۱)

بر تو و رحمت و برکات خداوندی بر تو باد.

ص: ۶۷۹

این زیارت، بیعت با امامان علیهم السلام و تجدید عهد با ایشان است، از آن بزرگواران روایت شده است که فرموده اند:

زیارت ما در واقع تازه کردن عهد و میثاقی است که به عهده بندگان است. هنگام زیارت بگو:

جِئْتُكَ يَا مَوْلَايَ زَائِرًا لَكَ، وَمَسَلِمًا عَلَيْكَ، وَلَا إِذًا بِكَ، وَقَاصِدًا إِلَى مَوْلَايَ مِنْ؛ در پیشگاه شما حضور یافته ام تا شما را زیارت کرده و بر شما سلام گویم، و به شما پناهنده گشته، و آهنگِ إِلَيْكَ، أُجَدِّدُ مَا أَخَذَ اللَّهُ لَكُمْ فِي رَقَبَتِي مِنَ الْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ شما نموده ام، با شما تجدید می کنم در آنچه خداوند از عهد و میثاقِ وَالْوِلَايَةِ لَكُمْ، وَالْبِرَّ آءَهُ مِنْ أَعْيَدَائِكُمْ، مُعْتَرِفًا بِالْفُرْصِ مِنْ طَاعَتِكُمْ. و ولایت شما، و بیزاری و برائت از دشمنانتان بر عهده من نهاده است، در حالی که به وجوب اطاعت شما اعتراف کننده ام. سپس دست راست خود را بر قبر بگذار و بگو:

هَذِهِ يَدُ مُصَافَقَتِهِ لَكَ عَلَى الْبَيْعَةِ الْوَاجِبَةِ عَلَيْنَا، فَاقْبِلْ مِنِّي اِيْنَ دَسْتِي اَسْتِ كِه دَر دَسْت شَمَا بِه عَنَوَانِ بِيْعَتِي كِه بَر مِن وَاجِبِ گَشْتِه نِهَادِه اَم، پَس اَن رَا اَز مِن بِيْذِرْ ذَلِكْ يَا اِمَامِي، فَقَدْ زُرْتُكَ وَ اَنَا مُعْتَرِفٌ بِحَقِّكَ مَعَ مَا اَلَزَمَ اللّٰهُ اِيْ پِيْشَوَايِ مِن؛ بِه رَاْسْتِي كِه بِه زِيَارَتِ شَمَا اَمْدِه وَ بِه هَمِه اَنْجِه خَدَاوَنْدِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالٰی مِنْ نُصِيْرَتِكَ، وَ هَذِهِ يَدِي مُصَافَقَتَهُ عَلٰی مَا اَمْرٍ پَاكِ وَ مِنْرَه وَ بَلَنْد مَرْتَبِه بَر مِن لَازِمِ دَانِسْتِه اَز يَارِيْتِ مُعْتَرِفَم، وَ اِيْنَ دَسْتِ مِن اَسْتِ كِه دَر دَسْتِ شَمَا نِهَادِه اَم بِه عَنَوَانِ اَنْجِه فَرْمَانِ دَادِه اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ مَّوَالَاتِكُمْ، وَ الْاِقْرَارِ بِالْمُقْتَرَضِ مِنْ طَاعَتِكُمْ، اَسْتِ خَدَاوَنْدِ تَبَارَكَ وَ تَعَالٰی اَز اِرَادَتِ شَمَا، وَ اِقْرَارِ بِه وَجُوبِ اطَاعَتِ شَمَا،

وَالْبَرَآءِ مِنْ أَعدَائِكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. و بیزاری و براءت از دشمنان تان. و سلام بر شما و رحمت خداوند و برکات او بر شما باد. سپس ضریح را بیوس و بگو:

يا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَإِمَامِي الْمُفْتَرَضَ طَاعَتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ بَقِيَتْ اِي سرور و مولای من؛ و امام من که اطاعتش واجب گشته است، گواهی می دهم که تو عَلَى الْوَفَاءِ بِالْوَعْدِ، وَالِدَّوامِ عَلَى الْعَهْدِ، وَقَدْ سَلَفَ مِنْ جَمِيلِ بر وفای به وعده و نویدت باقی مانده، و بر عهد خود استوار و پابرجائی، و به راستی تحقق یافته از وَعْدِكَ لِمَنْ زَارَ قَبْرَكَ ما أَنْتَ الْمَرْجُوُّ لِلْوَفَاءِ بِهِ، وَالْمُؤَمَّلِ وعده نیکویت به کسی که قبرت را زیارت کرده آنچه تو نسبت به وفای به آن و کامل کردنش مورد امید و آرزو هستی، لِتَمَامِهِ، وَقَدْ قَصَيْدُتَكَ مِنْ بَلَدِي، وَجَعَلْتُكَ عِنْدَ اللَّهِ مُعْتَمِدِي، از شهر خود آهنگ تو نموده، و شما را نزد خدا تکیه گاه خویش قرار داده ام، فَحَقَّقْ ظَنِّي وَمُخَيَّلِي فِيكَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا. پس گمان مرا و آنچه درباره تو در خیال خود پرورده ام محقق ساز، درود خدا و سلام فراوانش بر تو باد. اَللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِزِيَارَتِي إِيَّاهُ، وَأَرْجُو مِنْكَ النِّجَاةَ لِي بِهِ خَدَاونداه؛ همانا من با زیارت این امام به درگاه تو تَقَرَّب می جویم، و از تو امید نجات و رهائی به وسیله او مِنَ النَّارِ، بِهِ وَبِأَبَائِهِ وَأَبْنَائِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، رَضِينَا بِهِمْ از آتش را دارم، به واسطه او و پدران و فرزندان که صلوات خدا و درودش بر آنان باد، راضی و خشنودیم که آنان أئِمَّةٌ وَسَادَةٌ وَقَادَةٌ. اَللَّهُمَّ أَذْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَذْخَلْتَهُمْ فِيهِ، پیشوایان و سروران و رهبران ما هستند. خدایاندا؛ مرا وارد کن در هر خیر و خوبی که ایشان را وارد نمودی، وَأَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَهُمْ مِنْهُ، وَاجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي و بیرون آور از هر شرّ و بدی که آنان را از آن خارج ساختی، و مرا با ایشان قرار بده درالدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۱)

دنیا و آخرت، ای مهربانترین مهربانان.

ص: ۶۸۱

یا اُمُّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ غَضَبَتْكَ حَقِّكَ، وَمَنْعَتْكَ مای مادر امام حسن و امام حسین، خداوند لعنت کند امتی را که حق تو را غصب نمودند، و ارثی را که جعله الله لکم حلالاً، اَنَا بَرَىءٌ إِلَيْكَ مِنْهُمْ وَمِنْ شِيعَتِهِمْ. السَّلَامُ خداوند بر تو حلال کرده بود از تو منع نمودند، من بیزاری می جویم نزد تو از آن ها و از پیروان شان. سلام عَلَیْكَ یا مَوْلای یا اَبَا مُحَمَّدِنِ الْحَسَنِ الزَّکَوِیَّ، السَّلَامُ عَلَیْكَ بر تو ای مولای من؛ ای ابا محمد (امام) حسن؛ پاکیزه صفات، سلام بر تو یا مَوْلای، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ قَتَلْتُكَ، وَبَايَعْتُ فِي أَمْرِكَ وَشَايَعْتُ، اَنَا ای مولای من، خداوند لعنت کند امتی را که تو را به قتل رسانیدند، و بر دشمنی با تو بیعت و متابعت (با معاویه) کردند، من بَرَىءٌ إِلَيْكَ مِنْهُمْ وَمِنْ شِيعَتِهِمْ. السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَوْلای یا بیزاری می جویم نزد تو از آن ها و از پیروان شان. سلام بر تو ای مولای من؛ ای اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْكَ وَعَلَى أَیِّكَ) حضرت (ابا عبدالله حسین بن علی، درود و سلام خدا بر تو و بر پدرت وَحَدِّدْكَ مُحَمَّدٌ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَالْإِیْمَ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُنِ اسْتَحَلَّتْ وَجَدْتُ (حضرت) محمد که درود خدا بر او و آل او باد، خداوند لعنت کند امتی را که خون تو را حلال شمردند، دَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ قَتَلْتُكَ وَاسْتَبَاحْتُ حَرِیمَیْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ و خداوند لعنت کند امتی را که تو را شهید نمودند و هتک حرمت حریمت را مباح کردند، و خدا لعنت کند أَشْیَاءَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالْتَّمُكِينَ مِنْ شِیْعِیَانِ و پیروان آنان را، و خدا لعنت کند کسانی را که بساط تمکین مردم را در قتال با شما قَتَالِکُمْ، اَنَا بَرَىءٌ إِلَى اللَّهِ وَإِلَیْكَ مِنْهُمْ. السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَوْلای بر آن ها بگستردند) یعنی به خلافت با آن ها بیعت کردند، من بیزاری می جویم نزد خدا و نزد شما از آنان. سلام بر تو ای مولای یا اَبَا مُحَمَّدٍ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَوْلای یا من؛ ای ابا محمد علی بن حسین، سلام بر تو ای مولای من؛ ای اَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَوْلای یا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ ابا جعفر محمد بن علی؛ سلام بر تو ای مولای من؛ ای ابا عبدالله

جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ؛ سلام بر تو ای مولای من؛ ای ابا الحسن موسی بْنُ جَعْفَرٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ؛ سلام بر تو ای مولای من؛ ای ابا الحسن علی بْنُ مُوسَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، موسی؛ سلام بر تو ای مولای من؛ ای اباجعفر محمد بن علی؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، السَّلَامُ سلام بر تو ای مولای من؛ ای ابا الحسن علی بْنُ مُحَمَّدٍ؛ سلام عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنُ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ؛ ای ابا محمد حسن بن علی؛ سلام بر تو ای مولای يَا أَبَا الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ صَاحِبُ الزَّمَانِ، صَلَّى اللَّهُ مَوْلَايَ؛ ای ابا القاسم محمد بن الحسن صاحب الزمان؛ درود خدا عَلَيْكَ وَعَلَى عِزَّتِكَ الطَّاهِرَةِ الطَّيِّبَةِ. یا مِوَالِیْ کُونُوا شُفَعَاءِیْ بر تو و بر عترت پاک گوهر نیکو طینت شما باد. ای سروران و امامان من؛ شما بزرگواران شفیعان من باشید فی حِطِّ وَزْرِی وَخَطَايَ، اَمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ، وَأَتَوَالِدُ مَحْوَ گناه و خطای من، من ایمان آوردم به خدا و به آنچه به شما (خاندان رسالت) وحی گردیده، و ولایتاخرکم بِمَا أَتَوَالِیْ أَوَّلُكُمْ، وَبَرِئْتُ مِنَ الْجِبِّ وَالطَّاغُوتِ آخرین شما را قبول دارم همان طوری که ولایت اولین شما را دارم، و بیزاری می جویم از جبت و طاغوت وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى. یا مِوَالِیْ أَنَا سَلَمْتُ لِمَنْ سَأَلَكُمْ، وَحَزْبٌ لِمَنْ وَلَاتِ وَعَزَى. ای آقایان و سروران من؛ من در سازشم با کسی که با شما در سازش باشد، و در جنگ و مخالفتم با کسی که حاربکم، وَعِدُّوْ لِمَنْ عَادَاكُمْ، وَوَلِئْتُ لِمَنْ وَالَاكُمْ إِلَى یَوْمٍ با شما سر ستیز و جنگ داشته باشد، و دشمنم با کسی که با شما دشمنی می کند، و دوستم با کسی که با شما دوستی می کند تا روز الْقِيَامَةِ، وَلَعَنَ اللَّهُ ظَالِمِيكُمْ وَغَاصِيَكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ أَشْيَاعَهُمْ قِيَامَتِ، و خداوند لعنت کند ظلم کنندگان به شما را و غصب کنندگان (حقوق) شما را، و خداوند لعنت کند شیعیان آن ها را

وَأَتْبَاعَهُمْ وَأَهْلَ مَذْهَبِهِمْ، وَأَبْرَأَ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ. (۱) و پیروان آن ها را و اهل مذهب آن ها را، و من از آنان به درگاه خدا و به شما بیزاری می جویم.

زیارت جامعه هشتم

زیارت جامعه دیگر برای ائمه اطهار علیهم السلام: پس از اذن ورود می گویی:

الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَحَالَّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَسَاكِينَ سَلَامٍ بِرِشْمَايَ جَايْغَاهِيَّاهِ مَعْرِفَةِ الْهَيْ، سَلَامٍ بِرِشْمَايَ
مَنْزِلْغَاهِيَّاهِ بَرَكَهِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْعِيَةَ تَقْدِيسِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِرِكَتِ خَدَاوَنْدِي، سَلَامٍ بِرِشْمَايَ ظُرُوفِ تَقْدِيسِ
رَبُوبِي، سَلَامٍ بِرِشْمَايَا حَفْظَةِ سِرِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَنْ انْتَجَبَهُمُ اللَّهُ لِخَلْقِهِ اِي حَافِظَانِ سِرِّ خَدَاوَنْدِ، سَلَامٍ بِرِشْمَايَ كِسَانِي
كِهِ خَدَاوَنْدِ شِمَا رَا بَرَايَ آفَرِيدْ گَانَشِ بَه عَنَوَانِ اَعْلَامَا، وَلَدِينِهِ اَنْصَارَا، وَلِعَلِّمِهِ وَسِرِّهِ خُزَانَا، وَرَثَتُكُمْ كِتَابُهُ، رَاهِنَمَا، وَ بَرَايَ دِينَشِ
يَارِ وَيَاوَرِ، وَ بَرَايَ عِلْمِ وَ دَانَشِ وَ رَازشِ خَزَانَه دَارِ بَرِگَزِيدِ، شِمَا رَا وَاَرِثِ كِتَابَشِ گَرْدَانِيدِ، وَخَصَّصْكُمْ بِكَرَائِمِ التَّنْزِيلِ، وَضَرْبِ
لَكُمْ مَثَلًا مِنْ نُورِهِ، وَأَجْرِيُو اَرْزَنْدَه تَرِينِ وَ بَرِگَزِيدَه تَرِينِ قِسْمَتِ قُرْآنِ رَا بَه شِمَا اخْتِصَاصِ دَادِ، وَ بَرَايَ شِمَا مَثَلِ از نُورِ خُودِ زِدِ،
وَفِيكُمْ مِنْ رُوحِهِ، فَصَيِّلِي اللَّهَ عَلَيْكُمْ يَا سَادَاتِي وَمَوَالِيَّ. السَّلَامُ دَرِ وُجُودِ شِمَا از رُوحِ خُودِ جَارِيِ سَاخْتِ، پَسِ دُرُودِ خَدَاوَنْدِ بَرِ
شِمَا اِي سُرُورَانِ مَنْ وَ مَوَالِيَانِ مَنْ. سَلَامٍ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ النَّبِيَّ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ بْنُ الْمُرْتَضَى، بَرِشْمَايَ مُحَمَّدِ
مُصْطَفَى، سَلَامٍ بِرِشْمَايَ عَلِيٍّ مُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا أَيُّهَا السَّيِّدَانِ سَلَامٍ بِرِشْمَايَ فَاطِمَه
زَهْرَا، سَلَامٍ بِرِشْمَايَ دُو سُرُورِ مَنْ

ص: ۶۸۵

الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ امام حسن و امام حسين، سلام بر شما ای علی بن الحسین، سلام
 عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ بِرْ شما ای محمد بن علی، سلام بر شما ای صادق جعفر بن
 مُحَمَّدٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ مُحَمَّدٍ، سلام بر شما ای موسی بن جعفر، سلام بر شما ای علی
 بْنُ مُوسَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ موسی، سلام بر شما ای محمد بن علی، سلام بر شما ای علی بْنُ
 مُحَمَّدٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، سلام بر شما ای حسن بن علی، سلام بر شما یا حُجَّهَ اللَّهِ
 الْمُنتَظَرِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَعِيدِنَ ای حَبَّتِ خدا (امام) منتظر. سلام بر شما ای اهل بیت نبوت، و جایگاه
 الرَّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الدَّعَائِمُ رسالت الهی، و محل رفت و آمد فرشتگان، سلام بر شما ای پایه
 هَاوَالِ الْأَرْكَانِ، الْمَخْصُوصُونَ بِالْإِمَامَةِ، أَنَا وَلِيِّكُمْ وَزَائِرُكُمْ، و اساس و ارکان هستی که به امامت و پیشوائی اختصاص یافتید، من
 ارادتمند شما و زائر شمایم که الْمُتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ، أُولَى وَلِيِّكُمْ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ بِكُمْ مِنْ بَا دوستی شما به خداوند تقرب
 می جویم، وَلِيَّ شما را فرمانبردارم، و به درگاه خداوند از عیدوكم، وَأَسْتَشْفِعُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُصَيِّمَ لِي عَلِيدِ شِمْنَانِ
 شما بیزاری می جویم، و به سوی پروردگار متعال شما را شفیع خود می گردانم، و از او می خواهم که بِرَنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَعَلَيْكُمْ صَلَاهَ دَائِمَةً كَثِيرَةً مُتَّصَةً لِمَهْپَا مَبْرَشِ (حضرت) محمد - که درود خدا بر او و شما باد - درود فرستد؛ درودی
 همیشگی، فراوان و پیوسته لَمَّا انْقِطَاعَ لَهَا وَلَا زَوَالَ، وَأَسْأَلُهُ بِكُمْ، وَأَقْدُمُكُمْ أَمَامَ حَوَائِجِي، که برایش قطع شدن و از بین رفتن
 نباشد، و به واسطه شما از او درخواست می کنم و شما را پیشاپیش حاجت هایم مقدّم می دارم،

فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ يَا سَادَتِي فِي فَكَائِكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَنْتَ يَا سِرُورَانِ مَنْ؛ بَرَايِمِ شَفَاعَتِ كُنْدِكَانِ بَاشِيدِ دَر رَهَائِي اَم از آتَشِ دُوزَخِ، وَ اَيْنَكِه يَقْضِي لِي بِكُمْ حَوَائِجِي كُلَّهَا لِلْآخِرَةِ وَالْأُولَى، وَأَنْتَ يَكْفِينِي هَمَّ حَاجَتِ هَآيِ دُنْيَا وَ آخِرَتَم رَا بَه وَاسَطَه شَمَا بَر آورده سازد، وَ كَفَايَتِ نَمَايِدِ نَسَبَتِ بَه مِنْ وَأَهْلِي وَوَلَمَدِي، وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، شَرُّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، مِنْ وَ اَهْلٍ وَ عِيَالَمٍ وَ فَرْزَنْدَانَمِ وَ هَمَّ مَرْدَانِ وَ زَنَانِ مَوْمَن، شَرُّ هَر صَاحِبِ شَرٍّ وَ بَدِي رَا اَزَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، مِنْ صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ، فَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا أَنْصَرِفَ جَنَّ وَ اِنْسِ، اَزِ كُوجَكِ يَآ بَزَرْگِ. بَه رَاسَتِي اَمِيدِوارَمِ اَيْنَكِه بَازَنْگَرْدَمِ مِنْ مَشْهَدِكَ يَآ مَوْلَايَ، صَيَلَمَوْتُ اللّٰهَ عَلَيْكَ، إِلَّا بِقَضَاءِ حَوَائِجِي، اَزِ زِيَارَتْگَاهِ شَمَا اِي مَوْلَايَ مِنْ - كِه دُرُودِ خُدا بَرِ تُو بَاد - مَگَرِ بَا رُواشْدَنِ حَاجَتِ هَايِمِ، وَمَا فَرَعْتُ إِلَيْكَ فِيهِ، وَرَجَوْتُهُ مِنْ حُسْنِ مُعُونَتِهِ وَبَرَكَتِهِ وَ اَنْچِه بَه خَاطِرِ اَن بَه بَارْگَاهِ شَمَا پَنَاهِ آورده اَم، وَ اَزِ كَمَكِ وَ يَارِي شَمَا بَا زِيَارَتِكَ، صَيَلَمَوْتُ اللّٰهَ عَلَيْكَ وَ عَلَيَّ الْاَيْمَةَ مِنْ اَبَائِكَ، اَلْاَيْمَهْ زِيَارَتَتَانِ اَمِيدِ دارَم، صَلَوَاتِ وَ دُرُودِ خُدا بَرِ شَمَا وَ بَرِ اَمَامَانِ مَعْصُومِ اَزِ پَدَرَانِ وَ فَرْزَنْدَانَتِ، مِنْ وَلَدِكَ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ. وَ رَحْمَتِ وَ بَرَكَاتِ خُداوندِ بَرِ هَمَّ شَمَا عَزِيزَانِ بَاد. سَپَسِ ضَرِيحِ رَا بِيُوسِ وَ بَگُو: اَلْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَآ اَلِ مُحَمَّدٍ، يَآ اَلِ اللّٰهِ سَلامِ بَرِ شَمَا اِي آلِ (حَضْرَتِ) مُحَمَّدٍ؛ اِي آلِ خُداوندِ وَأَنْصَارُهُ، وَظِلَالِ اللّٰهِ وَأَنْوَارُهُ، لِأَبْذُلِّ لَكُمْ مَوَدَّتِي وَمَهْجَتِي، وَ يَارَانِ اُو، وَ سَايَهِ خُداوندِ وَ اَنوَارِ اُو، دَرِ رَا هِ شَمَا نَثَارِ مِي كَنَمِ ارادَتَم رَا وَ رُوحِ وَ رُوانَمِ رَا، وَمَوْاسَاتِي وَمَالِي، فَإِنَّهَا لَكُمْ مَذْخُورَةٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، وَتَوَانَائِي وَ خَدَمَتِ وَ هَمَّ مَالِ وَ ثَرُوتَمِ رَا، كِه اَن هَا رَا بَرَايِ شَمَا ذَخِيرَه سَاخْتَه، وَ يَارِي وَ فِدَاكَارِي خُودِ رَا بَرَايِ شَمَا آمادَه نَمُودَه اَم، حَتَّى يَأْذَنَ اللّٰهُ لَكُمْ، فَإِنْ أَمَرْتُمُونِي يَآ مَوَالِيَّ أَطَعْتُ، وَإِنْ تَا خُداوندِ بَه شَمَا اِذْنِ وَ فَرْمَانِ دَهْدِ، پَسِ اِگَرِ مَرَا اَمْرِ فَرْمُودِيدِ اِي مَوَالِيَانِ مِنْ؛ اطاعتِ مِي كَنَمِ، وَ اِگَرِ

نَهَيْتُمُونِي يَا سَادَتِي كَفَفْتُ، وَإِنْ اسْتَنْصَيْتُمُونِي يَا قَادَتِي نَصَيْتُ، نَهَى نمودید ای سروران من؛ خودداری می کنم، و اگر یاری طلبید ای فرماندهان من؛ یاری می کنم، وَإِنْ اسْتَعْتُمُونِي يَا سَادَتِي أَعَنْتُ، وَإِنْ اسْتَنْجَدْتُمُونِي يَا هُدَاتِي وَ اِگر کمک خواستید ای عزیزان من؛ کمک می کنم، و اگر مدد جو یا شدید ای رهبران من؛ اَنْجَدْتُ، وَإِنْ اسْتَعْبَدْتُمُونِي يَا وُلَاتِي تَعَبَّدْتُ. فَلَكُمْ يَا اَئِمَّتِي مدد می نمایم، و اگر مرا به بندگی فراخواندید ای سرپرستان من؛ بندگی می کنم. پس ای پیشوایان من؛ عُبُودِيَّتِي بَعْدَ اللّٰهِ تَعَالٰی طَوْعاً سِرْماً، وَعَلَيْكُمْ سِلَاسٌ وَ تَحِيَّاتِي بَعْدَ از خداوند متعال عِبُودِيَّتِ من همیشهگی از روی میل و فرمانبرداری از آن شما است، و بر شما است سلام و درودم، سَلاماً مُجَدِّداً، وَصَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ. (۱) سلامی که همواره تجدید می کنم، و صلوات خداوند و رحمت و برکات فراوان او بر شما باد.

ص: ۶۸۸

هشت زیارت از زیارت های وداع

در این بخش، هشت زیارت از زیارت های وداعیه را که مستحب است در وقت وداع خوانده شود، نقل می کنیم: (۱)

مرحوم محدث قمی فرموده است: بدان که سوز قلب زائر در وقت وداع و شدت تلخی کامش در مقام فرقت و مهاجرت از آن روضه مقدسه، به اندازه شوق و انبساط و فرح و نشاط او است در اول ورود، و درجات آن مختلف است به حسب درجات معرفت و محبت که به آن ذوات مقدسه و ارواح طیبه دارد، اگر صادق است در آن دعوی. و پست ترین مرتبه آن، این است که به راستی وجود مقدس امام علیه السلام نزد او محبوبتر باشد از اهل و مال و اولاد و آنچه که به آن ها دل بسته و علاقه پیدا کرده.

پس اگر در وقت وداع حالش چنان است که می خواهد از عزیزترین خلق و محبوبترین ایشان مفارقت کند و از او جدا شود، پس ناچار دلش سوزان و اشکش ریزان و پایش لرزان خواهد بود. پس خدای را بر این نعمت عظمی شکر کند

ص: ۶۸۹

۱- ۷۷. زیارات وداعیه ای که در این بخش می آوریم همه از زیارات وداعیه جامعه هستند، یعنی آن ها را در وداع با همه ائمه علیهم السلام می توان خواند. قابل توجه است که چند زیارت وداع دیگر را به خاطر اختصاص داشتن آن ها به وداع با امام رضا علیه السلام پس از نقل زیارت های آن حضرت در «بخش بیست و ششم» آورده ایم، و یک زیارت وداع دیگر که از امام رضا علیه السلام روایت شده به مناسبت بخش آخر کتاب (یعنی زیارت هایی که از امام رضا علیه السلام روایت گردیده)، در آن بخش می آوریم.

و اگر نه، در دعوی خویش کاذب و رجایش خائب است. (۱)

زیارت وداع پس از زیارت «امین الله»

مؤلف گوید: در کتاب «الإقبال» مرحوم سید بن طاووس و «الصحیفه الصادقیه» و نیز در دو کتاب خطی دیدم که زیارتی از امام صادق علیه السلام به عنوان وداع، پس از زیارت «امین الله» نقل شده است:

جابر می گوید: روایت حضرت امام باقر علیه السلام درباره زیارت «امین الله» را خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم. امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر گاه خواستی یکی از ائمه علیهم السلام را وداع نمایی، این دعا را (پس از زیارت امین الله) اضافه کن:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْاِمَامُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ، اَسْتَودِعُكَ اللّٰهُ سَلَامَ بَرِّتُو اِی امام و رحمت خداوند و برکات او بر تو باد، تو را به خدا می سپارم، وَعَلَیْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ. اَمَنَّا بِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتُمْ و بر تو درود می فرستم، و رحمت خدا و برکات او بر تو باد. ایمان آورده ایم به پیامبر، و به آنچه از احکام و دستورات آورده اید، بِهِ، وَدَعَوْتُمْ اِلَیْهِ. اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیَارَتِی و بر آن رهنمون گشته اید. خداوندا؛ این زیارت را آخرین زیارت از زیارت من و لَیْکَ. اَللّٰهُمَّ لَا تَحْرِمْنِی ثَوَابَ مَزَارِهِ الَّذِی اَوْجَبْتَ لَهُ، وَیَسِّرْوْلیت را قرار نده. خداوندا؛ مرا محروم مکن از ثواب زیارتی که آن را واجب گردانیده ای، و لَنَا الْعُوْذُ اِلَیْهِ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ تَعَالٰی. (۲)

برگشت به سوی حضرتش را بر ما آسان فرما ان شاء الله تعالی.

ص: ٦٩٠

١- ٧٨. هديّہ الزائرین وبہجہ الناظرین: ٤٠٩.

٢- ٧٩. الإقبال: ٧٨٧، الصحف الصادقته: ٢٩٠، كتّاب في الزيارات والأدعية (مخطوط: ١٥).

هر گاه اراده بازگشت و وداع نمودی، بگو:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا اَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ، سَیْلَامٌ مُّوَدَّعٍ، لَا سَیِّمٌ وَلَا سَلَامٌ بِرِ شَمَا اِی اَهْلِ بَیْتِ پِیامبر، سَلامِ شَخْصِ وداعِ کُننده اِی که از دیدارت نه خسته گردیده و نه دوست دارد که قالٍ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ، اِنَّهُ حَمیدٌ مَجیدٌ، سَیْلَامٌ وَلِیٍّ غَیْرَدور شود، و رحمت خدا و برکات او بر شما که او ستوده و باشکوه و عظمت است، (سلام بر شما) سلام ارادتمندی که رَاغِبٌ عَنْكُمْ، وَلَا مُسْتَبَدِّلٌ بِكُمْ، وَلَا مُؤَثِّرٌ عَلَیْكُمْ، وَلَا مُنْحَرِفٌ از شما روی گردان نیست، و کسی را جایگزین شما نمی سازد، و دیگری را بر شما ترجیح نمی دهد و از راه شما منحرف نمی شود، عَنْكُمْ، وَلَا- زَاهِدٌ فِی قُرْبُكُمْ، وَ اِثْبَانِ مَشاہِدُكُمْ. وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ، و بی اعتنائی در نزدیک بودن با شما و آمدن به زیارتگاه شما ندارد. و سلام بر شما، وَحَشَرَنی اللهُ فِی زُمْرَتُكُمْ، وَأَوْرَدَنی حَوْضَکُمْ، وَجَعَلَنی مِنْ و خداوند مرا در زمره شما محشور گرداند، و در کنار حوض شما (کوثر) وارد فرماید، و از حزب و حِزْبُكُمْ، وَأَرْضَاکُمْ عَنی، وَمَكَّنَنی فِی دَوْلَتُكُمْ، وَأَخِیَانِی فِی گروه شما قرار دهد، و قلب نازنین شما را از من راضی و خشنود نماید، و در دولت شما به من قدرت و توانائی دهد، و در رَجْعَتُكُمْ، وَمَلَّکَنی فِی اَیَّامِکُمْ، وَشَکَّرَ سَیِّعِی بِكُمْ، وَغَفَرَ ذَنْبِی رَجعت شما زنده گرداند، و در دوران شما بهره مند فرماید، و سعی و تلاش مرا به واسطه شما پاداش دهد، و گناهم را بِشَفَاعَتُكُمْ، وَأَقَالَ عَثْرَتِی بِمَحَبَّتِکُمْ، وَأَعْلَى کَعْبِی بِمُوالَاَتِکُمْ، به شفاعت شما بیامرزد، و از خطا و لغزشم بخاطر محبت داشتن به شما چشم پوشی نماید، و با ولایت شما مرا سرفراز فرماید، و وَشَرَّفَنی بِطَاعَتِکُمْ، وَأَعَزَّنی بِهَدَاکُمْ، وَجَعَلَنی مِمَّنِ انْقَلَبَ با اطاعت و فرمانبرداری از دستورات شما به من شرافت و بزرگی بخشد، و مرا به هدایت و رهبری شما عزیز گرداند، و از کسانی قرار دهد

مُفْلِحاً مُنْجِحاً، غَانِماً سَالِماً، مُعَافَاً غَنِيّاً، فَائِزاً بِرِضْوَانِ اللَّهِ که با کامیابی و رستگاری، بهره مند، سلامت و عافیت و توانگری و پیروزمند به رضوان و خشنودی خداوند و فَضْلِهِ وَ كِفَايَتِهِ، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُورَارِكُمْ و فضل و احسانش و سرپرستی او بازمی گردند، بهتر از بازگشتی که هر یک از زائرین شما و مَوَالِيكُمْ، وَ مُحِبِّكُمْ وَ شَيْعَتِكُمْ، وَ رَزَقَنِي اللَّهُ الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ اِرادتمندان شما، دوستان شما و شیعیان شما دارند، و بار دیگر بازگشتن را، و بار دیگر أَبَدًا مَا أَبْقَانِي، بِنَيْتِهِ وَ اِيْمَانٍ وَ تَقْوَى وَ اِخْبَاتٍ، وَ رِزْقٍ وَاسِعٍ تا مادامی که زنده ام به طور پیوسته، با نیت خالص و ایمان و تقوا و فروتنی و روزی فراوان حلالِ طَيِّبٍ. اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ وَ ذِكْرِهِمْ حلال پاک روزی من گرداند. خداوندا؛ این سفر را آخرین عهد من از زیارت ایشان و یادشان وَ الصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ، وَ اَوْجِبِ الْمَغْفِرَةَ وَالْخَيْرَ وَالْبَرَكَهَ وَ النُّورَ درود فرستادن بر روح پاکشان قرار مده، و مرا شایسته آمرزش و خیر و برکت و نور و الایمان وَ حُسْنَ الْاِجَابَةِ، بِمَا اَوْجِبْتَ لِاَوْلِيَائِكَ الْعَارِفِينَ و ایمان و اجابت نیکو بفرما، به آن گونه که اولیاء و عزیزانت را سزاوار آن ساختی؛ آنان که به بِحَقِّهِمْ، اَلْمُوجِبِينَ طَاعَتَهُمْ، وَ الرَّاعِبِينَ فِي زِيَارَتِهِمْ، اَلْمُتَقَرَّبِينَ حَقَّ اِین بزرگواران معرفت دارند؛ از دستورات شان فرمانبرداری می کنند؛ در زیارت آنان اشتیاق دارند، وَ اِلَيْكَ وَ اِلَيْهِمْ. بِأَبَى أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي، اِجْعَلُونِي فِيْهِ بِه سوی تو و ایشان تَقَرَّبَ می جویند. پدر و مادرم، جانم و اهل و عیالم فدای شما، مرا مورد هَمِّكُمْ، وَ صَيْرُونِي فِيْهِ حِزْبِكُمْ، وَ اَدْخِلُونِي فِيْ شَفَاعَتِكُمْ، تَوَجَّهْ خُود قرار دهید، و در حزب و گروه خویش راه دهید، و در شفاعتتان وارد کنید، وَ اَذْكُرُونِي عِنْدَ رَبِّكُمْ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ نَزِدْ بِرُودِ گارتان از من یاد نمائید. خداوندا؛ بر مُحَمَّدٍ و آل مُحَمَّدٍ درود فرست، وَ اَبْلِغْ اَرْوَاحَهُمْ وَ اَجْسَادَهُمْ مِّنْی السَّلَامِ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ و از طرف من به ارواح پاک ایشان و بدن های مطهرشان سلام برسان، و درود

وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَرَحْمَتِ وَبَرَكَاتِ خَدَاوْنِد بِرِ اُو وَ بِرِ هِمِه اَنَانِ بَاد، وَ دِرُودِ خَدَاوْنِد بِرِ سِرُورِ مَا) حَضَرَت (مُحَمَّدٌ وَآلِهِ، وَسَلَّم تَسْلِيمًا كَثِيرًا، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. (۱)

و آل او باد، و سلام زیاد از روی تسلیم، و خداوند ما را کافی و خوب و کیلی است.

زیارت سۆم وداع

علّامه مجلسی رحمه الله در «بحار الأنوار» فرموده است: هنگامی که خواستی با هر یک از ائمه عليهم السلام وداع کنی، بگو:

سَلَامُ اللَّهِ وَتَحِيَّاتُهُ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ عَلَى خَيْرِهِ اللَّهُ وَأَصْفِيَّائِهِ درود خدا و سلام و رحمت و برکات او بر اختیارشدگان خدا و برگزیدگان و أَحَبَّائِهِ وَحُجَّجِهِ وَأَوْلِيَّائِهِ مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ، وَإِلِهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ و دوستان و حجت ها و اولیائش (حضرت) محمد رسول او، و آل او امیر مؤمنان عَلَیْ، الْحَسَنِ، الْحُسَيْنِ، عَلَیْ، مُحَمَّدٍ، جَعْفَرٍ، مُوسَى، عَلَیْ، (حضرت) علی، امام حسن، امام حسین، امام سجاد، امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا، مُحَمَّدٍ، عَلَیْ، حَسَنِ، الْخَلْفِ الصَّالِحِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ جَمِيعَانِ السَّلَام امام جواد، امام هادی، امام حسن عسکری، و جانشین شایسته اش، که بر او و بر همه آنان سلام وَالرَّحْمَةُ. السَّلَامُ عَلَى خَالِصِهِ اللَّهُ مِنْ خَلْقِهِ، وَصِفْوَتِهِ مِنْ وَرَحْمَتِ خُدا باد. سلام بر بنده خالص و گزیده خدا از میان آفریدگانش، و برگزیده او از برتریت، وَأَمَنَّا بِهِ عَلَى وَحْيِهِ، وَحُجَّجِهِ عَلَى عِبَادِهِ، وَخُزَّانِهِ عَلِيمِيَّانِ موجوداتش، و امینان او بر وحیش، و حجت های او بر بندگانش، و خزانه داران او بر

ص: ۶۹۳

عِلْمِهِ، وَعَلَيْهِمْ مِنَ اللَّهِ دَائِمُ الصَّلَوَاتِ، وَزَاكِيَ الْبَرَكَاتِ، وَنَامِي عِلْمِش، وَ بِرِ آنان از طرف خداوند درودهای همیشگی و پیوسته، و برکات پاکیزه و فزاینده و التَّحِيَّاتِ. اَلْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ مَوَالِيَّ اَئِمَّتِي وَقَادَتِي، وَنِعَمَ اَلْمَوَالِي تَحِيَّاتِ بالنده. سلام بر شما (ای) سروران و پیشوایان و زمامداران من، و شما خوب سرور و اَلْأَيُّمُهُ وَاَلْقَادَةُ اَنْتُمْ، وَاَلْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ، وَاَلْسَّلَامُ لَكُمْ مِنْ قَلِيلٍ، و پیشوا و زمامدارانی هستید، و سلام بر شما، و سلام من برای شما اندک است، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اِلِ يَاسِينَ، سَيِّلًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا مُتَّبِعًا سلام بر شما (ای) خاندان پیامبر، سلام فراوان، پاک، مبارک پی در پی، سَيِّرَمَدًا، دَائِمًا اَيَّدًا، كَمَا اَنْتُمْ اَهْلُهُ، مِنْي وَمِنْ وَالِدَيَّ وَأَهْلِي جَاوِيد، پایدار و همیشگی، آن گونه که شما سزاوارید، از طرف من، پدر و مادر، اهل و عیال و وَلَدِي، وَاِخْوَتِي وَأَخَوَاتِي، وَمِنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، و فرزندانم، و برادرانم و خواهرانم، و از طرف همه مردان و زنان مؤمن، اَلْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. اَلْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ زَنَدَكَانَ وَ مَرْدَكَانَ آنان، و رحمت خدا و برکات او بر شما. سلام بر شما سَيِّلًا مُوَدَّعَ لَا سَيِّمٍ وَلَا قَالٍ وَلَا مَالٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ سلام وداع کننده ای که از زیارت شما نه خسته شده و نه افسرده گشته و نه ملول گردیده، و رحمت خدا و برکات او عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، غَيْرِ رَاغِبٍ عَنْكُمْ، وَلَا بِرِ شما اهل بیت، که او ستوده و باشکوه است، نه از شما روی گردانم، و نه مُنْحَرِفٍ عَنْكُمْ، وَلَا مُؤَثِّرٍ عَلَيْكُمْ، وَلَا زَاهِدٍ فِي قُرْبِكُمْ، وَلَا مُنْحَرِفٍ، و نه کسی را بر شما ترجیح می دهم، و نه بی اعتنایی به نزدیک بودن با شما، و نه أَبْتَغِي بِكُمْ يَدَلًا، وَلَا عَنْكُمْ حَوْلًا، وَلَا أَتَجِدُ بَيْنَكُمْ سُبُلًا، وَلَا كَسِي را جایگزین شما می نمایم، و نه از شما برمی گردم، و نه دیگری را در بین شما راه خود قرار می دهم، و نه أَشْتَرِي بِكُمْ ثَمَنًا. لَا جَعَلَهُ اللَّهُ اخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمْ، وَتَعْظِيمِ شما را به بهایی می فروشم. خداوند این دیدار را آخرین زیارت از شما، و بزرگداشت

ذِكْرُكُمْ، وَتَفْخِيمِ أَسْمَائِكُمْ، وَإِتْيَانِ مَشَاهِدِكُمْ وَآثَارِكُمْ، وَالصَّلَاهِيَادِ شِمَا، وَكَرَامِي دَاشْتِ نَامِ شِمَا، وَآمَدَنِ بِيهِ زِيَارَتِگَاهِ شِمَا وَ دِيدَنِ آثَارِ شِمَا، وَدُرُودِ فَرَسْتَادَنِ، لَكُمْ، وَالتَّسْلِيمِ عَلَيْكُمْ، بَلْ جَعَلَهُ اللَّهُ مَثَابَةً لَنَا، وَأَمْنًا فِي دُنْيَانَا وَسَلَامًا كَرْدَنِ بِرِ شِمَا قَرَارِ نَدَهْدِ، بَلَكِهْ آن رَا پَنَاهِگَاهِ مَا، وَمَحَلِّ اَمَنِ مَا دَرِ دُنْيَايِ مَاوَاخِرَتِنَا، وَذِكْرًا وَنُورًا لِمَعَادِنَا، وَأَمَانًا وَإِيمَانًا لِمُنْقَلَبِنَا وَمَثْوَانًا. وَآخِرَتِ مَا قَرَارِ دَهْدِ، وَيَادِآوَرِ وَرُوشَنِ بَخْشِ بَرَايِ مَعَادِ مَا، وَبَاعْثِ اَمْنِيَّتِ وَ اِيْمَانِ دَرِ هَرِ حَرَكَتِ وَ سَكُونِ مَا بَاشَدِ. وَجَعَلَنِي اللَّهُ مِمَّنْ اِنْقَلَبَ عَنْ زِيَارَتِكُمْ وَذِكْرِكُمْ، وَالصَّلَاةِ لَكُمْ، وَخَدَاوَنَدِ مَرَا اَزِ كَسَانِي قَرَارِ دَهْدِ كِهْ اَزِ زِيَارَتِ شِمَا وَ يَادِ شِمَا، وَ دُرُودِ فَرَسْتَادَنِ وَالتَّسْلِيمِ عَلَيْكُمْ، مُفْلِحًا مُنْجِحًا، غَانِمًا سَالِمًا مُعَافًا غَنِيًّا فَائِزًا وَ سَلَامِ كَرْدَنِ بِرِ شِمَا بَا زِ مِي گَرَدَدِ دَرِ حَالِي كِهْ رَسْتِگَارِ، كَامِيَابِ، بَهْرِهْ مَنَدِ، بِيهِ سَلَامَتِ وَ عَافِيَّتِ، بِي نِيَا زِ وَ پِيرو ز مَنَدِ بِرِضْوَانِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ، وَفَضْلِهِ وَكَفَايَتِهِ، وَنَصْرِهِ وَأَمْنِهِ، وَمَغْفِرَتِهِ بِهْ خَشْنُودِي خُدا وَ رَحْمَتِ وَ فَضْلِ وَ كَفَايَتِ، وَ يَارِي وَ اَمْنِيَّتِ، وَ آمَرِزْشِ وَ نُورِهِ، وَهُدَاهُ وَحِفْظِهِ، وَكَلاَّتِهِ وَتَوْفِيقِهِ وَعِصْمَتِهِ، وَرَزَقْنِي وَ نُورِ، وَ هِدَايَتِ وَ حَفْظِ، وَ نَگَهْدَارِي وَ تَوْفِيقِ وَ عِصْمَتِ اَوْ بَاشَدِ، وَ مَرَا بَا زِ گِشْتِ الْعُودِ ثُمَّ الْعُودِ أَبَدًا مَا أَبْقَانِي رَبِّي إِلَيْكُمْ بَيْنَهُ وَإِيمَانٍ وَتَقْوِيدِ وَبَارِهْ وَ پَسِ اَزِ آن بَا زِ گِشْتِ دِيگَرِ رَا هَمِيْشِهْ بِهْ سُوِي شِمَا رُوزِي گَرْدَانَدِ تَا مَادَامِي كِهْ پَرُورْدِ گَارْمِ مَرَا بَا قِي دَاشْتِهْ اسْتِ بَا نِيَّتِ (نِيكُو) وَ اِيْمَانِ وَتَقْوَاوَإِحْبَابِ، وَنُورٍ وَإِيقَانٍ، وَأَرْزَاقٍ مِنْ فَضْلِهِ وَاسْتِجَاهِ، طَيِّبِهِ دَارِهِ، وَفُرُوتَنِي وَ نُورِ وَ يَقِينِ، وَ اَزِ فَضْلِ گِستَرْدِهْ اش، رُوزِي هَايِ پَاكِ سَرشَارِهْنِيَّهْ مَرِيئِهِ، سَلِيْمِهِ مِنْ غَيْرِ كَدٍّ، وَلَا مَنْ مِنْ أَحَدٍ، وَنِعْمِهِ سَابِغِهِ، دَلَنَشِينِ، گَوَارَا، بِي عِيْبِ بَدُونِ زَحْمَتِ، وَ بَدُونِ مَنَّتِ كَسِي، وَ بَا نَعْمَتِ فَرَاوَانِ وَ عَافِيَّتِهِ سَالِمِهِ، وَأَوْجَبَ لِي مِنَ الْحَيَاةِ وَالْكَرَامَةِ وَالْبِرَكَةِ، وَ عَافِيَّتِ كَامِلِ. وَ وَاجِبِ گَرْدَانَدِ بَرَايِ مَنِ اَزِ حَيَاتِ وَ كَرَامَتِ وَ بَرَكَتِ، وَالصَّلَاحِ وَالْإِيمَانِ، وَالْمَغْفِرَةِ وَالرِّضْوَانِ، مِثْلَ مَا أَوْجَبَ وَ دَرَسْتِي وَ اِيْمَانِ، وَ آمَرِزْشِ وَ رِضْوَانِ، مَانَدِ آنچِهْ رَا وَاجِبِ گَرْدَانِيْدِهْ اسْتِ

لِأَوْلِيَائِهِ وَصَالِحِي عِبَادِهِ مَنْ زُورِهِمْ وَوَفَّادِيهِمْ، وَمَـوَالِيهِمْ برای اولیائش و بندگان شایسته از زائران، واردشدگان، اردتمندان، و مُجِیْبِهِمْ، وَحِزْبِهِمْ وَشِيعَتِهِمْ، اَلْعَارِفِينَ حَقَّهُمْ، اَلْمُوجِبِينَ دوستانشان، و حزب و گروه ایشان و شیعیان شان، آن ها که معرفت به حق آنان دارند، طاعتَهُمْ، اَلْمِدْمِنِينَ ذِكْرَهُمْ، اَلرَّاعِبِينَ فِي زِيَارَتِهِمْ، اَلْمُنْتَظِرِينَ اطاعت شان را واجب می دانند، دائم در یاد آن ها می باشند، مشتاق زیارت شان هستند، اَيَّامَهُمْ، اَلْمُطِيعِينَ لَهُمْ، اَلْمُتَقَرِّبِينَ بِذَلِكَ إِلَيْكَ وَإِلَيْهِمْ. اَللَّهُمَّ دوران ایشان را انتظار می کشند، مطیع و فرمانبردار آنانند، و به این وسیله به درگاه تو و به سوی آن بزرگواران تَقَرَّب می جویند. خداوندا؛ أَنْتَ خَيْرُ مَنْ وَفَدَتْ إِلَيْهِ الرِّجَالُ، وَشَدَّتْ إِلَيْهِ الرِّحَالُ، وَصَيَّرَتْ تو بهترین کسی هستی که اشخاص به سوی او کوچ کنند، و در آستانه اش رحل اقامت افکنند، وَنَحْوَهُ الْأَمَالُ، وَارْتَجَى لِلرَّغَائِبِ وَالْإِفْضَالِ. وَأَنْتَ يَا سَيِّدِي آرزوها را متوجه او سازند، و برای رسیدن به خواسته ها و بخشش های فراوان به او امید داشته باشند. و تو ای سرور من؛ أَكْرَمُ مَا تُتَى، وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، وَقَدْ جَعَلْتَ لِكُلِّ مُلْتَمِسٍ مَا عِنْدَكَ گرامی ترین کسی هستی که به درگاهش آیند، و گرامی ترین زیارت شده ای، و تو به راستی برای هر که خواهان عنایت تو و آنچه نزد تو جز آء، وَلِكُلِّ رَاغِبٍ إِلَيْكَ هِبَةً، وَلِكُلِّ مَنْ فَزَعَ إِلَيْكَ رَحْمَةً، است جزا و پاداشی، و برای هر که مشتاق تو است و به تو روی آورده بخششی، و برای هر کس به پناهت آمده رحمتی، وَلِكُلِّ مُتَضَرِّعٍ إِلَيْكَ إِجَابَةً، وَلِكُلِّ مُتَوَسِّلٍ إِلَيْكَ عَفْوَاً، وَقَدْ جِئْتُكَ و برای هر که به سوی تو ناله و زاری می کند اجابتی، و برای هر که به تو تَوَسَّل جسته عفو و رحمتی قرار داده ای، و من زائراً لِقُبُورِ أَجْبَائِكَ وَأَوْلِيَائِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ عِبَادِكَ، و اِفْتِدَاءً برای زیارت قبور پاک اولیاء تو و دوستان تو، و برگزیدگان از میان بندگان آمده ام، وَإِلَيْهِمْ، نَازِلًا بِفِنَائِهِمْ، قَاصِدًا لِحَرَمِهِمْ، رَاغِبًا فِي شَفَاعَتِهِمْ، به سوی آنان کوچ کرده، و به آستان مبارک ایشان فرود آمده، و آهنگ حرم ایشان را دارم، به شفاعت شان مایل و مشتاقم، مُلْتَمِسًا مَا عِنْدَهُمْ، رَاجِيًا لَهُمْ، مُتَوَسِّلًا إِلَيْكَ بِهِمْ، وَحَقُّ عَلَيْكَ خواهان عنایت شان و آنچه نزدشان هست می باشم، امید به آن ها بسته، و به وسیله ایشان به درگاه تو تَوَسَّل جسته ام، و سزاوار است که

أَلَا تُحِبُّ سَائِلَهُمْ وَوَأَفْتَدَهُمْ، وَالنَّازِلَ بَيْنَهُمْ، وَالْمُنِيخَ بِسَاحَتِهِمْ، تَوَكَّدَ ائِشَان وَ وَاوردشده بر ايشان، و آن كه به آستان آنان فرود آمده، و در صحن و سراي شان اقامت گزيده، مِنْ حَزْبِهِمْ وَأَشْيَاعِهِمْ، وَوَقَفْتُ بِهَذَا الْمَقَامِ الشَّرِيفِ، رَجَاءً مَاوِزِ حَزْبِ وَ گروه و پيروان آن ها است محروم مگرداني، و در اين مقام باشرافت (آمده و) تَوَقَّفَ کرده ام به اميد عنايتي عِنْدَكَ لِرُؤُوسِهِمْ، وَالْمُطِيعِينَ لَهُمْ، مِنَ الرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَالْفَضْلِ كِه به زائران و فرمانبرداران ايشان، از رحمت و آمرزش، و لطف وَالْإِنْعَامِ، فَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَخِيْبٍ وَفِدَكَ وَوَفْدِهِمْ، وَأَكْرَمْنِي وَبَخْشِشِ دَارِي، پس مرا از محروم ترين كساني كه نزد تو و نزد ايشان آمده قرار مده، وَبِالْجَنَّةِ، وَمَنْ عَلَى الْمَغْفِرَةِ، وَجَمَلْنِي بِالْعَافِيَةِ، وَأَجْزْنِي بِالْعَتَقِ بِهَشْت را بر من كرامت كن، و با آمرزش بر من مَنّت بگذار، و با عافيت مرا زينت ده، و با رهايي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسَعِ عَلَى رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَفَضْلِكَ الْوَاسِعِ الْجَزِيلِ، از آتش مرا پناه بده، و روزي حلال، و لطف گسترده زيادت را بر من فراخ گردان، وَادْرَأْ عَنِّي أَيْدِيَ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَ همواره شَرِّ و بدی هر صاحب شَرِّی از جَنِّ و انس را از من دور گردان. پدروأمی یا سادتی، أَتَقَرَّبُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ، وَاتَّوَجَّهُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ، و مادرم فدای شما ای سروران من؛ به وسیله شما به خدا تقرب می جویم، و به واسطه شما به خدا روی می آورم، وَأَطْلُبُ بِكُمْ حَاجَتِي مِنَ اللَّهِ، جَعَلَنِي اللَّهُ بِكُمْ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَاتَّقُوا اللَّهَ، وَتَحَنَّنُوا عَلَيَّ، و آخرت آبرومند و از مقربان (درگاهتان) قرار دهد. پدر شما در دنیا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، تَحَنَّنُوا عَلَيَّ، و آخرت آبرومند و از مقربان (درگاهتان) قرار دهد. پدر و مادرم و جانم فدای شما؛ بر من دلسوزی و مهربانی کنید، وَارْحَمُونِي، وَاجْعَلُونِي مِنْ هَمَّكُمْ، وَادْكُرُونِي عِنْدَ رَبِّكُمْ، و رحم کنید، و مرا مورد توجه خود قرار دهید، و از من نزد پروردگارتان یاد کنید، وَكُونُوا عِصْمَتِي، وَصِيَّيْرُونِي مِنْ حَزْبِكُمْ، وَشَرَّفُونِي بِشَفَاعَتِكُمْ، و پناه من باشید، و مرا از حزب و گروه خود گردانید، و با شفاعت خویش شرافت بخشید،

وَمَكْنُونِي فِي دَوْلَتِكُمْ، وَاحْشُرُونِي فِي زُمْرَتِكُمْ، وَأُورِدُونِي وَدَوْلَتِ حُكُومَتَانِ تَوَانَا وَقَدَرْتَمَنْدِ سَازِيدِ، وَدَرْ زَمَرِه خُودَتَانِ مَحْشُورِ فَرْمَائِيدِ، وَحَوْضُكُم، وَأَكْرَمُونِي بِرِضَاكُم، وَأَسْعِدُونِي بِطَاعَتِكُم، وَخَصُّونِي دَرْ كِنَارِ حَوْضِ خُويش (كوثر) وَارِدِ نَمَائِيدِ، وَبَارِضَايَتِ وَخَشْنُودِي خُويش گَرَامِي دَارِيدِ، وَبِه طَاعَتِ خُويش يَارِي كَنِيدِ، وَبِفَضْلِكُم، وَاحْفَظُونِي مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَشَرِّ الْإِنْسِ بِه فَضْلِ وَاحْسَانِ خُويش اخْتِصَاصِ دِهِيدِ، وَمَرَا از نَپَسَنْدِي هَا وَنَاخُوشِ آيِنْدَهَايِ دُنْيَا وَآخِرَتِ، وَ(از) شَرِّ انْسِ وَالْجِنِّ، وَكُلِّ ذِي شَرِّ بِقُدْرَتِكُم، فَبِذَمِّهِ اللّٰهُ وَذِمَّتِكُم، وَجَلَالِ وَجَنِّ، وَ(از) شَرِّ هَر دَارِنْدِه شَرِّ بِه قَدَرَتِ خُويش مَحْفُوظِ بَدَارِيدِ، پَس بِه ضَمَانِ خُدا وَضَمَانِ شَمَا، وَجَلَالِ اللّٰهُ، وَكِبَرِيَاءِ اللّٰهُ، وَمُلْكِ اللّٰهُ، وَسُلْطَانِ اللّٰهُ، وَعَظَمَةِ اللّٰهُ، وَعِزِّ خُدا، وَكِبَرِيَاءِ خُدا، وَپَادِشَاهِي خُدا، وَسُلْطَنَتِ خُدا، وَعَظَمَتِ خُدا، وَعِزَّتِ اللّٰهُ، وَكَلِمَاتِهِ الْمُبَارَكَاتِ، أَمْتِنُوعُ وَأَحْتَرِسُ وَأَسْتَجِيرُ وَأَسْتَعِيْثُ خُدا، وَكَلِمَاتِ بَابِرَكْتَشِ خُودِ رَا بَازَمِي دَارَم، وَحَفْظِ مِي كَنَم، وَپِنَاهِ مِي بَرَم، وَكَمَكِ مِي خُواهِم، وَأَحْتَرِزُ، وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَمَالِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ أَيْدَا فِي وَنَگِهِ مِي دَارَم، وَاهِلِ وَعِيَالِ وَفَرَزَنْدَانِمِ وَآنِچِه دَارَم وَبِرَادَرَانِ مُؤْمِنِمِ رَا بَرَايِ هَمِيْشِه دَر الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، مِنْ كُلِّ سُوءٍ، وَبِكُم أَرْجُو النِّجَاةَ، وَأَطْلُبُ دُنْيَا وَآخِرَتِ، از هَر بَدِي، وَبِه وَسِيْلِه شَمَا نِجَاتِ رَا اَمِيْدِوَارَم، وَدَرِستِي الصَّلَاحِ، وَامِلُ النِّجَاحِ، وَأَسْتَشْفِي مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ، وَإِلَيْكُم وَنِيكِي رَا خُواهِانِم، وَمُوقَفِيَّتِ رَا آرزو دَارَم، وَشِفَا از هَر دَرْدِ وَمَرَضِي رَا مِي خُواهِم، وَمَفَرِّي مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَعَلَيْكُم مَعْوَلِي عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ وَرَخَاءٍ. گَرِيز گَاهِ مِنْ از هَر بِيْمِ وَهَرَا سِي بِه سُوِي شَمَاسْتِ، وَتَكِيَه گَاهِ مِنْ دَر هَر سَخْتِي وَسَسْتِي بِر شَمَا اسْت. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا أَنْتَ وَهُمْ أَهْلُهُ، خُداوَنْدَا؛ بِر مَحْمِدِ وَبِر آلِ مَحْمِدِ دَرُودِ فَرَسْتِ، اَن گُوْنِه كِه تُو وَايشَانِ شَايِسْتِه اَن هَسْتِيْدِ، وَأَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ دَعَا إِلَيْهِ، وَدَلُّوا عَلَيْهِ، وَأَمُرُوا بِهِ، وَمَرَا دَر هَر خِيْرِي كِه بِه سُوِي اَن دَعُوْتِ كَرْدَنْدِ، وَبِر اَن رَا هِنْمَايِي نَمُودَنْدِ، وَبِه اَن دَسْتُورِ دَادَنْدِ،

وَرَضُوا بِهِ، قَوْلًا وَفِعْلًا، وَنَجَّيْنِي بِهِمْ مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ، وَأَخْرَجْنِي وَازِئًا خَشْنُودًا، از نظر گفتار و رفتار وارد کن، و به وسیله آنان مرا از هر ناخوش آیندی رهایی بخش، و مِنْ كُلِّ سُوءٍ، وَأَعَصَيْتَنِي مِنْ كُلِّ مَا نَهَوَا عَنْهُ وَأَنْكَرُوهُ، از هر بدی خارج کن، و مرا از آنچه نهی کرده اند و مورد پسندشان نیست، وَخَوْفُوا مِنْهُ وَخِذُّوهُ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَفَرِّجْنَا بِهِمْ، وَأَهْلِكَ وَازِئًا ترسانیده و برحذر داشته اند مصون بدار و حفظ کن، و در فرج ایشان و فرج ما به وسیله ایشان شتاب کن، وَعَدُّوهُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ، وَبَلِّغْ أَرْوَاحَهُمْ وَأَجْسَادَهُمْ أَبَدًا دُشْمَنانِشان را از انسان ها و از جنّ نابود گردان، و به جسم و جان پاک و مقدّس ایشان همواره مِنِّي السَّلَامُ، وَارْزُدْ عَلَيْنَا مِنْهُمْ السَّلَامُ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ از طرف من سلام برسان، و سلام ایشان را به ما بازگردان، و سلام وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. (۱)

و رحمت و برکات خداوند بر همه آنان باد.

زیارت چهارم وداع

این زیارت را نیز علامه مجلسی رحمه الله در «بحار الأنوار» برای وداع با ائمه صلوات الله علیهم نقل نموده است:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَةَ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَئِمَّةَ الْمُتَّقِينَ، وَأَعْلَامَ سَلَامٍ بِرِشْمَايَ سُرُورَانَ أَهْلِ إِيْمَانٍ، وَبِشَوَايَانَ أَهْلِ تَقْوَا، وَنَشَانِهِ هَا
بِرَايَ الْمُهْتَدِينَ، وَوَرَثَةِ النَّبِيِّينَ، وَسِلَالَةِ الْمُرْسَلِينَ، وَقُدُوةَ الصَّالِحِينَ، رَاهِ يَافِتْكَانَ، وَوَارِثَانَ بِبَا مِبرَانَ، وَفَرْزَنْدَانَ رَسُولَانِ، وَمُقْتَدَايَ
صَالِحَانِ،

ص: ۶۹۹

وَحَجَّجَ اللَّهُ عَلَى الْعَالَمِينَ، قَدْ أَنْ لَكُمْ مِنَ الْوِدَاعِ، وَحَانَ وَحَجَّتْ هَي هِي بِرْ جِهَانِيَان، اِينَكْ هِنَكَام وِدَاعِ مِنْ بَا شِمَا وَالْتَّعْجِيلُ لَهُ وَالْإِسْرَاعُ، لَا مِنْ سَيِّئِمْ لَكُمْ، وَلَا مَلَلٍ لِلْمَقَامِ عِنْدَكُمْ، شَتَاب و سِرْعَتْ بَرَايْ آن فَرَارْسِيْدَه، الْبَتَهْ نَهْ بِخَاطِرْ اِينَكْهْ اَزْ دِيْدَارْ شِمَا خُسْتَهْ شَدَهْ و اَزْ مَانْدَنْ نَزْدْ شِمَا اَفْسَرْدَهْ و مَلُولْ گُسْتَهْ بَاشِم، لَكِنْ لِأَسْبَابِ مَانِعَةٍ، وَمُلِمَّاتٍ عَنِ الْإِقَامَةِ دَافِعَةٍ، يَتَضَحُّ لَهَا بَلَكْهْ بِخَاطِرْ جِهَاتِيْ كِهْ مَانَعَنْدْ و حَوَادِثِيْ كِهْ مَرَا اَزْ مَانْدَنْ بَازْمِيْ دَارْد، الْإِعْتِذَارُ، وَيَتَعَذَّرُ مَعَهَا اللَّبْثُ وَالْقَرَارُ. فَأَسْأَلُكُمْ اللَّهُ، عَذْرَآوردَنْ آن رَا آشكارْ مِيْ كَنْد، و تَوَقُّفْ و درنگْ رَا بَرَايْ مِنْ نَامَمَكْنْ و دَشَوَارْ مِيْ سَازْد، لَذَا شِمَا رَا بَهْ خُدا سِپَرْدَه، وَأَسْأَلُهُ بِكُمْ رِضَاءَهُ، وِدَاعِ عَازِمٍ عَلَى الْعَوْدِ إِلَيْكُمْ، مُتَأَسِّفٍ و بَهْ وَاسِطَهْ شِمَا رِضَايْتْ اَوْ رَا مَسْأَلْتْ مِيْ نَمَايْم، (وِدَاعِ مِيْ كَنْم) وِدَاعِيْ كَسِيْ كِهْ تَصْمِيْمْ بَهْ بَازْگُسْتْ بَهْ سَوِيْ شِمَا رَا دَارْد، وَلِتَعِذَّرِ الْمَقَامِ لَعْدِيْكُمْ، وَكَيْفَ لَا يَتَأَسَّفُ عَلَى فِرَاقِ مَشَاهِدِكُمْ بَهْ خَاطِرْ نَامَمَكْنْ بُوْدَنْ مَانْدَنْ نَزْدْ شِمَا اَنْدَوَهْگِيْنْ اَسْتْ و چْگُوْنَهْ تَأْسَفْ نَخُورْدْ و اَنْدَوَهْگِيْنْ نَبَاشْدْ بَرْ جِدَائِيْ اَزْ جَايْگَاهِ الشَّرِيفَةِ الْمُعْظَمَةِ، وَبُقَاعِ قُبُورِكُمْ الْمُبَارَكَةِ الْمُكْرَمَةِ، وَفِيهَا شَرِيفْ و بَاعْظَمْتْ حُضُورْ نُورَانِيْ شِمَا و بَارْگَاهِ مَبَارَكْ و گَرَامِيْ و اَرْزَشْمَنْدْ شِمَا، دَرْ حَالِيْ كِهْ دَرْ آن يُسْتَجَابُ الدُّعَاءُ، وَيُصْرَفُ الشُّوْءُ وَالْبَلَاءُ، وَيُمَجَّى الشَّقَاءُ، دَعَا مَسْتَجَابْ و بَدْ و بَلَاء-دُورْ مِيْ گَرْدْد، و سَخْتِيْ و بَدْبَخْتِيْ اَزْ بِيْنْ مِيْ رُود، وَيَشْفَى الدَّاءُ، وَبِكُمْ يُؤْمَنُ الْعَذَابُ، وَتُهَوَّنُ الصَّعَابُ، وَيُنْجَحُّ و دَرْدَهَا دَرْمَانْ مِيْ شُود، و بَهْ وَاسِطَهْ شِمَا اَزْ عَذَابِ اِيْمْنِيْ مِيْ يَابَنْد، و دَشَوَارِيْ هَا آسَان، وَالطُّلَابُ، وَيُزْجَحُّ الثَّوَابُ، وَبِكُمْ تَتِمُّ النِّعْمَةُ، وَتَعُمُّ الرَّحْمَةُ، جُوِيْنْدْگَانْ كَامِيَابْ مِيْ شُوْنْد، و بَهْ ثَوَابْ و پاداشْ بِيْشْتَرْ هِيْ مِيْ رَسَنْد، و بَهْ سَبَبْ شِمَا نَعْمْتْ تَمَامْ، رَحْمْتْ فَرَاگِيْر، وَتَنْدَفِعُ النِّقْمَةُ، وَتَنْكَشِفُ الْغَمُّ، وَتُقَيِّلُ التَّوْبَةُ، وَغُفِرَ الْحَوْبَةُ، عَقُوبَتْ و بَلَا دُورْ، غَمْ و غَضَهْ بَرطَرَفْ، تُوْبَهْ پَذِيْرْفْتَهْ، گَنَاهْ آمَرْزِيْدَه، وَتَزْكُوْ الْأَعْمَالُ، وَتَنَالُ الْأَمَالُ، وَيَتَحَقَّقُ الرَّجَاءُ، وَتَبْلُغَ السَّرَّاءُ، اَعْمَالْ پَاكِيْزَهْ، آرزُوها بَرْآوَرْدَهْ گَرْدْد، اَمِيْدْ تَحَقَّقْ يَافْتَهْ و بَهْ شَادْمَانِيْ رَسْد،

وَتُدْفَعُ الضَّرَّاءُ، وَتُهْدَى الْأَرْاءُ، وَتَرْشُدُ الْأَهْوَاءُ، وَتَحْصُلُ وَضُرر و زیان دفع، آراء هدایت و خواسته ها رشد پیدا کند، والسیاده، وَتَكْمِلُ السَّعَادَةَ، وَيَقْبَلُ الْإِيمَانُ، وَيَذُرُّكَ الْأَمَانُ، سروری حاصل، سعادت کامل، ایمان قبول و آرامش و اطمینان یابد وَتَدْخُلُ الْجَنَانَ، وَعَنْكُمْ يُسْأَلُ الْإِنْسُ وَالْجَانُّ. فَوَا أَسَفاً لِمُفَارِقِهِدَاخِل بهشت شود، و در مورد شما و ولایت شما است که از هر انسان و جنی سؤال شوند. چه قدر اندوه و تأسف می خورم بخاطر جدائی جنابکم، ووا شوقاهُ إِلَى تَقْيِيلِ أَعْتَابِكُمْ، وَالْوُلُوجِ بِإِذْنِكُمْ از آستان شما، و چه قدر شوق و اشتیاق دارم به بوسیدن درگاه شما، و وارد شدن به لَأَبْوَابِكُمْ، وَتَغْفِيرِ الْخَدِّ عَلَى أَرْبِجِ تُرَابِكُمْ، وَاللِّيَاذِ بِعَرَصَاتِكُمْ، بارگاهتان با اجازه شما، و مالیدن صورت را بر خاک خوشبوی شما، و پناه آوردن به صحن و سراوَمَحَالِّ أَبْدَانِكُمْ وَأَشْخَاصِكُمْ، الْمَحْفُوفَةِ بِالْمَلَائِكَةِ الْكَرَامِ، و محلّ فرود آمدن جسم پاک و پیکر شریف شما، که فرشتگان بزرگوار اطراف آن گرد آمده، وَالْمَتْخُوفَةِ مِنَ اللَّهِ بِالرَّحْمَةِ وَالسَّلَامِ، وَدَدْتُ أَنْ كُنْتُ لَهَاو رحمت و سلام خداوند گرداگرد آن را فراگرفته است، دوست داشتم که دربان این آستان بودم، سادِنًا، وَفِي جَوَارِهَا قَاطِنًا، لَا يَزْعُجُنِي عَنْهَا الرَّحِيلُ، وَلَا يَفُوتُنِي وَ در جوار آن ساکن می شدم، بانگ رحیل و کوچ کردن مرا از آن دور نمی گرداند و با آن خوابگاه از دستم بِهَا الْمُقِيلُ، لِيَكْثُرَ بِهَا إِلْمَامِي، وَاسْتِلَامِي لَهَا وَسِيَامِي. فَأَسْأَلُ نَمِي رَفْت، تا دیدار من زیادتر و و استلام سنگهای حرمش که برایم بهتر از حجارالأسود است بیشتر و سلام و درودم فراوانتر می گردید، اكنون ازالله الَّذِي هَدَانِي لِمَعْرِفَتِكُمْ، وَأَكْرَمَنِي بِمَحَبَّتِكُمْ، وَتَعَبَّدَنِي خِدَائِنِي که مرا به معرفت شما هدایت کرد و با دوستی شما گرامی داشت و به ولایت شما پایند بُولَايَتِكُمْ، وَنَدَبَنِي إِلَى زِيَارَتِكُمْ، الْعَوْدَ مَا أَبْقَانِي إِلَى حَضَرَتِكُمْ، نمود و به زیارت شما فراخواند، می خواهم (تا مادامی که زنده ام به حضور شما بازگرداند، وَالْبِشَارَةَ إِذَا تَوَفَّانِي بِمُرَافَقَتِكُمْ، وَالْحَشَرَ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَالْدُّخُولَ وَ چون جانم را گرفت به همراهی با شما و محشور شدن در زمره شما، و داخل شدن

فِي شَفَاعَتِكُمْ. فَيَا لَيْتَ شِعْرِي يَا سَادَتِي كَيْفَ حَالِي فِي رَحْلَتِي، در شفاعت شما مرده ام دهد. اکنون که در حال رفتن و کوچ کردنم کاش می دانستم حالم چگونه است؟ اَمَغْفُورُهُ ذُنُوبِي، وَمَسْتُورُهُ عُيُوبِي، وَمَقْضِيَّتُهُ حَاجَتِي، وَمُنْجَحَّاهَا يَا گناهانم آمرزیده شده؟ عیوبم پرده پوشی شده؟ حاجتم برآورده و خواسته ام رَوَاطِلَتِي، فَذَاكَ الَّذِي أَمَلْتُهُ، وَفِي كَرَمِكُمْ تَوَسَّعْتُهُ، فَمَا أَسْـَٔدَنِي گردیده است؟ که این آرزوی من است، و درباره کرم و بزرگواری شما چنین گمانی دارم، پس چه سعادت مندم بِكُمْ، وَأَعْظَمُ فَوْزِي بِحُبِّكُمْ، أَمْ رَاحِلٌ بِوُزْرِي، مُثْقَلٌ بِهِ ظَهْرِي، به وسیله شما، و چه کامیاب و پیروزم با داشتن دوستی و محبت شما، یا اینکه با بار گرانی از گناه که پشتم را سنگین کرده، مَحْجُوباً دُعَائِي، خَائِباً رَجَائِي. فَيَا شَقَوَاتَاهُ إِنْ كَانَتْ هَذِهِ حَالِي، بدون اینکه دعایم مستجاب شده باشد و به امیدم رسیده باشم باز می گردم، که اگر حالم چنین است وای بر من و بدبختی من ویا خَیْبُهُ اِمَالِي، يَا بِي ذَلِكْ بَرِّكُمْ وَإِحْسَانُكُمْ، وَجَمِيلَ وَعْدِكُمْ و وای بر آرزوهای برآورده نشده ام، ولی لطف و احسان شما و نویدها و ضمانت هایی که لِزَائِرِكُمْ وَضَمَانُكُمْ، وَتَأْبِي مَكَارِمَ أَخْلَاقِكُمْ، وَطَهَارَةَ شِيَمِكُمْ نسبت به زائرانتان نموده اید چنین چیزی را نمی پذیرد، و اخلاق کریمانه و خلق و خوی پاکیزه و سیره محبت آمیز شما و أَغْرَاقِكُمْ، وَكَرَمِكُمْ عَلَى رَبِّكُمْ، وَعِنَايَتِكُمْ بِزَائِرِكُمْ وَمُجِيبُكُمْ، از چنین رفتاری به دور است، و کرامت شما نزد پروردگار و عنایتی که به زائر و دوستدار خود دارید اَنْ يُرَدَّ سَأَالُهُ، أَوْ يُخَيِّبَ لِمَدِيهِ اِمَالُهُ، وَيَأْبِي اللَّهَ إِلَهًا تَصْدِيقَ بَاعْثٍ می شود که درخواست او رد نشود یا محروم نسبت به آرزوهایش نگردد، و خداوند نمی پسندد مگر آنکه وَعْدِكُمْ، وَتَحْقِيقَ الرَّجَاءِ بِقَضَائِكُمْ، إِسْعَافاً وَإِكْرَاماً لِقَاصِدِكُمْ، وعده شما را به آنکه قصد و آهنگ شما نموده راست گرداند و امیدش را برآورد، بخاطر گرمای داشتن و روی آوردن به آنکه به شما روی آورده، وَإِتْحَافاً بِالْخَيْرَاتِ لِزَائِرِكُمْ، وَكَذَلِكَ الظَّنُّ بِكُمْ، وَالْمَرْجُوُّ مِنْ وَهْدِيهِ دادن خیرات به زائران، و گمان ما به شما چنین است و امیدی که از فضل و فَضْلِهِ لِشِيَعَتِكُمْ. وَأُشْهِدُ اللَّهَ وَأَعْهَدُ عَلَيْهِ، وَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي عَلِيَّ احسان شما نسبت به شیعیانان می رود اینگونه است. و خدا را گواه می گیرم و بر آن با خدا پیمان می بندم، و (نیز) شما را گواه

ما عَاهَدْتُهُ عَلَيْهِ مِنَ الْإِقْرَارِ بِوَلَايَتِكُمْ، وَالْإِعْتِقَادِ لِفَرْضِ مِي گَیرِم که من بر آن عهدی که با شما بسته ام در مورد «اقرار به ولایت شما، و معتقد بودن به وجوب طاعتِ کُکم، وَالْإِعْتِرَافِ بِفَضْلِكُمْ، وَالْقِيَامِ بِنَصِيرَتِكُمْ، وَالتَّقَرُّبِ إِلَى اطاعت شما، و اعتراف به فضل و برتری شما و یاری کردن شما و به خدا تقرب جستن به الله بِحُبِّكُم، وَالطَّاعَةِ لَهُ بِالْكَوْنِ مَعَكُمْ، وَهَذِهِ يَدِي عَلَى مَا أَمَرَدُوسْتِي شما، و اطاعت فرمان او با بودن با شما» هستم. و این تعهد من است نسبت به آنچه الله بِهِ مِنَ الْوَفَاءِ بِعَهْدِكُمْ، وَالْبَيْعَةِ الْوَاجِبَةِ لَكُمْ، لَا أَبْغِي بِذَلِكَ خَدَاوند فرمان داده است از وفا نمودن به عهد و پیمان با شما و بیعتی که واجب است برای شما، با وجود آن چیزی که بَدَلًا، وَلَا أُرِيدُ عَنْهُ تَحْوِيلًا. وَأَشْهَدُ أَنَّ ذَلِكَ مِنَ اللَّهِ أَمْرٌ عَازِمٌ بَدَل و جایگزین آن نمی جویم و هرگز نمی خواهم از آن دگرگون گردم. و گواهی می دهم که آن از طرف خداوند امری است تصمیم گرفته شده وَحْتَمٌ عَلَى الْأَمَّةِ لِازِمٌ، لَا حُجَّةَ لِمَنْ جَهْلَهُ، وَلَا عُذْرَ لِمَنْ وَحْتَمِي و بر اُمت لازم گشته است، کسی که نسبت به آن جاهل باشد حجتی ندارد، و کسی که نسبت به آن أَهْمَلَهُ، أَدِينُ اللَّهُ بِذَلِكَ فِي السِّرِّ وَالْإِعْلَانِ، وَالذِّكْرِ وَالنَّسْيَانِ، سستی و بی پروائی نماید عذری نخواهد داشت، من به آن در پنهان و آشکار و در حال توجه و فراموشی، وَفِي الْمَمَاتِ وَالْمَحْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى، وَعَلَى بُعْدِ الدَّارِ، و مرگ و زندگی و در دنیا و آخرت، و دوری از منزلگاه و قُرْبِ الْمَزَارِ. اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَبَتَّنِي و نزدیکی زیارتگاه معتقدم. خداوندا؛ بر مُحَمَّد و آل مُحَمَّد درود فرست و مرا علی ذلِكَ حَتَّى أَلْقَاكَ، وَوَفَّقْنِي لِطَاعَتِكَ وَرِضَاكَ، وَانْفَعْنِي بِمَا بَرَّيْنِ امر تا هنگام دیدارت ثابت بدار، و برای فرمانبرداری و جلب رضایت و خشنودی ات مَوْفَق فرما، و به آنچه عَلَّمْتَنِي، وَزِدْنِي مِنَ الْخَيْرِ مَا أَلْهَمْتَنِي، وَلَا تُرْغِ قَلْبِي بَعِيدٍ إِذْمَرَا آموخته ای بهره مند ساز، و به آنچه از خیر و خوبی الهام نموده ای بیفزای، و قلبم را پس از آنکه هِدَايَتَنِي، فَلَمَكَ الْحَمِيدُ عَلَى مَا أَوْلَيْتَنِي. فَاسْأَلُكَ يَا مَنْ لَا تُخْصِي هِدَايَتِ نموده ای منحرف مگردان، تو سزاوار سپاس و ستایشی بر آنچه عنایت فرموده ای. از تو می خواهم ای آنکه

نِعْمُهُ، وَلَا يُوَاظِي كَرَمُهُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، نِعْمَتِ هَاشِمِ بْنِ شِمَارٍ، وَكَرَمِشِ نَامِتَنَاهِي است، که بر مُحَمَّد و آل مُحَمَّد درود فرستی، وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَةِ أَوْلِيَائِكَ، وَالْإِلْمَامِ بِمُشَاهِدَةِ أَيْنِ دِيدَارِ رَا آخِرِينَ دِيدَارِ مِنْ بَرای زیارت اولیائت و عتبه بوسی بارگاه حُجَجِكَ وَأَصْفِيَاءِكَ، وَالْهَمْنِي بِهَا شُكْرَ الْأَيْكِ، وَالْإِلْحَاحَ حُجَّتِهَا وَبِرْكَزِيدِ گانت قرار ندهی، و به برکت این زیارت شکر الطاف و عنایات و اصرار ورزیدن بِمَسْأَلَتِكَ وَدُعَائِكَ، وَاسْتَجِبْ لِي مَا دَعَوْتُكَ، وَأَعْطِنِي بِفَضْلِكَ در دعا و درخواست گدائی از خودت را به من الهام فرما، و آنچه دعا کردم برایم مستجاب نما، و به فضل و احسانت كُلِّ مَا سَأَلْتُكَ، وَاعْفِرْ لِي مَغْفِرَةً وَازِعَةً، وَارْحَمْنِي بِجُودِكَ آنچه درخواست نموده عطا کن، و مرا پیامرز آمرزشی که بازدارنده از گناه باشد، و به جود و کرمت به من رحم کن رَحْمَةً وَاسِعَةً يُؤْمِنُنِي بِهَا مِنْ سَيِّئَاتِكَ وَالنَّارِ، وَتُسَيِّدُنِي رَحْمَتِي که گسترده و فراگیر باشد و با آن مرا از خشم و غضبت و آتش دوزخت ایمن داری، و به بِفَضْلِكَ بِهَا دَارَ الْقَرَارِ مَعَ الْمَائِمَةِ الْأَطْهَارِ، وَشَيْعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ لطف خویش در سرای جاودانی در جوار ائمه طاهرین و شیعیان اهل بیت الْمَأْبُرِ. وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَسَّرَتْ حِسَابُهُ، وَأَحْسَنْتَ إِلَيْكَ مَا بَهُ، نیکوکار پیامبر ساکن گردانی. و مرا قرار بده از کسانی که حسابش را آسان می گیری، و بازگشتش را به سوی خودت نیکو می گردانی وَمَحْوَتْ سَيِّئَاتِهِ، وَضَاعَفَتْ حَسَنَاتِهِ، وَحَشَرَتْهُ فِي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَكَنَاهَانِش رَانَا بُوْد وَخُوبِي هَاشِمِ رَا دُوچندان می نمائی و در زمره مُحَمَّد و آلِ مُحَمَّدِ الطَّاهِرِينَ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَاعْفِرْوْ آلِ پَاك او - که درود تو بر همه آنان باد - محشور می فرمائی، و پیامرز لَوَالِدِي وَلِلْمُؤْمِنِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۱)

پدر و مادرم و همه مؤمنان را به رحمت بی کرانت ای مهربانترین مهربانان.

ص: ۷۰۴

علامه مجلسی رحمه الله در «بحار الأنوار» فرموده است: در زیارت وداع بگو آنچه روایت شده از امام صادق علیه السلام که در وداع با پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود، یعنی بگو:

لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ.

خداوند این سلام را آخرین سلام من بر شما قرار ندهد.

و اگر خواستی بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. سلام بر تو ای ولی خدا، و رحمت خداوند و برکات او بر تو باد. اَللّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي ابْنَ نَبِيِّكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَيَّخْدَاوْنَدَا؛ این زیارت را آخرین دیدار من و آخرین زیارت من از پسر پیامبرت، و حجتت بر خلقک، و اجمعتی و ایاه فی جنتک، و اخشونی معه و فی جزیه، آفریدگانت قرار مده، و مرا با او در بهشت قرین گردان، و با او و در حزب و گروه او محشور فرما، مع الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسُنَ اَوْلِيَّكَ رَفِيقًا، وَاسْتَوْدِعْكَ با شهیدان و اشخاص صالح و شایسته، و آنان خوب همراهان و همدمانی هستند، و شما را الله و استزعیك، و اَقْرَأْ عَلَيْكَ السَّلَامَ، اَمَّنًا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ به خدا می سپارم، و می خواهم که مرا مراقبت و نگهداری کنی، و بر شما سلام و درود می فرستم، به خدا و رسول و بما جئت به، وَدَلَّلْتُ عَلَيْهِ، فَاکْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ. (۱)

و آنچه آورده ای، و مرا بر آن راهنمایی فرموده ای ایمان آورده ایم، پس نام ما را با گواهان بنویس.

کلام مرحوم علامه مجلسی ظهور در اختصاص این زیارت به وداع با حضرت امام رضا علیه السلام ندارد.

ص: ۷۰۵

در کتاب «المزار الکبیر» روایت کرده است: هنگامی که خواستی وداع کنی، بگو:

سَلَامٌ عَلَیْكَ يَا مَوْلَايَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَنْتَ لَنَا جُنَّةٌ مِنْ سَلَامٍ بِرِئَايَ مَوْلَايَ مِنْ، وَرَحْمَتِ خُدا وَبَرَكَاتِ او بِرِئَايَ، تو برای ما سپری از العذاب، وَهَذَا أَوْ أَنْصِرَ رَافِي عَنْكَ، غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكَ، وَلَا عَذَابَ هَسْتِي، وَ اکنون زمان بازگشت من فرارسیده، در حالی که از شما روی برنگردانده، وَ كَسَى رَاْمُسْتَبْدِلٍ بِكَ، وَلَا مُؤَثِّرٍ عَلَيْكَ، وَلَا زَاهِدٍ فِي قُرْبِكَ، وَقَدْ جُذْتُ جَائِغِزِينَ شِمَا نَسَاخْتَهُ، وَ دِیْگَرِی را بِرِ شِمَا تَرْجِیْحِ نَداده ام، وَ دَرِ نَزْدِیْكَ بُوْدَن با شِمَا بَی اِعْتِنَا نِیْسْتَم، وَ بَه تَحْقِیْقِ بِنَفْسِی لِلْحَدَثَانِ، وَ تَرَكْتُ الْأَهْلَ وَالْأَوْلَادَ وَالْأَوْطَانَ، فَكُنْ لِي جَانِ خُودِ را دَرِ بَرَابَرِ حُودَاثِ رُوزِ گَارِ قَرَارِ دَادَم، وَ اهل و عیال و اولاد و سرزمین خُودِ را رها کرده ام، پَسِ شَافِعاً یَوْمَ حَاجَتِي وَفَقْرِي، یَوْمَ لَا یُعْنِي عَنِّي وَالِدِي وَلَا وَلَدِي. شَفِیعِ مِنْ بَاشِ رُوزِ نِیازمندی و تَهیدستی ام، رُوزِی که نَه پَدَرَم وَ نَه فَرزَنَدَم مَرَا بَی نِیازِ مِی کُند. اَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي قَدَّرَ رَحِیْلِي إِلَیْكَ أَنْ یَنْفَسَ بِكُمْ كُرْبَتِي، وَ اَسْأَلُ از خُداوندی که کُوچِ کَرْدَنَم را بَه سَوی شِمَا مَقْدَرِ فَرمودِ مِی خُواهِم که بَه وَسِیْلَه شِمَا اَنْدُوهَم را بِرِطَرَفِ کُند، وَاللَّهُ الَّذِي قَدَّرَ عَلَيَّ فِرَاقَ مَكَانَتِكَ أَنْ لَا یَجْعَلَهُ اخِرَ الْعَهْدِ مِنْ از خُداوندی که دُورِی از مَکانِ تُو را بِرِ مِنْ مَقْدَرِ فَرمودِ مِی خُواهِم که اِین زِیارتِ را آخِرِین دِیدارِ وَ آخِرِین رُجُوعِی إِلَیْكَ، وَ اَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَبْكَی عَلَیْكَ عَیْنِي أَنْ یَجْعَلَهُ رُجُوعَ مِنْ بَه سَوی شِمَا قَرَارِ نَدَهْد، وَ از خُداوندی که چَشمِ مَرَا بِرِ شِمَا گَرِیَانِ نَمُودِ مِی خُواهِم که آن رالی سَنَداً وَ ذُخْراً، وَ اَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَرَانِي مَكَانَكَ، وَ هَدَانِي بِرِی مِنْ پِشْتِوانه وَ ذَخیره قَرَارِ دَهْد، وَ از خُداوندی که مَکانِ وَ جَایگاهِ شِمَا را بَه مِنْ نِشانِ داد، وَ

لِلشَّيْلِمْ عَلَيْكَ، وَزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَنْ يُورِدَنِي حَوْضَكَ، وَيَزُقَّنِي بِرَأْسِهِ، وَزِيَارَتَانِ هَدَايَتِ كَرْدِ مِي خَوَاهِم كِه مَرَا دَر كَنَار حَوْضِ شَمَا وَارِد كَنْد، وَمُرَافَقَتُكُمْ فِي الْجَنَانِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ هَمْرَاه بُونِ بَا شَمَا رَا دَر بَهْشْتِ رُوزِي اَم گِرْدَانْد. سَلَام بَر تُو اِي بَر گَزِيْدِه خِدَاوَنْد، سَلَام عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَصِيَّيَ بَر تُو اِي رَسُولِ خِدَا، سَلَام بَر تُو اِي اَمِيْر وَفَرْمَانْرُو اِي مُؤْمِنَان، وَوَصِيَّيَ وَجَانَشِيْنَ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ، وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِيْنَ، السَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولِ پُروردگار جهانيان، وَپيشوايِ روسفِيدان، سَلَام بَر الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْأَيْمَنِ هَسَنَ وَحُسَيْنَ دُو سُرور جوانان اهل بهشت، سَلَام بَر اَمَامان - وَبَقِيَّه اَمَامان رَا نَام مِي بَرِي (عَلَيْهِمُ السَّلَام) - وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. رَحْمَتِ خِدَا وَبَرَكَاتِ اُو) بَر آنان باد.(السَّلَامُ عَلَيَّ مَلَائِكَهَ اللَّهِ الْمُقِيمِينَ الْمُسَبِّحِينَ، الَّذِينَ هُمْ بِأَمْرِ سَلَامِ بَر فَرَشْتگان خِدَاوَنْد كِه دَر اَيْن مَكَان اِقَامَتِ گَزِيْدِه وَتَسْبِيحِ گُويَانْد، آنان كِه بِه دَسْتُور رَبِّهِمْ يَعْْمَلُونَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. اللَّهُمَّ پُروردگارشان عَمَلِ مِي كَنْد، سَلَام بَر ما وَبَر بَنْدگان شايِسْتِه خِدَاوَنْد. خِدَاوَنْد! لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهُ، فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَاحْشُونِي مَعَهُ اَيْنِ زِيَارَتِ رَا آخِرِيْنَ دِيْدَارِ مِنْ وَآخِرِيْنَ زِيَارَتِ مِنْ اُو رَا قَرَار نَدِه، وَاِگَر قَرَار دَادِي مَرَا بَا اُو وَمَعَ آبَائِهِ الْمَاضِيْنَ، وَإِنْ أَبْقَيْتَنِي يَا رَبِّ فَارْزُقْنِي زِيَارَتَهُ أَبَدًا وَهَمْرَاه پِدَرانِ گَزِشْتِه اش مَحْشُور فَرْمَا، وَاِگَر عَمْرِي دَادِي وَبَاقِي گَزِشْتِي مَرَا اِي پُروردگار مِنْ؛ پَس هَمْوَاره تا مادامي كِه مَا أَبْقَيْتَنِي، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

مَرَا بَاقِي دَاشْتِه اِي زِيَارَتِ اُو رَا رُوزِيْمِ گِرْدَان، كِه تُو بَر هَر چيزِ تَوانا هَسْتِي.

وَ مِي گُويِي: أَشِيْتُودُعُكَ اللَّهُ وَأَسْتَزِعُكَ، وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، أَمَّا تُو رَا بِه خِدَا مِي سِپَارَم وَاز تُو نَگَهْبَانِي مِي طَلَبَم، وَبَر تُو سَلَامِ باز گِشْتِ مِي كَنْم،

بِاللَّهِ وَبِمَا دَعَوْتُ إِلَيْهِ. اَللّٰهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ. اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ بِهٖ خُدا و آنچه به سوى آن دعوت كردى ايمان آورديم. خداوندا؛ ما را با گواهان بنويس. خداوندا؛ مَوَدَّتْهُمْ اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِيْ، اَلسَّلَامُ عَلٰى مَلَائِكَهٖ اللّٰهِ وَزُوَارِ اِبْنِ مَوَدَّت و دوستى ايشان را هميشه تا مادامى كه مرا باقى داشته اى روزيم گردان، سلام بر فرشتگان خداوند و زائران (محترم) پسر رسولِ الله، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ مَنِ اَبَدًا مَا بَقِيْتُ دَائِمًا وَاِذَا فَنَيْتُ، رسول خدا، سلام من بر تو همواره تا مادامى كه باقى هستم و زمانى كه از دنيا رفتم، اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلٰى عِبَادِ اللّٰهِ الصّٰلِحِينَ.

سلام بر ما و بر بندگان صالح و نيكوکار خداوند.

و چون از بارگاهش بيرون آمدی، تا هنگامی كه از چشمست پنهان نگشته است رويت را از آن برمگردان. (۱) اين وداع را بعضی از بزرگان در باب زيارت های حضرت امام رضا عليه السلام آورده اند ولی ظاهراً مخصوص وداع با آن حضرت نيست.

زيارت هفتم وداع

مرحوم كفعمی فرموده است: در وداع با آن بزرگواران بگو:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَئِمَّةَ الْهُدٰی، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ. اَسْتَودِعُكُمْ سَلَامَ بِرِ شَمَا پيشوايان هدايت، و رحمت خدا و بركات او بر شما باد، شما را به خدا می سپارم، الله، وَاَقْرَأُ عَلَیْكُمْ السَّلَامَ، اَمَّا بِاللّٰهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتُمْ بِهِ، و بر شما درود می فرستم، ايمان آورده ايم به خدا و به پيامبر و به آنچه از احكام و دستورات آورده ايد، وَدَلَّلْتُمْ عَلَیْهِ. اَللّٰهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، وَلَا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ و بر آن رهنمون گشته ايد. خداوندا؛ نام ما را در زمره گواهان ثبت كن، و اين زيارت

ص: ۷۰۸

۱- ۸۴. المزار الكبير: ۶۵۳، بحار الأنوار: ۴۸/۱۰۲. و در روضه الأذكار (مخطوط: ۷۴ و كتاب في الزيارات والأدعية) مخطوط: ۷۹ با اندکی اختلاف نقل شده است.

مِنْ زِيَارَتِهِمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. (۱)

را آخرین زیارت از زیارت ایشان قرار نده، و سلام بر شما و رحمت خدا و برکات او بر شما باد.

زیارت هشتم وداع

هنگامی که خواستی وداع کنی بگو: قَدْ قَضَيْتُ يَا مَوْلَايَ بَعْضَ الْإِرْبِ مَوْلَايَ مِنْ؛ بعضی از آداب زیارتت را بجای آوردم، مِنْ زِيَارَتِكَ، وَلَوْ فَعَلْتُ يَا مَوْلَايَ مَا يَجِبُ عَلَيَّ، لَجَعَلْتُ و اگر بخوام آنچه بر من واجب است انجام دهم باید صحن تو را عَرَضَيْتُكَ دَارَ إِقَامَةٍ، وَلَكِنِّي مِنْ أَتْنَاءِ الدُّنْيَا أَكْدَحُ فِيهَا كَمَا سَرَايَ أَقَامْتُ خَوِيشِ قَرَار دهم، وَلِيَّ چَه كَنَم كَه از فرزند دنیایم و در راه آن تلاش می کنم همانطور كه جَرَتْ عَادَةُ مَنْ مَضَى، فَأَشِيءُ اللَّهُ الْبَارَّ الرَّحِيمَ أَنْ يُصَيِّمَنِي عَلِيَّ عَادَتِ كَاشَتَكَا ن بر آن جاری گشته است، پس از خداوند نیکوکارِ مهربان می خواهم كه بِرْمُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ لَا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمْ، مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ درود فرستد، و این دیدار را آخرین دیدار از زیارت شما وَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ، إِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. و همه مؤمنان قرار ندهد كه او مهربانترین مهربانان است، و او بر هر چیز توانا است.

سپس زیاد دعا کن به آنچه می خواهی كه برآورده می شود انشاء الله تعالی. (۲)

مؤلف گوید: مرحوم سید بن طاووس گفتاری درباره وداع با ماه مبارک رمضان فرموده است كه بی مناسبت نیست آن را در اینجا بیاوریم:

ص: ۷۰۹

۱- ۸۵. الْجَنَّةُ الْوَاقِيَةُ وَالْجَنَّةُ الْبَاقِيَةُ (مخطوط): ۷۶.

۲- ۸۶. بحار الأنوار: ۲۰۷/۱۰۲.

ایشان می فرماید: همانا در بعضی از این وداع ها ادّعا می کنی که جدا شدن از ماه رمضان و فقدان آن، تو را محزون ساخته و دلت را به درد آورده است به خاطر آنچه از فضل و بهره اش از دست داده ای، پس از تو خواسته می شود که در ادّعایت صادق باشی به این که آثار حزن و مصیبت بر چهره ات باشد و آخرین روز آن را با دروغ در گفتار و تباهی در کردار به پایان نرسانی.

و از وظایف شیعیان - بلکه از وظایف امت خاتم الأنبياء صلی الله علیه وآله وسلم - این است که در این زمان ها احساس ترس و بیم داشته باشند و در چنین موقعیت ها تأسّف بخورند بر آنچه ازدوران حضرت مهدی علیه السلام - که جدّ بزرگوارش حضرت محمّد صلی الله علیه وآله وسلم بشارت و وعده آن راداده - از دست داده اند و اگر آن بزرگوار در میان آنان حضور داشت به وسیله او به سعادت ها می رسیدند، تا خداوند خلوص و وفای آن ها را نسبت به ایشان که سبب سعادت دنیا و آخرت شان هستند ببیند، و قریب به این مضامین باید بگویند:

أَرَدُّدُ طَرْفِي فِي الدَّيَارِ فَلَأُرى

وَجُوهَ أَحِبَّائِي الَّذِينَ أُرِيدُ

چشم خود را در گوشه و کنار شهرها می چرخانم ولی نمی بینم چهره آن دوستانی را که می خواهم.

در حقیقت، مصیبت فقدان آن حضرت بر مردمان متدین، از مصیبت فقدان ماه رمضان سخت تر است.

آیا اگر پدر دلسوز یا برادر مددکار همراه و یا فرزند نیکوکار مهربانی را از دست داده بودند، برای دوری و فقدان او دچار ترس و وحشت و اضطراب نمی شدند و دلشان به درد نمی آمد؟ در حالی که بهره و منفعتی که از وجود آنان می برند هرگز قابل مقایسه با بهره و انتفاعی نیست که از وجود حضرت مهدی ارواحنا فداء نصیب آنان می شود؛ او که جانشین خاتم پیامبران و امام حضرت عیسی در نماز و فرمانروایی است، و از بین برنده انواع بلاها و اصلاح کننده امور همه کسانی است که در زیر آسمان به سر می برند. (۱)

ص: ۷۱۰

هشت زیارت از زیارت های اهل بیت علیهم السلام

که از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است

در این بخش، هشت زیارت از زیارت هایی را که حضرت امام رضا علیه السلام بیان فرموده اند نقل می کنیم:

زیارت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در حرم آن حضرت

ابراهیم بن ابی البلاد گوید: حضرت امام رضا علیه السلام به من فرمود:

در سلام کردن بر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم چه می گوئید؟

عرض کردم: آنچه معروف است و آن را روایت کرده اند. فرمود:

آیا می خواهی بهتر از آن را به تو بیاموزم؟

ص: ۷۱۱

عرض کردم: بلی فدای شما شوم. امام علیه السلام به خط مبارک خودش نوشت و آن را بر من خواند در حالی که در محضرش نشسته بودم:

هنگامی که کنار قبر مبارک رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم ایستادی بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدٌ غَوَاهِي مِي دَهَمِ كِه مَعْبُودِي جَزِ خَدَاوند نَمِي بَاشَد، اَو يَكْتَا اِسْت وَ شَرِيكِي بَرَايش نِيست، وَ گَوَاهِي مِي دَهَمِ كِه تُو مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ، بَنِ عَبْدِ اللَّهِ هَسْتِي وَ گَوَاهِي مِي دَهَمِ كِه تُو فرستاده خداوندی، وَ گَوَاهِي مِي دَهَمِ كِه تُو خَاتَمِ پيامبران وَ پايان بخش آنان هستی، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسَالَةَ رَبِّكَ وَنَصَّيْتَ لَأُمَّتِكَ، وَجَاهَدْتَ وَ گَوَاهِي مِي دَهَمِ كِه تُو وَحِي الهی وَ پيام پروردگارت را ابلاغ وَ برای اُمت خویش خيرخواهی نمودی، وَفِي سَبِيلِ رَبِّكَ، وَعَيَّدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، وَأَذَيْتَ الَّذِي عَلَىكَ در راه پروردگارت جهاد کرده وَ اُو را تا هنگام رحلت پرستیده ای، وَ حَقِّي كِه بَر عَهْدِه دَاشْتِي مِنَ الْحَقِّ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَجِيِّكَ أَنْ رَا ادا كُردِي وَ پَرداخته ای. خداوندا؛ بَر مُحَمَّدِ بنده ات وَ فرستاده ات وَ نيك نژادت وَ أَمِينِكَ وَصِيْفِيِّكَ وَخَيْرِيَّتِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَمِينَتِ وَ خَالِصِ وَ بَر گزیده ات از میان آفریدگان درود فرست بر تر از آنچه بَر أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا يَكِي از پيامبران وَ رسولانت فرستاده ای. خداوندا؛ بَر مُحَمَّدِ وَ آلِ مُحَمَّدِ سلام فرست همانگونه كِه صَلَّيْتَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ، وَآمَنْتُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَر نوح در جهانيان سلام فرستادی، وَ بَر مُحَمَّدِ وَ آلِ مُحَمَّدِ نَعْمَتِ بَدَه كَمَا مَنَنْتَ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ، وَبَارَكْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ همانطور كِه بَر مُوسَى وَ هَارُونَ نَعْمَتِ بخشیدی، وَ بَر مُحَمَّدِ وَ آلِ مُحَمَّدِ بَر كَت عطا كن كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ هَمَانِ كُونه كِه بَر ابراهيم وَ آلِ ابراهيم بَر كَت دادی، كِه تُو ستوده وَ باشكوه وَ باعظمتی. خداوندا؛

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَتَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ. بر محمد و آل محمد درود فرست و بر محمد و آل محمد مهربانی کن. اَللّهُمَّ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ، وَرَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَرَبَّ الرُّكْنِ خَدَاوَنَدَا؛ ای (پروردگار بیت الحرام) خانه کعبه، و پروردگار مسجدالحرام) مسجدی که کعبه در آن است) و پروردگار رکن و المقام، وَرَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ، وَرَبَّ الْمَشْعَرِو مقام، و پروردگار بلدالحرام) مکه، و پروردگار حل و حرام) آنجا که خارج از احرام اند و آنجا که در حال احرامند) و پروردگار مشعرالحرام، بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ مِنِّی السَّلَام. (۱)الحرام، به روح پاک (حضرت) محمد - که درود خدا بر او و آل او باد - از طرف من سلام برسان.

از یارت دیگر رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم در حرم آن حضرت

ابن قولویه رحمه الله به سند خود از احمد بن محمد بن ابی نصر روایت کرده است که گفت: به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم: چگونه کنار قبر رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم بر آن حضرت سلام عرض کنم؟

امام علیه السلام فرمود: می گویی:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، سلام بر رسول خدا، سلام بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو باد، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای محمد بن عبد الله، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَهُ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ سلام بر تو ای انتخاب شده خداوند، سلام بر تو ای دوست خدا، سلام

ص: ۷۱۳

ابراهیم فرستاده ای، که تو ستوده و باشکوه و با عظمتی.

فرمودند: بگو:

ص: ٧١٤

رَسُولُ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لَأُمَّتِكَ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَسُولِ خُدا هستی، و گواهی می دهی که تو برای اُمّت خویش خیرخواهی نموده، و در راه الله، وَعَدَيْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا خُدا جهاد کرده، و او را تا هنگام فرارسیدن مرگ پرستیده ای، پس خداوند بهترین پاداشی را که به پیامبری از طرف اُمّته. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ اُمَّتَكَ می دهد به شما مرحمت فرماید. خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست برتر از آنچه علی ابراهیم و آل ابراهیم، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. (۱)

بر ابراهیم و آل ابراهیم فرستاده ای، که تو ستوده و باشکوه و با عظمتی.

زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم پس از نماز واجب

بزنطی گوید: به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم: پس از نماز واجب، چگونه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم سلام و صلوات فرستم؟

امام علیه السلام فرمود: می گویی:

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ سلام بر تو ای رسول خدا و رحمت خدا و برکات او بر تو باد، سلام بر تو یا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ ای مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، سلام بر تو ای انتخاب شده خداوند، سلام بر تو ای حَبِيبَ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ یا اَمِينَ دوست خدا، سلام بر تو ای برگزیده خداوند، سلام بر تو ای امین و مورد اعتماد

ص: ۷۱۵

۱ - ۹۰. بحار الأنوار: ۱۵۵/۱۰۰، هدیّه الزائرین وبهجه الناظرین: ۳۰۶، المزار شیخ مفید رحمه الله: ۱۷۲، البلد الأمين: ۳۹۳، المصباح: ۶۳۱، وسائل الشیعه: ۱۰۴۷/۴.

١- ٩١. بحار الأنوار: ١٨١/١٠، هديّه الزائرین وبهجه الناظرین: ٣١٩، جامع أحاديث الشيعة: ٥١/٦، مقباس المصاييح: ٤٤.

الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَضْلَ الْإِسْلَامِ النَّامِي، وَفَزَعَهُ السَّامِي، سلام بر شما ای اصل و اساس و ریشه اسلام بالنده و رشدکننده، و شاخه بالا-رفته و سر بر فلک کشیده آن. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَنْ بِهِمْ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّيَامِ وَالْحَجِّ سلام بر شما ای کسانی که تمامیت نماز و زکات و روزه و حج و جهاد، وَتَوْفُرُ الْفَقْرِ وَالصَّدَقَاتِ، و اِمضاء الحُدُودِ الْمُسَمَّيَاتِ، و جهاد و کامل بودن آن ها و برقراربودن شان، و پس انداز کردن غنائم و دریافت وجوهات، و امضاء و اجرای حدود معین شده، وَالْأَحْكَامِ الْمُبَيَّنَاتِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَنْ بِهِمْ تُمْنَعُ الثُّغُورُ وَاحْكَامُ بَيَانِ شَدَّةٍ بِهٖ وَسِيْلَهٗ اِيْشَانِ اسْت. سلام بر شما ای کسانی که به سبب آن ها کناره ها و مرزهای شهرها حفظوا لِمَاطْرَافُ، وَتَجْرِي أُمُورُ الْخَلْقِ بِإِمَامَتِهِمْ عَلَى الْقَصْدِ وَالْإِنْصَافِ، می شود، و کارهای مردمان با امامت و پیشوائی ایشان بر مبنای عدل و اعتدال و انصاف جریان پیدا می کند. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْمُحَلَّلُونَ حَلَالَ اللَّهِ، وَالْمُحَرَّمُونَ حَرَامَ اللَّهِ، سلام بر شما ای حلال کنندگان حلال خدا، و حرام کنندگان حرام خدا، وَالْمُقِيمُونَ حُدُودَ اللَّهِ، وَالذَّابُّونَ عَنْ دِينِ اللَّهِ، وَالِدَّاعُونَ إِلَى أَقَامَةِ كُنْدِگَانِ حُدُودِ الهی، و دفاع کنندگان از دین خدا، و دعوت کنندگان به سبیلِ اللَّهِ، بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنِیَّةِ، وَالْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ. راه خدا با حکمت و پند و اندرز نیکو، وَحِیَّتِ رَسَا وَبِرْهَانِ قَاطِع. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَنْ فَضْلُهُمْ كَالشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ الطَّالِعَةِ، سلام بر شما ای کسانی که از نظر فضیلت مانند خورشید روشنی بخش آشکارید، الْمَجَلَّةِ بِنُورِهَا الْعَالَمَ، وَهِيَ فِي الْأَفْقِ بِحَيْثُ لَا تَنَالُهَا الْأَيْدِيْ كَهٗ بِهٖ نُوْرُ خُودِ جِهَانِ رَا رُوشَنِ سَاخْتَهٗ، و در افقی است که از حیث بلندی و ارتفاع دست کسی به آن نمی رسد و از جهت زیادی نور و الْأَبْصَارُ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْيَدُورُ الْمُنِيرَةُ، وَالسَّرُّجُ الزَّاهِرَةُ، هیچ چشمی قدرت دیدن آن را ندارد. سلام بر شما ای ماه های تابان (شب چهارده)، و چراغ های فروزان، وَالْمَأْنَوَارُ السَّاطِعَةُ، وَالنُّجُومُ الْهَادِيَةُ، فِي غَايِبِ الدُّجَا، وَطُرُقِ وَنُورِهَایِ دِرْخْشَانِ، وَ سِتَارِگَانِ هِدَايْتِگَرِ، دَر شَدَّتِ تَارِيكِيْ هَایِ شَبِّ، وَ رَاْهَایِ

الْبَلَدِ الْقَفَرِ، وَلَجَّحِ الْبَحَارِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَنْ حُبُّهُمْ كَأَلْمَاءِ شَهْرَاهِاى كَوِير بى آب و علف، و عمق هاى درياها. سلام بر شما اى كسانى كه دوستى و محبتشان مانند آب الْعَذْبِ عَلَى الظَّمَاءِ، وَالْغَذَاءِ الْمَرَىءِ، النَّافِعِ عَلَى الطُّوَى، شيرين گوارا در حال تشنگى، و غذای گوارا و نافع در زمان گرسنگى است، الدَّائُونَ عَلَى الْهُدَى، وَالْمُنْجُونَ مِنَ الرَّدى، وَالنَّارِ عَلَى الْيَفَاعِ شما راهنما و راهبر راه هدايت، و نجات بخش از فروافتادن و هلاكت، و همچون آتش روى تپه و بلندی نشان دهنده راه لِمَنْ اهْتَدَى وَاضِيَةً. السَّلَامُ عَلَى الْأَدِلَّةِ فِي الْمَهَالِكِ، برای كسى كه راه را بجويد، و كانون حرارت هستيد برای آنكه بخواهد گرم شود. سلام بر راهنمايان در پرتگاههاى هلاكت، الْمَفَارِقُ لَهُمْ هَالِكٌ، وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ. السَّلَامُ عَلَى مَنْ آنكه از شما جدا گردد هلاكت او حتمى است، و آنكه همراه شما و ملازم ركاب شما باشد به مقصود مى رسد و به حق مى پيوندد. سلام بر كسانى كه عُلُومُهُمْ كَالسَّحَابِ الْهَاطِلِ، وَالْغَيْثِ الْمَاطِرِ، وَالسَّمَاءِ الظَّلِيلَةِ، علم و دانش ايشان همانند ابر بارنده و باران پيوسته روان، و آسمان سايه افكن، وَالْأَرْضِ الْبَسِيطَةِ، وَالْعَيْنِ الْغَزِيرَةِ، وَالْغَدِيرِ وَالرَّوْضَةِ. السَّلَامُ و زمين گسترده، و چشمه اى جوشنده، و بر كه و بستان است. سلام عَلَيْكُمْ يَا مَنْ هُمْ كَالْأَمِينِ الرَّفِيقِ، وَالْوَالِدِ الشَّفِيقِ، وَالْمَأْمُ الْبَرِّهِتِرِ شما اى كسانى كه ايشان مانند امانتدارى نرم خو و مداراكننده، و همچون پدرى مهربان و دلسوز، و به منزله مادري نيكو كار بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا فَرَجَ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ، برای بچه صغير و كوچك هستند. سلام بر شما اى گشايش بندگان در سختى هاى عظيم، وَحُجَّتُهُمُ الْوَاضِحَةُ الشَّافِيَةُ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَمْنَاءَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، وَحَيَّتِ أَشْكَارَ وَقَاطِعَ قَانَعِ كُننده ايشان. سلام بر شما اى امينان الهى در ميان مردم، وَحُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ، وَخُلَفَاءُهُ فِي أَرْضِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا وَحَيَّتِ او بر بندگان، و جانشينان او در روى زمين. سلام بر شما اى الدُّعَاءُ إِلَى اللَّهِ، الدَّائُونَ عَنْ حَرِيمِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَى الْمُطَهَّرِينَ دعوت كنندگان مردم به سوى خدا، دفاع كنندگان از حريم پروردگار (كه آن را از ورود نامحرمان و نااهلان حفظ مى كنيد). سلام بر پاك شدگان

مِنَ الذُّنُوبِ، الْمُبَرِّئِينَ مِنَ الْعُيُوبِ. السَّلَامُ عَلَى الْمُخْصُوصِينَ از گناهان، و مبرا شدگان از هر گونه عیب. سلام بر مخصوصان بِالْعِلْمِ الْمَلْهُومِ، وَالْحِلْمِ الْمَعْلُومِ، وَالْفَضْلِ كُلِّهِ، وَأَهْلِ الْخَيْرِ بِهِ عِلْمِ الْهَى الْهَامَى، و بردباری معروف و شناخته شده، و تمام فضل و فضیلت، و اهل خیر و خوبی وَالْبَذْلِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا نِظَامَ الدِّينِ، وَعَزَّ الْمُسْلِمِينَ، وَعَظَمُوا بَذْلَ وَبَخْشِشَ. سلام بر شما ای سامان دهندگان دین، و مایه عزت مسلمانان، و خشم المنافقین، وَبَوَارِ الْكَافِرِينَ. السَّلَامُ عَلَى مَنْ لَا يُدَانِيهِمْ فِي مَنَاقِبٍ، وَهَلَاكَةٍ وَنَابُودَى كَافِرَانِ. سلام بر شما که هیچ کس در فضیلت هم سطح فضیلتهم أَحَدٌ، وَلَا يُوجَدُ فِي وَلَا يَتَّهِمُ بَدَلٌ. السَّلَامُ عَلَى السَّادَةِ شِمَا نِیْسَتِ وَبِه شِمَا نَزْدِیْكَ نَمِی گَرَدَد، وَدَر وَلَايَتِ وَسِرپرستی برای شما جایگزین یافت نمی شود. سلام بر سروران المیامین، وَمَنْ عَجَزَتْ عَنْ ذِكْرِ فَضْلِهِمُ الْبُلْغَاءُ، وَقَصُرَتْ عَنْ خَجَسْتِهِ، وَكَسَانِي كِه از ذِكر فضیلت شما اشخاص بلیغ - كِه به خوبی می توانند مقصود خویش را با گفتارشان برسانند - عاجز و ناتوانند، وَإِذْرَاكِهِمُ الْفَصِيحَاءُ، وَتَحَيَّرَتْ فِي نَعْتِ فَضْلِهِمُ الْخُطَبَاءُ، وَلَمْ تَنْتَهُ إِذْ ادْرَاكَ أَنْ سَخَنَ پَرْدَا زَان، نَارِسَا وَاز تَوْصِیْفِ فَضْلِ شِمَا، خَطِیْبَانِ سَخَن سَرَا سِرگردانند، وَإِلَيْهِ الْحُكَمَاءُ، وَتَصَاغَرَتْ عَنْ قَدْرِهِمُ الْعُظَمَاءُ. السَّلَامُ عَلَیْهِ حَكِیْمَانِ بِه سَوِی آن رَاہ نَمِی یَابَنْد، وَبِزَرگَانِ (بَشَر) دَر بَرَابَرِ قَدْرِ وَمَنْزَلَتِ شِمَا كُوچَكْ اَنْد. سلام بَرَمَنْ هُمْ كَالنُّجُومِ مِنْ يَدِ الْمُتَنَاوِلِ. السَّلَامُ عَلَى الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ كَسَانِي كِه هَمچُون سِتَارَه از دِسترس بِه دُورِید. سلام بَر عَالَمَانِی كِه لَا يَجْهَلُونَ، وَالِدُعَاةِ الَّذِينَ لَا يَنْكِلُونَ. السَّلَامُ عَلَى مَعْدِنِ الْقُدْسِ نَادَانِی نَدَارِید، وَدُعُوتِ كِنْدِگَانِی كِه تَرَس وَضَعْف نَدَارِید، وَهَرگَز كِنَار نَمِی كَشِید. سلام بَر كَانُونِ قَدَسِ وَالطَّهَارَةِ، وَالنُّسُكِ وَالزَّهَادَةِ، وَالْعِلْمِ وَالْعِبَادَةِ. السَّلَامُ عَلَى وَپَاكِی، وَطَاعَتِ وَزَهْدِ وَعِلْمِ وَعِبَادَتِ. سلام بَر الْمُخْصُوصِينَ بِدَعْوَةِ الرَّسُولِ، وَنَسْلِ الطُّهْرِ الْبُتُولِ. السَّلَامُ مَخْصُوصَانِ بِه دُعُوتِ رَسُولِ، وَنَزَادِ پَاكِ (حضرت زهراى) بَتُولِ. سلام

عَلَى مَنْ لَا يَشِيْقُهُمْ أَحَدٌ فِي نَسَبٍ، وَلَا يُدَانِيهِمْ فِي حَسَبٍ، بِرِ كَسَانِي كِه هِيْچ كَس اَز نَظَر اَصَالَت نَسَبِي بِر شَمَا پِيشِي نَكْرَفْتِه، وَ اَز جِهت كَرَامَت وَ شَرَاَفَت بِا شَمَا بِرَابَرِي نَمِي كَنَد، اَلْبَيْتُ مِنْ قُرَيْشٍ، وَ الدَّرْوَةُ مِنْ هَاشِمٍ، وَ الْعَتْرَةُ مِنَ الرَّسُولِ،) شَمَا (اَز قَبِيلَه شَرَاَفْتَمَنَد قَرِيش، وَ اَز نَسَل شَرِيف وَ بَزَرگَوَار هَاشِم، وَ اَز عَتَرَت پِيَامِبَر، وَ الرِّضَا مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، شَرَفُ الْأَشْرَافِ، وَ الْفَرْعُ مِنْ بَنِي وَ مُورَد رِضَا وَ خَشَنُودِي خَدَاوَنَد عَزِيز وَ وَالا، اَز هَر شَرِيفِي شَرِيف تَر، وَ جَدَاشَدَه اَز عَبْدِ مَنَافٍ. اَلْسَّلَامُ عَلَى الْمُصْطَفَيْنِ بِالْإِمَامَةِ، اَلْعُلَمَاءِ بِالسِّيَاسَةِ، عِبْدِ مَنَافِ هَسْتِيد. سَلَام بِر بِرگَزِيدگان بِه اِمَامَت، آگَاهاَن بِه تَدْبِير اُمُور جَامِعَه وَ مَصْلَحَت اَنَدِيشِي، اَلْمُفْتََرَضِينَ الطَّاعَةَ، اَلْسَّلَامُ عَلَى مَنْ اخْتَارَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى لِلْإِمَامَةِ، وَ وَاجِب گَشْتگان اطَاعَت. سَلَام بِر كَسَانِي كِه خَدَاوَنَد تَبَارَك وَ تَعَالَى اَنَان را بِرَاي اِمَامَت اخْتِيَار فرمود، وَ شَرَحْ صُدُورَهُمْ لِذَلِكَ، وَ أَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ يَنَابِيعِ الْحِكْمَةِ، فَلَمْ وَ بِرَاي اَن شَرَح صَدَر وَ تَحْمَل لَازِم را بِه اَنَان مَرَحْمَت كَرَد، وَ چَشْمَه هَاي جُوشَان حَكْمَت را دَر قُلُوبشان بِه وَدِيعَه نَهَاد، لَذا هَرگَزِيْعِيُوا بِجَوَابٍ، وَ لَمْ يَقْصُرُوا عَنْ صَوَابٍ. اَلْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا دَر پَاسَخ هِيْچ سْوَالي دَر مَانَدَه نَمِي شُونَد، وَ هِيْچگاه بِه خَطَا نَمِي رُونَد. سَلَام بِر شَمَا اِي السَّادَةَ اَلْمَعْصُومُونَ اَلْمُؤَيَّدُونَ، اَلْمُؤَفَّقُونَ اَلْمُسَدَّدُونَ، اَلْسَّلَامُ سِرُورَانِي كِه اَز هَر كُونه اَشْتَبَاهِي مَصُون وَ هُمُواره مُورَد تَأْيِيد وَ يَارِي پُرُور دگَار، مُوقِّق وَ اَسْتِوارِيد. سَلَام عَلَيْكُمْ يَا مَنْ أَمِنُوا الْعِثَارَ وَ الزَّلَلَ، وَ الْخَطَا وَ الْخَطَلَ، اَلشُّهَدَاءُ بِر شَمَا اِي كَسَانِي كِه اَز هَر كُونه خَطَا وَ لَغْزَش، وَ اَشْتَبَاه وَ گُول خُورَدَن اِيْمَن هَسْتِيد، گُواهان عَلى اَلْخَلْقِ، وَ اَلْأَمَنَاءُ عَلى اَلْحَقِّ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ عَلى اَبَائِكُمْ بِر هَمَه خَلْق، وَ اَمِينان بِر حَقِّ. سَلَام بِر شَمَا وَ بِر پَدَران اَلْأَكْرَمِينَ، اَلَّذِينَ اَتَاهُمُ اللَّهُ فَضْلَهُ، وَ هَدَى بِهِمْ سُبُلَهُ، وَ أَوْضَحَ بِهِمْ گَرَامِي شَمَا؛ اَنَانِي كِه خَدَاوَنَد فَضْل خُويش را بِه اَن ها مَرَحْمَت فرموده، وَ بِه وَسِيلَه ايشان راههاي هِدَايَت را نِشان دَادَه، وَ شِيُوه پِيْمُودَن مِنَ الدِّينِ مَنَهَجَهُ، وَ افْتَتَحَ بِهِمْ مُقَفَّلَهُ وَ مُرْتَجَهُ، «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ دِينَ را بِه وَسِيلَه اَنان اَشْكار سَاخْتَه، وَ دَرها وَ دَرِوازه هَاي بَسْتَه را بِه سَبَب اَنان گَشُودَه اَسْت. اَيْن، فَضْل وَ بَخْشَش خَدَا اَسْت

يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (۱)، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. به هر کس بخواهد عنایت می کند، و خداوند دارای فضل و بخشش بسیار است، و رحمت خدا و برکات او (بر شما باد).

سپس ضریح را بیوس و نماز زیارت و نمازهای دیگری که می خواهی بخوان، پس از آن برای آنچه دوست داری دعا کن و از خدا بخواه و بگو:

یا شامِخاً فی بُعْدِهِ، یا رُتُوفاً فی رَحْمَتِهِ، یا مُخْرِجَ النَّبَاتِ، یا ای بلندمرتبه در دوری اش؛ ای مهربان در رحمتش؛ ای بیرون آورنده گیاه؛ ای مُحْيِيَ الْأَمْوَاتِ، یا ظَهْرَ اللَّاحِقِينَ، یا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ، یا زنده کننده مردگان؛ ای پشتیبان پناهندگان؛ ای پناهنده حمایت طلبان؛ ای أَشِيعَ السَّامِعِينَ، یا أَبْصِرَ النَّاطِرِينَ، یا صَرِيحَ الْمُسْتَضْرِحِينَ، شنواتر از شنوندگان؛ ای بیناتر از بینندگان؛ ای فریادرس دادخواهان؛ یا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ، یا سِنَدَ مَنْ لَا سِنَدَ لَهُ، یا ذُخْرَ مَنْ لَا أَى تکیه گاه کسی که تکیه گاه ندارد؛ ای پشتوانه کسی که پشتوانه ای برای او نیست؛ ای اندوخته کسی که دُخْرَ لَهُ، یا حِزْزَ الضُّعَفَاءِ، یا كَنْزَ الْفُقَرَاءِ، یا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، یا اندوخته ای برای او نیست؛ ای حافظ و نگهدار ناتوانان؛ ای گنج تهیدستان؛ ای امید بزرگ؛ ای مُنْقِذَ الْعَرْقَى، یا مُحْيِيَ الْمَوْتَى، یا أَمَانَ الْخَائِفِينَ، یا إِلَهَ نَجَاتٍ دهنده غرق شدگان؛ ای زنده کننده مردگان؛ ای ایمنی بخش بیمناکان؛ ای معبود الْعَالَمِينَ، یا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ، یا جَابِرَ كُلِّ كَسِيرٍ، یا صَاحِبَ جَهَانِيَانٍ؛ ای سازنده هر ساخته شده؛ ای التیام بخش هر شکسته؛ ای همراه كُلِّ غَرِيبٍ، یا مُوْنِسَ كُلِّ وَحِيدٍ، یا قَرِيباً غَيْرَ بَعِيدٍ، یا شَاهِدَ غَرِيبٍ؛ ای همدم هر تنها؛ ای نزدیکی که دور نیستی؛ ای گواه كُلِّ غَائِبٍ، یا غَالِباً غَيْرَ مَغْلُوبٍ، یا حَيٍّ حِينَ لَا حَيٍّ، یا مُحْيِيَ هر پنهان؛ ای چیره ای که چیزی بر او چیره نیست؛ ای زنده هنگامی که زنده ای نبوده؛ ای زنده کننده

ص: ۷۲۱

الْمُوتَى، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَدْبُعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، أَنْتَ مُرْدُگَان؛ اِی زنده که معبودی جز تو نیست؛ که پدید آورنده آسمان ها و زمینی، تَوَالِقَائُكُمْ عَلٰی کُلِّ نَفْسٍ بِمَا کَسَبَتْ، سپس برای آنچه می خواهی دعا نما. (۱) حسابگر هر کس به آنچه انجام داده و به دست آورده هستی.

زیارت هنگام وداع با هر کدام از ائمه علیهم السلام

این زیارت را - که حضرت امام رضا علیه السلام بیان فرموده اند - برای وداع با هر یک از ائمه علیهم السلام می توان خواند:

برای وداع همان گونه که برای زیارت ایستاده بودی (رو به ضریح مطهر و پشت به قبله) می ایستی و می گویی:

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَمَنَاءَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَّجَهُ عَلَى خَلْقِهِ، سَلَامٌ بِرِشْمَا اِی امینان الهی در زمین او، وَحِجَّتِ هَاِی او بر آفریدگانش، وَخَزَانَ عِلْمِهِ، وَمَوْضِعَ سِرِّهِ، وَبَابَ نَهْيِهِ وَأَمْرِهِ، وَصِرَاطَهُ وَخَزِينَةَ هَاِی علم او، وَجَاِیگاه سِرِّ او، وَبَابَ نَهْی و امر او، وَرَاهِ او که راست الْمُسْتَقِیْمَ، سَلَامٌ مُودِّعٌ لَا سَیِّمٌ وَلَا قَالٍ وَلَا مَالٌ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَمُسْتَقِیْمٌ است. سلام کسی که وداع می نماید در حالی که (از زیارت) خسته نشده و افسرده نگشته و ملالت ندارد و رحمت خدا و بَرَکاتُهُ. اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ عُذُوْنَا وَبَرَکات او (بر شما باد). خداوندا؛ بر مُحَمَّدٍ و آل مُحَمَّدٍ درود فرست، و قرار بده آمدن ما را اِلَیْکَ مَقْرُونًا بِالتَّوَكُّلِ عَلَیْکَ، وَرَوَّاحِنَا عَنْکَ مَوْصُولًا بِالنَّجَاحِ به سَوِیت مقرون به تَوَكُّل بر تو، و بازگشت ما را از خدمتت به رستگاری به وسیله خود،

ص: ۷۲۲

مِنْكَ، وَدُعَاءَنَا لِمَكَ مَقْرُونًا بِحُسْنِ الْإِجَابَةِ، وَخُضُوعَنَا بَيْنَ وَدُعَايَ مَا رَا بَرَى تُو مَقْرُون بَه اِجَابَتِ نِيكو، و فروتنی باطنی ما رَايِدِيكَ دَاعِيًا إِلَى رَحْمَتِكَ، وَاعْتِرَافَنَا بِذُنُوبِنَا شَفِيعًا إِلَى عَفْوِكَ، در حضورت دعوت کننده رحمتت، و اعتراف ما را به وسیله گناهان ما راه شفاعت به سوی عفو، وَانْقِطَاعَنَا إِلَيْكَ سَبِيلًا إِلَى غُفْرَانِكَ، وَزِيَارَتَنَا لِأَوْلِيَايِكَ مَشْفُوعَهُو آمَدن ما را به سويت وسيله آمرزشت، و زیارت ما را برای اولیائت شفاعت شده بِالْقَبُولِ مِنْكَ، وَمَرْجَعَنَا مِنْ هَذَا الْحَرَمِ الشَّرِيفِ إِلَى خَيْرِ مَرْجِعٍ، با قبولی خود، و برگشت ما را از این حرم شریف بهترین بازگشتِ إِلَى جَنَابِ مُمَرِّعٍ، وَسِعَةٍ وَدَعَةٍ، وَحِفْظِ وَأَمَانٍ وَسَيِّلَةٍ شَامِلِهِبِه آستانه سرسبز پر نعمت، و فراخی و توانگری و رفاه، و حفظ و امتیّت و سلامتی که لِلنَّفْسِ وَالْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ وَالْدِينِ وَالْإِخْوَانِ. اَللّٰهُمَّ جَان و مال و فرزند و اهل و عیال و دین و برادران را فراگیر باشد. خداوندا! لَا تَجْعَلْهُ اخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا لِزِيَارَةِ ساداتنا وَائْتِمْنَا، اَلْمَفْرُوضِ قَرَار مده این دیدار ما را آخرین دیدار از سروران و پیشوایان مان که بر ما واجب کرده ای عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَمَعْرِفَتَهُمْ، وَالرُّجُوعِ إِلَيْهِمْ، وَالْكَوْنُ مَعَهُمْ. اطاعت و شناخت و رجوع به ایشان و بودن با آنان را. اَللّٰهُمَّ فَاشْهَدْ بِأَنَّا قَدْ أَجَبْنَا دَاعِيَكَ، وَلَبَّيْنَا مُنَادِيَكَ، وَامْتَسَلْنَا خُداوندا! تو شاهد باش که ما دعوت کننده ات را اجابت کردیم، و منادی تو را لبیک گفتیم، وَأَمْرُهُ، وَاقْتَفَيْنَا أَثَرَهُ. اَللّٰهُمَّ فَاصْنَعْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ. اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ فَرْمَانِش را اجرا نمودیم، و راه او را پیمودیم. خداوندا! ما را در زمره گواهان بنویس. خداوندا! اخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا لِزِيَارَتِهِمْ وَذِكْرِهِمْ، وَالصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ، وَارْزُقْنَا این حضور از ما را آخرین حضور برای زیارت ایشان و یادشان، و درود فرستادن بر آنان قرار مده، وَذَلِكَ أَغْوَامًا كَثِيرَةً، فَإِذَا تَوَفَّيْنَا فَاشْهَدْ بِأَنَّا سَامِعُونَ، مُطِيعُونَ، هَی مَتَوَالی ما را روزی کن، و چون از دنیا رفتیم گواهی بده که ما شنیدیم، اطاعت کردیم،

مُؤْمِنُونَ، مُصِِّدُقُونَ غَيْرَ مُكَذِّبِينَ، مُقَرَّنُونَ غَيْرَ جَا حِدِينَ، ایمان آوردیم، تصدیق نمودیم، و تکذیب ننمودیم، اقرار کردیم و انکار نکردیم، وَلِأَمْرِكَ مُسَلِّمُونَ، وَبِحَيْلِكَ مُعْتَصِمُونَ، وَلِأَيْمَانِنَا طَائِعُونَ، و تسلیم فرمانت، و چنگ زنده به ریسمانت بودیم، و از امامان خویش فرمان بردیم، وَلِأَمْرِهِمْ وَحُكْمِهِمْ خَاضِعُونَ، لَا - مُسْتَكْبِرِينَ وَلَا - مُتَكَبِّرِينَ، و در برابر امر ایشان و حکم شان سر فرود آوردیم، گردنکشی نکردیم و تکبر نورزیدیم، وَبِمَا رَضِيتَ لَنَا رَاضُونَ، وَلَمَّا أُعْطِينَا اخِذُونَ، وَلِأَنْعَمَكَ وَبِهِ أَنْعَمَ، وَبِهِمَا رَضِيتَ لَنَا رَاضُونَ، و آنچه ما را عطا کردی گرفتیم، و برای نعمت هایت شا کزُونَ، وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ إِلَيْنَا، وَأَلْهِمْنَا شُكْرَكَ لِمَا أَنْعَمْتَ سَاسِغَزَارَى نمودیم. خداوند! (و از فضل خویش بر ما بیفز، و شکر نعمت هایت را به ما الهام فرما، بِه عَلَيْنَا، آمِنَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اجابت کن دعای مرا ای پروردگار جهانیان، و درود و سلام پیوسته ما بر شما أَهْلَ الْبَيْتِ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ اهل بیت، که او ستوده و باشکوه است، و رحمت خدا و برکات او و الطاف او همواره ما هَطَلْ غَمَامٌ، وَهَتَفَ حَمَامٌ، وَتَعَاقَبَتِ اللَّيَالَى وَاللَّيَالِي. تا ابری می بارد، و کبوتری آواز می خواند، و شب ها و روزها از پس یکدیگر می آیند بر شما باد.

سپس زیاد دعا کن و آنگاه در حالی که - إِنْ شَاءَ اللَّهُ - مورد آمرزش و رحمت پروردگار قرار گرفته ای باز گرد. (۱)

ص: ۷۲۴

زیارت حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و سایر ائمه علیهم السلام

زیارت حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و سایر ائمه علیهم السلام (۱)

«حسن بن علی و شاء گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام در مورد زیارت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدم که آیا همانند زیارت امام حسین علیه السلام است؟

فرمود: بلی. (۲)

حسن بن محمد قمی از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

هر کس قبر پدرم را در بغداد زیارت کند، همانند آن است که قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت کرده باشد؛ با این تفاوت که برای رسول خدا و امیرالمؤمنین علیهما السلام فضل و برتری ثابت است. (۳)

ابن سنان گوید: به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم: کسی که قبر پدر شما را زیارت کند چه پاداشی دارد؟

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

بهشت پاداش آن است، پس او را زیارت کن. (۴)

حسن بن بشّار واسطی گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدم: کسی که قبر پدر شما را زیارت کند چه ثوابی برای او است؟

حضرت فرمود:

ص: ۷۲۵

۱- ۹۵. این زیارت از حضرت امام رضا علیه السلام درباره حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام وارد شده و در روایت دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده که حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام خواندن این زیارت را در حرم حضرت امام حسین علیه السلام دستور دادند (بحار الأنوار: ۸/۱۰۲)؛ ولی همان گونه که خواهیم گفت، این زیارت را در تمام مشاهد مقدّسه می توان خواند.

۲- ۹۶. الکافی: ۵۸۳/۴ ح ۲.

۳- ۹۷. الکافی: ۵۸۳/۴ ح ۱.

۴- ۹۸. التهذیب: ۸۲/۸ ح ۳.

آن حضرت را زیارت کن.

عرض کردم: چه فضیلتی در آن است؟

فرمود: زیارت او فضیلتی مانند فضیلت زیارت پدرش یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دارد.

عرض کردم: من بیمناکم و برایم داخل شدن در حرم مطهر آن حضرت ممکن نیست چه کنم؟

فرمود: از آن طرف جسر (پل) بر او سلام بگو و زیارت کن. (۱) - (۲)

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از علی بن حسان روایت کرده است که گفت: از حضرت امام رضا علیه السلام در مورد آداب زیارت مرقد پاک حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سؤال شد، امام علیه السلام فرمود:

در مساجدی که اطراف آن است نماز بخوانید، و در هر زیارتگاهی کفایت می کند که بگویید:

السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَأَصْفِيَاءِهِ، السَّلَامُ عَلَى أُمَنَاءِ اللَّهِ سَلَامٌ بِرِأْسِهِ خَدَا وَ بِرِغْزِيدِ كَانِ أَوْ، سَلَامٌ بِرِأْمَانْتِدِرَانِ الْهِي وَأَحِبَّائِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَخُلَفَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَحَالٍّ وَدُوسْتَانِ أَوْ، سَلَامٌ بِرِأْرَانِ پُرُورْدِ گَارِ وَ جَانَشِينَانِ أَوْ، سَلَامٌ بِرِ مَحَلِّ هَا وَ جَايْگَاهِ هَايِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُظْهَرِي شَنَاخْتِ خَدَاوند، سَلَامٌ بِرِ خَانِه هَا وَ مَنْزِلْگَاهِ هَايِ يَادِ خَدَا، سَلَامٌ بِرِ أَشْكَارِ كُنَنْدِ گَانِ أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، السَّلَامُ عَلَى الدُّعَايِ إِلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى خَوَاسْتِه هَا وَ نَخَوَاسْتِه هَايِ خَدَاوند، سَلَامٌ بِرِ دَعْوَتِ كُنَنْدِ گَانِ (مردم و فراخوانان آنان) بِرِ سُوِيِ خَدَاوند، سَلَامٌ بِرِ أَلْمُشِيَّتَقَرِّينَ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُخْلَصِينَ فِي طَاعِهَا لَثَابَتِ وَ پَايْدَارِيِ دَرِ آنْچِه مَوْرِدِ رِضَايَتِ خَدَاوند است، سَلَامٌ بِرِ خَالِصَانِ دَرِ فَرْمَانْبِرْدَارِيِ

ص: ۷۲۶

۱- ۱۰۰. روضه الأذکار (مخطوط): ۶۴.

۲- ۹۹. التهذيب: ۸۲/۶ ح ۴، بحار الأنوار: ۵/۱۰۲ ح ۲۵.

اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى الْأَدْلَاءِ عَلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مَنْ خداوند، سلام بر نشان دهندگان و بهترین دلیل ها بر خداوند، سلام بر آنان که هر کس والا هُم فَقَدْ وَالَى اللَّهُ، وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ، وَمَنْ عَرَفَهُمْ أَنْ هَا را دوست بدارد در حقیقت خدا را دوست داشته، و هر کس با آن ها دشمنی کند در حقیقت با خدا دشمنی نموده، و هر کس آنان را بشناسد فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ، وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهَ، وَمَنْ اِعْتَصَمَ بِهِمْ در حقیقت خدا را شناخته، و کسی که آنان را نشناسد در حقیقت خدا را شناخته، و کسی که با آن ها همراه باشد و بیوندد فَقَدْ اِعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَمَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ. أَشْهَدُ اللَّهَ در حقیقت با خدا پیوسته، و کسی که از آن ها جدا باشد در حقیقت از خدا جدا گشته است. خدا را گواه می گیرم أَنِّي سِتْلَمُ لِمَنْ سَأَلَكُمْ، وَحَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ که من با کسی که سر سازش با شما دارد در صلح و صفا و سازش، و با کسی که با شما در جنگ و مبارزه است ناسازگار و در نبردم، به پنهان شما وَعَلَانِيَتَكُمْ، مَفْوضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ عِدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ و آشکار شما ایمان دارم، در همه این ها امر خود را به شما واگذار نموده ام، خداوند لعنت کند دشمن شما آلِ مُحَمَّدٍ رَامِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ، از جن و انسان، از پیشینیان و آیندگان، و به سوی خداوند از همه آنان بیزاری می جویم، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

و درود خدا بر (حضرت) محمد و آل پاک او باد.

مرحوم شیخ صدوق فرموده است: خواندن این زیارت برای هر امام جایز است.

پس از زیارت، بر پیغمبر و اهل بیت او علیهم السلام زیاد صلوات فرستاده و نام آنان را بپسید، و از دشمنان شان بیزاری جسته و لعن و نفرین کنید، و آنچه می خواهید برای خود و مردان و زنان مؤمن دعا کنید. (۱)

ص: ۷۲۷

۱ - ۱۰۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲/۲۷۶، المصباح: ۶۶۹) با تفاوت (، مستدرک الوسائل: ۱۰/۳۵۴، وسائل الشیعه: ۱۰/۴۳۱، بحار الأنوار: ۸/۱۰۲) باختصار (و ص ۱۲۶.

اکنون زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را - که از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده - نقل می کنیم، سپس با بیان مطلب مهمی کتاب را به پایان می رسانیم:

مرحوم علامه مجلسی گوید: در بعضی از کتب زیارت دیدم که علی بن ابراهیم از پدرش، از سعد، از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

ای سعد؛ آیا نزد شما از ما خاندان، قبری است؟

عرض کردم: آری فدایت شوم؛ مرقد پاک فاطمه دختر موسی بن جعفر علیهما السلام است.

امام علیه السلام فرمود: هر کس او را در حالی که شناخت به حقش دارد زیارت کند سزاوار بهشت است. هر گاه برای زیارتش رفتی در قسمت بالای سر - مقابل قبله - بایست و سی و چهار مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»، سی و سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ»، و سی و سه مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگو، سپس بگو:

الْسَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَافُوهُ اللَّهُ، الْسَّلَامُ عَلَى نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَى آدَمَ، برگزیده خداوند. سلام بر نوح، پیامبر خداوند. سلام
عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَى مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، دوست ویژه خداوند. سلام بر موسی، هم سخن خداوند.
سلام عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِيسَى، روح خدا. سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر
تو یا خَیْرَ خَلْقِ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ. الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَهِتْرَیْنَ آفَرِیْدَه خدا، سلام بر تو ای دوست خالص خدا، سلام
بر تو ای

مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ) حضرت (مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، پایان بخش پیامبران، سلام بر تو ای امیر و فرمانروای مؤمنان، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ) حضرت (عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وصی و جانشین رسول خدا، سلام بر تو ای) حضرت (فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا سَيِّدَتَيْنِ نَبِيَّ الرَّحْمَةِ سرور زنان جهانیان. سلام بر شما ای دو سبط پیامبر رحمت و سَيِّدَتَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، و دو سرور جوانان اهل بهشت) امام حسن و امام حسین (، سلام بر تو ای) حضرت (عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، سَيِّدُ الْعَابِدِينَ وَ قُرَّةُ عَيْنِ النَّاطِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ بْنُ سُرُورِ عِبَادَتِ پیشه گان و روشنی چشم بینندگان، سلام بر تو ای) حضرت (مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، باقرِ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَلِيٌّ شَكَافَنده علم و دانش پس از پیامبر، سلام بر تو ای) حضرت (جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، الصَّادِقُ الْبَارُّ الْأَمِينُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، الطَّاهِرُ رَاسْتُگویی نیکوکار امین. سلام بر تو ای) حضرت (مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، پاک الطُّهَرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا الْمُتَّضِي، پاکیزه، سلام بر تو ای) حضرت (عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا، پسندیده شده، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ نِ التَّقِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، پاک خالص شده و تقوا، سلام بر تو ای) حضرت (عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، النَّقِيُّ النَّاصِحُ الْأَمِينُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، پاک خالص شده و خیرخواه بی آرایش امین، سلام بر تو ای) حضرت (حَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى نُورِكَ عَلِيٍّ، سلام بر وصی و جانشین پس از او. خداوندا؛ درود فرست بر جلوه گاه نورت و سِرِّ رَاجِكَ وَ وَلِيِّ وَلِيِّكَ وَ وَصِيِّ وَصِيِّكَ، وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ. و چراغ تابنده ات و آنکه ولایت و سرپرستی دارد از طرف ولایت و وصایت و جانشینی دارد از طرف وصی ات، و حُجَّتِ توست بر همه آفریدگانت.

الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ سَلَامِ بر تو ای دختر رسول خدا، سلام بر تو ای دختر فاطمه زهرا وَخَدِيجَةَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَدِيجَةَ كُبْرَى، سلام بر تو ای دختر امیر مؤمنان، سلام بر تو ای بِنْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ دَخِرَ اَمَامِ حَسَنِ وَ اَمَامِ حَسِينِ، سلام بر تو ای دختر وَلِيِّ خِدا، سَلَامِ عَلَيْكَ يَا أُخْتِ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ بر تو ای خواهر وَلِيِّ خِدا، سلام بر تو ای عَمَّةَ وَلِيِّ خِدا، سَلَامِ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ بر تو ای دختر (حضرت) موسی بن جعفر و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد. سلام عَلَيْكَ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ، وَحَشَرْنَا فِي زُمَرَتِكُمْ، بر تو، خدا میان ما و شما در بهشت آشنایی برقرار کند، و ما را در زمره شما محشور فرماید، وَأُورِدْنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ، وَسَقَانَا بِكَأْسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ وَ در کنار حوض پیامبران وارد گرداند، و با جام جدّتان از دست (حضرت) علی بن ابی طالب، صَ لَمَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ. أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِينَا فَيْكُمْ الشُّرُورَ ابِطَالِ سیراب فرماید. درود خدا بر همه شما باد. از خدا می خواهم که شادمانی و گشایش را در مورد شما (بازپهورامام زمان علیه السلام) به ما نشان دهد، وَالْفَرَجَ، وَأَنْ يَجْمَعَنَا وَإِيَّاكُمْ فِي زُمَرِهِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ وَ ما و شما را در زمره و گروه جدّتان (حضرت) محمد گرد آورد که درود خدا علیه و آله، وَأَنْ لَا يُسَلِّبَنَا مَعْرِفَتَكُمْ، إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٍ، أَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِرَأْوِ وَ آل او باد، و معرفت شما را از ما نگیرد، که او اختیاردار توانا است. تَقَرَّبُ مِی جَویم به اللَّهِ بِحُبِّكُمْ، وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَالتَّسْلِيمِ إِلَيَّ اللَّهُ، رَاضَةً يَادِرْ گاه خدا به وسیله دوستی شما، و بیزاری از دشمنانتان، و تسلیم بودن در برابر حقّ، در حالی که به آن خشنودم، بِهِ، غَيْرَ مُنْكَرٍ وَلَا مُشْتَكِرٍ، وَعَلَى يَقِينٍ مَا أَتَى بِهِ مُحَمَّدٌ، وَبِهِ نَهْ اِنْكارکننده ام و نه از پذیرفتن آن خودداری می نمایم، و بر آنچه (حضرت) محمد صلی الله علیه و آله وسلم آورده است یقین دارم، و به آن راضی

راضٍ. نَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي اللَّهُمَّ وَرِضَاكَ وَالْدَّارَ وَخَشْنُودَم. به آن وسیله، خرسندی تو را - ای سرور من خداوندا؛ - و رضایت را و سرای الْآخِرَةِ. يَا فَاطِمَةُ، إِشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا آخِرَ را خواهانیم. ای فاطمه، برای من در مورد بهشت شفاعت کن، که همانا برای تو نزد خدا شَأْنٌ مِنَ الشَّأْنِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ، فَلَا تَسْلُبْ و مرتبه ای است. خداوندا؛ من از تو می خواهم که به خوبی و خوشبختی به کار من و عمرم پایان دهی، و این (فکر و اعتقاد منی) مَا أَنَا فِيهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. اللَّهُمَّ و ایمانی (را که در آن به سر می برم از من نگیری، و هیچ توانایی و نیرویی جز به وسیله خداوند بلندمرتبه بزرگ میسر نیست. خداوندا؛ اسْتَجِبْ لَنَا، وَتَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ وَبِرَحْمَتِكَ وَعَافِيَتِكَ، وَصَلِّ دَعَايَ مَرَّةً إِلَى اجَابَتِ بَرَسَان، و آن را با کرم و عزت و رحمت و عافیت بخشی ات بپذیر، و دروداللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ، وَسَيَلِّمْ تَسْلِيمًا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۱) و سلام فراوان خداوند بر (حضرت (محمد و همه آل او باد، ای مهربان ترین مهربانان.

نگاهی کوتاه به عظمت مقام حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

کسی که زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام نصیبش می شود اگر به مقام والای ولایت آن بزرگوار معرفت داشته باشد و با حالت شناخت و معرفت، آن حضرت راز یارت نماید، بهشت بر او واجب می شود.

معنای فرمایش حضرت امام رضا علیه السلام - که فرمودند: «بهشت بر کسی که به مقام حضرت معصومه علیها السلام شناخت داشته باشد واجب می شود» - این است که مقام ولایت حضرت معصومه علیها السلام آنچنان مهم و کارساز است که شخص زائر، با خواندن زیارت در حال معرفت به مقام عظیم آن حضرت، در پناه حصن حصین و دژ محکم مقام ولایت قرار می گیرد؛ به این جهت از سرنگون شدن در جهنم سوزان حفظ شده و در بهشت برین جای خواهد گرفت.

ص: ۷۳۱

این گونه زائران که دارای معرفت و شناخت مقام با عظمت بانوی دو جهان هستند سزاوار راه یافتن به بوستان های بهشت هستند؛ زیرا به خاطر آگاهی و معرفتی که دارند، زیارتشان مورد قبول و پذیرش درگاه الهی قرار می گیرد.

گروهی دیگر از زائران بارگاه ملکوتی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام معرفت و آشنایی چندانی با مقام بس والای آن حضرت ندارند، ولی با شور و شوقی که در نهادشان نسبت به مقام اهل بیت علیهم السلام وجود دارد خود را به این بارگاه رسانده و با شرمساری از آن حضرت خواستار ورود به بهشت می شوند، و با شفاعت آن بزرگوار راهی بهشت برین می شوند.

بنابراین، این گروه نیز همچون گروه اول از حضرت معصومه علیها السلام می خواهند که سبب ورود آنان به بوستان های بهشت گردد.

هر روز هزاران نفر از راه دور و نزدیک به زیارت آن حضرت نائل می شوند و هر سال میلیون ها نفر به بارگاه با عظمت آن بزرگوار روی می آورند، اما در این میان چه تعداد از زائرین حضرت معصومه علیها السلام، از شخصیت و عظمت آن بزرگوار آگاه هستند؟ و چند نفر با مقام معنوی و قدرت ولایت آن حضرت آشنا می باشند؟

متأسفانه شخصیت بسیار با عظمت شفیعه روز قیامت، حضرت معصومه علیها السلام برای جامعه شیعه - آنگونه که باید - شناخته نشده است.

فخرالواعظین مرحوم سید محمد باقر خلیلی در کتاب «جَنَات ثمانیه: ۸۵۸» و مورخ نامی مرحوم سپهر در «ناسخ التواریخ: ۳۳/۷» روایت نموده اند که حضرت امام رضا علیه السلام درباره فضیلت زیارت حضرت معصومه علیها السلام فرمودند:

من زار المعصومه بقم (فی قم) کمن زارنی.

کسی که (خواهرم) معصومه را در قم زیارت نماید مثل کسی می باشد که مرا زیارت نموده است.

این روایت به خوبی گویای عظمتِ شخصیتِ حضرت معصومه علیها السلام می باشد.

توجه به روایتی که درباره ظهور شخصیتِ حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در روز قیامت است - و در زیارت آن بزرگوار به آن اشاره شده - ما را تا حدودی با عظمت شأن و مقام آن حضرت، آشنا می کند.

حضرت امام صادق علیه السلام می فرمایند:

... وتدخل بشفاعتها شيعتى الجنة بأجمعهم. (۱)

... و به وسیله شفاعت او (حضرت فاطمه معصومه علیها السلام) شیعیان من همه وارد بهشت می شوند.

بنابر این روایت، در روز پریهایوی رستاخیز و قیامت، توده های عظیم مردم باوساطت و شفاعتِ حضرت معصومه علیها السلام به سوی هشت درب بهشت روان می گردند. ما همه در زیارت آن بزرگوار خدمت شان عرض می کنیم:

یا فاطمه؛ إشفعی لی فی الجنة.

ای فاطمه؛ برای من بهشت را شفاعت کن.

یک نکته مهم درباره شفاعت نمودن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

در اینجا به بیان نکته ای مهم درباره حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و شفاعت آن بزرگوار از دوستان و شیعیانشان می پردازیم:

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام از دو جهت دارای شخصیتِ عظیم معنوی می باشند:

۱ - انتساب آن بزرگوار به ائمه طاهرين عليهم السلام و مقام قرب و نزديك بودن نسب آن حضرت به معصومين عليهم السلام؛ زیرا حضرت معصومه علیها السلام دختر امام، خواهر امام، عمه امام، نوه امام و... می باشند. در زیارت آن حضرت می خوانیم:

ص: ۷۳۳

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ... السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ.

۲ - علاوه بر مقام قرب ظاهری و نسبت نزدیک حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بامعصومین علیهم السلام، آن بزرگوار از نزدیک بودن و قرب معنوی بسیار عجیب برخوردارند.

این نکته قابل توجه و دقت است که در میان امام زادگان عظیم الشان از نظر نسبت ظاهری و قرب نسبی افراد زیادی همانند حضرت معصومه علیها السلام می باشند؛ ولی از نظر قرب معنوی و شخصیت عظمت روحی، همچون حضرت معصومه علیها السلام نیستند.

نکته جالب توجه این است که این مقام باطنی و قرب معنوی حضرت معصومه علیها السلام سبب دارابودن مقام شفاعت آن حضرت می باشد.

با توجه در زیارت آن بزرگوار و مطالبی که حضرت امام رضا علیه السلام درباره شخصیت حضرت معصومه علیها السلام در ضمن این زیارت بیان فرموده اند، به این حقیقت می رسیم که: حضرت معصومه علیها السلام علاوه بر دارابودن شخصیت عظیم معنوی از نظر انتساب به خاندان وحی، شخصاً نیز دارای مقام ولایت می باشند.

حضرت امام رضا علیه السلام پس از بیان نسبت آن حضرت به معصومین علیهم السلام، برای این که به همگان بفهمانند حضرت معصومه علیها السلام از مقام عظیم شفاعت برخوردارند، به این نکته استدلال نمی کنند که آن حضرت از نسب نزدیک به ائمه هدی علیهم السلام برخوردارند بلکه دستور می دهند که زائران به این تعبیر «یا فاطمه؛ اشفعی لی فی الجنّه» از آن حضرت تقاضای شفاعت نمایند.

جالب توجه است که این جمله با «یا بنت رسول الله» یا با جمله «یا بنت امیرالمؤمنین و...» شروع نشده است که شفاعت خواهی زائران از حضرت معصومه علیها السلام به خاطر این باشد که آن بزرگوار دخت گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم یا دخت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر معصومین علیهم السلام یا خواهر و عمه امام علیه السلام هستند؛ بلکه با جمله «یا فاطمه؛ اشفعی» درخواست شفاعت از حضرت معصومه علیها السلام می شود که بالطافتی که حضرت امام رضا علیه السلام در این تعبیر بکار برده اند، به ما می فهمانند که مقام عظیم شفاعت ایشان برای همه، نه به خاطر انتساب آن حضرت به خاندان وحی علیهم السلام؛

بلکه آن بزرگوار شخصاً دارای این مقام بزرگ می باشند.

جالب توجه است که برای روشن شدن این حقیقت، فرازهای زیارت را این گونه ادامه می دهند: «فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأناً مِنْ الشَّأْنِ»، که این جمله برای بیان این واقعیت است که آن حضرت در نزد خداوند برخوردار از شأنی از شئون قرب الهی و ولایت می باشند.

بنابراین همان گونه که در این زیارت می بینیم، با این که فرازهایی از این زیارت بایان جمله هایی همچون دختر رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم و امیرالمؤمنین علیه السلام و... و یا خواهر و عمه امام علیه السلام به توصیف حضرت معصومه علیها السلام پرداخته، ولی آنگاه که نوبت به شفاعت خواهی از آن بزرگوار می رسد، تعبیر زیارت عوض می شود و به جای استفاده از عبارات گذشته، نام آن حضرت برده می شود و از آن حضرت تقاضای شفاعت و ورود به بهشت برین می شود.

این نکته سزاوار دقت است: همان گونه که حضرت فاطمه معصومه علیها السلام می توانند در روز قیامت، مردم را از صحنه پرخطر قیامت نجات داده و آن ها را روانه بهشت نمایند، همینطور در عصر غیبت نیز آن بزرگوار این شأن و مقام را نزد خداوند دارد که مردم را از گرفتاری های زمان غیبت نجات داده و با وساطت و شفاعت به درگاه خداوند بزرگ، همه را از نابسامانی ها نجات داده و واسطه گشوده شدن درب بهشت ظهور امام عصر ارواحنا فداه شوند.

بدیهی و واضح است وقتی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دارای این مقام و عظمت باشند، چهارده معصوم علیهم السلام نیز به طریق اولی برخوردار از این مقام می باشند.

بنابراین، زائرین محترم لازم است به این نکته توجه داشته باشند که هنگام تشرّف به مکان های بزرگ معنوی نه تنها برای نجات خود بلکه برای نجات جهان و جهانیان، وظهور قدرت ولایت در سراسر گیتی دعا کنند؛ و این درخواست را در سرلوحه خواسته ها و حاجت های خود قرار دهند تا إِنْ شَاءَ اللَّهُ شاهد حکومت جهانی حضرت بقیه الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه باشند و در همین دنیا، نظاره گر بهشت موعود شوند.

قرآن كريم

«الف»

أبواب الجنّات في آداب الجمعات:

تأليف: آية الله سيّد محمد تقى موسى اصفهاني، مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام - قم

اخبار و آثار حضرت امام رضا عليه السلام:

تأليف و تحقيق: دانشمند محترم آقای عزيز الله عطاردی، کتابخانه صدر - تهران

الإشراف:

تأليف: عالم جليل القدر مرحوم شيخ مفيد، ناشر: المؤتمر العالمي لألفيه الشيخ المفيد رحمه الله

إقبال الأعمال:

تأليف: عالم جليل القدر سيّد بن طاووس رحمه الله، مؤسسه مطبوعاتي اعلمى - بيروت

الأمان من أخطار الأسفار والأزمان:

تأليف: عالم جليل القدر سيّد بن طاووس رحمه الله، مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم

الأنوار النعمانيه:

تأليف: محدث خير مرحوم سيّد نعمه الله جزائري، انتشارات مكتبه بنى هاشمي - تبريز

ايجاج الأحزان في وفاه غريب خراسان:

تأليف: عالم جليل القدر شيخ عبدالرضا أوالى بحراني از علمای قرن دهم هجري قمری، با تحقيق و... دكتور محمد ابراهيم

مالمير، انتشارات انصاری - قم

ص: ۷۳۷

«ب»

بحار الأنوار:

تأليف: علامه محمدباقر مجلسی رحمه الله، منشورات مکتبه اسلامیه - تهران

البلد الأمين:

تأليف: عالم بزرگوار شیخ ابراهیم کفعمی، مؤسسه علمی - بیروت

بهجه النظر:

تأليف: محدث خیر سید هاشم بن سلیمان بحرینی، تحقیق و تصحیح: عبدالرحیم مبارک، آستان قدس رضوی - مشهد مقدس

«ت»

تحفه الزائر:

تأليف: مرحوم علامه مجلسی، نسخه عکسی

تحفه طوسیّه:

تأليف: مرحوم محدث قمی، انتشارات فؤاد - تهران

تفسير القمی:

تأليف: ابوالحسن علی بن ابراهیم قمی از اعلام قرن ۴ - ۳ ق، با تصحیح آقای سید طیب موسوی جزائری، منشورات مکتبه

الهدی - نجف اشرف

«ث»

الثاقب فی المناقب:

تأليف: فقیه عمادالدین طوسی معروف به ابن حمزه از اعلام قرن ششم، تحقیق: نبیل رضا علوان، مؤسسه انصاریان - قم

ثواب الأعمال:

تأليف: عالم جلیل القدر شیخ صدوق رحمه الله، منشورات مطبعه حیدریّه - نجف اشرف

«ج»

جامع احاديث الشيعة:

تأليف: حجة الإسلام والمسلمين حاج شيخ اسماعيل معزى ملايرى، ناشر: مؤلف - قم

جامع الأثر:

تأليف: حجة الإسلام والمسلمين آقاى سيد حسن آل طه، مؤسسه نشر اسلامى - قم

جمال الأسبوع:

تأليف: عالم جليل القدر سيد بن طاووس رحمه الله، مؤسسه آفاق - تهران

جنات الخلود:

تأليف: عالم بزرگوار امامى خاتون آبادى، چاپ سنگى

جنات ثمانية:

تأليف: فخرالواعظين مرحوم سيد محمدباقر خلى، ترجمه: آقاى محمدرضا انصارى قمى، انتشارات دليل ما - قم

الجَنَّةُ الواقيه والجَنَّةُ الباقيه (مخطوط):

تأليف: عالم بزرگوار ابراهيم بن على العاملى الكفعمى رحمه الله، از مخطوطات مؤسسه كاشف الغطاء - نجف اشرف، شماره

مخطوط ۱۷۹۰

«خ»

خواص آيات قرآن كريم:

تأليف: آيه الله محمدتقى بن محمدباقر نجفى اصفهانى، كتابفروشى فلسفى - تهران

«د»

دعبل شاعر امام رضا عليه السلام:

تأليف: دكتور حسين چوبين، مركز انتشارات علمى دانشگاه آزاد اسلامى - دزفول

الدعوات:

تأليف: عالم شهير قطب الدين راوندی رحمه الله، مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام - قم

«ذ»

ذخيره الآخره:

تأليف: عالم جليل القدر علي بن محمد بن علي بن عبدالصمد سبزواری از علمای قرن ششم هجری، به کوشش آقای رسول جعفریان، انتشارات انصاریان - قم

«ر»

رساله أربعه أيام:

تأليف: عالم نامی مرحوم میرداماد، ناشر: دبیرخانه کنگره آقاحسین خوانساری - قم

روضه الأذکار (مخطوط):

تأليف: حاجی محمد بن محمد التبریزی، از مخطوطات مؤسسه کاشف الغطاء - نجف اشرف، رقم مخطوط ۱۱۳۳

روضه الواعظین:

تأليف: علامه ابن قتال نیشابوری از اعلام قرن پنجم و ششم هجری، منشورات الرضی - قم

«ز»

زاد المعاد:

تأليف: مرحوم علامه مجلسی، مکتبه اسلامیّه - تهران

«س»

سفینه البحار:

تأليف: مرحوم محدث قمی، انتشارات فراهانی - تهران

ص: ۷۴۰

صحیفه الإمام الرضا علیه السلام:

تحقیق و نشر: مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام - قم

الصحیفه الصادقیه:

تألیف: آیةالله شیخ احمد بحرانی قطفی، تحقیق: دار المصطفی صلی الله علیه وآله وسلم - قم

صحیفه مهدیه:

تألیف: سید مرتضی مجتهد سیستانی، نشر الماس - قم، چاپ دهم

«ع»

عده الداعی:

تألیف: عالم ربّانی احمد بن فهد حلّی رحمه الله، منشورات مکتبه وجدانی - قم

عیون اخبار الرضا علیه السلام:

تألیف: عالم جلیل القدر مرحوم شیخ صدوق، از منشورات المطبعه الحیدریّه - نجف اشرف

«ف»

فتح الأبواب:

تألیف: عالم جلیل القدر سید بن طاووس رحمه الله، مؤسسه آل البيت علیهم السلام - قم

فرهنگ اصطلاحات روز:

تألیف: دکتر محمد غفرانی و دکتر مرتضی آیت الله زاده شیرازی، انتشارات امیر کبیر - تهران

فرهنگ دانشگاهی:

تألیف: آقای احمد سیّاح، انتشارات اسلام - تهران

فقه الرضا علیه السلام:

منسوب به حضرت امام رضا عليه السلام، تحقيق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم، نشر: المؤتمر العالمي للإمام الرضا عليه السلام - مشهد مقدس

ص: ٧٤١

فلاح السائل:

تأليف: عالم جلیل القدر سید بن طاووس رحمه الله، منشورات دار الإسلامیه - بیروت

«ق»

قطره ای از فضائل دریای اهل بیت علیهم السلام (ترجمه کتاب شریف القطره):

تأليف: مرحوم علامه سید احمد مستنبط، نشر حاذق - قم

«ک»

کامل الزیارات:

تأليف: محدث خیر جعفر بن محمد بن قولویه رحمه الله، نشر الفقاهه - قم

کتاب فی الزیارات والأدعیه (مخطوط):

تأليف: بعض الأصحاب، از نسخه های خطی مؤسسه کاشف الغطاء - نجف اشرف، شماره مخطوط ۶۷۰

«گ»

گنجینه لغات:

تأليف: دانشمند محترم آقای نصرالله آژنگ، انتشارات گنجینه - تهران

«م»

مجموعه الأدعیه (مخطوط):

تأليف: بعض الأصحاب، از مخطوطات مؤسسه کاشف الغطاء - نجف اشرف، شماره مخطوط ۱۸۷۲

المجموع الرائق من ازهار الحدائق:

تأليف: محدث بزرگوار سید هبهالله موسوی، وزارت ارشاد - تهران

ص: ۷۴۲

المحاسن:

تأليف: محدث جليل القدر احمد بن محمد بن خالد برقي رحمه الله، از منشورات مكتبه الحيدريه - نجف اشرف

المزار:

تأليف: عالم جليل القدر مرحوم شيخ مفيد، مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام - قم

المزار الكبير:

تأليف: عالم بزرگوار ابو عبدالله محمد بن جعفر مشهدي، نشر قيتوم - قم

مزار:

تأليف: عالم جليل القدر آقا جمال خوانساري، ناشر: دبيرخانه كنجره آقاحسين خوانساري - قم

مستدرک الوسائل:

تأليف: مرحوم محدث نوري، تحقيق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم

مسند الرضا عليه السلام:

تأليف: داود بن سليمان الغازي از اعلام قرن سوم، تحقيق: آقاي سيد محمد جواد حسيني جلالی، انتشارات دفتر تبليغات - قم

المصباح:

تأليف: عالم جليل القدر ابراهيم عاملی كفعمی رحمه الله، منشورات مؤسسه علمی - بيروت

مصباح الزائر:

تأليف: عالم جليل القدر سيد بن طاووس رحمه الله، مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم

مصباح المتهجد:

تأليف: شيخ الطائفة ابو جعفر محمد طوسي رحمه الله، مؤسسه فقه الشيعة - بيروت

المعجم الذهبي:

تأليف: دكتور محمد تونجي، توزيع دار الروضة - بيروت

مفاتيح الجنان:

تأليف: مرحوم محدث قمی، کتابفروشی محمدحسن علمی - تهران

ص: ۷۴۳

مفتاح الفلاح:

تأليف: عالم بزرگوار بهاء الدين عاملی، مؤسسه نشر اسلامی - قم

مقباس المصاييح:

تأليف: مرحوم علامه مجلسی، چاپ سنگی

مكارم الأخلاق:

تأليف: محدث نامی شيخ حسن بن فضل طبرسی، منشورات مؤسسه نشر اسلامی - قم

منتهى الآمال:

تأليف: مرحوم محدث قمی، انتشارات هاتف - مشهد مقدس

مهج الدعوات:

تأليف: عالم جليل القدر سيد بن طاووس رحمه الله، دارالكتب اسلاميه - تهران

«ن»

ناسخ التواريخ:

دانشمند شهير مرحوم عباس قلی خان سپهر، انتشارات کتابفروشی اسلاميه - تهران

نزهة الزاهد:

تأليف: یکی از اعلام قرن ششم، اهل قلم - تهران

«و»

وسائل الشیعه:

تأليف: محدث بزرگوار شيخ حرّ عاملی رحمه الله، از منشورات دار احیاء التراث الإسلامی - بیروت

«ه»

هديه الزائرین وبهجه الناظرین:

تأليف: مرحوم محدث قمی، انتشارات دهقان - تهران

ص: ۷۴۴

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

